

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

نامداران ایراک

نویسنده:

ابوالفضل عباسی بانی

دی ماه ۱۴۰۳

سرشناسه	:	عباسی بانی، ابوالفضل، ۱۳۵۰-
عنوان و نام پدیدآور	:	نامداران ایران/ نویسنده ابوالفضل عباسی بانی
مشخصات نشر	:	قم-واصف لاهیجی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	:	۶۶۲ ص: عکس
شابک	:	۹-۷۲-۷۳۶۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	چکیده به زبان انگلیسی در انتهای متن آورده شده است.
یادداشت	:	کتاب نامه: ص. ۶۷۲-۶۷۳
موضوع	:	مشاهیر--ایران--اراک Celebrities--Iran--Arak
موضوع	:	اراک--سرگذشت نامه Arak (Iran)--Biography
رده بندی کنگره	:	DSR۲۰۷۳
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۱۳۲۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۵۱۷۵۱۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیپا

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ ها، سایت ها، شبکه های اجتماعی، نشریات و کتب، بدون اجازه کتبی نویسنده مجاز نیست و پیگرد قانونی دارد و تمامی حقوق برای نویسنده محفوظ است.

نامداران ایران

نویسنده: ابوالفضل عباسی بانی

نمونه خوان: یوسف نیک فام

ناشر: واصف لاهیجی

چاپ: دوم / ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰

صفحه آرا: حمیدرضا جالوندی

طراح جلد: نگارستان پیک

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و نشر واصف - قم

مرکز پخش: اراک میدان انقلاب انتهای بلوار کرهرود-خ شهید رحمتی خ شهید دربندی کتابفروشی ایران

قیمت: ۷۰۰ هزار تومان

شماره نویسنده: ۰۹۱۸۳۶۲۹۴۶۴

در چاپ نخست، یادداشت پروفیسور سیدحسن امین زینت‌بخش کتاب بود و در این چاپ

مُوشح^۱ استاد محتشم مومنی (سامان)

نامهای آمد به‌دستم در اوان نوبهار	پر ز نام مردم فرزانه و نیکو تبار
اندر او دیدم بسی نام بزرگان وطن	از وزیر و خوشنویس و شاعر و مردان کار
می‌فزاید علم و آگاهی به هر خواننده‌ای	شادی افزا می‌شود چون بانگ بلبل در بهار
دانش ار باشد چو دریایی عمیق و بی‌کران	باشد این دفتر در آن مانند درّی شاهوار
از گروهی مردم فرزانه‌خو گوید سخن	این کتاب آید یقین مردان دانش را به‌کار
راه آگاهی نهد در پیش پای مردمان	و آنکه را باشد به‌راه علم و دانش رهسپار
افسر دانش نهد بر تارک خواننده‌اش	گر شود یک‌ساعت او با این گرامی هم‌جوار
نازم آن همت که این دفتر فراهم کرده است	کرده نام مردم گمنام ایراک آشکار
اعتباری داده این مصحف به باغ معرفت	قدر این دفتر بداند هر که باشد هوشیار
یک نظر بنما در او تا نقش دانش بنگری	بر جبین این گرامی هم‌ره نیکو وقار
رودی از دانش در این دفتر روان گردیده است	کو برد از صحن جان مرد و زن گرد و غبار
از ازل هر کس که شد راهی به‌راه معرفت	مانده از او درجهان آثار نیکو یادگار
کوشش عباسی بانی بنام ز آنکه او	اندر این سامان شده علم‌و ادب را پاسدار

^۱ . مُوشح یکی از آرایه‌های ادبی است که اگر حروف اول هر بیت یا مصرع به‌دنبال یکدیگر قرار گیرند نام یا واژه‌ای ایجاد شود و در این شعر با حروف اول هر بیت نام کتاب «تامداران ایراک» ساخته شده است.

پیش‌گفتار

اِراک، نه نام یک شهر، بلکه نام سرزمین پهناور حد فاصل کرمانشاهان تا همدان و اصفهان و از این سوی تا تهران و از آن سوی تا آذربایجان بوده که پس از ورود اعراب، تا مدت‌ها جبال و از دوره سلجوقیان با نام عربی شده‌ی ایراک، عراق (عجم) نامیده و در سال ۱۳۵۶ و به جبر سیاست در مرزهای جغرافیایی استان مرکزی محدود شد. این سرزمین به‌درستی خاستگاه مستوفیان بافرهنگ، دبیران خبیر، کاتبان زبردست، وزیران با تدبیر، میرزایان مبرّز، زورآوران شیراوژن، ادیبان سخنور، عارفان واقف، منشیان خوش‌نویس، طبیبان حاذق، قهرمانان دلاور، نیکوکاران گشاده‌دست، هنرمندان والا و کارآفرینان ماهر بوده و این کتاب به‌این ویژگی برجسته استان مرکزی پرداخته که آن‌را به مهد مفاخر و مشاهیر شهره کرده و به‌زبانی دیگر این سرزمین بیش از سایر ثروت‌های خدادادی، از سرمایه ارزشمندتر دیگری به‌نام منابع انسانی برخوردار بوده و اهمیت این موضوع به‌قدری است که هر ساله بانک جهانی، گزارشی مبنی بر بهره‌برداری کشورها از این سرمایه منتشر می‌کند که به‌آن شاخص «سرمایه انسانی» گفته می‌شود.

این سرزمین خاستگاه ۱۷ نخست‌وزیر^۱، نخستین رئیس مجلس شورای ملی، نخستین شهید مشروطیت، نخستین مدرسه نوین ایران (صمصامی)، نخستین بیمارستان غرب کشور (فراهانچی دهنو)، نخستین حوزه علمیه‌ی نوین و مادر حوزه علمیه قم (سپهداری)، پایتخت صنعتی ایران، دیرینگی سکونت بیش از ۴۰ هزار سال، ۲۰۰۰ اثر تاریخی و بیش از ۱۰۰۰ اثر ثبت ملی و ۲ اثر ثبت جهانی، با داشتن صدها جاذبه گردشگری و طبیعی بسیار زیبا و نزدیک به ۱۰۰ عنوان برجسته (در کشور، منطقه و جهان)، سرزمینی است ناشناخته برای گردشگران، که خواندن این کتاب و نیز کتاب «از ایراک تا اِراک»، حس جستجوگری برای ایشان و تقویت تعلق خاطر و میهن‌دوستی شهروندان در پی خواهد داشت.

به‌این سرزمین در گذشته‌های دور «ایراک» یا «اِراک» می‌گفتند و آن کوچک‌شده واژه ایران است، که به مرور زمان و با سیطره حکام عرب‌زبان، مُعَرَّب شد و بر اساس قواعد معرب‌سازی «ک» تبدیل به «ق» و عراق نامیده شد (محتاط، ۱۳۹۳: ۱۱) که برخی از اسناد آن عبارتند از:

۳-۱. **اومستید**^۲: عراق به سرزمینی گسترده اطلاق می‌شود و استاد طاهاباقر به‌نقل از اومستید (تاریخ‌نگار غربی) می‌گوید: واژه عراق برای نخستین‌بار در یکی از پیمان‌نامه‌هایی که تاریخ نگارش آن به قرن دوازدهم پیش از میلاد باز می‌گردد، آمده است. در آن سند نام این اقلیم و سرزمین به شکل «ایریقا» ثبت شده و سپس در دوره‌های بعد به‌شکل عراق در آمد که اصل و ریشه واژه به‌همین «ایریقا» بر می‌گردد (سلوم، ۱۳۸۴: ۱۱۷) و این واژه در اصل معرب (erak) [= اِراک] بوده و پیشوند (er) در واژه ایران (eran) هم به‌کار رفته و ریچارد

^۱. خاستگاه ۵ تن از ایشان روستای تاریخی هزاوه است.

فرای نیز بر این باور است که عراق معرب واژه‌ای پهلوی بوده به مفهوم سرزمین پست (پایین دست)، زیرا پیشوند (er) در زبان پهلوی به مفهوم پست آمده است (سلوم، ۱۳۸۴: ۲۳۰).

۳-۲. **اصطخری:** در «نزهة القلوب» حمداله مستوفی (به نقل از اصطخری^۱) گزارش شده که اراک (فارسی شده عراق) عادتاً دل ایران شهر خوانده شده است. عراق در قدیم به نام ایران شهر شهرت داشته و اعراب لباس عربیت به آن پوشانده و ایران شهر پارسیان را عراق گفتند.

۳-۳. **آدام اولتاریوس:** ریاضی دان، جغرافی دان و کتابدار آلمانی، برای نخستین بار و در سال ۱۰۱۶ خ واژه اراک را در سفرنامه ایران عصر صفوی به کار برده، می نویسد: شهر قزوین گویا در قدیم آرزاتیا بوده و مانند سلطانیه و شهرهای بعدی که مسافرت ما به اصفهان از طریق آنها انجام خواهد گرفت، در منطقه اراک واقع است که سابقاً آن را پارتیا می نامیدند (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۱۵۳)، یعنی حدود ۳۰۰ سال پیش از آنکه نام سلطان آباد به اراک تغییر یابد.

۳-۴. **امانوئل بوون:** سند دیگری که این سرزمین را ایراک نامیده نقشه‌ای است از امانوئل بوون در سال ۱۷۴۷ میلادی برابر با ۱۱۲۶ خورشیدی یعنی حدود ۱۹۰ سال پیش از آنکه نام سلطان آباد به اراک تغییر یابد، این سرزمین را با نام درست آن اراک (IRAK) ترسیم نمود^۲.

۳-۵. **میرزا آقاخان کرمانی** (۱۲۳۲-۱۲۷۵ خ): پیش از سال ۱۲۷۵ خ واژه «اراک» را در شعر «عروس جهان است ملک اراک/ که سرتاسرش مشکبیز است خاک» برای این سرزمین به کار برد (یعنی حدود ۴۵ سال پیش از آنکه نام سلطان آباد به اراک تغییر یابد).

۳-۶. **زین العابدین نصیر** (۱۲۸۶ - ۱۳۷۳ خ): نویسنده، پژوهشگر و از پیش کسوتان تألیف کتب درسی، نخستین فردی است که رسماً پیشنهاد تغییر نام عراق به اراک را در سوم مهرماه ۱۳۱۴ طی مقاله‌ای در نشریه «نامه عراق» مطرح نمود و با اشاره به شعر میرزا آقاخان کرمانی نوشت:

«از ترنم این شعر نظرم آمد چندی پیش در یکی از شماره‌های «نامه عراق» پیشنهاد شده بود اسم عراق را تبدیل به نام دیگری نمایند. می خواهم عرض کنم بر همه کس معلوم و هویداست نام اصلی این ولایت، اراک و بعدها لباس عربیت پوشیده «عراق» شده، چه ضرر دارد حالا که این لباس کهنه و مندرس شده، از معرب بودن نجاتش داده، فرهنگستان ایران موافقت نماید که همان «اراک» نامیده شود:

کهن جامه‌ی خویش پیراستن / به از جامه‌ی عاریت خواستن

هم چنان که عبادان، آبادان نامیده می شود در واقع هیچ اشکالی ندارد از کلمه‌ی «عراق» پوزش و معذرت خواسته و با کمال احترام به مسافرت بین‌النهرین روانه اش کنیم. از این کلمات معرب بسیار است که ابداء به وجود آنها

^۱ . ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری مشهور به کرخی (درگذشته ۳۳۰ خ)، جغرافیدان و نقشه‌نگار برجسته ایرانی که نام او برگرفته از شهر باستانی اصطخر (استخر) در استان فارس است.

^۲ . به کتاب «از ایراک تا اراک» از همین نویسنده مراجعه شود.

احتیاجی نداریم و مجال پذیرائی از آن‌ها نیست (نامه عراق، سال دوم، پنج‌شنبه ۳ مهر ۱۳۱۴، شماره ۱، ۲، ۳).
۳-۷. دهگان: برخی برآنند که عراق در اصل آران‌شهر بوده و در صورت عربی به عراق تبدیل شده است (دهگان، ۱۳۴۲: ۲۷۵).

۳-۸. محتاط: ایران‌شهر در دوره ساسانی شامل دو بخش متمایز بوده، بخش هموار و جلگه آن را اراک و بخش بلند و پشته آن را کوهستان... (محتاط، ۱۳۸۲: ۶۲) و نیز واژه «اراک» کلمه‌ای پارسی و کوتاه‌شده «آبیراک» است که «آیر» همان آریا و «راک» یعنی سرزمین هموار دامنه کوه (قاسمی، ۱۳۸۲: ۲۸۱).

۳-۹. میرجلال‌الدین کزازی: در نشست ۸ مهر ۱۳۹۷ شهرداری، گفت: اراک صفتی است از ریشه «ار» (جمع آن آران یا ایران است) و در کلیپ تصویری ۲۸ مهرماه ۱۴۰۳ به مناسبت شادباش روز اراک نیز بر باستانی بودن واژه اراک تاکید نمود و بیان داشت: «اراک بی‌هیچ گمان، شهری است که می‌تواند به چهره‌هایی نامدار در سرگذشت ایران بنزد که در دامن خویش پرورده است. چهره‌هایی که هم در تاریخ، هم در اندیشه، هم در هنر، به همان‌سان در زمینه‌های دیگر بالا برآورده‌اند و نامی درخشان یافته‌اند. اما آنچه از دید من نازشی است بزرگ برای اراک، آن است که نام آن با نام گرامی و سپند ایران پیوندی تنگ دارد. اراک یا در ریخت سنجیده‌تر و کهن‌تر، اراک از دو پاره ساخته شده است یکی [ار] یا [ار] است پایگاه نام. دو دیگر [اک] که پسوندی است در زبان‌های ایرانی در زبان پارسی میانه که در زبان پارسی، به [ا] فروکاسته است. ارزش این نام بر می‌گردد به آن پاره‌ی نخستین این واژه، همان که در نام ایران دیده می‌آید. [ار] در پارسی میانه است به‌همان‌سان که در نام این بوم [ار] یا [ایر] نامی باستانی است. در اوستا از سرزمین نمادین سخن رفته است با نام ائیراناوئیچ. این نام به‌معنی سرزمینی است که زادگاه تخمه‌ی آریائی است. این نام در ریخت تازیانه‌ی خود شده است عراق (اراق) و عراق نامی ایرانی است».

«اراک» معانی دیگری مانند استان، پایتخت، بارگاه و باغستان دارد و در دوره باستان، نام بخش بزرگی از سرزمین غرب ایران کنونی بوده و تا مدت‌ها پس از استیلای تازیان بر ایران، به‌همین صورت نامیده می‌شد که در سال ۱۳۱۷ با هدف بازگرداندن نام باستانی‌اش، عراق به اراک تبدیل شد» (محتاط، ۱۳۹۳: ۱۰).

این کار البته توسط رضاشاه انجام شد و به‌مناسبت گشایش ایستگاه راه‌آهن در این شهر، نام «اراک» ابتدا به‌عنوان نام ایستگاه و سپس جایگزین سلطان‌آباد گردید^۱، تا این نام باستانی پس از ۱۲۰۰ سال دوباره بر تارک این منطقه از ایران بدرخشد، نامی که از دوره اشکانیان تا ورود تازیان و سپس با نام عراق عجم تا اواخر قرن سیزدهم هجری شامل ۴۰ شهر به‌وسعت ۲۰۰ هزار کیلومتر مربع یعنی یک هشتم کل مساحت ایران بوده (مستوفی، حمداله) و امروز با نام اراک بزرگ شامل مرزهای فعلی استان مرکزی با فرزندان شایسته‌اش: آشتیان، اراک، تفرش، خمین، خنداب، دلیجان، زرنده، ساوه، شازند، فراهان، کمیجان و محلات، خاستگاه بزرگان و نام‌آوران بسیاری است و پیش از آن که به عراق عجم مشهور شود، اراک نامیده می‌شده است (فرمehینی فراهانی، ۱۳۹۵).

۱. بخشنامه ۵۵۳۴ - ۱۳۷۹۹ وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه مورخ ۲۷ تیرماه ۱۳۱۷.

۱۱۴) و در این کتاب هرگاه سخن از اراک به میان می‌آید مراد استان مرکزی است، مگر با پیشوند شهر یا شهرستان بوده و یا در کنار سایر شهرستان‌های ۱۲گانه‌ی استان آمده باشد.

در آغاز اسلام، تازیان این منطقه را به سبب کوهستانی بودن «جبال» نامیدند و در زمان سلجوقیان، نام اصلی اراک به صورت عربی شده به «عراق» و جهت تمایز با منطقه عراق عرب، به عراق عجم مبدل شد که همان سرزمین استان باستانی اراک بوده و واژه عراق، عربی شده کلمه «اراک» است (محتاط، ۱۳۹۳: ۱۰).

این که سرزمین ما خاستگاه بسیاری از مفاخر و مشاهیر برجسته ایران بوده، البته که مایه مباهات است، ولی هرگز بدان معنی نیست که جاهای دیگر ایران از این ویژگی تهی است، بلکه هدف از گردآوری این کتاب، داشتن یک بانک اطلاعاتی مرجع با هدف تقویت حس تعلق میهنی و افزایش انسجام و هم‌گرایی میان سرزمینی است. در تدوین این کتاب که تقریباً هم‌زمان با کتاب نخست نگارنده یعنی «از ایراک تا اراک» آغاز شد، افرادی مدنظر بودند که خود یا نیاکانشان اهل یکی از ۱۲ شهرستان استان مرکزی (آشتیان، اراک، ساوه، تفرش، خمین، فراهان، محلات، زرنديه، شازند، دلجان، کمیجان و خنداب) هستند یا سابقه بیش از ۱۰ سال سکونت در این‌جا داشته و یا در این استان، سرمایه‌گذاری اشتغال‌زا کرده و از جنبه اختصاصی هم دارنده‌ی یکی از شرایط زیر باشند:

۱. داشتن حداقل یک ویژگی برجسته (ممیزه) مانند چهره ماندگار، پدر/مادر علمی، مبتکر، مخترع و مواردی از این دست.

۲. نیکوکاران، کارآفرینان و فعالان برجسته و شاخص در فضای کسب‌وکار.

۳. افرادی که پیش از این نامشان در کتب مفاخر و مشاهیر استان آمده باشد.

۴. سینماگران اعم از هنرپیشه، نویسنده، کارگردان، تهیه‌کننده، عکاس و...

۵. شاعرانی که حداقل یک مجموعه شعر چاپ شده داشته باشند.

۶. نویسندگانی که حداقل یک کتاب تالیفی یا ترجمه داشته باشند.

۷. قهرمانان ورزشی ملی و بین‌المللی، پهلوانان، مرشدان و...

بدیهی است این کتاب بر مبنای خاستگاه افراد تدوین شده بدان معنی که وابستگی افراد با هر فاصله نسلی مدنظر بوده و به عنوان نمونه اگر نوه یا نتیجه‌ی یک فرد اراکی در آمریکا به دنیا آمده و امروز یکی از دانشمندان برجسته به شمار می‌رود، وی در زمره نامداران اراک آمده (که البته برخی از دوستان با این روش موافق نیستند و محل تولد را ملاک عمل می‌دانند) و در مواردی هم که اطلاعات لازم برای تشخیص موطن، موجود نبوده با توجه به نام و شهرت، فرد مورد نظر در عداد نامداران یکی از شهرستان‌های استان لحاظ شده [برای نمونه کرج یا کره همان کرج ابودلف است که در روایتی با آستانه (شازند) و در روایتی دیگر با کرهرود (اراک) منطبق است] که به دلیل نزدیکی واژه کره و کرج، خاستگاه افراد دارای نام کرجی مندرج در این کتاب، کرهرود لحاظ شده ضمن اینکه فاصله بین کرهرود و آستانه‌ی شازند هم کمتر از ۳۰ کیلومتر است و تفاوتی در اصل موضوع ندارد.

زندگی نامه افراد مندرج در این کتاب به عنوان یک بانک اطلاعاتی، بسیار مختصر و مفید است و در مورد برخی، به دلیل کمبود منبع، توضیحات کمتری ارائه شده و بدیهی است این مورد به شخصیت و جایگاه افراد خللی وارد نمی کند و حتما افراد دیگری هم هستند که در این سال ها شناسایی نشدند و این راه ادامه دارد و در چاپ های بعدی به این فهرست اضافه خواهند شد.

و اما برخی توضیحات لازم برای مطالعه اثربخش کتاب:

الف. (۱۳۰۰ خ): یعنی متولد سال ۱۳۰۰ خورشیدی و در مورد افراد زنده و یا کسانی است که تاریخ فوت ندارند.
ب. (۱۳۰۰-۱۴۰۰ خ): یعنی متولد سال ۱۳۰۰ و در گذشته سال ۱۴۰۰ خورشیدی در مورد کسانی است که تاریخ تولد و فوتشان مشخص است.

پ. (در گذشته ۱۴۰۰ خ): یعنی در سال ۱۴۰۰ فوت شده ولی تاریخ تولد وی مشخص نیست.

ت. (زندگی ۱۳۰۰ خ): یعنی ایشان در سال ۱۳۰۰ زنده بوده و اطلاعات بیشتری وجود ندارد.

ث. قرن (۱۳ خ): به منظور ایجاد ذهنیت در خواننده برای مواردی است که تاریخ تولد و فوت افراد مشخص نیست، ولی دوره زندگی وی قرن ۱۳ خورشیدی بوده است.

ج. قرن (...): هیچ اطلاعاتی در مورد دوره زندگی فرد نیست، ولی به جهت رعایت قالب نوشتار و این که خواننده چنانچه اطلاعاتی دارد یا منبعی می شناسد ضمن درج، به نویسنده هم اطلاع رسانی نماید.

ضمناً در پاراگرافی که یکی از تاریخ های تولد، مرگ و یا زندگی به همراه «خ» به معنی «خورشیدی» آمده باشد، هر تاریخ دیگر درون پاراگراف بدون «خ» بوده، در غیر این صورت و بیشتر در مواردی که دوره مدنظر با (قرن...) مشخص شده باشد، هر تاریخ دیگر در متن همراه با «خ» خواهد بود.

در تدوین این کتاب بیشترین بهره برداری از آثار ارزشمند استادان ابراهیم دهگان، حسن صدیق، محمدرضا محتاط، مرتضی ذبیحی، سیدعطاءاله مجدی، محمد مددی، عزیزاله سمیعی، چنگیز امینی حاجباشی، علی بخشی، محمدعلی چراغی (زرنی)، صادق حضرتی آشتیانی، علی حیدری، غلامعلی ولاشجردی فراهانی، محسن ذوالفقاری، اسداله عبدلی آشتیانی، محمدجواد مرادی نیا، محسن اسماعیلی انجدانی، داوود نعیمی و حسن عزیزآبادی فراهانی شده و خوشه چین خرمن این دانشمندان بوده ام و نام آثار ارزشمندشان هم در پایان کتاب آمده و نیز دوستان زیادی هم کمک کردند که جز ذکر نام ایشان کار دیگری نمی توانم کرد که از آن جمله اند: آقایان استاد بهروز مبصری، دکتر مجتبی برزآبادی فراهانی، محتشم مؤمنی (سامان)، استاد محمد مددی، دکتر حسن مهدی نیا، محمدرضا انجلاسی، مهندس رضوانی (ساوه)، دکتر احمد رحیمی (خوره محلات)، استاد یوسف نیک فام (نمونه خوانی و نیز در اختیار قرار دادن عکس برخی مفاخر^۱)، ابوالفضل مجیدیان، حسین عسگری، هادی عابدی، داود گودرزی فراهانی، مسلم نوازی، سعید کمانی، حمیدرضا زاهدی (خبرنگار دیجانی) و خانم ها زهرا غلامی، رضوان میرمحمدی و لطفعلی (مدیر کتابخانه عمومی دلیجان) و به ویژه دوستان عزیزم مهندس

^۱ پرتو آقایان سیدباقر موسوی، جمال الدین عراقی زاده، اسماعیل فردوس فراهانی و چند نفر دیگر به سفارش فصلنامه رازان و توسط نیلوفر نیک خواه طراحی شده است.

سید محمود امیدبانی، مهندس سعید غفاری و البته کسانی که احتمالاً نامشان فراموش شده که بدین وسیله پوزش می‌طلبم.

اعتبار این کتاب در مورد شخصیت‌های فوت شده در حد اعتبار منابعی است که مورد استفاده قرار گرفته و در مورد شخصیت‌های زنده هم، نگارنده با اکثریت نزدیک به همه‌ی ایشان ارتباط از نوع نشست و برخاست، تلفنی و یا از طریق شبکه‌های اجتماعی دارد و سطح این گروه از نامداران بیشتر از کتب موجود قابل اعتناست. در آدرس‌دهی، تلاش شده طبق استاندارد (نام نویسنده، سال انتشار: صفحه) عمل شود و در این رابطه اگرچه صرفاً به یک منبع ارجاع شده، ولی به هرگونه اطلاعات تکمیلی دیگری که دست یافتیم، در زندگی‌نامه افراد آمده و از بین منابع متعدد ضمن تطبیق با یکدیگر، کامل‌ترین مطلب را از یک یا تلفیقی از چند منبع استفاده کرده، ولی در ارجاع‌دهی به یک منبع بسنده شده است.

در چاپ دوم، ۲۸۲۲ شخصیت بدون هیچ‌گونه قضاوت مثبت یا منفی و با چیدمان الفبایی، معرفی و در پایان کتاب، **نمایه‌ای** ابتکاری پیش‌بینی شده تا امکان جستجو بر اساس ۶۷ شاخص مهم موضوعی، زنان، دوره زندگی و خاستگاه (شهرستان)، به صورت الفبایی فراهم شده که با یافتن «نام خانوادگی» در میان این شاخص‌ها، به زندگی‌نامه فرد مربوطه هدایت می‌شویم. به عنوان نمونه با انتخاب یک نام براساس حروف الفبا در بخش نمایه، فرد مورد نظر را در میان صفحات کتاب خواهیم یافت. بدیهی است نام هر فرد حداقل ۳ بار در نمایه (موضوعی، تاریخی و مکانی) تکرار شده و چنانچه فردی در بیش از یک موضوع مهارت داشته باشد، به همان میزان در موضوع مربوطه تکرار خواهد شد، به عنوان نمونه نام «سحاب تفرشی، عباس»، ۴ بار در نمایه (پدر علمی، پژوهشگر، دانشمند و نخستین) ذکر شده، یکبار در متولیدین قرن ۱۳ و یکبار هم در نمایه شهرستان تفرش تکرار شده که همگی خواننده را به سمت بیوگرافی ایشان در صفحه‌ی ۲۹۸ ارجاع می‌دهد.

در پایان اذعان می‌دارد به دلیل گستردگی کار و با همه تلاشی که در گردآوری مطالب درست و مفید به عمل آمد و با استفاده از سه برنامه WORD، EXCEL و ACCESS تا حد امکان از درستی و تکراری نبودن شخصیت‌ها اطمینان حاصل شد، ولی هم‌چنان برخی کاستی‌ها وجود دارد و نیز در مورد درستی خاستگاه میهنی برخی افراد به‌ویژه سینماگران امکان خطا هست که ضمن پوزش، انتظار دارد توسط خوانندگان ارجمند، به نگارنده منعکس گردد تا در چاپ بعدی اصلاح شود، روندی که در چاپ دوم رخ داد و بسیاری از ایرادات چاپ نخست رفع شد.

ابوالفضل عباسی‌بانی

^۱ این نکته در همه منابعی که برای تدوین این کتاب مورد مطالعه قرار گرفته به فراوانی دیده می‌شود.

فهرست مطالب

۳۶۴..... ظ	۱۵..... آ
۳۶۴..... ع	۵۵..... الف
۳۹۱..... غ	۱۰۸..... ب
۳۹۵..... ف	۱۴۱..... پ
۴۲۸..... ق	۱۵۱..... ت
۴۵۱..... ک	۱۶۹..... ث
۴۷۹..... گ	۱۷۰..... ج
۴۸۸..... ل	۱۸۳..... چ
۴۹۰..... م	۱۸۶..... ح
۵۸۴..... ن	۲۱۷..... خ
۶۰۴..... و	۲۳۰..... د
۶۱۳..... هـ	۲۴۴..... ذ
۶۲۰..... ی	۲۴۷..... ر
..... نمایه ها	۲۶۵..... ز
۶۲۵..... موضوعی	۲۷۲..... س
۶۴۶..... زنان	۳۱۸..... ش
۶۴۷..... دوره زندگی	۳۴۱..... ص
۶۵۳..... شهرستان	۳۵۸..... ض
۶۵۹..... منابع و مأخذ	۳۵۹..... ط

آ

آبنوسی، نریمان (۱۳۰۲-۱۳۸۵ خ)، اهل **ساوه**، مشهور به ساهاک، نوازنده و سازنده عود و صنعتگری هنرمند که از سن ۸ سالگی به موسیقی روی آورد و استاد ساخت ساز محلی چُگور^۱ بود و در سال ۱۳۲۸ نخستین ساز «عود» که همان «بربط» (ساز ایران باستان) است را ساخت و چنان خوب و خوش‌آهنگ بود که شهرت آن تا شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، عراق، لبنان، سوریه و مصر رسید (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱).

آبی، احمد (قرن ۴)، فرزند حسین، اهل **ساوه**، مشهور به ابوالعباس، فقیه و محدث شیعی نامور قرن چهارم هجری است و عمده شهرتش به دلیل شاگرد مخصوصش شیخ صدوق می‌باشد.

آبی، ابوسعید (قرن...)، فرزند دوست آبی، اهل **ساوه**، شاعری بوده که قصایدی به زبان عربی از وی باقی‌است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۴).

آبی، ابوعبداله (۱۰۵-۱۸۳ خ)، اهل **ساوه**، معروف به حریر بن عبدالمحمد بن قرط ضبی‌رازی، فقیه و مجتهد صالحی که از علمای عصر خویش در کوفه و قم اجازه روایت داشت و سال‌های پایانی عمر خود را به تدریس در مدارس علمیه آوه، قم و ری اشتغال داشت (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۰).

آبی، احمد (درگذشته ۵۸۲ خ)، فرزند محمد، مشهور به ابوالعباس، برای تجارت به یمن رفت و در عدن شاگردی ابی‌بکر سعیدی کرده و به علوم دینی وقوف یافت. این عالم دینی و شاعر قصیده‌سرای **ساوجی**، سپس به اسکندریه رفت و در آنجا مقیم شد. وی کتابی هم در نحو دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

آبی، حسن (قرن ۶)، فرزند محمد، ملقب به خواجه آبی و مشهور به موفق‌الدین از شعرا و رجال بزرگ حدیث سده ششم هجری است که ساکن آوه (**ساوه**) بوده و در همان‌جا دفن است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۱۱). **آبی، حسن** (قرن...)، فرزند علی ابومحمد حریری امامی، از علمای دینی و فقه‌های بزرگ مردم آوه (**ساوه**) بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۱۰).

آبی، حسن (قرن ۱۳)، فرزند احمد قاسم، اهل **ساوه**، قاضی محاکم شرع در مصر و نویسنده کتابی است به نام عین‌البیان که شرح منظومه‌ای در بیان، از محمد بک فهمی‌الرشیدی چاپ ۱۸۹۵ میلادی مصر می‌باشد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲).

آبی، صاعد (۳۳۳-۴۱۸ خ)، فرزند محمد بن صاعد بریدی‌آبی، اهل **ساوه**، ملقب به اشرف‌الدین، عالم دینی و فاضلی متبحر بود و آثاری دارد که عین‌الحقایق، الاعراب فی الاعراب، الحدودوالحقایق، بیان‌الشرايع و... از آن جمله‌اند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۷۸).

۱. چگور دارای نُه سیم است و صدایی خوش دارد.

آبی، منصور (۳۳۶-۴۱۸ خ)، معروف به ابوسعید منصور، فرزند حسین شاعر، فقیه و دولت‌مرد امامی مذهب نامدار اوایل قرن چهارم، پس از مدتی زندگی در آوه (ساوه) برای کسب دانش به ری رفت و از محضر استادانی چون شیخ صدوق و شیخ طوسی بهره برد و در ردیف دانشمندان بزرگ عصر خود درآمد. این نویسنده فرزانه و وزیر کاردان و شاعر شیعی، مدت‌ها منصب وزارت مجدالدوله از پادشاهان طبرستان را بر عهده داشت و از آثار او می‌توان به تاریخ ری، النظم‌الحسن و ده‌ها اثر دیگر اشاره کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۷).

آخانی‌سنجانی، احسان (۱۳۶۱ خ)، فرزند حبیب‌اله و بانو اعظم، تحصیلاتش را در



دبستان شهید نامجو و راهنمایی علامه مجلسی سنجان و طالقانی اراک گذراند و از دبیرستان امام‌علی دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه اراک کاردانی و از دانشگاه آزاد اراک مهندسی گیاه‌پزشکی گرفت و هم‌اکنون دانشجوی دوره ارشد مدیریت کشاورزی دانشگاه محقق‌اردبیلی است. این شهروند داوطلب از فعالان برجسته و شناخته‌شده حوزه محیط زیست کشور است و در سال ۱۳۹۷ به‌عنوان چهره ملی آب ایران در بخش خیرین و تشکلهای آبرسان برگزیده شد. احیا دو رقم بذری بومی و در حال انقراض استان (ریحان‌بنفش و چغندر زرد آشی)، مؤسس نخستین مزرعه مدرن تولید بذری سبزیجات و صیفی‌جات استان با مشارکت دانشگاه اراک، برنده مسابقه بزرگ کارآفرینی میدون (۱۴۰۱)، بحران‌یار نمونه استان (۱۳۹۸)، داور رویداد استارت‌آپی محیط‌زیست پارک علم و فن‌آوری و دانشگاه اراک (۱۴۰۲) عضو اتاق فکر محیط زیست استان، عضو اتاق فکر و کارگروه مسأله‌شناسی استان و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری (۱۳۹۶)، فعال نمونه در بخش احیا و بهره‌برداری از قنات استان، عضو کانون اندیشه‌ورز و کارگروه آب شبکه ملی سمن‌های محیط‌زیستی کشور و نیز عضو کارگروه تدوین قانون جامع آب ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۹) برخی دیگر از افتخارات ملی و محلی اوست.

آخانی‌سنجانی، حسین (۱۳۴۴ خ)، فرزند حبیب‌اله و بانو اعظم، تحصیلاتش را در



دبستان ادب و راهنمایی سنجان گذراند و از دبیرستان شریعتی اراک دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه شهیدبهشتی کارشناسی علوم گیاهی و از دانشگاه تهران ارشد گرفت و برای تحصیل در دوره دکتری به دانشگاه مونیخ آلمان رفت و هم‌اکنون استادتمام دانشگاه تهران است. دکتر آخانی به‌عنوان یک گیاه‌شناس، زیست‌شناس و بوم‌شناس برجسته ایرانی که برنده جایزه ملی محیط زیست و پژوهشگر بنیاد هومبولت آلمان است، بیش از ۳۰ هزار نمونه گیاهی از سراسر ایران و کشورهای آلمان، آمریکا، ایتالیا، اسپانیا، انگلستان و بسیاری از کشورهای دیگر گردآوری کرده است. نام‌گذاری ۳۱ گونه، ۵ جنس و یک قبیله گیاهی جدید برای دانش گیاه‌شناسی و ۱۱۷ ترکیب جدید در رده‌بندی گیاهی، انتشار ۱۱۰ مقاله گیاه‌شناسی در مجلات پژوهشی بین‌المللی و ۴ عنوان کتاب در

مورد فلور پارک ملی گلستان و خلیج فارس از دیگر دستاوردهای ایشان است. آخانی علاوه بر تداوم پژوهش‌های علمی، به‌عنوان یک کنشگر محیط‌زیستی با مردم در ارتباط است و دانش تخصصی خود را به‌زبانی ساده در اختیار مردم قرار داده و بدین‌ترتیب، رسالت آگاهی‌بخشی فراگیر و فهم بوم‌شناختی ایرانیان را به درستی به‌انجام رسانده است. وی همچنین به‌عنوان یک دوچرخه‌سوار و زندگی شخصی بی‌زباله می‌کوشد برای نگهداشت زمین و سرزمین، رد کربن در زندگی را به کمترین میزان ممکن برساند.

آدوبادور، عزیزاله (زندگی ۹۵۶ خ)، یکی از سرداران ایل بزچلو (**کميجان**) و از سران قزلباش دوران شاه‌اسماعیل صفوی است که در جنگ سرنوشت‌ساز با ازبکان، بر اثر شهامت و شجاعت او، شیبک‌خان ازبک کشته شد و سرش توسط این سردار نظامی به شاه تقدیم گردید و لقب آدبادر^۱ گرفت و نیز منطقه کميجان هم به وی اهدا شد.

آذری، عباس (۱۳۲۱-۱۳۹۸ خ)، فرزند حمزه و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در دبستان داودی و متوسطه اول و دوم را در مدرسه شکرایی و صمصامی اراک گذراند و در مخابرات مشغول بکار شد. جنگ می‌تراود مهتاب (معرفی شعر نو و نیما یوشیج)، دو مثنوی حبس و درد، تاریخ اجتماعی اراک (داستان) و کتاب طنزآوران اراک (داستان عینک) برخی از آثار این نویسنده است. او همچنین مقالات و اشعار بسیاری در نشریات محلی به‌چاپ رسانده و نخستین گوینده رادیو اراک می‌باشد (مجدی، ۱۳۸۴: ۱۶۹).



آذری، کتابون (۱۳۴۸ خ)، فرزند عباس و بانو عفت، تحصیلاتش را در دبستان نوروز، راهنمایی فطرت و دبیرستان تزکیه اراک گذراند و در رشته صنایع دستی از دانشگاه الزهراء، دانش آموخته شد و در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشغول بکار شد. ۴۵ نمایشنامه کودک و نوجوان، داستان کودک و نوجوان و داستان بزرگسال و برگزیده هشتمین جشنواره داستان انقلاب (جایزه امیرحسین فردی) از افتخارات این نویسنده، سفالگر و مجسمه‌ساز است.



آذرهوش، محمد (۱۲۶۱-۱۳۱۶ خ)، از دانش‌آموختگان دارالفنون در رشته نظام و زبان فرانسه بود که از سال ۱۲۸۲ تا ۱۲۹۵ مدیریت مدرسه صمصامی بیات اراک را بر عهده داشت و نیز تا پایان عمر افسر ارتش بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰).

آرام، احمدرضا (۱۳۳۴ خ)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در خمین گذراند و پس از دریافت دیپلم طبیعی و فوق‌دیپلم هنرهای تجسمی، به‌عنوان معلم به‌استخدام آموزش و پرورش خمین درآمد. این هنرمند

^۱. استاد اسداله امینی (فعال سیاسی) وجه تسمیه آدوبادور یکی از سرداران ایل بزچلو را به‌طور کامل برایم توضیح داد که واژه درست آدوبهادر به‌معنی «نامش بهادر است». متأسفانه این دوست خوب هم‌زمان با ویرایش این کتاب درگذشت.

و نقاش برجسته، هم‌اکنون در خارج از کشور زندگی می‌کند و آثار او از رنگ‌وروغن و در سبک سوررئالیسم است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸).

آرامی، آزاده (۱۳۵۷ خ)، فرزند جعفر و بانو عذرا، کارشناس حسابداری و ارشد مدیریت بازرگانی است که به‌عنوان کارشناس مالی بیمارستان شهید چمران ساوه مشغول بکار است. این شاعر عضو انجمن ادبی ساوه است و دو اثر به نام «پای احساس در میان است» و «شعرهایی که آزاد نبودند» را در کارنامه دارد.



آرزومندی، هادی (۱۳۵۴ خ)، فرزند غلامحسین و بانو خدیجه، تا سن هیجده‌سالگی در روستاهای کمیجان به مدرسه رفت، در دانشگاه اراک زبان انگلیسی خواند و در رشته زبان‌شناسی دانشگاه شهیدبهشتی، کارشناسی‌ارشد گرفت. او به‌عنوان دبیر آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۴ در دبیرستان‌های اراک و تهران مشغول بکار شد و از سال ۱۳۸۵ و پیش از دریافت دکتری، تدریس در دانشگاه‌های مختلف اراک را آغاز کرد. وی که ریاست پژوهش‌سرای دانش‌آموزی اراک و تدریس در مدارس خاص شهر اراک را در کارنامه دارد، بیش از ۴۵ عنوان کتاب در حوزه آموزش زبان و زبان‌شناسی منتشر کرده که ۲۳ عنوان از آن‌ها به چاپ هشتم هم رسیده است. وی به‌عنوان پژوهشگر برتر استان مرکزی برای چندین سال متوالی انتخاب شده است.



آرفیع‌آستانه، عباس (درگذشته ۱۲۷۱ خ)، اهل آستانه (شازند)، مشهور به یاور عباس‌خان، از مردان نیکوکار که در نیمه نخست قرن سیزدهم می‌زیسته و حدود ۵۰ سال فرمانروایی منطقه کراز و عراق عجم را بر عهده داشته و مدتی هم فرمانروای کردستان بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۰).



آزادعراقی، محمدحسین (درگذشته ۱۲۸۳ خ)، فرزند میرزا محمدعلی‌خان، از شاعران باذوق و خوش قریحه زمان قاجار در اراک بودند (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰).

آزرم‌محلاتی، سیدکاظم (۱۲۸۲ خ)، فرزند سیدهاشم، متولد محلات است که تحصیلات خود را در تهران به پایان برد و به‌استخدام وزارت پست، تلگراف و تلفن درآمد. او اهل شعروادب بود و اشعار نیکو می‌سرود (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۲۶).

آستانه، محمد (۱۳۲۳ خ)، هنرمند و طراح برجسته و مشهور فرش، در بازار اراک و نیز در یک شرکت ایتالیایی زیر نظر استادانی مانند میبیدی، اسکندری، شهیدی و رفیعی شاگردی کرد و سپس در شرکت فرش مشغول بکار شد. او مدتی هم به‌دعوت یک شرکت ایتالیایی برای طراحی فرش به آن کشور رفت و هم‌چنان در بازار اراک به این حرفه اشتغال دارد (ولاشجودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۱۹).

آستانه‌ای، ابوطالب (۱۲۱۴-۱۲۹۰ خ.)، اهل آستانه **(شازند)**، فرزند ملاغفور، پس از تحصیلات مقدماتی، جهت تکمیل تحصیلات به حوزه نجف رفت و از محضر میرزا حسن شیرازی بهره برد و در واقعه تنباکو هم موافق شیرازی بود. این عالم دینی، هم‌چنین از آزادی‌خواهان نهضت مشروطه و رئیس انجمن بلدیه بود و تألیفاتی هم دارد که نجات‌العباد در سه جلد از آن جمله‌اند (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۸).

آستانه‌ای، باباخان (قرن ۱۲)، اهل آستانه **شازند**، فرزند شکراله‌خان، در اواخر قرن دوازدهم می‌زیسته و یک سردار نظامی و از فرماندهان فوج کزاز و صاحب منصب دوره قاجار بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۶).
آستانه‌ای، محمدابراهیم (درگذشته ۱۲۴۳ خ.)، اهل آستانه **(شازند)**، فرزند اسماعیل، عالم دینی عصر ناصرالدین‌شاه قاجار بود و تحصیلات خود را در اصفهان و قم گذراند (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۸).

آسروانی‌فراهانی، تقی (زندگی ۱۲۰۰ خ.)، فرزند میرزا جعفرخان، از وزیران دوره فتحعلی‌شاه است و در زمانی که میرزا یوسف‌خان گرجی، شهر اراک را می‌ساخته، وزیر عراق بوده و عمده کارهای شهرسازی سلطان‌آباد برعهده این مرد دانشمند، زیرک و دانا بوده است^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۱).

آسمانی، مهرداد (۱۳۴۶ خ.)، هنرمند **موسیقی**، با نام هنری مهرداد، خواننده، آهنگساز و تنظیم‌کننده **اراک**ی است که در دوره دفاع مقدس، ۲۷ ماه به جبهه رفت تا از سرزمین خویش دفاع کند. او به آوازخوانی علاقه فراوانی داشت و امروز یکی از خوانندگان مطرح ایرانی مقیم آمریکاست.



آشتی‌آشتیانی، ابوالقاسم (زندگی ۱۳۱۳ خ.)، فرزند میرزانشیراله، از نخستین سینماگران ایران، نخستین فیلم تاریخ ایران به نام «آبی‌ورابی» در ژانر طنز را بازی کرد. این سینماگر هم‌چنین در سومین فیلم تاریخ سینمای ایران یعنی «بوالهوس» هم ایفای نقش کرد. وی رئیس بازرسی اداره غله‌ونان و اداره سیلوی تهران بود و اشعار فکاهی نیز دارد (حضرتی، ۱۳۹۹: ۳۸۸).



آشتیانی، آقاعلی (۱۲۱۰-۱۲۷۴ خ.)، فرزند علی‌اکبر، ملقب به امین‌حضور، در کودکی با خانواده به تبریز رفت و پس از کسب علوم متداول به تهران آمد و در جوانی از کارگزاران ناصرالدین‌شاه شد. در سال ۱۲۳۹ امور احتساب تهران به‌وی محول شد و در سال ۱۲۴۱ رئیس ادارات باغ سلطنتی و در سال ۱۲۴۷ هم حکومت کاشان را عهده‌دار شد. او در سال ۱۲۵۰ به سمت داروغه دفترخانه با عنوان وزیر بقایا منصوب و در همین سمت مورد غضب شاه قرار گرفت



۱. در حدود کیلومتر ۲۰ جاده اراک-فراهان دو تپه و آثار باقی‌مانده از شهر یا روستایی بوده به نام آسروان که تلفظ درست آن آثروان یا آثروان است که یقیناً در دوره ساسانی و پیش از آن آباد بوده است. آثروان = اثر+وان که در اینجا اثر یا آثر یا آذر به معنی آتش است وان یا بان پسوند است و به معنی نگاهبان که ترکیب این دو می‌شود نگاهبان آتش.

ولی چون به رشادت و کفایت شهره بود و حتی در حضور شاه، آزاده و صریح‌البیان بود، پس از مدتی، حکومت ساوه و زرندیه و ریاست ایل شاهسون بغدادی را هم بر عهده‌اش نهادند (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۴۳).

آشتیانی، آقاجان (زندگی ۱۲۱۵ خ)، فرزند میرزا محمد آشتیانی، خوش‌نویسی است که دیوان ابن‌یمین فریومدی در زمان محمدشاه، را به‌فرمان میرزا فضل‌اله به‌نگارش درآورده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

آشتیانی، آقاسی‌بیگ (زندگی ۱۱۷۶ خ)، فرزند آقا محسن و برادر هاشم‌خان و میرزا کاظم است که در دوره سلطنت کریم‌خان زند، لقب بیگ گرفت و پس از دوره زندیه، مدتی در آشتیان زندگی کرد و بنایی بر قلعه پدرش افزود. او پس از مدتی به‌دربار قاجار راه یافت و در کشیک‌خانه، کارگزار مقتدر دوره قاجار شد (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۲۶).

آشتیانی، عبدالوهاب (۱۲۳۶-۱۳۱۱ خ)، فرزند ارشد میرزا محمدرضا (بیان‌الدوله)، ملقب

به بیان‌الملک، علوم ادبی و عربی را تحصیل کرده و به درجات بالای انشا و نگارش رسیده و به‌عنوان شاعر هم شناخته می‌شود. او مدتی به‌عنوان مستوفی، پیشکار مالیه^۱ عراق و در دوره چهارم مجلس شورای ملی هم نماینده مجلس بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۳۴).



آشتیانی، ابراهیم (۱۲۷۲ خ)، فرزند مرتضی، از قضات عالی‌رتبه دوران پهلوی بود و دو دوره ۶ و ۱۴ نمایندگی مردم خوار، ورامین و ایوانکی را بر عهده داشت. او که در دوره چهاردهم از نمایندگان اقلیت مجلس بود، بعد از سید ظهیرالاسلام به نیابت تولیت مدرسه عالی سپه‌سالار منصوب شد و پس از آن سمت کلیدداری ضریح امام رضا به‌وی تفویض شد. «رجال بدون ماسک» کتاب چاپ شده این نماینده مجلس است و مقالاتی هم در روزنامه بهار منتشر کرده است.

آشتیانی، ابراهیم (درگذشته ۱۲۳۲ خ)، فرزند میرزا محمدعلی، خوشنویس ماهری بوده که خط نستعلیق را نزد پدر آموخت و از علوم ادبی بهره‌مند بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۵۸).

آشتیانی، ابوالعباس (زندگی ۶۵۶ خ)، فرزند ابی‌الحسن، خوشنویس و فاضل قرن یازدهم هجری است. این هنرمند، کتاب «شرایع‌الاسلام» تألیف ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر حلی را به‌زبان عربی و در اصفهان نگاشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

آشتیانی، ابوالفضل (زندگی ۱۲۶۶ خ)، سمت خوش‌نویس داشته و کتاب کلیلهدومنه ابوالمعالی نصراله منشی را به‌قلم نستعلیق و در سال ۱۲۶۶ به نگارش درآورده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۲۶).

آشتیانی، ابوالقاسم (قرن ۱۴)، فرزند میرزا محمدتقی (فایق)، شاعر و خوشنویس قرن چهاردهم که از آثار وی می‌توان به کتابت خرنامه، گفتارهایی از معصومین، حکما و عرفا در پندواندرز، نظم صدکلمه از نورالدین

^۱. کار دادوستد وجوه و امور مالیاتی از روی دستورالعمل ارسالی از مرکز را بر عهده داشته است.

عبدالرحمن جامی، ناسخ‌التواریخ از میرزا عباسقلی‌خان، نرگسدان شامل مثنوی و سرگذشت نرگس خاتون مادر امام زمان و نیز مسافرنامه ابراهیم صحاف‌باشی به‌خط نستعلیق اشاره کرد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

آشتیانی، احمد (۱۲۵۶-۱۳۲۰ خ)، فرزند ملاحسین، دوره مقدماتی تحصیل را در آشتیان گذراند و در تهران به‌آموختن علوم متداول زمان پرداخت و سپس به‌خدمت وزارت جنگ درآمد و سال‌ها سمت لشکرنویسی داشت. ریاست مالیه شهرهای آمل، بروجرد، کاشان، دامغان، اراک و زنجان و هم‌چنین سرمیزی اداره تمرکز حساب‌ها از سوابق شغلی اوست. ایشان با تخلص «کوثر» شعر می‌سرود و دیوان کوثری شامل غزلیات، رباعیات، قطعات و مثنوی از این شاعر است. بجز غزل‌های عارفانه و عاشقانه و ترجمه مثنوی «گرازپلا» اثر لامارتین نویسنده فرانسوی، بقیه اشعارش بیان‌کننده اوضاع و احوال دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی و عاری از مدح‌و‌ثناست (حضرتی، ۱۳۹۹: ۳۹۰).

آشتیانی، احمد (۱۲۶۱-۱۳۵۴ خ)، چهارمین فرزند میرزا حسن آشتیانی، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر فرا گرفت و سپس در نجف علوم عقلی و نقلی را آموخت و پس از ۱۰ سال به‌درجه اجتهاد رسید و به‌مدت ۴۰ سال در تهران به‌تدریس علوم دینی پرداخت. ۳۳ اثر از این عالم دینی به‌جای مانده که ۹ عنوان عربی و مابقی به‌زبان فارسی است و نامه رهبران (یک دوره اصول عقاید)، مقالات احمدیه (اخلاق)، تذکره‌الغافلین و رساله پرسشنامه از آن جمله‌اند (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۲).

آشتیانی، احمد (درگذشته ۱۲۵۸ خ)، فرزند میرزا صادق، یک خوش‌نویس برجسته بوده و در خط شکسته، مهارتی کامل داشت و بهره‌مند از علوم ادبی و عربی بود و در سیاق هم سرآمد بود (حضرتی، ۱۳۹۹: ۳۹۲). **آشتیانی، احمد** (زندگی ۱۲۷۵ خ)، ملقب به قوام‌الدوله، فرزند عباس‌خان، از کارگزاران و سیاست‌مداران دوره ناصری بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۷).

آشتیانی، احمد (زندگی ۱۲۸۵ خ)، از افسران دوره مشروطیت و مدتی نیز منصب سلطان فوج را عهده‌دار بود و بعدها به‌دلیل مخالفت با مشروطیت از عین‌الدوله درجه سرتیپی گرفت.

آشتیانی، احمد (قرن ۱۳)، فرزند محمدحسین، جد آیت‌اله دانش، عالم دینی و از بزرگان قرن سیزدهم است که صاحب کرسی تدریس و تبلیغ در **آشتیان** بوده و در زمان صدارت میرزا حسن مستوفی‌الممالک به امور شرعی و مدیریت بخشی از موقوفات می‌پرداخته است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۱۵۷).



آشتیانی، اختر (قرن ۱۴)، فرزند آقامیرزا ابراهیم آشتیانی، بانوی هنرمند و خوشنویس مجموعه شماره ۲۰۰ فهرست دهگان مشتمل بر خزان و بهار، سراج‌المنیر و حریت از طالبوف به‌فارسی و به‌خط نستعلیق با مایه‌های شکسته را تحریر کرده و نیز در زمینه شعر و ادب هم احساسی رقیق و فکری بدیع داشت (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۲۷).

آشتیانی، اسحاق (درگذشته ۱۲۷۳ خ)، فرزند ملاعلی، ملقب به معتمد الشریعه نزد پدر و ملارضاقلی فقه و اصول و خوشنویسی را آموخت و به ادبیات فارسی و عرب مسلط شد. او در علوم دینی صاحب رای و نظر بود و همچنین در طب سنتی دستی داشت و از کاتبان خوش خط و در علم سیاق استاد بود و کتب بسیاری هم داشت (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۱۶۱).

آشتیانی، اسداله (قرن ۱۳)، فرزند ملاحسن و برادر میرزا ابراهیم اعتصام‌الملک که در دوره ناصرالدین‌شاه مستوفی آذربایجان بوده است. فضل‌اله فرزند ارشد ایشان مدت کوتاهی همسر پروین اعتصامی بود (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۰۱).

آشتیانی، اسماعیل (۱۲۷۱-۱۳۴۹ خ)، فرزند شیخ مرتضی^۱، در مدرسه اسلام درس خواند، ولی برخلاف روال معمول خانواده، به جای تحصیل علوم دینی و پیوستن به جرگه علما و فقها، رشته هنر در پیش گرفت و ابتدا در دارالفنون تحت آموزش مَصَوِّر الممالک ذوالفقاری، نقاش باشی و شیخ‌المشایخ، نقاشی خواند و سپس به سفارش مستوفی‌الممالک به مدرسه صنایع مستظرفه رفت و مدتی شاگرد کمال‌الملک شد. او پس از مدتی ریاست مدرسه صنایع مستظرفه را عهده‌دار شد. او در سال ۱۳۰۹ به مدت دو سال در اروپا (آلمان، فرانسه و ایتالیا) به مطالعه پرداخت و پس از بازگشت، در دارالفنون، دانشکده ادبیات، دانشسرای عالی و دانشکده فنی به آموزش نقاشی همت گماشت و در سال ۱۳۲۵ از شورای عالی فرهنگ‌وهنر، دکترا گرفت. سفرنامه اروپا، جلوه عشق و وفا، الهام شعر، قهوه خانه سر راه، خواب خوش و موزیسین جوان برخی از آثار این نویسنده و شاعر متخلص به «شعله» است و در کسوت نقاش هم آثار زیادی دارد که تابلوهای معراج، گل، میوه، پیرمرد در حال نوشتن، پرتره و ده‌ها اثر دیگر او در مجلس شورای اسلامی و موزه نگارستان نگهداری می‌شود (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۳۵).



آشتیانی، اسماعیل (قرن ۱۳)، ملقب به عمادالشکر، شاعر و از مشاهیر دوره ناصرالدین‌شاه است که در اوایل سلطنت ایشان به همراه خانواده از **آشتیان** به تبریز رفت. منظومه تبریک‌نامه را به‌وی نسبت داده‌اند (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۷۶).

آشتیانی، امراله (زندگی ۹۸۸ خ)، فرزند شمس‌الدین محمد، دانشور و خوشنویس سده یازدهم هجری است که دیوان ظهیرالدین فاریابی را در سال ۹۸۸ به‌خط نستعلیق به‌تحریر درآورده است.

^۱ فرزند یکی از پرنفوذترین مراجع دوره قاجار.

آشتیانی، امینا (قرن ۱۱)، در نیمه دوم سده یازدهم می‌زیسته و اشعار عاشقانه این شاعر، حدود ۲۳۷ بیت به‌گوش آشتیانی، به نام «دیوان بلبل» موجود است. ایشان در پایان عمر در نجف اشرف سکونت داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۲).

آشتیانی، بهاء‌الدین علی (زندگی ۱۰۲۵ خ)، فرزند ابراهیم، از هنرمندان خوشنویس که کتاب مسالک الافهام زین‌الدین بن‌علی بن‌احمد معروف به شهید ثانی (۹۶۷) را در سال ۱۰۲۵ به نستعلیق نوشته است. **آشتیانی، تقی** (زندگی ۱۳۳۰ خ)، فرزند رضا ملقب به سالارموتمن، در سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۰ در اداره مالیه تهران با سمت مستوفی، انجام وظیفه می‌کرد.

آشتیانی، جعفر (درگذشته ۱۲۸۵ خ)، فرزند میرزا بزرگ، معروف به میرزا کوچک آشتیانی، دانشمندی است که در ادبیات و ریاضیات شهرت داشته و فقه و اصول را از عمویش میرزا حسن و طب، نجوم، حساب، هندسه و عرفان را هم از محضر آقا‌علی حکیم زنوزی و میرزا ابوالحسن جلوه فرا گرفت (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۰۳). **آشتیانی، جلیل** (زندگی ۱۲۱۱ خ)، در سمت خوشنویس، کلیات سعدی را در سال ۱۲۱۱ به‌خط نستعلیق تحریر کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۹۴).

آشتیانی، جواد (۱۲۴۸-۱۳۱۸ خ)، فرزند میرزا حسین وزیردFTER، مستوفی گیلان بود و در سلطنت مظفرالدین‌شاه، مستوفی کرمانشاه و صندوق‌خانه سلطنتی شد. او در سال ۱۲۷۰ ملقب به معاون‌السلطنه شد و در سال ۱۲۹۵ ضمن کناره‌گیری از قدرت، در تهران روزنامه «زبان آزاد» را منتشر کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۱).

آشتیانی، حبیب‌اله (۱۲۶۰ خ)، فرزند محمدمهدی، در سمت خوش‌نویس که نسخه زادالمعاد را در سال ۱۲۹۵ به‌خط نسخ، نگارش کرد و نیز مناسک حج از محمدرضا افضل را در سال ۱۳۰۰، تحریر کرد (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۲۵).

آشتیانی، حبیب‌اله (زندگی ۱۰۵۱ خ)، فرزند ملاعبداله، از کاتبان قرن ۱۱ که نسخه زبده‌الاحادیث را در سال ۱۰۴۹، تألیف و به دست خویش کتابت کرده و در سال ۱۰۵۱، هم کتاب الاشارات والتنبیها در عرفان به‌فرمان میرزا محمدابراهیم را خوشنویسی کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۹۹).

آشتیانی، حبیب‌اله (زندگی ۱۳۱۴ خ)، از افسران عالی‌رتبه دوره رضاشاه و سرتیپِ مورد اعتماد وی در خراسان بود. این سردار نظامی اخلاقی‌مدار و عادل در واقعه گوه‌رشاد رأی به بی‌گناهی صولت‌الدوله داد و منجر به آزادی وی از زندان شد که در غیر این‌صورت یقیناً اعدام می‌شد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۹۴).

آشتیانی، جواد (۱۲۷۵-۱۳۶۰ خ)، فرزند میرزاهاشم^۱ و بانو گلین آغا، در مدرسه اسلام و سپس دارالفنون به تحصیل پرداخت و در سال ۱۲۹۸ وارد دانشکده پزشکی پاریس شد و پس از فارغ التحصیلی، در سال ۱۳۰۵ به سمت پزشک سفارت ایران در پاریس منصوب و در مقام نماینده رسمی ایران در مجامع بین‌المللی بهداشتی/پزشکی اروپا و کنگره بیماری‌های مناطق گرمسیری در قاهره شرکت کرد. او همچنین در سال ۱۳۱۲ به ریاست تعلیمات عالی وزارت فرهنگ منصوب شد و پس از افتتاح دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ مدیریت دانشکده را عهده‌دار شد. وی در سال ۱۳۲۶ به‌عنوان نماینده مردم تهران وارد مجلس شد و در همان سال سمت مدیرعاملی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را عهده‌دار شد و تا سال ۱۳۵۱ همین سمت را داشت. مؤسس کارخانه داروسازی و بنگاه خیریه داروبخش، نشان درجه یک همایون و نیز نشان لژیون دونور فرانسه از دیگر افتخارات کسی است که در سال ۱۳۳۹ در کابینه شریف‌امامی به سمت وزیر بهداشتی انتخاب شد و در سال ۱۳۴۲ سناتور انتصابی دوره چهارم مجلس سنا شد (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۹).



آشتیانی، محمدحسن (۱۲۲۶-۱۳۵۹ خ)، فرزند میرزا کاظم و ملقب به مستوفی‌الممالک دوم است که در تهران به دنیا آمد و در زمان فتحعلی‌شاه وارد خدمت استیفا شد و در سفر محمدمیرزا (محمدشاه قاجار) در سال ۱۲۱۳ برای تسخیر هرات همراه او بود و خوش درخشید و لذا در سلطنت محمدشاه به‌جای عبدالله‌خان امین‌الدوله به‌عنوان وزیر دارایی انتخاب شد و در سال ۱۲۱۴ هم به‌عنوان رئیس دیوان رسایل شاهی برگزیده شد (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

آشتیانی، حسن (۱۲۵۳-۱۳۱۱ خ)، فرزند میرزایوسف معروف به «آقا»، از مشهورترین مردان سیاسی قرن ۱۴ و از شریف‌ترین و قدیمی‌ترین خانواده‌های اصیل ایران است. او تحصیلاتش را در خانه و زیر نظر معلم خصوصی گذراند و در سال ۱۲۶۳ از طرف ناصرالدین‌شاه لقب مستوفی‌الممالک گرفت و پس از درگذشت پدرش، تمام مشاغل میرزا یوسف را به ارث برد. او در سال ۱۲۷۹ به سفر اروپا رفت و ۷ سال در پاریس اقامت کرد و با علوم و فنون روز و اندیشه‌های نوین زندگی و حکمرانی آشنا شد. این سیاستمدار برجسته، هم‌زمان با جنبش مشروطیت به ایران بازگشت و جمعیت «انسانیت» را تشکیل داد و با کمک میرزا هدایت‌اله وزیردفت‌ر (پسر عموی پدرش) که پیش‌کاری او را در اداره امور برعهده داشت، پنج دوره نخست‌وزیر ایران در دوره قاجار و یک دوره هم کابینه رضاشاه را هدایت کرد تا بخش سازندگی دوره اول پهلوی در ریل درستی حرکت نماید. مستوفی‌الممالک، از معدود رجال قاجاری بود که نزد رضاشاه احترام داشت و یکی از نخستین نفراتی بود که با دکتر مصدق قدم اول نظریه ملی‌شدن نفت را در سال ۱۲۹۲ برداشت. این سیاستمدار نیکوکار در قحطی



^۱ نماینده ادوار مجلس شورای ملی

بزرگ ایران در سال ۱۲۹۷، جان ۱۶۰ هزار ایرانی را از طریق فروش املاک خود نجات داد و خاندان او بیش از یک قرن مقام و لقب مستوفی‌الممالکی (وزیر دارایی) داشتند و به‌عنوان یک شخصیت تاریخ‌ساز، برجسته و خوشنام بر تارک این سرزمین می‌درخشد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۸).

آشتیانی، حسن (زندگی ۱۲۲۲ خ)، فرزند علیرضا، هنرمند خوشنویسی که شصت‌پاره جزو نفیس قرآن کریم را در سال ۱۲۲۲ به‌خط نسخ زیبا در دارالحکومه تهران کتابت کرده و در صفحه نخست وقف‌نامه مقرب‌الخاقان میرزا محمدحسن مستوفی آمده که آن‌را وقف قصبه آشتیان کرده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۲۹).

آشتیانی، حسن (قرن ۱۳)، در دوره ناصرالدین‌شاه، **نایب‌الحکومه** بروجرد و مأمور کرمانشاه بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۹۶).

آشتیانی، حسن (۱۲۳۶-۱۲۸۸ خ)، فرزند میرزا اسحاق و ملقب به حافظ‌الصحه، علوم مقدماتی را در آشتیان گذراند و سپس به تهران رفت و نزد اطبا بزرگ زمان، معلومات طبی خود را تکمیل کرد و به‌عنوان طبیب مزاجی و جراحی، صاحب گواهینامه طبابت شد (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۲۰).

آشتیانی، حسین (۱۲۰۵ خ)، فرزند عبدالله، کتاب‌های تاویل‌الایات، الظاهره فی فضایل‌العترة الطاهره (استرآبادی)، طینت‌المؤمن (خوانساری) و الاوزان‌والمقادیر (محمدباقر مجلسی) را در سال ۱۲۳۱ تحریر کرده است.

آشتیانی، حسین (زندگی ۱۲۳۴ خ)، فرزند میرزا کاظم مستوفی و نوه میرزا آقامحسن، از ادبای قرن سیزدهم است که در شیراز متولد شد و در جوانی در قزوین درگذشت. ایشان در قزوین وزیر و پیش‌کار علینقی میرزا (رکن‌الدوله) بود (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

آشتیانی، حسین (زندگی ۱۲۷۲ خ)، فرزند میرزا جعفر مجتهد، لقب منتظم‌الممالک از ناصرالدین‌شاه دریافت کرد. او در سال ۱۲۷۲ در شاهرود مستوفی بود و سپس به خراسان رفت تا به امور آنجا رسیدگی کند (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۰۲).

آشتیانی، حسین‌قلی (زندگی ۱۲۸۸ خ)، فرزند کربلایی علی‌قلی‌بیگ، سمت خوشنویس داشته و کتاب کلیل‌ودمنه اثر نصراله منشی را به‌خط نستعلیق و در سال ۱۲۸۸ نگاشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۰۱).

آشتیانی، حیدر (زندگی ۱۱۷۶ خ)، فرزند میرزا محسن، در زمان سلطنت پادشاهان زند، در دستگاه دولتی ترقی کرد و بر اثر لیاقتی که نشان داد، مستوفی‌الممالک زندیه شد. پس از انقراض زندیه به دربار قاجار راه یافت و مدت‌ها مشیر و مستوفی آنان بود (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۲۷۰).

^۱. او پدر میرزا هدایت‌اله وزیردتر بود.

آشتیانی، خلیل (زندگی ۱۰۵۳ خ) فرزند بهاءالدین، در سال ۱۰۵۳ با سمت خوشنویس مراحل الارواح تألیف احمد بن علی بن مسعود را کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۰).

آشتیانی، خلیل (زندگی ۱۲۱۸ خ)، فرزند محمد، با سمت خوشنویس کلیات سعدی را در سال ۱۲۱۸ به خط نستعلیق به نگارش درآورده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۰).

آشتیانی، درویش علی (زندگی ۱۰۴۲ خ)، فرزند مراد آقاشاه، که بیشتر با عناوین بیگ، کلب و درویش شناخته می‌شود، در سال ۱۰۴۲ بخشی از املاک خود را وقف کرد. این خوشنویس، کتاب القصاص والدیات در فقه و به فارسی را به خط نستعلیق به نگارش در آورده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۲۷).

آشتیانی، ذوقی (قرن ۱۱)، از هنرمندان خوشنویس است که «خلاصه المنهج» به فارسی و در موضوع تفسیر را در قرن یازدهم به خط نستعلیق نگاشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۰).

آشتیانی، ذوالفعلی (۱۱۷۰ خ)، فرزند محمدصادق، از هنرمندان خوشنویس که یک نسخه کامل قرآن مجید و مشکاه الانوار را در سال ۱۱۹۱ و ۱۱۹۶، کتابت کرده و در سال ۱۲۱۳، هم صحیفه سجاده را به قلم نسخ معرب به نگارش درآورده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۱).

آشتیانی، رضا (زندگی ۱۲۶۴ خ)، فرزند میرزا محمدعلی، از نقاشان و صورتگران دوره قاجار است و طرح تابلو فرش با تصویر ناپلئون بناپارت سوار بر اسب و نیز تمثال میرزا یوسف مستوفی الممالک از آثار اوست. برخی از آثار این نقاش مشهور در کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شود (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۳۰).

آشتیانی، رضا (۱۱۹۵ خ)، هنرمند خوشنویس قرن سیزدهم، دیوان ناصر خسرو را برای میرزا حسین مستوفی الممالک در سال ۱۲۱۴ تحریر کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۱).

آشتیانی، رضا (۱۳۳۳ خ)، بازیگر، مجری طرح و تهیه‌کننده تلویزیون و سینماست. این سینماگر که مدرک کاردانی راه‌وساختمان دارد، پس از گذراندن دوره یک‌ساله بازیگری در دانشکده هنرهای دراماتیک دانشگاه تهران، فعالیت خود را در سینما آغاز کرد و با بازی در فیلم انفجار ساخته ساموئل خاچیکیان وارد سینما شد و با عقابها ادامه داد و تا امروز سابقه بازیگری در ده‌ها فیلم و سریال را دارد.



آشتیانی، رضا (۱۲۹۹ خ)، معروف به رضاخان و ملقب به دبیرالوزاره، از سال ۱۳۱۸ به‌عنوان کارگزار، به‌خدمت وزارت خارجه درآمد. عضویت در اداره تذکره و نیابت کارگزاری قزوین از دیگر مسوولیت‌های اوست (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۰۴).

آشتیانی، رضا (زندگی ۱۲۶۴ خ)، فرزند آقا میرزا طاهر، از مستوفیان دستگاه میرزا یوسف مستوفی الممالک بود که به خالصجات و رقبات مستوفی در آشتیان رسیدگی می‌کرد و به سبب وابستگی به صدراعظم از قدرت و مکنت برخوردار بود^۱ (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۰۴).

آشتیانی، رضا (زندگی ۱۲۷۵ خ)، معروف به معتمدالملک، فرزند تقی، در **آشتیان** می‌زیسته و در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه و پس از آن به‌عنوان کارگزار به‌خدمت دولتی اشتغال داشته است.

آشتیانی، رضی (قرن ۱۳)، در سده سیزدهم هجری، جامع‌التواریخ تألیف خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی را به‌خط نستعلیق، نگارش کرده و خوش‌نویس ماهری بوده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۱).

آشتیانی، رضاقلی (زندگی ۱۲۲۴ خ)، فرزند محمدصادق، خوشنویسی که کتاب حدیقه‌الشیعه مقدس اردبیلی را در تاریخ ۱۲۲۴ در مراغه، برای میرزا آقاجانی به‌نگارش درآورده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۱).

آشتیانی، رکن‌الدین (۱۲۹۲-۱۳۵۷ خ)، فرزند میرزا ابراهیم، از نوادگان میرزا حسن آشتیانی در تهران به‌دنيا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی، از دانشگاه تهران لیسانس علوم‌سیاسی گرفت و پس از مدتی کارمندی در وزارت دارایی و وزارت خارجه، در سمت‌های مختلفی از جمله سفیر ایران در (فلسطین، برلین و پاریس)، منشی وزارت خارجه، رئیس اداره اطلاعات، کنسول ایران در هامبورگ و نیز وزیرمختار در کشورهای (اردن، لبنان، الجزایر و مراکش) خدمت کرد (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

آشتیانی، زین‌العابدین (۱۲۶۲-۱۳۳۳ خ)، فرزند محمدرفیع‌خان ملقب به معتمدالایاله، یک دهه نایب‌الحکومه آشتیان، فراهان، خلجستان و گرگان را در اختیار داشته و مانند پدرش و تنی چند از رجال مطرح آن دوره مانند سردار اجلال، ساعدالدوله و... مورد تقدیر قرار گرفته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۰۸).



آشتیانی، زین‌العابدین (زندگی ۱۲۰۲ خ)، فرزند نورمحمد، هنرمند خوشنویسی که کتاب انوار سهیلی تألیف حسین کاشفی (۸۸۳) در موضوع ادبیات را به‌فارسی و در سال ۱۲۰۲ به خط نستعلیق تحریر کرده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۲).

آشتیانی، سلیمان (قرن ۱۳)، از کارگزاران و عزب‌دفتران دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۰۹).

آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۲۲ خ)، فرزند میرزامهدی، نویسنده توانایی در دین‌شناسی تطبیقی و عضو مؤسسان نهضت سوسیالیست خدایپرست بود. ایشان هم‌چنین طراح و مهندس ساختمان و مقاطعه‌کار طرح‌های

^۱. میرزا تقی سالارموتمن که در سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۰ در اداره مالیه تهران انجام وظیفه می‌کرد، فرزند اوست.

دولتی هم‌چون مجلس سنا بوده است. ایده‌آلی بشر و ماتریالیسم، زرتشت، مدیریت نه حکومت، مزدیسنا و حکومت و نیز تحقیقاتی در دین یهود و مسیح از آثار نوشتاری اوست.

آشتیانی، سیدحسن (درگذشته ۱۳۳۳ خ)، عالم دینی دوره قاجار که در جوانی از زادگاه خویش به همدان رفت و در شهر بهار، مکتب‌خانه‌ای دایر کرد و ضمن تدریس، امام جماعت مسجد آق‌دروازه هم بود (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۱۹).

آشتیانی، شفیع (درگذشته ۱۳۳۴ خ)، فرزند آقاسی بیگ و نوه آقامحسن و برادر میرزا هادی آشتیانی، ابتدا در دستگاه عباس میرزا نایب‌السلطنه و نزد محمدعلی مایل و میرزا تقی آشتیانی (قوام‌الدوله) خدمت انشا و استیفا می‌کرد، سپس با محمدشاه قاجار به تهران آمد و مناصب ترقی را پیمود و به‌عنوان رئیس کل بودجه یا همان مستوفی‌المقب به صاحب‌دیوان شد. او در دوره محمدشاه و ناصرالدین‌شاه از رجال صاحب نفوذ بود (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۲۶).

آشتیانی، شفیع (زندگی ۱۲۱۹ خ)، فرزند محمدباقر، بر اساس فهرست کتابخانه دهگان، حاشیه معالم الاصول از خلیفه سلطان (۱۰۳۳) را به قلم نستعلیق و در اسفند ۱۲۱۹ کتابت کرده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۲).

آشتیانی، شفیع‌السلطان (زندگی ۱۲۴۳ خ)، نیابت حکوت محلی را برعهده داشته و ناصرالدین‌شاه و همراهانش را در بازگشت از عتبات در سال ۱۲۴۳، در آشتیان به‌مدت سه‌روز میزبانی کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۰۹).

آشتیانی، شکراله (قرن ۱۳)، فرزند باقرخان، مستوفی دوره سلطنت محمدشاه و ناصرالدین‌شاه بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۵۹).

آشتیانی، صادق (درگذشته ۱۲۸۴ خ)، معروف به صادق‌بیگ از صاحب منصبان دوره زندیه بود که نزد سلاطین قاجار نیز ارج و قرب داشت و در سال ۱۲۱۷ و ۱۲۱۸ برای دیدار با محمدشاه به اردوی همایونی در اصفهان و شیراز رفت و در محله‌ای که بعدها به‌نام خودش نامیده شد، حسینیه، پل و آسیاب ساخت و بدین ترتیب نامش به‌عنوان کارگزار نیکوکار در تاریخ آشتیان ماندگار شد، هر چند به سبب مخالفت با مشروطیت، توسط مشروطه‌خواهان به طرز فجیعی کشته شد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۱۳).

آشتیانی، صادق (زندگی ۱۲۵۱ خ)، از خوشنویسان آشتیانی قرن سیزدهم هجری است که خوشنویسی کتابت بخشی از تألیفات باباافضل کاشی به‌خط نستعلیق را در کارنامه دارد و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۲۶).

آشتیانی، عباس (زندگی ۱۲۲۲ خ)، فرزند محمد صادق بیگ، کتاب محرق القلوب اثر مهدی بن ابوذ نراقی را در ذکر احوال، شهادت و تعزیت ائمه معصومین و در سال ۱۲۲۲ به خط نستعلیق و به عنوان خوشنویس تحریر کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۸۹).

آشتیانی، عباس (زندگی ۱۲۷۲ خ)، فرزند ننه خانم، در اواخر حکومت ناصرالدین شاه، منشی حضور^۱ همایونی بود و در سال ۱۲۷۲ به لشکر نویسی (مستوفی) مشغول شد. احمد (معاون دفتر) و محمود متولی املاکش در آشتیان، برادران او هستند (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۵۶).

آشتیانی، عبدالجواد (زندگی ۱۲۷۵ خ)، از سر رشته داران (کارگزار) و عزب دفتران دوره ناصرالدین شاه بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۳۳).

آشتیانی، عبدالرحیم (زندگی ۱۲۱۳ خ)، فرزند محمد هاشم، هنرمندی است که دیوان امیر معزی سمرقندی (۵۰۵) را در سال ۱۲۱۳ به خط نستعلیق نگارش کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۲).

آشتیانی، عبدالرسول (زندگی ۱۱۸۸ خ)، کسی است که رساله سلوک ابناء الملوک تألیف عبدالوهاب بن علی قلی قزوینی را به خط نستعلیق و در سال ۱۱۸۸ به نگارش در آورده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۳).

آشتیانی، عبدالعظیم (زندگی ۱۲۲۹ خ)، فرزند ملا محمد علی جد بزرگ اعتصامی ها، از هنرمندان خوشنویس سده سیزدهم بود و کتابت «دره نادره» تألیف میرزا مهدی استرآبادی را در سال ۱۱۹۸ و «دیوان امیر معزی» را هم در سال ۱۲۲۹ به خط نستعلیق نگارش کرده است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۷۶).

آشتیانی، عبدالغفار (زندگی ۱۲۰۰ خ)، پسر عبدالمجید، خوشنویس اوایل قرن سیزدهم است که یک نسخه از قرآن را به قلم نسخ و ترجمه نستعلیق در سال ۱۲۰۰ کتابت و مدتی هم مستوفی و عضویت مجلس دربار را عهده دار بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۲).

آشتیانی، عبدالغنی (زندگی ۱۲۷۵ خ)، از کارگزاران دوره قاجار است که مستوفی و محاسبه نویسی دفترخانه ناصرالدین شاه بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۳۵).

آشتیانی، عبدالکریم (زندگی ۱۲۶۰ خ)، فرزند میرزا حسن، از هنرمندان خوشنویس است که وصیت نامه پیامبر به حضرت علی را در سال ۱۲۳۳، خوابه نامه را در سال ۱۲۴۰ و خلاصه الحساب علامه مجلسی را هم در سال ۱۲۶۰ به خط شکسته نسخ به تحریر در آورده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۳).

^۱ رئیس کل وظایف، مأمور ابلاغ به وزرا

آشتیانی، عبدالله (زندگی ۱۲۱۱ خ)، هنرمندی است خوشنویس که نسخه‌المعجم فی آثارملوک‌العجم را در سال ۱۲۱۱ به فارسی نگاشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۲).

آشتیانی، عبدالله (زندگی ۱۲۸۵ خ)، ملقب به بهاسلطنه، در دوره ولیعهدی و پادشاهی مظفرالدین‌شاه قاجار، در وزارت مالیه اشتغال داشت و مدتی در دفتر استیفای آذربایجان (تبریز) خدمت کرد و سپس مستوفی همایونی شد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۳۳).

آشتیانی، عبدالله (قرن ۱۳)، فرزند علی آقا (امین‌حضور)، ملقب به اعتضادحضور، مدتی در سلک کارگزاران دربار مظفرالدین‌شاه بود و در هنر خوشنویسی و نیز حساب سیاق ذوق و مهارتی شایسته داشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۳۳).

آشتیانی، عظیم (قرن ۱۳)، مشهور به عظیم‌میرزا، فرزند ملاعبدالعظیم و پدر نصرت‌اله حاج‌عظیمی (رئیس دارالفنون و رئیس اداره فرهنگ تهران)، از مشاهیر اواخر قرن سیزدهم است که به‌عنوان شاعر «دانش» تخلص می‌کرده و تفسیر حدیث حذیفه را هم به‌نظم درآورده است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۹۸).

آشتیانی، علی (۱۲۲۷-۱۲۸۳ خ)، شاعر آزاد اندیش متخلص به میکده که در دوران ناصرالدین شاه، کتاب چهارفصل میکده را نوشت و کتابی هم به نام «چرندنامه» دارد که مطایبه، غزل و رباعی است. او هم‌چنین مستوفی دیوان بوده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۲۷۶).



آشتیانی، علی (۱۲۴۷-۱۲۹۷ خ)، فرزند میرزا اسماعیل‌خان (عمادالشکر)، ملقب به

ادیب‌خلوت، از آشتیان به تبریز رفت و تحصیلات خود را در آن شهر گذراند و مورد تشویق حسنعلی‌خان گروسی (امیرنظام)، پیشکار ولیعهد آذربایجان قرار گرفت. او سپس از مظفرالدین‌شاه لقب خانی گرفت و در دارالانشاء به دبیری اشتغال یافت. در ایام انقلاب تبریز



(سال ۱۲۹۰)، به بلژیک رفت و چندی در آنجا به دبیری زبان‌های شرقی مشغول شد. این نویسنده و شاعر متخلص به «آشوب» دارای تألیفاتی است که از آن جمله‌اند: «چهارده بند از ادب»، «تبریک‌نامه»، «چهارده بند در مصیبت خامس‌آل‌عبا»، «وطنیات»، تصحیح ترجمه «نهج‌البلاغه» که اصل ترجمه آن از صالح برغانی بود. مستوفی قسمتی از املاک دولتی، پیش‌خدمتی ولیعهد، ریاست کتابخانه ملی و نیز ریاست مدرسه فیوضات هم برخی از سوابق شغلی اوست (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

آشتیانی، علی (زندگی ۱۱۷۳ خ)، فرزند محمد، از هنرمندان خوشنویس قرن دوازدهم است و نسخه‌برداری کتاب القصاص‌والدیات را به خط نستعلیق انجام داده و تاریخ پایان آن ۹ اسفند ۱۱۷۳ می‌باشد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۴).

آشتیانی، علی (زندگی ۱۲۷۹ خ)، فرزند اسماعیل (مشهور به آقاجانی عمادالکتاب)، هنرمندی است که در مقام خوشنویس نسخه ریاض‌الانشا‌خواجه عمادالدین محمد گیلانی را در سال ۱۲۷۰ و دو کتاب حسن‌ودل

و نیز عشق و روح از رضی‌الدین محمدشفیع را هم در سال ۱۲۷۹ کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۳).
آشتیانی، علی اصغر (زندگی ۱۲۷۵ خ)، ملقب به ناصرالدوله، مستوفی دوره ناصری و مدتی نیز حاکم بندرلنگه بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۴۹).

آشتیانی، علی اکبر (زندگی ۱۲۱۳ خ)، فرزند محمدربیع، شاعر و هنرمند خوشنویس که دیوان اشعارش را در سال ۱۲۱۳، به خط نستعلیق خوشنویسی کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۴).

آشتیانی، علی اکبر (زندگی ۱۲۵۲ خ)، فرزند عبدالله آشتیانی همدانی، از هنرمندان خوشنویس که رساله دفاع از شیخیه در موضوع کلام را در سال ۱۲۵۰ و نیز رساله اختیار از محمدباقر فاضل‌کوهی را در سال ۱۲۵۲ به قلم نستعلیق کتابت کرده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۴).

آشتیانی، علیرضا (قرن ۱۳)، فرزند عباس، از هنرمندان خوشنویس قرن دوازدهم و سیزدهم هجری است و از آثار او می‌توان به «قانون فارسی» اشاره کرد که در سال ۱۲۷۳ خ در تهران به صورت سنگی و در قالب خشتی در ۴۷ صفحه به چاپ رسیده است. «فرسنامه» عبدالله خوانساری هم به خط زیبای علیرضا آشتیانی است که در سال ۱۳۲۲ در تهران چاپ شده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۳۷).

آشتیانی، علی قلی (زندگی ۱۲۸۵ خ)، ملقب به ناصردیوان، فرزند آقا هدایت، در وزارت وظایف دوره مظفری کارگزار بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۳۹).

آشتیانی، علی محمد (زندگی ۱۲۱۱ خ)، فرزند کربلایی آقابابا، از هنرمندان خوشنویس است که کتاب فوایدالصمدیه بهایی (۹۲۵-۱۰۰۰) را در علم نحو به زبان عربی و در سال ۱۲۱۱ در دارالسلطنه قزوین به تحریر درآورده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۴).

آشتیانی، غلامحسین (زندگی ۱۲۵۹ خ)، فرزند میرزا عباس، خوشنویسی که رساله چهارم و ششم عرفان (به فارسی) را در سال ۱۲۵۹ کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۵).

آشتیانی، غلامحسین (زندگی ۱۳۰۴ خ)، ملقب به انتخاب‌لشکر، فرزند شکراله‌خان، کارگزار و صاحب منصب عالی‌رتبه اواخر دوره قاجار و اوایل سلطنت پهلوی بود که پس از پایان تحصیلات نظامی و فراگیری فنون مربوطه، به سرعت مدارج عالی را گذراند و از افسران کارآمد آن دوره شد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۶۱).

آشتیانی، فتحعلی (زندگی ۱۲۹۷ خ)، از منشیان خوشنویس دوره ظل‌السلطان است که به دستور او منتخب اشعار مسعودی را به خط نستعلیق دست‌نویس کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۵).

آشتیانی، فضل‌اله (زندگی ۱۲۲۶ خ)، فرزند میرزا کاظم مستوفی‌الممالک، مستوفی و از مقربان سلاطین قاجار بویژه محمدشاه بود (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۲۷۸).

آشتیانی، فضل‌اله (زندگی ۱۲۶۶ خ)، عالم دینی، از قضات دیوان عالی کشور در دوران پهلوی و از

شاگردان آقا محمدرضا قمشه‌ای، میرزا ابوالحسن جلوه و آقا علی مدرّس طهرانی زنوزی (۱۲۶۶) بوده است. **آشتیانی، کاظم** (درگذشته ۱۱۷۵ خ)، فرزند میرزا محسن و جد میرزا یوسف مستوفی الممالک، در زمان کریم‌خان زند مقام استیفای کل یافت و پس از تاج‌گذاری آقا محمدخان قاجار، وزیر محاسبات و مستوفی الممالک شد. او در سال ۱۱۷۵ زمانی که در رکاب آغامحمدخان برای فتح قلعه شوشی به قره‌باغ رفته بود، به شهادت رسید (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۸).

آشتیانی، کمال‌الدین (قرن ۱۰)، فرزند شاهسوار، از بزرگان و کارگزاران اواخر قرن دهم و از صاحب منصبان صفویه بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۶۱).

آشتیانی، محسن (۱۲۳۰ خ)، فرزند میرزا هادی طبیب‌آشتیانی، مدتی سر رشته‌داری توپخانه را عهده‌دار بود و همچنین به‌عنوان خوشنویس نسخه خطی جنگ را در سال ۱۲۵۰ به‌خط نستعلیق نگاشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۹).

آشتیانی، محسن (زندگی ۱۲۹۷ خ)، فرزند میرزا اسماعیل، از هنرمندان خوشنویس قرن چهاردهم که نسخه خطی جنگ، کتابت شده در سال ۱۲۹۷ به‌خط شکسته نستعلیق به وی منسوب است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۵).

آشتیانی، محسن (زندگی ۱۴۰۲ خ)، فرزند دکتر جوادخان و نوه میرزاهاشم (میرزای بزرگ)، استاد و پژوهشگر مطالعات اسلامی، دانش‌آموخته ادبیات فارسی و تاریخ در دانشگاه‌های سنت‌اندروز، آکسفورد، منچستر و کالیفرنیاست. ایشان همچنین دوره‌های تحصیلات عالی مقطع کارشناسی تا دکتری و فلوشیپ تخصصی را هم در دانشگاه هاروارد و پرینستون در رشته مطالعات ایرانی گذراند و به‌عنوان نویسنده به‌عضویت هیأت تحریریه دانشنامه ایرانیکا و نیز استاد دانشگاه کلمبیا در بخش مطالعات ایرانی درآمد و پس از فوت زنده‌یاد احسان یارشاطر و به وصیت ایشان به‌عنوان سروراستار ایرانیکا انتخاب شد. او همچنین ویرایش ترجمه تاریخ بیهقی که توسط یک ایران‌شناس انگلیسی انجام شده را بر عهده داشته است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۵۶).



آشتیانی، محسن (قرن ۱۲)، از بزرگان و دارای خانواده اصیل و به‌عنوان یک شخصیت برجسته و رفتارهای پسندیده به آقا معروف شده بود. کریم‌خان در دوران سلطنت نادرشاه چند روز در آشتیان مهمان وی بوده و مورد حمایت او بود و پس از به‌قدرت رسیدن، پیکری روانه آشتیان کرد و فرزندان آقامحسن را به دارالحکومه فرا خواند و کاظم، هاشم و آقاسی را به میرزا، خان و بیگ ملقب کرد و هریک در عرصه استیفا، سیاست و علم، ترقی کردند و این سرآغازی بود بر ترقی بسیاری از افرادی که بعدها به دولت‌مردان آشتیانی مشهور شدند (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).



آشتیانی، محمد (۱۲۲۹ خ)، فرزند عبدالله، از هنرمندان خوشنویس قرن سیزدهم و در زمان ناصرالدین‌شاه

سمت مستوفی داشت. او دیوان امیرمعزی به خط شکسته نستعلیق، کلیات سعدی به خط نستعلیق، صحایف الاعمال از حیدر بن نعمت‌اله طبسی، دیوان انوری و پنج‌گنج حکیم نظامی‌گنجوی را از سال ۱۲۰۰ تا ۱۲۱۵ به قلم نستعلیق و به نام فتح‌علی‌شاه کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۵).

آشتیانی، محمد (۱۲۳۰ خ)، شاعر متخلص به «شمیم» که در اوایل سده سیزدهم هجری می‌زیسته است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۸۶).

آشتیانی، محمد (زندگی ۱۱۷۶ خ)، فرزند محمد، از هنرمندان خوشنویس سده سیزدهم است که لوايح القمر (نجوم)، اختیارات ایام (نجوم) و فوایدی در احکام نجوم را در سال ۱۱۸۲ و نیز تحفه نظامیه، چهل فصل، شرح سی فصل و نیز هیأت در سال ۱۱۷۶ را در اصفهان نگاشته است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۷۰).

آشتیانی، محمد (زندگی ۱۱۹۶ خ)، فرزند محمدحسین، هنرمند خوشنویسی که در اول خرداد سال ۱۱۹۶، نسخه ابواب‌الجنان، در موضوع اخلاق را به فارسی نگاشته است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۸).

آشتیانی، محمد (زندگی ۱۲۱۷ خ)، فرزند نوراله، کاتب و خوشنویس قرن سیزدهم که دیوان ناصر خسرو مروزی را به خط نستعلیق و در سال ۱۲۱۷ در آشتیان به نگارش درآورده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۷).

آشتیانی، محمد (زندگی ۱۲۲۵ خ)، فرزند محمدعلی، از هنرمندان خوشنویس نسخه سیره‌النبی تألیف ابومحمد عبدالملک بن هشام حمیری (۲۱۲)، را به خط نسخ عالی و در سال ۱۲۲۵ تحریر کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۷).

آشتیانی، محمد (زندگی ۱۲۴۹ خ)، فرزند یوسف، از هنرمندان خوشنویس که نسخه «مواهب علیه» در موضوع تفسیر اثر کمال‌الدین حسین بن علی کاشفی به فارسی را در سال ۱۲۴۹ به رشته تحریر در آورده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۷).

آشتیانی، محمد (زندگی ۱۲۷۵ خ)، فرزند عبدالله، مستوفی دوره ناصری بوده و در مقام کاتب دست نوشته‌هایی دارد که عبارتند از: نسخه خطی تحفه الن به خط شکسته نستعلیق، دیوان امیرمعزی به خط شکسته نستعلیق، صحایف‌الاعمال از طبسی و برخی آثار دیگر.

آشتیانی، محمد (زندگی ۱۲۹۳ خ)، فرزند غلامحسین، کتاب صرف که به دستور فاضل تونی تحریر شده بود را در سال ۱۲۹۳ و در مقام خوشنویس به خط نستعلیق کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۶).

آشتیانی، محمد (قرن ۱۴)، مشهور به خرابی، از کاتبان و خوشنویس قرن چهاردهم است که دیوان فوقی از فوق‌الدین احمد یزدی را به خط شکسته نستعلیق نگاشته است. وی هم‌چنین قریحه شعری داشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۶).

آشتیانی، محمد اسماعیل (زندگی ۱۲۵۸ خ)، کاتب و خوشنویس قرن سیزدهم، کتاب جامع‌التمثیل تألیف

محمدعلی حبل‌رودی را در سال ۱۲۳۸ نگاشته و رساله شیخ و وزیر را هم به خط شکسته نستعلیق و در سال ۱۲۵۸ به تحریر درآورده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۹).

آشتیانی، محمدباقر (۱۲۸۴-۱۳۶۲ خ)، فرزند علامه میرزا احمد، از علمای معاصر و بزرگ خاندان آشتیانی است. او پس از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۰۱، به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر مشکینی، آقاضیاءالدین، آیت‌اله اصفهانی و نایینی شاگردی کرد. او سپس به تهران بازگشت و در مدرسه مروی به تدریس معقول و منقول پرداخت. آثار این عالم دینی عبارتند از: کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب الصوم، کتاب القضاء، تعلیقاتی بر فراید، تعلیقاتی بر حج جواهر، رساله در احیاء الموات، رساله در احکام و اقسام آب‌ها و ده‌ها اثر دیگر (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۲۳۳).
آشتیانی، محمدباقر (زندگی ۱۱۶۴ خ)، فرزند محمدعلی، از کاتبان و خوشنویسان قرن دوازدهم است کتابت دو قسمت از مجموعه شماره ۱۰۹ مجلس را از سال ۱۱۶۰ تا ۱۱۶۴ به انجام رسانده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۹).



آشتیانی، محمدباقر (زندگی ۱۲۲۳ خ)، فرزند کربلایی حسین، از هنرمندان خوشنویس قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم است که در سال ۱۲۲۳ کتاب نصاب الصبیان ابونصر فراهی در لغت را به خط نستعلیق و در دارالخلافة تبریز کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۰).

آشتیانی، محمدباقر (زندگی ۱۲۳۳ خ)، فرزند محمدجعفر، مقدمات و فنون ادب را نزد بزرگان روزگار آموخت و فقه و اصول و حدیث را نزد محمدصالح برغانی حائری و فلسفه و عرفان و منطق را هم نزد حکمی قزوینی فرا گرفت. این نویسنده خوشنویس کتاب نثراللالی حاوی سخنان امام علی به خط نستعلیق را در سال ۱۲۳۳ نگاشته و رسائل، توضیح‌المنطق، رسالات، حدوث‌العالم و عرفانیه هم از دیگر آثار مکتوب اوست (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۷۲).

آشتیانی، محمدباقر (زندگی ۱۳۰۴ خ)، فرزند محمدصادق خان (صادق‌لشکر)، در زمان احمدشاه، مشاغل نظامی را عهده‌دار بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۷۲).

آشتیانی، محمدباقر (قرن ۱۳)، فرزند محمدمهدی، هنرمند خوشنویس از جمله کاتبان قرن سیزدهم است که نسخه ایضاح‌المنطق دست نوشته اوست (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۰).

آشتیانی، محمدباقر (زندگی ۱۲۵۶ خ)، فرزند محمدحسین شیرازی نجفی آشتیانی، در کسوت هنرمند خوشنویس، کتاب سراج‌المنیر تألیف کاشف شیرازی در اخلاق به فارسی را در سال ۱۲۵۶ و به خط شکسته نستعلیق در آشتیان تحریر کرده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۹).

آشتیانی، محمدتقی (۱۲۳۶ خ)، فرزند میرزا محمدرضا (بیان‌الملک)، از شاعران و خوشنویسان دوره قاجار

است که مدتی از منشیان ظل‌السلطان بود. این شاعر خوشنویس ابتدا افسر تخلص می‌کرد، ولی در ادامه متخلص به «بیدل» شد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۷۵).

آشتیانی، محمدتقی (۱۲۵۷ خ)، سخن‌سرا و ادیب اواخر محمدشاه و اوایل ناصرالدین‌شاه است که غزلیات و قصاید شیوا و دلکشی سروده و در خوشنویسی مهارت فراوان داشته و نسخه خطی منشآت شامل نامه‌های دوستانه و مطایبه از جمله کارهای اوست. او در فوج مظفر مراغه و در جنگ مرو به مدت یک‌سال اسیر ترکمانان بوده و دیوان ۴۰۰۰ بیتی این شاعر متخلص به «فائق» در همین واقعه از بین رفته است. وی همچنین در بخارا توسط شاه‌رخ‌خان پسر ابراهیم‌خان قاجار آزاد شده و در خدمت او قرار می‌گیرد. بعد از قتل شاه‌رخ‌خان، فایق در سلک یاران محمدشاه (وزیر بخارا) قرار گرفته و ۸ سال در خدمت او می‌ماند و در این ایام قصایدوغزلیاتی می‌سراید (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۷۴).

آشتیانی، محمدتقی (درگذشته ۱۲۲۶ خ)، مشهور به قوام‌الدوله، فرزند هاشم، از رجال و اعضای یکی از مهمترین خاندان‌های دیوانی ایران و نوه میرزا محسن آشتیانی، مالک قدرتمند آشتیان در عصر کریم‌خان زند و پسرعموی میرزا محمدعلی آشتیانی و میرزا حسن آشتیانی بود که در دوره فتحعلی‌شاه به مقام مستوفی‌الممالکی رسیده بودند. میرزا محمدتقی‌خان، خدمت خود را در دربار فتحعلی‌شاه آغاز کرد و پس از پیروزی ایران بر عثمانی در جنگ سال ۱۲۰۰، برای عقد معاهده صلح به ارزنة‌الروم رفت و چندی بعد به لقب قوام‌الدوله مفتخر شد و به وزارت کرمانشاه و فارس رسید. حسن وثوق و احمد قوام از رجال سیاسی نامدار دوران قاجار و پهلوی از نوادگان او هستند (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۷).

آشتیانی، محمدتقی (زندگی ۱۲۳۶ خ)، فرزند محمدکریم، از هنرمندان خوشنویس متخلص به ناظم، که قرآن مجید را به‌قلم نسخ در سال ۱۲۳۶ به نگارش درآورده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۴۰).

آشتیانی، محمدتقی (زندگی ۱۲۵۷ خ)، فرزند ملاعبدالعظیم، کاتب و دانشمند قرن سیزدهم است که سرورالمؤمنین اثر میرزاهادی شریف‌نایینی، چهار مقاله عروضی، دیوان امیرمعزی، دیوان ناصرخسرو قبادیانی، کلیات قآنی و نیز حاشیه انوارالتنزیل اثر نگارشی این هنرمند خوشنویس است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۷۷).

آشتیانی، محمدتقی (زندگی ۱۲۶۵ خ)، فرزند رضاقلی، از هنرمندان خوشنویس که مجموعه جواهرالعقول فی‌المناظره بین‌الفاروالسنور اثر جمال‌الدین محمدبن حاجی محمد فراهانی و سؤالات پنج‌گانه شمس‌الدین صاحب دیوان از سعدی و نصیحه‌الملوک را به خط نستعلیق و در سال ۱۲۶۵ کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۰).

آشتیانی، محمدجعفر (زندگی ۱۲۱۷ خ)، فرزند میرزامحمدصادق، از نام‌آوران خوشنویس قرن سیزدهم که وافیة‌الاصول عبدالرزاق لاهیجی، القوانين‌الحکمة ابوالقائم گیلانی‌قمی و نیز لسان‌الذاکرین میرزاابوالحسن

شریف را در سال ۱۲۱۶ و ۱۲۱۷ کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۱).

آشتیانی، محمدحسن (۱۲۱۱-۱۲۸۰ خ)، معروف به میرزا حسن، فرزند میرزا جعفر، از بزرگترین علمای وقت، تحصیلات مقدماتی را در **آشتیان** گذراند و در بروجرد نزد علامه اسداله بروجردی شاگردی کرد و در نجف اشرف از مجلس درس انصاری بهره برد. این عالم دینی در مسأله تحریم تنباکو به اتفاق میرزای شیرازی، مردم را بر علیه قاجار بسیج کرد. از ۱۷ اثر این نویسنده دینی حاشیه بر رسایل شیخ انصاری، فی الاجتماع الامروالنهی، بحرالنفوس فی شرح الفرائد، رساله فی الجزاء، کتاب القضاء والشهادات، کتاب الوقف، کتاب الاجاره، کتاب الرهن، احیاء الموات و کتاب الخمس را می توان نام برد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۲۳۵).



آشتیانی، محمدحسن (زندگی ۱۱۶۸ خ)، فرزند محمدکاظم، کاتب و خوشنویس قرن سیزدهم که حدیقه الشیعه را در سال ۱۲۲۳، به خط نستعلیق تحریر کرده و قبله الافاق از رضی الدین قزوینی و دیوان امیرمعزی را در سال ۱۱۶۸ نگاشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۲).

آشتیانی، محمدحسن (زندگی ۱۲۱۷ خ)، فرزند علی حسین، خوشنویس و فاضل قرن سیزدهم که مدتی از عمر خود را در دارالسلطنه قزوین و اصفهان به منشی گری و کتابت گذراند و با محمدیوسف قزوینی کاتب مشهور دوستی دیرینه داشت. او زینت السالک، نهایه المرام، کتاب میر در شرح جامی و قواعد المنطقیه را در سال های ۱۱۸۹، ۱۲۱۵ تا ۱۲۱۷ کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۳).

آشتیانی، محمدحسن (زندگی ۱۲۷۰ خ)، فرزند یوسف، منشی دربار و از هنرمندان خوشنویس دوره قاجار که کتاب تاریخ «حیات فوبلاس» را در سال ۱۲۷۰ در ۲ جلد و به خط شکسته نستعلیق و برای ظل السلطان نگاشته است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۳۵).

آشتیانی، محمدحسن (قرن ۱۳)، فرزند ابوالقاسم، ملقب به «معین دفتر»، ادیب، نویسنده، کاتب و خوشنویس دوره ناصری است که کتاب درر الفصایل (در منقبت امامان) را به نام ناصرالدین شاه و ولیعهد تألیف کرده و نیز فرهنگ مظفری را هم به فارسی و با خط زیبای نستعلیق و در سه جلد کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۷۸).

آشتیانی، محمدحسین (زندگی ۱۱۸۲ خ)، فرزند محمدمؤمن، از هنرمندان خوشنویس که نسخه خلاصه الطائف الکرام فی احکام الاعوام تألیف محمدابن الحسن (منجم قرن ۹) را خلاصه کرده و نسخه احکام الاعوام از علی شاه بخارایی را هم در سال ۱۱۸۲ به نگارش درآورده و هم چنین نسخه ارشادالقاری از مصطفی بن ابراهیم قاری تبریزی را هم به خط نستعلیق نگاشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۶۵).

آشتیانی، محمدحسین (۱۲۴۷ خ)، فرزند میرزا هدایت اله وزیردفتر، در اواسط سال ۱۲۵۸ به نیابت وزارت

دفتر منصوب شد^۱. بعد از وفات میرزا هدایت‌اله وزیردفتر در سال ۱۲۷۱، به وزارت دفتر رسید. بامداد صاحب رجال می‌نویسد «میرزا محمدحسین با پدرش خیلی تفاوت داشت و با این که مدیر درست‌کاری بود، ولی چندان مستقل نبود و تحت تأثیر امین‌السلطان میرزا علی‌اصغر خان صدراعظم بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۲). **آشتیانی، محمدحسین** (۱۲۸۶-۱۳۳۱ خ)، فرزند میرزا مصطفی خان (اکرم‌الملک) در تبریز به دنیا آمد. او پس از تحصیلات به استخدام اداره تأمینات تبریز درآمد. او هم‌چنین خوشنویس، شاعر و نوازنده تار بوده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۵۸).

آشتیانی، محمدرضا (۱۳۱۹ خ)، فرزند عباس، در سال ۱۳۳۸ و بعد از سپری کردن دوران مقدماتی، به حوزه قم رفت و نزد آیت‌اله مکارم شیرازی، علی‌پناه اشتهاردی و محمد فاضل لنکرانی شاگردی کرد. او در سال ۱۳۵۱ با عده‌ای از علما از جمله مکارم شیرازی گروهی را تشکیل دادند که هدفشان توضیح و تفسیر قرآن کریم بود و سرانجام ۲۷ جلد کتاب در تفسیر قرآن به نام تفسیر نمونه ارائه کردند. از آثار دیگر این عالم دینی می‌توان ترجمه و شرح بر نهج‌البلاغه، تفسیر موضوعی پیام قرآن، عقاید را چگونه تدریس کنیم و ده‌ها اثر دیگر را نام برد. ریاست دانشگاه پیام نور و دو دوره نمایندگی مجلس از طرف مردم قم از سوابق اجرایی اوست (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۷۸). **آشتیانی، محمدحسین** (زندگی ۱۱۸۴ خ)، فرزند محمدمهدی، ترجمه نیک‌بختیه از محمود بن میرزا در موضوع دعا به فارسی را در سال ۱۱۸۴ و در سمت خوشنویس به خط نستعلیق نگاشته است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۴۳).

آشتیانی، محمدرضا (زندگی ۱۲۲۳ خ)، فرزند ملاحبیب‌اله، از هنرمندان خوشنویس است که نسخه فواید‌الصمدیه فی علم‌العربیه در نحو به فارسی و عربی و رساله کبری در منطق را در سال ۱۲۲۳ به خط نسخ و نستعلیق کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۷۸).

آشتیانی، محمدرضا (قرن ۱۳)، ملقب به بیان‌الدوله در آذربایجان تحصیل کرد و در تفسیر و حدیث تبحر یافت و به تهران رفت. او در دارالخلافه تهران به سمت وزارت رسید. این شاعر سیاستمدار در شعر «دانش» تخلص می‌کرد و خوشنویس ماهری هم بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۷۹).

آشتیانی، محمدرضی (زندگی ۱۲۰۳ خ)، فرزند محمدحجیم، از هنرمندان خوشنویس و کاتبان قرن دوازدهم، دیوان انوری را در سال ۱۱۹۳ تحریر کرد و در سال ۱۲۰۳ نیز کتاب تجزیه‌الامصار و تجزیه‌العصار تألیف شهاب‌الدین یزدی را به خط نستعلیق و نسخ نگاشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۴).

^۱. پدرش هم از سال ۱۲۵۲ همین سمت را داشته است.

آشتیانی، محمدرفع (زندگی ۱۲۹۴ خ)، ملقب به معتمدالایاله از سال ۱۲۶۳ تا ۱۲۹۴ نایب‌الحکومه محلی آشتیان، گرکان، خلجستان و فراهان بود و ابتدا از افسران قشون فارس و سپس مستوفی‌گری پیشه کرد و به‌خاطر دقت در انتظام امور حکومتی، بارها مورد تشویق قرار گرفت (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۸۰).

آشتیانی، محمدرفع (قرن ۱۳)، فرزند محمد، از هنرمندان خوشنویس است که در اوایل قرن سیزدهم و به‌درخواست میرزا محمد (دایی‌اش)، کتاب انیس‌الغافلین تألیف میرقاری گیلانی در اخلاق را به‌خط نسخ دست‌نویس کرده است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۱۶۸).

آشتیانی، محمدسعید (زندگی ۱۱۴۹ خ)، فرزند محمدرضی، از هنرمندان خوشنویس و کاتبان قرن دوازده، نسخه‌ای در قالب مجموعه مرثیه به‌دو قلم نظم و نثر و تحریری و نستعلیق، در بیان احوالات و مصائب کربلا را در سال ۱۱۴۹ کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۴).

آشتیانی، محمدصادق (زندگی ۱۱۷۵ خ)، فرزند محمدمحسن آشتیانی‌قمی‌فاطمی، از هنرمندان خوشنویس است که دیوان حافظ (نسخه شماره ۸۵۶ مرکز احیا) را به‌قلم نستعلیق و در سال ۱۱۷۵ کتابت کرد و این نسخه زمانی در تملک ابراهیم بن میرزا احمد منشی آشتیانی بوده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۴۴).

آشتیانی، محمدصادق (زندگی ۱۲۱۷ خ)، فرزند میرزا جعفر، از هنرمندان خوشنویس قرن سیزدهم آشتیانی است که شرح دیوان انوری اثر میرزا (۱۰۰۹) را در سال ۱۲۱۷ به‌خط نستعلیق کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۵).

آشتیانی، محمدصالح (درگذشته ۱۲۲۰ خ)، فرزند محمداسماعیل، از هنرمندان خوشنویس قرن سیزدهم است که یک نسخه کامل از قرآن کریم را در تاریخ ۱۲۰۸ به‌خط نستعلیق نوشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۶).

آشتیانی، محمدصالح (زندگی ۱۰۲۸ خ)، فرزند حیدر، از هنرمندان خوشنویس قرن یازدهم، پنج‌گنج نظامی را در سال ۱۰۲۸ به‌خط نستعلیق کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۶).

آشتیانی، محمدعلی (۱۲۶۰-۱۳۴۵ خ)، این شاعر متخلص به «پروین» و مشهور به پروین میرزای آشتیانی در تبریز به‌دنیای آمد و خانه‌اش بر اثر تبادل آتش بین مشروطه‌خواهان و مستبدین تخریب شد و همسرش را از دست داد. او که سمت مستوفی داشته و از خط زیبایی هم برخوردار بود، بر ادبیات فارسی و عربی مسلط بود و حکمت، منطق و بیان را هم از آشتیانی‌های تبریز آموخت و به روزنامه‌نگار و نویسنده‌ای توانا تبدیل شد. تنها اثر مکتوب پروین‌میرزا، منظومه «در خوشاب» نام دارد که دارای ۲۱ هزار بیت است که تاریخ مشروطیت آذربایجان را به زبان شعر سروده است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۱۶).

آشتیانی، محمدعلی (۱۲۶۲-۱۳۱۵ خ)، فرزند رضا کفاش و بانو فاطمه بیگم، در قم علوم مقدماتی را همراه با قواعد خطنویسی فرا گرفت و به عنوان خوشنویس در خط نستعلیق به درجه استادی رسید. او علاوه بر مکتب‌داری، تحریرات، معاملات و عقود را هم انجام می‌داد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۸۳).

آشتیانی، محمدعلی (درگذشته ۱۰۲۹ خ)، شاعر متخلص به «بلبل» و از مستوفیان دربار صفویه که در علوم، فنون و ادب مشهور بود. او در حدود سال ۹۶۶ و در زمان شاه‌عباس یکم، در اصفهان منصب استیفا داشت. منظومه عاشقانه «شریفه‌وبلبل» که حدود ۲۰۰۰ بیت به‌گوش محلی است، از سروده‌های این مستوفی شاعر است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۸۴).

آشتیانی، محمدعلی (درگذشته ۱۲۱۰ خ)، فرزند میرزا کاظم و برادر میرزا حسن مستوفی‌الممالک دوم، مستوفی مخصوص نایب‌السلطنه و شاعر دوره عباس‌میرزاست که «مایل» تخلص می‌کرد. او در سال ۱۲۰۱، مأمور بستن عهدنامه صلح با دولت عثمانی بود که به ارزنه‌الروم مشهور است. وی که بر ادبیات، حساب، عروض، حکمت و فقه و اصول تسلط داشت در دیوان عباس‌میرزا سمت وزارت‌جنگ داشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۳۳).

آشتیانی، محمدعلی (زندگی ۱۱۸۲ خ)، ملقب به میرزا کوچک که به‌اتفاق قائم‌مقام از آشتیان به آذربایجان رفت. او که مستوفی دربار عباس‌میرزا نایب‌السلطنه بود، هم‌چنین در جنگ‌های ۱۱۸۲ در زمان فتح‌علی‌شاه شرکت کرد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۸۲).

آشتیانی، محمدعلی (زندگی ۱۲۰۴ خ)، فرزند محمدحسین، از هنرمندان خوشنویس که کتاب دره‌نادری تألیف میرزا مهدی‌خان استرآبادی را در سال ۱۲۰۴ کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۸).

آشتیانی، محمدعلی (زندگی ۱۲۷۲ خ)، فرزند احمد، از صحافان و کاتبان خوشنویس است که در سال ۱۲۷۲ کتاب ابواب‌الجنان را کتابت کرد و هم‌چنین تحریر رساله جنگی از میرزا نصیر طبیب اصفهانی را هم با خط شکسته نستعلیق چلیپایی در شهریور ۱۲۹۰ به پایان رسانده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۷).

آشتیانی، محمدعلی (زندگی ۱۲۸۲ خ)، فرزند یوسف، از هنرمندان خوشنویس آشتیان که کتاب مثنوی نرگسدان تألیف اسماعیل ذبیحی یزدی (۱۱۲۶) را در سال ۱۲۸۲ به‌خط نستعلیق و در دارالخلافه تهران نگاشته است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۴۷).

آشتیانی، محمدعلی (زندگی ۱۲۹۷ خ)، مشهور به منشی‌خلوت، از منشیان و هنرمندان خوشنویس قرن چهاردهم در اصفهان و دستگاه ظل‌السلطان بوده و آثاری به‌خط نستعلیق از وی موجود است که «تاریخ کاشغر»، اشعار کتاب «رموز حمزه»، «تاریخ پادشاهان انگلستان» و «تاریخ سرگذشت مسعودی» از آن جمله‌اند (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۷).

آشتیانی، محمدعلی (زندگی ۱۳۰۴ خ)، ملقب به افتخارلشکر، فرزند میرزا محمودخان، از خانواده مستوفیان آشتیانی است که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در تبریز اقامت گزیدند. وی مستوفی و سر رشته دار فوج اول خاصه در اواخر دوره قاجار به شمار می آید (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۸۲).
آشتیانی، محمدعلی (قرن ۱۳)، در سده ۱۱ هجری در اصفهان و دربار صفویان سمت مستوفی گری داشت.

آشتیانی، محمدکاظم (زندگی ۱۳۰۰ خ)، از هنرمندان خوشنویس و صاحب اثر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری است. او کتاب تاج التواریخ در حالات عبدالرحمن خان امیر افغانستان را خوشنویسی کرده که با ترجمه غلاممرتضی خان قندهاری در سال ۱۲۸۰ و قطع خشتی در مشهد به چاپ رسیده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۲۴).

آشتیانی، محمدمحسن (زندگی ۱۲۰۲ خ)، فرزند محمدصادق، از هنرمندان خوشنویس که نسخه تذکره الشعرا را در سال ۱۲۰۲ به خط نستعلیق نگاشته است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۴۷).

آشتیانی، محمدمراد (درگذشته ۱۰۹۸ خ)، فرزند درویش بن مراد، دانشمند و مفسر قرآن که خواندن و نوشتن را نزد پدر و میرزاهای محلی آموخت و به همراه خانواده ساکن قم شد. او سپس به اصفهان رفت و پس از تکمیل دانش، آوازه اش در محافل پیچید و شاگردان بسیاری در مکتب تعلیمش حضور یافتند و به تدریس و ترجمه قرآن و علوم اسلامی پرداخت. یکی از آثار مهم این عالم دینی، تفسیر صغیر قرآن است که در سال ۱۰۹۴ تألیف کرد و ترجمه قرآن کبیر به فارسی هم دیگر اثر اوست (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۸۹).

آشتیانی، محمدمهدی (زندگی ۱۲۰۳ خ)، فرزند ملاحبیب اله، از خطاطان خوشنویس قرن سیزدهم است که نسخه جوامع الجامع از تألیفات شیخ ابوعلی طبرسی (طبرشی-تفرشی) را به خط نسخ و نستعلیق و در سال ۱۲۰۳ کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۸).

آشتیانی، محمدهاشم (زندگی ۱۲۶۳ خ)، فرزند محمدجواد، از هنرمندان خوشنویس که نسخه بیاض مشتمل بر ادعیه فارسی و عربی را به قلم نسخ و نستعلیق و در سال ۱۲۶۳ به نگارش درآورده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۴۸).

آشتیانی، محمدیوسف (زندگی ۱۲۲۲ خ)، فرزند محمدابراهیم، از هنرمندان خوشنویس که نسخه ترجمه قطب شاهی را در سال ۱۲۰۳ به قلم نستعلیق نگارش کرده و دیوان ناصرخسرو را نیز در سال ۱۲۱۳ در آشتیان نگاشته و خمسه نظامی را هم به خط شکسته نستعلیق در سال ۱۲۲۲ تحریر کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۸).

آشتیانی، محمود (۱۲۳۳-۱۳۱۷ خ)، ملقب به اعتضادلشکر، فرزند میرزا محمدحسین وزیردقتر آشتیانی

(عین‌الممالک)، در اداره حسابداری وزارت لشکر، سمت لشکرنویسی داشت و مدتی در آذربایجان و چندی هم در فوج دماوند و سیستان خدمت کرد. او سپس به دفتر استیفا منتقل شد و جزو مستوفیان درآمد و به یکی از کارگزاران عالی مقام وزارت دارایی تبدیل شد. متین‌دفتری نخست‌وزیر فرزند اوست (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۲۹۳).

آشتیانی، محمود (۱۲۷۳-۱۳۱۹ خ)، فرزند میرزا مرتضی، بعد از تحصیلات مقدماتی، به نجف اشرف رفت و از محضر نایینی و حائری‌یزدی بهره برد. او در تهران هم کلاس درس میرزا هاشم اشکوری و میرزا حسن کرمانشاهی را درک کرد. تقریر بحث آیت‌اله حائری، کتاب صلوٰه در ۳ جلد، شرح و تعلیق بر دررالفواید حائری و نیز کتاب‌الاجاره از آثار نوشتاری این عالم دینی است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۳۱).

آشتیانی، محمود (زندگی ۱۲۳۷ خ)، فرزند میرزا جعفر، از فضایی قرن سیزدهم در سال ۱۲۳۷ نسخه‌ای از کتاب «قانون‌العلاج» را در سمت خوشنویس و به خط نستعلیق کتابت کرده و اکنون در کتابخانه آیت‌اله گلپایگانی در قم نگهداری می‌شود.

آشتیانی، محمود (زندگی ۱۲۷۶ خ)، ملقب به ظفرعلی‌شاه، در سمت خوشنویس وصلت‌نامه عطار نیشابوری^۱ را در سال ۱۲۷۶، برای فردی به نام اسماعیل و به خط نسخ نگاشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۱). **آشتیانی، محمود** (زندگی ۷۲۶ خ)، فرزند محمد آشتیانی اصفهانی، در سمت خوشنویس، سه رساله را به خط نسخ و در سال ۷۲۶ به نگارش درآورده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۸).

آشتیانی، محمود (قرن ۱۲)، فرزند میرزا محمدحسین، در اواخر قرن ۱۲ می‌زیسته و از بهترین خطاطان دوره خود به‌شمار می‌رفت که نستعلیق و شکسته نستعلیق را به‌خوبی می‌نوشت و هنرمندان زیادی را در این رشته پرورش داده است. این هنرمند خوشنویس مدتی هم در ارومیه به تعلیم خط، مشغول بوده و در موسیقی هم سر رشته داشته است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۳۲).

آشتیانی، محمود (قرن ۱۳)، فرزند میرزا محمدعلی (میرزا کوچک)، مستوفی دوران فتحعلی‌شاه بود و طبع شعری هم داشته است. این شاعر، پدربزرگ رعدی‌آذرخشی (شاعر معاصر) و پدر محمدعلی افتخارلشکر است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۶۵).

آشتیانی، محمودتقی (قرن ۱۳)، ملقب به عماددفتر، فرزند میرزا علی آشتیانی مستوفی، خوشنویس، نقاش و کتیبه‌نگار عهدناصری و نیز لشکرنویس فوج خوی و مراغه (آذربایجان) بوده است. وی که اندکی پس از جنگ هرات، به‌عنوان منشی همراه فوج ایرانی در جنگ مرو شرکت داشته، اسیر ترکمانان شده و خاطرات

۱. در اصل متعلق به پهلوی نامی است که عطار تخلص می‌کرده و ربطی به عطار نیشابوری ندارد.

این دوران سخت را به صورت داستانی گیرا در کتابی با نام «عبرت‌نامه» نوشته که توسط نواده ایشان استاد حسین عمادی آشتیانی تصحیح و چاپ شده که می‌توان نخستین تجربه رمان نویسی فارسی در ایران را به نام این نویسنده به شمار آورد (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۰۷).

آشتیانی، مراد (زندگی ۱۰۳۰ خ)، فرزند آقا شاه، خوشنویس قرن یازدهم، مجموعه مرعشی در اعتقادات را در سال ۱۰۳۰ به خط نستعلیق و نیز خلاصه الفواید در تاریخ از عبدالمطلب بن یحیی طالقانی را در همان سال به تحریر درآورده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۸).

آشتیانی، مرتضی (۱۲۴۲-۱۳۲۵ خ)، فرزند میرزا محمدحسن، پس از دوران مقدماتی نزد پدر، به مکه مشرف شد و سپس در نجف از محضر میرزا حبیب‌اله رشتی، میرزا حسن و سید آخوند خراسانی بهره برد و به درجه اجتهاد رسید. او در سال ۱۲۷۸ به ایران آمد و در مدرسه مروی تهران به تدریس پرداخت. او سپس در سال ۱۳۰۰ به مشهد رفت و پس از ۱۳ سال در شهر ری مقیم شد و پس از چندی دوباره عازم عتبات شد و در آنجا به تدریس پرداخت. وی هم‌چنین تألیفاتی در باب فقه و اصول، مبنای تقریرات و کتاب‌الاجاره دارد^۱ (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۵۳).

آشتیانی، مسیح (زندگی ۱۲۸۶ خ)، فرزند ملا محمدعلی، حافظ قرآن و از عالمان قرن سیزدهم است که مدتی در مدرسه علمیه تدریس می‌کرد و چندی هم اداره مدرسه علمیه و موقوفات را عهده‌دار بود. این عالم دینی، خط نستعلیق و شکسته را خوب می‌نوشت (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۱۶۳).



آشتیانی، مصطفی (۱۲۴۶-۱۲۹۷ خ)، فرزند میرزا حسن، ملقب به افتخارالعلماء، از مشروطه‌خواهانی بود که در تخریب بانک روس نقش به‌سزایی داشت و در قضیه موسیو نوز بلژیکی و تحصن در حرم عبدالعظیم هم نقش‌آفرین بود. این شاعر متخلص به «صهبا» به واسطه دوستی با علی‌اصغر خان اتابک و نفوذ پدرش در تهران، از شخصیت‌های برجسته تهران به حساب می‌آمد و در ۱۳ بهمن ۱۲۹۷ در منزلش واقع در جوار حرم عبدالعظیم ترور شد. از آثار منظوم این شاعر سیاستمدار «افتخارنامه حیدری» است که به سبک شاهنامه سروده و موضوع آن رشادتهای حضرت علی است و در حدود ۱۸ هزار بیت دارد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۹).



آشتیانی، مصطفی (زندگی ۱۲۸۵ خ)، مستوفی ولایت سبزوار در دوره ناصرالدین و مظفرالدین‌شاه بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۷۲).

آشتیانی، مصطفی‌قلی (زندگی ۱۲۳۹ خ)، از هنرمندان خوشنویس و کسی است که دیوان رودکی سمرقندی (۲۵۲-۳۱۹) را به خط شکسته نستعلیق و در سال ۱۲۳۹ تحریر کرده است (حضرتی آشتیانی،

^۱ در اواخر ماه مبارک سال ۱۳۲۳ قمری واقعه تخریب بانک روس به دستور ایشان اتفاق افتاد.

۱۳۹۹ : ۵۴۹.

آشتیانی، ملیحه (زندی ۱۳۷۰ خ)، فرزند میرزا محمدباقر، دارای لیسانس زبان و ادبیات فرانسه، فوق لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تهران و مرتبه دانشوری (D.E.A) و دکتری (P.H.D) علوم تربیتی از دانشگاه سوربن فرانسه می‌باشد. ایشان از سال ۱۳۵۴ به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه شهیدبهشتی، کارهای پژوهشی زیادی انجام داده که از آن جمله اند: «بررسی بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران (سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۲)»، «بررسی مسائل اجتماعی زنان بزهکار زندان قصر (سال ۱۳۶۰)» و «بررسی نقش تربیتی حکایات ایرانی در فرهنگ عامیانه و عالمانه (۱۳۷۰)». او هم چنین به عنوان نویسنده تألیفات زیادی دارد که «داستان‌های ایرانی به زبان فرانسه»، «تحلیل محتوا» و «تیزهوشان در مدرسه» از جمله آن هاست (حضرتی، ۱۳۹۹ : ۲۴۶).

آشتیانی، منوچهر (۱۳۰۹-۱۳۹۹ خ)، فرزند محمدحسین (عظام الدوله)، جامعه‌شناس و استاد برجسته دانشگاه و خواهرزاده نیما یوشیج و از نوادگان میرزا حسن آشتیانی است. او دوره ابتدایی را در مدرسه شاهپور تجریش و دبیرستان را در کالج البرز و دوره ششم ادبی، ریاضی و طبیعی را در دارالفنون گذراند و در سال ۱۳۲۹ به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران راه یافت. نخستین پایان نامه خود را به نام بررسی علایق و سلیق دانش آموزان به رشته‌های گوناگون به انجام رساند و رساله دیگری به نام نهضت‌های ایرانیان علیه اعراب نوشت و در جامعه‌شناسی و فلسفه دکترا گرفت. این نویسنده جامعه‌شناس از شاگردان کارل لویت و گادامر بود و آثاری چون «کارل مارکس و جامعه‌شناسی شناخت»، «جامعه‌شناسی شناخت کارل مانهایم»، «ماکس وبر و جامعه‌شناسی شناخت»، «جامعه‌شناسی شناخت (مقدمات و کلیات)»، «جامعه‌شناسی شناخت ماکس شولر»، «گفتارهایی پیرامون شناخت مناسبات اجتماعی» و نیز «درآمدی به بحران جامعه‌شناسی جهانی» را منتشر کرد (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹ : ۳۴۱).



آشتیانی، مهدی (۱۲۶۸-۱۳۳۲ خ)، فرزند میرزا جعفر، دروس مقدماتی را نزد پدر آموخت و در سن ۵ سالگی حافظ قرآن شد و فقه و اصول را از بزرگانی چون شیخ مسیح طالقانی، عبدالرسول مازندرانی و عبدالکریم لاهیجی آموخت. او هم چنین ریاضیات را نزد عبدالحسین سیبویه و میرزا غفارخان نجم الدوله، حکمت صدرا را نزد آقامیر شیرازی و اساس حکمت مشایی را نزد میرزا حسن کرمانشاهی و طب قدیم را نزد میرزا محمدحسین حکیم و میرزا ابوالقاسم نایینی و طب جدید را هم نزد علی اکبرخان ناظم الاطبا و ابوالحسن خان رئیس الاطبا فرا گرفت. وی در سال ۱۲۸۸ به عتبات رفت و در حوزه آقا سیدمحمدکاظم یزدی و یزدی طباطبائی حضور یافت و از ایشان اجازه اجتهاد گرفت. مجموع آثار این دانشمند برجسته بیش از ۷۰ عنوان است، ولی ارزشمندترین اثر وی تربیت شاگردانی است که برخی از مشهورترین آنها عبارتند از: آیت‌اله علی سیستانی، سیدجلال الدین آشتیانی، علامه محمدتقی جعفری، مرتضی مطهری، بدیع الزمان فروزانفر، آیتی، محمدرضا ربانی و... (صدیق، ۱۳۷۲ : ۱۱).



آشتیانی، موسی (درگذشته ۱۲۵۳ خ)، فرزند میرزا هادی، از رجال دوره ناصری است که در واقعه بازار قزوین (۱۲۲۹)، از خود سیاست و کفایت نشان داد، سپس از طرف امیرکبیر به استیفای کل خراسان منصوب شد. او در سال ۱۲۵۳ به‌عنوان وزیر کشور انتخاب شد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

آشتیانی، میرزا بابا (درگذشته ۱۲۱۸ خ)، فرزند میرزا کاظم و برادر میرزا حسن مستوفی‌الممالک از مستوفیان و نستعلیق‌نویسان قرن سیزدهم هجری است که در زمان فتح‌علی‌شاه سمت مستوفی کل داشته و در سال ۱۱۹۶ حکومت کاشان و ممیزی قم را عهده‌دار بوده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۲۱۵).

آشتیانی، نصراله (زندگی ۱۲۸۵ خ)، ملقب به نصیرحضور آهویی، فرزند علی‌آقا (امین‌حضور) و برادر نوراله، مدتی در سلک پیش‌خدمتان دربار مظفرالدین‌شاه بود و از مستوفیان سیاق‌نویس و منشیان او به‌حساب می‌آمد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۹۰).

آشتیانی، نصراله (زندگی ۱۳۳۶ خ)، در دوره قاجار به‌عنوان کارگزار، مسوولیت اداره باغات وقنوات دولتی را داشته و باغات شمیرانات، سرخه حصار، قصر نیاوران و قصر اقدسیه هم از وظایف وی بوده است. نسخه خطی «اکسیر وجود» را به قلم نستعلیق و به‌عنوان خوشنویس در سال ۱۳۰۷ نگاشته و نسخه دیوان ذبیحی را نیز در سال ۱۳۳۶ به‌نگارش درآورده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۱۸).



آشتیانی، نعمت‌اله (زندگی ۱۳۰۷ خ)، از کارگزاران اوایل قرن چهاردهم است که در ۱۹ آبان ۱۳۰۷ کفالت عدلیه بوشهر را عهده‌دار شد و در نواحی جنوب از اعتبار و احترام زیادی برخوردار بود و در دفاع از میهن بویژه قضیه بحرین در مقابل فشار و تهدید انگلیسی‌ها ایستاد، ولی متأسفانه برخی مهره‌های دولتی که حقوق‌بگیر انگلیس بودند وی را حمایت نکردند و ناگزیر از کار دولتی استعفا کرد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۹۱).

آشتیانی، نوراله (زندگی ۱۲۸۵ خ)، ملقب به اعتضادخلوت، فرزند علی‌آقا (امین‌حضور) و برادر نصراله، کارگزار و از پیش‌خدمتان دربار مظفرالدین‌شاه بوده و نیز در خوشنویسی و سیاق‌نویسی برجسته بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۹۲).

آشتیانی، هادی (۱۳۵۷ خ)، کار حرفه‌ای خود را از تلویزیون آغاز کرد و سال ۱۳۹۴ در برنامه «زلال سخن» به‌عنوان تهیه‌کننده فعالیت داشته است. دیگر اثر شاخص این سینماگر، برنامه «مخاطب خاص» است که تجربه خوبی برای هادی آشتیانی محسوب می‌شود.



آشتیانی، هادی (زندگی ۱۱۷۶ خ)، فرزند آقاسی بیگ و نوه آقامحسن، در اوایل سلطنت فتح‌علی‌شاه، مستوفی قزوین شد و در حضور علی‌نقی میرزا رکن‌الدوله پسر هفتم فتح‌علی‌شاه، معرفی شد و در امور استیفا از کارآمدترین مستوفیان عصر به‌شمار می‌آمد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۴۳).

آشتیانی، هاشم (۱۲۵۰-۱۳۳۹خ)، فرزند میرزا حسن، دوره جوانی را در دستگاه روحانی

پدر به رتق وفتق امور می‌پرداخت. در دوره سوم (۱۲۹۳-۱۲۹۴)، پنجم (۱۳۰۲-۱۳۰۴) و ششم (۱۳۰۵-۱۳۰۷)، نماینده مجلس شورای ملی از تهران بود. او به اتفاق سیدحسن مدرس و چند تن دیگر از رجال آزادی‌خواه مجلس، هسته اصلاح‌طلبان را بنیان نهاده و به مبارزه علیه دشمنان کشور پرداخت. ایشان یکی از امضاکنندگان بیانیه ۶ نفره مبنی بر بی‌طرفی دولت ایران در جنگ جهانی اول خطاب به احمدشاه است که در تاریخ ۷ آذر ۱۲۹۹ منتشر شد. وی که از مخالفین کودتای ۱۲۹۹ بود به دستور سیدضیاءالدین بازداشت شد. دوجلدی ابواب‌الجنان در ادعیه و «کتاب‌القضا» پدر دانشمندش از اوست (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۴۷).



آشتیانی، هاشم (زندگی ۱۱۷۶ خ)، فرزند میرزا محسن و برادر آقاسی‌بیگ از طرف کریم‌خان زند لقب خان دریافت کرد و در قسمت قشون و لشکر کریم‌خان زند ترقی کرد و به فرماندهی سپاهیان محلی مازندران در جنگ با گرجستان نایل آمد. او هم‌چنین در زمان آقا محمدخان قاجار به دربار راه یافت و به عنوان کارگزار، مشاور فتح‌الشاه بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

آشتیانی، یعقوب (درگذشته ۱۳۱۸ خ)، فرزند کربلایی رضا، در اواخر دوره قاجار و اوایل

پهلوی به‌عنوان کارگزار در اداره مالیه تبریز و اردبیل بود و نسخه «المعجم» در کسوت خوشنویس و به‌خط نستعلیق را در سال ۱۲۸۸ و رساله «اخلاق» را در سال ۱۲۸۲ به‌خط نستعلیق نگاشته است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۷۳).



آشتیانی، یحیی (زندگی ۱۲۸۵ خ)، فرزند میرزا عباسعلی، کنشگر سیاسی و از آزادی‌خواهان دوره مشروطیت بود (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۲۲).

آشتیانی، یعقوب (زندگی ۱۱۶۶ خ)، فرزند ابوالحسن، خوشنویس قرن سیزدهم است که کتاب ناصرخسرو قبادیانی را به‌تاریخ ۲۹ فروردین ۱۱۶۶ و مشارق‌الانوار رجب‌برسی را به‌خط نستعلیق به نگارش درآورده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۹).

آشتیانی، یوسف (۱۱۹۲-۱۲۶۴ خ)، معروف به آقا، فرزند میرزا حسن مستوفی که پس

از مرگ پدر در سال ۱۲۲۴، از طرف محمدشاه لقب مستوفی‌الممالک گرفت و در سال ۱۲۳۰، حکومت عراق (اراک) ضمیمه مشاغل ایشان شد. او که به‌سبب درستی‌کاری و کاردانی مورد توجه ویژه امیرکبیر بود، پس از قتل امیر گوشه‌انزوا گزید، ولی پس از عزل میرزا آقاخان نوری، ضمن بازگشت به وزارت دارایی، به‌عضویت مجلس شورای دولتی (وزیر) هم درآمد. میرزا یوسف پیش از میرزا محمدحسن (سپهسالار اعظم)، تقریباً شخص اول مملکت و مورد توجه ناصرالدین‌شاه بود و در سال ۱۲۴۶ از بازگشت از خراسان، به‌عنوان رئیس‌الوزرا انتخاب شد. در سال ۱۲۵۰ و هم‌زمان با



صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله، دربار را ترک و به آشتیان بازگشت، ولی در سال ۱۲۵۲ و بازگشت ناصرالدین شاه از اروپا، دوباره مورد لطف شاه قرار گرفت و وزارت داخله، ریاست کل دفاتر و محاسبات (وزارت دارایی)، ریاست خزانه، ریاست دارالشوری، حکومت تهران و تصدی خالصجات را عهده دار شد و وزیراعظم (نخست وزیر) نام گرفت. گسترش تهران زیر نظر او و میرزا عیسی انجام شد و معاهدات^۱ آخال با دولت روسیه و پیمان گلداسمیت با بریتانیا از اتفاقات مهم و تلخ دوران صدارت اوست که موجبات تغییرات اساسی در تمامیت ارضی ایران شد و به گونه‌ی دیگری تاریخ ساز شد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۴۹).

آشتیانی، یوسف (زندگی ۱۲۸۵ خ)، فرزند حاجی حسین، مشهور به مقرب الخاقان، سررشته دار، منشی دفتر لشکر و از کارگزاران دوره ناصری و مظفری بوده است و به دلیری و شجاعت شناخته می شده و در میان سالی از دنیا رفته است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۲۳).

آشتیانی، یونس (زندگی ۱۲۸۲ خ)، فرزند عبدالله، از هنرمندان خوشنویس که هشتمین قسمت از مجموعه مرعشی را به خط نستعلیق و در سال ۱۲۸۲ تحریر کرده و نیز در فهرست آستان قدس، تحریر کتاب وافی از فیض کاشانی به او منسوب است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۹).

آشتیانی تبریزی، اسماعیل (قرن ۱۳)، ملقب به بنان السلطنه از شعرای عصر ناصرالدین شاه قاجار و متخلص به «ثاقب» است که دیوان اشعار و مثنوی سفرنامه کرمان را در کارنامه دارد.

آشتیانی زاده، محمدرضا (۱۲۸۵-۱۳۷۷ خ)، فرزند میرزا هاشم، بعد از دیپلم به استخدام شهرداری تهران درآمد و مراحل ترقی را تا معاونت شهرداری گذراند و در سال ۱۳۲۵ وارد حزب دموکرات قوام السلطنه شد. او در دوره‌های ۱۵ و ۱۶ نماینده مجلس شورای ملی از سوی مردم ایوانکی بود. این مؤسس و دبیر جمعیت رفیقان، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از سیاست کناره گرفت (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۵۷).

آشتیانی نخعی، عبدالکریم (زندگی ۱۱۹۷ خ)، فرزند محمدحسین، کاتب و خوشنویس قرن سیزدهم کتاب خزاین الاشعار تألیف شرف الدین محمد بن محمدرضا مجذوب تبریزی را در سال ۱۱۸۸ به خط نستعلیق، کتاب جلاء العیون علامه محمدباقر مجلسی را در سال ۱۲۰۴ و حدیقه الشیعه منسوب به مقدس را هم در سال ۱۱۹۷ کتابت کرد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۶۱).

^۱ مطابق پیمان آخال میان ایران و روسیه در سال ۱۲۶۰، آسیای میانه، خوارزم، خیوه، شرق مازندران و مرو، سمرقند و بخارا شامل سرزمین ترکمنستان و بخش‌های بزرگی از تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان امروزی از ایران جدا شد و طی دو پیمان موسوم به گلداسمیت که توسط فردریک جان گلداسمیت طراحی و در سال ۱۲۴۹ و ۱۲۵۱ به تأیید ناصرالدین شاه رسید، منجر به جدایی مکران و بلوچستان در اولی و جدایی بخش‌هایی از سیستان در دومی گردید.

آشتیانی نخعی، محمدحسین (زندگی ۱۲۲۳ خ)، فرزند محمدباقر، هنرمند خوشنویس و کاتب قرن سیزدهم که نسخه نصاب الصببان اثر فراهی در لغت که به فارسی و عربی است را در سال ۱۲۲۳ در آشتیان نگاشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۶۴).

آشوری آقداشی، اسماعیل (۱۳۱۵ خ)، فرزند ملاکربلایی حسین، از طایفه بزرگ شاه محمدرلو، ملقب به مذهب، اهل روستای آقداش از توابع نوبران (**ساوه**) و از پیرغلامان امام حسین که طبع شعر بسیار قوی و استعداد بسیار در زمینه ادبیات داشت و اشعار فارسی و ترکی این شاعر در کتابی به نام «چهارده گل» منتشر شده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۶۰).



آفتابی ساوجی (قرن...)، از شاعران **ساوه** است که اطلاعات بیشتری از وی یافت نشد ولی این بیت از اوست: بیماری من چون سبب پرسش او شد/ می میرم از این غم که چرا بهترم امروز (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴).
آقا میرزا آقا (زندگی ۱۲۸۵ خ)، فرزند آقا محمدجعفر، کنشگر سیاسی و از آزادی خواهان و اعضای کمیته مشروطه طلبان **اراک** بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴).

آقابزرگی، اعظم (۱۳۴۰ خ)، فرزند غلامرضا و بانو مرحمت، با اصالت **محلاتی** در تهران بدنیا آمد. او پس از طی دوره بهیاری در شهرستان دلیجان مشغول به خدمت شد. بعد از بازنشستگی در رشته نقاشی رنگ و روغن فعالیت گسترده ای را شروع کرد و از سال ۱۳۷۳ شروع به نویسندگی کرد و تاکنون پنج عنوان کتاب نوشته که دو کتاب «پرستار شرقی» و «انتخابی دیگر» به چاپ رسیده و دو کتاب دیگر او در انتظار چاپ و یک عنوان کتاب هم در دست تألیف دارد.

آقاخان، محمود (زندگی ۱۳۲۷ خ)، فرزند حاجی استاد آهنگر، اهل روستای میچیک از توابع نوبران (**ساوه**)، از سال ۱۳۲۷ وارد شغل آموزگاری شد و همزمان دوره های خطاطی، خوشنویسی و هنرهای زیبای کشور را با درجه عالی پشت سر گذاشت. این شاعر متخلص به «صابر» هم چنین در رادیو و وزارت فرهنگ خدمت کرده و اشعاری به زبان فارسی و ترکی دارد که نمونه هایی از آن در کتاب فرهیختگان ساوه ثبت است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۷۶).

آقاخان، ساناز (۱۳۶۵ خ)، فرزند علیرضا و بانو فرزانه، تحصیلاتش را در دبستان فرهنگیان و راهنمایی ندای وحدت **اراک** گذراند و از دبیرستان عصر دانش همین شهر دیپلم گرفت. او سپس از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران فوق لیسانس روانشناسی بالینی و از دانشگاه تهران دکتری روانشناسی سلامت گرفت. آقاخان در مقام مترجم کتاب «برخورد با کودک و نوجوان سیزده جو» و نیز کتاب کار «اعتیاد جنسی» را ترجمه و منتشر کرده است.



^۱ استاد ساعت سازی، دوات گری، نجاری، قنذاق تفنگ و... بوده است.

آقاخانی، سیاوش (۱۳۶۰ خ)، فرزند علیرضا و بانو فرزانه، دوران ابتدایی، متوسطه و دبیرستان را در مجتمع آموزشی امام سجاد اراک گذراند و در رشته منابع طبیعی از دانشگاه لرستان لیسانس گرفت. او در دانشگاه علوم و تحقیقات تهران کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته اکولوژی به پایان رساند. او در دوران تحصیل خود ۲ کتاب با عناوین



«تالاب میقان، نگین طبیعت استان مرکزی» و «مقدمه‌ای بر مدیریت زیست‌بومی» نوشت و همچنین ۱۳ عنوان طرح پژوهشی مصوب، ۱۴ عنوان مقاله ISI و علمی پژوهشی چاپ شده، ۲۸ عنوان مقاله چاپ شده در همایش‌های بین‌المللی و ملی ارائه کرد. وی در سال ۱۳۷۸ فعالیت خود را در حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد آغاز کرد و ضمن پایه‌گذاری مؤسسه کیمیای سبز مرکزی به همراه سایر داوطلبان، افتخاراتی مانند کسب «جایزه ملی محیط زیست کشور»، «قهرمان تالاب‌های کشور» و جایزه ملی «صلح و محیط زیست» و ویژه تقی ابتکار را با این مؤسسه به دست آورد. «شهروند برگزیده کشور» در نخستین همایش ملی شهروند برگزیده در حوزه مشارکت‌های مردمی (۱۳۹۱)، نماینده منتخب سمن‌ها در شورای ملی توسعه و حمایت از تشکله‌ها (۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲)، پایه‌گذاری جامعه همیاران منابع طبیعی و محیط زیست استان، دیده‌بان حقوق بیماران کشور و نیز مرکز حفظ و توسعه زیست‌بوم‌های کشور (زیپاک) از دیگر سوابق اجتماعی ایشان است.

آقاخانی، علیرضا (۱۳۳۰ خ)، فرزند محمدصادق و عشرت‌بانو، تحصیلات مقدماتی را



در اراک گذراند و از دبیرستان صمصامی‌بیات دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه تهران مدیریت بازرگانی خواند و به آمریکا رفت و در دانشگاه بین‌المللی کالیفرنیا به عنوان دانشجوی ممتاز به دریافت کارشناسی ارشد نایل آمد. وی پس از بازگشت به ایران به مدت ۳۲ سال به عنوان دبیر اقتصاد دبیرستان‌های اراک و دانشگاه‌های استان تدریس کرد و سال‌ها در سمت کارشناس رسمی قوه قضائیه در امور اقتصادی و مالی فعالیت کرد. او همچنین به مدت ۱۲ سال عضو هیأت نمایندگان و دبیر اجرایی اتاق بازرگانی اراک بود. پایه‌گذاری مجتمع آموزشی سجاد، همکاری در هیأت مدیره انجمن‌های خیریه و تشکلهای اجتماعی از دیگر فعالیت‌های اوست و در حوزه قلم نیز مؤلف مقالات علمی متعدد و مؤلف ۴ عنوان کتاب «اصول تنظیم بودجه دولتی»، «اصول تنظیم و کنترل بودجه در نهادهای غیردولتی»، «بودجه‌بندی عمومی» و «خطوط اساسی در مالیه عمومی و خط مشی دولتها» است که در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود.

آقاروسی‌درمنی، سیمین (۱۳۸۸-۱۳۱۷ خ)، نوازنده شاخص ساز قانون از پدرومادری اهل



درمن (خنداب)، در تهران زاده شد و پس از پایان تحصیلات ابتدایی وارد هنرستان موسیقی ملی شد. او ویلون را نزد ابوالحسن صبا، پیانو را نزد جواد معروفی، قانون را از مهدی مفتاح، آواز غلامحسین بنان و تنبک را نزد حسین تهرانی فرا گرفت و علاوه بر این با نواختن رباب، بربط، فیچک و کمانچه نیز آشنایی کامل داشت. او با بسیاری از ارکسترهای بزرگ مانند ارکستر سمفونیک

تهران، ارکستر خالقی به رهبری روح‌اله خالقی همکاری داشت و با بسیاری از هنرمندان هم‌چون پرویز یاحقی، علی تجویدی، حبیب‌اله بدیعی، همایون خرم، حسین تهرانی، یوسف یوسف‌زاده و ... همکاری و اجرا داشت. بانو سیمین در اواخر دهه ۱۳۴۰ به‌عنوان تک‌نواز قانون به‌استخدام رادیو درآمد و در ارکسترهای بزرگی مشارکت داشت و ساز قانون، این ساز باستانی و اصیل ایرانی را با هنر نوازندگی و استعداد خاص خود دوباره زنده کرد.

آقامحمدی، داود (۱۳۳۹ خ)، فرزند نعمت‌اله و بانو رقیه‌سلطان، متولد روستای گورچان



(فراهان)، در ۵ سالگی به‌همراه خانواده ساکن تهران شد و پس از تحصیلات مقدماتی و دریافت دیپلم با اینکه در کنکور پزشکی پذیرفته شد، ولی ترجیح داد به دانشکده افسری برود. با پایان دوره دانشکده افسری و دریافت کارشناسی علوم، دوره زرهی اختصاصی را هم در مرکز آموزشی شیراز گذراند و در سال ۱۳۶۲ وارد گردان ۲۳۴ قزوین شد و به‌عنوان فرمانده گروهان سوار زرهی در منطقه عملیاتی فکه منصوب شد. این سرباز وطن به‌مدت ۱۱۷ ماه در همه دوران دفاع مقدس در مناطق عملیاتی جنوب، غرب و شمال‌غرب خدمت کرد. وی در سال ۱۳۷۰ جهت گذراندن دوره عالی زرهی به شیراز رفت و در سال ۱۳۷۵ دوره کارشناسی‌ارشد را آغاز کرد و سپس در سال ۱۳۸۳ هم وارد دوره دکتری در رشته علوم راهبردی دفاعی دانشگاه عالی دفاع ملی شد و با رتبه نخست دانش‌آموخته شد. امیر سرتیپ آقامحمدی هم‌چنین نویسنده ۱۰ عنوان کتاب دانشگاهی ویژه رشته‌های مدیریت از جمله کتاب «مدیریت راهبردی نظامی» است که در جشنواره امام‌علی ارتش حائز رتبه برتر شد. برخی از مهمترین مسوولیت‌ها و افتخارات این امیر ارتش عبارتند از: فرمانده لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه، معاون آموزشی نیروی زمینی ارتش، قائم‌مقام دانشگاه عالی دفاع ملی و ... (عزیزآبادی، ۱۴۰۲: ۱۵).

آقای حصار، محمد (۱۳۲۶ خ)، در اراک به‌دنیا آمد و تحصیلاتش را در همین شهر



به‌پایان برد. او که از کودکی به‌موسیقی و بویژه تنبک‌نوازی علاقه‌مند بود، در این مسیر گام برداشت و با بزرگانی چون استاد محمدرضا اتابکی و جواد طبیب‌زاده آشنا شد و در سال ۱۳۵۳ به خانه فرهنگ‌و هنر اراک راه یافت و زیر نظر استادانی چون محسن مسکوکی و منصور معارفی نت‌های تنبک را آموخت و از آن زمان تاکنون به‌تدریس این هنر والا اشتغال دارد و سبک وی برگرفته از مکتب استاد حسین تهرانی است. دوره‌ی سه‌جلدی آموزش تنبک اثر نوشتاری اوست.

آقداشی‌ساوجی، خدابخش (قرن ...)، در روستای آقداش **(ساوه)** به دنیا آمده و شاعری است که ضمن تسلط بر ادبیات، طبع شعر و استعداد بسیار قوی هم داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۴۸).

آق‌ولی، فضل‌اله (درگذشته ۱۲۹۹ خ)، اهل **خمین**، ملقب به کلنل فضل‌اله‌خان، سردار نظامی و از افسران ژاندارمری، دارای تحصیلات عالی و فرمانده رژیمان (هنگ، فوج) چهار ژاندارمری بوده که حوزه فرمانروایی اش قم، اراک، نهاوند، ملایر، تویسرکان، کمره، خوانسار و توابع بوده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۴).

اکریم علمدار، محمد (۱۳۴۶ خ)، فرزند علی حسین و بانو اقدس، تحصیلاتش را در دبستان محسنی و راهنمایی کوشش اراک گذراند. ایشان که راهنمای محلی، نویسنده و شاعری است اراکی گو، دانش آموخته اتومکانیک از هنرستان شهیدباهنر و نیز کارشناس ارشد و سرپرست یکی از واحدهای کنترل مرغوبیت ماشین سازی اراک بود که پس از بازنشستگی به صورت جدی به کار نوشتن روی آورد. تاکنون چندین اثر از این شاعر و نویسنده شامل شعر و داستان کوتاه در جشنواره های مختلف، حائز رتبه و برنده جایزه و لوح تقدیر شده است. از آثار او می توان به *آفتو مهتو*، *خاطرات ابری*، *هیلمن*، *زمانی قلعه ای بود و حصار*، *شجره نامه خاندان اکریم علمدار* و نیز کتاب *ارزشمند* «واژه نامه، ضرب المثل ها و اصطلاحات رایج اراکی» اشاره کرد.



آل طاهر، ابوالقاسم (قرن ۱۳)، ملقب به *ناظم الشریعه*، عالم دینی اهل **خمین** و از شاگرد آیت اله نجفی بود و برای ترویج دین در منطقه گایکان الیگودرز، حوزه علمیه بنا نهاد. ایشان حافظ کل قرآن بوده و کتب متعددی را با خط خود نگاشته است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۵).

آل طاهر، احمد (۱۳۳۵-۱۳۳۳ خ)، اهل **خمین**، فرزند ابوالقاسم (ناظم الشریعه)، شاگرد آیات نایینی و یزدی بود و از ایشان اجازه اجتهاد داشت. او در سال ۱۳۰۱ انتخابات مجلس شورای ملی عراق را به علت کم توجهی به شیعیان تحریم کرد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۶).



آمره ای، اسداله (قرن...)، اهل **کمیجان** و شاعر منظومه ۳ جلدی *عزا* با موضوع عزیزی خوانی است. **آمره ای، محمود** (۱۳۴۲ - ۱۳۰۷ خ)، فرزند ملاعلی، متولد روستای **آمره (کمیجان)**، استاد مسلم خط نسخ بوده و آثار متعددی از او به جای مانده که هنوز چاپ نشده است (سمیعی، ۱۴۰۰: ۴۱۴).

آمره ای بزچلویی، احمد (۱۳۵۱ خ)، فرزند قهرمان و بانو زلیخا، تحصیلات مقدماتی را در **کمیجان**، گذراند و با رتبه خوب در دانشگاه اراک پذیرفته شد. ذوق شاعری که از دوره دانش آموزی در او پدیدار بود در دوران دانشجویی ادامه یافت و با ورود به عرصه داستان کوتاه و کسب مقام برتر در چندین مسابقه و جشنواره، او را کم کم به وادی نویسندگی سوق داد. داستان های عاشقانه در ادبیات فارسی، آرایه های ادبی برای دانش آموزان رشته تجربی و چند اثر و مقاله، حاصل ذوق و استعداد ذاتی این نویسنده و دبیر دبیرستان های **کمیجان** است. داوری در مسابقات و جشنواره های مختلف و تدریس دوره های نویسندگی از عمده فعالیت های او به شمار می رود.



آنتانسیان، وارتان (۱۳۶۳ - ۱۳۲۷ خ)، متولد **اراک**، تحصیلاتش را در مدرسه عالی تلویزیون و سینما و سپس در رشته کارگردانی دانشکده هنرهای دارماتیک دانشگاه تهران گذراند. او که فعالیت مستمری با گروه ورزش شبکه اول و به خصوص برنامه ورزش و مردم



داشت، علاوه بر کارگردانی فیلم‌های مستند، مدرس دانشکده صداوسیما بود و فیلم‌های مستند جهان‌پهلوان تختی، کشتی کج‌گردان و لوچو، برخی از آثار مستند این سینماگر است.

آهنگرانی، پگاه (۱۳۶۳ خ)، بازیگر و مستندساز و فرزند جمشید آهنگرانی و منیژه حکمت

است. پگاه، نخستین بار در شش‌سالگی در فیلم گربه آوازخوان (به کارگردانی کامبوزیا پرتوی)

بازی کرد. این سینماگر **اراک**، در دومین کار هنری‌اش در پانزده‌سالگی در فیلم «دختری

با کفش‌های کتانی» خوش درخشید، تاجایی که جایزه بهترین بازیگر زن را از جشنواره‌های



مختلف داخلی و خارجی به دست آورد.

آهنگرانی، جمشید (۱۳۳۸ خ)، اهل **اراک**، طراح صحنه و کارگردان مشهور سینمای

ایران است. او که دارای کارشناسی‌ارشد شهرسازی از دانشگاه تهران و کارشناسی معماری

و شهرسازی از دانشگاه علم و صنعت است، فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۵۴ با ساخت

فیلم‌های ۸ میلیمتری در سینمای آزاد اراک آغاز کرد. دستیاری طراح صحنه فیلم «سرب»

بکارگردانی مسعود کیمیایی نخستین تجربه سینمایی اوست. آهنگرانی همسر منیژه حکمت (کارگردان و

برنامه‌ریز) و پدر پگاه آهنگرانی (بازیگر) می‌باشد.



آهنگرانی، محمد (زندگی ۱۴۰۲ خ)، اهل **فراهان**، کارگردان، برنامه‌ریز و بازیگر سینما

و تلویزیون، در آثاری همچون «تخته‌غاز»، «یکی برای همه» و «توچال» فعالیت داشته

است. برخی دیگر از آثار این سینماگر عبارتند از: «زخمی»، «عقرب»، «بی‌نشون»، «رای

باز»، «سوغات فرنگ»، «رز زرد»، «دختر ایرونی»، «عطش»، «دوستان»، «غریبانه»،



«جوانمرد» و... هم‌چنین از ایشان به‌عنوان نویسنده و مجری طرح نیز یاد می‌شود.

آهنگرانی فراهانی، محمد (۱۳۱۵-۱۳۹۱ خ)، زاده روستای آهنگران (**فراهان**) و از

نوجوانی برای آموزش نقاشی قهوه‌خانه‌ای نزد حسین قوللرآغاسی، که از برجسته‌ترین

نقاشان قهوه‌خانه‌ای بود، به مدت ده‌سال شاگردی کرد. فراهانی برای نخستین بار فعالیت

خود را با نقاشی پرده‌های درویشی آغاز کرد و به تدریج و به مدت سی سال، نقاشی‌هایی با



مضمون مذهبی خلق کرد. از جمله آثار نقاشی وی می‌توان به پرده درویشی در موزه رضا عباسی، پرده

رستم و سهراب و پرده شیرین و فرهاد در موزه مرکزی ایران‌شناسی و پرده آثار پشت شیشه در موزه نقاشی

پشت شیشه اشاره کرد. دو کتاب مهم «نقاشی در قهوه‌خانه: برگزیده آثار احمد خلیلی و محمد فراهانی»

و «سوته‌دلان نقاش: نقاشی خیالی‌ساز مردم کوچه و بازار» درباره این هنرمند منتشر شده است.

آهنگرانی مقدم، سعید (۱۳۵۱ خ)، اهل **اراک**، کارشناس بازیگری و کارشناس‌ارشد کارگردانی از

دانشکده هنر و معماری تهران است. نمایش روز عاشورا به روایت تعزیه، نقالی و پرده‌خوانی در تهران و نیز

شهادت امام حسین به روایت موسیقی، از آثار این نویسنده هنرمند است.

آهویی، محمدجعفر (زندگی ۱۱۸۵ خ)، اهل **آشتیان**، کاتب و خوشنویس قرن سیزدهم، نسخه غزلیات میرزا محمدعلی متخلص به بلبل، شاعر دوره صفویه را در سال ۱۱۸۵ و به خط شکسته نستعلیق کتابت کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۱۱).

آوانسیان (قرن ۱۳)، پزشک روسی الاصل و یکی از نخستین پزشکان جدید ارامنه کمره (**خمین**) بود. او را به واسطه این که اعتقاد داشت «سیر» اثرات درمانی فراوانی دارد «دکتر سیری» نیز می نامیدند. سرهنگ آوانسیان به همراه همسر و فرزندانش در خمین زندگی می کرد و بسیار مورد احترام مردم بود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۵).

آوجی، تاج الدین (درگذشته ۶۹۰ خ)، فرزند مجدالدین حسین، اهل **ساوه**، از علما و فقههای مشهور شیعه در زمان ایلخانان مغول، تحصیلکرده نجف و از عالمان و سخنوران سرشناس دوره خود بود. این عالم دینی در شیعه شدن اولجایتو، یکی از پادشاهان مغول نقش داشت و به مقام نقیب النقبای قلمرو حکومت اولجایتو منصوب و در سال ۶۹۰، به همراه دو فرزندش و با اتهام سوء استفاده پسرش در اداره نقابت عراق، حسادت برخی از درباریان به جایگاه سیدتاج الدین و خشم یهودیان از گرفتن مقبره ذوالکفل کشته شد تا یکی دیگر از نقش آفرینان بخشی از تاریخ ایران، بیش از این منشأ خدمت نشود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۹۶).

آوجی، رضی الدین (قرن ۸)، از متصوفان اهل **ساوه** و یکی از ۳۴ نفری است که برای حضرت امیر سیدعلی همدانی قولاً و کتباً اجازه ارشاد داده است. این عالم دینی در نزدیکی مزار بابامرید در تبریز آرمیده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۷۸).

آوجی، سیدصدرالدین (قرن ۸)، دانشمند باهوش و ذکاوت و ادیب عروض و قافیه دوره ایلخانان بود. این شاعر اهل **ساوه** به روزگار هلاکوخان در شام مسکن داشت و در همان دوره به اتهام ساحری کشته شد. قصیده منظم «حسن» در علم عروض و قافیه از اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۸۱).

آوجی، عضدالدین (۶۹۵ خ)، از علمای شیعی ایلخانان دوره اولجایتو، پادشاه شیعی این سلسله غیر ایرانی، در اردوی همایونی همراه با فقها و مجتهدانی چون علامه حلی، مولانا نورالدین تستری و حدود صد تن از طلاب علوم دینی حضور داشت و به عنوان عالم دینی و یکی از مدرسان حوزه های علمیه اشتغال داشته و از آنجایی که بسیار علم دوست و دانش پرور بود موجب آن شد که در دوره وی، علم و هنر رونقی بسیار یابد و حتی خود اولجایتو همواره با ایشان و سایر علما در مناظره و مباحثه باشد^۱ (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۶۹).

آوجی، علاءالدین (قرن ۸)، از علمای شیعی معاصر ابن بطوطه مراکشی است که پس از طی کردن تحصیلات حوزوی به مسافرت رفت و ضمن دیدن کشورهای اسلامی به هندوستان رسید و با مشاهده فرق

^۱. دانشمندان ما توانستند قومی وحشی چون مغول را همراه کنند، ولی در دوران معاصر ترک میهن می کنند!

و مذاهب گوناگون در این سرزمین وسیع ۷۲ ملت، رحل اقامت افکند و به عنوان یک عالم شیعی به تبلیغ تشیع پرداخت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۷۱).

آوجی تفرشی، علینقی (قرن ۱۳)، فرزند قاضی حسن حسینی، اهل **ساوه**، از هنرمندان خوشنویس قرن سیزدهم هجری است که رساله حاشیه التذهیب ملاعبداله یزدی را به خط شکسته نستعلیق کتابت کرده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۴۲).

آوه‌ای، ابن یوسف (قرن ۷)، از علمای صاحب‌احوال و مشهور به کرامات آوه (**ساوه**) بوده که در قرن هفتم می‌زیسته است.

آوه‌ای جویی، معین‌الدین (زندگی ۷۱۳ خ)، از عرفا و نویسندگان قرن هشتم و از شاگردان سعدالدین حموی جویی و نخستین نویسنده‌ای است که کتابی به تقلید از گلستان سعدی نوشته است. این کتاب که «نگارستان» نام دارد در سال ۷۱۳ به پایان رسیده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۲۱).

آوی‌اوحدی، محمد (قرن ۱۱)، مشهور به تقی‌الدین، از علمای نامدار شیعی اهل آوه (**ساوه**) در قرن یازدهم هجری است.

آوی حسینی، حسن (قرن ۸)، فرزند محمد بن محمد، ملقب به سیدکمال‌الدین، عالم دینی و از رجال حدیث و از نامداران قرن هشتم **ساوه** بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۱۰).

آوی، ابوالحسن طاهر (قرن ۵)، فرزند موسی، از علمای نامدار شیعه اهل **ساوه**، در قرن پنجم است و علامه کراچکی از شاگردان این فقیه عالیقدر است.

آوی، ابونصر (قرن...)، به نقل از علامه دهخدا، از محققین و مترجمین بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۵).
آوی، ابوالقاسم حسین (زندگی ۳۰۴ خ)، فرزند روح نوبختی، اهل **ساوه**، از خاندان بزرگ شیعه ایرانی و سومین نایب از نواب اربعه امام زمان است که از سال ۳۰۴ هجری، رابط میان شیعیان و امام غایب بود و کارهای مهم شیعه به وسیله این عالم دینی حل و فصل می‌شد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۲۶).

آوی، احمد (زندگی ۶۸۴ خ)، فرزند ابوعبداله بلکو، اهل **ساوه**، مشهور به جمال‌الدین ابوالفتوح عالم دینی و فقیهی است که از فخرالمحققین فرزند علامه به تاریخ ۶۸۴ اجازه روایت داشت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۹).

آوی، احمد (قرن...)، فرزند حسین بن عبیداله ابوالعباس المهرانی، اهل **ساوه**، از علمای دینی و رجال و محدثین بوده و کتابی به نام تربیت‌الادله دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۹).

آوی، جریر (۱۰۷ خ)، مشهور به ابوعبداله، فرزند عبدالحمید، محدث نامدار قرن دوم هجری متولد آوه (**ساوه**) است که به شهر شیعه‌نشین ری مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آنجا ماند و بدین سبب، وی را محدث رازی لقب داده‌اند. جریر که دانش وسیع داشت و مورد وثوق بود، اهل حدیث برای استماع حدیث،

روایت و استفاده از معلومات این عالم دینی در تشخیص دقیق احادیث صحیح و جعلی به‌وی مراجع می‌کردند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۳۶).

آوی، حسین (زندگی ۷۰۸ خ)، فرزند محمد بن ابی‌الرضا، اهل آوه (ساوه)، در سال ۷۰۸ کتاب محاسن اصفهان تألیف مفضل بن سعد بن حسن بن مافروخی را به‌فارسی برگرداند. این کتاب در ۸ باب شامل مطالب تاریخی و جغرافیایی و رخدادهای نیمه دوم قرن هفتم و نیمه نخست قرن هشتم ایران و به‌خصوص اصفهان است و مستر براون هم آن را در سال ۱۹۰۱ میلادی به‌انگلیسی ترجمه کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲).

آوی، سعدالملک (زندگی ۴۸۶ خ)، فرزند محمد، مشهور به ابوالمحاسن، از اعیان **ساوجی** دربار ملکشاه، مستوفی و نخست‌وزیر شیعه سلطان محمد بود که در مهر ۴۸۳ در تبریز به‌صدارت رسید و تا خرداد ۴۸۶ یعنی نزدیک به ۳ سال خدمت کرد. سعدالملک پیش از سلطنت سلطان محمد سلجوقی، مستوفی، مشاور، نایب، کاتب و مسوول امور خارجی بود. سعدالملک، وزیری با فراست و کیاست بود و از دولتمردان نامور زمان خویش شمرده می‌شد و از چنان مقبولیت و محبوبیت برخوردار بود که بسیاری از دانشمندان و متصوفه، او را خداوندگار می‌دانستند و در دوره وی بود که زمینه پیشرفت علم و اقتصاد فراهم آمد، مردم در رفاه و آسایش بودند و کتب زیادی در زمینه تفسیر و کلام، جغرافیا، تصوف و به‌ویژه «فارسنامه ابن‌بلخی» که از مأخذ تاریخ پیش از اسلام و در موضوع جغرافیاست نوشته شد. در نهایت این صدراعظم، ابتدا به‌اتهام دین باطنیه زندانی و سپس بر اثر غوغای عوام و شایعه الحاد، به‌دار آویخته شد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۱۱).

آوی، شمس‌الدین محمد (زندگی ۷۶۳ خ)، فرزند هلال بن ابیطالب، اهل **ساوه** و از نزدیکان سلطان علی بن مؤید، پادشاه خراسان و نواحی آن، که شهید اول (۷۱۳-۷۶۳) کتاب «لمعه» را به‌درخواست او نگاشت. این دولتمرد شیعی، اصل کتاب را نزد خود نگه داشت، ولی نتوانست از روی آن نسخه بردارد و فقط یکی از طلاب در میان راه نسخه‌ای از روی آن تهیه کرد ولی نتوانست با نسخه اصلی شهید اول مقابله کند. این عالم دینی هم‌چنین اجازه روایت داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۶۰).

آوی، صدرالدین محمد (قرن ۸)، اهل **ساوه**، از علمای شیعی قرن هشتم است که «شرح‌القصیده‌البانیه» مهمترین اثر اوست.

آوی، علی (قرن ۷)، مشهور به خواجه رشیدالدین، فرزند محمد بن رشید، اهل **ساوه** و شاگرد علامه حلّی بوده و از فضایی فرزانه دوره مغول در ایران و عراق شمرده می‌شده است این عالم دینی هم‌چنین از علامه، اجازه روایت داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۷۷).

آوی، موسی (زندگی ۳۶۲ خ)، فرزند ابی عبدالله، از فرزندان ابوطالب محسن بن ابراهیم عسگری اهل **ساوه** است که عضدالدوله (۳۱۵-۳۶۲) وی را به عنوان نقابه‌طالبین (پیشوا) در کارهای خود انتخاب و ولایت داده و به‌همین جهت نقیبه‌النقبا خوانده می‌شد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۶۰).

آوی، نجیب ابوالهیجای (قرن ۶)، از خواجه‌گان و رؤسای معتبر و قابل عنایت آوه (**ساوه**)، در عصر ایلخانان مغول یا حکومت سلجوقیان بوده است.

آوی، نظام‌الدین احمد (قرن ۷)، فرزند محمد بن عبدالغنی، معروف به ابن‌الزیب، عالم دینی و از دانشوران به نام شیعی اهل **ساوه** است^۱ (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۱۲).

آوی، نظام‌الدین حسین (قرن ۸)، فرزند تاج‌الدین، عالم دینی و از نامداران شیعه اهل **ساوه** در قرن هشتم است که از سوی حکومت به مقام عالی نقیب‌الاشراف نجف رسیده و با سیاست به رتق‌و‌فتق امور مذهبی و سیاسی شیعیان می‌پرداخته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۱۳).

آوی‌غروی، نقیب‌محمد (قرن ۷)، فرزند محمد بن زید، عالم دینی اهل **ساوه** و از زاهدان قرن هفتم است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۲۶).

الف

اباذری، عباس (۱۳۴۷ خ)، فرزند جلیل و بانو حشمت، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستای شهوه (**اراک**) گذراند و از دبیرستان مجیدی دیپلم گرفت. او علاقه‌مندی خود را که موسیقی بود دنبال کرد و فوق‌دیپلم موسیقی در ساز کمانچه گرفت. آهنگ‌ساز و سرپرست ارکستر قائم‌مقام، مقام نخست جشنواره موسیقی با گروه فسانه در همدان، تدریس موسیقی در آموزشگاه‌ها، ریاست انجمن موسیقی استان، کارشناس موسیقی اداره کل فرهنگ استان و مشارکت در تهیه سرود **اراک**، عضو هیأت‌مدیره انجمن موسیقی استان، شرکت در برنامه‌های رادیویی به عنوان کارشناس / مجری و... برخی از سوابق هنری اوست.



۱. نقیب به معنای نایب، قائم‌مقام، جانشین و یا نماینده تام‌الاختیار است.

۲. پسر عموی حسن یوسفی آوی است.

اباذری، مسعود (۱۳۵۱ خ)، زاده **اراک**، نوازنده سنتور و تنبک، نویسنده و فعال موسیقی، آموزش دیده مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران، دانش آموخته دانشکده موسیقی دانشگاه هنر و پرورش یافته حوزه درس استادانی چون رضا شفیعیان، سیامک بنایی، مجید کیانی، سعید ثابت، پشنگ کامکار و بهمن بهرام است. تأسیس آموزشگاه موسیقی، کتاب و سی دی قاصدک، مجموعه قطعات کودکانه برای سنتور و کتاب مشق سنتور به همراه سی دی صوتی، برخی از اقدامات و آثار اوست.



ابراهیمی، سیما (۱۳۶۱ خ)، فرزند مسعود و بانو زینت، تحصیلاتش را در مدارس شهدای احد و راهنمایی حاج مینایی **اراک** گذراند و از دبیرستان حاج تقوایی دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه سوره ادامه تحصیل داد و کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی دریافت کرد. سینماگر و برنامه ساز تلویزیونی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، دارنده رتبه برتر بهترین مستند کوتاه (دشت ممنوعه)، دیپلم افتخار از چهل و سومین جشنواره رشد، جایزه بهترین پژوهش مستند (ذلف آباد دیار خاموش) و شرکت در جشنواره فیلم های مستند باستان شناسی رورتور ایتالیا، کارگردان مستند «من هنرمند نیستم» و... از سوابق هنری اوست



ابراهیمی، عزیزاله (۱۳۰۰ خ)، فرزند علیقلی بیگ، تحصیلات مقدماتی را در **خمین** گذراند و به تهران رفت و در یک شرکت تولیدی مشغول بکار شد و به صورت شبانه در مدرسه البرز درس خواند و پس از دریافت دیپلم در دانشگاه افسری ادامه تحصیل داد و با درجه سرهنگی بازنشسته شد. او از سال ۱۳۵۷، سرودن شعر را با تخلص «عزیز» آغاز کرد که آثار نظم و نثر این شاعر و پدر شهید عبارتند از: «تاریخ شهرستان خمین»، «تاریخ روابط ایران و انگلیس» و «سروش خمین» (سمعی، ۱۳۸۲: ۷۲۳).



ابراهیمی، عزت اله (۱۳۱۱-۱۴۰۳ خ)، فرزند محمد کاظم، هنرمند برجسته اهل **اراک**، طراح و نقاش فرش، از کودکی با شاگردی نزد سیدامین باقری و سپس به مدت ۷ سال زیر نظر حاج آقاسری، همه فنون طراحی و نقاشی را آموخت و در مؤسسه آفرینش های هنری موفق به دریافت دیپلم طراحی شد. ابراهیمی که با تخلص «نقاش» شعر هم می سرود، در طول ۶۵ سال فعالیت هنری در سرای کاشانی (بازار اراک)، بیش از ۲۰۰ هنرمند تربیت کرد.



ابراهیمی، مصطفی (۱۳۵۲ خ)، فرزند محمد و بانو صدیقه، تحصیلات مقدماتی را در دبستان هدف و راهنمایی هاشمی سنجانی گذراند و از دبیرستان امام علی **اراک** دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه آزاد اراک مهندسی کشاورزی خواند و از همین دانشگاه فوق لیسانس علوم اجتماعی (مردم شناسی) و نیز فوق لیسانس مشاوره خانواده دریافت کرد. او که از نعمت صدای خوب برخوردار است، در صداوسیما استان مرکزی بکار مشغول شد و نزدیک به سی سال به عنوان



گوینده، مجری و تهیه‌کننده رادیو و تلویزیون فعالیت کرد و هم‌چنان پس از بازنشستگی برنامه زنده چالشی و گفتگو محور «رو در رو» را اجرا می‌کند؛ برنامه‌ای که حدود ده سال با شجاعت و جسارت به طرح مطالبات مردم و دریافت پاسخ مسوولین می‌پردازد. او هم‌چنین اجرای زنده بیشتر برنامه‌های مناسبتی مهم با حضور مقامات ارشد کشوری و استانی را برعهده داشته و بارها حائز رتبه برتر در اجرا و نیز در کسوت تهیه‌کننده رادیو شده و در سال ۱۳۸۵ از پانزدهمین جشنواره تولیدات مراکز استانی دیپلم افتخار گرفت. ایشان نخستین آموزشگاه گویندگی فن بیان و دوبله را در استان تأسیس کرده و بیش از ده سال تنها مدرس رسمی وزارت ارشاد در رشته گویندگی و فن بیان در استان است و تاکنون بیش از هزار هنرجو در این رشته را آموزش داده است. وی ضمن عضویت در هیأت مدیره انجمن بیماران مبتلا به سرطان (تبسم)، هیأت امنای بیمارستان خوانساری، عضو سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور، دارای پروانه فعالیت در رشته مشاوره خانواده نیز هست.

ابراهیمی شیرکوهی، احمد (۱۳۲۶ خ)، فرزند رضا و بانو گل، در روستای کلشتر از توابع



رودبار زیتون متولد شد. او ابتدا قرآن را در مکتبخانه آموخت و سپس تا کلاس ششم در دبستان همان روستا تحصیل کرد. سیکل اول را در دبیرستانی گذراند که برای رسیدن به آن هر روز یک مسیر ۳ کیلومتری را پیاده و عرض رودخانه سفیدرود را هم با قایق عبور می‌کرد. او سپس از دبیرستان محمدرضا شاه دیپلم گرفت و به‌عنوان سپاه‌بهداشت در پادگان عباس‌آباد، دوره ۶ ماهه نظامی و بهداشتی را گذراند و به‌استخدام وزارت بهداشتی درآمد و در حین کار موفق به دریافت کارشناسی بیماری‌ها گردید. کتاب «سیری در ساوه»، نخستین اثر این نویسنده و پژوهشگر است که برای نوشتن آن بیشتر روستاهای ساوه را مورد بازدید و مطالعه قرار داد و کتب دیگری هم در دست تدوین دارد که بزودی به‌چاپ خواهد رسید.

ابراهیمی تبار، قربان (درگذشته ۱۳۲۳ خ)، فرزند محمداقرا، از خاندان معروف شهنازی



ها، هنرمند موسیقی و نوازنده کمانچه، تار و سه‌تار بود که در جنگ جهانی دوم و به دست سربازان هندی در اراک به قتل رسید. او در میان مردم احترام داشت و درویش‌خان یکی از تارهایش را به وی هدیه کرده بود (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۳۸).

ابراهیمی فخار، امجد (۱۳۴۶ خ)، فرزند احمد و بانو سرور، تحصیلات مقدماتی را در



دبستان داوودی و راهنمایی حکمت اراک گذراند و سال اول را در دبیرستان صمصامی تجربی و سال دوم تا چهارم را در دبیرستان امام علی، ریاضی‌فیزیک خواند و اگر چه در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه علوم دریایی نوشهر و نیز مهندسی برق و مخابرات دانشگاه آزاد تهران قبول شد، ولی به‌دلیل علاقه زیاد به موسیقی، هر دو را رها کرد و به موسیقی پرداخت. این نوازنده دف، تاس و سازهای کوبه‌ای، فراگیری موسیقی را از کودکی در خانواده‌ای هنردوست آغاز و

به واسطه علاقه بسیاری که به سازهای کوبه‌ای و ریتم داشت، ساز دف را ابتدا به صورت خودآموز و سپس به صورت جدی از سال ۱۳۶۸ ادامه داد. ابراهیمی هم‌چنین همراهی با گروه‌های مختلف موسیقی از جمله حافظ، وصل‌یار (وصل صوفیان)، مسیحا، شاهو، دل‌نواز، دف‌دف، کاویان، ساقی و موسیقی تئاتر را در کارنامه دارد.

ابراهیمی‌فخار، حامد (۱۳۵۷ خ)، فرزند احمد و بانو سرور، تحصیلات مقدماتی را در

دبستان داوودی و راهنمایی حکمت اراک گذراند و از دبیرستان کمیل تهران دیپلم گرفت. او سپس در رشته مهندسی کامپیوتر-سخت‌افزار دانشگاه آزاد تهران مرکز ادامه تحصیل داد. او که مانند برادرش فراگیری موسیقی را از سال ۱۳۶۷ نزد استادانی چون محمد بهارلو، همایون خرم، اردشیر کامکار، ناصر شفایی، پریسا بهارلو، نظری و ایلیا بهارلو آغاز کرده بود، کارشناسی‌ارشد خود را در رشته نوازندگی موسیقی ایرانی از دانشگاه هنر تهران دریافت کرد. حامد، همکاری مستمری با گروه‌های وصل‌یار، شاهو (گروه بزرگ سازهای ایرانی)، بهارلو، دل‌نواز و هزاردستان داشته و اجرا در بنای تاریخی کلویوم رم، یونسکو، پاریس، مونته‌پولیچانو، جشنواره هارمونی صلح‌وادیان در دهلی‌نو، تصوف و عرفان در تلمسان الجزایر، رز ایرانی در شهر اودینه ایتالیا و برگزاری کنسرت در تالار وحدت دارد.



ابراهیمی‌فخار، صدیقه (۱۳۱۶ خ)، فرزند محمد و بانو ربابه، پس از گذراندن دبستان و

دبیرستان در اراک، در سال ۱۳۴۲ از دانشگاه تهران در رشته زبان انگلیسی دانش‌آموخته شد و سال‌ها در اراک دبیر و رئیس دبیرستان‌های دخترانه بود. او سپس به تهران رفت و با همین سمت‌ها ادامه فعالیت داشت و مدیریت و سرپرستی بخشی از کلاس‌های زبان انستیتو سیمین تهران را عهده‌دار شد و بنابر باور مرتضی ذبیحی در کتاب تاریخ اجتماعی اراک، به احتمال نزدیک به یقین نخستین بانوی مترجم اراکی است که ده‌ها عنوان کتاب فاخر را به فارسی برگردانده که یک دقیقه برای خود، مدیر یک دقیقه‌ای، معلم یک دقیقه‌ای، میمون‌ها و... از آن جمله‌اند.^۱



ابراهیمی‌فخار، فرزانه (۱۳۳۲ خ)، فرزند محمدصادق و بانو صدیقه، تحصیلات ابتدایی

و متوسطه را در اراک گذراند و برای ادامه تحصیل به اروپا رفت. این بانوی دانشمند، دکتری فیزیک هسته‌ای از دانشگاه ماربورگ آلمان گرفت و در بازگشت به ایران، به عنوان محقق و مدرس فیزیک در سازمان انرژی اتمی ایران مشغول شد. ارائه مقالات علمی متعدد به زبان انگلیس و فارسی با موضوع مواد رادیواکتیو و فیزیک هسته‌ای در بهداشت، محیط‌زیست و پزشکی و نیز تدریس در دانشگاه‌های ایران، آلمان و آمریکا از دیگر سوابق علمی اوست. وی هم‌چنین در زمینه موسیقی



^۱. بیشتر آثار ایشان بیش از ده بار تجدید چاپ شده و نخستین اثر ترجمه‌ای بانو ابراهیمی در سال ۱۳۵۶ کتاب خانه کج بود که اجازه نشر نیافت تا اینکه در سال ۱۳۷۲ چاپ و منتشر گردید.

هم فعالیت داشته و در کنسرت‌های مختلف در ایران و دیگر کشورهای جهان به‌عنوان نوازنده شرکت داشته است.^۱

ابطحی، احمد (قرن ۱۳)، فرزند میرزا محمدخان و بانوملک‌آرا (فرزند جعفرخان دالایی)، متولد **خمین**، کارآفرین و هنرمندی که در ساختن تفنگ و خراطی مهارت خاص داشت و مالک نیمی از روستای استلک، یک‌ونیم دانگ قورچی‌باشی و مزارع حسین و مقداری از روستای ده‌سفید بود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۵).



ابطحی، اسداله (۱۲۷۳-۱۳۵۲ خ)، فرزند سیدمحمود **فراهانی** و برادر بزرگتر ذبیح‌اله، دو سال شاگرد کمال‌الملک بوده است. این طراح برجسته نقشه فرش، بازآفریننده طرح‌های شاه‌صفی و شاه‌عباسی، فردی بسیار باشخصیت و هنرمند بوده و حجره‌اش در سرای نوذری (بازار اراک)، به‌یادگار مانده است (ولاشجردی-فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۲۲).

ابطحی، خلیل (۱۲۸۵-۱۳۷۱ خ)، فرزند سیدمحمّد، تحصیلاتش را در مدرسه ترقی **اراک** گذراند و به تکمیل معلومات خود در وادی عرفان پرداخت. او سپس به استخدام دولت درآمد و سال‌ها کارمند اداره غله‌ونان و سپس اداره دارایی بود. این شاعر که هم‌چون برادرانش از چهره خوبی برخوردار بود و اشعار بسیار زیادی را از حفظ داشت، خود نیز شعر می‌سرود و اشعارش در هفته‌نامه سندان و مهنامه ارتش به‌چاپ رسیده و در چندین برنامه رادیویی خوانش شده است (ولاشجردی-فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۱۳).

ابطحی، ذبیح‌اله (۱۲۷۷-۱۳۵۱ خ)، فرزند سیدمحمود **فراهانی**، برادر کوچکتر اسداله، و از شاگردان صادق باقری است که در مسابقه نقش‌قالی در سال ۱۳۱۰ تهران، مشترکاً با عیسی‌خان بهداری رتبه دوم را به دست آورد. او که در نقوش اسلیمی و شاه‌عباسی مهارت بسیار داشت، مدتی شاگرد کمال‌الملک بود و طراح برجسته نقشه فرش می‌باشد. او نیز مانند برادرش، فردی بسیار باشخصیت و هنرمند بوده و از این منظر زبان‌زد بازاریان و مردم اراک است (ولاشجردی-فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۲۳).

ابطحی، سیدحسین (۱۳۵۰ خ)، اهل **ساوه**، نوازنده تار از شاگردان استاد مبصری و هوشنگ ظریف بوده و هم‌اکنون به‌تدریس موسیقی مشغول است.

ابن جلال، محمد (۱۲۷۲-۱۳۴۹ خ)، فرزند جلال‌الدین، متولد **محلات**، تحصیلاتش را در مدرسه خیریه مجدالاطبا گذراند و مقداری هم زبان فرانسه خواند و به اراک آمد. او در این شهر به حرفه نقاشی و طراحی فرش پرداخت و با همراهی آقا ذبیح‌اله، نقاش‌خانه‌ای در بازار اراک دایر کرد و به تولید و تجارت فرش پرداخت. وی هم‌چنین مسوولیت شرکت فرش اراک را عهده‌دار شد و پس از بازنشستگی ساکن تهران شد.

^۱ زنده‌یاد آیدین و نیز صمد نیک‌خواه بهرامی کاپیتان تیم ملی بسکتبال ایران فرزندان اوست.

(ولاشجرودی فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۲۵).

ابوالقاسمی، سیدعباس (۱۳۳۸ خ)، فرزند سیدرضا و سیده‌زهرا، متخلص به

میرمعصوم، اهل امام‌زاده یوجان (خمین) که از نوجوانی به سرودن شعر بویژه غزل علاقه مند شد. ۱۷ اثر مکتوب توسط این دانش‌آموخته کاردانی دانشگاه پلیس و برگزیده فرهیخته نیروهای مسلح (سال ۱۴۰۱) تولید شده که برخی از این آثار عبارتند از: «ایستاده بر باد»،



«خاطرات و غزلیات گروهبان»، «گلچین اشعار میرمعصوم». سرهنگ بازنشسته نیروی انتظامی، رئیس کلاتر ۱۵۷ مسعودیه تهران، عضو شورای حل اختلاف خمین، مدیر عامل شرکت تعاونی کامیون‌داران محلات، مدیر تعمیرات و موتوری معدن سنگ محلات، خبرنگار مجله کشاورز و گلچین از سوابق شغلی این نظامی شاعر است.

ابوالحسنی، عباس (زندگی ۱۳۹۴ خ)، متولد آستانه (شازند)، از سال ۱۳۷۳ یادگیری سنتور را نزد زنده‌یاد ناصر شهرپسند آغاز کرد و در سال ۱۳۷۸ شروع به تدریس کرد. ایشان در سال ۱۳۸۰ با تأسیس گروه موسیقی «وصال» توسط پدر هنرمندش در جشنواره موسیقی استان شرکت و موفق به کسب مقام نخست در نوازندگی سنتور شد و از آن‌پس اجراهای متعدد با خوانندگی پدر در سطح استان و نیز برخی شهرستان‌های اطراف مانند کاشان برگزار کرد. او در سال ۱۳۹۴ با حضور در کلاس آهنگسازی «استاد فتحی» به صورت حرفه‌ای آهنگ‌سازی را شروع کرده و هم‌چنان ادامه می‌دهد.

ابوطالبی اراکی، یحیی (درگذشته ۱۲۹۰ خ)، فرزند شیخ محمدصالح و نوه آیت‌الله العظمی ابوطالب عراقی، از فضلا و پارسایان معاصر و از شاگردان شیخ انصاری، سیدحسین کوه‌کمره‌ای و میرزای شیرازی بود. این عالم دینی، حواشی بر رسایل و مکاسب استاد نوشته و نیز تألیفاتی داشته که آیت‌الله نجفی‌مرعشی در پشت یکی از آنها حالات وی را یادآور شده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵).

اثنا‌عشری، جمشید (۱۳۴۱ خ)، تحصیلاتش را تا دیپلم در اراک گذراند و حضورش

به‌عنوان سرباز در اردوگاه اسرای عراقی، منجر به نگارش نخستین کتابش به‌نام «اردوگاه- یادداشت‌های یک‌سرباز» شد. او از سال ۱۳۶۳ در تهران به روزنامه‌نگاری پرداخت و تحصیلات خود را در رشته مدیریت بازرگانی در مقطع لیسانس، مدیریت مالی در مقطع



فوق‌لیسانس و علوم اقتصادی در مقطع دکتری ادامه داد. وی در کنار خدمت در سازمان برنامه‌وبودجه تا رده مشاور رئیس سازمان، به فعالیت‌های فرهنگی خود اعم از مشاور رسانه‌ای دفتر رئیس‌جمهور، عضویت رسانه‌ای در شورای عالی اداری، سردبیری روزنامه عصر اقتصاد، هفته‌نامه پیام تحول اداری، طنز پارس و ماهنامه خانه‌و خانواده، پسران-دختران و فعالیت در تحریریه کیهان، تهران‌تایمز و برخی نشریات ادامه داد. عضو مؤسس انجمن قلم، عضو مؤسس انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان، عضو انجمن صنفی روزنامه‌نگاران از جمله فعالیت‌های اوست. وی هم‌چنین تألیف کتب «دوشنبه‌های سبز»، «نوشته‌های خیس»، «باران

عشق»، «بر کرانه دلدادگی»، «زن در دفاع مقدس»، «مباحث کاربردی مدیریت نوین»، «مباحث ویژه مدیریت و توسعه»، «مدیریت بر بال واقعیت»، «آموزه‌های مدیریت»، «عصر خدمت»، «سرمایه اجتماعی»، «تعامل اقتصادی با دیپلماسی واقع‌گرایی» و «زیر درخت بلوط - نگاهی به تاریخ، فرهنگ و مردم روستای ۷۵۰۰ ساله سرسختی علیا» را در کارنامه دارد.

اثنی‌عشری، أمحمدآقا (درگذشته ۱۳۳۱ خ)، پهلوان^۱ مشهور **اراک**، فرزند حاج محمدابراهیم، از بزرگان اراک که ابتدا شغل بزازی داشت و سپس به فرش‌فروشی پرداخت. او از پهلوانان نامی ایران است که مورد احترام پهلوانان کشور از جمله آسیدحسن رزاز و حاج محمدصادق بلورفروش بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۰۱).

اجتهادی، ابوالقاسم (قرن ۱۴)، فرزند ابوالحسن^۲، متولد روستای ازنوجان (**خمین**)، دکترای الهیات از دانشگاه تهران و نویسنده کتاب «وضع مالی مسلمین در جهان اسلام» است و مدتی هم با مرکز دایره المعارف اسلامی همکاری علمی داشت (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۸).

اجتهادی‌اراکي، محمدعلی (۱۳۷۲-۱۳۰۸ خ)، فرزند میرزا ابوالحسن مجتهد، پس از فراغت از مکتب خانه، در مدارس «سپهداری» و «حاج‌محمدابراهیم» اراک، مقدمات را فرا گرفت و به حوزه علمیه قم رفت. تقریرات کتاب‌القضا، رساله فی احکام‌الصلح، قضا‌الاحکام فی شرح قضا فی شرایع‌الاسلام، کشکول و نهاییه المأمول فی شرح کفایه‌الاصول (در چند جلد) از آثار اوست.

احتشام‌زاده، مجید (۱۳۲۳ خ)، دکتر احتشام‌زاده از نیکوکاران **اراکي** است که بخشی از مزرعه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی به وسعت ۱۶۲ هکتار را در سال ۱۳۷۸ به دانشگاه اراک اهدا نمود.



احتشام‌شهیدی، احمد (۱۳۰۲ خ)، نماینده دوره ۲۳ مجلس شورای ملی از **ساوه** و زرنديه و سخنگوی هیأت رئیسه کمیسیون آبادانی و مسکن و نیز عضو کمیسیون راه بود. او هم‌چنین مدیرکل مسکن و شهرسازی مازندران، مدیرکل راه‌های فرعی کشور، مدیرکل مسکن و شهرسازی آذربایجان شرقی و مدیرکل عمران و نوسازی روستایی هم بوده است.

احرار، احمد (۱۳۱۳-۱۴۰۱ خ)، روزنامه‌نگار **ساوه‌ای** فعالیتش را از سال ۱۳۳۲ به‌عنوان خبرنگار پارلمانی اطلاعات آغاز کرد و گاهی کاریکاتور نمایندگان و مقامات را نیز می‌کشید. او در سال‌های پیش از ۱۳۵۷، سرمقاله‌های سیاسی روزنامه اطلاعات را می‌نوشت و هم‌زمان در زمینه مسائل اقتصادی و تاریخی با نشریات دیگر همکاری داشت. احرار یکی از



۱. او در جریان اتفاقات تلخ سال ۱۳۲۰ ورشکست و آواره شد تا اینکه ارباب احمدعلی دولتشاهی او را در بازار تهران دید و به اراک آورد و در خانه‌ی خود تا پایان عمر میزبانی کرد.

۲. اصالت سنجانی دارد

جریان‌سازهای مطبوعاتی در آموزش روزنامه‌نگاری از تأسیس مدرسه عالی روزنامه‌نگاری گرفته تا نحوه تعامل با نهادهای دولتی، خصوصی، امنیتی و... به‌شمار می‌رود. کتاب‌های تاریخی و داستانی احرار، از پرخواننده‌ترین نوشته‌های پیش و پس از انقلاب است که در تیراژ وسیع منتشر شده و برخی از رمان‌های تاریخی وی از جمله شیطان سبز، مردی از جنگل، کشکول ابوالفضول و توفان در ایران، ابتدا به‌شکل پاورقی در روزنامه اطلاعات و سپس در قالب کتاب منتشر شد^۱.

احمدلو، شاهد (۱۳۵۳ خ)، فرزند محمدری، اهل شازند، دانش‌آموخته رشته گرافیک و



لیسانس نقاشی از دانشکده هنر و معماری است که به‌خاطر حضور پدرش در سینما، برای نخستین‌بار در فیلم سرب (مسعود کیمیایی) بازی کرد و پس از آن در دو فیلم دیگر از آثار مهم کیمیایی نقش‌آفرینی کرد که در همان سال، به‌عنوان بازیگر برگزیده منتقدین شناخته شد و بازیگری را به‌صورت حرفه‌ای ادامه داد و خیلی زود به استعدادی درخشان تبدیل شد و لقب جوان‌ترین کارگردان سینمای ایران را گرفت. این سینماگر، فیلم‌های کوتاهی ساخته که تعدادی از آن‌ها موفق به اخذ جایزه از جشنواره‌های معتبر داخلی و خارجی نیز شده است.

احمدلو، محمدری (۱۳۲۷ خ)، اهل آق‌بلاغ سادات (شازند) که نخستین بار در سال



۱۳۵۱ در فیلم آب‌نات چوبی (امان منطقی) بازی کرد و فعالیت سینمایی‌اش را با بازی در فیلم تیغ‌واپریشم (مسعود کیمیایی) ادامه داد و با هنرمندانی مانند منوچهر وثوق، نوری کسرابی، جمشید مشایخی و ژاله علو همکاری داشت و از مهم‌ترین آثار این سینماگر می‌توان به بازی در سریال امام علی و آدم‌برفی اشاره کرد.

احمدی، امیرمنصور (۱۳۴۴ خ)، فرزند مهدی و بانو معصومه، دارای سابقه بیش از ۴



دهه کار و پژوهش در هنرهای سنتی، تلفیق هنر و صنعت، کنده‌کاری و قلم‌زنی روی چوب، حجاری روی سنگ و انواع فلزات رنگی، ترکیب سبک مدرن و سنتی در کاشی و سفال، ساخت انواع تندیس و مجسمه و طراحی و ساخت ابزار مخصوص کنده‌کاری است. ساخت انواع کتیبه و تابلوهای خط و نقش برجسته با روش ابداعی خویش با نام «سماع قلم» در کارنامه دارد که به‌عنوان میراث ناملموس در شاخه‌ای از منبت، ثبت ملی شد. آثار خط برجسته وی شامل اشعار و مضامین ادبی و نیز نقش برجسته تصاویری از شاهنامه فردوسی مانند قیام کاوه آهنگر، رزم رستم و سهراب و... در سال ۱۳۷۴ و برای ایجاد نخستین موزه سازمان صنایع دستی کشور خریداری شد و برخی از آثار وی هم در گنجینه میراث فرهنگی و تعدادی هم در موزه ولنجک، نیاوران و کاخ سعدآباد و موزه هنرهای سنتی

^۱. ساوچی بودن ایشان را استاد مجتبی برزآبادی‌فراهانی از دوستان قدیمی جناب احرار تأیید فرمود.

استان (اراک) در معرض دید علاقه‌مندان است. تأسیس کارگاه هنری تندیس در سال ۱۳۶۵ و تحقیق و جمع‌آوری منابع آموزشی و آلبومی از انواع چوبهای داخلی و خارجی، تأسیس آموزشگاه با همکاری همسرش بانو مهین بدیعی به‌عنوان نخستین مرکز آموزش مجاز استان در رشته صنایع چوبی که به‌مرور به ۲۸ حرفه افزایش یافت از دیگر افتخارات هنری استاد امیرمنصورخان احمدی است. وی همچنین علاوه بر فعالیت نمایشگاهی داخل و خارج کشور و صادرات، داور المپیاد، مشاور هنری مترو تهران، عضو انجمن مجسمه سازان و انجمن هنرهای تجسمی نیز می‌باشند و از سوی فرهنگستان هنر ایران و دانشگاه استاد فرشچیان به‌عنوان استاد پیشکسوت مثبت تقدیر شده است.

احمدی، علی (۱۳۴۹ خ)، فرزند ابراهیم و بانو زهرا، اهل روستای قاسم‌آباد (اراک)،

خوش‌نویسی را از سال ۱۳۶۸ شروع کرد و در رشته نستعلیق و شکسته نستعلیق شیوه معاصر، موفق به اخذ مدرک فوق‌ممتاز شد و در سال ۱۴۰۰ به استادی شکسته نستعلیق معاصر نایل آمد. او از سال ۱۳۷۴ مدرس انجمن خوش‌نویسان اراک است و از بین ۱۵۰ هنرجوی او حدود ۱۰ نفر در مقطع فوق‌ممتاز دانش‌آموخته شدند. کتابت رباعیات خیام با خط شکسته نستعلیق از آثار این خوشنویس و شاعر است.



احمدی، مرتضی (۱۳۰۳-۱۳۹۳ خ)، فرزند میرزا اسداله حاج‌سیداحمدی تفرشی و بانو

زهرا، ابتدا در مکتب‌خانه و سپس دبستان منوچهری و پس از آن در دبیرستان شرف و روشن، ادامه تحصیل داد. او در نوجوانی، ورزش باستانی و فوتبال و بعدها تا سال ۱۳۲۵، در تیم و سپس باشگاه راه‌آهن، بازیکن و مربی شد. پس از چندی با کمک دوستانش، تماشاخانه ماه را دایر و برای نخستین بار در پاییز ۱۳۲۲ در تئاتر فرهنگ، پیش‌پرده‌خوانی کرد. وی در عرصه «سینما، تلویزیون، رادیو و تئاتر» سینماگری صاحب‌سبک، در هنر دوبلاژ گوینده‌ای شاخص و در میدان قلم نویسنده‌ای یگانه، خوش‌قلم و توانا بود که هریک از کتاب‌هایش نتیجه سال‌ها تلاش در یکی از عرصه‌های مورد علاقه‌اش بود. این هنرمند تفرشی، هم‌چنین در هنر آواز و موسیقی هم یکی از معدود خوانندگان سبک بیات تهران بود (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۸).



احمدی، هرمز (۱۳۴۴ خ)، فرزند علی و خانم گله، تحصیلات ابتدایی را در دبستان دکتر

هوشیار و راهنمایی پیشرو گذراند و از دبیرستان دکتر شریعتی و قدس **شازند**، دیپلم گرفت. او با دریافت لیسانس زبان‌وادبیات فارسی، به‌عنوان دبیر آموزش و پرورش همین شهرستان بکار مشغول شد. او که قریحه شعری دارد با تخلص «پروا» بیشتر در قالب مثنوی شعر می‌گوید ولی قالب رباعی، دوبیتی، غزل و چارپاره را هم می‌پسندد. این شاعر ورزشکار، مسوولیت رئیس هیأت والیبال شهرستان، عضو شورای آموزش و پرورش، رئیس مجمع خیرین مدرسه‌ساز و... را هم داشته و



از آثار مکتوب او می‌توان به «مرا بشنو» و مجموعه شعر «دیار آستانه» اشاره کرد. سرود «شاه‌زند» اثر هنری اوست که توسط احمد زکریایی آهنگسازی شده است.

احمدی‌دانش‌آستینانی، فخرالدین (۱۳۳۳ خ)، سیاستمدار اصلاح‌طلب، وزیر آموزش و

پرورش، مدیر گروه زلزله دانشکده مهندسی عمران دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیر، عضو شورای سازمان پژوهش‌و برنامه‌ریزی آموزشی، رئیس مجتمع آموزشی مفید و معاون طرح‌وتوسعه وزارت علوم، بخشی از سوابق مدیریتی اوست.



احمدی‌هزاوه، ایرج (۱۳۴۶ خ)، فرزند اصغر و بانو صدیقه، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی

را در هزاوه (اراک) گذراند و در سال ۱۳۶۴، موفق به دریافت دیپلم از دبیرستان سهم‌الملک بیات شد. این دانش‌آموخته مدیریت از دانشگاه تهران، پس از مدتی همکاری با وزارت دفاع و کشور، در سال ۱۳۸۶ دوره کارشناسی‌ارشد مردم‌شناسی را در دانشگاه آزاد اراک گذراند و



تدریس در دانشگاه را پیشه کرد. احمدی‌هزاوه از سال ۱۳۷۵، سرایش شعر و نویسندگی را آغاز کرد و «روزه کله‌گنجشکی»، «اتوبوس هزاوه»، «آن زمستان سرد»، «حمام خزینه‌ای» و کتاب «هزاوه خاستگاه امیران» از نوشته‌های اوست. این نویسنده و طنزپرداز، یک دوره عضو هیأت‌مدیره بنیاد اراک‌شناسی و هم‌اکنون عضو هیأت امنای خانه تاریخی امیرکبیر است.

اخوای، مصطفی (۱۳۳۱ خ)، فرزند غلامعلی، اهل اراک، هنرمند برجسته خوش‌نویسی،

نگارگری، تذهیب، طراحی سنتی، سوخت‌نگاری، میناسازی، نقاشی سفال و کتیبه‌نگاری است. او در پژوهشکده هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی، به فعالیت هنری مشغول است و برخی از افتخارات این دارنده نشان درجه یک هنری (معادل دکترا) و مدرس دانشگاه عبارت‌اند از: رتبه نخست نگارگری در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، مصورنگاری دیوان باباطاهر، دیوان شمس، ابداع هنر نگارگری ناخنی با عنوان نقش ناخن، خلق مجموعه‌ای نفیس با عنوان مرغ بسم‌الله با استفاده از هنر خوشنویسی و مصورنگاری بخشی از شاهنامه فردوسی و... (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۴۵).



اخوان‌هزاوه، حمید (۱۳۶۴ خ)، فرزند فرهنگ و بانو فرح، تحصیلات مقدماتی را در

دبستان دین‌ودانش و راهنمایی صدرا اراک گذراند و از دبیرستان ابن‌سینا دیپلم گرفت. در دانشگاه او ابتدا مهندسی عمران را تا پایان مقطع ارشد در دانشگاه آزاد به پایان رساند و پس از چندسال فعالیت در این رشته از جمله عضویت در نظام مهندسی ساختمان، با



علاقه‌ای که به علوم انسانی داشت و نیز برای تقویت دانش حقوقی برای فعالیت‌های اجتماعی و شغلی خود، تحصیل در رشته حقوق را در دانشگاه پیام‌نور را شروع کرد و ارشد این رشته را با گرایش حقوق عمومی در دانشگاه تهران ادامه داد و به سمت سردفتری اسناد رسمی منصوب شد. او از سال ۱۳۸۹ به‌عنوان یک فعال مدنی به‌صورت داوطلبانه عضو موسسه سبزاندیشان اراک شد و پس از مدتی سمت مدیرعاملی این

تشکل را عهده‌دار شد و به‌صورت سازمانی و شبکه‌ای، فعالیت‌های گسترده‌ای را در این حوزه انجام داد که آموزش و اطلاع‌رسانی عمومی، مقابله با صنایع آلاینده و تخریب‌گر محیط زیست از روش‌های فنی، حقوقی و اجتماعی، کنش در تصویب طرح‌ها و برنامه‌ها و اقدامات مدیریتی در جهت بهبود محیط زیست، جلوگیری از تصویب طرح‌های مخرب محیط زیست، تالیف مقالات و مصاحبه‌های مختلف در این زمینه و همچنین تلاش در جهت بهبود ساختارهای شبکه‌ای و سازمانی تشکلهای با هدف اصلاح و تقویت شیوه‌های کنش‌گری مدنی از جمله آنهاست.

ادبجو، نجات‌علی (زندگی ۱۳۹۰ خ)، نویسنده اهل **کمیجان**، که کتاب «فرهنگ واژه‌ها و گویش وفسی» را نوشته و مجموعه اشعاری هم به چاپ رسانده است.



ادبی تفرشی، عبدالحمید (۱۳۰۵ خ)، فرزند سیدکاظم، از سادات حسینی **تفرش** که خانواده او اهل شعر و ادب و به خوشنویسی معروفند. او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه خاقان و دوره متوسطه را در دبیرستان شرف تهران گذراند. او سپس دوره تخصصی وزارت دارایی را گذراند و در همان وزارتخانه خدمت کرد و در سال ۱۳۳۵ بازنشسته شد. اشعار این شاعر که «حمید» تخلص می‌کرد، در مجله‌های صبح امروز، ترقی و فردوسی به چاپ می‌رسید (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۹۴).

ادریس آبادی، عباس (زندگی ۱۳۰۰ خ)، اهل ادریس‌آباد (**شازند**)، معروف به آقاعباس اراکی فرزند شیرعلی و از شاگردان میرزا جهانگیرخان قشقایی و آخوند شیخ محمد کاشی است. وی از علما و فقهای برجسته اوایل قرن ۱۴ و مدرس مدرسه آقاضیاءالدین اراک بوده و امام خمینی از شاگردان اوست.

ادریسی، بهرام (۱۳۲۳ خ)، تحصیلات مقدماتی را در **اراک** گذراند و پس از فوق‌دیپلم ادبیات، در رشته شیمی لیسانس گرفت و به‌عنوان دبیر شیمی مشغول تدریس شد. به گفته خودش از ۱۸ بهمن ۱۳۵۸ توانایی شعر گفتن یافت و از آن تاریخ، هر هفته شعر جدیدی سروده و بیشتر اشعارش در روزنامه‌های محلی منتشر شده‌اند. این شاعر طنزپرداز، همچنین مدرس سازهای سنتور، تنبک‌دوف و نیز عضو انجمن فرهنگی قائم‌مقام فراهانی است.



ادیب، علی اکبر (زندگی ۱۲۸۲ خ)، فرزند عبدالوهاب، از رجال قرن ۱۴ **آشتیان**، دانش‌اندوزی را با فراگیری قرآن در مکتبخانه آغاز کرد و پس از تحصیلات مقدماتی، به تهران رفت و تحصیلاتش را ادامه داد. این شاعر با طبع لطیف و موزون خود مسائل روز را به زبان شعر بیان می‌کرد و در بدیهه‌سرایی کم نظیر بود^۱ (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۴۸).

ادیب‌صدراپی (۱۲۸۲-۱۳۵۹ خ)، فرزند میرزا ابراهیم و نوه میرزا محمدحسین نایب‌الصدر **ساوجی**، پس از تکمیل معلومات در شهرستان بابل و سپس دبیرستان فیروزیه‌رام و مدرسه دارالفنون به تدریس پرداخت.

^۱ در فاجعه وبای سال ۱۲۸۲ سه فرزند خود را از دست داد.

او در پی کاردانی و شایستگی به سمت کارگزار، خطیب و سخنگوی وزارت فرهنگ منصوب شد و نیز در انجمن‌های ادبی سخنرانی می‌کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

ادیب‌غیاثی، محمود (۱۲۴۰-۱۳۵۰ خ)، فرزند محمدباقر، متولد روستای غیاث‌آباد



(فراهان)، در دستگاه ناصرالدین و مظفرالدین‌شاه کارگزار دارالشوری بوده و مدتی هم در دفتر وزارت مالیه (دارایی) به کار اشتغال داشته است. این هنرمند خوشنویس، خط نستعلیق و شکسته را زیبا می‌نوشت که نگارش سخنان قصار حضرت علی با خط نستعلیق از آن جمله‌اند (محتاط، ۱۳۷۲: ۲۸).

ارادت، مبارک‌اله (درگذشته ۱۱۸۳ خ)، فرزند اسحاق، مشهور به ارادت‌خان و متخلص به «واضح‌ساوجی» شاعر سده ۱۲ و ۱۳ ساکن هند که جدش میرمحمدباقر از بزرگان **ساوه** و حکمران دکن، بنگاله، کشمیر و الله‌آباد بود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۳۷).

اراک، تقی‌خان (قرن ۱۳)، فرزند امین‌خان و از مردان بلندهمت است که در دوره محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار می‌زیسته و مسجدحاج تقی‌خان یکی از مساجد معروف اراک، یادگار اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۲).

اراک، حبیب‌اله (درگذشته ۱۳۵۸ خ)، در محضر آیات عظام حائری، غروی‌اصفهانی، آقاضیاءالدین و محمدکاظم شیرازی بهره‌مند شده و سال‌ها توفیق مرافقت و ملازمت و سیدعبدلهدی شیرازی داشت. این عالم دینی از لحاظ اخلاق و عرفان تحت تأثیر آیت‌اله سیدعلی آقا قاضی بوده است.^۱

اراک، علاءالدین فرید (۱۲۸۱خ)، فرزند سیداحمد حجتی‌امامی و بانو همد، از رجال **اراک** بود که به عنوان نماینده مجلس در دوره هجدهم از بروجرد انتخاب شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۸۵).

اراک، محمدامین (زندگی ۱۳۰۲ خ)، از برجسته‌ترین فضلالی نیمه دوم قرن سیزدهم اراک که نه تنها در فقه و اصول بلکه در معانی، بیان، منطق، کلام و فلسفه طبیعی هم صاحب‌نظر بود و اینکه آقانورالدین اراکی از شاگردان اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۵).

اراک، محمد (۸۲۰-۹۰۵ خ)، فرزند سیدابراهیم و مادرش از سادات قزوین بود. او که به میرشمس‌الدین، شهرت داشت در روستایی نزدیک اراک به دنیا آمد و پس از کسب تحصیلات دینی، به عنوان سفیر سلطان حسین بایقرا (حکومت ۸۵۰-۸۸۶) حاکم تیموری خراسان، به کشمیر رفت و پس از هشت سال اقامت در کشمیر به خراسان بازگشت و بار دیگر در سال ۹۰۲ به درخواست شاه‌قاسم نوربخش به کشمیر رفت و مردم کشمیر را به تشیع فراخواند. گفته می‌شود میرشمس‌الدین ۲۴۰۰۰ خانواده هندو و تعدادی از ساکنان بودایی لاداخ در بالتستان را به مذهب تشیع راهنمایی و حدود ۴ هزار بت‌کده را ویران نمود و به بت‌شکن شهرت

^۱ از آیت‌اله سیدکاظم مرعشی، نقل شده: درباره کسی که صلاحیت زعامت آینده حوزه نجف را داشته باشد با آیت‌اله خویی گفتگو کردم، ایشان فرمودند: آیت‌اله حبیب‌اله اراکی شایسته‌ترین فرد است.

یافت. امروزه بسیاری از مردم کارگل به زبان فارسی روان صحبت می‌کنند و زبان فارسی نیز از دوران کودکی در بسیاری از مدارس کارگل (اقامت‌گاه او) تدریس می‌شود. پیکر این عالم دینی که گفته می‌شود به شهادت رسیده، در خانقاهی در زادبیل در نزدیکی سرینگر^۱ پایتخت کشمیر به خاک سپرده شد و مورد احترام ساکنان محلی و گردشگران است.

ارجمندحقیقی آشتیانی، ابوالقاسم (۱۲۹۲-۱۳۴۰ خ)، فرزند میرزا اسداله سرشته‌دار،



تحصیلاتش را به‌عنوان هنرآموز در هنرستان موسیقی معلمان شروع کرد و در رشته پیانو دیپلم گرفت. او به‌خاطر مادرش از تهران به آشتیان بازگشت و به‌عنوان معلم موسیقی به‌استخدام آموزش و پرورش آشتیان درآمد و نخستین کسی است که کلاس آموزش ویولن در آشتیان برقرار کرد و شایسته است او را پدر موسیقی نوین آشتیان به نامیم (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۳۱).

ارجمندساوجی، ابوالحسن (زندگی ۱۳۰۶ خ)، دبیر زبان فرانسه در دبیرستان‌های تهران و نویسنده آثاری چون تاریخ عمومی، تاریخ قرون وسطی، حساب علمی و عملی و الجبر می‌باشد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۲). **ارجمندی، احمد** (زندگی ۱۲۸۵ خ)، یک کنشگر سیاسی و از اعضای کمیته مشروطه‌طلبان **اراک** بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۸).

ارجمندی، محمد (زندگی ۱۲۸۵ خ)، یک کنشگر سیاسی و از آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان مشهور **اراک** بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۵).

ارضی، ذبیح‌اله (۱۲۷۰-۱۳۶۰ خ)، فرزند شیخ ابوطالب، پس از کسب مقدمات از محضر عبدالکریم و آقانووالدین عراقی به‌مقام اجتهاد رسید و سالیان دراز در حوزه علمیه **اراک**، فقه و اصول تدریس کرد. این عالم دینی از آیات عظام حائری، آقارضا جاپلقی و مصطفی محسنی اجازه نقل روایت داشت و مورد توجه و عنایت خاص مراجع و مجتهدین بزرگ بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۵۷).

ارفع‌قوامی، اسداله (۱۲۷۴ خ)، فرزند مصطفی (عظیم‌الدوله)، از افراد سرشناس **آشتیان** بود که در زمان ناصرالدین‌شاه و وزارت جنگ مشیرالدوله، وارد ارتش شد. او پس از کودتای ۱۲۹۹ از افسران مورد اعتماد سردار سپه شد و در دیدار رضاشاه و آتاتورک در ترکیه همراه وی بود. او در سال ۱۳۲۰ رئیس ستاد ارتش شد و به درجه سرلشکری ارتقا یافت. وی هم‌چنین دارنده نشان‌های درجه ۱ و ۲ لیاقت و نشان درجه ۱، ۲ و ۳ افتخار آذربایجان و نیز درجه ۱ رستاخیز و ۲۸ مرداد می‌باشد (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۶۸).

ارمنی، آوانس (قرن ۱۴)، از ارمنه سرشناس روستای اسدآباد کمره (**خمین**) بود که در ساخت آسیاب آبی تخصص داشت. این صنعتگر و کارآفرین، در روستای میشيجان سفلی ساکن بود و سپس به همراه اقوام

۱. شیرین‌نگار

و برادران خویش به روستای اسدآباد رفته و به احداث باغات و قلمستان پرداخت. ایشان به همراه خانواده‌اش و در زمان رضاشاه به ارمنستان کوچ کرد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۴۶).

اروجلو، عبدالحسین (قرن ۱۴)، از اهالی موسیقی، مناجات‌خوان **تفرشی** و دارنده عناوین جشنواره‌های مذهبی است و سه‌دوره به‌عنوان نفر نخست جشنواره آوای ایرانی انتخاب شده است.

استعلامی، محمد (۱۳۱۵ خ)، شاگرد فروزان‌فر و معین، تا ۱۸ سالگی در **اراک** به مدرسه رفت و در سال ۱۳۳۴ در دانشگاه تهران پذیرفته شد. دریافت دکتری زبان‌و ادبیات فارسی، تصحیح و نقد شماری از شاهکارهای ادب ایران و نشر کتب و مقالات بسیار تا سال ۱۳۵۵ او را به مرتبه استادی رساند. او از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۱ م عهده‌دار کرسی زبان‌و ادب فارسی دانشگاه مک‌گیل و در همان فاصله، دوسال مهمان دانشگاه مطالعات خارجی توکیو و دوسال هم مهمان دانشگاه کالیفرنیا بود. بیش از ۲۵ عنوان کتاب، ده‌ها مقاله و نیز تصحیح، نقد و تعلیق تذکره‌الاولیا عطار به‌عنوان رساله دکتری با هدایت بدیع‌الزمان فروزان‌فر که تاکنون ۲۸ بار چاپ شده، از آثار ارزشمند این نویسنده، ادیب و دانشمند معاصر است (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۴۰).



اسدی، داود (۱۳۴۸-۱۳۸۷ خ)، اهل روستای آغداش (**خنداب**)، کار هنری خود را با «نوروز ۷۲» و «ساعت خوش» آغاز کرد و بازی در سریال تلویزیونی «نرگس» و فیلم سینمایی «مادرم گیسو» از دیگر سوابق هنری اوست. این سینماگر هم‌چنین در فیلم خط شکن، مجموعه تلویزیونی تلفن همراه و فیلم سینمایی سرحد ایفای نقش کرد و متأسفانه در عین جوانی به دیار باقی شتافت.



اسدیان، محمد (۱۳۶۲ خ)، فرزند مصطفی و بانو معصومه، تحصیلاتش را در دبستان آزادی و راهنمایی شهید چمران **ساوه** گذراند و از دبیرستان اندیشه دیپلم گرفت. او در دانشگاه قم مترجمی زبان انگلیسی خواند و مقطع ارشد را به‌عنوان استعداد درخشان با معدل ۱۹/۳۰ در دانشگاه ساوه سپری کرد. وی سپس وارد فضای کسب‌وکار شد و سمت‌های مختلفی از جمله مدیر بازرگانی، مدیر اداری، مترجم و مشاور صنایع داخلی و نیز نماینده انحصاری صنایع برون‌مرزی را تجربه نمود و بواسطه علاقه‌مندی به تجارت بین‌الملل، سفرهای کاری به کشورهای امارات، عراق، سوریه، تایلند، چین، قطر، گرجستان، ترکیه، عربستان و... داشته و سالها نماینده انحصاری صنایع مختلف چین در خاورمیانه می‌باشد. وی هم‌چنین دو مقاله علمی و هم‌چنین کتاب «بازاریابی کارآفرینانه با نقش میانجی کارکنان در کسب و کارهای کوچک و متوسط» را در کارنامه دارد. وی هم‌چنین در حوزه ورزش بویژه ورزش زورخانه‌ای فعال است و در هنر فلوت‌نوازی هم دارای مهارت است.



اسراری، ابوخضر (زندگی ۷۵۵ خ)، فرزند جمال‌الدین سلمان **ساوجی**، ملقب به حکیم‌الدین، شاعر و صاحب «شبستان خیال» و متخلص به «اسراری» و اهل ساوه بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۲۰).
اسراییل خان (قرن ۱۲)، یک شخصیت برجسته **اراک**ی که در زمان کریم‌خان زند، سرپرستی قلعه‌ی ده‌کهنه از دژهای قدیمی پیش از ساخت اراک را داشته و ساکنین آن پس از بنای شهر سلطان‌آباد در محله‌ی حصار ساکن شدند. اسراییل خان فرزندی داشته به نام صادق خان که او نیز در زمین‌های دو طرف رودخانه از باغ خلج تا قلعه سلیم به کشاورزی اشتغال داشته و فرزند او حاج علی‌نقی معروف است، که یکی از چهار دروازه شهر به نام اوست و با اینکه این دروازه‌ها در سال ۱۲۹۲ تخریب شده ولی هم‌چنان تقاطع خیابان قائم‌مقام و خیابان مولوی با نام «دروازه حاج علی‌نقی» شناخته می‌شود.

اسعدی ساوجی (۱۳۰۸ خ)، فرزند سیدجعفر، تحصیلات ابتدایی و حوزوی را در **ساوه** گذراند و در سال ۱۳۲۸ به تهران رفت و ضمن استخدام در وزارت دادگستری به تحصیلاتش ادامه داد و در زمره شاگردان میرزا مهدی آشتیانی در رشته الهیات و معارف اسلامی درآمد و دکترا گرفت. ترجمه کتاب «پژوهش‌نامه فلسفی در اثبات مبدا باری تعالی» از آثار این مترجم معاصر است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

اسفینی، حسین (۱۳۴۷ خ)، متولد روستای اسفین (**فراهان**)، پس از دوران دبیرستان و خدمت سربازی در یک شرکت پیمانکاری نفت و گاز در تهران مشغول بکار شد و چون تلاشگر و دارای پشتکار زیادی بود به‌زودی به‌عنوان سرپرست کارگاه منصوب شد و پله‌های ترقی را یکی‌یکی طی کرد. او سپس از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ هم در یکی از شرکت‌های سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به‌عنوان مدیر پروژه‌های سدسازی و پالایشگاهی خدمت کرد و تجربه اندوخت. این کارآفرین برجسته پس از ۲۰ سال تجربه‌اندوزی با تأسیس شرکت خصوصی با موضوع طراحی، ساخت و نصب و راه‌اندازی تجهیزات هیدرومکانیک سد و شبکه‌های آبیاری، شرایط اشتغال حدود ۸۰۰ نفر را فراهم آورده که عمدتاً از اهالی فراهان و اراک هستند (عزیزآبادی، ۱۴۰۲: ۲۵).



اسکندری، فاطمه (۱۳۴۵ خ)، اهل **ساوه**، فرزند ابوالقاسم و بانو طوبی، از سال ۱۳۶۵ در تربیت معلم زینب کبری اراک آموزش ابتدایی خواند و در بخش خرقان و روستاهای ساوه و چندسالی هم در ساوه تدریس و مدیریت مدارس را برعهده داشت. او چندبار به‌عنوان معلم نمونه انتخاب شد. وی هم‌چنین در سال ۱۳۹۵ لیسانس علوم تربیتی گرفت و انتشار «شکوفه‌های شاخه طوبی» و «ناله‌های بی‌صدای انسان‌های باخدا» را در کارنامه دارد و «سوگل جারوی شگفت‌انگیز» کتاب جدید اوست در حوزه محیط زیست برای کودکان.



اسلامی، هوشنگ (۱۳۱۵ خ)، اهل پشتکوه خمین، فرزند بهاء، دبستان را نزد عمویش



که در اراک تحصیل علوم دینی می کرد گذراند و به خمین بازگشت و چهار سال اول متوسطه را در این شهر خواند و دوباره به اراک آمد و دیپلم گرفت و به استخدام آموزش و پرورش درآمد. او در سال ۱۳۳۸ وارد دانشسرای عالی تهران شد و لیسانس شیمی گرفت و مدتی در دبیرستان های تهران تدریس کرد و سپس با بورس تحصیلی از دانشگاه بروانس (فرانسه) دکترای ترمودینامیک گرفت و در دانشگاه های تهران، زاهدان و کاشان به تدریس پرداخت. راه اندازی مجله علمی شیمی، اجرای طرح تهیه سولفات سدیم از پساب کارخانه پودر رختشویی پاکسان و راه اندازی واحد شیمیایی گرمسار، از کارهای برجسته این کارآفرین خمینی است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۸).

اسلامی جاسبی، قوام (۱۲۸۰-۱۳۶۵ خ)، متولد روستای بیجگان از توابع جاسب (دلیجان) فرزند ملاحسین، از فضلا و نویسندگان حوزه علمیه قم که در جوانی به قم رفت و ادبیات عرب را نزد شیخ محمدعلی ادیب تهرانی و دروس سطح را نزد آخوند ملاعلی همدانی گذراند و در درس خارج آیات شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، شیخ عبدالکریم حائری و سیدشهاب الدین مرعشی شرکت کرد. صراط المؤمنین، صراط مستقیم (شرح و ترجمه رساله حقوق امام سجاد)، کرامات حضرت معصومه، بشاره المؤمنین در تاریخ قم و قمیین برخی از آثار چاپ شده اوست.

اسلامی زاده، حسینعلی (۱۳۳۱ خ)، فرزند حبیب اله متولد اراک، دارای فوق لیسانس



مدیریت اجرایی است و از زمان تأسیس شرکت تولیدی پیچ و مهره گیجین یعنی سال ۱۳۶۱ به عنوان مدیر عامل این شرکت مشغول به فعالیت است. شرکت این کارآفرین برجسته، با ۴۵ نفر پرسنل در زمینه تولید انواع پیچ و مهره های صنعتی فعالیت می کند و هم چنین مؤسس و عضو هیأت مدیره کانون کارآفرینان و عضو مؤسس و مؤثر انجمن پیشگامان صنعت استان مرکزی است. **اسلامی ساوجی، نورالدین** (۱۳۲۰ خ)، فرزند زین العابدین، تحصیلاتش را تا کلاس پنجم در روستای الویر (زرنديه) و ششم ابتدایی را در دبستان پرورش و دوره متوسطه را در مدرسه دارالفنون تهران گذراند و علوم ادبی و عربی را نزد عمویش محمدرضا اسلامی شاگردی کرد. این نویسنده برای تدوین کتاب گردومینده های الویره، حل بعضی مجهولات لهجه اورامی کردستان که شباهت فراوانی با لهجه الویری دارد را مورد مطالعه قرار داده و بسیاری از مجهولات زبان الویری را با کمک زبان اورامی حل کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۲۳).

اسماعیلی، علی اصغر (۱۳۴۲ خ)، اهل دلیجان، خواننده تعلیم یافته نزد استاد حلی است که با دو گویش دلیجانی و فارسی آثار بسیاری را تولید کرده و نخستین خواننده استان است که رسانه محلی (شبکه آفتاب)

به ضبط و پخش آثارش پرداخت و هم‌چنان مشغول تربیت شاگردان است. برگزاری سه جشنواره آوای ایرانی از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ و تولید آثاری چون بهار از افتخارات اوست.

اسماعیلی انجدانی، محسن (۱۳۶۵ خ)، فرزند محمد و بانو آسیه، پژوهش‌گر حوزه

میراث فرهنگی و نویسنده مقاله بازخوانی کتیبه‌های قبور رهبران اسماعیلیه در انجدان

(اراک)، چاپ شده در نشریه نُسخ خطی دانشگاه تهران است. مجموعه ۴ جلدی سالنامه

های معارف عراق (عجم) مشترک با اسداله عبدلی آشتیانی و مقاله معارف در مدارس آشتیان

چاپ شده در کتاب تاریخ و فرهنگ آشتیان هم از کارهای ارزشمند اوست. این پژوهشگر و نویسنده، هم‌چنین

دو کتاب «سنگ مزارات انجدان از ابتدا تا قرن ۱۴ هجری» و «کاتبان انجدان» را منتشر کرده است.

اشتری، احمد (درگذشته ۱۳۳۳ خ)، فرزند میرزا مهدی آشتیانی، از مقامات مهم اداری، سیاسی، شاعر،

نقاش، خطاط، قالی‌باف و هم‌چنین کفیل وزارت عدلیه حکومت گیلان بود. او مدتی ردای شهرداری تهران

به تن تن داشته و مستشار دیوان عالی محاسبات هم بود. میرزا احمد هم‌چنین با تخلص «یکتا» شعر

می‌سرود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۶۹).

اشتری، بیژن (۱۳۴۲ خ)، نویسنده و مترجم اهل اراک که در دانشگاه تهران، رشته

میکروب‌شناسی خواند، و از اوایل دهه ۱۳۶۰ به فعالیت مطبوعاتی پرداخت. او در زمینه ترجمه

بسیار پرکار است و برخی از آثار ترجمه‌ای او عبارتند از: آکواریوم‌های پیونگیانگ،

حرم‌سرای قذافی، راسپوتین: ابلیس یا قدیس، لنین: زندگی انقلابی سرخ، رفیق: زندگی و

مرگ ارنستو چه‌گوارا، پل پوت: کابوس سرخ و... اشتری مترجمی است که گفته می‌شود ۱۷ ساعت از شبانه‌روز

را صرف خواندن یا ترجمه می‌کند و علاقه شخصی او به تاریخ امروز، او را به یکی از معتبرترین چهره‌های

مترجم معاصر ایران تبدیل کرده است.

اشتری، حمید (۱۳۳۴ خ)، فرزند نصرت‌اله، متولد اراک و دیپلم ریاضی‌فیزیک، فعالیت

هنری خود را از سال ۱۳۶۱ در رشته ساخت سازهای سنتی سه‌تار آغاز کرد و با ۴۰ سال

فعالیت در زمینه موسیقی و ساخت ساز، در سال ۱۳۹۱ موفق به دریافت مهر اصالت جهانی

از یونسکو شد.

اشجاری، محمد (۱۳۵۹ خ)، فرزند مصطفی و بانو قدسی، تحصیلات ابتدایی را در دبستان

معاد و کاظم میثمی و راهنمایی شهید دستغیب گذراند و از دبیرستان امام باقر اراک دیپلم

گرفت. او سپس در دبیرستان امام علی پیش‌دانشگاهی را در رشته علوم انسانی ادامه داد تا

مسیرش به‌راهی گشوده شود که رشته جامعه‌شناسی را در مقاطع کارشناسی و ارشد در

دانشگاه آزاد آشتیان بگذراند. این نویسنده و پژوهشگر حوزه اراک‌شناسی از سال ۱۳۸۶ تدریس در

دانشگاه‌های سطح استان را آغاز و هم‌زمان به فعالیت‌های پژوهشی پرداخت و تاکنون بیش از ده‌ها مقاله



ملی و بین‌المللی به‌چاپ رسانده و کتاب «اراک اولین شهر ایران»، هشتمین تجربه این فعال فرهنگی و اجتماعی در حوزه نویسندگی است و این مهم را مدیون سال‌ها فعالیت در حوزه مطبوعات به‌خصوص در نشریه وقایع استان مرکزی می‌داند.

اشرفی، هادی (۱۳۳۷ خ)، متولد **شازند**، پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در دوران



دبیرستان به روزنامه «توفیق» رفت و با فضای حرفه‌ای طراحی و کاریکاتور آشنا شد. اشرفی از دانش‌آموختگان دانشکده هنرهای دراماتیک رشته نمایشنامه‌نویسی و سناریونویسی است. او مدتی در فرهنگسرای نیاوران به‌عنوان طراح و گرافیکست و چندی هم به‌عنوان کارشناس هنر فعالیت کرد و طرح‌هایش در ۵ دهه اخیر در بسیاری از روزنامه‌ها و نشریات منتشر شد. اشرفی از سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل به بلژیک رفت و ضمن گذراندن دوره‌های طراحی در آکادمی هنرهای زیبای بروکسل به فعالیت‌هایش نیز ادامه داد. آثار او تاکنون در ۱۵ نمایشگاه انفرادی و بیش از ۲۰ نمایشگاه گروهی در بلژیک، سوئیس و کانادا به‌نمایش درآمده است.^۱

اصغری، سعید (۱۳۵۶ خ)، فرزند عبدالله و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در دبستان دکتر



مفتح و راهنمایی نمونه رازی محلات و سلمان فارسی **دلیجان** گذراند و از دبیرستان علامه طباطبائی دیپلم گرفت. او که فوق‌لیسانس تاریخ از دانشگاه آزاد محلات دارد و در آموزش و پرورش دلیجان شاغل و عضو هیأت تحریریه ماهنامه عصر طلایی دلیجان هم هست، سه عنوان کتاب «الدروالمرجان فی تفسیرالایمان (مقدمه و کوشش)، قنات به‌ریار دلیجان و هم‌چنین سنگ-نوشته‌های روستای واران را نیز در کارنامه دارد.

اعتصام‌زاده‌آشتیانی، ابوالقاسم (قرن ۱۴)، فرزند یوسف (اعتصام‌الملک)، مدیر مجله ستاره جهان، نویسنده و مترجم عصر پهلوی است. ترجمه فارسی کتاب «کشمیر یا باغ نشاط» اثر رنه‌دونان از اوست.

اعتصامی، ابوالحسن (۱۲۸۲-۱۳۵۷ خ)، فرزند میرزا ابراهیم (اعتصام‌الملک **آشتیانی**)



و عموی پروین اعتصامی است. وی نقاش، معمار، خطاط و نویسنده‌ای بود که در مدرسه اقدسیه، مدرسه آمریکایی و نیز مدرسه کمال‌الملک تحصیل کرد و سپس دو سال در اصفهان فنون معماری و کاشی‌سازی آموخت. در سال ۱۳۳۷ و به‌درخواست رئیس هنرهای زیبای کشور، مجموعه‌ای از آثار معماری و تزیینی او به‌نمایشگاه بین‌المللی بروکسل ارسال شد که مدال طلای کارهای انفرادی را برای این هنرمند به‌ارمغان آورد. این مجموعه بعدها توسط موزه ملی ایران

^۱. فصلنامه رازان ش ۱۶.

خریداری و به مجموعه دایمی هنرهای اسلامی اضافه شد. از آثار دیگر ابوالحسن اعتصامی در زمینه نقاشی، تابلوهای خرابه در دولت‌آباد، خانه روستایی در نیاوران و شفاعت پاستور از ناپلئون است. داستان ناجنس، محیل الدوله و مرد تنهامانده نیز از آثار مکتوب او به‌عنوان نویسنده است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۰۳).

اعتصامی‌آشتیانی، رخشنده (۱۲۸۵-۱۳۲۰ خ)، فرزند یوسف و بانو اختر، معروف به

پروین اعتصامی، زبان‌وادیات فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدر آموخت و از همان

کودکی زیر نظر وی و استادانی چون دهخدا و ملک‌الشعرا بهار سرودن را آغاز کرد و به

«پروانه‌ترین شاعر زن ایران» تبدیل شد. در سال ۱۳۱۵ از طرف وزارت معارف نشان درجه

۳ علمی به‌وی اهدا شد که چندان وقعی ننهاده. او در همین سال در کتابخانه دانشسرای عالی تهران به

کتابداری مشغول شد. یگانه اثر این شاعر پروانه، دیوان اشعار اوست که دارای ۶۰۶ شعر شامل مثنوی،

قطعه و قصیده است و بیشتر به‌دلیل بکار بردن سبک شعری مناظره در شعرهایش معروف است (عبدلی

آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۰۹).

اعتصامی‌آشتیانی، زبینه (۱۲۷۳-۱۳۲۶ خ)، فرزند میرزا ابراهیم (اعتصام‌الملک) و بانو گوهر ملقب به

عشرت‌الملوک، عمه‌ی پروین اعتصامی است. او به‌عنوان یک بانوی برجسته به‌دو زبان عربی و فرانسه

مسلط بود و به‌همراه پروین در تأسیس نخستین کانون زنان ایران نقش مؤثری داشت (عبدلی‌آشتیانی،

۱۳۹۹: ۵۰۹).

اعتصامی‌آشتیانی، یوسف (۱۲۵۸-۱۳۱۶ خ)، معروف به اعتصام‌الملک، فرزند میرزا

ابراهیم مستوفی و پدر پروین اعتصامی است که عربی، فقه، اصول، منطق، کلام و حکمت

قدیم و نیز زبان‌های ترکی و فرانسه را در تبریز فرا گرفت و در ۲۰ سالگی کتاب

«قلائد‌الدب فی شرح اطواق‌الذهب» در شرح اطواق‌الذهب زمخشری را به‌زبان عربی نوشت

که در دانشگاه تدریس می‌شد. از مناصب این نویسنده، ادیب، مترجم، خوشنویس و روزنامه‌نگار می‌توان به

نماینده‌ی مجلس در دور دوم مجلس شورای ملی و ریاست کتابخانه مجلس اشاره کرد. او مجله بهار را در

دو دوره ۱۲۹۰ و ۱۳۳۱ منتشر کرد و نیز ترجمه کتاب‌های خدعه‌وعشق، سفینه غواصه، ترجمه حال تولستوی،

هانری چهارم، تاریخ خصوصی ناپلئون و تألیف کتاب تربیت نسوان، کتاب تاریخ روم و سیاحت‌نامه فیثاغورث

از اوست. او هم‌چنین در تبریز چاپخانه تأسیس کرد و به‌همراه تقی‌زاده مجله گنجینه فنون را منتشر کرد

(عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۰۴).



^۱. مادر دکتر ابراهیم داوری

اعتضادالسلطان، ابراهیم (زندگی ۱۲۷۵ خ)، فرزند شاهزاده عبدالله میرزا (حشمت‌الدوله) اهل خمین، در اواخر سال ۱۲۷۵ به‌جای پدر، حاکم بروجرد، لرستان و کمره شد. سرتیپ ابراهیم‌میرزا به‌عنوان یک نظامی برجسته در این سال به اعتضادالسلطان ملقب شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۰).

اعتمادیه، ابراهیم (۱۲۷۶-۱۳۳۲ خ)، فرزند محمدآقا کمپانی و بانو عصمت‌الحاجیه در عمر کوتاه و پر ثمرش، منشأ خدمات بسیاری در حوزه نیکوکاری، توسعه، آبادانی و ورود تکنولوژی نوین به شهر اراک بوده که ورود نخستین خط تلفن، ورود نخستین اتومبیل (هادسن پاکوتاه)، ساخت نخستین زمین فوتبال، برگزاری جشن‌های بزرگ فرهنگی با حضور هنرمندان مشهور ملی، مجموعه‌داری اشیا ارزشمند، وقف املاک برای امور عام‌المنفعه و بسیاری خدمات دیگر را در کارنامه دارد.



افتخار، محمدتقی (۱۳۳۲ خ)، فرزند جواد و بانو مرضیه، متولد اراک، دستی بر قلم داشته و کتابی ۳ جلدی با عنوان «دائرةالمعارف افتخار» از خود به یادگار گذاشته است. افتخار سرایش شعر را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرد و به‌عضویت انجمن ادبی ادیب‌الممالک درآمد. وی بعدها در انجمن ادبی قائم‌مقام نیز به ارائه اشعار خود پرداخت و از سال ۱۳۸۳ به‌عضویت انجمن ادبی نور در آمده و یکی از اعضای قدیمی این انجمن می‌باشد. وی در سال ۱۴۰۱ گزیده‌ای از اشعار خود را در کتابی با عنوان «آفتاب شرقی» منتشر کرد و مجموعه‌ای از اشعار مذهبی خود با عنوان گلستان اهل بیت را نیز آماده چاپ دارد. افتخار در سرودن شعر به‌لهجه اراکی دستی توانا دارد و در همایش‌های متعدد در اراک و دیگر شهرهای استان به خوانش شعر می‌پردازد. او همچنین مجموعه‌ای با عنوان «آلام اجتماعی» پیرامون مسائل و معضلات جامعه گردآوری کرده است (گفتگو مسلم نوازی).



افتخارالعلماء، محمود (زندگی ۱۲۸۳ خ)، عالم دینی و یکی از مکتب‌داران خمین در سال ۱۲۸۳ بوده و آقایان خمینی، پسندیده، آقا نورالدین هندی و... دروس ابتدایی را نزد وی آموختند (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۵).

افتخاردفتر، غلامعلی (زندگی ۱۲۸۵ خ)، یک کنشگر سیاسی و از مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان اراک بوده و زمین مدرسه دخترانه شرافت واقع در کوی قنات ناصری که یکی از مدارس خوب دولتی اراک است، توسط خانواده وی اهدا شده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۸).

افتخاری اراکی، حسن (درگذشته ۱۳۴۳ خ)، شاگرد آقا سلطان و فرید محسنی، دانش‌آموخته رشته وعظ و خطابه از دانشکده معقول و منقول و از واعظان و سخن‌رانان نامدار اراک و یک عالم دینی مشهور و محترم بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۹).

^۱. دختر حاج حسن آقا ملک‌التجار تبریزی

افتخاری ساوجی، محمد (۱۳۰۱ خ)، فرزند علی اکبر، تحصیلات مقدماتی تا ششم

ابتدایی را گذراند و در کسوت آموزگاری درآمد. او که از کودکی به ادبیات فارسی و عرب و خواندن شعر علاقه‌مند بود بدین سو گرایش پیدا کرد و تصمیم گرفت سخنان کوتاه امام علی را به صورت شعر درآورد که موفق شد به عنوان یک شاعر، منظومه‌ای از کلمات قصار حضرت علی بالغ بر ۶۶۰ حدیث، خطبه امام سجاد و نیز خطبه حضرت زینب را به صورت منظور منتشر نماید (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۲۸).



افراسیابی، محمد (۱۳۰۹ خ)، فرزند غلامحسین، در روستای گرکان (آشتیان) به دنیا آمد و در سال ۱۳۳۳ با سفارش سناتور علی قلی خان هدایت به مجلس سنا راه یافت و به عنوان کارگزار سرسرایدار آنجا شد. او در سال ۱۳۵۰ با حکم کاخداری بازنشسته شد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۰).

افسری، رضا (۱۳۴۷ خ)، فرزند میرزا محمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در خمین

گذراند و در سال ۱۳۶۶ درجه ممتاز و در سال ۱۳۷۲ درجه فوق ممتاز خوشنویسی را دریافت و در سال ۱۳۷۵ از دانشگاه هنر تهران در رشته کارشناسی نقاشی و در سال ۱۳۸۰ در رشته کارشناسی ارشد هنر دانش آموخته شد. وی در زمینه نگارگری ایران (مکتب تبریز) و سلطان محمد نقاش (دوره صفوی)، دارای تحقیق و پژوهش است و آثار هنری خود را در نمایشگاه‌های داخل و خارج به صورت انفرادی و گروهی به نمایش گذاشته و هم اکنون عضو انجمن هنرمندان نقاش ایران و عضو گروه هنری دیوار سفید می‌باشد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۵).



افطسی، حسن (قرن ۸)، فرزند محمد، از علمای شیعه قرن هشتم **تفرش** است که پدران، فرزندان و عمو زادگان وی همگی، فقیه، عالم و دانشمند بوده‌اند.

افطسی، رضی الدین محمد (قرن ۶)، فرزند زید ابن داعی بن زید حسینی از فقه‌های قرن ششم است که در آوه (ساوه) بدنیا آمد و در همین شهر مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفت و سپس به مدارس علمیه قم و ری راه یافت و در فقه و اصول و ادب شیعی تبحری خاص یافت.

افطسی آوی، ابومحمد (قرن ۶)، فقیه و نقیب شهر در عصر ایلخانان و از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی بود که در تجدید حیات آوه (ساوه)، پس از ویرانی آن به دست مغول، نقش به سزایی داشت و سمت مهم نقابت آوه و فراهان را عهده‌دار بود.

افشار، محمد (۱۲۹۴ خ)، فرزند ولی اله خان یاور، اهل خمین، که در املاک موروثی‌اش،

اقدامات عمرانی و ابتکاری ارزشمندی انجام داد که از آن جمله‌اند واگذاری زمین و خزانه رایگان نهال به کشاورزان، احداث مدرسه در دالایی و روستای میشی جان و احداث یک باب حمام. وی هم‌چنین به مدت ۳ سال شهردار گلپایگان بوده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۴).



افشار، محمدحسین (زندگی ۱۱۷۴ خ)، در قرن دوازده هجری می‌زیسته و در کسوت سردار نظامی، در اوایل دولت قاجار مقام میرپنجی داشته و هم‌چنین اهل ادبیات بوده است. این شاعر که «مصلحی» تخلص می‌کرده، روستای فعلی مصلح‌آباد (اراک) را احداث کرده و قناتی هم حفر کرده است. نوادگان ایشان امروز با شهرت مصلحی، صهبا و اوحدی شناخته می‌شوند (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۹).

افضلی، علی‌اکبر (۱۲۷۳-۱۳۵۰ خ)، فرزند جعفر و بی‌بی خانم، در **تفرش** به دنیا آمد و پس از طی تحصیلات مقدماتی به تهران مهاجرت کرد. وی که در شهر ری و تفرش صاحب املاک فراوانی بود، در کمک به نیازمندان، ایجاد اشتغال و توسعه کشاورزی و باغداری در شهر ری و تفرش زبان‌زد بود. احداث آب‌انبار، حمام و هم‌چنین مسجد افضلیه- به‌معماری استاد لرزاده- در محله حسین‌آباد شهر ری از یادگارهای این کارآفرین تفرشی است. فرزندان او هم راه پدر را ادامه دادند که اهدای چند هکتار زمین به دانشگاه تفرش و اهدای کمک‌های مالی به بیمارستان والفجر تفرش و... از آن جمله‌اند (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۲).



افضلی، محمدابراهیم (۱۳۰۱-۱۳۹۱ خ)، فرزند میرزا حسین و بانو منور، متولد ترخوران (**تفرش**)، دوره مقدماتی را در مکتب‌خانه میرزا احمد بینا و تحصیلات ابتدایی را در دبستان سعدی و مدرسه حکیم‌نظامی قم ادامه داد و با اطلاعاتی که از پدر بزرگش میرزا علی‌نقی طبیب شفایان (حافظ‌الصحه) به دست آورده بود، در ترخوران داروخانه دایر کرد. او سپس به‌استخدام آموزش و پرورش تفرش درآمد و مدت ۲۰ سال در سمت مدیر دبستان کافی و ۱۰ سال هم در مسوولیت دایره کارگزینی خدمت کرد و نشان‌های درجه ۲ آموزشی و لیاقت از وزارت فرهنگ دریافت کرد. ایشان هم‌چنین اقدام به راه‌اندازی شعبه جمعیت شیروخورشید (هلال‌احمر) در تفرش کرد و خود به‌عنوان مدیرعامل این جمعیت، منشأ خدمات زیادی از جمله پیگیری ایجاد باغ کودک، پارک شادی، پیگیری احداث ساختمان اداری، ساختمان جهادکشاورزی فعلی، پیگیری احداث درمانگاه رایگان و پیگیری احداث بیمارستان ۱۵۰ تختخوابی والفجر فعلی شد. «نسیم تفرش» گوشه‌ای از تحقیقات و مطالعات این نیکوکار نویسنده است از اوضاع جغرافیایی، تاریخی، آداب‌وسنن و هم‌چنین مفاخرومشاهیر تفرش جهت آشنایی نسل جدید که به همت دخترش فاطمه افضلی به‌چاپ رسیده است. وی هم‌چنین طبع شاعری داشته و اشعاری به‌یادگار از ایشان باقی‌است (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۴).



افضلی‌پور، سیدعلیرضا (۱۲۸۸-۱۳۷۲ خ)، فرزند میرزا حسین‌خان، در **تفرش** زاده شد و پس از تحصیلات ابتدایی، دوره متوسطه را در مدارس دارالمعلمین مرکزی گذراند و لیسانس شیمی گرفت و دوره تخصصی شیمی کشاورزی را هم در فرانسه گذراند. دانشگاه کرمان با کمک مالی ۶۰ میلیون تومانی وی و همسرش-بانو فاخره صبا- ساخته شد و در ۲۴ شهریور ۱۳۶۴ گشایش یافت. ایشان هم‌چنین به‌بنای دانشگاه علوم پزشکی کرمان نیز کمک فراوان



کرد و دانشکده پزشکی این دانشگاه با نام «سیدافضلی‌پور» نامیده می‌شود. هم‌چنین یک بیمارستان ۴۶۲ تخت‌خوابی آموزشی/درمانی نیز به‌نام این دانشمند شیمی‌دان و نیکوکار در کرمان به‌ثبت رسیده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۳).

اقبال آستینانی، عباس (۱۳۳۴-۱۲۷۵خ)، فرزند محمدعلی، پس از دوره ابتدایی و در سن



کمتر از ۱۴ سالگی به‌همراه خانواده به تهران رفت و در کنار کار و کمک به خانواده، تحصیلاتش را هم ادامه داد و به مدرسه شرکت راه یافت و چون پیشرفت خوبی داشت، به سفارش ابوالحسن فروغی و توسط مرتضی نجم‌آبادی به دارالفنون رفت و پس از پایان تحصیلات به تدریس در دارالفنون، دارالمعلمین مرکزی و مدرسه علوم سیاسی و نیز مدرسه نظام پرداخت. او هم‌زمان ضمن پذیرش معاونت کتابخانه معارف دارالفنون، به نوشتن مقالات ادبی و علمی پرداخت و با بزرگانی چون ملک‌الشعراى بهار، رشید یاسمی، سعید نفیسی، محمدعلی فروغی، عبدالعظیم قریب و... همکاری کرد. این پژوهشگر، مورخ، مترجم و ادیب برجسته که تألیف، ترجمه، تصحیح و مقالات معتبری از خود به‌یادگار نهاده و امروز به‌عنوان منبع و مرجع، مورد استناد پژوهشگران بسیاری است، با سمت منشی هیأت نظامی ایران به پاریس رفت و در آن‌جا به مطالعه و تحقیق در کتابخانه‌ها و تکمیل دانش خود پرداخت و دوره لیسانس را نیز در دانشگاه سوربن گذراند و پس از بازگشت به ایران از ابتدای تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ به استادی دانشگاه برگزیده شد. او هم‌چنین در سال ۱۳۱۷ به عضویت فرهنگستان ایران انتخاب و از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ مجله یادگار را در تهران منتشر کرد. بنیانگذار «انجمن نشر آثار ایران» در سال ۱۳۲۸ به‌عنوان رایزن فرهنگی به آنکارا رفت و در حالی که رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا بود، در شهر رم درگذشت (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۱۵).

اقبال‌یون، ابوالفضل (۱۳۴۰خ)، فرزند محمدتقی و بانو پروین دخت، تحصیلاتش را در



دبستان شاهپور و راهنمایی مأمونیه (زرن‌دیه) گذراند و از دبیرستان دکتر مهران همین شهر دیپلم تجربی گرفت و به‌سبب انقلاب فرهنگی از دانشگاه بازماند و به کار تولید و صنعت روی آورد. او از سال ۱۳۶۰ اقدام به تأسیس یک واحد تولید گچ ماشینی کرد و تاکنون با فعالیت پیوسته و پایدار در نقش کارآفرین و سهامدار عمده گروه صنایع تولید مصالح ساختمانی، گروه صنایع تولید محصولات غذایی، گروه صنایع پایین‌دستی پتروشیمی با بیش از ۲۰۰ نفر پرسنل در خدمت اقتصاد کشور است. این کارآفرین برجسته ضمن سهامداری عمده و عضویت در هیأت مدیره این گروه‌های صنعتی، افتخار عضویت در اتاق بازرگانی، انجمن مدیران صنایع ساوه، خانه معدن ایران، اتاق مشترک اکو، انجمن خیرین مدرسه‌ساز و بسیاری از مجامع مؤثر دیگر را هم دارد.

اکبری، بهزاد (۱۳۳۱ خ)، فرزند علی اکبر و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در دبستان هدایت اراک گذراند و از دبیرستان محمدرضا شاه دیپلم گرفت. او از نوجوانی وارد دنیای نقاشی شد و تا به امروز دست از قلم بر نداشت. او در سال ۱۳۴۸ گالری نقاشی کوچکی در اراک افتتاح کرد و اکنون که ۴۴ سال از آن زمان می‌گذرد همچنان در این مسیر فعال است. این هنرمند می‌گوید ۳۰ سال افتخار آموزش هنر نقاشی داشته و در نمایشگاه‌های متعددی به‌صورت انفرادی و گروهی شرکت کرده است.



اکبری، عسگر (۱۳۴۹ خ)، فرزند محمدکریم، زاده خمین و دکترای علوم اطلاعات و دانش‌شناسی، گرایش مدیریت اطلاعات، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک است. برخی از آثار چاپی این نویسنده عبارتند از: ادبیات کودک و نوجوان، پژوهشنامه فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی با همکاری شاهرخ حکمت، عروج بیکران (زندگی‌نامه شهدای دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی اراک)، کتابشناسی استان مرکزی با همکاری معصومه احمدلو و مفاهیم کاربرد کامپیوتر در علوم انسانی با همکاری رزیتا عیلانی و نیز ده‌ها عنوان مقاله عمومی و پژوهشی.



اکبری، مصطفی (۱۳۵۴ خ)، متولد روستای کرکان خنداب، از کودکی به نقاشی علاقه مند بود و به‌همین دلیل در هنرستان تحصیل کرد و دیپلم گرافیک گرفت. او از سال ۱۳۸۰ به‌صورت حرفه‌ای نقاشی را در محضر استاد عباس کاتوزیان ادامه داد و هم‌زمان به تدریس این هنر در اراک و تهران پرداخت. این هنرمند برجسته در این مدت چندین نمایشگاه داخلی و خارجی برگزار کرده است.



اکبری، ملیحه (۱۳۵۹ خ)، فرزند حبیب‌اله و بانو اعظم، تحصیلاتش را در دبستان مصطفی‌خمینی و راهنمایی قدس گذراند و از دبیرستان حاج تقوی اراک دیپلم گرفت و سپس در دانشگاه پیام نور شازند روانشناسی خواند. این شاعر خوش‌ذوق که از نوجوانی سرودن را آغاز نموده، سه اثر مستقل با عنوان «می‌خواستم شاعر شوم اما غذایم سوخت»، «معشوقه‌های مزاحم» و «موهای خیس» و دو اثر مشترک با عنوان «پنجره شعر زنان ایران زمین» و «شاورنا» که شاه بیت‌های شعر فارسی از گذشته تا امروز هست را در کارنامه دارد.



اکبری‌ساوجی، محمدحسین (۱۳۴۲ خ)، تحصیلاتش را تا مقطع دیپلم در ساوه گذراند و علوم حوزوی را نزد محمدحسین شریعتمدار ساوجی، ابوالقاسم فخاریان، محمد اربابی و... شاگردی کرد. او از سال ۱۳۶۸، تصحیح متون خطی را آغاز کرد و تاکنون برخی از آثار ادیبان و دانشمندان (بویژه ساوجی) را تصحیح، مقابله و با مقدمه منتشر کرده است.



تحفه‌المراد، رسایل دهدار شیرازی، رساله‌الطیر، آب حیات، نامداران ساوجی، شرح خطبه‌البیان و هم‌چنین سیاست مُدُن، برخی از آثار چاپ شده این نویسنده ساوجی است.

اکرمی‌چقاسیاهی، موسی (۱۳۳۲ خ)، تحصیلات ابتدایی را در سوارآباد و چقاسیاه از



توابع شازند گذراند و در اراک دیپلم گرفت. او هم‌چنین فیزیک را در اصفهان و شیراز و تحصیلات فلسفه را در تهران به‌پایان رساند. اکرمی پس از چندین سال تدریس در دانشگاه و پس از سال‌ها همکاری غیرمستقیم با احمد بیرشک در ترجمه درایه‌هایی از زندگی‌نامه علمی دانشوران، در سال ۱۳۷۴ در بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی وقت (بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران) به‌عنوان مؤلف، مترجم، ویراستار و معاون پژوهشی به همکاری مستقیم با احمد بیرشک پرداخت. در سال ۱۳۸۲ دوباره به تدریس روی آورد و از مرداد ۱۳۸۳، مدیریت گروه فلسفه علم دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران را عهده‌دار شد که تا مردادماه ۱۳۹۴ ادامه یافت. از این بنیانگذار دوره دکتری فلسفه علم در ایران، تاکنون حدود ۴۴ عنوان کتاب و بالغ بر ۴۷۰ مقاله منتشر شده است.

البرجی، مهناز (۱۳۵۱ خ)، فرزند ابراهیم و بانو بتول، تحصیلاتش را در دبستان داودی



و راهنمایی فطرت گذراند و از دبیرستان تزکیه اراک دیپلم گرفت. کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی و مدرس دبیرستان‌های نمونه، تیزهوشان و دانشگاه تربیت معلم است. او هم‌چنین سرگروه زبان استان مرکزی می‌باشد. English 4 high school، مجموعه تست آمادگی کنکور و کتاب داستان کودکان: دوست خوب من کیه؟ از آثار این نویسنده است.

البرز، رضا (قرن ۱۳)، فرزند میرزا زین‌العابدین آشتیانی، مستوفی خزانه ناصرالدین‌شاه بوده و زمانی هم عضویت مجلس دربار را داشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۰۵).

البرز، حسینعلی (زندگی ۱۳۴۲ خ)، نوه میرزا زین‌العابدین مستوفی آشتیانی، سابقه



خدمت در وزارت دادگستری و نیز در وزارت کشور دارد. بنیاد فرهنگی البرز در سال ۱۳۴۲ با هدف اعطای جوایز مستمر به دانش‌آموزان و دانشجویان بی‌بضاعت و مستعد توسط او تأسیس شد. احداث مراکز فرهنگی و مذهبی و نیز احداث حمام، دبیرستان و حفر چاه در آشتیان هم از خدمات این نیکوکار فرهنگی است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۲۰).

الوندی، پریسا (۱۳۵۳ خ)، اهل اراک، در ۱۸ سالگی در رشته مهندسی کامپیوتر گرایش



نرم‌افزار پذیرفته و موفق به دریافت فوق‌لیسانس رشته تجارت الکترونیک با گرایش بازاریابی الکترونیک و مدیریت محیط‌های بزرگ شد. بر اثر یک اتفاق، به خلبانی علاقه‌مند شد و پس از یک پرواز تفریحی، خیلی زود در یک آموزشگاه خلبانی ثبت‌نام کرد و گواهینامه PPL گرفت. او سپس ریتینگ نوابری و گواهینامه CPL را دریافت و موفق به اخذ مدرک معلمی خلبانی شد.

و از آن زمان به عنوان معلم خلبان هواپیماهای فوق سبک فعالیت می کند. الوندی توانسته فاصله تهران - تبریز به عنوان طولانی ترین مسیر پروازی را با هواپیمای فوق سبک پرواز کند.

الویدی ساوجی (قرن...)، مشهور به عاشق الویردی، از اهالی روستای حریقان از توابع نوبران (ساوه) و از نوازندگان به نام موسیقی محلی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۳۶).

الحسین، سیدرضی (زندگی ۱۲۷۲ خ)، خوش نویس اهل وفس (کميجان)، تحصیلاتش را در حوزه علمیه همدان گذراند و سپس به روستای وفس (زادگاهش) بازگشت و سالیان دراز کلک خوشنویس وی قباله های ازدواج و زناشویی مردم آن روزگار را نگاشت (سمیعی، ۱۴۰۰: ۳۹۹).

الحسینی، سیدمحمد (۱۳۵۸ خ)، فرزند علی و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در دبستان قائمیه و راهنمایی آزادگان اراک گذراند و از دبیرستان شکرایی دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه اصفهان لیسانس علوم اجتماعی و از آزاد اراک فوق لیسانس و از علوم و تحقیقات تهران دکترای همین رشته را دریافت کرد. مدیر پژوهش دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی، رتبه نخست دوره دکتری با رساله منتخب کشوری با عنوان «تخیل اجتماعی در شاهنامه» و نویسنده و پژوهشگر شایسته تقدیر ملی است که ۵ اثر تألیف و ترجمه دارد و ۱۵ مقاله علمی و پژوهشی، دوازده مقاله پذیرفته شده در همایش های ملی و بین المللی و بیش از بیست سال سابقه تدریس از دیگر سوابق اوست.

الحسینی دلجانی، رفیع الدین حسین (قرن...)، پدر علامه عبدالهادی و نویسنده ای که دو نسخه خطی از آثارش یعنی «المطلبین» و «مرشد المصلین» در کتابخانه مرعی نجفی در قم موجود است.



الحسینی، سیدمرتضی (۱۳۱۲ خ)، متولد روستای کودرز (فراهان)، تحصیلات مقدماتی را نزد آخوند محمدتقی معصومی گذراند و هم زمان به هنر خوشنویسی و شعر و ادب پرداخت. برخی از اشعار این شاعر خمینی در کتاب «زندگان عشق» تألیف محمد اشتهاوردی آمده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۵۰).



الهیاری، محسن (۱۳۴۶ خ)، فرزند حسینعلی و بانو نسرین، تحصیلاتش را در دبستان حافظ و راهنمایی دهخدا اراک طی کرد و از دبیرستان شهید بهشتی دیپلم ریاضی گرفت. او سپس در دانشگاه صنعتی اصفهان مهندسی مکانیک طراحی جامدات خواند و دوره طراحی میدلهای حرارتی و ایرکولر را در کشور بلژیک گذراند. او سپس بعنوان کارشناس طراحی در ماشین سازی اراک استخدام شد و مدارج ترقی را در این شرکت طی کرد و بعنوان رئیس کارگاه تولید جرنقیل و مدیر پروژه تجهیزات فولاد مبارکه در ماشین سازی اراک منصوب شد. از کارنامه فنی او می توان به طراحی و ساخت گیربکس های نیروگاه باد منجیل، طراحی و ساخت گیربکس های دکل های حفاری مناطق نفت خیز جنوب، طراحی و ساخت گیربکس های سنگین معادن سنگ آهن مرکزی ایران



(چغارت و سه‌چاهون) برای نخستین بار در کشور اشاره کرد. مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره شرکت دیسک اراک، از بنیان‌گذاران شرکت هلدینگ و رئیس هیئت مدیره فراپتروسازان انرژی مجری و طراح پروژه‌های نفت و گاز و انرژی کشور (با ۲۰۰۰ نفر پرسنل)، سه دوره نایب‌رئیس و رئیس انجمن سازندگان و پیمانکاران نفت و گاز و انرژی استان، عضو هیئت مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت استان، نایب‌رئیس کمیسیون تشکلهای اتاق بازرگانی استان از دیگر سوابق حرفه‌ای این کارآفرین برجسته است.

الهی، عزیز (زندگی ۱۳۹۰ خ)، فرزند نوراله، دکترای پزشکی دانشگاه تهران، از پزشکان برجسته، خوشنام و مردمی **اراک** و از آخرین نسل هم‌میهنان یهودی اراک بود که به‌دین اسلام روی آورد و در مطب خویش پذیرای بیماران بود. او در اقدامی انسانی، مستمندان را به‌رایگان درمان می‌کرد و حتی بهای داروی برخی از بیماران را پرداخت می‌کرد.



الهی، نوراله (۱۲۸۰-۱۳۷۲ خ)، طبیب مردمی، تلفیق طب سنتی با پزشکی نوین، مسلط بر علوم اخلاق، عرفان، فلسفه و ریاضیات بود و به‌خاطر ویژگی‌های اخلاقی که داشت، مردم **اراک** همیشه از او به‌نیکی یاد می‌کنند و مطب این هم‌میهن یهودی، یک اتاق حدوداً ۳۰ متر واقع در خیابان حصار پذیرای بیماران بود و شخصاً تزریق آمپول انجام می‌داد. این پزشک مردمی، مستمندان را به‌رایگان درمان می‌کرد و حتی بهای داروی برخی از بیماران را تقبل می‌کرد (ولاشجردی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۴۵).



امامی، سیدعلی (۱۲۵۲-۱۳۴۰ خ)، فرزند سیدمحمد امام‌جمعه **تفرشی** و از خاندان فخرایی و همچنین از اولاد آقامحمدمؤمن داعی تفرشی است که تحصیلات مقدماتی را در تفرش و دوره‌های تکمیلی را در نجف اشرف گذراند. وی سپس به‌عنوان امام جمعه سال‌ها در تفرش به تدریس، ترویج و اشاعه شعائر دینی پرداخت و در مسجد جامع ششناو نماز جمعه برپا می‌کرد. او همچنین شاعر، نویسنده و خوشنویس متبحر و مشهوری هم بود که نمونه خط ایشان در تالیفاتش و برخی از جزوات خطی قرآن کریم در مساجد تفرش موجود است و در شعر «فانی» تخلص می‌کرد. مهمترین آثار وی عبارتند از: حجابیه، نهج‌الفلاح، ارشادالمتقین، حقیقه‌الرضویه، رساله‌ای در حساب و... (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۹).



امامی، سیدمحمد (۱۲۱۱-۱۲۸۹ خ)، فرزند میرزا سیدزین‌العابدین **تفرشی** و از اولاد آقا محمدمؤمن داعی تفرشی^۱، دوران مقدماتی را در تفرش و سپس دوره‌های تکمیلی را در نجف اشرف گذراند و به مقام اجتهاد رسید. وی سال‌ها در تفرش به تدریس علوم شرعی و ترویج شعائر دینی مشغول و به‌عنوان امام جمعه تفرش در مسجد جامع ششناو به اقامه نماز



^۱ شاعر و عارف دوره صفویه

می‌پرداخت.^۱ از این عالم دینی و شاعر که «سید» تخلص می‌کرده، دیوان اشعار نفیسی در مدح ائمه اطهار به‌جا مانده که توسط دکتر قاسمعلی محبعلی تصحیح و چاپ شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۰).

امامی، غلامرضا (۱۳۲۵ خ)، نویسنده، مترجم، پژوهش‌گر و سرویراستار **اراک** است که بیش از ۷۰ عنوان اثر چاپ شده دارد. او تحصیلاتش را به سبب شغل پدر که پزشک راه‌آهن بود، در شهرهای قم، مشهد، اهواز، خرمشهر و تهران گذراند و در شانزده سالگی نخستین کتابش را با نام «ارزش تبلیغ» منتشر و با تشویق استاد مطهری روبرو شد. در خرمشهر، میزبان جلال آل احمد بود و در شمار همکاران و یاران وی برای نوشتن کتاب «در خدمت‌وخیانت روشنفکران» به‌حساب می‌آمد. در سال ۱۳۴۸ در بخش فرهنگی حسینیه ارشاد به کار ویرایش پرداخت و پس از آن مدیریت سه انتشاراتی بعثت، موج و پندار را بر عهده گرفت. او که از نوجوانی از دوستان نزدیک و صمیمی آیت‌الله طالقانی و جلال آل احمد بود، در سال ۱۳۵۰ به‌عنوان ویراستار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مشغول بکار شد. اندکی بعد و تا سال ۱۳۵۹، ریاست انتشارات کانون را عهده‌دار شد و در آذرماه ۱۳۵۹ با دریافت جایزه نمایشگاه جهانی لایپزیک، به آلمان رفت و اکنون مقیم ایتالیا است.



امامی، محمد (۱۳۷۱-۱۳۵۸ خ)، فرزند محمدعلی غروی، که یکی از باصفا‌ترین جماعت‌های شهر **اراک** را در مسجد آکبر اقامه می‌کرد و پس از نماز مغرب و عشا به تفسیر کتاب الهی می‌پرداخت. این عالم دینی و مفسر قرآن تألیفاتی دارد که از آن جمله‌اند: رساله تعادل و ترجیح، حاشیه بر عروه‌الوثقی، حاشیه بر نجات العباد، کلمات قصار، علل اختلاف الحدیث، فلسفه و اسرار حج و چند اثر دیگر (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۰).

امجدی، سعید (۱۳۵۷ خ)، فرزند غلامعلی، تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در **خمین** گذراند و به دوچرخه‌سواری علاقه‌مند شد. او در این مسیر پله‌های ترفی و پیشرفت را فتح کرد. این قهرمان و عضو تیم ملی دوچرخه سواری کشور، در برخی از مسابقات بین‌المللی مقام نخست و دوم را کسب کرده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۱۶).



امیدوار، حبیب‌الله (۱۳۲۷-۱۳۹۵ خ)، فرزند عزیزالله، متولد **اراک** و شاگرد فتحعلی واشقانی است که در سال ۱۳۵۸ و در رشته خط به درجه ممتازی پیشرفته رسید و از سال ۱۳۶۳ در خمین اقدام به تشکیل کلاس خوش‌نویسی کرد و سنگ‌بنای محکمی را در هنر خوش‌نویسی خمین بنیان نهاد. این استاد خوشنویس در سال ۱۳۶۵ زیر نظر امیرخانی موفق



به گذراندن دوره فوق‌ممتاز شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

^۱ استاد ابوالقاسم سبحان سال‌ها از محضر ایشان کسب فیض نموده و فقه‌واصول را تعلیم گرفته است.

امیدی، بهمن (۱۳۲۳ خ)، فرزند اله کرم و بانو طلعت، تحصیلاتش را در دبستان خواجه نصیر

روستا فرنق (**خمین**)، آغاز کرد و به همراه خانواده ساکن تهران شد و تا ششم طبیعی را در دبستان صابر تهران خواند. او سپس متوسطه اول را در دبیرستان نامجو شهر الیگودرز و متوسطه دوم را هم در دبیرستان ابوریحان تهران گذراند و دیپلم گرفت. وی در سال ۱۳۴۰



وارد شهرداری تهران شد و مدتی در سمت مسوول کمیون ماده ۱۰۰ و سپس به عنوان مدیر روابط عمومی شهرداری تهران خدمت کرد و در سال ۱۳۶۲ از سازمان پارک ها و فضای سبز شهری بازنشست شد. او پس از بازنشستگی به مدت دو سال در آموزش و پرورش و پنج سال هم به عنوان مدیر کارگزینی معاونت عمران - ومسکن در بنیاد شهید انجام وظیفه کرد. وی که از نوجوانی به شعر و ادبیات علاقه مند بود و انشاهای پرمحتوایی می نوشت، از سال ۱۳۴۳ به طور جدی به سرودن شعر پرداخت و در انجمن ادبی صائب عضو شد. از این شاعر خمینی دو مجموعه شعر با عنوان دیوان شعر امیدی و دفتر شعر امیدی چاپ و منتشر شده و علاوه بر این آثار وی در نشریات و مجلات کشور و مجموعه انجمن های ادبی هم به چاپ رسیده است. در جلد هفتم سخنوران نامی معاصر ایران به تألیف محمدباقر برقی و تذکره شاعران معاصر ایران به تألیف نجم الدین سیاهکلی، شرح حال و نمونه ای از اشعار ایشان آمده است.

امیدی، عباس (۱۳۱۴ خ)، فرزند محمدتقی و بانو زیور، دوره ابتدایی را به گفته خودش در کانون یخبسته و زیر دستان نامهربان زن ببا در **خمین**، گذراند و در ۱۷ سالگی به تهران رفت و شاگرد پارچه فروشی بزرگ تهران یعنی کلثوپاترا شد. این شاعر خمینی اگرچه ادامه تحصیل نداد، ولی با مطالعات جدی آثار شعرا و نویسندگان ایران و جهان به شناخت لازم دست یافت و با تخلص «خوانباشی» شعر گفت و گفت و گفت. (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

امیدی، مرتضی (۱۳۶۳ خ)، فرزند علیرضا، نوازنده تار و سه تار، در **ساوه** شاگرد استاد مبصری و صاحب عناوین مختلف از نخست تا سوم جشنواره ای و مدرس موسیقی است.

امیددانی، سیدحسین (۱۳۳۱ خ)، فرزند سیدآقا شمس و بانو اقدس، تحصیلات مقدماتی

را در دبستان آذرهوش و دبیرستان پهلوی **اراک** گذراند. لیسانس و فوق لیسانس فیزیک را به ترتیب در مدرسه عالی علوم اراک و دانشگاه تهران طی کرد. او هم چنین دکترای خود را تحت راهنمایی پروفسور ایرج بیات^۱ از طریق نمایندگی دانشگاه هاوایی در ایران دریافت کرد. این شاگرد پروفسور حسابی و ابوالقاسم قلم سیاه که ریاست دانشکده علوم قرآنی را در کارنامه دارد و از مدیران کل سازمان اوقاف کشور بوده، به عنوان نویسنده، مقالات متعدد، ۴ عنوان کتاب چاپ شده و هشت



^۱. مشاور وقت سازمان انرژی اتمی ایران

کتاب آماده چاپ در زمینه فیزیک هسته‌ای و مواد رادیواکتیو، محیط زیست و نیز فیزیک جهان هستی و کیهان‌شناسی از نگاه قرآن و علم و همچنین موضوع وقف و نیکوکاری و تمدن اسلامی و ایران باستان دارد. شرکت در صدها برنامه رادیوتلوویزیونی به عنوان کارشناس نجوم و کیهان‌شناسی از نظر قرآن و علم و نیز عضویت پیوسته در انجمن فیزیک ایران، انجمن نجوم ایران و نیز مستشار اندیشکده فلسفه و علوم بنیادین و عضو مؤسس انجمن زیست‌الگویی ایران از دیگر فعالیت‌ها و مسوولیت‌های این دانشمند اراکی است.

امیربختیار، یداله (قرن ۱۳)، فرزند لطفعلی خان (امیر مخم)، برای مقابله با قوای اشغالگر به همراه فوجی از **خمین** و برای دفاع از میهن به کرمانشاه رفت و در جنگ جهانی اول که سرزمین ایران در اشغال قوای روس، انگلیس و عثمانی بود، به همراه پدرش امیر مخم بر علیه متجاوزین جنگید (سمعی، ۱۳۸۲: ۱۲۰). **امیرتومان، زکی** (درگذشته ۱۲۸۳ خ)، معروف به امیر سیلو، از پهلوانان پرآوازه **اراک** که در سال وبایی و با همین مرض فوت کرد. دهگان می‌نویسد: این پهلوان نامدار اراک در روسیه مجبور به دوئل شده، ولی وقتی حریف قامت او را برانداز می‌کند مدال برد را شخصا به گردن امیر می‌اندازد (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۰۱).

امیرحسینی، الیاس (۱۳۵۱ خ)، فرزند اسکندر، دوره ابتدایی را در زادگاهش رازقان



(**زرنديه**) گذراند و برای ادامه تحصیل به مدرسه شبانه‌روزی شهیدبهبشتی دوزج رفت، سپس وارد دانشسرا شد و در سال ۱۳۶۹ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. او همچنین از دانشگاه خوارزمی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی گرفت و فعالیت‌های ادبی خود را با سرودن شعر و خلق داستان به طور جدی ادامه داد. او پس از مدتی تدریس در منطقه خرقان و شرکت فعال در فعالیت‌های فرهنگی به تهران رفت و در مدارس منطقه ۱۸ تهران به ادامه فعالیت‌های آموزشی پرداخت و پس از بازنشستگی در سال ۱۳۹۶ از دانشگاه بوعلی سینا همدان کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی گرفت. انتشار چندین مقاله در مجله «اثر بیلیمی» و نیز کتاب شعر «ترنم باران» از آثار مکتوب اوست.

امیرحسینی، خسرو (۱۳۳۷ خ)، فرزند خلیل اله، زاده روستای بند امیر خرقان (**زرنديه**)، دارای دکترای علوم تربیتی از تاجیکستان، استاد دانشگاه، نویسنده، شاعر و پژوهشگری که ۲۷ عنوان کتاب در رشته‌های علوم تربیتی و برنامه‌ریزی درسی و ۵ عنوان تحقیق ملی، ۳ دفتر شعر به دو زبان فارسی و ترکی و بیش از ۵۰ مقاله دارد. ساوه در گذر تاریخ، مهارت سخن گفتن، دانشنامه خرقان، مهارت‌های زندگی سالم، خلاقیت و نوآوری، تفکر انتقادی، آوه، خرقان و نوبران برخی از مهمترین آثار اوست (چراغی، ۱۳۹۵: ۵۹۱).

امیرحسینی خلج، خسرو (۱۳۲۴ خ)، فرزند روح اله، زاده روستای ویدر خرقان (**زرنديه**)، دانش‌آموخته روابط عمومی و تبلیغات از دانشگاه علامه طباطبائی و مؤلف چندین عنوان کتاب است که از آن جمله‌اند: تعزیه در خرقان، اصول صوفی‌گری، کوسه‌گری و... (چراغی، ۱۳۹۵: ۵۹۱).

امیر محلاتی، محمدجعفر (۱۳۳۱ خ)، فرزند مجدالدین و نوه بهاءالدین محلاتی، دارای

لیسانس اقتصاد از دانشگاه ملی ایران، ارشد اقتصاد سیاسی از دانشگاه اورگن و مهندسی از دانشگاه کانزاس است. او در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه مک‌گیل دکترای مطالعات اسلامی گرفت و در دانشگاه‌های کلمبیا، پرینستون، ییل و جورج‌تاون تدریس کرده و در سال ۲۰۰۴



م در دانشگاه هاروارد فلوشیپ مطالعات ایرانی داشته است. او همچنین استاد الهیات و مطالعات خاورمیانه دانشگاه اوپلین آمریکا است. ایشان در دوران دفاع مقدس، سمت نمایندگی ایران در سازمان ملل را داشت و در پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق نقش مهمی ایفا کرد. وی همچنین آثاری دارد که جنگ و صلح در ایران و اسلام شیعی (انگلیسی)، عذر و عفو، دوستی به مثابه جهان‌بینی از آن جمله‌اند.

امیر مفخم، لطفعلی (درگذشته ۱۳۲۶ خ)، اهل خمین، ابتدا دارای لقب ظفرسلطان بود

و در سال ۱۲۸۷ به مقام ایلخانی بختیاری رسید. امیرمفخم به طرفداری از محمدعلیشاه به مخالفت با مشروطه‌خواهان برخاست و با سرداران مشروطه‌خواه مانند علی‌قلی‌خان بختیاری ملقب به سردار اسعد وارد جنگ شد. او در سال ۱۲۸۹، حاکم خوزستان، لرستان



و بجنورد و در سال ۱۲۹۰ حاکم کرمان و سال ۱۲۹۳ هم حاکم کرمانشاه شد. امیرمفخم در سال ۱۲۹۷ در هیأت دولتی که به ریاست نجفقلی‌خان صمصام‌السلطنه بختیاری تشکیل شده بود وزیر جنگ شد (سمعی، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

امیری، اسداله (قرن ۱۳)، نویسنده اهل ساوه که «یادنامه حکیم تیلیم‌خان» را نوشته است.

امیری، سیدجواد (۱۳۰۶-۱۳۵۸ خ)، فرزند سیدمحمدباقر، فقیه و عالم برجسته معاصر بود که در آستانه (شازند) زاده شد و به‌عنوان یک نویسنده دینی دارای تألیفاتی است که برخی از آنها عبارتند از: چگونه بیندیشیم، با دانشمندان شیعه آشنا شویم، فلسفه نماز، زندگان عشق، رمز خوشبختی در دو کلمه، گناهای که شایع شده و چند اثر دیگر (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۴).

امیری، سیدعلیرضا (۱۳۵۶ خ)، فرزند مصطفی و بانو طاهره، تا هیجده‌سالگی در

محلات تحصیل کرد و کارشناسی و کارشناسی‌ارشد را در دانشگاه تهران در رشته مهندسی معدن و با رتبه ممتاز گذراند و در دانشگاه آزاد محلات به‌عنوان عضو هیأت علمی مشغول شد. او که مدیر گروه آموزشی معدن، مکانیک و علوم پایه و دو دوره معاون آموزشی



و دانشجویی واحد محلات بود، مؤلف ۶ عنوان کتاب و ده‌ها مقاله است که در همایش‌ها، کنفرانس‌ها و مجلات قرائت یا منتشر شده است.

امیری، عرفان (۱۳۶۸ خ)، فرزند علاءالدین و بانو زهرا، متولد روستای خورहे

(محلّات)، دوره ابتدایی را در دبستان شهید رجائی منطقه ۲ و راهنمایی را در مدرسه

فیضیه گذراند و از هنرستان شهدا در تهران دیپلم گرفت. او که تعطیلات نوروز و سه‌ماه تابستان را به‌همراه خانواده در زادگاهش خورहे می‌گذراند از همان کودکی و پیش از رفتن

به مدرسه متأثر از پدربزرگ و دایی خود به هنر آیینی/سنتی تعزیه علاقه‌مند شد و با بچه‌خوانی شروع کرد و از دوران جوانی در نقش شمر، مخالف‌خوانی پیشه کرد و چنان مورد پسند عامه قرار گرفت که از طرف پیش‌کسوتان، شورا و دهیاری خورहे به‌عنوان سرپرست گروه تعزیه‌خوانی به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی محلّات معرفی شد. او همه‌ساله با علاقه وافر که داشت سطح تعزیه‌خوانی در این روستا را ارتقاء بخشید و در مناسبت‌های مختلف، مجالس تعزیه‌خوانی با حضور شبیه‌خوانان مطرح ملی برگزار می‌کرد که از همه شهرها و روستاهای اطراف برای دیدن تعزیه ایشان به خورहे می‌آمدند. در سالهای اخیر نیز علاوه بر خورहे، در تکیه بزرگ تهران در تجریش جنب امامزاده صالح، دماوند، کرج، قم و ... تعزیه‌خوانی می‌کند و یکی از چهره‌های مطرح هنر تعزیه استان به‌شمار می‌رود.



امیری، علیرضا (۱۳۵۷ خ)، فرزند سعید و بانو منیژه، اهل روستای خورहे (محلّات)،

پژوهشگر و کارشناس نمونه سازمان نقشه‌برداری کشور، تحصیلات متوسطه را در رشته

ریاضی فیزیک در دبیرستان نمونه دولتی امام صادق و تحصیلات عالی را در مقطع

کارشناسی و کارشناسی‌ارشد به‌ترتیب در دانشگاه اصفهان و دانشگاه تهران در رشته

مهندسی عمران- نقشه‌برداری گذراند. او سپس مدت ۲ سال در وزارت راه‌وترباری به‌عنوان مهندس ناظر پروژه‌های راه‌سازی و دو سال هم در مهندسين مشاور راه‌آهن‌راه مشغول به‌کار شد، اما خدمت در سازمان نقشه‌برداری کشور به‌عنوان رئیس و کارشناس سامانه‌های اطلاعات مکانی را ادامه داد. وی که دارای پروانه پایه یک نظام مهندسی ساختمان و پایه سه نظام مهندسی معدن می‌باشد، علاوه بر ارائه ۱۶ مقاله تخصصی در زمینه GIS و SDI، شرکت در کنفرانس‌های علمی داخل‌و‌خارج از کشور، شرکت در نشست‌های تخصصی بین‌المللی، تدریس در حوزه GIS و SDI برای اشخاص حقیقی‌و‌حقوقی، دو عنوان کتاب تخصصی هم در حوزه مهندسی نقشه‌برداری، تحت عناوین «راهنمای جامع تفکیک آپارتمان‌ها» و نیز «GPS نخستین سیستم ناوبری ماهواره‌ای جهان» را تدوین و ترجمه کرده است.



امیری، غلامعلی (۱۳۳۲ خ)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه اول را در زادگاهش خورहे

(محلّات) گذراند و از دبیرستان جلوه تهران دیپلم گرفت. او در سال ۱۳۵۴ با درجه ستوان

دومی از دانشگاه افسری دانش‌آموخته شد و ضمن حضور پیوسته در دفاع مقدس در سال

۱۳۶۵ و یک فرصت مطالعاتی ۹ ماهه، دوره عالی رسته‌ای را در مرکز پیاده شیراز گذراند و

فرماندهی و طرح‌ریزی در یگان‌های مختلف ارتش در زمان جنگ را تجربه کرد. وی در سال ۱۳۶۹ جهت



طی دوره کارشناسی ارشد وارد دانشگاه فرماندهی ستاد ارتش شد و تا سال ۱۳۸۵ به عنوان عضو هیأت علمی و رئیس کمیته عملیات و تاکتیک، رئیس گروه آموزشی، جانشین معاونت آموزش و معاون پژوهش دانشگاه خدمت کرد. «عملیات متحرک هوایی»، «آفند تیپ»، «آیین نامه تمرین پاسگاه فرماندهی تیپ»، «دکترین متجاوز» و دهها عنوان دیگر از آثار نوشتاری سرتیپ امیری است که از وی یک نظامی قلم به دست ساخته و نیز سردبیر فصل نامه علمی پژوهشی دافوس آجا هم بوده و هم چنین در دانشگاه عالی دفاع ملی، دکتری علوم استراتژیک (دفاعی راهبردی) گرفته و پژوهشگر استراتژی دفاعی دفتر مطالعات دانشگاه و نیز مسوولیت دانشکده دفاع ملی با رتبه سرلشکری را هم در کارنامه دارد^۱.

امیری ساوجی، باذلی (قرن ۱۰)، فرزند مولانا امیری **ساوجی**، شاعر قرن دهم و خوشنویسی که نستعلیق را زیبا می نوشت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۵۰).

امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۲۹۷ خ)، از یک خانواده با اصالت هزاهای (**اراک**)، دوره ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و ابتدا به دانشکده افسری و سپس به تحصیل حقوق روی آورد. وی در سال ۱۳۲۷ با رتبه نخست از دانشگاه تهران لیسانس قضایی گرفت. او سپس موفق به دریافت دکتری حقوق از دانشکده حقوق دانشگاه ژنو شد و به آمریکا رفت و سرانجام با ارائه پایان نامه ای با عنوان «چگونگی به کاربردن روش آمریکایی اداره صنعت و تجارت در ایران» به مدال درجه یک علمی و دکتری علوم اداری از کالیفرنای جنوبی دست یافت. او در اواسط دهه ۱۳۳۰ به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. از این نویسنده و دانشمند آثاری در زمینه حقوق اداری و حقوق مدنی منتشر شده و کتاب «حقوق بین الملل: رویه های قضایی» از آن جمله است.

امین، پرویز (۱۲۹۶-۱۳۵۱ خ)، فرزند میرزا عبدالله (امین التجار)، دوره ابتدایی را در



محلات و متوسطه را در همدان گذراند و در سال ۱۳۱۸ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۴۳ به ژاندارمری کل منتقل و به درجه سرتیپی نایل آمد. این سردار نظامی در دوران خدمت فرماندهی آتشبار لشکر ۱۰۵ خراسان، ریاست رکن دو سپاه و فرماندهی توپخانه سپاه چهار باختر را بر عهده داشت و استاد دانشگاه جنگ هم بود. تیمسار امین پس از بازنشستگی، سمت مشاور وزیر کشور داشت و به شهرداری قم انتخاب شد. احداث بلوار ورودی غرب، سیل بند رودخانه قمرود، کاشت یک میلیون اصله درخت، تأسیس نخستین سینمای قم و... برخی از خدمات او در این سمت است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۹۵).

^۱. «امیر خوره» نام کتابی است از زندگی نامه او که توسط مؤسسه حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس چاپ شده است.

امین، سهراب (۱۲۹۹-۱۳۷۶ خ)، فرزند میرزا عبدالله (امین‌التجار)، تحصیلات ابتدایی را در **محلات** گذراند و نخستین کتابفروشی مدرن را در این شهر دایر کرد. او همچنین نمایندگی و خبرنگاری روزنامه اطلاعات و بسیاری از نشریات دیگر را بر عهده گرفت و تأسیس نخستین عکاسی برقی، کارخانه موزاییک‌سازی، کارخانه آرد، کارخانه چوب و نیز تأسیس داروخانه مدرن، از دیگر خدمات این کارآفرین محلاتی است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۹۶).



امین، عبدالله (۱۲۶۰-۱۳۳۵ خ)، فرزند میرزاابا (حاج آخوند)، در **محلات** دیده به جهان گشود و ابتدا در مکتب‌خانه و سپس نزد پدرش دروس دینی را آموخت و به کسوت روحانیت درآمد. او پس از مدتی از لباس روحانیت درآمد و به تجارت و خدمات اجتماعی پرداخت. نخستین رئیس بلدیه محلات، همچنین نخستین پدری بود که دخترانش را علی‌رغم مخالفت روحانیون زمان، به مدارس نوین فرستاد. این کنشگر سیاسی و مبارز مشروطه‌خواه که به علت تهدید و ارباب حاکم وقت، به اجبار محلات را ترک و به عتبات عالیات پناهنده شد، پس از سقوط حکومت قاجار به ایران بازگشت و از طرف نایب‌السلطنه به پاس خدماتش به مردم و مبارزه علیه استبداد به امین‌التجار ملقب شد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۹۲).

امین، علی اصغر (۱۳۲۰-۱۳۸۰ خ)، فرزند میرزا عبدالله محلاتی^۱ تحصیلات ابتدایی را در **محلات** و در محضر میرزا محمد مجد و صرف‌ونحو و ادبیات فارسی را نزد شیخ کبیر و شیخ عبدالصمد سپری کرد. او سپس فقه و اصول را از دایی خود میرزا حسین شریف آموخت و در ثبت‌احوال استخدام شد. ریاست دادگاه‌های مستقل تویسرکان، الیگودرز، بندر انزلی، زنجان، مستشار دادگاه خراسان و ریاست دادگستری گیلان از سوابق اوست. او همچنین در زمان مصدق به دادستانی خوزستان برای تمرکز بر ملی شدن صنعت نفت و کوتاه کردن دست انگلیسی‌ها منصوب شد تا در این بخش از تاریخ درخشان ایران سهمی داشته باشد. ایشان همچنین معاونت دادگستری کل کشور و نیز ریاست دیوان عالی و همین‌طور ریاست دادگاه‌های انتظامی قضات را در کارنامه دارد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۹۳).

امین‌الملک، مصطفی (قرن ۱۳)، فرزند میرزا محمدتقی قوام‌الدوله **آشتیانی** است و در دربار محمدشاه و ناصرالدین‌شاه مستوفی بوده و منشی‌گری می‌کرده و حتی به مشاغل مهم‌تری دست یافته بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).



^۱ معروف به امین‌التجار

امین تفرشی، بابک (۱۳۵۷خ)، اهل تفرش، ستاره‌شناس ایرانی، عضو هیأت امنای

ستاره‌شناسان بدون مرز و مدیر پروژه عکاسی جهان در شب (TWN)، در سال ۲۰۰۹ موفق به کسب جایزه عکاسی علمی بنیاد لئارت نیلسون شد. وی همچنین از ویراستاران و اعضای هیأت تحریریه ماهنامه نجوم بوده که از سال ۱۳۷۵ تا اواسط دهه ۱۳۸۰، در



تحریریه این ماهنامه، مشغول به نگارش مقالات علمی و آموزشی در زمینه اخترشناسی و علوم فضایی بود. او پس از منصور وصالی، سردبیری این ماهنامه را برعهده گرفت و در سال ۱۳۹۴ «به سبب تلاش‌های نوآورانه در همگانی کردن دانش نجوم» جایزه ترویج علم ایران را دریافت کرد. سیارک ۲۰۰۲ LV62 به نام او نام‌گذاری شده و از سال ۱۴۰۱ با نام ۲۷۶۱۶۳ TAFRESHI شناخته می‌شود.

امینی، ابراهیم (۱۳۴۷ خ)، مشهور به میرزا ابراهیم خان فرزند میرزا رحیم‌خان، معاون

اداره فرهنگ و امور مستظرفه و بنیانگذار فرهنگ **اراک** برای بانوان که ملک شخصی خود

در کوچه قلعه بارو را در اختیار فرهنگ گذاشتند که تبدیل شد به نخستین مدرسه بانوان به نام به نام نونهالان شد. این مدرسه در ابتدا تنها ۳ دانش‌آموز داشت و معلم آن هم از تهران



می‌آمد. میرزا ابراهیم‌خان به‌خاطر خدمات فرهنگی به بانوان از طرف احمدشاه قاجار لقب دبیر همایون گرفت و بعنوان یک فرد نیکوکار شهرت داشت.

امینی، احمد (۱۲۶۸-۱۳۴۲ خ)، فرزند اسماعیل‌خان، از هنرمندان خوش‌نویس شهر **اراک** است که به‌مدت

۳۰ سال مرجع آموزش خط برای علاقه‌مندان هنر خوشنویسی بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۲).

امینی، پرویز (۱۳۱۵ خ)، فرزند هاشم و بانو کبری، تحصیلات ابتدایی را در **اراک** گذراند و در تهران از

مدرسه شبانه‌روزی البرز به‌ریاست دکتر مجتهدی دیپلم گرفت. او ابتدا در دانشگاه تهران هنرهای زیبا خواند

و سپس در رشته تاریخ این دانشگاه فوق‌لیسانس گرفت و در همین دانشگاه مشغول بکار شد و تا معاونت

دانشکده تعاون و علوم اجتماعی رسید. بیشتر فعالیت‌های ایشان تحقیق و پژوهش در زمینه کشاورزی و منابع

آب در ایران است. برخی از تألیفات ایشان در ایران و برخی دیگر در آمریکا به چاپ رسیده که کتاب ارزشمند

«نقش موبدان در سقوط ساسانیان» از آن جمله‌اند. وی به‌عنوان مالک بخشی از زمین‌های روستای بان،

نخستین مدرسه بخش قره‌کهریز پس از اجرای طرح فرهنگی/اجتماعی سپاه دانش را در این روستا ساخته

که بنا به قولی یکی از نخستین مدارس روستایی ایران هم به‌شمار می‌رود.

امینی، ربابه (۱۲۹۴ خ)، فرزند میرزا ابراهیم‌خان و بانو هاجرخانم، تحصیلاتش را تا

کلاس ششم در مدرسه نونهالان گذراند و در دبستان‌های مهر، بدر و شاپور به **تدریس**

پرداخت. او یکی از نخستین معلمان خانم در **اراک** بوده و مدتی هم مدیر مدرسه مهر بود.



بانو امینی ضمن تدریس و مدیریت مدرسه در رسیدگی و دستگیری از کودکان نیازمند هم اهتمام ویژه داشت و بعنوان یک بانوی نیکوکار شهره بود.

امینی، سودابه (۱۳۴۱ خ)، فرزند میزراعلی اصغر و بانو خدیجه، اهل اراک، شاعر، نویسنده،



پژوهشگر و صاحب ۱۴ عنوان کتاب در زمینه شعر بزرگسال و شعر نوجوان است. او دو عنوان کتاب آموزشی برای معلمان و مربیان در زمینه پرورش خلاقیت‌های ادبی و شعرخوانی برای کودکان و نوجوانان دارد. وی که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ کارشناس برنامه «آلاچیق شعر» در صدای جمهوری اسلامی ایران بوده، علاوه بر فعالیت حرفه‌ای برای کودکان و نوجوانان، نقد آثار کودکان و نوجوان را هم در مطبوعات انجام می‌دهد. وی که کارشناسی روانشناسی بالینی و ارشد ادبیات تطبیقی دارد، در رشته شعر هم از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درجه هنری گرفته است. برخی از آثار سودابه امینی توسط موسی بیدج و فرزندق اسدی به عربی، شراره نادری مقام به انگلیسی، شلر امراه‌نژاد به کردی کرمانجی، آسیه حیدری به فرانسه و نیز توسط اعظم جعفرآبادی به زبان آلمانی ترجمه شده است.

امینی، علی (۱۳۱۲-۱۳۵۷ خ)، فرزند عطاءاله و نوه آقانورالدین عراقی، پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در اراک، به آلمان رفت و در دانشگاه مانیس در رشته جراحی عمومی دکترا گرفت و به اراک بازگشت. زایشگاه اراک با همت و پشتکار این طبیب مردمی فعال شد و مورد احترام مردم بود. او که در اوج جوانی به‌دیدار حق شتافت، نقش ارزنده‌ای در بهبود وضع بیمارستان‌های اراک داشت و اغلب بیماران نیازمند را به رایگان ویزیت می‌کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۰).

امینی، علی اکبر (۱۲۵۹ خ)، در کودکی به‌همراه پدرش که از ملاکین **تفرش** بود، به



تهران رفت و منزل ایشان در تهران هم مانند تفرش محل رفت‌وآمد افراد سرشناس بویژه موسیقی‌دانان معروف بود. در کتاب مردان موسیقی آمده: اگر در تفرش ملاکین و خان‌ها به‌منزلشان می‌آمدند، در تهران اما میزبان افرادی چون حسین خان اسماعیل‌زاده، ابوالحسن صبا، مرتضی خان محجوبی، رضا محجوبی، قمرالملوک وزیری، ملوک ضرابی و تنی چند از بزرگان موسیقی ایران و شاعرانی نظیر ایرج‌میرزا، ملک‌الشعرا بهار و میرزاده عشقی بود. زمانی که پدر علی اکبر نزد اسماعیل‌زاده به فراگیری کمانچه پرداخت، علی اکبر شش‌ساله به‌مدت چهار سال نزد رضا محجوبی آموزش ویولن و نیز سه‌سال هم نزد ابوالحسن صبا موسیقی سنتی، ردیف‌ها و مقام‌های آن را فرا گرفت و از اساطور، آهنگ‌سازی آموخت. او اگر چه تنها دوازده آهنگ ساخته، ولی ساخت بیش از ۱۵ کمانچه، ۴۱۲ ویولن و ۴۳ تار در کارنامه دارد و در سال ۱۳۲۵ به‌عنوان نوازنده ویولن، همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و یکی از بهترین نوازنده‌های ارکستر شادروان مهدی خالدي (آهنگساز) بود (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۲۴).

امینی، علیرضا (۱۳۴۸ خ)، فیلم‌نامه‌نویس، تدوین‌گر، تهیه‌کننده و هنرپیشه، دارای فوق لیسانس کارگردانی، فعالیت حرفه‌ای خود را در سینما به‌عنوان دستیار کارگردان در فیلمی به نام «زمانی برای مستی اسبها» ساخته بهمن قبادی آغاز کرد. این سینماگر **اراک**، برای فیلم‌نامه «باد» در مقام کارگردانی و تدوین، موفق به دریافت سیمرغ بلورین از بیست‌ویکمین جشنواره فیلم فجر شد و برای فیلم «هفت دقیقه تا پاییز» دیپلم افتخار بهترین کارگردانی را از بیست و هشتمین جشنواره فیلم فجر کسب کرد. از دیگر افتخارات این سینماگر، جایزه بهترین فیلم برای «دانه‌های ریز» از جشنواره فیلم یوسان کره جنوبی و جایزه محیط‌زیست هیأت داوران جوانان از جشنواره فیلم لوکارنو و جایزه بهترین دستاوردهای هنری از جشنواره بین‌المللی تسالونیک یونان می‌باشد.



امینی، غلامحسین (۱۲۷۰-۱۳۵۴ خ)، فرزند ابوالقاسم، در بروجرد متولد شد و به‌همراه خانواده به **خمین** آمد و پس از پایان تحصیلات به‌عنوان کارمند در اداره دارایی خمین مشغول بکار شد و به سرودن روی آورد. این شاعر در سال ۱۳۳۰ به طرفداری از نهضت ملی نفت اشعاری با مضامین ملی‌میهنی و به طرفداری از دکتر محمد مصدق سروده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۳۷).



امینی، فرج‌اله (قرن ۱۳)، فرزند رحمت‌اله‌بگ، از خاندان حاج عبدالحق و از پیش‌کسوتان ورزش باستانی **اراک** بوده و فرزندان او، محمدتقی و حاج مهدی امینی در زورخانه، صاحب نام و نشان بودند و او نیز به پهلوان فرج‌اله مشهور بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۰۲).

امینی، مهران (۱۳۳۱ خ)، فرزند هاشم و بانو کبری، دوران کودکی را تا کلاس چهارم ابتدایی در مدرسه رازی **اراک** گذراند و سپس به‌اتفاق خانواده به تهران مهاجرت کرد. بانو امینی تحصیلات خود را در دبیرستان مهر ایران ادامه داد و پس از دریافت دیپلم، از دانشکده بانکداری لیسانس گرفت و ابتدا به‌استخدام دانشگاه تهران و پس از مدتی به نیروی دریایی رفت و سرانجام در آموزش و پرورش به‌عنوان دبیر آمار و اقتصاد استخدام شد. کتاب «گام‌به‌گام با شاهنامه» را که نخستین اثر اوست، در ۷ جلد روان‌نویسی کرده و «گام‌به‌گام با تاریخ بیهقی» هم دومین اثر روان‌نویسی شده این نویسنده ساکن روستای بان (**اراک**) است.



امینی، نصراله (۱۳۸۸-۱۲۹۴ خ)، دوره ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان صمصامی **اراک** و سپس مدرسه دارالفنون گذراند. او با پایان خدمت سربازی، به تحصیل زبان‌وادبیات فارسی و فرانسه پرداخت و سپس فوق‌لیسانس حقوق گرفت. این پرورش‌یافته مکتب بدیع‌الزمان فروزانفر، هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه، در کتابخانه دادگستری مشغول بکار شد و در حالی که کمتر از ۳۰ سال داشت، به‌عنوان جوان‌ترین قاضی کشور به قضاوت پرداخت. وی هم‌چنین



فعالیت سیاسی را هم‌زمان با نهضت ملی‌شدن صنعت نفت آغاز کرد و در دوران نخست‌وزیری مصدق، رئیس بازرسی دفتر وی و هم‌چنین مدتی شهردار تهران بود. این نخستین رئیس سازمان تأمین اجتماعی، پس از انقلاب در دولت مهدی بازرگان به سمت استانداری فارس منصوب شد که مهمترین اقدام وی در این سمت، ایستادگی و همراهی با مردم مرودشت در برابر اقدام صادق خلخالی در تخریب پارسه^۱ بود که نام او را برای همیشه جاودان کرد تا به‌عنوان یک شخصیت تاریخ‌ساز شناخته شود.

امینی حاجی‌باشی، لاله (۱۳۵۸ خ)، مشهور به آلاله امینی، فرزند کیکاووس و بانو



لی‌لی، تحصیلاتش را دبستان قدس و راهنمایی فطرت اراک گذراند و از هنرستان پوشینه‌بافت دیپلم گرافیک گرفت. او از ۱۳ سالگی، القبای نقاشی را زیر نظر استادان سلطانی و اکبری (بهزاد) آموخت و از ۱۸ سالگی ابتدا در رشته‌ی گرافیک و سپس نقاشی، تحصیلات آکادمیک را تا مقطع کارشناسی در دانشکده هنر و معماری تهران ادامه داد و پس از پایان دانشگاه زندگی حرفه‌ای خود را با همکاری گالری‌هائی در آمریکا، اروپا و آفریقای جنوبی شروع و طی سفرهای متعدد به شهرهای حاشیه‌ی کویر ایران، به عکاسی و نقاشی از معماری و بناهای در معرض تخریب به‌لحاظ تغییرات اقلیمی و ساخت‌وسازهای شهری پرداخت. این هنرمند، با دیدن کارگاه رنگرزی سنتی قالی در بازار اراک، فرآیند تولید قالی دستباف را جذاب یافت و رو به افول بودن هنر صنعت خلاق فرش ایران، به دغدغه اصلی‌اش بدل شد. خلوت‌گرایی در دوره کنونی باعث شده که در این رشته هم فرش‌های پر نقش‌ونگار جای خود را به طرح‌های کمرنگ و ساده‌تر داد. از همین رو برخی از آثار انتزاعی این هنرمند با نگاهی نو به فرش کاربردی بدل شد و فرم‌های معماری ایران به طرح‌های او راه یافت و انعکاس نقاشی-هایش که تاکنون فقط بر دیوار نمایان بود، در قالب فرش بر زمین گسترده شد. ایشان همچنین به‌عنوان یک زن تاثیرگذار در عرصه‌ی فرش مدرن آینده‌ی درخشانی دارد.^۲

امینی حاجی‌باشی، اسداله (زندگی ۱۳۳۰ خ)، از خاندان معروف اراک، بخش بزرگی



از خانه‌ی وسیع و با شکوه پدری که در انتهای خیابان حاج‌باشی جای داشت را در اواسط دهه ۱۳۳۰ به اداره فرهنگ اراک (آموزش و پرورش فعلی) برای تبدیل به مدرسه اهدا کرد. این مدرسه به‌نام «علی نخستین» از پیش‌کسوتان فرهنگی اراک نام‌گذاری شد.

^۱. تخت جمشید

^۲. همه فرشهای تولیدی وی بصورت تک‌نمونه تولید شده و دارای شناسنامه‌ی جامع دو زبانه (انگلیسی و فارسی) و QR (کیوآر کد) همه‌داده‌های فرش) می‌باشد.

امینی حاجی‌باشی، چنگیز (۱۳۱۷-۱۴۰۳ خ)، فرزند نعمت‌اله‌خان (معمت‌السلطان)،

پس از دریافت دیپلم از مدرسه صمصامی (اراک)، در سال ۱۳۳۸ عازم ایتالیا و سپس آلمان شد و ضمن تحصیل در رشته مهندسی، به‌همراه پرویز امینی، بهرام راستین، دکتر مصطفی چمران و ابراهیم یزدی در قاهره دوره چریکی را گذراند و به‌عنوان نخستین دانش‌آموخته چریکی، جهت آموزش این رشته به ایران بازگشت. این مؤسس انجمن اراکی‌های مقیم تهران و نویسنده کتاب دوجلدی یاد نیاکان (سلسله شجره هزارساله بخشی از دودمان عبدالحق، عبدالقرب و عبدالرئوف، فرزندان عبدالخالق بن خواجه عبدالاحد...)، سومین جلد این کتاب را هم در دست تدوین دارد.



امینی حاجی‌باشی، ناصر خان (۱۳۰۰-۱۳۸۶ خ)، فرزند آقا حسین‌خان و بانو صدیقه

(بنان‌الدوله)، در سال ۱۳۲۰ به‌همراه حاج محمدخان راستین و عزت‌اله خان بیات، کارخانه‌ی برق اراک را تأسیس و به‌عنوان سهامدار و مدیر عامل شرکت توزیع برق اراک مشغول به خدمت به شدند. او سپس طی قراردادی با شرکت زمینس آلمان مبادرت به تجهیز و افزایش قدرت دستگاه‌های تولید و توزیع برق نمود. وی همچنین در سال ۱۳۳۸ نخستین پمپ بتزین خصوصی اراک را بنا نمود. کارخانه یخ و نخستین هتل اراک با نام لک‌لک از دیگر خدمات ارزشمند ناصر خان امینی حاجی‌باشی به مردم اراک است که او را در عداد مردان خوشنام قرار داده است.



انتظام‌وزیری، سیدعبداله (۱۲۷۴-۱۳۶۲ خ)، فرزند سیدمحمدخان (انتظام‌السلطنه) و

نوه سیدعبداله‌خان تفرشی، از فرزندان میرزا موسی وزیرتفرشی، تحصیلات ابتدایی را در دبستان اقدسیه و متوسطه را در دبیرستان ایران و آلمان گذراند. او که زبان فرانسه، انگلیسی و آلمانی را فراگرفته بود، برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در دانشگاه لاسال، علوم سیاسی خواند و به‌استخدام وزارت امور خارجه درآمد. وی که مطالعاتی هم در شعر و ادب فارسی داشت، کتاب «سرنوشت بشر» را ترجمه کرد و در مجله وحید، مقالاتی به‌عنوان نظری تازه به تصوف و عرفان منتشر می‌کرد. او همچنین در دوره جوانی مجله‌ای با عنوان عهد ترقی منتشر می‌کرد. معاون وزیر، وزیر مشاور، وزیر امور خارجه کابینه حسن علا و کابینه فضل‌اله زاهدی، وزیر بهداشت، وزیرمختار ایران در لهستان، اشتوتگارت و لاهه، رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل شرکت نفت ایران، سفیر ایران در آلمان، سفیر ایران در سوییس، نایب سفیر ایران در آمریکا، نایب اول سفیر ایران در لهستان و سوییس، کاردار سفارت ایران در سوییس و کنسول ایران در پراگ برخی از سمت‌های اوست.^۲ (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۵).



۱. داماد دکتر محمد مصدق

۲. برادر سیدنصراله انتظام‌وزیری، وزیر امور خارجه و سفیر ایران در سازمان ملل بود که به‌این دو برادر دوقلوی سیاسی می‌گفتند.

اناری، عبدالرضا (زندگی ۱۳۰۰ خ)، به همراه عاصف السلطنه بهادری، دارالطباى اراك را در محل بیمارستان قدس کنونی بنیانگذاری کرد که بعدها بیمارستان فعلی جایگزین آن شد^۱ (گفتگو با اسداله امینی).

انتظام‌وزیری، سیدمحمد (۱۲۴۶-۱۳۰۹ خ)، فرزند سیدعبداله‌خان **تفرشی** (وزیر



نظمیه در دوره ناصرالدین‌شاه) و نوه میرزا موسی وزیرتفرشی (وزیر تهران)، تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه و نزد پدرش گذراند و در مدرسه دارالفنون ادامه داد و در این مدرسه زبان فرانسه و فنون نظامی را نیز فرا گرفت و سپس در وزارت داخله استخدام شد.

او پس از فوت پدر، لقب انتظام‌السلطنه گرفت و در زمان ظهیرالدوله به ریاست نظمیه منصوب شد. وی که اهل تصوف بود، به عنوان نایب‌رئیس انجمن اخوت انتخاب و به بینش‌علیشاه ملقب و بعد از فوت ظهیرالدوله به عنوان رئیس انجمن برگزیده شد. وی مدتی تولیت حرم امام‌رضا را بر عهده داشت. ایشان از جمله ملاکین تهران بود به‌طوری که در امیریه باغ بزرگی به مساحت ۵ هکتار احداث کرد^۲ (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۷).

انتظام‌وزیری، سیدنصراله (۱۲۷۸-۱۳۵۹ خ)، فرزند سیدمحمدخان (انتظام‌السلطنه)



و نوه میرزا سیدعبداله‌خان **تفرشی**، تحصیلات مقدماتی را در مدرسه آلمانی تهران و متوسطه را در مدرسه حقوق و علوم سیاسی گذراند و به زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی مسلط شد. او تحصیلات تکمیلی را در فرانسه ادامه داد و به استخدام وزارت امور خارجه درآمد.

نایب اول سفارت ایران در انگلیس و سوییس، کاردار سفارت سوییس، رئیس اداره سوم وزارت خارجه، وزیر بهداری کابینه احمد قوام، وزیر راه و وزیر پست و تلگراف و تلفن کابینه سهیلی، وزیر امور خارجه کابینه مرتضی‌قلی بیات، رئیس مجمع عمومی سازمان ملل (۱۳۲۸)، سفیر ایران در آمریکا، نماینده دائم ایران در سازمان ملل، داور اختصاصی ایران در پاکستان برای رفع اختلافات مرزی با هند و... برخی از سمت‌های مهم او بوده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۶).

انجدانی، ابراهیم (زندگی ۱۱۹۰ خ)، فرزند محمدعلی، اهل روستای انجدان (اراک)، حاشیه تحریرالقواعد المنطقیه، حاشیه شریفی و حاشیه کوچک با موضوع منطق را به عنوان خوشنویس در سال ۱۱۹۰ به زبان عربی و در شهرستان محلات کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۷۶).

۱. وی در راه سفر حج، وقتی مشکلات مردم خرم‌آباد در عبور از رودخانه را مشاهده کرد، از ادامه مسیر منصرف و هزینه سفر را صرف ساخت یک دهنه پل نمود که این پل امروز در تقاطع رودخانه و خیابان پیروزی خرم‌آباد به نام این بزرگ‌مرد موجود است.

۲. سیدعبداله انتظام‌وزیری و سیدنصراله انتظام‌وزیری وزرای امور خارجه وقت فرزندان او هستند و مقام تولیت امام رضا هم در سطح وزارت و حتی بالاتر محسوب می‌شود.

انجدانی، ابوالحسن علی (۱۱۴۳-۱۱۹۴ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، ملقب به شاه ابوالحسن علی، امام اسماعیلی که گاهی در کِهک و گاهی در قلعه نورآباد انجدان سکونت داشت و از سال ۱۱۰۹ تا ۱۱۷۰ پیشوایی فرقه اسماعیلیه را بر عهده داشت (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

انجدانی، ابوتراب بیگ (درگذشته ۹۹۵ خ)، فرزند خواجه زین الدین علی بیگ، اهل اراک متخلص به فُرقتی، شاعر ایرانی و مقامدار دربار شاه عباس یکم صفوی است که در ابتدا کامی تخلص می کرد، ولی از چهار تخلص پیشنهادی صادقی افشار کتابدار، «فرقتی» را برگزید. او همچنین در خوشنویسی بویژه شکسته نستعلیق، انشاء، حساب و سیاق ممتاز بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۹).

انجدانی، ابوطالب (زندگی ۱۲۳۵ خ)، فرزند محمدابراهیم، اهل روستای انجدان (اراک)، کفایه مجاهدیه (کفایه) و نیز طب منصوری را به عنوان خوشنویس در تاریخ شنبه ۳ خرداد ۱۲۳۵ کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۰۸).

انجدانی، احمد (زندگی ۱۲۰۰ خ)، فرزندحسن، اهل روستای انجدان (اراک)، کتاب شرایع الاسلام فی - مسائل الحلال و الحرام (فقه) را به عنوان خوشنویس در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۲۰۰ به زبان عربی کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۸۵).

انجدانی، اسداله (زندگی ۱۲۱۰ خ)، فرزند عبدالله، اهل روستای انجدان (اراک)، کاتب تحریرالقواعد المنطقیه فی شرح رساله الشمسیه (شرح شمسیه قطبی) در منطق به زبان عربی را به عنوان خوشنویس به تاریخ ۱۴ آبان ۱۲۱۰ کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۹۹).

انجدانی، اسداله (زندگی ۱۲۴۵ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، اجازه نامه محمدابراهیم الانجدانی از محمدباقر بن محمدجعفر فشارکی را به عنوان خوشنویس در تاریخ ۳۰ آبان ۱۲۴۵ و اجازه نامه محمدهاشم بن زین العابدین را هم به تاریخ شنبه ۴ آبان ۱۲۴۶ به زبان عربی کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۱۹).

انجدانی، جعفر (قرن ۱۳)، اهل روستای انجدان (اراک)، از خوشنویسان و تذهیب کاران اوایل قرن سیزدهم هجری است که قرآنی را به عنوان خوشنویس و به سفارش سلیمان مشک آبادی انجیرکی با خطی زیبا، معنی دار و تذهیب کاری بسیار زیبا کتابت کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۵).

انجدانی، حسن (زندگی ۱۲۲۵ خ)، فرزند حاجی محمدباقر، اهل روستای انجدان (اراک)، کتاب ذخیره المعاد فی شرح ارشاد را به عنوان خوشنویس در موضوع فقه و به زبان عربی به سال ۱۲۲۵ و رساله ای با موضوع طب به زبان فارسی را به تاریخ ۴ دی ۱۲۲۳ کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۰۵).

انجدانی، حسن علی (زندگی ۱۱۹۴ خ)، فرزند محمدحسین، اهل روستای انجدان (اراک)، رساله تجوید به فارسی را در سال ۱۱۹۴ و رساله الحسنيه فی اصول الدین والفروع العبادیه با موضوع کلام و اعتقادات را به فارسی و همچنین الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة در موضوع فقه به زبان عربی و نیز دو رساله در موضوع مناجات را به فارسی کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۸۰).

انجدانی، حسن علی (۱۱۸۳-۱۲۶۰ خ)، ملقب به حسنعلی شاه و معروف به آقاخان محلاتی (آقاخان اول)، فرزند شاه خلیل اله سوم (چهل و پنجمین امام اسماعیلیان) و بی بی سرکاره^۱، اهل کهک دلیجان، از امامان اسماعیلیه نزاری و مدتی حاکم کرمان بود و نزد فتحعلی شاه نفوذ داشت و لقب «آقا خان» را از او گرفت. در سال ۱۲۱۷ و پس از عزل، یاغی شد و به افغانستان گریخت و به انگلیسی ها در جنگ با افغان ها برای تصرف هرات کمک کرد که موفقیت آمیز نبود. او سپس زندگی تازه ای را در هندوستان آغاز کرد و تا پایان عمر با سفر به شهرهای هند به امور اسماعیلیان پرداخت. وی که داماد فتحعلی شاه و باجناب میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه بود، آخرین سال های زندگی خود را در بمبئی با بازدیدهای گاه و بیگاه از پونا گذراند و در پیست اتومبیلرانی بمبئی چهره ای مشهور بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۴).

انجدانی، خلف بیگ (زندگی ۱۱۱۶ خ)، در زمان آزادخان افغان، منصب سرکردگی و حکومت را در انجدان اراک داشته و در هنگام نماز با ضرب گلوله و سپس زخم شمشیر از پای درآمده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۵۵).
انجدانی، خلیل (زندگی ۱۱۹۷ خ)، پسر عموی شاه ابوالحسن علی و ملقب به شاه خلیل ثانی است که پس از او به امامت اسماعیلیه انتخاب شد و از سال ۱۱۷۰ تا ۱۱۹۷ پیشوایی اسماعیلیه و نیز حکومت کرمان و یزد را بر عهده داشت و در یزد کشته شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۴).

انجدانی، خلیل (زندگی ۹۶۴ خ)، فرزند نورالدین، ملقب به شاه خلیل اله اول، از سال ۹۲۹ تا ۹۶۴ یعنی بیش از ۳۵ سال امامت فرقه اسماعیلیه را در انجدان بر عهده داشت و به خاطر وی بود که در فرمانی از طرف شاه صفوی، انجدان از پرداخت مالیات معاف شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۷).

انجدانی، ذوالفقار علی (زندگی ۸۹۵ خ)، فرزند مرادمیرزا، معروف به شاه ذوالفقار علی از امامان اسماعیلیه انجدان بوده که هزاران نفر از هندیان برای دیدن ایشان به انجدان می آمدند و در دوره ۸۹۳-۸۹۵ ریاست اسماعیلیه را عهده دار بوده است (ولاشجرودی فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۸).

انجدانی، رضا (قرن ۱۲)، فرزند حاج نصیر، اهل انجدان اراک، از هنرمندان خوش نویس قرن دوازدهم هجری که به جهت تعلیم خط به فرزندان شاه صفوی، در اصفهان سکونت داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۳۲).

^۱ . دختر محمدصادق محلاتی (درگذشت ۱۱۹۴)، شاعر و صوفی نعمت الهی

انجدانی، رضا (قرن ۱۳)، اهل روستای انجدان (اراک)، رساله ثلاثون مسئله فی معرفه الله (۳۰ مسأله در معرفت خداوند) در موضوع کلام و اعتقادات را به زبان عربی و رساله سلطانیه (پاسخ به سؤالات فتحعلی شاه قاجار)، افضلیه بعض الائمة علی بعض، در موضوع کلام و اعتقادات به زبان عربی، الفرق بین العقل والنفس - والروح در کلام و اعتقادات به زبان عربی و همچنین رساله اجوبه مسائل الشیخ احمد بن الشیخ صالح بن طوق القطیفی را کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۳۰).

انجدانی، زین العابدین (زندگی ۱۱۹۱ خ)، فرزند ملا محمد اسماعیل، اهل روستای انجدان (اراک)، رساله الوسائل الی النجاه (الوسیله)، الوسائل الحائریه (وسائل الاصول) و همچنین الوسائل الی معرفه الاصول در موضوع فقه را به عربی و در سال ۱۱۹۱ را کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۷۹).

انجدانی، سعید (قرن ۷)، فرزند محمد، اهل روستای انجدان (اراک)، از ارباب حدیث و عالم دینی قرن هفتم هجری و معروف به ابن اثیر است (محتاط، ۱۳۷۲: ۶۱).

انجدانی، سلمان (قرن ۱۲)، فرزند حاج یوسف خلف، اهل روستای انجدان (اراک)، در اواخر قرن دوازدهم هجری می زیسته و حاکم فراهان بوده است. مخالفینش او را در یک مجلس مهمانی با کارد به قتل رساندند (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۰).

انجدانی، سیدعلی (۹۶۴-۱۰۰۸ خ)، ملقب به شاه سیدعلی، پس از شاه نزار، یعنی از سال ۱۰۰۷ تا ۱۰۳۹ پیشوای دینی اسماعیلیه بود و به دستور شاه عباس دوم به حکومت کرمان منصوب و از کهنک به آنجا مهاجرت کرد و در همان جا درگذشت (ولاشجری فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۸).

انجدانی، سید محمد طاهر (زندگی ۱۲۶۳ خ)، فرزند سیدعلی، اهل روستای انجدان (اراک)، از فضایی اوایل قرن چهاردهم هجری است که نگارش کتاب الخصائص الحسینیة (خصائص الحسین علیه السلام و مزایا المظلوم) را هم به عنوان خوشنویس در تاریخ ۲ آذر ۱۲۶۳ به پایان برده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۳۶).

انجدانی، طاهر (درگذشته ۹۲۸ خ)، ملقب به شاه طاهر، فرزند رضی الدین از دانشمندان و علمای دینی قرن دهم هجری است که از انجدان به هندوستان مهاجرت کرد و تألیفات زیادی دارد که احوال معاد، شرحی بر تهذیب الاصول، حاشیه بر الهیات شفا و شرحی بر تفسیر قاضی از آن جمله اند. وی همچنین طبعی روان و ذوقی سرشار داشته و برخی از اشعار این شاعر در کتاب نامداران اراک موجود است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۴).

انجدانی، طیفور (قرن ۱۰)، معاصر شاه طهماسب و شاه عباس یکم و برادر داعی انجدانی (اراک) است و بنابر گفته آذر بیگدلی از شاگردان عبدالعال و مولانا فتح اله بوده و در ابتدا «کسری» تخلص می کرد ولی به

طیفور انجدانی مشهور شد. این شاعر از دیار خود به قزوین رفت و سپس در کاشان ساکن شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۶).

انجدانی، عباس (درگذشته ۸۷۶ خ)، معروف به شاه‌غریب، فرزند عبدالسلام، از سال ۸۷۳ تا ۸۷۶ امامت اسماعیلیه را بر عهده داشته و مریدانش از هند برای دیدارش به انجدان (اراک) می‌آمدند (ولاشجرودی فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۷).

انجدانی، عبدالحمید (درگذشته ۱۳۲۰ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، عالم دینی و از مدرسان معروف مدرسه آقازاده‌الدین که از فضلا، دانشمندان و فقهای عصر خویش محسوب می‌شده و استاد ابراهیم دهگان از شاگردان اوست (محتاط، ۱۳۷۲: ۷).

انجدانی، عبدالسلام (زندگی ۸۶۹ خ)، فرزند مستنصر‌بale ثانی، ملقب به شاه عبدالسلام، بین سال‌های ۸۵۹ تا ۸۶۹ به‌عنوان امام اسماعیلی، ریاست فرقه اسماعیلیه را در انجدان داشته و در زمان امامت ایشان، تابعین مرکز انجدان یک‌دهم از درآمد خود را تقدیم داشته و مریدان زیادی از هند به انجدان (اراک) آمدوشد می‌کردند (ولاشجرودی فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۷).

انجدانی، عبدالعظیم (زندگی ۱۲۰۸ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، اشارات‌الفقه (رموز واجبات نماز و روزه)، رساله علمیه احکام نماز و روزه رساله شاخ نبات (اصل‌الاصول) و همچنین وصل‌الفصول هر دو با موضوع کلام‌واعتقادات همگی را به‌فارسی کتابت کرد و سال نگارش وصل‌الفصول سال ۱۲۰۸ بوده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۹۴).

انجدانی، عبدالعلی (زندگی ۱۲۳۰ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، قوائم‌العروض با موضوع عروض - وقافیه و به‌زبان فارسی را به‌تاریخ مهر ۱۲۳۰ کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۱۰).

انجدانی، عبدالمطلب (زندگی ۱۱۹۵ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، رساله معین‌الخواص در موضوع فقه و به‌زبان عربی را در سال ۱۱۹۵ به‌عنوان خوشنویس نگاشته است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۸۳).

انجدانی، عبدالله (زندگی ۱۱۸۶ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، رساله تمهیدات (زبده‌الحقایق فی کشف‌الدقایق) در موضوع عرفان و تصوف را به‌فارسی در سال ۱۱۸۶ کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۹۰).

انجدانی، علاء‌الدین (زندگی ۱۱۰۱ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، فرزند میرزا ابوطالب، در اواخر قرن یازدهم می‌زیسته و از وزرای صفویه بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

انجدانی، علم‌الهدی (زندگی ۱۰۹۹ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، فرزند داعی، تذکره‌الائم (تاریخ معصومین) را به‌فارسی کتابت و به‌تاریخ ۶ تیر ۱۰۹۹ امضا کرده است. او همچنین رساله نقدالرجال (رجال

میرمصطفی) را با موضوع رجال و نیز رساله‌الامالی (المجالس) در موضوع حدیث به‌زبان عربی، رساله التوحید (توحید صدوق) و هم‌چنین رساله التوحید و نفی التشبیه‌والجبر را در موضوع کلام، اعتقادات و حدیث و به‌زبان عربی به‌نگارش درآورده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۳۸).

انجدانی، علی (زندگی ۱۲۱۵ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، رساله کنوزالجواهر و معادن الزواهر^۱ را که کتابی است چند دانشی به‌فارسی و به تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۲۱۵ نگاشته و هم‌چنین کتاب نجم‌الهدایه را هم در موضع فقه به‌فارسی کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۰۱).

انجدانی، علی (زندگی ۱۲۲۰ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، فرزند محمدحسین، کتاب معالم‌الاصول (معالم‌الدین و ملاذالمجتهدین) را در موضوع فقه و اصول و به‌زبان عربی کتابت کرده و به‌تاریخ آبان ۱۲۲۰ امضا کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۰۲).

انجدانی، علی (زندگی ۱۲۴۵ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، فرزند عبدالغفار، «لیلی و مجنون» در ادبیات و «یوسف وزلیخا» به‌صورت شعر، هر دو را به‌فارسی و در سال ۱۲۴۵ کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۱۵).

انجدانی، علی (زندگی ۱۲۷۵ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، فرزند یعقوب، کتاب شعر «البلالسر‌البلا» را به‌زبان فارسی و بین سال‌های ۱۲۷۲-۱۲۷۵ و نیز منتخب بحار‌الانوار را به‌عنوان خوشنویس نگاشته است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۴۳).

انجدانی، علی محمد (زندگی ۱۲۲۱ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، دیوان اشعار فرخی سیستمی را به‌عنوان خوشنویس و به‌فارسی کتابت و به‌سال ۱۲۲۱ امضا کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۴۷).

انجدانی، فرج‌اله (زندگی ۹۲۲ خ)، فرزند عبدالله، اهل روستای انجدان (اراک)، کتاب حاشیه تهذیب- المنطق (حاشیه ملاعبداله) در منطق را به‌زبان عربی و به‌عنوان خوشنویس در تاریخ ۱۳ آذر ۱۲۰۹ کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۹۷).

انجدانی، قاسم علی (درگذشته ۱۱۰۹ خ)، فرزند حسن‌علیشاه، اهل روستای انجدان (اراک)، بعد از پدر به‌مسند امامت اسماعیلیه نشست و از سال ۱۰۷۳ تا ۱۱۰۹ در این سمت بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

انجدانی، محسن (قرن ۱۲)، فرزند محمدشریف، اهل روستای انجدان (اراک)، شاعر اواخر قرن سیزدهم است و کتاب قصص‌الانبیا را با نام احسن‌القصص با کمک برادرش میرزا محمدابراهیم به‌رشته نظم درآورده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۱).

^۱. روشنایی‌ها

انجدانی، محمدابراهیم (۱۱۴۲-۱۲۱۰ خ)، فرزند میرزا محمدشریف و پدر یعقوب خان خادم انجدانی (نویسنده کتاب تاریخ)^۱ است. این شاعر و نویسنده، با همکاری برادرش، میرزا محسن، کتاب قصص الانبیا را با نام احسن القصص به رشته نظم درآورده و ذوقی شیرین در سرایش شعر داشت (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۱).

انجدانی، محمدابراهیم (زندگی ۱۲۷۶ خ)، فرزند محمدرضا، اهل روستای انجدان (اراک)، کتاب مصباح السعاده فی الفنا را به سال ۱۲۷۶ و نیز رساله مصباح القلوب مطهرا عن الدنس والذنوب (اخلاق) و نیز مصباح الکرامه فی الرضاع در باب فقه را کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۴۸).

انجدانی، محمدابراهیم (قرن ۱۳)، فرزند علی، اهل روستای انجدان (اراک)، رساله دلیل المتحیرین (اعتقادیه) را در علم کلام و اعتقادات، رساله سیروسلوک، شرح دعای حاجت، شرح دعای المصباح و نیز رساله مشارق الانوار (مشارق انوار الیقین فی حقایق اسرار امیرالمؤمنین) را کتابت و نیز رساله شرح حدیث همگی به عربی را به عنوان نویسنده تألیف کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۲۰).

انجدانی، محمدامین (زندگی ۱۰۶۳ خ)، فرزند میرزا محمد، اهل روستای انجدان (اراک)، به عنوان خوشنویس در خرداد ۱۰۶۳ پایان کتابت الصافی (تفسیر صافی) به زبان عربی را ثبت کرده و هم چنین رساله الصحیفه الکامله السجادیه (الصحیفه السجادیه) را کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۳۳).

انجدانی، محمدتقی (زندگی ۱۰۴۱ خ)، فرزند ملااحمد فراش، اهل روستای انجدان (اراک)، کتاب تهذیب الاحکام فی معرفه الحلال والحرام را در فقه و حدیث، به زبان عربی و به تاریخ ۱۲ مرداد ۱۰۴۱ نگاشته است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۳۰).

انجدانی، محمدجعفر (زندگی ۱۲۰۴ خ)، فرزند علی مدد، اهل روستای انجدان (اراک)، کتاب معالم الاصول (معالم الدین و ملاذ المجتهدین)، در موضوع فقه و اصول و به زبان عربی را در دی ماه ۱۲۰۴ کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۹۳).

انجدانی، محمدحسین (زندگی ۱۰۹۵ خ)، فرزند شمس الدین محمد، اهل روستای انجدان (اراک)، مشهور به آقاگل انجدانی، کاتب حق الیقین فی اصول الدین در کلام و اعتقادات است که در تاریخ ۲۲ تیر ۱۰۹۵ و به زبان فارسی نگاشته است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۴۲).

انجدانی، محمدرضا (زندگی ۱۲۴۸ خ)، فرزند محمدقلی، اهل روستای انجدان (اراک) و از علمای اواسط

^۱. یعقوب خان درباره پدرش در این کتاب چنین نوشته: پدر من میرزا محمدابراهیم انجدانی صاحب خط و ربط و فضل و معرفت بود و با آن که میرزا شفیع صدراعظم در اوایل دولت فتحعلی شاه، هزار تومان موجب برای او تعیین نموده بود، کار دیوانی نپذیرفت.

قرن سیزدهم^۱ که در انجدان مجلس درس داشته و استاد دهگان در مورد این عالم دینی می‌گوید: از افاضل روحانیون جلگه فراهان و رخشنده‌ترین فرد ناحیه دوراخور (مشک‌آباد) بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۸).

انجدانی، محمدرفیع (زندگی ۱۱۶۷ خ)، فرزند محمدکریم، اهل روستای انجدان (اراک)، کتاب غررالاحکم و دررالکلم (کشف‌العقول والادیان) در باب حدیث به‌زبان عربی و به‌تاریخ ۱۳ اسفند ۱۱۶۷ کتابت و رساله لغات قرآن را به‌زبان عربی و فارسی و رساله متفرقات را هم به‌فارسی و به‌عنوان نویسنده تألیف کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۴۵).

انجدانی، محمدسمیع (زندگی ۱۰۹۵ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، نوه عبدالرضایی انجدانی، کتب رساله حل تقویم در موضوع هیأت و رساله‌ای در باب پزشکی هر دو به فارسی را در سال ۱۰۹۵ کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۴۳).

انجدانی، محمدشریف (قرن ۱۲)، فرزند میرزا محمدرضا، اهل روستای انجدان (اراک)، عالم دینی و از معلمین و ادبای اواخر قرن دوازدهم هجری است که مجلس تدریس داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۱۴).

انجدانی، محمدقلی (قرن ۱۲)، فرزند محمدشریف، اهل روستای انجدان (اراک)، عالم دینی اوایل قرن دوازدهم هجری است که در حوزه علمیه انجدان تدریس می‌کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۶).

انجدانی، محمدمحسن (زندگی ۱۲۵۸ خ)، فرزند روح‌الله، اهل روستای انجدان (اراک)، به‌عنوان خوشنویس، نگارش رساله حاشیه فرایداصول در باب فقه را به‌زبان عربی و در تاریخ ۵ اسفند ۱۲۵۸ در نجف اشرف به پایان برده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۲۶).

انجدانی، مراد میرزا (درگذشته ۸۹۳ خ)، معروف به شاه‌مراد، فرزند ابوذرعلی، ملقب به امیرالامرا از سال ۸۸۹ تا ۸۹۳ ریاست دینی اسماعیلیه را در انجدان (اراک) بر عهده داشت و مریدان او از شهرهای مولتان، پنجاب و گجرات هندوستان با هدایای بسیار به‌دیدارش می‌آمدند (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۸).

انجدانی، مستنصر‌بالة (درگذشته ۸۳۰ خ)، فرزند شاه‌محمد، اهل روستای انجدان (اراک)، که بقعه این امام اسماعیلیه هم‌چنان در انجدان پابرجاست (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۴).

انجدانی، میرزابابا (زندگی ۱۲۰۰ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، کتابت بهجه‌الانوار من حقیقه‌الاسرار (تفسیر عربی-فارسی) را در سال ۱۲۰۰ به پایان رسانده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۸۷).

^۱ در قبالة‌ای به نام او تاریخ شعبان ۱۲۸۶ قید شده است.

انجدانی، نجفعلی (قرن ۱۳)، فرزند محمدکاظم، اهل روستای انجدان (اراک)، رساله ادعیه (عربی-فارسی)، اصول الدین علی وفق اصول المذهب (کلام و اعتقادات به عربی)، اسرار ابتلا لاولیا (تاریخ معصومین-فارسی) و در مجموع ۲۸ عنوان کتاب را کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۴۸).

انجدانی، نورالدین علی (درگذشته ۹۲۹ خ)، ملقب به نورالدین علی شاه، فرزند ذوالفقارعلی، امامت اسماعیلیه را در دوره (۸۹۵-۹۲۴) در انجدان (اراک) عهده‌دار بوده است. او در سال ۹۲۹ به دست فردی به نام عبدالرحمن کشته شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۱).

انجدانی، هادی (زندگی ۱۲۲۲ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، در سمت خوشنویس نگارش رساله احادیث را به زبان عربی و به تاریخ ۱۳ مرداد ۱۲۲۲ به پایان برده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۰۴).

انجدانی جاسبی، اسعد (زندگی ۸۴۳ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، فرزند احمد بن اسعد انجدانی جاسبی، اللمه‌الدمشقیه فی فقه‌الامامیه در موضوع فقه را در سال ۸۴۳ به زبان عربی و در قزوین کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۲۹).

انجدانی دکنی، طاهر (زندگی ۹۲۲ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، دیوان اشعار شاه طاهر را به فارسی و شرح دعای السمات را به عربی و به عنوان شاعر و نویسنده، به تاریخ ۲ دی ۹۲۲ تألیف کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۳۴).

انجدانی کزازی، حسن (زندگی ۱۱۸۸ خ)، فرزند محمد، اهل روستای انجدان (اراک)، به عنوان خوشنویس کتاب زادالمعاد فی اعمال السنه در موضوع مناجات که هر دو به زبان عربی و فارسی است را به تاریخ ۳۱ مرداد ۱۱۸۸ نوشته است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۷۵).

انصاری، هرمز (۱۳۱۴-۱۳۹۹ خ)، فرزند محمدباقر و بانو فاطمه، پس از گذراندن دوران

ابتدایی و آغاز دبیرستان در اراک، از دبیرستان البرز تهران دیپلم گرفت. او که از دوره دبستان شعر می‌گفت با پشت سر نهادن دوران دانشسرا، در سال ۱۳۳۶ مستقلاً

آموزشگاهی برای همه رشته‌های درسی بنیان نهاد و سپس امتیاز انستیتو زبان سیمین را

دریافت و در تهران و اراک موجبات قبولی تقریباً همه شرکت‌کنندگان آن کلاس در کنکور را فراهم آورد. در پاییز ۱۳۴۵ مسوولیت سرشماری یک‌چهارم جمعیت شهر اراک به او سپرده شد که تحلیل نتایج ناشی از آن سرشماری، وی را به این نتیجه رساند که، اراک دانشگاه می‌خواهد و لذا نخستین مقاله را با عنوان «این شهر دانشگاه می‌خواهد و در این دیگر جای گفتگویی نیست» در نشریه نامه اراک به چاپ رساند و این آغاز روند تأسیس دانشگاه اراک بود که در سال ۱۳۵۰ به نتیجه رسید. در این سال‌ها، هرمز انصاری دست کم



۴۰۰۰ سخنرانی داشته و به‌عنوان نویسنده و پژوهشگر، حدود ۵۰ عنوان کتاب در حوزه سبک زندگی و فرهنگ و اندیشه، منتشر کرده است.^۱

انصاری محلاتی، حسن (۱۲۸۵-۱۳۷۵ خ)، فرزند عبدالحسین، دوران ابتدایی را در محلات گذراند و در این دوره خط نسخ، نستعلیق و ثلث را از احمد صدرالغروی و میرزا محمودخان مجدناظم محلاتی فرا گرفت. او سپس در قم از محضر علمایی چون عبدالکریم حائری، نجفی‌مرعشی، محمدتقی خوانساری، حجت کوه‌کمره‌ای و بروجرودی کسب فیض کرد. از این عالم دینی، ۱۴ رساله بجای مانده که رساله فی‌لباس‌المصلی، فی‌اوقات‌الصلوه، فی‌خلل‌الصلوه، فی‌اصاله‌الصحه و فی‌صلوه‌الجمعه از آن جمله‌اند (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۱۵).



انصاری، جمال (۱۳۲۷ خ)، فرزند آیت‌اله محمدعلی انصاری اراکی و بانو نرجس، دکترای

باستان‌شناسی و تاریخ هنر که سابقه ۴۵ سال تدریس در دانشگاه را دارد. ایشان دارای نزدیک به ۱۰۰ مقاله علمی پژوهشی و کتاب با موضوعات هنر و معماری ایران است. برخی از آثار او به‌عنوان نویسنده عبارتند از: زیبایی‌شناسی و هنر معماری جهان، باستان‌شناسی ایران و جهان، مردم‌شناسی و فرهنگ عامه و اقوام ایرانی، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا پایان پهلوی، تاریخ هنر گچ‌بری دوران ساسانی و تأثیر آن در هنرهای اسلامی و... همکاری با صداوسیما در تهیه برنامه‌های مستند با موضوع آثار تاریخی و معماری، سردبیری چندین نشریه و مجله، راه‌اندازی مجله موزه‌ها و نیز مجله میراث فرهنگی از دیگر اقدامات فرهنگی اوست.



انصاری، محمدرضا (۱۳۲۲ خ)، فرزند محمدباقر و بانو فاطمه، متولد اراک، کارآفرین،

مهندس برتر کشور به انتخاب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۲، رئیس هیأت مدیره شرکت کیسون (تأسیس ۱۳۵۴) از شرکت‌های بزرگ ساختمان‌سازی ایران و جهان که در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ به‌عنوان صادرکننده نمونه خدمات فنی و مهندسی در ایران انتخاب شد و از سال ۲۰۱۵ در زمره ۱۰۰ پیمانکار برتر جهان قرار گرفت. وی هم‌چنین در سال ۱۳۸۸ از سوی فرهنگستان علوم، به‌عنوان مهندس برجسته کشور معرفی شد. سخنران بخش خصوصی ایران در کنفرانس‌های برلین، لندن، لوزان و... فعالیت در ۱۲ کشور و دریافت جوایز متعدد بین‌المللی، ارائه‌کننده بیش از ۱۰۰ مقاله علمی در مجلات داخلی و خارجی، مقام هفتم جهان در انبوه‌سازی مسکن در سال ۲۰۱۳، مقام ۹۹ پیمانکاری بین‌المللی جهان در سال ۲۰۱۴، بخشی از افتخارات اوست.^۲



^۱. نشریه نامه اراک، به مدیریت مسوولی باقر موسوی از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۵۴ با انتشار ۲۴۳۹ شماره به‌عنوان دیرپاترین نشریه اراک شناخته می‌شود.

^۲. او برادر هرمز انصاری است.



انصاری، محمدصادق (۱۲۹۸ خ)، فرزند محمدباقر و بانو فاطمه، دوران کودکی و نوجوانی را در **اراک** گذراند و تحصیلات دانشگاهی را در دانشکده کشاورزی کرج به پایان رساند. در شهریور ۱۳۲۰ با «احسان طبری» که به اراک تبعید شده بود آشنا شد و در پاییز همان سال، به عضویت حزب نوپدید توده درآمد. مهندس انصاری ضمن کار دولتی، با نظام «ارباب-رعیتی» آشنا شد و به پژوهش در این زمینه پرداخت. او در مرداد ۱۳۲۶ در «سومین کنفرانس ایالتی حزب توده ایران» به عضویت «کمیته ایالتی تهران» و در اردیبهشت ۱۳۲۷ در کنگره دوم این حزب در زمره مشاوران کمیته مرکزی برگزیده و از آن پس کار دهقانی را نیز با فعالیت در «شعبه مرکزی دهقانان ایران» گسترش بخشید و در پاییز ۱۳۳۵ دستگیر و زندانی شد. نگارش و ترجمه یک رشته گفتارهای آموزشی/ ترویجی برای سازمان دهندگان جنبش دهقانی کشور، کوشش در انتشار هفته‌نامه «انتقاد» ویژه دهقانان ایران از جمله فعالیت‌های او و همکارانش در این دوران است. پس از رهایی از زندان در حالی که هنوز دوران پنج‌ساله محرومیت از حقوق اجتماعی را می‌گذراند، با همکاری دوستانش کار ترجمه یک رشته کتب پژوهشی- تاریخی را آغاز کرد که سالها ادامه یافت و انتشار پی‌درپی مجلدات آن با اقبال گسترده روبه‌رو شد که از آن جمله اند: «تاریخ قرون وسطی» و «تاریخ جهان باستان» مشتمل بر سه جلد شرق یونان و رم، عموماً از منابع آکادمیک اتحاد شوروی. انتشار هفته‌نامه دهقانی «جرس» و نیز ماهنامه رنگی «دهقانان ایران» و تهیه و انتشار طرح‌های اجرایی «اصلاحات ارضی» و «شرکتهای تعاونی تولید کشاورزی» (متاع) بخشی دیگر از فعالیتهای مهندس انصاری و هم‌زمان او در این دوران است. او پس از انقلاب ناگزیر به مهاجرتی غم‌انگیز تن داد و در مهاجرت هم کتابی پژوهشی سیاسی با عنوان «چهل و پنج سال پیکار در راه سازماندهی و رهایی دهقانان ایران» نوشت و نیز به ترجمه کتابهایی چون «سرنوشت سرمایه‌داری در خاور» و «سوسیالیسم از رؤیا تا واقعیت» و.... پرداخت.

انصاری‌اراک، حسن (زندگی ۱۳۴۰ خ)، فرزند میرزا مهدی و نوه ملا محمد رضا انصاری کرهرودی (اراک)، در کرهرود مکتب‌خانه‌ای داشته و از جمله کسانی که در مکتب‌خانه وی تحصیل کردند، آقاعلی میریحیی اراکی است. او در سال ۱۳۲۶ به تهران رفت و سطوح را در مدرسه مروی نزد حاج میرزا باقر آشتیانی، حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای و شیخ محمدتقی آملی تکمیل کرد و در درس خارج آیت‌اله شیخ محمد رضا تنکابنی و آیت‌اله سیدابوطالب مدرسی‌یزدی حاضر شد و در سال ۱۳۴۰ به قم مهاجرت کرد. این عالم دینی، دارای تألیفات و آثار متعددی است که از آن جمله‌اند: «مرگ سرخ» در فداکاری سالار شهیدان، «عبرت انگیز»، تاریخ شیعه در چند جلد و «تقریرات» دروس استادانش.

انصاریان، سعیده (۱۳۶۶ خ)، فرزند محمود و بانو زهراسادات، تحصیلات ابتدایی و

راهنمایی را در تهران گذراند و سپس به همراه خانواده در شهر **اراک** ساکن شده و تا پایان دوره دبیرستان در مدرسه فرزندگان اراک به تحصیل پرداخت. او در سال ۱۳۸۵ در مقطع کارشناسی علوم و مهندسی منابع آب و بعد هم مقطع کارشناسی ارشد را در دانشگاه اراک گذراند. مجموعه داستان کوتاه «زمان روشنی»، «در آغوش خدا»، «گل نیلوفر» و جلد نخست رمان «من در دنیای نیلوفر» در کنار کتب تخصصی «آموزش ساده و کاربردی نرم افزار «GIS» و «آموزش GIS در هیدرولوژی» از آثار این مهندس شاعر است.



انصاری محلاتی، محمدباقر (۱۳۲۲ خ)، فرزند میرزا حسن، دوره ابتدایی را در خانه

میرزا علی اکبر آشوری و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۳۷ و زیر نظر حجت الاسلام فشارکی، فاضل لنکرانی، مصطفی اعتمادی، گلپایگانی و هاشم آملی گذراند. او همچنین فعالیت سیاسی اش را از سال ۱۳۴۵ با سخنرانی و نوشتن مقالات شروع کرد. این عالم دینی که مسلط به زبان انگلیسی، عربی، آلمانی و روسی بود در سال ۱۳۵۰ عضو گروه سه نفره تحقیقاتی زیر نظر شهید بهشتی شد و در سال ۱۳۵۱ دفتر ارتباطات بین المللی اسلامی را در قم تأسیس کرد. سرپرستی مجله انگلیسی زبان ECHO OF ISLAM، سردبیری مجله انگلیسی توحید، سردبیری روزنامه تهران تایمز و مدیریت مرکز اسلامی هامبورگ از دیگر مسؤولیت های این عالم دینی است (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۱۸).



انصاری محلاتی، محمدرضا (۱۳۲۷-۱۴۰۱ خ)، پس از دوره ابتدایی، درس حوزوی را

نزد حجت الاسلام فشارکی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و گلپایگانی آموخت و از سال ۱۳۵۰، نویسندگی و ترجمه عربی به فارسی را پیشه کرد. نویسنده، محقق، مترجم و عضو هیأت تحریریه مجله ترجمان وحی آثاری دارد که کیفر گناهان در دادگاه اسلام، اسلام و انتقادات غرب، چهره درخشان امام صادق و نیز خاطره سقوط اندلس از جمله آنهاست. او همچنین از سال ۱۳۷۶ تا پایان عمر در مرکز ترجمه قرآن به زبان های خارجی مشغول بود (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۲۲).



انور محلاتی، اسحاق (درگذشته ۱۳۲۲ خ)، از دراویش نعمت الهی است که به خدمت مستعلی شاه به شرف تلقین ذکر و فکر مشرف شد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۴۰).

انوشی، قادر (۱۳۳۱ خ)، فرزند صمد، در مراغه به دنیا آمد ولی به همراه خانواده در کودکی

ساکن **خمین** شد و ضمن ادامه تحصیل، به ورزش باستانی و اصیل ایران یعنی کشتی روی آورد. وی توانست مقام نخست ایران را در مسابقات قهرمانی جوانان کشور در سال های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۲ کسب کند و به عنوان عضو تیم ملی کشتی ایران در سال ۱۳۵۲ به مسابقات جهانی میامی آمریکا راه یابد. او همچنین داوری و مربیگری درجه یک فدراسیون کشتی ایران را در کارنامه دارد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۴۴).



ایبک‌آبادی، فاطمه (زندگی ۱۴۰۲ خ)، اهل روستای ایبک‌آباد (فراهان)، تحصیلات

ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه را تا مقطع کارشناسی ارشد در اراک گذارند. او سپس به‌همراه خانواده و برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری به کشور تاجیکستان رفت و سه سال در آکادمی علوم تاجیکستان زبان‌شناسی خواند و ۴ سال هم در دانشگاه رازی کرمانشاه در مقطع دکتری زبان‌وادبیات فارسی تحصیل کرد. دکتر ایبک‌آبادی بیش از ۱۲ سال است که در زمینه لالایی مشغول پژوهش است و تا کنون بیش از ۲۵ عنوان مقاله ISI ارائه داده و کتاب «بررسی ساختار واژگانی و محتوایی لالایی‌های ایران و آله‌های تاجیکستان» به‌زبان سِرلیک چاپ تاجیکستان و کتاب «تأثیر جادویی لالایی‌ها و ترانه‌های نوازشی و قصه‌ها بر تربیت کودک» چاپ ایران از اوست (عزیزآبادی، ۱۴۰۲: ۲۷).



ایبگی، مهسا (۱۳۶۳ خ)، فرزند عباس و بانو محبوبه، تحصیلاتش را در دبستان و

راهنمایی قدس (نمونه مردمی) و دبیرستان غیرانتفاعی عصر دانش اراک گذراند. او که همیشه شاگرد اول بود، ابتدا میکروبیولوژی خواند، سپس ارشد و دکترای روانشناسی گرفت. دکتر ایبگی که در دانشگاه هم دانشجوی ممتاز بود و شادی و آرامش مردم را آرزو می‌کرد، امروز به‌عنوان «زوج‌درمانگر و روان‌درمانگر تخصصی» در خدمت جامعه است و کتاب‌های تخصصی «اختلال شخصیت ضداجتماعی»، «اختلال شخصیت مرزی»، «اختلال شخصیت خودشیفته» و «اختلال شخصیت نمایشی» و همچنین رمان‌های «عبور از سرنوشت»، «به‌کدامین گناه»، «به‌یاد آن نگاه» و «آن سوی آینه» را تألیف و منتشر کرده و ضمن تدریس در دانشگاه، مدیر مسوول نشر تابان‌وتابش هم هست. **آیت، محمدعلی (۱۳۴۳ خ)**، اهل روستای خوگان (خمین)، دوران ابتدایی را در زادگاهش و دوره راهنمایی را در روستای خوراوند گذراند و جهت ادامه تحصیل راهی اراک شد. او در سال ۱۳۶۱ از دبیرستان مصطفی خمینی دیپلم گرفت و با شروع جنگ به جبهه رفت و مجروح شد. وی سپس از دانشگاه تبریز کارشناسی و از دانشگاه اصفهان ارشد تاریخ گرفت. از او به‌خاطر نوشتن کتاب تاریخ سیاسی- اجتماعی خمین، به‌عنوان پژوهشگر نمونه از طرف استانداری مرکزی تقدیر شده است.



ایرانی، زهره (۱۳۴۸ خ)، فرزند محمد و بانو زهرا، متولد اراک، در سال ۱۳۶۶ با رتبه

نخست استانی، موفق به دریافت دیپلم شد. او همچنین با رتبه ۱۲ در کنکور پزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۷۴ با عنوان ۳ درصد رتبه برتر دانشگاه تهران، وارد رشته تخصصی چشم‌پزشکی شد. وی در سال ۱۳۷۸ موفق به اخذ برد تخصصی جراحی چشم شد و در سال ۱۳۷۹ در امتحان آزمون فلوشیپ قرنیه دانشگاه تهران (بیمارستان فارابی) قبول شد تا دارنده عنوان نخستین زن استان مرکزی و پنجمین بانوی ایرانی دارنده فوق تخصص قرنیه باشد.



ایرجی، افق (۱۳۶۱ خ)، فرزند محسن و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در دبستان امام

حسین و راهنمایی رزمندگان اسلام گذراند و از هنرستان شهید آوینی **اراک** دیپلم گرفت.

او سپس دوره کارشناسی هنر را در دانشگاه آزاد اراک گذراند و در سال ۱۳۸۶ برای گذراندن

دوره کارشناسی ارشد به بوشهر رفت. وی ضمن تدریس در آموزشگاه‌های هنری در سال

۱۳۹۳ گروه نمایشی کوچه را به ثبت رساند. این هنرمند در ۵ دوره جشنواره‌ی تئاتر فجر به‌عنوان نویسنده،

کارگردان و بازیگر در نمایش‌های «مکبث به روایت مردم کوچه و بازار»، «هملت»، «شاه‌لیک»، «آنتیگونه»

و «خاطرات یک دلک» و همچنین در جشنواره‌های بین‌المللی هایفست (ارمنستان)، مایم‌فست (بنگلادش)

و بهارات رنگ (هندوستان) حضور فعال داشته و از سال ۱۴۰۱ بخشی از فعالیت خود را در تهران ادامه

می‌دهد و هم‌زمان در موسیقی و طراحی نیز فعال است.



ایرجی، کاظم (۱۳۵۵-۱۳۰۷ خ)، فرزند یحیی و برادرزاده باقرخان فاریابی، اهل **اراک**، در مقطع دبیرستان

ترک تحصیل کرد و تمام اوقاتش را وقف موسیقی کرد. او موسیقی مقامی را نزد عمویش آموخت و هنگامی

که به‌همراه او نزد استاد علی اکبر شهنازی رسید. شهنازی با طرح سؤالاتی چند او را آزمون و سپس به فاریابی

گفت: کاظم نیاز به هیچ استادی ندارد. ایرجی با ذوق و قریحه ذاتی و استعداد شگفت‌انگیز تار، سه‌تار و ویلون

را با مهارت تحسین برانگیزی می‌نواخت و پنجه‌اش نرم و نوای سازش گرم و گوش‌نواز بود. او که از صفات

نیک و پسندیده یک هنرمند برجسته برخوردار بود، برای نخستین‌بار در اراک اقدام به تأسیس کلاس

موسیقی کرد. از ایرجی که دستی هم بر نقاشی داشت، چند تابلو رنگ‌وروغن به‌یادگار مانده است

(ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۲۸).

ایرجی، محسن (۱۳۲۹ خ)، فرزند یحیی، تا دوم ابتدایی را در زادگاهش **اراک** گذراند و

سپس به‌همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و تا دریافت کارشناسی زبان‌وادیات فارسی

در تهران ماند. او در سال ۱۳۵۸ در کنکور استخدام دبیر استان مرکزی شرکت کرد و با احراز

رتبه پنجم، مفتخر به کسوت ارزنده دبیری شد و تدریس را در شهر محلات آغاز و سپس به

شازند رفت و تا پایان دوره اشتغال در این شهرستان ماند. این عضو خانواده شعر و موسیقی در زمینه

نویسندگی هم فعال بوده و بیشتر مقالاتش در روزنامه‌ی لاله سرخ منتشر می‌شد. ایشان به‌همراه فرزندش

(افق) که در کارگردانی و نمایشنامه‌نویسی از نامداران استان است، در نویسندگی همکاری می‌کرد و در

جشنواره (۳۳ تئاتر فجر) رتبه نخست نویسندگی استان را به دست آورد. نمونه‌هایی از اشعار این شاعر

پیشکسوت در کتاب «نقش خیال» از طرف اداره کل آموزش و پرورش و به‌همت آقای کمالی‌نهاد به‌چاپ

رسیده است. برخی از اشعار این نوازنده سنتور و ویولن در مجله «کاوه» در آلمان هم به چاپ رسیده است.



ایزدی، بهزاد (۱۳۶۰ خ)، فرزند عبدالرحمن و بانو اشرف، کارشناس مکانیک جامدات و ارشد مدیریت دولتی، از سال ۱۳۸۶ فعالیت خود را ابتدا در بخش صنعت آغاز کرد و سپس فعالیت در صنعت بیمه را برای خود برگزید. او هم‌زمان با فعالیت شغلی، به‌دلیل علاقه به زادگاه و میهن خود، پژوهش در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران زمین را در دستور کار قرار داده و هم‌چنان می‌خواند و در شبکه‌های اجتماعی آگاهی‌بخشی می‌کند. «گاز طبیعی» و «مدیریت طلایی در صنعت بیمه» دو کتاب چاپ شده اوست و کتاب «حاکمان ایران از سلسله کیانیان تا امروز» را در دست تدوین دارد. او هم‌چنین عضو هیئت مدیره‌ی بنیاداراک‌شناسی است.



ایمانی‌راد، محمدجواد (۱۳۳۱ خ)، فرزند جعفر و بانو سلطان، متولد اراک، تحصیلاتش را در دبستان شرکت نفت ازنا گذراند و از دبیرستان صمصامی اراک دیپلم گرفت و از دانشگاه اراک در رشته مهندسی متالورژی دانش‌آموخته شد. او یک سال پس از انقلاب ۱۳۵۷، نخستین کارگاه آبکاری آلومینیوم را پایه‌گذاری کرد و پنج سال بعد با احداث یک شرکت تولید پروفیل‌های آلومینیومی در اراک کار خود را گسترش داد و سپس وارد عرصه تولید آلیاژهای آلومینیومی شد. در یک دهه اخیر، شرکت این کارآفرین برجسته - آلومینات - به فنی‌ترین کارخانه تولیدکننده محصولات طولی در کشور تبدیل شده و با تلاش ایشان بیش از ۶۰۰ محصول جدید برای نخستین‌بار در کشور تولید شد و امروز بالغ بر ۲۶۰ نفر پرسنل دارد.



ایمانی‌مشک‌آبادی، فخرالحاجیه (۱۳۲۲-۱۳۲۶ خ)، فرزند طوقان، اهل اراک، بانویی نیکوکار و همسر آقازیا باقری بود. حمام فخرالحاجیه میدان ارگ، از یادگارهای اوست. فخرالدین طلوعی شاعر معروف، فرزند اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۶۹).

ب

بابا فضلعلی (درگذشته ۹۹۱ خ)، عالم و عارف روستای فرفهان (خمین) در محلی به‌همین نام مدفون و بر فراز قبر وی، مقبره کوچکی ساخته شده و برخی وی را پیر برحق می‌خوانند و به وی اعتقاد خاص دارند. **باباجانی، علی** (۱۳۵۲ خ)، متولد روستای وفس (کمیجان)، نویسنده، بازنویس، شاعر، پژوهشگر، مدرس و منتقد ادبی است. وی تا کلاس دوم ابتدایی را در روستا گذراند و در سال ۱۳۶۰ به‌همراه خانواده به «قم» رفت و دوران نوجوانی و جوانی را در این شهر بود. باباجانی نویسندگی و سرودن شعر برای کودکان را با حضور در تحریریه مجله «سلام بچه‌ها»، «پوپک» و «سنجاقک» شروع کرد و سپس تحصیلات خود را در رشته «ادبیات فارسی» تا مقطع ارشد ادامه داد. وی تجربه سردبیری مجله «سنجاقک»، کارشناس ادبی

مجله «روزهای زندگی بچه‌ها»، عضو «شورای شعر رشد نوآموز» و همکاری مستمر با نشریات کودک و نوجوان را در کارنامه دارد. تا کنون از باباجانی بیش از ۱۲۰ عنوان کتاب که بیشتر آنها در حوزه «کودک و نوجوان» هستند، منتشر شده که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: اتل متل یه بابا، سیب‌وبستنی، بهار کی می‌آید، دو تکه ماه، خانه، یک نفر تو را دوست دارد، منهای یک، حیات پاکان، آینه نازنین، دنیا هدیه می‌خواهد، تو را صدا می‌زنم، جشن بزرگ برکه، آدم برفی چشم تپله‌ای، با اجازه تمام شاعران و...

باباخانی، محمد مهدی (۱۳۵۳ خ)، فرزند غلامعلی، در سال ۱۳۷۱ و پس از پایان



تحصیلات متوسطه و دریافت دیپلم فرهنگ‌و ادب، آموزش خوشنویسی را در انجمن خوشنویسان اراک زیر نظر استاد محمد رضا افشار آغاز کرد و در سال ۱۳۷۳ به درجه ممتازی رسید. این هنرمند خوش‌نویس، طراح نقوش سنتی، قلم‌زن و کنده‌کار روی فلز، بنیان‌گذار نخستین موزه خصوصی کشور^۱ و دارنده نشان درجه یک هنری در رشته قلم‌زنی و کارآفرین نمونه استان در سال ۱۳۸۲ است که تربیت و اشتغال بیش از ۶۰۰ نفر هنرجو در رشته قلم‌زنی روی فلز را در کارنامه دارد. او هم‌چنین کارشناس و عضو رسمی ارزشیابی هنرمندان هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی در رشته فلز و زیورآلات و داور جشنواره هنرهای سنتی فجر در دو سال (۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ - تهران) بوده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۵۳).

باباخانیان، آراکل (۱۳۱۱-۱۳۵۸ خ)، اهل اراک، در جوانی به استودیو دیانافیلیم پیوست



و به واسطه اطلاعات فنی‌ای که داشت، به‌عنوان متصدی برق مشغول بکار شد. نخستین بار نام این سینماگر در عنوان‌بندی نخستین محصول دیانافیلیم به‌نام بازگشت (۱۳۳۲) به کارگردانی ساموئل خاچیکیان به‌عنوان عضو گروه فیلمبرداری آمد و پس از آن، دختری از شیراز، چهارراه حوادث، خون‌وشرف و... از جمله فیلم‌هایی است که او در آنها سهیم بود. در زمینه چاپ و لابراتوار نیز فیلم‌هایی در کارنامه دارد که از جمله می‌توان به آس‌وپاس و عمو نوروز (هر دو محصول ۱۳۴۰ و به کارگردانی سیامک یاسمی) اشاره کرد.

باباشاه‌آشتیانی، باقر (۱۳۰۱-۱۳۹۴ خ)، فرزند علیرضا، از قضات عالی‌رتبه دوره پهلوی



و دادستان کل زنجان و کرج بوده است. این قاضی و شاعر به وصیت پدرش، نخستین درمانگاه و نخستین حمام دوشی را در آشتیان تأسیس کرد. مجموعه اشعار او که «بهی» تخلص می‌کرد با نام «کشکول بابا» منتشر شده است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۴۲).

^۱. موزه سلطان‌آباد

باجقلو، اسماعیل (زندگی ۱۲۰۶ خ)، از مردمان **تفرش**، مؤسس مسجد کبود ارمنستان که هم‌اکنون توسط رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اداره می‌شود و محل تجمع ایرانیان است. میرزا اسماعیل‌خان آخرین حاکم ایران پیش از جدایی ارمنستان در پی قرارداد ترکمنچای بود. دارایی او پس از پایان جنگ اول ایران و روس مصادره شد و به تفرش بازگشت (رجبی، ۱۳۹۰: ۶۸).

بادران، بیتا (۱۳۵۴ خ)، فرزند طوقان و بانو سیده‌فاطمه، در سال ۱۳۷۱ فراگیری بازیگری را در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی **اراک** آغاز کرد و سابقه شرکت در کارگاه آزاد بازیگری زیر نظر امین تارخ در سال ۱۳۷۹ را هم دارد. شروع فعالیت این سینماگر با بازی در فیلم آژانس شیشه‌ای (ابراهیم حاتمی‌کیا) در سال ۱۳۷۶ بود و به‌خاطر بازی در این فیلم و نیز فیلم دل‌شکسته شهرت یافت.



بادران، محمد (۱۳۶۵ خ)، فرزند طوقان و بانو سیده‌فاطمه، تحصیلاتش را در دبستان ابوریحان بیرونی و رهنمایی امام علی اراک گذراند و از سال ۱۳۸۵ فعالیت خود را با گروه‌های تئاتر کیمیا و افرا در تئاتر شهر تهران آغاز کرد و نمایش سه‌حلقه میخک را با آقای اصغر همت کار کرد. بازی در فیلم سینمایی دل‌شکسته، زمهریر، محمد رسول‌اله، ابوزینب، سلما، سند اربابی و سلمان فارسی بخشی از آثار این سینماگر اراکی است.



بادکوبه‌ای‌هزاوه، حسین (۱۳۹۳-۱۳۰۵ خ)، فرزند علیمحمد و بانو فاطمه، دوران تحصیل خود را در محضر درس بزرگانی چون آیات عظام فرید محسنی، خوانساری و گلپایگانی شاگردی کرد. این عالم دینی، در نزدیک به ۶۰ سال فعالیت فرهنگی و مذهبی، منشأ خدمات ارزنده‌ای نظیر تأسیس آرامستان **اراک** بود و به‌عنوان شاعر، نویسنده و مترجم ترجمه تفسیر القرآن والعقل نوشته آقا نورالدین عراقی و به‌نظم درآوردن زندگی پیامبر اکرم و ترجمه دعا‌های کمیل، سمات و ابوحمزہ ثمالی را در کارنامه دارد.



بادکوبه‌ای‌هزاوه، مصطفی (۱۳۲۸ خ)، فرزند حسین و بانو عذرا، تحصیلاتش را در دبستان دهگان و متوسطه اول و دوم را در دبیرستان صمصامی و محمدرضاشاه **اراک** گذراند. روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعری که از دانشگاه فردوسی، لیسانس زبان‌و ادبیات فارسی گرفت و هم‌زمان در روزنامه خراسان و آستان قدس رضوی مشغول بکار شد. بادکوبه‌ای در آستانه انقلاب ۵۷ از همه مسؤولیت‌هایش اخراج و زندانی شد. او پس از انقلاب، تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را ادامه داد و در سال ۱۳۸۴ موفق به دریافت دکترا از دانشگاه راشویل شد. برخی از



آثار ایشان عبارتند از: دیوان حافظ^۱ (آیات نور در سفینه غزل)، علل شکست ساسانیان از اعراب، بررسی آداب و رسوم اجتماعی ایران، زندگی‌نامه (خیام، خواجه‌نصیر طوسی، ناصر خسرو قبادیانی، عطار نیشابوری، حافظ، پروین اعتصامی و ملک الشعرا بهار) و همچنین تصحیح و اعراب‌گذاری مفاتیح‌الجنان، ترجمه احادیث عربی مولانا در مثنوی شریف، بر امواج نیل (زندگی حضرت موسی بر اساس قرآن و تورات) و....

بارسقی، سرپوهی (۱۳۱۸ خ)، فرزند گارنیک و بانو هریک‌ناز، دوره ابتدایی را در دبستان

شرف اراک گذراند، از دبیرستان ایران‌دخت دیپلم گرفت و در مهرماه ۱۳۳۹ به استخدام

آموزش و پرورش درآمد. این بانوی برجسته به مدت ۱۴ سال آموزگار، ۴ سال معاون و ۱۵

سال نیز ریاست مدرسه شرف ارامنه را عهده‌دار بود و در سال ۱۳۷۳ بازنشست شد. پس از

بازنشستگی از طرف شورای خلیفه‌گری ارامنه، سرپرستی داخلی، مدیریت و تدریس دروس ارمنی‌زبان را

عهده‌دار شد. این بانوی فرزانه علاوه بر تدریس زبان ارمنی، برخی متون ارمنی را هم به فارسی ترجمه کرده

است (ذبیحی، ۱۳۸۵: ۳۱۱).



باستانی‌راد، علی (۱۳۵۷ خ)، متولد اراک، تحصیلاتش را در دبستان سعادت، راهنمایی صالحین و

دبیرستان شکرایی گذراند و در دانشگاه آزاد اراک، مهندسی مکانیک خواند. او دارای ۲ ثبت اختراع در زمینه

انتقال دیتای هشدار و دستگاه تست کالری‌متری سیستم‌های برودتی و گرمایشی است و دارای چندین رتبه

از جشنواره اختراعات و نوع‌آوری ملی است. او همچنین به مدت سه سال نایب رئیس جامعه نخبگان استان

مرکزی بوده و مدیر تولید گروه صنعتی الحديد، مدیرعامل و سهامدار اصلی شرکت نارگان‌سازه‌رستاک، فعال

در حوزه نفت و گاز، از دیگر سوابق اوست.

باقری، اسداله (۱۲۸۷-۱۳۴۷ خ)، فرزند جعفرقلی، اهل هرانکله از دهستان دالایی (خمین)، هنرمند

نقاشی بود که شمایل (تصویر) اهل بیت و وقایع کربلا و نیز شهادت امام‌رضا را بر روی شیشه و به صورت

رنگی طراحی می‌کرد. او همچنین طراحی نقشه قالی و نیز جیوه‌ریزی آینه را هم انجام می‌داد. آثاری از او

در امامزاده روستای تهیق و مشهد اردهال موجود است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۵۲).

باقری، صغری (۱۳۱۶ خ)، فرزند فضل‌اله، متولد اراک، تحصیلاتش را در اراک و تهران گذراند و تا سال

۱۳۳۶ بیش از سه هزار بیت شعر سروده و به عنوان شاعر «آزرده» تخلص می‌کرد و این بیت یک نمونه از

اشعار اوست: از درد دلم کسی خبردار نشد/ کس واقف اسرار من زار نشد (محتاط، ۱۳۷۲: ۹).

^۱. به عنوان کتاب برگزیده سال ۱۳۸۴ شناخته شد.

باقری، فاطمه (۱۳۷۰ خ)، فرزند محمود و بانو شمسی، متولد **دلیجان**، تحصیلاتش را



در دبستان حریت اصفهان و راهنمایی و دبیرستان را نیز در بندرعباس گذراند و در رشته علوم انسانی دیپلم گرفت. وی از دوران راهنمایی وارد گروه ادبی مدرسه شد و اگرچه در دانشگاه حسابداری می‌خواند ولی مقالات علمی پژوهشی خود را در حوزه علوم انسانی ارائه می‌داد و به صورت غیرحضوری در کنفرانس‌های علوم انسانی - داخلی و خارجی - شرکت می‌کرد که برترین آنها در حوزه روانشناسی رنگ‌ها در کنفرانسی در دانشگاه رستوک آلمان پذیرش شد. وی هم‌زمان به نوشتن و برگزاری کارگاه‌های آموزش مقاله‌نویسی در حوزه کودک و نوجوان مشغول بود و بیشتر آثار و مطالبش در روزنامه وقایع استان، ماهنامه محلات چه خبر؟ و عصر طلایی دلیجان منتشر می‌شد. او در حوزه تدریس از معلمان نمونه دلیجان در پایه سوم دبستان و از برترین‌ها در فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی است و دو عنوان کتاب «سفرهای شاپری و پرپری» و نیز «سفر به سرزمین رؤیا» را در کارنامه دارد و از دانشگاه شهاب دانش قم ارشد حسابداری گرفته و عضو شورای اسلامی روستای دودهک (دلیجان) نیز می‌باشد.

باقری، کبری (۱۲۷۰-۱۳۵۵ خ)، فرزند عبدالحسین میرزا و بانو خدیجه، در **اراک** متولد



و به مکتب‌خانه رفت و با قرآن، فارسی و ریاضیات آشنا شد. در سال ۱۳۰۱ که نخستین مدرسه دخترانه در اراک گشایش یافت، از طرف اداره فرهنگ رسماً از ایشان که سابقه تدریس داشت درخواست همکاری شد، که همسرش با این کار مخالفت کرد، ولی با اصرار متولیان اداره فرهنگ و پس از چندین بار رفت‌وآمد، سرانجام رضایت همسرش جلب شد و خانم باقری به عنوان نخستین آموزگار رسمی زن در استان (اراک) شروع به فعالیت کرد و در دبستان‌های دوشیزگان، انوری و عظیمی به تدریس پرداخت (ذبیحی، ۱۳۸۵: ۳۱۸).

باقری، محمدنبی (۱۳۰۴ خ)، اهل کرکان (**خنداب**)، فرزند ابراهیم، در کودکی ضمن



کشاورزی به آموختن علوم قرآنی نزد پدرش همت گمارد. او در سال ۱۳۴۹ با سرودن شعری که در مجله مکتب اسلام به چاپ رسید، وارد محافل ادبی و فرهنگی شد و به عنوان شاعر نمونه روستا انتخاب و دیوان شعر او با عنوان «ویرانه دل» منتشر شد (مجدی، ۱۳۸۴: ۱۷۹).

باقری اراکی، فخرالدین (۱۲۸۱-۱۳۱۹ خ)، فرزند جلال‌الدین باقری اراکی و نوه آقاهاشم کرهرودی،

پس از تحصیل مقدماتی در اراک، به قم رفت و از محضر حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره برد و سپس به مدت ۷ سال در اداره کشاورزی تهران مشغول بکار شد. این شاعر که طلوعی تخلص می‌کرد، بر اثر سل و در سن ۳۸ سالگی درگذشت (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۶۶).

باقری ساوجی، محمود (قرن ۱۴)، ملقب به چقر، اهل روستای قارلوق (**ساوه**)، افسر



بازنشسته نیروی انتظامی و شاعری باذوق که به فارسی و ترکی شعر می‌گفت و از هنر خوشنویسی هم برخوردار است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۵۰).

باقری مکی، کمال (۱۲۳۷-۱۲۸۹ خ)، فرزند هاشم عراقی و نوه آقاسید محمدباقر، عالم دینی و از فقها و دانشمندان شهر اراک بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۶).

بالاسانیان، سونیا (۱۳۲۱ خ)، نقاش برجسته ارمنی تبار پس از تحصیلات ابتدایی در اراک، از آکادمی هنرهای زیبای فیلادلفیای آمریکا با درجه لیسانس دانش آموخته شد و در سال ۱۳۵۰ به تحصیل آزاد در موزه هنرهای زیبای نیویورک پرداخت. او همچنین دارای ده جایزه از موزه‌ها و دانشگاه فیلادلفیا است. از جمله فعالیت‌های او می‌توان به پایه‌گذاری مرکز هنرهای تجربی ارمنستان، برگزاری بیش از ۲۰ نمایشگاه در شهرهای مختلف از جمله نگارخانه‌های زروان و سامان تهران، اگزیت‌آرت نیویورک، گالری لوتوس نیویورک، فرانکلین فرنس نیویورک، پارت‌انستیتو بروکلین، دوسالانه و نیز نمایشگاه گروهی نیویورک اشاره کرد.



بانی، بهنام (۱۳۶۶ خ)، از پدر و مادری اهل غرق‌آباد (ساوه) در تهران زاده شد و فعالیت هنری خود در زمینه موسیقی را از سال ۱۳۹۲ آغاز کرد. او از دوران کودکی علاقه بسیاری به هنر داشت و نزد پدرش که اهل موسیقی و نوازنده آکاردئون بود تمرین موسیقی کرد. وی سپس در دوران نوجوانی نزد استادان بزرگی چون محمد نوری، به صورت حرفه‌ای به یادگیری موسیقی پرداخت و در سن ۱۹ سالگی هم‌زمان با دوران دانشجویی، با گروه موسیقی روزان آشنا شد و با آن‌ها همکاری کرد که در این گروه مهدی یغمایی نیز حضور داشت. بهنام بانی همچنین در فیلم گشت ارشاد ۳ ایفای نقش کرده است.



بختیاری، پژمان (۱۲۷۹-۱۳۵۳ خ)، فرزند علی‌مرادخان میرپنج و بانو عالم‌تاج (ژاله)، محقق، شاعر و مترجم که سرزمین پدری‌اش «دشتک» در ۸۵ کیلومتری مرکز استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد و پدرش از سرداران دوران مشروطه بود و در دوره مظفرالدین‌شاه برای تصدی مناصب نظامی به تهران مهاجرت کرد و صاحب عنوان لشکری میرپنج (سرتیپ) شد. مادر پژمان از شاعرانی است که نسبش به خاندان میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام‌فراهانی می‌رسد. وی در دشتک به مکتب‌خانه رفت و در مدرسه فرانسوی «سن‌لویی» تهران تحصیلاتش را ادامه داد و با زبان و ادبیات فرانسه آشنا شد. پژمان ابتدا تحت سرپرستی پدرش بزرگ شد و با مرگ علی‌مرادخان، سرپرستی او بر عهده علی‌قلی‌خان و جعفرقلی‌خان درآمد تا آن‌که در ۲۷ سالگی به نزد مادرش به اراک بازگشت و تا پایان عمر ژاله با وی بود. پژمان از شاعران سنت‌گرا اما نوپرداز معاصر است و این ارادت وی به ادبیات کهن، انگیزه‌ای شد برای تصحیح دیوان حافظ، تصحیحی که به واسطه زاویه دید و حاشیه نویسی وی بر اشعار حافظ، برایش شیرینی و لطافت خاصی داشت و شاید هم از این رو تصحیح پژمان در حوزه حافظ‌پژوهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وی آثار فراوانی در نظم و نثر دارد (صدیق، ۱۳۷۲: ۸۶).



بخشنده، رضوان (۱۳۴۸ خ)، فرزند محمدحسین، متولد **اراک**، پس از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی با توجه به ذوق خدادادی در اواخر دبیرستان به هنر خوشنویسی روی آورد و از محضر استادانی چون رضوانی فرد، عبدالرضایی و غلامرضا ماهروی بهره‌مند شد و در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت گواهینامه ممتاز در خط نستعلیق و ثلث شد و دوره فوق‌ممتاز خط نسخ را هم در محضر عبدالرضایی گذراند^۱ (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۵۴).



بخشی، علی (۱۳۳۱ خ)، زاده محمودآباد (**ساوه**)، دبستان و دبیرستان را به‌عنوان شاگرد ممتاز گذراند و در سال ۱۳۵۳ در رشته زبان‌وادیات انگلیسی دانشگاه تهران پذیرفته شد. او در دوران دانشجویی کتاب‌های «دوست من نسو» و «دشمن بی‌عاطفه» را منتشر کرد. این نویسنده با معدل الف دانش‌آموخته شد و در آموزش و پرورش محلات استخدام شد و هم‌چنین در سال ۱۳۷۶ کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه اصفهان گرفته. برنده مقاله‌نویسی کشوری در دانشگاه اصفهان (۱۳۷۰)، پژوهشگر برتر استان (۱۳۷۴) و نویسنده نمونه شهرستان محلات (۱۳۹۲) از افتخارات کسی است که زندگینامه مشاهیر ادبیات جهان و ۶ جلد کتاب «جایزه صلح نوبل و برندگان نامی» را هم در کارنامه دارد (بخشی، ۱۳۹۵: ۱۰۱۷).



بدایع‌نگار، مهدی (۱۳۴۱-۱۳۲۰ خ)، فرزند سیدمصطفی (وکیل لشکر **تفرشی**) و متخلص به «مخلص»، مردی فاضل و از کارمندان وزارت خارجه و سمت نیابت وزارتخانه را دارا بود. او در سال ۱۲۶۲ به بدایع‌نگار ملقب شد. افتضاح‌الکافرین فی‌اختلافات التورات والانجیل، بدایع‌الاحکام فی‌فقه‌الاسلام، ترجمه بدایع المهدویه، ترجمه بدایع‌الاسرار، بدایع‌الانوار فی‌احوال‌سابع‌الائمه‌الاطهار و بدایع‌الحساب برخی از آثار این سیاستمدار نویسنده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۷).

بدلیسی، شرفخان (۹۱۷-۹۸۲ خ)، ملقب به شرف‌الدین، پسر شمس‌الدین، زاده کرهرود (**اراک**)، نویسنده و تاریخ‌نگار ایرانی است و کتاب او به‌نام شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان) که به زبان فارسی نوشته شده از منابع اصلی مربوط به قوم کرد به‌شمار می‌آید. دگرگونی‌های سیاسی ترکیه باعث شد تا پدر او، امیرشمس‌الدین پسر شرف‌الدین به ایران مرکزی مهاجرت کند. شرفخان در سن ۹ سالگی به دربار شاه تهماسب یکم راه یافت و به‌مدت ۲۰ سال در استان‌های ایران سمت والی داشت. در سال ۹۵۵ به مرکز فراخوانده شد و به‌همراه ۶۰۰ خانوار از ایل و خانواده خود به مأموریتی به‌سوی منطقه وان (ترکیه امروزی) فرستاده شد. خسرو پاشا، فرماندار وان، از ترس ورود فرستادگان به دربار سلطان مراد سوم گریخت. شرفخان بدین‌وسیله فرمانروایی موروثی بر بتلیس و منطقه موش را به دست آورد.

^۱. او همسر هنرمند برجسته خوشنویسی استاد محمدمهدی هدایتی بود و پیشرفت هنری‌اش را مرهون ایشان می‌داند.

بدیعی، مهین (۱۳۴۳ خ)، فرزند میرزاحسن و بانو بتول، به‌دلیل شغل پدر، تحصیلات

ابتدایی در دامغان و نیشابور و راهنمایی در مدرسه پروین اعتصامی و دبیرستان را در مدارس تربیت و تزکیه اراک گذراند و از دانشگاه پیام‌نور لیسانس ریاضی گرفت. بیش از

۳ دهه فعالیت هنری و کسب مدارج نخست، برتر و برگزیده در رشته‌های خوشنویسی،

عکاسی و فیلم‌سازی، منبت، معرق، پیکرتراشی و کنده‌کاری و قلم‌زنی روی چوب، تأسیس نخستین آموزشگاه آزاد استان، نخستین آموزشگاه صنایع چوب ویژه بانوان در کشور که به‌مرور به ۲۸ حرفه افزایش یافت و در این مسیر همراهی همسر هنرمند خود استاد امیرمنصور احمدی را هم داشت. تعاونگر برتر و کارآفرین و تأثیرگذار و نیز انتخاب به‌عنوان پیشکسوت منبت از سوی فرهنگستان هنر ایران و دانشگاه استاد فرشچیان از افتخارات بانوی هنرمندی است که عضویت هیأت مدیره اتحادیه هنرمندان و صنعتگران صنایع دستی استان، نماینده و رئیس کمیسیون بانوان و مسئولیت اجتماعی اتاق تعاون استان را هم در کارنامه دارد. آثار هنری بانو بدیعی در موزه صنایع دستی استان، اماکن متبرکه، نمایشگاه‌ها، فرهنگسراها و پارک علم و فناوری در معرض دید علاقه‌مندان است



بدیعی، رضا (۱۳۰۹-۱۳۹۰ خ)، زاده اراک و دانش‌آموخته دانشکده هنرهای دراماتیک

تهران که بعدها نشان طلای افتخار را برای ساخت یک فیلم مستند از دست محمدرضا شاه

پهلوی گرفت. پیش از مهاجرت به آمریکا، در ایران ۱۰ مستند ساخت که از میان آن‌ها

«سیل در خوزستان» از سوی صلیب سرخ برای نمایش جهانی برگزیده شد. در سال ۱۹۵۵م

به‌دعوت آمریکا به آنجا مهاجرت کرد و از اوایل دهه ۶۰ میلادی به کارگردانی فیلم‌های تلویزیونی پرداخت و در طول ۶ دهه، بیش از ۴۳۰ فیلم تلویزیونی و چندین فیلم سینمایی ساخت. این سینماگر سازنده مرد شش‌میلیون‌دلاری، به «پدرخوانده تلویزیون آمریکا» مشهور است و توانسته جایزه یک عمر فعالیت هنری اتحادیه کارگردانان سینمای آمریکا را برای کارگردانی بیشترین تعداد سریال‌های ۱ ساعته تلویزیونی را به‌دست آورد.



برادری، روح‌اله (۱۳۳۴ خ)، از خانواده‌ای اهل سنجان (اراک)، در تهران زاده شد و

فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۵۴ با گروه تئاتر اندیشه آغاز کرد و نخستین فعالیت

سینمایی خود را در سال ۱۳۶۰ با فیلم «پرچمدار» به کارگردانی «شهریار بحرانی» به

عنوان تهیه‌کننده، مدیر تولید و بازیگر تجربه کرد. این دارنده مدرک درجه ۲ هنری از آن

سال‌ها در سینمای حرفه‌ای و سینمای دفاع مقدس به‌عنوان مدیر تولید و تهیه‌کننده، آثاری به یادماندنی مانند حمله به ۳ و سجاده آتش دارد و همین‌طور مجری طرح سریال یوسف پیامبر بوده است. فیلم خواب تلخ به تهیه‌کنندگی این سینماگر، در سال ۱۳۸۳ در بخش دوهفته کارگردان‌های جشنواره فیلم کن به نمایش درآمد و علاوه بر دریافت جایزه نگاه جوان این بخش، نامزد دریافت دوربین طلایی کن هم شد.



وی هم‌اکنون در بخش خصوصی به‌عنوان تهیه‌کننده مستقل و مدیر عامل طوبی فیلم مشغول فعالیت می‌کند.^۱

براری، پیمان (۱۳۵۰ خ)، اهل اراک، دانش‌آموخته روان‌شناسی بالینی، از شش‌سالگی

نزد پدر به‌فراگیری تنبک و سنتور پرداخت و در سیزده‌سالگی، ویولن و پیانو را به‌عنوان سازهای اصلی خود انتخاب کرد. از کارهای این هنرمند موسیقی می‌توان به‌تألیف کتاب ۴ جلدی چهل سال پاپ، کتاب پژواک، ترجمه و تنظیم دایره آکوردهای نیک مانالوف، ویرایش کتاب‌های آموزش گیتار نیک مانالوف، آموزش ویولن، آموزش ترومپت، آموزش درامز و آموزش ساکسیفون اشاره کرد. هم‌چنین آهنگ‌سازی و تنظیم آلبوم غم وحشی (گزارش)، آلبوم مهربانو، آلبوم شهر رؤیا با همکاری ارکستر سمفونیک تهران و... از آثار اوست.



برجی، ابراهیم (۱۳۰۱-۱۳۶۵ خ)، فرزند الهیار و برادر مرشد اسماعیل اهل اراک، که در استخدام راه‌آهن بود و مدتی در زورخانه گردان نیرومند و پس از آن در زورخانه آقامحمود ناظمی، مرشدی می‌کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۰۵).

برجی، اسماعیل (۱۲۹۷-۱۳۳۸ خ)، فرزند الهیار، دوره دیده زورخانه‌های تهران بود و سپس به شهر خود اراک بازگشت و در زورخانه گردان نیرومند به سرپرستی سیدمحمدعلی هزاوه‌ای ضرب می‌گرفت و مرشد بسیار معروفی بود که صدای خوش و پنجه‌ای نیکو داشت (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۰۵).

برجی، داود (۱۳۴۷ خ)، فرزند حسن و بانو همد، متولد اراک، از کودکی به‌واسطه داشتن

مادری هنرمند و قالی‌باف، به‌این هنر علاقه‌مند شد و از سال ۱۳۶۸، نزد استاد رضایی معروف به (آقا مراد) در رشته طراحی و نقاشی شاگردی کرد و سپس مدتی محضر استاد ابراهیمی نقاش را درک کرد و امروز یکی از استادان برجسته نقشه‌کار قالی است که علاوه بر فعالیت حرفه‌ای، آموزش هنرجویان را هم در دستور کار دارد. او با اینکه هنرمندان بسیاری را پرورش داده، ولی هم‌چنان معتقد است: کمتر آموزش می‌دهم و بیشتر می‌آموزم، هنر عشق است و هنرمند عاشق، درجه و اندازه آن به خود هنرمند بستگی دارد.



برزآبادی‌فراهانی، ابراهیم (۱۳۲۰ خ)، اهل روستای برزآباد (فراهان)، تحصیلات

ابتدایی را در دبستان صائب برزآباد و بیهقی شاه‌آباد فراهان گذراند و از دبیرستان محمدعلی فروغی تهران دیپلم گرفت. او سپس در رشته فیزیک و در دانشگاه تهران ارشد خواند و در سال ۱۳۴۶ در دانشگاه تازه تأسیس شریف به‌عنوان دستیار مشغول شد. او یک‌سال بعد با استفاده از یک بورس تحصیلی به ایتالیا رفت و از دانشگاه پادوا دکترای فیزیک با گرایش هسته‌ای دریافت



^۱. نشان درجه دو هنری معادل کارشناسی‌ارشد است

کرد و به عضویت هیأت علمی دانشگاه اصفهان درآمد. دکتر برزآبادی در سال ۱۳۵۳ عازم انگلستان شد و در دانشگاه ساوتهمپتون دکترای الکترونیک گرفت و در سال ۱۳۸۵ از دانشگاه اصفهان بازنشست شد. این استاد برجسته دانشگاه علاوه بر تحقیقات گسترده و بیش از بیست مقاله علمی، پنج عنوان کتاب تألیف و ترجمه‌ای در زمینه برق و فیزیک هم دارد (عزیزآبادی، ۱۴۰۲: ۲۹).

برزآبادی فراهانی، ابوالحسن (قرن ۱۱)، شاعر دوره صفوی و از ادبا و فضایی قرن یازدهم، تبحر در علوم عقلی و نقلی، ریاضیات، هیأت و نجوم و نیز مدرس علوم حکمت، کلام و فنون ادبی بوده است. **برزآبادی فراهانی، جعفر** (قرن ۱۱)، پدر جلال‌الدین فراهانی و شاعر دوره صفویه بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۵۸).

برزآبادی فراهانی، سیدجلال‌الدین علی (قرن ۸)، فرزند جعفر، معروف به «جلال جعفری» شاعر منقبت‌سرای سده هفتم و هشتم هجری است. نسبت «جعفری طیار» که او در برخی جاها از آن استفاده کرده، حکایت از وابستگی او به خاندان طالبیان (جعفر طیار) دارد. این عارف دوره شاه‌عباس یکم، جواب مخزن‌الاسرار نظامی را در هزار بیت داده است. جلال علاوه بر شاعری، خوشنویسی زبردست بوده و به تحریر انواع خط تسلط داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۵۵).

برزآبادی فراهانی، مجتبی (۱۳۲۶ خ)، فرزند محمدحسین و بانو معصومه، تحصیلات

ابتدایی را تا کلاس چهارم در روستای برزآباد، کلاس پنجم را در جلال‌آباد و ششم را هم در شاه‌آباد خواند و به تهران رفت و از مدرسه علمیه تهران دیپلم گرفت. دکترای زبان‌وادیات فارسی دانشگاه تهران، پژوهشگری برجسته و نویسنده بیش از ۸۰ عنوان کتاب از یک تا هفت جلدی و دارای اجازه روایت از آیات سبحانی، صناعی و موسوی اردبیلی است و برخی از آثار او عبارتند از: یلدا و شب‌چله از آغاز تا امروز، زندگی و افکار امیرکبیر، جشن‌های تیرگان، آب‌پاشان اول تابستان از آغاز تا امروز، چهارشنبه‌سوری از آغاز تا امروز، دایره‌المعارف اصناف ایران: آموزش اصناف و دانستی‌های لازم افراد صنفی بر اساس: دستورالعمل چگونگی برگزاری دوره‌های آموزشی احکام...، تصحیح دیوان ابوتراب‌بیگ فرقتی‌انجدانی فراهانی شاعر بزرگ قرن یازدهم و... دکتر برزآبادی هم اکنون دانش‌نامه استان مرکزی را در دست تدوین دارد که به‌نظر می‌رسد حداقل به دوازده جلد برسد.^۱

برندگان، کیومرث (۱۳۲۷-۱۳۹۲ خ)، فرزند نقی، از سال ۱۳۴۸ و در ابتدای راه‌اندازی

شرکت ماشین‌سازی اراک، با کارشناسان روسی همکاری داشت. این کارآفرین برجسته سپس در سال ۱۳۶۸ با همکاری آقایان منصور عصار و اسداله میرزایی، شرکت صنایع



^۱. نگارنده ارتباط نزدیکی با ایشان دارد و در مورد نوشته‌هایم به‌طور پیوسته با این دایره‌المعارف زنده ایران مشورت می‌کنم.

جوش‌وبرش کارا را تأسیس کرد. این شرکت با بیش از سه دهه سابقه در زمینه جوش‌وبرش در امر طراحی، تولید و ساخت متنوع‌ترین ماشین‌آلات جوش‌وبرش و تجهیزات کارگاهی وابسته به آن، بازار خوبی را در اختیار دارد و با داشتن گواهینامه‌های بین‌المللی و رعایت استانداردهای جهانی و اشتغال بیش از ۳۰۰ نفر پرسنل از جمله مهندسين مجرب و دارا بودن واحد تحقیق و توسعه، کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های مجهز تولید و کنترل تولید و بالغ بر سه هکتار فضای زمین، حدود ۱۱۰۰۰ مترمربع سالن سرپوشیده و ۱۵ خط تولید، به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده دستگاه‌های جوشکاری، برشکاری و اتوماسیون جوشکاری در ایران و خاورمیانه مطرح است.

برون، ملیکا (۱۳۷۶ خ)، قهرمان و عضو تیم ملی کانوپولو و فوق‌دیپلم گرافیک و لیسانس تربیت بدنی از دانشگاه **اراک** است. او از ۱۰ سالگی کانوپولو را شروع کرد و از ۱۵ سالگی در تیم ملی حضور دارد. مادرش اهل اصفهان و پدرش خوزستانی است و در اراک سکونت دارند. او می‌گوید به‌خاطر کار پدر از شش‌ماهگی به اراک نقل مکان کرده و در این شهر بزرگ شده و با افتخار خود را اراکی می‌داند و دوست‌دار این شهر است.



بزچلویی کیمجانی، موسی (زندگی ۱۲۰۸ خ)، فرزند محمد، از شاگردان سیداسحاق دارایی‌بروجردی است که علاوه بر کسب علوم دینی، نگارش نسخه‌ای از کتاب «قاطع‌المرا فی تحقیق مجردالادعا» تألیف میرزاحمد بن علی را به‌عنوان خوشنویس و به دستور استادش عهده‌دار بوده و پایان کتابت را آذرماه ۱۲۰۸ اعلام کرده و احتمالاً پدر شهاب‌الدین محمد بن موسی کیمجانی است.

بزرگمهر، منوچهر (۱۲۸۹-۱۳۶۵ خ)، فرزند دکتر یوسف‌خان **تفرشی** (علیم‌السلطنه)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه آمریکایی تهران گذراند و ادبیات فارسی و عربی را فرا گرفت و دو سال در مدرسه حقوق به‌تحصیل پرداخت و از دانشگاه بیرمنگام انگلستان لیسانس حقوق گرفت. او پس از بازگشت به ایران، ابتدا در وزارت معارف مشغول بکار شد و مدتی در وزارت امور خارجه، شرکت بیمه، شرکت راه‌آهن و نیز شرکت نفت آبادان و تهران خدمت کرد. مشاور حقوقی شرکت نفت و رئیس اداره حقوقی کنسرسیوم نفت ایران‌وانگلیس، سال‌ها در دانشگاه‌های تهران به‌تدریس متون فلسفی به‌زبان انگلیسی و منطق جدید و فلسفه تحلیلی پرداخت. این دانشمند فیلسوف از پیشروان نهضت ترجمه متون فلسفی و بنیانگذار و پرچم‌دار فلسفه تحلیلی در ایران بود و در زمره نخستین کسانی است که تازه‌های اندیشه فلسفی غرب را به ایرانیان شناساند. مرتضی مطهری جلسات هفتگی درس فلسفه تطبیقی را در خانه وی دایر کرد. مهم‌ترین آثار این نویسنده عبارتند از: فلسفه نظری، تاریخ فلسفه، مسائل و نظریات فلسفه، فلسفه تحلیلی منطقی، زبان حقیقت و منطق فلاسفه تجربی انگلستان، فلسفه چیست، علم ما به عالم خارج، رساله تدبیر و حکومت، سه گفت‌ووشنود، فلسفه پوپر و... (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۹).





بزرگمهر، یوسف (۱۲۵۶-۱۳۲۸ خ)، ملقب به علیم السلطنه، فرزند میرزا عبدالله معروف به میرزا بابا (حافظ الصحه) تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه و نزد پدر در **تفرش** گذراند و پس از آن در مدرسه دارالفنون به تحصیل طب روی آورد و در کنار تحصیل در محضر میرزا ابوالحسن خان بهرامی (طیب) کار می کرد. این طیب که در چشم پزشکی متخصص شد، دوره طب را در فرانسه تکمیل کرد و ابتدا در وزارت جنگ و سپس در وزارت دارایی و خزانه داری کل مشغول خدمت شد و در مجلس حفظ الصحه (وزارت بهداشت) استخدام و مدتی به ریاست اداره کل فنی آبله کوبی، معاون اداره کل صحنه و مدیر کل وزارت بهداشت منصوب شد. وی در تأسیس بیمارستان وزیری تهران، تأسیس بیمارستان خرمشهر و تأسیس بیمارستان های شمال کشور نقش به سزایی داشت (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۰).

بستاک، ترابعلی (درگذشته ۱۲۴۴ خ)، فرزند کربلایی حیدر، مدفون در گورستان روستای رباط ارجمند **خمین** که نقوش سنگ قبر ایشان نشان می دهد که او یک نظامی و از جنگاوران و سرداران دوران خود بوده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۶۶).



بسحاق، امیر حسین (۱۳۰۲-۱۳۹۹ خ)، فرزند غلامشاه، متولد روستای باوکی الیگودرز، از ۴ سالگی به مکتب رفت و در سال ۱۳۱۲ در دبستان مجیدی **اراک** ثبت نام کرد. او در سال ۱۳۱۴ (سال ششم دبستان) به قریحه شعری خود پی برد و پس از سرودن نخستین شعرها، مورد تشویق زنده یاد امیری، مدیر دبستان و آموزگارش دکتر خزائی قرار گرفت. بسحاق پس از دریافت گواهینامه دوره دبستان به الیگودرز بازگشت و پس از دوسال ترک تحصیل، در سال ۱۳۱۷ در دبیرستان سه کلاسه ی الیگودرز نام نویسی و در سال ۱۳۲۰ این دوره را به پایان برد. این شاعر خوش قریحه در سال ۱۳۲۳ به اراک بازگشت و چندین ماه در راهروهای دبیرستان پهلوی قدم زد تا در اتفاقی خوش آیند و به پیشنهاد دبیر وقت ورزش، ابوالقاسم کاشانی، نقش خیام را در نمایش او ایفا کرد و بدین ترتیب به محیط درسی بازگشت. او از سال ۱۳۵۹ اوقات خود را صرف فعالیت های اجتماعی و فرهنگی کرد و اجرای برنامه های انجمن قائم مقام را عهده دار بود (مجدی، ۱۳۸۴: ۵۱).



بشیری، سید مصطفی (۱۳۱۶ خ)، فرزند سیدعلی و بانو زهرا، تحصیلاتش را **ساوه** گذراند و پس از دریافت دیپلم در سال ۱۳۳۳ در اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) به عنوان معلم استخدام و هنگام بازنشستگی در شهریور ۱۳۷۳ چنین سرود: دیروز در این ره چو نهادیم قدم/ خوردیم چهل سال در این بادیه غم/ آنان که ز ما نوشتن آموخته اند/ امروز به نام ما کشیدند قلم. این شاعر خوش قریحه بعد از بازنشستگی به مدت ۱۵ سال هم در بخش اداری و فرهنگی

دانشگاه آزاد ساوه خدمت کرد و اکنون همچنان به سرودن مشغول است و اشعار او در دو مجلد به نام (شب آویز) منتشر شده است.

بشیری، سیدمظفر (۱۳۱۹-۱۳۹۵ خ)، اهل ساوه، آشنا با موسیقی، نوازنده ویولن، نوازنده ارکستر گلها و همکار خوانندگان مشهوری چون گلپا، خوانساری و زندوکیلی و... است.

بشیری ساوجی، محمدرضا (۱۳۳۸ خ)، فرزند اکبر، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و

دبیرستان را در ساوه و تحصیلات دانشگاهی را در تهران گذراند. او همچنین در محضر آیت‌الله شریعتمدار شاگردی کرده و سروده‌هایش جنبه ابتکاری دارد. وی که یک معلم بازنشسته ادبیات است، دستی هم در ورزش باستانی داشته و روحیه جوانمردی دارد. از طرفی یک شاعر ادبی و توانا در زمینه اشعار محلی ساوه است و «شعر دادجن» (برادر جان) سروده محلی اوست که مورد استقبال ساوجی‌ها واقع شده و دهن به دهن می‌چرخد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۵۴).



بصیرت‌نژاد، علی (۱۳۲۹ خ)، فرزند آقامعلی و بانو کوکب، زاده روستای ارکوبین (اراک)،

از سال ۱۳۴۳ نزد استادانی چون اسداله و غلام قزوینی، عباس‌یکه، شهوندی و اکبر ترکه هنر گچ‌بری سنتی را آموخت و به علت نبوغ زیاد در زمینه گچ‌بری گل‌وبوته به استادی زبردست تبدیل شد. از نمونه آثار وی می‌توان به گچ‌بری و مرمت منازل شخصی و ابنیه تاریخی مانند کاخ‌موزه گلستان، ملت، سعدآباد، نیاوران، صاحب‌قرانیه، مرکز اسلامی هامبورگ، گچ‌بری آیات قرآنی در حسینیه نسا عرب‌ها، گچ‌بری آیات قرآنی و مقرنس کاری حسینیه عراقی‌های مقیم ایران، گچ‌بری ساختمان وزارت راه سوریه، مرمت کاخ برجومی گرجستان، موزه پرفسور حسابی و خانه محمود وزیری اشاره کرد. برگزاری دوره‌های آموزش گچ‌بری سنتی بخش دیگری از کارنامه این هنرمند برجسته است.



بطحایی، سیداحمد (۱۳۴۹-۱۳۱۰ خ)، فرزند سیدمصطفی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش اراک و دوره دانشسرای عالی را در تهران گذراند. او ابتدا به تدریس روی آورد و سپس نویسندگی و ترجمه پیشه کرد. ایشان همچنین مدتی سردبیر مجله پیک معلم و بعد پیک نوجوانان و همچنین عضو هیأت تحریریه دایره‌المعارف فارسی بود. نخستین روزهای جهان، نخستین مردمان جهان، سیاه مبارز و درس‌های تاریخ نوشته ویل دورانت ترجمه این مترجم اراکی است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۷).

بغدادی ساوجی، محمد (قرن...)، فرزند عبدالله، از رجال و محدثین اهل ساوه بوده و در پند و اندرز و جوانمردی مقاماتی داشته و به اشعار و امثال و حکایات وارد بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۲۲).

بقایی آشتیانی، محمدباقر (زندگی ۱۰۵۸ خ)، فرزند عبدالهادی، از دانشوران و هنرمندان خوشنویس دوره صفوی است که وجیزه علامه مجلسی را در سال ۱۰۵۸ به خط نسخ نگاشته است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۰۹). **بقایی تفرشی، میرابوالبقا** (۹۵۰ خ)، از علما و شعرای سده دهم هجری تفرش و کسی است که تذکره

ابوالبقا را تألیف کرده و از شاعران دوره شاه‌عباس صفوی است. به گفته صادقی کتابدار «مردی است خوش رفتار و شوخ طبع و در معاشرت با مردم نفاق و دورویی ندارد» (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۸).

بلور، تقی (۱۲۴۰-۱۳۲۶ خ)، فرزند میرزا حسین و بانو زهرا، اهل **تفرش**، ملقب به



ضیاء‌الشکر و مستشار اعظم و معروف به حکیم سوری، فردی دانشمند و فاضل، منشی قابل و شاعری توانا که با دو تخلص «دانش» و «ضیاء» بیش از ۱۰۰ هزار بیت شعر سروده است. این هنرمند خوشنویس آثار هنری و کتاب‌های بسیاری را جمع‌آوری کرد. ایشان ابتدا مستوفی اول و منشی دبیرخانه در دستگاه میرزایوسف (مستوفی‌الممالک)، ظل‌السلطان، میرزا علی‌اصغرخان (امین‌السلطان) و ابوالقاسم‌خان ناصرالملک نایب‌السلطنه بود که پس از فوت عمویش لقب ضیاء‌الشکر به وی رسید. او علاوه بر ادبیات، معلومات وسیعی در دقایق موسیقی داشت و از همین جهت تصانیف فراوانی از وی به یادگار مانده است. وی مدتی نایب‌الحکومه رشت بود و سپس به‌عنوان رئیس کابینه و نیز رییس عدلیه، بلدیّه و همچنین اوقاف ایالت فارس منصوب شد. به‌فرمان مظفرالدین‌شاه، متن قانون اساسی مشروطیت توسط ایشان کتابت شد و در زمان احمدشاه و نیز پهلوی اول، به‌پاس فعالیت‌های فرهنگی و علمی، نشان درجه یک دریافت کرد. دیوان هزار غزل و قصاید و مقطعات، دیوان حکیم سوری (سه جلد)، بحر محیط (دوازده جلد)، تذکره نون‌والقلم (سه جلد)، مثنوی اکسیر اعظم (چهار جلد)، نوشین‌روان، بیان حقیقت تذکره آش کشکیان و نیز تذکره صدراعظمی، برخی از آثار اوست^۱ (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۲).

بلور، حبیب‌اله (۱۲۹۲-۱۳۶۱ خ)، فرزند مرشد رحیم نقال **تفرشی** (نوه میرزا حسین



وزیرتفرشی)، کشتی‌گیر، مربی کشتی، مدیر ورزشی، رئیس فدراسیون کشتی، شاعر، نویسنده، هنرمند و بازیگر سینما که بیشتر به‌عنوان پدر و بنیان‌گذار کشتی نوین ایران مشهور است^۲. کسب نخستین عنوان قهرمانی تیم ملی کشتی جهان در سال ۱۹۶۱م یوکوهامای ژاپن و نیز ریاست فدراسیون کشتی کشور از افتخارات اوست. وی پس از کناره‌گیری از کشتی به‌درخواست محمدعلی فردین به سینما روی آورد و در ۲۲ فیلم سینمایی بازی کرد. او همچنین در وادی شعر و ادب نیز دستی داشت و مقالاتی در مجلات مختلف از جمله نیرو و راستی در رابطه با ورزش و نقش آن در جامعه منتشر می‌کرد. او در مقام نویسنده و شاعر بیش از ۱۰۰ داستان از سرگذشت پهلوانان و قهرمانان ورزشی نوشت، خاطرات خود را هم از ۲۸ آذر ۱۳۳۲ به بعد مکتوب کرد و دیوان اشعارش را نیز با تخلص «بلور» گردآوری کرد. کتاب «بند و فن در کشتی» هم نوشته اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۱).

^۱. سبب شهرت او به حکیم سوری، اشعاری است که درباره غذاها و نوشیدنی‌ها سروده است.

^۲. غلامرضا تختی، محمدعلی فردین و امامعلی حبیبی از مشهورترین شاگردان اوست.

بلوکی فر، عباس (۱۳۰۳ - ۱۳۷۹ خ)، فرزند رضاعلی متولد **تفرش**، خوش‌دست‌ترین

نقاش قهوه‌خانه‌ای کشور بود که از هشت‌سالگی نزد استاد «حسین قولر» آموزش دید و پس از ده سال به‌طور مستقل به نقاشی پرداخت. او در کار لندنی‌سازی تزیینات ساختمان هم پرمایه بود. آثار او در موزه‌های مختلف کشور از جمله تابلوی معروف کشته‌شدن سهراب به دست رستم و جنگ تاریخی خیبر در مجموعه فرهنگی سعدآباد نگهداری می‌شود (حیدری، ۱۳۹۹: ۵۲).



بنایی، اکرم (زندگی ۱۳۹۸ خ)، زاده **اراک**، معروف به اکی، بازیگر تئاتر و سینما و خواننده دانش‌آموخته دکتری کنسرواتواری موسیقی از دانشگاه کالیفرنیا است. وی که خواهر پوری بنایی و از شاگردان قمرالملوک وزیری است، هم‌اکنون در آمریکا زندگی می‌کند. او آهنگ‌های محلی بسیاری خوانده که از آن میان می‌توان به ترانه رشیدخان اشاره کرد.



بنایی، صدیقه (۱۳۱۹ خ)، زاده **اراک** و معروف به پوری بنایی در ۱۳ سالگی به هنرستان

خیاطی رفت و به‌دلیل علاقه به موسیقی، چندسالی سنتور تمرین کرد و سپس به باله علاقه‌مند شد و نزد لازاریان تمرین باله کرد. پوری، فعالیت سینمایی‌اش را در سال ۱۳۴۳



با بازی در فیلم «عروس فرنگی» به کارگردانی نصرت‌اله وحدت آغاز کرد. این سینماگر

نیکوکار از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۵۷ حدود ۸۵ فیلم بازی کرد که برخی از آنها مشترک ایران و آمریکا، فرانسه، ترکیه و ژاپن بود و پس از انقلاب چندبار به خارج از کشور رفت و به‌رغم پیشنهادهایی که برای بازیگری داشت ولی نپذیرفت و به ایران بازگشت و حاضر به اقامت در خارج از کشور نشد. از بازی‌های خاطره‌انگیز این سینماگر مشهور می‌توان به نقش «اعظم» در دو فیلم «قیصر» و «کوچه مردها» اشاره کرد^۱

بنی‌کعب، فاطمه (۱۳۳۶ خ)، فرزند حمید و بانو عذرا در **خرمشهر** متولد شد و تحصیلات

مقدماتی را در دبستان حافظ و دبیرستان پروین اعتصامی گذراند. او در سال ۱۳۵۵ ازدواج

کرد و در **اراک** ساکن شد و در سال ۱۳۵۷ در استانداری مرکزی استخدام شد. این بانوی



نیکوکار و فعال اجتماعی پس از بازنشستگی، شش سال ساکن منطقه آزاد چابهار بود و در

آن مدت توانست دوره کارشناسی و کارشناسی‌ارشد را در دانشگاه بین‌المللی این شهر طی کند. وی مؤسسه مائده برای دختران را با هدف رسیدگی به امور زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست تأسیس کرد و مجدداً در سال ۱۳۸۶ به اراک بازگشت و در اینجا به فعالیت خود در زمینه رسیدگی به امور سالمندان ادامه داد. این نویسنده کتاب «آموزش سلامت سالمند» هم‌چنان در مجموعه خیرین سلامت استان یکی از اعضای فعال به‌شمار می‌رود.

۱. مسوول انجمن خیریه زینب کبری تهران است.

بهادرالملک، سیدمحمدحسین (زندگی ۱۲۸۵ خ)، از مالکین کمره (خمین) و محلات بود و در زمان مشروطیت و به‌توپ بستن مجلس در دوره محمدعلی شاه قاجار، به‌عنوان یک کنشگرسیاسی، با مجاهدین بختیاری در دفاع از مشروطیت همکاری داشت. بهادرالملک و امیرمفخم بختیار دوستی دیرینه‌ای داشته‌اند (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۶۶).

بهادری، علی‌اکبر (۱۳۰۰ - ۱۳۵۸ خ)، فرزند عیسی‌خان، اهل آقچه‌کهریز (کمیجان)، دبستان و دبیرستان را در تهران گذراند و سپس وارد دانشکده افسری شد و هم‌زمان دوره دانشکده پزشکی را به‌پایان رساند. او ابتدا کلینیک بهادری (بیمارستان مردم در خیابان پیروزی تهران) را تأسیس کرد و سپس با همکاری گروه پزشکی برزویه، بیمارستان قدس اراک را بنیاد نهاد و پزشکان متخصص خوبی را از تهران و دیگر شهرهای مهم جذب این بیمارستان کرد. بهادری در سال ۱۳۵۴ از طرف مردم اراک به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و چندی پس از انقلاب ۱۳۵۷ روانه زندان شد و تلاش اطرافیان و افراد معتمد از جمله بتول بیات، همسر تیمسار ناصر مجللی رئیس کل شهربانی وقت، برای شفاعت و بیان خدمات بهادری مؤثر واقع نشد و او در اردیبهشت ۱۳۵۸ اعدام شد.

بهادری، عیسی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ خ)، فرزند موسی‌خان، زاده روستای آقچه‌کهریز (کمیجان)، پس از تحصیلات مقدماتی و آشنایی با طراحی فرش مدتی در آقچه‌کهریز



بکار طراحی نقشه فرش اشتغال داشت، سپس برای ادامه تحصیل به تهران رفت. او در مدرسه کمال الملک، اصول نقاشی و طراحی را نزد اسماعیل آشتیانی آموخت. این هنرمند برجسته ملی، در سال ۱۳۱۵ سرپرستی هنرستان نوبنیاد هنرهای زیبای اصفهان را پذیرفت و بیش از ۳۰ سال ریاست آن را به‌عهده داشت و شاگردان بسیاری تربیت کرد که از برجسته‌ترین آنها عباسعلی پورصفاء، جواد رستم شیرازی، محمود فرشچیان و امیرهوشنگ جزی‌زاده را می‌توان نام برد. بهادری هنرمندی آشنا به مبانی هنر ایران و جهان بود که با ترکیب عناصر اسلیمی، ختایی و... نقش‌هایی بدیع و تازه با مضامین عرفانی، فلسفی و اسطوره‌ای ابداع کرد که در تاریخ هنر طراحی فرش بی‌سابقه بود. او برای نخستین بار در سال ۱۳۳۸ در اصفهان پرتربه‌بافی به‌شیوه نقاشی را اجرا کرد. عیسی‌خان یکی از بزرگترین احیاکنندگان هنرهای سنتی ایران به‌شمار می‌رود و از نظر خلاقیت و نوآوری در طراحی فرش، سرآمد طراحان معاصر است. او موفق به دریافت نشان متعدد از جمله مدال هنر از نمایشگاه کالای ایران، نشان سپاس، نشان علمی و نشان هنر از وزارت معارف، دیپلم دنور و مدال طلا از نمایشگاه جهانی بروکسل و نیز نشان علم‌وهنر از طرف دولت فرانسه شد (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۳).

بهادری بزلجویی، افسر (۱۳۲۵ خ)، فرزند ولی‌اله و بانو زهرا، اهل **کمبجان**، تحصیلات

ابتدایی را در دبستان منوچهری و متوسطه را در دبیرستان پروین اعتصامی اراک گذراند و در سال ۱۳۴۴ با رتبه ممتاز دیپلم گرفت. او سپس در دانشکده کشاورزی کرج پذیرفته و در سال ۱۳۴۸ در رشته مهندسی کشاورزی دانش‌آموخته شد و به‌استخدام رسمی وزارت کشاورزی درآمد. ایشان به‌عنوان نخستین بانوی مهندس کشاورزی استان و با سمت کارشناس مسوول حفظ نباتات، سرپرست اداره حفظ نباتات و چهار سال هم با سمت معاون اداره کشاورزی اراک مشغول بکار بود. مهندس بهادری هم‌چنین ضمن اجرای بیش از ده طرح مطالعاتی و پژوهشی و ارائه چندین مقاله علمی، تعداد سه عنوان کتاب در زمینه کشاورزی هم تألیف و ترجمه کرده است (ذبیحی، ۱۳۸۵: ۳۲۱).



بهرام، محمدابراهیم (قرن ۱۳)، اهل ساوه، از دانشمندان سده سیزدهم، کتابی به‌نام اصول دین و عبادات در چند باب به‌درخواست عبداله‌خان خلیج نگاشته و نیز کتاب منهج‌المهمات را تألیف کرده است.

بهرامی، ابوالحسن (۱۲۲۴-۱۲۸۳ خ)، فرزند میرزا عبدالوهاب، تحصیلات خود را در

مکتب‌خانه ترخوران **تفرش** گذراند و به‌تحصیل مقدمات عربی، نجوم، هیأت و طب پرداخت. او در ۱۸ سالگی جهت ادامه تحصیل به‌تهران رفت و در زمره دانشجویان طب مدرسه دارالفنون درآمد و در ۲۹ سالگی به‌عنوان نخستین دانش‌آموخته طب دارالفنون نشان طلا گرفت. دکتر بهرامی برای مدتی جهت طبابت و جراحی به عراق عجم (اراک) آمد و پس از مراجعت به‌عنوان معلم طب مدرسه دارالفنون منصوب شد و هم‌زمان در کشیک‌خانه، طبیب گارد مخصوص شد. او که در مهار بیماری طاعون در رشت نقش‌آفرین بود، رساله‌ای در خصوص طاعون نوشت و به مجلس حفظ‌الصحه مرکزی ارائه داد که از آن تاریخ به‌عضویت آن مجلس درآمد و لقب خانی دریافت کرد. او هم‌چنین با مساعدت فخرالدوله (وزیر علوم) جهت آشنایی بیشتر با علم تشریح و اعمال جراحی به فرانسه اعزام شد و پس از تهیه اسباب و کتب لازم و کسب تجربیات و آموزه‌های نوین، به‌ایران بازگشت و ضمن تدریس، به‌ریاست مریض‌خانه دولتی منصوب و رتبه سرپرستی نخست را دریافت کرد^۱. تشریح فیزیولوژی، تراپوتیک پاتولوژی جراحی، مسائل عمده حفظ‌الصحه، مطلع‌الطب ناصری و نیز کحالی، برخی از مهمترین آثار تألیفی ایشان است (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۱).



^۱. دکتر علیرضا (مذهب السلطنه)، دکتر ابوالقاسم بهرامی (پدر علم میکروب‌شناسی ایران) و دکتر مهدی بهرامی (استاد باستان‌شناسی ایران) فرزندان اوست.

بهرامی، ابوالقاسم (۱۲۷۲-۱۳۲۹ خ)، فرزند دکتر ابوالحسن خان بهرامی **تفرشی**^۱ پس

از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در دارالفنون پزشکی خواند و در همین مدرسه و نیز دارالمعلمین مشغول تدریس شد. دکتر بهرامی در سال ۱۳۰۰ به کفالت مؤسسه انستیتو پاستور و نیز ریاست بنگاه دفع آفات نباتی و حیوانی و قرنطینه منطقه برگزیده شد. ایشان

همچنین در سال ۱۳۱۸ به ریاست کل صحنه وزارت بهداشت انتخاب شد. **پدر** علم میکروب شناسی ایران، پس از بازگشت به انستیتو پاستور به عنوان **نخستین** رئیس این مؤسسه، فعالیت‌های تحقیقاتی و علمی خود را در زمینه باکتری‌شناسی و میکروب‌شناسی ادامه داد (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۵).



بهرامی، احمد (۱۲۱۴-۱۲۸۳ خ)، ملقب به عمادالممالک، فرزند میرزا عبدالوهاب و بانو

فاطمه، در ۲۶ سالگی از **تفرش** به تهران رفت و به عنوان نخستین نفر از خاندان بهرامی به دستگاه دولتی راه یافت و در دستگاه محمدرحیم خان علالدوله به شغل استیفا و

نویسندگی مشغول شد و مدتی هم به عنوان معاون علالدوله^۲، وزیر زنجان، خوزستان و

عراق عجم انجام وظیفه کرد. وی که شخص نیکوکاری بود همه امور دستگاه محمدرحیم خان علالدوله را انجام می‌داد. میرزا محمودخان احتشام السلطنه پسر علالدوله نیز لقب عمادالممالکی را به او داد که پس از فوت، پسر بزرگش میرزا اسماعیل خان بهرامی لقب پدر را دریافت کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۹).



بهرامی، احمد (۱۳۴۰ خ)، فرزند محمداسماعیل و بانو قمرسلطان، در روستای قلعه‌تین

نوبران **(ساوه)** زاده شد. او تحصیلات مقدماتی را در دبستان قلعه‌تین و راهنمایی را هم در

نوبران ساوه گذراند و از دبیرستان دکتر هشتروندی تهران دیپلم گرفت. وی سپس به آلمان

رفت و دوره کالج را در دانشگاه هامبورگ و دوره کارشناسی، ارشد و دکتری را هم در

دانشگاه کایزرزلوترن (Kaiserslautern) گذراند و از سال ۱۳۸۶ در شرکت داروسازی مشغول بکار شد.

دکتر بهرامی هم‌اکنون یکی از مدیران برجسته‌ی بی‌هرینگا اینگلهایم (Behrina-Ingelheim) دومین شرکت بزرگ داروسازی آلمان به خدمت مشغول است.



بهرامی، اسماعیل (۱۲۴۶-۱۳۲۶ خ)، فرزند میرزا احمد مستوفی **تفرشی**

(عمادالممالک)، پس از فوت پدر ملقب به عمادالممالک (ثانی) شد و مدتی به عنوان منشی

محمودخان احتشام السلطنه برادر علالدوله در زنجان و سپس به عنوان معاون حبیب‌اله

موقر السلطنه (حاکم ساوه)، مدتی پیشکار نصرالدوله فرمانفرما (والی کرمان) و مدتی هم

مشاور حسین پاشاخان امیربهادر و سر رشته‌دار کشیک‌خانه بود. این سیاستمدار نیکوکار که فردی متدین،



^۱. نخستین دانش‌آموخته طب دارالفنون

^۲. در آن زمان با عنوان وزیر خوانده می‌شد و وظیفه وزیر رسیدگی به کل امور حوزه حکومتی بوده است.

معتمد و دارای خط نیکویی بود، خانه تاریخی پدرش عمادالممالک در محله ترخوران تفرش را به آموزش و پرورش هدیه داد و امروز به عنوان مدرسه اسماعیل بهرامی شناخته می شود (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۶).

بهرامی، تقی (۱۲۷۷-۱۳۵۰ خ)، فرزند دکتر علیرضاخان **تفرشی** (مذهب السلطنه) و بانو



عذرا، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه، جهت ادامه تحصیل به دانشگاه فردریش ویلهلم آلمان رفت و به عنوان نخستین ایرانی، دکترای کشاورزی گرفت. وی در بازگشت به کشور، مدتی ریاست اداره خالصجات تهران و سپس ریاست مؤسسات فلاحتی اداره کل فلاحت و اداره جنگل ها را عهده دار شد و پس از آن به عنوان رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران انتخاب شد. ایشان از نخستین استادان مدرسه عالی فلاحت (دانشکده کشاورزی) بود و مجله فلاحت را منتشر کرد و پس از آن به انتشار مجله آب و خاک پرداخت و نخستین کتاب فلاحت در ایران را به چاپ رساند و نخستین کسی بود که در مورد پسته کتاب نوشت. دکتر تقی بهرامی، یکی از پرکارترین محققان و نویسندگان در زمینه کشاورزی در طول تاریخ ایران است که به عنوان **پدر علم تحقیقات اصلاحی و ژنتیک جانوری و کشاورزی در ایران** شناخته شده و بیش از هفده عنوان کتاب از وی به یادگار مانده که دامپروری عمومی، تاریخ کشاورزی ایران، ارزیابی کشاورزی باغبانی و زراعت عمومی و خصوصی، جغرافیای کشاورزی، فرهنگ روستایی و دایره المعارف فلاحتی از آن جمله اند (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۵).

بهرامی، حسین (۱۲۶۵-۱۳۱۹ خ)، فرزند میرزا علی خان و بانو زهرا، پس از تحصیلات



مقدماتی در **تفرش**، به تهران رفت و دوره متوسطه و نیز دوره طب را در مدرسه دارالفنون گذراند و به عنوان طبیب اول رژیمان سوم در وزارت جنگ استخدام شد و پس از مدتی به عنوان طبیب گارد سلطنتی منصوب شد. او مدتی هم طبیب وزارت پست و تلگراف بود و لقب احیاء السلطنه گرفت. ریاست صحنه^۱ کل مملکتی، نماینده زنجان در دوره پنجم مجلس شورای ملی، نماینده خرم آباد در دوره نهم مجلس شورای ملی و رئیس تشکیلات احصاییه و سجل احوال کل مملکتی، برخی دیگر از سمت های اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۶).

بهرامی، حسین (۱۲۸۷-۱۳۶۲ خ)، فرزند عباس خان، از رجال سرشناس و نیکوکار کمره



و رئیس حزب رستاخیز **خمین** بود. احداث دو پاساژ به نام بهرامی در سال ۱۳۴۲ در خمین، ساخت حمام، تأسیس کارخانه یخ سازی و بنگاه مسافربری از یادگارهای اوست. با وقوع انقلاب ۱۳۵۷ مورد بی مهری قرار گرفت و مشکلاتی متحمل شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۷۹).

^۱. بهداشت، سلامتی

بهرامی، صادق (۱۲۸۸-۱۳۶۶ خ)، فرزند میرزا ابراهیم و نوه میرزا احمد عمادالممالک



تفرشی، پس از تکمیل تحصیلات خود در مدرسه شرف مظفری و دارالفنون، از هنرستان هنرپیشگی تهران دانش‌آموخته شد. او فعالیت هنری خود را با فیلم «شکار خانگی» در سینما آغاز کرد و فعالیت در رادیو را هم با عنوان بازیگر نمایش‌های رادیویی شروع کرد و سال‌ها، کارگردانی داستان شب رادیو ایران را عهده‌دار بود. وی در حدود سی نمایش و تئاتر بازی کرده و فیلم‌های سینمایی مستشار جزیره و شب‌های تهران را هم نویسندگی کرده است. این سینماگر هم‌چنین به‌عنوان بازیگر در آثاری مانند آغامحمدخان قاجار، همسر، مزاحم، زنبورک، اسرار گنج و... ایفای نقش کرده و در نقش کارگردان هم فیلم‌های «شباب‌جی‌خانم» و «خانم بهلول برای تو» را در کارنامه دارد (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۷).

بهرامی، عبدالله (۱۲۶۷-۱۳۴۷ خ)، اهل **تفرش**، فرزند میرزا اسماعیل و نوه میرزا احمد



عمادالممالک، تحصیلات ابتدایی را در دبستان (افتتاحیه، شرف، مطهری و تربیت) و دوره متوسطه را هم در مدارس آلیانس فرانسوی، مدرسه آلمانها و دارالفنون گذراند. او پس از تسلط بر زبان فرانسه، آلمانی و انگلیسی جهت ادامه تحصیل به اروپا رفت و از دانشگاه استراسبورگ فرانسه دکترای حقوق گرفت و خدمات اداری و تدریس را در مدرسه آلمان‌ها آغاز و هم‌زمان نویسندگی و ترجمه کتب مختلف را در دستور کار قرار داد. این سیاستمدار نویسنده و مترجم، در کسوت معاون نظمیه ایران، رئیس نظمیه گیلان و نیز آذربایجان، بنیانگذار تأمینات ایران و نخستین رئیس آن هم هست. حاکم خوی و قراچه‌داغ، مدیرکل وزارت معارف، معاون وزیر مالیه، معاون وزیر عدلیه، نماینده دائم ایران در سازمان ملل و هم‌چنین وزیرمختار ایران در بلژیک، برخی دیگر از سمت‌های اوست. «خطرات عبدالله بهرامی، «از تهران تا نیویورک»، «سرگذشت حاجی‌مراد»، «بیچارگان»، «شرح حال پیرکروپتکین» و هم‌چنین «ایران مخوف» برخی از آثار نوشتاری اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۴).

بهرامی، علی (۱۲۹۸-۱۳۸۸ خ)، فرزند فضل‌اله و نوه میرزا اسماعیل عمادالممالک



تفرشی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند. او که به‌زبان فرانسه تسلط کامل داشت، در دانشگاه گرنوبل بلژیک حقوق خواند و در وزارت عدلیه و وزارت کار مشغول به بررسی و ترجمه قوانین بین‌المللی شد و پس از مدتی در کابینه شریف‌امامی به‌عنوان وزیر کار منصوب شد. وی مدتی هم نماینده ایران در کنفرانس ژنو بود و سخنرانی‌اش در دفاع از منافع نفتی ایران در دادگاه لاهه در زمان مصدق از کارهای برجسته اوست. ایشان پس از بازگشت از ژنو به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت و پس از ۳ سال تدریس به‌عنوان سفیر ایران در چین منصوب شد و مدتی نیز رئیس کل قیمت بازاری شرکت ملی نفت ایران بود. «در جست‌وجوی انسانیت و عدالت» و هم‌چنین «گرداب تاریکی» از نوشته‌های اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۴).

بهرامی، علیرضا (۱۲۴۵-۱۳۲۰ خ)، فرزند دکتر ابوالحسن خان و بانو فاطمه، پس از

تحصیلات مقدماتی در **تفرش**، به تهران رفت و از مدرسه دارالفنون زیر نظر دکتر راتولد فرانسوی دانش آموخته شد و در دانشگاه پاریس چشم‌پزشکی خواند. وی به روانشناسی و فلسفه اشراف داشت و به زبان فرانسه و انگلیسی هم مسلط بود. ریاست بیمارستان زنان و کودکان از بدو تأسیس تا سال ۱۳۰۵ بر عهده او بود و هم‌زمان سرپرست بخش (چشم پزشکی) و نیز بخش طبی بیمارستان تهران هم بود. وی در سال ۱۳۰۸ در سمت معاون بلدیّه، به‌عنوان نخستین رئیس اداره نظیف و نظافت شهری بلدیّه منصوب شد. هم او بود که در سال ۱۳۱۴ پیشنهاد تغییر نام بلدیّه به شهرداری را ارائه کرد و اداره نظیف را نیز به اداره خدمات عمومی تغییر نام داد. کتاب مجمع‌الادویه ناصری از اوست و به‌واسطه اینکه چشم‌پزشک حاذقی بود به مذهب السلطنه ملقب شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۳).



بهرامی، فرج‌اله (۱۲۶۱-۱۳۳۰ خ)، فرزند میرزا علیخان و بانو زهرا، تحصیلات مقدماتی

را در **تفرش** و متوسطه را در مدرسه دارالفنون، آلیانس فرانسوی و مدرسه آلمان‌ها گذراند. وی سپس به‌استخدام وزارت جنگ درآمد و در زمان کودتای ۱۲۹۹، رئیس کابینه وزارت جنگ شد و سپس به‌عنوان رئیس دفتر مخصوص رضاشاه منصوب و لقب دبیراعظم گرفت. وی به ادبیات، هنر و موسیقی علاقه‌مند و نویسنده‌ای زبردست بود و به زبان عربی، فرانسه و آلمانی تسلط داشت و مجله قشون را منتشر می‌کرد و مدتی هم در روزنامه شفق با اسم مستعار «ف-برزگر» مطلب می‌نوشت. کتاب سیمای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی مشهد از تألیفات اوست و هم‌چنین دو سفرنامه خوزستان و مازندران را به نام رضاشاه^۱ نوشت. ایشان در دوران استانداری فارس، حافظیه شیراز را بازسازی کرد و در دوران استانداری خراسان هم جشن هزاره فردوسی را برگزار، آرامگاه جدید فردوسی را افتتاح و اقدامات عمرانی و فرهنگی فراوان دیگری در خراسان انجام داد. نماینده تبریز در مجلس شورای ملی، وزیر پست و تلگراف، وزیر کشور و استاندار کرمانشاه هم برخی دیگر از مسوولیت‌های او بود (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۲).



بهرامی، فضل‌اله (۱۲۷۳-۱۳۴۰ خ)، فرزند میرزا اسماعیل و نوه میرزا احمد

(عمادالممالک) اهل ترخوران **تفرش**، در مدارس شرف، تربیت، آلیانس فرانسه و مدرسه آلمان‌ها تحصیل کرد. او سپس تحصیلات خود در اروپا و در رشته حقوق ادامه داد و پس از استخدام در شهربانی به‌درجه سرهنگی نایل آمد و ضمن تجربه مناصب مختلف از جمله وزارت، استانداری و شهرداری بازنشسته شد. وی مردی جدی، پرکار و لایق بود و چند زبان خارجی می‌دانست و مدیر مسوول مجله پلیس ایران نیز بود. وزیر پست و تلگراف و تلفن کابینه سهیلی، وزیر کشور کابینه احمد قوام، استاندار (کرمان، فارس، اصفهان، خوزستان و خراسان)، شهردار تهران، رئیس اداره زندان



^۱ وی مسوولیت آموزش خواندن و نوشتن و تعلیم تاریخ و جغرافیا به رضاشاه را عهده‌دار بود و نطق‌ها و اعلامیه‌های او را می‌نوشت.

های کشور، رئیس اداره بازرسی و سیاسی شهربانی کل کشور و رییس اداره احصائیه و سجل احوال کل مملکتی برخی از سمت‌های مهم اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۸).

بهرامی، محمد (۱۳۰۵ خ)، اهل **تفرش**، در صنایع مستظرفه، نزد استادان نقاشی ملی و سنتی ایران به فراگیری این هنر پرداخت و از دانشکده هنرهای زیبا دانش آموخته شد. او دوره عکاسی را در انستیتو عکاسی نیویورک با درجه ممتاز گذراند و در سال ۱۳۲۵ نخستین آتلیه خود را به نام «آرک» از نخستین آتلیه‌های گرافیک ایران با همکاری شاگردش جواد هاتف در خیابان لاله‌زار تهران تأسیس کرد. وی هم‌چنین بنیان‌گذار نخستین گالری نقاشی ایران است.

بهرامی، محمود (۱۲۵۸-۱۳۳۳ خ)، ملقب به منشی‌باشی، فرزند میرزا احمد **تفرشی**



(عمادالممالک) و بانو ستاره، پس از پایان تحصیلات، به‌استخدام دفتر تشکیلات نظمی درآمد و سال‌ها به‌عنوان منشی رضاشاه و مدتی هم به‌عنوان معاون وزارت دادگستری خدمت کرد. وی از نیکوکاران و صاحب‌منصبان خوش‌نام بود و چون ازدواج نکرده و فرزندی نداشت، با وقف دو قطعه زمین از اراضی قاسم‌آباد (تهران نو) به‌عنوان یک نیکوکار تصمیم به‌احداث بیمارستان ویژه درمان کودکان گرفت و پس از مرگش، برادر او سرهنگ یوسف‌خان بهرامی رئیس پلیس آگاهی تهران در سال ۱۳۳۴، بیمارستان کودکان بهرامی را تکمیل و به دانشگاه تهران واگذار کرد که از آن تاریخ تاکنون این بیمارستان در تربیت پزشکان کشور و درمان کودکان، سهیم است (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۰).

بهرامی، مهدی (۱۲۸۳-۱۳۳۰ خ)، فرزند دکتر ابوالحسن خان **تفرشی**^۱، پس از پایان



تحصیلات ابتدایی، در دارالمعلمین مرکزی دانش آموخته شد و مدتی در دادگستری مشغول شد، اما به‌دلیل اشتیاق فراوان به تاریخ ایران، با بورسیه دولتی در دانشگاه پاریس به‌تحصیل باستان‌شناسی و هنر پرداخت و با عنوان نخستین ایرانی، دکتری خود را در این رشته دریافت کرد و چندی بعد برای همکاری با بخش هنر اسلامی موزه برلین به آلمان رفت. وی پس از بازگشت به ایران در دانشگاه تهران درس باستان‌شناسی و تاریخ هنر را تدریس کرد و در بخش اسلامی موزه ایران باستان استخدام شد. او که به زبان انگلیسی، آلمانی و فرانسه تسلط داشت، زبان ایران باستان را هم نزد پروفیسور هرتسفلد آلمانی فرا گرفت. وی که نماینده ایران در کنگره شرق‌شناسی استانبول بود، نمایشگاه هنر اسلامی ایران را در سرنوچی پاریس، موزه هنر متروپولیتن نیویورک و بوستون آمریکا برپا کرد. از این نخستین ایرانی دارنده مدرک باستان‌شناسی، بیش از شصت مقاله علمی در زمینه باستان‌شناسی، هنر و سفال‌گری به‌یادگار مانده است. «تاریخ صنایع ایران»، «راهنمای گنجینه قرآن» و نیز «صورت‌سازی در نقاشی قرون اخیر» برخی از آثار این نویسنده دانشگاهی است (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۸).

^۱ نخستین دانش‌آموخته طب از دارالفنون

بهرامی، منصور (۱۳۳۵ خ)، تنیس‌باز حرفه‌ای مقیم فرانسه از پدر و مادری اهل اراک

در تهران متولد شد. او از سن ۲ سالگی با توپ تنیس آشنا شد و در آغاز به دلیل نبود امکانات و راکت، با جارو و ماهی‌تابه تمرین تنیس می‌کرد و هیچ‌گاه مربی نداشته است. وی تمرینات جدی خود را در زمینه تنیس، از سن سیزده سالگی شروع کرد و در سن پانزده سالگی قهرمان جوانان ایران و به همراه محرم خدایی، قهرمان دونفره آسیا در رده جوانان شد و در سن ۱۶ سالگی به عضویت تیم ملی بزرگسالان در جام دیویس درآمد. اوج آوازه و محبوبیت این تنیسور مقیم فرانسه، از سال ۱۹۹۳م آغاز شد که انجمن تنیس حرفه‌ای، تور قهرمانان را برای بازیکنان بالای ۳۵ سال راه انداخت. بهرامی در این تور شانه‌به‌شانه نامدارانی چون ایللی ناستازی، بیورن بوری و جان مک‌انرو، سراسر جهان را در نوردید و در رقابت‌های گوناگون درخشید و در سال ۲۰۰۰ م به جایگاه نخست جهان رسید. او امروز به صورت نمایشی، تنیس‌بازی می‌کند.

بهروز ساوجی، ذبیح (۱۲۶۸-۱۳۵۰ خ)، فرزند ابوالفضل، از دانشمندان دوره ناصری است

که تحصیلات خود را در دبستان ادب و دبیرستان آمریکایی گذراند و در سال ۱۲۹۰ به قاهره رفت و پس از ده سال تحصیل در قاهره عازم انگلیس شد و در دانشگاه کمبریج به تعلیم و تعلم پرداخت. او که در آن دانشگاه معاونت پروفیسور ادوارد براون و پرفیسور نیکلسون را بر عهده داشت، در بازگشت به ایران در دارالفنون مشغول شد و تا پایان عمر کتابخانه باشگاه افسران را مدیریت کرد. این نویسنده که به عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی مسلط بود از طرف رضاشاه مأموریت یافت برای باسوادی مردم راهکاری پیدا کند، به همین دلیل مطالعه و بررسی بر روی خط و زبان را آغاز کرد که منجر به پیدایش خط کودک دبیره شد و در ادامه برای افراد ناشوا، خط خاصی ابداع کرد و بکار تقویم و تاریخ پرداخت که دو کتاب «رصد زرتشت تا خیام» و «تقویم نوروزی شهریاری» در زمینه تاریخ تقویم را منتشر کرد. ضمناً «چیچک علیشاه»، «شاه ایران و بانوی ارمن»، «در راه مهر»، «خط و فرهنگ» و «تاریخ نوروزی شهریاری»، بخشی از ده‌ها عنوان اثر نوشتاری این دانشمند شاعر است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۵۸).

بهروزوزیری ساوجی، قدسی (۱۳۲۵ خ)، فرزند ابوالحسن بهروز، خواهرزاده ذبیح بهروز، تحصیلاتش

را در دبستان ایراندخت و دبیرستان ثریای ساوه گذراند و روزبه‌روز به ادبیات علاقه بیشتر پیدا کرد و پس از دریافت دیپلم، دوره تربیت معلم را در اراک گذراند و شغل آموزگاری در پیش گرفت و پس از فراغت از تدریس به سرودن شعر نو روی آورد. این شاعر حدود ۱۳۰۰ بیت از اشعار خویش را به نام طلوع منتشر کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۷۸).

بهروزی‌نیا، حسین (۱۳۴۱ خ)، اهل تفرش، نوازنده عود و دانش‌آموخته هنرستان موسیقی و سابقه اجرا

در کشورهای اروپا و آمریکا و همچنین همکاری در تهیه آلبوم‌های: سکوت شب کویر، بوی نوروز، سفر به دیگر سو، در سرای تنهایی، خورشید و... دارد.

بهزاد، عبدالعلی (۱۳۲۹ خ)، فرزند فتح‌اله و بانو گوهر، در دزفول متولد شد و از دبیرستان

ابومسلم تهران دیپلم گرفت. او پس از دریافت مهندسی صنایع از دانشگاه شریف به **اراک**

آمد و در شرکت ماشین‌سازی استخدام شد. عضو هیأت مدیره و معاون فنی نخستین شرکت

مهندسی و طراحی صنعتی اراک (ایران طرح)، عضو هیأت مؤسس مرکز علمی کاربردی

ماشین‌سازی اراک، بنیان‌گذار نخستین روابط عمومی و صنعتی در استان مرکزی، نخستین ناشر خبرنامه‌های

صنعتی استان مرکزی، نویسنده، مترجم، ویراستار و طراح بیش از ۱۳ عنوان کتاب و سرآینده مجموعه شعر

آوایی «چنگ و چامه»، سخنران، مجری و برنامه‌ریز ده‌ها همایش، گردهمایی و کنفرانس‌های صنعتی، تجاری

و فرهنگی است که او را بیشتر یک کارآفرین می‌شناساند تا نویسنده و شاعر.



بهشتی، ابوالقاسم (درگذشته ۱۳۲۹ خ)، فرزند ملاعلی، از مکتب‌داران قدیمی **خمین** است

که آیت‌اله پسندیده و آقا نورالدین هندی در مکتب‌خانه وی شاگردی کرده‌اند. این عالم دینی

علاوه بر مکتب‌داری، صحاف و خوشنویس هم بوده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۹۷۵).



بهشتی، کریم (۱۲۹۵-۱۳۷۰ خ)، اهل **خمین**، فرزند ابوالقاسم و بانو فاطمه، تحصیلات

ابتدایی را نزد پدرش که استاد امام خمینی هم بوده گذراند و به مدارس جدید رفت و پس از

تحصیلات متوسطه در اراک، به تهران مهاجرت کرد و در دفتر مخصوص دکتر مصدق

مشغول بکار شد و پس از سربازی در دفتر وزارت مالیه منصوب شد. او که دستی بر شعر

داشت با میرزا اسداله صابری شاعر شیرین‌سخن هم‌عصر خویش مشاعره داشت. مجموعه اشعار بهشتی

مشمول بر اشعار، مراثی و مولودیه ائمه اطهار در زمان حیات شاعر منتشر شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۹۴).



بهنام، رضاقلی (۱۲۶۶-۱۳۳۹ خ)، ملقب به اعتمادالسلطان، فرزند میرزا کاظم و نوه میرزا

رضاقلی **تفرشی**، وزیر تهران و مادرش بگم‌جان دختر میرزاتقی ضیاالملک، پس از تکمیل

دوره مقدماتی به‌استخدام دارالشورای ملی درآمد و مدتی نیز رئیس پرسنل و سجلات مجلس

شورای ملی و چندی هم عضو دارالانشا بود. او تا سال ۱۳۲۸ به‌عنوان رئیس دفتر مجلس

مشغول خدمت بود. این هنرمند خوش‌نویس در دوره خود بسیار معروف و مشهور بود و به‌شیوه خط امین

الدوله که صاحب سبک خاصی بود رقم می‌زد و بسیار شیرین و استادانه می‌نوشت (حیدری، ۱۳۹۹: ۵۰).



بهنام، عیسی (۱۲۸۵-۱۳۶۳ خ)، فرزند میرزا احمدخان **تفرشی** (مستشیرالسلطان)، در

سال ۱۳۰۸ به فرانسه اعزام شد و دکترای باستان‌شناسی گرفت و سپس با وزارت فرهنگ

و پیشه همکاری خود را آغاز کرد. این مؤسس رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران، به‌مدت

سی سال در این دانشگاه به‌تدریس و تحقیق باستان‌شناسی پرداخت. او هم‌چنین یکی از پایه



گذاران موزه ایران باستان (موزه ملی ایران) است و مقالات علمی زیادی به زبان فرانسه در مجلات و کنفرانس‌های بین‌المللی ارائه داده است. راهنمای موزه ایران باستان، آثار باستانی پاسارگاد، تمدن ایران پیش از شروع تاریخ، تمدن ایرانی، هنر ایران و هخامنشی و همچنین کاروانسرای ایران برخی از آثار این نویسنده دانشگاهی است (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۸).

بورقانی‌فراهانی، ابوالفضل (۱۳۴۳ خ)، فرزند علی، تحصیلات ابتدایی را در دبستان

بورقان (فراهان) و راهنمایی و دبیرستان را هم در عزیزآباد گذراند. او با تحصیل در مرکز تربیت معلم، ردای معلمی پوشید و در مدارس فراهان به تدریس پرداخت و به وزارت آموزش و پرورش راه یافت و با ادامه تحصیل، دکترای فلسفه^۱ و نیز دکترای الهیات^۲ گرفت. مدیرعامل مؤسسه فرهنگی و آموزشی شهریار تهران، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی و آموزشی بین‌المللی راه امیرکبیر، مدیر مؤسسه فرهنگی و آموزشی نوید دانش، مدیرمسئول نشریه سیاسی فرهنگی بین‌المللی راه امیرکبیر، مدیر مسئول نشریه رهنمون آموزش و پرورش و تأسیس چند باب مدرسه غیردولتی و غیرانتفاعی در شمال تهران برخی از سوابق اوست. فلسفه حقوق خانواده در اسلام و غرب، بررسی تطبیقی تفاسیر مجمع‌البیان والتبیین و انتشار چندین مقاله در نشریات علمی پژوهشی داخلی و خارجی از آثار نوشتاری اوست.



بورقانی‌فراهانی، احمد (۱۳۳۸ - ۱۳۸۶ خ)، از خانواده‌ای فراهانی در تهران متولد شد.

او ابتدایی را در دبستان دیهیم و دوره راهنمایی را در مدارس کورش و نیز احمد زرافشان گذراند و از دبیرستان ابراهیم صهبا دیپلم ریاضی گرفت. ایشان که فعالیت خبرنگاری را از سال ۱۳۵۹ در خبرگزاری پارس آغاز کرده بود، در سال ۱۳۶۳، سردبیر ارشد این خبرگزاری شد و ۵ سال بعد، دفتر این خبرگزاری در سازمان ملل و در نیمی از مکان ۲۵ متری خبرگزاری یونایتدپرس تأسیس کرد. راهاندازی سایت انگلیسی زبان «نت ایران» و مجله ENVOY در کانادا با هدف پرداختن به مسائل آسیای مرکزی و ایران از دیگر خدمات این دانش‌آموخته جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد در دوران اصلاحات است. از سوابق اجرایی او خدمت در وزارتخانه‌های ارشاد و کشور و نیز کتابخانه ملی است و همچنین به‌عنوان نماینده مردم تهران در دوره ششم مجلس شورای اسلامی حضور داشت (ولاشجردی فراهانی، ۱۳۸۰: ۴۰).



بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۴۵ خ)، در روستای عکس‌آباد (خمین) به دنیا آمد و دبستان را در همین روستا و راهنمایی را در روستای دهنو گذراند و از دبیرستان مصطفی خمینی دیپلم گرفت. او در سال ۱۳۶۴ رشته روانشناسی بالینی علامه طباطبائی با رتبه ۸۰ پذیرفته شد و هم‌زمان به تدریس پرداخت. ایشان با اینکه در

^۱. خارج از کشور

^۲. داخل کشور

کنکور اعزام به خارج پذیرفته شد، ولی در همان دانشگاه دکتری خواند و در سال ۱۳۷۶ به عنوان دانشجوی نمونه کشور انتخاب و از ریاست مجلس وقت جایزه گرفت. این نویسنده دانشگاهی چاپ و انتشار بیش از ۵۰ مقاله در مجلات علمی کشور، بیش از ده مقاله در سمینارها و کنگره‌ها و ترجمه و تألیف ۱۰ عنوان کتاب از جمله روش افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، روش ایجاد ارتباط بین اولیا و مربیان، راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، روانشناسی نوجوانان را در کارنامه دارد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۹۸).

بیابانی، هادی (۱۳۵۷ خ)، فرزند علی اصغر و بانو عفت، متولد **زرنديه**، تحصیلات ابتدایی



را در دبستان ۱۳ آبان و راهنمایی را در مدرسه شهید مفتاح روستای امیرآباد گذراند. او که معلول جسمی و حرکتی است از ادامه تحصیل منصرف و به علاقه‌مندی‌اش که هنر بود پرداخت و تا سال ۱۳۸۵ در زمینه طراحی و نقاشی فعالیت کرد. این هنرمند از سال ۱۳۸۵ به صورت اتفاقی در مسیر شعر آیینی قرار گرفت و با کمک استاد سیدعلی اصغر موسوی، به مدت ۱۴ سال در قالب غزل و شعر سپید فعالیت کرد. ایشان از سال ۱۳۹۹ با استاد محمدعلی مجاهدی (پروانه) پدر شعر آیینی کشور آشنا شد و به توصیه او شعر کلاسیک و سپید را رها و در قالب نیمایی به فعالیت پرداخت. هادی تاکنون دو اثر به نام ستارگان آسمان و انتظار (مجموعه اشعار آیینی در قالب نیمایی) و آوای مستانه (مجموعه اشعار شاعران ساوه و زرنديه) را به زیور طبع آراسته است.

بیات، آتنا (۱۳۸۳ خ)، فرزند امیرحسین و بانو سمیه، تحصیلاتش را دبستان غیرانتفاعی



پویش، دبیرستان دوره اول فرهنگیان صدیقه‌کبری و دوره دوم نمونه فرهنگ گذراند و هم‌اکنون دانشجوی رشته شهرسازی دانشگاه پیام‌نور **اراک** است. او از سال ۱۳۹۷ وارد حوزه نقالی شد و طی ۲ سال این هنر را به خوبی فراگرفت و به صورت حرفه‌ای از سال ۱۳۹۹ به نقالی در نشست‌ها پرداخت. برخی از افتخارات این نخستین نقال بانوی اراکی عبارتند از: برگزیده ۳ سال متوالی در مسابقات سطح استان، مقام نخست جشنواره دانش‌آموزی فردا در ۲ سال متوالی، دریافت تندیس و دیپلم افتخار از نخستین جشنواره نقالی و شاهنامه‌خوانی «نقشا»، مقام نخست اولین مسابقه تلویزیونی نقالی «بِسْرَا» که در مشهد برگزار شد، برگزیده نخستین دختر پرده‌خوان ایران در رده سنی نوجوان، برگزیده بیست و چهارمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی در بخش بزرگسالان (آیینی و سنتی)، دارنده اعتبارنامه از حوزه هنری و کسب عنوان نوجوان برتر کشور در حوزه هنرهای نمایشی در مسابقه نوجوونیم (۱۴۰۰)، جوان‌ترین مدرس شاهنامه استان و مؤسس نخستین گروه شاهنامه‌خوان کودک و نوجوان استان و...

بیات، اعظم (۱۳۵۹ خ)، فرزند عباس و بانو تاجی، تحصیلاتش را تا دیپلم در قورچی‌باشی (خمین) و کارشناسی و کارشناسی‌ارشد را در دانشگاه اراک گذراند و دکترای تخصصی «برنامه درسی» را در دانشگاه تهران خواند. او دارای ده‌ها عنوان مقاله علمی پژوهشی در مجلات و ژورنال‌های ملی و بین‌المللی و نویسنده ده عنوان کتاب در زمینه‌های فرهنگی تربیتی است. اعظم بیات از سال ۱۳۸۸ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشغول بکار است و از همان سال در دانشگاه پیام نور اراک و خمین و نیز دانشگاه آزاد خمین مشغول به تدریس است و قصه‌گوی زبان مادری در رادیو اراک است.



بیات، ایرج (۱۳۲۳-۱۴۰۰ خ)، فرزند اسداله و سیده ساره، از استادان قدیمی شعر، ادب و خوش‌نویسی و بازنشسته ماشین‌سازی اراک بود که در سال ۱۴۰۰ بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت. مجموعه اشعار این شاعر فقید با تخلص «یوسف» در قالب سه کتاب خطی «گنج نهفته» و «از چشمه تا دریا» به خط خود شاعر و «آفتاب و ابر» به خط استاد کریمی نورعینی منتشر شده است.



بیات، ذوالفقار (۱۲۲۹-۱۲۹۰ خ)، فرزند علی‌نقی‌خان (نظام‌لشکر) و بانو خانم‌سادات، اهل اراک، مشهور به امیرتومان (فرمانده ده‌هزار نفر) و ملقب به صمصام‌الملک بیات، مالک روستای گل‌زرد (خمین) و از امرای عصر قاجار بود. او در قشون، درجه امیرتومانی داشت و به واسطه اینکه فرزندی نداشت، همه دارایی خود را وقف امور خیر کرد و مدرسه صمصامی اراک را در سال ۱۲۸۲ تأسیس کرد و هزینه مدرسه را از محل وقف اموال خود قرار داد. او همچنین بیمارستانی در پنجعلی و نیز روستای حصار ساخت و برخی دیگر از دارایی‌های وقفی این کارآفرین و نیکوکار هم عبارتند از: شش‌دانگ روستاهای حسین‌آباد، مزرعه و گلیوار و همچنین دو دانگ از روستای مزرعه علی‌آباد و دو و نیم دانگ از روستای میان‌رود به همراه قنات و حق‌آبه‌های مربوطه^۱ (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۹۷).
بیات، عباس (۱۳۲۶ خ)، فرزند مرتضی‌قلی (سهم‌السلطان)، دانش‌آموخته دانشگاه کلمبیا است که پس از انقلاب ۱۳۵۷، ایران را ترک کرد. این مدیر عالی‌رتبه ورزشی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ رئیس و از اعضای هیأت رئیسه باشگاه فوتبال رویال شارلوا بود. او عمومی مهدی و مجتبی (موگی) بیات است که هر دو در لیگ فوتبال بلژیک فعال هستند.



^۱ حاجیه طوطی‌خانم یکی از زنان نیکوکار اراک، همسر اوست.

بیات، عباسقلی (۱۲۳۵-۱۳۰۶ خ)، فرزند حاج علی نقی خان، ملقب به سهم‌الملک از متمولین و مشاهیر برجسته **اراک** است که در جوانی وارد ارتش شد و هم‌چنین نماینده اراک در سومین دوره (۱۴ آذر ۱۲۹۳ به مدت یک سال) مجلس شورای ملی بود. ایشان برای تربیت و آموزش فرزندان، عمادالکتاب قزوینی را به‌اراک دعوت کرد و دبیرستان سهم‌الملک هم از یادگارهای این مرد نیکوکار است (محتاط، ۱۳۷۲: ۲۰۰).



بیات، عباسقلی (زندگی ۱۱۵۸ خ)، معروف به عباسقلی خان، فرزند حسن خان بیات اهل **اراک**، در دوره کریم خان زند می‌زیسته و یکی از کارگزاران و سرداران شجاع حکومت بود.

بیات، عزت‌اله (زندگی ۱۳۲۸ خ)، فرزند عباس‌قلی خان (سهم‌الملک)، اهل **اراک**، پس از فوت شیخ العراقین، تولیت موقوفات و رسیدگی به املاک خاندان بیات را عهده‌دار بود. وی در دوره چهاردهم (۶ اسفند ۱۳۲۲ تا ۲۱ اسفند ۱۳۲۴) و پانزدهم (۲۵ تیر ۱۳۲۶ تا ۶ مرداد ۱۳۲۸) مجلس شورای ملی، در رقابت شدیدی با حسین خاکباز به‌عنوان نماینده مردم اراک انتخاب شد^۲ (محتاط، ۱۳۷۲: ۲۰۵).



بیات، قدس‌السلطنه (زندگی ۱۳۴۵ خ)، فردی نیکوکار و از همسران ابراهیم خان عاصم‌السلطنه بود که فرزندی نداشت. او در سال‌های آخر عمر زمین قلعه بزرگش در **اراک** را که ۷۰۰۰ مترمربع مساحت داشت، برای احداث بیمارستان قدس از قرار متری ۱۰۰ تومان در اختیار برادرزاده‌اش اکبر بهادری قرار داد و بابت بهای آن ۶۰ هزار تومان پول نقد و ده سهم پنجاه هزار تومانی بیمارستان را (جمعاً ۵۶۰ هزار تومان) گرفت. قدس‌السلطنه سپس نفری یک سهم برای جذب دکتر اشعری و دکتر گشتاسبی به‌اراک به‌آنان بخشید و سهام باقی‌مانده را نیز وقف بیمارستان کرد تا بیماران نیازمند را به‌رایگان درمان کنند.

بیات، محمدولی (زندگی ۱۳۴۵ خ)، شاعری از خوانین بیات جاپلق در شورچه (خمین) ساکن بوده و راجع به اصلاحات ارضی و در وصف حال خوانین اشعاری سروده که جنبه طنز دارد.

بیات، مرتضی‌قلی (۱۲۶۹-۱۳۳۷ خ)، فرزند عباس‌قلی خان مشهور به سهم‌الملک (از خوانین و ملاکان **اراک**) و خواهر زاده دکتر مصدق و هم‌چنین نماینده ۱۰ دوره مردم اراک در مجلس بود و در بیشتر دوره‌ها سمت نایب‌رئیتی داشت و از اعضای فراکسیون قیام به‌شمار می‌رفت. او که ملقب به سهام‌السلطان هم بود، چند دوره وزارت را در کارنامه سیاسی خود دارد. خانواده وی از جمله برادر بزرگترش مصطفی‌قلی از دولتمردان پهلوی اول و بنیانگذار



۱. سهم‌الملک، سالخورده‌ترین نماینده مجلس و شوهرخواهر مصدق و پدر مرتضی‌قلی بیات (نخست‌وزیر) بود و پسر دیگرش مصطفی‌قلی در دوران رضاشاه، مدیرکل فلاح (کشاورزی) و از بنیان‌گذاران دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران بود. پسر دیگرش نصرت‌اله بیات (شیخ‌العراقین) در دوره رضاشاه نماینده مجلس شد.

۲. او داماد دایی‌اش دکتر مصدق بود.

کشاورزی نوین ایران و برادر دیگرش نصرت‌اله (شیخ‌العراقین) از افراد تأثیرگذار کشور بودند و خود وی هم در مجلس پنجم از هواداران تغییر سلطنت بود و از ماده واحده دوفوریتی نهم آذر ۱۳۰۴ برای انقراض قاجاریه و انتقال قدرت به رضاخان حمایت کرد. او هم‌چنین نخستین گام‌های عملی برای صنعتی شدن ایران را در دوره وزارت خویش برداشت و طرح «توسعه اقتصادیات» او بود که شرایط ساخت نیروگاه‌های برق‌آبی، آبیاری، سدسازی، استخراج معادن، ساخت راه‌آهن سبک، لوله‌کشی آب شهری، خطوط تلگراف و تلفن و... را فراهم آورد. او در پی سقوط کابینه ساعد، برای حدود ۶ ماه نخست‌وزیر ایران شد و یک‌سال هم به‌عنوان استاندار آذربایجان خدمت کرد. سهام‌السلطان از جمله اصلاح‌طلبان و نماینده مثبت مجلس بود و از دیگر فعالیت‌های مهم سیاسی وی در طول دوران حضور در مجلس، بازگرداندن رضاخان به نخست‌وزیری بود.^۱ بیات هم‌چنین در سال ۱۳۳۲ سناتور شد و نیز از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶ به‌عنوان رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران دوران پساملی شدن صنعت نفت کشور را مدیریت کرد و بدین‌ترتیب یکی از افراد تأثیرگذار و تاریخ‌ساز ایران شناخته می‌شود (محتاط، ۱۳۷۲: ۲۰۱).

بیات، مصطفی قلی (۱۲۶۷-۱۳۱۶خ)، فرزند عباسقلی (سهام‌الملک)، اهل اراک،



تحصیلات ابتدایی را نزد معلمین خصوصی فرا گرفت و در سال ۱۲۹۶، به‌مدت ۴ سال در فرانسه کشاورزی خواند. او در شهریور ۱۳۰۳ به معاونت عبدالحسین تیمورتاش در وزارت فلاحت و در سال ۱۳۰۹ به معاونت محمدعلی فروغی در وزارت اقتصاد ملی انتخاب و در سال ۱۳۱۲ نیز به‌ریاست اداره کل فلاحت و صناعت منصوب شد. بیات از بنیانگذاران کشاورزی نوین ایران و مؤسس دانشکده کشاورزی کرج است و باغ کشاورزی کرج از یادگارهای اوست. از دیگر اقدامات ایشان می‌توان به تأسیس مؤسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی، تأسیس جنگل‌بانی و نخستین مدرسه نوین ایران (صمصامی) در اراک اشاره کرد. بیات هم‌چنین تمام هزینه اقامت ۵ ساله علینقی وزیر، در اروپا که به‌منظور تحصیل موسیقی انجام شده بود را تقبل کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۲۰۱).

بیات، میترا (۱۳۴۱خ)، فرزند حسینعلی و بانو صدیقه، متولد روستای جلایر (شازند)،



دوره ابتدایی را در دبستان فاطمه سیاح و راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه آزادگان گذراند و از دانشکده هنرهای زیبا، کارشناسی ادبیات نمایشی و ارشد پژوهش هنر دریافت کرد. او سردبیر و نویسنده برنامه‌های رادیویی است و در برخی نشریات مانند کیهان بچه‌ها، سروش نوجوان و نیز زن روز به‌عنوان نویسنده و نقدنویس فعال است و چندین رمان و داستان را هم روانه بازار نشر کرده که از آن جمله‌اند: «شهر آب‌وآینه»، «مسافر روشنی»، «من یک خاطره ازلی هستم»،

^۱. مرتضی‌قلی از اعضای هیأت مدیره موقت، مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بود و در سال ۱۳۳۱ از طرف دکتر مصدق به‌ریاست هیأت مدیره و هم‌چنین مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران منصوب و تا پایان عمر، عهده‌دار این سمت بود.

«بی‌قرار همچون باد»، «شهریار سرزمین عشق»، «من نوع‌وسام زیر درخت سرو»، «میوه ممنوعه»، «اسپیناس نام دیگر من است». داستان «مادر و دو ستاره کوچک» و مجموعه داستان «زمزمه» (هر دو ترجمه به انگلیسی)، «مجموعه داستان‌های نوجوانان» همراه بانقد و بررسی و نیز نمایشنامه «ماه پیشونی» از دیگر آثار اوست (ذیحی، ۱۳۸۵: ۳۲۶).

بیات، مهدی (۱۳۵۸ خ)، از نوادگان مرتضی‌قلی بیات، تاجر و مدیر عالی‌رتبه ورزشی ایرانی-فرانسوی است که در حال حاضر ریاست فدراسیون فوتبال بلژیک (اتحادیه سلطنتی) را برعهده دارد. خانواده‌ای قدرتمند و متمول که پیش از انقلاب یک شرکت بزرگ فرآورده‌های لبنی بسیار بزرگ و مشهور در **اراک** داشتند و پس از انقلاب و با آغاز جنگ تحمیلی، ایران را ترک و در فرانسه و سپس بلژیک کارهای اقتصادی خود را از سر گرفتند.^۱



بیات، نصرت‌اله (۱۲۶۰-۱۳۴۳ خ)، معروف به شیخ‌العراقین، فرزند عباسقلی‌خان (سهم‌الملک) پس از ۱۲ سال تحصیل در نجف و کسب درجه اجتهاد به **اراک** بازگشت. او در دوره ششم (۱۹ تیر ۱۳۰۵ تا ۲۲ مرداد ۱۳۰۷) مجلس شورای ملی، به‌نماینده مردم تهران انتخاب شد. شیخ‌العراقین عضو هیأت امنای جامعه تعلیمات اسلامی بود که مدارس نوین برای رسیدن به اهداف دینی بنیاد می‌کرد و هنوز نیز دایر است. او همچنین مؤسس مدارس ایلام جعفری در دو نقطه از شهر تهران بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۲۰۴).



بیات‌زاده، منصور (۱۳۱۶-۱۴۰۰ خ)، ابتدایی و دبیرستان را در **اراک** و تهران گذراند و برای تحصیلات عالی به آلمان رفت و در رشته انسان‌شناسی و ژنتیک انسانی دکترا گرفت. او مدتی به‌عنوان استادیار دانشگاه یوهانس گوتنبرگ به تحقیق و تدریس پرداخت و در آغاز فعالیت‌های جنبش دانشجویی برون‌مرزی در فراکسیون «مصدقی‌ها» فعالیت سیاسی کرد و سال‌های متمادی در رهبری کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و شاخه اروپای جبهه ملی ایران فعالیت کرد. این کنشگر سیاسی در تیرماه ۱۳۶۳ با همراهی چندتن از هم‌فکرانش، سازمان سوسیالیست‌های ایران را بنیان نهاد و خود عضو کادر رهبری و سخن‌گوی رسمی آن بود. بیات‌زاده مقالات سیاسی بسیار و چند کتاب منتشر کرده که یکی از آثار جامع او در کسوت نویسنده، کتاب «مصدق و راه مصدق» است.



بیات‌زندی‌مطلق، علی‌حسین (۱۳۲۵-۱۳۸۵ خ)، اهل **زرنده**، معروف به بابک بیات، آهنگساز، نوازنده و تنظیم‌کننده که از نوزده‌سالگی در اپرای تهران و زیر نظر آقای ثمین باغچه‌بان و نصرت‌اله زابلی با موسیقی کلاسیک و جهانی آشنا شد و در حدود پنج‌سال با این اپرا همکاری کرد. بعد از آن با محمد اوشال آهنگ‌ساز و رهبر ارکستر جاز فولکوریک



^۱ . شرکت لبنیاتی صلا واقع در کنار پل شهر صنعتی اراک متعلق به خانواده ایشان بود.

دوستی عمیقی پیدا کرد. غریبه، جنگل، بن‌بست، خونه، فریاد زیر آب، علی کنکوری، تپش، خاتون، سایه، خورجین (بانوی شرقی)، فصل بد خاکستری (روح بزرگوار)، سقف، هیچ‌کسی مثل تو نبود، طلایه‌دار (ای بزرگ موندنی) و بسیاری ترانه‌های دیگر از آثار اوست (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۷۷).

بیاتی، نازنین (۱۳۶۸ خ)، از پدری اهل **تفرش** و مادری قمی، در تهران بدنیا آمد. این سینماگر دانش‌آموخته تئاتر، فعالیت خود را با فیلم دربند (۱۳۹۱) آغاز و نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن از سی‌ویکمین جشنواره فیلم فجر شد. او هم‌چنین برای بازی در نمایش خانگی «گلشیفته» موفق به دریافت تندیس بهترین بازیگر زن کمدی از نوزدهمین جشنواره حافظ شد. او در سریال تلویزیونی عروسی شکرستان به‌عنوان طراح صحنه، طراح لباس و صدایشه شخصیت‌های «رویا و پیشگو» با حسن رادفر همکاری بود.



بیان‌الحق، محمد (قرن ۱۴)، فرزند محمدعلی، از نویسندگان و سخنرانان عصر خود بود که مدیریت روزنامه بیان‌الحق را در اراک عهده دار بود و کتابی به نام بیان‌الحق نوشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۹).

بیانی، شیرین (۱۳۱۷ خ)، از پدر و مادری **فراهانی** در تهران زاده شد. او از ۶ سالگی زبان فرانسه آموخت و دوران تحصیلش را به‌ترتیب در دبستان منوچهری، مدرسه فرانسوی ژاندارک (هفتم تا نهم) و انوشیروان دادگر سپری کرد و با رتبه نخست دیپلم ادبی گرفت. این نویسنده در چهارده‌سالگی «مهمان‌خانه آنژ گاردین» اثر کنتس دوسگور از معروف‌ترین داستان‌نویسان کودک فرانسه را ترجمه کرد. او در کنکور رشته ادبی نفر اول شد و در رشته تاریخ دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و سه سال بعد به‌عنوان شاگرد اول از آن دانشگاه لیسانس گرفت و در همان سال برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و سال ۱۳۴۲ از دانشگاه سوربن، با درجه بسیار عالی دکترای تاریخ گرفت. وی پس از بازگشت به ایران و در ۲۵ سالگی وارد گروه تاریخ و یک سال بعد عضو هیأت علمی دانشگاه تهران شد. در همان سال، کتاب «تاریخ آل‌جلایر» را به‌چاپ رساند که ترجمه رساله دکتریش بود. تخصص او، تاریخ مغول و مغول‌شناسی است و چندین ترجمه و تألیف دارد که دوره سه‌جلدی «دین‌ودولت در عهد مغول» که برنده جایزه کتاب سال شد و نیز ترجمه کتاب «چنگیزخان» اثر ودلایمیر تسف که یکی از تحقیقات عمده درباره چنگیزخان است از آن جمله‌اند و البته ده‌ها اثر دیگر (فیضی، ۱۳۹۱: ۱۵۲).



بیانی، مهدی (۱۲۵۸-۱۳۴۶ خ)، فرزند میرزا محمد مستوفی **فراهانی** در مدارس ابتدایی اقدسیه و اشرف به‌تحصیلات مقدماتی و فراگیری خوشنویسی پرداخت و پس از پایان دوره متوسطه در دارالفنون، لیسانس علوم ادبی و فلسفی از دانشسرای عالی گرفت و در سال ۱۳۲۴ به اخذ دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران نایل آمد. بنیانگذار «کتابخانه ملی



^۱ او همسر دکتر اسلامی ندوشن هست که آذر ماه ۱۴۰۲ پیکرش از کانادا جهت دفن در زادگاهش به ایران بازگشت.

ایران»، «انجمن فرهنگی ایران و شوروی» و نیز «انجمن حمایت از خط و خطاطان»، رئیس کتابخانه سلطنتی و کارشناس نسخه‌های خطی فارسی و از شاگردان میرزا حسین خان مستوفی معروف به کاتب‌الخاقان، نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه تهران از دیگر سوابق اوست. از آثار ایشان هم می‌توان به خطوط کتابخانه سلطنتی، راهنمای گنجینه قرآن و نیز نمونه سخن پارسی اشاره کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۹).

بیانی آشتیانی، شاهرخ (۱۳۳۹ خ)، از خانواده‌ای اهل آشتیان در تهران زاده شد. این

بازیکن سرشناس فوتبال باشگاه استقلال و برادر شاهین، جزو ۱۴ نفری بود که در سال ۱۳۶۵ و هنگام بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶م در اعتراض به کادر فنی، از تیم ملی استعفا داد و در آبان‌ماه ۱۳۶۸ با دعوت علی پروین، به این تیم بازگشت. مدال طلای بازی‌های آسیایی پکن (۱۹۹۰)، نایب قهرمان جام آسیا (۱۹۹۰)، قهرمان جام باشگاه‌های آسیا (۱۳۶۹)، قهرمان جام بوردولوی هند (۱۳۶۸) و قهرمان جام میلز هندوستان از افتخارات این فوتبالیست برجسته و قهرمان ورزشی است.



بیانی آشتیانی، شاهین (۱۳۴۰ خ)، از خانواده‌ای اهل آشتیان در تهران زاده شد. این

بازیکن سرشناس فوتبال باشگاه استقلال و برادر شاهرخ، از جمله بازیکن‌هایی است که همراه با تیم استقلال به عنوان کاپیتان در سال ۱۳۷۰ قهرمان باشگاه‌های آسیا شد. او ۱۷ سال برای استقلال بازی کرد و در ۱۸ مهرماه ۱۳۷۴ در یک بازی دوستانه مقابل تیم ملی سنگاپور از فوتبال خداحافظی کرد. وی هم جزو چهارده نفری بود که در سال ۱۳۶۵ و هنگام بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶م در اعتراض به کادر فنی تیم ملی، استعفا داد و در آبان‌ماه ۱۳۶۸ با دعوت علی پروین به این تیم بازگشت. قهرمان بازی‌های آسیایی پکن (۱۹۹۰)، نایب قهرمان جام آسیا (۱۹۹۰)، قهرمان جام باشگاه‌های آسیا (۱۳۶۹)، قهرمان جام بوردولوی هندوستان (۱۳۶۸) و قهرمان جام میلز هندوستان از افتخارات این فوتبالیست برجسته و قهرمان ورزشی است. شاهین دومین کاپیتان تاریخ باشگاه استقلال است که جام قهرمانی باشگاه‌های آسیا و نیز آخرین جام باشگاه‌های تهران (۱۳۷۰) برای استقلال را بالای سر برده است.



بیانی آشتیانی، محمود (۱۳۱۰ خ)، فرزند عبدالله، پس از پایان دانشسرا، از سال ۱۳۲۹

در دبیرستان مستوفی‌الممالک مشغول تدریس شد. این شاعر قصیده و غزل‌سرا که به سبک متقدمان شعر می‌سرود، در سال ۱۳۴۱ به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران راه یافت و در رشته زبان و ادبیات فارسی لیسانس گرفت و تا زمان بازنشستگی (۱۳۵۹) به تدریس در دبیرستان‌های تهران ادامه داد (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۴۲).



بیدل ساوجی (قرن...)، اهل ساوه و شاعری است که در هرات شغل دوزندگی داشته و نمونه اشعاری از وی باقی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

بیضاساوجی، ابوالفضل (۱۳۱۷-۱۳۷۷ خ)، فرزند تقی، استاد کم‌نظیر ادبیات و از شعرای به نام ساوه است که بعد از لیسانس در دبیرستان‌های ساوه تدریس می‌کرد و ارتباط نزدیکی با دانشجویان داشت. یک

روز زمستانی در کلاس درس با مشاهده بارش برف بلافاصله چنین سرود: به لحاف فلک افتاده شکاف / پنبه می بارد از این کهنه لحاف (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

بیگلرلیگ، یحیی (۱۲۳۲-۱۳۳۵ خ)، فرزند الیاس، معاون میرزا سیدرضا مستوفی بود و پس از فوت او مستوفی **اراک** شد. احداث قنات مستوفی برای آبیاری زمین های غرب اراک که پیش از آن از آب کاریون استفاده می شد، یادگار اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۶).

بیگدلی، محمدصادق (درگذشته ۱۲۹۳ خ)، از هنرمندان خوشنویس **ساوه** است که خط نستعلیق را زیبا می نوشت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۵۱).

بیگلربیگی، رضا (۱۲۲۶-۱۲۸۸ خ)، معروف به رضاخان، فرزند عزیزخان عراقی از کارگزاران ارشد حکومتی **اراک** که در انقلاب مشروطه، آزادی خواه بود و مورد سوء قصد قرار گرفت و جان باخت (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۹).

بینا، احمد (۱۲۷۲-۱۳۵۰ خ)، فرزند کربلایی نصراله میان دهی، تحصیلات مکتبی را در محضر ملاحسین معروف به آخوند گذراند و با تأسیس مکتب خانه، به تعلیم و تربیت نونهالان پرداخت که آخرین مکتب خانه **تفرش** به حساب می آمد. او بعدها با شرکت در امتحان نهایی، موفق به کسب گواهینامه ششم ابتدایی شد و در دبستان حکیم نظامی و دبستان کافی مشغول به تدریس شد و شاگردان زیادی تربیت کرد که همگی منشأ خدمات بسیاری در جامعه شدند که از جمله آنها دکتر محمدحسین منصور (جراح معروف) و همچنین محمدابراهیم افضلی (پایه گذار جمعیت شیروخورشید تفرش) است. از تألیفات میرزا احمد می توان به سفرنامه منظوم و نیز کتاب الفیه در قواعد نحو را که در علم صرف و نحو به خط نسخ نگاشته شده است، اشاره کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۵۱).



بینا، سیمیا (۱۳۲۳ خ)، فرزند احمد و بانو پوران دخت، که پدرش **تفرشی** و اهل شعر و موسیقی بود. سیمیا در بیرجند به دنیا آمد و از نُه سالگی خوانندگی را در رادیو ایران آغاز کرد. او ردیف موسیقی ایرانی و تکنیک های آوازی را نزد استادانی چون موسی خان معروفی و نصراله زرین پنجه آموخت. این دانش آموخته نقاشی دانشکده هنرهای زیبا، در سال ۱۳۴۹ تحصیل موسیقی را نزد عبدالله دوامی ادامه داد و هم زمان، به پژوهش و گردآوری ترانه های محلی ایرانی و بازنویسی آهنگ های مردمی، بویژه موسیقی محلی پرداخت و با سفر به دورافتاده ترین مناطق خراسان، توانست مجموعه ای از ترانه ها و آهنگ های کمیاب و تقریباً فراموش شده را جمع آوری کند. کتاب «لالایی های ایران» حاصل سی سال پژوهش و ملاقات او با مادران پیر و جوان ایرانی است.



بینا، احمد (۱۲۹۲-۱۳۷۱ خ)، هنرمند دارای اصالت **تفرشی** و ساکن بیرجند، در سال ۱۳۱۷ از دانشکده افسری فارغ التحصیل شد و با طی دوره های عالی فرماندهی در سال ۱۳۴۴ به درجه سرتیپی ارتقا یافت.

این شاعر درستکار، میهن‌دوست و خوشنام موسیقی شناس، از صدای خوشی برخوردار بود و احاطه او به موسیقی سبب شد که برای فرزندان‌ش سیما و مینا، سمت استادی داشته و آنها را در این زمینه راهنمای خوبی باشد. او طبع روانی در سرودن قصیده، غزل و حتی مثنوی داشت و اکثر ترانه‌ها و تصنیف‌های سیما که از یک زیبایی فولکلوریک برخوردار است، توسط وی تهیه و آهنگ‌سازی می‌شد.

بینش، فرج‌اله (۱۲۸۸ - ۱۳۶۶ خ)، فرزند یاوراسداله‌خان، در زنجان زاده شد و در جوانی

به **اراک** مهاجرت کرد و کار خود را به‌عنوان آموزگار در روستای وفس آغاز کرد. او که

به‌عنوان مدیر دبستان شاهپور بازنشست شد، به ادبیات علاقه‌مند بود و برای مدتی نشریه

«سفرنگ» را منتشر می‌کرد و از اوایل دهه ۵۰ تا انقلاب ۱۳۵۷، مدیر انجمن قایم‌مقام بود.

از این شاعر بجز اشعار پراکنده و واژه‌نامه ناتمام «فرهنگ بینش»، دفتر شعری با عنوان

«پدافند پاک و ارمغان بینش» به یادگار مانده است (مجدی، ۱۳۸۴: ۲۹۲).



پ

پاپازیان، نکتار (۱۳۰۶ خ)، معمار ارمنی‌تبار **اراک**ی، از جمله نخستین معماران زن ایرانی

است که پس از دریافت دیپلم، وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و در آنجا

نیز نخستین دانشجوی دختر در رشته معماری بود. پس از دو سال تحصیل در تهران، به

فرانسه رفت و در مدرسه هنرهای زیبای پاریس و دانشگاه بوزار پاریس به تحصیل معماری

پرداخت. او در سال ۱۳۳۸ به ایران بازگشت و دفتر معماری خود را تأسیس و تا سال ۱۳۵۸ فعالیت خود را

در ایران ادامه داد. نکتار از جمله معماران زن ایرانی شرکت‌کننده در کنگره بین‌المللی زنان معمار در سال

۱۳۵۶ بود. از آثار قابل توجه او می‌توان به دانشگاه گندی‌شاپور اهواز، نخستین طرح جامع تبریز، چند مرکز

آموزش حرفه‌ای، دفاتر مرکزی جمعیت خیریه فرح پهلوی، گمرک آستارا، دبیرستان جامع دانشگاه بوعلی

همدان و انستیتوی مربیان حرفه‌ای کرج اشاره کرد.



پارسا، ابراهیم (۱۲۸۴-۱۳۷۵ خ)، فرزند میرزا اسماعیل‌خان مؤیدلشکر **تفرشی**، پس

از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه تهران دانش

آموخته شد و به‌عنوان دبیر در اداره فرهنگ مشغول به تدریس شد. او مدتی مدیرکل

فرهنگ استان کرمانشاه بود و سپس به وزارت کشاورزی منتقل و به‌عنوان مدیرکل خدمت

کرد. وی هم‌چنین در سازمان برنامه‌بودجه به عضویت هیأت‌مدیره سازمان چای منصوب و نیز مدیرعامل

شرکت شیار آذربایجان شد و پس از آن به مدیرعاملی سازمان عمران دشت مغان منصوب شد. وی به

پیشرفت کشاورزی، مرمت آثار باستانی و تعمیم آموزش و پرورش کمک بسیار کرد و شیوه کشاورزی مکانیزه



را معمول کرد، به طوری که دشت مغان را احیا و در سال ۱۳۳۰ هم شهر صنعتی پارس آباد مغان را بنا نهاد و مدرسه کشاورزی شاه آباد غرب را نیز تأسیس کرد. بنیانگذار پارس آباد مغان، استاندار سیستان و بلوچستان و اصفهان، نماینده مردم تهران در مجلس سنا، رئیس کشاورزی استان گیلان و نیز سرپرست کلیه کارخانه های شمال کشور، برخی از سمت های مهم اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۵۳).

پارسا، احمد (۱۲۸۴-۱۳۷۶ خ)، فرزند میرزا حسین اعتضاد لشکر، در روستای تراران



تفرش به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی را در دبستان هدایت تهران و دوره اول دبیرستان را در مدرسه آلیانس گذراند و سپس به تحصیل علوم طبیعی در دارالمعلمین عالی تهران و پس از آن دانشگاه رن و پوآتیه فرانسه پرداخت. ایشان پس از دریافت دکترای گیاه شناسی به ایران بازگشت و ابتدا در سمت دانشیار علوم طبیعی و سپس در مقام استاد گیاه شناسی دانشکده علوم دانشسرای عالی استخدام شد. **پدر** علم گیاه شناسی نوین و نخستین پژوهشگر گیاه شناسی ایران در نخستین مرحله پژوهشی، نمونه های گیاهی تفرش و سپس با همراهی شاگردانش نمونه های دیگر نقاط ایران را گردآوری و در سال ۱۳۳۴ موزه علوم طبیعی ایران را تأسیس کرد. پروفیسور پارسا آثار مکتوبی هم دارد که برخی از آنها عبارتند از: تحقیق در گیاه، گیاهان شمال ایران، دارونامه به زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه، فلور ایران، تیره شناسی گیاه و اندام شناسی (حیدری، ۱۳۹۹: ۵۴).

پارسا، نبی (۱۲۷۳ خ)، فرزند محمد رحیم خان دیز آبادی چرایی (**خنداب**)، از رزمندگان همراه آقانوالدین بود که به اتفاق علی آقا فراهانچی در کرمانشاه و با هدف دفاع از مرزهای ایران در جنگ جهانی اول به ایشان ملحق شد و در کسوت نویسنده، سفرنامه ای نوشت که خلاصه آن چاپ شده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۴۰).

پارسا فر، حمیده (۱۳۵۹ خ)، متولد مأمونیه (**زرنديه**)، از ۷ سالگی تجربه سرودن دارد و در سال ۱۳۸۲ نخستین آثارش در موضوع شعر کودک با نام «بهشت جای مادر» و نیز «تُپلی و پیشی» را منتشر کرد و از آن پس اشعارش در نشریات هم منتشر می شد. سوره های سرکش فانوس، ماهی ها با سرانگشت تو عاشق می شوند و... از دیگر آثار اوست. این شاعر زرنده، رتبه نخست بخش شعر زنان در بیست و پنجمین کنگره ملی شعر دفاع مقدس (آذرماه ۱۴۰۲) را کسب کرد (چراغی، ۱۳۹۵: ۴۴۱).

پازیار، عادل (۱۳۶۳ خ)، زاده **اراک**، عکاس و منتقد هنری، دارای مدرک کاردانی عکاسی



خبری و کارشناسی خبرنگاری از دانشکده خبر می باشد. معاون دبیر سرویس عکس خبرگزاری ایرنا، نفر نخست مسابقه نقاشی دانش آموزان سراسر کشور (۱۳۷۸)، تقدیر در جشنواره پژوهشی دانشگاه های کشور (۱۳۸۴)، منتخب عکس رایزنان فرهنگی در فرانسه (۱۳۸۳)، نفر نخست جشنواره عکس انسان و ترافیک (۱۳۸۸)، منتخب نهایی دومین جشنواره عکس شید (۱۳۹۰) و شرکت در بیش از سی دوره نمایشگاه گروهی عکس، بخشی از فعالیت های برجسته اوست.

پازیار، ناصر (۱۳۳۸ خ)، فرزند محمد و بانو هاجر، متولد اراک، دانش‌آموخته‌ی از دانشسرای هنر تهران در رشته هنرهای تجسمی است و سابقه تدریس در آموزشگاه کمال الملک را دارد و به مدت ۳۵ سال مدرس هنر در مقاطع مختلف تحصیلی در مدارس، هنرستان و تربیت‌معلم دختران بوده که ۳۰ سال از این دوره را سرگروه هنر و ۲۰ سال هم مسوول و داور مسابقات فرهنگی، هنری در آموزش و پرورش و تربیت معلم بوده و بارها و بارها رتبه نخست کشوری و استانی کسب کرده است.



پاشنگ، مریم (۱۳۵۱ خ)، فرزند مصطفی، اهل فراهان، نویسنده و پژوهشگر اقتصاد سیاسی و نفت، دانش‌آموخته روابط بین‌الملل از واحد علوم و تحقیقات تهران است که در حوزه مطالعات امنیت انرژی و مسائل خاورمیانه فعالیت می‌کند. این نویسنده **دلیجانی**، از هر دو طرف پدر و مادر از نوادگان احمد فاضل‌نراقی است. او مقالاتی به فارسی در مجلات معتبر داخلی دارد و نیز چندین کتاب به چاپ رسانده و آخرین آثار پژوهشی وی عبارتند از: ترجمه کتاب «چالش‌های امنیت انرژی در قرن ۲۱»، کتاب «شناسایی عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای جهانی نفت و گاز با استفاده از تکنیک «AHP» با همکاری علی مبینی‌دهکردی و ترجمه کتاب «سیاست‌های صنعت جهانی نفت» با همکاری حجت‌اله غنیمی‌فرد.



پاکپور، محمد (۱۳۴۰ خ)، فرزند مصطفی، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش روستای دهسد (**خنداب**)، و راهنمایی و دبیرستان را در اراک گذراند و وارد سپاه شد. این دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد جغرافیا از دانشگاه تهران و دکتری جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت‌مدرس، در طول دفاع مقدس (جنگ ایران و عراق)، فرماندهی یگان زرهی سپاه را بر عهده داشت. سردار پاکپور پس از جنگ در سمت‌هایی چون فرمانده قرارگاه نصرت، معاون عملیات سپاه پاسداران، فرمانده لشکر ۸ نجف، فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا و رئیس ستاد نیروی زمینی سپاه فعالیت داشته و از سال ۱۳۸۸ تاکنون فرماندهی نیروی زمینی سپاه را بر عهده دارد.



پاک‌نیت، داود (۱۳۴۹ خ)، فرزند محمد و بانو طیبه‌خاتون، دارای اصالت **زرنديه‌ای**، تحصیلاتش را در دبستان ۱۷ شهریور و راهنمایی ابوذر گذراند و از دبیرستان علی‌ابن ابی‌طالب دیپلم گرفت. کاردانی ناپیوسته رشته مدیریت فرهنگی دانشگاه جامع علمی کاربردی، کارشناسی تکنولوژی آموزشی از دانشگاه آزاد تهران جنوب، ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد تهران غرب و دکترای صلاحیت حرفه‌ای مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، مسیر تحصیلات تکمیلی اوست. ایشان همچنین تدوین اساسنامه (خبرگزاری شبستان، انجمن قرآن و نهج‌البلاغه، انجمن پژوهشگران جوان مساجد) و تالیف ده‌ها عنوان کتاب و مقاله از جمله: چکیده برنامه راهبردی



شهرستانهای ساوه و زرنديه (زرساو) در گام دوم انقلاب، اقتصاد مقاومتی زیرساخت گام دوم انقلاب، اولویت سنجی فرهنگ و تبلیغ دینی، اصطلاحات پر کاربرد علوم اداری و مدیریت و برخی عناوین دیگر را در کارنامه دارد.

پذیرا، ولی‌اله (۱۳۱۴ خ)، فرزند میرزا علی‌اصغر، زاده روستای البرج (شازند)، دبستان را

در مدرسه امیرکبیر گذراند و یک‌سال به دبیرستان شکرایی رفت و ترک تحصیل کرد و به تهران رفت ولی در سال ۱۳۳۴ به اراک بازگشت و پس از ازدواج در تهران ساکن شد، لیکن در سال ۱۳۵۳ در اراک به‌استخدام شرکت نفت در آمد و با ادامه تحصیل، در رشته ادبی دیپلم گرفت و در سال ۱۳۷۴ بازنشست شد. این شاعر به موسیقی، نقاشی و خطاطی هم علاقه داشت و از سبک خراسانی و عراقی پیروی می‌کرد و بیشتر غزل و گاهی هم قصیده می‌سرود (مجدی، ۱۳۸۴: ۱۸۷).



پرهیزگار، شیرین (۱۳۳۶ خ)، فرزند محمد، زاده اراک و کارشناس زبان‌وادیات فارسی

که بیشتر به نوشتن داستان‌های کوتاه ادبی و آموزنده می‌پردازد و یکی از داستان‌هایش به‌نام «ایستگاه» در هفته‌نامه لاله سرخ چاپ شد. او هم‌چنین شعر نو نیز می‌سراید (مجدی، ۱۳۸۴: ۱۹۱).



پرور، سوسن (۱۳۵۴ خ)، زاده کرهرود (اراک)، از سال ۱۳۷۲ بازی در تئاتر را آغاز و در

سال ۱۳۸۷ با سریال بزنگاه به‌شهرت رسید. برخی از مهمترین فیلم‌هایی که این سینماگر در آنها ایفای نقش کرده عبارتند از: روزگار قریب، خوب بد زشت، میریم مسافرت، یار مهربان، دزدوپلیس و... پرور هم‌چنین جوایز ملی و بین‌المللی زیادی دریافت کرده که از آن جمله‌اند: جایزه بهترین بازیگر زن برای فیلم بوتاکس از جشنواره بین‌المللی فیلم تورینو سینه‌فست (ایتالیا) و جشنواره بین‌المللی فیلم پکن (چین).



پرویزیان، محمدعلی (۱۳۳۳ خ)، فرزند محمد و بانو خاور، تحصیلات ابتدایی و متوسطه

را در اراک گذراند و از دانشگاه پیام نور گلپایگان کارشناسی و از آزاد اراک ارشد علوم تربیتی دریافت نمود و در آموزش و پرورش مشغول خدمت شد. وی ضمن تدریس در مدارس و دانشگاه‌های استان، سابقه ریاست بر آموزش و پرورش خنداب و سرپرستی مدارس استعدادهای درخشان اراک را هم در کارنامه دارد. ایشان علاوه بر تعلیم و تربیت، در نویسندگی هم دارای بیش از ۱۰ عنوان کتاب است که برخی از آنها عبارتند از: «آموزش فلسفه برای کودکان»، «بازی‌های هدفمند برای کودکان»، «آموزش ابراز وجود (کودکان)»، «مبانی و اصول تعلیم و تربیت (ویژه مربیان)»، «عدالت معلم»، «مهارت‌های زندگی فردی و خانوادگی (دو جلدی)»، «دیوان اشعار» و اجرای ده‌ها عنوان پژوهش در حوزه تعلیم و تربیت، نگارش ۲۰ عنوان مقاله، ۱۰ عنوان استاندارد آموزشی (ویژه آموزش



های فنی و حرفه‌ای) دیگر آثار اوست که از وی یک پژوهشگر پرکار و شاخص ساخته است.

پروین، ابوالحسن (۱۳۱۱ خ)، فرزند محمدباقر اعتماد^۱ (پیشان)، اهل خمین، ملقب به پیشان‌زاده، تحصیلات متوسطه را در خمین گذراند و سپس در دانشگاه تهران کارشناسی فلسفه خواند. این شاعر در اوان جوانی، اشعار انتقادی/اجتماعی می‌سرود و از عرفای نعمت الهی است و برخی از اشعارش در دانشنامه رجال آمده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۲۲۲).



پروین، فضل‌اله (۱۲۷۹ خ)، فرزند اسداله، نماینده مردم اراک در دوره بیست‌ویکم (۱۴ مهر ۱۳۴۲ تا ۱۳ مهر ۱۳۴۶) مجلس شورای ملی ایران بود. برخی از آثار او در مقام نویسنده و مترجم عبارتست از: رهبر جوانان (ترجمه و اقتباس از نوسنل فرانسوی)، گم‌شده پیدا شده، صدای آهسته، زیبایی و هنر، پیمان شکسته و چندین کتاب دیگر (صدیق، ۱۳۷۲: ۴۷).



پروین، محبوب (۱۳۰۰ خ)، فرزند اسداله و برادر فضل‌اله پروین، شاعر و کارمند اداره دخانیات اراک بود که در سال ۱۳۱۷ مثنوی «جهان‌آفرین را ستایش کنم» را سروده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۱).

پروین، اسداله (۱۲۵۵ خ)، رئیس و مؤسس انجمن آدمیت یکی از چندین انجمن مشروطه‌خواه بود که در اراک تشکیل شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۴۷).

پروین‌آشتیانی، صادق (زندگی ۱۴۰۲ خ)، کار حرفه‌ای خود را از سینما آغاز کرد و سال ۱۳۹۱ در فیلم «و اینک بهشت» به‌عنوان کارگردان فعالیت داشت. این سینماگر در سال ۱۳۹۶ دوره پرتلاشی را در عرصه سینما و تلویزیون گذراند و تولید سریال «سه‌شنبه‌شب» به‌عنوان کارگردان برای وی اثر مهمی محسوب می‌شود.

پزشک‌زاد، حسین (زندگی ۱۳۱۲ خ)، در سال ۱۳۱۲ رئیس بهداری ولایت ثلاث (خمین) بود و برای نخستین بار به فکر تهیه و ساخت بعضی تجهیزات جراحی که از اروپا وارد می‌شد افتاد و ۶ قطعه از وسایل جراحی را به استادکاران ایرانی داد که به‌طرز مناسبی ساخته شد و مورد تحسین اداره بهداری کل و اداره کل صناعت قرار گرفت و بدین ترتیب می‌توان وی را **نخستین** مهندس پزشکی ایران نامید (سمیعی، ۱۳۸۲: ۲۲۲).

پزشکی، احمد (۱۲۵۲-۱۳۰۲ خ)، فرزند میرزا محمدحکیم، از نخستین پزشکان تحصیل کرده دارالفنون بود که در اراک طبابت می‌کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۴۸).

پزشکی، محمد (۱۲۱۲-۱۲۹۲ خ)، فرزند غلامحسین عراقی، زاده اراک و معروف به حکیم، از نخستین طبیبان تحصیل کرده در خارج از کشور بود که در اراک آغاز به طبابت کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۵).

۱. او هم شاعر مشهوری است که تا ۲۶ سالگی در گلپایگان زندگی کرد و سپس ساکن خمین شد.

پژوهش‌فر، پیمانہ (۱۳۵۹ خ) فرزند علی و بانو اکرم، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در مدرسه فرهنگیان **اراک** گذراند و از دبیرستان شایستگان دیپلم گرفت. او همزمان با تحصیل به یادگیری هنر نقاشی نزد استاد محمد سلطانی و سپس استاد عباس آذری پرداخته و نیز به یادگیری ۳ رشته‌ی قلمزنی روی چوب (معرق و منبت)، در محضر خانم گلستانی و قلمزنی روی مس نزد استادان صحرانورد و باباخانی پرداخت و خوشنویسی را هم در محضر استاد علی میرومنی شاگردی کرد. وی در سال ۱۳۸۲ در رشته شیمی محض دانشگاه اراک دانش‌آموخته شد و سپس در رشته‌ی علوم اجتماعی همین دانشگاه ارشد گرفت و در دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای اظهر به تدریس پرداخت. «بوم‌شناسی فرهنگی استان مرکزی» نخستین اثر نوشتاری این هنرمند با موضوع آداب و رسوم و آواهای کاری است که با حضور در بیش از ۴۰۰ روستای استان گرد آورده که نخستین گنجینه‌ی کارآواهای استان مرکزی است. این هنرمند فعال ضمن تأسیس موسسه استعدادسنجی کودکان و نوجوان، راهاندازی نخستین تور گردشگری کودک را هم در کارنامه دارد و تاکنون صدها تور تخصصی برای نونهالان استان برگزار نموده که از این حیث چهره موثری به‌شمار می‌رود.



پسندیده، سیدمرتضی (۱۳۷۵-۱۳۷۴ خ)، فرزند سیدمصطفی شریعتمدار و نوه سیداحمد هندی فرزند دین‌علیشاه و نیز برادر بزرگ امام خمینی و آقا نورالدین هندی است. وی ابتدا در **خمین** به مکتب‌خانه رفت و سپس در درس خصوصی میرزا محمود (افتخارالعلماء) در منزل شرکت کرد و جهت تکمیل تحصیلات به عتبات عزیمت کرد. این عالم دینی، هم‌رزم و هم‌سنگر امام‌خمینی و رابط مردم با ایشان بود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۲۲۷).



پناهی، محمد (۱۳۴۹ خ)، فرزند نجفعلی و بانو زهرا، متولد روستای قارلوق (**ساوه**)، تحصیلات ابتدایی را در دبستان اقبالی گذراند و از دبیرستان آیت‌اله کاشانی قم دیپلم گرفت و با قبولی در کنکور سراسری، برای ادامه تحصیل به دانشگاه علوم پزشکی تهران رفت. دوران تحصیل و پس از آن به‌نگارش کتاب و نویسندگی پرداخت و تاکنون ۳۵ عنوان کتاب در زمینه آموزشی و پزشکی تألیف کرده است. دکتر پناهی در طول دوران فعالیت علمی و اجرایی خویش، منشأ خدمات فراوانی در سطح استانی و ملی بود که تأسیس شورای راهبری گردشگری سلامت کشور، تأسیس **نخستین** سلامتکده تخصصی طب سنتی بخش خصوصی کشور، ایجاد معاونت طب سنتی در دانشگاه علوم پزشکی البرز، ایجاد دبیرخانه کمیته گردشگری طب ایرانی در وزارت بهداشت، ایجاد کمیته طب سنتی در دانشکده علوم پزشکی ساوه، ایجاد کمیته گردشگری سلامت در اداره کل میراث فرهنگی استان‌های تهران، قم و البرز، کمک به توسعه زیرساخت‌های روستای محل تولد و برگزاری کارگاه‌های آموزشی/مهارتی طب سنتی ایرانی ویژه پزشکان و کادر درمان در دانشگاه‌های علوم پزشکی البرز و ساوه از آن جمله‌اند. دکتر پناهی، در مهرماه ۱۴۰۲ به‌عنوان برگزیده بخش گردشگری سلامت استان تهران، لوح و



جایزه برتر دریافت کرد.

پورحاتمی، تقی (۱۲۸۰-۱۳۵۶ خ)، معروف به تقی حاتمی، فرزند میرزا یوسف مستوفی

تفرشی، پس از تحصیلات مقدماتی، از سال ۱۳۰۵ به محضر استاد بزرگ عمادالکتاب

راه یافت و در نهایت شوق و ذوق، از تعلیمات این هنرمند ارزنده و برجسته بهره‌مند شد. او

در خط نستعلیق متبحر و در خط شکسته نیز توانا گشت و افراد بسیاری را در این هنر

آموزش داد که از این میان می‌توان به استاد عباس منظوری اشاره کرد. استاد حاتمی به‌عنوان معاون

کارگزینی مجلس شورای ملی اشتغال داشت و در کنار آن به خوشنویسی کتب مختلف نیز می‌پرداخت. از

مهم‌ترین آثار کتابت شده این کارگزار خوشنویس می‌توان به دیوان آقاصادق هجری تفرشی، ارشادالبیان

شیخ عطار، اسرارنامه شیخ عطار، مصیبت‌نامه شیخ عطار، پندنامه و مظهرالذات شیخ عطار، حقیقه‌الحقیقه

حکیم سنایی، الصلوه فیض کاشانی، ترجیع‌بند هاتف اصفهانی و... اشاره کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۰).



پورعطار، مجید (۱۳۴۵ خ)، فرزند علی کوثر و بانو بلقیس، تحصیلاتش را در دبستان

هدایت و راهنمایی علامه طباطبایی گذراند و از دبیرستان دکتر بهشتی **اراک** دیپلم گرفت.

او سپس در دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران مهندسی مواد خواند و از دانشگاه علم و صنعت

ایران فوق‌لیسانس گرفت. وی کار خود را از یک پروژه‌ی صنعتی خانوادگی و تدریس در

دانشگاه آزاد اراک آغاز نمود و سپس وارد شرکت آلومینیوم ایران شد و مرکز تحقیقات و تکنولوژی آلومینیوم

ایران را پایه‌گذاری کرد. عضو تیم تدوین لایحه‌ی ادغام وزارتخانه‌های «صنایع» و «معادن و فلزات»، از

همان ابتدا به سازمان تازه‌تاسیس «توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)» پیوست و

به‌عنوان مدیر آلومینیوم، مدیر فلزات غیرآهنی و مشاور رئیس هیات عامل ایمیدرو، علاوه بر عضویت در تیم

تدوین استراتژی توسعه‌ی صنعتی کشور، نقش موثری در افزایش ظرفیت تولید آلومینیوم و مس کشور و

نیز راه‌اندازی کارخانه‌ی تولید آلومینای جاجرم ایفا نمود. پایه‌گذار طرح تولید پترولیوم کک از پسماند‌های

پالایشگاهی و راه‌اندازی واحد نیمه‌صنعتی آن با همکاری پژوهشگاه نفت برای نخستین‌بار در ایران، پایه‌گذار

و تدوین‌کننده‌ی برنامه‌ی «خلق تمدن نوین با تبدیل انرژی گاز به انرژی جامد» برای نخستین‌بار در ایران،

پایه‌گذار و مجری نیروگاه هرمز به‌عنوان نخستین نیروگاه ایمیدرو و وزارت صنایع به روش B.O.T¹ با

مشارکت و سرمایه‌گذاری دو شرکت ایرانی و آلمانی، پایه‌گذاری و مطالعه بر روی تولید «آند خنثی» به‌عنوان

پیشانی صنعت آلومینیوم جهان و تولید «سوپر آلیاژ» مورد نیاز توربین‌های گازی صنعتی و هوایی با همکاری



دانشگاه صنعتی شریف برای نخستین بار در ایران از دیگر اقدامات اوست. وی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ به مدت ۶ سال عضو هیات مدیره و نایب رئیس انجمن مهندسين متالورژی و مواد ایران و از سال ۹۲ تا ۹۶ عضو هیات مدیره ایرالکو بود و در سال ۱۳۹۴ مدیرعامل این شرکت شد. برچیدن همه‌ی خطوط قدیمی تولید آلومینیوم و جایگزینی با خطوط جدید و مطابق با استانداردهای زیست‌محیطی به‌همراه کاهش ۱۵ درصدی مصرف انرژی در راستای «توسعه‌ی پایدار»، تاسیس باشگاه فرهنگی و ورزشی آلومینیوم اراک در راستای «مسئولیت‌های اجتماعی» برخی دیگر از سوابق اوست که برایش «نشان عالی مدیر شایسته‌ی ملی» در سال ۱۳۹۴ را به ارمغان آورد.

پورمحسن عراقی، امین (۱۲۷۵-۱۳۵۱ خ)، فرزند حاج‌آقا محسن در اراک متولد شد و در دوره هفتم مجلس شورای ملی (۱۴ مهر ۱۳۰۷ تا ۱۴ آبان ۱۳۰۹) به‌عنوان نماینده مجلس از طرف مردم خمین و محلات انتخاب شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۲).



پورمقیم، سیدجواد (۱۳۱۹ خ)، اهل اراک، دانش‌آموخته اقتصاد از دانشگاه ایالتی ایوا امریکا است که به مدت ۳۵ سال استاد تمام دانشگاه الزهرا بوده و به‌عنوان نویسنده و مترجم علاوه بر تألیف کتب دانشگاهی، مقالات متعددی در نشریات معتبر علمی داشته و مجری طرح‌های پژوهشی بسیاری نیز بوده و دو کتاب اقتصاد بخش عمومی و تجارت بین‌الملل از آثار تألیفی اوست. کتاب‌های ترجمه شده وی هم عبارتند از: اقتصاد مدیریت (ایوان داگلاس)، رویکردی جدید به اقتصاد خرد میانه (هال واریان)، نظریه و مسائل اقتصاد مدیریت (دومینیک سالواتوره).



پورونداد، بهزادان (۹۷-۱۳۴ خ)، متولد روستای بازنه (شازند)، جنگجوی دلاوری بود



که به توصیه ابراهیم امام (از بزرگان بنی‌عباس)، به عبدالرحمن تغییر نام داد و راهی خراسان شد. او پس از پیروزی بر حاکم خراسان و تسخیر مرو، سپاهی روانه سورستان عراق (استان نوزدهم ایران) کرد و توانست در سال ۱۲۸، مروان آخرین خلیفه اموی را شکست دهد و با بر تخت نشاندن ابوالعباس عبدالله سفاح، به‌عنوان نخستین خلیفه عباسی، به امین آل محمد ملقب و به امارت خراسان منصوب شود. ابوجعفر منصور، خلیفه دوم عباسی که از قدرت این سردار شجاع ایرانی و رهبر جنبش موسوم به سیاه‌جامگان بیمناک بود، او را با فریب به مقر خلافت فراخواند و در سال ۱۳۴ با ناجوانمردی به شهادت رساند تا یاد یک سردار شجاع و تاریخ‌ساز ایرانی جاودان شود. ابومسلم، نخستین شخصیت ایرانی بود که تلاش کرد یک حکومت ایرانی تشکیل دهد و هرچند در ظاهر به هدف خویش نرسید، ولی مبارزه وی زنده‌کننده فرهنگ ایرانی بود که این فرهنگ حتی بر دولت خلیفه هم چیره شد و از دیگر سو، سرآغاز قیام‌ها و مبارزات سلسله‌های محلی در نقاط مختلف ایران علیه خلیفه شد و

انقلاب ابومسلم، اساساً پایان‌دهنده حکومت عرب و آغاز یک دوره چندقومیتی با مشارکت همه مسلمانان در خاورمیانه بود و یکی از سازمان‌یافته‌ترین مبارزات دوران خویش است که تمرکز در دنیای اسلام را به سوی شرق، سوق داد^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱).

پورهادی، محمود (۱۳۳۸ خ)، فرزند عباسعلی، تحصیلات ابتدایی تا مقطع کاردانی علوم

تجربی را در **اراک** گذراند و در سال ۱۳۶۰ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و از مقطع ابتدایی تا هنرستان و دانشگاه تدریس کرد. او از سال ۱۳۶۴ وارد انجمن خوشنویسان اراک شد و در سال ۱۳۷۲ مدرک ممتاز گرفت و از همان سال، تدریس خوشنویسی را آغاز کرد.



این هنرمند در سال ۱۳۷۶ در کلاس فوق‌ممتاز امیرخانی شرکت و در سال ۱۳۸۹ گواهینامه استادی نستعلیق (معادل دکترا) دریافت کرد. این استاد فوق‌ممتاز خوشنویسی تاکنون بالغ بر ۵۰۰۰ نفر هنرجو تربیت کرده که ۱۲۰ نفر ممتاز و ۱۰ نفر فوق‌ممتاز و یک نفر به درجه استادی رسیده‌اند. وی همچنین ۴ نمایشگاه انفرادی در اراک و تهران و یک نمایشگاه ۶ نفره در پاریس برگزار کرده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۶۴).

پوشی، غلامعباس (۱۳۳۱-۱۳۸۴ خ)، فرزند غلامرضا، متولد **اراک**، در سال ۱۳۴۹ با

دریافت دیپلم فرهنگ‌وادی، در نیروی هوایی به‌عنوان حسابدار استخدام شد. او دوره

خوشنویسی را نزد استادان شکراله مدنی، بهرام پوران‌پیر، حبیب‌اله امیدوار و استاد بزرگ

فتحعلی واشقانی گذراند و به درجه ممتازی رسید. این هنرمند خوشنویس همچنین به



صورت خودآموز، نقاشی و آواز را هم فراگرفت و تاکنون چهار نمایشگاه انفرادی خوشنویسی برگزار کرده و از شهر اوترخت هلند در سال ۱۳۷۲ مدرک ایلستریشن دریافت کرد. او در بازگشت به ایران و تا پایان عمر به کار آموزش خوشنویسی در انجمن خوش‌نویسان استان پرداخت. برخی از آثار وی عبارتند از: کتابت و خوشنویسی کتاب «بررسی الفبا و خط در ایران و خوشنویسان اراک»، رسم‌الخط امیرکبیر به‌همراه اسداله رضوانی‌فرد و... (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۶۶).

پیراسته، سیدمهدی (۱۲۹۱ خ)، فرزند معتمد، اهل **خمین**، شاغل در وزارت دادگستری و عضو حزب

وحدت ایران بود. استاندار فارس و خوزستان و سپس وزیر کشور در کابینه اسداله علم، از سوابق دیگر اوست.

^۱. این جنگجوی نام‌آور اصالتاً اهل کرج ابودلف (کهرود سلطان‌آباد) است (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۳۶۶) که در سال ۹۷ خ در اصفهان (رضائی، ۱۳۷۸: ۵۶۴)، روستای بازنه^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱) متولد و نام اصلی‌اش «بهزادان پسر ونداد» بود که به توصیه ابراهیم امام (از بزرگان بنی‌عباس)، به عبدالرحمن تغییر نام و راهی خراسان شد تا رهبری جنبش ضد اموی را بر عهده گیرد. البته عده‌ای از مورخان او را از اهالی کرج ابودلف (کهرود) دانسته‌اند و به‌طور قطع درباره کهرودی بودن ایشان نه در میان متقدمین و نه در بین متاخرین اتفاق نظر وجود ندارد.

دکتر پیراسته هم‌چنین در دوره های ۱۶ و ۱۸ مجلس شورای ملی نماینده مردم ساوه و زرنديه بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۴۸).

پیرصدر قلندر (قرن...)، مشهور به حیدر قلندر، از فرزندان حضرت خواجه فقیه زاهد و از سلسله سیدجمال-الدین محمد **ساوجی** است. این عالم دینی درویشی باخبر از فقر بوده و در تکیه زنجیری تبریز سکونت داشته و در همان‌جا از دنیا رفته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۹۰).

پیرهادی تواندشتی، محمود (۱۳۴۳- ۱۴۰۱ خ)، فرزند حسن، اهل **شازند**، از کودکی



و پیش از مدرسه با کتاب و کتاب‌خوانی آشنا شد. او علاوه بر مدیریت صنعتی، رشته‌های مختلفی مانند کتابداری، روش تحقیق، جامعه‌شناسی و... را هم فرا گرفت. پیرهادی در کنار زندگی فرهنگی، در وادی صنعت نیز فعال بوده و در رشته‌هایی مانند ماشین‌افزار، مدیریت کیفیت، بازرسی‌های فنی و... دارای مهارت بود. وی هم‌چنین به‌عنوان مدرس از سال ۱۳۸۸ همکاری با دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی و ادارات استان‌های مرکزی و همدان را آغاز کرد. او از سال ۱۳۷۲ به شکل متمرکز در قالب فرهنگنامه استان مرکزی در شانزده جلد اطلاعاتی در مورد اشخاص، اماکن، کتب، لغات، اصطلاحات و... گردآوری کرد و برخی از تألیفات وی در مقام نویسنده هم عبارتند از: آشنایی با گاه‌شماری در ایران باستان، شاهنامه از منظری دیگر، آشنایی با فروهر و فره ایزدی، ظلم مضاعف یا قصه تواندشت، فرهنگ اصطلاحات اسماعیلیه، چهل چراغ هدایت، تاریخچه تصوف در استان مرکزی، آفتاب راستین، احوال و آثار خوشنویسان استان مرکزی و...

پیر مرادآباد (زندگی ۲۲۰ پیش‌هجری)، موضوع داستان‌های محلی است که در آن، شاهپور ساسانی (۳۱۲-۲۴۲ پیش‌هجری) وقتی برای نبرد با دشمن از این منطقه گذر می‌کند، در این مکان از پیرمرد وارسته‌ای که در آنجا حضور داشته در خصوص پیش‌بینی پیروزی و شکست خود می‌پرسد و او مؤدبه پیروزی می‌دهد. وی پس از پیروزی برای اینکه از پیرمرد تشکر کند نزد او می‌رود ولی متوجه می‌شود که او دار فانی را وداع گفته است، شاهپور نیز برای تشکر، دستور ساخت بنای یادبودی را می‌دهد که بعدها از بین می‌رود، لیکن در دوره سلجوقی بقعه‌ای دوباره بنا می‌گردد و تا امروز موجود است^۱ که به‌نوعی نشانه‌ای از هویت تاریخی اراک به‌شمار می‌رود.

۱. واقع در روستای مرادآباد در ۱۴ کیلومتری شمال شرقی اراک و ۴ کیلومتری شمال شرقی مشهد میقان.

پیروزار جمندی، مسعود (۱۳۶۶ خ)، فرزند یحیی و بانو رقیه، تحصیلاتش را در دبستان

سما و راهنمایی شهید مشتاق گذراند و از هنرستان شهید مفتاح **ساوه** دیپلم کامپیوتر گرفت.

او سپس از دانشگاه آزاد ساوه کاردانی کامپیوتر و از پیام‌نور ساوه کارشناسی مدیریت و

برنامه‌ریزی آموزشی و از دانشگاه آزاد ساوه فوق‌لیسانس گرفت. وی که هم‌زمان در کانون

فرهنگی مساجد، انجمن‌های اسلامی و نشریه آدینه فعالیت داشت با تأسیس مؤسسه مردم‌نهاد

فرهنگی/اجتماعی به فعالیت‌های خویش تمرکز بخشید و در سال ۱۳۸۸ به‌عنوان برترین سازمان مردم‌نهاد

استان لوح تقدیر گرفت. او همچنین به‌عنوان مربی و مدیر ورزشی در فوتسال رده‌های پایه موفق به کسب

عناوین مختلف از جمله لوح تقدیر از معاونت فرهنگی و سلامت وزارت آموزش و پرورش شد. این عضو باشگاه

پژوهشگران جوان و سرای اهل قلم، خانه کتاب و ادبیات ایران در زمینه نویسندگی هم آثاری دارد که برخی

از آنها عبارتند از: شهرت سازمانی در آموزش عالی، کارآفرینی، ایجاد یک فرهنگ نوآوری در آموزش عالی،

چالش تبدیل شدن و ماندن دانشگاه در سطح جهانی، تبیین استقرار و راه‌اندازی فرهنگ نوآوری و...

پیروی ساوجی، امیربیگ (قرن ۱۰)، در دوره جلال‌الدین محمد اکبر شاه به هندوستان مهاجرت کرد و

در همان‌جا درگذشت. این شاعر اهل **ساوه** در غزل‌سرایی طبعی خوش داشت و در نقاشی هم استاد بود.

دیوان شعری به نام «صورت و معنی» دارد که آغازش چنین است: خداوندا زمعی تنگدستم/ببخشایم که بس

صورت پرستم (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۹۰).



ت

تاج‌آباد، محسن (۱۳۳۷ خ)، فرزند عبدالرحمن، پس از دریافت دیپلم طبیعی، در دانشگاه **اراک**، زیست

شناسی خواند و سپس به‌عنوان دبیر به استخدام آموزش و پرورش درآمد. تاج‌آباد از دوران ابتدایی به

خوشنویسی علاقه‌مند بود و در سال ۱۳۶۶ به انجمن خوشنویسان اراک گام نهاد و سپس برای تکمیل

آموخته‌های خود در خط نستعلیق، به محضر غلامحسین امیرخانی شتافت و موفق شد در سال ۱۳۶۹ به

درجه ممتازی برسد. او سپس در سال ۱۳۷۱ دوره فوق‌ممتاز امیرخانی را با موفقیت سپری کرد و از سال

۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۴ در انجمن خوشنویسان اراک به تدریس پرداخت و توانست در این مدت کوتاه چندین

هنرجو را تا اخذ درجه ممتاز آموزش دهد.

تاجبخش، هدایت (۱۳۱۹ خ)، اهل **اراک**، از نخستین پایه‌گذاران فن تاکسیدرمی در

ایران، تحصیلات خود را در رشته تاکسیدرمی با درجه دکتری و با موضوع بافت‌شناسی

حیوانات وحشی از آمریکا دریافت کرد و هم‌اکنون در کارگاه تاکسیدرمی موزه طبیعت و

حیات وحش ایران واقع در منطقه دارآباد تهران مشغول به کار است. هنگامی که پدرش در



لرستان راهنمای گروه هیأت علمی ویلیام استریت بود، بسیاری از شکارهای هدایت و برادرش مورد توجه این هیأت سی نفره قرار گرفت و با حمایت و راهنمایی آنها در سال ۱۳۴۱ همراه برادرش به شیکاگو، سیاتل و سپس واشنگتن رفت و دوره‌های مربوط به این رشته از جمله طراحی، عکاسی، مجسمه‌سازی، آناتومی حیوانات، زیست، شیمی و دیوراما (اقلیم‌سازی) را در مؤسسه برادران جونز گذراند و سال ۱۳۴۶ به ایران بازگشت و با همکاری کانون شکار وقت، شروع به فعالیت کرد. او در سال ۱۳۴۷ با روش‌های نوین علمی به‌این امر مبادرت ورزید و تا به امروز، تنها مؤسسه مجاز ایران برای انجام تاکسیدرمی^۱ حیوانات است.

تاجدوست، علی (۱۳۲۶ خ)، فرزند حسین و بانو تاج‌افسر، تحصیلات مقدماتی را در



دبستان سپهدار و عظیمی **اراک** گذراند و از دبیرستان محمدرضا شاه دیپلم گرفت. او از سال ۱۳۴۴ به شعرخوانی علاقه‌مند شد و ذوق سرودن در او شکل گرفت. این شاعر در سال چهارم دبیرستان نخستین سروده‌اش را برای همکلاسی‌ها خواند و یداله تبریزی دبیر ادبیات مشوق وی شد و تاکنون با تخلص «خسته» بیش از سه‌هزار بیت سروده که دوهزار بیت آن را جهت چاپ انتخاب کرده است. از سال ۱۳۹۰ علاقه‌مند به سرودن اشعار طنز و اشعاری به لهجه اراکی شده و اشعار طنز وی در هفته‌نامه «نوید» به چاپ می‌رسید.

تایب تفرشی، فخر (قرن ۱۲)، از شاعران قرن دوازده **تفرش** است که اشعار لطیف با مضمونی تازه می‌سروده و این بیت از اوست: هست مروارید گوشت خانه‌زاد چشم من / طفل بازیگوش گم کرده است راه خانه را (صدیق، ۱۳۷۲: ۴۹).

تبرایی، محمد (۱۳۶۲ خ)، اهل **ساوه**، کارشناس ارشد تأسیسات فنی و نوازنده تار، تعلیم‌یافته نزد استاد بهروزخان مبصری و محسن آعلایی است و اجرای صحنه‌ای در زرنديه و شیراز هم داشته است.

ترابی، احد (۱۳۲۵ خ)، زاده روستای کودزر (**فراهان**)، در کلاس‌های آزاد خوشنویسی



از محضر استادانی مانند سیدحسین میرخانی بهره‌مند شد و در سال ۱۳۵۴ مدرک ممتاز را از انجمن خوشنویسان دریافت کرد. وی فعالیت خود را در آموزش و خلق آثاری در خط ثلث و نوشتن کتیبه‌ها آغاز کرد و در سال ۱۳۵۹ به‌عنوان خوشنویس نهاد نخست‌وزیری مشغول به خدمت شد. ترابی در طی چندین سال، کتیبه بسیاری از مساجد و اماکن مذهبی ایران و دیگر کشورهای اسلامی نظیر مصر، سوریه و نیز مسجد مسکو را خوشنویسی کرد. از دیگر فعالیت‌های این هنرمند برجسته استان، خوشنویسی آرم کنفرانس سران اسلامی به میزبانی ایران و کتیبه فرهنگسرای آئینه اراک

^۱ . تاکسیدرمی مرکب از دو واژه یونانی تاکسیز (taxis) به‌معنی آراستن و درما (Derma) به‌معنی پوست است و در واقع فن و هنری در زمینه پوست‌آرایی، پوست‌آمایی و درکل مجسمه‌سازی حیوانات مرده یا شکاری به‌شمار می‌آید.

است. وی هم‌چنین بنیان‌گذار گنجینه مشاهیر ایران و اسلام در محل فرهنگستان هنر است و نیز در زادگاه خود نمایشگاه دائمی آثار خوشنویسی برگزار کرده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۶۹).

ترابی، هوشنگ (۱۳۱۶-۱۴۰۱ خ)، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش (اراک)، گذراند و

سپس راهی تهران شد و در سال ۱۳۴۴، پس از گذراندن دوره تربیت‌معلم به‌استخدام آموزش و پرورش درآمد. این شاعر در خلال خدمت آموزشی در رشته ادبیات ادامه تحصیل داد و به‌تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت. قریحه شعری او از زمان تحصیل در دبیرستان نمایان شد و در انجمن‌های ادبی تهران حضور یافت و با تخلص «شهرآز» در انواع شعر اعم از قصیده، غزل، قطعه و مثنوی طبع‌آزمایی کرد و در ساختن شعر به‌گوش و لهجه اراکی خوش درخشید. «گلپانگ اراکی» کتابی است حاوی اشعار او با گویش اراکی^۱ (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۲۶).



ترابی نراقی، محمد (۱۳۴۹ خ)، فرزند فتح‌اله، متولد نراق (دلیجان)، پژوهشگر برتر حوزه

اصفهان و نراق، تحصیلات مقدماتی را در نراق و شاهین‌شهر و دلیجان گذراند و از دانشگاه تهران فوق‌لیسانس علوم پایه و سپس دکترای تغذیه گرفت. او طی دو سال حضور در بیمارستان ۵۰۵ ارتش به‌عنوان سرباز، فعالیت بر روی میکروب‌ها، مخصوصاً باکتری سل و صدها مورد سل ریوی و استخوانی و کلیوی و... را پیشه کرد و در این حوزه به تجربیات زیادی دست یافت که منجر به چاپ کتاب سل شد. وی هم‌چنین تحقیقات زیادی بر روی ویروس ایدز انجام داد و نتایج آن‌را در قالب کتاب ایدز منتشر کرد. برخی دیگر از آثار مکتوب این عضو هیأت علمی دانشگاه نراق عبارتند از: بررسی عوامل باکتری‌ها در عفونت‌های بیمارستانی (بیمارستان شهیدبهبشتی کاشان)، جلبک‌ها و نقش آنها در زندگی انسان، اسرار و معماهای بیماری ایدز، بیماری سل، باکتریولوژی سل، میکروبیولوژی مواد غذایی، قطره‌ای از اقیانوس زیست‌شناسی، تغذیه سالم در یک نگاه، بهبود شیوه زندگی و چندین اثر دیگر.



ترخورانی، رجبعلی (۱۲۳۰-۱۳۰۰ خ)، فرزند میرزا علی مؤذن، تحصیلات مقدماتی را

در مکتب‌خانه و نزد پدر گذراند و در محضر استادان زمان به علوم ادبی و دینی آشنایی کامل پیدا کرد و به ادبیات فارسی و عربی مسلط شد. این عارف سلیم‌النفس، از صدای خوش و رسایی برخوردار بود و به آداب اذان، مناجات، روضه، تعزیه‌خوانی و قرائت قرآن، اشراف و به ردیف‌های اصیل آوازی و موسیقی سنتی تسلط داشت. پس از تأسیس تکیه دولت و به دستور ناصرالدین شاه به‌عنوان یکی از تعزیه‌گردانان و شبیه‌خوانان انتخاب شد و با هدف احیای تعزیه و تنظیم و تدوین نسخه‌های قدیم، از **تغزیش** به‌دربار قاجار دعوت شد. ایشان شاگردان بسیاری تربیت کرد که پسرش



^۱ در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ میزبان برخی از اعضای برجسته انجمن امیرکبیر (اراک‌های مقیم تهران) از جمله استاد شهرآز بودم در گشایش خانه تاریخی امیرکبیر در روستای هزاوه و باهم در ارتباط بودیم.

حسینعلی نکبسا (استاد موسیقی آوازی ایران)، از آن جمله‌اند که از پنج‌سالگی در تکیه دولت بچه‌خوانی می‌کرد. وی در دربار محمدعلیشاه اذان و مناجات می‌گفت و لقب حاجی‌مؤذن گرفت (حیدری، ۱۳۹۹: ۶۰).
ترخورانی تفرشی، ابوالقاسم (زندگی ۱۲۰۰ خ)، فرزند سیدابراهیم و از خوشنویسان نسخ‌نویس است که در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم می‌زیست. از آثار این هنرمند خوشنویس می‌توان به رساله تحفه‌الائم‌العلیه فی‌الحکمه‌العملیه، از فتح‌اله بن‌احمد بن محمود شهرستانی سبزواری اشاره کرد. این نسخه خطی به خط نسخ روشن و به دستور محمدتقی‌میرزا ملقب به رکن‌الدوله در بهمن‌ماه ۱۱۷۳، با خطی زیبا تذهیب‌کاری و خیلی نفیس نوشته شده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴).

تشیدساوجی، علی‌اکبر (۱۲۷۳ خ)، فرزند محمداسماعیل، از ایل ولی‌یاری، تحصیلاتش را تا ۱۴ سالگی در روستای باغ‌شیخ (**ساوه**) گذراند و سپس در قم و تهران فقه و اصول و مختصری نیز حکمت خواند و وارد دادگستری شد. او سپس با سمت دادستان و مشاور حقوقی وارد مجلس شورای ملی شد. ساخت آب‌انبار، چندین حجره و یک آشپزخانه در اطراف صحن امام‌زاده سیدهارون بن موسی‌الکاظم، تکمیل و تجهیز مسجد باشکوه امیریه تهران، تأسیس درمانگاه فاطمه زهرا تهران و احداث مسجد روستای باغ‌شیخ از خدمات اجتماعی اوست. وی هم‌چنین نویسنده حدود ده عنوان کتاب است که پیام‌هایی از بیت‌المقدس، تحفه تشید، کشور دوزخ (ترجمه)، هدیه اسماعیل، ارمغان جاوید، مجله تاریخ اسلام، قهرمانان اسلام (سه جلد) و... از آن جمله‌اند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۰۷).

تشیدساوجی، محمداسماعیل (زندگی ۱۳۴۴ خ)، فرزند علی‌اکبر، از ایل ولی‌یاری، اهل روستای باغ‌شیخ **ساوه** در خاندان علم‌و‌عمل پرورش یافت و دارای تحصیلات عالیه است و در کسوت نویسنده کتابی دارد به نام «انتخاب روش بی‌هوشی» که در سال ۱۳۴۴ و در ۶۸۰ صفحه به چاپ رسیده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۲۱).

تفرشی نجفی، احمد (درگذشته ۱۲۷۰ خ)، فرزند حسین، عالم دینی و فقیه متبحر که در اصفهان از محضر شیخ محمدباقر اصفهانی بهره گرفت، سپس به نجف اشرف رفت و به‌ترتیب از محضر علامه شیخ مرتضی انصاری و فاضل ایروانی استفاده کرد و در کنار تحصیل، به تدریس علوم دینی و نیز تألیف پرداخت. تقریرات فاضل ایروانی (فقه و اصول)، تعلیقه بر کتاب وسایل شیخ‌انصاری در چند جلد، تعلیقه بر کتاب مکاسب شیخ انصاری در چند جلد، مباحثی متفرقه در فقه و اصول، ۱۲ جلد ینابیع‌الاصول، محاکمات‌الاصول و... برخی از آثار مهم این عالم دینی است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۴۹).

تفرشی، ابوالحسن (۱۲۶۱-۱۳۳۲ خ)، فرزند میرزا عبدالوهاب، دانش‌آموخته مدرسه دارالفنون در رشته طب بود و مدتی در اروپا طب خواند و سپس رئیس بیمارستان دولتی شد. «مفتاح‌الدلائل» در موضوع شناخت نبض و «مطلع‌الطب ناصری» در شناخت بیماری‌های داخلی از این طبیب نویسنده است که پس از مدتی

طبابت در اراک، تبریز و تهران به سمت استادی دارالفنون رسید (صدیق، ۱۳۷۲: ۵۱).

تفرشی، ابوالقاسم (درگذشته ۱۲۵۱ خ)، معروف به معین‌الملک، از سادات **تفرش**، فرزند میرزا اسماعیل^۱ در سال ۱۲۳۹ به‌منصب لشکرنویس‌باشی رسید و در سال ۱۲۴۹ به‌جای میرزا محمدحسین فراهانی به تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد و تا پایان عمر یعنی فروردین ۱۲۵۱ در این مقام باقی بود. او پدر میرزا رضا معین‌السلطنه بود.

تفرشی، ابوالقاسم (زندگی ۱۲۸۵ خ)، ملقب به لشکرنویس، فرزند میرزا عباسقلی لشکرنویس در زمان مظفرالدین‌شاه وزیر تهران بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۵).

تفرشی، احمد (زندگی ۱۲۷۵ خ)، معروف به عمادالملک، در دوره ناصرالدین‌شاه می‌زیسته و از وزرای دربار بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۵).

تفرشی، اسماعیل (زندگی ۱۲۴۵ خ)، فرزند میرزا معصوم و از علمای دوره قاجار است که برخی از آثارش عبارتند از: «منتخب داستان‌های مثنوی» که در سال ۱۲۴۵، برای مستوفی‌الممالک گردآوری کرده و نسخه‌ای از «منهج‌السالکین» سیدصدرالدین موسوی کاشف‌دزفولی در موضوع سیروسلوک را هم به‌عنوان یک هنرمند خوشنویس و به‌سبک نستعلیق نسخه‌برداری کرده است. کنز‌الغات، گلستان سعدی و تجارب السلطنت دیگر کتبی است که به‌خط زیبای او نگاشته شده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۳۰).

تفرشی، آقابابا (قرن ۱۲)، اهل **تفرش**، از شعرای قرن دوازدهم است که «شاکری» تخلص می‌کرد و دیوان شعر او هم به نام «گلبن شاکری» موجود است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۲).

تفرشی، امیرفیض‌اله (۹۵۵-۹۹۵ خ)، فرزند عبدالقاهر حسینی، از علمای شیعه و فقه‌ای به نام قرن دهم و از سادات تفرش، معاصر میرعلام تفرشی است که علوم دینی را از کودکی در تفرش آموخت و برای تحصیل به مشهد رفت. این عالم دینی پس از گذراندن دروس مقدماتی، در نجف از شاگردان خاص مقدس اردبیلی شد و از او اجازه روایت دریافت و علوم نقلی و فقه را از ایشان فرا گرفت (محتاط، ۱۳۷۲: ۲۹).

تفرشی، تقی (۱۱۹۱-۱۲۴۸ خ)، معروف به بلور، مستوفی اول دستگاه میرزا یوسف که بعداً منشی ناصرالملک نایب‌السلطنه شد. این سیاستمدار در شعر «ضیا» تخلص می‌کرد و از آثار اوست: تذکره صدراعظمی، تذکره نون‌والقلم، مثنوی اکسیر اعظم، جنت عدن، دیوان حکیم سوری و...

تفرشی، بابااحمد (زندگی ۹۵۶ خ)، از بزرگان و هنرمندان خوشنویس دوران پادشاهی شاه‌اسماعیل صفوی بود که آثاری از وی در کتابخانه سلطنتی هندوستان موجود است.

^۱ از نویسندگان و میرزایان عباس‌میرزا در تبریز بود.

تفرشی، تقی (۱۲۲۵-۱۲۹۰ خ)، ملقب به ضیاءالملک، فرزند میرزاسید هدایت‌اله و نوه میرزا هدایت (وزیر لشکر فتح‌علی‌شاه) از سادات حجازی تفرشی است. این مستوفی، نویسنده و از کارگزاران دوره ناصری، مدتی ریاست دارایی (مالیه) آذربایجان را داشت و پس از آن به سمت پیشکاری و وزارت بدیع‌الملک میرزا عمادالدوله (حاکم یزد) منصوب شد (حیدری،



۱۳۹۹: ۵۹).

تفرشی، حسن (درگذشته ۱۲۹۶ خ)، مدیر مدرسه شرف مظفریه، نخستین مدرسه‌ای است که در زمان مظفرالدین‌شاه ساخته شد. او همچنین نویسنده کتاب‌های الجواهر، حیات جاوید، تاریخ منطقی، معلم الاطفال، روح‌الایمان و ده‌ها عنوان دیگر است (صدیق، ۱۳۷۲: ۵۰).



تفرشی، رضا (۱۳۵۱ خ)، فرزند تقی، پس از دریافت دیپلم معماری و هنر، از هنرستان مالک اشتر تهران، تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی‌ارشد در رشته معماری در دانشگاه آزاد خوارسگان ادامه داد و در کنار تحصیل، در وادی خوشنویسی هم قدم نهاد و توانست با بهره‌گیری از آموزش استادان این هنر والا، در سال ۱۳۹۰ از انجمن خوشنویسان ایران گواهینامه ممتاز دریافت نماید. آموزش خوشنویسی، تهیه مجموعه‌ای مشتمل بر ۵۰ کروکی از بازار اصفهان، تدریس دروس رشته معماری در دانشگاه آزاد، تدریس در کلاس‌های آزاد هنری موزه رضا عباسی تهران و تألیف کتاب آموزش اصول اولیه طراحی، برگزاری کارگاه عکاسی و... برخی از کارهای اوست.

تفرشی، رضی‌الدین (قرن ۱۲)، عالم، نویسنده و مورخ قرن دوازدهم است و کتاب «تاریخ ایران» اثر اوست که مسائل تاریخی سال‌های ۱۱۰۲ تا پایان دوره کریم‌خان زند یعنی از مرگ شاه‌سلطان حسین تا مرگ کریم‌خان را شامل می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

تفرشی، زین‌العابدین (قرن ۱۳)، در دوره مظفرالدین‌شاه از مترجمان وزارت علوم بود که به‌زبان فرانسه تسلط داشت. ترجمه کتاب «سن‌پتی‌کنت» که از کتب سودمند فرانسه است را برای دانش‌آموزان ترجمه کرد. او همچنین «تاریخ کامبوج» که درباره هندوچین و از مستعمرات فرانسه بود را هم از فرانسه به فارسی ترجمه کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۳۲).

تفرشی، سیدباقر (زندگی ۱۲۴۰ خ)، از خوشنویسان نستعلیق است که در قرن سیزدهم زندگی می‌کرد. او در سال ۱۲۳۹ کتاب نصایح‌الملوک و آداب‌السلوک را با خطی زیبا نوشته و خوشنویسی این نسخه خطی که به نستعلیق است در روز دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۲۴۰ به‌پایان رسیده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۲).

تفرشی، سیدحبیب‌اله (قرن...)، ملقب به ملک‌الواعظین، از هنرمندان موسیقی است که پیش‌درآمد شور به وزن دوچهارم در شور لا و پیش‌درآمد دوضربی سه‌گاه، از ایشان است. وی پدر خاندان تفرشی است که دارای صوتی خوش بوده و سیدمحمد سراج‌الذاکرین فرزند اوست (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۳۱).

تفرشی، سیدرضا (۱۲۱۰-۱۲۷۶ خ)، فرزند سیداحمد، در روستای کوکان تفرش به دنیا

آمد و پس از تحصیلات مقدماتی، در زمره منشیان زبردست، ابتدا از سوی عمادالدوله حاکم غرب کشور به عنوان سر رشته دار و مستوفی منصوب شد و سپس به نیابت از طرف محسن میرزا (مظفرالملک) و مسعود میرزا (ظل السلطان) نایب حکومت و وزیر ایالت لرستان در خرم آباد و بروجرد و نیز نایب حکومت در ایالت خوزستان و چهارمحال و بختیاری و دزفول خدمت کرد. وی در خرم آباد زمین های بخش غربی میدان کنونی بازار (میدان بزرگ قیصریه) را خریداری و عمارت و کاروان-سرایي احداث کرد که امروز به نام بازار و کاروان سرای میرزا سیدرضا شهرت دارد و به ثبت ملی هم رسیده و هم چنین قلعه های املاک (رباط زرین چقا) یادگار اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۰۳).



تفرشی، سیدشفیع (قرن ۱۳)، ملقب به مدیرلشکر، از رجال سیاسی دوره مظفرالدین شاه و دوره مشروطه است. این نویسنده در مقام شاعر «مجرم» تخلص می کرد و علاوه بر دیوان اشعار و کتاب مثنوی، سفرنامه ای هم دارد که در آن به شرح مسافرتی که به همراه عین الدوله صدراعظم وقت از تهران به مشهد داشته، پرداخته است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۶۲).

تفرشی، سیدعبداله (۱۲۲۲-۱۲۶۹ خ)، ملقب به انتظام السلطنه، فرزند میرزا موسی

وزیر تفرشی، تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه و نزد پدرش گذراند و به استخدام نظمیه درآمد و پس از عزل کُنت دومونت فورت اتریشی، به عنوان وزیر نظمیه منصوب شد. این دولتمرد نیکوکار، برای رفاه حال مردم، آسیابی در کنار باغش واقع در خیابان امیریه احداث و وقف کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۸).



تفرشی، سیدعلی اکبر (۱۱۹۸-۱۲۸۴ خ)، فرزند میرزا سیدمرتضی فمی، از علمای بزرگ

تهران در دوره قاجار (عهد ناصری)، تحصیلاتش را در نجف اشرف گذراند و از محضر علامه شیخ مرتضی انصاری بهره برد. او پس از درگذشت استادش به تهران آمد و در مدرسه کاظمیه تهران از موقوفات میرزا سیدکاظم تفرشی (وزیر دواب)، به تدریس پرداخت. او مردی پارسا، درویش منش و شجاع بود و مردم به عدالت و بزرگی او اعتقاد داشتند. ایشان که به مجتهد تهرانی شهرت داشت، در فقه و اصول از استادان روزگار خود بود و در حدیث و تفسیر هم مهارت داشت و در جریان نهضت تنباکو هم صدا با علمای بزرگ، برای لغو قرارداد رژی^۱ کوشید (حیدری، ۱۳۹۹: ۵۶).



تفرشی، سیدعلی (درگذشته ۱۲۶۱ خ)، فرزند میرزا کاظم و از سادات تفرشی است که در دهه آخر قرن

سیزدهم هجری و در عصر ناصرالدین شاه می زیسته و از هنرمندان خوشنویس محسوب می شده که خط

^۱. نام قرارداد انحصار تنباکو است و ایشان در مجلسی که برای بررسی این قرارداد تشکیل شده بود شجاعانه و بی پروا به صدراعظم (میرزا علی اصغر خان امین السلطان) پرخاش نمود و گفت: شما وزرا پول از خارجی ها می گیرید و مملکت را می فروشید.

نستعلیق را استادانه می‌نوشته است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۳۲).



تفرشی، سیدعیسی (۱۲۰۰-۱۲۶۷ خ)، فرزند میرزا موسی وزیر، پس از تحصیلات، ابتدا به سمت ریاست املاک خالصجات و پیشکاری کامران میرزا نایب‌السلطنه حاکم تهران و پس از فوت پدر به‌عنوان وزیر دارالخلافه تهران منصوب شد. او در قحطی سراسری سال ۱۲۴۸ و به‌علت گرانی نان عزل شد و پس از نظم‌الدوله به‌عنوان رئیس نظمیۀ تهران منصوب شد. بعد از درگذشت محمدابراهیم خان وزیرنظام، دوباره وزیر تهران شد و به دستور ناصرالدین‌شاه و با کمک معلمین فرانسوی و اتریشی دارالفنون، نقشه جدید تهران را ترسیم کرد. سیدعیسی که از عارفان دوران، روشنفکر و بسیار مردم‌دار بود، مسجد و مدرسه علمیه‌ای در تهران (خیابان وحدت اسلامی فعلی) بنا کرد و بنابر وصیت او با اختصاص ثلث اموالش و با نظارت وصی خود آیت‌اله شیخ‌هادی نجم‌آبادی، بیمارستان وزیری تهران ساخته شد. هم‌چنین قنات سراب‌وزیر هم از موقوفات وی در خیابان مهدی‌خانی تهران و اراضی روستای مرادتپه^۱ در حدود ۲۵۰ هکتار از موقوفات دیگر اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۸۹).

تفرشی، سیدفخرالدین (قرن ۹)، فرزند مرتضی حسینی افسسی، عالم دینی قرن نهم هجری بوده و «اغاثۀ الداعی» و «منتخب‌الدعا» از آثار اوست. شیخ ابراهیم کفعمی (درگذشته ۸۷۸ خ)، در کتاب الجنبۃ‌الواقیه مطالبی را از کتاب «اغاثۀ الداعی» وی نقل می‌نماید (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۲۰).

تفرشی، شرف‌الدین علی (زندگی ۶۱۰ خ)، فرزند فضل، از وزرای جلال‌الدین خوارزمشاه بوده و در خدمت دیوانی از رتبه‌ای به رتبه بالاتر و از مقامی به مقام بالاتر ترقی می‌کرد، تا اینکه شه‌ریار، وی را وزارت سراسر عراق عجم عطا کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۱۳).

تفرشی، طاهر (زندگی ۹۰۸ خ)، از شعرای شاخص قرن دهم و از درباریان شاه‌عباس بود که به‌همراه سفیر ایران در دوره جلال‌الدین محمد اکبرشاه (۹۵۷-۹۰۸ خ) به هند رفت (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

تفرشی، ظهیرالدین علی (زندگی ۱۰۶۰ خ)، ملقب به ابوالفیض، فرزند مراد، عالم دینی، فقیه متکلم، حکیم محقق، فیلسوف مدقق و ادیب شاعر، از دانشمندان عهد صفویه بود و نزد پدر و علمای اصفهان تحصیل کرد. او از طرف شاه‌سلیمان به منصب وزارت و پیش‌نمازی ولایت گرجستان منصوب شد و پس از بازگشت، مدتی در تبریز بود و در آنجا کتابی به‌عربی به‌نام «نصره‌الحق» در ردّ عقاید گبرائیل افرنجی نوشت و چندی بعد به‌درخواست شاه‌سلیمان آن‌را به‌فارسی ترجمه کرد. سپس در سال ۱۰۵۰ قزوین و در سال ۱۰۶۰ هم در مشهد بود. اثبات‌الواجب، انوارالقرآن و مصباح‌الایمان، ترجمه نصره‌الحق، جواب الشبهتین، چمن سخن، دیوان اشعار، شبنم شاداب، محمد، فرهنگ نایاب، المحاسن، المطالع‌والمغرب، منشآت، هیأت، حاشیه انوارالتنزیل و نیز دیباچه هفت‌بند، از آثار مکتوب اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۷).

^۱. از توابع اشتیارد کرج

تفرشی، عباس (درگذشته ۱۲۷۵ خ)، در ابتدا از منشیان میرزا آقاخان بود و به تدریج مدارج ترقی را گذراند و در دستگاه میرزا یوسف خان مستوفی الممالک وارد و از منشیان خاص او شد. او سپس به معاونت وزارت خارجه رسید و بعد به عنوان کارگزار آذربایجان خدمت کرد. در سال ۱۲۴۶ از سوی ناصرالدین شاه به سمت مستوفی تهران و توابع و ۴ سال بعد به عضویت دارالشوری دولتی درآمد. وی که به قوام الدوله تفرشی ملقب شده بود پس از عزل یحیی خان (مشیرالدوله) به سمت وزیر امور خارجه منصوب شد و حتی گزینه صدرات عظمی بود که بیماری نقرس او را از پای درآورد (رجبی، ۱۳۹۰: ۶۴).

تفرشی، عباسعلی (زندگی ۱۲۷۵ خ)، از هنرمندان خوشنویس دوره ناصری است و کتابت «لطیفه غیبیه» از اوست که سال ۱۲۶۶ در تهران به صورت سنگی چاپ شده و نیز کتابت «بحرالجواهر» در علم حساب و سیاق که رساله نخست به قلم نستعلیق و رساله دوم به قلم شکسته نستعلیق کتابت شده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۹۱).

تفرشی، عبدالغنی (قرن ۱۲)، مشهور به میر عبدالغنی تفرشی (دوم)، فرزند سیدفضل اله، متخلص به «غنی» برادر صادق تفرشی (هجری) از شاعران هم عصر حزین گیلانی است و حزین در بزرگی این شاعر تفرشی چنین می گوید: «من به شعر فهمی و سخن شناسی او کسی ندیده ام، در ذکا و استقامت سلیقه بی نظیر و در جوانی وداع دیر ناسوتی کرده و داغ جدایی بر دل مستمند نهاده (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۳۴).

تفرشی، عبدالکریم (درگذشته ۱۳۰۸ خ)، فرزند عباس قلی، ملقب به حاج میرزا آقا واعظ که اهل علم و ادب، شاعر و خطیب مشهوری بود. کتاب «تحفه الیمین» تالیف میرزا احمد انصاری را پس از بازگشت از سفر حج و با همکاری فرزندش میرزا محمد به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۰۷ در تهران منتشر کرد (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۰۱).

تفرشی، علی اصغر (زندگی ۱۲۷۵ خ)، از هنرمندان خوشنویس که در قرن سیزدهم هجری و در دوره سلطنت ناصرالدین شاه می زیسته و شغل کتابت داشته است. از جمله آثار خطی او یک نسخه مثنوی حکیم سبزواری و نیز کلیات سعدی است که هر دو در تهران به چاپ رسیده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۲۱).

تفرشی، علی (زندگی ۱۲۸۵ خ)، فرزند شیخ محمدباقر، مشهور به صدرالذاکرین، از عالمان دوره معاصر است و به عنوان نویسنده آثاری دارد که عبارتند از: جنگ (دو جلد) با موضوع مناقب و مصائب اهل بیت و نیز «سفرنامه مکه» که در سال ۱۲۸۵ صورت گرفته که این کتاب نیز در دو جلد است.

تفرشی، علی اکبر (درگذشته ۱۲۰۸ خ)، ملقب به کاتب السلطان و از هنرمندان خوشنویس دربار فتحعلی شاه بوده و از آثار او یک نسخه کلیات فتحعلی خان صبا است که این گونه نوشته شده است: کتبه کاتب الحضرة السلطانی علی اکبر تفرشی... ۱۲۴۰ و یک صفحه با خط خوش که نوشته شده است: «کتبه علی اکبر تفرشی فی سنه ۱۲۳۷ (صدیق، ۱۳۷۲: ۵۰).

تفرشی، علی اکبر (زندگی ۱۲۶۳ خ)، ملقب به دوام الدوله، از رجال دوره قاجار و مردی نیکوکار و اصلاح طلب و فاضل بود و از سال ۱۲۵۴ تا ۱۲۶۳ حکومت اراک را داشته و قنات خان حاکم یادگار اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۹).

تفرشی، علی اکبر (قرن ۱۲)، صاحب مجموعه «معما» که به صورت منظوم و با عنوان «یادگار» بر حسب حروف هجا تنظیم شده و توسط این شاعر به نام میرزا محمدطاهر وحیدالزمانی نوشته و در پایان، تاریخ جلوس شاهسلطان حسین صفوی را ثبت کرده و صاحب الذریعه نسخه‌ای از آن که تاریخ ۱۱۱۱ قمری (۱۰۷۸ خ) داشته را دیده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۵).

تفرشی، علی اکبر (قرن ۱۴)، فرزند میرزا عبدالغنی، شاعر تفرشی است که در اوایل قرن ۱۴ می‌زیسته و متخلص به «برق» بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۷).

تفرشی، علیرضا (درگذشته ۱۲۷۹ خ)، فرزند ظهیرالدین علی، ملقب به جاوید تفرشی، از فضلا و شعرای عصر قاجار بوده و مردی است صوفی‌روش و قلندرمنش که به صفات نیکو و اخلاق پسندیده آراسته بود. این شاعر هم‌چنین در علوم زمانه خویش ماهر و در فنون ادب و سخن‌وری توانا بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۵۲).

تفرشی، مجید (۱۳۴۳ خ)، تحصیلات مقدماتی را ابتدا در مدرسه اخباری و سپس مدرسه هدف گذراند و بعد از دوره دبستان به توصیه و خواست چند تن از بستگان، به مدرسه علوی رفت. او به دلیل علاقه به تاریخ، در این رشته به تحصیلاتش ادامه داد و موفق شد نخستین کتاب خود را که نسخه خطی و با نام «مقدمات مشروطیت» بود در سن نوزده سالگی به چاپ برساند. تفرشی تاکنون بیش از سی مقاله و هشت عنوان کتاب در مورد تاریخ معاصر منتشر کرده و سه کتاب دیگر از او در دست انتشار است. «اسناد گزارش‌های محرمانه شهربانی»، ویرایش علمی و ترجمه بخشی از کتاب «میرزا ملکم‌خان» نوشته حامد الگار، ویرایش و تدوین «چهل سال در صحنه قضایی، سیاسی و دیپلماسی ایران و جهان»، «خاطرات جلال عبده»، «خاطرات و اسناد یوسف افتخاری»، «دو سال روابط محرمانه احمدشاه و سفارت شوروی در تهران» و «کتاب‌شناسی سی ساله افغانستان» (به زبان انگلیسی) نام برخی از آثار این نویسنده و مورخ معاصر است.



تفرشی، فرج‌اله (زندگی ۱۲۵۷ خ)، از نویسندگان و خوشنویسان سده سیزدهم هجری است و کتاب «جنگ» را در سال ۱۲۵۷ از روی یادداشت‌های تلگراف‌خانه تبریز که حاوی خبرهای جنگی روس و عثمانی است و در سال‌های ۱۲۵۵ تا ۱۲۵۷ تدوین کرده و کتاب دیگر او «جهان‌نما» برگرفته از جلد دوم ناسخ‌التواریخ و درباره عقاید هندویان، تازیان و ایرانیان است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۷۸).

تفرشی، محسن (زندگی ۱۰۹۳ خ)، از هنرمندان خوشنویس قرن دوازدهم هجری و از شاگردان محمدصالح اصفهانی، صاحب تذکره خطاطان بوده است که در دوران شاهسلطان حسین صفوی (۱۰۷۲ -

۱۱۰۶) می‌زیسته و خط نستعلیق را خوش می‌نوشته و تا وفات استادش در سال ۱۰۹۳ در قید حیات بوده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۹۸).

تفرشی، محمدابراهیم (قرن ۱۳)، از هنرمندان خوشنویس است که در اواخر قرن سیزدهم زندگی می‌کرده و شرح جیاه‌القلوب میرزا سیداحمد بن محمد محسن را به خط زیبای نستعلیق نوشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۰).

تفرشی، محمدتقی (قرن ۱۳)، مشهور به دبیرالدوله و از کارگزاران دفترخانه وزارت لشکر در دوره قاجار بوده است.

تفرشی، محمدحسن (زندگی ۱۰۵۳ خ)، از خوشنویسان قرن یازدهم هجری است و از آثار این هنرمند خوشنویس در سمت کاتب می‌توان به کتابت رساله ارشادالاذهان الی احکام‌الادیان علامه حلی اشاره کرد که به خط نسخ و در سال ۱۰۵۳ تحریر شده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۷۳).

تفرشی، محمدحسین (۱۱۸۲-۱۲۴۹ خ)، در عرصه سیاست ملقب به ناظم‌الملک و از مستوفیان دوره قاجار است و زمانی که ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله به حکومت یزد و سپس در سال ۱۲۴۹ حکومت اصفهان را در دست گرفت، میرزا محمد تفرشی وزیر یزد، خراسان و در اواخر عمر خویش به وزارت اصفهان نایل آمد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۳).

تفرشی، محمدصادق (قرن ۱۳)، فرزند معصوم، متخلص به «پروانه» در قرن سیزدهم می‌زیسته و شاعر حاذقی بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۴۰).

تفرشی، محمدعلی (۱۲۱۸-۱۲۶۸ خ)، فرزند میرزا عبدالغنی و برادر بزرگ یحیی‌خان سرخوش، تحصیلات فارسی و عربی را نزد پدر آموخت و سپس در محضر ملاهادی سبزواری، حکیم معروف، چندین سال به تحصیل حکمت و تکمیل معرفت پرداخت و از عرفای عصر خویش بود (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۰۴).

تفرشی، محمدعلی (قرن ۱۲)، از شاعران قرن دوازده هجری است که در ادبیات و ریاضیات هم مهارت داشته و اشعار زیبا می‌سروده و این بیت از اوست: در طرف چمن مرغ دل آرام ندارد/پیداست که غیر از هوس دام ندارد (صدیق، ۱۳۷۲: ۸۵).

تفرشی، محمدعلی‌خان (۱۲۲۷-۱۲۸۶ خ)، فرزند میرزا عباس‌خان فمی‌تفرشی (قوام

الدوله) از مستوفیان برجسته ایران و چندین سال مستوفی و محاسب تهران، یزد، صندوق خانه گمرک و باغات سلطنتی بود. او که از همراهان سفر سوم ناصرالدین‌شاه به اروپا بود، در ابتدا به لقب سابق پدرش معاون‌الملک ملقب شد و پس از فوت پدر، لقب قوام‌الدوله گرفت و به دستور مظفرالدین‌شاه به وزارت گمرک و مدتی هم به وزارت پست‌خانه منصوب شد. ایشان در دوره مشروطیت و در کابینه میرزا احمدخان (مشیرالسلطنه)، سه دوره به‌عنوان وزیر مالیه (دارایی) خدمت



کرد^۱ (حیدری، ۱۳۹۹: ۵۵).

تفرشی، محمد مؤمن (۱۱۳۳-۱۲۳۳ خ)، عالم دینی، شاعر و عارف اواخر دوره صفویه، دایی صادق هجری بوده و هجری در محضرش شاگردی کرده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

تفرشی، مراد (۹۳۷-۱۰۲۰ خ)، فرزند علی خان، پدر ظهیرا، از فضلا و علمای صاحب‌گفتار عصر خویش بوده و از شاگردان شیخ بهایی است. شرح و حاشیه بر کتاب من‌لایحضر الفقیه، عالم حساب‌وهندسه و نیز کتاب شبنم شاداب که در هند و پاکستان معتبر است، از آثار این عالم دینی است که در ولایت گرجستان پیش‌نماز بوده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۳).

تفرشی، میر عبدالغنی (قرن ۱۰)، مشهور به میر عبدالغنی تفرشی (اول)، در دوران شاه‌عباس اول می‌زیسته و از سادات تفرش است. او از شاگردان میرابوالقاسم کازرونی و از مصاحبان ملا محمد صوفی است که به‌عنوان شاعر «غنی» تخلص می‌کرده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

تفرشی، میر علام (قرن ۱۰)، عالم دینی و از تبار سادات حسینی است که در قرن دهم در تفرش به دنیا آمد.

تفرشی، میر فضل‌اله (درگذشته ۱۲۸۶ خ)، فرزند میر قاهر ابن ابی‌عالم حسنی است. این عالم دینی در مقام نویسنده کتابی در اصول انوار قمریه دارد.

تفرشی، میر محمد حسین (قرن ۱۰)، از علما و مدرسان دوره عباسی و از سادات عالی‌درجه **تفرش** است که به فضل و کمالات علمی و عملی آراسته و در نویسندگی استاد بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

تفرشی، نصراله (زندگی ۱۲۲۳ خ)، از هنرمندان خوشنویس دوره قاجار و از کاتبان سلطنتی بوده و کتاب‌های اکسیرالتواریخ و سرگذشت دانشمندان و شعرای عصر قاجار را در سال‌های ۱۲۱۳ تا ۱۲۲۳ نگارش کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۷).

تفرشی، نصراله (زندگی ۱۲۵۳ خ)، از دانشمندان دوره قاجار بوده و در کسوت نویسنده آثاری دارد که بحران‌سبب او در علم انساب به فارسی و در سال ۱۳۲۸ چاپ شده و نیز نسخه‌ای از کتاب «منتخب‌اللغه» که گزیده‌ای است از کتاب البرهان‌القاطع را هم به‌عنوان خوشنویس و به‌تاریخ ۹ آبان ۱۲۵۳ نگاشته است.

تفرشی، نصراله (قرن ۱۴)، فرزند حاج میرزا عبدالغنی کودکانی و برادر میرزایحیی خان تفرشی (سرخوش) است که در اوایل قرن چهاردهم می‌زیسته و با تخلص «حیران» شعر می‌گفته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۸).

تفرشی، نظام (قرن ۱۰)، از شعرای قرن دهم هجری است که برخی از اشعار وی در کتاب «همیشه

^۱ در سال ۱۲۸۰ در دسته مخالفین امین‌السلطان (اتابک اعظم) بود و از طرف مخالفین شبه‌نامه‌هایی علیه دولت منتشر می‌شد که او هم زنجیر برگردن و سوار بر قاطر در تهران گردانده و سپس به مشهد تبعید شد.

بهار» چاپ شده است.

تفرشی، هدایت (قرن ۱۳)، معروف به عارف تفرشی، از شعرای قرن سیزدهم هجری است. گرچه، طنازی، بذله‌گویی و بذله‌سنجی را از صفات شعر او دانسته‌اند، لیکن هیچ‌کدام از تذکره‌های سفینه‌المحمود، تجربه‌الاحرار و تسلیه‌الابرار، اشعار دلچسبی از او نقل نکرده‌اند. عارف اصلش از تفرش است، ولی به‌منظور تعلیم و تعلم در اطراف همدان سکونت داشت (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۹).

تفرشی، هدایت‌اله (زندگی ۱۱۸۵ خ)، در زمان فتح‌علی‌شاه ریاست کل دارایی ارتش را بر عهده داشته است و یکی از چهار وزیر بوده که امور مدنظر شاه بین ایشان تقسیم شده بود (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۹۱).

تفرشی، یحیی (۱۲۳۷-۱۲۹۸ خ)، فرزند میرزا عبدالغنی ترخورانی، ابتدا در مکتب‌خانه



پدرش که از مجتهدین بود، زبان فارسی و عربی خواند و در خط نستعلیق و شکسته متبحر شد و با برادر بزرگتر خود میرزا محمدعلی (شاگرد ملاهادی سبزواری) به تهران رفت و تحت سرپرستی وی تعلیمات لازم را فرا گرفت. او پس از درگذشت پدرش با میرزا سیدرضاخان تفرشی (دائی‌اش) نایب حکومت لرستان و خوزستان به خرم‌آباد و سپس به دزفول رفت و همه امور تحریرات هر دو ایالت را به‌عنوان خوشنویس عهده‌دار شد. وی پس از ۱۰ سال به‌تهران بازگشت و به‌عنوان دبیر و منشی اول سفارت انگلیس استخدام شد. وی که شاعر هم بود و «سرخوش» تخلص می‌کرد و در سرودن انواع شعر اعم از غزل، قصیده، رباعی و مثنوی تبحر داشت، دیوان اشعاری دارد که در کلکته و تهران چاپ شده و منظومه گوی‌وچوگان، منظومه طربه‌نامه و مثنوی شکرستان هم از اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۰۱).

تفرشی، یحیی (زندگی ۱۲۷۸ خ)، فرزند محمدباقر، از هنرمندان خوشنویس قرن سیزدهم و اوایل چهاردهم هجری است که آثار قلمی او موجود است. آن‌گونه که خان‌بابا مشار در فهرست کتب چاپی نقل کرده، کتاب تعلیمات ابتدایی ناظم‌الاطبا به‌خط یحیی تفرشی در ۲۸۲ صفحه و در قطع جیبی در سال ۱۲۷۸ به‌چاپ رسیده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۹۲).

تفرشی، یعقوب (قرن ۵)، از دانشمندان قرن ۴ و ۵ است و ابوریحان بیرونی در بیان عقیده برخی یهودیان می‌نویسد: یعقوب بن موسی تفرشی در گرکان برای من حکایت کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۶۵).

تفرشی‌اردبیلی، حسین (۱۲۱۸-۱۲۹۵ خ)، در **تفرش** به‌دنیا آمد و شاعر صوفی‌مسلک قرن سیزدهم است که «گمنام» تخلص می‌کرده و ملقب به مرصع‌پوش است. او در سلک فرقه فقرای ذهبیه در اردبیل درآمد و ریاست آن‌را عهده‌دار شد. میرزاحسن خطاط (عمادالفقرا) رساله‌ای در احوال گمنام‌تفرشی نوشته که در سال ۱۳۵۱ در شیراز چاپ شده و همین‌طور دیوان اشعار او هم در ۱۵۸ صفحه به چاپ رسیده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

تفرشی طادی، احمد (زندگی ۱۲۷۶ خ)، از هنرمندان خوشنویس است که در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم زندگی می‌کرد. از آثار او می‌توان به کتابت «دارالسلام فی مایعلق بالرؤیا والمنام» از علامه نوری و همچنین کتابت «بحرالنفاید فی شرح الفراید» از محمدحسن بن جعفر آشتیانی که هر دو به خط نسخ و در سال ۱۲۶۶ و ۱۲۷۶ تحریر شده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۵۱).

تفرشی طادی، احمد (قرن...)، فرزند ملاحسین، عالم فاضلی که تحقیقات و تألیفاتی در علم رجال دارد و کتاب منظوم «نخبه‌المقال فی معرفة‌العلم‌الرجال» او در سال ۱۲۷۳ چاپ شده و نیز رساله «فی‌الکُنْی و الالقاب والنسب» هم از این شاعر و نویسنده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۸۷).

تفرشی قمی، عبدالکریم (درگذشته ۱۳۰۷ خ)، فرزند عباسقلی، از علمای قرن سیزدهم و مشهور به حاج میرزا آقا است. از وی آثاری به جای مانده که می‌توان به «بحیره» اشاره کرد و اصل کتاب از ملا میرمحمد استرآبادی است که به اهتمام حاجی میرزا در ۶۵۷ صفحه در تهران به چاپ رسیده است. از آثار دیگر این نویسنده می‌توان به ترجمه «نفحه‌الیمن» اثر احمدبن محمد انصاری اشاره کرد.

تقدسی تفرشی (قرن ۱۴)، از هنرمندان خوشنویس اوایل قرن ۱۴ و نگارنده کتاب گفتار منظوم و منشور از سیدحسن صاحب‌الزمانی است (صدیق، ۱۳۷۲: ۵۱).

تقوایی پور، محمد (۱۳۱۷-۱۳۵۰ خ)، فرزند حسین، پس از گذراندن تحصیلات متوسطه در **اراک**، جهت تکمیل تحصیلات به انگلستان رفت و از دانشگاه بیرمنگام دکترای مهندسی متالورژی گرفت و در بازگشت به ایران به تدریس در دانشگاه پرداخت. دکتر تقوایی پور تألیفات چاپ نشده‌ای دارد، ولی جزوات ایشان در دانشگاه تدریس می‌شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۵۱).

تلخابی، حمیدرضا (۱۳۶۶ خ)، فرزند محمدرضا و بانو صغری، تحصیلاتش را در دبستان باقریه و راهنمایی و دبیرستان امام خمینی تلخاب (**فراهان**) گذراند و در دانشگاه شهیدبهشتی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری خواند و از دانشگاه خوارزمی تهران ارشد و دکترای همین رشته را گرفت. او بیش از ۳۰ مقاله علمی و پژوهشی در حوزه شهرشناسی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری نوشته و همچنین بیش از ده عنوان کتاب در کارنامه دارد که کتاب «شهر فرای دو بُعد» را تألیف کرده و کتاب‌های بنیان شهر، فرم، فضا و طراحی، شهر نابرابر، نظریه شهری و تجربه شهری، راهنمای بین‌المللی سیاست شهری (جلد اول) از آن جمله‌اند.



تمجیدی، سیدابوالقاسم (۱۳۱۸-۱۳۸۵ خ)، فرزند سیدعباس و نوه میرزا سیدمحمد خان لشکرنویس **تفرشی**، تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در مدرسه صدوق قم گذراند و به زبان انگلیسی تسلط یافت تا حدی که کتابی شامل اصطلاحات طبی و علوم طبیعی به زبان انگلیسی تألیف کرد. او در سال ۱۳۳۶ در دفترخانه اسناد رسمی قم مشغول شد و در سال



۱۳۴۶ در جمعیت شیروخورشید استخدام شد و در راه‌اندازی بیمارستان تفرش با حاج محمدابراهیم افصلی^۱ همکاری کرد. او در سال ۱۳۴۳ به‌عضویت فدراسیون کوهنوردی کشور درآمد و با پیگیری‌های فراوان، هیأت کوهنوردی تفرش را تأسیس و ریاست آن را عهده‌دار شد و فعالیت‌های خود را در رشته کوهنوردی و آموزش کوهنوردان و صعود به کوه‌های تفرش و اطراف آن آغاز کرد و توانست به‌همراه سایر کوه‌نوردان عضو هیأت، مهمترین قله‌های کشور را فتح و در مناطق مختلف کشور به غارنوردی بپردازد. ایشان سپس به دادگستری تفرش منتقل و به‌عنوان مسوول امور مالی و حسابداری، نشان عدالت دریافت کرد و با عضویت در انجمن حمایت از زندانیان کمک شایانی به خانواده‌ها کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۶۲).

تنه‌ازرندی، علی (۱۲۵۲-۱۳۰۸ خ)، فرزند علیرضا، در زاویه (زرنديه) به‌دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل به مدرسه سپهسالار تهران رفت. این شاگرد میرزا علی حکمی پس از فراگیری علوم دینی به سخنرانی چیره‌دست تبدیل شد و به ناطق‌المله شهرت یافت. ایشان در دوران مشروطیت به دفاع از این جنبش پرداخت و مورد تأیید و تمجید احمد کسروی و دکتر مهدی ملک‌زاده^۲ بود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۸۱).



تنه‌ها، غلامرضا (۱۳۶۲ خ)، اهل زرنديه، نوازنده سنتور و از شاگردان برجسته استاد مجید کیانی و یکی از مدرسان برجسته و خواننده با شخصیت و محترم و از خانواده شهدا و بسیار فعال و مؤمن می‌باشد.

تهجدی، سیدعلی (۱۲۶۵-۱۳۳۷ خ)، فرزند سیداسماعیل، در ساوه به‌دنیا آمد و در همان کودکی جهت تحصیل علوم دینی ابتدا به سامرا رفت و پس از تحصیلات مقدماتی برای تکمیل تحصیلات از محضر استادان بزرگی چون آیات نایینی، فیروزآبادی و آقاضیاءالدین عراقی در نجف بهره برد و در مدت کوتاهی سرآمد هم‌دوره‌های خویش شد. این مجتهد و عالم دینی سپس به‌دعوت آیت‌اله حائری و جهت کمک به ایشان در ایران، به حوزه قم آمد و به رسالت خویش در امر تدریس و تبلیغ علوم دینی همت گماشت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۲۹).



تهجدی، سیدمحمدصالح (۱۳۱۹ خ)، فرزند میرزا سیدعلی، از علمای دینی ساوه که در سال ۱۳۲۹ برای تحصیل علوم دینی به‌همراه پدر عازم نجف شد و مدت ۲۲ سال از محضر آیات حکیم و خویی بهره برد. این عالم دینی در سال ۱۳۵۱ و بنابر دعوت مردم ساوه که به‌صورت طومار از علمای نجف خواستار شده بودند، به ایران بازگشت و ضمن اشتغال به امور دینی و امامت مسجد میدان ملی ساوه، نسبت به ساخت چندین مسجد در شهر و روستاهای ساوه اقدام کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۳۲).

^۱ بنیانگذار جمعیت شیر و خورشید تفرش

^۲ استاد دانشگاه تهران و نایب‌رئیس مجلس شورای ملی

تهرانی ساوجی، خلیل (درگذشته ۱۳۴۲ خ)، فرزند ابراهیم، در ساوه متاهل شد و در این شهر زندگی می‌کرد. این طبیب مشهور مدتی در کربلا ساکن بود و سپس به نجف رفت و در همان جا فوت شد (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۳۶۴).



توجه، احمد (۱۳۳۲ خ)، فرزند یداله و بانو سکینه، تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی را در اراک گذراند و در وزارت دفاع مشغول بکار شد. او خوشنویسی را از ۹ سالگی به کمک پدر آغاز و در دبیرستان، تحت تعلیم استادان مدنی، قطب، سیدحسن میرخانی، زنجانی و عطارچیان قرار گرفت و در سال چهارم دبیرستان مقام نخست استان را در خط نستعلیق کسب کرد. وی در سال ۱۳۶۳ قرآن کریم و در سال ۱۳۸۵ شاهنامه فردوسی و در سال ۱۴۰۰ هم دیوان حافظ را خوشنویسی و در چندین مرحله در قطع رحلی چاپ و منتشر کرد. او هم‌چنین دوره تذهیب، تشعیر و نقاشی آبرنگ را نزد استادان بیات و جزئی‌زاده آموخت و بیش از ۳۰۰ اثر ماندگار به سبک خط برجسته، ناخنی و لایه‌چینی آراسته به تذهیب و نقاشی آفرید که بخشی از این آثار در موزه هنرهای معاصر اصفهان در معرض دید هنردوستان است. او هم‌چنین از ۱۶ سالگی نزد استاد بیات و سپس استاد دکتر مهدی برکشلی، موسیقی ایرانی (ویلن) آموخت و به دعوت استاد فرامرز پایور در هنرستان موسیقی اصفهان به تعلیم هنرجویان پرداخت و هم‌زمان رهبر (سولیست ارکستر) رادیو بود (پیرهادی، ۱۳۹۲ : ۷۴).



توجه، عبدالله (۱۳۰۰-۱۳۸۵ خ)، فرزند رضا و بانو رقیه، تحصیلات مقدماتی را در مکتب-خانه میرزا احد فریدافشار اراک، دبستان هدایت و مدرسه دولتی توفیق گذراند. او در سال ۱۳۲۳ به استخدام اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه درآمد و به عنوان سرپرست موقوفات سرتاسر چرا'و مدیر و آموزگار دبستان خسروی خنداب، مشغول بکار شد و هم‌زمان دوره تربیت معلم را هم گذراند. او طی ۳۵ سال خدمت بالغ بر ۴۰ تقدیرنامه از مقامات محلی تا نخست‌وزیری دریافت کرد. این فرهنگی، شاعر، نویسنده و طبیعت‌گرد، همکاری با مجله شکار و طبیعت و هیأت غارشناسان ایران و نیز آموزش امدادسانی در کوهستان، عضویت در سازمان پیشاهنگی و شیروخورشید را در کارنامه دارد و حاصل سال‌ها تجربه و پژوهش کاربردی در طبیعت را به رشته تحریر درآورده و اثری ارزشمند و ماندگار با نام «فرهنگ جغرافیایی کوه‌های اراک» و نیز مجموعه‌ای ارزشمند از اشعار، مقالات و خاطرات خود را به صورت دست‌نویس و با عنوان «برگ سبز» از خود به یادگار نهاده است.



توحیدی ساوجی، نصراله (۱۳۰۶ خ)، فرزند فتح‌اله، پس از تحصیلات ابتدایی وارد حوزه علمیه ساوه شد و سپس به قم رفت و از درس آقایان سبحانی و مطهری بهره برد و با دریافت گواهینامه تدریس، در دانشگاه نیز الهیات خواند و پس از دوره لیسانس در رشته معقول و منقول به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت.

^۱ از داشته تا خنداب و از دسد تا خنداب و روستاهای همسایه حصار، قلعه، گازران و ایجان

این شاعر و مدرس علوم دینی و ادبی، نویسنده کتابی است با نام «وجیزه فی التجوید» که منتشر شده و نوشته‌های دیگری هم دارد که هنوز چاپ نشده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۲۸).

توسطی، حسن (۱۳۱۱-۱۳۹۵ خ)، فرزند نصراله، شاعر متخلص به صبا، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و دیگر استادان زمان گذراند و نصاب الصبیان و بخشی از قرآن را حفظ کرد و از کودکی به سرودن شعر و خطاطی پرداخت. او در ۲۰ سالگی به استخدام شهربانی **اراک** درآمد و در سال ۱۳۶۶ با ۳۵ سال خدمت بازنشست شد و ضمن دریافت رتبه عالی خوشنویسی در رشته نسخ و شکسته نستعلیق از انجمن خوش‌نویسان، در دانشگاه آزاد اراک مسوولیت گرفت ولی به واسطه شهادت یکی از فرزندان و فوت ناگهانی فرزند دیگرش در راه سفر به حج، از همکاری با دانشگاه منصرف شد و به فعالیت فرهنگی در انجمن قائم مقام پرداخت (مجدی، ۱۳۸۴: ۷۱).



توسلی، اسداله (درگذشته ۱۳۹۹ خ)، اهل امیرآباد (**زرنديه**)، دکترای دامپزشکی فعال در حوزه سرم‌سازی که به‌خاطر کشفیات در این حوزه از دولت فرانسه نشان بین‌المللی گرفته بود (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۳۰).

توسلی، محمدرضا (۱۳۰۹-۱۳۸۶ خ)، فرزند حاج‌عباس، متولد **محلات**، پس از تحصیلات ابتدایی، یک سال مقدمات دروس حوزوی را نزد علمای محلات فرا گرفت و از سال ۱۳۲۵ در قم به تکمیل تحصیلات دینی پرداخت. برخی از مهمترین مسوولیت‌های ایشان پس از انقلاب عبارتند از: سرپرست حجاج، عضو کمیته بازنگری قانون اساسی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده مردم تهران در دوره سوم مجلس خبرگان، عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز، مسوول تدریس احکام و مسائل شرعی در صدای جمهوری اسلامی. این عالم دینی هم‌چنین آثاری دارد که «دماء ثلاثه»، «مباحث طهارت»، «مکاسب محرمه»، «قسمتی از بیع» و «دوره اصول درس امام خمینی» از آن جمله‌اند (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۰۹).



توکل، محمد (درگذشته ۱۳۲۹ خ)، فرزند ملاعباس^۲، از مجتهدان و فضایی زمان و نیز از خانواده‌های کهن و اصیل **اراک** بود. او مقدمات را در اراک فرا گرفت و برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و در زمره شاگردان آیت‌الله حاج میرزا خلیل نوری قرار گرفت و به درجه اجتهاد رسید. این عالم دینی سپس به اراک بازگشت و در منزل خویش کلاس درس دایر کرد و در مسجد حاج حسین ساعت‌ساز هم نماز جمعه و جماعت برپای می‌داشت (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵).

^۱. دکتر اثنی‌عشری مقدمه‌ای بر دیوان شعر او نگاشته است.

^۲. فرزند بیگ‌محمد از ساکنین ده‌کهنه

توکل‌شعار، علیرضا (۱۳۳۳-۱۳۵۹ خ)، فعال سیاسی مخالف پهلوی و از مسوولان

کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی پس از دریافت دیپلم در اراک، در سال ۱۳۵۰ در سازمان ثبت احوال کشور مشغول بکار شد. او از همین دوران ضمن آشنایی با افکار سیدمحمود طالقانی و نیروهای مذهبی فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد. این کنشگر در سال



۱۳۵۶ برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی راه‌وساختمان به آمریکا رفت و در ۲۱ بهمن ۱۳۵۹ در شهر سن آنتونیو توسط دو نفر آمریکایی ترور شد.

توکل، پریسا (۱۳۷۲ خ)، فرزند رمضان و بانو زهرا، شاعر و نویسنده اهل خمین که

شعر و نوشتن را از کودکی شروع کرد و دو کتاب به نام‌های «یک‌سیب گاززده» و «پشت شیشه‌های دودی» را در زمینه شعر سپید منتشر کرد. وی علاوه بر نویسندگی و شاعری، کارگردان و بازیگر تئاتر نیز هست و بازیگری تئاتری به نام «خطه عشق» که در جشنواره



تئاتر دفاع مقدس به روی صحنه رفت از کارهای هنری اوست. هم‌چنین کارگردانی و نویسندگی یک فیلم کوتاه به نام «عکس» از دیگر آثار این هنرمند خوب استان است. اما از ویژگی‌های شعر او می‌توان به زنانه‌نویسی ایشان اشاره کرد که دنیای زنان را از منظر شعر و شاعری روایت می‌کند.

توکل، علی‌اصغر (۱۳۱۶ خ)، با پیگیری پدرش که از افراد بانفوذ روستای ترک‌زبان

مالیچه بخش جاپلق بود، در ۵ سالگی خواندن و نوشتن آموخت و هرازگاهی پدرش او را به اراک می‌آورد تا فارسی بیاموزد. وی در همان دوران کودکی با خواندن کتاب «رموز حمزه» شیفته مطالعه و درس و تحصیل شد. او در اراک به‌دبستان فردوسی به مدیریت خلیل داعی



رفت و این شد آغاز موفقیت‌هایش. وی پس از پایان دبیرستان چندسالی به معلمی پرداخت، سپس در دانشسرای عالی تهران زبان‌وادبیات فارسی خواند و به انگلیس رفت و زبان‌شناسی عمومی را تا دکتری ادامه داد ولی پیش از دفاع رها کرد و فوق‌لیسانس فلسفه را هم ناتمام گذاشت. او پس از انقلاب به ایران بازگشت و محضر استادان بزرگی چون بدیع‌الزمان فروزان‌فر، محمود صناعی، پرویز ناتل‌خانلری، زرین‌کوب، زریاب خویی، آریانفر و... بهره برد و در دانشگاه الزهرا به تدریس پرداخت. از این شاعر، نویسنده و استاد دانشگاه، کتاب آموزش زبان فارسی برای خارجیان، واژه‌نامه انگلیسی به فارسی، کتاب حاوی اندیشه‌های خود او و برخی کتب دیگر به زبان انگلیسی باقی است (مجدی، ۱۳۸۴ : ۱۹۹).



توکلی، غلامعلی (۱۳۱۶ خ)، فرزند حاج مهدی^۱ و بانو فاطمه سلطان، تحصیلاتش را در دبستان امیرکبیر و هدایت اراک گذراند و از دبیرستان شکرایی دیپلم گرفت و وارد بازار کار شد. از آنجایی که ذهن خلاق و کارآفرینی داشت، نخستین آسیاب برقی (موتوری) را وارد اراک کرد و سپس کارخانه آرد سفید اراک با تولید روزانه ۲۰۰ تن را تأسیس کرد. تأسیس کارخانه ریسندگی خامه با همکاری حاج راجعی و نیز تأسیس کارخانه پریمکس، خدمت دیگر اوست در رونق کسب‌وکار و تولید و کارآفرینی اشتغال‌زا. بزرگترین و نخستین کارخانه تمام‌اتوماتیک خاورمیانه، دستاورد دیگر حاج توکلی است به این سرزمین با نام دانه‌چین اراک و با تولید روزانه ۷۲۰ تن که همه ماشین‌آلات آن از کشور آلمان و سوییس وارد شد و امروز با داشتن بیست سیلوی هزارتنی و دو انبار بزرگ با ظرفیت ۳۰ هزار تن مواد اولیه که به‌صورت هولدینگ توسط بنیاد مستضعفان اداره می‌شود. دبیرستان حاج مهدی توکلی در گردو (به‌صورت مبله و مجهز به سیستم رایانه‌ای)، مدرسه عاطفه واقع در محله فوتبال اراک که در حال بازسازی و مرمت است، مدرسه دیگری در محله گاوخانه، خوابگاه دخترانه^۲ با ظرفیت ۴۰۰-۳۰۰ دانشجو در مرکز تربیت‌معلم اراک، درمانگاه ۲۶۰۰ متری ویژه فرهنگیان واقع در میدان ارگ اراک به‌انضمام ۲۶۰۰ متر دیگر هم در حال ساخت که فعلاً نیمه‌کار مانده و پس از رفع کسالت این نیکوکار ارجمند تکمیل خواهد شد از دیگر خدمات اجتماعی اوست. این نیکوکار برجسته اراکی که اوایل انقلاب به‌همراه تیمی متشکل از دکتر کاظمی، حسین‌جانی و برخی افراد دیگر در دسترسی مستمندان از جمله توزیع زغال در زمستان‌های سرد اراک همراهی می‌کرد، یک قطعه زمین بیش از ۱۰۰۰ متری هم خریداری کرده و توسط آقایان عاشوری و ثابتی در ۴ طبقه و با ۲۶۰۰ متر بنا برای اسکان افراد کندذهن و آواره در حال ساخت است.

ث

ثابت تفرشی، فخرالدین (۱۰۵۰ خ)، اهل تفرش، شاعر مشهور به فخر، شاگرد میرزا طاهر وحید که به هندوستان رفت و در آن سامان با فرجاله مشاعره داشت. گویا در همان‌جا درگذشته است. این شاعر طبعی خوش داشته و اشعاری نیکو می‌سروده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۶۹).

^۱. تاجر کتیرا که به حاج کتیرایی هم معروف بود.

^۲. در پیام صوتی که برابیم فرستاده این خوابگاه بیشتر از بقیه خدمات حاج توکلی رضایتش را جلب نموده و به‌دلش نشسته است.

ج

جایلقی، آبهرام (زندگی ۱۲۷۵ خ)، فرزند کربلایی عباس، از تجار معروف قماش در بازار **خمین** و از پهلوانان زورمند زمان ناصرالدین شاه بود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱).

جاده‌ای، سیداحمد (۱۲۷۸ خ)، یکی از علمای **خمین** و استاد آیت‌اله حاج میرزا خلیل کمره‌ای بوده است.

جاسبی، حسن (زندگی ۱۶۱۷ خ)، فرزند علی، از طبیبان دانشمند و ماهر قرن هفتم اهل جاسب (**دلجان**)، که سال‌ها در کاشان به تحصیل پرداخت و سپس طبابت کرد. تنها یادگار به جای مانده از او کتاب «حواشی منه‌اج‌البیان» است که در سال ۶۱۷ کتابت کرده است.

جاسبی، حیدر (قرن ۶)، فرزند محمد، مشهور به اوحدالدین از عالمان قرن ششم هجری بوده و شیخ منتجب‌الدین رازی در کتاب الفهرست نام وی را به عنوان یکی از عالمان شیعه ذکر کرده است.

جاسبی، رشیدالدین علی (قرن ۶)، فرزند محمد، از محدثان و فقیهان قرن ششم اهل **دلجان** است.

جاسبی، محمد (قرن ۱۳)، فرزند عبدالرحیم، از فضلا و دانشمندان قرن سیزدهم اهل **دلجان**، است.

جاسبی‌وارانی، علی (زندگی ۶۹۳ خ)، فرزند محمد بن علی، اهل **دلجان**، عالم فاضل و ادیب که در اوایل قرن هشتم هجری می‌زیسته و نزد جلال‌الدین یوسف بن جمال‌الدین محمد اصفهانی به تحصیل پرداخته و استادش در سال ۶۹۳ برای او اجازه اجتهاد نوشته است.

جاویدراد، محمد (۱۳۳۴ خ)، زاده **کمیجان**، تا اول دبیرستان را در مدارس کمیجان گذراند و برای ادامه تحصیل به اراک آمد. او در سال ۱۳۵۲ از دبیرستان مجیدی دیپلم گرفت و در دانشگاه تهران زمین‌شناسی خواند. وی از دوران دبیرستان شعر سیاسی می‌گفت ولی در سال ۱۳۵۶ دفتر شعرش را در کتابخانه کوی دانشگاه گم کرد. ایشان در سال‌های اخیر به تاریخ، جغرافیا و فرهنگ علاقه‌مند شد و تاکنون بیش از ۲۵ عنوان کتاب با موضوع فرهنگ و تاریخ و... منتشر کرده و به سرایش و انتشار شعر هم ادامه می‌دهد.

جدا، خدیجه (۱۳۵۷ خ)، اهل فرج‌آباد (**زرنده**)، دانش‌آموخته مهندسی صنایع از دانشگاه علم و صنعت ایران و دکترای فناوری اطلاعات از واحد علوم و تحقیقات است. دکتر جدا یکی از مترجمان کتاب «استاندارد عملی مدیریت ریسک پروژه» با همکاری همسرش دکتر صادق روزبهی و صاحب چند اثر پژوهشی دیگر است (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۴۳).

جدیدی، عباس (۱۳۴۸ خ)، اهل روستای گیلی (**خمین**)، کشتی‌گیر سابق تیم ملی که در دوران قهرمانی خود در دسته‌های سنگین و فوق سنگین کشتی آزاد، برنده مدال نقره المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا، قهرمان مسابقات قهرمانی کشتی جهان (۱۹۹۸) و برنده مدال



طلا و نقره دو دوره پیاپی بازی‌های آسیایی در ۱۹۹۸ بانکوک و ۲۰۰۲ بوسان شد. جدیدی هم‌چنین قهرمان دو دوره مسابقات قهرمانی کشتی آسیا در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ است. جدیدی در دسته ۹۰ کیلوگرم در مسابقات قهرمانی جهان ۱۹۹۳ با شکست مدعیانی مانند ماکاربیخ خاداراتسف روس و ملوین داگلاس آمریکایی، قهرمان جهان شد. این پهلوان در سال ۲۰۰۲ پس بازنشستگی به مربیگری در کشتی روی آورد و علاوه بر مربیگری، مربی تیم ملی کشتی آزاد ایران در جام جهانی کشتی ۲۰۰۶ ساری هم بود. او هم‌چنین در چهارمین دوره شورای شهر تهران از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ نماینده مردم تهران بود.

جدیری، موسی (۱۳۰۳ خ)، فرزند علی‌اکبر، دوره ابتدایی را در مدرسه عظیمیه **اراک**

گذراند و در سال ۱۳۱۸ به‌استخدام راه‌آهن ایران درآمد و در سال ۱۳۵۶ بازنشست شد. او نواختن تار را نزد استادانی چون استاد معارفی آموخت و در انجمن قائم‌مقام و محافل فرهنگی،



اجرای موسیقی داشت (مجدی، ۱۳۸۴: ۷۵).

جذوه‌آشتیانی (قرن ۱۳)، از مردم گرکان و از منشیان و مستوفیان دوره ناصری است که به زبان عربی مسلط بود و به‌زبان فرانسه هم آشنایی داشت. او که ذوق و قریحه شاعری داشت جذوه تخلص می‌کرده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۲).

جراحی، محمدامین (۱۳۲۳ خ)، فرزند عبدالحسین، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در **ساوه** گذراند و در دانشگاه تهران زبان‌وادبیات فارسی خواند و پس از فوق‌لیسانس، در رشته ادبیات عرب دکتر گرفت. این نویسنده و استاد ادبیات عرب و از استادان دانشگاه آزاد اسلامی قم، کتابی تحت عنوان «تقدوبررسی مباحث فقه‌اللغه در قرآن» دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۳۷).

جری‌ساوجی (قرن...)، از شعرای **ساوه** که از ایشان صرفاً نام و این بیت شعر در دست است: خط نیست آنکه بر لب جانان برآمده/ ریسمان به گرد چشمه حیوان برآمده (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۳۵).

جزوی‌عراقی (درگذشته ۸۸۹ خ)، شاعر معروف به باباجزوی، در اصفهان نشو و نما یافت و به هرات سفر کرد. او هم‌چنین دیوان شعری هم دارد. در مجالس‌النفائس آمده: ملاجزوی از جانب عراق (**اراک**) است (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۳۳).

جعفرعلی‌جاسبی، عبدالله (۱۳۲۳ خ)، متولد روستای جاسب (**دلجان**)، دوران ابتدایی

را در مدرسه اعتضاد نزدیک امامزاده یحیی و متوسطه را در هنرستان تهران گذراند. او سپس از هنرسرای فنی صنایع چوب‌وتزیینات داخلی ساختمان با رتبه نخست دانش‌آموخته شد و مدال درجه نخست فرهنگ گرفت و در سال ۱۳۴۵ در همین دانشگاه شروع به



^۱. دانشگاه علم و صنعت کنونی

تدریس کرد. او در سال ۱۳۵۱ به انگلیس رفت و ابتدا ارشد مدیریت صنعتی و سپس دکترای مدیریت تولید و تکنولوژی از دانشگاه آستون دریافت کرد. او هم‌زمان به فعالیت‌های سیاسی پرداخت و در بازگشت به ایران مسوولیت‌های حکومتی عهده‌دار شد. ایشان پیشنهاد دهنده تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس این دانشگاه از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۰ بود. وی همچنین عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده و هم‌اکنون ریاست دفتر مطالعات و تدوین تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی را بر عهده دارد. کتاب اصول و مبانی مدیریت، انقلاب ویتنام، نظام‌های اقتصادی، انقلاب مشروطیت، دانشنامه حافظ و حافظ پژوهی برخی از آثار نوشتاری اوست.

جعفر نژاد، احمد (۱۳۱۶ خ)، پس از دریافت دیپلم در اراک، از دانشکده هنر دانشگاه

تهران فوق‌لیسانس گرفت و به آمریکا مهاجرت کرد. او پس از گذراندن دوره مطالعاتی در دانشگاه سالت‌لیک‌سیتی در سال ۱۹۶۶م، به‌عنوان معمار به‌استخدام شرکت دیزنی‌لند درآمد و تا سال ۲۰۰۴ به‌عنوان طراح معماری و مدیر هنری شرکت دیزنی فعالیت کرد. برخی از سمت‌های این معمار برجسته جهان عبارتند از: معمار ارشد شرکت معماری فرمانفرما در طراحی فرودگاه مهرآباد و ورزشگاه آزادی تهران (۱۹۶۹م)، طراحی و ساخت طرح جامع ده‌ساله دیزنی‌لند آمریکا (۱۹۶۹م)، مرکز خرید بویناویستا در والت دیزنی جهانی فلوریدا (۱۹۷۰م)، معمار ارشد پروژه Mountain Big Thunder کالیفرنیا، طراح معماری بخش کانادا، مراکش و آفریقا، سرپرست طراحی توکیو دیزنی‌لند، معمار ارشد وسترن‌لند و ادونچرلند فرانسه و...^۱



جعفری، اعظم‌السادات (۱۳۳۲-۱۳۶۷ خ)، فرزند سیدجعفر و بانوکوب، پس از

دریافت دیپلم در اراک به امور هنری بویژه قالی‌بافی پرداخت و ضمن آموختن زبان انگلیسی در سال ۱۳۵۲ به‌استخدام شرکت سهامی فرش (وزارت بازرگانی) درآمد. این هنرمند کارآفرین به‌واسطه هنر قالی‌بافی و تسلط به زبان انگلیسی، از سوی شرکت سهامی فرش در نمایشگاه‌های مونترال کانادا (۱۳۵۲-۳ماه)، ایالت تگزاس آمریکا (۱۳۵۳-۴ماه)، اوکیناوا ژاپن (۱۳۵۴-۴ماه)، کویت (۱۳۵۵-۲۰روز)، توکیو ژاپن (۱۳۵۵-۶ماه)، مادرید اسپانیا (۱۳۵۶-۱۵روز) و... شرکت کرد (ذبیحی، ۱۳۸۵: ۳۴۴).



جعفری، حسین (درگذشته ۱۳۵۵ خ)، فرزند یعقوب‌علی، اهل روستای بان (اراک)، که در این روستا حوزه درس داشته و اکثر مردان زاده دهه ۱۳۰۰ به بعد، توسط این عالم دینی، سواد خواندن و نوشتن آموخته‌اند.

^۱ تابستان ۱۴۰۰ دوستی حضور ایشان را در ایران اطلاع داد و من هم مقدمات سفر وی به اراک را فراهم نمودم که طی مراسمی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اراک از وی تجلیل شد.

جعفری، سیدحسین (۱۳۴۲خ)، زاده **اراک**، از سال ۱۳۶۴ آواز را در مرکز حفظ و اشاعه

موسیقی تهران نزد استادانی چون شاپور رحیمی، ناصرپور، سیدنورالدین رضوی سروستانی آموخته و موفق به دریافت پایان‌نامه از ایشان شد. او هم‌زمان و به توصیه استادانش در اراک، کلاس آموزش آواز دایر کرد و شاگردانی را تربیت و کنسرت‌هایی در این شهر برگزار کرد. او پس از مهاجرت به تهران در سال ۱۳۷۹ در کلاس‌های زنده‌یاد حسین عمومی و محمدرضا لطفی شرکت کرد و با گروه گلپانک به سرپرستی بانو ذاکری، کنسرتی در تالار وحدت و با گروه‌های طریقت و کیهان در تهران و شهرستان‌ها برگزار کرد و کلاس آواز او در تهران هم‌چنان برقرار است. آهنگ‌سازی، خوانندگی و سرایش اشعار تصانیف آلبوم تنهایی از اوست.



جعفری، محسن (۱۳۲۹ خ)، فرزند شیخ حبیب‌اله و بانو معصومه، متولد یکی از روستاهای

(شازند)، متخلص به مشعل در نوجوانی به هنر نقاشی علاقه‌مند شد و نقشه کشی فرش را

پیشه کرد و تا سال ۱۳۵۶ به آن ادامه داد و در این هنر متبحر شد. او در سال ۱۳۵۷ به استخدام دانشگاه اراک درآمد و ضمن کار به ادامه تحصیل پرداخت و موفق به دریافت لیسانس حسابداری از دانشگاه پیام‌نور گلپایگان شد. جعفری که یکی از اعضای باسابقه انجمن ادبی نور اراک است از دیرباز به شعر علاقه‌مند بوده و پیش از انقلاب نیز در انجمن ادبی ادیب‌الممالک حضور یافته و به شعرخوانی می‌پرداخت. وی اشعار و سروده‌های خود را در چندین دفتر گردآوری کرده که در سال ۱۳۹۸ گزیده‌ای از آنها را در کتابی با عنوان «پرواز در خیال» منتشر کرد (گفتگو مسلم نوازی).



جعفری، یحیی (۱۳۰۰-۱۳۹۲ خ)، فرزند حسن و بانو طوبی، در روستای کوکان به دنیا

آمد و تحصیلات مقدماتی را در **تفرش** گذراند و در سال ۱۳۱۹ برای تکمیل تحصیلات

خود به تهران رفت. او در کنار تحصیل، نزد استاد علی منظوری حقیقی به فراگرفتن اصول و قواعد خط روی آورد و مدتی هم از محضر استاد علی‌اکبر کاوه بهره برد تا به هنر خوشنویسی مسلط شد. وی در فن کتابت ماهر و خط نستعلیق را زیبا می‌نوشت و در تحریر خط شکسته نیز دستی داشت. این هنرمند، ابتدا در شهرداری تهران استخدام شد و از سال ۱۳۳۴ با سمت خوشنویس به مجلس سنا منتقل شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۶۹).



جعفری ساوجی، ذوالفقار (قرن ۱۱)، مشهور به میرخود جعفری، شاعر قرن ۱۱ و معاصر صادقی کتابدار

از اهالی **ساوه** که در شعر تبحر داشته و نسبش به سلمان ساوجی می‌رسد. این شاعر در پایان عمر در تبریز و در خدمت حکام آن جا بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۳۷).

جلالی، بهمن (۱۳۲۳-۱۳۸۸ خ)، فرزند ابراهیم و نوه فطن‌الملک تفرشی، تحصیلات



ابتدایی را در دبستان منوچهری و دوره متوسطه را در دبیرستان مزین‌الدوله و قریب تهران گذراند و از دبیرستان سخن دیپلم گرفت. او که در رشته اقتصاد از دانشگاه ملی (شهیدبهبشتی) دانش‌آموخته شد، در کنار دانشجویان معماری، به‌عکاسی علاقه‌مند شد و نخستین عکس او در مجله هفتگی تماشا (سروش) به‌چاپ رسید و به‌استخدام رسمی این مجله درآمد. نمایشگاه‌های فراوانی از آثار این عکاس برجسته در داخل و خارج کشور برگزار شده و این عضو شورای فصلنامه تخصصی عکس، در تأسیس انتشارات زمینه، مشارکت داشته و مدیریت تهیه عکس‌های کتاب تهران در یک‌نگاه را عهده‌دار بود. او که سابقه داوری جشنواره عکس یونسکو در ژاپن (۱۳۷۴) را در کارنامه دارد، رشته عکاسی را در دانشکده صداوسیما راه‌اندازی کرد. برخی از آثار این عضو انجمن سلطنتی عکاسان انگلستان^۱ در قالب کتاب عکس عبارتند از: روزهای خون روزهای آتش، آبادان که می‌جنگد، سیاه‌وسفید، خرمشهر، پنج‌نگاه به‌خاک، عکاسان و عکاسی، باغ مصور عکاسی، ایران، گنج پیدا، راهنمای ظهور فیلم و چاپ عکس، ایران سرزمین نور و رنگ (به‌زبان انگلیسی) و... (حیدری، ۱۳۹۹: ۶۳).

جلالی، بیژن (۱۳۰۶-۱۳۷۸ خ)، فرزند ابراهیم و نوه فطن‌الملک تفرشی از مادری به‌نام



اشرف‌الملوک (خواهر صادق هدایت)، تحصیلات ابتدایی را در مدارس رشدیه و فردوسی تبریز گذراند و دوره متوسطه را در رشته طبیعی دبیرستان فیروزبهرام تهران تکمیل کرد و مدتی در رشته فیزیک دانشگاه تهران و پس از آن علوم طبیعی در دانشگاه‌های پاریس تحصیل کرد. او سپس تحصیلاتش را نیمه‌تمام رها کرد و در بازگشت به‌ایران در رشته زبان‌و ادبیات فرانسه در دانشگاه تهران دانش‌آموخته شد. ایشان که دوره مردم‌شناسی را در موزه مردم‌شناسی پاریس گذرانده بود، مدتی در موزه مردم‌شناسی وزارت فرهنگ بکار مشغول شد و سرانجام در شرکت فرانسوی آتروپوز بکار پرداخت و با استفاده از بورس این شرکت، یک دوره اقتصاد نفت را در پاریس گذراند و ادامه خدمتش را در دو شرکت نفت و پتروشیمی گذراند و در سال ۱۳۵۹ بازنشت کرد. ارتباط نزدیک با صادق هدایت (دایی‌اش) و اقامت ۵ ساله در فرانسه، پیوندهایی میان او و نوشتن به‌وجود آورد و گاهی به‌فارسی و گاهی نیز به‌فرانسه می‌نوشت تا این که روح شاعرانه‌اش نظم گرفت و در آغاز دهه ۴۰ برخی از اشعارش را منتشر ساخت و برخی دیگر به‌همت برادرش مهرداد^۲ به‌چاپ رسید که از آن جمله‌اند: «روزها»، «دلِ ماوجهان»، «رنگ آبها»، «آب و آفتاب»، «روزانه‌ها»، «بازی نور» و «درباره شعر» (حیدری، ۱۳۹۹: ۶۴).

^۱. بیژن و مهرداد جلالی دو برادر بهمن حاصل از ازدواج پدرش با اشرف‌الملوک هدایت (خواهر صادق هدایت) می‌باشد.

^۲. دکترای روانشناسی از آمریکا

جلالی، سیداحمد (۱۳۲۸ خ)، فرزند سیدعباس و فاطمه بیگم، تحصیلات مقدماتی را در

دبستان حافظ **دلیجان** گذراند و از دبیرستان هراتی اصفهان دیپلم گرفت. این کارشناس

زبان و ادبیات انگلیسی و ارشد زبان و ادبیات فارسی، نویسنده‌ای است که بیشتر در زمینه

ادبیات کودک و نوجوان فعالیت می‌کند و کتابهای آه آهو، جامی از دست غزل، شاپرک‌های

دره کامو، قاصدک و چشمه غمگین، باغ بلور خرما، در خلوت شقایق و شبنم، شهر ما شاعر زمانه ما، آقا شاه

بلبل، اردیبهشت کوچه بیم‌و‌آه، دلیگان و جشن اسفندگان و نیز کتاب نیلوفران چشمه مهتاب، از اوست.

جلالی، سیدرحمان (۱۲۷۹-۱۳۶۱ خ)، فرزند محمد، از اهالی الرج (**خنداب**) و شاعری شیرین سخن و

باذوق بود که در اشعارش «پروین» تخلص می‌کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۵۲).

جلالی، سیدمصطفی (۱۳۴۷ خ)، فرزند سیدعلی و بانو بتول، تحصیلاتش را در مدارس

شاه‌رضا و انقلاب **دلیجان** گذراند و در دانشگاه آزاد نراق حسابداری خواند. این کارآفرین

از سال ۱۳۷۵ فعالیت خود را با تأسیس شرکت بام‌گستر دلیجان تولیدکننده ایزوگام آغاز

کرد و هم‌اکنون مسوولیت مدیریت بازرگانی این شرکت را دارد و این شرکت با برخورداری

از مجهزترین آزمایشگاه‌های بررسی و کنترل کیفیت و با داشتن ۱۵۰ نفر پرسنل، دارای ظرفیت ۴ میلیون

متر مربع انواع عایق رطوبتی و مشتقات پلیمری است و برند شناخته‌شده‌ای در کشور محسوب می‌شود.

ایشان هم‌چنین عضو هیأت مدیره شرکت الیاف پردیس، مدیرعامل شرکت صنایع شیمیایی دارویی اتانول

غدير هم می‌باشد. از فعالیت‌های اجتماعی این کارآفرین نیکوکار می‌توان به تأسیس و اداره باشگاه سوارکاری

آریا، ریاست هیأت مدیره مرکز نگهداری معلولین دودهدک و عضو انجمن عایق رطوبتی دلیجان اشاره کرد.

جلالی، شمس‌الدین (زندگی ۱۲۹۵ خ)، پسر حاجی میرزا علی‌اکبرخان **آشتیانی**، مدتی نزد حاجی

رضاخان صدیق‌السلطان، رئیس تحویل‌خانه خزانه نظام کار می‌کرد و بعدها ریاست نظمیة تهران و حکومت

کرمان را عهده‌دار شد. او در دوران مشروطیت، فعال و در زمره آزادیخواهان بود و سپس به‌استخدام وزارت

جنگ درآمد و در سال ۱۲۸۰ از معاونت وزارت جنگ استعفا کرد و برای مدتی به فارس و بوشهر رفت و

سپس یک سفر طولانی به هندوستان و استانبول داشت. او در حدود سال ۱۲۹۲ به تهران آمد و وارد امور

تجاری شد و در سال ۱۲۹۵ همراه آزادیخواهانی بود که به استانبول مهاجرت کردند.

جلالی، عباس (۱۲۹۳-۱۳۸۰ خ)، فرزند پردل‌خان و بانو فاطمه‌سلطان، پس از تحصیلات

مقدماتی در **تفرش**، به تهران رفت و تا مقطع دیپلم ادامه داد و با تلاش و پشتکار فراوان

در سال ۱۳۱۴، نخستین آموزشگاه آزاد ایران به نام البرز در سرچشمه و در مناطق مختلف

تهران نیز آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای از جمله ماشین‌نویسی، موسیقی، خیاطی، گلدوزی

و... تأسیس کرد. وی که رئیس سازمان علمی و فرهنگی البرز بود، در سال ۱۳۳۰ به‌عنوان مدیر مسوول،



هفته‌نامه سروش تفرش را با سردبیری شاهپور شاهی منتشر کرد. این مدیر و کارآفرین فرهنگی در سال ۱۳۵۰ و بنا به سفارش پدر، مدرسه‌ای در محله ترخوران تفرش تأسیس کرد و به نام پردل جلالی نام‌گذاری کرد. وی همچنین به آموزش و پرورش و دانشگاه تفرش کمک‌های بسیاری کرد و از جمله منزل مسکونی خود به مساحت ۷۰۰ متر مربع در تهران را به دانشگاه تفرش اهدا کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۶۶).

جلالی، علی اکبر (۱۲۶۱-۱۳۳۲ خ)، ملقب به سیف‌علی‌شاه، فرزند غلامرضا خلجانی



تفرشی، تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه‌های میرزا عباسقلی تفرشی و ملا احمد شاه میری گذراند و از محضر شیخ‌علی اکبر سجادی و شیخ محمدعلی میرسپاسی نیز کسب فیض کرد. وی اهل معرفت و عرفان بود و عارفی درویش‌مسلک از دراویش خاکسار و از مشایخ مجاز از طرف حاج‌علی یزدی (بهارعلی‌شاه) بود که پس از فوت ایشان جانشین وی شد. این عالم دینی درویش مسلک، در شهرهای مختلف، مجلس وعظ و منبر برپا می‌داشت و عارفی نیکوکار و مورد توجه مردم بود و از خود اشعاری به یادگار نهاده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۶۷).

جلالی، فتح‌اله (۱۲۸۵-۱۳۶۹ خ)، فرزند میرزا شمس‌الدین فطن‌الملک **تفرشی،**



تحصیلات ابتدایی در مدرسه آلمان‌ها و متوسطه را در مدرسه آمریکایی‌ها گذراند و برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در دانشگاه‌های ماربورگ، هامبورگ، مونیخ و برلین، علوم اقتصادی و حقوق خواند و دکترای گرفت. او پس از بازگشت به ایران در وزارت امور خارجه مشغول بکار شد و مشاغل مهم دیگری را نیز عهده‌دار شد که برایش نشان صلیب درجه یک از دولت فدرال آلمان، صلیب طلای درجه یک (شوالیه) از رئیس‌جمهوری ایتالیا و نشان علمی از وزارت فرهنگ ایران به‌ارمغان آورد. عضو اداره عهود و عقود جامعه ملل در وزارت امور خارجه، رئیس اداره سیاسی وزارت کشور، معاون مدیرکل امور شهرداری‌های وزارت کشور، فرماندار خرمشهر و آبادان، مدیرکل مستشار حقوقی و خزانه‌دارکل وزارت دارایی برخی از مهمترین سمت‌های اوست. «تاریخ روابط ایران و شوروی»، «تاریخ زندگی فردریک کبیر» و «عقاید اقتصادی» برخی از آثار نوشتاری اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۶۸).

جلالی، محمدعلی (۱۲۸۵-۱۳۵۷ خ)، فرزند شیخ‌حسین، در داروخانه اطمینان مشغول بکار بود و در مجله معارف سال ۱۳۱۴ رساله‌ای از ایشان درمورد گیاهان دارویی منطقه اراک به چاپ رسیده و یک مسجد و یک باب حمام نیز از این نویسنده و نیکوکار به یادگار مانده و اینکه به بیماران مستمند داروی رایگان می‌داد (صدیق، ۱۳۷۲: ۵۲).

جلالی آشتیانی، شمس‌الدین (زندگی ۱۲۸۰ خ)، فرزند میرزا علی اکبرخان، ملقب به فطن‌الملک، به قدر کافی دانش فارسی و عربی داشته و هنرمندی خوشنویس بود. وی که از افراد آزادی‌خواه و نزد فتح‌اله‌خان (سعیدالسلطنه تبریزی فرزند نظام‌العلماء)، کارگزار حکومتی تهران و مدتی رئیس تحویل‌خانه خزانه بود و مدتی با سعیدالسلطنه به کرمان و سپس حجاز و مصر و استانبول رفت و در دوره دوم مشروطیت وارد وزارت

جنگ شد. او پس از مدتی خدمات دولتی را رها کرد و به کار آزاد پرداخت (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۱۱).

جلالی سوسن‌آبادی، عباس (۱۳۸۳-۱۳۱۳ خ)، زاده روستای سوسن‌آباد (اراک) در

سن پنج‌سالگی به‌همراه خانواده به‌تهران رفت و هم‌زمان با شروع دبستان به تحصیل نقاشی هم پرداخت. او به سبب نبوغ سرشارش، راهی کلاس نگارگری استاد الطافی شد و در نقطه‌پردازی چنان مهارت و پیشرفتی از خود نشان داد که در مدت کوتاهی به شاگردی حسین بهزاد درآمد. وی در ادامه تحت تأثیر مقیمی و شیوه کار او قرار گرفت و در ادامه خلاقیت‌ها و نوآوری‌های کسانی مانند حسین بهزاد، ابوطالب مقیمی و الطافی شروع بکار کرد اما خیلی زود به سبک ویژه خود رسید و عقیده داشت که هنر نقاشی جدا از شعر و ادبیات نیست.



جلالی فراهانی، مجید (۱۳۳۳ خ)، پس از تحصیلات مقدماتی و دریافت دیپلم، در سال

۱۳۵۲ وارد دانشکده ورزش دانشگاه تهران شد و با استفاده از بورس تحقیقاتی دولت آلمان به این کشور رفت. او ضمن گذراندن یک دوره تحقیقاتی یک‌ساله، ادامه تحصیل داد و از دانشکده ورزش کلن کارشناسی‌ارشد با تخصص تربیت‌بدنی و ورزش معلولان گرفت. ایشان در سال ۱۳۶۸ و با ناتمام گذاشتن دوره دکتری به ایران بازگشت و ابتدا در دانشگاه آزاد و از سال ۱۳۷۰ به‌عنوان عضو هیات علمی در دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. ایشان در سال ۱۳۸۳ در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت‌بدنی، دکترا گرفت و در کنار تدریس و یک دوره مدیریت گروه طب ورزشی دانشکده، در حوزه کتاب هم تاکنون ۲۲ عنوان تألیف و ترجمه داشته است.



جلی، ابوتراب (۱۲۸۲ خ)، فرزند میرزا حسین، زاده دزفول، ساکن اراک و از شاعران توانا

و بزرگ معاصر، که در اشعار فکاهی و انتقادی مهارت بسیار داشت و در سرودن غزل، استاد و طنزنویسی چیره دست بود. این شاعر عضو انجمن قائم‌مقام، همکاری نزدیکی با نشریه نامه اراک و زنده‌یاد موسوی داشت و پس از عزیمت به تهران هم عضو انجمن امیرکبیر (اراک‌های مقیم تهران) شد (ولاشجرودی فراهانی، ۱۳۸۰: ۴۰۳).



جلیلی، ابوالفضل (۱۳۳۶ خ)، زاده ساوه، نخستین فیلم آماتور خود را در ۱۶ سالگی

ساخت و در میانه دهه پنجاه، تحصیلات خود در رشته کارگردانی و بازیگری در دانشکده هنرهای دراماتیک را ناتمام گذاشت و فعالیت در سینمای آزاد را آغاز کرد. جلیلی از سال ۱۳۵۹ با ساخت فیلم مستند، کارش را در تلویزیون آغاز کرد و نخستین فیلم سینمایی خود را با نام میلاد، در سال ۱۳۶۲ نویسنده‌گی و کارگردانی کرد. بیشتر فیلم‌های این کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و تدوین‌گر، توسط جشنواره‌های بین‌المللی تحسین شده ولی در ایران مورد سانسور قرار گرفته یا نمایش داده



نمی‌شود. فیلم‌های این سینماگر عمدتاً، غیرتجاری هستند و معمولاً به مسائل اجتماعی بویژه مسائل مربوط به نوجوانان می‌پردازند (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۳۳)

جلیلی، احمد (۱۳۲۵ خ)، فرزند جمشید، تنها دانش‌آموخته مهندسی متالورژی از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۴۹ که پس از خدمت سربازی در شرکت تولیدی زر به‌عنوان رئیس کنترل کیفی و سپس مدیر تولید، مدیر فنی و مدیریت کارخانه فعالیت کرد. وی سپس از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳ در سمت مدیریت کارخانه ضمن بهره‌برداری آزمایشی، فرسازای خاور را به ظرفیت کامل تولید هم رساند. مهندس جلیلی در سال ۱۳۶۳ نخستین کارخانه تولید انواع فنر پارابولیک را در **ساوه** پایه‌گذاری کرد و سپس توانست با تنوع تولید، فنرهای تخت و پارابولیک خودروهای سبک و سنگین را نیز تولید و کشور را از واردات این محصولات بی‌نیاز کند.

جمالزاده، محمدحسین (۱۳۳۱ خ)، فرزند محمد و بانو ربابه، تحصیلات مقدماتی را در دبستان شش بهمن گذارند و از دبیرستان فردوسی دیپلم گرفت. زندگی عکاس مشهور **اراک** با بخش مهمی از تاریخ این شهر گره خورده است. وی با بیش از ۴۰ سال سابقه عکاسی، مجموعه نفیسی از عکس‌های تاریخ اراک، چهره‌های ماندگار، ورزشکاران، هنرمندان تئاتر و موسیقی، شاعران، نویسندگان، دانشگاهیان، پزشکان، فرهیختگان اراک و... را در گنجینه خود دارد و نمایشگاه‌های متعددی از او در اراک برپا شده و هم‌چنان به ثبت رویدادهای مهم استان می‌پردازد و دوربین به دست در مناسبت‌های مختلف در جای‌جای سرزمین ایران عکاسی می‌کند.



جمالکده، حامد (۱۳۶۰ خ)، فرزند غلامرضا، پس از دریافت دیپلم نقشه‌کشی صنعتی، در دانشگاه جامع علمی‌کاربردی **اراک** کارشناسی روابط عمومی گرفت. او که پدرش نقاش بود، به خوشنویسی علاقه‌مند شد و هم‌زمان با تحصیل، به تمرین و فراگیری این هنر پرداخت و از محضر استاد پورهادی بهره برد و ضمن حضور فعال در نمایشگاه‌های انجمن، با بهره‌مندی از محضر استاد داود کریمی به درجه ممتازی رسید و در ادامه رتبه فوق‌ممتاز را بدست آورد. ویژگی بارز این هنرمند چپ دست بودن اوست که در خوشنویسی محدودیت به‌شمار می‌رود (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۷۸).



جمالو، نوشی‌آفرین (۱۳۲۹ خ)، فرزند ابوالفضل و بانو دختربس که به‌واسطه شغل پدر (نظامی) در شهرستان خرم‌آباد متولد و در شهرهای مختلف زندگی و از سن ۱۶ سالگی در **اراک** ساکن شد. وی که دارای تحصیلات سیکل می‌باشد به‌واسطه این که پدرشان اهل مطالعه و شاهنامه‌خوان بوده اسم نوش‌آفرین را بر او نهاده است. این سینماگر از سن ۴۰ سالگی وارد دنیای سینما شده و تاکنون در فیلم‌های «یکی بود یکی نبود» به کارگردانی حسین معطی



مستند «قاب خالی» به کارگردانی شمس‌آله دایی‌زاده و نیز فیلم‌های «الف مثل اراده»، «صبح فرشته»، «سیاه مثل زغال»، «نورچشمی‌ها» و... بازی کرده است.

جمالی، فخرالدین (۱۳۲۴ خ)، زاده **اراک**، داروساز و دانش‌آموخته دانشگاه آلبرتا، از برگزیدگان جشنواره پژوهشی ابوریحان بیرونی، رئیس انجمن علوم دارویی کانادا و همچنین سردبیر نشریه داروسازی و علوم دارویی است.



جمالی آشتیانی، محمد (۱۲۹۲ خ)، فرزند میرزا حسین‌خان (معمدالسلطان)، پس از دریافت لیسانس حقوق، فعالیت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۲ با انتشار هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی «خدنگ» آغاز کرد که ۲۸ سال ادامه یافت. این نویسنده و روزنامه‌نگار، همچنین عضو انجمن روزنامه‌نگاران و عضو هیأت‌مدیره مطبوعاتی متفق بود و دو مدال ورزشی نیز دریافت کرد و نیز به‌عنوان مدیر روابط عمومی کانون بازنشستگان کشوری انجام وظیفه می‌کرد (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۸۵).

جمالی آشتیانی، محمدحسین (۱۳۴۰ خ)، فرزند حسین، کارشناس ارشد مدیریت و

اموربانکی و استاد دانشگاه است که بیش از سه دهه تجربه شغلی در بانک کشاورزی از سطح کارمند، کارشناس، مدیر شعب تا مشاور مدیر عامل بانک کشاورزی را در کارنامه دارد. این کارشناس برجسته مالی، ضمن فعالیت‌های گسترده علمی/پژوهشی و تدریس، چهار عنوان کتاب در زمینه بانک برتر، مدیریت اسناد، مبانی مدیریت مالی و نیز کتاب بررسی‌های مالیاتی را به‌عنوان نویسنده منتشر کرده است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۴۸).



جمالی محلاتی، جمال‌الدین (۱۲۸۶-۱۳۶۴ خ)، فرزند میرزا فخرالدین، پس از

تحصیلات مقدماتی به قم رفت و دروس حوزه را تا مرحله اجتهاد آموخت. او مدتی در محلات اقامه نماز کرد، سپس به بروجرد رفت و از محضر آیت‌اله بروجردی بهره برد. وی سپس سردفتری اسناد رسمی پیشه کرد و از لباس روحانیت خارج شد و تا ریاست کانون سردفتران ارتقا یافت. تأسیس مجله کانون سردفتران و تألیف دو کتاب «قوانین و فقه اسلامی» و همچنین «سردفتر در اسلام» از آثار این نویسنده و شخصیت برجسته محلاتی است. دفتر این حقوقدان برجسته محل رفت‌وآمد بزرگان و شخصیت‌های علمی، اجتماعی و سیاسی بود و علمایی چون گلپایگانی، سیداحمد خوانساری، مرتضی انصاری، کمره‌ای و... به‌واسطه شناختی که از دوران تحصیل با وی داشتند به‌دیده احترام نگریسته و همچنین مورد توجه خاص صدرا لاشراف بود (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۸۶).



جمراسی، علی اصغر (۱۳۴۳ خ)، فرزند علی، دوره ابتدایی را در روستای تلخاب **فراهان**

و راهنمایی را در مدرسه مهدوی قم گذراند و از دبیرستان حکیم‌نظامی قم در سال ۱۳۶۱ دیپلم گرفت. این دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق، از سال ۱۳۷۰ در استانداری مرکزی اشتغال داشت و پس از دوازده سال به وزارت



کشور منتقل و در سال ۱۳۹۶ بازنشسته شد. نخستین کتاب این کارشناس سیاسی با عنوان «بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی» در سال ۱۳۷۴ منتشر شد و امروز به عنوان یک منبع درسی علوم سیاسی و روابط بین الملل تدریس می شود. این ترک خلیج زبان در ادامه پژوهشگری در حوزه زبان خلیجی پیشه کرد و از سال ۱۳۸۱ خانه خود در تلخاب فراهان را به مرکز مطالعات خلیج شناسی تبدیل و نخستین کسی است که الفبای زبان خلیجی را به دو خط فارسی و لاتین تدوین و یک تحول بزرگ در رشته ادبیات ترکی دانشگاه های خارج از کشور ایجاد کرد. این پژوهشگر تاکنون بالغ بر ۲۸ عنوان کتاب در زمینه زبان خلیجی منتشر کرده که از آن جمله اند: یادگار ترکان باستان، منظومه قارشو بالوق قا سلام، گول صنوبر، آموزش زبان خلیجی و گرامر آن، خلیج اردو (سکونت گاه خلیج ها در تاریخ) و...

جمشیدی، نصرت اله (۱۲۹۵-۱۳۷۱ خ)، فرزند کربلایی ابراهیم و بانو هما، اهل روستای

بان (اراک) و دارای تحصیلات مکتب خانه ای که خط بسیار زیبایی داشت و اکثر مکاتبات و اسناد معاملاتی روستا توسط او تحریر می شد. وی اگرچه شغل کشاورزی داشت ولی در زمینه تعزیه گردانی هم استاد مشهوری بود و به واسطه خط زیبایی که داشت، بیش از ۱۲۰ مجلس تعزیه نوشته و نسخ تعزیه او یکی از نسخه های معتبر و مشهور منطقه است که هم چنان در روستای بان توسط تعزیه خوانان در محرم، صفر و ماه رمضان مورد استفاده است و این نسخ توسط فرزندش حاج کاظم نگهداری می شود. وی هم چنین آخرین کلدای روستای بان بود.



جمیلیان، عبدالرضا (۱۳۴۴ خ)، زاده اراک، متخصص برجسته ارتودنسی ایرانی است که

در سال ۱۳۸۹ موفق به اختراع روشی نوین در درمان بیماران در حال رشد زیر ۱۲ سال مال اکلوژن کلاس III با کمبود رشد فک بالا بدون نیاز به استفاده از دستگاه های خارج دهانی شد. او در سال ۱۳۹۱ موفق به ثبت این اختراع در اداره ثبت اختراع و نشان تجاری ایالات



متحدہ شد.

جناب قزوینی، عبدالکریم (قرن ۱۳)، ملقب به «معین البکا» در دوره ناصری می زیسته و مجتهدی روحانی که اهل موسیقی و هنر هم بوده و ارتقای بخشی از هنر تعزیه ساوه و حتی اراک مرهون زحمات اوست. هم چنین سیداحمدخان سارنگ از شاگردان اوست.

جهانشاهلو، غلامرضا (۱۳۲۲-۱۳۹۶ خ)، فرزند علی اکبر، اهل روستای سقاوور

کمیجان تا کلاس ششم را در زادگاهش خواند و به مدت سه سال ترک تحصیل کرد. او سپس در اراک سیکل نهم را خواند و از دبیرستان امام علی دیپلم گرفت و در رشته ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد پذیرفته شد و پس از دریافت لیسانس در سال ۱۳۴۶، در مؤسسه ریاضیات دکتر مصاحب در تهران پذیرفته شد. او سپس از مهرماه ۱۳۴۷ در دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم وقت) به عنوان استادیار مشغول تدریس شد. وی هم چنین در سال ۱۳۵۱ عازم انگلیس شد و پس از دریافت



فوق‌لیسانس تحقیق در عملیات از دانشگاه ساوت همپتون، از دانشگاه بروئل هم دکترا گرفت. ایشان پس از انقلاب به‌عنوان معاون دانشجویی وزارت علوم و سپس معاون سازمان هواپیمایی کشوری منصوب شد. دکتر جهانشاهلو راهنمایی ۱۱۰ دکتر، بیش از ۲۶۰ مقاله و تألیف و ترجمه ده‌ها عنوان کتاب را در کارنامه دارد و نیز نفر نخست و پدر علم تحلیل پوششی داده‌های ایران به‌شمار می‌رود.

جوادى ساوه‌ای، غلامرضا (۱۳۴۱ خ)، فرزند قاسم، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش روستای مز غرق‌آباد (ساوه) گذراند و در تهران دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه شهیدبهبشتی، تاریخ خواند و وارد مشاغل دولتی شد و امروز یکی از صاحب‌منصبان وزارت کشور است. «دلیجان در آینه ایران»، «مدیریت در ایران باستان»، «اسناد ساوه»، «موسیقی ایران از آغاز تاکنون» و «کاخ مرمر» برخی از نوشته‌های این نویسنده و مدیر عالی‌رتبه سیاسی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۴۲).

جواهری، اشرف (۱۳۳۴ خ)، فرزند محمدرضا و بانو خدیجه، تحصیلاتش را در دبستان جواد رهنما (اراک) گذراند و از دبیرستان شاهدخت (تربیت فعلی) دیپلم گرفت و با رتبه خوب در دانشگاه شیراز پذیرفته شد ولی با کمک دکتر قریب در دانشگاه اراک ثبت‌نام کرد و کارشناسی زبان‌وادبیات فارسی گرفت و در بحبوحه پیروزی انقلاب و در سن ۲۱ سالگی ریاست دبیرستان شکرایی را عهده‌دار شد. ایشان که بعدها ارشد مدیریت آموزشی گرفت مدت زیادی ریاست مرکز تربیت معلم اراک را بر عهده داشت. جواهری در نقش نویسنده علاوه بر مقالات علمی، دارای چندین عنوان کتاب هست که برخی از این کتب عبارتند از: رازورمز زندگی بهتر را تجربه کنیم، پاسداران حریم عفاف، زندگی‌نامه شهید محمود فدایی، زندگی‌نامه شهیدان فرهادی، کلاس‌اولی‌ها، شمیم بهشت (مشترک با مریم طالبی) و... ضمناً دو کتاب «جواهرنامه» به اهتمام بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس استان و نیز «ساکن خیابان ملک» به‌اهتمام فاطمه بهبودی روایتی است از زندگی بانو اشرف جواهری.



جواهری، عبدالله (۱۳۳۳ خ)، زاده **زرنديه**، فرزند محمد و بانو محترم، شاعری که دارای دو کتاب شعر ترکی به نام «الله عاشیقی» و «آوای ساوه» می‌باشد.



جواهری عراقی، هادی (۱۳۰۵-۱۳۷۷ خ)، فرزند محمدرضا و بانو رقیه در **اراک** به‌دنیا

آمد و تحصیلات مقدماتی را در اراک گذراند و از همین شهر دیپلم گرفت. این فعال مدنی مدیر مسوول و سردبیر سال‌نامه گلستان بود. نشریه‌ای وزین و ادبی که رجال سرشناسی همچون نیما یوشیج، دکتر محمدعلی اسلامی، فریدون توللی، مصطفی رهنما، دکتر کاظم



سامی، دکتر مجدالدین میرفخرایی، احمد سمیعی و شیخ حسین لنکرانی در آن قلم می‌زدند. او به‌عنوان یک چهره ملی مذهبی، از شخصیت‌های برجسته‌ی حزب ایران محسوب می‌شد و با افرادی چون علی شریعتی و حبیب‌اله پیمان حشر و نشر داشت. نماینده پنجمین کنگره حزب ایران در کشور و همچنین بنیان‌گذار این

حزب در اراک بود که در اوان دهه ۲۰ خورشیدی از دل کانون مهندسان بیرون آمد و اعضایش عموماً تکنوکرات‌های زمانه خویش بودند و ردپای میهن‌دوستی ایشان در ماجرای نفتی گس‌وگلشائیان هویداست. این اندیشمند فرهنگی با آیت‌اله سلطان (سلطان‌العلماء) رابطه نزدیکی داشته و بر اساس یادداشت‌های روزانه معلوم می‌شود که با هم تبادل کتاب نیز داشته و از جمله کتب احمد کسروی که آیت‌اله سلطان قصد داشته از محتوای این کتب آگاه شود، وی در تهران مدیر و بنیان‌گذار صنایع فلزی بهداد بوده که دفتر فروش آن در خیابان سعدی جنب بیمارستان امیراعلم قرار داشت. مهاجرت فرزندان او به آمریکا پیش از انقلاب ۵۷ ایران موجب شد تا ایشان هم پس از انقلاب برای همیشه به آمریکا مهاجرت کند و در آنجا نیز به فعالیت‌های فرهنگی ادامه داده و سردبیر نشریه «همه باهم برای هم» بود و در پایان عمر همه کتب موجود در کتابخانه غنی خود را به دانشگاه فرهنگیان زینب کبری اراک هدیه نمود.

جودی، محمد (۱۲۷۷-۱۳۱۷ خ)، فرزند غلامحسین لنگرودی‌چرای (خنداب)، از شاعران خوش‌قریحه‌ای که دو کتاب به نام‌های «وصلت اجباری» و «سرگذشت فقیر» منتشر کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۵۸). **جوزامحلاتی، حسن** (قرن ۱۴)، اهل محلات، از فضایی دوره معاصر بوده و از آثار این عالم دینی می‌توان به «حوادث عناصر» که به زبان فارسی است و در بمبی هند چاپ شده، اشاره کرد. **جوکار، سعید** (۱۳۶۸ خ)، اهل ساوه، نوازنده تار و شاگرد محمدرضا لطفی است که در چندین کنسرت شرکت داشته و مورد وثوق اهل فن که از محمدرضا لطفی دست‌خط دارد و مدرس مورد تأیید ایشان است. **جولایی، غلامرضا** (۱۳۰۵ خ)، فرزند حبیب‌اله، تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه شیخ یحیی در اراک گذراند و سپس به دبستان مجیدی و هدایت رفت و از دبیرستان صمصامی دیپلم گرفت. این نویسنده و شاعر متخلص به «مزدآ» ابتدا اشعار مذهبی می‌سرود، سپس سرایش اشعار میهنی را آغاز کرد. جولایی تألیف تذکره سخنوران اراک، پارسی‌گویان برون‌مرزی و چند اثر دیگر را در کارنامه دارد (ولاشجرودی، ۱۳۸۰: ۲۳۵).

جولایی، مسعود (۱۳۳۹ خ)، فرزند محمود و بانو عذرا، تحصیلاتش را در دبستان ۲۵ شهریور و راهنمایی کوروش گذراند و از دبیرستان پهلوی دیپلم گرفت و در راه‌آهن استخدام شد. این مسیرنورد مشهور ایران، جانباز دفاع مقدس، لوکوموتیوران پیشکسوت، دوچرخه‌سوار و کوهنورد حرفه‌ای، در سال ۱۳۹۲ بر اثر یک حادثه کوهستانی ضربه مغزی شد و پس از بهبودی، توانایی سرودن یافت. این شاعر و فعال مدنی از سال ۱۳۹۶ در قالب یک نذر فرهنگی با دوچرخه اقدام به ایرانگردی و سرکشی به خانه سالمندان و معلولین ایران می‌کند که گزارشات تصویری متعددی در



این زمینه و به‌عنوان سفیر فرهنگی **اراک**، تولید و منتشر شده و تاکنون به حدود ۶۰ شهر و ده‌ها مرکز سالمندان و معلولین کشور به‌صورت پیاده و با دوچرخه سرکشی کرده و این کار او هم‌چنان ادامه دارد.^۱

چ

چراغی، عبدالرضا (۱۳۴۰ خ)، فرزند محمدرضا و بانو زهرا، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش روستای شهرگرد (**اراک**) و دوره راهنمایی را در مدرسه شکرایی گذراند و از هنرستان دیپلم گرفت و در سال ۱۳۶۲ به‌استخدام ماشین‌سازی اراک درآمد. کتاب «ردّ تیغ» شامل هفت داستان کوتاه را در سال ۱۳۹۹ به چاپ رساند و کتاب‌های «فرشته ماه»، رمان تاریخی «روایت سغدی»، «خاکستریم و سرد» و «زبان مادری»، توسط او چاپ و منتشر شده است. علاوه بر نشر بیش از بیست مقاله در «فصلنامه رازان»، دو کتاب «اراک در مقالات سعید» و «پنجره‌ها» را هم به‌صورت مشترک با یوسف نیک‌فام منتشر کرده و یکی از همراهان ثابت‌قدم فصلنامه رازان است.



چراغی، محمد (۱۳۴۶ خ)، فرزند محمدرضا و بانو زهرا، شاعر، نویسنده و منتقد ادبی، پس از طی دوره ابتدایی در روستای شهرگرد (**اراک**)، متوسطه را در دبیرستان شریعتی و امام علی گذراند و پس از دیپلم به آلمان رفت و در آنجا پرستاری خواند. خوشه‌های سبز (مجموعه شعر)، روزهای دیروز (مجموعه داستان) و دو جلد «نقدی بر اشعار شاعران معاصر ایران» از اوست.



چراغی، محمدعلی (۱۳۳۰ خ)، فرزند ابوالقاسم و بانو سکینه، تحصیلاتش را در دبستان شاهپور گذراند و از دبیرستان دکتر محمود مهران دیپلم گرفت. او که لیسانس ارتباطات و فوق‌لیسانس ادبیات تطبیقی از دانشگاه علامه طباطبائی دارد، مدرک عالی خوشنویسی از انجمن خوشنویسان ایران دارد و همچنین رئیس اداره انتشارات شرکت مخابرات ایران بوده و سردبیر مجله تخصصی مخابرات، مدرّس دانشکده خبر و دانشکده هوا فضا (فضاپران)، روزنامه‌نگار و سردبیر چند مجله، ویراستار، پژوهشگر و نویسنده در دو دانشنامه ادب فارسی (حسن انوشه) و دانشنامه حافظ‌شناسی و حافظ پژوهی (بهاء‌الدین خرمشاهی - سیدعلی موسوی گرمارودی) از دیگر سوابق فرهنگی



^۱. متأسفانه در یکی از سفرهایش به سمت انجمن در آذرماه ۱۴۰۲ توسط یک وانت زیر گرفته شد و مدتی را در بیمارستان ولی‌عصر اراک بستری بود و مدیران ارشد استان از جمله استاندار وقت دکتر مخلص‌الائمه از وی عیادت نمودند.

^۲. طنزهای احمد نیک‌آیین (شاعر طنز پرداز اراکی)

است. مخابرات و توسعه، جستجوی مفاهیم بهره‌وری در ادب پارسی، حدیث غدیر، دانشنامه زرنندوخرقان، از کتیبه‌نگاری تا وب‌نگاری، پنج‌پنجره (مجموعه شعر) و چاپ ده‌ها مقاله اجتماعی، فرهنگی، ادبی در نشریات کشور از آثار مکتوب مؤسس، مدیر و دبیر جامعه دانش آموختگان **زرنند** مرکزی است (چراغی، ۱۳۹۵: ۴۱۸). **چرایبی، سهراب** (۱۳۳۴-۱۳۱۳ خ)، فرزند علی اکبرخان، اهل چَرّآ (**خنداب**)، از افسران دانش‌آموخته دارالفنون در رشته نظام برای شرکت در جنگ‌های کردستان و آذربایجان، از طرف سلطان قاجار به دریافت لقب سالارمجلل نایل شد. این سردار نظامی سپس به درجه امیرتومانی و فرمانده کل ژاندارمری رسید (صدیق، ۱۳۷۲: ۹۰).

چَرایبی، علی (۱۲۳۷-۱۲۸۱ خ)، فرزند علی اکبرخان ملقب به لواءالنظام، اهل چَرّآ (**خنداب**)، از افسران تحصیل کرده رشته نظام از مدرسه دارالفنون بوده و به‌عنوان یک سردار نظامی، رئیس کل نظمیه مملکتی بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۶).

چگنی، براتعلی (۱۳۵۵ خ)، فرزند حاج قنبر مشهور به ملا، متولد روستای نبی‌دره (**سازند**)، تحصیلات مقدماتی را در مدرسه حاج محمد ابراهیم و سپهرداری گذراند و برای ادامه تحصیل به قم رفت و در مدرسه دارالشفا دروس مقطع سطح را نزد شیخ علی‌پناه اشتهاودی و جوادی آملی فرا گرفت. وی خوشنویسی را هم به‌صورت خودآموز تمرین کرد و در وادی شعر و ادب نیز فعال است و در انجمن‌های فرهنگی مختلفی نظیر انجمن ادبی نور عضویت دارد و اشعار و مقالات خود را در محضر استادان خبره و سخن‌شناس ارائه می‌کند که همواره تحسین و تمجید ایشان را به دنبال دارد. کتیبه مصالای اراک از آثار اوست (پیرهادی تواندشتی، ۱۳۹۲: ۸۰).



چگینی، محسن (۱۳۴۶ خ)، زاده **اراک**، تهیه‌کننده و کارگردان مجموعه‌های تلویزیونی **گُسل**، **شمعدونی**، **پژمان**، **دزدوپلیس**، **تاکسی پلیس**، **ساختمان پزشکان**، **مسافران**، **چهارخونه** و شب‌های برره می‌باشد. این سینماگر هم‌چنین فیلم «خوب، بد، جلف» را کارگردانی کرده و از افتخارات ایشان دریافت تندیس زرین بهترین مجری طرح برای شب‌های برره، لوح تقدیر و دیپلم افتخار بهترین تهیه‌کننده برای سریال ساختمان پزشکان، جایزه بهترین کارگردانی مستند برای فیلم خاک بهشت و دیپلم افتخار بهترین فیلم از نگاه تماشاگر از سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر برای فیلم خوب، بد، جلف را می‌توان نام برد.



چمران ساوهای، مصطفی (۱۳۱۱-۱۳۶۰ خ)، فرزند حسن، دوره ابتدایی و متوسطه را در مدارس انتصابیه، دارالفنون و البرز گذراند. این عضو انجمن اسلامی دانشگاه تهران، عضو جبهه ملی ایران و از معترضان به حضور نیکسون در ایران (۱۶ آذر ۱۳۳۲)، در سال ۱۳۳۶ در رشته الکترومکانیک دانشکده فنی تهران با احراز رتبه نخست دانش‌آموخته شد



و با بورس تحصیلی شاگرد ممتاز به آمریکا رفت. وی از دانشگاه تگزاس فوق لیسانس و از دانشگاه برکلی کالیفرنیا در رشته الکترونیک و فیزیک پلاسما دکترا گرفت و در آزمایشگاه‌های بل و پیشروانه جت ناسا به عنوان محقق استخدام شد، ولی پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت. او در آمریکا به همراه ابراهیم یزدی، علی شریعتی و صادق قطب‌زاده، شاخه خارج از کشور نهضت آزادی ایران و انجمن اسلامی دانشجویان را تأسیس کرد و در سمت عضو جبهه ملی ایران، تدارک اعتراضات مقابل سازمان ملل، کاخ سفید و نیز سفارت ایران در واشنگتن و سایر کنسولگری‌ها را عهده‌دار بود. وی که در دانشکده فنی تهران، شاگرد مهندس بازرگان بود، عامل ورود ایشان به سیاست شد و نقشی که مهندس بازرگان و نهضت آزادی در وقوع انقلاب داشتند را باید نشأت گرفته از اندیشه دکتر چمران دانست در کنار تأثیراتی که در لبنان و سیاست‌های پس از انقلاب ایران و به‌ویژه دوران نمایندگی مجلس، وزارت و از همه مهمتر در دوران دفاع مقدس داشت، او را به یکی از شخصیت تاریخی مؤثر ایران تبدیل کرد. وزیر دفاع در دولت مهندس بازرگان، نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی از تهران، از فرماندهان و بنیان‌گذار ستاد جنگ‌های نامنظم در جریان جنگ ایران و عراق از دیگر سوابق این سردار نظامی است که از همراهان امام موسی‌صدر در تشکیل جنبش امل لبنان بود و در مصر هم دوره‌های چریکی را فرا گرفت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۴۴).



چناری، حسین (۱۳۵۱ خ)، فرزند محمد اسماعیل و بانو معصومه، تحصیلاتش را در دبستان و راهنمایی روستای خلیل‌آباد (**خمین**) گذراند و از دبیرستان شهید بهشتی دیپلم گرفت. کارشناسی روابط عمومی دانشگاه جامع علمی-کاربردی، ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد رودهن و دکترای مدیریت آموزشی علوم و تحقیقات مسیر دانش‌آموختگی اوست. پژوهشگر و نظریه‌پرداز حوزه آموزش و فرهنگ و دارای گواهینامه Post DBA-DBA-MBA در حوزه کسب و کار، موسس و رئیس کالج بین‌المللی ابن‌سینا (گرجستان)، مشاور بیش از ده‌ها کسب و کار آموزشی، مدیرعامل موسسه پردیس بین‌الملل توسعه علوم و فنون کارآفرینان، مدیر بخش آموزش ماهنامه علم برتر، نویسنده ده‌ها مقاله آموزشی-پژوهشی در نشریات داخلی و بین‌المللی در کنار تالیف و ترجمه‌ی کتب «نگاه تطبیقی به سیستم‌های آموزشی جهان (۲جلد)، «مدیریت بر خود تا مدیریت بر دیگران»، «مدیریت نوین نگاهی کوتاه بر گرایش‌های مدیریتی»، «اصلاحات پرکاربرد علوم اداری و مدیریت»، «رویکرد تغییر در نظام زندانبانی»، «مدیریت در نهج‌البلاغه»، «تحول آموزش عالی بر اساس جامع نسل پنجم» و کتاب «تکنیک‌های نوین تدریس» از ایشان یک کارآفرین و نویسنده محقق عرضه می‌کند.

چهارحدی، اسماعیل (قرن...)، مشهور به عاشق اسماعیل، از اهالی موسیقی و از نوازندگان به نام روستای چهارحد از توابع بخش خرقان (**زرنديه**) بود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

چهرآزاد، همای (زندگی ۱۲۳۱ پیش‌هجری)، معروف به شهرزاد، یا همان خماني دختر

بهمن (پسر اسفندیار) که ۳۰ سال پادشاه ایران بود و در جنگ با رومیان در سال ۱۲۳۱ پیش‌هجری، گروهی از اسیران را وادار به ساخت دو قلعه در دشت حاصل‌خیز خمین کرد که یکی در جنوب شرقی شهر خمین (محل سبزی‌کار) که دیواره‌های آجری آن در حفاری‌های جدید و در عمق ۵ متری که برای احداث حمام کنده می‌شد به دست آمد و دومی در نزدیکی محل فعلی قلعه سالارمحتشم که بعدها به دست اسکندر نابود شد. شهربان نام باغی است در خیابان شریعتی خمین که توسط میرزآبازخان وقف شده و امروز با نام پارک شهیدبهشتی شناخته می‌شود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۲۹).



چهرقانی، احمد (۱۳۶۴ خ) فرزند لطفاله، دوران دبستان و راهنمایی را در زادگاهش روستای چهرقان (کمیجان) گذراند و با اخذ دیپلم از کمیجان، از دانشگاه علامه طباطبائی با معدل الف لیسانس گرفت. او هم‌چنین از دانشگاه مازندران کارشناسی‌ارشد و از دانشگاه شهید چمران اهواز دکترا گرفت. «اقتصاد اخلاقی و سیر اندیشه‌های اقتصادی» و «اقتصاد اسلامی» از نوشته‌های این حسابرس مالیاتی استان مرکزی است. او که به زبان تاتی هم صحبت می‌کند، مجموعه‌ای با عنوان تات‌نشین‌های اراک، چهرقان، وفس، فرک و گورچا را در دست تدوین دارد. دکتر چهرقانی هم‌چنین در طراحی و کاریکاتور هم دستی دارد که با زمینه اقتصادی اجتماعی فعالیت می‌کند و در این رشته هم رتبه کشوری و استانی را به دست آورده است. وی هم‌چنین عضو هیأت علمی دانشگاه اراک است.

چوبندیان، محمدزمان (۱۳۲۴-۱۳۹۴ خ)، در اهواز متولد شد، در این شهر دیپلم ادبی

گرفت و در سال ۱۳۴۴ به‌عنوان سپاهی دانش به روستای چقاسیاه (شازند) آمد و سپس در اراک ازدواج کرد و ماندگار شد. او سپس در رشته زبان‌وادبیات فارسی ادامه تحصیل داد و فوق‌لیسانس گرفت. استاد چوبندیان که شعر هم می‌سرود یکی از فرهنگیان سرشناس اراک به‌شمار می‌رفت و مورد احترام جامعه فرهنگی اراک است (مجدی، ۱۳۸۴: ۲۰۷).



ح

حاتم‌آبادی‌فراهانی، علیرضا (۱۳۲۵ خ)، فرزند علی‌اصغر، زاده حاتم‌آباد (فراهان)، در

پنج‌سالگی به مکتب‌خانه روستای زادگاهش رفت و دو سال بعد به دبستان همین روستا راه یافت. او تا مقطع دیپلم را در فراهان گذراند و در سال ۱۳۴۶ به‌استخدام راه‌آهن ایران درآمد و پس از ۱۰ سال به وزارت بهداشت منتقل شد. وی دوره آزاد طراحی‌ونقاشی را در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران طی کرد. آثار هنری او بارها در همان دانشکده و موزه آزادی تهران به نمایش



درآمد و تاکنون در ده‌ها نمایشگاه، هنرنمایی و نزدیک به ده جشنواره سراسری ملی شرکت کرده است (مجدی، ۱۳۸۴: ۷۶).

حاتمی، عباسعلی (۱۳۲۳-۱۳۷۵ خ)، مشهور به علی‌حاتمی، فرزند حسن و نوه میرزا مصطفی، با اصالت **تفرشی** در خیابان شاهپور تهران به دنیا آمد. مادرش خانه‌دار و پدرش در یک چاپخانه صفحه‌آرا بود. او پس از پایان دوره هنرستان هنرپیشگی، در سال ۱۳۴۳ به دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر راه یافت و فعالیت خود را در سال ۱۳۴۴ با نوشتن نمایش نامه دیب (دیو) آغاز کرد و سپس کارگردانی را با ساخت فیلم حسن کچل (۱۳۴۸) تجربه کرد. علی‌حاتمی حداقل ۱۴ فیلم بلند سینمایی و مجموعه تلویزیونی ساخته و از فیلم‌سازان نسلی به‌شمار می‌رود که پیشگامان فصل نوین سینمای ایران از اواخر دهه ۱۳۴۰ به بعد از میانش برخاسته که از آن جمله‌اند: ناصر تقوایی، بهرام بیضایی، مسعود کیمیایی، فریدون گُله و داریوش مهرجویی. پدر سینمای تاریخی ایران، در سال ۱۳۵۶ سوت‌زدلان را ساخت و سپس برای نوشتن متن فیلمنامه سریال هزارستان عازم فرانسه شد و بیش از ۱۰ بار متن سریال را بازنویسی کرد. ساخت این سریال در سال ۱۳۵۸ کلید خورد و ۸ سال طول کشید تا سرانجام «هزارستان» به آنتن تلویزیون برسد. علی‌حاتمی برای تولید این سریال دست به ساخت تهران قدیم زد و حاصل کار او با نام شهرک سینمایی غزالی برای ما باقی ماند که رخ‌داد میمونی در سینمای ایران به‌شمار می‌رود و از این حیث حاتمی را باید تاریخ‌ساز سینمای ایران نامید. مجموعه‌های تلویزیونی سلطان صاحبقران و هزارستان نیز به اندازه آثار سینمایی او مورد توجه قرار گرفتند و حاتمی به‌عنوان کارگردانی صاحب‌سبک و مؤلف، سعی کرد با استفاده از قصه‌ها، مثل‌ها، فولکلورها یا باورهای عامیانه ایرانی، فرهنگ کهن کوچه، بازار و معماری دیرپای ایرانی، طرحی نو در سینمای ایران دراندازد و فرهنگ، آداب و ارزش‌های فکری و رفتاری مردم این سرزمین را بر پرده خیال نقاشی کند و همواره در آثار سینمایی خود پیوندی ناگسستنی با اصطلاحات و گویش‌های کوچه‌بازار داشت، به‌طوری‌که کاربرد این دیالوگ‌ها به‌عنوان امضای وی در همه آثارش ثبت شده و سینمای حاتمی را یک سینمای منحصر به فرد ساخته است. (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۲).



حاتمی، عبدالحمید (۱۳۰۳-۱۳۶۹ خ)، فرزند میرزا یحیی‌خان قوام‌الدوله‌ای، مشهور به شاپور، اهل **تفرش**، پس از تحصیلات مقدماتی، وارد دبیرستان نظام شد و هم‌زمان نزد پدرش آموزش دید و ردیف‌های آوازی را هم نزد دایی‌اش (عبداله دوامی) فرا گرفت. او سپس در محضر استاد عبدالحسین شهنازی، تارنوازی را آموخت و در رادیو تهران به تک‌نوازی و در ارکسترهای معروف به گروه‌نوازی پرداخت. او چند آهنگ نیز ساخته و صفحات متعددی از تک‌نوازی تار او در قالب چهارمضراب و ترانه‌های ضربی ضبط شده است. وی که به‌استخدام شهربانی کل درآمده و با درجه سرهنگی بازنشسته شد، مانند پدرش به‌شکار، کوه‌نوردی و طبیعت‌گردی علاقه‌مند بود و



دستی هم در شعر و شاعری داشت و غزلیاتی به‌یادگار دارد. همکاری با ارکسترهای استاد مهدی خالقی، نوازندگی سُلوی تلویزیون، همکاری در برنامه گل‌های شماره یک، ضبط رادیویی و خصوصی شامل بداهه نوازی و چند صفحه گرامافون شامل قطعات ضربی، چهار مضر/بها و ترانه‌های عامیانه برخی از سوابق موسیقی و هنری سرهنگ شاپور حاتمی است^۱ (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۱).

حاتمی، لیلا (۱۳۵۱ خ)، فرزند عباسعلی و بانو زری، در خانواده‌ای اهل **تفرش** در تهران



زاده شد. او در سال ۱۳۷۵ برای فیلم لیلا، برنده دیپلم افتخار جشنواره فیلم فجر شد. نخستین جایزه جهانی در جشنواره بین‌المللی فیلم مونترال ۲۰۰۲ و برای بازی در فیلم ایستگاه متروک را دریافت. این سینماگر برجسته دوبار برنده سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر و یک‌بار برنده خرس نقره‌ای جشنواره بین‌المللی فیلم برلین و در کل برنده ۲۱ جایزه در زمینه فیلم و سینما شده و در ۲۱ مورد هم نامزد دریافت جایزه شده و نشان شوالیه را نیز از وزیر فرهنگ و ارتباطات فرانسه در سال ۱۳۹۱ دریافت کرد. در سال ۲۰۱۷ م عضو آکادمی اسکار شد و عضو هیأت داوران بخش اصلی شصت‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم کن بود و این افتخارات هم‌چنان ادامه دارد.

حاتمی، یحیی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ خ)، معروف به قوام‌الدوله‌ای، فرزند عبدالحمیدخان



تفرشی، پس از تحصیلات مقدماتی و بعد از پدرش وارد دربار قاجار شد. وی به‌دلیل استعداد ذاتی برای آموختن تار نزد آقاحسینقلی فراهانی رفت و به‌قدری در فراگیری این ساز مهارت یافت که در غیاب استاد، به‌عنوان خلیفه کلاس به تعلیم شاگردان می‌پرداخت. پس از فوت آقاحسینقلی و بنابر وصیت او، آموزش فرزند کوچک وی عبدالحسین شهنازی را عهده‌دار شد و رموز موسیقی را به‌وی آموخت. وی فردی با شخصیت و سرشناس بود و در جلسات خصوصی و کنسرت‌های انجمن اخوت با سایر نوازندگان همراهی می‌کرد^۲ (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۳).

حاتمی تفرشی، تقی (قرن ۱۳)، از هنرمندان خوشنویس است که کتب دیوان «آقاصادق هجری»،

«آقامؤمن» و آثار عطار نیشابوری از جمله مظهرالعجایب، ارشادالبیان، اسرارنامه و چندین کتاب دیگر را با خط خویش نگاشته است.

حاج‌امینی، امیر (۱۳۶۵-۱۳۴۰ خ)، اهل روستای علیشار (**زرنديه**)، تحصیلات خود را



تا پایان دوره متوسطه ادامه داد. او سپس به‌عنوان یک بسیجی به جبهه رفت و مسوولیت بیسیم‌چی گردان نصر لشکر ۲۷ محمدرسول‌اله را بر عهده داشت. تصویر به یادگار مانده از

^۱ متأسفانه به دلیل اعدام دخترش دق مرگ شد.

^۲ شاپور حاتمی فرزند و شاگرد معروف اوست.

این شهید شاخص که در روز ۱۰ اسفند ماه سال ۱۳۶۵ و در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید، بعدها به عنوان تأثیرگذارترین عکس‌ها در جریان جنگ ایران و عراق شناخته شد.

حاج سیداحمدی تفرشی، احمد (۱۳۲۱-۱۳۵۶ خ)، معروف به نصیر، فرزند میرزا حبیب‌اله و بانو زهرا، پس از تحصیلات مقدماتی به تهران رفت و مکتب‌خانه‌ای تأسیس کرد. او سپس به عنوان معلم و مدیر مدرسه اسلام که از مدارس نوین بود انتخاب شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۶).



حاج عظیمی، نصرت‌اله (۱۲۹۴ خ)، فرزند میرزاعظیم، از خانواده‌ای اهل **آشتیان** در تهران زاده شد و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون گذراند و پس از دریافت لیسانس تربیت بدنی، از دانشگاه سوربن پاریس فوق‌لیسانس گرفت. دبیر دبیرستان‌های تهران، ریاست دبیرستان‌های علمیه مروی و دارالفنون، ریاست فرهنگ ملایر، نهادوند، تویسرکان، سیستان و بلوچستان و تهران، دبیر انجمن تربیت بدنی، مأمور مطالعه امور فرهنگی و تربیت بدنی در پاریس، ریاست فدراسیون‌های (کوهنوردی-والیبال-بسکتبال و ژیمناستیک)، از مسوولیت‌های اجرایی اوست. او در مقام نویسنده هم آثاری دارد که عبارتند از: «مقررات رشته‌های مختلف ورزشی» و «تاریخ تربیت بدنی» (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۹۸).

حاج عظیمی‌آشتیانی، حسین (۱۳۲۵-۱۳۸۶ خ)، فرزند غلامرضا، معروف به سعید، دوره ابتدایی را در آشتیان گذراند و پس از دریافت دیپلم در تهران، به نیروی هوایی ارتش ملحق شد. او در دانشکده افسری نیروی هوایی تا مقطع کاردانی پیش رفت و سپس برای تخصص عازم آمریکا شد و مدرک کارشناسی بال‌وبدنه هواپیماهای جنگی و شکاری را کسب کرد و به ایران بازگشت. صدای دلنشین این هنرپیشه و ترانه‌سرا با جلب توجه هنرمندانی چون فریدون فرخزاد، به تولید آثاری چون چشم‌زخم، کسی نیست درد منو دوا کنه، تنهایی و... انجامید و در برخی فیلم‌ها مانند خروس جنگی، دهکده طلایی و... ایفای نقش کرد. وی به همراه همسرش یکی از مؤسسين نخستین مدرسه کودکان کم‌توان و استثنایی ایران در سال ۱۳۴۵ بود (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۹۴).



حاج عظیمی‌آشتیانی، رامین (۱۳۵۵ خ)، فرزند سعید، بعد از دیپلم و قبولی در رشته عکاسی و انصراف از دانشگاه، در آزمون ورودی نخستین مدرسه حرفه‌ای آکادمیک هنرپیشگی سینما به مدیریت امین تارخ در سال ۱۳۷۴ شرکت کرد و کار حرفه‌ای خود را با بازی در فیلم مجموعه «هفت‌سنگ» نواب صفوی آغاز کرد. او در فیلم‌ها و سریال‌های زیادی به ایفای نقش پرداخت و تجربه دستبازی کارگردان، مدیریت تولید، عکاسی، نویسندگی، تهیه‌کنندگی، اجرا و گویندگی هم داشته و در مقام کارگردان شروع به ساخت چند نمانگ، فیلم کوتاه، مستند و سریال کرد. از افتخارات این سینماگر می‌توان به دریافت چندین لوح تقدیر و جوایز تلویزیونی برای تولید برنامه‌های



مختلف اشاره کرد. او هم‌چنین در سال ۱۳۹۷ از طرف مؤسسه بین‌المللی سفیران صلح، مورد تقدیر قرار گرفت (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۹۵).

حاج عظیمی‌آشتیانی، ستاره (۱۳۵۵ خ)، فرزند بهرام، دانش‌آموخته رشته مامایی و نیز رشته بازیگری و عکاسی است و به رشته‌های ورزشی سوارکاری و تکواندو علاقه‌مند است. او که به‌زبان فرانسه آشناست، در مسابقات کشوری قرائت قرآن و نیز هنرخونویسی (نستعلیق و ثلث) مقام نخست را بدست آورده و از فعالیت‌های هنری او می‌توان به تئاتر و ایفای نقش در چندین فیلم کوتاه، فیلم آموزشی، هنرهای رزمی و بازیگری در فیلم‌ها و سریال‌ها اشاره کرد (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۹۳).



حاج عظیمی‌آشتیانی، غزاله (۱۳۷۰ خ)، فرزند اعتصام، مشهور به گلسا، بعد از دیپلم، در رشته حقوق دانشگاه آزاد ورامین پذیرفته شد و از دانشگاه آزاد تهران مرکز، کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی گرفت. او در رشته تکواندو و کینگ‌بوکسینگ بین‌المللی کمربند مشکی دارد و دوره کاوش حقوق‌بشردوستانه را سپری کرده و موفق به دریافت گواهینامه از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران می‌باشد (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۹۵).



حاج عظیمی‌آشتیانی، غلامرضا (۱۲۸۳-۱۳۵۷ خ)، فرزند میرزا حسن‌آقا، از شخصیت‌های برجسته و رئیس مالیه آشتیان و از ملاکین بزرگ آشتیان و خلجستان بود. او که انشایی روان و خطی زیبا داشت، تدوین و تنظیم شجره‌نامه خاندان اعتصام‌الملک آشتیانی را هم انجام داده و توسط فرزندش مهندس بهرام حاج‌عظیمی‌آشتیانی ترسیم شده است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۸۷).



حاج علیخانی، اسداله (زندگی ۱۲۸۵ خ)، فرزند حاج محسن و نوه حاج علی‌اکبرخان اکبرآبادی، شخصیت برجسته و از خانواده‌های اولیه عراق (اراک) بودند. این خانواده بر سر املاک اختلاف شدیدی با حاج‌آقا محسن داشته‌اند (محتاط، ۱۳۷۲: ۴۴).

حاجیان، آریتا (۱۳۳۶ خ)، فرزند جواد، پس از پایان تحصیلات دبیرستان و دریافت دیپلم از دانشکده هنرهای دراماتیک دانشگاه هنر تهران در رشته بازیگری و کارگردانی دانش‌آموخته شد. این بازیگر و سینماگر سرشناس **تفرشی‌الاصل**، مادر مهرآور و ملیکا شریفی نیاست. او برنده جایزه بهترین نقش اول برای فیلم روبان قرمز در هفدهمین جشنواره فیلم فجر و نامزد جایزه بهترین نقش مکمل زن برای فیلم خط فرضی از سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر می‌باشد.



حاجیان، جواد (۱۳۰۳-۱۳۹۵ خ)، فرزند میرزا علی اکبر، دبستان را در ترخوران **تفرش**

گذراند و در دانشگاه تهران علوم طبیعی خواند و به مدت ۵ سال در دبیرستان‌های اراک و ملایر تدریس کرد. او ضمن فراگیری زبان انگلیسی، روسی و ایتالیایی با سازمان زمین‌شناسی و نیز شرکت‌های ایرانی و خارجی در حوزه اکتشافات و زمین‌شناسی همکاری داشت. وی ضمن تدریس در دانشگاه تبریز، به زبان ترکی مسلط شد و از دانشکده علوم دانشگاه تهران فوق‌لیسانس و از دانشگاه لیون فرانسه دکترای زمین‌شناسی گرفت. همکاری با شرکت فرانسوی در کشف معادن اورانیوم فسفات، همکاری علمی و تحقیقاتی در کشورهای مختلف، همکاری با گروه سنتو و سازمان‌های مختلف و دانشگاه‌ها از مهمترین فعالیت‌های اوست. ایشان ضمن عضویت در انجمن مهندسين مکانیک خاک و انجمن زمین‌شناسان ایران، مدیرعامل شرکت مهندسان مشاور کانجو نیز بود. کتاب پائوس واثوسمن در ایران (دو جلد)، زمین‌شناسی تفرش، تز دکترای زمین‌شناسی (به زبان فرانسه دو جلد)، مجموعه مقالات و تهیه صدها نقشه زمین‌شناسی از مناطق مختلف، تهیه گزارش تحقیق و بررسی علمی داخل و خارج از کشور (پنجاه جلد) تهیه گزارش تحقیق به زبان فرانسه، ایتالیایی و انگلیسی (سی جلد) برخی از مهمترین آثار نوشتاری این پژوهشگر نویسنده است. او که یکی از اعضای ثابت تیم‌های زمین‌شناسان مشهوری مانند اشتوکلین و روتنر بوده، به **پدر علم زمین‌شناسی ایران** مشهور است (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۴).

حاجی حسنی، رضا (۱۳۳۹-۱۳۹۳ خ)، فرزند مصطفی، تحصیلات ابتدایی را در تهران

گذراند و از دبیرستان خانعلی نواب دیپلم گرفت. او در سال ۱۳۶۴ از دانشگاه تهران به مهندسی مکانیک نایل آمد و مدتی کارخانه تولیدی داشت و سپس به ساخت و ساز روی آورد و سال‌ها با جهاد سازندگی در سیستم و بلوچستان همکاری کرد. او در کسوت نیکوکار فرهنگی در سال ۱۳۹۳ در روستای دادرز **تفرش**، دبیرستان شبانه‌روزی مجهز به نام پدرش حاج مصطفی حاجی حسنی تأسیس کرد که پس از فوتش ساختمان خوابگاه دبیرستان نیز به نام وی نامگذاری شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۷).

حاجی محمدی، زین‌العابدین (۱۲۷۲-۱۳۵۳ خ)، فرزند محمدحسین و بانو ملک‌نسا،

پس از طی تحصیلات مکتب‌خانه‌ای، به کشاورزی و باغداری روی آورد و به عنوان کارآفرین در پرورش درختان میوه و گیاهان صنعتی در **تفرش** خوش درخشید تا جایی که اکثر رجال تفرشی از جمله میرزا اسماعیل خان بهرامی (عمادالممالک) از ایشان خواستند بر املاک کشاورزی و باغات آنان هم نظارت نماید و به همین خاطر به حاج‌ناظر معروف شد. مرمت قنوات، ایجاد باغات انگور، پسته، سیب و قلمستان‌های تبریزی و همچنین احداث دبیرستان شبانه‌روزی نمونه حاج ناظر تفرش را هم در کارنامه دارد (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۵).

حامدی، ابراهیم (۱۳۲۸ خ)، با نام هنری ابی، خواننده موسیقی پاپ مقیم آمریکاست که در سبک‌های مختلفی مانند راک، بالاد، فولکلور، پاپ، دنس، هاوس و ترنس صاحب‌اثر است. پدر ابی **اراکی** است و مادرش از اهالی کلاک و دوران کودکی خود را در محله میدان فوزیه تهران سپری کرده و دارای چهار خواهر و یک برادر است.



حامدی‌نژاد، کیان (۱۳۶۲ خ)، اهل **اراک**، دانش‌آموخته ارشد مکانیک و هم‌چنین خواننده و نوازنده سه‌تار می‌باشد. ایشان همکاری با گروه‌های قائم‌مقام، سایه، صهبا و نیز تدریس در آموزشگاه‌های موسیقی را در کارنامه دارد.

حجاری‌زرنندی، حسین (۱۳۴۳-۱۳۲۰ خ)، فرزند احمدعلی، اهل زاویه (**زرنديه**)، شاعر و نیز هنرمند سنگ‌تراشی بود که انواع سنگ بویژه سنگ آسیاب را به‌خوبی می‌ساخته و به بیشتر نقاط ایران ارسال می‌کرده است. او هم‌چنین سنگ‌های قصر باشکوه کلاردشت مازندران که به دستور رضاشاه بنا شده بود را تهیه و حجاری کرد. غزلیات، مثنوی و قصاید این شاعر زرنندی بی‌سواد که «حجار» تخلص می‌کرده، توسط فرزندش عباس حجاری چاپ و منتشر شده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۸۳).

حجازی، سیدرضا (۱۳۰۱-۱۳۸۵ خ)، فرزند میرزا سیدعلی‌خان (دبیرمکرم و اکرم‌الملک)

و نوه میرزا رضاقلی **تفرشی** است که به‌سبب شغل پدر ساکن انزلی شد و از مدرسه کشاورزی دیپلم گرفت. اشتیاق حضور در طبیعت در کنار علاقه‌مندی به شعر، موسیقی و نقاشی، او که به‌عنوان سرچنگل‌بان دیلمان، مشغول بکار شده بود را به شهرت رساند و در یکی از سفرهای علمی مورد توجه استاد ساعی^۱ قرار گرفت و باعث شد که به تحصیل در دانشکده کشاورزی کرج بپیوندد. او سرانجام دوره کارشناسی را با کسب مدال درجه یک علمی گذراند و راهی بلژیک شد و با دریافت دکترای چوب‌شناسی از دانشکده ژامیلو به ایران بازگشت و تدریس پیشه کرد. او سپس کار استاد ساعی را در تأسیس آزمایشگاه چوب به سرانجام رساند و ضمن تأسیس انستیتو جنگل‌ومرتع ایران با همکاری دوستانش، دانشکده جنگل‌داری را هم بنیاد نهاد و به‌عنوان نخستین رئیس دانشکده منابع طبیعی ایران انتخاب شد. پروفسور حجازی هم‌چنین در نقش یک نویسنده دانشگاهی، چهارده عنوان کتاب نوشت و در سال ۱۳۸۴ به‌عنوان استاد برجسته، ممتاز و **چهره ماندگار** تقدیر شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۰).



۱. بنیان‌گذار جنگل‌بانی نوین ایران

حجازی، سیدمحمد (۱۲۷۸-۱۳۵۲ خ)، فرزند سیدنصراله **تفرشی** (مطبع الدوله) و بانو

هما، از محصلین اعزامی به اروپا بود و در رشته تلگراف بی‌سیم، مدرک مهندسی گرفت و دوره علوم سیاسی و روانشناسی را هم در فرانسه گذراند. ایشان رئیس اداری رادیو، معاون نخست‌وزیر، وزیر و همین‌طور سمت سناتوری داشت. او هم‌چنین مدیر روزنامه ایران امروز

بود. نخستین اثر او در برلین به نام «تلگراف بی‌سیم» رساله تحصیلی‌اش بود و به‌عنوان نویسنده بیش از ۲۰ عنوان کتاب، نمایشنامه و ترجمه از خود به‌یادگار نهاد که داستان شهر، پاریس، هما، آهنگ، اندیشه، پروانه، رؤیا، خلاصه ادیان، ساغر، سرشک، پیام، نسیم میهن، پریچهر و زیبا از آن جمله‌اند (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۲).



حجازی‌طهرانی، سیدموسی (۱۳۳۲-۱۲۶۱ خ)، معروف به طیب اعظم، فرزند میرزا

رضاقلی مستوفی **تفرشی**، پس از گذراندن دوره مقدماتی در مدرسه دارالفنون، در رشته طب

دانش آموخته شد. او که به‌زبان انگلیسی و فرانسه مسلط بود، ریاست دارالشفای رازی مشهد

را عهده‌دار و به‌عنوان نخستین پزشک قانونی استان خراسان، ساکن مشهد شد. این پزشک

دانشمند و مردمی، جهت رسیدگی به بیماران اعصاب و روان نخستین بیمارستان روانی خراسان را به‌نام

تیمارستان حجازی تأسیس کرد و برای درمان بیماران مسلول هم، بیمارستان شریعتی را پایه‌گذاری

کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۱).



حجتی‌امامی، سیداحمد (۱۲۴۳-۱۳۱۷ خ)، اهل **اراک**، در نجف اشرف به‌تحصیل فقه و اصول و

معقول و منقول پرداخت و در محضر آیات عظام کاظم خراسانی و شریانی شاگردی کرد و اجازه اجتهاد

گرفت. این عالم دینی پس از مراجعت به ایران و بنابر درخواست مکرر مردم، در مسجدی در خیابان امیرکبیر

جنوبی (محلّه عربها)، نماز جماعت برپای داشت که این مسجد به توصیه سپهدار گرجی ساخته شده بود.

ایشان به اخلاق خوش و سخاوت طبع معروف و با بسیاری از رجال زمان خود روابط دوستانه داشت و مردم

نسبت به او احترام خاصی قایل بودند.

حجت‌الاسلامی، سیدعلیرضا (۱۳۴۱ خ)، تحصیلاتش را در **ساوه** گذراند و از

دبیرستان دکتر شریعتی این شهر دیپلم گرفت. او سپس در رشته مخابرات دانشگاه علم و

صنعت ایران دانش آموخته شد و در دانشگاه شریف مهندسی پزشکی خواند. مرکز پژوهشی

تجهیزات پزشکی ایران، نخستین جایی بود که به‌عنوان پژوهشگر مشغول به کار شد و

پس از ۲ سال ریاست این مرکز را عهده‌دار شد. او در سال ۱۳۷۳ برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت و

در رشته برق و پردازش تصاویر با استفاده از هوش مصنوعی تحصیل کرد و برای ادامه تحقیقات به مرکز

تحقیقات مکس پلانک (Max Planck)، آلمان پیوست و پس از ۲ سال به انگلستان برگشت و در دانشگاه



بیرمنگام در زمینه تشخیص اتوماتیک سرطان پوست، فوق‌دکتری گرفت و در بسیاری از پروژه‌های تحقیقاتی اروپا به‌عنوان پژوهشگر و مدیر پروژه با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی اروپا (انگلستان، آلمان، سوئد، دانمارک، ایتالیا و فرانسه) همکاری کرد که نتایج این دوره در بیش از یک‌صد مقاله علمی در ژورنال‌های معتبر دنیا و کنفرانس‌های بین‌المللی به‌چاپ رسید. او در سال ۱۳۹۲ از دانشگاه کنت انگلستان بازنشست و ۳ سال در کمپانی سامسونگ، به انگلیس بازگشت و مدیریت پروژه مدرن‌سازی خودروهای نسل نو^۱ در شرکت کانتینتال (Continental Engineering Services) را عهده‌دار شد.

حدیثی ساوجی (قرن...)، از شاعران ساوه‌ای است که در کاشان به‌دنیا آمده و این بیت از اوست: ای صبا راه به‌آن دلف دوتا داری باز/ غالباً قصد پریشانی ما داری باز (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۰۸).

حرآبادی فراهانی، محمدتقی (۱۳۲۵ خ)، فرزند محمدحسن و بانو مرصع، از شاعران و نویسندگان به نام سبک کلاسیک و مدرن ادبیات فارسی است که در زمینه کاریکلماتور و شعر و نثر فعالیت می‌کند. بیشتر آثار حرآبادی فراهانی غزل، تاریخ و میهن است. دیوان شعر «خورشید و نیلوفر» و مجموعه کاریکلماتور «چهارسوی اندیشه» از اوست. او که به شاعر گندم‌زارهای طلایی شهرت دارد، برجسته‌ترین کاریکلماتوریست کشور هم نامیده می‌شود و مدیر دو انجمن ادبی صائب تبریزی و ادیب برومند هم هست (پایگاه خبری صدای چراغ-۵ اسفند ۱۴۰۰).

حرآبادی، حسن (زندگی ۱۲۸۵ خ)، از آزادی‌خواهان مشروطه‌طلب و کنشگر سیاسی عضو انجمن تدین اراک بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۹).

حران‌اف، سعید (۱۳۵۷ خ)، فرزند حسین و بانو مهدخت، تحصیلاتش را در دبستان امانت و راهنمایی توحید اراک گذراند و از دبیرستان شهیدمطهری دیپلم گرفت. او سپس از دانشگاه آزاد اراک لیسانس بازیگری گرفت و در تلویزیون اراک مشغول شد. از مهمترین کارهای این سینماگر، مدیریت تولید و کارگردان سینما و تلویزیون ایران می‌توان به سریال قصه‌های یاسین و سریال قصه‌های پهلوان اشاره کرد.

حری، ابوالفضل (۱۳۵۱ خ)، ادب‌پژوه، مترجم ایرانی و استادیار گروه زبان‌و ادبیات انگلیسی دانشگاه اراک که در سال ۱۳۶۶ با انجمن سینمای جوانان ایران آشنا شد و چند فیلم کوتاه و داستانی ساخت. او از سال ۱۳۷۲ به کار ترجمه و تألیف پرداخت و مقالاتش در روزنامه‌ها و مجلات داخلی منتشر شد و نامزد دریافت قلم بلورین در رشته نقد در ششمین جشنواره مطبوعات و برنده لوح‌زرین و قلم بلورین در نهمین دوره این جشنواره شد.

^۱ . خودروهای بدون راننده با استفاده از دوربین، رادار و لیزر

حریفی ساوجی (درگذشته ۹۶۱ خ)، شاعری عاشق‌پیشه معروف به علی‌فراش و از اهالی **ساوه** که در پایان عمر به خدمت یکی از امرای شاه طهماسب صفوی رسید. شهرت او بیشتر به‌خاطر شهرآشوبی است که در باب مردم گیلان سرود که در نتیجه آن زبانش را بریدند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۰۹).

حریقانی، سبز علی (قرن...)، مشهور به عاشق‌سبز علی، از اهالی روستای حریقان از توابع نوبران (**ساوه**) و از جمله نوازندگان به نام موسیقی محلی بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۹۹).

حزنی عراقی، صلاح‌الدین (قرن ۱۰)، از شعرای فارسی زبان عراق (**اراک**) است که به هند رفت و در شعر «حزنی» تخلص می‌کرد. او شاگرد محتشم نراقی‌کاشانی و از شاعران قرن دهم هجری است (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۳۸).

حسابی، سیدمحمد (۱۲۷۹-۱۳۳۹ خ)، فرزند میرزا عباس‌خان **تفرشی** (معزالسلطنه) و بانو گوهرشاد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه فرانسوی بیروت و پزشکی را هم در دانشکده آمریکایی بیروت گذراند. وی هم‌چنین ضمن گذراندن دوره تخصصی رادیولوژی و تخصص قلب‌وعروق در فرانسه، با کمک برادرش به تأسیس نخستین بیمارستان خصوصی مدرن ایران به نام مادرشان گوهرشاد اقدام کرد و مراحل طراحی، ساخت و نصب نخستین دستگاه رادیولوژی در ایران را در همین بیمارستان گذراند. وی نخستین استاد رادیولوژی دانشگاه تهران بود و به‌عنوان بنیانگذار و **پدر علم رادیولوژی** در ایران شناخته می‌شود. وی هم‌چنین از پایه‌گذاران بخش سرطان بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی (سابق) است (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۴).



حسابی، سیدمحمد (۱۲۸۱-۱۳۷۱ خ)، فرزند میرزا عباس‌خان **تفرشی** (معزالسلطنه) و بانو گوهرشاد، در ۴ سالگی به‌همراه خانواده راهی لبنان شد و تحصیلات ابتدایی را در بیروت گذراند. این دانشمند برجسته تفرشی در ۱۷ سالگی لیسانس ادبیات و در ۱۹ سالگی لیسانس بیولوژی دریافت کرد. مهندسی راه‌وساختمان، پزشکی، ریاضیات، ستاره‌شناسی، برق، معدن و فیزیک، رشته‌های دیگری است که در آن تحصیل کرد. او هم‌چنین در سن ۲۵ سالگی، دانشنامه فیزیک با درجه عالی دریافت کرد. تدوین قانون تأسیس دانشگاه تهران، نخستین نقشه‌برداری علمی ایران، تأسیس انجمن موسیقی، تأسیس فرهنگستان زبان، عضویت دایمی در کمیته بین‌المللی فضا، رئیس کمیته پژوهشی فضای ایران، تأسیس نخستین رصدخانه نوین ایران، تدوین قانون و تأسیس مؤسسه استاندارد، تأسیس سازمان انرژی اتمی و عضویت هیأت دائمی کمیته بین‌المللی هسته‌ای، پایه‌گذار مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، پایه‌گذار مرکز تحقیقات و راکتور اتمی دانشگاه تهران، وزیر فرهنگ در دولت مصدق، نخستین رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، مأمور خلع ید از شرکت نفت انگلیس، تأسیس دانشسرای عالی، راه‌اندازی نخستین رادیو در ایران، تأسیس مدرسه مهندسی وزارت راه، مسلط به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، عربی، آلمانی، سانسکریت، لاتین، یونانی، پهلوی، اوستا، ترکی، ایتالیایی و مرد نخست علمی



جهان در سال ۱۹۹۰، برخی از مهمترین سوابق این دانشمند تفرشی و پدر فیزیک ایران است (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۵).

حسابی، گوهرشاد (۱۲۵۸-۱۳۱۲ خ)، معروف به مدحت‌السلطنه، فرزند میرزا موسی و حاجیه طوبی، در مکتب‌خانه نزد مادرش علاوه بر خواندن و نوشتن و آشنایی با کتب مختلف، با آموزه‌های ایرانی و اسلامی هم به‌خوبی آشنا شد. او سپس با سیدعباس‌خان میرزا حسابی ملقب به معزالسلطنه ازدواج کرد و در سفر مأموریتی همسرش به‌عنوان سفیر کبیر ایران در شامات به‌اتفاق فرزندانش به بیروت رفت و پس از بازگشت همسرش به ایران با فداکاری و تحمل سختی‌های بسیار در کشوری غریب، لحظه‌ای دست از تربیت فرزندان^۱ خود نکشید و عشق به سرزمین مادری را از همان دوران کودکی چنان به فرزندان خود انتقال داد که آنها با وجود برخورداری از والاترین توفیقات در برجسته‌ترین دانشگاه‌ها و مراکز علمی جهان، هرگز بجز خدمت به‌میهن به‌چیز دیگری فکر نکردند. هم‌چنین به‌همت این بانوی تفرشی، نخستین بیمارستان خصوصی رایگان کشور به‌نام گوهرشاد در خیابان بلورسازی تهران، راه‌اندازی شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۷).



حسابی تفرشی، محمدعلی (زندگی ۱۲۹۹ خ)، در سال ۱۲۹۹ مستوفی تهران و یزد بوده است.

حسن‌پور، جواد (۱۲۷۸-۱۳۶۲ خ)، فرزند استادحسن و بانو ربابه، دارای تحصیلات مکتب‌خانه‌ای که در بازار تاریخی **اراک** ابتدا مغازه خواربار فروشی داشت و به عنوان یک کاسب خوش‌انصاف مورد وثوق مردم بود و به‌همین جهت کسبی پر رونق داشت و رفته‌رفته در کار تولید قالی دستباف وارد شد و به‌عنوان یک کارآفرین در روستاهای اطراف اراک با تأمین دار قالی و مواد اولیه، ضمن ایجاد اشتغال، وسیله‌ای برای معاش روستاییان بود. خانه تاریخی حسن‌پور با مساحت ۶۰۰ متر مربع واقع در بازار تاریخی اراک متعلق به ایشان بود که در سال ۱۳۷۴ توسط میراث فرهنگی خریداری و مرمت شد و مدتی به‌عنوان موزه صنایع دستی مورد بازدید گردشگران داخلی و خارجی بود و هم‌اکنون در قالب رستوران سنتی اداره می‌شود.



حسن‌زاده، رؤیا (۱۳۳۳ خ)، فرزند نعمت‌اله و بانو فاطمه، زاده **اراک**، دکترای جامعه‌شناسی، مقالات متعدد چاپ شده در نشریات دانشگاهی، اجرای پروژه‌های تحقیقاتی و نیز انتخاب به‌عنوان پژوهشگر برتر استان و نیز دارنده رتبه‌های برتر کشوری است. این نویسنده و مدرس دانشگاه، مؤسس و مدیرعامل انجمن ریه استان، ضمن فعالیت در حوزه نیکوکاری و آشنایی با هنرهای تجسمی اعم از مجسمه‌سازی، منبت، معرق، طراحی، نقاشی و...، کتاب «تاریخچه تئاتر و نمایش در اراک» را هم چاپ و منتشر کرده و کتاب زن‌وشاهنامه را نیز در دست تألیف دارد.



^۱ دکتر سیدمحمد (پدر علم رادیولوژی ایران) و پروفسور سید محمود حسابی (پدر علم فیزیک و مهندسی نوین ایران)

حسن زاده، محمد (۱۳۳۸ خ)، فرزند جواد و از مادری اراکی به نام بانو مهین، در کرمانشاه

متولد شد و در این شهر دیپلم گرفت و سپس با خانواده در اراک ساکن شد. او تحصیلاتش را در رشته کارگردانی در دانشکده سینما و تئاتر ادامه داد و به عنوان یک سینماگر در این عرصه به فعالیت پرداخت. از مهم ترین آثار این هنرمند، کارگردانی سریال خانه من کجاست؟، برنامه نارنج و ترنج و فیلم حسرت است. او در سال ۱۳۶۶ در فیلم گودال به عنوان کارگردان فعالیت داشته و آخرین اثر سینمایی او هم که در اراک ساخته شده، خیابان پاییز نام دارد. پیش از این فیلم هم کاکوتی را در هزاوه ساخته است.



حسنی، محمد (۱۳۴۲ خ)، فرزند علی و بانو فاطمه، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را

دلیجان گذراند و در سال ۱۳۶۰ موفق به دریافت دیپلم تجربی شد. در همان سال با

موفقیت در آزمون ورودی مراکز تربیت معلم پذیرفته شد و در رشته دبیری علوم تجربی در

مرکز تربیت معلم شهید باهنر اراک تحصیل کرد. پاییز سال ۱۳۶۱ به عنوان دبیر در مدرسه

راهنمایی شهید هاشمی نژاد روستای چهارچشمه خمین به معلمی پرداخت. در سال ۱۳۶۴ در آزمون سراسری

ورود به دانشگاهها پذیرفته و در رشته علوم تربیتی دانشگاه اصفهان ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۸ در

رشته مدیریت آموزشی دانش آموخته شد. او سپس ادامه تحصیل داد و در رشته فلسفه تربیت از دانشگاه های

تربیت مدرس و تهران ارشد و دکتری گرفت و در سال ۱۳۸۲ وارد وزارت آموزش و پرورش و بعد سازمان

پژوهش و برنامه ریزی آموزشی شد. از وی تاکنون هیجده عنوان کتاب با موضوعات تربیت اخلاقی، ارزشیابی

و فلسفه تربیت منتشر شده و در ۳۶ طرح پژوهشی به عنوان مجری یا همکار مشارکت داشته است. دکتر

محمد حسنی هم اکنون به عنوان سرپرست پژوهشکده مطالعات برنامه ریزی درسی در مرتبه دانشیاری مشغول

تحقیق و تألیف است.

حسنی، مریم (۱۳۵۱ خ)، فرزند علی اکبر و بانو هاجر، کارشناس علوم تربیتی است و کتاب آموزشی

«گلرخ» نخستین اثر نوشتاری این نویسنده اهل **دلیجان** است. آثار دیگری از او به رشته تحریر درآمده

که عبارتند از: «احمد و گلرخ»، «خاطرات شهرم دلیجان»، «بسوی فردا با اعتماد به نفس» و نیز «دریای

بی ساحل».

حسنی، وحید (۱۳۵۹ خ)، فرزند علی و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در دبستان شریعتی و

راهنمایی امیرکبیر **دلیجان** گذراند و از دبیرستان بهشتی دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه

پیام نور دلیجان، ارشد مدیریت دولتی خواند و به فعالیت فرهنگی روی آورد. این نویسنده و

مدیر انتشارات بهریار آثاری دارد که عبارتند از: سیمای گردشگری تاریخی و مذهبی دلیجان،



یک‌ماه پنهان (زندگی‌نامه شهید سیدنظام جلالی به‌روایتی دیگر)، لحظه‌های شیدایی، مبانی مدیریت سازمان، ثروت پنهان سازمان، اصول سرپرستی سازمان و نیز دستی که جا ماند (در دست چاپ).

حسنی، سعید (۱۳۶۸ خ)، فرزند علی و بانو فاطمه، تحصیلات مقدماتی را در دبستان

ابراهیم فخار، متوسطه اول در مدرسه شهدای فرهنگی و متوسطه دوم را هم در دبیرستان

شاهد امام‌خمینی اراک گذراند و به‌عنوان دانش‌آموز ممتاز استان دیپلم گرفت. او سپس در

آزمون ورود به حوزه علمیه شرکت و با رتبه ۵۷ برگزیده شد و تحصیل در مدرسه علمیه



علوی قم را آغاز کرد و دوره سطح را به‌طور جهشی در مدت ۷ سال و دوره خارج فقه، اصول و رجال را هم

در مدت ۴ سال در محضر مراجع تقلید و استادان به نامی همچون مدرسی‌یزدی، شب‌زنده‌دار، اسلامیان و

ترابی شهرضایی گذراند و با نگارش رساله اجتهادی موفق به کسب اجازه اجتهاد متجزی^۱ شد. ایشان در

ادامه، ضمن تکمیل مطالعات خود در معقول و منقول، به تألیف متون درسی در زمینه الهیات و معارف اسلامی

و نیز تربیت اسلامی به‌منظور تدریس در حوزه علمیه و دانشگاه پرداخت و در طول یک دهه، علاوه بر انجام

تبلیغ دینی و سخنرانی‌های علمی در مساجد و دانشگاه‌ها، بیش از ۵ هزار شاگرد تربیت کرد و به‌استخدام

دانشگاه فرهنگیان اراک درآمد. خدمات علمی و فرهنگی وی سبب شد تا در میان ۵۹ دانشمند ایران‌زمین،

جایزه البرز (معروف به نوبل ایرانی) را در سال ۱۴۰۰ دریافت نماید. رسائل فقهی، جنین‌شناسی فقهی،

درآمدی بر جهان‌بینی اسلامی، پژوهشی پیرامون نظام تربیتی اسلام، می‌آیی پیش‌ما، درآمدی بر تاریخ

اندیشه و عمل تربیتی در ایران، بررسی فقهی نشوز زوجین، بایسته‌های چیدمان شهری و هم‌چنین ضمان

خسارات در فقه شهرسازی برخی از آثار نوشتاری اوست.

حسنی‌انجدانی، طاهر (قرن ۱۳)، فرزند علی، شرح و حواشی بر «اطباق‌الذهب فی المواعظ والخطب» از

عبدالمؤمن بن‌هبه‌اله در موضوع اخلاق و نیز «المختصر فی الطب» در موضوع پزشکی هر دو به زبان عربی

را کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۲۴).

حسنی‌لنکرانی‌فراهانی، سیدمحمدکاظم (زندگی ۱۲۳۵ خ)، از هنرمندان خوشنویس قرن سیزدهم

است. او کلیات سعدی را با خط نستعلیق و در سال ۱۲۳۵ کتابت کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۶).

۱. مجتهد متجزی، توانایی استنباط احکام شرعی در برخی ابواب فقی را داراست.

حسنی نراقی، ولی‌اله (۱۳۳۴-۱۳۹۹ خ)، فرزند حسین و بانو گوهر، متولد نراق (دلیجان)، پدر بیهوشی نوین ایران و ملقب به خواجه ثنایی زمان، از استادان برجسته پزشکی که بیش از ۷۰۰ متخصص بیهوشی تربیت کرد. ایشان علاوه بر ایران در کشور کانادا هم فعالیت داشت که متأسفانه در طول دوران مبارزه با کرونا و رسیدگی به بیماران کووید ۱۹، خود نیز بر اثر این بیماری به شهادت رسید.



حسینجانی، ابراهیم (۱۳۱۷ خ)، فرزند علی‌آقا و بانو بی‌بی‌ناز، متولد روستای ضامنجان (اراک)، از تاجران معروف قالی، مبارز سیاسی پیش از انقلاب، نیکوکار نامی، بنیان‌گذار صندوق علوی و دارالایتام، مجموعه‌دار قالی‌های دستباف، آنتیک و نفیس ایرانی است. از ارزنده‌ترین کارهای این ایرانی میهن‌دوست برگزاری آیین نکوداشت برای نام‌آوران و مفاخر این کهن‌دیار اهورایی است که از سال ۱۳۸۳ در خانه خویش واقع در تهران و اراک آغاز کرده و تاکنون آئین نکوداشت برای حدود ۷۰ نفر از مفاخر و مشاهیر ایران از جمله عبدالعلی ادیب‌برومند، ایرج افشار، عبدالرحیم جعفری، محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، مهدی محقق، منوچهر ستوده، محمدحسن گنجی، محمد استعلامی، جلال خالقی، میرجلال‌الدین کزازی، معینی کرمانشاهی و... برگزار کرده است. خانه ایشان در پل فرنگی اراک که از معماری ارزشمندی برخوردار است با نام سرای فرزندگان سالی چندبار میزبان نشست فرهنگی با هدف تجلیل از مفاخر و مشاهیر استان است که شخصا برنامه‌ریزی می‌کند. او همچنین چندین باب مدرسه در اراک و ضامنجان ساخته و ده‌ها تخته قالی دستباف به مراکز مختلف از جمله، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، خانه تاریخی امیرکبیر و برخی ادارات استان مرکزی اهدا کرده و در اذرماه ۱۴۰۲ هم در حضور مسوولین عالی استان (استاندار، فرماندار، مدیرکل کتابخانه‌های استان و...) وعده داد تعداد ۵۰۰۰ جلد کتاب موجود در کتابخانه‌اش را به بزرگترین کتابخانه خاورمیانه که در اراک در حال ساخت است اهدا نماید.



حسینی تفرشی، سیداحمد (۱۲۴۰-۱۲۹۵ خ)، ملقب به تمجیدالسلطان، فرزند میرزا سیدعلیرضا (امین‌دوباب) و نوه حاجی میرزا سیدبهاالدین مستوفی تفرشی، تحصیلات خود را در دارالفنون گذراند و در هنر خوشنویسی و نقاشی متبحر شد. وی عکاسی هم می‌دانست و با هنر قلمدان‌سازی نیز آشنا بود. او که شوق کتابت داشت، سفر همراه با پدرش به‌مکه را در قالب سفرنامه‌ای به‌نگارش درآورد و همچنین «روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران»، «اصول علم فیزیک (حکمت طبیعی ناظم‌العلوم)»، «جام‌جم (سیاحت‌نامه وقارالملک)»، «مقامات حمیدی»، «تاریخ ملل قدیمه شرق»، «نهضت ترجمه آثار مولیر در ایران و نواحی خاورمیانه» و کمدی «موسیو پورسیناک» را هم کتابت کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۸).





حسینی، حسن (۱۳۳۷ خ)، فرزند تقی و بانو رقیه، دبستان را در روستای خیرآباد (اراک)، خواند و تا سوم دبیرستان در روستای ابراهیم‌آباد تحصیل کرد و سپس به کار فنی پرداخت. او ابتدا به‌عنوان شاگرد مکانیک خودرو و در ادامه تعمیر خودروهای سنگین را آموخت و سپس به تعمیر ماشین‌آلات کشاورزی روی آورد. ایشان که از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴ مسوول نقلیه جهاد سازندگی کمیجان و سپس مسوول نقلیه استانداری بود، از بنگاه توسعه ماشین‌آلات کشاورزی مجوز نمایندگی بخش مرکزی اراک را دریافت کرد و ابتدا به فروش و ارائه خدمات پس از فروش تراکتورهای رومانی و فرگوسن پرداخت و در ادامه، نمایندگی شرکت پارت‌موتور عرضه‌کننده موتور و ژنراتورهای زمینی و در سال ۱۳۸۲ نمایندگی شرکت مادر تخصصی هپکو اراک و نیز مرتب خودرو را دریافت کرد. وی که هم‌چنان به‌عنوان یکی از نمایندگی‌های معتبر هپکو در کشور فعال است، کارآفرین و نیکوکار برجسته‌ای است که در رسیدگی به نیازمندان جامعه فعال است و از سال ۱۳۷۴ کمک به مدارس و دانش‌آموزان مستمند را آغاز کرده و در ادامه به‌عنوان عضو مجمع خیرین سلامت، آثار ماندگاری از خود به‌یادگار نهاده که از آن جمله‌اند: خرید وسایل زندگی برای برخی از روستاییان و ساخت چندین باب خانه، ساخت مرکز بهداشت و درمانگاه و هم‌چنین آزمایشگاه روستای خیرآباد، تأمین بودجه نیمی از پایگاه سلامت شهر صنعتی، خرید بخشی از تجهیزات پزشکی بیمارستان امیرکبیر و زایشگاه طالقانی، ساخت پایگاه اورژانس یسنا حسینی یکی از ۱۵ پایگاه خیرساز اراک در سال ۱۴۰۱ و ده‌ها خدمت نیکوکارانه دیگر که در این مختصر نمی‌گنجد.

حسینی، حسین علی (۱۳۴۹ خ)، اهل روستای عباس‌آباد (ساوه) و از ایل شاهسون بخش لک طایفه کوسه‌لر، نوازنده سورنا، بالابان و چگور است که در جشنواره‌های بین‌المللی زیادی شرکت کرده و مقام نخست تا سوم بدست آورده است. او رسالت زنده نگهداشتن موسیقی ایل شاهسون بویژه ساز چگور با قدمت هزار ساله را برای خود ارزشمند می‌داند.

حسینی، سیدغفار (۱۳۱۳-۱۳۷۵ خ)، فرزند سیدجعفر، در روستای خُمه علیا (خمین) به‌دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در خمین گذراند و با دریافت مدرک ششم ابتدایی در سال ۱۳۳۲ ابتدا به‌صورت کارآموز در شرکت نفت مشغول شد و سپس رسماً در این شرکت معتبر ادامه فعالیت داد. او سپس در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شد و پس از مدتی در فرانسه ادامه تحصیل داد و سال ۱۳۵۲ به ایران بازگشت و در سازمان برنامه‌وبودجه مشغول بکار شد و مجدداً در سال ۱۳۵۵ برای تکمیل تحصیلات به فرانسه رفت و پس از پیروزی انقلاب در ایران به تدریس حقوق و جامعه‌شناسی پرداخت. برخی از آثار علمی این نویسنده عضو کانون نویسندگان ایران عبارتند از: ترجمه تاریخ ترک‌های آسیای میانه (نوشته بارتولد)، ترجمه هنروجامعه (نوشته باستید)، خون سفید شمشیر (مجموعه شعر)، ترجمه پل‌ورن (نوشته فیلیپ‌استفان) و چند اثر دیگر (سمیعی، ۱۳۸۲: ۳۵۳).

حسینی، سید محمد (۱۳۱۵ خ)، متولد روستای خنجین (فراهان)، تحصیلات ابتدایی را در روستا و متوسطه را در اراک و تهران گذراند. او سپس در دانشگاه تهران زبان و ادبیات عرب خواند و در سال ۱۳۵۱ از رساله دکتری خود با عنوان «سرزمین‌های جنوبی خلیج فارس» دفاع کرد. او که از سال ۱۳۳۹ در آموزش و پرورش استخدام شده بود، هم‌زمان با دوره دکتری، تدریس در دانشگاه را هم آغاز کرد و در سال ۱۳۸۶ از دانشگاه علامه طباطبائی بازنشست شد. دکتر حسینی آثار فراوانی در قالب مقاله و کتاب از خود به جا گذاشته که برخی از کتب تألیفی او عبارتند از: نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ترجمه و تحقیق)، قرائت عربی (۱، ۲ و ۳) و نیز قواعد عربی (۱ و ۲) که همگی در دانشگاه تدریس می‌شوند. ایشان هم‌اکنون در حال تصحیح و تحقیق کتاب ده جلدی تفسیر کشف‌الاسرار و عده‌الابرار نوشته رشیدالدین میبدی است (عزیزآبادی، ۱۴۰۲: ۴۷).



حسینی، عنایت (۱۳۶۵ خ)، نوازنده و مدرس دف، شاگرد آقای کامکار از کردهای مقیم ساوه است و گروه‌های مختلف دف‌نوازی تشکیل داده و در جشنواره‌های مختلف شرکت کرده و حائز مقام نخست تا سوم هم شده است.

حسینی، فرهوده (۱۳۴۸ خ)، فرزند عباس، پس از دریافت دیپلم، تحصیلات خود را تا اخذ کارشناسی هنرهای تجسمی در دانشگاه فرهنگیان اراک ادامه داد. وی از سال ۱۳۷۰ و به مدت سه سال کارمند اداره بهداشت محیط اراک بود و از سال ۱۳۷۳ در آموزش و پرورش استخدام شد و در ابتدا به‌عنوان دبیر هنر در این مسیر قدم نهاد و فراگیری خوشنویسی را آغاز کرد و با استفاده از آموزه‌های استاد کاظمی در سال ۱۳۸۴ گواهینامه ممتاز دریافت کرد و سپس زیر نظر استاد عباس اخوین گواهینامه فوق‌ممتاز گرفت (پیرهادی تواندشتی، ۱۳۹۲: ۸۵).



حسینی، فضل‌اله (۱۳۲۴ خ)، متولد بهبهان، که در شازند سرمایه‌گذاری اشتغال‌زا کرده است. شرکت رنگ روناس یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تولیدکننده رنگ‌های صنعتی، ساختمانی و دریایی و خوشنام ایران است که به‌عنوان یک صنعت پاک با فضای سبزی دل‌انگیز و مدیریتی همدل و همراه با کارکنانی که تعدادشان ۱۵۰ نفر است، فعالیت خود را از سال ۱۳۵۳ آغاز کرد و اکنون دارای ۴ خط کامل تولید به‌ظرفیت ۲۸۰۰۰ تن انواع رنگ و پوشش‌های حفاظتی، ۲ خط تولید رزین به ظرفیت ۱۴۰۰۰ تن و ۵ خط تولید قوطی و لوازم بسته‌بندی به ظرفیت ۴۰۰۰ تن در سال است.



حسینی، محمدحسن (۱۳۳۴ خ)، فرزند عباسعلی و بانو مریم‌خاتون، تحصیلاتش را در دبستان حافظ **دلیجان** گذراند و تصدیق ششم ابتدایی گرفت. آثار این شاعر خوش قریحه با نام هویت عاشقانه، شکوفه‌های عشق، شکوه آلاله‌ها، سرچشمه‌های احساسات، انگیزه‌های سبز و گلوگاه‌های سرخ چاپ و منتشر شده است.



حسینی، محمدصادق (۱۲۳۹-۱۲۹۵ خ)، فرزند حسین، اهل روستای گازران **خنداب**، ملقب به ادیب‌الممالک فراهانی که «امیری» و «پروانه» تخلص این شاعر، ادیب و روزنامه‌نگار دوره مشروطه بود. او در ۱۵ سالگی و پس از مرگ پدر به تهران رفت و با کمک حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی، به دستگاه تهماسب‌میرزا مؤیدالدوله راه یافت.



نایب‌رئیس مدرسه لقمانیه تبریز، انتشار روزنامه ادب در تبریز و خراسان، سردبیری روزنامه ایران سلطانی، سردبیری روزنامه مجلس، انتشار روزنامه عراق‌عجم و نیز انتشار روزنامه ترک‌زبان ارشاد در بادکوبه آذربایجان از اقدامات این شاعر خندابی است. این آزادی‌خواه مشروطه‌طلب سپس وارد عدلیه شد و تا پایان عمر در سمت ریاست چندین شعبه عدلیه در شهرهای اراک، سمنان و یزد خدمت کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۷).

حسینی‌انجدانی، طاهر (زندگی ۱۰۰۴ خ)، اهل انجدان **اراک**، رساله انیس‌المجتهدین در موضوع اصول فقه را به‌زبان عربی و در سال ۱۰۰۴ کتابت کرد. این خوشنویس هم‌چنین رساله الایمان‌والولایه (حدیث)، رساله تشریح‌الافلاک (هیأت)، رساله الفوائدالرجالیه (رجال)، منهاج‌النجاه (حدیث)، طلب‌العلم (کلام و اعتقادات) و نیز شرح حدیث، همگی به‌زبان عربی و لب‌المرام در موضوع پندوانداز به‌زبان فارسی را کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۳۷).

حسینی‌آوی، داعی (قرن ۵)، اهل **ساوه**، از فقهای مشهور خاندان حسینی آوی در سده پنجم هجری است که از سیدمرتضی و شیخ طوسی اجازه مخصوص برای روایت، کتابت و نقل حدیث داشته است.

حسینی‌آوی، عزالدین علی (قرن ۸)، فرزند بهاء‌الدین حسن بن علی حسینی‌آوی، از علمای قرن هشتم هجری **ساوه** و از ادبا و نویسندگان نامدار شیعی است.

حسینی‌تفرشی، سیدداود (قرن ۱۱)، فرزند اسماعیل، عالم دینی و از دانشمندان قرن یازدهم هجری است و رساله‌ای در اصول دین دارد که بعدها توسط یکی از نوادگانش به نام میرزا مهدی بدایع‌نگار **تفرشی** شرح داده شده است.

حسینی تفرشی، سیدعبداله (۱۳۸۸-۱۲۹۵ خ)^۱، فرزند سیدعزالدين (مجیر همایون)

و نوه سیدعلیرضاخان حسینی تفرشی (امین دواب)، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ابن‌یمین مشهد گذراند و به دارالفنون رفت و سپس وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و به‌عنوان عضو نخستین گروه دانش‌آموخته مهندسی برق این دانشگاه مدرک گرفت و به آمریکا رفت. وی پس از دریافت دکترای برق از دانشکده فنی کالتک کالیفرنیا، در ایران به تدریس و تحقیق پرداخت. او به‌عنوان بازرس ویژه سازمان بازرسی شاهنشاهی در بخش فرهنگ، خدمات شایان توجهی ارائه داد که بنای سازمان میراث فرهنگی، اصلاح روش‌های کاوش، حفاری و نگهداری اشیای باستانی، رفع مشکلات کتابخانه‌های ملی و سلطنتی از جمله آنهاست که برایش نشان همایون بهارمغان آورد. اختصاص بودجه سالانه به دانشکده فنی و کتابخانه آن و همچنین وقف املاک شخصی خود شامل کتابخانه، تابلوهای نفیس، آپارتمان مسکونی و گنجینه آثار هنری به نام دانشگاه شهیدبهشتی برخی از اقدامات این نیکوکار فرهنگی است. کتاب یادنامه دکتر خسرو بهرون^۲ به همت دکتر محمدرضا بهزادی توسط دانشگاه شهیدبهشتی با هدف نکوداشت وی منتشر شده و خود نیز به‌عنوان نویسنده تألیفاتی دارد که «مارلیک» و کتاب «سیستم اقتصادی و کمک‌های خارجی آمریکا» در ۳ جلد از آن جمله‌اند. عضو شورای عالی اقتصاد، عضو شورای عالی برق، عضو هیأت اجرایی مؤسسه تحقیقاتی ایران در آمریکا، مدرس دانشکده مهندسی پست و تلگراف و تلفن، وزارت راه و همچنین دانشکده افسری برخی از مهمترین سمت‌های اجرایی اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۹۰).

**حسینی تفرشی، سیدعلیرضا (۱۲۲۴-۱۲۸۹ خ)، ملقب به امین دواب، فرزند حاجی میرزا**

سیدمیربهاءالدین مستوفی تفرشی و بانو سکینه، پس از مهاجرت به تهران به‌علت برخورداری از سواد و خط نیکو و تسلط بر امور استیفا به دربار قاجار راه یافت و در زمان میرزا سیدمهدی خان تفرشی فرزند سیدکاظم خان (وزیر دواب)، مدتی به‌عنوان مستوفی قاطرخانه شاهی و کالسکه‌خانه دربار مشغول بود و سال‌ها سر رشته‌دار و مستوفی اداره صاحب‌جمعی همایونی و امور دواب مظفرالدین‌شاه بود و برادرش که ملقب به مدیر دواب بود نیز سال‌ها عهده‌دار امور قاطرخانه شاهی بود (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۹).



^۱. دکتر خسرو بهرون

^۲. برادرش مهندس منوچهر بهرون در کابینه ارتشبد ازهاری وزیر آبادانی و مسکن بود و خودش نیز در کابینه شریف‌امامی کاندیدای تصدی وزارت پست و تلگراف و تلفن بود که قبول نکرد.



حسینی تفرشی، سید کاظم (۱۱۸۹-۱۲۶۹ خ)، فرزند سید هدایت‌اله، در محله زاغرم **تفرش** به دنیا آمد و در اوایل سلطنت محمدشاه قاجار به تهران رفت و در دستگاه استیفای مجدلاشراف وارد خدمت دولتی شد. او در جنگ هرات در اردوی محمدشاه بود و مدارج ترقی را پیمود و پس از فوت مجدلاشراف جانشین وی شد. ایشان مستوفی کلیه دواب دیوانی و اصطبل سلطنتی (شترخانه، قاطرخانه، کالسکه‌خانه و اسب‌های ایلخی و زین‌خانه) بود. وی همچنین بنیانگذار تکیه تاریخی زاغرم تفرش^۱ است. گفتنی است وی دارای چهره‌ای مقتدر و باهویت بود و به خاطر ریش بسیار پهن و بلندی که او را از سایر میرزاهای آن زمان متفاوت نشان می‌داد، به سید کاظم ریش شهرت داشت^۲ (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۴۲).

حسینی تفرشی، سید منصور (زندگی ۱۰۰۹ خ)، فرزند میرزا مخدوم، از عالمان دینی قرن یازدهم هجری اهل **تفرش** است و از آثار اوست نسخه‌ای از کتاب «استبصار» شیخ طوسی که برای استفاده شخصی و در شهرپور ۱۰۰۹ نگاشته است.

حسینی تفرشی، عبدالحکیم (زندگی ۱۰۶۰ خ)، از هنرمندان خوشنویس قرن یازدهم، که کتاب «المغنی فی شرح الموجز» را به خط نستعلیق و در سال ۱۰۶۰ نگاشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۱).

حسینی تفرشی، علی اکبر (زندگی ۱۲۷۵ خ)، دو نسخه از کتاب «معایب الرجال» تألیف بی‌بی‌خانم استرآبادی که در سال ۱۲۷۴ و با نام ناصرالدین‌شاه تألیف شده را به تاریخ آبان ماه ۱۲۷۵ کتابت کرده و در کتابخانه ملک موجود است.

حسینی تفرشی، میر مصطفی (درگذشته ۱۰۱۳ خ)، فرزند سید حسین، اهل **تفرش**، یکی از علمای بزرگ شیعه، در قرن یازدهم و از مبرزترین شاگردان عبدالله شوشتری و محقق کرکی بوده است. سید میرزا محمد اردبیلی درباره وی می‌گوید: «او سید اجل، جلیل‌القدر، رفیع‌الشأن عظیم‌المنزله و فاضل کامل است و مقام وی بالاتر از آن است که بتوان او را توصیف کرد». برخی معاصران از ادامه تحصیلات وی نزد عبدالله شوشتری تا سر حد «اجتهاد» سخن گفته‌اند. کتاب نقدالرجال او در علم حدیث و انساب به زبان عربی نگاشته شده است (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۶).

۱. قدیمی‌ترین تکیه ایران.

۲. کاظمیه شامل مسجد و مدرسه علوم دینی کاظمیه در خیابان ری، حمام، آب‌انبار و تعدادی خانه و همچنین خانه تاریخی ایشان در محله امام‌زاده یحیی تهران با نام سرای کاظمی (موزه مردم‌شناسی) به‌همت نوه‌اش مهندس جواد کاظمی مرمت شد.

حسینی تفرشی غروی، سیدبهاالدین علی (درگذشته ۱۰۰۰ خ)، فرزند سیدیونس، از ادبا و علمای امامیه در نجف دیده به جهان گشود و تحصیلاتش را در شهرهای اصفهان و نجف اشرف و نزد بزرگانی مانند شیخ بهایی (۹۲۵) و عمویش میرفیض‌اله **تفرشی** و دیگر بزرگان آن دوره به پایان رساند. این عالم دینی ضمن تدریس، کَشکول^۱ (اشعار و مطالب متنوع فارسی و عربی) را نیز نوشته و هم‌چنین به‌عنوان یک خوشنویس، نسخه‌ای از کتاب «الائتنی عشریه» که در مورد احکام نماز و از تألیفات شیخ بهایی است را کتابت کرده و نیز کتابت «شرق‌الشمسین» شیخ بهایی هم بر عهده او بوده است. رسائل (در موضوع فلسفه و کلام) و هم‌چنین یک دیوان شعر دو اثر دیگر اوست (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۷۹).

حسینی جاسبی، حمزه (زندگی ۷۱۴ خ)، مشهور به ناصرالدین، فرزند حمزه بن علوی، از عالمان نامور شیعه و از شاگردان فخرالدین حلّی بوده و بنا به درخواست وی، شیخ فخرالدین کتاب تحصیل‌النجاه در موضوع اصول دین و عقاید را در سال ۷۱۴ تألیف و نیز سؤالاتی کرده که جواب‌های آن به‌صورت کتبی از سوی استاد صادر شده است. او پس از فراغت از تحصیل، در جاسب (**دلیجان**) ساکن شده و به‌انجام وظایف شرعی در میان مردمان آن‌جا پرداخته است. فخرالدین حلّی در اجازه‌ای که در تاریخ جمعه ۱۹ اسفند ۷۱۴ برای وی صادر کرده، چنین می‌نویسد: نگاشتم این کتاب را به جهت خدمت به سید معظم و شریف مکرم سلاله الائمه‌المعصومین خلف اجداده‌الطاهرین، ناصرالمله‌والحق والدین حمزه بن حمزه‌العلوی الموطن بقریه شریف‌آباد من ناحیه جاسب... و نیز در ابتدای این کتاب اجازه روایتی عام برای او صادر کرده است.

حسینی دلجانی، سیدعبدالهادی (۹۵۰-۱۰۲۰ خ)، فرزند رفیع‌الدین، از فقه‌های برجسته امامیه در سده ۱۱ و اهل **دلیجان** است که منزلت و جایگاه فقهی، علمی و عرفانی وی ناشناخته مانده است. آن‌گونه که در برگ پایانی جلد نخست کتاب هادی‌المضلین نسخه اصل به‌خط علامه دلجانی آمده، مدتی از سال‌های عمر خویش را در دلجیان گذرانده است. او دارای آثار و تألیفات چندی بوده که به‌نظر می‌رسد مفقود شده و یا در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی، ناشناخته مانده، لیکن بر اساس منابع منتشره، هادی‌المضلین و مرشدالمصلین، الدرّوالمرجان فی تفسیرالایمان و هم‌چنین رساله‌ای درباره ظهور امام زمان از اوست (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۰).

حسینی ساوجی، محمدمعصوم (درگذشته ۹۸۳ خ)، شاعر و خوشنویس اهل **ساوه**، که نمونه اشعارش به‌خط خود، روی تخته‌سنگی که از مسجد مقصوره (قرمز) ساوه به دست آمده موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۸۵).

^۱. این کتاب بین سال‌های ۹۹۳ تا ۹۹۸ نوشته شده است.

حسینی ساوه‌ای، سیدشمس‌الدین (قرن ۱۰)، اهل ساوه و از شعرای قرن دهم هجری است و پدرش متولی مقبره باباشجاع کاشان بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۵۶۲).

حسینی شکیب، سیده‌طاهره (۱۳۱۲ خ)، فرزند سیدحسین وفسی (مکتب‌دار) و بانو



ایران، متولد روستای کودزر (**فراهان**)، از دوران کودکی به یادگیری طب سنتی و آشنایی با خواص داروهای گیاهی نزد مادرش و دیگران پرداخت و به طبابت و مامایی روی آورد و با پزشکان فراهان و اراک از جمله دکتر هوشیدری، میرزا هدایت، دکتر حمزه‌علی و پسرش میرزا حسین خان پزشکی، سلیمان خان غفاری و بخصوص خانم دکتر سروش و قابله‌های با دانش و تجربه منطقه نظیر شیرین خانم کمیجانی آشنا شد و از دانش و تجارب آنها در طب سنتی و طب نوین بهره برد. این مامای تجربی که جان بسیاری از مادران و نوزادان را از مرگ حتمی نجات داده ضمن ادامه تحصیلات تا حدود دیپلم، با خواص گیاهان دارویی آشناست و توانمندی بالایی در درمان نازایی به شیوه سنتی و طب سینایی دارد و در سن ۹۰ سالگی همچنان شیفته آموزش‌های نوین است.

حسینی فراهانی، سیدجعفر (درگذشته ۱۲۴۲ خ)، فرزند میرزا محمدتقی، اصلیتی



هزاوه‌ای (**اراک**) داشت و در تبریز در کنار میرزا بزرگ (قائم‌مقام) کار می‌کرد. وی هرچند وزیر خارجه نشد، ولی در قراردادهای سرحدی و تعیین حدود و ثغور کشور مستقیماً با ترکان عثمانی مذاکره می‌کرد و جزو دومین گروه ۴۰ نفره از ایرانیانی بود که توسط عباس‌میرزا و در سال ۱۱۹۴ جهت تحصیل به اروپا رفت. او پس از بازگشت به ایران، کار تعلیم فنون ریاضی و مهندسی پیشه کرد و به واسطه حسن خدمت، به مهندس‌باشی و سپس مشیرالدوله ملقب شد و نخستین مهندس ایران محسوب می‌شود. ایشان از سال ۱۲۱۵ تا ۱۲۲۱، به‌عنوان سفیر ایران در عثمانی خدمت کرد و پس از آن به دستور امیرکبیر به‌عنوان نماینده به آذربایجان رفت و چندماه بعد در کمپسیون چهارجانبه (ایران، بریتانیا، روسیه و عثمانی)، جهت تعیین مرزهای ایران و عثمانی حاضر شد. در سال ۱۲۳۷ که به دستور ناصرالدین‌شاه، دارالشوری دولتی با عضویت شش وزیر تأسیس شد، مهندس‌باشی به‌ریاست آن انتخاب شد و یک سال بعد ریاست مجلس شورای وزرا (نخست‌وزیر) که از یازده وزیر تشکیل می‌شد را بر عهده گرفت. وی همچنین در سال ۱۲۴۰ به‌عنوان تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد و در این سمت بنای دارالشفای آستان قدس رضوی یادگار اوست و دو سال بعد هم درگذشت. رساله «تحقیقات سرحدیه» و نیز «خلاصه الحساب» از تألیفات کسی است که در تاریخ ایران از جمله تعیین مرزها و ایجاد بستر مجلس قانون‌گذاری در ایران که ابتدا در قالب دارالشوری تجربه شد، تاریخ‌ساز و تأثیرگذار بوده است (صدیق، ۱۳۷۲ : ۲۱۹).

حسینی قائم مقامی، سیدعباس (۱۳۴۷ خ)، از یک خانواده **اراک**ی در تهران متولد شد



و از نخستین سال‌های تحصیل رسمی، هم‌زمان فراگیری علوم دینی را در حوزه علمیه تهران آغاز کرد و طی چند سال از محضر استادان فقه، فلسفه و عرفان بهره برد و در جوانی به درجه اجتهاد رسید. این عالم دینی و استادیار دانشگاه در سال ۱۳۷۴ از سوی دپارتمان مطالعات خاور نزدیک دانشگاه برکلی آمریکا به تدریس در دوره‌های عالی عرفان و الهیات دعوت شد. او که از ابتدای سال ۲۰۰۴ میلادی به عنوان امام و مدیر مرکز اسلامی هامبورگ و رئیس آکادمی اسلامی آلمان مشغول به فعالیت است، در سال ۲۰۰۶ به ریاست اتحادیه اروپایی علما و تتولوگ‌های شیعه^۱ برگزیده شد.

حسینی کرهرودی، سیدشفیع (قرن ۱۳)، فرزند سیداحمد، اهل **اراک**، پدر آقا نورالدین (عمو و شاگرد حاج آقا محسن عراقی)، از عالمان دینی در کرهرود بوده است. نویسنده کتاب خاندان محسنی می‌نویسد: اکثر علمای عراق که در ادوار مختلف در حوزه درس مرحوم حاج آقا محسن حضور داشته‌اند، دارای مرتبه اجتهاد بوده و به همین دلیل نویسنده آیات سرمد (ص ۹۳) وی را از مجتهدین می‌داند.

حسینی مقدم، سیدهاشم (۱۳۴۳ خ)، زاده **محلات** و دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد



فلسفه و کلام اسلامی از دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه و دبیر دبیرستان‌های محلات است. ایشان در زمینه نویسندگی آثار ارزشمندی دارد که «اصالت وجود و تأثیر آن بر دیگر مسائل فلسفی»، «آغازی بر اندیشه اسلامی»، «در سایه‌سار خرد» و «کوچه کوچه با کتاب» از آن جمله‌اند. مربیگری تیم دو و میدانی محلات، قهرمانی در رشته‌های پرتاب وزنه و نیزه در مسابقات استانی، عضویت در هیأت بازیینی نمایش شهرستان، بخشی از فعالیت‌های او در زمینه فرهنگی و ورزشی است.

حسینی نژاد، هادی (۱۳۶۲ خ)، اهل **اراک**، شاعر، ترانه‌سرا و خبرنگار حوزه کتاب و



ادبیات است که تاکنون، سه مجموعه ترانه منتشر کرده است. این شاعر و نویسنده، شعر را با ترانه درآمیخته و خاصیت ویژه‌ای به ترانه داده و هم‌چنین از روزنامه‌نگاران پرکار معاصر ایران است که همواره نسبت به سیستم ناکارآمد مدیریت فرهنگی و رویکرد منفی و تبعیض‌آمیز در حوزه نشر کتاب انتقاد می‌کند، طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ در جشنواره ملی کتاب و رسانه و در رشته‌های گزارش، یادداشت و گفت‌وگو برگزیده شده است.

^۱ الهیات، خداشناسی (Theology) - و اتحادیه اروپایی علما و تتولوگ‌های شیعه، از بین ۱۶ کشور اروپایی انتخاب می‌شود.

حسینی نژاد، حسینقلی (۱۲۹۸ خ)، فرزند سیدمهدی قلی‌خان **فراهانی**، حقوقدان،



فیلسوف، جامعه‌شناس، اسلام‌شناس و زبان‌دان که از کودکی قرآن و خط نستعلیق را فرا گرفت. او سپس وارد دانشسرای عالی شد و از محضر محمدحسین بشرویه (بدیع‌الزمان فروزانفر) و ادیب ثانی نیشابوری بهره برد و به استادی ادبیات عرب جاهلیت که مرحله عالی ادبیات عرب است رسید و به خریط‌الادب^۱ شهره شد. پس از دریافت دکتری زبان‌وادبیات فارسی و دکترای حقوق، برای ادامه تحصیل آکادمیک در زبان عربی به دانشگاه الازهر مصر رفت و پس از گذراندن دوره دکتری نزد توفیق‌الحکیم، طه‌حسین و محمد ابوزهره (صاحب‌العقوبه)، موفق به اخذ «فوق دکتری» در زبان‌وادبیات عرب و مذاهب اربعه شد و در فقه سنت به‌اجتهاد رسید. دکترای حقوق سیاسی، دکترای زبان و ادبیات آلمانی، انگلیسی، فارسی و فرانسه و نیز مجتهد عضو انجمن بین‌المللی قضات، از مدارج عالی این دانشمند معاصر است که تألیف بیش از ده عنوان کتاب و بازگردان بیش از ۲۰۰ مقاله را در کارنامه دارد.^۲

حسینی یل‌آبادی ساوجی، سیدحسین (۱۳۲۷ خ)، فرزند سیدمرتضی، اهل یل‌آباد



(ساوه) شاعر کلاسیک و نو که مضامین اشعارش مذهبی، عرفانی و اجتماعی با لهجه ساوه‌ای است و با اینکه تحصیلاتش تا نهم متوسطه است، ولی کیفیت اشعارش مورد توجه ادبا و صاحب‌نظران است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۲۲).

حشمتی، عباس میرزا (۱۲۸۷-۱۳۵۱ خ)، فرزند نصرت‌اله، اهل **خمین**، دارای تحصیلات



عالی از فرانسه بود و نماینده دوره‌های (۱۴-۱۸-۱۹) در مجلس شورای ملی از حوزه محلات و کمره و مدتی هم استاندار گیلان و اصفهان بود. روستای حشمتیه مقر عباس میرزا به‌شمار می‌رفت (سمیعی، ۱۳۸۲: ۳۹۷).

حشمتی، کامبیز (زندگی ۱۳۵۷ خ)، فرزند عباس میرزا، اهل **خمین**، مدتی کارمند وزارت کشور و فرماندار آبادان و پیش از انقلاب مدیرکل بازرسی وزارت کشور بود. ایشان زمین‌های پشت کوه بوجه خمین را قطعه‌بندی کرد و با احداث شبکه برق و حفر چاه آب، قصد ایجاد شهرکی داشت که به شهرک کامبیز مشهور شده بود و امروز یکی از جاذبه‌های گردشگری خمین است. او در زمان رضاشاه، سرگرد و استادسوارکاری بود و حتی برخی وی را مربی سوارکاری محمدرضاشاه می‌دانند و در مسابقات سوارکاری با

^۱. خریط گیاه خشکی است که هم علوفه خوبی برای شتر بوده و هم ماده خوبی برای آتش‌افروختن است که کندن آن را خرط‌القطاط می‌گفتند، زیرا اتصال محکم با زمین داشت و با داس و بیل هم بیرون نمی‌آمد و دارای خارهای خشکی بود که به دست آسیب می‌رساند، اما برخی اعراب برای کندن آن چنان مهارت داشتند که با دست خالی و با یک حرکت آن‌را بیرون می‌کشیدند و از این‌رو به فرد دارای مهارت در علم خریط‌العلم می‌گویند.

^۲. قلعه ایشان در اراضی روستای عزیزآباد در مجاورت روستای بورقان پابرجاست.

اسبش که قیصر نام داشت برنده می‌شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۰۹).

حصیبه، مهین (۱۳۱۵ خ)، فرزند محمدقلی و بانو صغری، پیش از رفتن به دبستان منوچهری اراک، خواندن و نوشتن را از والدینش آموخت. او که تا دریافت دیپلم از دبیرستان ایراندخت و آزرمت تهران (ششم دبیرستان) در همه سال‌های تحصیلی شاگرد اول بود، در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۴۰ درجه دکتری خود را دریافت و برای گذراندن دوره تخصص به آمریکا رفت و با تخصص روانشناسی به ایران بازگشت و چون شرایط تدریس در دانشگاه تهران فراهم نشد، دوسالی به کانادا رفت و دوباره آمریکا را برای کار و زندگی انتخاب کرد. این نخستین پزشک زن اراکی و نیکوکار فرهنگی، علاوه بر نوشتن مقالات و کتب علمی به هر دو زبان فارسی و انگلیسی، همه اندوخته مالی خویش را صرف امور خیر کرد که ساخت ۷ مدرسه شبانه‌روزی در خراسان و نیز کتابخانه حصیبه واقع در پارک آزادی اراک از آن جمله‌اند. از وی در آیین گشایش دبیرستان دخترانه آفریز قائن با عنوان «بانوی نور» تجلیل شد (ذبیحی، ۱۳۸۵: ۳۴۹).



حضرتی آشتیانی، افشین (۱۳۳۴ خ)، فرزند عظیم، قهرمان شنای ایران در سال ۱۳۴۶، قهرمانی در مجارستان و روسیه در رشته شنای قورباغه و شکست رکورد ایران در قهرمانی المپیک آسیایی ۱۹۷۴ میلادی و ده‌سال مربی تیم ملی شنای ایران برخی از افتخاراتی است که او به خود اختصاص داده است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۵۲).



حضرتی آشتیانی، پندار (۱۳۵۹ خ)، فرزند داریوش، از نوجوانی به سمت ورزش شنا رفت و از ۱۲ تا ۲۲ سالگی همیشه رتبه نخست را به دست می‌آورد. این دکترای بیومکانیک از استرالیا، قهرمان شنای بانوان ایران و دارنده‌ی ۷ مدال قهرمانی کشورهای اسلامی است و ضمناً مدرس دانشگاه علم و صنعت و الزهرا هم می‌باشد (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۵۳).



حضرتی آشتیانی، خشایار (۱۳۵۶ خ)، فرزند داریوش، از نوجوانی به سمت ورزش شنا رفت و از سن ۱۲ تا ۲۴ سالگی همه‌ساله نفر نخست ایران در رشته شنا قورباغه بود. او که لیسانس تربیت بدنی دارد، مقام نخست شنا در الجزایر (۱۳۶۹)، مقام نخست شنا در سوریه (۱۳۷۲) و نایب قهرمانی غرب آسیا در سال ۱۳۷۴ را در کارنامه دارد و نیز مربی تیم ملی شنای ایران هم بوده است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۵۴).



حضرتی آشتیانی، داریوش (۱۳۲۴ خ)، فرزند عظیم و دارنده مهندسی الکترونیک از دانشکده مخابرات، قهرمان دو و میدانی و پرتاب نیزه و پرش ارتفاع، مقام دوم جوانان کشور در سال ۱۳۴۴، نفر سوم شنا کراال پشت استان تهران در سال ۱۳۴۳، مربی‌گری تیم‌های



باشگاهی و ملی شنا ایران از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۹۷ در دوره‌های مختلف، برخی از سوابق ورزشی اوست (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۵۵).

حضرتی‌آشتیانی، غلامرضا (۱۲۹۹ خ)، فرزند رمضان‌بیگ، تحصیلات ابتدایی را در



آشتیان گذراند و برای ادامه تحصیل به تهران رفت و از دبیرستان امیرکبیر دیپلم گرفت. او سپس وارد دانشکده فنی تهران شد و در رشته مهندسی برق و مکانیک دانش‌آموخته و بلافاصله در آزمون ورودی ارتش با رتبه نخست پذیرفته شد. اعزام به خرمشهر در واقعه ملی شدن صنعت نفت به‌عنوان نماینده ارتش، سرپرست فنی دستگاه‌های مخابراتی ارتش در تهران، سرپرست تأمین آب و برق شهرهای کوچک و مدیرکل برنامه‌ریزی و تأمین برق شهرها و ایجاد خطوط انتقال برق، برخی از سوابق این مدیر عالی‌رتبه است که در سال ۱۳۴۹ به معاونت وزارت آب و برق منصوب شد و تا سال ۱۳۹۹ در لندن زندگی می‌کرد (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۶۳).

حضرتی‌آشتیانی، صادق (۱۳۳۱ خ)، فرزند محمود و بانو مولود، تحصیلات ابتدایی را



در دبستان قآنی و متوسطه را در دبیرستان مستوفی‌الممالک آشتیان و حکیم‌نظامی قم گذراند. او سپس به‌عنوان سپاه‌دانش، راهی شهرستان فومن شد و در سال ۱۳۵۶ به دانشسرای راهنمایی تهران راه یافت و پس از دانش‌آموختگی، تا سال ۱۳۸۵ به‌عنوان دبیر راهنمایی در آشتیان تدریس کرد. این نویسنده، متن‌پژوه، فهرست‌نویس و پژوهشگر اسناد، در همه دوران تدریس در فعالیت‌های فرهنگی شرکت داشت و ضمن مدیریت انجمن ادبی آشتیان، دو دوره متوالی به عضویت شورای شهر درآمد و در این پست شرایط تملک منزل میرزا هدایت‌اله وزیردفتر و تبدیل آن به موزه مردم‌شناسی آشتیان را فراهم آورد. او سپس با علاقه و جدیت به جمع‌آوری نسخ خطی، اسناد و تصاویر قدیمی پرداخت و نیز با استفاده از یادداشت‌ها و اندوخته‌های گذشته، به تحقیق و پژوهش روی آورد. این پژوهشگر برجسته ضمن تدوین بیش از بیست مقاله علمی/تاریخی، نزدیک به ده عنوان کتاب تألیف کرده که «رجال و مشاهیر آشتیان»، «اسناد مستوفیان آشتیان»، «فهرست نسخ خطی» و... از آن جمله‌اند (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۶۰۹).

حضرتی‌آشتیانی، عباس (۱۳۰۷-۱۳۹۳ خ)، فرزند حاج رمضان‌بیگ، تحصیلاتش را تا



کلاس نهم در آشتیان گذراند و به تهران رفت و پس از دیپلم، از دانشگاه تهران دکترای دامپزشکی گرفت و ریاست مؤسسه رازی شعبه مشهد را عهده‌دار شد. او سپس با یک فرصت مطالعاتی به انگلیس رفت و پس از بازگشت در مؤسسه رازی حصارک در مورد تولید سرم‌های طاعون گاوی و اسبی به پژوهش پرداخت. همکاری با کارشناسان بیماری‌های ویروسی در بریتانیا و آمریکا، چاپ حدود ۴۰ مقاله علمی در مجلات پژوهشی انگلستان، آمریکا و کانادا و نگارش کتاب «انسان، ایدز، زندگی» برخی از سوابق علمی این دانشمند آشتیانی است که عضویت فرهنگستان علوم ایران را هم

در کارنامه دارد و تمبر یادبود او از طرف مؤسسه رازی منتشر شده است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۵۶).

حضرتی آشتیانی، عظیم (۱۳۷۷-۱۳۹۴ خ)، فرزند رمضان بیگ، تحصیلات ابتدایی را در

دبستان خاقانی آشتیان گذراند و به همراه خانواده به تهران رفت و دوره متوسطه را در

مدرسه صنعتی آلمان طی کرد و وارد مدرسه صاحب منصبی شد. او سپس به عنوان ویراستار

روزنامه های جهان و ستاره مشغول بکار شد. شعرهای این شاعر در قالب قصیده، مثنوی،

قطعه و رباعی است و به عقیده خودش از تلفیق رباعی و مسمط، اشعاری بدیع خلق کرده است (عبدلی

آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۶۰).

حطیم قائم مقامی، سید مهدی (قرن ۱۳)، ملقب به ملک الکتاب، فرزند میرزا ابوالقاسم وزیر و برادر میرزا

ابوالحسن قائم مقامی، اهل روستای آهنگران (اراک)، از هنرمندان خوشنویس دوره ناصری که آثار

ارزشمندی از وی باقی مانده و در موزه ایران باستان (تهران) نگهداری می شود (محتاط، ۱۳۷۲: ۴۵).

حطیم قائم مقامی، محمد (۱۲۵۲-۱۳۳۲ خ)، فرزند میرزا مهدی، اهل اراک، کارمند سابق وزارت دارایی

و امور خارجه بود که به عنوان هنرمند خوشنویس، در نوشتن خط ثلث و نسخ استاد بوده است (محتاط،

۱۳۷۲: ۴۵).

حقی، علیرضا (۱۳۶۸ خ)، فرزند محمدحسن و بانو دولت، تحصیلاتش را در دبستان

کاظم میثمی و راهنمایی دهگان (اراک) گذراند و از دبیرستان علوی دیپلم گرفت. او

سپس از دانشگاه پیام نور اراک در رشته مهندسی کامپیوتر دانش آموخته شد. وی که از

دوران نوجوانی به امور فنی علاقه مند بود، ضمن تأسیس نخستین هلدینگ استان مرکزی،

فعالیت خود را در زمینه طراحی دکوراسیون داخلی، خانه هوشمند، سیستم های خورشیدی، سیستم های امنیتی

و صادرات صنایع دستی شروع کرد. تألیف دو عنوان کتاب در زمینه سیستم های امنیتی و فتوولتائیک

(Photovoltaics)^۱ و تدریس هم از دیگر فعالیت های اوست. ایشان به عنوان یک هنرمند در حوزه صنایع

دستی (پیکره تراشی) هم دستی دارد.

حقیقی، محمدحسین (درگذشته ۱۲۹۷ خ)، فرزند کربلایی علی مراد، شاعر اراکی که خط خوبی داشته

و کتاب مشکوه الرضیه از اوست و نیز دیوان اشعار ایشان در وصف، مدح و مراثی ائمه است و قصیده ای هم

درباره وفات آقا ضیاء الدین عراقی دارد (ولاشجردی فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۴۳).

حقیقی، یحیی (درگذشته ۱۳۰۸ خ)، ملقب به شمس الاطبا، فرزند میرزا محمد، از طبیبان قدیمی خمین

۱. سیستم های خورشیدی

بوده و در محله چاله نخل خمین طبابت می‌کرده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۲۰).

حکمت، ابراهیم (۱۳۰۰ خ)، فرزند رمضانعلی، پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در **ساوه**، وارد دانشگاه تهران شد و در رشته علوم و حقوق سیاسی و همچنین روزنامه‌نگاری دانش آموخته شد. این نویسنده و شاعر آشنا به زبان ترکی، عربی و انگلیسی کارش را با نشریات شروع کرد و در ادامه، به امور دفتریاری پرداخت و سپس سردفتر اسناد رسمی شماره ۱۶۰ تهران شد. ایشان در سال ۱۳۳۰ هفته‌نامه روح آزادی و سپس روزنامه جهان اسلام را منتشر کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۲۶).

حکمت، منیژه (۱۳۴۱ خ)، تهیه‌کننده و کارگردان اهل **اراک** است و نخستین فیلم این سینماگر برجسته «زندان زنان» بود و سپس فیلم سه‌زن و لالایی را ساخت. این بانوی هنرمند در سال ۱۳۸۱، جایزه بهترین فیلمنامه، کاندیدای بهترین فیلم در جشنواره بین‌المللی فیلم هاوایی، کاندید بهترین فیلم در جشنواره فیلم گیخون و جایزه عفو بین‌الملل در جشنواره بین‌المللی فیلم روتردام، همگی برای زندان زنان را از آن خود کرد. این هنرمند همچنین در دهمین فستیوال فیلم حقوق بشر لوگانو در سوییس، جایزه سینماگر مؤلف سال ۲۰۲۳ را از آن خود کرده است.



حکمتی، سیدمحمد (۱۳۴۹ خ)، متولد اندیمشک، فرزند سیدسهراب، تحصیلاتش را تا اخذ کارشناسی برق و الکترونیک ادامه داد. اقدام حکمتی به فراگیری خوشنویسی از سال ۱۳۶۱ در محضر استاد واشقانی در **اراک** شروع شد و پس از یک‌سال از محضر استادان نیشابوری، امیدوار، پوران‌پیر، عبدالرضایی و رضوانی‌فرد بهره‌مند شد و در سال ۱۳۹۱ گواهی نامه فوق‌ممتاز از استاد غلامحسین امیرخانی دریافت کرد.



حکیم‌ساوجی، علی (۱۲۸۵-۱۳۲۶ خ)، معروف به میرزا علی حکیم، در **ساوه** تحصیل کرده و از جمله دانشمندان، ادبا و اطباء معروف و سرشناس ساوه بود و از بستگان نسبی و سببی میرزا علی طبیب می‌باشد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۷۹).

حکیم‌ساوجی، علیرضا (۱۲۱۳ خ)، ملقب به حکیم‌ساوجی، که علم طب خوانده و در خدمت مردم بود. این شاعر شیرین‌سخن و ادیب خوش‌بیان، از جوانی همواره در کسب دانش بود و دیوان ایشان شامل مثنوی، قصیده، غزل در مدح و مرثیه امامان است و در فنون ادبی، علوم عربی و طب قدیم تبحر داشت و از آثارش پیداست که از عرفان، حکمت و فلسفه نیز بهره‌مند بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۳۱).

حکیم‌ساوجی، لقمان (۱۲۸۵-۱۳۲۶ خ)، ملقب به مشکوه، فرزند یوسف، در **ساوه** متولد شد. وی طبیبی حاذق و ادیبی ماهر بود و در زمان پیدایش مدارس دولتی در ساوه، ضمن طبابت و مداوای بیماران به‌استخدام دولت درآمد و شغل آموزگاری پیشه کرد. او همچنین در شعر و شاعری طبعی روان و یدی طولاً داشت و بیشتر سروده‌های این شاعر بر پایه اخلاقیات، مدایح، مناقب و مراثی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۹۵).

حکیمی، داود (زندگی ۱۲۹۲ خ)، فرزند میرزا علیرضا حکیم ساوجی^۱، معروف به انتظام‌الحکما طبیب **ساوه‌ای** که طب ایرانی را نزد آقا میرزا محمدحسین سلطان‌الفلاسفه و طب جدید را نزد میرزا علی‌اصغرخان مودب‌الدوله از سال ۱۲۸۲ تا ۱۲۹۱، فرا گرفت و از سال ۱۲۹۲ در ساوه و سپس تهران به طبابت پرداخت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۳۸).

حلاوی، محمدحسین (۱۳۵۷ خ)، فرزند غلامعباس و بانو پروانه، تحصیلاتش را در دبستان میرداماد و هنرستان شهیدرجایی **اراک** گذراند و از دانشگاه آزاد همین شهر لیسانس، از دانشگاه مونهام فوق‌لیسانس و اکنون در دانشگاه تهران دکتری می‌خواند. مؤسس شرکت پروشات‌در مرکزی، کارآفرین برتر بخش صنعت در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱، صادرکننده نمونه استانی در سال ۱۳۹۷ و رئیس انجمن دانش‌بنیان استان از سوابق مدیری است که شرکت خود را به‌سمت ساخت محصولات با کیفیت سوق داد و مهم‌ترین رویکرد او در شرکت پروشات‌در ایجاد ارتباط صمیمی بین ۶۰ نفر کارکنان این شرکت دانش‌بنیان است.



حلت‌آبادی‌فراهانی، احمد (۱۳۴۱ خ)، فرزند غلامعباس و بانو فردوس، مشهور به حِلّت، پس از گذراندن دوران مدرسه و دریافت دیپلم در رشته روانشناسی بالینی و ارتباطات، گرایش روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه دانش‌آموخته شد. او سپس در روانشناسی دکترا گرفت و در آلمان و سوییس دوره‌های تخصصی روانشناسی و موفقیت زیگ‌زیگلارآرا گذراند. دکتر حلت، هم‌اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه تاجیکستان است و تاکنون یازده مقاله معتبر علمی منتشر کرده و سمینارهای بسیاری برای فارسی‌زبانان دنیا داشته و بنیانگذار و مدیر مسوول مجله «موفقیت» و رئیس سخنرانان حرفه‌ای ایران است.



حمزه‌ای، محمد (۱۳۵۹ خ)، متولد **اراک**، فعالیت حرفه‌ای خود در عرصه سینما را با برنامه‌ریزی و دستیاری کارگردان آغاز کرد و در بیش از سی فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی مختلف با فیلم‌سازی چون ایرج کریمی، فرزاد مؤتمن، محمدحسین لطیفی، حجت قاسم‌زاده اصل، علیرضا امینی، سعید ابراهیمی‌فر و ... همکاری داشته و جوایز متعددی از جشنواره‌های داخلی مانند فیلم کوتاه تهران، نهال، یاس و رضوی دریافت کرده است. این سینماگر در سال ۱۳۹۵، نخستین فیلم سینمایی خود «آذر» را با بازی نیکی کریمی و هومن سیدی مقابل دوربین برده است. فیلم سینمایی «کاپیتان» یکی از فیلم‌های راه‌یافته به چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر هم ساخته اوست.



^۱ . شاعر معروف اهل ساوه

^۲ . هیلاری هیتون زیگ‌زیگلار نویسنده آمریکایی و فروشنده حرفه‌ای.

حمزه لویی، ابوالقاسم (۱۲۷۸-۱۳۵۲ خ)، فرزند شیخ غلامرضا جاپلقی، پس از تحصیلات مقدماتی به تکمیل فقه و اصول پرداخت و به درجه اجتهاد رسید. این عالم دینی در مسجد حاج رئیس (اراک) ضمن اقامه جماعت، به نشر احکام دینی و اجتماعی می‌پرداخت (محتاط، ۱۳۷۲: ۴۶).

حمیدی آشتیانی، مهرزاد (۱۳۳۷ خ)، فرزند ابوالحسن، از دبیرستان دارالفنون تهران دیپلم گرفت و در دانشگاه تربیت معلم «علوم ورزشی» خواند و از دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تهران به ترتیب ارشد و دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی تربیت بدنی دریافت کرد. رئیس فدراسیون ورزش‌های بومی و محلی کشور، رئیس فدراسیون ورزش‌های دانشگاهی و رئیس آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک، برخی از مهم‌ترین سمت‌های اجرایی اوست. وی هم‌چنین به‌عنوان نویسنده و مترجم، پانزده عنوان کتاب در زمینه تربیت بدنی و مدیریت و بیش از ۶ طرح پژوهشی و ده‌ها مقاله در خصوص رشته تخصصی خود دارد. وی هم اکنون در ۷ کمیته ورزشی عضویت دارد و ۶ نهاد یا انجمن ورزشی را نیز تأسیس کرده است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۷۲).



خویزی، جعفر (درگذشته ۱۰۸۲ خ)، فرزند عبدالله بن ابراهیم خویزی در کمره (خمین) زاده شد و شاگرد آقا حسین خوانساری (قاضی و شیخ الاسلام اصفهان) بوده است. این عالم دینی، تألیفات بسیاری دارد که «اصول الدین»، «ذخایر العقبی» و «حاشیه شرح لمعه» از آن جمله‌اند (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۷).

حیدرلو، محمد (۱۳۵۰ خ)، فرزند محمدحسن و بانو سیده‌زهرا، متولد روستای وفس (کميجان)، تحصیلات ابتدایی را در دبستان رودکی وفس گذراند و در کميجان دیپلم گرفت. او سپس در مرکز تربیت معلم شهید باهنر اراک لیسانس گرفت و به تدریس پرداخت. سرگروه ریاضی استان، ۱۵ سال دبیر برگزیده ملی در طرح غنی‌سازی ریاضی، مولف کتب درسی، نفر نخست الگوی برتر تدریس استانی و ملی، داور الگوهای برتر تدریس، مدرس ضمن خدمت دبیران و تدریس ایرانیان مقیم ابوظبی (امارات)، برخی از سوابق اجرایی اوست.



حیدری، ابوالقاسم (۱۲۷۹-۱۳۵۹ خ)، مشهور به علمی، فرزند ابراهیم و بانو ام‌کلثوم، در روستای کهک (تفرش) به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه روستا گذراند و راهی قم شد. او از محضر آیات حائری یزدی و سید محمد تقی شیرازی، حجت و بروجردی بهره برد و پس از تکمیل علوم حوزوی، به کهک مراجعت و مکتب‌خانه‌ای دایر کرد و سال‌های متمادی به آموزش قرآن و حساب سیاق پرداخت. این عالم دینی و حافظ قرآن به هنر آیینی تعزیه تسلط کافی داشت و خود تعزیه‌گردان و نسخه‌نویس بود و در علم صرف و نحو تسلط فراوانی داشت به طوری که با روش هجی ابتکاری خود و با استفاده از گویش کهکی توانست در مدت کوتاهی آموزش قرآن را به‌طور عمیق ارائه دهد و پس از سکونت در تفرش به دلیل داشتن سواد و اطلاعات گسترده و



روش تدریس ویژه، اهالی به‌وی لقب علمی دادند و سردفتری محضر ازدواج و طلاق شماره ۱۰۷ تفرش را هم تأسیس کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۳).

حیدری، غلامرضا (۱۳۳۴ خ)، فرزند هادی، در خانواده‌ای **تفرشی**، در چالوس زاده شد و تا کلاس یازدهم را در چالوس و دیپلم را در دبیرستان هشتروندی تهران گرفت. او سپس در رشته مهندسی برق دانشگاه امیرکبیر ادامه تحصیل داد و در سال‌های بعد، تحصیلاتش را تا مقطع دکترا در رشته «مدیریت سیاست‌گذاری» دنبال کرد. وی مقالات زیادی در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی نوشت که بعدها به‌صورت کتاب و در هفت جلد تحت عنوان «کلیه عوامل و موانع رشد خویش را بشناسیم» منتشر شد. دو کتاب او به‌نام «نامه‌ای به مادر» و «نامه‌ای به همسر» که در دوران جنگ به‌نگارش درآمده، در تیراژ وسیعی منتشر شده است. او در سال ۱۳۶۲ به‌عنوان «سرپرست معاونت سازندگی و آموزش» وارد وزارت نیرو شد. عضو هیأت علمی دانشگاه صنعت آب‌وبرق (شهید عباسپور)، ریاست دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شهید عباسپور و نیز عضو هیأت علمی و مدیرگروه مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو، از دیگر سوابق کسی است که در دوره دوم و سوم به‌عنوان نماینده مردم آشتیان/تفرش و در دوره دهم به‌عنوان نماینده تهران، در مجلس شورای اسلامی بوده است.



حیدری، مریم (۱۳۶۰ خ)، فرزند یوسف و بانو معصومه، دوران دبستان را در زادگاهش مدرسه ضیائیه تفرش و تحصیلات راهنمایی را در مدرسه مرحوم کاریابی گذراند و از دبیرستان فاطمه‌الزهرای همین شهر دیپلم گرفت. وی تحصیلات دانشگاهی‌اش را در رشته حقوق دانشگاه پیام نور به پایان برد و با درجه کارشناسی دانش‌آموخته شد و هم‌اکنون هم دانشجوی مترجمی زبان انگلیسی است. این نویسنده، نخستین تالیف خود را با موضوع تعزیه و تعزیه‌خوانی در سال ۱۳۹۳ با نام «تعزیه هنری مقدس» منتشر نمود و در سال‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ آثار دیگری نیز مرتبط با رشته حقوق منتشر نمود که به‌ترتیب عبارتند از: قاعده احسان، فرزندخوانده و همسران.



حیدری، مژگان (۱۳۵۱ خ)، فرزند نصراله و بانو اکرم، دوره ابتدایی را در مدرسه ۱۷ شهریور و متوسطه را در دبیرستان تربیت‌گذراند و در دانشگاه آزاد **اراک** زبان و ادبیات فارسی خواند. وی پس از گذراندن دوره خبرنگاری، در سال ۱۳۷۴ با عنوان رابط خبرگزاری ایرنا وارد عرصه مطبوعات شد و هم‌زمان با نشریات صبح‌امروز (خبرنگار و سرپرست استان)، ایران، زن، بهار، حیات نو و دوران امروز همکاری نزدیک داشت. این نخستین زن خبرنگار استان، علاوه بر فعالیت‌های مطبوعاتی، از سال ۱۳۷۴ عضو کمیسیون بانوان استانداری و نیز کمیته فرهنگی و کمیته ژیمناستیک بانوان هم بوده و مدتی هم به‌تدریس در رشته خبرنگاری اشتغال داشت.



حیدری تفرشی، سیداحمد (۱۳۳۵ خ)، فرزند سیدرضا، پس از پایان تحصیلات، در

آموزش و پرورش استخدام شد و به عنوان دبیر پرورشی و هنر بیش از ۳۰ سال خدمت کرد. وی که مراحل تکمیلی خوشنویسی را از استاد عباس منظوری و استاد فتحعلی واشقانی فرا گرفته بود، علاوه بر آموزگاری در دیگر فعالیت‌های اجتماعی نیز فعال بود. او همچنین از



سال ۱۳۶۰ تا پایان جنگ به‌طور متناوب با عنوان خوشنویس در جبهه حضور می‌یافت. کتیبه‌نویسی ۱۶ نمازخانه و مسجد در تفرش و تألیف کتابی پژوهشی با موضوع انطباق نهج‌البلاغه با قرآن در کارنامه دارد (پیرهادی تواندشتی، ۱۳۹۲: ۹۰).

حیدری‌راد، حیدر (۱۳۵۴ خ)، فرزند اکبر، متولد اسلام‌آباد غرب و از سال ۱۳۷۵ ساکن

ساوه است. او در زمینه شعر سپید و داستان فعالیت دارد و تقدیر شده جشنواره جانباز در سال ۱۳۸۲ و جشنواره زنان روستایی عذرا در سال ۱۳۸۷ است. تاکنون سمفونی صلح، بابامیر، نقاب از چهره بگیر و چهارباغ بهشت گمشده و همچنین دو اثر مشترک به‌نام «رگ‌های روشن» و «ریوار» در زمینه شعر سپید را منتشر کرده است.



حیدری‌نوری، رضا (۱۳۲۷ خ)، متولد نورعلی‌بگ (ساوه)، تحصیلات ابتدایی را در روستا

و بخشی از دبیرستان را در ساوه و سپس در قم گذراند و به‌استخدام آموزش و پرورش درآمد و به‌تدریس پرداخت. او سپس در دانشگاه تهران زبان‌وادیات عرب و در واحد علوم و تحقیقات دکترای زبان‌وادیات فارسی گرفت. تدریس در دبیرستان، هنرستان، مراکز تربیت معلم و دانشگاه و نیز بیش از ۱۵ سال ریاست دانشگاه آزاد ساوه عمده سوابق شغلی این شاعر و سخنران است که اشعارش را صرفاً در محافل و مجالس می‌خواند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۴۴).



حیدری‌نیک، حسین (۱۳۵۵ خ)، فرزند اسمعیل و بانو سُرور، متولد اراک، دانشجوی

دکتری آسیب‌شناسی ورزشی و حرکات اصلاحی دانشگاه تهران، دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه و همچنین مؤلف دو عنوان کتاب «ورزش و معلولین»^۱ و «مقدمه‌ای بر حرکات اصلاحی نوین» و نیز انتشار بیش از ۲۵ مقاله پژوهشی در ژورنال‌های خارجی و کنفرانس‌های بین‌المللی و ملی و نیز انجام دو طرح پژوهشی. این نویسنده همچنین فوتبالیست تیم منتخب استان مرکزی در دهه ۷۰ بوده و مسوولیت‌های مختلفی در سطح شهرستان و استان در حوزه ورزش و سلامت داشته است.



۱. هفت‌بار تجدید چاپ

حیفی ساوجی (قرن ۱۰)، شاعر قرن دهم، در هندوستان و دربار جلال‌الدین اکبر می‌زیست و از نزدیکان ملک‌الشعرا فیضی بود و مدتی در گجرات با خواجه نظام‌الدین احمد مؤلف طبقات اکبری مصاحبت داشته است. این شاعر غزل را خوب می‌سرود و از او دیوانی برجای مانده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۴۷).

خ

خاتمی، فریا (۱۳۲۲ خ)، متولد اراک، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون که پس از پایان تحصیلات متوسطه و در نوزده سالگی با بازی در فیلم‌های تبلیغاتی، به‌عنوان سینماگر فعالیت هنری خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۴۲ با فیلم «دوستت دارم» وارد فعالیت حرفه‌ای شد. عترومتر، دزد سوم، باشرف‌ها، رضا موتوری، دختر کدخدا برخی از دهها فیلمی است که این هنرمند اراکی در آن ایفای نقش داشته است.



خاتونی ساوجی، حسین (۴۲۸-۵۳۰ خ)، مشهور به ابوطاهر خاتونی، ملقب به موفق‌الدین، موفق‌الدوله، شاعر، نویسنده، کاتب، تاریخ‌نگار و از بزرگان و دانشمندان نامدار دوره ملک‌شاه سلجوقی است که به فارسی و عربی و با تخلص «خاتونی»^۱ شعر می‌گفته است. تاریخ سلاجقه، رساله تنزیرالخنزیر، مناقب‌الشعرا و نیز شکارنامه ملک‌شاه از آثار اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۱).

خادم‌انجدانی، یعقوب (درگذشته ۱۲۳۷ خ)، فرزند میرزا محمدابراهیم، در ارتش عباس‌میرزا با سمت سلطانی به‌خدمت مشغول بود و در کسوت نویسنده، کتابی به‌نام «تاریخ نو» در شرح حال معاصرین خود نوشته که استاد دهگان در سال ۱۳۲۹ تلخیص و دو سال بعد به‌چاپ رسانده است. کتاب دیگر یعقوب‌خان «موش‌وگره» در موضوع پندونصیحت است. او در سلطان‌آباد (اراک) در دیوان‌خانه سپهرداری کارمند و صاحب‌نظر بود و زمانی که برای استقبال موکب نایب‌السلطنه به‌کاشان رفته بود، دختری از حسنعلی‌خان افشار ارومی را به همسری برگزید که همین زن، مادر فرزندش میرزا حسنعلی‌خان غفاری واعظ شهر عراق (اراک) است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۶۹).

خاقانی محلاتی، حبیب‌اله (زندگی ۱۲۷۵ خ)، مقلب به نیازالسلطین و متخلص به خاقانی، از خوشنویسان و شاعران دوره ناصری است که خانواده‌اش از فارس به محلات آمدند و در این شهر به‌تحصیل علوم و

^۱ حسین بن حیدر بن حسین ابوطاهر خاتونی از آن روی به خاتونی شهرت یافته که چندی متصدی امور گوهر خاتون، همسر محمدبن ملک‌شاه سلجوقی بوده است. وی کتابخانه ارزشمند خود را وقف مسجد جامع ساوه کرد که احتمالاً در حمله مغولان از میان رفته و بر این اساس وی را از اهالی ساوه می‌شناسند. ابوطاهر نزد بزرگانی مانند ابومظفر، محمد ابیوردی و ناصح‌الدین ارجانی کسب علم نمود. ادیبان و شاعران آن روزگار وی را ستایش کرده و او را با عنوان استادالموفق یاد کرده‌اند.

کمالات پرداخت و در اندک زمانی در نوشتن خط و سرودن شعر مشهور شد. وی در ابتدا تخلص حبیب بود ولی پس از اقامت در تهران و حضور در دربار، تخلص خاقان را انتخاب کرد و پس از گردآوری و تدوین دیوان ناصرالدین شاه لقب نیازالسلطین گرفت. برخی از آثار این هنرمند خوشنویس عبارتند از: کتابت خوشنویسی دیوان ناصرالدین شاه قاجار به خط نستعلیق تحریر شده در سال ۱۲۳۵ موجود در کتابخانه سلطنتی تهران و نیز کتابت دیوان نیازالسلطین که آن را در سال ۱۲۳۷ خوشنویسی کرده است (پیرهادی تواندشتی، ۱۳۹۲: ۹۱).

خاکباز، سیدحسین (۱۲۷۶ خ)، فرزند حاج آقا محسن، از شخصیت‌های برجسته اراک

و نماینده دوره‌های چهاردهم (۶ اسفند ۱۳۲۲ تا ۲۱ اسفند ۱۳۲۴)، پانزدهم (۲۵ تیر ۱۳۲۶ تا ۶ مرداد ۱۳۲۸) و شانزدهم (۲۰ بهمن ۱۳۲۸ تا ۲۹ بهمن ۱۳۳۰) مجلس شورای ملی بود. وی هم‌چنین رسیدگی به املاک و موقوفه خانوادگی را بر عهده داشت و خانه ارزشمندش واقع در ابتدای خیابان عباس‌آباد اراک با نام موزه مفاخر، پذیرای گردشگران مهذب و مشاهیر ایران است (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۳۸).



خاکی‌وفسی، ابوالقاسم (قرن ۱۳)، معروف به حاجی‌میرزا، فرزند محمدیوسف‌خان، اهل روستای وفس (کميجان)، شاعر و نویسنده متخلص به خاکی که اشعارش بازتاب اوضاع اجتماعی سیاسی روزگار بوده و دیوان شعری هم دارد که مربوط به دوره مشروطه است. ایشان به امور عمرانی و عام‌المنفعه علاقه‌مند بوده و پل رودخانه قره‌چای در محل تجربه یادگار اوست. «مرآت‌العارفین المسمی بشرح الوقایع» مهمترین اثر اوست (سمیعی، ۱۴۰۰: ۴۲۶).

خانجانی، ابوالفضل (۱۳۶۳ خ)، متولد روستای ریحان (خمین)، فرزند غلامرضا و بانو

اکرم، تحصیلاتش را در دبستان هدایت و راهنمایی جلال آل احمد روستای ریحان گذراند و وارد بازار کار شد و در مشاغل متعددی از کشاورزی و دامداری گرفته تا نانوائی، حمامی، قالبسازی، چاپ، میوه‌فروشی، شاگردی خودرو سنگین، نگهبانی و انبارداری را تجربه کرد. او پس از ازدواج و با یک فرزند در بزرگسالی ادامه تحصیل داد و به‌صورت شبانه از دبیرستان شهیدبهشتی خمین دیپلم و در دانشگاه پیام‌نور خمین هم مدیریت صنعتی خواند. این کارآفرین خمینی با همراهی دو نفر از بستگان، نخستین شرکت خود را در زمینه تولید و فروش انواع پرچم راه‌اندازی کرد و مسیر موفقیت‌هایش از سال ۱۳۹۰ آغاز شد و نخستین پروانه بهره‌برداری برای تولید پرچم در ایران، نخستین نشان استاندارد ملی، نخستین برند و نشان تجاری در زمینه تولید پرچم برای سه‌سال پیاپی، کارآفرین برتر سال‌های ۹۴، ۹۳، ۹۲، واحد نمونه صنعتی سال‌های ۹۴ و ۹۵، برند برتر صنعتی سال ۹۵ استان برخی از افتخارات اوست که با شرکت اول خود کسب کرد. او در سال ۱۳۹۶ شرکت جدید خود را در روستای محل تولد خود



ریحان با نام شرکت دیباپرچم خمین و بهره‌مندی از فن‌آوری پیشرفته صنعت چاپ تأسیس کرد و به عنوان کارآفرین برتر روستایی و بزرگترین مجموعه تولید پرچم در خاورمیانه بکار خود ادامه داد و این شرکت با ۱۲۴ نفر پرسنل مستقیم و بیش از ۳۰۰ نفر اشتغال غیرمستقیم هم‌چنان فعال است. او اکنون پدر سه فرزند است و دهیار روستای ریحان هم هست.

خانی، آریتا (۱۳۶۲ خ)، فرزند احمد و بانو فریده، متولد دیواندره و ساکن **ساوه** و نیز دانش‌آموخته دبستان آسیه، راهنمایی سرکار توکلی و دبیرستان عصمتیه و نویسنده چندین کتاب از جمله پندانه، قصه‌های پندآموز، دیار من و ژیرانه است. او هم‌چنین در مدارس و مراکز فرهنگی قصه‌گویی می‌کند.



خانی، پیام (۱۳۵۷ خ)، پس از دریافت دیپلم نقاشی از هنرستان شهید آوینی، تحصیلات خود را در رشته روابط عمومی در دانشگاه جامع علمی‌کاربردی فرهنگ‌و هنر **اراک** پی گرفت. او که پدرش از شاگردان استاد امیدوار بود به خوشنویسی علاقه‌مند شد و در سال ۱۳۷۳ با تشویق استاد شیعه‌نژاد تمریناتش را آغاز کرد و ابتدا درجه عالی گرفت و سپس دوره ممتاز و فوق‌ممتاز را هم با موفقیت گذراند. این هنرمند در نقاشی هم آثار زیبایی آفریده و با اینکه چپ دست است، ولی در هر دو هنر خوشنویسی و نقاشی سبک ویژه‌ای دارد و کلاس درسش پر رونق است.



خدابخشی، ابوالقاسم (۱۳۲۸ خ)، فرزند حسین، لیسانس ریاضی از دانشگاه **اراک** و کارمند بازنشسته تأمین اجتماعی و نوازنده خودآموخته سنتور که موسیقی را با بهره‌گیری از سبک استاد ورزنده فرا گرفته است. او هم‌چنین با هنرهای دیگری چون تنبک‌نوازی و نقاشی آشنایی دارد و عضو انجمن قائم‌مقام است (مجدی، ۱۳۸۴: ۸۰).



خداپنده‌آشتیانی، ناصر (۱۳۱۴ خ)، محقق و استاد برجسته دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران و از دانشوران و کارشناسان مراکز علمی و دانشگاهی کشور است که به‌عنوان دانشیار رشته زراعت و اصلاح نباتات دانشکده کشاورزی خدمت کرده است. این نویسنده دانشگاهی، در زمینه زراعت و کشاورزی صاحب تألیفات جامع و ارزنده‌ای می‌باشد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۹۰).

خراسانیان، مریم (۱۳۵۷ خ)، فرزند عبدالکریم و بانو قدسی، متولد خرمشهر و به‌واسطه این‌که از طرف مادر اراکی است، پس از تولد به‌همراه خانواده ساکن **اراک** شد و تحصیلاتش را در دبستان شهدای خیبر و راهنمایی کوثر و قدس گذراند و از دبیرستان حاج تقوی‌نژاد دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه پیام‌نور مدیریت جهانگردی خواند. «عطر کُناَر بوی شکلات» نخستین تجربه این نویسنده و فعال فرهنگی است.

خراطی ساوجی، محمد (۱۳۱۰-۱۳۹۹ خ)، فرزند علی اصغر، از دوران نوجوانی به سرودن شعر روی آورد و بدون این که مکتب و یا مدرسه دیده باشد، شعر می سرود و از این جهت او را شاعر امّی (مادرزادی) نامیده اند. خراطی در مدت عمر خویش نزدیک به ده هزار بیت شعر آیینی سروده و آثار ارزشمندی نظیر «گل پونه های شعر و ادب» در چندین مجلد از وی منتشر شده است. کسب رتبه برتر در همایش های ادبی/آیینی کشور از افتخارات این شاعر **ساوجی** است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۴۸).



خرسندی آشتیانی، محمدتقی (۱۳۲۹ خ)، فرزند میرزا سهراب و بانو هاجر، تحصیلات ابتدایی، سیکل و متوسطه را در **آشتیان** گذراند و از دبیرستان دارالفنون تهران دیپلم گرفت. او سپس دوره پزشکی عمومی را در دانشگاه فردوسی مشهد خواند و تحصیلات تخصصی را در رشته گوش و حلق و بینی در دانشگاه تهران و بیمارستان امیراعلم سپری کرد. عضویت هیأت مدیره جامعه جراحان ایران از سال ۱۳۸۲ تاکنون، عضو تحریریه مجله دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و چند سمت دیگر در زمینه پزشکی دارد و به عنوان **پدر** گوش و حلق و بینی کشور شناخته می شود^۱ (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۷۵).



خرقانی، سیداسداله (قرن...)، فرزند زین العابدین، اهل خرقان (**زرنديه**)، مردی وارسته و بزرگ که در روزگار سیدجمال الدین اسدآبادی و در نجف اشرف می زیسته و نویسنده کتابی است به نام «کشف الغوایه عن الكتاب المسمى بالهدایه» (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

خرقانی، محسن (درگذشته ۱۲۸۲ خ)، فرزند محمدتقی، اهل خرقان (**زرنديه**)، از شاگردان محمدهادی طهرانی، عالم دینی و نویسنده کتب «فتوی المجتهد و رجوعه عنه»، «رساله فی الغنا»، «فرق بین الفرق والصلح» و نیز «فوائد متفرقه» می باشد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۱۷).

خرقانی، محمد (قرن...)، فرزند ابراهیم بن منصور، اهل خرقان (**زرنديه**)، عالم دینی و از رجال و محدثین بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۱۸).

خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۲۴ خ)، نویسنده، مترجم، فیلسوف، روزنامه نگار، طنزپرداز، فرهنگ نویس، حافظ پژوه، شاعر و استاد دانشگاه از پدر و مادری اهل **زرنديه**، در قزوین متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا گذراند و ابتدا در رشته پزشکی پذیرفته شد، ولی این رشته را در سال سوم رها کرد و به تحصیل در ادبیات فارسی پرداخت. از استادان او سید منوچهر مرتضوی، ذبیح اله صفا، مهدی محقق، سیدجعفر شهیدی و پرویز ناتل خانلری را



۱. دکتر خرسندی معمولاً یک روز در آخر همراه را در آشتیان بیماران را به صورت رایگان ویزیت می کند.

می‌توان نام برد. او همچنین عضو هیأت علمی دانشنامه تشیع است (چراغی، ۱۳۹۵: ۵۷۸).

خرمشاهی، عباس (۱۲۷۰-۱۳۲۸ خ)، تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش الویر (زرنديه) گذراند و در زاویه ساکن شد. او علاوه بر مکتب‌داری با ورود به ارتش شاهنشاهی ایران، در امور دفتری نظام‌وظیفه مشغول بکار شد. این شاعر «سقاساوجی» تخلص می‌کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۳۱).



خرمشاهی، محمد (۱۳۰۰ خ)، در روستای دوزج از توابع خرقان (زرنديه) به دنیا آمده و در سن ۶ سالگی به همراه برادرش ساکن تهران شد و به کسب علم و دانش همت گماشت و از ۲۳ سالگی ذوق سرودن در او نمایان شد. او به سرایش اشعار جدی و فکاهی می‌پرداخت و با نام‌های مستعار گل‌مولا، درویش، شنگول و چند نام دیگر با مجله گل‌آقا، روشن‌فکر، امید ایران و تهران‌مصور همکاری داشت. از آثار منظوم این شاعر و خوشنویس می‌توان به شیخ‌شنگول، دنیای شادی، محصولات باغ گل‌مولا و دیوان خرم اشاره کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۵۲).

خرمی، حسام‌الدین (۱۳۱۲-۱۳۸۲ خ)، در **تفرش** به دنیا آمد و از سر شوق و علاقه به فرهنگ و تمدن سرزمین مادری، از همان کودکی به جمع‌آوری و احیای بسیاری از اسناد مکتوب و مطبوعات تاریخی اهتمام ورزید، به‌طوری‌که در سال ۱۳۷۶ به‌تنهایی با در اختیار قرار دادن گنجینه بزرگ آثار و اسناد تاریخی، روزنامه‌ها و نشریات خود، در پایه گذاری موزه ملی مطبوعات نقش ارزنده‌ای ایفا کرد. دکتر خرمی **پدر** گنجینه اسناد مکتوب معاصر ایران، در راه‌اندازی موزه اسناد کاخ صاحب‌قرانی، گردآوری اسناد ازدواج دوره قاجار، گردآوری و نمایش نشان و مدال‌های دولتی دوره قاجار، گردآوری و نمایش ۴۲ فرمان از پادشاهان دوران صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه و بسیاری اقدامات دیگر از این دست هم نقش‌آفرین بوده است.



خزاعی، احمد (۱۲۸۶-۱۳۳۲ خ)، فرزند محمدمیرزاخان و مادرش از نوادگان میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام است و در **اراک** به دنیا آمد. نیاکان او از بزرگان و مالکین سربند و جاپلق و پایگاه آنان روستای داود پیغمبر بود. آقامحمد خزاعی در زمان سلطنت محمدشاه قاجار به سلطان‌آباد مهاجرت کرد و چون در آن زمان حاج‌آقا میرزا محمود دومین پسر حاج آقا محسن تبعید شده بود، فرزند آقامحمد به نام ابوتراب‌خان در زمان حکمرانی شاه‌زاده عضدالسلطان از طرف حاج آقا محسن، متصدی امور املاک شد. احمدخان خزاعی آشنایی زیادی با ادبیات و فنون مختلف شعر، ادب و تاریخ ایران داشته و همین اطلاعات وسیع و دلبستگی شدید او به میهن سبب شد که در نهضت ملی ایران به‌رهبری دکتر مصدق شرکت فعال داشته و تمام سروده‌های این شاعر، وطنی و حماسی باشد (محتاط، ۱۳۷۲: ۴۷).

خزاعی، محمدمیرزا (۱۲۸۶ خ)، فرزند میرزا ابوتراب، شاعری است **اراک**ی که همه سروده‌هایش وطنی

و حماسی و مردی شایسته، کاردان، لایق و مورد احترام خاص و عام بود. او به‌علت آشنایی با زبان انگلیسی، در کمپانی زیگلر (قلعه حاج وکیل) استخدام شده و سرپرستی تولید و تجارت فرش را بر عهده داشت و همین آشنایی با کنسولگری و کمپانی زیگلر سبب شد که مرحوم میرزا محمدخان خزاعی در جنگ اول جهانی خدمات مهمی به شهر و مردم اراک نماید (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۳۰).

خزائلی، محمد (۱۲۹۳-۱۳۵۳ خ)، فرزند رضا، تحصیلات متوسطه را در مدرسه صمصامی اراک گذراند ولی نایب‌بازی‌اش، مانع از شرکت وی در امتحانات کتبی شد تا این که آقای شکبیا رئیس فرهنگ وقت تربیتی داد که او بتواند با کمک منشی امتحان بدهد. آن‌گاه به تهران رفت و در کنکور دانشگاه قبول شد. ایشان در سال ۱۳۲۴ موفق به



اخذ درجه لیسانس با رتبه نخست از دانشکده الهیات دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۱ به‌استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمد. این دانشمند کهرودی، در سال ۱۳۲۵ از دانشکده حقوق و در سال ۱۳۲۹ از دانشکده ادبیات لیسانس گرفت. وی در سال ۱۳۳۲ در رشته ادبیات فارسی و سال ۱۳۳۶ هم در رشته قضایی از دانشگاه تهران دکترا گرفت. محمد خزائلی که به زبان عربی، فرانسه و انگلیسی مسلط و به آلمانی هم آشنا بود، ابتدا در گلپایگان و خمین و سپس در اراک به تدریس پرداخت و از دست حکمت وزیر فرهنگ وقت، نشان درجه یک علمی دریافت کرد. ایشان در سال ۱۳۱۱ آموزشگاه خزائلی را در اراک و سپس در تهران بنیاد نهاد. بنیان نخستین مدرسه شبانه در ایران، حافظ قرآن، عضو کمیته نایب‌نایان خاورمیانه، عضو سازمان جهانی رفاه نایب‌نایان، نماینده مجلس و استادی دانشگاه برخی از افتخارات این نابغه ملی است و در مدت ۶۲ سال زندگی، ۳۹ عنوان کتاب نوشت که اغلب آن‌ها در دانشگاه‌ها و مدارس علمیه تدریس می‌شود (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۱).

خسروانی، امیرھوشنگ (۱۲۹۸ خ)، شاعری که ابتدا «خسروانی» و سپس «امیر» تخلص می‌کرد، تحصیلات ابتدایی را در **محلات** و متوسطه را در دارالفنون و مدارس علمیه سپری کرد. او سپس دوره مدرسه عالی پست، تلگراف و تلفن را گذراند و به خدمت این وزارتخانه درآمد. آثار این شاعر در مجلات ادبی منتشر می‌شد و بخشی از اشعارش نیز به نام «گلستان عشق» در قم به چاپ رسید (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۳۵). **خسروانی، پرویز** (۱۳۰۱-۱۳۹۴ خ)، فرزند آقاهاشم **محلاتی**، پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۳۱۹ وارد دانشکده افسری شد. او در زمان انقلاب به ترکیه و سپس اسپانیا رفت و در آنجا ساکن شد. سپهبد پرویز خسروانی مدیر باشگاه تاج و آجودان مخصوص محمدرضاشاه هم بود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۳۲).

خسروانی، خسرو (۱۲۹۳ خ)، زاده **محلات**، پس از پایان تحصیلات متوسطه، از دانشگاه بیرمنگام انگلیس در رشته زمین‌شناسی دکترا گرفت. او در سال ۱۲۱۹ به ایران بازگشت و در وزارت پیشه‌و هنر مشغول بکار شد و بعدها به وزارت خارجه منتقل و سپس به‌عنوان دبیر اول سفارت ایران در ایالات متحده انتخاب

شد. او همچنین به عنوان دبیر اول ایران در سازمان ملل متحد منصوب و در دوران مصدق عهده دار معاونت وزارت اقتصاد ملی شد. دکتر خسروانی در سال ۱۳۳۲ به عنوان نماینده ایران در سازمان ملل و سپس سرکنسول ایران در هامبورگ انجام وظیفه کرد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۸۳).

خسروانی، شهاب (۱۲۸۰-۱۳۵۸ خ)، فرزند آقاهاشم محلاتی، در پایان دوره قاجار با خانواده به تهران رفت و تحصیلاتش را در مدرسه اقدسیه، دارالفنون و نیز مدرسه آلیانس گذراند و جذب حزب سوسیالیست^۱ شد. او سپس در دفتر مستشاران بلژیکی مشغول بکار شده و بعد از مدتی کناره گیری کرد و شرکت ساختمانی تأسیس کرد. او همچنین فعالیت های اجتماعی را ادامه داد و هفته نامه افکار ایران را منتشر کرد و در زمان قوام السلطنه، به عنوان نماینده محلات وارد دوره ۱۵ مجلس شورای ملی شد و در این دوره، محلات که از توابع قم بود را به استان مرکز ملحق کرد. احداث بیمارستان، ساخت خیابان های وسیع، ورزشگاه بزرگ شهر و تعریض خیابان بین محلات علیا و سفلی از خدمات اوست (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۳۲).

خسروانی، عطاءاله (۱۲۹۸ خ)، در محلات به دنیا آمد و لیسانس علوم اجتماعی از فرانسه دریافت کرد. او مهمترین فرد خاندان خسروانی است که صاحب پست های مختلف سیاسی از جمله وزیر کار در سه کابینه، وزیر کشور و همچنین رئیس حزب نوین ایران بوده است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۷۸).

خسروانی، مرتضی (۱۲۸۴ خ)، پس از تحصیلات مقدماتی در محلات، وارد دانشکده افسری شد و برای فراگرفتن دوره هواپیمایی به فرانسه، ایتالیا و انگلیس رفت. او در سال ۱۳۳۰ با درجه سرهنگی رئیس رکن یکم و چهارم ستاد نیروی هوایی شد و در سال ۱۳۳۴ به فرماندهی تیپ مقدماتی با درجه سرتیپی و سپس به فرماندهی تیپ فنی منصوب شد. وی پس از مدتی معاون نیروی دریایی کشور و در سال ۱۳۳۸ به درجه سرلشکری ارتقا یافت و دو سال بعد، ریاست دادرسی ارتش را عهده دار شد و در سال ۱۳۴۲ مفتخر به دریافت درجه سپهبدی شد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۸۱).

خسروانی، نعمتاله (۱۲۷۰ خ)، فرزند حاج احمد (محاسب الدیوان)، تحصیلات خود را در محلات و اصفهان گذراند و به عنوان کارمند وزارت دادگستری و نیز وزارت کشور مشغول بکار شد و در سال ۱۳۳۲ بازنشست شد. اشعار این شاعر عضو انجمن ادبی شیدا، در نشریات زمان از جمله مجله ارمغان چاپ می شد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۳۵).

خسروخانی، مریم (۱۳۵۴ خ)، فرزند غریب و بانو نرگس، متولد آشتیان، تحصیلاتش را در دبستان بنت الهدی و راهنمایی زینبیه کردیجان گذراند و از دبیرستان محبوبه دانش دیپلم گرفت. از این مترجم، کارآفرین و دانش آموخته رشته ارتباطات سازمانی از دانشگاه



^۱. مرکز تجمع آنها در خانه اخیال الدوله بود.

یوپی‌ام مالزی در مقطع ارشد، دو اثر ترجمه با عناوین «می‌توانی اگر بخواهی» و «پنج حرکت جلوتر؛ تسلط بر هنر استراتژی کسب‌وکار» به‌چاپ رسیده است. علاوه بر این، مشارکت در گردآوری و ویرایش مجموعه مقالات کنفرانس DCHPC2022 و DCHPC2018 را در کارنامه دارد. ضمن اینکه ایشان یکی از مؤسسين کنفرانس بین‌المللی DCHPC2018 بوده و در حال حاضر به‌عنوان مؤسس، مدیر و مدرس آموزشگاه زبان‌های خارجی ایران‌زمین اشتغال دارد. مدیریت اجرایی مجله محاسبات و سامانه‌های توزیع شده که زیر نظر انجمن انفورماتیک ایران اداره می‌شود هم بر عهده اوست.

خسروی، ابوالفضل (۱۳۶۵ خ)، فرزند محمد نبی و بانو مرحمت، تحصیلاتش را در

دیستان بعثت و راهنمایی دستغیب اراک گذراند و از دبیرستان حاج عسگری دیپلم گرفت. او سپس کارشناسی خود را در رشته مهندسی برق- الکترونیک دانشگاه آزاد اراک و ارشد MBA از دانشگاه آزاد تهران دریافت نمود و اکنون هم‌اکنون در مقطع



دکتری در حال ادامه تحصیل است. خلاقیت وی که از کودکی بروز یافته بود، در سال سوم متوسطه شکوفا شد و توانست نخستین اختراع خود را ثبت و به‌عنوان برگزیده جشنواره جوان خوارزمی مورد تقدیر قرار گیرد. مقام دوم و نشان نقره کلاس M جراحی مسابقات بین‌المللی اختراعات (سوئیس)، نشان لیاقت مسابقات بین‌المللی اختراعات (مالزی)، نشان ارشمیدس مسابقات بین‌المللی اختراعات (روسیه)، نشان مسابقات بین‌المللی (آلمان) و برگزیده چندین دوره جشنواره خوارزمی، جوان نمونه کشور در ۳ دوره متوالی، کسب عنوان پژوهشگر برگزیده کشور در ۴ سال مختلف، سرپرست تیم طراحی و ساخت نخستین خودروی برقی و هیبرید دانشگاه‌های ایران و طراحی سه پروژه موفق پژوهش‌محور در درمان و حوزه پزشکی و سایر فعالیتهای پژوهشی برخی از افتخارات اوست

خسروی، امید (۱۳۶۲ خ)، فرزند صادق و بانو پروین، اهل خمین و دانش‌آموخته حقوق دانشگاه گلیپایگان و نویسنده کتاب‌های «ساعت ۵ عصر»، «گریه‌های صورتی»، «دل‌تنگی‌های بی‌پاسپورت»، «مهره‌های سفید»، «ایستگاه آخر»، «خانه هنوز سیاه است» و کتابی با موضوع حقوق با نام «طرحی برای اشیای گم شده» می‌باشد.

خسروی، سودابه (۱۳۴۵ خ)، دانش‌آموخته عکاسی از دانشگاه تهران و زیر نظر جلال

معیریان فعالیت حرفه‌ای خود را در رشته چهره‌پردازی آغاز کرد. نامزد سیمرغ بلورین بهترین چهره‌پردازی از بیست‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر برای فیلم شوریده، نامزد سیمرغ بلورین بهترین چهره‌پردازی از بیست‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر برای فیلم شبانه‌روز، نامزد سیمرغ بلورین بهترین چهره‌پردازی از سی‌ودومین دوره جشنواره فیلم فجر برای فیلم شیار ۱۴۳، برنده جایزه



تندیس زرین بهترین چهره‌پردازی از چهاردهمین دوره جشن بزرگ سینمای ایران برای فیلم سینمایی شبانه‌روز، بخشی از افتخارات این عکاس و چهره‌پرداز برجسته **اراکي** است.

خشایار، حسین (۱۳۱۲-۱۳۴۱ خ)، مشهور به علیمیرزایی، فرزند میرزا محمد و بانو



فاطمه، پس از تحصیلات در **تفرش** و تهران، با رتبه عالی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران دانش‌آموخته شد. او که در جراحی دانشجوی ممتاز پروفیسور عدل بود، مدتی ریاست بیمارستان گندی‌شاپور اهواز را داشت. بنابر وصیت این نیکوکار و به‌همت مادر و نظارت برادرش دکتر علی، بنای هنرستان فنی بسیار مجهزی به نام دکتر حسین خشایار (علیمیرزایی) در تفرش نهاده شد و در سال ۱۳۴۵ به بهره‌برداری رسید، که مدتی هم به‌عنوان دانشگاه پرفیسور حسابی تفرش مورد استفاده قرار گرفت (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۲۵).

خطاطارموی، محمود (قرن ۱۳)، فرزند میرزا حسین **آشتیانی** ساکن ارومیه و از خوشنویسان برجسته قرن ۱۳ بوده که رمز و راز خوشنویسی را از پدر دانشمندش آموخته و علاوه بر خوشنویسی در هنر موسیقی هم استاد و صاحب‌نظر بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۶۴).

خطاط تفرشی، محسن (زندگی ۱۰۹۵ خ)، از خوشنویسان قرن دوازدهم هجری است. وی که در سال ۱۰۹۵ در قید حیات بوده، خط نستعلیق می‌نوشت و از شاگردان محمدصالح اصفهانی صاحب تذکره خطاطان بوده است.

خطاط ساوجی، عزالدین (زندگی ۷۳۰ خ)، از خوشنویسان قرن هشتم است و حدود سال‌های ۶۷۰ تا ۷۳۰ می‌زیست. از آثار او یک نسخه قرآن رحلی عظیم در بقعه مولوی در شهر قونیه موجود است که به گفته دکتر مهدی بیانی، این قرآن با قلم چهاردانگ جلی و به‌خط نسخ ثلث و ریحان خوشنویسی شده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۹۳).

خلج، عبدالله (۱۲۸۹ خ)، از اهالی **ساوه** است که مجموعه‌ای به نام «دیوان خلج» دارد و هم‌چنین بنا به دستور این شاعر، محمدابراهیم خرقانی (بهرام) کتاب «اصول دین و عبادات» را نوشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۵۷).

خلج، علی‌اکبر (درگذشته ۱۲۶۵ خ)، فرزند تقی‌بیگ، متولد روستای جمالک نوبران (**ساوه**) و دارای اصالت خرقانی است. این شاعر و عارف بلندپایه زرداری و از مریدان صفی‌علیشاه اشعاری به‌زبان ترکی و فارسی سروده و «قدسی» تلخیص می‌کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۶۰).

^۱ چون ساکن ارومیه بوده به ارموی معروف است.

خلج اسعدی، مرتضی (۱۳۳۱-۱۳۷۵ خ)، فرزند حسین الویری (زرنديه)، پس از تحصیلات مقدماتی در تهران، دیپلم ریاضی گرفت و مهرماه ۱۳۴۹ در رشته اقتصاد بین الملل مدرسه عالی بازرگانی تهران پذیرفته شد. او ضمن ادامه تحصیل در همین رشته موفق به دریافت کارشناسی ارشد شد و رساله‌ای با عنوان بررسی روابط بازرگانی ایران با کشورهای عرب خاورمیانه در دهه ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۴ ارائه داد که بعدها در قالب کتابی منتشر شد. او اگر چه پژوهشگر بسیار فعالی بود و آثار زیادی در قالب مقاله و کتاب منتشر کرد و در دانشگاه تهران هم تدریس داشت و از سال ۱۳۵۹ با دایره‌المعارف جهان اسلام، کیهان فرهنگی، نامه فرهنگ، حکمت و در ادامه دایره‌المعارف تشیع و دانشنامه جهان اسلام در قالب تألیف و ترجمه همکاری مستمری داشت، ولی دکترای خود را در سال ۱۳۷۱ در رشته تاریخ تمدن ملل اسلامی دریافت کرد و علاوه بر این دهها عنوان کتاب هم در کارنامه دارد (چراغی، ۱۳۹۵: ۵۸۳).

خلج امیرحسینی، آزیتا (۱۳۴۹ خ)، فرزند خسرو، اهل ویدر خرقان (زرنديه)، دکترای بیولوژی گیاه شناسی از دانشگاه علوم طبیعی یوستوس آلمان و مترجم کتاب «روانشناسی کودک» و مؤلف کتاب «درمان بیماری‌ها با گیاهان دارویی» است (چراغی، ۱۳۹۵: ۵۸۷).

خلج امیرحسینی، آناهیتا (۱۳۵۲ خ)، فرزند خسرو، اهل ویدر خرقان (زرنديه)، فوق‌لیسانس آمار و بیمه و نیز مؤلف کتاب «بزه در زنان»، روزنامه‌نگار و هم‌چنین صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول مجله اقتصاد و بیمه (چراغی، ۱۳۹۵: ۵۹۰).

خلج بابایی، ایراندخت (۱۳۳۱ خ)، فرزند وهب ادیب، اهل روستای سیلجرد (ساوه)،

پیش از رفتن به مدرسه خواندن را از پدرش آموخت. او در کلاس پنجم کتاب «کلبه عموحسن» را نوشت. این شاعر خوش‌قریحه پس از دیپلم به‌عنوان آموزگار مشغول تدریس شد و هم‌زمان فوق‌دیپلم گرفت. وی در شعر «مهتاب» تخلص می‌کند و برخی از اشعارش در مراسم عزیه خوانده می‌شود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۵۶).



خلج خرقانی، محمدابراهیم (قرن ۱۳)، فرزند بهرام، اهل زرنديه، از دانشمندان سده سیزدهم و نویسنده کتاب «اصول دین و عبادات» به درخواست عبداله‌خان خلج و نیز مؤلف کتاب «منهج‌المهمات» می‌باشد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

خلجستانی آشتیانی، عبدالله (قرن ۱۳)، متخلص به «نامی» از شعرای قرن سیزدهم است که در کسوت هنرمند خوشنویس از خط خوشی برخوردار بوده و برخی از اشعار این شاعر در مجمع‌الفصحا ذکر شده است. او در زمان حکومت محمدشاه قاجار به تهران رفت و در زمره منشیان دربار قرار گرفت و نگارش روزنامه «دولت علیه ایران» را به‌عنوان نخستین سردبیر رسمی کشور عهده‌دار شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۳).

خلجی، محمد (۱۳۱۲ خ)، فرزند جواد و بانو معصومه، در خانواده‌ای اهل خلیج و مالمیر (شازند) در تهران زاده شد و تحصیلاتش را در مدرسه صائب گذراند و از دبیرستان شبانه دیپلم گرفت. او سپس وارد دانشکده پلیس شد و پس از دانش‌آموختگی از این دانشکده به درجه ستوان‌دومی رسید و پیش از انقلاب ۱۳۵۷ به اراک آمد. این نظامی خوشنام بواسطه شجاعت و اقتداری که داشت به‌زودی به‌عنوان ریاست کلانتری انتخاب شد و این عنوان در هر چهار کلانتری آن روز اراک تکرار شد و در سال ۱۳۵۷ و تنها سه روز پس از انقلاب به ریاست شهربانی استان انتخاب شد و حدود دو سال در این سمت بود. آئین نکوداشت سرهنگ خلجی در فروردین‌ماه ۱۳۹۸ در سرای فرزندگان اراک برگزار و افتخار اجرای آن را داشتیم.



خلوتی‌محلاتی، محمدابراهیم (۱۳۱۴ خ)، فرزند میرزا احمد، شاعر متخلص به «خلوتی» و ملقب به صدیق خلوت و معروف به چرتی^۱ است که از آثار او می‌توان به «آداب ناصری» و نیز «مجموعه البلاغه» و «دیوان اشعار» اشاره کرد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۲۷).

خلیل‌زاده، امیرحسین (۱۳۶۲ خ)، فرزند محمدرضا، تحصیلاتش را در مدرسه سوم شعبان و نمونه مردمی یعقوب زاده ساوه گذراند و در کنار تحصیل به روزنامه‌نگاری و نوشتن روی آورد. او ابتدا در رشته کامپیوتر و پس از آن در رشته سینما، مدرک کارشناسی گرفت و سپس تحصیلاتش را در زمینه بیولوژی و پزشکی هومیوپاتی^۲ ادامه داد که از منظر فلسفی و نگرش، تأثیرات اساسی در دیدگاه و آثارش داشته است. ایشان که با تحصیل در انجمن سینمای جوانان ایران، نخستین فیلم کوتاه خود را در ۱۸ سالگی ساخته، به‌عنوان پژوهشگر و نویسنده سینمای مستند، از سال ۱۳۸۵ فعالیت جدی خود را آغاز و تا سال ۱۴۰۰ به‌عنوان تهیه‌کننده، کارگردان و نویسنده‌ی مجموعه‌های نمایشی و مستند به‌سفارش تلویزیون و سازمان‌های فرهنگی، یکی از فعال‌ترین مستندسازان کشور شد. مجموعه یک لقمه نان، حدیث سرو (نخودکی)، قصه رسیدن، قصه به‌هم رسیدن، قصه باهم بودن، کرونا برای زندگی، پولیس پولیس، ننه‌آقا متخصص، ننه مخمل، روزمره‌های ایرانی، شیخ محمد خیابانی و شیخ‌پهایی بخشی از آثار تصویری هنرمندی است که به‌عنوان ایده‌پرداز، کارگردان، مشاور کارگردان و مسوول تحقیق و توسعه استودیو نوین، یکی از پیشگامان تولید رئالیتی‌شو در ایران مشهور است. داستان‌نویسی مدرن، شعر، فشن و عطرسازی هم از علاقمندی‌های شخصی اوست.



۱. چون در موقع شطرنج بازی با ناصرالدین‌شاه چرت می‌زد، شاه کلمه چرتی را مکرر بکار می‌برد.

۲. همانند بیماری و به تعبیری دیگر درمان با همانند، یا درمان بدست عامل همانند بیماری است (نقطه مقابل درمان به ضد). مهم‌ترین ویژگی این روش درمانی نگرش کلی به انسان از دید جسمی، روانی و احساسی است.

خلیلی، عباس (۱۳۲۰ خ)، با اخذ دیپلم در **اراک**، به‌عنوان ناظم و دبیر در سازمان فرهنگی

هاشمی تهران مشغول بکار شد و در سال ۱۳۵۹ به‌عنوان معاون مدیرکل ثبت احوال استان مرکزی منصوب شد و سپس در سال ۱۳۵۶ ضمن دریافت لیسانس زبان‌وادبیات فارسی از دانشگاه اراک، ریاست ثبت احوال گچساران و سپس ملایر را عهده‌دار شد. این شاعر خوش قریحه که در سال ۱۳۶۹ بازنشست شد، در شعر «رها» تخلص می‌کرد (مجدی، ۱۳۸۴: ۲۱۷).



خلیلی، علیرضا (۱۳۲۹ خ)، فرزند غلامرضا، متولد **اراک**، دارای مهندسی برق از دانشگاه

مازندران است. وی بیش از ۲۵ سال سابقه تدریس دروس تخصصی برق و الکترونیک در مراکز فنی/حرفه‌ای و دانشگاهی و همچنین حدود ۴۰ سال سابقه فعالیت خدماتی و تولیدی دارد. این کارآفرین برجسته، همچنین مؤلف ۱۰ عنوان کتاب و جزوات تخصصی در زمینه برق و الکترونیک می‌باشد. وی مدیرعامل شرکت نیروساز اراک از بدو تأسیس از سال ۱۳۶۹ تاکنون است که در زمینه طراحی و تولید کابل‌های مورد استفاده در صنعت خودرو فعالیت می‌کند.



خلیلی عراقی، محسن (۱۳۰۸ خ)، کارآفرین، پیشکسوت صنعت گاز مایع در ایران و

مؤسس تشکلهای صنعتی و عضو هیأت امنای سازمان تأمین اجتماعی، عضو اتاق بازرگانی تهران، از خانواده‌ای **اراک**ی در تهران زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شاهپور تجریش و دوره دوم متوسطه را در دبیرستان ایرانشهر و البرز گذراند و در دانشگاه تهران الکترومکانیک خواند. او پس از دانش‌آموختگی به‌همراه پدرش محمود خلیلی که او نیز از صنعتگران نامدار و بنیان‌گذار برق نوین کشور بود، برای یک سفر مطالعاتی به اروپا و آمریکا رفت. این کارآفرین برجسته، پس از بازگشت به ایران شرکت بوتان را به اتفاق پدر و برادرش به‌ثبت رساند و در سال ۱۳۳۳، نخستین نسل از محصولات گاز سوز ایران را تولید کرد. پس از انقلاب ۱۳۵۷ که جو حاکم علیه سرمایه‌دارها بود، حکم مصادره بوتان نیز صادر شد ولی خلیلی توانست پس از حضور در ۲۵۴ جلسه دادگاه، بوتان را از مصادره نجات دهد.



خمجانی‌فراهانی، احمد (۱۳۲۹ خ)، فرزند اسماعیل و بانو معصومه، تحصیلاتش را در

دبستان فرزین و امیرکبیر **اراک** گذراند و از دبیرستان محمدرضا شاه دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه اصفهان تاریخ خواند و از دانشگاه امام خمینی تهران فوق لیسانس تاریخ گرفت. این کنشگر سیاسی با ۹۰۰ روز زندان در دوره پهلوی، دبیر تاریخ دبیرستان های اراک، شاعر و فعال مدنی مجموعه اشعار چاپ شده‌ای با نام «آتشفشان خاموش» دارد و هم‌چنان به‌عنوان یک چهره فرهنگی در نشست‌های اراک به‌صورت فعال حضور می‌یابد.



خندابی، ابراهیم (۱۲۴۱ خ)، از روحانیون نامدار **خنداب** و حافظ کل قرآن بود و از هنر خطاطی هم بهره داشت و نمونه خط این عالم دینی و خوشنویس در امامزاده دیزآباد موجود است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۹۴).
خندابی، آقامحمد (قرن ۱۳)، اهل **خنداب**، تحصیلات دینی خود را در اصفهان و نجف گذراند. این شاگرد آیتاله حائری یزدی، منشأ خدمات دینی فراوانی در منطقه خنداب بود و از هنر خطاطی نیز بهره‌مند بوده و قرآن مجید را با خط زیبایی خود کتابت کرده است.

خندابی، صدرالعلما (قرن...)، در بخش چَرّأ (**خنداب**) به دنیا آمد و در همان‌جا تحصیلات مقدماتی را فرا گرفت. شهرت این مرد فاضل در هنر خوش‌نویسی بوده که در خط نسخ و نستعلیق مهارت داشته و هم اکنون چند قرآن در زادگاهش با خط خوش او به یادگار مانده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۰۰).

خوانساری، محمدابراهیم (۱۲۳۲-۱۲۹۷ خ)، فرزند علی اکبر، از بازرگانان معروف ایران در دوره قاجار و نیکوکاری که آثار زیادی از خود به یادگار نهاده است. حوزه علمیه اراک (مسجد حاج مدبراهیم) و بزرگترین حمام ایران با نام چهارفصل که نخستین و تنها حمام دارای بخش ویژه اقلیت‌های دینی است که امروز به عنوان موزه پذیرای گردشگران است نتیجه ذهن روشن ایشان است آیات عظام حائری یزدی و اراکی دامادهای او هستند (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۱).

خوانساری، محمدحسن (درگذشته ۱۳۱۱ خ)، از بازرگانان سرشناس و روشنفکر **اراک** و عضو انجمن آدمیت و مشروطه‌خواه بود. این مرد نیکوکار در آبادانی اراک کوشا بود و در همراهی با دکتر شیخ، زمین وسیعی خریداری کرد و نخستین خیابان خارج از بافت تاریخی اراک با نام خوانساری‌ها را ساخت و ساختمان‌های زیبایی در دو طرف خیابان احداث کرد که به ادارات شهر تبدیل شد و امروز با نام خیابان مخابرات شناخته می‌شود (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۳).

خوش‌الحان، کریم (۱۳۲۴-۱۳۹۹ خ)، نوازنده و مدرس ویولن، زاده اراک نبوده ولی بیش از ۵۰ سال ساکن **اراک** بود. او برای نخستین بار پس از انقلاب به همراه آقایان ربیعی، خوش‌آواز، مهدی صفری و محمدی در دانشگاه اراک، برنامه موسیقی اجرا کرد. وحید کشاورز و مهدی عبدلی از شاگردان شاخص استاد خوش‌الحان هستند.

خوش‌آواز، غلامرضا (۱۳۳۹ خ)، متولد آذرشهر و ساکن **اراک**، خواننده و مدرس آواز و تربیت یافته مکتب استادان اسداله ملک، شاپور رحیمی، حمیدرضا نوربخش، محمدرضا شجریان، عبدالله خان دوامی، حسن کسایی، محمود کریمی و رضوی سروسرستانی است. او هم‌چنین عضو برجسته کانون خوانندگان موسیقی ملی ایران و نخستین مدرس رسمی آواز استان می‌باشد. وی به عنوان سینماگر، بازی در سریال راز پدر و فیلم‌های داستانی بارانی، سفر به رویاها و شب شیشه‌ای را در کارنامه دارد.



خیاط‌باشی، حسن (۱۳۲۵ خ)، اهل **فراهان**، بازیگر، تهیه‌کننده و کارگردان ایرانی که پیش از انقلاب در رادیو و تلویزیون ملی ایران فعالیت داشت و در برنامه طنز «شبکه صفر» نقش مهندس بیلی را داشت و بازیگر نمایش مشهور «پهلوان اکبر می میرد» هم بود. این سینماگر مشهور در دنیای موسیقی هم به‌عنوان خواننده فعالیت داشته و آهنگ «دل من» ساخته محمد حیدری از بهترین آثار اوست که بعدها با کمی تغییر توسط داریوش خوانده شد.



د

دارابی، محمد (۱۳۷۲-۱۳۷۲ خ)، فرزند علی آقاخان، متولد وفس (**کمیجان**) و از افراد مورد اعتماد بوده و نیز مردی فاضل، خوشنویس و آگاه به طب سنتی که با استفاده از خواص گیاهان داروئی بیمارهای مردم را درمان می‌کرد. او همچنین اطلاعات زیادی در مورد پیشینه وفس داشته و در گردآوری واژه‌های وفسی به استاد فرجاله بیش که در حدود سال ۱۳۱۳ مدیر مدرسه رودکی وفس بود کمک بسیاری نمود. وی همچنین دستی بر صنعت ساعت‌سازی داشت و در سفری به سوئیس با این صنعت آشنا شد (سمیعی، ۱۴۰۰: ۴۲۶).



دارابی‌منش، اسماعیل (۱۳۳۴ خ)، فرزند محمدابراهیم و بانو فاطمه، تحصیلات مقدماتی را در دبستان خیام، راهنمایی کوروش و دبیرستان محمدرضاشاه گذراند و پس از دریافت دیپلم ادبیات، در آموزش و پرورش **اراک** استخدام شد. این هنرمند خوشنویس و دارنده مدرک استادی خط نستعلیق از انجمن خوشنویسان ایران، دارای ۹ اثر تألیفی است و تاکنون بیش از ۲۰ نمایشگاه انفرادی داخلی و ۳ نمایشگاه در کشورهای امارات و دوبار هم در افغانستان برگزار کرده است.



داعی، خلیل (۱۳۰۰-۱۳۸۴ خ)، از فرهنگیان اصیل متولد **اراک**، در سال ۱۳۸۰ با فروش منزل مسکونی و ویلای خویش، صندوق وام شرافتی را بنیاد نهاد که ماهانه به ۱۰ نفر دانشجوی کارشناسی‌ارشد و دکترای اهل اراک در رشته‌های فنی/مهندسی و البته نیازمند، وام پرداخت می‌کند تا پس از پایان دوران تحصیل باز پرداخت گردد و اقدام ارزنده این نیکوکار فرهنگی هم‌چنان جاری است.



داعی‌انجدانی (زندگی ۱۲۰۰ خ)، فرزند تاج‌الدین، اهل روستای انجدان (**اراک**)، رساله التصریف‌العزی با موضوع صرف، به‌زبان عربی و به‌تاریخ ۱۴ بهمن ۱۲۰۰ و نیز رساله مراح‌الارواح در موضوع صرف و فوائد الصمدیه در موضوع نحو هر دو را به‌عربی کتابت کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۸۹).

داعی آوی غروی، سیدرضی الدین (درگذشته ۶۳۴ خ)، فرزند محمدبن زین العابدین، اهل ساوه، عالم دینی و از محدثین قرن هفتم است که در فقه، تفسیر، ادبیات عرب، حدیث و رجال مهارت داشته و در برخی سفرها با سیدبن طاووس مأنوس بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۷۸).

دالایی، اسداله (۱۲۵۶-۱۳۱۱ خ)، فرزند حاج محمدباقر، اهل خمین، در جنگ جهانی اول و جنگ پارتیزانی با روس‌ها رشادت‌های زیادی از خود نشان داد. سرهنگ اسداله‌خان، معاون نایب بوده و برای سرکوب اشراغ‌فیروزآباد فارس، به مدت دو سال انجام وظیفه کرد و در زمان احمدشاه قاجار به اسدالسلطان ملقب شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۹۳).



دالایی، محمدتقی (۱۲۷۸-۱۳۴۷ خ)، فرزند عباس‌خان سرتیپ، اهل خمین، خوشنویس، شاعر و نقاش بوده و با سید پریشان مراوده داشته است. کتیبه سلسله‌الذهب در ولایت حضرت علی و طرح‌هایی که روی چوب نقش بسته از آثار اوست. وی با سیدعلی دانش، شاعر و نویسنده و اسداله صابری شهردار شاعر خمین، دوست و همراه بوده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۸۱).



دالایی، یداله (۱۲۹۴ خ)، فرزند سرهنگ اسداله‌خان (اسدالسلطان)، اهل خمین، علاقه‌مند به شعر، نویسنده و صاحب‌نظر در آواز و موسیقی سنتی ایران بوده و زندگی خویش را به‌رشته تحریر درآورده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۷۲).



دالن، اشک (۱۳۵۱ خ)، در خردسالی توسط آموزگاری، تحویل پرورشگاه نارمک شد و چون زیاد گریه می‌کرد، «اشک» نامیده شد. هفت‌ماه بعد، زن‌وشوهری سوئدی او را به فرزندخواندگی پذیرفتند و با خود به سوئد بردند. او دکتری خود را در سال ۲۰۰۲م از دانشگاه اوپسالا با ارائه پایان‌نامه‌ای درباره مباحث هرمنوتیک و معرفت‌شناسی اسلامی در ایران معاصر دریافت کرد و طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۲ دانشیار زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه اسلو نروژ بود و پیش از آن نیز کرسی استادیاری دانشگاه استکهلم را داشت. کتب «دستور زبان فارسی» و «زبان فارسی برای نوآموزان» و نیز ترجمه اشعار مولوی، حافظ، لمعات فخرالدین عراقی و چهارمقاله نظامی عروضی به‌زبان سوئدی از آثار این نویسنده **تفرشی** است. اشک دالن، بنیادگذار «انجمن ایران‌شناسی اسکاندیناوی» و عضو «شورای مؤسسه پژوهشی سوئد» در استانبول است.^۱ مانا آقایی همسر ایرانی وی هم شاعر و مترجم است (گفتگو اینستاگرامی - بهار ۱۳۹۷).



^۱ مجموعه تلویزیونی «سفرسبز» به کارگردانی محمدحسین لطیفی، از داستان زندگی اشک دالن الهام گرفته است.

دانش، علی اکبر (۱۲۷۵-۱۳۵۶ خ)، تحصیلات خود را در مکتب‌خانه خلچان (تفرش)

گذراند و در ۱۳ سالگی جهت کار و ادامه تحصیل به تهران رفت و وارد قزاق‌خانه شد و هم‌زمان به تحصیل طب پرداخت. وی در واقعه کودتای اسفند ۱۲۹۹ قشون را ترک و به تفرش بازگشت. دکتر دانش سپس در قم داروخانه و مطب دایر کرد و پس از چندی به تهران بازگشت و با تأسیس دانشگاه تهران، وارد دانشکده پزشکی شد. وی نخستین پزشک با تحصیلات دانشگاهی بود که در تفرش به‌طور رایگان از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۶ در خدمت همشهریان خود بود که از وی به‌خوبی و نیکی یاد می‌کنند (حیدری، ۱۳۹۹: ۹۲).



دانش، علیمحمد (۱۲۷۶-۱۳۴۷ خ)، فرزند میرزا کریم در روستای ریحان (خمین) به‌دنیا

آمد و تحصیلات مقدماتی را در خمین و اراک گذراند و در سال ۱۲۹۵ به مدرسه صدر اصفهان رفت و سپس محضر آیت‌اله حائری‌یزدی را درک کرد. او پس از پایان تحصیلات، به ریحان بازگشت و در خدمت به مردم کوشش کرد. این شاعر بیشتر مشکلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در قالب شعر بیان می‌کرد. جلال‌همایی که هم دوره ایشان بود، او را یک ادیب بزرگوار خطاب می‌کند و انجمن آثار ملی هم این شاعر مردمی را دانشمند معرفی کرده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۴۳۲).



دانش‌آشتیانی، ابوالقاسم (۱۲۹۰-۱۳۸۰ خ)، فرزند محمدتقی، پس از تحصیلات

مقدماتی، در سال ۱۳۰۵ به قم رفت و از محضر بزرگانی چون ادیب‌تهرانی، آقا سیدمهدی کشفی، حجت، خوانساری، حائری و آیت‌اله گلپایگانی که بعدها تولیت کتابخانه مسجد اعظم را به‌وی محول کرد، بهره جست. «دو سرمایه نفیس»، «سقیفه» و «رمز نیکبختی» از آثار این عالم دینی است که پس از انقلاب امام جمعه آشتیان شد (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۱۵۸).



دانش‌آشتیانی، غلامرضا (۱۳۰۹-۱۳۶۰ خ)، فرزند زین‌العابدین، پس از پایان تحصیلات

مقدماتی وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر آیات عظام بروجردی، گلپایگانی، خمینی و... بهره برد و تا مقطع خارج فقه و اصول تحصیل کرد. او سپس در سال ۱۳۳۰ از دانشگاه لیسانس و فوق‌لیسانس و دکترای الهیات گرفت و یک گروه فرهنگی به نام مجمع شیعیان تأسیس کرد. ایشان پس از انقلاب، بازرس ویژه آموزش و پرورش و سپس به‌عنوان نماینده از سوی مردم آشتیان، تفرش و فراهان وارد مجلس شد. ایشان در واقعه دفتر حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر ۱۳۶۰ به شهادت رسید. «سنت در فقه و اصول» اثر اوست (حضرتی، ۱۳۹۹: ۳۷۹).



دانش‌آشتیانی، محمدحسین (۱۳۰۲-۱۳۶۵ خ)، فرزند حسن، پس از تحصیلات مقدماتی، وارد حوزه

علمیه قم شد و از محضر آیت‌اله حائری، آقا سیدمحمد محقق داماد، نجفی مرعشی، سیدمحمدتقی خوانساری و بروجردی کسب فیض کرد. او در سال ۱۳۵۶ به‌عضویت روحانیت مبارز تهران درآمد و در سال ۱۳۵۷ در دادگاه مدنی خاص مشغول به‌خدمت شد. نمایندگی مجلس و ریاست دیوان عالی کشور از سوابق اوست

(حضرتی، ۱۳۹۹: ۳۸۱).

دانش پژوه، زهرا (۱۳۴۶ خ)، زاده شهرکرد، فرزند رمضان و بانو دلبر، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دبیر آموزش و پرورش، مدرس دانشگاه، سرگروه علوم اجتماعی آموزشی است که «مقدمه‌ای بر روش‌های علمی تحقیق» و «دانشنامه اجتماعی» دو اثر تألیفی اوست. وی در کنار چندین مقاله آموزشی/اجتماعی، چندین اثر پژوهشی هم دارد که «بررسی و اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی در سطح شهر اراک و ارائه راهکارهایی برای کاهش آنها»، «بررسی اثرات اجتماعی و روانی استفاده از تلفن همراه در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستانی ناحیه یک اراک در سال ۹۱-۹۲» و پژوهشی درباره صنایع نساجی ایران از جمله آنهاست. این پژوهشگر هم‌چنین استاد راهنمای طرح‌های تحقیقاتی در پژوهش‌سرای دانش‌آموزی خلیج فارس و داور جشنواره‌های علمی و آموزشی است.

دانش تفرشی، هادی (زندگی ۱۳۶۲ خ)، از بزرگان عالی‌درجه تفرش، تحصیل کرده و مسلط به امور انشا و استیفا، در حکومت حاجی محمودولی میرزا، به‌عنوان مستوفی به یزد رفت. او هم‌چنین در علم نجوم هم مهارت داشته است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۳۷).



دانشمند، مرتضا (۱۳۱۳ خ)، زاده اراک، دوران ابتدایی را در دبستان شرف ارامنه اراک گذراند و پس از دیپلم در دانشکده دندان‌پزشکی دانشگاه تهران پذیرفته و در سال ۱۳۳۹ به‌عنوان دندانپزشک در پایگاه وحدتی خوزستان دوره سربازی را سپری کرد. او سپس به استخدام بیمارستان راه‌آهن اراک درآمد و یک دوره ۵ ساله هم ریاست این بیمارستان را بر عهده داشت. حاصل ازدواج او با بانو مهرماه تاج‌بخش، چهار فرزند به نام فیروزه (دانش‌آموخته از دانشگاه‌های آلمان و کانادا)، محمدعلی (پزشک)، علی (دندانپزشک) و آخرین فرزند ایشان هم فاضل، کارشناس مدیریت و کامپیوتر از دانشگاه‌های امریکا و کانادا است. این دندانپزشک نیکوکار، ۶۰ سال در اراک به کار دندانپزشکی مشغول بوده و یکی از دندانپزشکان قدیمی و مورد وثوق این شهر است که افزون بر خدمات پزشکی، در کارهای اجتماعی و نیکوکارانه هم نقش آفرین بوده است.



دانش منفرد، علی (۱۳۲۰ خ)، فرزند ابوالفضل، در آشتیان به‌دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند و سپس در تهران تحصیلات خود را در رشته ریاضیات ادامه داد و در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه تهران لیسانس ریاضی گرفت. وی از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷ مدتی در بانک ملی، برق منطقه‌ای تهران و نیز مؤسسه فرهنگی رفاه خدمت کرد. او در مؤسسه رفاه با آقایان دکتر بهشتی، باهنر و رجایی آشنا شد و به فعالیت‌های سیاسی روی آورد و پس از انقلاب در سمت استاندار فارس، معاون وزارت نیرو، معاون صنایع، مدیرکل امور مجلس نخست‌وزیری، استاندار همدان، نماینده مجلس (آشتیان، تفرش، فراهان و خلیجستان) و استاندار مرکزی خدمت کرد (حضرتی، ۱۳۹۹: ۳۷۸).

دانشور، امید (۱۳۶۵ خ)، فرزند حسین مراد و بانو تهمینه، تحصیلاتش را در دبستان

شهید مدرس و راهنمایی جراحی‌زاده **ساوه** گذراند و اول دبیرستان را در ۱۷ شهریور و سپس برای گذراندن رشته برق وارد هنرستان شهید اسدی شد و با علاقه‌ای که به موسیقی داشت در سال سوم هنرستان برای تحصیل در این هنر به تهران رفت. او پس



از دریافت دیپلم موسیقی در سال ۱۳۸۳ به‌عنوان مدرس گیتار در فرهنگسرای ساوه و آموزشگاه موسیقی نکبسا و سپس در دانشگاه علمی کاربردی ادامه فعالیت داد. این هنرمند در سال ۱۳۸۸ هم‌زمان در ۶ رشته گیتار، پیانو، آواز گروهی، سرایش و تربیت شنوایی، هم‌نوازی ساز جهانی و نیز هماهنگی عمومی موسیقی، دانش‌آموخته شد. آهنگسازی تئاتر «چشمان کاملاً بسته» برای جشنواره تئاتر استان، اجرای کنسرت با گروه بین‌المللی دان‌الدوز در کاخ سعدآباد (تالار ایوان عطار) و نیز در فرهنگسرای هنر تهران در کنار عناوین مختلف، برخی از فعالیت‌های هنری اوست. سه‌عنوان کتاب «با امید بنوازیم»، «آکوردسازی در گیتار» و «ریتم سازی در گیتار» هم از آثار نوشتاری این هنرمند ساوجی است.

داودآبادی، محمد (۱۳۴۶ خ)، فرزند اکبر و بانو مریم، تحصیلات مقدماتی را در دبستان

خیام و راهنمایی کوروش **اراک** گذراند و با پایان جنگ، در سال ۱۳۶۸ در اداره کل پست استان مرکزی مشغول شد و هم‌زمان از مجتمع رزمندگان دیپلم گرفت. او در سال ۱۳۷۰ وارد دانشگاه تهران شد و در رشته کارشناسی تاریخ دانش‌آموخته شد. وی که در سال ۱۳۶۸ به‌عنوان مدیرکل پست استان منصوب و در فروردین ۱۳۹۲ با همین سمت بازنشست شد، به‌صورت داوطلبانه



با مؤسسه حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس استان همکاری و در جمع‌آوری و ثبت عملکرد رزمندگان استان در ۸ سال دفاع مقدس کوشید و به‌عنوان نویسنده، دو کتاب «گذرگاه کربلا» و «نیم‌روز عاشورایی» حاصل این دوره فعالیت فرهنگی اوست.

داودآبادی‌فراهانی، علی‌اصغر (۱۳۴۴ خ)، متولد **اراک** و دانش‌آموخته رشته عکاسی از دانشکده

صداوسیماست و نزدیک به ۴ دهه است که نگاه او در حوزه عکاسی مستند مردم‌نگار حاکم است. تدریس عکاسی در انجمن سینمای جوان اراک، تهران و کرج و هم‌چنین داوری جشنواره‌های معتبر و مشارکت در تأسیس خانه عکاسان ایران در سال ۱۳۷۳ برخی از فعالیت‌های این هنرمند عکاس است.

داودپور، رضوان (۱۳۶۴ خ)، فرزند محمدشفیع و بانو زهرا، اهل **اراک**، رتبه نخست کنکور

کارشناسی‌ارشد، عضو جامعه علمی نخبگان و نیز باشگاه پژوهشگران جوان، دارای ۳ تألیف و دو ترجمه و هم‌چنین مقالات ISI و بیش از سی مقاله علمی/پژوهشی است. شناسایی پرندگان تالاب میقان اراک، نگین استان مرکزی تالاب کویری میقان، ناگفته‌های فیس‌بوک



و ترجمه دو اثر «واژه‌نامه علوم و مهندسی محیط زیست» و نیز «مقدمه‌ای بر تصفیه فاضلاب» از آثار مکتوب این نویسنده، فعال محیط‌زیست و مدرس دانشگاه شاغل در منابع طبیعی و آب‌خیزداری استان مرکزی است.

داودزاده، سیدمحمدباقر (۱۲۴۶ - ۱۳۲۸ خ)، فرزند میرزا داود، معروف به داودی، تحصیلات خود را در اصفهان و محضر آقاجنقی گذراند و در منطق و فلسفه و همچنین فقه و اصول به استادی رسید. او ابتدا در سال ۱۲۹۱ مدرسه باقریه را در اصفهان و سپس در سال ۱۲۹۸ مدرسه احمدیه را در **اراک** تأسیس کرد که در سال ۱۳۰۴ به فردوسی تغییر نام داد. این فرهنگی نیکوکار نزدیک به ۵۰ سال در امر تعلیم و تربیت کوشید و در کسوت نویسنده، تألیفی به نام «الانساب» دارد (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۵).

داودی، سیدتقی (۱۲۹۳ - ۱۳۷۵ خ)، تحصیلات حوزوی را در **اراک** گذراند و در دانشگاه ادامه تحصیل داد و به عنوان یک کنشگر سیاسی، از رهبران اعتصابات فرهنگی دوره پهلوی بود.

داودی، ویگن (۱۳۲۹ خ)، در **اراک** متولد شد و پس از پایان تحصیلات مقدماتی، فعالیت خود را از استودیو الکوروس آغاز کرد و با تشویق واروژان (موسیقی دان) برای فراگیری علوم صدابرداری به سویس رفت و در آغاز دهه ۱۳۵۰ یک سیستم هشت تراک صدابرداری و میکس حرفه ای وارد ایران کرد. این سینماگر با تأسیس استودیو پاپ با همکاری آندارنیک و دکتر پادماگریان، تکنولوژی صدابرداری مولتی تراک را در ایران پایه گذاری کرد. ویگن از دهه ۵۰، دستیار همیشگی موسیقی دانان بزرگ ایرانی بوده و بسیاری از آثار مشهور بزرگان موسیقی ایران، توسط وی صدابرداری، میکس و مستر شده است.



داودی، علی (۱۳۷۸ خ)، فرزند محمد و بانو فاطمه، از یک خانواده اهل **خمین** در تهران زاده شد و تحصیلاتش را در همین شهر گذراند. او که فرزند یک سرهنگ بازنشسته انتظامی است از نوجوانی به ورزش روی آورد و رده های موفقیت را پله پله طی نمود و در مسابقات قهرمانی وزنه برداری آسیا (۲۰۱۹) در وزن ۱۰۹+ کیلوگرم، ۳ مدال طلا به دست آورد و قهرمان آسیا شد. وی همچنین در مسابقات المپیک ۲۰۲۰ توکیو موفق به کسب مدال نقره شد تا به عنوان نایب قهرمان المپیک و نیز رکورددار دسته سنگین وزن جهان در رده جوانان شناخته شود رکورد یک ضرب وزنه برداری دسته فوق سنگین مسابقات قهرمانی وزنه برداری جهان (۲۰۱۸ ترکمنستان)، قهرمانی نوجوانان جهان (۲۰۱۶ مالزی)، قهرمانی نوجوانان آسیا (۲۰۱۶ ژاپن)، قهرمانی جوانان جهان (۲۰۱۷ ژاپن)، قهرمانی جوانان جهان (۲۰۱۸ تاشکند)، قهرمانی جهان (۲۰۱۸ عشق آباد)، قهرمانی جوانان جهان (۲۰۱۹ فیجی)، قهرمانی آسیا (۲۰۱۹ چین)، قهرمانی آسیا (۲۰۲۰ ازبکستان) و برنز دوضرب قهرمانی جهان در سال ۲۰۲۳ عربستان از دیگر افتخارات این پهلوان خمینی است که حدود یک دهه تنها وزنه برداری است که در رده نوجوانان، جوانان و بزرگسالان، بارها پرچم مقدس کشورمان را به اهتزاز درآورده و توانسته با پای پهلوانانی چون رضازاده، سلیمی و انوشیروانی بگذارد.



داودی مکی نژاد، فاخته (۱۳۲۲ خ)، فرزند تقی و بانو فاطمه، از نوادگان حاج آقا محسن

اراکي، در تهران متولد شد و دوران دبستان و دبیرستان را در مدارس کفایه و شاهدخت

گذراند و وارد دانشکده داروسازی دانشگاه تهران شد. او که در سال ۱۳۴۵ دانش آموخته

شد، جهت گذراندن دوره خارج از مرکز به اراک آمد و در سازمان تأمین اجتماعی استخدام

شد و نخستین داروخانه تأمین اجتماعی را راهاندازی کرد. دکتر داودی مکی نژاد که در سال ۱۳۴۷ مجوز

داروخانه نیمه وقت شفا را دریافت کرد به احتمال نزدیک به یقین نخستین بانویی است که در اراک مجوز

تأسیس داروخانه دریافت کرده است (ذبیحی، ۱۳۸۵: ۳۵۸).



داوری، ابراهیم (۱۳۰۲-۱۳۹۱ خ)، فرزند غلامرضاخان و بانو زینبده، اهل **آشتیان**،

ملقب به امین النظاره و مشهور به آقابزرگ، مهندسی مکانیک از دانشگاه تهران و دکتری

حقوق و اقتصاد از فرانسه داشت. مدیرکل بازرگانی داخلی وزارت اقتصاد و سپس معاونت

بازرگانی این وزارتخانه از سوابق اوست که سال ۱۳۵۸ با عنوان مشاور وزیر و دارنده نشان

درجه ۴ همایونی بازنشسته شد (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۷۷).



داوری، محمدعلی (۱۳۱۴-۱۴۰۱ خ)، فرزند محمدقاسم، تحصیلات ابتدایی را در

زادگاهش روستای آدینه مسجد **(شازند)** گذراند و در ۱۲ سالگی به اراک مهاجرت کرد.

وی نزد آقایان سادگی و قادری به آموزش عکاسی پرداخت و چند سال در تهران نزد استاد

روسی به نام سروژ، دوره‌های تکمیلی و حرفه‌ای را گذراند. محمدعلی خان استاد پرتره و

عکاسی روی پارچه بود و تنها عکاس محمدرضا شاه در اراک و عکاس روزنامه کیهان و اطلاعات بود و

گنجینه ارزشمندی از عکس‌های اراک را گردآوری کرده بود که در حوادث پس از انقلاب از دست رفت.



داوری، هما (۱۳۵۷ خ)، فرزند مرتضی و بانو سوسن، ابتدایی را در دبستان هفده شهریور

و استقلال و راهنمایی شاهد گذراند و از دبیرستان ایران‌دخت **اراک** دیپلم گرفت. او سپس

در دانشگاه آزاد استهبان کاردانی دبیری ریاضیات محض و از دانشگاه جامع علمی کاربردی

اراک کارشناسی مدیریت حرفه‌ای گردشگری گرفت و سپس در دانشگاه علم و فرهنگ ارشد

اکوتوریسم خواند. این فعال حوزه گردشگری و رئیس هیأت مدیره مؤسسه گرشیاران اراک، ضمن مربیگری

در رشته‌های مختلف ورزشی اعم از بسکتبال، شنا، کوهنوردی و نیز صخره‌نوردی، در مسابقات قایقرانی

آبهای خروشان آسیا اقیانوسیه (۲۰۱۰) سه مدال برنز و یک نقره و سومی کل رقابت‌ها به عنوان نخستین

تیم قایقرانی آبهای خروشان بانوان ایران در اندونزی را کسب کرده و مربی درجه ۳ و داوری درجه ۱ رشته

اسلalom می‌باشد. راهنمای گردشگری تاریخی- فرهنگی و گردشگری تخصصی طبیعت گردی ملی و

بین‌المللی، مربی گردشگری فنی حرفه‌ای، برنده جایزه ملی وجدان محیط زیست در کسب و کار از نگاه مردم

(۱۴۰۲) و کسب گواهینامه نخستین کنفرانس بین‌المللی «کارآفرینی اجتماعی با رویکرد گردشگری» از



دیگر افتخارات این بانوی برجسته است.

دایه زاده، شمس اله (۱۳۴۰ خ)، معلم روستاهای اطراف اراک و شازند بود و چون به عکاسی علاقه مند بود، دوربین به دست از مناظر اطراف عکس و فیلم می گرفت و همین باعث شد تا به جرگه هنرمندان پیوندد. او بالغ بر ۵۰ فیلم کوتاه داستانی و مستند دارد و تاکنون از جشنواره های استانی، منطقه ای، ملی و بین المللی جوایز متعددی را بدست آورده و دارنده گواهینامه درجه ۳ هنری^۱ از شورای ارزشیابی هنرمندان کشور است. در بین هنرمندان ساکن اراک او تنها سینماگری است که پس از بازنشستگی، دفتری تأسیس کرده تا بتواند پاسخ گوی نیاز سازمان ها و مؤسسات مختلف برای ساخت فیلم، مستند و... باشد و مشاور بسیاری از سینماگران جوان استان بوده و هست.



دباغچی، حسینعلی (۱۲۶۲-۱۳۵۶ خ)، اهل اراک، و پهلوان نام آور و پیش کسوت گود زورخانه ها بوده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۰۲).

دبیر تفرشی، اسماعیل (۱۲۲۵-۱۲۸۳ خ)، ملقب به دبیر^۲، دانشمند، شاعر، نویسنده و مورخ عصر قاجار بود که «نخبه التواریخ» از آغاز اسلام تا پایان سلطنت مظفرالدین شاه را به نظم و نثر نگاشته است. کتاب «کنز اللغات» نوشته محمد بن عبدالخالق معروف به گیلانی در ۱۲۳۳ و نیز «تجارت السلف» از هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی را به خط نستعلیق نگاشته است. دبیر تفرشی هم چنین به پدر علم انساب ایران مشهور است (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۸).

دبیر تفرشی، عنایت اله (زندگی ۱۲۷۵ خ)، فرزند میرزا هدایت، دوره جوانی را در دفترخانه شاهی به انشا مشغول بود. سپس به خدمت یکی از شاهزادگان قاجار درآمد و از مستوفیان محمدشاه قاجار شد. این شاعر که «دبیر» تخلص می کرد، چندی هم وزارت شاهزاده احمدعلی میرزای خاقان (پدر گلین یکی از همسران عقدی ناصرالدین شاه) را عهده دار بود. ایشان تخلص خود را از صاحب «سفینه المحمود» گرفته و در سرودن شعر توانا بود و اشعاری از وی در تذکره های دوره قاجار نقل شده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۴۴).

دبیر طاهر (زندگی ۴۱۱ خ)، از نزدیکان مسعود غزنوی بود و چون مسعود به سلطنت رسید و از ری راهی خراسان شد، طاهر نیز همراه وی بود و پیش از پیوستن ابونصر مشکان به مسعود، امور دیوانی سلطان جدید را عهده دار بود. او سپس در سال ۴۱۱ حکم صاحب دیوانی ری گرفت و به همراه عده ای از رجال عراقی

^۱. معادل لیسانس

^۲. ابوالقاسم سحاب مدتی شاگرد وی بوده و در مجله یادگار درباره میرزا اسماعیل خان می نویسد: «بی نظیر در فن ماده تاریخ سازی است که اصول و قواعد این صنعت را ذیل نخبه التواریخ نگاشته و طرز ساختن ماده تاریخ را به حساب ابجد بیان نموده است.

(اراک)^۱ که در دستگاه مسعود بودند، با طاهر راهی ری شدند (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۱).

دبیرمنش تفرشی (زندگی ۱۳۰۰ خ)، ملقب به سناءالدوله از رجال حکومتی و کارگزار عصر قاجار که ابوالقاسم سحاب از او زبان فرانسه آموخت. او در **تفرش** کتابخانه بزرگی داشته و کتب خارجی زیادی نگهداری می کرده است. در ضمن استاد سحاب معلم خصوصی فرزندان سناءالدوله و برادرش در تفرش بوده است (نعیمی، ۱۳۸۵: ۲۴۲).

دبیری، پرویز (۳۰۰-۱۳۹۱ خ)، فرزند مهدی^۲ از یک خانواده با اصالت هزاوه‌ای (اراک) در تهران متولد شد و در سال ۱۳۲۵، از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران دانش آموخته شد. او سپس در بخش‌های بیولوژی و پاتولوژی دانشگاه تهران با سمت دستیاری مشغول شد و با بورسیه مطالعاتی سازمان بهداشت جهانی از کشورهای مختلف بازدید کرد و برای دوره‌های تکمیلی به مدت یک سال در بخش پاتولوژی دانشکده ویرجینیا (MVC) آمریکا تجربه آموخت. این نویسنده دانشگاهی و مؤسس آزمایشگاه بافت‌شناسی و پاتولوژی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و عضو افتخاری فرهنگستان علوم پزشکی، کتابی با عنوان «پاتولوژی تومورهای مثانه» دارد که از مجموعه ۴۰ جلدی تومورها در سال ۱۳۷۹ به عنوان «کتاب سال» برگزیده شد. پزشک نمونه، پاتولوژیست نمونه، یکی از ۵۰۰ دانشمند برگزیده جهانی و عضو آکادمی بین‌المللی آسیب‌شناسی و جمعیت بین‌المللی مبارزه با سرطان (۱۹۹۴م) از دیگر افتخارات اوست.



دبیری زرنندی، علی (زندگی ۱۳۰۰ خ)، اهل **زرنندیه**، پس از تحصیلات مقدماتی در زادگاهش، به قم رفت و پس از گذراندن سطوح، برای تکمیل تحصیلات دینی ساکن تهران شد. این عالم دینی ضمن اشتغال به تبلیغ احکام و اخلاقیات، نویسنده کتابی است به نام «کیمیای درویش» که در سال ۱۳۴۱ با همکاری آقای غلامحسین عدالت‌پور منتشر شده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۶۷).

درمنی، عبدالرحیم (قرن ۱۱)، اهل درمن (**خنداب**)، معروف به خواجه عبدالرحیم، از منشیان معروف و زبردست دوران صفوی بوده است. عالم‌آرای عباسی تحت عنوان لشکر کشیدن جغال‌اوغلی (فرمانده سپاه عثمانی) از بغداد به قلمرو علی‌شکر، ساختن قلعه در نهاوند و گرفتار شدن قورخمس‌خان (حاکم همدان) چنین می‌نویسد: ... جغال‌اوغلی، قورخمس‌خان را همراه خود به بغداد برده، حقیقت حال به خواندگار (سلطان عثمانی) عرض کرده، مورد لطف واقع شد و نویسنده، واقعه مذکور را از تقریر خواجه عبدالرحیم درمنی (نویسنده سرکار قورخمس‌خان) که با او تا بغداد رفته بود، یادداشت کرده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۵۶).

۱. ابوالقاسم طائی، ابوالفتح دماوندی، ابوالحسن کرجی و..

۲. فرزند علی محمد دبیرالملک فراهانی سیاستمدار و پزشک دوره قاجار و از نوادگان قائم مقام فراهانی.

درویدیان، ولی‌اله (۱۳۱۷ خ)، نویسنده و پژوهشگر ادبی، در روستای نقوسان تفرش

به دنیا آمد و چون پدرش در تهران شغل دولتی داشت او هم در ۶ سالگی به همراه مادرش معصومه به تهران آمد و ضمن گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران لیسانس علوم اجتماعی گرفت و به استخدام شرکت مخابرات ایران درآمد.



از این نویسنده و شاعر آثاری چون «دهخدای شاعر» و «جستجوی سرچشمه‌های الهام شاعران» به چاپ رسیده و مجموعه اشعار او هم که «دروود» تخلص می‌کرد، در سال ۱۳۵۸ به نام «تلخستان» منتشر شد. همچنین مقالات او در نشریات سخن، نگین، آدینه، نشر دانش، کیهان فرهنگی و... منتشر شده و در کارنامه‌اش بیش از ۲۴ عنوان کتاب به چشم می‌خورد که «برگزیده آثار دهخدا» از جمله آنهاست.

درویدیان تفرشی، محمدرضا (۱۳۴۶-۱۳۰۴ خ)، زاده روستای نقوسان (تفرش)، که در ۱۸ ماهگی بر اثر آبله بینایی خود را از دست داد. این حافظ قرآن، تحصیلات فقهی را در حوزه علمیه اراک و قم گذراند و به اجتهاد رسید. این عالم دینی همچنین کتاب خلاصه‌النحو، نحو منظوم، دیوان اشعار به فارسی و عربی به نام دُرُالاشعار، حاشیه بر نجات‌العباد (صاحب جواهر) و چند اثر دیگر را به رشته تحریر درآورده است (ولاشجردی فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۹).

دری، سیدضیاءالدین (۱۳۳۲-۱۳۹۷ خ)، از خانواده‌ای ساوه‌ای در تهران متولد شد و

فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۶۳ با کارگردانی فیلم صاعقه آغاز کرد. او دو فیلم «عشق ممنوع» و «من و دبورا» را در کشور لبنان ساخت. سریال «کیف انگلیسی»، «کلاه پهلوی» و «کمند خاطرات» نیز از آثار این فیلم‌ساز برجسته است.



دریایی، مهدی (۱۳۵۸ خ)، فرزند محمدعلی و بانو اکرم، تحصیلاتش را در دبستان شهید

سیدمرتضی خمینی و راهنمایی آیت‌اله طالقانی اراک گذراند و از هنرستان شهیدباهنر دیپلم گرفت و سپس از دانشگاه پیام‌نور فراهان در رشته حقوق دانش‌آموخته شد. او که از دوره نوجوانی تعزیه‌خوانی می‌کرد، هم‌زمان با تحصیل، مطالعات جنبی‌اش را در همین حوزه ادامه



داد و امروز با داشتن نشان درجه دو هنری - معادل فوق‌لیسانس - و نشان درجه یک هنری - معادل دکترا - از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رشته هنرهای آیینی سنتی، یکی از نامداران حوزه تعزیه‌خوانی و نقالی کشور به‌شمار می‌رود. وی تنها موزه‌دار خصوصی حوزه تعزیه است که بالغ بر ۳۶۰۰ قطعه شامل نسخ، البسه و ابزارآلات تعزیه را در مجموعه خویش دارد. این پژوهشگر، نویسنده و شاعر، افزون بر تولید ۳ اثر ملی امیرکبیر، قائم‌مقام فراهانی و مجلس‌نامه شاه‌شکار^۱ انتشار ۱۵ عنوان کتاب، بیش از ۲۰ عنوان مقاله،

۱. اصطلاحاً بر میرزا رضای کرمانی اطلاق می‌شود به سبب کشتن ناصرالدین شاه.

سرایش و ساخت بیش از ۲۰ مجلس شبیه‌خوانی رویدادهای معاصر، بیش از ۳۵ تومار نقالی معاصر و عاشورایی، تالیف تومار نقالی پرده وارونه برای نخستین بار در کشور را در کارنامه دارد. دفتر تعزیه ۱۱ و ۱۲ وی به‌عنوان کتاب سال انتخاب شده و همچنین دارنده ده‌ها مقام برگزیده و نخست می‌باشد.

دفتری، محمود (۱۲۳۳-۱۳۱۸ خ)، فرزند ارشد میرزا محمدحسین وزیردفتر **آشتیانی**، پس از تحصیلات مقدماتی، چندسال به‌تحصیل ادبیات عرب و ریاضیات مشغول شد و در سال ۱۲۷۰، از ناصرالدین‌شاه لقب اعتضادلشکر و در سال ۱۲۸۰ از مظفرالدین‌شاه، لقب عین‌الممالک گرفت. او ابتدا در وزارت لشکر و بعد در فوج آذربایجان، سپس در فوج دماوند و نیز سیستان به‌شغل لشکرنویسی پرداخت. او در سال ۱۲۸۰ در وزارت مالیه مشغول شد و مراحل پیشرفت و ترقی را پیمود تا به مقام مستوفی‌گری رسید و پیش از مشروطیت، معاون وزارت مالیه شد. محمود دفتری تا هنگام مرگ در سال ۱۳۱۸ در سمت مستشار دیوان عالی کشور بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۳۸).

دلاوری، ابوالفضل (۱۳۳۱ خ)، فرزند علیرضا، متولد خمین، دانش‌آموخته مهندسی شیمی از دانشگاه تهران و مؤسس چندین شرکت از جمله الیاف مصنوعی پرسپولیس دلیجان، گسترش فن‌آوران رنگین‌نخ، فرش مهیار و... می‌باشد. این کارآفرین برجسته از سال ۱۳۶۵ تا کنون هدایت شرکت‌های بالنده فوق‌با... تعداد پرسنل را بر عهده داشته و همچنین تنها تولیدکننده نخ چندلایه از جنس پلی‌پروپیلن و پلی‌استر با نام تجاری نخ دوجزئی در کشور است.

دلاوری، امیررضا (۱۳۵۵ خ)، فرزند احمد و بانو اعظم، دارنده کارشناسی تئاتر از سال

۱۳۷۳ وارد سینما شد و تاکنون نزدیک به ۴۸ تئاتر صحنه‌ای، حدود ۵۰ اثر تلویزیونی، ۲۰ فیلم سینمایی، ۳ سریال خانگی و ۶ فیلم کوتاه از خود به یادگار دارد. داوری جشنواره تئاتر و دریافت چندین دیپلم افتخار برای یک نمایش خیابانی، بازیگری اول جشنواره استان‌ها، بازیگری اول جشنواره دفاع مقدس و نیز بازیگری برای فستیوالی در پراگ (جمهوری چک) از افتخارات این



سینماگر محلاتی است.

دلاوری، غلامحسین (۱۳۳۹ خ)، فرزند ابوالفضل و خانم‌باجی، تحصیلات ابتدایی را در

خوره (محلات) و دبیرستان را در تهران سپری کرد. او سپس در دانشگاه صنعتی اصفهان در رشته مهندسی معدن فارغ‌التحصیل شد و در زمینه‌های مختلف معدنی فعالیت کرد و حدود ۱۵ سال است که در چند معدن سنگ ساختمانی و فرآوری و صادرات مواد معدنی و تولیدی مشغول فعالیت است. مهندس دلاوری با کارآفرینی در حوزه معدن و خدمات وابسته به آن بیش از



^۱. پدر بزرگش میرزا هدایت‌اله، وزیردفتر بود.

۳۰۰ نفر شغل ایجاد کرده و همچنین چند سالی است که در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و بویژه ایجاد باغ انگور در روستای خورده فعالیت می‌کند و حدود ۴۰ هکتار باغ با درختان مثمر ایجاد کرده است. وی همچنین در فعالیت‌های عمرانی خورده همواره فعال بوده و از افراد مشارکت‌کننده در امور عام‌المنفعه خورده است.

دل‌خواسته، محمد مهدی (۱۳۶۲ خ)، اهل اراک، فیلم‌ساز، عکاس سینما و مستندساز

و عضو شورای مرکزی انجمن عکاسان سینمای ایران است که تاکنون جوایزی از خانه سینما، جشنواره فیلم فجر و دیگر جشنواره‌ها برای عکاسی سینما دریافت کرده و پس از ۲۵ سال برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان، برای نخستین بار بخش مسابقه عکس را به این جشنواره اضافه کرد و نیز برای نخستین بار مستندنگاری در سینما را به جریان انداخت و موج جدیدی از عکاسی فیلم را ثبت کرد. او یکی از پرکارترین عکاسان سینماست و از سال ۱۳۹۷ به شکل جدی وارد عرصه فیلم‌سازی شد و در سال ۱۳۹۸ با ساخت نخستین فیلم کوتاه خود یعنی «باران برای تو می‌بارد» توانست در جشنواره‌های خارجی حضور یابد و جوایزی را دریافت کند.



دل‌جانی، غیاث‌الدین جمشید (۸۹۳-۹۵۷ خ)، از عالمان بزرگ ولی گمنام **دل‌جانی** است. او پدر بزرگ علامه سیدعبدالهادی دل‌جانی و نام کاملش غیاث‌الدین جمشید بن مهدی بن اسماعیل بن مهدی بن فخرالدین بن شمس‌الدین محمد حسینی است. نسب وی به موسی مبرقع و امام محمد تقی می‌رسد. او کتابت و تألیف را به صورت هم‌زمان انجام می‌داده و از تألیفاتش فقط یک اثر در علم حدیث به نام تبویب‌الأمالی به یادگار مانده که در سن ۳۱ سالگی نگاشته است.

دندان‌کرجی، محمد (قرن ۳)، فرزند حسین، اهل کهرود (اراک)، در دوره بنی‌دلف در کرج (کهرود) می‌زیسته و تولیت (حکومت) این سامان را عهده‌دار و در امور این منطقه مؤثر بوده، با عبدالله بن میمون قداح از سران اسماعیلیه همکاری داشته و اعراب را دشمن می‌پنداشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۰).

دهخدا، عبدالصمد (قرن ۶)، اهل آوه (ساوه)، بزرگ‌دولتمرد شیعی دوران سلجوقی که نقش مهم و اساسی در عمران و آبادی ساوه داشته است.

دهستانی، عبدالعلی (۱۳۰۰ خ)، فرزند یداله‌خان **تفرشی**، در کرج متولد شد و پس از

پایان تحصیلات مقدماتی به آمریکا رفت و در رشته کشاورزی تحصیل نمود و به ایران بازگشت. او مدتی در وزارت کشور به عنوان استاندار سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، نماینده مجلس شورای ملی در دوره ۱۹ از شهریار، ساوجبلاغ و کردان و در دوره ۲۰ هم از کرج و مدتی نیز استاندار استان مرکزی و فارس بوده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۱۲).



دهستانی، یداله (۱۲۶۲-۱۳۳۶ خ)، فرزند میرزا عبدالوهاب، متولد **تفرش**، در ۶ ماهگی



پدر و در ۸ ماهگی مادرش را از دست داد. او در مکتبخانه های **تفرش** تحصیل کرد و در ۱۶ سالگی به تهران رفت و با میرزاابنویسی زندگی اش را اداره کرد. سپس در مالیه استخدام شد و در حدود سال ۱۳۰۰ امین مالیه شهریار شد. ابتدا نام خانوادگی نظامی برگزید و سپس آن را به دهستانی تغییر داد. در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی از شهریار انتخاب شد و این کرسی را تا دوره چهاردهم حفظ کرد. او سپس سناتور انتصابی قزوین در دوره های دوم و سوم مجلس سنا شد. وی همچنین زمینی در حصارک کرج برای احداث بیمارستان به دولت اهدا کرد که در سال ۱۳۴۵ در آن بیمارستانی تأسیس شد که اکنون شهید رجائی نام دارد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۱۱).

دهقانی، محمد (۱۳۴۴ خ)، تحصیلاتش را تا پایان دبیرستان در **اراک**، کارشناسی زبان



و ادبیات فارسی را در دانشگاه چمران اهواز و ارشد این رشته را نیز در دانشگاه فردوسی مشهد گذراند و از دانشگاه تهران با درجه دکتری دانش آموخته شد. او پایان نامه خود را با موضوع «تاریخ نقد ادبی در ایران» و به راهنمایی عبدالحسین زرین کوب نوشت. این نویسنده، مترجم، منتقد ادبی، استاد دانشگاه و روزنامه نگار ابتدا برای تدریس به سمنان رفت و دو سال بعد به عضویت هیأت علمی دانشگاه تهران درآمد. او در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵ استاد مدعو در دانشگاه پکن بود و پس از بازگشت، در سال ۱۳۸۶ از دانشگاه تهران اخراج شد. نوشته های دهقانی در نشریاتی چون نگاه نو و فصلنامه نقد کتاب ادبیات، منتشر شده است.

ده کهنه، گلاب بگ (درگذشته ۱۲۴۷ خ)، یک شخصیت برجسته و از مردان ظریف و بذله گوی زمان خود

بود که لطایف شیرین او هنوز ضرب المثل مردم **اراک** است. او از روستای ده کهنه به سلطان آباد فرا خوانده و در این شهر ساکن شد و از خواص غلامحسین خان گرجی (پسر یوسف خان) بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۴).

ده کهنه، علی نقی (۱۱۷۸-۱۲۵۲ خ)، فرزند صادق خان، در هنگام بنای سلطان آباد با یوسف خان گرجی

همکاری داشته و مقداری از زمین های خود را برای احداث شهر هدیه کرد و مردم ده کهنه هم با تشویق این شخصیت برجسته و نیکوکار، خانه های قدیمی خود را رها کرده و در غرب بازار فعلی اراک برای خود خانه هایی ساختند و این ناحیه به نام محله حصار معروف است.

دهگان، ابراهیم (۱۲۶۷-۱۳۶۳ خ)، فرزند غلامعلی، متولد روستای مرزگران (**اراک**) به



مدت ۱۲ سال در اراک به تحصیل علوم دینی پرداخت و سال ها شاگرد آقا نورالدین، آقاضیاءالدین و حائری یزدی بود. او سپس در وزارت فرهنگ به دبیری پرداخت و تاریخ و جغرافیا تدریس کرد. ایشان مردی دانشمند، نویسنده ای توانا و مورخی پژوهشگر بود. جمع آوری کتب خطی نفیس و تألیف و تصحیح چند عنوان کتاب از جمله تاریخ اراک (۳ جلد)، تاریخ کمال،

فقه‌اللغه، تاریخ ارمنستان از موسی خورنه، نور مبین، قرارداد رژی، تاریخ صفویان و... از آثار اوست. استاد ایرج افشار در مورد ابراهیم دهگان می‌نویسد: قدر آن مرحوم متأسفانه چنان‌که باید شناخته نشد و عباس اقبال و حبیب یغمایی به نوشته‌های او به چشم اعتنا می‌نگریستند و مقالاتش را با احترام چاپ می‌کردند. من سعادت آن را داشتم که ۶ الی ۷ بار در اراک به دیدارش نایل شوم (صدیق، ۱۳۷۲: ۸۱).

دهنمکی، مسعود (۱۳۴۸خ)، در یک خانواده **اراک**ی در اهر زاده شد. او در دهه ۱۳۷۰ از



اعضای فعال انصار حزب‌اله بود و هم‌زمان با نشریات یالثارات، شلمچه، جبهه و ماهنامه «صبح دوکوهه» مشهور شد. این دانش‌آموخته علوم سیاسی، از منتقدین سرسخت دولت خاتمی و هاشمی بود و با لحنی گزنده و تند به انتقاد از این دولت‌ها می‌پرداخت. سینمایی سه‌گانه اخراجی‌ها، سریال معراجی‌ها، رسوایی و... برخی از ساخته‌های اوست. وی هم‌چنین به‌عنوان نویسنده چندین کتاب منتشر کرده که از آن جمله‌اند: اخراجی‌ها، اسارت و آزادگان به‌روایت تصویر، فرهنگ اصطلاحات اسرای ایران به انضمام دانستنی‌هایی از اسارت، کتاب‌شناسی اسارت، لب‌خند در اسارت و...

دوامی، اسماعیل (۱۲۵۳-۱۳۲۸خ)، فرزند میرزا ابوالقاسم و شادی‌آغاییگم، در روستای



طاد **تفرش** به‌دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی، جهت ادامه تحصیل به تهران رفت و به‌استخدام دارالشورای ملی درآمد. او سپس به‌عنوان منشی مخصوص مجلس شورای ملی مشغول بکار شد و لقب بیان‌السلطان دریافت کرد^۱. میرزا اسماعیل خان فردی نیکوکار و خیر بود که موقوفاتی چند به‌نام ایشان در تفرش به‌جا مانده و از آن جمله‌اند: مسجد دارالامان با معماری استاد غلامحسین کریمی‌زاغرمی که کتیبه گچی محراب حیاط این مسجد به‌خط استاد علی منظوری و با استفاده از اشعار آیت‌اله سیدعلی امامی امام‌جمعه متخلص به «فانی» به‌عنوان تنها کتیبه گچی برجسته استان مرکزی است که در آذر ماه ۱۳۹۶ توسط استاد کیوان شجاعی منش مرمت و بازسازی شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۹۳).

دوامی، عبدالله (۱۲۷۰-۱۳۵۹خ)، فرزند میرزا ابوالقاسم و بانو شادی‌آقایگم در روستای



طاد (**تفرش**) به‌دنیا آمد و پس از چند سال تحصیل در مکتب‌خانه، در سن ۸ سالگی به تهران رفت و در مدرسه تربیت مشغول تحصیل شد. او ابتدا از پدرش تعزیه‌خوانی آموخت و سپس در محضر استادانی چون علی‌خان نایب‌السلطنه، میرزا حسین‌قلی، حسین‌خان کمانچه‌کش، درویش‌خان، میرزا عبدالله فراهانی و ملک‌الذاکرین، دستگاه‌ها و نغمه‌های موسیقی اصیل ایرانی را فرا گرفت و در ۲۳ سالگی برای ضبط موسیقی اصیل ایرانی بر روی صفحات گرامافون به تفلیس رفت. استاد دوامی در اداره کل فعالیت‌های هنری تهران، هنرستان آزاد ملی، مکتب صبا و منزل شخصی، تدریس

^۱. وی برادر عبدالله دوامی استاد موسیقی است.

موسیقی داشت و از مهمترین شاگردان وی می‌توان به محمود کریمی، نصراله ناصح‌پور، داریوش طلایی، محمدرضا شجریان، فرامرز پایور، محمدرضا لطفی، پرویز مشکاتیان، داریوش و بانو فاخره صبا اشاره کرد. ردیف آوازی استاد عبدالله دوامی یکی از معتبرترین ردیف‌های موسیقی ایران است که به‌طور کامل توسط فرامرز پایور جمع‌آوری و منتشر شده است^۱ (حیدری، ۱۳۹۹: ۹۴).

دیناری‌آبی، محمد (قرن ۶)، فرزند حسین، اهل ساوه، عالم دینی و از سرآمدان ادب، فقه و اصول و تاریخ آوه در قرن ششم است که کتاب «منتخب» در موضوع سوگواری پدر در فراغ فرزند از اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۲۰).

ذ

ذاکری، علی‌اصغر (۱۳۶۰ خ)، فرزند محمدحسین، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش روستای اندیس (ساوه)، گذراند و از دبیرستان شهید ناصری ساوه دیپلم گرفت. این شاعر، نویسنده و دانش‌آموخته رشته برق دانشگاه آزاد ساوه، سرودن را از ۱۵ سالگی آغاز کرده و کتاب شعر «غروب» او در سال ۱۳۸۱ منتشر شده و در مجموع دارای چهار عنوان کتاب است که کتاب آئینی «نه‌سال عاشقی» به چاپ سوم رسیده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۶۸).



ذبیحی، مرتضی (۱۳۱۳-۱۳۸۶ خ)، فرزند ذبیح‌اله و بانو سکینه، تحصیلات خود را تا مقطع دیپلم در اراک گذراند، سپس در سال ۱۳۳۸ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت. او به‌عنوان نویسنده آثار متعددی در زمینه ادبی، اجتماعی، تاریخی و داستانی تألیف و منتشر کرده که پنج‌روایت از رویدادهای تاریخی اراک، فرهنگ عامه در اشعار شهریار، اساطیر همسان ایران‌ویونان، پندارهای برهنه و چندین اثر دیگر از آن جمله‌اند (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۵۷).



ذره‌تفرشی، عبدالغنی (زندگی ۱۳۳۶ خ)، از شعرای سده سیزدهم هجری و از بزرگان تفرش است. این شاعر از شاگردان فتح‌علی‌خان صبا بوده و در عرصه غزل و قصیده مهارت داشت. بخشی از یک قصیده او نشان می‌دهد که چاشنی سبک قصاید کهن فارسی را داراست. در تذکره حقیقه‌الشعرا درباره او آمده: اسمش میرزا عبدالغنی و اصلش از تفرش و در آذربایجان مشغول خدمت نایب‌السلطنه و از ملتزمین مجلس سید قائم‌مقام بوده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۹۹).

^۱. وی به‌ترتیب در ادارات پست، دخانیات و وزارت دارایی مشغول کار بود.

ذکایی آشتیانی، سیروس (۱۳۳۹ خ)، از خانواده‌ای **آشتیانی** در تهران زاده شد و از زمان تولد، دچار معلولیت نخاعی بود. این شاعر عضو وابسته روزنامه‌نگاران جوان، شعر سپید می‌سراید و در فرهنگسرای ارسباران، اندیشه، انجمن ادبی انتظار و شاعران بیدل گلستان سعدی فعالیت دارد. «طوفانی در گندم‌زار» مجموعه آثار اوست و برخی از سروده‌های این شاعر در نشریات جوان امروز، روزنامه اطلاعات، مادران و چند نشریه دیگر چاپ شده و از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷ چندین لوح سپاس و تقدیرنامه از انجمن‌ها و فرهنگسراها دریافت کرده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۳۴).

ذکایی آشتیانی، مصطفی (۱۳۲۴ خ)، فرزند غلامرضا، تحصیلات ابتدایی را در دبستان

خاقانی آشتیان، سیکل اول را در دبیرستان حکمت قم و سیکل دوم را در دبیرستان مروی تهران گذراند. او تحصیلات تکمیلی را در رشته حسابداری صنعتی و سپس مدیریت ادامه داد و نقاشی را نزد استاد دعوتی و خوشنویسی را در انجمن خوشنویسان ایران آموخت.

اشعار این هنرمند شاعر در هفت دفتر بالغ بر ۱۰ هزار بیت است که دیوان غزلیات، دیوان رباعیات، دیوان مثنویات، شعرنو، منظومه شریفه‌وبلبل و نیز ساقی‌نامه را در بر می‌گیرد. از دیگر آثار این نویسنده می‌توان «کیش در آینه‌ها»، «آشتیان و زبان آشتیانی»، «شکارچی و کتابچی»، «بلبلستان» و ده‌ها اثر دیگر را نام برد (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۶۰۷).



ذکایی آشتیانی، مهدی (۱۳۲۲ خ)، فرزند میرزا هاشم و بانو فاطمه، کار روزنامه‌نگاری را

از ۱۵ سالگی در مجله اطلاعات کودکان آغاز کرد و سپس در مجله اطلاعات جوانان بکارس ادامه داد و بیشتر عمر خود را در این مؤسسه گذراند. او از دانشگاه تهران لیسانس روابط بین‌الملل گرفت و دانش روزنامه‌نگاری را در آمریکا تکمیل کرد. این نویسنده و روزنامه‌نگار برجسته ساکن آمریکا، مجله جوانان را به مدت چهار دهه پس از انقلاب ۱۳۵۷، در لس‌آنجلس منتشر می‌کند و از طرف شهردار لس‌آنجلس نماینده ایرانیان مقیم آمریکاست (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۸۱).



ذکایی ساوجی، مرتضی (۱۳۴۶ خ)، فرزند عباس، تحصیلات مقدماتی و دبیرستان را در **ساوه** گذراند و در دانشگاه علوم پزشکی تهران دندانپزشکی خواند. او هم‌زمان در محضر آیت‌اله شریعتمدار ساوجی علوم دینی خواند و در همین زمینه به مطالعه و تحقیق پرداخت و مقالاتی در کتب و مجلات علمی منتشر کرد. این نویسنده و فعال فرهنگی، مترجم «شهر ساوه» اثر ولادیمیر مینورسکی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۶۸).

ذوالانواری، سیدعبدالعلی (۱۳۳۴ خ)، تحصیلات مقدماتی و دبیرستان را در شیراز

گذراند و از سال ۱۳۵۳ در رشته فیزیک وارد دانشگاه **اراک** شد و هم‌زمان فعالیت‌های فرهنگی سیاسی را آغاز کرد و در اراک ماند. او ضمن دریافت دکترای فیزیک با گرایش ماده چگال، در دانشگاه اراک به تدریس پرداخت و هم‌اکنون عضو هیأت علمی این دانشگاه است. ریاست دانشگاه جامع علمی‌کاربردی اراک و ریاست دانشکده علوم دانشگاه اراک بخشی از سوابق



اجرایی این نویسنده دانشگاهی است. کتاب نظریه و فناوری ساخت افزارهای نیمه‌رسانا، پرواز از تپه‌های اوین، پیامبران کارآفرین و چند اثر ترجمه‌ای دیگر از آثار مکتوب اوست. وی هم‌چنین دارای ۳۴ عنوان مقاله علمی چاپ شده در مجلات معتبر خارجی نمایه شده در مؤسسه اطلاعات علمی (ISI) و ۵۳ مقاله در کنفرانس‌های داخلی و خارجی است.

ذوالفقاری، محسن (۱۳۴۲ خ)، فرزند جعفر و بانو کوکب، تا کلاس سوم را در دبستان

کافی تفرش و دو سال چهارم و پنجم را در مدرسه امیرکبیر اراک گذراند و دوباره با خانواده به تفرش بازگشت و تحصیلاتش را در مدرسه راهنمایی سعدی ادامه داد و از دبیرستان شهیدمطهری این شهر دیپلم گرفت. او در ادامه از مرکز تربیت معلم تهران لیسانس و از دانشگاه تربیت مدرس تهران کارشناسی‌ارشد و دکترا گرفت. کتاب‌های «از زهره تا بامداد خمار»، «از طبری تا حسابی»، نقد ادبی (تحلیل سیر نقد در ایران)، فرهنگ موسیقی شعر، اصول و شیوه‌های نقد ادبی، تقابل‌های دوگانه در نهضت عاشورا و هم‌چنین دهها مقاله علمی/ادبی از آثار نوشتاری دکتر ذوالفقاری است که بارها به‌عنوان پژوهشگر برتر استان و کشور شناخته شده است.



ذوالقدر، محمدابراهیم (۱۳۲۸ خ)، فرزند علی‌اکبر و بانو ذوالقدر، متولد غرق‌آباد

(ساوه)، تحصیلاتش را در دبستان ثریا و مدرسه اقبال گذراند و از دبیرستان جامی دیپلم گرفت. او پس از گذراندن دوره کارشناسی جنگلداری در وزارت کشاورزی استخدام شد و تا مسئولیت دفتر وزارتی پیش رفت. وی که علاقمند به موسیقی بود از سال ۱۳۴۲



ابتدا نزد پدرش و سپس منصور صارمی به یادگیری ردیف‌های آوازی پرداخت و در سال ۱۳۴۶ در آزمون آواز تلویزیون ملی، که حدود ۲۰۰۰ نفر حضور داشتند، شرکت کرد و در جمعی ۳۰ نفره پذیرفته شد و در یک دوره‌ی ۲ ساله در درس استادانی چون مرتضی حنانه، نصراله زرین‌پنجه، اسماعیل مه‌رتاش، محمود کریمی و حسین قوامی حضور یافت. او با خواندن سرود منابع طبیعی در سال ۱۳۴۷ به‌طور رسمی فعالیت‌های خود را با مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی سنتی ایران شروع و نخستین اثر خود را در همین سال با نام راز حیات با ارکستر بزرگ صدا و سیما اجرا نمود. او تا سال ۱۳۷۳ فعالیتش را در این مرکز به سرپرستی رضا شفیعیان و سیامک نصر ادامه داد و علاوه بر این، کنسرت‌هایی نیز در داخل و خارج کشور اجرا کرده و هم‌اکنون هم به تدریس آواز ایرانی مشغول است.

ذوقی، ابوالفضل (۱۲۹۸ خ)، فرزند علی، پس از سربازی و از سال ۱۳۱۹ به‌عنوان آموزگار مشغول به‌خدمت شد. مدیریت مدارس، نمایندگی فرهنگ بخش‌های مرکزی ساوه، ارزشیابی سپاه دانش و معاونت اداره

آموزش و پرورش ساوه و بسیاری فعالیت‌های اجتماعی دیگر در کارنامه شاعری است که با تخلص «ذوقی» غزل‌های خوبی سروده و نیز دوره دانشسرا و دارالفنون را هم پشت سر نهاده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۷۰).

ر

راد، احمد (۱۲۷۳-۱۳۶۳ خ)، فرزند میرزا بصیردیوان، تحصیلات مقدماتی را در **آشتیان**



گذراند و سپس به همراه خانواده به تهران رفت و تحصیلات خود را در مدرسه علمیه باغ نگارستان و آلیانس فرانسه ادامه داد. او سپس به تدریس در مدارس تهران و رشت پرداخت و در شهریور ۱۳۰۷ کفالت معارف خراسان و بعدها بازرس وزارت شد. این مترجم، ادیب و مدرس ملقب به بصیردیوان، یکی از مهجورترین چهره‌های ادبیات فارسی است که به دلیل دسترس نبودن و نایاب بودن آثارش، آن گونه که شایسته است در میان اهالی فرهنگ و ادبیات شناخته شده نیست و به سستی می‌توان دو یا سه مقاله یا شرح حالی از زندگی و آثار او یافت (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۰۰).

راد، علی اکبر (زندگی ۱۲۹۱ خ)، ملقب به باصرالسلطنه، فرزند میرزا حسین قوام دفترآشتیانی، پس از سلطنت محمدعلیشاه از کارگزاران وی شد. او که ابتدا از مخالفان مشروطه بود، بعد از خلع شاه، به جرگه طرفداران مشروطه پیوست و در سال ۱۲۹۱ کارگزار دارایی بروجرد شد و سپس به ریاست دارایی سیستم منصوب شد. او هم چنین دستی بر هنر موسیقی داشت و در نواختن تار از شاگردان ممتاز حسین‌قلی فراهانی موسیقی‌دان معروف بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۷).

رادفر، ابوالقاسم (۱۳۲۹ خ)، فرزند محمد، تحصیلات مقدماتی را در **تفرش** گذراند و از دبیرستان حکیم نظامی دیپلم گرفت. او سپس از در سال‌های ۱۳۴۷، ۱۳۵۳ و ۱۳۶۲ به ترتیب از دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه تهران لیسانس، فوق لیسانس و دکتری گرفت و به استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمد. همکاری در طرح فرهنگ و زبان‌شناسی، سرپرستی و اتمام فهرست قانون ادب (فرهنگ عربی-فارسی)، سرپرستی طرح فرهنگ خاورشناسان، تدریس در دانشگاه عثمانیه حیدرآباد و ریاست پژوهشگاه علوم انسانی در کنار انتشار ده‌ها مقاله علمی در نشریات داخلی و خارجی برخی از سوابق علمی اوست. دکتر رادفر هم‌چنین نویسنده بیش از ۱۴ عنوان کتاب است که فرهنگ‌واره داستان‌ونمایش، فرهنگ بلاغی-ادبی، حافظ‌پژوهان و حافظ‌پژوهی، کتاب‌شناسی نظامی گنجوی و... از آن جمله‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۸).

رادفر، مرتضی (۱۳۱۶-۱۳۹۵ خ)، فرزند شکراله و بانو منور، در نراق (**دلیجان**) به دنیا



آمد و تحصیلات ابتدایی را در دبستان نراقی گذراند و از دبیرستان بهبهانی دیپلم گرفت و در تربیت معلم تهران ادامه تحصیل داد. او در سال ۱۳۳۶ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و هم‌زمان با مسوولیت‌های فرهنگی، از سال ۱۳۴۶ و به مدت ۸ سال شهردار نراق

بود و خدمات شایانی در این پست به یادگار نهاد که موجب شد نراق چهره شهری به‌خود گیرد. در ۲۸ مرداد ۱۳۵۳ شهاب‌سنگی در دبیرستان معصومی فرود آمد که با تدبیر این شهردار فرهنگ‌دوست، امروز در موزه این شهر نگهداری و مورد بازدید گردشگرانی است که نراق، این دومین شهر تاریخی ایران را به‌عنوان مقصد گردشگری انتخاب می‌کنند که از هر دو حیث احیا و معرفی نراق به‌عنوان دومین شهر تاریخی ایران و بهره‌برداری درست و هوشمندانه از این شهاب‌سنگ که در شرایطی دیگر می‌توانست نادیده انگاشته شود، وی را به کارآفرینی با تدبیر و میهن‌دوست بدل کرد.

رادسر، اسماعیل (۱۳۲۰ خ)، متولد اراک، کارمند بازنشسته اداره ثبت اسناد اراک، از نیکوکاران دانشگاه اراک است که یک ساختمان در کوچه اوحدی را در سال ۱۳۸۶ خریداری و به دانشگاه هدیه نمود. این ساختمان هم‌اکنون به‌عنوان دفتر دکتر جمالیان نماینده مجلس، پذیرای مراجعان مردمی است. وی همچنین در احداث ساختمان جدید امور دانشجویی، فرهنگی و تربیت بدنی دانشگاه اراک مشارکت داشت.



راستین، محمد (۱۲۸۰-۱۳۶۹ خ)، فرزند آیت‌اله محمدعلی مجتهدی، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و علمای دیگر در حوزه علمیه اراک گذراند. او سپس متوسل به شیخ عبدالله حائری مازندرانی (رحمت‌علی‌شاه) شد و در زمان نورعلیشاه (قطب سلسله)، قدم در وادی سلوک نهاد و در خانه خویش حسینیه‌ای برای امامان طریقه فقرای گنابادی دایر کرد. این عالم دینی با لقب درویش رونق‌علی مقام شیخوخیت یافت و مریدان فراوانی در میان سلسله نعمت‌الهی در سراسر ایران داشت (محتاط، ۱۳۷۲: ۵۹).



راسخ، حمید (۱۳۴۹ خ)، شاعر، نویسنده، هنرمند خوشنویس، گرافیست، نوازنده و عکاس حرفه‌ای **زرنندی** است (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۷۲).

ربیعی، افسانه (۱۳۵۰ خ)، فرزند محمد و بانو ایران، دوران ابتدایی و راهنمایی را در اراک گذراند و از دبیرستان ایران‌دخت دیپلم گرفت. او سپس در رشته مهندسی علوم فلزات صنعتی دانشگاه شریف پذیرفته شد. او اکنون با درجه پروفیسوری در دانشگاه دولتی کارولینا تحقیق و تدریس می‌کند. این پژوهشگر و دانشمند برجسته موفق به اختراع یک نوع فوم فلزی شده که از آلومینیوم سبک‌تر است و آن‌را می‌توان از ۱۰۰ درصد فولاد و یا آلومینیوم و فولاد ساخت و به‌عنوان جایگزینی برای فلزهای سخت‌تر مانند تیتانیوم که در جراحی‌ها به‌عنوان بخش از دست رفته استخوان در بدن کاشته شده و اغلب به‌دلیل سختی زیاد پس زده می‌شوند، مورد استفاده قرار داد^۱.



۱. ربیعی می‌گوید: در دوره دبیرستان با یک تور دانش‌آموزی از یک شرکت صنعتی در اراک بازدید کرده و وقتی دیده فلز مذاب چگونه فرم می‌گیرد هیجان زده شده و از همان لحظه مسیرش را انتخاب نمود.

ربیعی، رضا (۱۳۳۱ خ)، فرزند غلامرضا و بانو صفیه، تحصیلات ابتدایی را در دبستان

محیط روستای موتاباد گذراند و از دبیرستان محمدرضا شاه (اراک) دیپلم گرفت. این نوازنده و مدرس نی و فلوت که از کودکی علاقه بسیاری به نی‌نوازی داشت، ابتدا با سازی پلاستیکی تمرین می‌کرد، سپس با ساخت یک نی فلزی، در مسابقات هنری مدارس در



سال ۱۳۵۰ شرکت و برای سه سال پیایی مقام نخست را به دست آورد و توانست در اردوی رامسر و در نخستین دوره آموزشی، زیر نظر استاد نسیمی شرکت نماید. استاد ربیعی با تشکیل گروه موسیقی دبیرستان های اراک تا سال ۱۳۵۵ همه برنامه‌های رسمی نهادهای دولتی و آموزشگاه‌ها را عهده‌دار شد و نخستین نی‌نواز اراکی است که این ساز را به‌صورت علمی آموخت. ایشان از سال ۱۳۶۲ و به‌پیشنهاد آقای محمد چاوشی، تدریس موسیقی را هم برای نخستین بار پس از انقلاب آغاز کرد و نیز در سال ۱۳۶۳ برای نخستین بار پس از انقلاب به‌همراه آقایان خوش‌الحان، خوش‌آواز، مهدی صفری و محمدی در دانشگاه اراک، برنامه موسیقی اجرا کرد.

ربیعی، سعید (۱۳۶۴ خ)، فرزند رضا، پس از تحصیلات مقدماتی و دریافت دیپلم ریاضی -

فیزیک، از دانشگاه پیام‌نور اراک در سال ۱۳۸۸ مهندسی کامپیوتر گرفت. او که به خوشنویسی علاقه‌مند بود و در این مسیر گام‌های استواری در آموزش خط برداشت، توانست علاوه بر کسب چندین مقام در مسابقات دانش‌آموزی، در مسابقات انجمن خوشنویسان اراک



در سال ۱۳۷۹ با موضوع امام علی برگزیده شود. او در کنار خوشنویسی به موسیقی و سرودن شعر هم علاقه‌مند است و طبعی روان دارد و اشعاری عمدتاً در قالب رباعی، دوبیتی و غزل سروده و می‌سراید (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

ربیعی، فریدون (۱۳۴۹ خ)، فرزند غلامرضا، متولد اراک، پس از دریافت دیپلم،

تحصیلاتش را تا سطح کارشناسی‌ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی در دانشگاه آزاد تهران و خوراسگان پی گرفت و هم‌زمان به هنر خوشنویسی روی آورد. آثار استاد ربیعی در نمایشگاه‌های متعددی به نمایش درآمده و همواره تحسین و تمجید مخاطبین و اهل فن را به دنبال داشته که برخی از فعالیت‌ها و افتخارات وی عبارتند از: حضور در نمایشگاه جهان اسلام، حضور در نمایشگاه امام و کسب دیپلم افتخار، منتخب نمایشگاه قرآن کریم، برپایی نمایشگاه انفرادی در اراک در سال ۱۳۸۳، برپایی نمایشگاه انفرادی در موزه رضا عباسی در سال ۱۳۸۴ و...



ربیعی مطمئن، زهره (۱۳۳۶ - ۱۴۰۳ خ)، اهل اراک، مشهور به زهره حمیدی، در ۱۶ سالگی

ازدواج کرد و به مدت دو سال مدیر مهد کودک بود. او به توصیه منیژه حکمت دوست همشهری‌اش وارد حرفه بازیگری شد و در سال ۱۳۷۱ با فیلم دلاوران کوچه دلگشا به



کارگردانی حسن هدایت رسماً کار حرفه‌ای خود را آغاز کرد. این بانوی سینماگر، در فیلم‌های بسیاری از جمله دختر دیروز، رستاخیز، دیوودلبر، ورود آقایان ممنوع و ده‌ها اثر دیگر نقش‌آفرینی کرده است.

رتک ساوجی (قرن...)، کشتی‌گیر و پهلوانی که به بیشتر شهرهای جهان سفر کرد و با همه پهلوانان نامدار کشتی گرفته و همواره پیروز بوده و هرگز شکست نخورده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۷۳).

رجایی، فرهنگ (۱۳۳۱ خ)، متولد روستای خسیبجان (**خنداب**)، تحصیلات مقدماتی را

در زادگاهش گذراند و چندماهی نیز به روستای اسکان رفت و سپس راهی اراک شد و در دبستان طلوعی و دبیرستان پهلوی تحصیل کرد و در سال ۱۳۴۹ دیپلم گرفت. او سپس دوره کارشناسی را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران گذراند و کارشناسی ارشد و دکتری خود را نیز در آمریکا به‌پایان برد و به‌مدت یک دهه در ایران تحقیق و تدریس کرد و سپس به‌عضویت هیأت علمی دانشگاه کارلتون درآمد. او همچنین در دانشگاه‌های شهیدبهشتی، امام صادق و تربیت مدرس در ایران و دانشگاه‌های ویرجینیا و ایالتی شانی اوهایو در آمریکا، هامبولت آلمان و آکسفورد انگلستان تدریس و تحقیق کرده است. ایشان از محضر استادان بزرگی مانند حمید عنایت و در آمریکا کنت دابلیوتامپسن و اینیس کلا، بهره‌مند شده است. کتاب‌خوانان ایران با آثار تألیفی، ترجمه، مقالات و مصاحبه‌های این نویسنده برجسته آشنا هستند و به‌خوبی می‌دانند که دغدغه اصلی رجایی، مطالعه وضع بشر و چگونگی انسانی‌عمل کردن و «انسان‌ورزی» است (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۶۰).



رجبی، فاطمه (۱۳۸۰ خ)، فرزند عبدالرضا و بانو مریم، با حمایت پدر و مادر در مسیر

ادبیات قدم نهاد و در دوره متوسطه اول به‌واسطه‌ی تشویق خانم ساریخانی (دبیر انشا)، به شعر نو علاقه‌مند شد. او سپس با همراهی دوست نزدیکش خانم عادلہ رحیمی، تصمیم به تلفیق روح هنری خویش گرفته و با تخلص «غریبه آشنا» به‌طور مشترک شروع به



نوشتن کرده و کتاب «به رنگ شب» نخستین تجربه نوشتاری این دو نویسنده جوان **اراک**ی است.

رجایی، فضل‌اله (قرن ۱۳)، فرزند حسین و عموی مادر امام‌خمینی است که برای

دادخواهی قتل پدر امام به اراک و سپس تهران رفت. او که به علوم ریاضی و عربی تسلط داشت، صاحب مکتب‌خانه‌ای در **خمین** بود و امام‌خمینی، محمدی‌ها، پسران سالار محتشم و محمدصادق سرمدی از شاگردان او بوده‌اند. این عالم دینی هم‌چنین از بنیان



گذاران فرهنگ نوین خمین به‌شمار می‌رود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۱۵).

رجبی ترخورانی، محمد (۱۳۳۱-۱۳۷۲ خ)، فرزند ولی، تحصیلات مقدماتی را در **تفرش**

گذراند و در سال ۱۳۵۶ از دانشگاه تهران فوق‌لیسانس ریاضی گرفت و به‌عنوان مربی در همان دانشگاه شروع به‌تدریس کرد. با آغاز دوره دکترای ریاضی در کشور در سال ۱۳۶۷، در دانشگاه تهران پذیرفته شد و ضمن انجام خدمات آموزشی، در سال ۱۳۷۲ به‌عنوان نخستین دکترای ریاضی با رتبه ممتاز از این دانشگاه دانش‌آموخته شد. آشنایی با ریاضیات جدید، جبر و آنالیز، حدود و پیوستگی، ترجمه کتاب جبر خطی^۱ برخی از آثار این نویسنده دانشگاهی است (حیدری، ۱۳۹۹: ۹۵).

**رجبی، مهدی (۱۳۵۹ خ)،** فرزند داود و بانو نسرین، اهل **خمین**، دانش‌آموخته سینما از

دانشکده صداوسیما و ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه تربیت مدرس است که وارد دنیای کودک و نوجوان شده و برخی از آثار نوشتاری او در این حوزه عبارتند از: «معمای دیوانه کله‌آبی»، «یوناتارا گم شده»، «گریه نکنید مثل ابر باهار»، «خاطرات چوپان چاق» و دو رمان «لولو شبها گریه می‌کند» و «کنسرو غولم»، «فراموشان این زمستان»، «معمای دیوانه کله‌آبی»، «خاطرات چوپان چاق»، مجموعه‌ی ۵ جلدی «قصه‌های عجیب برای بچه‌های عجیب‌غریب» و...

**رجبی ترخورانی، محسن (۱۳۶۴ خ)،** که دو کتاب «نخست‌وزیران ایران» و «رجال تاریخ‌ساز تفرش»

از نوشته‌های این نویسنده‌ی **تفرشی** است.

رجبی فروتن، سعید (۱۳۳۹ خ)، فرزند اکبر و بانو زهرا، تحصیلاتش را در دبستان

آذرهوش و راهنمایی نادرشاه **اراک** گذراند و از دبیرستان صمصامی دیپلم گرفت و در رشته گفتاردرمانی وارد دانشگاه توانبخشی شد، ولی این رشته را رها کرد و زیر نظر استادان برجسته و به‌صورت آزاد وارد حوزه سینما شد. او در دانشگاه آزاد اراک زبان و ادبیات فارسی خواند و سپس در دانشگاه پیام‌نور ارشد مدیریت رسانه گرفت. مدیر مؤسس اداره شبکه نمایش خانگی و نیز معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی از آخرین مسوولیت‌های اداری اوست. فناوری‌های نوین سینمایی، از چله تدبیر رها شد، در مسیر سینمای ملی، با دست‌های می‌خوانمت، مجموعه فیلم‌نامه معاونت امور سینمایی وزارت فرهنگ و نیز تاریخ مطبوعات در استان مرکزی هم از آثار نوشتاری این نویسنده سینمایی است.

**رحمانی، حامد (۱۳۶۵ خ)،** متولد **ساوه**، در سال ۱۳۸۰ و با ساز گیتار به عرصه موسیقی

وارد شد و سبک‌های مختلف گیتار را زیر نظر استادانی چون احسان صادقی، ایمان حریری، آرش رهنمون، مهدی محقق، اسماعیل اسفندیاری، سهیل بیانی‌مهر و محمود رحمانی فرا گرفت و توانست هم‌زمان با تحصیل مهندسی مکانیک، همکاری مؤثری با گروه‌های موسیقی نظیر پاییز، استاد صبا، آرت‌من و ارکستر سمفونیک ارشاد داشته باشد. او تدریس موسیقی را از سال



^۱. برگزیده دوازدهمین دوره کتاب سال ۱۳۷۳ در موضوع علوم خالص

۱۳۸۵ آغاز نمود و با آموزشگاه‌های موسیقی نظیر آوای مهر، سفیر هنر، چارگان، رهام، دل‌انگیزان، بتهوون، کانون پرورش فکری و... را در شهرهای ساوه، تهران و پرند همکاری کند. از دیگر فعالیت‌های او می‌توان به تألیف ۵ عنوان کتاب در زمینه موسیقی، برگزاری ۵ دوره رسییتال^۱ و مستر کلاس^۲ برای هنرجویان و ده‌ها اجرای رسمی اشاره کرد.

رحمتعلی، یداله (۱۳۲۹ خ)، فرزند ولی‌اله و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در دبستان آذرهوش و دبیرستان مجیدی گذراند و از دبیرستان صمصامی دیپلم گرفت. فوق‌دیپلم روزنامه‌نگاری و بازنشسته روزنامه اطلاعات، یکی از قدیمی‌ترین خبرنگاران **اراک** که همکاری با نشریه نامه اراک به مدیرمسئولی زنده‌یاد سیدباقر موسوی و نیز همکاری با زنده‌یاد ابوتراب جلی از افتخارات اوست. از دیگر سوابق این فعال اجتماعی، خبرنگار در حوزه فرهنگ‌وهنر اعم از نمایش‌وتئاتر (بازیگر، نمایشنامه‌نویس و کارگردان) و در حوزه ورزش، قهرمان وزنه‌برداری آموزشگاه های کشور در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱، داور ملی وزنه‌برداری و هم‌اکنون نویسنده و خبرنگار روزنامه کیهان، خبرنگار و سرپرست خبرگزاری ایبنا (حوزه کتاب) و مسئول پایگاه خبری هاناخبر است.



رحمتی، علی (۱۳۶۹ خ)، فرزند رضا، اهل روستای منبجان خرقان (**زوندیه**)، از کودکی ذوق عجیبی در نوشتن شعر داشت و درکوه‌های زیبای روستا با صدای زیبا می‌خواند. او تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و دبیرستان را در روستاهای هم‌جوار گذراند و به ساوه مهاجرت کرد. با قبولی در رشته زبان‌وادبیات فارسی، هم‌زمان در حوزه علمیه هم ادبیات عرب و فقه و اصول و مبانی دینی و فلسفی خواند و نخستین مجموعه شعر خود را به‌خاطر علاقه‌مندی به زادگاهش «فریادهای دهکده» نامید.



رحمتی، مجید (۱۳۵۶ خ)، زاده کرهرود (**اراک**)، از بازیگران توانمند تلویزیون و سینما است که فعالیتش را در تلویزیون از سال ۱۳۸۹ شروع کرد. این سینماگر در سریال عقیق، دیوار شیشه‌ای، عملیات ۱۲۵، بچه‌های نسبتاً بد و کارتن‌خواب ایفای نقش کرده و کتاب «قهروآشتی» نیز نوشته اوست در کسوت نویسنده.



۱. recital اجرای موسیقی آوازی یا سازی (بی‌کلام) توسط یک نوازنده (گاهی همراه با پیانو) یا اجرایی از کارهای یک آهنگساز گفته می‌شود.

۲. Master Class کلاسی است که توسط متخصص یک رشته برای دانشجویان سطح حرفه‌ای ارائه می‌شود.

رحمتی، یاسمین (۱۳۶۶-۱۴۰۳ خ)، فرزند داریوش و بانو سهیلا، تحصیلات مقدماتی را

در دبستان متین اراک گذراند و از دبیرستان پژوهش دیپلم گرفت. این کارشناس نوازندگی ساز ایرانی از دانشگاه تهران، فراگیری سنتور را نزد استادان ناصر شهرپسند، سعید ثابت و نزهت امیری آغاز کرد و ردیف میرزاعبداله و شیوه سنتور نوازی قدما (حبیب سماعی) را نزد استاد مجید کیانی و ردیف نوازی را هم در مکتب‌خانه میرزاعبداله نزد استاد محمدرضا لطفی فراگرفت. آهنگ‌سازی و سرپرستی گروه موسیقی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کسب مقام در استان، اجرا در فرهنگسرای آینه اراک در مراسم یادبود استاد ناصر شهرپسند، آهنگ‌سازی و اجرای کنسرت همراه با گروه آوای کهن، اجرا در کنسرت تجربی دانشگاه تهران، اجرای کنسرت در دانشگاه شریف، آهنگ‌سازی و ضبط آلبوم «نهان» به‌خوانندگی حسین علیشاپور و به‌یاد استاد محمدرضا لطفی برخی از آثار اوست.



رحمتی کرهرودی، فرهاد (۱۳۴۲ خ)، فرزند علی و بانو پریوش، تحصیلاتش را در دبستان

اقبال‌آشتیانی و راهنمایی نادرشاه اراک گذراند و از دبیرستان محمدرضاشاه پهلوی دیپلم گرفت. او که علاقه‌مند به هنر بود در این مسیر گام نهاد و از سال ۱۳۶۰ تا امروز به‌صورت جدی و حرفه‌ای درحوزه نمایش کودک و نوجوان فعال است و تاکنون نزدیک به ۶۰ نمایش عمومی اجرا کرده و در جشنواره‌های مختلف شرکت داشته است. این هنرمند از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موفق به دریافت درجه هنری فوق‌دیپلم کارگردانی شده و به‌عنوان پیشکسوت تئاتر کودک و نوجوان شناخته می‌شود. او همچنین کارت صلاحیت تدریس در آموزشگاه بازیگری دارد و سرپرست گروه هنری پیام و مدیر مؤسس نخستین آموزشگاه تخصصی بازیگری کودک و نوجوان است که در سال ۱۳۹۶ و با نام پیام به ثبت رسیده است.



رحیمی، پاییز (۱۳۵۳ خ)، فرزند جعفر و بانو طاهره، تحصیلاتش را در دبستان عصمت

و راهنمایی طریق‌الاسلام گذراند و از دبیرستان الزهرا دیپلم گرفت. این بانوی شعر و ادبیات در دانشگاه اراک، ارشد زبان و ادبیات فارسی خواند و شاعری است که مجموعه اشعار «طوفان بی‌ملاحظه»، «دریا در آبکش»، «این همه گنجشک» و فیروزه (اشعار آیینی شاعران دلیجان) را منتشر کرده و یادداشت‌های بی‌سرنوشت (نثر) او به چاپ دوم رسیده و دفتر «حالی دگر» را هم در دست انتشار دارد.



رحیمی، حسن (۱۳۴۷ خ)، فرزند غلامعباس و بانو مرضیه، تحصیلاتش را در روستای

خیرآباد گذراند و از اراک دیپلم گرفت و از سال ۱۳۸۰ تاکنون تحقیق و پژوهش درباره پیشینه مشک‌آباد را انجام داده که در دست چاپ است. وی چندین داستان و رمان نوشته و کتاب «محبوب من پدر» توسط بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس به چاپ رسیده است.



رحیمی، سیدمهدی (۱۳۵۵ خ)، فرزند مرتضی، هم‌زمان با تحصیل، مقدمات خوشنویسی و مراحل تکمیلی این هنر را در **اراک** و در محضر استاد محمود پورهادی و استاد فتحعلی واشقانی گذراند و گواهینامه ممتاز دریافت کرد. او که در اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اشتغال دارد، هم‌زمان به تدریس خوشنویسی مشغول است و برخی از آثار خود را هم در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی به نمایش گذاشته و هنر گچ‌بری سنتی را هم از استاد بصیرت‌نژاد فرا گرفته و در این رشته هم آثاری دارد (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۰۴).



رحیمی، شاپور (۱۳۲۶ خ)، اهل ابراهیم‌آباد (**اراک**) و شاگرد استادان مهرتاش، محمود کریمی و ادیب خوانساری و نیز دانش‌آموخته هنرستان موسیقی در رشته عودنوازی است. ایشان ضمن تدریس آواز و حفظ، اشاعه و تربیت شاگردان بسیار، در زمینه اخلاق و مهربانی هم زبان‌زد است.



رحیمی، عادل (۱۳۸۱ خ)، فرزند محمود و طیبه‌سادات، از همان دوران کودکی شیفته‌ی رویاپردازی در سرزمین داستان بود و در دوره متوسطه اول به واسطه‌ی تشویق خانم ساریخانی (دبیر انشا) و حمایت خانواده، انگیزه‌ای دوچندان برای نوشتن یافت و به شعر نو علاقه‌مند شد. او سپس با همراهی دوست نزدیکش خانم فاطمه رجبی، تصمیم به تلفیق روح هنری خویش گرفته و با تخلص «غریبه آشنا» به‌طور مشترک شروع به نوشتن کرد و کتاب «به‌رنگ شب» نخستین تجربه نوشتاری این نویسنده جوان **اراک**ی است.

رحیمی، محمد (۱۳۴۹ خ)، فرزند عزت‌اله و بانو عذرا، دوران تحصیل را در دبستان دکتر شریعتی، راهنمایی انقلاب و ولی عصر گذراند و از دبیرستان علامه طباطبائی **دلیجان** دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه تهران کارشناسی فلسفه خواند و به تحصیلات دینی پرداخت. طرایف‌الحکم (شعر ۴۰ حدیث نهج‌البلاغه به‌گویی راجی)، حد ترخص (سفرنامه نجف و کربلا)، پنج منهای یک (رباعی)، هدیه سلیمانی (سفرنامه ادبی) و زنجبیل راجی (چکیده پایان نامه سطح ۳ حوزه) از آثار اوست.

رحیمی، مهدی (۱۳۶۰ خ)، فرزند جعفر و بانو طاهره، تحصیلاتش را در دبستان شهیدمطهری و راهنمایی امیرکبیر گذراند و از دبیرستان علامه طباطبائی **دلیجان** دیپلم گرفت. او که شغل آزاد دارد در دانشگاه پیام‌نور زبان و ادبیات فارسی خواند و یکی از نویسندگان مطرح دلیجان است. ارواح در ترخیص، رقص بر پل چینود، انار پایه‌ماه، تنهایی دسته‌جمعی، بین‌الغزلین، مراعات بی‌نظیر و همچنین کتاب «رأس ساعت صد» را در کارنامه دارد.



رحیمی‌ساوجی، احمد (قرن...)، از اهالی روستای کمال‌لو (**ساوه**) است که ضمن تبحر در موسیقی، در فن ساختن و بویژه نواختن ساز محلی چُگور هم تبحر خاصی داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۷۳).

رزازی، حسین (۱۳۷۱ خ)، از سال ۱۳۸۲ آموزش ساز گیتار را آغاز و شاگرد امید دانشور بوده و در جشنواره‌های موسیقی **ساوه** شرکت و مقام دوم و سوم کسب کرده و دارای آموزشگاه موسیقی است.

رزاقی مصرقانی، اکبر (۱۲۹۹ خ)، فرزند اکبرخان، در روستای مصرقان خرقان (**زرنديه**) متولد شد و ابتدا در مکتب‌خانه همین روستا نزد ملاآقاعلی هوشیار و سپس در روستای وسمق از محضر شیخ عبدالکریم مروج بهره برد. او که ذهنی مستعد در فراگیری علوم و شعر و شاعری داشت، از سال ۱۳۱۵ سرودن را آغاز کرد. ایشان که به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفت، کتاب برنامه درسی انجمن‌های جامعه تعلیمات قرآن به‌نگارش هاشم هریسی را هم با خطی خوش کتابت کرده و دو کتاب «گلزار حسینی» و «انقلاب» هم از همین شاعر و نویسنده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۷۴).

رزمی، جهانگیر (۱۳۲۶ خ)، عکاس برجسته اهل **اراک** و برنده جایزه بین‌المللی پولیتزر، پس از پایان تحصیلات و خدمت سربازی، به‌استخدام روزنامه اطلاعات درآمد. نام جهانگیر رزمی هم‌چنین با عکس مشهورش از اعدام در کردستان پیوند خورده و او پس از سال‌ها پنهان ماندن هویت عکاس، در روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۶، جایزه خود را طی مراسمی در دانشگاه کلمبیا دریافت کرد^۱.



رساله‌پور، علیرضا (۱۳۵۲ خ)، فرزند محمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در **اراک** گذراند و پس از پایان تحصیلات دانشگاهی، از سال ۱۳۷۲ به‌مدت ۴ سال در سمت مدیر امور هنری در بنیاد جانبازان استان مرکزی خدمت کرد و سپس در بانک سپه مشغول بکار شد. وی پس از طی دوره ممتاز در رشته خوشنویسی، در سال ۱۳۸۴ موفق به دریافت درجه فوق‌ممتاز انجمن خوشنویسان ایران شد. ایشان در سال ۱۳۹۶ به‌ریاست انجمن خوشنویسان استان مرکزی انتخاب شد.



رستم‌پور، فرهاد (۱۳۴۰ خ)، متولد **اراک**، از نوجوانی به هنر نقاشی علاقه‌مند شد و در دوره دبیرستان اصول اولیه مینیاتور را فرا گرفت و توانست مقام نخست رقابت‌های هنری آموزشگاهی در پنج‌سال متوالی را بدست آورد. نخستین استاد او سید رضا میری بود و سپس شاگرد فرشچیان شد و تنها هنرمندی است که در زمینه هنر نگارگری ایرانی در استان مرکزی فعالیت دارد (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۴۱).



۱. رزمی در سن ۱۰-۱۲ سالگی دوستی داشت به‌نام بهروز طاهری که عاشق دختری به‌اسم بدری بود که وقتی با مخالفت خانواده دختر روبرو شد، با تفنگ شکاری و در اقدامی احساسی، بدری را مورد هدف قرار داد. این حادثه دقیقاً نزدیک محل عکاسی عموزاده رزمی اتفاق افتاد و او این صحنه را دیده و از پیکر دختر که در کف خیابان افتاده بود، عکس گرفت و به روزنامه اطلاعات فرستاد که به‌نام خود او چاپ شد.

رستمی، جعفر (۱۳۶۴ خ)، نوازنده و مدرس ویولن و مدیر آموزشگاه که چند ارکستر را با سالار عقیلی کار کرده و در کارهای علمی و آکادمیک فعال است. او در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ مقام نخست موسیقی را در **ساوه** بدست آورده است.

رستگاری، مهدی (۱۳۵۶ خ)، شاعر اهل آسیابک (**زرنديه**) است که دو مجموعه شعر و چند اثر مهندسی دارد و اینکه دانش آموخته ارشد مدیریت اجرایی است (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۵۶).

رستمی، خان باباییک (قرن ۱۳)، فرزند امان‌اله و نوه رستم‌خان، از اهالی **خمین**، در زمان ناصرالدین‌شاه به‌عنوان یک کارگزار، مسوولیت لشکری داشته و پس از فوت او اختلافات خانوادگی در طایفه رستم‌خان بالا گرفت و باعث تضعیف این خانواده شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۳۰).

رستمی، علی (۱۳۲۴ خ)، فرزند علی‌اکبر، اهل **خمین**، تحت تعلیم حسین قوامی، عطاءاله زاهد و اسماعیل مهرتاش بود و به‌مدت سه سال با هنرمندانی چون محمدرضا شجریان و وفایی در کلاس آواز شرکت می‌کرد. او هم‌چنین موسیقی سنتی را زیر نظر حنانی، نصراله زرین‌پنجه، حسین قوامی و محمود کریمی آموخت، سپس همراه با کمانچه اصغر بهاری و سایر هنرمندان برنامه‌هایی را در رادیو و تلویزیون اجرا کرد و شعرای بزرگی چون مشفق کاشانی، جواهرجوی و مهدی سهیلی برای او ترانه ساختند. علی رستمی با هنرمندان بزرگی چون اصغر بهاری، رضا ورزنده، جواد لشکری، جهانگیر ملک و امیرناصر افتتاح، همکاری داشته است. او ابتدا کارمند شهرداری تهران بود، سپس به مرکز سرودآهنگ‌های انقلابی منتقل شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۲۷).



رستمی، مرتضی (۱۳۷۴ خ)، فرزند عباس و بانو شهناز، معلم، نویسنده و پژوهش‌گر حوزه تعلیم و تربیت است که از دبیرستان امام علی **اراک**، دیپلم ریاضی گرفت و از دانشگاه فرهنگیان کارشناسی و از دانشگاه اراک نیز در سال ۱۳۹۹ فوق‌لیسانس دریافت کرد. کتاب درآمدی بر تدریس و یادگیری در کلاس‌های چندپایه مشهورترین اثر اوست که در دانشگاه فرهنگیان اراک تدریس می‌شود. وی هم اکنون به‌عنوان دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه فرهنگیان و دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان استان و عضو «کمیته تحقیق و پژوهش» آموزش و پرورش استان مشغول خدمت است که بارها به‌عنوان عضو یا داور کمیته علمی کنفرانس‌ها حضور داشته است. وی دارای بیش از ۴۰ عنوان مقاله ملی و بین‌المللی مرتبط با آموزش و پرورش و تربیت کودک است.

رسولی، حجت‌اله (۱۳۴۲ خ)، فرزند محمد و بانو مرضیه، تحصیلاتش را در دبستان شاپور و راهنمایی داریوش گذراند و از دبیرستان شهیدبهشتی **اراک** دیپلم گرفت. او که به طراحی و نقاشی علاقه بسیار داشت، از فرهنگسرای نیاوران در همین رشته فوق‌دیپلم گرفت و در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استخدام شد. وی که مسوولیت اجرای کلاس‌های آزاد



هنری را عهده‌دار بود، ضمن برگزاری ده‌ها نمایشگاه فردی و گروهی، آموزش طراحی و نقاشی خردسالان را هم برعهده داشت. از جمله مهمترین کارهای این هنرمند، طراحی بیش از ۱۷۰ چهره از شخصیت‌های برجسته استان است که در کتاب نام‌های ماندگار (غلامعلی ولاشجردی فراهانی) مورد استفاده قرار گرفته و همچنین طراح صدها آرم، نشان و لوگو برای سازمان‌ها و مؤسسات مختلف بوده است.

رسولی، مرتضی (۱۳۵۴ خ)، متولد روستای قره‌کهریز (خمین)، فرزند علی، تحصیلات

ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه و روستاهای اطراف گذراند و پس از دریافت دیپلم از خمین، در سال ۱۳۷۴ وارد مرکز تربیت معلم شد و با مدرک فوق‌دیپلم به معلمی پرداخت. او هم‌زمان ادامه تحصیل داد تا در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه اراک لیسانس و از دانشگاه لرستان فوق‌لیسانس



گرفت. دو کتاب «شبنم ایمان» و «گوهرنامه» از اوست.

رسولی اراکی، محمدعلی (۱۳۰۸ خ)، تحصیلات دینی خود را در اراک و قم گذراند و از محضر آیات مجاهدی، سلطانی، فکور، بروجردی، شریعتمداری، گلپایگانی و دیگران بهره جست. این عالم دینی علاوه بر آثار خیریه متعدد در نقاط مختلف کشور، آثار قلمی زیادی هم دارد که از آن جمله‌اند: رساله‌ای در لزوم وفای به عهد، تصحیح و نشر کتاب تحفه‌الشاهیه از قاضی عبدالخالق کرهرودی همراه با مقدمه محققانه. شرح حال تفصیلی این عالم دینی در کتاب «گنجینه دانشمندان» بیان شده است.

رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۰۸ خ)، فرزند سیدحسین، از علما و نویسندگان معاصر،

تحصیلات ابتدایی را در محلات گذراند و در قم از محضر استادانی چون آقا رحمن محلاتی، صدوقی، نورالهی اصفهانی، مطهری، مجاهد تبریزی، سید محمدباقر طباطبائی بروجردی و امام خمینی کسب علم کرد. او پس از انقلاب به نمایندگی امام در سازمان مسکن منصوب شد. این عالم دینی ۹۰ عنوان تصحیح، ترجمه و تألیف دارد که برخی از آنها عبارتند از: تصحیح و پاورقی مرآة العقول علامه مجلسی در ده جلد، تصحیح اثبات‌الهدایه شیخ عاملی در هفت جلد، تصحیح و پاورقی مناقب شهر آشوب محمدحسین دانش آشتیانی، تاریخ تحلیلی اسلام در چهار جلد و... (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۱۱).



رشادی، علی اکبر (۱۳۳۵ خ)، زاده علیشار خرقان (زرنديه)، تحصیلات حوزوی تا خارج

فقه و اصول دارد و درس استادانی چون دکتر بهشتی و مرتضی مطهری را درک کرده و از درس خارج فقه و اصول آیات وحیدخراسانی، علی مشکینی، منتظری و... بهره برد. این عالم دینی حدود ۳۰ اثر منتشر شده و مجموعه شعر دارد و علاوه بر این، سرپرست تدوین کتاب «دانشنامه امام علی» بوده است. تلویحات، حریت‌ومدارا، خشونت‌ومدارا، دموکراسی قدسی و... برخی از آثار نوشتاری اوست. وی همچنین عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، مؤسس، عضو و رئیس هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ‌واندیشه اسلامی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم است (چراغی، ۱۳۹۵: ۵۸۵).



رشیدی، عباس (۱۳۰۰-۱۳۷۲ خ)، فرزند مصطفی، در **آشتیان** زاده شد و زندگی ادبی خود را با نگارش مقالاتی در مجلات مشیر، خواندنی‌ها و روزنامه‌های کسری، ستاره قطب و آتش آغاز کرد. وی هم‌چنین مقدمه‌ای بر تاریخ بروجرد نگاشته و ریاست دارایی شهرهای اراک، بروجرد و تربت حیدریه را در کارنامه شغلی دارد و به‌عنوان یک شاعر «بدر» تخلص می‌کرد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۳۰).

رشیدی‌آشتیانی، مهدی (۱۳۱۱ خ)، فرزند غلامحسین، در سال ۱۳۲۵ وارد نیروی هوایی شد و سپس به دانش‌سرای عالی راه یافت و به‌تحصیل شیمی پرداخت. کتاب‌های چاپ شده او به‌عنوان نویسنده عبارتند از: شش کتاب در یک کتاب، ادعیه امام سجاد، طب‌الائمه، داروهای گیاهی و گیاهان دارویی، کتاب اول، سرگذشت دوازده امام و چهارده معصوم و آثار متعدد دیگر (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۹۸).

رضازاده‌محلاتی، جعفر (درگذشته ۱۳۴۴ خ)، فرزند محمدرضا، در سال ۱۲۵۳ به روسیه رفت و به آموختن زبان روسی پرداخت و در یکی از مدارس روسیه مشغول تدریس شد. ایشان سرپرست دانشجویان ایرانی مقیم روسیه بود و در کسوت نویسنده تألیفاتی دارد که عبارتند از: کتاب محاوره فارسی، کتاب صرف ونحو فارسی/روسی، پهلوی‌نامه و نیز کتاب تاریخ منظوم ایران (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۸۵).

رضازاده‌محلاتی، فاطمه (۱۲۸۱-۱۳۲۶ خ)، ملقب به فاطمه‌سیاح، فرزند میرزا جعفرخان، زاده مسکو، تحصیلات متوسطه و عالی را در آن‌جا گذراند و در دانشکده ادبیات مسکو، دکترای ادبیات اروپایی گرفت و به مدت ۴ سال در دانشگاه مسکو سمت استادی داشت. او در سال ۱۳۱۱ به ایران آمد و از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۶ در دانشگاه تهران به‌تدریس «زیبایی سنجی»، «سخن‌سنجی»، «ادبیات فرانسه» و نیز زبان‌های غربی پرداخت. او هم‌چنین از بنیانگذاران کانون بانوان در وزارت فرهنگ بود و **نخستین** بانویی است که به استادی دانشگاه در ایران رسید. او ضمن عضویت در هیأت مدیره انجمن روابط فرهنگی ایران‌وشوروی، انستیتو ایران‌وانگلیس، کمیته مرکزی سازمان زنان ایران، نخستین کنگره نویسندگان ایران و ده‌ها سمت دیگر علمی فرهنگی را هم در کارنامه دارد و سیمین دانشور از جمله شاگردان اوست. از آثار این نویسنده دانشگاهی می‌توان به سنجش ادبیات زبان‌های خارجه، مجموعه مقالات، ترجمه‌های سیاح و... اشاره کرد (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۸۹).



رضایی، ابوتراب (۱۳۴۴ خ)، فرزند محمدعلی، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش روستای رازان (**خمین**) گذراند و از دبیرستان مصطفی‌خمینی (**خمین**) دیپلم گرفت. او سپس وارد دانشگاه هنر شد و از این دانشگاه لیسانس گرفت و نقاشی را که از کودکی در دل‌وجانش ریشه دوانده بود ادامه داد و در نمایشگاه‌های مختلف از جمله نمایشگاه خمین، تهران، باکو (آذربایجان) با ۱۲۰ اثر هنری شرکت کرد. «رنگ‌شناسی»، «بازنویسی طراحی لباس»، «آموزش



مکاتبه‌ای طراحی، «مبانی مقدس در طبیعت و هنر» و راهنمایی چندین رساله دانشجویی از آثار این هنرمند خمینی است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۳۱).

رضایی، افسانه (۱۳۳۷ خ)، اهل **تفرش**، هنرمند موسیقی، خواننده و شاگرد تفرشی استاد محمود کریمی و نوه ضیالذاکرین (استاد بنان) است.

رضایی، پناه‌برخدا (۱۳۵۶ خ)، اهل **شازند**، کارگردان، نویسنده و عکاس ایرانی است که در مقام کارگردانی آثاری چون دختر...پدر...دختر، گهواره‌ای برای مادر و فیلم چراغی در مه را خلق کرده است. او هم اکنون ساکن کانادا است.^۱



رضایی، حسین (۱۲۸۸-۱۳۷۲ خ)، معروف به بلال، فرزند جعفرقلی و بانو خدیجه، متولد روستای بازرجان (**تفرش**)، پس از تحصیلات مقدماتی، دوره خوشنویسی را هم گذراند و مدتی از محضر استاد امیرالکتاب (ملک‌الکلامی) بهره برد و به یکی از خطاطان ارزنده کشور تبدیل شد. این کارگزار ابتدا در دبیرستان دارالفنون (فرخی) و پس از استخدام رسمی در وزارت فرهنگ، در دبیرستان‌های هدف به آموزش خط پرداخت و علاوه بر این در وزارت کشور به سمت فرمان‌نگار و در وزارت دادگستری با عنوان کارشناس امضا و خط فارسی خدمت کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۹۷).



رضایی، زهرا (۱۳۳۶ خ)، فرزند ابراهیم، در یک خانواده **محلاتی** در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۱۳۵۵ در دانشکده پزشکی پذیرفته شد. او در سال ۱۳۶۸ بورس تخصصی خود را در زمینه جراحی زنان و زایمان گذراند و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران شد و فلوشیپ IVF دانشگاه تهران را شروع کرد. دکتر رضایی هم‌زمان مدرس لاپاراسکوپی است و تاکنون ۲۰ مقاله ISI منتشر کرده است. ۹ ماه انتظار شیرین، تغذیه دوران بارداری و نیز ترجمه اصول بیماری‌های زنان (هکر مور^۲) را به عنوان پزشک نویسنده در کارنامه دارد (بخشی، ۱۳۹۵: ۸۲۲).



رضایی‌آشتیانی، عباس (۱۲۵۷-۱۳۲۷ خ)، فرزند ملامحمدعلی و بانو بی‌بی‌جان، در خانواده اهل علم به دنیا آمد و در طول زندگی خویش به درستی و پرهیزگاری شهره بود و نیز منصب شیخ‌الاسلامی داشته و به عنوان یک عالم دینی به قاضی مشهور بوده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۴۱).

^۱. فصلنامه رازان ش ۱۵

^۲. نام نویسنده اصلی



رضایی آشتیانی، علیرضا (۱۳۲۶ خ)، فرزند غلامرضا و بانو کبری، دبستان و دبیرستان را در مدرسه خیام و مجیدی اراک گذراند و در دانشگاه تبریز مهندسی راهوساختمان خواند و در وزارت راهوشهرسازی استخدام شد. او ابتدا به عنوان کارشناس و سپس معاون اداره کل راهوشهرسازی استان



مرکزی ادامه فعالیت داد. مدیرکل راهوشهرسازی همدان، تهران، مدیرکل راهسازی شمال غرب و نیز ساخت بنادر کشور از دیگر مسوولیت‌های اوست. وی که قصد داشت یک مدرسه خیریه بسازد پس از درگذشت ناگهانی فرزند جوانش (سینا)، به توصیه همسرش بانو **فاطمه ماستری آشتیانی** (۱۳۳۳ خ)، فرزند حسن (از نیکوکاران آشتیان) ساخت بیمارستان زنان و زایمان اراک را در محل فعلی بیمارستان امیرالمؤمنین بر عهده گرفت و انتظار می‌رود این مرکز مجهز درمانی تا پایان سال ۱۴۰۲ مورد بهره برداری قرار گیرد.

رضایی مقدم، شهرزاد (۱۳۵۷ خ)، فرزند ابوالفضل و بانو فاطمه، متولد **محلات**، کارشناس ارشد تاریخ از دانشگاه آزاد محلات و نویسنده کتاب‌های سفر به شیراز از مسیر کازرون به فیروزآباد، سکه‌های اسماعیلیه، کتاب‌شناسی فاطمیان، تاریخ دانشگاه الزهراء، تاریخ اسماعیلیه‌نزاری، خاطره جغرافیایی از امپراطوری ایران به همراه نقشه و نیز شیوه‌های نگارش یک مقاله از آثار اوست.

رضایی نژاد، غلامحسین (۱۳۱۳-۱۴۰۱ خ)، متولد **اراک**، تحصیلات مقدماتی و متوسطه



را در زادگاه خود و تهران گذراند و از دانشکده حقوق دانش‌آموخته شد. او سپس به علوم اسلامی روی آورد و در اراک از محضر شیخ قنبر رفیعی بهره برد و در ادامه درس استادان شیخ محمد سنگلجی، فاضل قائی، محمود شهابی، محمدعلی ذهبی شیرازی و میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی را درک کرد. این پژوهشگر علوم انسانی تألیفات زیادی دارد که از آن جمله‌اند: اصول علم بلاغت در زبان فارسی، حکیم سبزواری (زندگی و آثار او)، شرح کبیر یا حکمت‌نامه (۷ جلد)، دیوان شعر و چندین اثر دیگر. این وکیل پایه یک دادگستری اشعارش را با تخلص «نوشین» می‌سرود (ولاشجر دی فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۵۲).

رضوانی، غلامرضا (۱۳۰۹-۱۳۹۲ خ)، فرزند محمدکریم، تحصیلات خود را تا سیکل اول در **خمین**

گذراند و در سال ۱۳۲۷ به قم رفت و پس از تحصیلات مقدماتی و درس خارج، عازم نجف شد. او که از یاران نزدیک و مسوول دفتر امام خمینی در نجف و یکی از چهار وصی وی پیش از انقلاب اسلامی بود، پس از انقلاب به عضویت شورای نگهبان درآمد و در سال ۱۳۷۷ از تهران به عنوان نماینده دوره سوم مجلس خبرگان انتخاب شد. حاشیه بر عروه‌الوثقی، حاشیه بر کفایه‌الاصول و مکاسب از جمله آثار اوست (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۴۱).

رضوانی ساوجی، عبدالله (۱۲۴۱-۱۳۱۵ خ)، فرزند میرزا داود، در کسوت یک نیکوکار، در امور عام‌المنفعه کوشا بود که از آن جمله‌اند: احداث مسجد واقع در خیابان مقدس زاده ساوه، تعمیر ایوان امامزاده سیداسحاق،

ایجاد آرامستان و احداث خیابان، تزیین و کاشیکاری گنبد القمیتین و احداث کارخانه پنبه‌پاک کنی و.. (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۵۸).

رضوانی فرد، سیداسداله (۱۳۱۵-۱۳۹۶ خ)، فرزند سیدحسن، تحصیلاتش را تا دیپلم

در اراک گذراند و پس از سربازی در مخابرات استخدام شد. این هنرمند خوشنویس در خط نستعلیق شاگرد واشقانی و در خط ثلث و نسخ، شاگرد قنبری و موحد بوده است. او در سال ۱۳۶۴ موفق به دریافت گواهی‌نامه ممتاز شد. او که دوره‌ای رئیس انجمن خوشنویسان استان مرکزی بوده، هفده عنوان کتاب در ادعیه و اوراد خوشنویسی و به چاپ رسانده و در همه نمایشگاه‌های جمعی اراک شرکت داشته است (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۴۲).



رعدی آذرخشی، غلامعلی (۱۲۸۸-۱۳۷۸ خ)، فرزند میرزا محمدعلی (افتخارلشکر)، از

خانواده مستوفیان آشتیان است که در زمان ناصرالدین‌شاه به تبریز رفتند. او در تبریز به دنیا آمد و در سال ۱۳۰۶ در رشته حقوق سیاسی دانشگاه تهران پذیرفته شد و پس از لیسانس، دوسال در تبریز دبیر بود و در سال ۱۳۱۵ از طرف وزارت معارف عازم فرانسه شد و در دانشگاه سوربن، حقوق عمومی و ادبیات تطبیقی خواند و سپس در سوییس درجه دکتری گرفت. او در سال ۱۳۲۰ ریاست اداره آموزش عالی، در سال ۱۳۲۱ عضو پیوسته فرهنگستان ایران، در سال ۱۳۲۴ نماینده دائمی ایران در یونسکو، در سال ۱۳۴۲ به‌عنوان سناتور انتصابی تهران و از سال ۱۳۴۷ هم ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه ملی (شهیدبهشتی) را به مدت ۱۰ سال برعهده داشت (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۵۷).



رفوئی عراقی، طاهره (۱۳۲۵ خ)، از نیکوکاران دانشگاه اراک است که اهدای یک ساختمان در خیابان طالقانی اراک به این دانشگاه را در سال ۱۴۰۰ خورشیدی در کارنامه دارد.

رفیعا، سیدرفیع (درگذشته ۱۲۵۰ خ)، از عالمان و مردان بزرگ روستای تاریخی وفس (**کميجان**) که در قرن ۱۳ می‌زیسته و در سرودن شعر طبع روانی داشته است. در کتاب «وفس در گذر زمان» آمده: رفیعا علاوه بر شاعری، از هنرمندان خوشنویسی بوده که به دربار نیز رفت و آمد داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۸۳).

رفیعی، حسن (۱۳۲۸-۱۳۹۶ خ) فرزند امیرحسین‌خان در جعفرآباد (**آشتیان**) زاده شد و

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و ملایر گذراند. او در سال ۱۳۴۶ موفق به دریافت دیپلم ادبی شد و از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲، در گروه تئاتر داوود رشیدی فعالیت کرد. نخستین کار این هنرمند به نام تک‌مضارب برای شبکه دو تلویزیون ملی ایران ساخته شد و هم‌چنین نویسنده فیلم‌های «مانند غریبه»، «سرطالایی»، «نفس‌گیر»، «مسافر» بود. وی بعد از انقلاب هم در فیلم‌های دندان مار، سرب، گربه آوازه‌خوان و آرایشگاه زیبا ایفای نقش کرد. این سینماگر هم‌چنین فیلم «دانه‌های گندم» را نویسندگی و کارگردانی کرده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۱۹).



رفیعی، حسین (۱۳۴۸ خ)، فرزند تقی و بانو زهرا، تحصیلاتش را در دبستان بزرگمهر و راهنمایی جهان تربیت تهران گذراند و از هنرستان هنر دیپلم نقاشی و از دانشگاه هنرو معماری (آزاد) هم لیسانس نقاشی گرفت. این بازیگر و مجری اهل ابراهیم‌آباد اراک،



فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۷۲ با برنامه (۳۹) آغاز و در فیلم‌های سینمایی مانند سفر به جزایه، شیروعل و کمکم کن، بازی کرد. این سینماگر هم‌چنین در تئاتر محرمانه بکارگردانی سیدمحسن میرهاشمی ایفای نقش کرده و از سال ۱۳۷۷ هم به سمت مجری‌گری روی آورد و هم‌چنان ادامه می‌دهد.

رفیعی، علی (۱۳۱۸ خ)، فرزند شیخ قنبر، متولد جاپلق، دوره ابتدایی و سیکل اول متوسطه



را در اراک گذراند و در رشته ریاضی دیپلم گرفت و در سال ۱۳۴۰ در بانک ملی استخدام شد. او که علاقه‌مند به ادبیات و هنر بود در سال ۱۳۶۳ به یادگیری خوشنویسی پرداخت و از محضر استادان واشقانی‌فراهانی و سیدعلی صالحی بهره برد و هم‌چنین از جوانی شعر هم می‌سرود بواسطه خوشرفتاری با مردم در کسوت کارمند بانک همیشه مورد احترام مردم اراک است (مجدی، ۱۳۸۴: ۲۳۲).

رفیعی، قنبر (۱۲۶۹-۱۳۵۲ خ)، فرزند ملاعسگر، مقدمات را نزد پدر آموخت و سپس در مدرسه حاج محمد ابراهیم اراک، درس صرف‌ونحو را از شیخ انجدانی و سطح را نزد آقای محسنی و آیت‌الله سلطان آموخت و به‌تدریس پرداخت و بویژه دانشجویان رشته ادبیات از محضر ایشان بهره برده و اغلب تحصیل‌کرده‌های ۵۰ سال پیش، از محضر وی سود جسته و جزوات و تقریرات صرف‌ونحو ایشان هنوز ضرب‌المثل است. هدایه الطالبین و هدایه‌المعلمین از این عالم دینی است و دیوان شعر هم دارد (محتاط، ۱۳۷۲: ۶۰).

رفیعی، میلاد (۱۳۶۹ خ)، اهل اراک، کارشناس ارشد نقاشی، با سال‌ها سابقه فعالیت در رشته هنری تذهیب و دارنده مقام دوم جشنواره کشوری تسنیم (سال ۸۹)، مقام نخست جشنواره تجسمی استان (سال ۹۰)، مقام دوم جشنواره تجسمی استان (سال ۹۱)، دارنده مهر اصالت یونسکو (سال ۲۰۱۲)، دارنده نشان ملی صنایع دستی (سال ۹۰)، نفر نخست جشنواره



ملی تسنیم (سال ۹۲) و رتبه‌های بسیار دیگر.

رفیقی تفرشی، محمدعلی (قرن ۱۳)، شاعر قرن سیزدهم که در علوم ریاضی هم مهارت داشته و در نگارستان دارا چنین معرفی می‌شود: اسمش میرزا محمدعلی از طبقه سادات رفیع‌الدرجات طباطبایی تفرشی است و اغلب اوقات در دارالسلطنه اصفهان به درس و بحث اشتغال داشته است.

رمضانی، غلامرضا (۱۳۳۹ خ)، متولد اراک، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه امیرکبیر

گذراند. او در دوره دبیرستان عضو گروه تئاتر تازه تأسیس اداره فرهنگ و هنر شد و سپس در مسابقات نمایشنامه‌نویسی مدارس اراک نفر دوم شد. ایشان در نمایش لعبتک‌ها به‌نویسندگی و کارگردانی یعقوب شکوری بازی کرد. نخستین کار جدی این سینماگر برای کودک و نوجوان، نمایشنامه بچه در اوج بود. گودال، ضربه فنی، فرار از اردو، هم‌بازی، سبز کوچک، قفل‌ساز، عبور از تله و... برخی از فیلم‌هایی است که رمضانی آنها را ساخته است او هم‌چنین کتاب‌های «سبب‌زمینی خورها»، «زنی که سبز شد» و «نفس می‌کشم» را به‌عنوان نویسنده چاپ و منتشر کرده است (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۴۳)



رهنماهازاده، بهاره (۱۳۵۲ خ)، فرزند جلال و بانو پروین، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر

زاده اراک است. این سینماگر پرکار در فیلم و سریال‌های زیادی از جمله سرگذشت، بچه مهندس، همسایه‌ها، شب‌های برره، شمس‌العماره و ده‌ها اثر دیگر نقش‌آفرینی کرده است. او وارد حوزه نویسندگی هم شده و «پا به جاده زدن»، «زن باران»، «مالیخولیای محبوب من»، «ماه هفت‌شب»، «چهارچهارشنبه» و «یک کلاه‌گیس» برخی از آثار مکتوب اوست.



روحانی، حسن (۱۲۸۵-۱۳۶۴ خ)، فرزند اسماعیل محلاتی، متولد نجف، پس از تحصیلات مقدماتی به ایران بازگشت و در حوزه علمیه قم به درجه اجتهاد رسید. او سپس به استخدام دادگستری درآمد و در تأسیس کانون نشر حقایق اسلامی جهت آگاهی‌بخشی مردم ایران همت گماشت. این عالم دینی از مبارزان نهضت ملی شدن صنعت نفت بود که بعد از کودتای ۲۸ مرداد زندانی و از کار دولتی برکنار شد. احداث حسینیه ارشاد و سازمان خیریه فیروزآباد شهر ری از خدمات اوست (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۴۸).

روحانی، سیداسماعیل (۱۳۲۱ خ)، فرزند آقاحسین، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در

محلات گذراند و در سال ۱۳۴۶ از دانشکده فنی دانشگاه تهران در رشته راه‌وساختمان دانش‌آموخته شد. معاونت عمرانی استانداری هرمزگان، معاونت وزارت راه‌وترابری و مدیرعامل سازمان بنادر و کشتیرانی، مشاور وزیر راه‌وترابری در امور راه‌آهن‌سازی، مدیرعامل راه‌آهن شهری تهران و حومه از سوابق اجرایی این مدیر عالی‌رتبه است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۹۰).



روحانی، سیدغلامرضا (۱۲۷۳-۱۳۶۴ خ)، فرزند میرزا سیدشکراله^۱ و بانو خورشیدتاج از

نوادگان میرزا سیدمحمدعلی تفرشی (از مستوفیان قاجار) بود که در وزارت دارایی خدمت می‌کرد. این شاعر که «اجنه» تخلص می‌کرد، اشعار فراوانی در انواع صنایع شعری سروده



^۱ متخلص به آزادی و جدش میرزا سیدمحمد تفرشی متخلص به علی، از شاعران دوره قاجار بود.

ولی فکاهی‌ات او بیشتر مورد توجه قرار گرفته و در بسیاری از مجلات و نشریات ادبی و فکاهی به چاپ رسیده است. روحانی در سال ۱۳۰۰ به عضویت انجمن ادبی ایران درآمد و در سال ۱۳۰۲ با بعضی کلوپ‌های نمایش و موسیقی از جمله «جامعه باربد» به مدیریت اسماعیل مهرتاش همکاری کرد. روحانی شعرهای زیادی برای نمایشنامه‌ها و پیش‌پرده‌ها سرود که بیشتر درون‌مایه فکاهی داشت و بسیاری از آنها بر سر زبان‌ها افتاد. در سال ۱۳۱۳ مجموعه‌ای از شعرهایش با نام «طلیحه فکاهی‌ات روحانی» با مقدمه سیدمحمدعلی جمال‌زاده چاپ شد. بعد از آن مجموعه کامل‌تری از اشعار و فکاهی‌ات او در سال ۱۳۴۳ با عنوان «کلیات اشعار و فکاهی‌ات روحانی - اجنه» به چاپ رسید (حیدری، ۱۳۹۹: ۹۸).

روحانی، شکراله (۱۲۴۵-۱۳۱۸ خ)، فرزند میرزا سیدمحمدعلی **تفرشی**، از کودکی به تهران رفت و پس از پایان تحصیلات مقدماتی، در زمان حکمرانی شاهزاده سلطان اويس میرزا در حکومت فارس، ابتدا به منشی‌گری و بعدها به‌عنوان ایشک‌آقاسی‌باشی (رئیس تشریفات) انتخاب شد. او شاعری خوش‌مشرّب، بذله‌گو و عارفی خوش صحبت بوده که غالباً در لحظه شعر می‌سرود. این شاعر که «آزادی» تخلص می‌کرد، در ساختن ماده تاریخ^۱ و فکاهه مهارت داشت و اشعارش در مجلات ارمغان و امید منتشر می‌شد. او در زمان اجرای قانون ثبت، برای خود شهرت «روحانی» برگزید. پدرش سیدمحمدعلی نیز شاعری عارف مسلک و قانّی‌مآب بود و قصاید و غزلیاتی در مدح حضرت علی دارد (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۶۳).

روح‌بخش، عزت (۱۲۸۷-۱۳۶۸ خ)، اهل **آشتیان**، در سال ۱۳۱۲ نزد علی‌خان نایب



السلطنه، هنر موسیقی را آموخت و در ۱۶ سالگی با بازی در نمایش خسرو و شیرین و اپرای دخترک بت‌پرست وارد عرصه هنر شد. او همچنین در سال ۱۳۱۹ از سوی حسین تهرانی به رادیو تهران رفت و شاگرد علی‌اکبر شهناز، سلیمان روح‌افزا و ابوالحسن صبا شد و خوانندگی آموخت. این سینماگر در فیلم شکار خانگی، چشمان سیاه، نیمه‌شب، آخرین عشق و نیز موسم گل، ایفای نقش کرده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۵۹).

روحی‌ساوجی (قرن ۱۰)، تاجر و شاعر موزون طبع قرن دهم **ساوه** است و این مطلع از اوست: من کیستم به کوی بلا خانه ساخته/با نامرادی دل دیوانه ساخته (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۸۷).

روستا، حمیدرضا (۱۳۵۳ خ)، تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش غیرنجه (**خنداب**) گذراند و از دبیرستان انقلاب اسلامی کرمانشاه دیپلم گرفت و در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه تهران مهندسی تولیدات گیاهی و در سال ۱۳۷۹ در مقطع ارشد علوم باغبانی دانشگاه تربیت مدرس تهران دانش‌آموخته شد. او در سال ۱۳۸۲ در آزمون اعزام به خارج وزارت علوم پذیرفته و از دانشگاه کپنهاگ دانمارک دکترای تغذیه گیاهی دریافت کرد.

^۱ مجموعه حروف بیت، مصراع یا عبارتی به حساب ابجد که با تاریخ رخ‌دادی تطبیق کند. مانند این ماده تاریخ ساخت شهر اراک: «نمود یوسف ثانی بنای مصر جدید» که بر اساس حروف ابجد برابر با ۱۲۳۰ هجری قمری است.

دکتر روستا از سال ۱۳۸۶ در دانشگاه ولیعصر رفسنجان تدریس می‌کند و تاکنون دو کتاب تخصصی و بیش از ۲۰۰ مقاله نوشته و دو بار به‌عنوان پژوهشگر برتر استان، چهار بار پژوهشگر برتر دانشکده کشاورزی، دو بار پژوهشگر برتر گروه علوم باغبانی و یک‌بار هم به‌عنوان استاد برتر گروه علوم باغبانی برگزیده شده است. وی با طراحی سیستم ایروپونیک^۱ و تولید مینی‌تیوبر^۲ سیب‌زمینی و نیز طراحی سیستم آکواپونیک^۳ و کشت و پرورش توأم محصولات باغبانی و ماهی در این سیستم، آغازگر پژوهش‌های نوین در این حوزه است.

روشن، سیدشکرااله (۱۳۷۶ خ)، فرزند آقاجمال، زاده **اراک**، از کودکی شاگرد خیاطی بود و در این هنر به استادی رسید. او از جوانی به قریحه شعری خود پی برد و اشعاری در زمینه غزل، طنزوفکاهی و هزل دارد و برخی از اشعارش توسط استاد کریمی‌نورعینی نگارش شده است (مجدی، ۱۳۸۴ : ۳۰۴).



رومی قیصری، داود (درگذشته ۷۲۹ خ)، فرزند محمود، اهل **ساوه**، پس از تحصیل مقدمات علوم ادبی و عربی به تحصیل فقه، تصوف و عرفان پرداخت و در محضر عارف کامل علامه ملاعبدالرزاق بن جمال‌الدین ابی‌الغنائم کاشانی شاگردی کرد. او برای تکمیل تحصیلات خود به مصر رفته و از محضر علمای آن دیار بهره برد و در زمره بزرگترین دانشمندان عصر خود در آمد، چنان‌که دانشجویان بسیاری از اطراف و اکناف جهان برای دیدار و استفاده از محضرش به مصر می‌آمدند. او سپس از سوی دولت عثمانی برای تدریس عرفان و تصوف در مدرسه علمیه ازبیک دعوت شد. «مطلع خصوص‌الکلم فی معانی فصوص‌الحکم» و چندین رساله دیگر از نوشته‌های اوست (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۷۶۷).

ز

زارعی، مهسان (۱۳۶۸ خ)، فرزند منصور و بانو زهرا، تحصیلات مقدماتی را در دبستان شاهد و راهنمایی سما گذراند و از دبیرستان شاهد **اراک** دیپلم گرفت. او سپس از واحد علوم و تحقیقات در رشته معماری، دکتری تخصصی گرفت. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، سرای اهل‌قلم و نیز عضویت سازمان بین‌المللی دانشگاهیان (ISI)، برخی از افتخارات این نویسنده، مترجم و مدرس دانشگاه است و برخی از آثار او هم عبارتند از: تاریخ معماری، دیاگرام و ریزفضاهای بیمارستان، تأثیر فضای آموزشی بر یادگیری کودکان مدارس شهری و....



۱. هواکشت (Aeroponics)، روشی است برای پرورش گیاهان در محفظه هوا بدون استفاده از خاک یا بستر سنگدانه‌ای.

۲. غده‌هایی است که از کشت بافت سیب‌زمینی در شرایط آزمایشگاهی یا قلمه‌زنی تولید می‌شود.

۳. به سامانه‌ای گفته می‌شود که فعالیت‌های کشاورزی را با پرورش حیوانات آبی در محیط‌های محدود و مشخص شده ترکیب کند.

زرتشت، عبدالصمد (قرن ۱۴)، فرزند حسین علی، معروف به چاروادار (چهارپادار) مکاری شخصیت برجسته و از بازرگانان مشهور اوایل قرن پیش **اراک** بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۶۰).

زرگری، امیر (۱۳۵۹خ)، فرزند غلامعلی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش **خمین** گذراند و از دبیرستان مصطفی خمینی این شهر دیپلم گرفت. برخی از افتخارات این قهرمان دوچرخه‌سواری عبارتند از: مدال جهانی طلا در مسابقات تور بین‌المللی تایوان، بریسکای ایتالیا و نیز مدال نقره مسابقات تور بین‌المللی ترکیه، بریسکای ایتالیا و پواسون کره جنوبی و نیز مدال برنز مسابقات دوچرخه‌سواری جوانان آسیا، تور بین‌المللی خزر و مسابقات تایلند و... (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۵۲).

زرندی، ابوالخیر (درگذشته ۷۵۷ خ)، فرزند احمد بن یوسف، مشهور به ابوالخیر اهل **زرنديه**، صاحب ترجمه و با مهارت در فرائض دینی، در مدینه تدریس می‌کرد. این عالم دینی مدتی در کازرون (شیراز) ساکن بود و پس از فوت عمویش به شیراز رفت و در این شهر درگذشت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۳).

زرندی، ابوالرضا (قرن...)، فرزند سلیمان، اهل **زرنديه**، عالم دینی و از رجال و محدثین بزرگ است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۳).

زرندی، حافظ محمد (۶۷۲-۷۵۰ خ)، ملقب به شمس‌الدین، فرزند یوسف بن حسن، اهل **زرنديه**، محدث، فقیه و عالم دینی است که به تدریس و امر قضاوت اشتغال داشته است. این عالم دینی کتابهایی دارد که عبارتند از: «بغیه‌المرتاح الی طلب‌الارباح»، «مولودالنبی»، «در‌المسمطین فی الفضایل المصطفی‌والمرتضی‌والبتول‌والسبطین» و هم‌چنین معارج‌الوصول الی معرفه آل‌رسول (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۵۶).

زرندی، سیدعلاءالدین (قرن ۱۳)، اهل **زرنديه**، در حوزه علمیه قم تحصیل کرد و خدمات دینی خود را در تهران ادامه داد.

زرندی، عبدالرحمن (۷۲۴-۷۹۳ خ)، معروف به زین‌الدین ابوالفرج، فرزند علی بن یوسف بن حسن بن محمود مدنی‌زرندی حنفی، شاگرد صلاح‌الدین علایی، عالم دینی که در علم فقه و سایر علوم تبحر داشته و با کمال قدرت و کفایت حدود ۳۳ سال در مدینه منصب قضاوت حنفیه داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۲).

زرندی، علی (۶۸۹-۷۴۹ خ)، فرزند حسن، از شاگردان اسماعیل تفلیسی، جمال مطری، الوادی آشی و ابن‌شاهدالجیش و در فقه بر مذهب امام شافعی بوده است. از آثار این محدث قرن هشتم می‌توان به مناظره‌الحرمین و مناظره‌المحلین اشاره کرد. ایشان در مدینه به‌عنوان نخستین قاضی حنفیه به قضاوت و تدریس مشغول بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۸۱).

زرنندی، عمادالدین (زندگی ۸۴۷ خ)، از وزرای جهانشاه^۱ بود و دولتمردی نیکوکار که مسجد و مقبره‌ای در تبریز ساخته که مکان بسیار خوب و محل مراجعه مردم است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۶۸۸).

زرنندی، محمد (درگذشته ۷۶۰ خ)، فرزند علی بن یوسف بن حسن بن محمد بن محمود بن عبدالله زرنندی حنفی مشهور به ابوالفتح، عالم دینی و مردی متواضع و فاضل بوده که پس از پدرش قاضی مدینه بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۵۰).

زرنندی، محمد (درگذشته ۷۷۶ خ)، فرزند عبدالطیف بن محمد زرنندی مدنی حنفی، ملقب به جمال‌الدین، عالم در فقه و حدیث و نویسنده کتاب معراج‌الوصول فی معرفه‌الرسول (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۲۳۹).

زرنندی، محمد (قرن...)، فرزند عباس، مشهور به ابوعبداله، عالم دینی و استاد بزرگ صرف ونحو، از شاگردان ابوالحسن احمد بن علی بن طلحه عبقی بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۴۸).

زرنندی، محمدباقر (درگذشته ۱۱۹۳ خ)، فرزند حسن، عالم دینی و از دانشمندان فاضل زرنندی که از محضر علامه محقق میزرا ابوالقاسم قمی (صاحب قوانین)، بهره برده و در مدرسه فیضیه هم تدریس می‌کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۸۲۲).

زرنندی، میرمحمد (۱۳۰۶ خ) متولد روستای زاویه (زرنندیه) و شاگرد آیت‌اله بروجردی و کمره‌ای که به تدریس متون فقه و اصول عالی و مباحث علمی اشتغال داشت.

زرنندی مدنی، عبدالله (۶۹۹-۷۲۷ خ)، فرزند احمد بن یوسف، ملقب به جلال‌الدین، تحصیلاتش را در مکه، مدینه و نیز سرزمین شام فرا گرفت و برخی از کتب را بدون استاد آموخت. این عالم دینی در بسیاری از رشته‌های علوم مهارت داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۲۳۸).

زرنیخی، آرشی (۱۳۶۰ خ)، فرزند محمدرضا و بانو ناهید، تحصیلات خود را در مدارس

آیت‌اله غفاری و دبیرستان امام علی اراک گذراند و در دانشگاه آزاد اراک لیسانس تئاتر

گرفت. او سپس از دانشکده هنر و معماری تهران فوق‌لیسانس تئاتر با گرایش ادبیات

دراماتیک دریافت کرد. تدریس در دانشگاه‌های فرهنگ‌و‌هنر، صنایع دستی و مهر اراک،

مدیرمسوول آموزشگاه تئاتر آبان اراک، سردبیر شماره تئاتر فصلنامه رازان، سردبیر کتابچه جشنواره‌های

بیست‌و‌چهارم و بیست‌و‌پنجم استان مرکزی از سوابق علمی اوست. دو کتاب «بررسی شاخصه‌های

مارکسیستی در گزیده‌ای از نمایشنامه‌های غلامحسین ساعدی و نمایشنامه نخل طلایی و چندین مقاله از

جمله «غیبت زن در آیین‌های نمایشی کوسه‌گردی»، «تبارشناسی زن‌پوشی در نمایش ایرانی»، «قیام‌شناسی

اسماعیلیه در انجندان»، «تحول حرکت‌های نمایشی ایرانی با رویکردی اسطوره‌شناختی بر سنگ‌نگاره‌های



^۱. فرمانروای نیرومند قراقویون‌لو در سال‌های ۸۱۷ تا ۸۴۶ بر آناتولی شرقی، قفقاز جنوبی، عراق امروزی، ایران مرکزی و نهایتاً کرمان و مکران فرمان می‌راند و پایتختش تبریز بود.

تیمره و سفالینه‌های چشمه‌علی» و... از آثار تألیفی این نویسنده و کارگردان تئاتر است که با همین موضوعات در نشست‌های فرهنگی سخنرانی هم می‌کند.

زرنیخی، سعید (۱۳۳۶- ۱۴۰۳ خ)، فرزند محمداقبر، در سال ۱۳۵۵ موفق به اخذ دیپلم

موسیقی و سپس لیسانس موسیقی (ویولن) از هنرکده موسیقی ملی شد. نوازندگی ارکستر بزرگ رادیو تلویزیون از سال ۱۳۵۶ و در مقام نویسنده نیز کتب بی‌قرار، هوای یار، ۱۳۰ ترانه محلی برای ویولن، نظریه موسیقی به زبان ساده و کنسرتوهای آسان برای ویولن را



هم در کارنامه دارد.

زکریا، سحر (۱۳۵۲ خ)، فرزند اکبر و بانو فریده بازیگر ایرانی، با بازی در مجموعه

«در پناه تو» وارد دنیای هنر شد و سپس توانایی خود را با بازی در نمایش‌ها و تله تئاترهای گوناگون آزمود. این سینماگر هم‌چنین پای ثابت سریال‌های پاورچین، قهوه تلخ و قطار ابدی بود، ولی در سال‌های اخیر بیشتر در نقش یک معترض و کنشگر سیاسی ظاهر می‌شود. سحر از مادری گیلانی متولد شده و پدر اراکی او که اصالت انجدانی دارد و یک مهندس برق است برایش از اراک شناسنامه گرفته و به زادگاهش علاقه زیادی دارد.



زلفی‌گل، محمدعلی (۱۳۴۵ خ)، فرزند عباس، در روستای صالح‌آباد **آشتیان** به دنیا آمد

و پس از دیپلم، در سال ۱۳۶۵ از مرکز تربیت معلم شهید مدنی قم در رشته آموزش ابتدایی مدرک کاردانی، سپس کارشناسی دبیری شیمی را از دانشگاه اراک و فوق لیسانس شیمی آلی را در سال ۱۳۷۲ دریافت کرد. او در سال ۱۳۷۶ در دانشگاه شیراز دکترای خود را در همان رشته دریافت و عنوان پژوهشگر نمونه همدان را در سال ۱۳۷۹ به خود اختصاص داد. مؤسس بنیاد ملی نخبگان کشور و نخستین مسوول آن، که ریاست دانشگاه بوعلی سینا همدان را هم در کارنامه دارد، در دولت رئیسی به عنوان وزیر علوم انتخاب شد (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۸۱).



زمان احمدی، محمدرضا (۱۳۳۶ خ)، فرزند مصطفی و بانو فاطمه، متولد کاشان که از

سال ۱۳۷۰ ساکن اراک است. او که کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران، ارشد ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد تهران و دکتری زبان و ادبیات فارسی از علوم و تحقیقات تهران دارد، تاکنون سابقه مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی، ریاست دانشکده علوم انسانی و سردبیری فصل‌نامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اراک و فصل‌نامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی را بر عهده داشته و در مقام نویسنده، علاوه بر مقالات متعدد داخلی و خارجی، کتاب «مبانی عرفان و تصوف» هم تألیف این استادتمام دانشگاه آزاد اسلامی اراک است.





زمانی، شهرام (۱۳۵۵ خ)، فرزند علی اصغر و بانو وجیهه، دوران کودکی و دبستان را در روستای دودهک (**دلیجان**) گذراند و راهنمایی را در محلات و دلیجان پشت سر نهاد و معلمی را در دانشسرای آشتیان آموخت. وی ارشد زبان و ادبیات فارسی را هم در دانشگاه کاشان خواند و ۳۲ سال در دلیجان معلمی کرد. او در زمینه شعر کودکان فعال است و آثاری هم به دست نشر سپرده که عبارتند از: «بچه‌های پاکیزه، شهرشون تمیزه»، «تو دشت و تو سبزه‌زار ما همگی مهمونیم»، «۱۲۵ یک گنج»، «همیار طبیعت» و هم‌چنین کتاب «اشارات در دیوان امیر خسرو دهلوی» را در دست چاپ دارد.

زمانی، فاطمه (۱۳۶۰ خ)، دوران ابتدایی را در مدارس سمیه و طریق‌الاسلام گذراند و از دبیرستان الزهراء **دلیجان** دیپلم ریاضی گرفت. او در سال ۱۳۷۸ وارد دانشگاه امیرکبیر شد و تا دکتری تکنولوژی نساجی ادامه داد و سپس فوق دکتری سازه‌های نانولیفی را از همین دانشگاه گرفت. دکتر زمانی که دانش‌آموز نمونه و برگزیده المپیاد فیزیک کشوری بود در دوره ارشد و دکتری هم دانشجوی ممتاز بود و به‌عنوان مخترع مورد تأیید بنیاد ملی نخبگان شناخته شد. برخی از اختراعات او عبارتند از: ژنتیک محاوره‌ای برای ایجاد طرح‌های جدید نقشه فرش، طراحی و تولید داربست نانولیفی سه‌بعدی با ساختار پوسته مغزی جهت ترمیم نخاع. او هم‌چنین چند عنوان کتاب به زبان انگلیسی تألیف کرده است.

زمانی، فیروزه (۱۳۶۳ خ)، فرزند محمدعلی، از خانواده‌ای **شازندی** در قزوین متولد شد. وی تحصیلات خود را تا دیپلم تجربی ادامه داد و در قزوین که زادگاه برخی از بزرگان خوشنویسی است، به‌دنیای این هنر والا قدم نهاد و توانست در سال ۱۳۸۷ گواهینامه دوره عالی را از انجمن خوشنویسان قزوین دریافت نماید. او سپس به اراک بازگشت و تحت نظر استاد محمود پورهادی در سال ۱۳۹۰ در خط نستعلیق گواهینامه ممتاز گرفت و در ادامه با راهنمایی استاد محمود پورهادی و استاد حسین افخمی، دوره فوق‌ممتاز را گذراند. **زمانی، محمد** (قرن ۱۳)، یکی از خوشنویسان اهل **خنداب** که کل قرآن را به‌صورت شصت‌پاره دست نویس، خطاطی کرده است.

زمانی آشتیانی، محمدابراهیم (۱۲۹۲ خ)، فرزند میرزاخان^۱ از دبیرستان شروع به نوشتن کرد و در ۴۰ سال فعالیت ادبی، بسیار پرکار بوده و برخی از آثار این نویسنده عبارتند از: جزوه‌ها، دلشادخاتون و زیبای مخوف، عشق خسرو پرویز و نیز پاورقی‌های به‌سوی روم، خورشید تیسفون، آرزو گنجینه آلب‌ارسلان، اسرار دخمه شاپور، اسرارکوه گریه‌کنان، اسرار دریاچه و... (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۸۷).

^۱. مستوفی لاهیجان

زمانی فراهانی، همبرا^۱ (۱۳۳۹ خ)، فرزند امیرحسین و بانو پوراندخت، اهل اراک و به‌خاطر

شغل پدر، تحصیلات ابتدایی را در شهرهای تهران، چهل‌دختر، گرگان و شیراز و دوره راهنمایی را در شاهرود گذراند و از دبیرستان غیرانتفاعی مرجان ۲ تهران دیپلم گرفت. او سپس تحصیلات تکمیلی خود را در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس و دکترا و سایر دوره‌های



آموزشی مرتبط، را در ایران، اروپا و مالزی گذراند. این کارشناس، پژوهشگر، مشاور و مدرس حوزه ایرانگردی/جهانگردی (توریسم)، نواده حاج حسن آقا ملک‌التجار و نخستین دکترای مدیریت جهانگردی در ایران، به دو زبان انگلیسی و فرانسه آشناست و ضمن مسوولیت‌های اجرایی و انجام چندین پروژه تحقیقاتی ملی، تاکنون بیش از ۵۰ مقاله فارسی در مجلات تخصصی صنعت جهانگردی داخلی و چندین مقاله علمی در مجلات و کتب بین‌المللی آکادمیک در حوزه توریسم به‌چاپ رسانده و نخستین بانوی ایرانی است که پژوهش‌هایش در حوزه تخصصی توریسم ایران و توریسم مذهبی در معتبرترین مجلات و کتب آکادمیک بین‌المللی توریسم به‌چاپ رسیده است. از این بانوی اراکی، تاکنون ۵ کتاب تخصصی در حوزه گردشگری چاپ و منتشر شده است.

زمانی‌نیا، مصطفی (۱۳۳۶ خ)، از یک خانواده اهل روستای مجدآباد کهنه (فراهان)، در تهران متولد

شد، پدرش اسماعیل و مادرش بانو مهین نام داشت. او نویسنده، مترجم و پژوهشگری است دقیق و ژرف اندیش و آثاری دارد که عبارتند از: سبزانگشتی (مشترک با شهریار بحرانی)، زمان (مشترک با شهریار بحرانی)، فلات فانوس، در پس ابرها، زمان به عشق ماه می‌نویسد، بگو به ماه بیاید، وظیفه بی‌حاصل مرگ، فلات فروردین، کدام زمین شادتر است؟، یه شب ماه می‌آد، سوگ اسماعیل و کتاب بسیار ارزشمند کهن‌دیار فراهان را در کارنامه دارد.

زند، اسکندر (۱۳۴۶ خ)، اهل اراک، فعالیت خود را در بخش فیزیولوژی گیاهی مؤسسه

تحقیقات اصلاح و تهیه بذر و نهال از سال ۱۳۷۵ شروع و مدتی معاون مؤسسه تحقیقات گیاهپزشکی کشور بود. او برای نخستین‌بار در سال ۱۳۷۷، بحث مقاومت علف‌های هرز به علف‌کش‌ها را در ایران مطرح و این پدیده را به‌صورت جدی مورد بررسی قرار داد و



راه کارهای علمی برای مدیریت آن‌ها ارائه کرد. وی هم‌چنین عضو هیأت علمی و مرجع ملی کنوانسیون تنوع زیستی و کلیه پروتکل‌های مرتبط، دبیر کمیسیون تدوین سند ملی دانش‌بنیان کشاورزی و غذا و نیز مشاور وزیر جهاد کشاورزی ایران است. او پیش‌تر به‌مدت ۵ سال معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی بود و علاوه بر آن، در مقام نویسنده با نگارش بیش از ۵۰ عنوان کتاب و راهنمایی بیش از ۱۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری، در علوم علف‌های هرز در ایران چهره شناخته

^۱. املاي این واژه درست است.

شده و مشهوری است. دکتر زند در سال ۱۳۹۷ و در پانزدهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات به عنوان چهره تأثیرگذار در علوم زراعت و اصلاح نباتات کشور معرفی شد.

زنده دل ساوجی، امیر (۹۵۰ خ)، شاعر وارسته از آلایش آبوگل که اصلش از ساوه است و به روش قلندران بیشتر به سیاحت می گذرانید (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۳۶).

زهرایی منفرد، پروین (۱۳۱۷ خ)، اهل روستای احمدآباد (ساوه)، کارمند بانک بازرگانی (شاهنشاهی) بود که توسط همایون خرم و به کمک یکی از بستگان خود پا به عرصه هنر نهاد. وی یکی از بهترین خوانندگان موسیقی ایرانی است که با خواندن بیش از ۳۰۰ ترانه و آواز در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰، کارنامه درخشانی از بهترین آهنگ ها و ترانه ها دارد.^۱ وی هم چنین در برنامه گل ها از جمله یک شاخه گل و گل های رنگارنگ، اجراهای قابل توجهی داشته و در طول فعالیت هنری خود همکاری مستمری با آهنگ سازی چون همایون خرم، حسین صمدی، مرتضی حنانه، رضا ناروند، مرتضی محجوبی، جواد لشکری و انوشیروان روحانی داشته و ترانه سرایانی چون پرویز وکیلی، کریم فکور، معینی کرمانشاهی، پرویز خطیبی، دکتر هدایت اله نیرسینا، عبدالله الفت، تورج نگهبان، مهدی سهیلی و بهادر یگانه ترانه می سرودند.^۲

زیاری، علی (۱۳۲۴ خ)، فرزند قربانعلی و بانو عمه جان، متولد ورسک سوادکوه، تحصیلات ابتدایی را در پل سفید خواند و از دبیرستان شاه عباس کبیر تهران دیپلم گرفت و وارد دانشسرای عالی شد. او با ارائه پایان نامه ای با موضوع فرهنگ و آداب منطقه سوادکوه، لیسانس تاریخ گرفت و ضمن همکاری با نشریات مختلف، به تدریس پرداخت. این حافظ شناس چندسالی در بروجرد و خمین به تدریس پرداخت و از سال ۱۳۶۰ به دلایلی از تدریس باز ماند و ضمن ازدواج با یک بانوی اراکی در این شهر ساکن شد و برای مدتی به شغل آزاد پرداخت. او که سودای فکرو فرهنگ در سر داشت از سال ۱۳۸۴ شغل فرهنگی پیشه کرد و کتاب فروشی طلوع در خیابان عباس آباد اراک شد کافه نادری اهالی فرهنگ و کتاب دوستان و پاتوقی برای فعالان فرهنگی و دیدارهای دوستانه.



زین الدین، سیدعنایت اله (۱۲۷۶-۱۳۵۹ خ)، فرزند سید سیف اله، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر آموخت، سپس به اراک آمد و در محضر حاج ملا عبدالحمید انجدانی و حاج شیخ عباس ادریس آبادی کسب فیض کرد. او در سال ۱۳۴۱ در قم به محضر آیت اله حائری رسید و دوباره در اراک از محضر آیت اله سلطان و آیت اله ابوالحسن مجتهد بهره برد و تا پایان عمر در مسجد کله ای ها (المهدی) اقامه جماعت و تبلیغ دین می کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۶۱).

^۱. او در سال ۱۳۵۳ از کار خوانندگی کناره گیری کرد و دیگر هرگز نخواند و «امشب در سر شوری دارم» معروف ترین اثر اوست.

^۲. همایون خرم بیش از ۱۲۰ ترانه برای پروین ساخته است.

زینلی، فاطمه (۱۳۶۵ خ)، فرزند ابوالقاسم و بانو مرضیه، تحصیلات خود را در دبستان و راهنمایی قدس اراک گذراند و از دبیرستان راه فاطمه تهران دیپلم گرفت. او سپس از دانشگاه آزاد اراک، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی گرفت. وی پایان نامه‌ای دارد با عنوان «آوای سکوت» و «رؤیای خیس» منتشر کرده و کتاب سوم او هم در دست چاپ است. جدول تخصصی هفته‌نامه آینه اشتغال هم توسط این نویسنده طراحی می‌شود.



س

ساداتی، فرشته (۱۳۶۶ خ)، هم‌زمان با تحصیلات، موسیقی را هم از سال ۱۳۸۹ و با ساز سنتور آغاز نمود و دوره مقدماتی و ابتدایی سنتور را نزد سیدوحید نبوی‌زاده نمازی در ساوه به پایان رساند. او فراگیری دوره متوسطه و عالی مکتب استاد پایور و همچنین ردیف استاد عبدالله دوامی را در محضر استاد سعید ثابت ادامه داد و هم‌اکنون در حال فراگیری دوره‌های تحلیل ردیف، تئوری موسیقی و سلفژ نزد استاد پویا سرایی است. خانم ساداتی در حال حاضر به تدریس سنتور در آموزشگاه موسیقی تارا اشتغال دارد.



سارنگ، هوشنگ (۱۲۹۰-۱۳۴۸ خ)، فرزند سیداحمدخان سارنگ ساوجی، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه بصیرت و متوسطه را در دارالمعلمین گذراند و از هنرستان هنرپیشگی دیپلم گرفت. او که به زبان فرانسه آشنا بود و در نخستین کلاس هنرپیشگی که در ایران و فرانسه تشکیل شد شرکت کرد. این سینماگر در نمایشنامه‌های زیادی بازی کرد که از آن جمله‌اند: میشل استروگف، همه در اشتباهند، توسکا و نیز رستم و سهراب. سارنگ با فیلم گلنسا وارد سینما شد و در فیلم‌هایی مانند بهلول، آقای اسکناس، بیم‌و امید و... بازی کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۹۰).



سارنگی ساوجی، سیداحمد (۱۲۳۱-۱۳۱۹ خ)، از استادان بزرگ موسیقی ایرانی و تعزیه‌خوانی که نزد معین‌الیکاهای بزرگ، نقش حضرت عباس و حر بن یزید ریاحی را ایفا می‌کرد. این خواننده و ردیف‌دان در مکتب موسیقی ایران که تصنیف «کار و عمل» از اوست، با درویش‌خان و با آهنگی ضربی در دستگاه همایون خوانده است. او نخستین خواننده‌ای است که برای ضبط صفحه با جناب میرزا حسینقلی در سال ۱۲۸۶ به خارج (پاریس) رفت. تئاتر «اصفهان»، «آواز منصوری»، تئاتر «درویش» و تئاتر «زرین با شوهر» از آثار اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۹۰).



ساروقی، حسن (۱۳۴۸ خ)، فرزند فرج‌اله و بانو صدیقه، از خانواده‌ای ساروقی (اراک)،

در تهران زاده شد. او که فوق‌دیپلم هنرهای تجسمی دارد از همان کودکی با نقاشی و ساخت مجسمه‌های گلی وارد دنیای هنر شد. هم‌زمان با تحصیلات و در سن ۱۶ سالگی با آتلیه استاد عسگری و نقاشی رنگ‌وروغن آشنا شد و زیر نظر وی شروع به یادگیری کرد و در کلاس‌های استاد مرتضی کاتوزیان شرکت کرد و رفته‌رفته به کاریکاتور روی آورد و به‌مرور آثارش در نشریات چاپ شد. او در ادامه به سمت انیمیشن رفت و در جشنواره شیراز و جشنواره فیلم وحدت تبریز به مقام نخست دست یافت. آثار این هنرمند در ادامه حضور در جشنواره‌های داخلی و خارجی و کسب مقام، در رسانه ملی هم پخش می‌شد که بسیار انگیزه‌بخش بود. این معلم هنرمند هم اکنون در زادگاه پدری خویش و در یک کارگاه هنری ضمن آموزش علاقه‌مندان، به تولید انیمیشن هم مشغول است و آثار فاختری را به دنیای هنر عرضه کرده که مجموعه ۱۰۴ قسمتی بوستان سعدی در ۵۲۰ دقیقه از آن جمله‌اند و از شبکه دو هم پخش شد. این تهیه‌کننده و کارگردان سینمای انیمیشن، هم اکنون هم در حال تولید یک اثر سینمایی در قالب انیمیشن است (عزیزآبادی، ۱۴۰۲: ۶۱).



ساعی، فاطمه (۱۳۱۸ خ)، فرزند حسن و بانو عذرا، از یک خانواده اراکی در تهران

متولد شد و تحصیلاتش را در دبستان نوبهار گذراند و از دبیرستان ایران‌دخت اراک دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه تهران زبان و ادبیات فارسی و دوسال هم شیمی‌آلی خواند. این بانوی نیکوکار چندسالی در دبیرستان‌های اراک تدریس کرد و سپس به تدریس در تهران ادامه داد و پس از بازنشستگی منزل مسکونی خود که روبروی کاخ مرمر تهران است را از سال ۱۳۸۳ به درمانگاه خیریه تبدیل کرد و خود مدیریت آنجا را در دست گرفت. ایشان که از دانشگاه تهران دکترای افتخاری دارد، هم‌چنین سه‌باب مدرسه در خیابان نيسانیان اراک (فاطمه ساعی شماره یک)، خیابان تفرش (فاطمه ساعی شماره دو) و مدرسه پسرانه واقع در شهرک قدس اراک با نام (فاطمه ساعی شماره سه) برای همشهريانش ساخته و یکی از بانوان فرهیخته استان مرکزی به‌شمار می‌رود.^۱



سالار، علی‌اکبر (قرن...)، مشهور به ناصر و ملقب به صانعی ساوجی، شاعر اهل روستای ارجرود از توابع نوبران (ساوه) که با عشقی ساوجی اهل غرق‌آباد مشاعره می‌کرده است. شرح حال این دو شاعر را می‌توان در مجلات ترکی (وارلیق) یافت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۸۰).

^۱. آیین نکوداشت ایشان به‌همراه مهین شاه‌صنمی در تاریخ یکشنبه ۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۲ از طرف بنیاداراکشناسی در فرهنگسرای شهر برگزار گردید.



سالاری ساوجی، عبدالله (۱۳۱۶ خ)، فرزند محمدقلی، زاده روستای شادباغی (**ساوه**)، ساوه پژوه و نویسنده کتاب «فرهنگ مردم کوهپایه ساوه» و نیز «مردم‌شناسی ساوه‌وزرند» است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۹۴).

سالمی عراقی، مولانا (۸۵۰ خ)، در شعر، معما، خط و موسیقی تبحر داشته و در تذکره مجالس‌النفاث آمده: مولانا سالمی از آدمی‌زاده‌های مُلک عراق (**اراک**) و بسی خوش‌اخلاق است (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۵۴).

ساوجی، ابوالفضل (۱۲۱۱-۱۲۷۳ خ)، مشهور به مجدالدین، فرزند میرزا فضل‌اله ساوجی^۱، طبیب، خوشنویس، فاضل و محقق معروف زمان ناصرالدین‌شاه قاجار که زبان انگلیسی می‌دانسته و سفری هم به انگلیس داشته است. رمان جیجک‌علیشاه نوشته اوست و به‌عنوان یکی از چهار دانشمند تراز اول زمان، نامه دانشوران ناصری را نوشته و ترجمه سؤالات ابوریحان بیرونی از شیخ‌الرئیس و نیز چند رساله در طب و ریاضی از دیگر آثار این نویسنده است. هم‌چنین کتیبه عمارت‌های سلطنتی از جمله باب‌همایون به خط زیبای اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۵).

ساوجی، ابوالفضل (۱۲۶۱-۱۳۲۹ خ)، فرزند میرزا علی‌اکبر، اهل اندیس (**ساوه**)، صحاف و مکتب‌دار و **شاعری** که در شعر «مکتبی» تخلص می‌کرد و اشعارش در مدح و مرثیه ائمه اطهار است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۲۶).

ساوجی، ابوالفضل محمد (۱۲۱۰ خ)، مشهور به مجدالدین ساوجی، فرزند میرزا فضل‌اله، عالم دینی و از سلسله شاملو در **ساوه** زاده شد و در تهران نشو و نما یافت. او در محامد اخلاق و محاسن اوصاف و مراتب فضل و درجات کمال و حسن خط و جودت طبع، معروف آفاق بود. این عالم دینی در زمان فتح‌علی‌شاه به تعلیم نواب شاهزاده نوراله می‌پرداخت. وی در طب، حکمت و ادبیات استاد بود و شعر می‌سرود و یکی از ۴ دانشمندی است که کار تألیف نامه‌دانشوران را انجام می‌داد (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۶۱).

ساوجی، ابوالفضل محمد (۵۹۲-۶۷۳ خ)، ملقب به عزالدین، فرزند یحیی، مشهور به منجم ساوجی از سال ۶۴۵ در تبریز ساکن شد. این دانشمند دینی و ستاره‌شناس، مردی نیکو‌خصال و صریح‌الکلام بود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۴۸).

ساوجی، ابوالقاسم (زندگی ۱۲۷۵ خ)، اهل **ساوه**، معروف به کحال که در دوره ناصری چشم‌پزشک بوده است.

^۱ وی پدر ذبیح بهروز، نویسنده، پژوهشگر و شاعر نامدار معاصر است.

ساوجی، ابوتراب (زندگی ۱۳۱۴ خ)، مشهور به عارف‌افندی خادم، از سال ۱۲۵۴ تا ۱۳۱۴ مصاحب و شاگرد سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود و در سفر افغانستان و مصر همراه او بوده و زمانی که سیدجمال‌الدین به حرم عبدالعظیم پناهنده شده بود، این کنشگر سیاسی سپس به بیروت رفت و شرایط خروج سید را با هماهنگی ریاض و قاهره فراهم آورد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۴۹).

ساوجی، ابوسعید (۶۱۶ خ)، اهل **ساوه**، فقیه، عالم، محقق و صاحب کشف و اشارات و حسن خلق بوده و از شاگردان و همراهان شیخ ابوالحسن کردویه به‌شمار می‌رود که پس از مرگش به‌سفارش شیخ با همسر او ازدواج کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

ساوجی، ابونصر (قرن...)، از شعرای **ساوه** که در «فرهنگ سخنوران» به‌او اشاره شده و این بیت به‌ایشان منسوب است: بر خرد خویش ستم نتوان کرد/ خویشتن خویش را دژم نتوان کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۵).

ساوجی، ابویعقوب (درگذشته ۴۹۴ خ)، اهل **ساوه**، فرزند یوسف بن اسماعیل بن یوسف ساوی، شیخ صالح در علم حدیث بوده و در بغداد در درس ابوعلی اسماعیل بن محمد صفار و ابوجعفر محمد بن عمر و دیگران بهره برده است. این عالم دینی، نخستین کسی است که در بغداد با ابوعتوب ساوجی در سال ۴۸۶ دیدار داشته و سپس در سال ۴۸۸ به نیشابور رفت و آنگاه ساکن مرو شد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۷).

ساوجی، احمد (۱۱۹۶ خ)، اهل **ساوه**، فرزند محتشم، عالم دینی و از مشاهیر علما و مشایخ فقها و در خدمت میرزا مسیح طهرانی، تحصیلاتش را تکمیل کرد و به درجه اجتهاد رسید. وی هم‌چنین شاعر بوده و «شهاب» تخلص می‌کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۱).

ساوجی، احمد (قرن ۱۳)، سیاستمدار اهل **ساوه**، از جمله مأمورین و کارگزاران ولایات در دوران سلاطین قاجار بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۸).

ساوجی، احمد (قرن...)، فرزند ابی‌بکر محمدالساوی، عالم دینی و از رجال و محدثین بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۸).

ساوجی، احمد (قرن...)، فرزند موسی بن مردویه، از علمای دینی و فقهای **ساوه** بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

ساوجی، اسحاق (قرن ۷)، فرزند عثمان، از علمای دینی **ساوه** و مشایخ بزرگ و انسانی سالک بود، که در زمان غازان‌خان وفات یافته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۱۷).

ساوجی، اسد (قرن...)، فرزند عمر، از علمای دینی اهل **ساوه** و نویسنده دو کتاب «عده‌المتعلمین» در علم نحو و «عده‌المتادیین» در علم صرف می‌باشد که بنا به دستور ابوالفوارس مذهب‌الدین حیدر نوشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

ساوجی، اسداله (قرن ۱۰)، فرزند محمد، از خوشنویسان قرن دهم هجری است که نمونه خط او کتابی است که شرح احمد ابن محمود هروی خزریانی (قرن ۸) بر بخش طبیعی و الهی کتاب هدایه (در فلسفه و منطق) است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است که در پایان شرح فوق نام خود و تاریخ کتابت را چنین نوشته: کتیبه الفقیر اسداله بن محمد ساوجی فی یوم‌الجمعه سادس شهر ذی الحجه الحرام سنه ۹۲۹ (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

ساوجی، افضل‌الدین (قرن ۶)، شاعر، فاضل و از فلاسفه معروف اهل **ساوه** است و از این شعر او بر می‌آید که هم‌دوره خاقانی شروانی (سده ششم) است: کسی که از پس احمد روا بود مرسل/بزرگوار امیر امام خاقانی است/سول شروان چون خوانی آن بزرگی را/که در جهان سخن ملک او سلیمانی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

ساوجی، آقاگل (قرن...)، اهل جوشقان از توابع نوبران (**ساوه**) و از هنرمندان موسیقی و از جمله نوازندگان مشهور ساوه بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۴).

ساوجی، برخورداربیگ (قرن ۱۰)، از شعرای **ساوه** بوده و به‌نوشته ژان شاردن سیاح فرانسوی دوره صفویه، این شاعر هم‌چنین خداوند توپخانه ایران بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۵۲).

ساوجی، بندار (قرن...)، فرزند یوسف بن ملکان، مشهور به ابونصر، عالم دینی و از رجال و محدثین اهل **ساوه** بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

ساوجی، بیرام (قرن ۱۳)، مشهور به عاشق بیرام، اهل روستای مرّغی از توابع نوبران (**ساوه**)، از نوازندگان به نام موسیقی است که خود را از نوادگان تیلیم‌خان شاعر می‌دانسته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۸۹).

ساوجی، پیرعلی‌بیگ (زندگی ۸۸۱ خ)، اهل **ساوه**، در زمان سلطان مراد میرزا بن یعقوب میرزا^۱، حاکم ساوه بوده که به دست این امیرزاده به‌قتل رسیده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۹۰).

ساوجی، پیرمحمد (زندگی ۸۸۷ خ)، مشهور به خواجه شمس‌الدین، فرزند امیرظهیرالدین (شرف‌الدین) از علمای دینی **ساوه** و نیکوکاری که دنباله اقدامات عمرانی پدرش در عمران و آبادانی شهر ساوه را گرفت و از جمله اینکه مسجد عصر سلجوقی بنا شده در سال ۴۳۹ را در سال ۸۸۷ و به دستور شاه اسماعیل بهادرخان به یک مسجد مقصوره با نام مسجد قرمز تبدیل کرد و هم‌چنین سدی بر روی رودخانه قره‌سو که در آن زمان گاوماها یا گاومسارود نامیده می‌شد، احداث کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۹۲).

ساوجی، ترکمن‌محمود (قرن ۱۳)، فرزند مرادخان، شاعر اهل مرّغی از توابع نوبران (**ساوه**) و نوه شاعر ترک‌زبان معروف (تیلیم‌خان) بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۰۷).

^۱ واپسین پادشاه آق‌قویونلوها

ساوجی، تبلیم (۱۱۳۶-۱۲۰۹ خ)، فرزند تیمورخان، از طایفه آسکین در روستای مَرّی از توابع مزلقان (ساوه)، اشعار خود را در حمد خدا و منقبت رسول و مدح ائمه اطهار سروده است. حکیم تبلیمخان^۱ یکی از شعرای توانمند ترکی‌سرای ایران زمین در قرن ۱۲ است که داستان عشق بی‌وصال او به مهری خانم (دخترعمویش) در عداد دیگر عاشقانه‌هاست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۲۲).

ساوجی، جعفرعلی (قرن...)، مشهور به جعفرعلی حسن‌ساوجی، که از ایشان صرفاً نام و چند بیت شعر در دست است: به مژگان تا به کی دل اشک سوزان را نگهدارد/ به مستی خار و خس چون سیل طوفان را نگهدارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۳۶).

ساوجی، جمال‌الدین سلمان (۶۸۸-۷۵۵ خ)، فرزند خواجه علاءالدین محمد، مشهور به سلمان‌ساوجی، از شاعران و غزل‌سرایان نیکوسخن در قرن هشتم هجری و هم‌عصر حافظ بوده است. او در بغداد به دربار جلالیریان راه یافت و ملک‌الشعرای این سلسه شد. دیوان شعر این شاعر شهر مشتمل بر ۱۲ هزار بیت است. او سال‌های آخر عمر خود را زادگاهش ساوه به انزوا گذراند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۶۶).



ساوجی، جمال‌الدین (زندگی ۷۹۱ خ)، اهل ساوه، مستوفی جلالیریان بوده و از طرف آل‌جلایر به فرمانی مشروح سمت مستوفی‌الممالک یافته و بر سرزمین عراق عجم از زنجان و سلطانیه و طارمین و سجاس و سهرورد و ابهر و قزوین و ری و ورامین و ساوه و قم و کاشان و ضیاع نطنز و همدان و اسدآباد و لرستان و کردستان و سایر بلاد حکم راند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۴۱).

ساوجی، جمال‌الدین محمد (زندگی ۶۰۴ خ)، فرزند یونس، عارف و مؤسس قلندریان، پس از پایان تحصیلات مقدماتی به دمشق رفت و حدوداً بین ۵۸۹ تا ۶۰۴ در آنجا تحصیل علوم دینی کرد و سپس به شهر دمیاط مصر رفت و در آنجا خانقاه قلندریان را تأسیس کرد. این عالم دینی کتابی به نام «قلندرنامه» در سیرت و سرگذشت خویش دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۳۹).

ساوجی، حبیب‌اله (زندگی ۱۰۳۰ خ)، از هنرمندان نقاش اوایل قرن یازدهم هجری است که به‌همراه حسین‌خان شاملو (حاکم قم) راهی هرات شد و در آنجا به تکمیل نقاشی پرداخت و از آثار هنرمندان مکتب هرات بهره گرفت. هنگامی که شاه‌عباس اول آوازه‌اش را شنید او را از حسین‌خان طلبید و به دربار فرا خواند. او سال‌ها در اصفهان ساکن بود و از آثارش می‌توان به تصویر دو سوارکار و تصویر نقش شتری با روپوش طلایی اشاره کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۴۸).

^۱ تبلیم به معنای زیاد، تمام، کامل، دایم، با پایه و اساس و ابدی می‌باشد.

ساوجی، حبیب‌اله (زندگی ۸۹۰ خ)، وزیر و کارگزار انیس‌الحضره دورمیش‌خان در دوره شاه‌اسماعیل صفوی بوده و در سال ۸۹۰ به حکومت کل و بیگلربیگی خراسان منصوب شد. غیاث‌الدین خواندمیر (۸۵۴-۹۱۳) کتاب ارزشمند حبیب‌السیر را به نام او نوشته و در پایان کتاب چنین آورده است: به‌نام تو این نامه نامور/ از آن گشت نامش حبیب‌السیر (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۴۹).

ساوجی، حسن (درگذشته ۴۳۵ خ)، فرزند محمد بن حسن ابوعلی ساوجی فقیه و متکلم در مذهب اشعری بوده است.

ساوجی، حسین (زندگی ۱۲۰۸ خ)، فرزند آقارضا، هنرمند خوشنویس، که نسخه‌ای از جلد اول و دوم «قوانین‌الاصول» محمدحس جیلانی را کتابت و به تاریخ ۱ فروردین ۱۲۰۸ امضا کرده است. این نسخه خطی در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۱۲).

ساوجی، حسین (زندگی ۱۲۷۵ خ)، از اهالی ساوه و از ملتزمین رکاب و طبیب مخصوص دربار سلاطین قاجار بوده که در جلد ششم کتاب دانشوران ناصری به این موضوع پرداخته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۱۳).

ساوجی، حسین (قرن ۱۳)، اهل روستای پیک (زرنديه)، استاد بزرگ موسیقی و تعزیه بوده و نامش در کتاب سرگذشت موسیقی ایران نوشته روح‌اله خالقی هم آمده است. او هم‌چنین در تکیه دولت در نقش زنانه خوانندگی می‌کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۱۴).

ساوجی، حسین (قرن...)، از اهالی مرّعی و یکی از نوازندگان چیره‌دست موسیقی است که از سواد و استعداد کافی هم برخوردار بوده و از مرّعی، به روستای جوشقان رفت و در آنجا ساکن شد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۱۳).

ساوجی، حسین‌خان (قرن ۱۳)، فرزند میرزا زکی‌خان، از جمله سرتیپان سوم سلاطین قاجار بوده که این موضوع در جلد ششم کتاب دانشوران ناصری آمده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۱۴).

ساوجی، خلیل (درگذشته ۱۲۹۷ خ)، معروف به میرزا ابراهیم نایب‌الصدر، فرزند میرزا حسین که نیاکانش همگی در زمره فضلا بوده و ایشان نیز پس از تکمیل تحصیلات در حوزه تهران و عتبات و دریافت اجازه اجتهاد، در تهران ساکن شد. این عالم دینی هم‌چنین، خط نستعلیق را خوب می‌نوشته و به‌زبان پارسی و تازی شعر می‌سروده است (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

ساوجی، داراب (درگذشته ۱۲۸۱ خ)، مردی بلندقامت و مورد احترام مردم و از پیش‌کسوتان تعزیه بود که با شاعرانی مانند قدسی و فقیر در ارتباط بود و مشاعره می‌کرد. این شاعر مذهبی اهل ساوه «آثم» تخلص می‌کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲).

ساوجی، رایض (قرن...)، شاعر اهل ساوه و صاحب مثنوی «محبث نامه»، که در هجو میرزا علی نقی، فرمانروای ساوه سروده و این کتاب خطی در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است. هم‌چنین دیوانی هم از ایشان شامل قصیده و مثنوی در همین کتابخانه نگهداری می‌شود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۷۳).

ساوجی، زین‌الدین عمر (۴۵۷-۵۲۵ خ)، معروف به زین‌الدین عمر بن سهلان مشهور به ابن سهلان ساوجی، فیلسوف، نویسنده و منطق‌دان معاصر با احمدسنجر^۱ و امام محمد غزالی و از معدود فیلسوفان اسلامی است که سیستم فلسفی ارسطو را زیر سؤال برد. آثار او در منطق و ریاضیات بر شهاب‌الدین سهروردی تأثیر گذاشت. بصائرالنصیری (در منطق)، تبصره (در منطق)، الشبکه والطیر، ترجمه رساله الطیر ابن سینا، کتابی در حساب و التوطئه از آثار نوشتاری اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۴).

ساوجی، سدیدالدین (قرن ۴)، فرزند امیرظهیرالدین (شرف‌الدین)، کسی است که ۴۰ سال پس از ویرانی ساوه در سده چهارم هجری، این شهر را تجدید بنا کرد، به‌طوری که وسعت شهر جدید بزرگتر از قبل شد و بارویی اطراف آن ساخت و ۱۰ چشمه (قنات) هم احداث و در شهر جاری کرد و می‌توان این کارگزار با تدبیر را بنیانگذار ساوه امروزی نامید (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۰۱).

ساوجی، سعد (قرن ۱۳)، از هنرمندان موسیقی و نابغه ترانه‌خوان مشهور که صوت و صنعت را باهم درآمیخته و هنر موسیقی و آوازه‌ی ترانه‌خوانی‌اش به دورترین نقاط کشور رسیده و موسیقی‌دانان هم‌چنان او را بزرگ می‌شمارند و از ابداعاتش در این هنر بهره‌مند هستند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۱۵).

ساوجی، سلیمان (قرن ۱۰)، این طبیب قرن دهم هجری، در ساوه طبابت می‌کرده که او را به اتهام نقطوی^۲ بودن دستگیر و به حکم شاه‌عباس اول به روحانیون سپردند و آن‌ها نیز بدان سبب که خلاقی از سلیمان سر نزده بود، ولی احتمال گمراهی عوام توسط او می‌رفت وی را به حبس ابد محکوم کردند، ولی پس از چند روز حبس با تحریک اطرافیان شاه به قتل رسید (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۶۸).

ساوجی، سیدعلینقی (۱۲۸۱-۱۳۴۲ خ)، متخلص به «اسلامی»، فرزند میرزا احمد^۳،

تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه ساوه نزد حاجی شیخ‌علی اصغر آموخت و سپس به مدت ۴ سال در حوزه قم ادبیات عرب و فقه و اصول خواند و به ساوه بازگشت و به تجارت و زراعت



^۱. پادشاه سلجوقی

^۲. نقطویون یا حروفیه پیرو محمد پسرخان گیلانی بودند و همه امور دینی را با استفاده از علم حروف به ۲۸ حرف عربی و ۳۲ حرف فارسی ارجاع داده و معتقد بودند چون خدا محسوس نیست و جز از راه کلمه و لفظ قابل شناختن نیست، پس پایه شناخت خدا لفظ و کلمه است و ایشان علم را قدیم می‌دانستند و به قیامت باور نداشتند.

^۳. صاحب ثروت و مکت و عالم به علوم قدیمه بود و دانش پزشکی را از حکیم‌باشی ساوجی آموخته و به طبابت اشتغال داشت.

پرداخت و سپس دفتر ازدواج دایر کرد. این شاعر به سرودن شعر به صورت غزل، رباعی و قصیده در مدح و مرثیه ائمه اطهار می پرداخت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۹۴).

ساوجی، سیدفخرالدین بابا (قرن ۶)، از فقها و مجتهدین قرن ششم هجری اهل ساوه است که بیشتر عمر خود را در آوه و قم گذرانده است.

ساوجی، سیدمحمد (درگذشته ۱۲۹۴ خ)، فرزند سیدرضی، ملقب به شیخ الاسلام و اهل ساوه بوده و کتابی به نام «آداب الصلوه اللیل» دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۷۳).

ساوجی، سیف الشریعه (قرن...)، فرزند ملافضلعلی، در روستای اردمین از توابع نوبران (ساوه) متولد شد و در علوم حوزوی تحصیل کرد. این عالم دینی که از مشاهیر بزرگ و سرآمد روزگار خود بود، به دلیل احاطه علمی زیاد، لقب سیف الشریعه از طرف رضاقلی خان خلیج دریافت کرد. وی همچنین بانی ساختمان و مقبره امامزاده یوسف اردمینی هم هست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۹۸).

ساوجی، صفی الدین (قرن ۱۱)، فقیه، خردمند، شاعر و دانشمند اهل ساوه که در عهد صفویه می زیسته و نواده دختری قاضی مسیح الدین عیسی ساوجی بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۴۹).

ساوجی، ضیاءالدین (۱۳۰۵ خ)، فرزند محمد و برادرِ مریم ساوجی (شاعر)، در تهران متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در هنرستان تهران گذراند و در سال ۱۳۲۹ وارد خدمت فرهنگ شد و ضمن تدریس، در دانشگاه تهران هم زبان و ادبیات فارسی خواند و در سال ۱۳۳۷ دانش آموخته شد. برخی از اشعار این شاعر در کتاب فرهیختگان ساوه آمده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۳۲).



ساوجی، ظهیرالدین (قرن ۵)، اهل ساوه، مشهور به شرف الدین، عالم دینی قرن پنجم که امر به ساختن مسجد میدان ملی ساوه کرده و شهر ساوه را نیز بعد از ویرانی ناشی از حمله مغول، بازسازی کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۴۷).

ساوجی، عامر (قرن ۶)، مشهور به ابوالفتح عامر، فرزند نجا بن عامر العربی ساوجی، عالم دینی که در قرن ششم می زیسته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۰).

ساوجی، عباس (درگذشته ۱۲۸۳ خ)، اهل ساوه، از جمله فقها و محدثینی است که از مولانا محمدحسن خوانساری، اجازه روایت داشته است. یقیناً جایگاه علمی این عالم دینی در عداد کسانی است که از مولانا محمدحسن خوانساری اجازه روایت دارند و برخی از ایشان عبارتند از: سیدحسین کشمیری، میرزا عبدالجواد تبریزی، سیدعبدالرسول تستری و... (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۵۳).

ساوجی، عباس قلی (قرن ۱۳)، ملقب به سیف لشکر^۱، پدر آقایان اعتضادالعلما شیخ علی خان سیف و میرزا حسین خان امیرحسینی، با اجدادش بیش از ۱۵۰ سال حاکم ساوه و تفرش تا مرز همدان و رئیس فوج خلج بوده‌اند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۹۹).

ساوجی، عبدالرحمن (درگذشته ۴۷۰ خ)، فرزند احمد و شاگرد ابی محمد عبدالعزیز بن محمد نقشبی است که حدیث را از وی آموخت و برخی از علما از وی اجازه روایت داشتند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۵۵).

ساوجی، عبدالرحیم (۱۲۰۰ خ)، در سال ۱۲۳۸، لغت‌نامه‌ای به نام کشف اللغات به خط خود نوشته و این اثر نویسنده که کتاب خطی کوچکی است، در کتابخانه مدرسه روستای چمران (**ساوه**) موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۵۷).

ساوجی، عبدالکریم (قرن...)، مشهور به ابوسعید، فرزند محمد وزانی رئیس ری و از خاندان علم و فضیلت بود. این نقطه گفته عبدالکریم استادم بوده و نسبت به اهل علم از هیچ تلاش و کوششی دریغ نمی‌کرد. پدر این عالم دینی و بیش از ۱۵ نفر از خاندان وزانی که اصالت ساوجی دارند، اهل دانش و از جمله محدثین بوده‌اند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۴).

ساوجی، عبدالملک (درگذشته ۸۶۹ خ)، فرزند علی، از صوفیان بوده و به‌عنوان نویسنده آثار دارد که از آن جمله می‌توان به، هدیه‌المحبین فی الاخبار والادعیه والاذکار، الحب‌المتین فی الاذکار والادعیه الماثوره و دُرر المعانی الجلیه اشاره کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۶۲).

ساوجی، عبدالله (قرن ۱۳)، از جمله سر رشته‌داران (کارگزار) سلاطین قاجار بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۵۸).

ساوجی، عبدالله (قرن...)، فرزند یوسف، ملقب به ابوالقاسم، عالم دینی و از رجال و محدثین بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۶۲).

ساوجی، عبدالله محمد (قرن ۷)، فرزند عبدالجلیل، از عالمان دینی است که در زمان ملک‌شاه سلجوقی می‌زیسته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۶۰).

ساوجی، عثمان (درگذشته ۶۷۵ خ)، فرزند عثمان، از علمای دینی، مشایخ بزرگ و انسانی سالک بود که در کشف رموز و کرامات، مقامی بلند داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۶۳).

^۱. همسر فرخنده ساوجی شاعر.

ساوجی، عده (قرن ۷)، قاضی حنفی‌مذهب، عالم دینی، واعظ طریقت، شیرین کلام سخندان و مقرب پادشاهان وقت بود^۱ (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۴۹).

ساوجی، علاءالدین محمد (زندگی ۷۵۵ خ)، پدر سلمان ساوجی و از جمله وزرای سلسله ایلخانان بوده که همه تذکره‌نویسان نام وی را به بزرگی یاد کرده‌اند. او که در حکومت ایلخانیان منصب استیفا داشت، مردی فاضل و اهل قلم و فرهنگ بود و در وزارت و نیز مستوفی‌گری به عدل و احسان رفتار می‌کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۷۲).

ساوجی، علی (زندگی ۸۶۹ خ)، برادر قاضی عیسی و مشهور به قاضی شیخ‌الدین، به دستور یعقوب پادشاه به سرزمین عراق (عجم) اعزام شد تا از اینجا بازدید نماید، ولی این عالم کارگزار حکومتی، نزدیک به ۷ ماه ماندگار شد و در تمام منطقه آرامش برقرار کرد. پس از فوت یعقوب، منصوریگ پرتاک، در دی ماه ۸۶۹، قاضی را دستگیر و اموال او را مصادره کرد^۲ (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۵۱).

ساوجی، علی (قرن ۱۳)، فرزند ابراهیم، از علمای دینی و شاگرد شیخ محمدحسن بن باقر، صاحب کتاب معروف الجواهر، رساله علمی خود را از کتاب نجاه‌العباد استخراج و در زمان حیات استادش به فارسی ترجمه کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۸۸).

ساوجی، علی آقا (قرن...)، اهل روستای مصرقان از توابع خرقان (**زرن‌دیه**) و شاعری که «الماسی» تخلص می‌کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۳۵).

ساوجی، علیمحمد (درگذشته ۱۲۵۰ خ)، از هنرمندان خوشنویس که نستعلیق را زیبا می‌نوشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۸۸).

ساوجی، علی‌مدد (درگذشته ۱۲۳۲ خ)، فرزند رمضان و پدر ملا حبیب‌اله ساوجی کاشانی است که برای تحصیل از روستای چمران ساوه به قزوین رفت و در مجلس درس سید ابراهیم (صاحب کتاب ضوابط) حاضر شد و سپس در کاشان از درس فاضل نراقی بهره برد و در فقه و اصول به‌اجتهاد رسید. این عالم دینی آثاری دارد که شرح بر ارشاد، رساله شکیه، رساله‌ای در اصل برائت، رساله‌ای در حجیت ظن و... از آن جمله‌اند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۸۳).

ساوجی، عمادالملک (قرن ۶)، دولت‌مرد صاحب رای و دانش، وزیر رکن‌الدین بن سلطان محمد خوارزمشاه بود و در زمان خود نظیری نداشت. هنگامی که خوارزمشاه از دست سپاهیان مغول می‌گریخت، عمادالملک

۱. در همدان مجلس برپا کرده و عقاید خود را بی‌پروا در حضور جمع اظهار می‌داشت و تشبیه را از خداوند نفی می‌کرد و مردم نمی‌توانستند ناراضیتی خود را اظهار دارند تا آنکه نامه‌هایی نوشته و در آن نامه‌ها به وی و اهل و عیالش ناسزا نسبت می‌دادند، ولی او می‌گفت: درباره من آنچه ادعا می‌کنند امکان دارد، ولی وجود خداوند بر عرش محال است.

۲. قاضی شیخ‌الدین علی ساوجی معلم سلطان یعقوب بوده است.

او را به دعوت رکن‌الدین به عراق (اراک) خواند تا در این سرزمین برای جلوگیری از پیشرفت مغول به تهیه سپاه بپردازد. چندی بعد که سپاهیان مغول پس از غارت ری به سمت همدان می‌رفتند، در نزدیکی دولت‌آباد فراهان، بسیاری از سپاهیان خوارزمشاه از جمله عمادالملک را به قتل رساندند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۸۹).

ساوجی، عیسی (قرن...)، فرزند ابراهیم ساوی، عالم دینی و از رجال و محدثین بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۹۳).

ساوجی، غریب (قرن...)، از اهالی نوبران (ساوه)، هنرمندی است که در موسیقی و نوازندگی و سرودن ترانه‌های زیبا هم ردیف تیلیم‌خان و خسته قاسم، به‌شمار می‌رود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۹۴).

ساوجی، غلامحسین (درگذشته ۱۲۶۱ خ)، عالم دینی و فاضلی بزرگ از شاگردان علامه ملاعلی قاریوزآبادی زنجان‌ی بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۹۵).

ساوجی، غلامحسین (قرن...)، استاد بزرگ موسیقی و تعزیه‌خوانی بوده و حاجی‌مخبرالسلطنه هدایت در کتاب خاطرات و خطرات نام وی را ذکر کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۹۶).

ساوجی، غیاث‌الدین هندو (قرن ۸)، برادر علاءالدین محمد ساوجی و عموی سلمان ساوجی است. اشعار این شاعر اهل ساوه، مورد ستایش ابن‌یمین شاعر نامی بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۹۷).

ساوجی، فتح‌اله (۱۰۵۰ خ)، مشهور به اُلّقی، فرزند حسین، شاعر و نویسنده شیعه‌مذهب دربار عبدالله قطب‌شاه^۱، که رساله‌ای در زمینه علم عروض و قافیه به نام قطب‌شاه نوشته و کتاب دیگری هم به نام ریاض‌الصنایع دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

ساوجی، فتح‌الهبیگ (درگذشته ۱۳۱۰ خ)، فرزند محمدجعفربیگ، اهل روستای قرمزین از توابع نوبران (ساوه) و شاعری ترک‌زبان متخلص به «فقیر» که اشعارش در قالب قصیده، داستان طنز و مذهبی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۲۷).

ساوجی، فخرالدین (قرن ۴)، مکنی به ابوعبداله مبارک بن محمد، از خطیبان ادیب و خوشنویسان توانای قرن چهارم هجری است. وی در فن سخنرانی استاد و خوش‌محضر بود، زیبا می‌نوشت و زیبا سخن می‌گفت، آیات و اشعار فراوان از حفظ داشت، رساله‌های زیادی نگاشته و خطبه‌های زیادی ایراد کرده است.

ساوجی، فرخنده (درگذشته ۱۳۱۵ خ)، فرزند محمدکاظم‌خان و همسر عباسقلی‌خان (سیف‌لشکر)، متخلص به فرخنده و معروف به بی‌بی‌فرخنده از طایفه خلج و اهل عبدالله‌آباد (ساوه)، شاعر دوره قاجار است که از کودکی شعر می‌سرود و در پایان عمر نابینا شد. از آثار او می‌توان به یک دیوان شعر اشاره کرد که با مقدمه افخم‌السادات سلطانی منتشر شده و مشتمل بر ۳ مجموعه شعر ساقی‌نامه، گل‌وبلبل و غدیریه است.

۱. هفتمین پادشاه سلسله قطب‌شاهیان که در فاصله ۸۸۷ تا ۱۰۶۱، بر نواحی دکن، گلکنده و حیدرآباد فرمانروایی کرده است.

(فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۰۸).

ساوجی، فضل‌اله (۵۲۲-۵۸۱ خ)، فرزند محمد بن ابی‌الشریف، عالم دینی، ملقب به ناصح و از شاگردان ابوالوقت ابوذرعه است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۲۷).

ساوجی، فضل‌اله (درگذشته ۱۲۳۷ خ)، فرزند میرزا حسن، برادر میرزا موسی طبیب و پدر میرزا ابوالفضل ساوجی، از خوشنویسان ایران در زمان قاجار است. او در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه، معلم علیخان ظل‌السلطان و بعدها مربی شاهزاده فرهادمیرزا (معتمدالدوله) و علیقلی میرزا (اعتضادالسلطنه) بود. این هنرمند خوشنویس، علاوه بر نستعلیق، ثلث و نسخ را هم خوش می‌نوشت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۲۳).

ساوجی، فضل‌اله (درگذشته ۱۲۹۷ خ)، از مبلغین دین بهاییت بوده و مهمترین کتب این عالم دینی که بهایی‌گری را ترویج داده عبارتند از: کشف‌الغطا، رساله اسکندریه، حجج‌البهیة، فصل‌الخطاب و چند اثر دیگر (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۲۶).

ساوجی، کریم‌ا (درگذشته ۱۰۳۰ خ)، از شاعران و سخن‌سرایان قرن یازدهم اهل ساوه است که صاحب تذکره میخانه درباره او می‌گوید: مجموعه کمالات انسانی، منتخب دیوان نکته‌دانی، آقای کریمای ساوجی در نظم‌ونثر فرید زمان و در دانش وحید دوران خود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۳).

ساوجی، کلبعلی (زندگی ۱۱۵۸ خ)، معروف به **کلبعلی‌خان**، فرزند کامران‌خان، اهل چلسیان خرقان (زرنديه)، به مدت ۴۰ روز میزبان کریم‌خان زند و ۴۰ سوار همراه او بوده و در این مدت دوستی عمیقی بین ایشان ایجاد شد و پس از به قدرت رسیدن، کلبعلی‌خان یکی از کارگزاران و مقربان درگاه شد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۷۳).

ساوجی، لطفعلی (قرن...)، فرزند عبدالله و برادر میرزا فضل‌اله، هنرمند خوشنویسی است که به‌گفته رضاقلی‌خان هدایت، کتاب «مرصادالعباد من المبدأ الی‌المعاد» تألیف نجم‌الدین دایه رازی را به خط خوش نگاشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۹۶).

ساوجی، مبارک‌شاه (قرن ۸)، منشی خردمند و با تدبیری بود که خط ترکی و عبارات فارسی و عربی وی در جهان مشهور است. در لشکرکشی امپرولی به ساوه، مبارک‌شاه که حاکم ساوه بود چند روزی پنهان شد، ولی آخرالامر به دیدن امیر رفت و با تدبیر خاص خود رضایت وی را جلب کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۹۷).

ساوجی، محبعلی (قرن ۱۳)، از حاکمان دوره فتحعلی‌شاه قاجار که در استرداد ایالات از دست ایران از روس‌ها با فتحعلی‌شاه همکاری داشت. این دولتمرد سال‌خورده، هم‌چنین از طرف شاه، مأموریت یافت تا در سفارت عثمانی، نقشه‌های تجاوزکارانه روس‌ها را به‌اطلاع سلطان محمود دوم، پادشاه عثمانی برساند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۱۰).

ساوجی، محمد (۱۲۱۳ خ)، پسر حاجی سیدعلی، هنرمند خوشنویس، بنا به دستور لسان‌الملک میرزا محمدتقی سپهرکاشی صاحب کتاب ناسخ‌التواریخ در خرداد ۱۲۳۴، جلد دوم کتاب «بحرالفوائد و عقدالفراید» را نوشته و خطی آن به شماره ۴۱۷۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۱۹).
ساوجی، محمد (۴۵۹-۵۵۴ خ)، فرزند محمد بن عبدالله بن عیسی مشهور به ابوهاشم ساوجی، از علمای دینی است که دانش فقه را از پدر ابن سمعانی فرا گرفته و قاضی شهر ساوه هم بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۶).

ساوجی، محمد (۹۸۰ خ)، از جمله هنرمندان خوشنویس و خطاطان ساوه که ربع اول از تفسیر «جلاءالاذهان و جلاءالاحزان» معروف به گازر را در سال ۱۰۳۶، با دست چپ نوشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۴۷).

ساوجی، محمد (درگذشته ۱۳۰۱ خ)، اهل الویر خرقان (زرنديه)، عالم دینی و از فضایی عصر خود بوده و در خوشنویسی و خط نستعلیق، هنرمند و در فن انشاء، نامه‌نگاری و سرودن شعر هم رتبه استادی داشته و دو مقاله با کلمات بی‌نقطه از او باقی‌است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۴۰).

ساوجی، محمد (درگذشته ۶۴۷ خ)، فرزند حسن، مشهور به بابا افضل (افضل‌الدین)، از اقوام خواجه نصیرالدین طوسی که ۴۸۳ رباعی، ۱۳ رساله بزرگ، ۳۲ رساله کوچک و ۵ مکتوب و همچنین تقریراتی به‌نثر فارسی و یک تقریر به عربی دارد. رباعیات این شاعر با مقدمه سعید نفیسی و در سال ۱۳۱۱ چاپ شده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

ساوجی، محمد (درگذشته ۶۹۰ خ)، فرزند تاج‌الدین علی ساوی مستوفی، تحصیلات خود را در قم تکمیل کرد و در ملازمت امیرزادگان چنگیزی درآمد تا از این طریق به ترویج مذهب شیعه و کمک به فرقه امامیه بپردازد. او سمت وزارت و صاحب‌دیوانی را در سال ۶۵۷ از غازان، ایلخان ایران دریافت کرد. پس از جلوس اولجایتو در سال ۶۸۲، وی رشیدالدین را به صدارت و خواجه سعدالدین را به مشارکت او در امور دیوانی و وزارت گماشت. در سال ۶۹۰ ستیزه‌ای بین دو وزیر دست داد و به تحریک دیگران، سلطان بر او متغیر شد و در ۸ اسفند همان سال وی را با چند تن از نواب او در حوالی بغداد و به اتهام اختلاس از خزانه، به فرمان اولجایتو به قتل رساند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۰۲).

ساوجی، محمد (درگذشته ۹۰۴ خ)، پسرخاله مسیح‌الدین عیسی، قاضی ری و از کارگزاران دربار شاه طهماسب صفوی بوده و شاعری که با تخلص وصالی شعر می‌گفته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۵۹).

ساوجی، محمد (زندگی ۷۱۱ خ)، فرزند سعد بن محمد نجواف، ملقب به ابوالمحاسن، هنرمند خوش‌نویس، مترجم و شاعر سده هشتم است که در سال ۷۱۱ کتاب معروف المسالک‌والممالک تألیف ابواسحق ابراهیم اصطخری (۲۳۹-۳۳۶) را ترجمه کرده است. او همچنین منظومه‌ای به نام «دره‌المعانی فی الترجمة‌الثالی» را

نوشته و نیز کتاب حل المشکلات در موضوع طلسم و جفر را از کتاب حکیم ططام (طمطم) هندی ترجمه کرده است. وی کتاب السامی فی الاسامی را هم در سال ۶۹۰ برای فرزند خود کتابت کرده و در کتابخانه سلطنتی (سابق) موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۲۰).

ساوجی، محمد (قرن ۱۳)، فرزند محمود، ملقب به ابوعبداله، از علمای دینی نامدار که در فقه و حدیث و تبلیغ شیعه تلاش می‌کرده و در اکثر حوزه‌های علمیه تشیع مانند ری، قم، نجف و کربلا رفت‌وآمد داشته و از محضر روایات و محدثین میرز شیعی کسب فیض کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۲۲).

ساوجی، محمد (قرن ۴)، فرزند موسی، مشهور به ابوطیب، عالم دینی، فقیه‌ی شافعی و محقق‌ی عالی‌مقام و عالمی مدقق و از شاگردان ابواسحق مروزی بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۸).

ساوجی، محمد (قرن...)، فرزند احمد بن محمد اموی ساوجی، عالم دینی و از رجال و محدثین که به ابواحمد مشهور و فردی صدوق و موثق بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۱۸).

ساوجی، محمد (قرن...)، فرزند حسین، ملقب به جمال‌الدین قطب‌الحقیقه، از دانشمندان بزرگ ساوه در علم اخلاق است و از آثار این نویسنده و عالم دینی کتابی با نام «السلوک و عیوب النفس» است که در موضوع اخلاق و به‌فارسی است. نسخه خطی این کتاب به خط عبدالرازق بن عبدالکریم در کتابخانه ایاصوفیای ترکیه و فیلمی از این نسخه هم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۶۶).

ساوجی، محمد (قرن...)، فرزند خواجه شکراله و برادر قاضی عیسی، مشهور به قاضی‌درویش، شغل خشت‌مالی داشته است. این شاعر سروده‌های خوبی داشته، به‌گونه‌ای که امیرنظام‌الدین علی‌شیر در کتاب مجالس‌التفاس می‌نویسد: از جانب عراق بهتر از اشعار مولانا درویش، نظمی ننشیده‌ام، این مطلع از رشحات کلک بلاغت نظام اوست: خواب دیدم در هوا شاهین او صیدی ربود/چون شدم بیدار، مرغ دل به‌جای خود نبود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۶۷).

ساوجی، محمد ابراهیم (درگذشته ۱۳۱۲ خ)، پسر علی‌اکبر ساوه‌ای، از شاگردان علامه آشتیانی، عالم فقیه در ساوه مشغول به وظایف روحانی و دینی بوده است.

ساوجی، محمد تقی (۱۲۵۰ خ)، کتاب «اطباق الذهب» در سال ۱۲۸۵ هجری را با خط خویش نگاشته است.

ساوجی، محمد تقی (۱۳۱۲ خ)، ابتدا در حوزه علمیه ساوه تحصیل کرد و سپس در دانشگاه لیسانس حقوق قضا گرفت و به آمریکا رفت و دانش‌آموخته رشته مدیریت پرسنل شد. وی در بازگشت به ایران، ابتدا به دبیری در مدارس زرنویه و ساوه پرداخت، سپس به ارتش پیوست و ۳۲ سال خدمت کرد. او در سال ۱۳۶۹، به‌ریاست دانشگاه آزاد ساوه منصوب شد. ایشان هم‌چنین طبع شعر نیز داشت.

ساوجی، محمد تقی (درگذشته ۱۲۵۲ خ)، فرزند عبدالرزاق، عالم دینی و فاضل قرن سیزده بوده و کتاب

اطباق‌الذهب را در تاریخ ۱۲۴۷ نگاشته و نسخه خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۲۲).

ساوجی، محمدتقی (درگذشته ۱۲۹۸ خ)، فرزند ملاعلی مدد، در شهر **ساوه** به اقامه جماعت و وعظ و خطابه و تبلیغات دین اشتغال داشته است. این عالم دینی و نویسنده کتاب فارسی «هدایه الطالبین» بسیار مورد احترام و اعتماد مردم بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۲۴).

ساوجی، محمدحسن (درگذشته ۱۳۱۶ خ)، فرزند محمدرحیم ساوجی سماوکی، مشهور به آقابزرگ ساوجی در نوجوانی و پس از تحصیلات مقدماتی به نجف رفت و ۴۰ سال نزد میرزای شیرازی، میرزا حبیب‌اله رشتی و میرزا حسین خلیلی تحصیل علوم دینی کرد و به ایران بازگشت. این عالم دینی عمر خود را صرف ترویج علم و دانش کرد و در ادبیات هم مرتبه‌ای رفیع داشته و رأی ایشان در علوم زمان خویش حجت و مستند بوده است. ایشان سال‌های طولانی در مدرسه خان مروی و حکیم‌هاشم و نیز سپهسالار تهران ادبیات و فقه و اصول تدریس می‌کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵).

ساوجی، محمدرضا (۱۲۵۴-۱۳۲۲ خ)، فرزند ملا ابوالقاسم، مقدمات تحصیلی را نزد پدرش گذراند و به تهران رفت و از محضر آیت‌اله جلوه و شیخ آقابزرگ ساوجی بهره برد و به تدریس علوم دینی پرداخت. ایشان علاوه بر تبحر فوق‌العاده‌ای که در علوم عربی، بیان، فقه، اصول، منطق، حدیث و کلام داشت، نمونه‌ای از یک فرد ادیب هم بود و کتاب منظومه «سنن و آداب» این عالم دینی به زبان عربی، یکی از شاه‌کارهای فن شعر و حدیث است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۲۶).

ساوجی، محمدرضا (زندگی ۱۲۶۹ خ)، فرزند علی معروف به جراح، از هنرمندان خوشنویس و نستعلیق نویسان دوره ناصرالدین‌شاه بوده و کتاب تاریخ کاشغر تألیف محمدعاکف‌بیگ را در سال ۱۲۶۹ استنساخ کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۳۴).

ساوجی، محمدعلی (۱۲۳۷ خ)، متولد روستای سماوک (**ساوه**)، فرزند ملامحمدرحیم،

مشهور به آقا میرزا کوچک، از ۱۲ سالگی برای تحصیل علوم دینی به قم رفت و علوم متداول حوزه را فراگرفت و به‌عنوان یک عالم دینی، مدتی امام جماعت مدرسه مروی تهران بود و ضمن تدریس کتابی هم به نام «کشف‌العواضل فی شرح‌العوامل» که به زبان عربی و در موضوع صرف و نحو است را با هدف استفاده شاگردانش تدوین کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۷۸).



ساوجی، محمدقاسم (قرن ۱۱)، معروف به خدابخش، عالم دینی و از فضایی اوایل قرن یازدهم که همه اوقات خود را نزد علمای دینی صرف تحصیل علوم دینی و معارف الهی کرد و بنا به درخواست بزرگان ساوه، کتابی در موضوع واجبات شرعی و به نام میرزا رفیع‌الدین محمد معروف به صدرکبیر و با نام «تحفه رفیعی» به زبان فارسی تدوین کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۵۲).

ساوجی، محمدکاظم (درگذشته ۱۲۹۱ خ)، فرزند ملاهدایت‌اله، معروف به حاجی‌جناب متخلص به «شهاب»، شاعر بلندمرتبه که ۱۸۰۰ بیت در مدایح و مراثی ۱۴ معصوم به‌خط خود و به نام مدایح‌المعصومین سروده و این دیوان در کتابخانه شریعتمدار ساوجی موجود است. وی در نزاع بین شیعیان و اهل تسنن در عراق عرب به قتل رسید (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۶۳).

ساوجی، محمدکاظم (قرن ۱۱)، شاعر تاجرپیشه دوره صفویه است که سفری هم به هندوستان داشت و در بازگشت، در زادگاهش **ساوه** فوت کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۵۴).

ساوجی، محمدمحسن (قرن ۱۱)، فرزند محمد و پدر ملاصالح، شاگرد ملاخلیل بن‌غازی قزوینی است. این عالم دینی در مشهد مجلس درس داشته و پس از فوت، فرزندش ملا صالح امر تدریس را عهده‌دار شد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۵۴).

ساوجی، محمدنظام (قرن ۱۱)، فرزند علی‌خان، از هنرمندان خوشنویس قرن ۱۱ است که چندین کتاب از جمله: قانون‌الحکمه، اخلاق ناصری، دستورالوزرا، وصایای ارسطو، ظفرنامه، کنزالرموز در اخلاق و آداب و چند اثر دیگر را به خط خوش نگارش کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۵۵).

ساوجی، محمدیحیی (۹۸۰ خ)، فرزند شریف، عالم دینی و نویسنده کتاب «منهاج‌القبلة» به‌نام شاه‌عباس دوم که در سه مقاله و به‌فارسی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۵۷).

ساوجی، محمود (درگذشته ۱۳۳۵ خ)، فرزند میرزا‌علی طیب، ملقب به مرآت‌الاطبا، تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون نزد خلیل‌خان اعلم‌الدوله و میرزا محمدخلیل زرنندی فرا گرفت و به طبابت پرداخت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۶۳).

ساوجی، محمود (زندگی ۶۸۵ خ)، از سفیرانی بوده که به رسم رسالت نزد سلطان علاءالدین (۶۷۵-۶۸۵) به هندوستان می‌رفته و مورد اعتماد خواجه رشیدالدین فضل‌اله بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۵۸).

ساوجی، مریم (۱۳۰۱ خ)، فرزند محمد، تحصیلات مقدماتی را در مدارس تهران و متوسطه را در دانشسرای مقدماتی گذراند و از همین دوره به شعر و شاعری پرداخت. او سپس در دانشگاه تهران حقوق قضایی خواند و به زبان عربی و فرانسه هم مسلط شد. این عضو هیأت رئیسه اتحادیه زنان حقوقدان، شاعر، نویسنده و قصه‌پرداز که ابتدا «صور» و سپس «مریم» تخلص می‌کرد، در سرودن مثنوی و غزلیات عرفانی تبحر داشت و علاوه بر شعر آثار دیگری هم دارد که عبارتند از: حقوق زنان در اقوام و ادیان مختلف، اختلاف حقوق زن و مرد در اسلام، دختر راه، عشق گمراه و مجموعه شعر مریم ساوجی. ایشان برای نخستین بار مقدمات حقوق زن را از رادیو ایران بیان کرد و در سال ۱۳۴۰ هم دبیرستان ملی به نام خود بنیان نهاد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۷۰).



ساوجی، مسعود (قرن...)، بنابر گفته اهل علم **ساوه**، شاعر بوده و مقبره او در کهنور^۱ است و دیوان شعری هم دارد، ولی اطلاعات بیشتری به دست نیامد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۹۴).

ساوجی، معین‌الدین (۴۹۵ خ)، کارگزار، وزیر و مستوفی سلطان رکن‌الدین ابوالمظفر ارسلان بن طغرل بوده و تدبیر ملک بر دست داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۲۲).

ساوجی، منتخب‌الدین (قرن...)، شاعری از دیار **ساوه** بوده و این بیت از اوست: ای خوش آن وقتی که ساقی باده در ساغر کشد/چون یکی را در کشم ساقی سبک دیگر کشد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۴۶).

ساوجی، میرجعفر (زندگی ۹۵۵ خ)، پس از قتل خواجه جلال‌الدین محمد کرجی و قاضی جهان‌سیف قزوینی وزرای شاه طهماسب، به وزارت منصوب شد و او هم در نزاع بین امرای صفوی کشته شد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۷۰).

ساوجی، میرمرسل (قرن ۱۱)، از شعرا و سادات **ساوجی** است که در دوران صفوی می‌زیسته و شغل بزازی داشته و این بیت از اوست: من غریب نه یاری نه همدمی دارم/غریب درد دلی و عجب نمی‌دارم (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۷۷).

ساوجی، نجم‌الدین (قرن ۹)، معروف به یعقوب ساوجی، فرزند^۲ مسیح‌الدین عیسی، اهل **ساوه** و ندیم خاص و مصاحب سلطان یعقوب‌خان بوده و به‌همین جهت با تخلص «یعقوب» شعر می‌گفته، منشی و کاتب دیوان هم بوده و در نقطه مقابل قاضی عیسی که متکبر و متجبر بود، یعقوب ساوجی به شاعری متخلق به اخلاق، عطوفت و مردم‌داری شناخته می‌شده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۵۰).

ساوجی، نجم‌الدین مسعود (۸۶۳ خ)، هنرمند خوش‌نویس که به تأیید علامه دهخدا، به سال ۸۸۲، وکیل و متصدی اداره امور مالی و اداری دربار شاه اسماعیل صفوی شد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۹۶).

ساوجی، هادی (قرن ۱۳)، در ویدر از توابع نوبران به‌دنیا آمد و بعدها به‌روستای چمران رفت و سپس در الویر (**زرنديه**) ساکن شد. وی از نوادگان قاضی اسداله ساوجی و از دودمان ابوالفضل قاضی‌اسدی، شاعری زبردست و معاصر با تلیم‌خان بوده و با وی مشاعره می‌کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۴۹).

ساوجی، هدایت‌اله (درگذشته ۱۲۹۳ خ)، مشهور به شیخ حاجی‌آقا ساوجی، از شاگردان میرزا حسین خلیلی و علامه یزدی و علامه خراسانی بود. این عالم دینی متبحر در فقه و اصول هم‌چنین در هنر خوشنویسی مهارت داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۴۷).

۱. در کتاب فرهیختگان ساوه شهری در هندوستان معرفی شده ولی در گوگل چنین شهری یافت نشد.

۲. به گفته برخی مورخان از بستگان قاضی عیسی ولی بنا به گفته علامه دهخدا فرزند اوست.

ساوجی، یوسف (۵۴۸-۶۲۸ خ)، فرزند محمود بن یعقوب مصری، عالم دینی و محدثی که از عبدالله بن بری روایت می‌کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۵۸).

ساوجی، یوسفعلی بیگ (قرن...)، از طایفه ایل قشقایی اهل خرقان (زرنديه) که شاعری توانا بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۵۸).

ساوجی طوسی، نصیرالدین (۵۷۹-۶۷۲ خ)، مشهور به ابوجعفر محمد فرزند محمد بن حسن، معروف به خواجه نصیرالدین طوسی، اصالتاً از جهرود (ساوه) بوده و قرآن، ادبیات و فقه و اصول را نزد پدر خویش خوانده و مقدمات منطق و حکمت را از نورالدین علی بن محمد شیعی و جبر، حساب، هیأت، هندسه و ریاضی را از کمال‌الدین محمد حاسب فراگرفت و نزد قطب‌الدین مصری علوم پزشکی و نزد فریدالدین داماد هم فلسفه آموخت. شاعر، فیلسوف، متکلم، فقیه، ستاره‌شناس، اندیشمند، ریاضیدان، پزشک، عارف و معمار ایرانی که ابن خلدون او را در کنار فخرالدین رازی بزرگترین دانشمند ایرانی می‌داند، ساخت رصدخانه مراغه در سال ۶۵۷ و تأسیس کتابخانه مراغه با ۴۰۰ هزار جلد کتاب را در کارنامه دارد و شاگردان بزرگی پرورش داده که علامه حلی، قطب‌الدین شیرازی، رکن‌الدین استرآبادی، مجدالدین مراغه‌ای، غیاث‌الدین بن طاووس و سیدرضا آبی از آن جمله‌اند. قواعد الاعتقاد، الفصول، الامامه، شرح‌الاشارات، اخلاق ناصری، حاشیه بر قانون ابن سینا، تحریر اقلیدس و ده‌ها عنوان دیگر از این شخصیت برجسته تاریخی به‌جای مانده، لیکن مهمترین اثر این دانشمند بزرگ تأثیرگذاری او به‌عنوان مشاور بر هلاکوخان مغول است که از این قوم وحشی رهبرانی خادم فرهنگ ساخت و نیز در تسخیر بغداد و سرنگونی عباسیان توسط هلاکو، نقش‌آفرین بود و هلاکو بدون مشورت خواجه نصیرالدین هیچ تصمیمی نمی‌گرفت، هیچ سفری نمی‌رفت و هیچ حکمی نمی‌داد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۹۷).

ساوجی قزوینی، احمد (۸۱۷-۸۸۹ خ)، فرزند محمد، مردی فاضل، شاعر و هنرمندی خوشنویس و مشهور به غفار ساوجی، مدتی در دستگاه سام‌میرزا^۱ بوده و نویسنده دو کتاب «تاریخ جهان‌آرا» و «تاریخ نگارستان» است، که در سال ۱۲۷۵ در بمبئی چاپ شد. کتاب «الحاوی الصغیر» هم از اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۹۴).



ساوجی کاشانی، اسداله (قرن ۱۰)، معروف به قاضی اسد، متولد ویدر خرقان (زرنديه) که در دوران صفویه می‌زیسته و شاگرد مؤمن مشهدی و کمال سبزواری بوده است. این عالم دینی در لباس اهل سلوک و مدتی هم صاحب سلسله و از اصحاب کمال و دارای وجد و حال بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۳۸).

ساوجی کاشانی، حبیب‌اله (۱۲۲۵ خ)، فرزند ملا علی مدد بن رمضان، متخصص به «سالک» که نابغه‌ای

^۱. برادر کوچک شاه‌طهماسب اول.

ذوالفنون بود و در مقام شاعر، نویسنده و عالم دینی ۱۵۰ عنوان کتاب دارد که مصابیح‌الظلام، حدیقه‌الجمل، لب‌الفکر، هدایه‌الضبط، انوارالسانحه، اسرارالعارفین و... از آن جمله‌اند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۶۶).

ساوه‌ای، ابوالحسن محمد (قرن ۴)، فرزند احمد بن حارث، مشهور به خطیب **ساوه** از رجال و محدثین قرن چهارم است. این عالم دینی، نویسنده کتابی است در موضوع امامت که «نوادر علم‌القرآن» نام دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۵۵).

ساوه‌ای، آقاجان (زندگی ۱۲۷۵ خ)، خواننده بزرگ موسیقی و تعزیه‌خوان معروف دوره ناصری که به دانش موسیقی احاطه داشته و ملاعبدالکریم جناب قزوینی، حاجی حکیم تهرانی و صادق‌خان نواب از شاگردان او هستند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵).

ساوه‌ای، پیراحمد (زندگی ۷۶۷ خ)، در سال ۷۶۷ از جانب تیمور گورکانی حاکم همدان، قم، کاشان و قزوین بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۹۰).

ساوه‌ای، محمد (قرن ۸)، داروغه (کارگزار) میرزا اسکندر بن میرزا عمر به نامیر تیمور گورکانی بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۴۶).

ساوه‌ای، نورالدین عبدالرحمن (درگذشته ۹۰۱ خ)، فرزند قاضی درویش محمد و برادر قاضی عیسی و قاضی ضیاءالدین نوراله بوده و نزدیک به ۲۰ سال در دارالسلطنه تبریز سمت قاضی‌القضاتی داشت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۲۷).

ساوه‌ای، یوسف (۷۹۳-۸۶۳ خ)، از پهلوانان قرن نهم اهل **ساوه** که از هوش و خرد شایانی برخوردار بود. او در همین مسیر، سفر هند در پیش گرفت و در شهر بیدر زورخانه تأسیس کرد و به آموختن آیین پهلوانی پرداخت. پهلوان یوسف همه حریفان هندی را مغلوب کرد و سرانجام در حضور سلطان محمد بهمنی در دهلی، قوی‌ترین پهلوان را بر زمین زد و مورد محبت سلطان واقع شد. او در ادامه به پادشاهی قسمت بزرگی از خاک هند رسید و سلسله سلاطین بیجارپور هندوستان را بنیان نهاد و به یوسف عادل‌شاه ملقب شد. او که از این منظر تاریخ‌ساز محسوب می‌شود، اعقابش تا سال ۸۷۵ سلطنت کردند و در ترویج مذهب جعفری (شیعه) در هند تلاش بسیار کرد. وی هم‌چنین در علم عروض و قافیه و فنون موسیقی مهارت داشت و در هنر خوشنویسی و بویژه نستعلیق هم استاد بود. شهیدمطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» می‌نویسد: یوسف عادل‌شاه در آغاز جوانی به هند رفت و پس از مدتی، سلطنت این ناحیه را در دست گرفت و بسیاری از مناطق مرکزی هندوستان که در دست بت‌پرستان بود را به تشیع درآورد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۶۰).

ساوی، ابوالسعید عبدالجلیل (زندگی ۴۷۸ خ)، فرزند محمد ساوی از عالمان قرن پنجم و از راویان حدیث که از محمد بن سلامه بن جعفر بن قاضی ابی‌عبدالله‌القضاعی، فقیه کامل، قاضی مصر و نویسنده کتاب الشهباء، روایت می‌کرده و قاضی عبدالوحد بن احمد بن محمد ثقفی کوفی در مسجد کوفه و در سال ۴۷۸ از

وی احادیثی را شنیده و ضبط کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۶).

ساوی، احمد (۱۱۹۶ خ)، فرزند فضل‌اله مططب ساوجی، هنرمند خوشنویس بوده و کتاب اشارات والتنبیهات ابوعلی سینا را تحریر کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

ساوی، حسن (درگذشته ۴۷۴ خ)، فرزند محمد بن حسن، مشهور به ابوعلی ساوی عالم دینی، فقیه و متکلم مذهب اشعری است که در دمشق از ابوطالب بن غیلان و ابوذر هروی روایت می‌کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۹).

ساوی، اسماعیل (۳۶۴ خ)، عالم دینی و از متصوفان و پیروان شیخ ابوالسعید ابوالخیر و از امامان متصوفه و طریقت بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

ساوی، عبدالرحمن (۴۱۷-۴۶۹ خ)، مشهور به ابوطاهر، فرزند احمد بن علی ساوجی، عالم دینی و از رجال و محدثین بزرگ و از پیشوایان مذهب شافعی بوده و مسافرتی هم به سمرقند داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۸).

ساوی، عبدالحمید (قرن...)، فرزند سعد بن هبه‌اله ابوالفضل، عالم دینی و از رجال و محدثین بزرگ بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۵۴).

ساوی، عقیف‌الدین محمود (درگذشته ۶۵۶ خ)، فرزند عبدالرحمن، عالم دینی و استاد عمر بن عبدالجبار بن عمر زهری ساوجی است که کتاب «منهاج‌العابدین» امام محمد غزالی را به فارسی ترجمه کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۷۰).

ساوی، علی (قرن ۵)، فرزند احمد، از دانشمندان و مورخانی است که بین قرن چهارم و ششم می‌زیسته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۷۰).

ساوی، عمر (قرن ۷)، فرزند عبدالجبار، عالم دینی و از شاگردان عقیف‌الدین محمود، کتاب موسوم به منهاج‌العابدین محمد غزالی را به فارسی ترجمه کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۷۰).

ساوی، محمد (درگذشته ۵۲۴ خ)، مشهور به ابوهاشم، فرزند علی بن ساوی، از علمای دینی و رجال و محدثین بوده و از ابوعبداله محمد بن احمد بن کانجی ساوجی روایت می‌کرده است. وی هم‌چنین در سفر حج، همسفر ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی سمعانی بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۶).

ساوی، محمدنظام (زندگی ۱۰۱۵ خ)، فرزند علیخان ساوی، از خوشنویسان و کاتبان قرن یازدهم هجری است. از آثار او یک نسخه از کتاب کنز‌الرموز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد که به خط نستعلیق و در سال ۱۰۱۵ نوشته شده است.

ساوی، مرزبان (زندگی ۴۹۳ خ)، فرزند احمد یوسف‌الساوی، عالم دینی و از رجال و محدثین بوده که در اوایل قرن ششم به قزوین رفته و در سال ۴۹۳، کتاب «التلخیص» ابومعشر طبری را نزد ابواسحاق شحازی

خوانده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۶۹).

ساوئی، عرفان (۱۳۶۸ خ)، فرزند غلامرضا و بانو مرضیه، دوره ابتدایی را در مدارس

استقلال و هدایت اراک و راهنمایی را هم در مدرسه ابراهیم دهگان گذراند. او همچنین

مقطع اول دبیرستان را به مدرسه امام علی رفت و از مدرسه فن‌آوران در رشته کامپیوتر

دیپلم گرفت و عازم خدمت سربازی شد. عرفان پس از مدتی ادامه تحصیل داد و از مدرسه

صالح در سال ۱۳۹۴ در رشته علوم انسانی مدرک پیش‌دانشگاهی گرفت و سپس وارد دانشگاه پیام نور اراک

شد و در رشته تاریخ دانش‌آموخته شد. او در کنکور سراسری با کسب رتبه ۱۵ از دانشگاه تهران به دریافت

کارشناسی‌ارشد در رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی نائل شد. «امارت عجلیان: حکومتی در ایران به مرکزیت

سربند و شراه» نخستین اثر وی در حوزه نویسندگی است که به تاریخ سه قرن نخست هجری اختصاص

دارد. وی همچنین مقالاتی را در نشریات تخصصی معتبر به چاپ رسانده است.

سبزویشان، سیدحسن (۱۳۰۴ خ)، فرزند علیمحمد، تحصیلاتش را در زادگاهش ساوه

گذراند و در اداره دارایی همین شهر استخدام شد. این شاعر که از جوانی علاقه‌مند به شعر و

ادبیات بود، بیشتر اشعار مذهبی می‌سرود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۰۰).

سبزی، حجت‌اله (۱۳۳۸ خ)، فرزند حسین و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در اراک گذراند

و از دبیرستان محمدرضاشاه دیپلم گرفت و وارد دانشکده هنرهای دراماتیک شد ولی از ادامه

تحصیل منصرف شد. نویسنده، کارگردان، بازیگر و نظریه‌دار تئاتر، سازنده فیلم‌های کوتاه از

جمله عشق من کبوتر، قاصدک، پول و...، چهره برجسته‌ی هنر نمایش و پدر تئاتر استان و

از هنرمندان صاحب سبک در تئاتر و فعال در زمینه بازیگری، نویسندگی، کارگردانی و تربیت شاگردان بسیار

از افتخارات اوست

سپاسی‌آشتیانی، علیرضا (۱۳۲۳-۱۳۶۰ خ)، فرزند ابوالقاسم تحصیلات ابتدایی را در

مدرسه خاقانی آشتیان گذراند و به تهران رفت و از دبیرستان رهنما دیپلم گرفت و در

دانشکده هنرهای زیبا معماری خواند. او که به زبان عربی و انگلیسی مسلط و مقداری هم

فرانسه می‌دانست، در سال ۱۳۴۲ عضو سازمان مجاهدین خلق شد و در ترور سرلشکر

طاهری که در دستگیری امام خمینی دست داشت، شرکت کرد. این کنشگر سیاسی در سال ۱۳۵۷ عضو

برجسته و فعال پیکار در راه آزادی طبقه کارگر شد و نام مستعار «دایی» را برای خود برگزید و بالاخره در

سال ۱۳۶۰ اعدام شد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۵۵).



سپهرپور، علی (۱۳۱۵ خ)، زاده روستای قالیباف بخش چَرّا (خنداب)، دوران ابتدایی و متوسطه را در مدارس مختلط منصوری، خیام، انوری و عظیمی اراک گذراند و در دبیرستان های صمصامی، مجیدی و محمدرضاشاه نیز درس خواند و از دانشسرای مقدماتی گلپایگان دیپلم گرفت و در اداره آموزش و پرورش اراک استخدام شد. او که مسوول اداره روابط عمومی آموزش و پرورش استان مرکزی بود، از دوران دبیرستان شعر می سرود و دیوان شعری از او باقیست. اشعار و نوشته های ایشان در نشریات چاپ و منتشر می شد و نیز عضو هیأت تحریریه هفته نامه مجنون و هم چنین مسوول گروه هنری انجمن قائم مقام بود (مجدی، ۱۳۸۴ : ۸۹).



ستوده، محمدتقی (۱۳۰۰ خ)، فرزند رحمت اله، در سنین نوجوانی چند سالی در بازار **اراک** بود و شب ها نزد آقایان علی غفاری و ابوالقاسم موچانی به تحصیل دروس ادبیات عرب مشغول شد و سپس بازار را رها کرد و در سال ۱۳۲۰ به مدرسه علمیه حاج محمدابراهیم اراک و بعد به قم رفت. این عالم دینی و مدرس نمونه قم، شاگردان زیادی تربیت کرد و بسیاری از آنها به رده های بالای حکومتی رسیدند که از آن جمله اند : یوسف صانعی، سیدمحمدعلی علوی گرگانی، محمدمهدی ربّانی املشی، محمد مؤمن، علی گرامی، هاشمی رفسنجانی، سیدعلی و سیدمصطفی محقق داماد، سیدجعفر شبیری زنجان، مجتبی تهرانی، سیدمحسن خرازی، رضا استادی، غلامرضا رضوانی خمینی، سیدحسن طاهری خرم آبادی، علی اکبر ناطق نوری، سیدعلی اکبر محتشمی، حسن صانعی، احمد احمدی، علی اکبر مسعودی خمینی، مهدی کرّویی، قربان علی درّی نجف آبادی، سیدعبدالواحد موسوی لاری، سیدکاظم نورمفیدی، محسن قرائتی و....

سجادی، سیدابوالقاسم (درگذشته ۱۳۱۷ خ)، فرزند میرزا یحیی و نوه میرزا حسن **آشتیانی** در جوانی روزنامه نگار بود. او در قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق الدوله با انگلیس، حامی آزادی خواهان بود و ابتدا به نهضت جنگل و سپس به گروه احسان اله خان پیوست و در سال ۱۳۰۰ ایران را ترک کرد. این نویسنده و کنشگر سیاسی که از مؤسسان کمونیست در ایران است، در جنگل، روزنامه ایران سرخ، انقلاب سرخ و کمونیست را منتشر کرد و سال ها در دانشگاه مسکو، زبان فارسی تدریس می کرد. او در شعر «ذره» تخلص می کرد.

سجادی، سیدعلی اکبر (۱۲۵۴-۱۳۲۷ خ)، فرزند سیدمحمد، متولد **تفرش**، در حوزه علمیه نجف تحصیل کرد و در فقه و اصول و ادب تبحر یافت و به تفرش بازگشت. این عالم دینی، ضمن رسیدگی به امورات شرعی مردم، بنیانگذار نخستین دفتر ازدواج و طلاق و نخستین سردفتر اسناد رسمی تفرش بود و مدتی هم به عنوان نخستین مدیر دبستان



ضیاییه خدمت کرد (حیدری، ۱۳۹۹ : ۹۹).

سجادی قائم مقامی فراهانی، حسین (۱۳۳۳ خ)، زاده اراک و مشهور به قادرعبداله، از



نویسندگان ایرانی که در سال ۱۳۶۷ به هلند مهاجرت کرد و با آموختن زبان هلندی در مدتی کوتاه، یکی از نویسندگان سرشناس هلند شد. آثار او که به ۲۷ زبان ترجمه شده، بیشتر از زادگاهش ایران و سرزمین محل زندگی اش هلند می گوید. او هم اکنون ستون نویس یکی از قدیمی ترین و پرتیراژترین روزنامه های هلند با نام فُلکس کرانت (Volkskrant) است. ترجمه قرآن و کلیله و دمنه به زبان هلندی دو اثر متفاوت اوست. او می گوید: من افکار ایرانیم را در واژگان و مفاهیم هلندی ریخته و به متون هلندی ام رنگ و طعم ادبیات کهن فارسی می زنم و همیشه دلم می خواست نویسنده بزرگ خوب ایرانی باشم، منتهی مشکلی داشتم و آن نام فامیل پدرِ پدرِ بزرگم بود، میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، یعنی هر چه می نوشتم باز او بزرگ تر بود. اگر نام خود را می خواستم بر نوشته هایم بگذارم، همیشه آن قائم مقام فراهانی بزرگ تر بود. وقتی نخستین کتاب من بیرون آمد، دنبال اسمی می گشتم و متأسفانه دو تا از دوستانم همان روزها اعدام شدند، یکی از آنها «قادر» و دیگری «عبداله»، فکر کردم و شدم «قادرعبداله».

سجادیه، سیدجواد (۱۲۸۶-۱۳۵۸ خ)، فرزند سید احمد محسنی عراقی و نوه حاج



آقامحسن، تحصیلات ابتدایی را در اراک گذراند و پس از مدتی تحصیل در کالج آمریکایی تهران، به انگلستان رفت و زبان و ادبیات انگلیسی خواند. او مدتی در دانشگاه تبریز تدریس کرد و در سن ۵۰ سالگی به اتریش رفت و با دکترای فلسفه برای ادامه تدریس به دانشگاه تبریز بازگشت. این نویسنده که به زبان های انگلیسی کهن، انگلیسی جدید، فرانسه و آلمانی تسلط و به زبان های عربی، لاتین، آذری و ایتالیایی آشنایی داشت تألیفات زیادی دارد که از آن جمله اند: سرگذشت و سرنوشت استعمار (دو جلد)، تاریخ خدمات دکتر مصدق (انگلیسی)، ترجمه اشعار الیوت (شاعر نامدار انگلستان)، تاریخ تمدن جهان، تاریخ آمریکا، تاریخ شهرهای ایران (ترجمه)، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران مربوط به پیش از اسلام و... (محتاط، ۱۳۷۲: ۶۱).

سجادیه، گلچهره (۱۳۳۳ خ)، متولد اراک، پس از پایان تحصیلات متوسطه، در رشته



تئاتر ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۵۶ از دانشکده هنرهای زیبای تهران دانش آموخته شد. این سینماگر ۲۰ سال در عرصه تئاتر فعالیت کرد و از افتخارات اوست: سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول از پانزدهمین جشنواره فیلم فجر برای بازی در فیلم سرزمین خورشید، تندیس زرین بهترین بازیگر نقش اول جشن خانه سینما برای بازی در فیلم سرزمین خورشید، کاندید سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن از بیستمین جشنواره فیلم فجر برای بازی در فیلم نگین و چندین افتخار دیگر در زمینه فعالیت های سینمایی.

سجادی هزاوه، سیدحمید (۱۳۴۸ خ)، از خانواده‌ای اهل هزاوه (اراک) در تهران متولد



شد. او دارنده مدال طلای قهرمانی آسیا، چهار مدال برنز قهرمانی آسیا و یک مدال نقره بازی‌های آسیایی، مدیر ورزشی، معاون توسعه قهرمانی وزارت ورزش، وزیر ورزش و جوانان ایران در دوره رئیسی، دبیر شورای عالی جوانان، عضو حزب جامعه اسلامی و دکترا در رشته برنامه‌ریزی تربیت بدنی و نیز عضو هیأت علمی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه آزاد می‌باشد.

سجادی هزاوه، محبوبه (۱۳۵۲ خ)، فرزند میرمصطفی و بانو مریم، پس از دریافت دیپلم از دبیرستان

عفاف، در دانشگاه شهیدبهشتی کارشناسی خواند و از دانشگاه علوم پزشکی اهواز، ارشد و علوم پزشکی ایران، دکترای پرستاری گرفت. او از سال ۱۳۸۴ عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک است و از سال ۱۳۹۹ ریاست دانشکده پرستاری این دانشگاه را بر عهده دارد. او به‌عنوان نویسنده و پژوهشگر برتر، سه عنوان کتاب فرآیند پرستاری در بیماری‌های کودکان-کودک سالم، مفاهیم پرستاری کودکان، درسامه جامع پرستاری و درد در کودکان را به‌رشته تحریر درآورده و هم‌چنین بیش از ۷۰ مقاله (۵۴ مقاله ISI و Pubmed) در ژورنال‌های خارجی و ۲۲ مقاله در مجلات داخلی منتشر کرده است.

سحاب تفرشی، ابوالقاسم (۱۲۶۶-۱۳۳۵ خ)، فرزند محمدزمان، مشهور و متخلص به



«سحاب»، از رجال علمی ایران، تحصیلات مقدماتی را در تفرش نزد سیدمحمد امام‌جمعه و سیدعلی‌اکبر سجادی گذراند و در سال ۱۲۸۷، جهت تحصیلات عالی به تهران رفت. او در مدرسه مروی فقه و اصول و حکمت خواند و مدتی در مدرسه آلیانس تدریس کرد و به استخدام وزارت معارف درآمد. او در سال ۱۲۹۹ به‌ریاست معارف ثلاث (ملایر، نهاوند و تویسرکان) برگزیده شد. این دانشمند بزرگ و از دوستان علی‌اکبر دهخدا، دکتر حسابی و محیط طباطبائی، به زبان‌های عربی، فرانسه و انگلیسی مسلط و مدتی هم عضو دارالتقریب جامع الازهر مصر بود و شاگردانی تربیت کرد که منشأ خدمات علمی بزرگی در ایران شده‌اند و بزرگترین آنها فرزندش عباس سحاب است که دانش نقشه کشی (کارتوگرافی) در ایران مرهون اوست. از این شاعر، پژوهشگر و نویسنده برجسته علوم انسانی و بویژه تاریخ که خطی خوش و طبعی روان داشت، علاوه بر صدها مقاله در مطبوعات داخلی و خارجی و دیوان شعر، بیش از ۷۰ عنوان کتاب تاریخی، دینی، سیاسی و ترجمه به‌جا مانده که «فرهنگ خاورشناسان»، «زندگانی شاه‌عباس کبیر»، «تاریخ نقاشی در ایران» و «ترجمه جغرافیای کارپنتر از انگلیسی (در ۶ جلد)» از آن جمله‌اند (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

سحاب تفرشی، عباس (۱۳۰۰-۱۳۷۹ خ)، فرزند ابوالقاسم، در ۴ سالگی به مکتب درس



ملاحسین شاهمیری رفت و در سن هفت سالگی وارد مدرسه کمالیه شد و دوره متوسطه را در مدارس ابن‌سینا و علمیه گذراند. او به سبب علاقه سرشار به جغرافیا، بیشتر وقت خود را در تهیه نقشه گذراند و در سال ۱۳۱۵ به‌همراه پدر بنای نخستین مؤسسه جغرافیایی و

کارتوگرافی خصوصی ایران را بنیان نهاد و برای تهیه نقشه مناطق گوناگون ایران، به بیش از ۳۰ هزار شهر و روستا سفر کرد. این دانشمند، در سال ۱۳۳۴ با همکاری مؤسسه کلمبوس آلمان نخستین کره جغرافیایی را به خط و زبان فارسی تولید کرد. **پدر** نقشه‌نگاری ایران، با ابداع سبکی نوین در ترسیم نقشه‌های جغرافیایی به‌عنوان یکی از نقشه‌نگاران برجسته ایرانی و بنیان‌گذار دانش نقشه‌نگاری شناخته می‌شود. وی همچنین بنیانگذار مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب می‌باشد. ایشان مؤلف، نقشه‌نگار و ناشر صدها اطلس و نقشه جغرافیایی شهرها و استان‌های ایران، کشورهای منطقه و دودمان‌های تاریخی ایران و یکی از نقشه‌نگاران صاحب‌سبک در دنیاست. برای تدوین اطلس ۱۴ قرن هنر اسلامی به دو زبان فارسی و انگلیسی در بیست جلد با حمایت یونسکو، به بیش از ۳۲ کشور سفر کرد که این کار مهم ۳۰ سال به درازا کشید، که متأسفانه به سرانجام نرسید و تنها جلد دوم آن با نام «هنر خوشنویسی از آغاز تا امروز» در سال ۱۳۸۱ منتشر شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۰۱).

سخنور، محمد (۱۳۱۷ خ)، فرزند علی‌اصغر، تحصیلات ابتدایی را در **اراک** و دوران دبیرستان و دانشسرا را هم در خرم‌آباد گذراند و به‌استخدام آموزش و پرورش آبادان درآمد. مدیریت دبستان ملی شوش و ریاست دبیرستان خشایار و قائم‌مقام و مدیریت مجتمع آموزشی راهنمایی و دبیرستان پهلوی آبادان از سوابق اوست. او از پانزده‌سالگی گوینده رادیو لشکر ۸ خرم‌آباد شد و اوج استعداد و خلاقیت وی در ساخت دستگاه آموزش سمعی‌بصری حروف الفبا بود که با برق و باتری کار می‌کرد و در نوع خود یک اختراع محسوب می‌شد. او همچنین به‌عنوان یک فعال فرهنگی گروه هنری ستاره را بنیان نهاد و چندین نمایشنامه کمدی و درام را که خود نوشته و کارگردانی کرده بود را به‌روی صحنه برد. مجری سرشناس رادیو آبادان و مجری برنامه‌ها و نشست‌های فرهنگی در اراک از دیگر سوابق اوست (مجدی، ۱۳۸۴: ۹۳).



سراج‌حجازی، سیدحسن (۱۲۸۷-۱۳۶۵ خ)، فرزند هدایت‌اله حجازی **تفرشی** (سراج‌السلطان) و نوه میرزا ابوالقاسم معین‌الملک^۱، تحصیلات خود را در رشته حقوق به‌پایان برد و به‌استخدام وزارت کشور درآمد. او در سال ۱۳۲۴ حاکم اراک شد و همچنین در مشاغل چون شهرداری و فرمانداری شهرستان‌های مختلف، نمایندگی مردم اراک در دوره نوزدهم مجلس شورای ملی، معاون نخست‌وزیر، استانداری اصفهان، معاونت پارلمانی وزارت کشور، نمایندگی مردم همدان در انتخابات دوره پنجم مجلس سنا و قائم‌مقام بنیاد پهلوی خدمت کرد. او در شهریور ۱۳۵۷ به‌عنوان استاندار خراسان و تولیت آستان قدس رضوی تعیین شد، ولی تنها ۷۴ روز در این سمت بود. وی به زبان فرانسه و انگلیسی مسلط بود و مقاله «انزوا» اثر لامارتین شاعر و نویسنده فرانسوی را از فرانسه



^۱ متولی آستان قدس رضوی در دوران صدارت امیرکبیر

به فارسی ترجمه کرد که در مجله وحید به چاپ رسید (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۹).

سراجی، غلامحسین (۱۲۶۳-۱۳۲۳ خ)، فرزند احمد، از نخستین پزشکان دانش‌آموخته دارالفنون است که در **اراک** به امر طبابت مشغول بود و از ویژگی‌های این پزشک مردمی دستگیری از بیماران نیازمند بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۹۲).

سربندی، ابوالحسن (۱۲۳۰-۱۳۱۰ خ)، مسجد ابوالحسن در محله عباس‌آباد **اراک** را با کمک اهالی ساخت و به عنوان یک عالم دینی، امامت جماعت آن را بر عهده گرفت و این مسجد یکی از آثار ثبت شده ملی است (صدیق، ۱۳۷۲: ۹۳).

سربندی، بیگلر (قرن ۱۳)، فرزند امان‌الله‌خان، اهل سربند (**شازند**)، از افسران دوره قاجار و مشهور به بیلگرخان بود که مدت‌ها، فرماندهی فوج بزچلو را بر عهده داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۹).

سربندی، علی (زندگی ۱۴۰۲ خ)، متولد **اراک**، پایان‌نامه تحصیلی خود را از دانشگاه

تهران در رشته فلسفه دریافت کرد. او با تأسیس سازمان علمی فرهنگی مهرآباد و تشکیل

کلاس‌های شبانه‌روزی، فضای شایسته‌ای برای شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان فراهم

آورد. وی در سال ۱۳۶۲ با درخواست بازنشتگی زود هنگام از کار دولتی کناره گرفت و

ابتدا شغل طلافروشی پیشه کرد و با اینکه درآمد چشمگیری داشت ولی با یک حرکت حیرت‌انگیز در همان

محل، طلاها را به گوهر کتاب تبدیل کرد و به شغل کتابفروشی پرداخت. این شاعر و نویسنده در نشر و

گسترش آثار فرهنگی، علمی و تاریخی همت گماشت و در سال ۱۳۷۸ پاره‌ای از اندیشه‌های خود را در قالب

سروده‌هایی در مجموعه شعر «گلبنگ سربندی» منتشر کرد. در سال ۱۳۸۰ هم «اصفهان بهانه بود. ایرانم

آرزوست» را روانه بازار کتاب کرد که در ایران و خارج از کشور مورد توجه قرار گرفت. ایشان در سال ۱۳۸۳

و در پی همایش دویستمین سال بنیان اراک، کتاب «اراک از ژرفای تاریخ» را منتشر کرد.

سرتیپ، امان‌اله (زندگی ۱۲۶۷ خ)، فرزند میرزا علی‌اکبر شهوه‌ای (**اراک**) و فرمانده فوج فراهان، دارای

درجه نظامی از امیرکبیر و فردی شایسته که به دلیل رشادت زیاد در آرام کردن شورش‌های (فارس، بختیاری

و هویزه)، تشویقات زیادی از میرزا تقی‌خان دریافت کرد. وی در سال ۱۲۶۷ روستای امان‌آباد (شرق اراک)

را بنیاد نهاد و افراد بی‌خانمان را در آن‌جا سکنی داد. حفر قنات امان‌آباد، مسجد، غسل‌خانه، گورستان و...

نیز در این روستای تازه تأسیس از کارهای اوست و به دست نوه دختری‌اش (حاج آقا راستین) توسعه بیشتری

یافت (محتاط، ۱۳۷۲: ۲۹).

سرتیپ‌کزاری، محمدعلی (قرن ۱۳)، فرزند علیخان، اهل کزاز (**شازند**)، در اوایل قرن سیزدهم می

زیسته و به عنوان یک سردار نظامی، فرماندهی فوج و حکومت کزاز را داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۳).



سرخوش، مصطفی (۱۲۹۶-۱۳۸۶ خ)، فرزند میرزا یحیی سرخوش **تفرشی** و بانو



فاطمه، پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به آلمان رفت و در رشته مهندسی کشاورزی دانش آموخته شد و در بازگشت به ایران، در وزارت کشاورزی مشغول بکار شد. او سپس به ادبیات فارسی روی آورد و تا سال ۱۳۱۷ در دبیرستان البرز تهران ادبیات تدریس کرد. این شاعر و نویسنده که مجموعه اشعارش به نام «زبان اشک» و به قلم حسن زرین خط چاپ شده، چندین کتاب در کارنامه دارد که عبارتند از: پیک مهر، آتش دل و نیز زبان اشک. فرزند دیگر یحیی خان دکتر محمدعلی سرخوش است که به کمک برادرش (مصطفی)، پژوهشی در دیوان حافظ با عنوان شیخ حافظ در کشورهای اروپایی به چاپ رسانده است. از وی به عنوان یک شاعر پرشور ناسیونالیست نام برده می شود که درباره ایران کهن دیدگاه کاملاً ایده آلیستی دارد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۰۲).

سرخیل، بهنام (۱۳۵۷ خ)، اهل زاویه **(زرنديه)**، دکترای روابط بین الملل از دانشگاه علامه طباطبائی و مؤلف شش عنوان کتاب با موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی و یکی از استادان با دیسپلین، منصب و دلسوز دانشگاه است (چراغی، ۱۳۹۵: ۴۸۸).

سروش، حسین (۱۳۱۳-۱۳۷۴ خ)، از هنرستان عالی موسیقی در رشته آواز (اپرا)



دیپلم گرفت و برای ادامه تحصیل راهی ایتالیا شد و در سال ۱۹۶۲ در اپرا فوق لیسانس گرفت و در کنکور بین المللی اپرای لافینیچه در ونیز شرکت کرد و یکی از ۷ برنده جایزه آواز آن مسابقه شد. این نخستین دانش آموخته اپرا در ایتالیا، دوبلور و سینماگر **تفرشی**، پس از پایان تحصیلات آکادمیک به ایران بازگشت و در تالار رودکی به عنوان سولیست اول مشغول بکار شد و در کنسرت هایی به رهبری حشمت سنجری و فرهاد مشکوه شرکت کرد. وی همچنین نقش اول فیلم سینمایی «جعفرخان از فرنگ برگشته» ساخته کارگردان همشهری اش (علی حاتمی) را بازی کرد. این سینماگر و هنرمند موسیقی، پس از ممنوعیت اپرا در بعد از انقلاب، لباس اپرا می پوشید و مقابل تالار وحدت می ایستاد و اشک می ریخت!

سرمدی، مرتضی (۱۳۳۳ خ)، فرزند علی اکبر^۱، در یک خانواده **خمینی** در تهران به دنیا



آمد. او در دانشگاه تهران حقوق سیاسی خواند و برای تکمیل تحصیلات عازم انگلیس و کانادا شد و سپس به استخدام وزارت امور خارجه در آمد. این مدیر عالی رتبه در سال ۱۳۶۹ مدیر کل امور خارجه و سپس معاونت امور اروپا و امریکا در این وزارتخانه را عهده دار شد که تا سال ۱۳۷۷ به طول انجامید و در سال ۱۳۸۰ به عنوان سفیر ایران در انگستان منصوب شد (سمعی، ۱۳۸۲: ۵۹۱).

^۱. کارمند عالی رتبه مجلس سنا

سرود، غلامحسین (۱۲۷۳ خ)، فرزند محمدعلی خان، در اراک متولد شد و از سن ۱۲ سالگی شاعری و سخنرانی را آغاز کرد. اشعار دوران جوانی او که «شکیب» تخلص می‌کرد از دست رفته و آثار موجود سروده‌های از ۳۰ سالگی به بعد اوست. این شاعر و نویسنده که به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ترکی و عربی تسلط داشت، نسبت به تألیف فرهنگ لغات عربی مصطلح در زبان فارسی و نیز مجموعه امثال انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ترکی و عربی اقدام کرده و اثر دیگر سرتیپ غلامحسین سرود این ادیب صاحب‌نظر در مباحث مالی و اقتصادی، کتاب «زبان‌شناسی و علوم ادبی» است (صدیق، ۱۳۷۲: ۹۸).



سعادت، سیدمحمد (۱۲۸۰-۱۳۴۹ خ)، فرزند میرزا سیدباقرخان و بانو سلطنت‌خانم، اهل روستای بن‌نسا (تفرش)، در مدرسه علوم سیاسی مشیرالدوله‌ای تحصیل کرد و از دارالفنون با رتبه نخست لیسانس حقوق گرفت و از نخستین دانش‌آموختگان دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی بود. او سپس در سه وزارتخانه عدلیه، مالیه و امور خارجه به اشتغال پرداخت و مدتی هم سفیر ایران در عراق و آخرین سمت وی هم وزیرمختار ایران در عربستان سعودی بود. وی به زبان عربی و فرانسه تسلط کامل داشت و حافظ قرآن هم بود و سفرهای زیادی به برخی از کشورهای اروپایی و عربی داشت (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۰۶).



سعادت، سیدباقر (۱۲۵۱-۱۳۲۴ خ)، ملقب به ساعدالسلطان، فرزند میرزا سیدیوسف^۱ و بانو خدیجه، اهل روستای بن‌نسا (تفرش)، ابتدا لشکرنویس بود و در دوران جنگ جهانی اول حاکم ری شد و پس از مدتی به ریاست کابینه وزارت تجارت، فلاح و فواید عامه منصوب شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۰۵).



سعادت‌فر ساوجی، شمس‌اله (۱۳۴۰ خ)، از روستای مرق نورعلی‌بیگ (ساوه) و از نوازندگان نامدار موسیقی و متخصص ریتم‌شناسی محلی است. صدای سرنای اسداله جوانمرد و دهل شمس‌اله سعادت‌فر، از سال ۱۳۸۴ از رسانه ملی پخش می‌شود و تنها نوازنده‌ای است که در استان و در رشته ویژه خود، گوی سبقت را از دیگران ربوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۰۱).



^۱. لشکرنویس فوج سوادکوه

سعید، ابراهیم (۱۳۱۵ خ)، از پزشکان نامی **اراک** که به تهران مهاجرت کرد و مشغول نوشتن کتاب‌های پزشکی شد. این پزشک نویسنده، بیش از ۴۰ عنوان کتاب در رشته پزشکی نوشت که یکی از این آثار «خیرالمال فی حفظ صحت الاطفال» در موضوع طب کودکان است. کتاب‌های ایشان به زبان ساده و بیشتر جنبه پیشگیری و بهداشت دارد و برای همه مردم قابل استفاده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۹۹).



سعیدی، ابوالقاسم (۱۳۰۵ خ)، پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در **اراک** در سال ۱۳۲۹ برای تحصیل در مدرسه هنرهای زیبای پاریس (بوزار) به فرانسه رفت و از آن زمان تاکنون در ایران و فرانسه زندگی کرده است. او نقاشی‌های زیادی در ساختمان‌های مدرن دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی در ایران به یادگار نهاده و آثارش در مجموعه‌های خصوصی و عمومی متعدد نگهداری می‌شود. برخی فعالیت‌های هنری این هنرمند نقاش در ایران، شامل اجرای پروژه‌های نقاشی برای سازمان رادیو و تلویزیون، بانک مرکزی، تالار رودکی و دانشگاه شیراز است. سعیدی در سال ۱۳۳۸ هم جایزه نقاشان جوان فرانسه و در سال ۱۳۳۹ جایزه دومین بی‌ینال نقاشی تهران را دریافت کرد و شش سال بعد، برنده جایزه بزرگ پنجمین بی‌ینال تهران شد. او تاکنون نمایشگاه‌های متعدد انفرادی و گروهی در فرانسه، بلژیک، اسپانیا، سوئیس، ایران، اروپا و آمریکا برگزار کرده است.



سعیدی، آقاعلی (۱۲۵۹-۱۳۴۷ خ)، فرزند رحیم، دوران ابتدایی را در **ساوه** گذراند و به‌آموختن علوم فقهی، دینی، تفسیر قرآن و در حد زیادی به ادبیات عرب پرداخت. سعیدی در شعر و شاعری، روحی بلند و فکری بکر و طبعی لطیف داشت. دیوان اشعار «کلیات نسیم بهشت» از اوست و با اینکه شغل بازرگانی داشت، قرائت قرآن و مسائل شرعی را نیز به مشتاقان این علوم می‌آموخت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۱۵).



سعیدی، عباس (۱۳۵۸ خ)، فرزند محمدحسین و بانو مریم، اصالتاً اهل روستای مالک‌آباد، تحصیلات مقدماتی را در دبستان آیت‌اله غفاری و راهنمایی حکمت **اراک** گذراند و از دبیرستان امام‌علی دیپلم گرفت. او تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی ادامه داد. وی مدرس و مصحح نسخ خطی و پژوهشگر فرهنگ و ادبیات عامه مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس بوده و هم‌زمان به تدریس در دانشگاه و مدارس تهران پرداخت. او که علاقه‌مند به تاریخ و فرهنگ ایرانی است، از نوجوانی به‌عنوان مجموعه‌دار شخصی به‌جمع‌آوری آثار ارزشمندی از اسناد و اشیای تاریخی دوره اسلامی خصوصاً صفویه و قاجار اهتمام ورزید. بهره‌گیری از استادان برجسته‌ای چون ایرج افشار، حسن ذوالفقاری، دکتر شفیعی کدکنی و احمد ابو‌محبوب و... وی را به سمت فعالیت‌های پژوهشی و تصحیح نسخ خطی کشاند. او هم‌چنین کتب زیادی



تألیف کرده که برخی از آنها عبارتند از: بهار دانش، رساله عینیه، تصحیح دیوان قصاب مازندرانی، چهار درویش، سراپانامه‌سرایی در ادبیات فارسی، مدهوش عربستانی (شاعر گمنام عصر صفوی)، قصه کلاه بابام، سمت تاریخ قصه‌ها، کارکرد عنصر گفتگو در داستان‌های کوتاه صادق چوبک و...

سعیدی، علی (۱۳۳۷ خ)، در روستای مصرقان بخش خرقان (زرنديه) زاده شد. بعد از



تحصیلات ابتدایی، دوره دبیرستان را در مدارس مروی و دارالفنون تهران گذراند و در آزمون استخدام آموزگاری پذیرفته شد. او معلمی را از روستای خود شروع کرد و هم‌زمان در رشته علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی پذیرفته و در سال ۱۳۷۰ موفق به اخذ لیسانس با گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی شد. با توجه به فعالیت ایشان در جهت بهبود کیفیت تعلیم و تربیت، به مرکز تحقیقات آموزشی حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش دعوت شد و در آن مرکز طرح مهم پژوهشی را در جهت ساماندهی بخشنامه‌های وزارتخانه به اجرا درآورد. او از سال ۱۳۷۷ به مدت دو سال برای انجام مأموریت آموزگاری به کشور امارات رفت. او هم‌اکنون ضمن تدریس در دانشگاه، دانشجوی دوره دکتری در رشته علوم و معارف نهج البلاغه است و از جمله تألیفات وی کتاب «تربیت اخلاقی اعضا و جوارح آدمی از دیدگاه قرآن با تأکید بر مهارت‌های معنوی و ارتباطی» و نیز «کلیات نسیم بهشت» است.

سعیدی، نیره (۱۲۹۹-۱۳۷۰ خ)، اهل **تفرش** و نخستین زن ایرانی دریافت کننده جایزه ادبی یونسکو، برای ترجمه آثار لافوتن شاعر فرانسوی است که به عنوان قصه‌های لافوتن این جایزه را دریافت کرد. هم‌چنین برای مدتی مدیریت مجله بانو^۱ در تهران را بر عهده داشت.

سعیدی‌آشتیانی، حسین (۱۳۱۴-۱۳۶۱ خ)، فرزند محمد، بنیان‌گذار پارک‌های جنگلی در ایران، از دارالفنون دیپلم گرفت و در رشته جنگل ادامه تحصیل داد. او در سال ۱۳۳۹، از آموزشگاه جنگل و مراتع گرگان دانش‌آموخته شد و در دانشگاه AM تگزاس، رشته تخصصی پارک‌ها و تفرجگاه‌ها را خواند و در کرج و گرگان مشغول به تدریس و تحقیق شد. مهندس سعیدی که به عنوان کارشناس برجسته پارک‌های جنگلی کشور شناخته می‌شد به عنوان نویسنده هم آثاری به یادگار دارد که عبارتند از: «پارک‌ها و تفرجگاه‌ها»، «بشر و پدیده تفرج»، «پارک‌سازی در ایران»، «ارزش درختان و نقش ایجاد آن در ایران» و ده‌ها اثر دیگر (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

سفیدآبی، ولی‌اله (۱۳۹۲-۱۳۱۵ خ)، فرزند محمدحسن، در روستای سفیداب **تفرش** و



در خانواده‌ای تعزیه‌خوان متولد شد. او شبیه‌خوانی را با حضور در تکیه‌های تفرش آغاز کرد و در سال ۱۳۳۵، روایت‌های سینه‌به‌سینه نقالی را از روح‌اله شوقی آموخت و با شاگردی در محضر استادان هنر نقالی مکتب تهران، به یکی از برترین استادان رشته نقالی و پرده‌خوانی

^۱ تنها مجله تخصصی بانوان ایران

تبدیل شد که شیوه شاخص و ویژه خود را در این زمینه داشت. مرشد ترابی در سال ۱۳۵۳ توسط عطاءاله بهمنش (از مفسران معتبر ورزشی) به عنوان نقال افتتاحیه جشن توس انتخاب شد و فعالیت مستمر او در این حوزه و توانایی و نبوغ ذاتی اش باعث شد تا مرشد ترابی به یکی از نقالان صاحب سبک ایران تبدیل شود و چندین بار مقام نخست نقالی در کشور را به خود اختصاص داد و اجراهای او در جشنواره های داخلی و خارجی توجه همگان را به خود جلب کرد. ترابی علاوه بر تهیه و تنظیم چندین طومار نقالی، روایت های گوناگون شاهنامه را نیز به عنوان نویسنده در چندین جلد گردآوری کرده که یک جلد آن با عنوان «مشکین نامه» توسط انتشارات نمایش به چاپ رسیده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۶۱).

سلامی، مسعود (۱۳۵۵ خ)، اهل اراک، دانش آموخته کارگردانی سینما و مدیر



فیلمبرداری است که از مهمترین آثار وی می توان به فعالیت در فیلم گشت ارشاد، ۲، سریال خداحافظ بچه و فیلم مصادره اشاره کرد. از افتخارات ایشان نامزد سیمرغ بلورین بهترین فیلم برداری سی و نهمین جشنواره فیلم فجر بوده و میگرد، هیج، سیزده ۵۹، روزی روزگاری آبادان، سه کام حبس، زیر سقف دودی، آزادی مشروط و... آثار دیگری است که سلامی در آنها مشارکت داشته است.

سلامی زاده، فاطمه (۱۳۷۶ خ)، فرزند ابراهیم و بانو اقدس، تحصیلاتش را در دبستان



مهرگان و راهنمایی محدثه اراک گذراند و از دبیرستان شایستگان دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه آزاد اراک ادبیات نمایشی خواند. این بازیگر، مجری، نقال، نویسنده و مربی تئاتر و فن بیان، فعالیت هنری خود را از ۹ سالگی با اجرای نمایش عروسکی «مشدی حسن گربه ای داشت» آغاز نمود. دستیار کارگردان در فیلم سینمایی «ساعت شیش صبح» ساخته ی مهران مدیری، صدها نقالی و شاهنامه خوانی در شهرهای ایران، دارنده رتبه نخست بین المللی اجرای صحنه ای، دارنده رتبه نخست بازیگری نوجوان کشور، دارنده رتبه دوم سخنرانی کشوری در جشنواره ملی تربیون و جشنواره سفیران صلح، دارنده عنوان جوان نمونه استان مرکزی در دو سال پیاپی، کسب رتبه نخست استانی سخنرانی پرسش مهر ریاست جمهوری، حضور پیاپی در جشنواره های بین المللی سیمرغ، نمایش های آیینی و سنتی و نیز جشنواره بین المللی قصه گویی، چاپ اشعار در مجلات کیهان بچه ها و سلام بچه ها، تقدیر شعر در جشنواره بین المللی آفرینش از افتخارات این بانوی شاعر و هنرمند مشهور به «سُرمه سلامی» است.

سلطان، محمد (۱۳۴۲-۱۳۵۸ خ)، معروف به آیت اله سلطان و مشهور به سلطان العلماء، از مجتهدین نامدار و بانفوذ منطقه بوده و مردم جهت رفع نیازها و خواسته های دینی به ایشان رجوع می کردند. بیشترین کمک این عالم دینی به مردم اراک و روستاهای اطراف، هنگام بروز قحطی در دوره جنگ جهانی اول بود. ایشان نزدیک به ۵۰ سال به تدریس در حوزه علمیه اراک پرداخت و شاگردان بزرگ و فاضلی تربیت کرد که از آن میان می توان به آیت اله العظمی اراکی اشاره کرد. آرامگاه ایشان در پارک شهر اراک و در کنار مزار

آقانورالدین عراقی و برخی علمای دیگر مورد توجه مردم است. حاشیه بر کفایت‌الاصول و حاشیه بر منظومه حکمت سبزواری از اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۰).

سلطان‌آبادی عراقی، احمد (درگذشته ۱۲۷۵ خ)، اهل اراک، از مجتهدین معروف و شاگرد ملامحمد ایروانی است و برخی از آثار این عالم دینی عبارتند از: حاشیه بر مکاسب، حاشیه بر مسائل، رسالاتی در فقه و اصول و... (محتاط، ۱۳۷۲: ۸۷).

سلطان‌آبادی عراقی، سیدمحسن (۱۲۱۰-۱۲۸۶ خ)، فرزند سید ابوالقاسم، مشهور به حاج آقامحسن، تحصیلات فقه و اصول را نزد پدر، جد و عموی خود سیدمحمد مکی فرا گرفت، سپس برای تکمیل تحصیلات به بروجرد رفت و از محضر درس سید شفیع و اسداله بروجردی بهره برد و در سن ۳۰ سالگی، مدتی در اراک تدریس کرد و دوباره برای تکمیل تحصیلات به عتبات رفت. حوزه درس او که یکی از عوامل ماندگاری حائری‌یزدی و رونق حوزه علمیه اراک بود، موجب شده بود که علما و طلابی از شهرهای دور و نزدیک در درس وی حاضر شوند. از شاگردان او می‌توان به آخوند کبیر (پدر آقاضیاءالدین)، محمدابراهیم، عباس، محمدحسین (کربلایی علی‌بابا)، آقاسید شفیع (پدر آقانورالدین عراقی)، زین‌العابدین (امام جماعت مسجد حاج‌تقی‌خان) و... اشاره کرد. او بزرگ‌مالک ایران است که در زمینه اموال وقفی‌اش حواشی بسیاری وجود دارد (محتاط، ۱۳۷۲: ۲۳۷).



سلطان‌آبادی، ابوطالب (درگذشته ۱۲۷۳ خ) اهل اراک، یک عالم دینی و از شاگردان برجسته سید میرزا محمدحسن شیرازی در نجف بوده و در سال ۱۲۵۳ به سامرا رفت. او سپس به اراک بازگشت و تا پایان عمر در مدرسه سپهرداری تدریس می‌کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴).

سلطان‌آبادی، عبدالجبار (زندگی ۱۲۶۲ خ)، فرزند محمدعلی کزازی سلطان‌آبادی (اراک)، از علمای قرن ۱۳ است که در سال ۱۲۶۲، تعلیقات علمی بر کتاب تمهیدالقواعدالاصولیه‌والعربییه تألیف شهید ثانی نگاشته و دلالت بر شخصیت علمی وی در فقه و اصول دارد. گمان می‌رود تعلیق این عالم دینی بر مجموعه-ای از وسایل سیدصدرالدین عاملی در فقه و اصول هم که امضای ملاعبدالجبار دارد، نگارش ایشان باشد.

سلطان‌آبادی، محمدحسین (درگذشته ۱۲۷۵ خ)، فرزند محمدمهدی، اهل اراک و یکی از علما و محدثین بزرگ شیعه در اوایل قرن چهاردهم هجری، سال‌ها در عتبات از محضر پدر زن خویش (ملافتحعلی) و دیگر علما برخوردار بود، اما مراتب علمی و توان اجتهاد این عالم دینی از محضر میرزای بزرگ به دست آمد. آیت‌اله سلطان‌آبادی به کتب احادیث مذاهب و فرق اسلامی احاطه داشت و از این رهگذر آثار متفن و نفیسی تألیف کرده که از آن جمله‌اند: هدایت‌المجاهدین، هیاکل‌الآمال، صراط سوی و برهان جلی در تعیین خلافت بعد از نبی، کشف حجت در مذاهب اربعه اهل سنت، اشارات لطیفه، منبع حیوه، فلک مشحون، بحر محیط و... (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۰).

سلطان آبادی، محمدعلی (قرن ۱۳)، اهل **اراک**، در دوره ناصری می‌زیسته و عالمی ادیب و فاضلی باهوش بوده است. این عالم دینی نزد حاج شیخ شفیع جاپلی بروجردی شاگردی کرد و به کزاز رفت و در آن‌جا به تدریس علوم و تربیت طلبه پرداخت (محتاط، ۱۳۷۲: ۶۳).

سلطان آبادی، مهدی (قرن ۱۳)، اهل **اراک**، از عالمان دوره قاجار است و مکاتبه‌ای با حاج آقا محسن عراقی داشته که مراتب علم و فضل وی خصوصاً مهارتش در علوم کلام و فلسفه و ادبیات از آن دریافت می‌شود. این عالم دینی، پرسش‌هایی در زمینه برخی مسائل کلامی و فلسفی در قالب ۲۱ بیت از سید محسن پرسیده و سید نیز در قالب ۲۶ بیت به آنها پاسخ گفته است. این مکاتبه که منظومه «پرسش و پاسخ» نامیده شده، در رساله‌ای منتشره در سال ۱۲۸۵، موجود است.

سلطان آبادی عراقی، حبیب‌اله (۱۲۳۶-۱۲۳۹ خ)، فرزند محمدجعفر، معروف به ذوالفنون، دانشمند، ستاره‌شناس و تقویم‌نگار بود که در زمینه ادبیات، ریاضیات و تفسیر قرآن فعالیت داشت. او پس از فراگرفتن دروس مقدماتی در **اراک**، به ستاره‌شناسی و علوم سماوی علاقه‌مند شد و در ردیف دانشمندان زمان خود قرار گرفت. ذوالفنون که علاوه بر نجوم در رشته ریاضیات و هندسه هم مطالعاتی داشت، درباره حرکت ماه و همچنین تناسب مکعبات به نظریات نوینی دست یافت و بر همین پایه جدول نجومی پیشرفته‌ای ترسیم کرد. او در دانشسرای عالی و دانشکده الهیات دانشگاه تهران هم تدریس می‌کرد و به همراه استادان عبدالعظیم قریب، میرزا غلامحسین رهنما، فاضل تونی و اقبال آشتیانی از نخستین استادان دارالمعلمین مرکزی بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۵۷).



سلطان آبادی عراقی، ملافتحعلی (۱۲۰۳-۱۲۷۹ خ)، فرزند ملاحسن، تحصیلات مقدماتی را در **اراک** فرا گرفت و برای تکمیل دانش به نجف رفت. او ابتدا به محضر صاحب جواهر شتافت و بعد از وفات وی، از حضور مرتضی انصاری و ملاعلی رازی و سپس میرزای شیرازی بهره برد. این عالم دینی از مشایخ سلوک بود و از مفاخر عالم عرفان و جامع بین ظاهر و باطن شمرده می‌شد. از اقدامات عمرانی ایشان در کسوت نیکوکار می‌توان به ساخت چندین آب‌انبار و مسجد در اراک و قم اشاره کرد. المأثروالآثار، ایشان را در عداد فقه‌های عارف و علمای جامع به‌شمار آورده و زهد و تقوی او در میان مردم ضرب‌المثل بود (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۵).



سلطان‌السادات، سیدحسن (۱۲۶۵-۱۳۱۰ خ)، فرزند سیدفتح‌اله، آزادی‌خواه، کنشگر سیاسی و مشروطه‌طلب و عضو انجمن دموکرات به‌رهبری میرزا عبدالعظیم یکی از شش انجمن مشروطه‌خواه **اراک** بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۰).

^۱. به‌روایت استاد دهگان، او از طرف پدر از نوادگان سلاطین دیالمه و از سوی مادر از نواده‌های نادرشاه افشار بود.



سلطانعلی، شهناز (۱۳۵۶ خ)، فرزند اصغر و بانو کبری، تحصیلاتش را در دبستان

معصومیه و راهنمایی رسالت گذراند و از دبیرستان زینبیه **اراک** دیپلم گرفت و با اینکه در رشته کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان پذیرفته شد ولی به خاطر مراقبت والدین از رفتن به شهر دیگر منصرف شد. او از زمستان ۱۳۹۷ و اکثراً در نیمه‌های شب متوجه شد

که قادر به سرودن شعر شده و به تشویق پسرش شروع به ثبت و ضبط اشعار کرد. این شاعر غزل‌سرا سپس در زمینه شعر به مطالعه آزاد پرداخت و تاکنون توانسته بیش از ۱۲۰ قطعه شعر بیشتر در قالب کلاسیک و غزل‌هایی با موضوعات عاشقانه و اجتماعی بسراید و تخلص «باران» برای خود برگزیده است.

سلیمی، پروین دخت (۱۳۱۰ خ)، فرزند ابوالحسن و بانو فخرالزمان، متولد **اراک** از سال ۱۳۲۲ یعنی ۱۲ سالگی ترانه‌گویی را آغاز کرد. ایشان دوره عالی را در دانشکده ادبیات گذراند و تا سال ۱۳۳۵ بیش از دوهزار بیت شعر گفته است (محتاط، ۱۳۷۲: ۶۴).

سلیمی، کیوان دخت (۱۳۱۲ خ)، فرزند ابوالحسن و بانو فخرالزمان، متولد **اراک**، از سال ۱۳۳۰ که دانشجوی دامپزشکی بود، به سخن‌سرایی پرداخت. این شاعر به زبان فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت و سروده‌هایش در نشریات محلی مانند آسیای جوان و ترقی چاپ می‌شد (محتاط، ۱۳۷۲: ۶۵).

سلیمان کرچی، ابوسعید (متوفی ۵۶۳ خ)، اهل **شازند**، فرزند محمد بن حسین القساری، ملقب به القاضی یا الکرچی که محدث و نیز قاضی متبحر فصیحی بوده است.

سلیمانلو مصلح‌آبادی‌فراهانی، ابوطالب (زندگی ۱۲۲۶ خ)، فرزند محمدحسین‌خان، در دوره قاجار و در تشکیلات حکومتی مناطق کرمانشاهان و نیز خوزستان مسوول دیوان‌انشا، نگارش و ثبت و ضبط اسناد و مدارک حکومتی بوده و از آثار برجای مانده از این مستوفی، کتاب «خصایل سردار» است که در مورد تاریخ هرات می‌باشد و به مناسبت فتح هرات برای محمدشاه قاجار و به فارسی نگاشته است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵).

سلیمانی، حمیدرضا (۱۳۵۰ خ)، فرزند غلامرضا و بانو فاطمه، تحصیلات مقدماتی را در دبستان فردوسی و راهنمایی شهید مدرس **خمین** گذراند و از دبیرستان شهیدرجایی دیپلم گرفت. او سپس از دانشگاه تربیت معلم دلیجان کاردانی زبان و ادبیات فارسی و از پیام نور خوانسار کارشناسی تعاون و رفاه اجتماعی گرفت و در دانشگاه آزاد اراک ارشد و دکترای جامعه‌شناسی خواند. دبیر مدارس خمین، مدرس دانشگاه فنی و حرفه‌ای، عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران، مربی، داور و عضو فدراسیون کاراته از سوابق اوست. وی هم‌چنین نویسنده دو کتاب «نقش جهانی‌شدن بر الگوهای فرهنگی مدیریت در مراکز آموزش عالی» و «جهانی‌شدن و الگوهای فرهنگی مدیریت» و نیز ۸ مقاله علمی هم می‌باشد.

سلیمانی، علی اصغر (۱۳۵۳ خ)، فرزند صاحبعلی و بانو اکرم، متولد روستای تکیه (کمیشان)، تحصیلات دبیرستانی را در قم گذراند و از دانشگاه پیام نور تهران لیسانس حسابداری گرفت. او از سال ۱۳۹۰ تدریس در دانشگاه علمی کاربردی قم و پیام نور مرکز خلیجستان را آغاز نمود. وی همچنین از طنزنویسان و طنزپردازان رسانه ملی است و در برنامه طنز خندوانه و بگوبخند حضور فعال داشته و دستی هم بر طراحی و نقاشی دارد. «خانواده»، «آمره اراک؛ زادگاه بزرگان»، «فرهنگ طنز شهروندی»، «طنزدرمانی معتادها»، «سیگار و دخانیات» برخی از آثار نوشتاری اوست. او که به زبان انگلیسی تسلط دارد و هم‌اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد زبان است، تالیفاتی هم به زبان انگلیسی دارد که «اصطلاحات و تیکه‌های طنز تهرانی» و «ضرب‌المثل‌های فارسی» هر دو در مایه طنز از آن جمله‌اند.



سلیمانی، یوسف (۱۳۳۸-۱۳۱۲ خ)، فرزند حاج اسد انجیرکی (اراک)، دانشمندی عالی‌مقام و دارای معلوماتی زیاد در نجوم و ستاره‌شناسی بود و در ادبیات فارسی و عربی هم ذوقی سرشار داشت (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۱).

سلیمانی آشتیانی، مهدی (۱۳۵۳ خ)، فرزند محمدرضا و از نوادگان میرزا جواد، پس از تحصیلات متوسطه وارد حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۸۸ کارشناسی ارشد در رشته علوم حدیث دریافت کرد. دکترای شیعه‌شناسی در دانشگاه ادیان و مذاهب خواند و در سال ۱۳۹۴ به عنوان دانشجوی برتر پژوهشی موفق به دریافت جایزه دانشگاه ادیان و بنیاد نخبگان شد. شمیم روحانی، تصحیح ربیع‌الاسابع (علامه مجلسی)، ضیالشهاب فی شرح شهاب‌الآخبار، مجموعه رسائل (در شرح احادیثی از کافی) و ده‌ها اثر دیگر را در کارنامه دارد. مدیر اجرایی فصل‌نامه میراث حدیث شیعه، عضو انجمن علمی حدیث حوزه علمیه قم و عضو بانک اهل قلم خانه کتاب از سوابق این نویسنده و پژوهشگر برجسته و پرکار دینی است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۵۹۷).



سلیمی، زهرا (۱۳۴۲ خ)، فرزند عبدالحمید و بانو شوکت، تحصیلاتش را در دبستان دوشیزگان/نوروز، راهنمایی پوراندخت و دبیرستان ایران‌دخت اراک گذراند. او که در دانشگاه علمی کاربردی، کاردانی موسیقی با گرایش ساز ایرانی خوانده، در سال ۱۳۹۴ در برنامه رادیویی صدای سرزمین من در ۴۰ قسمت، خاطرات کودکی‌اش را با گویش اراکی روایت کرد. هم‌چنین در برنامه شوقات، قصه‌های شاهنامه و حکایت‌های مثنوی را با گویش اراکی اجرا کرد. این نویسنده اراکی‌گو، با انتشار کتاب «مادرم شوکت» که به لهجه اراکی و با سی‌دی همراه است، وارد دنیای نویسندگی شد و پس از آن کتاب «راز شب مه‌آلود» را نوشت. مدیر مجله فرهنگی/هنری چشمه خورشید، در ورزش کوهنوردی هم ضمن صعود به قله‌های اشتران‌کوه و دماوند، صعود به قله آراگاتس ارمنستان و قله کازبک گرجستان را هم در کارنامه دارد و چاپ کتاب «بر فراز سه بام دنیا» بیانگر تجربه زیستی وی در



صعود به این قله‌هاست.



سلیمی، شهناز (۱۳۵۴ خ)، فرزند رحیم و بانو عذرا، تحصیلاتش را در دبستان شیخ طوسی و راهنمایی انقلاب اسلامی گذراند و از دبیرستان الزهرا **اراک** دیپلم گرفت. او پس از دریافت لیسانس مترجمی زبان از دانشگاه آزاد اراک، به‌عنوان مترجم مشغول بکار شد و کتب آموزش کتابخوانی به کودکان زیر ۱۰ سال، مهندسی ژنتیک، قورباغه پیر در برکه ماند، بانی خرگوشه، سه خوک کوچولو، مرغ قرمز کوچولو، مدرسه حیوانات، خوک فداکار، جوجه کوچولوی بازیگوش، زنبور تنبل، خرگوشی با بالهای قرمز و کتاب اشتباهات بابی نتیجه سال‌ها تلاش فرهنگی اوست.



سلیمی‌آشتیانی، هاشم (۱۳۳۷-۱۴۰۳ خ)، از بنیانگذاران جامعه خیرین مدرسه ساز کشور و مجمع خیرین سلامت کشور، مجمع خیرین کشور، جامعه خیرین حامی معلولان کشور، جامعه خیرین مسجdsاز کشور، انجمن خیرین مسکن‌ساز ایران و بسیاری از تشکلهای و محافل نیکوکاری در ایران بود که علاوه بر حضور مؤثر و مستمر در حوزه خیرین سلامت و تجهیز و بازسازی بیمارستان‌های کشور، بیش از ۲۰ باب مدرسه را احداث و در ساخت بیش از ۲۰۰ مدرسه هم نقش اساسی و اصلی ایفا نمود.

سماعی، عاطفه (۱۳۴۴ خ)، تحصیلاتش را در دبستان جواد رهنما و راهنمایی انوشیروان گذراند و از دبیرستان تزکیه **اراک** دیپلم گرفت. او سپس از دانشگاه اراک لیسانس زیست‌شناسی و از دانشگاه تهران فوق‌لیسانس جانورشناسی دریافت کرد. ایشان که مترجم بخش خزندگان کتاب جانورشناسی و زمین‌شناسی ایران است، کتب دیگری به‌عنوان نویسنده در این حوزه تألیف کرده که برخی از آنها عبارتند از: درنا مهمان تالاب میقان، سیمای چشم‌انداز مناطق تحت مدیریت‌وشکار ممنوع استان مرکزی، شکم‌پایان آب شیرین ایران، سیمای مناطق تحت مدیریت محیط زیست و....

سمندر ساوجی، حسین (۱۲۷۷ خ)، فرزند میرزا زین‌العابدین، پس از فوت پدر به **ساوه** آمد و در مکتب کربلایی حسن نعلین‌دوز تحصیل کرد و هنر خوشنویسی را هم فرا گرفت. او سپس به‌همراه مادر و مادر بزرگش به تهران بازگشت و در دبستان دانش ابتدایی را به‌پایان برد و مدتی هم در اراک تحصیل کرد و خط را نزد یک استاد ساروقی فرا گرفت. این شاعر لطیف‌الطبع و خوشنویس در سال ۱۳۰۱ به‌عنوان آموزگار در اداره فرهنگ ساوه استخدام شد و تا سال ۱۳۱۱ که به‌عنوان مدیر دفتر اداره امور املاک ثبت کل استخدام شود، معلمی کرد. او در همه دوران حضورش در تهران با ادبا و شعرای به نام از جمله امیری فیروزکوهی، ابوالقاسم حالت و.. معاشرت داشت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۷۰).

سمیع تفرشی، عباس (قرن ۱۳)، وزیر امور خارجه و مسوول امور مالی تهران در دوره قاجار بود.

سمیعی، آقاعلی (۱۲۷۵-۱۳۵۷ خ)، معروف به داداش آقاعلی، تحصیلاتش را در ساوه و تهران گذراند و شاعر شوریده حالی است که با تخلص «محزون» شعر می‌گفته و برخی از اشعارش در کتاب فرهیختگان ساوه موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۱۴).

سمیعی، عزیزاله (۱۳۲۹ خ)، فرزند عبدالعلی و بانو فاطمه، متولد وفس (کميجان)،

تحصیلاتش را در مدارس شریعت و عظیمی اراک گذراند و در سال ۱۳۴۸ از دبیرستان مجیدی اراک دیپلم ریاضی گرفت. او سپس در سال ۱۳۵۲ در رشته شیمی از دانشسرای عالی تهران، دانش‌آموخته شد. این معلم دبستان شاپور و هدایت اراک، در سال ۱۳۵۴ به



استخدام آموزش و پرورش درآمد و در گچساران، تهران و خمین به تدریس شیمی و فیزیک پرداخت. وی از سال ۱۳۷۴ پژوهش‌هایی با موضوع زبان، فرهنگ، تاریخ و جغرافیای منطقه آغاز کرد که حاصل آن دو جلد کتاب دستنویس با نام «فرهنگنامه زبان وفسی» و «تاریخ و جغرافیای تاریخی بلوک وفس» می‌باشد. سیمای فرزندگان در حدود پنجاه صفحه دست‌نویس، کتاب فرهنگ‌نامه تحت عنوان «برخی از باورها و ضرب‌المثل‌های مردم وفس» در شماره مسلسل ۹ انتشار زمستان ۱۳۸۰ فصلنامه «راه‌دانش» به‌چاپ رسید. دانشنامه رجال کمره (شهرستان خمین و جاپلق) مستند بر حدود سیصد سند خطی و تعداد زیادی عکس تاریخی، کتاب دیگری است که در دو جلد چاپ کرده و همچنین مجموعه اشعار وی هم با عنوان «رنگ عشق» منتشر شده است.

سنگانی، عطاءاله (۱۳۲۵ خ)، فرزند علی‌اکبر، از علمای دینی اراک در حوزه منطق، فلسفه و فقه و اصول است و کتابی هم با نام «حاشیه بر ریاض» تألیف کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۴).

سنگی‌ساوجی، محمدحسین (قرن...)، مشهور به عاشیق محمدحسین، اهل روستای سنگ از توابع نوبران (ساوه) و از نوازندگان موسیقی محلی بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۲۶).

سنگی‌ساوجی، معصوم (قرن...)، مشهور به عاشیق معصوم، اهل روستای سنگ از توابع نوبران (ساوه) و از نوازندگان موسیقی محلی بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۲۱).

سهرابی، وجیه‌اله (۱۳۱۶ خ)، فرزند نعمت‌اله، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در خمین

گذراند و در بانک صادرات استخدام شد. او هم‌زمان در مدرسه عالی مددکاری اجتماعی تحصیل کرد و در وزارت دربار استخدام و به سمت رئیس دفتر دربار شاهنشاهی محمدرضا شاه منصوب شد.^۱ او همچنین دوره‌ای را در اروپا به مددکاری اجتماعی و تدریس پرداخت



(سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۰۸).

^۱. پست ریاست دفتر شاهنشاهی در سطح وزارت است.

سهیلی، محمدباقر (۱۳۰۵ خ)، فرزند کرم و بانو بهجت، اهل قدمگاه (شازند)، تحصیلات خود را در مکتب‌خانه و در محضر عبدالکریم شریعتی شروع و به مدت ۳ سال خواندن و نوشتن و حساب کردن را آموخت و به کشاورزی پرداخت. او در دوران جوانی سرودن شعر با مضامین مذهبی را آغاز کرد.



سهیلی، محمدجواد (۱۳۳۹ خ)، فرزند محمدباقر و بانو فاطمه، اهل قدمگاه (شازند)، تحصیلات ابتدایی را در روستا و دوره راهنمایی را در شازند و دبیرستان را در اراک گذراند. او در سال ۱۳۵۶ وارد دانشسرای مقدماتی پسران قم شد و به عنوان آموزگار در مدارس شهرستان شازند به تدریس پرداخت. ایشان در سال ۱۳۷۴ موفق به کسب لیسانس از دانشگاه اراک شد و در سال ۱۳۹۳ به گردآوری اشعار پدر پرداخت و مجموعه گلزار سهیلی را منتشر کرد.



سهیلی مظفر، حمید (۱۳۲۷-۱۳۹۸ خ)، فرزند حسن هاشم و نوه نصراله بیگ تفرشی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و به مؤسسه ایران پژوه راه یافت. وی به عنوان دستیار اول کارگردان و مدیر تدارکات با سریال‌های آتش و دود، اسرار دریای سرخ، قلعه الموت، سفرهای دور و دراز هامی و کامی و فیلم‌های سینمایی «مرگ یزدگرد» و «سفرهای پیترو»، «دلاواله ایتالیایی» و... همکاری داشت. هنرهای تجسمی، محور فعالیت‌های این مستندساز بود و در بیش از ۴۰ سال فعالیت سینمایی و مستندسازی به عنوان پژوهشگر، نویسنده، تهیه کننده و کارگردان بیش از صد فیلم مستند ایران شناسی و ۶۸ گزارش و مصاحبه مستند از متولیان و صاحبان نظر و ۴۸ عنوان پژوهش تصویری ایران شناسی تهیه کرده و در سال ۱۳۸۱ نخستین تندیس نخل طلا و دیپلم افتخار نخستین جشنواره آثار برگزیده سینمای مستند ایران را دریافت کرد. او که ده‌ها دیپلم افتخار، تندیس و جوایز ویژه از جشنواره‌های داخلی و خارجی نظیر توکیو و بلگراد را در کارنامه دارد، در سال ۱۳۸۹ نشان درجه دو هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد و مجموعه ۳۳ قسمتی مستند معماری ایرانی به کارگردانی این سینماگر و با روایت دکتر اسماعیل میرفخرایی از سوی یونسکو در فهرست ملی حافظه جهانی به ثبت رسید (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۵۹).



سواساوجی، فروغ السادات (۱۳۶۶ خ)، فرزند سیدرضا، تحصیلاتش را در مدارس نجمیه، ارشاد، رستگار و مریم (ساوه) گذراند و در دانشگاه آزاد همین شهر روانشناسی خواند. این شاعر ساوجی به واسطه ذوق و قریحه ذاتی و شاگردی استادانی چون اطلاقی و گودرزی، اشعاری روان می‌سراید و اشعارش را در کتابی به نام «صد غزل عیسی سرودم آه مریم می‌شود» با مشارکت مهدیه امینی منتشر کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۷۶).



سواپی ساوجی، حسن (قرن...)، از نقادان سخن بوده و بی‌تی از این شاعر در دسترس است: همچو مویی است تن من ز غمم مهرویی / دل سودا زده‌ام چون گهری در مویی (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۷۷).

سورانه، مرتضی (۱۳۳۸ خ)، فرزند رضاحسین و بانو ملکتاج، دوره ابتدایی را در دبستان

روستای سورانه (شازند) گذراند و از دبیرستان مجیدی اراک در رشته طبیعی دیپلم گرفت. در نخستین کنکور پس از انقلاب در رشته دبیری دینی و عربی تربیت معلم پذیرفته شد و با فوق‌دیپلم در مدارس راهنمایی شهر ری به‌عنوان دبیر استخدام شد. او



سپس در سال ۱۳۶۴ و با رتبه ۲۲۴ وارد دانشگاه تهران شد و با نمره الف دانشنامه لیسانس گرفت و در سال ۱۳۶۸ به اراک بازگشت و به‌عنوان کارشناس تربیت سیاسی، کارشناس تحصیلی مدارس شاهد، کارشناس مسوول فرهنگی هنری و هم‌زمان مشاور مدیرکل آموزش و پرورش خدمت کرد. وی در سال ۱۳۷۶ به‌ریاست آموزش و پرورش فراهان و در سال ۱۳۷۸ به‌ریاست آموزش و پرورش ناحیه ۲ اراک منصوب شد و با رتبه‌ی برتر کشوری مورد تقدیر وزیر وقت آموزش و پرورش واقع شد. در سال ۱۳۷۸ با کسب رتبه نخست کنکور کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، فوق‌لیسانس گرفت و از «شعر سیاسی عرب معاصر» به‌عنوان پایان‌نامه به‌زبان عربی دفاع نمود. وی در شورای پنجم اراک (۱۳۹۶-۱۴۰۰) با بیشترین آرا وارد پارلمان شهری شد و به‌مدت ۳ سال رئیس کمیسیون فرهنگی و سال چهارم نیز به‌ریاست شورای اسلامی برگزیده شد که در این مدت نقش‌آفرین اتفاقات بسیار خوب و ماندگاری در حوزه فرهنگ بود که فراهم نمودن بستر تعیین «روز اراک» از جمله‌ی مهمترین آنهاست. سورانه به‌عنوان بنیانگذار تعاونی اعتباری فرهنگیان استان مرکزی از سال ۱۳۸۲ تاکنون و به‌تناوب در سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل، با حدود ۳ هزار عضو و سهام‌دار، یک‌بار عنوان تعاونی ممتاز کشوری و ۴ بار تعاونی برتر استانی را کسب نمود.

سوری، پوریا (۱۳۶۲ خ)، فرزند محمدمحسن و بانو مولود، تحصیلاتش را در مدارس استاد

رضا روزبه، خوارزمی و راهنمایی نمونه فرهنگیان گذراند و از دبیرستان میرداماد اراک دیپلم گرفت. او پس از دریافت لیسانس برق‌والکترونیک از دانشگاه آزاد اراک، از علوم و تحقیقات تهران، فوق‌لیسانس و دکترا گرفت. این روزنامه‌نگار، داستان‌نویس و شاعر اراکی در روزنامه



های شرق، فرهیختگان، یاس‌نو، روزگار و اعتماد و نیز همکار مجلات صبح آزادی، مردم و جامعه، تجربه، ایراندخت، نافه، آسمان و پیک سبز بوده و دبیر صفحه آخر روزنامه «شرق» و مسوول صفحه شعر در روزنامه «فرهیختگان» است. وی به‌مدت ۲ سال دبیر فرهنگی نشریه استانی «عطر یاس» بود. تخصص روزنامه نگاری پوریا «فرهنگ‌وهنر» با گرایش ادبیات و هم‌چنین «اجتماعی» با گرایش محیط زیست و میراث فرهنگی (تاریخ) است. این نویسنده، در حوزه ادبیات (شعر و داستان) هم به‌صورت حرفه‌ای فعال است و یک داستان طنز او به‌مدت ۲ سال در روزنامه شرق به‌صورت پاورقی به‌چاپ می‌رسید. او جدای از مجموعه‌های مشترک با شاعران، یک مجموعه غزل و نیز مجموعه شعر آزاد (متنوع) خود را هم منتشر کرده است.

سوری، محمد محسن (۱۳۳۲ خ)، فرزند مراد و بانو عذرا، زاده دماوند که از ۲ سالگی در



اراک زیسته و در رشته زبان و ادبیات فارسی لیسانس دارد. این شاعر و گوینده برجسته، در

غزل «سهره» تخلص می‌کند و علاوه بر شعر در نقاشی و نوشتن داستان و نمایشنامه هم

متبحر است. از آثار ایشان می‌توان به «پس از عمری سکوت»، «تولد در قفس»، «گل‌بانو

در کویر»، «خانه زاد خورشید» اشاره کرد. جدیدترین اثر استاد سوری با نام «پشت برج شیشه» که یک

رمان اجماعی از در اردیبهشت ۱۴۰۳ در تالار خیام اراک رونمایی شد (مجدی، ۱۳۸۴: ۲۳۶).

سوزی ساوجی، حسن علی (درگذشته ۹۷۳ خ)، یکی دیگر از شاعران ساوجی است که در این خطه

متولد و در اصفهان نشو و نما یافت. او ابتدا جفاکش تخلص می‌کرد و پس از رفتن به خراسان تخلص

«سوزی» برگزید. این شاعر که بعدها نابینا شد از هنر خوشنویسی هم برخوردار بود و در اصفهان کتابت

می‌کرد و ۲۳ هزار بیت شعر سروده است که ابیات معدودی از آن در دسترس است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۷۸).

سیاح، حمید (۱۲۶۴-۱۳۴۷ خ)، فرزند محمد علی، اهل **محلات**، تحصیلاتش را در دانشگاه حقوق مسکو

فرا گرفت و در مراجعه به ایران، به‌عنوان سرکنسول ایران در بیروت مشغول بکار شد. او در سال ۱۳۱۵ به

وزیرمختاری ایران در ورشو و هم‌چنین در سال ۱۳۱۹ وزیر امور خارجه، در سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ وزیر پست

و تلگراف و در سال ۱۳۲۵ هم به‌عنوان وزیرمختار ایران در شوروی خدمت کرد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۷۸).

سیاح، همایون (زندگی ۱۳۱۲ خ)، فرزند محمد علی (حاج سیاح **محلاتی**)، در سال ۱۳۰۸، پیشکار مالیه

خراسان و در سال ۱۳۱۲ به معاونت وزارت مالیه و رئیس کل تجارت ایران منصوب شد (بخشی، ۱۳۹۵:

۷۷۹).

سیاح، محسن (۱۲۷۸ خ)، فرزند محمد علی (حاج سیاح **محلاتی**)، دوران ابتدایی و



متوسطه را در سوییس سپری کرد و دکترای خود را از دانشکده پزشکی پاریس و فرانکفورت

دریافت کرد. او در سال ۱۳۱۲ استاد و رئیس فنی دانشکده دندانسازی و مدرس بیماری‌های

دهان و دندان شد. وی نخستین دندانپزشک ایرانی است که با درجه دکترا، استاد دانشگاه

تهران شد و تشریح دندان، بیماری دندان و بیماری‌های دهان از نوشته‌های اوست و در تأسیس دانشکده

پزشکی تهران نقش مهمی داشته و هم‌چنین در دوره ۲۰ مجلس شورای ملی، نماینده مردم محلات بود

(سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۱۵).

سیاحت اسفندیاری، عابدین (۱۳۵۹ خ)، اهل **فراهان**، در سال ۱۳۸۹ از رساله دکتری

خود در دانشگاه نجف‌آباد با عنوان «جایگاه قاعده فقهی مصلحت در رسانه» دفاع کرد.

ایشان هم‌زمان با تحصیلات دانشگاهی، در حوزه هم تحصیل کرده و در حال حاضر رئیس

مؤسسه بین‌المللی توسعه صلح، فرهنگ و عقلانیت و هم‌چنین معاون آموزش دانشگاه علوم



و معارف و دبیر شورای فقهی صنعت بیمه کشور است. معاون تولید و فناوری مرکز آموزش‌های غیرحضور

حوزه علمیه خواهران، معاون پژوهش و تولید محتوای دانشگاه مجازی المصطفی، مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل سنت، صاحب امتیاز و مدیر مسوول دوفصلنامه «مطالعات تطبیقی حقوق بشر» و دوفصلنامه «صلح و عقلانیت» و سردبیر نشریه چند زبانه Pure life، دبیر علمی کنفرانس بین‌المللی صلح پژوهشی و سفر علمی به کشورهای ترکیه، هند، آلمان و آمریکا برخی از سوابق علمی اوست. دکتر سیاحت اسفندیاری هم‌چنین ۱۰ عنوان کتاب دارد (عزیزآبادی، ۱۴۰۲: ۶۵).

سیاح محلاتی، محمدعلی (۱۲۶۶-۱۲۷۹ خ)، فرزند محمدرضا، مشهور به حاج سیاح،



در محلات به دنیا آمد و تحصیلات خود را در تهران گذراند و در عتبات عالیات از محضر استادان و علمای زمان بهره برد و به ایران بازگشت. او از راه تبریز به قفقاز رفت و پس از مدتی سکونت در قفقاز، با فرا گرفتن زبان‌های ترکی، ارمنی و روسی عازم اروپا شد. ابتدا به استانبول و اروپای غربی و بعد به روسیه و سپس به سایر کشورهای اروپا سفر کرد و به زبان انگلیسی، آلمانی و فرانسه تسلط کامل یافت و در سال ۱۲۹۵ پس از ۱۸ سال سفر به ایران بازگشت. از این جهانگرد نویسنده، دو سفرنامه به نام «سفرنامه سیاح» و «خاطرات سیاح» برجای مانده و نخستین فرد ایرانی است که تابعیت آمریکا گرفت (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۷۳).

سیادت، سیدمحمد (۱۳۳۵ خ)، اهل مأمونیه (زرنديه)، دانش‌آموخته علوم آزمایشگاهی، پژوهشگر طب سنتی و دارای تألیفاتی است (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۳۲).

سیاسی، حسین (۱۲۹۰-۱۳۵۵ خ)، شاعر متخلص به «پروانه» از ادبا و فعالان فرهنگی برجسته اراک بودند (صدیق، ۱۳۷۲: ۴۰).

سیاسی، علی‌اکبر (۱۲۷۴ خ)، اهل اراک، تحصیلات ابتدایی را در مکتب‌خانه و بعد در



مدراس خرد و سلطانی گذراند و سپس وارد مدرسه سیاسی شد و به‌همراه ۲۳ نفر دانشجوی به سرپرستی موسیو ریشارخان به پاریس رفت و در دانشگاه روان به تحصیل پرداخت. در همان زمان نام خانوادگی سیاسی را با اشاره به دوره تحصیلش در مدرسه سیاسی تهران، برگزید. علی‌اکبر سپس در سال ۱۳۱۰ به ایران بازگشت و به‌ریاست اداره تعلیمات عالییه در وزارت معارف منصوب شد. سیاسی که در تدوین قانون تأسیس دانشگاه تهران نقش داشت، از اداره تعلیمات عالییه استعفا داد و به تدریس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. او هم‌چنین در سال ۱۳۳۱ وزیر فرهنگ و سپس رئیس دانشگاه تهران شد. دکتر سیاسی که در تأسیس یونسکو نقش آفرین بود، کتاب «از یونسکو تا برلن»، «روان‌شناسی پرورشی»، «علم اخلاق نظری و عملی» و چند اثر ارزشمند دیگر را به‌زور طبع آراسته و به پدر روان‌شناسی نوین در تاریخ معاصر ایران مشهور است. روشن‌ملک دختر صمصام‌الملک بیات همسر

اوست^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۲).

سیامک، مرضیه (۱۳۶۲ خ) متولد قم و ساکن ساوه، دارای لیسانس دانش شناسی و دانشجوی دکتری همین رشته و نویسنده کتب و مقالات علمی به زبان فارسی و انگلیسی از جمله مهارت‌های سواد اطلاعاتی-اخلاق حرفه‌ای در کار گروهی علمی، سنجش مهارت-های سواد اطلاعاتی و آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی است.



سیاوشانی، محمد (زندگی ۱۱۹۳ خ)، فرزند علی از کاتبان سده سیزدهم آشتیان، اصول‌الدین تألیف میرزا ابوالقاسم قمی در سال ۱۱۷۸ و کتاب معالم‌الاصول از ابومنصور حسن بن زیدالدین عاملی را در سال ۱۱۹۳ به‌عنوان خوشنویس و خط‌نسخ کتابت کرده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۳۷).

سیاوشانی، محمدصالح (زندگی ۱۱۹۲ خ)، فرزند ملاعبداله، اهل روستای سیاوشان (آشتیان)، از هنرمندان خوشنویس که در سال ۱۱۹۲ و بنا به درخواست محمدحسن کاشی، گلستان و بوستان سعدی را به‌قلم نستعلیق کتابت کرده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۴۴).

سیحون، هوشنگ (۱۲۹۹-۱۳۹۳ خ)، معروف به **پدر** معماری مدرن ایران و نوه میرزا

عبداله **فراهانی** در تهران و خانواده‌ای اهل موسیقی به‌دنیا آمد. مادر او مولود فراهانی از نوازندگان تار و سه‌تار و دایی او احمد عبادی استاد سه‌تار بود. این معمار و نقاش برجسته ایرانی، پس از پایان تحصیل معماری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل راهی دانشسرای عالی ملی هنرهای زیبای پاریس (بوزار) شد و در سال ۱۳۲۸، دکترای هنر گرفت. این نقاش صاحب‌سبک، در سال ۱۳۵۱، به‌همراه نقاشانی صاحب‌نام از جمله پیکاسو و سالوادور دالی، در نمایشگاه ماساچوست شرکت کرد و با کارهای پر پیچ‌و‌تاب خطی‌اش، توجه منتقدان را جلب کرد. او بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۷ رئیس دانشکده هنرهای زیبای تهران بود. کسب رتبه نخست در مسابقه دولت و راه‌آهن ایران (طرح ساختمان ایستگاه راه‌آهن) و مسابقه طراحی آرامگاه بوعلی سینا، عضویت (شورای ملی باستان‌شناسی، شورای عالی شهرسازی، شورای مرکزی دانشگاه‌های ایران و کمیته بین‌المللی ایکوموس (ICOMOS) و مسوولیت مرمت بناهای تاریخی ایران به‌مدت ۱۵ سال از افتخارات کسی است که در تاریخ هنر و معماری کشور تأثیر شگرفی نهاد. آرامگاه بوعلی سینا، آرامگاه خیام، آرامگاه کمال‌الملک، طراحی بنای موزه توس، ساختمان بانک سپه (توپخانه تهران)، سازمان نقشه‌برداری کل کشور و...از یادگارهای این معمار برجسته و شهروند افتخاری فرانسه است و حسین امانت طراح میدان آزادی تهران شاگرد اوست.



^۱. اجداد ایشان از کاشان به سلطان‌آباد آمدند و جد پدری او معمار بازار تاریخی اراک بوده است.

سیداشرفی، عظیم (۱۳۳۸ خ)، فرزند مهدی و بانو عذرا، تحصیلاتش را در دبستان

رضاشاه و دبیرستان شکرایی گذراند و از دبیرستان پهلوی **اراک** دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه اراک زیست‌شناسی و در دانشگاه تهران آموزش بهداشت خواند. کتاب‌های گذر و نظر (طنز، پند، مثل)، شکرستان خیال، هر ورقی دفتری و نیز گفتن از گفته‌ها (پژوهشی در نبشته‌های دور و نزدیک) برخی از آثار نوشتاری اوست که در کنار برخی کتب آموزشی و مقالات منتشره در نشریات از جمله بخش فرهنگی روزنامه اطلاعات و برخی نشریات دیگر، وی را در شمار پژوهشگران و نویسندگان قرار داده است.



سیدحسینی، سیدمهدی (۱۳۴۴ خ)، فرزند سیدعبدالله، زاده روستای کفسان (خمین)،

تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و راهنمایی را در مدرسه دکتر مفتّح خمین و دهخداى رباط کفسان و دوران دبیرستان را در مدارس ایثارگران روح‌اله و به‌صورت شبانه گذراند. او در سال ۱۳۶۱، از طریق بسیج خمین و به‌صورت داوطلبانه عازم منطقه‌ی عملیاتی گیلان غرب شد و در دفاع از خاک ایران به درجه‌ی جانبازی نایل آمد و از سال ۱۳۶۳ تا اواخر سال ۱۳۸۰ در بنیاد شهید و امور ایثارگران خدمت کرد. از اواسط ۱۳۸۶، طبع شعر این جانباز ۷۰٪ گل کرد و در سال ۱۳۹۲ با اصرار استاد کاویان، نخستین مجموعه شعر خود را با عنوان «شهید عشق» با مضمون عاشقانه و طنز منتشر کرد. سکوت سرد، سقلمه، نیش‌های زنبور عسل، توت قرمز و چند مجموعه مشترک از دیگر آثار اوست. سیدحسینی در سال ۱۳۹۶ موفق شد تندیس لاله زرین و لوح معادل «کارشناسی ارشد» در زمینه شعر و رباعی طنز از طرف مؤسسه پردیس بین‌المللی توسعه علوم فارابی (اتحادیه اروپا) را از آن خود کند.



سیدی، فرانک (۱۳۴۷ خ)، فرزند حسن و بانو معصومه، تحصیلاتش را در دبستان هدف،

راهنمایی انوشیروان و دبیرستان تربیت **اراک** گذراند و از دانشگاه شیراز لیسانس مامایی و از دانشگاه آزاد اراک و علوم تحقیقات تهران ارشد و دکترای جامعه‌شناسی دریافت کرد. جامعه‌شناسی علم و تکنولوژی، درآمدی بر جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، مبانی جامعه‌شناسی (گروه نویسندگان)، جامعه‌شناسی تبلیغات، جامعه‌شناسی علم و تکنولوژی از آثار نوشتاری این نویسنده است و جامعه‌پذیری سلامت در بحران‌ها را نیز در دست تدوین دارد.



سیردوری، رستم‌بیگ (زندگی ۱۳۲۰ خ)، اهل منطقه چّرا (خنداب)، از بزرگان ایل زهره‌وند که با وارد کردن ضربات سخت به قشون روس، آنها را مجبور به ترک منطقه چّرا کرد. رستم‌بیگ زهره‌وند نماد مقاومت و مبارزه با اشغالگری روس‌ها بود و در یکی از دلاوری‌هایش، ۷ تن از اشغالگران روس را به هلاکت رساند.

سیف‌امیر حسینی، علی (۱۲۵۷-۱۳۱۸ خ)، فرزند عباسقلی‌خان (سیف‌لشکر) و بانو فرخنده^۱، با اینکه حاکم ساوه، رئیس فوج خلج و ملقب به اعتضادلشکر بود، ولی به تحصیلات دینی و ادبی‌اش ادامه داد و توسط آیت‌اله حائری‌یزدی ملبس به لباس روحانیت شد و از آن پس اعتضادالعلما نامیده شد و به احترام این اقدام مرجعیت شیعه، از سمت مهم نظامی استعفا داد و به مطالعه و نیز کشاورزی پرداخت و در کسوت یک عالم دینی و نیکوکار، ضمن لایروبی و احیای قنوات مخروبه، چندین قنات جدید هم در منطقه خشک ساوه احداث کرد. این شاعر و سخنران برجسته در کار غزل، قصیده، مخمس و دوبیتی مهارت داشت و دارای ذوق بی‌نظیری بود که برخی از اشعارش موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

سیف‌امیر حسینی ساوجی، موسی (۱۳۰۶-۱۳۷۹ خ)، فرزند میرزا حسین‌خان، خواندن و نوشتن را در خانواده آموخت و در دبستان با دو کلاس بالاتر پذیرفته شد و در ادامه از دبیرستان حکیم‌نظامی قم دیپلم و از دانشگاه تهران دانشنامه حقوق گرفت. او سپس دادیار دادرسی قم و بعد مستشار دیوان عالی کشور شد و همه دوران خدمتی قضاوتش را به عدالت، شهامت، جسارت و پاکدامنی در اراک، اصفهان، کاشان و تهران گذراند و در همه این دوران از شعر و شعور و فرهنگ دور نماند. این شاعر و **چهره‌ماندگار**، که به فارسی، عرب و تفسیر قرآن و احادیث نبوی مسلط بود، «امیر» تخلص می‌کرد و اشعارش موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۸۶).

سیفی، نسرین (۱۳۵۸ خ)، فرزند محمدتقی و بانو صدیقه، تحصیلاتش را در دبستان ساره روستای یل‌آباد (ساوه) و راهنمایی خانه‌زر گذراند و از دبیرستان قدسیه ساوه دیپلم گرفت. او سپس از دانشگاه پیام‌نور ساوه لیسانس و از دانشگاه ارومیه ارشد زبان‌و ادبیات فارسی دریافت کرد. این مؤلف، ویراستار و ترانه‌سرا که فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۸۴ با چاپ رمان «کوچه‌های خاطره» آغاز کرد، آثار دیگری هم دارد که عبارتند از: شب تقدیر، جنون عشق، آغاز دوست داشتن، مسافر مهتاب، معمای عشق، غزل عاشقی، رؤیای آبی، آخرین ستاره شب، نغمه، به‌خاطر نیاز، حکایاتی از بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، آسو، قلعه دختر و نیز آلبوم موسیقی: اتل متل (ستار مردانی) و قصه زندگی (حسین خواجه امیری) از اوست.



سیفی ساوجی (قرن...)، صنعت‌گر اهل ساوه که علاوه بر مهارت شمشیرسازی، شاعر هم بوده و این بیت از اوست: دل قدر تو را بلای جان گفت/ بالاتر از این نمی‌توان گفت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۹۹).

^۱ او هم شاعر بوده است.

سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۰۹-۱۳۷۲ خ)، فرزند میرزا عباس، تحصیلات ابتدایی

را در تهران و **تفرش** گذراند و در دانشگاه تهران ادبیات، علوم سیاسی و مترجمی زبان انگلیسی خواند. وی همچنین در آمریکا فوق‌لیسانس گرفت و در شهر بانی شاغل شد. او پس از بازنشستگی به سیروسیاحت و پژوهش پرداخت و به‌عنوان نویسنده بالغ بر ۱۲ عنوان کتاب در موضوعات مختلف تألیف کرد، که سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان، نظم‌ونظمیه در دوره قاجار، پلیس خُفیه ایران با مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخیچه شهر بانی ۱۳۲۰-۱۳۲۹، نگاهی به ایران (با همکاری فخرالدین حسینی تنکابنی)، ترجمه تاریخ ایران (نوشته سر جان ملکم با همکاری ابراهیم زندپور)، تهران در آئینه زمان و... از جمله آن‌هاست (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۰۷).



سیمونیان، قازار (زندگی ۱۳۵۰ خ)، کنشگر و فعال سیاسی، مترجم و نماینده مجلس شورای ملی از ارامنه **اراک** بود و بیشتر سال‌های دهه ۱۳۵۰ را در زندان گذراند و همان‌جا ترجمه معروفش از کتاب آناکارنینای تولستوی را انجام داد. ترجمه کتاب تاراس بولبا اثر دیگر این مترجم اراکی است.

سینا، عبدالله (۱۲۶۵-۱۳۳۵ خ)، فرزند محمدتقی^۱، پس از طی تحصیلات مکتب‌خانه‌ای

در **تفرش**، به‌همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و به‌واسطه خوش خطی به‌عنوان منشی وزارت امور خارجه مشغول شد و پس از مدتی به‌اداره مالیه منتقل شد. او سپس در مدرسه دارالفنون رشته طب خواند و با درجه نایب اول، به‌استخدام اداره صحتیه^۲ قشون درآمد و به‌عنوان رئیس صحتیه لشکر غرب، ابتدا بروجرد و سپس به نهبوند و همدان منتقل شد و در این دوران به درجه یابوری^۳ ارتقا یافت. او پس از مراجعت به تهران استعفا داد و از طرف اداره اوقاف و به دستور سیف‌الدوله، بیمارستان نسبتاً مجهزی در ملایر دایر کرد. او دوباره در سال ۱۳۰۶ به‌استخدام وزارت بهداری درآمد و با عنوان رئیس صحتیه کاشان، مازندران، اصفهان، خرم‌آباد و بروجرد خدمت کرد و در سال ۱۳۱۵ از خدمت دولتی بازنشسته شد و تا پایان عمر به معالجه بیماران پرداخت. این طبیب نیکوکار همه درآمد املاک و مستغلات را وقف مرکز درمانی رایگانی کرد که جهت افراد بی‌بضاعت دایر کرده بود. او که «سینا» تخلص می‌کرد، دیوان اشعاری در موضوعات مختلف دارد که بخشی از آن به‌مرور زمان از بین رفته و برخی از اشعار ایشان به‌همت فرزندش مهندس امیر هوشنگ سینا، گردآوری و منتشر شده است. دیوان اشعار به‌نام با موضوع طب و نیز حج من (فلسفه حج) دو اثر دیگر این طبیب نویسنده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۰۸).



۱. نواده محمدخان شیرکش از دودمان سلسله زندیه

۲. سلامت، بهداشت و..

۳. سرگرد

سینا، محمدعلی (۱۲۸۷-۱۳۵۸ خ)، فرزند عبدالله و بانو فاطمه‌بیگم، از خانواده‌ای

تفرشی در تهران متولد شد و تحصیلات عالی‌ه را در دارالمعلمین (دانشسرای عالی) گذراند و در رشته ریاضیات لیسانس گرفت. او سپس برای تکمیل مطالعات به فرانسه رفت و در بازگشت از فرانسه در سال ۱۳۱۲ با عنوان دبیر ریاضیات در وزارت فرهنگ استخدام شد.



ایشان در زمینه علوم ریاضی و هندسه تألیفاتی دارد و به‌اتفاق دکتر ریاضی، عهده‌دار محاسبات تقویم و تنظیم سالنامه خورشیدی بود و همچنین پایه‌گذار مدارس رشد و سینا در تهران است. کتاب درسی هیأت مخصوص سال پنجم دبیرستان، کتب حل‌المسائل برای تمرین دانش‌آموزان، حل‌المسائل جبر مخصوص دوره اول دبیرستان، هزار مسأله حساب‌وهندسه‌وجبر و مقابله با جواب آنها، ۵۰۰ مسأله حساب‌وهندسه و.. برخی از تألیفات این دبیر نویسنده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۰۹).

ش

شاملو، حسن (درگذشته ۱۰۲۱ خ)، فرزند حسین‌خان، از اجداد میرزا فضل‌اله **ساوجی** و نوه ذبیح بهروز، شاعر و خوشنویس زمان شاه عباس یکم بود و چندی از طرف شاه‌عباس حاکم هرات و چهار شهر خراسان بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۰۲).

شاملو، حسین (قرن ۱۰)، از اهالی **ساوه** و پدر حسن‌خان، در زمان شاه طهماسب اول، حاکم خراسان بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۰۴).

شاملو، زیور (قرن...)، اهل **ساوه**، از طایفه شاملو و شاعری شیرین‌گفتار و غزل‌سرا که طبعی خوش داشته و اشعار بسیاری سروده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۰۵).

شاملو، عباسقلی (زندگی ۱۰۲۱ خ)، فرزند حسن‌خان (حاکم هرات و بیگلربیگی خراسان در زمان سلطنت شاه‌عباس دوم و شاه‌سلیمان)، دانشمندی است ساوجی و عالی‌مقام که رساله‌ای در معما به نام «مجمع الاسما» دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۰۶).

شاملو، علی (۱۳۶۶ خ)، فرزند ذبیح‌اله و بانو اعظم، اهل آستانه **شازند**، تحصیلاتش را

در دبستان شهید بختیار و راهنمایی شهرک ولی‌عصر گذراند و از دبیرستان شهیدمطهری آستانه دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه اراک کارشناسی و کارشناسی‌ارشد زبان‌وادبیات فارسی خواند و به استخدام آموزش و پرورش درآمد. این دبیر و نویسنده آثاری دارد که برخی از آنها عبارتند از: «لب‌خوانی سکوت»، «خواب در قصر قصه‌ها» و نیز نظریه‌های ناراضی (بازخوانی و نقد نظریه‌های شعر معاصر).



شاملو، قلی بیگ (قرن...)، مشهور به ÷ مرشدقلی بیگ، فرزند عباسقلی خان حاکم هرات و از اسلاف ذبیح بهروز و حاجی میرزا ابوالفضل **ساوجی** است. او که شعر می‌سروده، دیوان شعر هم دارد و نیز کتاب‌های همیشه‌بهار و گلستان مسرت، شرح حال اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۰۸).

شاملو، مرتضی قلی (درگذشته ۱۰۶۷ خ)، فرزند حسن خان، اهل **ساوه**، داروغه دیوان‌خانه و سپس وزارت اردبیل و حاکم هرات در عهد شاه‌صفی را عهده‌دار بود. خط شکسته نستعلیق ابداع اوست و با تخلص مرتضی هم شعر می‌گفته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۰۸).

شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۴۷ خ)، فرزند محمدعلی، متولد روستای جونوش (**فراهان**)، دوره ابتدایی را در روستای جونوش و راهنمایی و دبیرستان را در روستای عزیزآباد فراهان گذراند و موفق به اخذ کارشناسی و کارشناسی‌ارشد رشته اقتصاد از دانشگاه تهران شد و مقطع دکتری را نیز در دانشگاه تربیت مدرس پشت‌سر نهاد و موفق به اخذ مدرک دکتری اقتصاد با گرایش اقتصاد بین‌الملل و توسعه اقتصادی در سال ۱۳۸۰ شد. او از اواخر دهه ۱۳۷۰ مشاور معاونت بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی بوده و از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان و از شهریور ۱۳۹۷ تاکنون استادتمام گروه اقتصاد دانشگاه الزهراست. چاپ بیش از ۲۰۰ مقاله علمی در مجلات معتبر داخلی و خارجی و تألیف ۲ عنوان کتاب «تجارت بین‌الملل» و «اقتصاد دانش بنیان» را در کارنامه دارد.



شاه‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۴۶ خ)، فرزند علی و بانو خانم‌بالا، اهل **فراهان**، تحصیلاتش را در دبستان بهرام و راهنمایی آزادی گذراند و از هنرستان پیشه دیپلم گرفت و در دانشگاه تبریز کارشناسی‌ارشد تاریخ خواند. او که نوشتن را از جوانی و با داستان کوتاه آغاز کرده بود، بعدها داستان‌نویسی را پی گرفت و چند نمایش‌نامه نوشت و چند فیلم کوتاه نیز ساخت. او سپس پژوهش‌گری پیشه کرد و سعی کرد با بهره‌گیری از تاریخ، شخصیت‌ها و داستان‌هایی را روی صفحه بیاورد که به حقیقت و روایت تاریخ نزدیک‌تر باشد. وی در سال ۱۳۹۸ برای رمان «دروازه مردگان» برنده جایزه کتاب سال شد. تاریخ آغازین فراماسونری در ایران (دو جلد)، مقدمه بر ادبیات کودک (بحثی در تحول تاریخی مفهوم کودکی)، نهضت مشروطه (از مجموعه تاریخ فکر ایرانی)، مقایسه تطبیقی کتاب «احمد» از طالبوف تبریزی و «امیل» از ژان ژاک روسو و... از دیگر آثار اوست.



شاه‌حسینی، سعید (۱۳۵۱ خ)، فرزند حسین و بانو ساریه‌خاتون، تحصیلات ابتدایی را در دبستان خیام، راهنمایی علامه طباطبائی و دبیرستان امام باقر **اراک** گذراند و از دانشگاه هنر تهران کارشناسی و کارشناسی‌ارشد هنر گرفت و از دانشگاه علامه طباطبائی دکترای علوم ارتباطات دریافت کرد. این کارگردان، تدوینگر، مدرس سینما و عضو هیأت علمی دانشگاه اراک، آثار هنری متعددی تولید کرده که از آن جمله‌اند: بیش از ۸۰ فیلم داستانی و ده‌ها مستند



بوژه دست‌ساخته‌ها، دانستنی‌ها، دست‌آفریده‌ها، دست‌ها و نشان‌ها و... که عمدتاً مربوط به حوزه میراث فرهنگی و صنایع دستی است و فیلم مستند «عراق چگونه اراک شد» آخرین اثر این سینماگر و هنرمند محبوب و اراک‌دوست است.

شاهرخی کزازی، حسین (۱۲۷۶-۱۳۷۱ خ)، اهل کزاز (شازند)، از شاگردان احمد قاضی و سالها امام جماعت مسجد جامع روستای کزاز بود. وی صاحب کتاب چهل حدیث است که درباره حضرت علی نوشته و سه عنوان کتاب دیگر در مدح علی، مباحث فقهی و یک مجموعه شعر که هنوز به چاپ نرسیده است.

شاه‌زیدی، حسین (۱۳۰۲-۱۳۶۸ خ)، فرزند محمدعلی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه

را مدرسه در عظیمیه و دبیرستان صمصامی اراک گذراند و سپس وارد ارتش شد و با درجه سرهنگی بازنشسته شد. شاه‌زیدی دوره فوق‌لیسانس دانشکده حقوق را گذراند و به‌عنوان شاعر، همکاری پیوسته‌ای با نشریات داشت و سال‌ها عضو هیأت تحریریه مجله ارتش بود و دو سال ریاست آن هیأت را بر عهده داشت و سه سال هم سردبیر مجله ۲۸ مرداد و مدتی نیز سردبیر مجله مقاومت و نیز مجله روشندل بود. یکی از ویژگی‌های شاه‌زیدی سرودن شعر با لهجه اراکی بود. وی که مسلط به زبان عربی، فرانسه و انگلیسی بود، خاطرات سفر به اروپا و آمریکا را با عنوان «سفری به ینگه دنیا» در ۳۰ قسمت در نشریه نامه اراک منتشر کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۸۱).



شاه‌صنمی، مهین (۱۳۲۹ خ)، فرزند محمدحسن و بانو فاطمه، متولد اراک، دبیر

بازنشسته آموزش و پرورش، کارشناس علوم تربیتی از دانشگاه علامه طباطبائی تهران، دبیر نمونه کشوری در سال ۷۱، بانوی فرهیخته استان در سال ۹۸، مؤسس و عضو هیأت امنا و چند دوره مدیرعامل انجمن خیریه شجره طوبی و همچنین عضو هیأت مدیره خیرین مدرسه‌ساز استان مرکزی است. مدرسه مهین شاه‌صنمی (اراک)، مدرسه روستای حسین‌آباد (شازند) و مشارکت با اعضای خانواده در ساخت مدرسه محمدحسن شاه‌صنمی روستای عقیل‌آباد (اراک)، از اقدامات شاخص این بانوی نیکوکار است.



شاه‌علی، محمود (۱۳۱۲-۱۳۸۷ خ)، فرزند محمد و بانو مرضیه، تحصیلات مقدماتی را

در دبستان روستای کبوران (تفرش) گذراند و به‌همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد. او پس از طی دوره‌های آموزشی، در رشته برق مهارت زیادی به دست آورد و در سایر امور فنی از جمله مکانیک، جوشکاری و تعمیرات انواع ماشین‌آلات متبحر شد. وی نخستین دارنده گواهینامه رانندگی پایه ۱ در تفرش است. ایشان که به زادگاه خویش عشق می‌ورزید در کنار حاج ابراهیم کاریابی (پدر عمران تفرش) در امور عام‌المنفعه برای تفرش پیش‌قدم بود؛ بنا به پیشنهاد و حمایت مالی کاریابی در سال ۱۳۳۸ نخستین کارخانه تولید برق و آسیاب برقی را در تفرش راه‌اندازی کرد و تا سال ۱۳۵۰ به‌عنوان مسوول این کارخانه مشغول بکار بود (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۱۰).



شاهقلی، عبدالله (۱۳۴۶ خ)، فرزند رضا و بانو قدسیه، تحصیلاتش را در دبستان شاه‌رضا و راهنمایی انقلاب گذراند و از دبیرستان شهید بهشتی **دلیجان**، دیپلم گرفت. او سپس در رشته تربیت‌معلم دانشگاه قم دانش‌آموخته شد. این بازنشسته فرهنگی «اطلس مشاغل دلیجان» را در کارنامه دارد.



شاه‌محمدی، جواد (۱۲۸۸-۱۳۶۴ خ)، فرزند ابوالقاسم، در **تفرش** به دنیا آمد و تحصیلات خود را در تهران گذراند و از نوجوانی دوره‌های آموزشی کشتی و بوکس را گذراند و به عنوان مربی ورزشی در ارتش استخدام شد. وی در سال ۱۳۱۳ زورخانه پوریای ولی را در محله سلسبیل تهران بنا نهاد و همچنین باشگاه ورزشی بدنسازی و زیبایی اندام را نیز تأسیس کرد و مدیریت آنها را به عهده گرفت. این قهرمان باستانی‌کار در سال ۱۳۴۰ نخستین زورخانه تفرش در محل کارخانه موزاییک سازی مرحوم حسین نازمهر را با نام پوریای ولی بنیان نهاد و موجب ترویج و توسعه ورزش باستانی و پهلوانی شد و تعداد زیادی ورزشکار باستانی پرورش داد. ایشان همچنین در فعالیت‌های توسعه و عمران شهرستان تفرش و امور خیر همراه و همگام و یار وفادار حاج ابراهیم کاریابی پدر عمران تفرش بود (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۱۱).



شاه‌محمدی، محسن (۱۳۴۰ خ)، کارگردان، تدوین‌گر و فیلم‌نامه‌نویس اهل **اراک** است که بچه‌های دریا، همین امروز هوا تاریک شد، قتل هرگز و رویت، فکر پلید، یک مرد آبی، شبی در تاریکی، تیرانداز و ده‌ها اثر دیگر را در کارنامه هنری خود به عنوان یک سینماگر کاربلد دارد.



شاه‌محمدی‌درمنی، فرشید (۱۳۳۶ خ)، فرزند حسین و بانو ملک‌آرا، در خانواده‌ای اهل درمن (**خنداب**) در تهران زاده شد و تحصیلاتش را در دبستان عارف و دبیرستان بابکان گذراند و از دبیرستان احمدیه دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه علم و صنعت ایران مهندسی مکانیک خواند و به اراک بازگشت و نسبت به تأسیس شرکت تولیدی برین‌ساز در سال ۱۳۶۳ همت گماشت و به تولید قطعات خودرو پرداخت. در آن سال‌ها که موضوع خودکفایی بسیار جدی بود نسبت به ساخت گیربکس غلطک راه‌سازی- از تولیدات شرکت مادر تخصصی هپکو- اقدام کرد و به واسطه اینکه تا پیش از آن از ژاپن وارد می‌شد به عنوان شرکت برتر (سال ۱۳۷۵) انتخاب شد. شرکت برین‌ساز امروز با داشتن بیش از ۶۰ نفر پرسنل و تولید سالانه بیش از ۱/۲ میلیون دست انواع لنت ترمز خودرو، یکی از شرک‌های نامدار پایتخت صنعتی ایران است. عضو هیأت‌مدیره انجمن پیشگامان صنعت، رئیس کانون کارآفرینان و عضو شورای پژوهش اتاق اراک برخی از مسوولیت‌های اجتماعی مهندس شاه‌محمدی است که اتفاقا دستی هم بر قلم دارد و نوشته‌های ایشان در حوزه اقتصاد، سیاست و فلسفه در شبکه‌های اجتماعی خواندنی است.



شاه‌محمدی، مسعود (زندگی ۱۴۰۲ خ)، نویسنده سینمایی اهل **اراک**، کار حرفه‌ای خود را از تلویزیون آغاز کرد و سال ۱۳۷۵ در سریال «نوعی دیگر» به کارگردانی منوچهر شمسایی و بهروز بقایی به‌عنوان نویسنده فعالیت داشت. از دیگر آثار این سینماگر می‌توان به فعالیت در سریال گل‌های آفتابگردان و سریال دوقلوها اشاره کرد. مسعود شاه‌محمدی را بیشتر به‌عنوان نویسنده می‌شناسیم، اما شاه‌محمدی علاوه بر نویسندگی، به‌عنوان کارگردان و تدوینگر نیز در سینما و تلویزیون فعالیت داشته و مهم‌ترین آثار او در حرفه کارگردان، برنامه چکامه، سریال عبور از پاییز، سریال این زمینی‌ها و سریال گل‌های آفتابگردان است.



شاه‌مهرادی، سعید (۱۳۶۸ خ)، فرزند محمدجعفر و بانو عالم‌تاج، تا مقطع متوسطه درس خواند و از هنرستان فنی **شازند** دیپلم کامپیوتر گرفت. کارآفرین، نویسنده و بنیان‌گذار مهندسی تکنولوژی هیجان‌ناک شاخه مهندسی پزشکی و مدیر ارشد اجرایی شرکت دانش بنیان نوآوران راستوند مستقر در پارک علم و فناوری پردیس است. مهندس شاه‌مهرادی نخستین پژوهش خود در سال ۱۳۹۱ با پارک علم و فناوری ایران را در موضوع ایمنی حمل و نقل آغاز و نتایج این پژوهش که از صنعت فضاوردی الهام گرفته بود را با راهنمایی پروفیسور آرمندیان به چاپ رساند.



شاه‌مهرادی، محمدجعفر (۱۳۲۱ خ)، فرزند ابراهیم و بانو بلقیس، اهل روستای جزنق (**شازند**)، تحصیلاتش را با حمایت خانم نجم‌السلطنه^۱ در مدرسه فیروز ملک گذراند و در سال ۱۳۴۲ به شازند آمد و کارخانه قند مشغول به کار شد و چون صدای زیبایی داشت، تدریس قرآن و شاه‌نامه‌خوانی هم پیشه کرد. وی که قریحه شعری هم دارد، در حال گردآوری و چاپ مجموعه اشعار خویش هست و نیز در مسابقات کشوری اذان و قرآن هم دارنده رتبه است. این کوهنوردی حرفه‌ای به‌همراه فرزندش داود، قله دماوند را در سال ۱۳۸۶ فتح نموده است.



شاه‌مردان ساوجی، علیرضا (۱۳۵۴ خ)، فرزند محمدعلی، تحصیلاتش را در مدارس سلمان ساوجی، شهیدمطهری و شهید اسدی و نیز دانشگاه آزاد **ساوه** گذراند و در همان دانشگاه استخدام شد. مضمون اشعار این شاعر، بیشتر در مدح و منقبت امام رضا می‌باشد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۳۲).



شاهمیری، کورس (۱۳۳۱ خ)، با اصالت **تفرشی** در تهران زاده شد و پس از

تحصیلات مقدماتی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت و از دانشگاه دولتی برکلی بوستون آمریکا فوق لیسانس موسیقی دریافت نمود. او که خواننده، آهنگساز، تنظیم کننده و تهیه کننده موسیقی پاپ ایرانی است، با اندی دیگر هنرمند اهل استان در آمریکا آشنا شده و همکاری موفقی را آغاز کردند این دو هنرمند در سال ۱۳۶۴



متن شعری بنام خواستگاری را از ژاکلین^۱ می خرد و اندی به عنوان خواننده و کوروس در مقام تنظیم کننده موجب می شود این آهنگ مورد استقبال واقع شده و شهرت زیادی برایشان بهارمغان آورد. کوروس در امریکا صاحب یک شرکت بزرگ در صنعت چاپ و گرافیک است.

شاهنده آشتیانی، رضا (۱۲۷۶-۱۳۳۷ خ)، ملقب به علاءالمالک، فرزند میرزا عظیم خان،

از کارگزاران دولتی دوره قاجار و پهلوی که نایب حکومت اصفهان در سال ۱۳۰۲ و ریاست ثبت اسناد و املاک رشت از ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۶ بود و سپس با همان سمت در کردستان، خراسان و تبریز خدمت کرد و به ثبت کل تهران منتقل شد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۲۹).



شاهنده آشتیانی، عباس (۱۲۹۲-۱۳۶۷ خ)، فرزند احمد (صفاالسلطان)، تحصیلات ابتدایی را در دبستان خاقانی و دبیرستان شرف گذراند و در سال ۱۳۲۰ دوره دوم دانشسرای تربیت بدنی را به پایان برد و سپس موفق به گذراندن دوره سوم آموزشگاه مهندسی مکانیک هوایی شد و نشان مخصوص دریافت کرد. او هم چنین دوره ۴ ساله روزنامه نگاری دانشکده حقوق تهران را با درجه ممتاز گذراند. این مؤسس روزنامه سیاسی فرمان، در سال ۱۳۲۶ شهردار تهران شد. شاهنده نخستین روزنامه نگار ایرانی است که به عضویت انجمن بین المللی مطبوعات جهان آزاد درآمد. این نویسنده و دارنده ۱۹ نشان ملی و بین المللی هم چنین مترجم سه عنوان کتاب از زبان آلمانی، عبری و انگلیسی است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۶۰).

شاهنزار، عطاءاله (۹۶۴-۱۰۰۸ خ)، فرزند شاه خلیل اله، یکی از امامان انجندان (اراک) است که از سال ۹۶۴ تا ۱۰۰۷ پیشوای دینی اسماعیلیه بوده و به دلیل سکونت در خفا به نزار شهرت یافت و به دستور شاه عباس کبیر کرسی امامت را از انجندان به کهک قم برد (ولاشجرودی فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۸).

شاهی ساوجی، علی (۱۳۳۷ خ)، فرزند محمدحسین، پس از گذراندن دوره ابتدایی و

متوسطه، در سال ۱۳۵۳ وارد دانشسرای مقدماتی شد و به استخدام آموزش و پرورش درآمد و عهده دار مدیریت و تدریس در توابع نوبران (ساوه) شد. این شاعر و هنرمند خوشنویس،



۱. ترانه سرای نامدار آن زمان

هم‌چنین اشتغال به امور فرهنگی در امارات متحده عربی را در کارنامه دارد و با تخلص «پیر عارف» شعر می‌گفت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۰۹).

شاهین، فاطمه‌سلطان (۱۲۴۴ خ)، فرزند میرزا حسین و خواهر ادیب‌الممالک فراهانی و متولد روستای مشهدالکوبه (اراک) است. وی در فنون ادبی و عربی مهارت داشته و شعر نیکو می‌سروده است. به‌نوشته مؤلف کتاب خیرات حسان، این بانوی شاعر، در ادبیات فارسی و عرب مهارت کامل داشته و مقامش در شعر فارسی همانند خنسا^۱ در شعر عربی است. دیوان او در حدود ۲۰۰۰ قصیده در مدح امام‌زمان و مظفرالدین‌شاه قاجار است. در دیوان ادیب‌الممالک آمده: این خواهرم که در قید حیات است، از زنان ادیبه ایران به‌شمار می‌رود، نامش فاطمه‌خانم است و شاهین تخلص می‌کند. شعرش به طراوت و حلاوت مشهور است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۰۸).

شاهین قائم‌مقامی، محمدعلیخان (زندگی ۱۲۸۵ خ)، یک کنشگر سیاسی، طرفدار مشروطیت و عضو انجمن آدمیت بود که به‌عنوان یک فعال مدنی، در آبادانی شهر اراک نقش برجسته‌ای داشت و باغ‌های زیادی ایجاد و ساختمان‌های زیبای ساخت (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۱۰).

شایق، هادی (قرن ۱۳)، اهل **شازند** و از شعرای نیمه دوم قرن سیزدهم بوده که برخی از اشعارش در کتاب نامداران اراک آمده است: این حدیث از سر درد است که من می‌گویم/تا بر آتش نهنی بوی نیاید ز عبیر (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۱۰).

شب‌افروز، اسحاق (۱۲۸۵-۱۳۴۰ خ)، فرزند میرزا اسماعیل و بانو خدیجه، تحصیلات



مقدماتی را در روستای تراران (**تفرش**) گذراند و ابتدا به دارالفنون رفت و سپس از دانشکده طب، دواسازی و دندانسازی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۲۰ با ارائه رساله دکترا با عنوان تاریخچه پیدایش دندانسازی با درجه ممتاز دانش‌آموخته شد. او که از نخستین دانش‌آموختگان این رشته در کشور بود، پس از خدمت سربازی به‌عنوان رئیس اداره بهداشتی و معاونت عمومی شهرداری تهران، رئیس بهداری دخانیات ایران و مدتی هم مسوول بخش دندانپزشکی بانک سپه بود. ایشان از بنیانگذاران سندیکای دندانپزشکان ایران است و به‌عنوان نویسنده و عضو هیأت تحریریه، مجله دندان پزشکی را به‌عنوان ارگان رسمی این سندیکا در سال ۱۳۳۰ منتشر کرد و کتاب تاریخچه پیدایش علم‌وفن دندانپزشکی هم اثر این مؤسس نخستین جامعه دندانپزشکی ایران است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۱۲).

^۱ مرثیه‌سرای نام‌آور و برجسته عرب

شجری، کبریا (۱۳۶۲ خ)، فرزند حسن و بانو کبری، تحصیلاتش را در دبستان حاج کاظمی و راهنمایی قدس گذراند و از دبیرستان حاج تقوی اراک دیپلم گرفت. این کارشناس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک و ارشد آزاد اراک در نقش نویسنده کتب لبخند بزن، شلوار بابا را باد برد، خرابکاری‌های دوست داشتی، لطفاً برایم تور بباف، تولد و جدیدترین اثرش «ما دو تا داداشیم» را در کارنامه دارد.



شرافت، محمد (۱۳۳۲ خ)، فرزند محمود و بانو حورا، تحصیلاتش را در مدارس انوشیروان و دبیرستان رضاشاه ساوه گذراند و از دبیرستان ۲۵ شهریور دیپلم گرفت. او که دارای تحصیلات کارشناسی بهداشت محیط از دانشگاه علوم پزشکی ایران و کرمان است، پس از بازنشستگی از وزارت بهداشت، به فعالیت‌های اجتماعی پرداخت و در این وادی اقدامات ارزشمندی انجام داده که تألیف کتاب «تاریخ آب و آب‌رسانی در ساوه»، «شجره‌نامه بازماندگان امام‌زاده سید محمد محروق»، «دبیر و هماهنگ‌کننده ستاد شهر سالم روستای سالم پایلوت کشور و منطقه مدیریتانه شرق»، و بویژه گردآورنده فهرست فرهیختگان ساوه در قالب سایت رادیو ساوه از آن جمله‌اند.



شراهی، اسماعیل (۱۳۵۸ خ)، فرزند عزیزاله و بانو اکرم، تحصیلاتش را در دبستان و راهنمایی صدیقین روستای جیریا (اراک) گذراند و از دبیرستان دکتر حسابی همین روستا دیپلم گرفت. این باستان‌شناس و نویسنده، کارشناسی، ارشد و دکترای باستان‌شناسی دوره اسلامی را به ترتیب در دانشگاه تهران، تربیت مدرس و بوعلی سینا همدان گذراند و در سازمان میراث فرهنگی استان شاغل است. مسوول نمایندگی میراث فرهنگی در خمین، مدیر پژوهش و باستان شناسی و رئیس گروه حفظ و احیای بناها و محوطه‌های تاریخی از سال ۱۳۸۴، ۳۰ فصل کاوش، بررسی و شناسایی در سطح استان، برخی از سوابق اجرایی اوست. وی هم‌چنین علاوه بر چاپ ۳۰ مقاله ISI، دو کتاب «سکه‌های طلای عباسی» و «اغالبه کرج ابودلف (شهر آستانه شازند)» را نیز منتشر کرده است. دکتر شراهی هم‌چنین ثبت جهانی «قنات ابراهیم‌آباد اراک» و «چشمه سلیمان کاشان» را در کارنامه دارد.



سرفی، علی اکبر (۱۳۳۶ خ)، فرزند محمد ابراهیم و بانو سلطان، تحصیلات ابتدایی را در روستای آب‌باریک (شازند) و دروس صرف و نحو عربی، منطق و اصول فقه و نیز تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع فوق لیسانس در اراک گذراند. این نویسنده، شاعر و مترجم، در کنار تحصیلات معمول، نقاشی و طراحی فرش را هم نزد استاد عزت‌اله ابراهیمی فرا گرفته و برای انتقال آموخته‌هایش، به شغل دبیری روی آورد و بیش از چهار دهه در مراکز تربیت معلم و دبیرستان



های اراک تدریس کرد. ایشان علاوه بر انتشار «پژواک خاک»^۱، «شکوه ناتمام»^۲ و ترجمه «خراسان است این جا»^۳، سردبیری فصلنامه «پویه» نشریه رسمی گروه زبان و ادبیات فارسی کشوری (۱۳۸۲)، برگزاری نمایشگاه آثار نگارگری در موزه مفاخر اراک، ویرایش مجموعه اشعار آقایان خداداد نورایی، احمد خمجانی، کریمی (رها)، محسن جعفری فرد (مشعل) و احمد کشمیری (دل بسته) را هم در کارنامه دارد و یک بار هم موفق به دریافت جایزه و تندیس جشنواره شعر گل سرخ قصر کاشان (۱۳۸۷) شده است. سفرنامه حج، سفرنامه آسیای مرکزی، سفرنامه اربعین و سفرنامه آفریقا را هم آماده چاپ دارد.

شریف‌عتمدار ساوجی، محمدحسین (۱۲۹۲ خ)، در ساوه متولد شد و علوم صرف و نحو و ادبیات را ابتدا نزد پدرش آموخت و سپس به قم رفت و دروس فلسفی و حکمی را از میرزا علی اکبر حکمی یزدی و سطوح نهایی را از میرزا محمد همدانی و سیدعلی یشربی کاشانی فرا گرفت. او سپس شاگردی آیات عظام حائری یزدی، نائینی و حجت کوه‌کمره‌ای کرد و به درجه اجتهاد رسید. این عالم دینی، هم‌چنین در عرصه شعر و ادبیات هم میدان‌دار بود و اشعار زیادی به فارسی و عربی سروده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۳۳).
شریف تفرشی، علی اکبر (زندگی ۱۰۹۲ خ)، از هنرمندان خوشنویس قرن سیزدهم است و کتاب جناب الخلود از محمدرضا مؤمن امامی را در سال ۱۰۹۲ نگاشته است (صدیق، ۱۳۷۳: ۱۱۴).

شریف‌حسینی ساوجی، سیداحمد (۱۳۲۶-۱۳۸۴ خ)، فرزند سیدهادی، در ساوه به دنیا آمد و در ۷ سالگی نابینا شد و در ۱۸ سالگی در تهران به مدرسه نابینایان رفت. این هنرمند، نزد حبیب‌اله بدیعی، یاریاری و پازوکی تعلیم موسیقی دید و از جمله اقدامات او تبدیل نت‌های صبا در سه جلد کتاب است و این کتاب هم اکنون در مدرسه روشندان کشور تدریس می‌شود. او مجدداً از سال ۱۳۷۶ در طرازناهد ساوه ساکن شد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۵۳).

شریف‌عاملی انجدانی، محمدتقی (زندگی ۱۰۷۵ خ)، فرزند محمد اقدس، اهل اراک، و هنرمند خوشنویس که کتابت رساله حل و عقد با موضوع هیأت و به زبان فارسی را در ۳۰ شهریور ۱۰۷۵ به پایان برده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۳۶).

شریف‌عراقی، علی اکبر (۱۲۵۹-۱۳۳۰ خ)، فرزند محمدباقر، عالم دینی اهل اراک، در نجف نزد استادان بزرگی از جمله شیخ محمدکاظم خراسانی به کسب فیض پرداخت و در زمره عالمان این حوزه قرار گرفت. از جمله شاگردان وی حاج سیدمحمدباقر دماوندی (مشهور به بحر العلوم) است، که برخی از آثار علمی استاد

^۱. سروده‌های خویش

^۲. زندگینامه جانباز سرافراز سیدعلی اکبر ابراهیمی

^۳. اثر پروفیسور محمدجان شکوری بخارایی

را پس از فوت او و به هم خوردن کتابخانه شخصی اش خریداری کرد. برخی از آثار او عبارتند از: سلوه الغریب^۱ و مسامره الجیب (مجموعه‌ای از روایات و احادیث)، رساله‌ای در غیبت ولی عصر (عج)، لمحہ النظر (در فقه)، مقالید الاظفار بالطاعات و نیل السعادات (در ادعیه و اعمال مستحبی)، آیات الحجه (در تفسیر آیات قرآنی که بنا به اعتراف اهل سنت در مناقب امیرالمؤمنین می‌باشد) و نیز ریاض المؤمنین.

شریف کهرودی، کلبعلی (زندی ۱۲۲۰ خ)، فرزند خان‌بابا، اهل اراک، عالم دینی اواخر قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳ هجری و از شاگردان شیخ علی فرزند حسین کربلایی شاگرد علامه مجلسی بوده است. از آثار او جمع‌آوری و نگارش مجموعه‌ای علمی است که از جمله مطالب موجود در آن، کتاب «سراج الساکنین» تألیف استادش می‌باشد و در این مجموعه به شاگردی نزد وی تصریح کرده و این مجموعه که در سال‌های ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ نگارش یافته، گواهی روشنی بر مراتب دانش بالای اوست.

شریفی، جواد (۱۳۰۹ خ)، زاده فیجان (اراک)، تحصیلاتش را از مکتب‌خانه شروع و در سال ۱۳۵۴ از دانشگاه اراک لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت. او که از دوران دبستان شعر می‌گفت، از سال ۱۳۳۳ در سازمان اوقاف استخدام شد و تا سمت مدیر کلی پیش رفت. اشعار این شاعر با تخلص «واجد» است (مجدی، ۱۳۸۴: ۲۳۸).



شریفی سنجانی، ناصر (۱۳۱۲ خ)، متولد اراک، دکترای شیمی از دانشگاه سوربن فرانسه و بنیانگذار دانش پلیمر در ایران است. او که حدود ۵۰ سال در خصوص تحقیقات و پروژه‌های حوزه پلیمر فعالیت دارد، پدر پلیمر ایران، اکنون استاد تمام دانشکده علوم دانشگاه تهران هست.



شعبی، فاطمه (۱۳۴۷ خ)، فرزند حیدر و بانو محترم، تحصیلاتش را در خمین گذراند و از دبیرستان سمیه دیلم ریاضی گرفت. این بانوی پژوهشگر ۱۵ سال ریاضی تدریس کرد و سپس به عنوان مشاور خدمت کرد و نیز کتب زیادی نوشته که از آن جمله اند: اخلاق در مدیریت پروژه، امواج زمان (تحولات درازمدت و روابط بین الملل)، تاریخ جهان و جهانی شدن، ترتیب تولد و شخصیت، تفاوت‌های زنان و مردان، سبک دلبستگی و روابط اجتماعی، شخصیت دوقطبی، فرهنگ رسانه‌ای شدن، الگوی یادگیری یکپارچه (ULM)، نقش اطلاعات در سازمان‌های مدرن، ازدواج موفق، بینش راهبردی امریکا و بحران قدرت جهانی.

شفایی، محمدحسین (۱۳۱۲ خ)، فرزند علی، پس از تحصیلات مقدماتی به همراه فرزندانش سعید و سهیل که دانش آموخته دانمارک و هند بودند، نخستین شرکت تولیدکننده یخچال و فریزر استان را با نام برنا صنعت در اراک تأسیس و ضمن ایجاد ۵۰ شغل، موجبات ارزآوری از محل صادرات محصولات خود را فراهم آورد. این عضو کارآفرین انجمن قائم مقام، از سال ۱۳۸۶ با همین برند به تولید محصولات مرتبط با صنعت ساختمان روی آورد و هم‌اکنون در



^۱. سلوه = خرسندی و بی‌غمی

حال تولید درهای پیشرفته ساختمانی و صنعتی است (مجدی، ۱۳۸۴ : ۹۶).

شفقی، مصطفی (۱۲۹۴-۱۳۷۲ خ)، فرزند میرزا احمد شیرعلیخان **تفرشی**، تحصیلات ابتدایی را در دبستان مسجدی و دوره اول متوسطه را در دبیرستان دارالفنون تهران گذراند و از دبیرستان شاهپور شیراز دیپلم گرفت. او علاوه بر زبان و ادبیات فرانسه، رشته علوم سیاسی هم خواند و پس از خدمت سربازی در وزارت پیشه و هنر، سمت ریاست دفتر اداره کل اکتشافات را عهده دار شد و مدتی هم ذی حساب کل دارایی و رئیس کل حسابداری وزارت پست و تلگراف و وزارت کشاورزی و مدتی هم مستشار دیوان محاسبات شد. او به سبب خدمات فرهنگی برجسته اش، موفق به اخذ نشان درجه یک فرهنگ شد. ایشان علاوه بر انتشار مقالات علمی، اجتماعی و سیاسی در نشریات چندین اثر تألیفی هم به عنوان نویسنده دارد که عبارتند از: آنابل، دریاچه نمک، دشمن شماره یک، دوشیزه زیبا، فالنامه اسرارآمیز، دستور نامه نگاری زبان فرانسه و نیز قواعد املا و انشای زبان فرانسه (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

شفیع آهویی آشتیانی نخعی، محمدعلی (زندگی ۱۲۲۰ خ)، از هنرمندان خوشنویس است که در سال ۱۲۲۰، کلیات سعدی را در ارومیه و به نستعلیق نگاشته است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹ : ۳۷۳).

شفیعی، محمدرضا (۱۳۴۷ خ)، فرزند خلیل، تحصیلات مقدماتی را در **محلات** گذراند و از دبیرستان شهید بهشتی این شهر دیپلم گرفت. او در سال ۱۳۶۹ به عنوان دانش آموز ممتاز دانشگاه تهران از رئیس جمهور وقت لوح تقدیر گرفت. او همچنین در رشته باغبانی دانشگاه تهران کارشناسی ارشد خواند. عضو هیأت علمی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، پژوهشگر مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج، رئیس ایستگاه ملی تحقیقات گل و گیاهان زینتی محلات، عضو هیأت مؤسس دانشگاه پیام نور، مدرس دانشگاه گیلان، مدرس دانشگاه آزاد اراک، انتشار ده ها مقاله در مجلات علمی، سمینارها و کنگره های داخلی و خارجی در کنار دو مورد ثبت اختراع، ترجمه و تألیف چندین عنوان کتاب و مجله، بخشی از سوابق علمی اوست (بخشی، ۱۳۹۵: ۸۲۴).



شکرای، سیدرضا (۱۲۷۹-۱۳۴۳ خ)، فرزند میرزا بزرگ و بانو هما، از نوادگان میرزا اشکراله **تفرشی** پس از تحصیلات مقدماتی به اراک آمد و در اینجا دیپلم گرفت و به تجارت روی آورد و به یکی از تاجران خوشنام و مالکین بزرگ استان تبدیل شد. او موقوفات فراوانی از خود به یادگار نهاد و از محل عواید آن ها در اراک، فراهان، کمیجان، خنداب، میلajرد، آشتیان، ورامین و تفرش کمک های بسیاری به صورت مستمر به بهزیستی، بیمارستان ها، آموزش و پرورش، هلال احمر و... پرداخت می شود. جمعیت هلال احمر اراک، دبیرستان شکرای، مسجد شکرای (بازار اراک)، خیابان شکرای، زمین دانشگاه کمیجان، زمین مصلاهی کمیجان،



زمین برخی ادارات و بانک‌های میلجر، احداث و وقف روستای حسین‌آباد شکرایی و همچنین وقف املاک بسیاری در روستاهای مختلف از یادگارهای این نیکوکار تفرشی است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۱۴).

شکرایی، سیدیوسف (۱۲۸۰-۱۳۵۰ خ)، فرزند میرزا سیدعلی اکبرخان تفرشی و بانو

بهیبه، تحصیلات مقدماتی را در اراک و تهران گذراند و ضمن آموختن فارسی، عربی، فقه و اصول و منطق، در حسن خط نیز تلاش بسیار کرد و جوانی فاضل و خوش خط و ربط شد. این خوشنویس در حدود سال ۱۳۰۵ به دربار راه یافت و به نویسندگی و دفترداری پرداخت و رئیس دفتر دربار پهلوی شد و سالیان دراز در آن سمت باقی ماند. او سپس رئیس تشریفات دربار شد و در سال ۱۳۲۸ و در دوره شانزدهم، به‌عنوان نماینده اراک، به مجلس شورای ملی راه یافت و پس از پایان دوره مزبور، دیگر به دربار بازنگشت و به کشاورزی و باغداری پرداخت (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۱۵).



شکرایی‌مقدم، جمیله (۱۳۴۹ خ)، فرزند اسماعیل و بانو عشرت، تحصیلات مقدماتی را

در دبستان منصوری و راهنمایی فدک گذراند و از دبیرستان زینبیه اراک دیپلم گرفت. این کارشناس ارشد مردم‌شناسی که به‌عنوان یک زن تأثیرگذار در حوزه زنان روستایی، فعال زیست‌محیطی، پژوهش‌هایی درباره مسائل اجتماعی و زنان انجام داده و با تأسیس مؤسسه ارمنان روح‌بخش سبز، فعالیت‌های خود را در حوزه جوامع محلی، تالاب میقان و بیابان زدایی، طرح بین‌المللی ترسیب کربن^۱ از سازمان عمران ملل متحد (undp)، تدریس دوره‌های کارآفرینی و کارگاه‌های آموزشی و تسهیل‌گری جوامع محلی در حوزه زنان، توانسته به‌عنوان قهرمان تالاب، نشان ملی از نماینده سازمان ملل متحد در ایران دریافت نماید. نماینده مجمع جهانی زنان دوست‌دار صلح در استان، مدیر اجرایی همایش ملی زیست‌بوم پایدار، مجری طرح صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ده روستا، مجری طرح مرکز رشد و کارآفرینی زنان روستایی، روابط عمومی برتر کشور و... از دیگر افتخارات اوست.



شکوری‌ساوجی، مریم (۱۳۶۱ خ)، فرزند ابوالفضل، دانش‌آموخته مهندسی الکترونیک،

نوازنده سه‌تار، شاگرد بهروزخان مبصری، تنها بانوی هنرمند موسیقی بود که در نخستین جشنواره موسیقی استان مرکزی (۱۳۸۰) در رشته سه‌تار مقام نخست را کسب کرد. او همچنین در سال ۱۳۸۱ به سرپرستی گروه سارنگ انتخاب شد و کنسرت‌های متعددی در شهرهای ساوه و اراک به روی صحنه برد. نام ایشان در سالنامه موسیقی کشور (۱۳۸۳) به‌عنوان نخستین بانوی هنرمند موسیقی استان مرکزی ثبت است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۷۵).



^۱. رسوب‌دادن و تخلیه کربن موجود در جو

شکوهی، یحیی (۱۲۸۸ خ)، فرزند میرزا محمود عراقی، دانشمند و نویسنده اهل **اراک** که در رشته اقتصاد دکتر گرفت و تألیفاتی از جمله تاریخ مذاهب اقتصادی را در کارنامه دارد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۱۵).
شمایی، محمودلی (زندگی ۱۲۸۵ خ)، شخصیت برجسته و از مشاهیر **اراک** که تا حدود ۳۰-۴۰ سال پیش یکی از گذرهای محله قلعه به نام او شهرت داشت. ایشان جد خانواده‌های شمایی و جاهد است (محتاط، ۱۳۷۲: ۴۵).

شمس، حسین (۱۳۴۰ خ)، متولد **ساوه**، بازیکن فوتبال و مربی فوتبال در پنج سالگی همراه خانواده به تهران رفت و پس از تحصیلات مقدماتی از دبیرستان فلسفی دیپلم ریاضی گرفت. او پس از خدمت سربازی در رشته تربیت بدنی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۸ لیسانس گرفت. وی هم‌زمان با تحصیلات دانشگاهی، در آموزش و پرورش به عنوان دبیر ورزش استخدام شد. او همچنین مدرس رسمی و عضو کمیته فنی فوتسال فیفاست و سابقه دو دوره مربی‌گری در تیم ملی فوتسال ایران در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ را دارد. قهرمانی فوتسال آسیا در سال‌های (۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰)، مقام نخست در جام کنفدراسیون‌ها (۲۰۰۹)، نایب قهرمانی جایزه بزرگ فوتبال (Grand Prix de Futsal) در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹، قهرمانی در لیگ برتر فوتسال ایران با تیم‌های شن سا ساوه و پاس و همچنین نایب قهرمانی در لیگ برتر فوتسال ایران با تیم ارم کیش قم از افتخارات بین‌المللی و ملی این قهرمان ساوجی است.



شمس، فریده (۱۳۴۶ خ)، فرزند حیدرقلی و بانو محدثه، دبستان را در چهارم آبان و راهنمایی ندای وحدت گذراند و از دبیرستان تزکیه **اراک** دیپلم گرفت. «عزیزخان» که در سال ۱۳۹۸ به عنوان «رمان سال استان» انتخاب شد، تنها اثر این نویسنده و فعال فرهنگی است که در بیشتر نشست‌ها و برنامه‌های فرهنگی حضور دارد.



شمس، مسلم (۱۳۱۴-۱۳۸۹ خ)، فرزند زین‌العابدین و بانو سکینه، در محله ترخوران **تفرش** متولد شد. وی کار خود را از شاگردی در بازار تهران شروع کرد و به یکی از کسبه معتبر در رشته تولید بستنی و فالوده تبدیل شد. وی سپس در ساخت و ساز مسکن هم شروع به فعالیت کرد و با اینکه از نعمت سواد محروم بود، ولی ذهن کارآفرینی داشت که او را به ثروت سرشاری رساند و همین امر باعث شد تا بخشی از سرمایه خویش را در راه خیر مصرف نماید. با همین دیدگاه دبیرستان کار و دانش حاج مسلم شمس را در سال ۱۳۸۷ در تفرش تأسیس کرد و در ادامه کمک‌های بسیاری به حسینیه‌ها، مساجد، مدارس و دانشگاه‌ها کرد و برخی از خانواده‌های بی‌بضاعت را نیز تحت پوشش داشت (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۱۶).



شمس‌الدین، ابویوسف (قرن ۸)، از علمای نامدار شیعی قرن هشتم **ساوه**، که نزد فخرالمحققین به کسب دانش شیعی پرداخته و از وی اجازه روایت داشته است.

شمسی، علی‌اکبر (۱۳۱۸-۱۳۵۱ خ)، فرزند حاجی‌آقا، ابتدا به مکتب‌خانه رفت و از چهارم

دبستان، تحصیلات نوین را ادامه داد و از دبیرستان پهلوی **خمین** دیپلم ادبی گرفت و به

استخدام اداره فرهنگ درآمد. او از سال ۱۳۴۰ همکاری خود را با هفته‌نامه سیاسی-هنری

نهیب آزادی آغاز و به یکی از فعالان سیاسی خمین تبدیل شد و با درج مقالات آتشین

رخ‌دادهای خمین را در سطح کشور منعکس کرد. همین امر موجب تبعید او به تهران شد و در سال ۱۳۴۳

به‌عنوان بازرس فرهنگ استان تهران مشغول شد، ولی به نوشتن مقالات آتشین در نشریه نهیب آزادی

ادامه داد تا بالاخره از آموزش و پرورش اخراج شد. او بلافاصله جهت ادامه تحصیل وارد دانشگاه تهران شد

و با دریافت دانشنامه زبان‌و ادبیات فارسی به‌استخدام وزارت کشور درآمد و سطوح مختلف بخشداری،

فرمانداری و شهرداری برخی شهرها را تجربه کرد و در سال ۱۳۵۱ به‌ریاست اداره امور سیاسی و انتظامی

استانداری کرمانشاه رسید و در این استان هم در روزنامه خاک‌خسرو به انتشار مقاله پرداخت تا اینکه این

مدیر عالی‌رتبه و کنشگر سیاسی، در پی کیفیت‌پذیری از شهبانو فرح و امیرعباس هویدا از سمت خود

برکنار شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۳۳).

شمسی، محمد (۱۳۴۹ خ)، اهل آوه (**ساوه**)، کارشناس هنرهای تجسمی، که فعالیت هنری خود را در

رشته سفال‌وسرامیک از سال ۱۳۸۲ شروع و تاکنون در نمایشگاه‌های بسیاری شرکت کرده و همچنین به

آموزش هنرجویان در رشته تخصصی خود پرداخته است. او برای دو نمونه از آثارش (سوتک سفالی طرح

پرنده و پیرمرد) از سازمان فرهنگی یونسکو در سال ۱۳۹۱ نشان اصالت جهانی و همچنین برای سوتک

سفالی طرح پیرمرد روستایی، سوتک سفالی طرح سر حیوان (قوچ) و سوتک سفالی طرح روباه و زاغ در سال

۱۳۹۲، نشان ملی مرغوبیت صنایع‌دستی دریافت کرده است.

شمسی، مرتضی (۱۲۶۷-۱۳۵۱ خ)، فرزند حاج‌مراد، فردی کارآفرین و نیکوکار بوده و

برخی از اقدامات نیکوکارانه ایشان در **خمین** عبارتند از: احداث مسجد حاج‌مرتضی (خاتم

الانبیا) در محله سبزیکار، احداث آسیاب، پل حاج‌مرتضی، اهدای یک هکتار زمین برای

احداث بیمارستان شیروخورشید (امام‌خمینی)، اهدای زمین مدرسه دخترانه شاهین، اهدای

زمین میدان مدرس فعلی و احداث کاروانسرای حاج مرتضی (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۲۵).



شمشیربندی، مهرداد (۱۳۵۵ خ)، فرزند ولی‌اله و بانو مرآت‌سادات، متولد **اراک**، در کودکی به‌همراه خانواده به تهران رفت و در رشته فلسفه دکترا گرفت. او با نشریاتی چون دنیای سخن، گزارش فیلم، هفته‌نامه مهر، دفتر هنر و رازان همکاری می‌کند. این شاعر و نویسنده هم‌چنین در سال ۱۳۸۶ نشریه اینترنتی «ایران‌دیدار» را پایه‌گذاری کرد که انتشار مجازی آن تا سال ۱۳۹۳ دنباله داشت. از وی تاکنون کتاب‌های ناشناس ناب (مجموعه شعر) و سیلی نقد (گفت‌وگو با احمد طالبی‌نژاد) به‌چاپ رسیده و ویراستاری چند کتاب را هم بر عهده داشته است.



شمشیربندی، ولی‌اله (۱۳۱۸ خ)، فرزند عبدالله و بانو تاج‌دولت، در جوانی به‌استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و در سال‌های آموزگاری در شازند و **اراک**، به هنرهای تئاتر، نقاشی و عکاسی دل‌بسته شد. او در سال ۱۳۴۸ در رشته تاریخ دانشگاه تهران دانش-آموخته شد و در دبیرستان‌های این شهر به‌تدریس هنر و تاریخ پرداخت. او هم‌زمان گروه-های فرهنگی/هنری پدیده و هومن را تشکیل داد و نمایش‌های بسیاری را در اراک کارگردانی کرد که از آن جمله‌اند: چوب به دست‌های ورزیل (ساعدی)، شهر قصه (بیژن مفید)، آی‌باکلاه آی‌بیکلاه (ساعدی)، بازرس (گوگول) و... شمشیربندی هم‌چنین چندین نمایشگاه نقاشی در اراک برپا کرد و در سال‌های بعد جستارهایی از او در روزنامه ایران، مجله مطالعات ایران‌شناسی، رازان و... به چاپ رسید. کتاب «سلطان‌آباد عراق (اراک) از تولد تا برآمدن پهلوی اول» به قلم این نویسنده است.



شهاب، بابک (۱۳۵۲ خ)، فرزند ناصر و بانو مولود، متولد **اراک**، مترجم زبان روسی، در سال ۱۳۶۵ به‌روسیه رفت و در مدرسه بین‌المللی شهر ایوانوا به‌تحصیل پرداخت. او در سال ۱۹۲۲ به دانشگاه پلی‌تکنیک بلاروس (شهر مینسک) راه یافت و پس از ۵ سال با معدل عالی و با ارائه پایان‌نامه طراحی موتور وانکلی ویژه خودروهای سبک و طراحی خنک‌کننده موتور با فن برقی دانش‌آموخته شد. وی در سال ۲۰۰۰ به ایران بازگشت و با نشریات کلک، شوکران، دانشمند، خانواده سبز و دانش‌ومردم همکاری کرد. ترجمه به‌سلامتی خانم‌ها (مجموعه داستان‌های کوتاه چخوف)، آقایی از سانفراسیسکو (مجموعه داستان ایوان بونین)، راهنمای تجارت با ایران (از فارسی به‌روسی)، خروس، دریواخورشید (مجموعه داستان از نویسندگان روس)، تاریخچه موسیقی راک (جرمی پاسکال)، اتولوژی شعر روس از دیروز تا امروز (نمونه آثار شعرای روس از ۲۰۰ سال پیش تاکنون) و ده‌ها عنوان دیگر از آثار مکتوب اوست.



شهاب، علی‌اصغر (۱۳۳۱ خ)، فرزند ذبیح‌اله، متولد **تفرش** پس از تحصیلات مقدماتی در اراک دیپلم راه‌وساختمان گرفت و به تهران رفت. او خوشنویسی را ابتدا با تمرین و بدون استاد شروع کرد و سپس در سال ۱۳۶۷ در کلاس‌های انجمن خوشنویسان تهران شرکت کرد و از محضر استاد فتح‌علی واشقانی‌فراهانی، کابلی‌خوانساری و غلامرضا



مشعشعی بهره برد. وی علاوه بر هنر خوشنویسی، در مجسمه‌سازی هم دستی دارد و از سال ۱۳۷۷ در انجمن خوشنویسان استان مرکزی تدریس می‌کند و نمایشگاه‌های متعدد خوشنویسی و مجسمه‌سازی برگزار کرده است (پیرهادی تواندشتی، ۱۳۹۲: ۱۳۰)

شهاب، ناصر (۱۳۲۳ خ)، فرزند ذبیح‌اله و بانو فاطمه، با نام فرهنگی بهمن حمیدی،



متولد اراک و ساکن کرج، پژوهش‌گر، نویسنده، شاه‌نامه‌پژوه، پایه‌گذار بنیاد تاریخ معاصر ایران است با کتاب‌خانه کم‌نظیر بنیاد در کرج، مؤلف چندین اثر پژوهشی از جمله کتاب شاه‌نامه‌خوانی (شرح مفصل داستان رستم و اسفندیار)، فرهنگ زنان شاه‌نامه، فرهنگ کوچک مصدرهای ساده فارسی، سه‌گفتار درباره شاه‌نامه فردوسی، در دامنه‌های کوه قاف، سیمای رستم در شاه‌نامه، هفت‌خان رستم، جغرافیای تاریخی توس، درس‌نامه اِعالل تفصیلی، مؤلف و ویراستار دایره‌المعارف بزرگ اسلامی به مدت سه سال و نیز مؤلف و ویراستار واحد ایران‌شناسی دایره‌المعارف تا نزدیک به سال‌های پایانی موجودیت این واحد، تألیف و نشر ده‌ها مقاله تحقیقی، ویرایش صدها کتاب و مقاله، از جمله ویرایش و بازنویسی چندین کتاب تاجیکی از سرلیک به خط فارسی به سفارش نشر سیمرغ و دانشمندان تاجیک را در کارنامه دارد.

شهبازی‌ساوجی، توق‌تور (زندگی ۶۰۰ خ)، فرزند عبدالرزاق، خوشنویس قرن هفتم که از وی قرآنی رحلی به قلم سه‌دانگ جلی با خطوط ثلث و ریحان خوشنویسی شده و در موزه اسلامی ترک در ترکیه نگهداری می‌شود (پیرهادی تواندشتی، ۱۳۹۲: ۱۳۱)

شهباز‌ساوجی، ابوالفضل (۱۳۲۸-۱۳۸۱ خ)، فرزند ابوالقاسم، تحصیلات ابتدایی و



متوسطه را در ساوه گذراند و به‌استخدام ارتش درآمد. او پس از بازنشستگی به ساوه برگشت و به شغل کتابفروشی و مطبوعات روی آورد. وی که قریحه و استعداد شاعری داشت گاه و بیگاه اشعاری در موضوعات مختلف می‌سرود که برخی از اشعارش در کتاب فرهیختگان ساوه ثبت است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۷۰).

شه‌بندریان، یونیک (۱۲۸۴-۱۳۴۹ خ)، متولد یک خانواده مسیحی در روستای حسین



آباد (شازند)، که پدرش کمانچه‌نواز و نخستین معلم او بود که در ادامه از محضر استادان دیگر بهره برد و خیلی زود در نواختن کمانچه به استادی رسید. این هنرمند کمانچه‌نواز در جوانی به اراک آمد و و با آنوش پیمان زناشویی بست و صاحب دو دختر به نام آن‌اهید و آرکنازان شد. او با اینکه با موسیقی دلنشین موجبات شادی مردم را فراهم می‌آورد، خود دچار تلخی سرنوشت شد و ضمن جدایی از همسرش، دخترش آن‌اهید نیز بر اثر بیماری درگذشت و دختر دیگرش به آمریکا رفت و او تنها شد و در تنهایی خود همچنان برای مردم شادی به‌ارمغان می‌آورد.

شهپیری، ابوذر (۱۳۶۳ خ)، فرزند مؤمن و بانو فاطمه، تحصیلات مقدماتی و راهنمایی را

در **اراک** گذراند و دوره دانشگاهی را در مقطع دکترای مهندسی عمران (مدیریت ساخت)،

دکترای تخصصی مدیریت بازرگانی و سپس دوره تخصصی مدیریت مهندسی و مدیریت

شهرسازی را از اسپانیا و کانادا دریافت کرد. او که نویسنده ۳۱ عنوان کتاب در حوزه‌های



مهندسی، مدیریت شهری، مهندسی و اقتصاد است را باید بنیان‌گذار علم مهندسی BIM در ایران به نامیم و

کتاب مرجع (BIM) نخستین کتاب تدوین شده در این حوزه است که توانسته رتبه علمی کشور در حوزه

مهندسی پس از کشورهای آمریکا و انگلیس را به سطح سوم دنیا برساند. نگارش نخستین و تنها کتاب

مرجع استانداردهای بین‌المللی مهندسی ساخت از دیگر افتخارات این مدیر جوان ایرانی است که توانسته با

کسب رتبه نخست مهندسی ساخت از اتحادیه اروپا، دکترای افتخاری مدیریت^۱ و نیز اصالت‌نامه زرین مدیر

برتر جهانی ساخت، هر دو از یونسکو را دریافت نماید. رتبه نخست مدیریت کارزماتیک از دانشگاه آیدین

استانبول، عضو هیأت علمی و رئیس دپارتمان مدیریت وزارت علوم، مدیر پروژه‌های ملی و مگا پروژه‌های

عمرانی در سمت مدیرعامل و ریاست هیأت‌مدیره چندین شرکت و هلدینگ بین‌المللی، ریاست کمیته

اقتصادی فوتبال ایران و همچنین کارشناس مهندسی در برنامه‌های صداوسیما برخی دیگر از سوابق اوست.

شهدی تفرشی (قرن ۱۳)، از شاعران قرن سیزدهم است که عبدالرزاق بیگ دنبلی درباره‌اش می‌گوید:

شهدی، از محال جنت‌مثال **تفرش** و برادر میرزا عبدالغنی ذره است. نگارستان دارا درباره او چنین می‌نویسد:

عهدی است که در آذربایجان متوقف می‌باشد. شهدی به کام و شربت و حلاوت کلامش در جام است.

همدمی با وفاست و پاس آشنایی دارد، سیاحت بسیار کرده و سرد و گرم روزگار دیده، با دوستان مهربانی آرد

و در هر حالت عمر به خوشدلی گذارد و صاحب دیوان است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۶۷).

شهرابی، جعفر (۱۲۳۹-۱۳۲۰ خ)، مشهور به عسگری، فرزند حاجی حسن و بانو زینت، بعد از کسب علوم

متداول زمان به درجه اجتهاد نایل آمد. این عالم دینی ۴۰ سال در **آشتیان** به تدریس و تولید موقوفات و

پیشوای جماعت پرداخت و بسیار مورد احترام مردم آشتیان بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۷۹).

شهرابی‌فراهانی، عبدالرضا (۱۳۵۷ خ)، از خانواده‌ای فراهانی در تهران متولد شد. او

پس از تحصیلات مقدماتی و دریافت دیپلم، از دانشکده پزشکی دانش‌آموخته شد. پروفیسور

شهرابی در سال ۱۳۹۱ از انجمن پزشکی ملل متحد ایتالیا درجه حرفه‌ای در طب سوزنی و

در سال ۱۳۹۵ از دانشگاه واروناژ روسیه در طب سنتی دکترای تخصصی گرفت و سپس



فوق تخصص مردم‌شناسی و آسیب‌های اجتماعی از مدرسه انسان‌شناسی اتحادیه اروپا در اسپانیا دریافت کرد.

این استاد علوم شرق، نویسنده کتاب «فلسفه علوم فیزیک ذهنی مبتنی بر تئوری اصول مکانیک زمان» و

^۱ با کسب رتبه نخست مدیریت مهندسی

هم‌چنین دانش‌آموخته مرکز هنرهای رزمی جمهوری ایتالیا و نیز مشاور و رابط معبد شائولین^۱ و ایتالیا از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ بوده و هم‌اکنون مدیرعامل شرکت علوم فیزیک ذهنی است (عزیزآبادی، ۱۴۰۲: ۷۱).

شهرپسند، ناصر (۱۳۳۵-۱۳۸۹ خ)، فرزند غلامعباس و بانو دل‌آرام، در خانواده‌ای هنرمند



زاده شد و در کودکی نواختن تنبک را نزد پدر آموخت و در نوجوانی با توجه به علاقه به سنتور، به کلاس استاد ابراهیم فهمی راه یافت. او سپس نزد استاد حیدری در هنرستان موسیقی با تکنیک‌های نوازندگی آشنا شد و در سال ۱۳۵۳ با تشکیل خانه فرهنگ، تئوری موسیقی را نزد استاد مسکوتی فرا گرفت و به‌عنوان نوازنده سنتور با تشکیل کلاس‌های خصوصی در منزل، شاگردان بسیاری را در **اراک** تربیت کرد. ایشان در سال ۱۳۷۲ گروه موسیقی سپهر را بنیان نهاد و نخستین کنسرت با عنوان ایثار را به‌روی صحنه برد. این هنرمند خوشرو، مهمان نواز و صبور، در سال ۱۳۷۹ به‌عنوان رئیس انجمن موسیقی استان مرکزی انتخاب شد.

شهبزوان، محمدصادق (۱۲۹۴-۱۳۸۸ خ)، فرزند غلامحسین، دوران ابتدایی را در



مدرسه صمصامی **اراک** گذراند، سپس به تهران رفت و پس از دیپلم در اداره فرهنگ استخدام و در دایره کارگزینی و سپس مدیریت دوایر اموال و کارپردازی و اوقاف انجام وظیفه کرد و در سال ۱۳۵۰ بازنشست شد. این فعال فرهنگی و شاعر عضو انجمن قائم‌مقام، علاوه بر فعالیت‌های اجتماعی، در طول زندگی خود با استفاده از دستگاه ضبط‌صوت، بیش از ۴۰۰۰ کاست از برنامه‌های رادیویی را ضبط و در منزل خود نگهداری می‌کرد^۲ (مجدی، ۱۳۸۴: ۹۸).

شهسوارانی، حسین (۱۲۹۷-۱۳۹۹ خ)، دوران کودکی و تحصیلات مقدماتی را در



اراک گذراند و سپس به تحصیل در دانشکده حقوق دانشگاه تهران پرداخت. او پس از سپری کردن دوره لیسانس حقوق قضایی، ردای قضاوت در مازندران به‌تن کرد و در سال ۱۳۴۶، رئیس کل دادگستری استان مازندران شد. حضور در دیوانعالی کشور، مدیرکل تصفیه‌وامور ورشکستگی وزارت عدلیه، رئیس کل دادگستری استان فارس و ریاست سازمان ثبت اسنادواملاک کشور، بخشی از خدمات اوست که نزدیک به ۴۰ سال در دادگستری ایران به‌طول انجامید و سبب شد تا همواره به‌عنوان قاضی عادل و خدوم در اذهان ماندگار بماند. وی در عرصه حقوق و دانش دادگستری عالم و در گستره ورع و تقوای قضایی کامل و بین‌خواص محترم و صدالته بین‌عوام مکرّم بود. این قاضی نویسنده، قلمی سترگ در نظم‌ونثر ادب پارسی داشت و بر جوانب نگارش آگاه بود تا حدی که برخی آرای انشایی او در دیوانعالی کشور بین قضات دست‌به‌دست می‌شد و مورد استناد قرار می‌گرفت.

^۱ یک معبد بودایی در استان هنان چین است که خاستگاه هنرهای رزمی (کونگ‌فو) است.

^۲ او قبلاً فامیلی شمس کلاهی داشت.

شهنازی، عبدالحسین (درگذشته ۱۳۲۷ خ)، فرزند آقا حسینقلی **فراهانی** و برادر

علی اکبر شهنازی است. او تار را نزد برادر بزرگترش علی اکبر آموخت و هنگام تأسیس رادیو از نخستین نوازندگانی بود که در رادیو ساز زد. این هنرمند موسیقی، با هنرنمایی چون صبا، محجوبی، حسین تهرانی و... همکار بود. صفحاتی از نوازندگی او باقی مانده که



با خوانندگان معروف از جمله اقبال السلطان، بدیعزاده و بنان اجرا شده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۹۳).

شهنازی، علی اکبر (۱۲۷۶-۱۳۶۳ خ)، فرزند آقا حسینقلی و برادر بزرگتر عبدالحسین در

فراهان به دنیا آمد. خانواده او بیش از ۱۰۰ سال در ایران به هنرمندی معروف بوده اند.

علی اکبرخان در روز عید قربان به دنیا آمد و کلمه «حاجی» ضمیمه نامش شد و به همین نام

نیز شهرت یافت. از آن جایی که عمویش میرزا عبدالله استاد معروف و دامادهايشان، باقرخان

کمانچه کش و آقارضاخان تارزن در این خانه رفت و آمد بسیار داشتند، او نیز با سازهای مختلف انس گرفت

و در ۱۲ سالگی، نخستین درس تار را از پدر گرفت و بعد از فوت پدر، اغلب با عمویش ساز می نواخت. این

هنرمند، پس از فوت عمویش کلاس موسیقی دایر کرد و کم کم شهرت یافت و در سال ۱۳۰۰ به عنوان

معروفترین نوازنده تار مطرح بود. هوشنگ ظریف، محمدرضا لطفی، حبیباله صالحی، رضا وجدانی و داریوش

پیرنیکان، برخی از شاگردان شاخص او هستند (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۸).



شهیدیان، سیدمسلم (۱۳۳۸ خ)، فرزند سیدنصراله و سیده عذرا، اهل روستای باستانی

پیک (زرنديه) که پس از پایان تحصیلات در سال ۱۳۶۱، به عنوان معلم و سپس مدیر

مدرسه شهرستان رباط کریم و همچنین راهنمای آموزشی و مسوول انجمن اهل قلم، خدمت

کرد. او در سال ۱۳۸۹، نخستین کتابش را با نام «روستای باستانی پیک در گذر زمان» و

پس از آن ۷ عنوان کتاب دیگر منتشر کرد و چندین عنوان دیگر نیز آماده چاپ دارد (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۹۹).

شوقی، زهرا (۱۳۶۲ خ)، متولد **اراک**، پس از تحصیلات مقدماتی، فوق دیپلم حسابداری

گرفت و به واسطه اینکه صدای خوبی داشت از سال ۱۳۷۶ وارد رادیو اراک شد و با برنامه

«سلام کوچولو» فعالیت خود را آغاز کرد و تا سال ۱۳۸۶ همزمان در سیمای آفتاب اراک

برنامه های کودک، شبانه، جوان و مناسبتی اجرا می کرد. او در سال ۱۳۸۸ و در طرح

ساماندهی، جذب سازمان شد و پس از مدتی به عنوان مأمور به تهران رفت و ابتدا به مدت پنج سال در رادیو

فعالیت کرد و سپس به معاونت سیما رفت و تا امروز در شبکه رادیویی ورزش و جوان و در تلویزیون نیز در

شبکه جام جم، دو، شما و سلامت برنامه داشته است. به رنگ رؤیا، شاخ طلا و ریحانه، ترنم جام و خانه مهر

از دیگر برنامه های این مجری جذاب و خوش صداست و هم اکنون هم برنامه شاد «از مامان بگو» با



همکاری همسرش امیر رضایی را در شبکه دو تلویزیون اجرا می‌کند.^۱

شیبانی، ابراهیم (زندگی ۱۲۷۰ خ)، از اهالی **خمین** و ملقب به صدیق‌الممالک، فرزند اسداله، در سال ۱۲۵۷ حاکم ولایت ثلاث (کمره، گلپایگان، خوانسار) و در سال ۱۲۶۸ کارگزار جلال‌الدوله حاکم یزد و در سال ۱۲۷۰ هم از طرف دولت مأمور کنترل احتکار غله می‌شود. کتاب «منتخب‌التواریخ» نوشته اوست (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۸۲).

شیبانی، جمشید (۱۳۰۱-۱۳۸۸ خ)، فرزند عنایت‌اله و نوه دختری میرزا عبدالله **فراهانی**، پدر موسیقی ایران است. او دانش‌آموخته هنرپیشگی تهران و نیز تعلیم‌وتربیت از دانشگاه سانتامونیکا و سینما از دانشگاه کالیفرنیا است. وی فعالیت هنری را از سال ۱۳۱۷ با پیش‌پرده‌خوانی در تئاتر نصر آغاز کرد و در سال ۱۳۱۹ هم‌زمان با افتتاح رادیو به همکاری با آن پرداخت و با اجرای ترانه «بی‌تو» عملاً موسیقی پاپ را در ایران بنیان نهاد و پدر موسیقی پاپ ایران لقب گرفت. این اقدام او در ابتدا با مخالفت تعدادی از بزرگان موسیقی ایران، از جمله غلامحسین بنان مواجه شد، ولی در نهایت جای خود را به‌طور کامل در موسیقی ایران باز کرد. وی سینمای حرفه‌ای را با فیلم «غفلت» ساخته علی کسمایی به‌عنوان بازیگر تجربه کرد و از دیگر فعالیت‌های وی می‌توان به تأسیس استودیو دوبلاژ «تخت جمشید» و استودیو «ایرانا فیلم» اشاره کرد. ایشان در سال ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در لس‌آنجلس ضمن تحصیل در کالج سانتامونیکا به‌عنوان خبرنگار هنری، با مجلات داخل کشور از جمله تهران‌مصور همکاری کرد و با ستارگان معروف آن دوران هالیوود معاشرت داشت و با آن‌ها گفتگوهای انجام می‌داد که در نشریات ایران چاپ می‌شد.



شیخ‌الاسلامی، عیسی (۱۳۱۲-۱۳۹۵ خ)، متولد روستای بورقان (**فراهان**)، شاعر مجموعه «راز دل» و از نیکوکاران فراهانی که از مهمترین اقدامات وی می‌توان به احداث مدرسه و هنرستان شبانه‌روزی روستای بورقان، ساخت مسجد، حسینیه، پارک و مکان‌های تفریحی اشاره کرد (عزیزآبادی‌ودیگران، ۱۴۰۲: ۷۳).



شیخ‌الاسلامی‌بورقانی، مریم (۱۳۵۵ خ)، فرزند محمدحسین و بانو منصوره، اهل **فراهان**، تحصیلاتش را در دبستان قدس و راهنمایی فطرت گذراند و از دبیرستان نمونه کوثر دیلم گرفت. او سپس در دانشگاه صنعتی اصفهان مهندسی منابع طبیعی و در دانشگاه تهران ارشد برنامه‌ریزی، مدیریت و آموزش محیط زیست خواند و از پیام نور هم دکترای آموزش محیط زیست گرفت. برخی از آثار او عبارتند از: اخلاق محیط‌زیست در سخنان پیامبر مهربانی اصل پنجاهم قانون اساسی، اخلاق محیط‌زیست و دین در فرهنگ ایرانیان، فواید سوره‌های قرآن، کشاورزی



^۱. اجرای همایش بزرگ سرآمدان دیار آفتاب با حضور نزدیک به ۲۵۰۰ نفر در تالار وزارت کشور برعهده وی و همسرش بود.

پایدار و آموزش محیط‌زیست، برنامه‌ریزی غذایی منطقه‌ای (کاربری کشاورزی و آفت‌ها).

شیخ‌دردترکمانی، نادره (۱۳۴۴ خ)، فیلم‌ساز **اراک** و عضو شورای تولید انجمن سینمای جوانان اراک می‌باشد. این سینماگر کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده نوظهور سینما و تلویزیون ایران است که در آثاری هم‌چون «رامینالدو»، «گورداله و عمه‌غوله»، «خاله سوسکه» به‌عنوان «کارگردان»، «نویسنده» و «بازنویس فیلمنامه» حضور داشته است.



شیخی، ولی‌اله (۱۳۳۱ خ)، فرزند محمدحسین و بانو اقدس، تحصیلاتش را در دبستان صمصام‌الملک بیات و دبیرستان محمدرضا شاه گذراند و پس از دریافت دیپلم ادبی، در سال ۱۳۵۰ و پایان سربازی در آموزش و پرورش **اراک** استخدام و در سال ۱۳۸۰ بازنشست شد. او ضمن تدریس، موفق به گرفتن فوق‌دیپلم شده و سرودن را از کلاس هفتم دبیرستان



آغاز و در سال‌های اخیر با شرکت در انجمن‌های ادبی، هنری و آموختن از استادان بزرگ، این علاقه را جدی‌تر دنبال کرد و کتاب‌های «دیوانه‌وچکامه» و «چکامه‌ودیوانه» از وی منتشر شده و مجموعه آثار او با عنوان «دیوانه» نیز در دست چاپ است. این شاعر و فعال فرهنگی از سال ۱۳۹۸ مسوولیت انجمن قائم‌مقام را بر عهده دارد و از آن سال، نشست‌های این انجمن دیرپا به‌طور منظم برگزار می‌گردد.

شیخی‌مرزبجرائی، قاسم (۱۳۴۷ خ)، فرزند یداله، متولد **اراک**، پس از دریافت دیپلم، خوشنویسی را در محضر استاد حبیب‌اله امیدوار آغاز و تا سطح عالی ادامه داد و سپس از سال ۱۳۸۴ در کلاس استاد داود کریمی شرکت کرد و گواهینامه ممتاز گرفت و در ادامه از کلاس استاد صابونچی مدرک فوق‌ممتاز دریافت کرد (پیرهادی تواندشتی، ۱۳۹۲: ۱۳۲).



شیداء، علی (قرن...)، شاعر و خطاط اهل **خنداب** متخلص به «ذاکر» که کتاب شعری هم از خود به‌یادگار گذاشته است.

شیرمحمدی، عباس (زندگی ۱۴۰۲ خ)، اهل **اراک**، نویسنده، بازیگر و فیلمبردار فعال در حوزه سینما که از مهم‌ترین آثارش می‌توان به فعالیت در سریال طعم باران، فیلم تلافی و فیلم قرار بعدی همان‌جا و همچنین نویسندگی فیلم جوجه‌تیغی‌ها اشاره کرد. عباس شیرمحمدی کار حرفه‌ای خود را از سینما آغاز کرد و سال ۱۳۷۴ در فیلم یحیی بکارگردانی حسین فرخی به‌عنوان نویسنده فعالیت داشته است.

شیرمحمدی، علی اصغر (۱۳۱۶-۱۳۸۳ خ)، مشهور به ناصر، فرزند رضا و بانو کبری، اهل **تفرش**، تحصیلات ابتدایی را در دبستان دقیقی و متوسطه را در دبیرستان حکیم‌نظامی تهران گذراند. این نویسنده و پژوهشگر از پیش‌کسوتان خبرگزاری پارس (ایرنا فعلی) بود که از سال ۱۳۴۰ در ساختمان رادیو (میدان ارگ تهران) کار خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۴۲ وارد دانشکده ادبیات زبان‌های خارجی دانشگاه تهران شد و تحصیلاتش ناتمام ماند. او سپس در سال



۱۳۴۸ به آلمان رفت و از دانشگاه برلین دانش‌آموخته شد و به‌زبان مسلط شد. وی در سال ۱۳۷۴ جهت ادامه تحقیقات و مطالعات مجدداً به آلمان عزیمت کرد و در این زمینه به کارشناسی خبره تبدیل شد و بالاخره در سال ۱۳۸۱ با عنوان کارشناس امور خبری و دبیر گروه شنود اخبار صوتی و تصویری در بخش مونیتورینگ خبرگزاری ایرنا بازنشسته شد. کتاب «عجایب کائنات» در دو جلد تألیف اوست، ضمن اینکه در گردآوری بخشی از اطلاعات کتاب «تفرش سرزمین خاطرات من» یکی از تألیفات همسرش (مریم شکوه‌نصیر) نقش مهمی داشت (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۱۷).

شیرمحمدی، علی اکبر (۱۳۹۳-۱۳۱۴ خ)، مشهور به منصور، تحصیلات مقدماتی را در دبستان باستان تهران و متوسطه را در دبیرستان دارالفنون گذراند و ابتدا در بانک ملی و سپس اداره فرهنگ و هنر مشغول به فعالیت شد. او سپس جهت ادامه تحصیل به آلمان رفت و از دانشگاه ماربورگ دکتری تخصصی جراحی و همین‌طور مدرک تخصصی طب سوزنی دریافت کرد و مقیم آلمان شد. احداث مجتمع خوابگاهی خاندان شیرمحمدی مشتمل بر ۴ واحد خوابگاه دخترانه در دانشگاه تفرش از وصیت و نیت خیرخواهانه این نیکوکار تفرشی است که به همت برادرش دکتر محمدکاظم شیرمحمدی پیگیری و احداث شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۱۸).



شیرمحمدی، مرجان (۱۳۵۲ خ)، اهل اراک، هنرپیشه، نویسنده، طراح صحنه و لباس، از ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۱ زیرنظر آیدین آغداشلو نقاشی آموخت و در ۱۳۷۴ وارد کارگاه آزاد بازیگری شد. او سپس به‌مدرسه تئاتر سمندریان رفت و از سال ۱۳۷۵ رسماً وارد سینما شد. از وی به‌عنوان نویسنده، سه رمان و دو مجموعه داستان به‌چاپ رسیده و برای نخستین کتاب خود، برنده جایزه کتاب سال بنیاد گلشیری شد. تاکنون دو فیلم بلند سینمایی^۱ از داستان‌های او ساخته شده است. هم‌چنین خانه فرهنگ‌های جهان در آلمان از این نویسنده تجلیل کرده و یکی از داستان‌های وی به‌زبان آلمانی ترجمه شده است. این سینماگر هم‌چنین به‌عنوان بازیگر در چندین فیلم سینمایی نقش آفرینی کرده است.



شیری، سعید (۱۳۳۶ خ)، فرزند میرزا احمد و بانو فاطمه، زاده روستای اناج (خنداب)، در سال‌های آغازین دهه ۱۳۶۰ مدتی به‌عنوان آموزگار در آموزش و پرورش اراک فعالیت کرد و سپس در سال ۱۳۶۳ در تهران به‌استخدام بانک صادرات درآمد و سال ۱۳۸۸ در اراک بازنشست شد و هم‌اینک در تهران زندگی می‌کند. بر پلکان گردباد (شعر نو)، سهراب سپهری از مجموعه «چهره‌های قرن بیستمی ایران»، دیوان منوچهری دامغانی (مقدمه، تصحیح، ویرایش و



^۱. «دیشب باباتو دیدم آیدا» بکارگردانی رسول صدرعاملی از داستان «بابای نورا» و «آذر، شه‌دخت، پرویز و دیگران» به کارگردانی همسرش بهروز افخمی.

گزارش)، دیدار اولین شکوفه گیلان (ترجمه هایکوهای ژاپنی کار مشترک با آقای مجتبی مسعودی)، می تراود مهتاب (یادنامه نیما یوشیج)، کار مشترک با دیگر نویسندگان استان، جنگ شتریه (تصحیح) مشترک با یوسف نیکفام از آثار اوست. اشعار و نوشته های ایشان در نشریات سراسری مانند دنیای سخن، چیستا و گوهرا و نشریات استانی بویژه فصلنامه رازان و هفته نامه لاله سرخ منتشر شده است.

شیرین آبادی فراهانی، نصراله (۱۳۲۳-۱۴۰۳ خ)، در ۲ سالگی و بر اثر تراخم و مصرف

داروی اشتباهی نابینا شد و به تهران رفت و به یادگیری موسیقی پرداخت. او ویولن را زیر نظر استاد بختیاری که او هم نابینا بود شروع کرد و با استاد منوچهری و یک معلم خارجی شاغل در شرکت نفت ادامه داد. او ۲۰ سالگی و با تشویق دکتر خضایی، ادامه تحصیل داد و سالی دو کلاس خواند و در سال ۱۳۵۰ دیپلم گرفت و در مدرسه عالی ترجمه پذیرفته شد، ولی به خاطر شهریه انصراف داد و سال بعد در رشته موسیقی و با رتبه نخست در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شد. این همکار جلیل عندلیبی، شهرام ناظری، جلال محمدیان و... از معدود موزیسین های نابینای کشورمان است که با استعداد فوق العاده اش، روند پیشرفت در موسیقی را پله پله طی و چنان نبوغی از خود بروز داد که در ۱۷ سالگی، حسین تهرانی لقب «صبا کوچولو» را به او داد. او علاوه بر نوازندگی، در زمینه آهنگ سازی و تدریس موسیقی نیز فعال بود و با محمدرضا لطفی و ناصر فرهنگ فر، اجرای خصوصی داشت.



شیعه، اسماعیل (۱۳۲۸ خ)، فرزند ابراهیم و بانو نصرت، تحصیلاتش را در دبستان

عظیمی و سپهداری اراک گذراند و از دبیرستان محمدرضا شاه دیپلم گرفت. او در دانشگاه اصفهان جغرافیای انسانی و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای و سپس دکترای شهرسازی گرفت. استاد تمام شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، عضو بنیاد ایران شناسی و نیز بنیاد اراک شناسی و جامعه مهندسان شهرساز، نویسنده ۵ عنوان کتاب دانشگاهی و ۳ مقاله علمی چاپی در کتب مختلف، ۳ اثر برگزیده دانشگاهی و پژوهشی، ۲۲ مورد پژوهش علمی، ۱۰۶ مقاله چاپ شده در نشریات علمی ملی و بین المللی، ۱۹ مقاله چاپ شده در دانشنامه های بزرگ علمی، سابقه عضویت در هیأت تحریریه ۱۷ نشریه علمی-پژوهشی، ۷۷ مورد همکاری در تدوین و تهیه طرح های شهری و منطقه ای، نگاشتن مقاله و انجام سخنرانی های متعدد درباره اراک که در سال ۱۳۹۴ به چاپ و انتشار تمبر اختصاصی یادبود از سوی نهادهای اجرایی استان مرکزی انجامید، از دیگر سوابق اوست.



شیعه نژاد، محمدرضا (۱۳۳۶ خ)، فرزند علی اکبر، پس از دریافت دیپلم، تحصیلاتش را

تا کارشناسی الهیات در دانشگاه آزاد اراک ادامه داد و در آموزش و پرورش استخدام شد. او که هنر ذاتی داشت و از خط زیبایی هم برخوردار بود، از سال ۱۳۶۰ به انجمن خوشنویسان راه یافت و از محضر استاد ناصر فراهانی تا رسیدن به درجه ممتاز بهره برد و سپس در



محضر استادان واشقانی فراهانی، کرمعلی شیرازی، کیخسرو خروش، یداله کابلی خوانساری و... به درجه فوق‌ممتاز دست یافت (پیرهادی تواندشتی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

شیمی، کاظم (۱۲۱۲-۱۲۷۵ خ)، فرزند میرزا احمد **محلاتی**، ملقب به معتمدالسلطان از



نوادگان خواجه نصیرالدین طوسی است. او که از اعضای دانش‌آموختگان اعزامی به اروپاست، پس از آموختن فیزیک، شیمی و طبیعی به ایران بازگشت و از استادان دارالفنون شد. ایشان آزمایشگاه مجهزی را تأسیس کرد و یک دستگاه ساخت اسیدسولفوریک و یک کارخانه کوچک قندریزی در دارالفنون دایر کرد. این نویسنده دانشگاهی، در دوره ۴۰ ساله تدریس، آثار مکتوبی از خود به جای گذاشت که برخی از آنها عبارتند از: اصول شیمی‌آلی، کتاب گیاه‌شناسی، کتاب شیمی مطلق، کتابی در مورد زراعت، کتاب فیزیک و داروسازی، کتاب شیمی معدنی که اکثر این کتب در دارالفنون تدریس می‌شد. برخی از اشعار او که شاعر هم بوده و «شیوا» تخلص می‌کرده، در کتاب نامداران محلات آمده است^۱ (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۰۲).

شیمی، محمود (۱۲۴۹-۱۳۳۳ خ)، فرزند میرزا کاظم **محلاتی** و از نوادگان خواجه نصیرالدین طوسی است که پس از تحصیلات مقدماتی در دارالفنون، به تحصیل شیمی پرداخت. او پس از ۷ سال تحصیل دوره طب، یک دوره خصوصی چشم‌پزشکی را نزد راتولد سپری کرد. او که معاون شیندر بود، به دستور ناصرالدین‌شاه و به اتفاق شیندر مأمور تأسیس مدرسه داروسازی و آزمایش دارو شد و پس از تأسیس، در همان مدرسه به تدریس پرداخت. دکتر شیمی در امتحانات سال سوم طب (سال ۱۲۶۶)، رتبه نخست را به دست آورد و از طرف شاه به دریافت نشان سیمین و ۱۲ تومان مستمری مفتخر شد. وی همچنین تا سال ۱۳۱۳، در مدارس دارالفنون، دارالمعلمات و دارالمعلمین تدریس می‌کرد. او که شاعر هم بوده، برخی از اشعارش در کتاب نامداران محلات آمده است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۰۶).

ص

صابری، اسداله (۱۳۷۱-۱۲۸۶ خ)، فرزند صفرعلی، در روستای ریحان (**خمین**) زاده



شد و تحت توجه پدر و برادر بزرگش علیجان، مراحل رشد و ترقی را طی کرد. از سطح تحصیلات ایشان اطلاعی در دست نیست، ولی به واسطه اینکه مدتی شهردار خمین بوده و در سال ۱۳۵۳ مدیریت معدن سرب‌وروی لکان را بر عهده داشته و از طرفی شاعر خوبی هم بوده لذا فرد باسوادی می‌توانسته باشد و از اشعارش در کتاب رجال آمده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۶۱).

^۱ چون تخصص ایشان تدریس شیمی بود به میرزا کاظم‌خان شیمی معروف شد.

صابری، امیرحمزه (۱۳۳۸ خ)، متولد روستای کهک **تفرش**، فرزند حسن، پس از دریافت دیپلم در سال ۱۳۵۶، در رشته مهندسی متالورژی ادامه تحصیل داد و هم‌زمان در هنر خوشنویسی از محضر استادان فتحعلی واشقانی فراهانی، عباس منظوری، امیرخانی و... بهره برد. او همچنین در هنر حکاکی و مهنر نویسی هم در سطح بالایی است و در وادی شعر و ادب هم دستی دارد (پیرهادی تواندشتی، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

صابری، علی‌آقا (۱۲۸۸-۱۳۴۴ خ)، فرزند عباس و بانو سکینه، تحصیلات مقدماتی را در



مکتب‌خانه زادگاهش کهک **تفرش** و هنر خوشنویسی را نزد میرزا عباسقلی تفرشی و شبیه‌خوانی و تعزیه‌گردانی را هم نزد میرزا عبدالله طادی تفرشی^۱ آموخت به‌طوری که در ۱۸ سالگی لقب میرزا را از استادش گرفت. وی که در شبیه‌خوانی نقش مخالف‌خوان داشت و به علی‌آقا شمر معروف بود، مدتی کلاس آموزش آوازخوانی سنتی و تعزیه‌خوانی بر اساس ردیف‌های موسیقی اصیل راه‌اندازی کرد و پس از پایان خدمت سربازی، پیشنهاد استخدام در نیروی زمینی با درجه افسری و به‌عنوان مربی موزیک و مارش نظامی را نپذیرفت و به تفرش بازگشت و مکتب‌خانه‌ای در روستای طاد و نیز در روستای نویس خلجستان قم دایر کرد و به تعلیم و تربیت پرداخت. از این شاعر و خوشنویس، مجموعه اشعاری به یادگار مانده و همچنین نمونه‌هایی از کتابت و نسخه‌های خطی و تعزیه ایشان در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود چرا که ایشان به انواع خط از جمله نسخ، ثلث، نستعلیق و شکسته مسلط بود (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

صابری، غلامحسین (۱۳۱۵-۱۳۹۲ خ)، فرزند میرزا علی‌آقا، تحصیلات مقدماتی را در



مکتب‌خانه پدرش در روستای نویس خلجستان **تفرش** فرا گرفت. او خوشنویسی را هم از پدرش آموخت و پس از پایان سربازی در نیروی زمینی ارتش استخدام شد و با ادامه تحصیل به درجه افسری رسید و با سرهنگ دومی بازنشسته شد. وی ضمن تسلط بر زبان‌های انگلیسی، عربی و ترکی بر موسیقی تعزیه نیز مسلط بود و همچنین در هنر تعزیه و خوشنویسی متبحر بود به‌طوری که هر چهار نوع خط نسخ، ثلث، شکسته و نستعلیق را استادانه می‌نگاشت و خصوصاً در خوشنویسی و حکاکی بر سنگ‌های قیمتی مهارت داشت و نمونه‌هایی از آثار ایشان به‌همراه آثار خطی پدرش در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۲۰).

صابری، محمدتقی (۱۳۴۸ خ)، فرزند علی و بانو عزت‌بیگم، اهل **دلیجان**، در سال



۱۳۶۸ دیپلم فرهنگ‌و ادب گرفت و در همان سال در رشته ادبیات عرب دانشگاه قم و در سال ۱۳۷۶ در آزمون دبیری پذیرفته شد. او که به‌مدت ۷ سال راهنمای گردشگران عرب بود، علاوه بر تألیف دو عنوان کتاب «ایران دیاری فراموش نشدنی» و «سرانگشت ایرانیان

^۱ مخالف‌خوان تکیه دولت

در قلوب گردشگران»، با دوهزار گردشگر عرب نیز مصاحبه کرده و از آنها دست‌نوشته مرتبط با ظرفیت‌های ایران دارد که بعضی از آنها در کتابش چاپ شده و بسیار خواندنی است. ایشان در سال ۱۳۹۰ از دانشگاه آزاد محلات کارشناسی‌ارشد تاریخ گرفت و در سال ۱۳۹۶ به‌عنوان معلم نمونه استانی برگزیده شد.

صابری‌نسب، حبیب‌اله (۱۳۳۸ خ)، فرزند غلامعلی و بانو فاطمه، مدرس دانشگاه،



پژوهشگر قرآن و نهج‌البلاغه، تحصیلات مقدماتی تا دیپلم را در زادگاهش **اراک** گذراند و وارد دانشگاه تهران شد. او در سال سوم و تعطیلی دانشگاه به اراک بازگشت و در آموزش و پرورش اراک به تدریس پرداخت. وی سپس در دانشگاه آزاد اراک تا کارشناسی ارشد الهیات ادامه تحصیل داد و همه این سال‌ها در محضر استادانی چون آیت‌اله محمدی انجدانی، احمدی گلپایگانی، امامی خوانساری، حاج محمدحسن نهرمییانی و... شاگردی کرد و ضمن مطالعه و پژوهش، به‌عنوان استادی مسلط و مشهور به‌تدریس و تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه پرداخت. داوری مسابقات قرآن کشور، چهره برجسته قرآنی، منتخب استادان برجسته قرآنی صداوسیما استان و مدرس نمونه کشور برخی از افتخارات این فعال قرآنی است. ارائه مقالات علمی و پژوهشی در زمینه قرآن و نهج‌البلاغه و همچنین تهیه دهها برنامه تلویزیونی (همراه با کلام نور) در شبکه سیمای استان مرکزی را در کارنامه دارد.

صابری‌نسب، سمیه (۱۳۶۱ خ)، فرزند غلامعلی و بانو فاطمه، تحصیلات مقدماتی را



در دبستان سیدمرتضی و راهنمایی مومنات گذراند و از دبیرستان زینبیه **اراک** دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه آزاد اسلامی اراک مهندسی کامپیوتر (نرم‌افزار) خواند و از همین دانشگاه ارشد مدیریت گرفت و هم‌اکنون دانشجوی دکتری مدیریت کسب‌وکار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران می‌باشد. ایشان در سال ۱۳۸۰ به‌استخدام بانک‌سپه درآمد و از سال ۱۳۹۴ تاکنون به‌عنوان رئیس شعبه مشغول فعالیت است. ایشان در طول مدت خدمت، موفق شده بارها شعب مختلف بانکی را به درجه یک ارتقاء بخشد و بانک سپه شعبه شهیدباهنر اراک را با رتبه عالی جزء صد شعبه برتر کشور و نیز شعبه شهیدرجایی درجه یک را به رتبه ممتاز ارتقاء دهد تا در دو سال ۱۳۹۷ و ۱۴۰۱ در زمره روسای برتر کشوری (بانک مرکزی) به‌شمار آید. خانم صابری‌نسب همچنین در همه زمینه‌های بانکی (ریالی - ارزی) موفق به کسب لوح تقدیر شده و جزء روسای مطرح منطقه می‌باشد.

صابری‌نسب، مریم (۱۳۴۸ خ)، فرزند غلامعلی و بانو فاطمه، پس از گذراندن دوره



مقدماتی تحصیل در دبستان ناهید، راهنمایی رسالت و دبیرستان فضیلت، در دانشگاه آزاد **اراک** زبان‌وادبیات فارسی خواند و در آموزش و پرورش به‌تدریس پرداخت. این شاعر و نویسنده فعال علاوه بر فعالیت‌های گسترده اجتماعی و مدیر انجمن حافظ دوستان مرکزی،

سه مجموعه شعر و یک مجموعه خاطرات با نام «فصل بی‌پرنده»، «زنی دیگر»، «درختان تبر خورده باغ»، «وقتی معلم بودم» و «پیراهن شهر» را چاپ و منتشر کرده و دارای مقالات متعدد علمی و ادبی است.

صابونچی‌راد، اکبر (۱۳۲۱ خ)، فرزند محمد، متولد اراک، پس از دریافت دیپلم در سال

۱۳۷۴ تحصیلات خود را در دانشگاه ادامه داد و هم‌زمان در وادی نقاشی و خوشنویسی قدم

نهاد. او مقدمات خوشنویسی و مراحل تکمیلی را تحت نظر استاد علی‌اکبرخان کاوه و استاد

غلامحسین امیرخانی تا کسب درجه ممتاز ادامه داد. این هنرمند ضمن همکاری با انجمن

خوشنویسان به‌عنوان بازرس و معاون اجرایی، محقق و کارشناس هنری، دارای نظرات ارزنده‌ای است و

آثاری نظیر کتابت جزواتی از قرآن مجید، دعای ندبه، دیوان اشعار و... را در کارنامه دارد (پیرهادی تواندشتی،

۱۳۹۲: ۱۳۳)



صاحب‌الزمانی، غلامعلی (۱۳۰۴ خ)، دوره ابتدایی و متوسطه را در اراک سپری کرد و

وارد دانشسرای مقدماتی کرمانشاه و سپس گلپایگان شد و به‌خدمت آموزش و پرورش

درآمد. پس از چند سال مدیریت در دبستان خیام و آذرهوش، در سال ۱۳۴۳ به تهران منتقل

شد و با سمت کارشناس مسوول نقل‌وانتقالات فرهنگیان در حوزه وزارتی انجام وظیفه کرد.

این شاعر اراکی هم‌چنین به‌مدت ۵ سال مدیریت مدرسه اخوت ایرانیان مقیم کازمین را بر عهده داشت

(مجدی، ۱۳۸۴: ۳۱۱).



صادقی، رسول (۱۳۲۸ خ)، فرزند عباسقلی و بانو نصرت، زاده پرنده (زرنده)، دبیر

بازنشسته آموزش و پرورش در رشته زبان انگلیسی است که تألیف و ترجمه «نشانه‌های

قرآن در یک نگاه»، «سراب عشق» و نیز «عشق و خون» را در کارنامه دارد و اخیراً هم

به‌عنوان شاعر، ۱۵۰ غزل سروده که در مجموعه‌ای با عنوان «عشق همی حوالی» را

منتشر نموده است.



صادقی، محمدحسین (۱۲۵۳-۱۳۱۳ خ)، معروف به حکیم‌فیروز، فرزند فضل‌اله، اهل روستای شاهسون

کندی (ساوه)، از کودکی نشانه‌های شعر و شاعری در خود احساس کرد و با همان تحصیلات ابتدایی

سرودن شعر را آغاز کرد. این شاعر که مشاغل مختلفی را تجربه کرده، ۱۶ هزار بیت شعر در دو مجلد دارد

که جلد نخست شامل داستان‌های «جمشید و نادر و صلصال» به‌صورت حماسی و جلد دوم، قصاید و مراثی

اوست که با «فیروز» تخلص کرده و اشعاری هم به‌زبان ترکی دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۲۹).

صادقی، محمدرضا (۱۳۵۱ خ)، اهل اراک، خواننده باریتون و سولیست ارکستر

سمفونیک تهران و مدرس صداسازی کلاسیک است. این هنرمند موسیقی پس از نوجوانی

با گذراندن دوره‌های کامل تئوری موسیقی، سلفژ و نیز فراگیری فنون آوازی نزد استاد

محمد نوری در سال ۱۳۷۵ به‌عضویت ثابت ارکستر سمفونیک تهران درآمد. او با خوانندگی



تیتراژ فیلم سینمایی «لیلی با من است» کار حرفه‌ای‌اش را آغاز کرد. ایشان در کارنامه هنری خویش افتخار همکاری به‌عنوان سولیست میهمان در ارکستر ملی ایران به‌رهبری فرهاد فخرالدینی، ارکستر زهی ارمنستان به‌رهبری لوریس چکناواریان و ارکستر سمفونیک تهران به‌رهبری منوچهر صهبایی را ثبت کرده و موفق به اخذ درجه هنری کارشناسی موسیقی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. وی همچنین در مارس ۲۰۱۳ در دو اجرای کنسرت متفاوت در شهر تورنتو کانادا با ارکستر ملی ایران و ارکستر مارگاریتاس شرکت کرد. او ساکن آمریکاست و سالهاست که به‌طور جدی در امر تدریس فنون صداسازی کلاسیک مشغول است.

صادقی‌آشتیانی، حسن (درگذشته ۱۳۰۷ خ)، فرزند زین‌العابدین، ملقب به رفعت‌دیوان و مشهور به همایون‌دفتر، تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه و سپس مدرسه علمیه آشتیان فرا گرفت. او که مسلط به علوم دینی و دارای انشایی محکم و خطی خوش بود، به تهران رفت و از کارگزاران دربار مظفرالدین‌شاه و از مستوفیان میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک آشتیانی شد (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۱۶۴).

صادقی‌آشتیانی، فضل‌اله (۱۲۵۹-۱۳۴۱ خ)، فرزند میرزا اسحاق، از حکما و قضات آشتیانی است که پس از تحصیلات مقدماتی در علوم معقول و منقول به حوزه درس میرزا محمدحسین آشتیانی درآمد. او در فنون معقول در محضر میرزای جلوه و میرزا حسن کرمانشاهی شاگردی کرد و پس از فراغت از تحصیل به کرسی قضا روی آورد و ریاست دادگاه‌های هدایت و استیناف چند استان و مدتی عضویت مستشاری دیوان عالی کشور را برعهده داشت. از آثار این قاضی نویسنده رساله‌ای است در باب حدوث عالم جسمانی. او همچنین رساله عملیه آقای علی مدرس، را هم به چاپ رسانده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۶۰).

صارمی، تقی (قرن ۱۳)، از اهالی خمین و مشهور به صارم همایون، کارگزار لطفعلی‌خان امیرمفخم بود و نیز طبع شعر داشته و مدتی نایب شاهزاده‌های کمره، مهدی‌قلی میرزا حشمتی و اعتضادالسلطنه بوده و علی صارمی (شاعر) فرزند اوست (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۷۶).



صارمی، علی (۱۳۰۱ خ)، فرزند تقی (صارم‌همایون)، متولد روستای ارّه (خمین)،

تحصیلات ابتدایی را در خمین و متوسطه را در گلپایگان گذراند. او سپس از هنرستان اختصاصی راه‌آهن دیپلم گرفت و در سال ۱۳۲۱ به‌استخدام راه‌آهن درآمد. وی در سال ۱۳۲۸ به اداره کل انتشارات و تبلیغات منتقل شد و سمت‌های مختلفی را تجربه کرد که رئیس رمز وزارت اطلاعات و نیز مدیرکلی این وزارتخانه و همچنین مدیرکل دبیرخانه دفتر مخصوص شاهنشاهی از آن جمله‌اند. او شاعری توانا و ترانه‌سرایی خوش‌قریحه بود و نخستین ترانه‌اش را در سال ۱۳۲۰ به‌نام بهشت آرزو سرود و از آن‌پس ده‌ها ترانه دیگر سروده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۷۲).



^۱. روستای ارّه پس از تملک امیرمفخم به امیریه و سپس توسط شهاب خسروانی خریداری و به شهپایه تغییر نام یافت.

صالح علاء، محمد (۱۳۳۱ خ)، فرزند محمد ابراهیم، اهل اراک، دیپلمه دبیرستان علمیه



تهران، فوق دیپلم مدرسه هنرهای دراماتیک رویال آکادمی لندن، لیسانس هنرهای دراماتیک و فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبائی شاعری بازیگر، نویسنده‌ای مجری و فیلم‌سازی است ترانه‌سرا، که از سال ۱۳۴۷ قصه‌نویسی و قصه‌خوانی را در رادیو آغاز کرد. او فعالیت هنری‌اش را هم از همان سال و با ساخت فیلم‌های تبلیغاتی آغاز کرد و از سال ۱۳۶۴ با «تیغ و ابریشم» مسعود کیمیایی وارد سینما شد، اما پیوسته به‌عنوان مجری و نویسنده با شبکه‌های مختلف رادیویی همکاری داشته و کتاب^۱ عجیب «تمامی آن‌چه که مردان در باب زنان می‌دانند» اثر عبدل اسمیت را ترجمه کرده است! «اجازه می‌فرمایید گاهی خواب شما را ببینم؟»، «دست بردن زیر لباس سیب»، «کاپوچینو» و نیز «کیک پنیر» از دیگر نوشته‌های اوست. چشم شب روشن، دو قدم مانده به صبح، روزهای شفاهی، نقد خنده، علی آقا ۱۲۱، تا هشت‌ونیم و... از برنامه‌های تلویزیونی این شاعر نویسنده است.

صالحی آشتیانی، ایرج (۱۳۱۲ خ)، مهندس زلزله‌وزمین‌شناسی و از کارشناسان حوزه نفت



که مدتی معاون وزیر نفت (حسن نزیه) بود. او که تحصیلاتش را در دبستان خاقانی آشتیان و دبیرستان علمیه تهران گذرانده، از دانشگاه تهران لیسانس زمین‌شناسی و از دانشسرای عالی تهران هم، لیسانس روان‌شناسی و تعلیم و تربیت گرفت. او سپس در امپریال کالج لندن ارشد مهندسی نفت و در آمریکا (دانشگاه استنفورد) هم ارشد ژئوفیزیک خواند. این دانشمند حوزه نفت و گاز، ضمن داشتن مسوولیت‌های برجسته شغلی در ایران (پیش از انقلاب) و آمریکا، چندین ثبت اختراع داشته که «پردازش سیگنال برای امکان استفاده از یک سنسور مرجع دکل»، «فرآیند پردازش و دستگاه حفاری زیرزمینی با پرتولیزر هدایت شده» و... از آن جمله‌اند (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۶۶۷)

صالحی آشتیانی، عباس (۱۲۷۲-۱۳۵۳ خ)، فرزند آقاجان، ملقب به معتمد، علوم قدیمه



شامل فقه، حدیث، منطق و ادبیات فارسی و عرب را در مکتب‌خانه آشتیان آموخت. او مدتی آموزگار دبستان خاقانی بود و سپس ریاست اداره اوقاف و دبیرستان دخترانه را پذیرفت. وی در سال ۱۳۲۶ یک زمین ۱/۵ هکتاری جهت تأسیس درمانگاه در آشتیان اهدا کرد و خود تا پایان عمر مسوول درمانگاهی بود که همه خدمات آن به‌رایگان ارائه می‌شد. این فرهنگی نیکوکار در سال ۱۳۴۷ زمین دیگری برای احداث بیمارستان هدیه کرد که بودجه ساخت آن توسط سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تأمین شد. وی هم‌چنین از شاعران خوش‌قریحه و با ذوق بود که در قالب مثنوی، قصیده و مسمط شعر می‌سرود که هنوز به چاپ نرسیده و هم‌چنین ۱۵ سال به‌طور مداوم نمایندگی روزنامه اطلاعات در آشتیان را برعهده داشت و بعد از بازنشستگی تا پایان عمر به‌عنوان سردفتر اسناد رسمی خدمت کرد

^۱. این کتاب درست شبیه دفتر، برگه‌هایی کاملاً سفید دارد و تنها روی جلد آن نشان‌دهنده کتاب است.

(عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۸۳)

صالحی ساوجی، نقی (۱۳۱۷ خ)، در خانواده‌ای در روستای بالقلو از توابع نوبران (ساوه) متولد شد و تحصیلات ابتدایی را در غرق‌آباد گذراند. او سپس در سال ۱۳۳۹ در ساوه دیپلم گرفت و بلافاصله در ژاندارمری استخدام شد و در حین خدمت نظامی در رشته حقوق لیسانس گرفت. سرهنگ صالحی که از نوجوانی به شعر و ادبیات علاقه‌مند بود و قریحه شعری داشت با تخلص «صالح» شعر می‌گفت و برخی از اشعار این شاعر ساوجی در کتاب فرهیختگان ساوه موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۲۸).

صبیحی ساوجی (قرن...)، شاعری از اهالی ساوه، که در کتاب فرهیختگان ساوه، نامرادی درویش‌وش و ریاضت‌کش که اوقاتش را به سرودن شعر می‌گذرانیده، معرفی شده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۸۰).

صبیری عراقی (قرن ۱۱)، شاعر دوره صفویه که استاد محتاط، به چند بیت از شعر او بسنده کرده و اطلاعات بیشتری پیدا نشد: حاصلم درد دل است از دل بی‌حاصل خویش / با که گویم من دل‌سوخته حال دل خویش (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۸۰).

صابری، هنگامه (۱۳۵۵ خ)، بانوی نابغه **تفرشی** با بیماری PR که ریشه در ژنتیک و مشکل شبکه دارد، متولد شد. او که پدرش درجه‌دار ارتش بود، به‌همراه برادرش، دوره راهنمایی و سال اول دبیرستان را در مدرسه نایینیان گذراند و از سال دوم دبیرستان وارد مدرسه عادی شد. حس رقابت با برادرش علی که او نیز ناییناست و توانسته بود رتبه دوم کنکور سراسری را کسب کند، باعث شد بتواند با کسب رتبه سوم کنکور سراسری در ۱۶ سالگی وارد دانشگاه شود. هنگامه پس از دریافت لیسانس حقوق، بلافاصله در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شد و توانست از دانشگاه هاروارد برای فوق‌لیسانس پذیرش بگیرد. او پس از طی دوره فوق‌لیسانس در سال ۲۰۰۳، دوره دکترای خود را در هاروارد آغاز کرد و علاوه بر پذیرش، بورس کامل هاروارد را نیز دریافت کرد و تاکنون در دانشگاه‌های تنسی و بوستون تدریس حقوق بین‌الملل و حقوق معلولیت را بر عهده داشته و علاوه بر تدریس در حال گذراندن یک دوره ۱ ساله پسداکتری در هاروارد است. شاگرد ممتاز مدرسه، رتبه سوم کنکور سراسری، نویسنده کتاب در دوره کارشناسی‌ارشد، بورس کانادا و پذیرش از دانشگاه هاروارد از افتخارات این نابغه تفرشی است.



صبوری عراقی، خلیل (زندگی ۱۳۲۰ خ)، در اراک متولد شد و ابتدا خیاط بود و سپس به پارچه‌فروشی روی آورد و پس از شهریور ۱۳۲۰ به تهران رفت. چند نمونه از اشعار این شاعر در جنگ میرزا مهدی عزیزی موجود است (محتاط، ۱۳۷۲: ۹۴).

صحرای، محمدرضا (۱۳۰۶-۱۳۹۳ خ)، زاده **شازند** و قهرمان ورزشی که از ۱۸ سالگی به‌ورزش کشتی روی آورد و تا انتهای زندگی یعنی سال ۱۳۹۳ که در اثر سانحه تصادف درگذشت، کشتی را رها نکرد. صحرای از دوستان آفاتختی و کشتی‌گیر بسیار خوبی بود.

صدر، سیدجواد (۱۲۹۱-۱۳۷۹ خ)، فرزند صدراالاشراف محلاتی، تحصیلات ابتدایی و

متوسطه را در تهران گذراند و از دانشگاه تهران لیسانس حقوق گرفت. او سپس در سال ۱۳۱۴ راهی فرانسه شد و با دریافت دکترا در سال ۱۳۱۸، به ایران بازگشت و از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ دبیر اول سرکنسولگری سفارت ایران در فلسطین بود و با روی کار آمدن عبدالحسین هژیر، به سمت ریاست دفتر نخست‌وزیری منصوب شد. عضو هیأت نمایندگی ایران در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۳۳۳ و سفیر ایران در ژاپن از دیگر مشاغل اوست. وی هم‌چنین در سال ۱۳۴۲ از سوی منصور نخست‌وزیر وقت، مأموریت یافت تا به تبعید امام خمینی پایان دهد. ایشان در دولت هویدا هم تا سال ۱۳۴۷ وزیر دادگستری بود و پس از انقلاب دوبار زندانی شد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۶۸).



صدر، سیدمحسن (۱۲۵۰-۱۳۴۱ خ)، مشهور به صدراالاشراف، فرزند سیدحسین

فخرالذاکرین، تحصیلات مقدماتی را در محلات گذراند و سپس به تهران رفت و در مدرسه ابوالحسن معمار اصفهانی (صنیع‌الملک) ادبیات عرب، فقه، اصول و منطق را فرا گرفت و به‌عنوان معلم نصرت‌الدین میرزا (سالارالسلطنه) فرزند ناصرالدین‌شاه وارد دربار شد. ایشان در سال ۱۳۱۰ مدعی‌العموم کل دیوان عالی تمیز (دادستان کل کشور) شد و سپس به‌دعوت مخبرالسلطنه در سال دوم مشروطه، معاون اول محاکم جزا و در کابینه فروغی به وزارت عدلیه رسید و در این سمت، قانون وکالت را به‌تصویب مجلس رساند و کسب پروانه وکالت را نظام‌مند کرد. او هم‌چنین در سال ۱۳۱۳ به‌عنوان نماینده محلات وارد مجلس شد و در سال ۱۳۲۳ در کابینه سهیلی به‌وزارت دادگستری رسید. ایشان در سال ۱۳۲۴ نخست‌وزیر شد و در دوران صدارت او نام ایران با امضای منشور ملل متحد در زمره پایه‌گذار سازمان ملل ثبت شد و در همین دوره بود که نیروهای بریتانیا و آمریکا، ایران را ترک کردند. در سال ۱۳۲۷ استاندار خراسان و در سال ۱۳۳۶ هم به‌ریاست مجلس سنا برگزیده شد.^۱ از دیگر سوابق او پس از دوره نخست‌وزیری، سمت امیرالحاج بود که برای نخستین بار در دوره پهلوی ایجاد شد و در پی از سرگیری رابطه ایران و عربستان در سال ۱۳۲۷ ساماندهی حج را عهده‌دار شد. صدراالاشراف در کنار کسانی چون سیدنصراله اخوی، سیدمحمدکاظم عصار و میرزا رضا ایروانی «قانون مدنی ایران» را نوشت و از این منظر از مردان تاریخ‌ساز و تأثیرگذار کشور محسوب می‌شود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۷۸).



صدر، ملاعلی (درگذشته ۱۲۷۲ خ)، این عالم دینی از نجف به روستای گوار (اراک) آمده و فرزند ایشان ملاغلامعلی نزد وی و ملاصادق که او نیز به مدت ۱۶-۱۷ سال در نجف شاگردی کرده بوده، علم آموخت.

^۱ صدراالاشراف از نوادگان سیدرضی‌الدین حسینی‌محلاتی، فرزند باقر ابی‌الحسن بن‌المسیب که می‌رسد به ابوالحسن مسیب، نسب‌شناس عقیقی که در مدینه فرماندار بوده و کتاب اخبار الزینبیات را نوشته و بیشتر سادات اعرجی از نسل او هستند.

صدرا اراکی، محمدتقی (۱۲۷۸-۱۳۶۲ خ)، فرزند شیخ محمدباقر (صدرالواعظین)، از

وعاظ شهیر که تحصیلات مقدماتی را نزد آیت‌اله سلطان و آقانورالدین فرا گرفت و پس از انتقال حوزه علمیه اراک، به قم مهاجرت و سطوح را در آن‌جا تکمیل کرد و از محضر آیات

عظام حائری یزدی، یثربی، ثابتی همدانی، سیدمحمدتقی خوانساری و میرزا محمدعلی شاه

آبادی و نیز سیدابوالحسن رفیعی قزوینی بهره برد و از چند مجتهد اعلم اجازه اجتهاد گرفت. وی که دارای

طبعی موزون و ذوقی کامل بود، کتابخانه مسجد اراکی‌های مقیم تهران را تأسیس کرد. از این شاعر و

نویسنده روحانی، دیوان اشعار و چندین عنوان کتاب دست‌نویس باقی مانده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۹۶).



صدرا، محمدباقر (۱۳۱۴-۱۳۹۳ خ)، فرزند آیت‌اله محمدتقی صدرا، اراکی، تحصیلات

مقدماتی و دبیرستان را در اراک گذراند و از دانشگاه تهران لیسانس زبان‌و ادبیات فارسی

گرفت. او سردبیر «نامه اراک» بود که در سال ۱۳۴۴ به‌همراه جمعی از هم‌فکرانش انجمن

فرهنگی‌و ادبی امیرکبیر (اراک‌های مقیم تهران) را پایه‌گذاری کرد. این انجمن رفته‌رفته به

یک پایگاه برای روشنفکران و فرهیختگان اهل فرهنگ اراک و حتی کشور بدل شد و به‌طور پیوسته طی

نزدیک به نیم‌قرن، آخرین چهارشنبه هرماه دوست‌داران فرهنگ‌و ادب را گرد هم می‌آورد. از آثار این نویسنده،

شاعر و فعال فرهنگی می‌توان به «مردان خدا»، «سالنامه انجمن امیرکبیر»، «جلوه‌های اندیشه»، «جلوه‌های

سخن» و نیز «پایگاه سخن» اشاره کرد (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۴۱۱).



صدرا، رقیه (۱۳۴۴ خ)، فرزند محمدرضا، اهل مأمونیه (زرنديه)، در سال ۱۳۶۲ دیپلم تجربی گرفت

و در رشته زبان‌و ادبیات فارسی دکترا گرفت و هم اکنون عضو هیأت علمی واحد علوم و تحقیقات و صاحب

چند اثر ادبی پژوهشی است. دیوان وحید قزوینی شامل قصاید و غزلیات این شاعر قرن یازدهم است که

برای نخستین بار توسط ایشان و به‌همت انتشارات کتابخانه و موزه مجلس شورای اسلامی در دو جلد منتشر

شده است (چراغی، ۱۳۹۵: ۴۰۰).

صدرا، مرضیه (۱۳۵۰ خ)، نام دیگرش فاطمه و دانش‌آموخته ادبیات نمایشی

(دراماتیک) از دانشگاه آزاد اراک است و نخستین کار تصویری‌اش نقد خنده بود که با اجرای

محمد صالح‌علاء از شبکه ۳ پخش شد. او در سال ۱۳۷۹ با حرفه دوبله به رادیو پیوست.

این سینماگر **زرنندی** در سریال‌های ایستگاه زندگی، فرزندانم بزرگ شده، گالری، خروس،

خانم‌و آقای سنگی و... ایفای نقش کرده است (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۹۲).



صدرساواجی، عیسی (۸۷۰ خ)، مشهور به عیسی مسیح‌الدین و معروف به قاضی میرک، از مشاهیر

عالی‌رتبه و از دانشمندان بزرگ ساوه است که در قزوین نشو و نما یافت و از اعلم علمای عهد خود شد. این

شاعر و عالم دینی، مشمول الطاف بی‌پایان حسن آق‌قویونلو و پسرش یعقوب‌بیگ بود و چون پدرش خواجه

شکراله، مستوفی حسن بیگ ترکمان بود و نظر به قابلیت‌های هم که داشت، به مقام استادی و معلمی یعقوب

فرزند حسن بیگ رسید و هنگامی که یعقوب بیگ صاحب تخت سلطنت شد، قاضی بیش از بیش احترام یافت و امر صدارت (وزارت) امور شرعیه و اوامر و نواهی پادشاه و سپاهیان به وی محول شد. وی همچنین با تخلص «عیسی» شعر می گفت و دیوان او مشتمل بر هزار غزل عاشقانه است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۵۱).
صدر گواری، غلامعلی (قرن ۱۴)، از علمای دینی روستای گوار (اراک) است که در اوایل قرن چهاردهم می زیسته و خوشنویس و شاعر بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۲۴).

صدر گواری، میرزا آقا (۱۲۷۵- ۱۳۶۵ خ)، اهل روستای گوار (اراک)، عالم دینی و شاعر بوده و بالغ بر ۶۰۰۰ بیت از اشعار وی توسط فرزندش در حال گردآوری است. وی با آیات خمینی، خوانساری و گلپایگانی و... در مدرسه سپهداری هم درس بوده و مراودات زیادی هم با آیت اله حائری داشته و با رفتن ایشان به قم، وی هم به مدرسه خان مروی در تهران رفت و در درس جهانگیرخان قشقایی شرکت کرد.

صدر محلاتی، بهجت (۱۳۰۳ خ)، نخستین فرزند قمر امینی صدر و محمد صدر محلاتی



است که در **اراک** متولد شد و پس از دانشسرای مقدماتی، نزد علی اصغر پتگر به فراگیری نقاشی پرداخت. او در سال ۱۳۳۳ با رتبه نخست در رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پایان نامه هنری دریافت کرد. در سال ۱۳۳۴ بورس تحصیلی فرانسه و مدال انگر به او اهدا شد و سپس برنده جایزه سیمین هم ترازوی شهر سن ویتو شد و یک اثر از او به همراه چند کار از نگارگران جوان ایرانی در بی نیال ونیز پذیرفته شد. در سال ۱۳۳۶ نخستین نمایشگاه انفرادی اش را در نگارخانه پینچو (رم) برگزار کرد و پس از ازدواج با مرتضی حنانه در دانشگاه تهران به آموزش نگارگری پرداخت. او در سال ۱۳۴۱ در سومین دوسالانه تهران جایزه نخست را گرفت و نگاره هایش به دوسالانه سی و یکم ونیز ارسال شد. بهجت صدر در سال ۱۳۵۹ بازنشست شد و به فرانسه رفت و ماندگار شد.

صدوق، محمدباقر (۱۳۲۹ خ)، فرزند آیت اله محمدصادق صدوق و بانو اعظم خانبلوکی



متولد قم، کارشناس شیمی از دانشگاه تبریز، ارشد دو رشته مهندسی محیط زیست و جامعه شناسی و نیز دکترای محیط زیست و از نامداران مهمان این استان که البته از طرف مادر **اراک** است که خدمات ارزنده ای در نقش مدیرکل سازمان محیط زیست از خود به یادگار نهاد. از جمله این که پرچمدار نهضت مبارزه با آلاینده گی هوای اراک بود و پی گیری وی موجب شد تا هیأت دولت، اراک را در زمره هشت شهر آلوده کشور قرار داده و نخستین برنامه جامع کاهش آلودگی هوای اراک را تصویب نماید (گفتگو با امیر هادی^۱).

^۱. خواهرزاده دکتر صدوق و فرماندار اراک

صُدیف، علی اکبر (۱۳۵۴ خ)، فرزند احمد، در ساوه به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در همین شهر گذراند. او سپس به تهران رفت و در رشته هنرهای تجسمی و گرافیک دانش آموخته شد. تدریس معماری، گرافیک و نقاشی در دبیرستان و دانشگاه، پیشه‌ی شاعری است که بیش از ۴۰۰ بیت در قالب مثنوی، غزل و قصیده دارد و همچنین مسوولیت انجمن ادبی جوانان ساوه را هم عهده‌دار است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۲۹).

صدیق، سیدحسن (۱۲۹۷-۱۳۶۳ خ)، تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش اراک گذراند و به‌استخدام راه‌آهن درآمد. خانه این فعال فرهنگی، خوش فکر و با ذوق، محفل شعرا، نویسندگان و هنرمندان بود و در حد توان خویش کتابخانه‌ای در منزلش فراهم آورده و علاقه‌مند بود کارهای شادروان دهگان را ادامه دهد و کوشش کرد تا مردان نامی و بزرگان منطقه را از لابلای کتب تاریخی و مرجع استخراج نماید، ولی عمرش کفاف نداد تا اینکه در سال ۱۳۷۱ و بنا بر پیشنهاد فرزندانش (حسین و سیدمحسن)، استاد محمدرضا محتاط، کتاب نامداران اراک را به‌نام مهندس حسن صدیق، تدوین و به‌چاپ رساند.



صدیق‌الممالک آشتیانی، حسین (زندگی ۱۲۸۴ خ)، از کارگزاران شعاع‌السلطنه (پسر شاه) بود و مدتی در فارس زیست و نزدیک یک‌سال حکومت دشتی، دشتستان و برازجان را داشت. او در طول حکومت خویش آلت دست شاهزاده قرار گرفت و زورگویی و تعرض به جان و مال مردم را به جایی رساند که به دستور شاه، علاءالدوله جایگزین شعاع‌السلطنه شد و او نیز عزل و زندانی شد و پادرمیانی آیت‌اله طباطبائی مجتهد هم کارساز نشد (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۲۳).

صرفی‌ساوجی، صلاح‌الدین (درگذشته ۹۶۷ خ)، مشهور به صرفی ژولیده‌موی که به هند رفت و مدتی در گجرات و لاهور به‌سر برد و در سلک شاعران دربار جلال‌الدین اکبر درآمد. پس از چندی در سال ۹۷۰ با فیضی به دکن رفت و در آنجا وفات یافت. صرفی از شاگردان محتشم نراقی کاشانی بود و با مولانا وحشی و غیرتی مصاحبت داشت. او مردی درویش‌مسلك بود و قصیده و غزل را نیکو می‌سرود و دیوان شعری از این شاعر باقی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۸۵).

صفاری‌آشتیانی، محمد (۱۳۱۳-۱۳۵۱ خ)، فرزند عبدالحسین، متولد اراک، پس از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۳۹ به نیروی هوایی پیوست و به‌خاطر تمایلات کمونیستی و هواداری از حزب توده از این سازمان اخراج شد. او در سال ۱۳۴۲ در حالی که دانشجوی حقوق دانشگاه تهران بود، به‌عنوان نماینده دانشجویان انتخاب و از طریف عباس مفتاحی در حالی جذب گروه پیشتاز شد که خود محفلی را مدیریت می‌کرد. وی در سال ۱۳۴۶ به‌همراه علی‌اکبر



^۱ در صفحه ۲۳۶ کتاب نام‌های ماندگار از وی با عنوان «حرفی» نام برده است.

صفایی‌فراهمانی به عراق رفت و پس از گذراندن دوره چریکی در سال ۱۳۴۹ به‌صورت مخفیانه به ایران آمد و در عملیات سیاهکل شرکت کرد و پس دستگیری و اعدام دوستانش، رهبری سازمان چریکی را عهده‌دار شد. او سرانجام در سال ۱۳۵۱ در یک درگیری مسلحانه خیابان سلیمانیه تهران کشته شد.

صفاری‌آشتیانی، مهرداد (۱۳۵۱ خ)، فرزند میرزاعبداله، دوره تخصصی عکاسی و فیلم

سازی را در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران گذراند. یکی از عکس‌های این هنرمند عکاس که با جامعه آشتیانی‌ها ارتباط نزدیک دارد، در سال ۱۳۷۶ و در مسابقه عکس ژاپن به‌عنوان برگزیده انتخاب شد. او در تدارک فراهم‌آوری کتابی به‌نام «عکس‌های من» است



(عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۹۲).

صفای تفرشی، عبدالحمید (زندگی ۱۲۴۱ خ)، هنرمند خوشنویس و نیز شاعر قصیده‌سرا که به کمالات

معنوی آراسته و سرعت قلم او زبان‌زد بود، چنان‌که هر شبانه‌روز، هزار بیت می‌نوشت و از این طریق امرار معاش می‌کرد. او «گنج شایگان» را سال ۱۲۴۱، نوشته و آثار دیگری هم دارد که «دیوان شعر» و نیز «اکسیرالحکما» از آن جمله‌اند. علامه دهخدا درباره وی می‌گوید: در اخلاق حمیده وحید، از پویندگان فقرا و گویندگان شعر است و از حسن خط، صاحب حظ اوفی و از لطف طبع، حاوی حد اعلی است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۷۶).

صفای محلاتی، محمدرضا (زندگی ۱۲۸۵ خ)، ملقب به سلطان‌الکُتّاب، فرزند میرزا حبیب‌اله، از کاتبان

و خوشنویسان دربار ناصری و مظفری است که سمت لشکرنویسی داشت. اوصاف ناصری، دیوان مجمر، جلد اول نامه دانشوران، ترجمه کتاب آبی، دیوان حکیم سوری و یک نسخه از شاهنامه فردوسی به دست این خوشنویس کتابت شده است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۴۳).

صفایی، اختر (۱۲۸۷ خ)، فرزند محمدمهدی‌خان و بانو سیده‌مرضیه، متولد **اراک**،

دومین شاگرد مدرسه نوباوگان بود که تا ششم ابتدایی تحصیل کرد و آموزگارش بانو طوطی و شمس‌العلماء (مدیر مدرسه شیرها) بود. وی از زنان نیکوکار و بسیار خیر و متدین بوده و هزینه تحصیل کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست را عهده‌دار بود و در ساخت مسجد هزاوه‌ایها کمک مشارکت داشت. این آموزگار همچنین برای کودکان دوره آموزش



قرآن داشته و قصص قرآنی را به‌صورت ساده و جذاب بیان می‌کردند.

صفایی، مهرداد (۱۴۰۱-۱۳۰۷ خ)، متولد **اراک**، هنرمندی کم‌نظیر، مدیری شجاع در

قدرت و نفوذ کلام، که در خوانش شعرهای خویش و دیگران حافظه‌ای بسیار قوی داشت. با اینکه در لس‌آنجلس زندگی می‌کرد، ولی به زادگاهش عشق می‌ورزید و اراکی‌بودن خود را افتخاری بزرگ می‌دانست. «عشق‌وایمان و عشق‌ایران»، «عشق و عرفان»، «عشق



یاران» و نیز «ارمغان دوست» چهار مجموعه شعر اوست که در ایران منتشر شده است. در یکی از سفرهایشان به ایران نکوداشتی برای این شاعر ارجمند در موزه مفاخر ایراک برگزار و تصویری از ایشان در این موزه به یادگار موجود است.

صفایی، نصرت (۱۳۰۴ خ)، فرزند محمدمهدی خان و بانو سیده مرضیه سومین و آخرین



شاگرد مدرسه نوباوگان ایراک بود که تا کلاس دهم در ایراک خواند و بدلیل نبود دبیرستان دخترانه به صورت داوطلب در تهران امتحان می داد. او سپس به عنوان آموزگار دبستان بدر، مهر، شرف ارامنه و دوشیزگان خدمت کرد. او که مدتی در ایروان زندگی کرده و اندکی زبان ارمنی می دانست و با دانش آموزان شرف ارامنه به زبان مادری صحبت می کرد بسیار مورد توجه ایشان بود و محبوبیت زیادی داشت. او همچنین زبان فرانسه می دانست و در منزل شاگرد خصوصی زبان فرانسه داشت. نشریه نامه ایراک این دو خواهر (اختر و نصرت) را «برکت فرهنگ ایراک» نامیده است.

صفایی زرنندی، محمدحسن (۱۲۷۰-۱۳۵۲ خ)، از اهالی زاویه (زرنده)، فرزند ملازین العابدین، نزد پدرش خواندن و نوشتن آموخت و سپس علوم حوزوی اعم از عربی، شعر و ادبیات را به صورت مکتب خانهای فرا گرفت و خوشنویسی را هم آموخت. او همچنین شاعری است که در سرودن قصاید و مراثی مذهبی تبحر داشت و کتاب «همیشه بهار» او در دو جلد حاوی اشعاری فارسی و ترکی است که مورد ستایش شعرا و ادبای زمان قرار گرفت و تقریبی از آن در شماره ۸۸۰۸ روزنامه اطلاعات مورخه ۲۴ مهر ۱۳۳۴ درج شده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۰۳).

صفایی فراهانی، علی اکبر (۱۳۱۸-۱۳۴۹ خ)، فرزند محمدعلی و بانو معصومه، پس از تحصیلات ابتدایی وارد هنرستان صنعتی تهران شد و همزمان با تحصیل، مانند برخی از فراهانی ها در چاپخانه کار می کرد. او پس از دیپلم به ساری رفت و در هنرستان این شهر به تدریس پرداخت و دوباره در تهران وارد دانشگاه علم و صنعت شد تا مهندسی کشاورزی بخواند. به واسطه آشنایی با سعید کلاتنری در تهران و عباس مفتاح در ساری به فعالیت سیاسی پرداخت و در سال ۱۳۴۷ برای کسب تجربه انقلابی به فلسطین رفت و چند ماهی نیز در عراق زندانی شد و پس از آزادی به عضویت جبهه آزادی بخش فلسطین (الفتح) درآمد. صفایی فراهانی ابتدا فرماندهی یک گروه ۸ نفره و سپس با کد انقلابی ابوعباس به فرماندهی یکی از پایگاه های الفتح رسید و حوزه نفوذش به ۴۰ و سپس ۱۵۰ نفر افزایش یافت و نهایتاً به فرماندهی منطقه شمال فلسطین برگزیده شد. این جوان انقلابی در بازگشت به ایران با تشکیل یک گروه شش نفره در نزدیکی چالوس به نام کوه، آموزش و آمادگی جوانان برای انجام عملیات انقلابی را عهده دار شد که عملیات سیاهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ نتیجه این اقدام وی بود که البته پس از مخفی شدن در روستای چهل ستون دستگیر و اعدام شد.

صفایی فراهانی، محسن (۱۳۲۷ خ)، فرزند محمدحسن و بانو زهرا، در ۲۳ سالگی از

دانشکده فنی فوق لیسانس گرفت و از سال ۱۳۵۶ با مهندس بازرگان در جمعیت دفاع از

آزادی حقوق بشر همکاری می کرد. پس از انقلاب ۱۳۵۷، با محمد توسلی شهردار تهران

همکار بود و سپس به عنوان عضو هیأت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

خدمت کرد و هم زمان، قائم مقام مجتمع فولاد اهواز هم بود. صفایی فراهانی پس از تأسیس وزارت صنایع

سنگین، به عنوان قائم مقام وزارت فعالیتش را ادامه داد و در دولت سازندگی مدیرعامل شرکت توانیر شد و

در این سمت شرکت های فراب و مپنا را پایه گذاری کرد. در دی ماه ۱۳۷۶ ریاست فدراسیون فوتبال ایران

را پذیرفت و با طرح های اقتصادی نوآورانه، فوتبال کشور را دگرگون کرد. او سپس به عنوان نماینده تهران

وارد مجلس ششم شد و با پایان مجلس، در پست قائم مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران در دولت

خاتمی خدمت کرد و همواره به عنوان یکی از مدیران توانمند و پاکدست شناخته می شود.



صفری سنجانی، جعفر (۱۳۳۱ خ)، زاده اراک، پس از اخذ دیپلم، از دانشگاه صنعتی

امیرکبیر، مهندسی مکانیک و ارشد مهندسی صنایع دریافت کرد. امروز او یکی از مدیران

عالی رتبه صنعت کشور است با سوابقی مانند مدیرکل خودکفایی و قائم مقام معاونت

تولید و توسعه وزارت صنایع سنگین، رئیس هیأت مدیره شرکت های اندیشه ورزان مهندسی

خودرو (شامخ)، کمک فنر سازی ایندامین، طراحی و مهندسی دسکو، پتروصنعت هفشجان، سازمان توسعه

ماشین سازی ایران و بنیاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر و شرکت شیرآلات ماشین سازی گداختار و نیز مدیر

عامل و رئیس هیأت مدیره شرکت های (طراحی مهندسی و تأمین قطعات خودرو و متاخودرو، پتروسازه کوشا،

سازه گستر سایپا). او هم چنین مدیرعامل و عضو هیأت مدیره شرکت ماشین سازی اراک، عضو هیأت امنای

دانشگاه اراک و دانشگاه صنعتی اراک بوده است.



صفری، حسن (۱۳۳۶ خ)، فرزند حسین و فاطمه خاتون، اهل **دلیجان**، فوق دیپلم هنر از تربیت معلم

کاشان، هنرمند نقاش و فعال فرهنگی دلیجان و نویسنده ۸ عنوان کتاب از جمله رد پای سم اسبان، دو قدم

تا بهبودی، عناصر بصری در نقاشی کودک و.. می باشد.

صفری، حسین (۱۳۴۲ خ)، فرزند رضا و بانو مرصع، اهل **دلیجان**، تحصیلاتش را در

دبستان ۲۵ شهریور و راهنمایی حکیم نظامی گذراند و در سال ۱۳۵۷ دیپلم گرفت. وی که

فعالیت پژوهشی خود را با قصه نویسی برای رادیو در سال ۱۳۵۴ آغاز کرده بود، در دبیرستان،

آغاز به نوشتن کرد. او در سال ۱۳۶۱ وارد تربیت معلم شهید رجایی قزوین شد و هم زمان با

گردآوری واژه های راجی دلیجانی، پژوهش درباره تاریخ و فرهنگ دلیجان را هم ادامه داد تا آن که در سال

۱۳۶۳ و هم زمان با تدریس در آشتیان، با صادق حضرتی آشتیانی پژوهشگر و دبیر علوم اجتماعی آشنا شد و

توسط او به بنیاد نیشابور (تهران) رهنمون شد که موجبات گشایش افقی نوین در زندگی پژوهشگری وی



شد. واژه‌نامه راجی، تاریخ و فرهنگ دلیجان^۱، شوغاثیه خاله‌زری، داستان سیاوش به زبان راجی از دیگر آثار اوست و «روا هُری^۲» و «زورخانه دلیجان» را هم در دست چاپ دارد.

صفری، زهرا (۱۳۶۱ خ) فرزند علی اکبر و بانو سروگل، تحصیلاتش را در دبستان هاشمی‌نژاد، راهنمایی عتروت و دبیرستان فضیلت جاورسیان (**خنداب**) گذراند و در دانشگاه تهران جامعه‌شناسی با گرایش پژوهشگری خواند و هم‌اکنون طلبه سطح ۳ حوزه ریحانه‌النبی اراک هست و کتاب جاورسیان‌نامه از اوست. **صفری، غلامعلی** (۱۳۴۰ خ)، فرزند رضا و بانو مرصع، دارای کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، از فرهنگیان بازنشسته و شاعر پیشکسوت **دلیجان** است که سالها در عرصه شعر و ادبیات دلیجان زحمت کشیده و شاگردان زیادی را هم در مدارس و هم در انجمنهای ادبی و فرهنگی تربیت کرده است. کتاب تکیه تنها اثر نوشتاری با موضوع آئین‌های محلی دلیجان در مورد محرم است و مجموعه اشعار دست‌نویسی هم دارد که هنوز چاپ نشده است.

صفری، مهدی (۱۳۴۹ خ)، فرزند حسین، در یکی از روستاهای **زرنديه** متولد شد و

تحصیلاتش را در تهران ادامه داد و دکترای زبان و ادبیات فارسی گرفت. این مدرس و نویسنده دانشگاهی، کتابی دارد با نام «گزیده متون ادب فارسی» که با همکاری آقایان وفایی و شعبانی نگاشته و «نهادگرایی در ادبیات داستانی»، «حج و کعبه در ادبیات فارسی» و نیز کتاب «زبان- وادبیات از دیدگاه امام خمینی» از دیگر آثار اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۲۴).



صفری، ولی‌اله (۱۳۲۹ خ)، متولد روستای تقلیدآباد (**زرنديه**)، تحصیلات مقدماتی را

در زادگاهش گذراند و در ساوه به دبیرستان رفت. وی از کودکی متوجه طبع شعر خود شد و اشعاری می‌سرود، لیکن در سربازی به‌خاطر یکی از اشعارش بازداشت و دفتر شعرش توقیف شد. این شاعر و خوشنویس، مجموعه اشعار خود را با تشویق استاد محمدعلی چراغی در سال ۱۳۷۹ با نام «نواى محبت» منتشر کرد که حاوی ۲۰۰ عنوان شعر در قالب‌های مختلف بود. وی اشعار ترکی هم دارد (چراغی، ۱۳۹۵: ۴۵۶).



صفری سنجانی، علی اکبر (۱۳۴۵ خ)، فرزند حمزه، دبستان و راهنمایی را در سنجان

(**اراک**) خواند و از دبیرستان شهیدبهشتی اراک دیپلم گرفت. او سپس دوره کارشناسی، ارشد و دکترای خاک‌شناسی را با رتبه نخست از دانشگاه اصفهان دریافت و از سال ۱۳۸۰ در دانشگاه بوعلی‌سینا به تدریس پرداخت و هم‌اکنون استاد گروه خاک‌شناسی این دانشگاه



^۱. این پژوهش برگزیده سال موجب شد تا زبان راجی در سال ۱۳۹۴ در فهرست میراث فرهنگی ناملموس ایران ثبت شود.

^۲. حلال‌خوری

است. این نویسنده دانشگاهی، علاوه بر ده‌ها عنوان مقاله علمی پژوهشی، تعداد ۷ عنوان کتاب تخصصی هم تألیف کرده است.

صفی‌ساوجی (قرن...)، کشتی‌گیر و پهلوانی که به کانون شطرنجی معروف بوده و به سواران و دلاوران برجسته و تراز اول پیشنهاد مسابقه می‌داد و معمولاً برنده می‌شده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۲۶).

صلاحی‌اصفهانی، گیتی (۱۳۳۷ خ)، فرزند احمد و بانو عظیمه، دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی از دانشگاه شهیدبهبشتی، ۳۰ سال تدریس و ۴ سال ریاست دانشگاه پیام‌نور ساوه و خالق آثاری مانند: چشم‌اندازی بر عشایر استان مرکزی، راهکارهای مقابله و کاهش آسیب‌های اجتماعی اعتیاد، کافیسیت بخوانید تا دوستان بدانند، معلمی خاص، خاطرات من دکتر گیتی صلاحی اصفهانی، بانوی اسلام، با مهار هیجانی دنیا را بسازیم و... می‌باشد. **صمدی، سیدابوالفضل** (۱۳۵۹ خ)، نویسنده اهل خمین که کتابهای «شطرنج در شام آخر»، «خیابان حصار»، «مہتاب بر خاکستر جنگل»، «تنهام» و نیز «رهگذران» را منتشر کرده است.



صمدی، علی (۱۳۰۶-۱۳۶۴ خ)، متولد روستای خوروند (خمین)، پس از فراغت از تحصیل به‌عنوان معلم در روستاهای خمین از جمله ورآباد، خوگان و خوروند به تدریس پرداخت و پس از چندی به خمین منتقل شد و ضمن تدریس، به‌عنوان یک فعال اجتماعی در میان مردم شناخته شد تا جایی که همکاران لقب مرشد به وی دادند. او در سال ۱۳۵۷ در پست ریاست کارگزینی منطقه ۱۷ تهران بازنشست و به زادگاهش خوروند بازگشت و به کشاورزی و امور خیر پرداخت که احداث هنرستان کشاورزی و مدرسه راهنمایی خوروند یادگار این نیکوکار خمینی از دوران بازنشستگی است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۸۷).

صمدی، فتح‌اله (۱۲۵۶ خ)، متولد روستای خوروند (خمین)، پس از فراغت از تحصیل و در زمان حکومت امیرمفخم بر کمره در دفتر ایشان و زیر نظر سیدمیرزا حسین گرکانی‌آشتیانی، به امور دفتری و حسابداری و سپس به‌عنوان مباشر املاک امیرمفخم و سیدعلی آهن‌چیان و شهاب‌الدین خسروانی مشغول بکار می‌شود. وی از وزارت معارف، ساخت چندین مدرسه برای روستاهای خوگان، خوراند و امامزاده یوجان را تقاضا کرد و با وجود مخالفت مالکین، موفق شد و از طرف وزیر وقت معارف در این خصوص و به‌عنوان یک شخصیت برجسته تقدیرنامه دریافت کرد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۸۵).

صمدی، فریدون (۱۳۲۱ خ)، فرزند فتح‌اله، پس از تحصیلات مقدماتی در خمین، در سال ۱۳۴۰ وارد نیروی هوایی شد. او پس از پرواز با هواپیمای T6 (هاروارد) به آمریکا رفت و دوره‌های آموزشی پرواز با هواپیماهای T41 و T37 و T38 را گذراند و عضو نخستین گروه خلبانان ایرانی است که در آمریکا با جت مافوق صوت T38 دوره دید. خلبان صمدی با دریافت نشان خلبانی (وینگ) در سال ۱۳۴۵ به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۴۸ در پایگاه سوم شکاری (همدان) با F5 پرواز کرد. با ورود هواپیمای فانتوم F4 به ایران، او هم به پایگاه شکاری یکم (مهرآباد) منتقل



و در گروه ۶ نفری گردان آموزشی F4 به تحصیل پرداخت. ایشان هم‌چنین نخستین دوره معلمی F4 را در ایران گذراند و به‌عنوان معلم در گردان آموزشی ماند و تعداد بسیار زیادی از خلبانان هواپیماهای فانتوم F4 و F14 تامکت را آموزش داد. تیسمار صمدی، در سال ۱۳۵۶ به فرماندهی گردان ۳۱ شکاری انتخاب و در دوران دفاع مقدس یکی از تیزپروازان غیور نیروی هوایی ایران بود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۸۹).

صمدیان، محمد (۱۳۵۵ خ)، فرزند محمدرضا و بانو زهرا، متولد روستای تبرته (فراهان)،



تحصیلاتش را در دبستان مصطفی‌خمینی و راهنمایی توحید گذراند و از دانشسرای مقدماتی تربیت معلم کمیجان دیپلم گرفت. او سپس از دانشگاه آزاد اراک در رشته بازیگری و از دانشگاه پیام‌نور در دوره ارشد ادبیات و فرهنگ عامه دانش‌آموخته شد. این مجری و تهیه‌کننده سرشناس در جشنواره‌های مختلف تئاتر از سال ۱۳۷۶ حضور داشته و در بازیگری، کارگردانی و نویسندگی به مقام‌هایی دست یافته است. مرشد صمدیان از سال ۱۳۸۰ با رادیو اراک و از سال ۱۳۸۳ با تلویزیون در سمت تهیه‌کننده و مجری همکاری می‌کند. مستند «اینجا آبادی است» برنامه دیدنی و جذابی است که سال‌هاست توسط او تهیه و اجرا می‌شود و موضوع آن ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی، گردشگری و همچنین اقتصادی روستاهای استان مرکزی است.

صمصام، علی (درگذشته ۱۳۸۸ خ)، فرزند محمدباقر ابراهیم‌آبادی (اراک)، سردار نظامی و از افسران ناصرالدین‌شاه بود که در یک نزاع محلی در مشک‌آباد کشته شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۳۱).

صمیمی، اسداله (قرن ۱۴)، از نویسندگان و شعرای نامدار ایران و هم‌چنین دبیر ادبیات اراک، که عضو هیأت تحریریه نشریه نامه‌اراک به‌مدیریت باقر موسوی بود و شعر نیکو می‌سرود (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۳۱).

صمیمی، علیرضا (۱۳۵۹ خ)، فرزند فرهاد و بانو فاطمه، متولد اراک، دانشجوی دکتری عمران و نویسنده ۱۰ عنوان کتاب دانشگاهی چاپ شده و چند مقاله داخلی و یک مقاله ISI است. او که عضو پایه ۱ سازمان نظام مهندسی ساختمان است، در سال ۱۳۹۳ به‌عنوان پژوهشگر برتر آموزش و پرورش استان و نیز معلم نمونه سال انتخاب شد و رتبه برتر نخستین جشنواره معلمان مؤلف را هم در سال ۱۴۰۰ به دست آورد.

صناعی، محمود (۱۳۶۴-۱۳۹۸ خ)، پس از تحصیلات مقدماتی در اراک، به دبیرستان



البرز تهران رفت و در ۱۸ سالگی به‌عنوان معلم ادبیات فارسی همان دبیرستان شروع به تدریس کرد. صناعی هم‌زمان با تدریس، رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی، زبان‌وادبیات فارسی، زبان انگلیسی و حقوق را در دانشگاه تهران خواند و در سال ۱۳۳۴ راهی انگلستان شد. او در دانشگاه لندن ابتدا علوم تربیتی و سپس حقوق خواند و به‌صورت تخصصی به علم روان‌شناسی روی آورد و در این رشته نیز دکترا گرفت و با توجه به عملکرد فوق‌العاده‌اش، در مؤسسه بین‌المللی روان‌کاوی انگلستان (I.I.P.B) مشغول بکار شد. صناعی در سال ۱۳۳۲ به سمت سرپرستی دانشجویان ایرانی و وابسته فرهنگی ایران در انگلستان انتخاب و در معرفی فرهنگ ایران نقش‌آفرینی کرد و در سال ۱۳۳۳ هم به

عضویت انجمن بین‌المللی پسیکانالیز انتخاب شد. این شاعر، مترجم، روان‌شناس و نظریه‌پرداز در سال ۱۳۳۴ با سمت استادی دانشگاه تهران به ایران بازگشت و ضمن تدریس، ریاست دانشسرای تهران و نیز مدیریت آزمون‌شناسی و معاونت وزارت آموزش و پرورش را هم عهده‌دار شد و در این دوره بود که مؤسسه روانشناسی دانشگاه تهران را بنیاد نهاد. علاوه بر مقالات متعدد، برخی از کتب منتشره ایشان هم عبارتند از: یادی از استاد، آزادی فرد و قدرت دولت، آزادی و تربیت، چهار رساله افلاطون (ترجمه) و نیز ترجمه کتاب اصول روانشناسی «مان» (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۰۴).

صهبا، ابوالقاسم (درگذشته ۱۳۳۰ خ)، معروف به همایون، فرزند میرزا شفیع‌خان وثوق دیوان مصلح‌آبادی (اراک)، از شاعران خوش‌ذوق و مشروطه‌خواه نامدار بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۳۴).
صوفی‌ساوجی (قرن...)، از شعرای اهل ساوه که این بیت از ایشان در کتاب فرهیختگان ساوه ذکر شده است: من یکی زان نا امیدانم که در دوران تو / می‌برند امیدواران رشک بر حرمان تو (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۲۷).

ض

ضرغامی، نیایش (۱۳۸۱ خ)، فرزند یداله و بانو مهری، تا ۱۸ سالگی در **خمین** به مدرسه رفت و در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه ساوه، مهندسی بهداشت محیط خواند. رمان «لیلی دیگر» که یک متن ادبی و شعرگونه است را چاپ کرده و این روزها در کنار درس، به هنر و نقاشی هم مشغول است.



ضوابطی، سیدابراهیم (قرن ۱۲)، فرزند سیدباقر، اهل **اراک**، در قرن دوازدهم می‌زیسته و از فقهایی بزرگ و مدرسان بزرگ حوزه علمیه کربلا و نجف بوده است. از تألیفات وی می‌توان به کتاب ضوابط فی‌اصول مبسوط، الاشارات مختصر فی‌الاصول و نیز الدلائل فی‌الفقه اشاره کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۳۷).
ضوابطی، سیدمحمدعلی (۱۲۶۵-۱۳۴۹ خ)، فرزند سید میرزا علی‌اکبر، اهل **اراک**، از نوادگان سید ابراهیم، که در دانشکده معقول و منقول تحصیل کرده و عالم دینی و واعظ شهیر شهر بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۳۷).

ضوابطی، سیدمهدی (۱۳۲۷-۱۳۶۷ خ)، فرزند سیدکاظم، در **اراک** زاده شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و از دانشگاه تهران دکترای روان‌درمانی گرفت. این نویسنده دانشگاهی دارای تألیفاتی است که در چند دانشکده به‌عنوان کتاب درسی تدریس می‌شود.

ضیاءالدین‌ساوجی، نوراله (درگذشته ۹۲۹ خ)، فرزند درویش‌محمد بن خواجه شکراله وزیر و برادر زاده قاضی مسیح‌الدین، در ایام حکومت امیرخان در شهر هرات قاضی بوده و چندین سال در نهایت امانت و

دیانت خدمت کرد و از همه فضایل بهره داشت و اشعار دل‌فریب بر صفحه روزگار می‌نگاشت. این شاعر قرن نهم متخلص به «أنسی» در خدمت مولانا جلال کسب کمال و تحصیل کرد و دیوان غزلی از خود به‌یادگار نهاد و مدتی هم قضاوت همه سرزمین عراق (عجم) را بر عهده داشت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۳۹).

ط

طالبی، مریم (۱۳۵۶ خ)، فرزند محمد و بانو فرخنده، تحصیلاتش را در دبستان شهید محمد منتظری و راهنمایی فدک گذراند و از دبیرستان زینبیه **اراک** دیپلم گرفت. او که دانش‌آموخته زبان‌و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اراک است، به‌عنوان شاعر و داستان‌نویس، پژوهشگر تاریخ شفاهی و نیز مدرس کارگاه شعر و داستان شناخته می‌شود. دعا کن کم نیارم (خاطرات شهید عباس نجفی)، برادر امام رضا در تیراژ ده‌هزار جلد، شمیم بهشت (زنان شهید استان مرکزی با همکاری اشرف جواهری)، مهر عروج (زندگی‌نامه شهید فاطمه غیاث‌آبادی با همکاری مهری رکاب‌طلایی)، کوی بی‌نشان (شهدای بهزیستی با همکاری مهری رکاب‌طلایی) و چاپ داستان‌هایی در کتاب نفخ صور، به من بگو کجایی و نیز چاپ اشعار در بسیاری از مجموعه شعرها و مجلات از آثار این نویسنده است. وی هم‌چنین داور جشنواره‌های استانی شعر، داستان و خاطره‌نویسی است و نیز داور ناظر جشنواره ملی تولیدات حوزه‌های هنری در بخش ادبیات می‌باشد.



طاهری، حبیب‌اله (زندگی ۱۲۸۶ خ)، مشهور به عکاس‌باشی به‌عنوان یک فعال مدنی، در زمان مشروطیت، چندین انجمن در **اراک** تشکیل داد و خود مسوول انجمن دموکرات بود و امتیاز روزنامه اتفاق، در سال ۱۲۸۶ متعلق به این کنشگر سیاسی بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۱).

طاهری، علی (۱۳۳۳ خ)، فرزند محمد و بانو خدیجه، متولد **اراک**، دبیر ادبیات فارسی با بیش از ۵۰ سال سابقه کوهنوردی، مربی پیش‌کسوت و درجه یک فدراسیون کوهنوردی ایران، مدرس شاخه‌های مختلف کوهنوردی، قهرمان صعود به قله و دیواره‌های معروف ایران از جمله ۴۷ بار صعود به دماوند، عضو تیم ملی در صعود مشترک ایران و چین به اورست در سال ۱۳۵۷، صعود به بیش از ۱۸ قله و دیواره (آسیا، اروپا و آفریقا)، مبتکر جشنواره‌های کوه‌نوردی از سال ۸۱، مسوول فنی کمیته مربیان و هیمالیانونوردی فدراسیون کوهنوردی، گذراندن ۳ دوره عالی یخ‌وبرف و سنگ‌نوردی در مدارس بین‌المللی شامونی فرانسه و اینسبورگ اتریش، حضور در شانزدهمین کنگره جهانی کوهنوردی فرانسه، عضو کمیته کوهنوردی و کمیسیون صعودهای برگزیده فدراسیون، عضو هیأت‌رئیس و مربی انجمن کوهنوردی مدارس ایران، عضو هیأت‌امانای موزه انجمن کوهنوردی ایران، ناظر و نویسنده چند



نشریه از جمله آوای لجور و مدرسه کوهستان، برخی از سوابق مهم اوست. طاهری هم‌اکنون مشغول نوشتن کتاب «اهمیت و نقش آب در کوهنوردی به‌انضمام تغذیه علمی کاربردی در ارتفاعات» می‌باشد.

طاهری عراقی، احمد (۱۳۲۲-۱۳۷۰ خ)، زاده **اراک** و یکی از ادبا و اسلام‌شناسان

برجسته ایران است که از دانشگاه تهران لیسانس زبان‌وادیات فارسی گرفت و تا سال

۱۳۴۸ در بنیاد فرهنگ ایران^۱ به پژوهش اشتغال داشت. او سپس در مرکز خدمات کتابداری

به تحقیقات علمی پرداخت و چند سفر پژوهشی انجام داد و تحقیقاتی در کتابخانه دانشکده

الهیات دانشگاه مشهد و دارالکتب مصریه و برخی از مراکز علمی بیروت به‌عمل آورد. وی از سال ۱۳۵۵

برای تحصیلات تکمیلی به‌انگلستان رفت و تا سال ۱۳۶۲ در زمینه مطالعات اسلامی و زبان‌وادیات عرب

نزد استادان بزرگی چون مونتگمری‌وات از بزرگترین اسلام‌شناسان جهان، دانش‌آموخته شد. ایشان از سال

۱۳۶۳ همکاری با بنیاد دایره‌المعارف اسلامی را آغاز و در این مدت به‌عضویت هیأت امانا و معاونت علمی

دانشنامه جهان اسلام در آمد. طاهری در چهار شاخه مآخذشناسی و مطالعات ایرانی‌واسلامی، ادبیات عرب،

ادب فارسی و تصوف‌و عرفان تبحر چشم‌گیری یافت و تصحیح کتاب قدسیه (کلمات بهاءالدین نقشبند) را

به سرانجام رساند. مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۸۲ به‌پاس قدردانی از خدمات علمی این نویسنده و

پژوهشگر برجسته، مجموعه مقالات وی را زیر عنوان «یادگار طاهر» منتشر کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۰۵).

طاهری عراقی، ابوالقاسم (۱۳۳۱ خ)، تحصیلات مقدماتی را در **اراک** گذراند و از مدرسه عالی صنایع

فرانسه فوق‌لیسانس الیاف‌ومواد گرفت. مدیر تولید گروه صنعتی جهان، مدیر تکنولوژی پروژه کارخانجات

نساجی بروجرد و مشاور شرکت مهندسین مشاور صنعتی ایران از مسوولیت‌های اوست. این نویسنده

کارآفرین آثار زیادی دارد که ترجمه دو کتاب «مقدمات بافندگی» و «ریسندگی چرخانه‌ای» از جمله آنهاست

و کتاب ریسندگی چرخانه‌ای کتاب برگزیده سال ۱۳۷۴ می‌باشد (ولاشجری‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۷۰).

طباطبائی، سیدمهدی (۱۳۵۳ خ)، اهل **زرنده** و دانش‌آموخته ادبیات دانشگاه شهیدبهشتی، شاعر،

پژوهشگر و صاحب چند اثر ادبی پژوهشی از جمله «با چشم‌های تو»، «تصحیح دیوان کمال‌الدین اصفهانی»

و «واژه‌های شعر بیدل» می‌باشد.

طباطبائی، سیدیوسف (۱۲۷۷ خ)، فرزند سیدعبداله، تحصیلاتش را در زادگاه خود زاویه (**زرنده**) گذراند

و به‌علت طبع و قریحه خدادادی، اشعار زیادی سروده و برخی از آثار این شاعر در کتاب فرهیختگان ساوه

موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۳۶).



^۱. امروز با نام پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نهادی است که برای پاسداشت، گسترش و پیش‌برد زبان فارسی در سال ۱۳۴۳ تأسیس گردید.



طبرسی، ابوعلی فضل (۴۵۶-۵۳۲ خ)، فرزند حسن، معروف به شیخ طبرسی، اهل **تفرش** (طبرش)، در خاندانی روحانی زاده شد و به خراسان هجرت کرد. این دانشمند دینی در ادبیات و زبان عربی استاد بود و به همین دلیل کتاب «الکافی الشافی» را نوشته است. مهمترین کتاب این دانشمند بزرگ «مجمع البیان» است و پس از آن کتاب تفسیر «جوامع الجامع» را به زبان عربی نوشت، که به تعبیر خودش تحریری نو از تفسیر تبیان شیخ طوسی است. اعلام الوری، جوامع الحکایات، تاج الموالید و الآداب الدینیة دیگر نوشته‌های اوست. این دانشمند دینی هم‌چنین شاگردان بزرگ و مشهوری تربیت کرده که قطب راوندی، ابوالفتح رازی، منتخب‌الدین رازی، ابن شهر آشوب مازندرانی، شاذان قمی، سیدابومحمد قائنی و فرزندش حسن بن فضل از آن جمله‌اند (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۱). **طبرسی، احمد** (زندگی ۳۵۰ خ)، معروف به ابوالحسن طیب، فرزند محمد، اهل **تفرش**، حکیم و طبیب بزرگ شیعی قرن پنجم و پزشک مخصوص رکن‌الدوله دیلمی و برادرش معزالدوله (از پادشاهان آل بویه) بود. شهرت و مهارت او بیشتر در طب و فلسفه است. «الکناش» از کتب معتبر پزشکی و «المعالجات البقراطیه» در طب، از آثار نوشتاری این طبیب تفرشی است.

طبرسی^۱، احمد (قرن ۶)، فرزند علی، مشهور به صاحب‌احتیاج، اهل **تفرش**، از محدثان و علمای شیعه در قرن ششم که با ابوالفتح رازی و فضل بن حسن طبرسی، معاصر بوده و از تألیفات این عالم دینی، می‌توان به الکافی در فقه، الاحتجاج، مفاخر الطالبیه، تاریخ ائمه و فضایل الزهرا اشاره کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۱).

طبرسی، حسن (قرن ۶)، ملقب به رضی‌الدین ابونصر، فرزند فضل اهل **تفرش**، از علمای بزرگ قرن ششم هجری است و از آثار این عالم دینی می‌توان به جامع الاخبار، مکارم الاخلاق، اسرارالامامه و چندین اثر دیگر اشاره کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۲).

طبرسی، علی (قرن...)، فرزند حمزه، اهل **تفرش**، عالم دینی و صاحب کتاب ریاض‌العلماء و روضات‌الجنت می‌باشد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۳).

طبرسی، محمد (قرن ۵)، فرزند فضل، مشهور به ابوعلی طبرسی، عالم دینی اهل **تفرش** و از شاگردان شیخ طوسی بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۳).

طبرسی، هارون (قرن ۸)، فرزند حسن، مشهور به ابومحمد و ملقب به ضیاء‌الدین، از فقهای بزرگ شیعی اهل **تفرش** بوده که در قرن هشتم می‌زیسته و لقب امام عالم داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۳).

طبرسی‌نحوی، شمس‌الدین (قرن...)، از علمای شیعی اهل **تفرش** و نویسنده کتاب «جواهر فی النحو» است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۳).

^۱ طبرسی = طبرشی = تفرشی

طبرسی نوری، حسین (درگذشته ۱۲۸۱ خ)، فرزند محمدتقی **تفرشی**، از علمای شیعه اواخر قرن سیزدهم و از شاگردان مرتضی انصاری، علی کنی و میرزای شیرازی بود. از آثار وی می‌توان به فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، حاشیه منتهی المقال ابوعلی و انجم‌المقال اشاره کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۳). **طیب، ابوالحسن** (زندگی ۱۲۷۵ خ)، از اهالی **ساوه** که در سال ۱۲۷۵، شاگرد آقامیرزا محمدحسین سلطان‌الافلاسه در طب ایرانی بوده و در طب فرنگی هم از تربیت‌یافتگان مدرسه دارالفنون و شاگرد آقامیرزا اسماعیل‌خان احتشام‌الحکما بود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۲).

طیب‌انجدانی، ابراهیم (قرن ۱۳)، فرزند محمدحسین، طیب اهل روستای انجدان (**اراک**) و نویسنده کتاب مجمع‌الذات است با موضوع طب که به فارسی و در قرن ۱۳ نگاشته است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۲۸). **طیب‌انجدانی، محمدحسین** (درگذشته ۱۱۵۱ خ)، فرزند میرزامحمد، اهل روستای انجدان (**اراک**) و از بزرگان زمان که در طبابت مهارت و دقتی به‌سزا داشته و در سال ۱۱۵۱، به شهادت رسیده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۴).

طیب‌ساوجی، سلیمان (قرن ۸)، از علمای فرقه مبتدعه حروفیه و از پیروان فضل‌اله استرآبادی (مؤسس فرقه حروفیه) در اواخر قرن هشتم هجری و در زمان سطلنت تیمور، می‌زیسته است.

طیب‌ساوجی، علی (زندگی ۱۲۶۰ خ)، فرزند میرزا موسی و پدر میرزا محمود مرآت، دانشمند ادیب و طیب سرشناس **ساوه** است که از طرف ناصرالدین‌شاه و طی حکم مورخه بهمن ۱۲۶۰، برای خود و فرزندش مقرری تعیین شده بود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۸۰).

طیب‌ساوجی، مهدی (قرن ۱۳)، فرزند حاجی میرزا موسی، مشهور به حافظ‌الصحه، طیب مشهور و دانشمند پرآوازه دوران قاجار در ایران و حتی در میان اطبای خارجی بوده و علاوه بر این، متمول و متمکن نیکوکاری هم بوده که ایوان بزرگ مسجد حاجی‌فرج ساوه از شاهکارهای معماری و مهندسی، حجرات ایوان ذوالفقارخان (از دوستان میرزا مهدی)، وقف چند باب مغازه در اطراف مسجد انقلاب، ساختمان شاهزاده حسین و برخی اقدامات نیک دیگر، از یادگارهای اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۶۶).

طیب‌ساوجی، موسی (زندگی ۱۲۳۱ خ)، ملقب به زبده‌الاطبا و فخرالحکما، طیب و نویسنده کتاب «دستورالاطبا فی علاج وبا» و کتاب «سیاست‌مُدن» که در سال ۱۲۳۱ در زمان صدارت میرزا آقاخان نوری نگاشت و تقدیم ناصرالدین‌شاه کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۶۱).

طیبی‌ساوجی، ابوطالب (۱۲۳۹-۱۳۳۴ خ)، فرزند میرزا هادی، پس از گذراندن دوره مکتبخانه و فراگیری علوم مقدماتی، به پزشکی روی آورد. این طیب مردمی، علاوه بر طبابت، در امر مربوط به تعزیه-خوانی و تعزیه‌گردانی هم اهتمام داشت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

طرازناهدی، عبدالرحمن (۱۳۳۵ خ)، فرزند ابراهیم، در روستای طرازناهدید (ساوه) به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش و بعد در قم فرا گرفت و به مدت ۱۸ سال در مدرسه صدر تهران معلومات خویش را تکمیل کرد. او سپس در ادبیات عرب و فقه و اصول تبحر پیدا کرد و در بازگشت به طرازناهدید، حل و فصل امور دینی مردم و نیز شعر و خط را پیشه خود ساخت. بیشتر سروده‌های این شاعر به زبان عامیانه، قصاید طنزانه و به صورت لطیفه است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۵۶).

طهماسبی زاده، یسرا (۱۳۴۹ خ)، فرزند میرعباس و بانو نورا، تحصیلات مقدماتی را در

دبستان و راهنمایی ملت گذراند و از دبیرستان شکرایی دیپلم و از دانشگاه اراک دکترای زبان و ادبیات فارسی گرفت. برخی از آثار این نویسنده و دبیر آموزش و پرورش عبارتند از: «فرهنگ لغات و اصطلاحات کشف‌المحجوب هجویری»، «عشق‌های بی‌رنگ»، «یک فروغ



رخ ساقی»، «عروض شنیداری» و «مجموعه اشعار صبحگاهی». او در زمینه مقاله‌نویسی هم فعال است که از آن جمله‌اند: شخصیت‌پردازی در تاریخ بیهقی، زیبایی‌شناسی غزل پست‌مدرن با تکیه بر اشعار رضا براهنی، نقد و تحلیل گیله‌مرد، نقد و بررسی کتاب جدید التالیف فارسی هفتم و هشتم، مقاله بررسی مکاشفات عرفانی در عبهر العاشقین، مقاله التباس و مکاشفه و مقایسه آن با خواب‌ورویا، نقد و بررسی داستان کباب غاز. **طوطی، عباس** (۱۳۵۰-۱۴۰۰ خ)، اهل ساوه، نوازنده و مدرس ارگ و ویژه کودکان و دارای مقام جشنواره ای است.

طیبی، سیداحسان (۱۳۴۹ خ)، از ابتدای دهه ۱۳۶۰ نواختن سازهای کوبه‌ای را آغاز کرد

و در ادامه، ساز تنبک را به صورت خودآموز فراگرفت و از محضر استاد جهانگیر ملک، استاد ارژنگ کامکار و نوید افقه بهره برد و شیوه نوین دف‌نوازی را هم نزد استاد مسعود حبیبی آموخت. او در سال ۱۳۷۸، ساخت سازهای کوبه‌ای را هدف‌گذاری کرد که نتیجه آن ابداع برخی از سازها مانند سه‌تاس، طبلک، زنبورک سیمی، ساز دلنواز و تیتاس بود. این هنرمند موسیقی هم‌چنین برای نخستین بار در کشور برخی از سازها مانند دیجیریدو، باران، کاخن، ضرب باستانی چوبی و تیمپانی را در کنار بیش از ۴۰ نوع ساز کوبه‌ای فولکلور ایرانی و غیر ایرانی تولید کرد. دریافت مهر اصالت جهانی در سال ۱۳۹۱ از یونسکو و نشان خلاقیّت در سال ۱۳۹۴ از افتخارات این هنرمند اراکی است.



طیبی، سیدرضا (۱۳۵۲ خ)، فرزند سیدمصطفی، تحصیلاتش را در مدرسه داودی‌نژاد و

خالداسلامبولی گذراند و از هنرستان شهیدباهنر اراک دیپلم گرفت. در نوجوانی به خواندن قرآن علاقه‌مند شد و به استعداد صدای خویش پی برد و به موسیقی روی آورد. او تا پیش از ۲۰ سالگی با دستگاه‌ها و نت‌ها آشنا شد و در کلاس آقایان داود فیاضی، باقر نظری و آرش فرهنگ‌فر شرکت کرد. وی سپس در سال ۱۳۷۴ در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی از محضر کریم



صالح‌عظیمی بهره برد و به‌توصیه ایشان در کلاس استاد محمود فرهمند و در ادامه نزد حمید کلانتری و محسن کوهستانی به تکمیل آموخته‌های خویش پرداخت. وی هم‌چنین در کلاس استاد کرامتی و حمیدرضا نوربخش تلفیق شعر و ردیف آوازی را آموخت و سه‌تار را نیز از مسعود شعاری فرا گرفت و در ادامه به‌عنوان عضو اصلی کارگاه استاد شجریان از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳، نزد این استاد بزرگ شاگردی کرد و از ایشان دست‌خط تایید دریافت نمود. وی دانش آموخته کارشناسی مدیریت فرهنگی و هنری و ارشد مدیریت امور فرهنگی است و در سال ۱۳۹۵ کتابی با عنوان «نقش موسیقی اصیل ایرانی در هویت‌سازی فرهنگی» به‌چاپ رساند. عضو پیوسته کانون خوانندگان و مدرسان خانه موسیقی ایران، دارای کارت صلاحیت تدریس از وزارت فرهنگ و همچنین نامش در کتب معتبر به‌عنوان خواننده سنتی به‌چاپ رسیده و طی این سال‌ها با بخش تولید موسیقی صداوسیما همکاری داشته و سروده‌ها و ترانه‌هایی را با آهنگ‌سازی مهرداد دلنوازی اجرا کرده و آلبوم «ناز نگاه» نیز اثر اوست.

ظ

ظریفی‌ساوجی، محمدبیگ (زندگی ۹۵۵ خ)، از شعرای مشهور قرن دهم **ساوه** که عده‌ای از تذکره نویسان، نام او را محمدبیگ یا محمودبیگ نوشته‌اند. تخلص این شاعر «ظریفی» یا طریقی بوده و در زمان شاه‌طهماسب صفوی می‌زیسته و ۱۶ سال ملازم اکبرشاه در هندوستان بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۴۵).
ظهیری، فاطمه (۱۳۶۲ خ)، فرزند کریم و بانو مریم، تحصیلات مقدماتی را در دبستان ۱۵ خرداد، راهنمایی معصومیه و دبیرستان فاطمیه **اراک** گذراند و در دانشگاه اراک زبان‌وادبیات فارسی خواند. او که کارشناس مسوول ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است، داستان‌هایش در مجموعه‌های انشای عقل، باغ کودکی، پنجره‌های روبه‌ماه، لوح عشق و شهروند آفتابی به‌چاپ رسیده و آواز درناها، بیا منو بخور، بمبی، زیر قوالم نمی‌زنم و ببینید چی کشیدم نیز کتاب‌هایی است که به‌صورت مستقل نوشته است.

ع

عابد، سمیه (۱۳۵۹ خ)، اهل **ساوه**، کارشناس مترجمی انگلیسی و هم‌چنین دانش آموخته داستان‌نویسی، فیلم‌نامه‌نویسی و ویراستاری است و تاکنون چندین اثر منتشر کرده که کلیات داستان‌نویسی، مسخ، مجموعه داستان کوتاه من هنوز منتظرم، برمزار خودم، داستان چیست و نیز تکه‌های پازل تربیت از آن جمله‌اند. مقام دوم جشنواره ادبی یوسف در سطح استان تهران، مقام سوم جشنواره ادبی یوسف استان البرز، مقام شایسته تقدیر داستان کودک جشنواره انسان



تمام و مقام برگزیده طرح رمان نوجوان جشنواره انسان تمام، برخی از افتخارات اوست.

عابدآشتیانی، یوسف (۱۳۱۶ خ)، فرزند علی، در سال ۱۳۳۵، با تأسیس هنرستان موسیقی تبریز زیر نظر استادانی چون محمدحسن عذاری به فراگیری تار پرداخت. جوادآقا اردوبادی و فخیم فارابی از دیگر استادان او بودند. عضو ارکستر رادیو و تلویزیون تبریز در سال ۱۳۴۵ و تأسیس نخستین آموزشگاه آزاد هنری فارابی در سال ۱۳۶۲ از سوابق این هنرمند موسیقی است.

عابدی، هادی (۱۳۶۵ خ)، فرزند عابدین و بانو معصومه، تحصیلاتش را در دبستان فاضل نراقی و راهنمایی حاج ماشاءاله اصفهانی در نراق (**دلیجان**) گذراند و از دبیرستان شهید هاشمی‌نژاد دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه آزاد دلیجان مدیریت بازرگانی خواند. وی یکی از نویسندگان کتاب «حماسه مردان دلیرگان» است.



عابدین، علی اصغر (زندگی ۱۴۰۲ خ)، نویسنده‌ای اهل **ساوه** که «آستان مقدس امامزاده اسماعیل»، «ساوه سرزمین مقدس»، «گل‌پونه‌های شعروادب»، «دارو و داروخانه»، «گل‌واژه‌های اهل‌بیت»، بارگاه ملکوتی امامزاده سیدعلی‌اصغر»، «زیارتنامه امامزاده سیداسحاق»، «بهشت شهدای ساوه» و نیز کتاب «معنوی و مثنوی عابدین» را در کارنامه دارد.

عادلخانی، حسن (۱۳۵۱ خ)، فرزند محمدعلی، متولد روستای **آمره (کمیجان)** پس از تحصیلات مقدماتی در آشتیان، از دانشگاه گیلان لیسانس و از علامه طباطبائی ارشد ادبیات گرفت. تدریس در دبیرستان و دانشگاه آزاد آشتیان از سوابق اوست و در شعر هم «برگ» تخلص می‌کند. «فرهنگ آمره» و نیز «لهجه و دستور زبان و گویش آشتیان» از آثار نوشتاری این شاعر و نویسنده کمیجانی است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۹۶).

عارضی‌انجدانی (قرن ۱۱)، اهل روستای انجدان (**اراک**)، از شعرای خوش‌قریحه قرن یازدهم می‌باشد که خوشنویس ماهری هم بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴۹).

عارف‌یل‌آبادی، عبدالحمید (درگذشته ۱۲۸۴ خ)، فرزند محمدعلی، محقق، شاعر و نویسنده گمنام **ساوجی** که اثری خطی دارد به‌نام «مرشدالعباد» مربوط به سال ۱۲۴۵ که امروز در کتابخانه مجلس است. اثر دیگر او «دیوان عارف» است که به بیان منظوم اصول عقاید و کلام باب (بهاییان) پرداخته و این کتاب هم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و برخی آثار دیگر هم دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۵۴).

عاشق‌ساوجی، رضاعلی (قرن...)، فرزند غلامعلی، شاعر اهل روستای سنگک از توابع نوبران (**ساوه**) که آثاری به زبان ترکی دارد و از آن جمله‌اند: اشعار عاشق رضا، داغلار، چول وقتی دیر، گول بایرامی، حیفین گلمدی. رضاعلی سواد نداشته و اشعارش توسط برادرش نورعلی گردآوری و ثبت شده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۵۲).

عاشوری، علی اکبر (۱۲۸۰-۱۳۷۲ خ)، فرزند حسین آقا و بانو زهرا، در **محلات** متولد شد و مقدمات را در مکتب‌خانه میرزا حسین مجد گذراند و سپس در این شهر مکتب‌خانه دایر کرد. از شاگردان ایشان می‌توان به حجج‌الاسلام آقاچه امام جمعه محلات، شهید محلاتی، خلیل سروش، سید محمدعلی شهیدی نماینده مردم محلات و دلیجان در مجلس و نیز هادی‌زاده دیگر نماینده این حوزه اشاره کرد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۲۱).



عاصم السلطنه، ابراهیم (قرن...)، فرزند محمدتقی میرپنج و رئیس ایل بزچلو (**کمیجان**) در قرن معاصر بوده و از نوادگان آدوبادور است که در زمان وی و پدرش کمیجان منطقه بیگ‌نشین و بیگلربیگی بود و بخشی از سپاه و قشون موردنیاز حکومت برای اعزام به مناطق جنوب و غرب کشور را بر عهده داشت. او همسر خانم قدس السلطنه، واقف زمین بیمارستان قدس اراک بود.

عالیخانی، علینقی (۱۳۹۸-۱۳۰۷ خ)، وزیر خوش‌نام در اقتصاد ایران و کسی است که

دوران طلایی صنعتی‌شدن کشور و راه‌اندازی شرکت‌های تولیدی متعدد بویژه توسط بخش خصوصی در دهه ۱۳۴۰ را موجب شد. وی اصالت **اراک** دارد و یکی از شاخه‌های



عالیخانی اینجاست. او اینجا را به‌عنوان پایگاه صنعت نوین کشور برگزید تا خاستگاه

نخستین و بزرگ‌ترین کارخانجات آلومینیوم و ماشین‌سازی کشور نامیده شود. کارآفرین توانمندی که نشان درجه یک «آبادانی‌پیشرفت» دریافت کرد. او که سابقه ریاست دانشگاه تهران را هم از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ دارد، از نخستین کسانی بود که با داشتن دکترای اقتصاد از پاریس، به‌عنوان سیاستمدار وارد تشکیلات سیاسی ایران شد و با ادغام وزارت بازرگانی و صنایع و معادن و تشکیل وزارت اقتصاد در سال ۱۳۴۱، هم‌زمان با رکود شدید اقتصاد ایران سکان‌دار این وزارتخانه شد و در مدت ۱۰ سال رشد ۱۱/۵ درصدی و تورم ۲/۶ درصدی را برای نخستین بار در اقتصاد ایران به ارمغان آورد و دلار از ۸۰ ریال به ۷۰ ریال کاهش یافت و یک دوران طلایی در اقتصاد ایران تجربه شد. در آن هنگام، نه‌تنها در ایران، بلکه حتی در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان هم تخصص اقتصاد در دیوان‌سالاری، بسیار نادر بود و داشتن وزیری اقتصاددان پدیده‌ای عادی به‌شمار نمی‌رفت.^۱

عبادی، احمد (۱۲۸۵-۱۳۷۱ خ)، فرزند میرزا عبدالله **فراهانی** و نوه علی‌اکبر فراهانی،

استاد برجسته موسیقی ایرانی و نوازنده سرشناس سه‌تار و تار است که موسیقی را از کودکی فرا گرفت و در ۱۸ سالگی در کنسرت شرکت کرد. از وی به‌عنوان یکی از استادان موسیقی ایرانی و ابداع‌کننده روش کوک و نوازندگی نوین سه‌تار یاد می‌شود. او با خوانندگانی مانند



^۱. خاطرات دکتر عالیخانی در مصاحبه نهم اکتبر ۱۹۸۴ - لندن با حبیب لاجوردی

غلامحسین بنان همکاری داشته و محمدرضا شجریان از ایشان به عنوان یکی از بزرگترین استادان موسیقی یاد کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۱).

عباسی، جلال (۱۳۴۷ خ)، فرزند ولی‌اله و بانو زهرا، دبستان را در زادگاهش روستای

کمال‌لو (ساوه) و راهنمایی و دبیرستان قلیچ‌خانی جوشقان گذراند. او سپس از دانشگاه گیلان لیسانس زبان و ادبیات فارسی، از واحد علوم و تحقیقات کارشناسی ارشد و از دانشگاه بوعلی همدان دکترای همین رشته را دریافت کرد. «فرهنگ شعر شاملو» و نیز «فرهنگ شعر معاصر» دو اثر مکتوب این مدرس دانشگاه است که آثار دیگری هم در دست تدوین دارد.



عباسی، سمیرا (۱۳۶۲ خ)، فرزند آیت‌اله و بانو عفت‌سادات، دوران ابتدایی را در مدرسه

دولتی ابراهیمی‌فخر و راهنمایی را در مدرسه شاهد مشهد گذراند و از دبیرستان شاهد فاطمه‌الزهرا و شبانه‌روزی ضحی اراک، دیپلم گرفت. او سپس در رشته فلسفه، حقوق، مدیریت بازرگانی وارد دانشگاه شد و همه را نیمه‌کاره رها کرد و هم اکنون در رشته سینما،



شاخه فیلم‌نامه‌نویسی در دانشگاه علمی کاربردی مشغول به تحصیل است. «امام حسین و عاشورا»، «نگاهی به زندگی حضرت فاطمه»، «ام‌البنین فاطمه‌ثانی»، «هنر آشپزی سمیرا» و نیز کتاب «هنر شیرینی‌پزی سمیرا» از جمله آثار این نویسنده است و نیز فیلم‌نامه‌های «تضاد فکری»، «عدم سوءپیشینه»، «تاکسیدرمی»، «عطریاس» و سریال «پروانه‌های سوخته» هم از نوشته‌های اوست.

عباسی، کامبیز (۱۳۵۱ خ)، فرزند مرتضی و بانو اکرم، تحصیلاتش را در دبستان استقلال

و راهنمایی شهید مدنی اراک گذراند و از دبیرستان صمصامی دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه آزاد آشتیان علوم سیاسی و در دانشگاه علمی کاربردی اراک موسیقی خواند. این هنرمند، از سال ۱۳۷۶ تاکنون مشغول به فعالیت در عرصه موسیقی است و هنرآموزخته



محضر استادانی چون مرتضی صیاد (تئوری موسیقی و پیانو)، ساعد آذری (سلفژ و صداسازی به روش ایتالیایی)، محمودرضا کریمی (درک ریتم و وزن خوانی و پیانو)، حسین جعفری و ماشاءاله حاج‌واحدی (آواز)، امیرحسین سمیعی (سلفژ و آواز کلاسیک و پاپ کلاسیک) و چند استاد دیگر بوده و برخی از فعالیت‌های حرفه‌ای او عبارتند از: اجرای کنسرت با گروه تاک (۱۳۹۱)، اجرای قطعات پاپ کلاسیک در اختتامیه کلاس‌های آموزشی (مونخ آلمان ۱۳۹۲)، تشکیل گروه گُر انجمن موسیقی استان مرکزی (۱۳۹۳)، ارائه مقالات متعدد موسیقی‌پژوهی در نشریات و تدریس موسیقی.

عباسی، محمد کاظم (۱۳۳۴ خ)، فرزند حاجی‌آقا، در روستای زورقان (خمین) به دنیا آمد

و پدرش از خرده‌مالکین و افراد نسبتاً متمول منطقه بود. او پس از دیپلم از مدرسه دارالفنون تهران در سال ۱۳۶۴، در مدارس خمین به تدریس پرداخت و در همین سال‌ها موفق به دریافت لیسانس زبان و ادبیات فارسی شد. از مهمترین دست‌نوشته‌های این شاعر خمینی



می‌توان به «نماد یا سمبل‌سازی در شاهنامه»، «تحقیقی تاریخی با عنوان رسالت مطبوعات»، «شرحی بر احوال فرخی‌یزدی»، «شرحی بر داستان ضحاک از شاهنامه فردوسی» و «عارفانه‌های عاشقانه» که حاوی دوهزار رباعی، قطعه و غزل است، اشاره کرد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۱۲).

عباسی‌بانی، ابوالفضل (۱۳۵۰ خ)، فرزند محمدعلی و بانو سرور، تحصیلاتش را در



دبستان روستای بان (اراک) و راهنمایی عقیل‌آباد گذراند و از دبیرستان شهیدبهرشتی دیپلم گرفت. این دانش‌آموخته مدیریت صنعتی، از سال ۱۳۷۴ در شرکت کمابین‌سازی ایران مشغول بکار شد. او که از کودکی و پیش از دبستان، نزد پدرش قرآن و تعزیه‌خوانی را آموخته بود، فعالیت‌های اجتماعی‌اش را هم از دوره دبیرستان آغاز کرد و درکنار تجارب شغلی که همراه بود با بهینه‌کاوی‌های صنعتی در شهرهای مختلف ایران، به این نتیجه رسید که ریشه مشکلات امروز ایران نه صرفاً تولیدواقتصاد، که ناآگاهی و بی‌توجهی مردم به ظرفیت‌های فرهنگی است و این چرایی ورود جدی ایشان به عرصه پژوهشگری است. دو کتاب «از ایراک تا اراک» و «نامداران ایراک» در کنار فعالیت‌های مدنی گسترده و مقالات متعدد اجتماعی فرهنگی منتشره در نشریات محلی، از آثار این نویسنده، پژوهشگر و مدیرعامل بنیاد اراک‌شناسی و مبدع نشست‌های فرهنگی است که تقریباً همه‌ماه برگزار می‌کند و کتب دیگری هم در دست تألیف دارد. مؤسس و نایب‌رئیس جمعیت حامیان کارگران استان، مؤسس و مدیرعامل مجمع خیرین بیمارستان طالقانی، مدیرعامل تعاونی مخابرات، رئیس هیأت‌مدیره و سرپرست شرکت تولیدی صنعتی تکسا و همچنین مشاور برخی از شرکت‌های صنعتی اراک از دیگر سوابق اجرایی اوست.

عباسی‌طاهری، محمدحسین (۱۳۷۹ خ)، فرزند حسن، اهل **دلیجان**، دانش‌آموخته کارگردانی از دانشکده صداوسیما و دانش‌آموخته همین رشته در مقطع ارشد دانشگاه سوره و مشغول بکار در سازمان سینمایی سوره است. ایشان همچنین نویسنده و کارگردان فیلم کوتاه «انگشتر» است و برخی دیگر از فیلم‌های او عبارتند از: دیر هنگام، هم‌نوع، زنگ تفریح، ایستگاه آخر، پرنسس، مدال، کیوسک و بیست.

عبدالحسینی، مجید (۱۳۵۱ خ)، فرزند احمد و بانو طاهره، اهل خورمه (**محلات**)، تحصیلاتش را در مدرسه نهم‌آبان آغاز و تا دریافت کارشناسی ارشد تربیت بدنی ادامه داد. عنوان ملی قهرمان کشور، آسیا و جهان، پانزده سال عضویت تیم ملی ایران، کاپیتان تیم ملی کاراته ایران، دارای عناوین متعدد قهرمانی در سطح ملی، آسیا و جهان، پانزده سال مربی و سرمربی تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان، امید و بزرگسالان ایران و همچنین سرمربی تیم‌های ملی کویت و چین از افتخارات این قهرمان ورزشی است.

عبدالحمیدی، سعید (۱۳۳۸ خ)، فرزند محمدباقر و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در



دبستان سینا و راهنمایی قاضی‌نوری آبادان گذراند و از دبیرستان ابن سینا همین شهر دیپلم ریاضی گرفت. او سپس در سال ۱۳۶۵ از مرکز اسلامی آموزش فیلم‌سازی تهران دانش آموخته شد و به **اراک** آمد. بنیان‌گذار و مدیر انجمن سینمای جوانان استان مرکزی به‌مدت

۳۲ سال، نگارش، کارگردانی، تدوین، فیلم‌برداری و تولید چندین فیلم کوتاه، مدرس فیلم‌سازی و عکاسی و برگزاری چندین نمایشگاه عکس از افتخارات هنری فرهنگی این سینماگر و عکاس ساکن اراک است.

عبدالرضایی، احمد (۱۳۳۸ خ)، متولد اراک، پس از دریافت دیپلم، تحصیلاتش را در



رشته شیمی ادامه داد و از دانشگاه اراک کارشناسی گرفت. او هم‌زمان با تحصیل، به تمرین خوشنویسی پرداخت و در حالی که از محضر استادان حسن آهنگران، حسینی‌موحد، فردی و امیرخانی بهره‌مند می‌شد، تدریس و آموزش خطاطی برای هنرجویان انجمن خوشنویسیان اراک، کاشان، قم و تهران را هم در دستور کار قرار داد و همراه با تدریس در انواع خط نستعلیق، ثلث، نسخ ایرانی و عربی و... تبحر یافت. ایشان ضمن کتابت قرآن کریم، نسخه کامل تعزیه میرانجم، کتیبه مسجد محمدرسول‌اله دویی، حرم امام رضا و بسیاری اماکن دیگر، افتخارات بسیاری هم کسب کرد که از آن جمله‌اند حضور در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و کسب مکرر مقام‌های برتر و... (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

عبدالکریمی، قاسم (۱۳۰۲-۱۳۸۷ خ)، فرزند میرزا حسن (شاعر)، تحصیلات مقدماتی را



نزد پدرش و همچنین در مکتب‌خانه ملاعباس محبعلی و همچنین دبستان ضیائییه تفرش گذراند. او که مطالعات گسترده‌ای در زمینه تاریخ و ادبیات ایران داشت، در اداره آموزش و پرورش تفرش استخدام شد و پس از مدتی به اداره آموزش و پرورش ساوه منتقل شد و در شغل معلمی بازنشست شد. از این شاعر و نویسنده که «صادق» تخلص می‌کرد، مجموعه اشعاری به‌یادگار مانده که در دست چاپ است و همچنین آثاری به نثر دارد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۲۱).

عبداللهی، حمیدرضا (۱۳۴۷ خ)، فرزند خلیل‌اله، متولد روستای ضامنجان (اراک)، پس از دریافت دیپلم در راه‌آهن استخدام شد. او که در دوران تحصیل به حسن خط مشهور بود، در سال ۱۳۷۲ نزد استاد داود کریمی دوره عالی را گذراند و سپس در مواقعی از محضر استادان واشقانی‌فراهانی، علی احمدی و سادات کیانی بهره می‌برد. وی در سال ۱۳۹۰ در کلاس استاد پورهادی شرکت کرد و یک‌سال بعد به درجه ممتازی رسید (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۴۷)

عبدلی، سمیه (۱۳۶۲ خ)، فرزند ابوالفضل و بانو فریبا، تحصیلات مقدماتی را در دبستان



هاشمی‌سنجانی و راهنمایی پروین اعتصامی گذراند و از دبیرستان حاج حسین کریمی سنجان (اراک) دیپلم گرفت. او سپس دوره کارشناسی جغرافیا را در دانشگاه اصفهان و ارشد را هم در دانشگاه زنجان پشت‌سر نهاد. این نویسنده و پژوهشگر حوزه اراک‌شناسی از سال ۱۳۹۱ تدریس در دانشگاه‌های سطح استان را آغاز و هم‌زمان به فعالیت‌های پژوهشی پرداخت و تاکنون بیش از ده‌ها مقاله ملی و بین‌المللی به چاپ رسانده است. کتاب «گذری بر تاریخ و نظری بر جغرافیای کلانشهر اراک» با همکاری سهراب عسگری عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، نخستین تجربه این فعال

فرهنگی در حوزه نویسندگی است و کتاب «از ایراک تا اراک» را هم با آقای ابوالفضل عباسی‌بانی منتشر کرده است.

عبدلی، مهدی (۱۳۶۵ خ)، فرزند شعبانعلی و بانو زهرا، تحصیلات مقدماتی را در دبستان

بعثت، راهنمایی حکمت و دبیرستان صمصامی بیات (اراک) گذراند و در دانشگاه آزاد اراک مهندسی کشاورزی خواند. او استعداد صدای خوش را از خانواده مادری به‌یادگار گرفت و به‌مرور، در فضای تلاوت قرآن ادامه یافت و در این مسیر با هنرمندان بسیاری همکاری و



همدلی داشته که در برنامه‌های مختلف رادیو و تلویزیونی و نشست‌های فرهنگی تبلور یافت. مهندس عبدلی، سپس کارشناسی آهنگسازی موسیقی ایرانی را در دانشگاه علمی‌کاربردی اراک خواند و در کنار تحصیل، از محضر استادانی چون اکبر گلپایگانی، حمیدرضا نوربخش، فریبا داودی و امیرحسین زندیان در تهران و رضا ربیعی، کریم خوش‌الحان و کامران اناری در اراک بهره گرفت. جلوه‌های صدایی این خواننده خوش‌صدا را به‌علت علاقه و گرایش شخصی، بیشتر می‌توان در تصنیف‌خوانی و موسیقی تلفیقی شنید. کسب رتبه نخست در دو دوره متوالی جشنواره‌های موسیقی استان و کسب مقام برتر در جشنواره نغمه‌های عاشورایی (سال ۱۳۹۲) و نیز انتشار دو آلبوم ماه غریب (سال ۱۳۸۳) و عصر روز دهم (سال ۱۳۹۲) برخی از افتخارات این هنرمند موسیقی است.

عبدلی آشتیانی، اسداله (۱۳۴۶ خ)، فرزند تقی و بانو زرین‌خانم، در آشتیان دیپلم گرفت

و در تهران به مطالعه در زمینه سندپژوهی، متن‌پژوهی و خط‌سیاق پرداخت. ثمره تلاش پیوسته ایشان در این حوزه، علاوه بر تربیت و پرورش تعداد زیادی سندپژوه و سیاق‌خوان، تألیف کتاب ارزشمند سیاق (تاریخ، آموزش، دیوان‌سالاری و ریاضی حسابداری) می‌باشد که



در دو جلد به‌چاپ رسیده است. عبدلی آشتیانی علاوه بر پژوهش و تخصص ویژه در علم سیاق، در بازخوانی خطوط قدیمی، نسخه خطی و اسناد محلی، بویژه اسناد مربوط به آشتیان تبحر خاصی دارد. کتاب «خودآموز حساب سیاق پایه اول» تازه‌ترین اثر اوست که در چهار پایه تنظیم شده و در گسترش فرهنگ سیاق‌خوانی و سندشناسی دیوانی و مالی دوره قاجار از ارزش بسیاری برخوردار است. چاپ بیش از ۳۰ عنوان کتاب و ۴۵ عنوان مقاله در نشریات تخصصی و سخنرانی‌های علمی مهر تأییدی است بر اندوخته علمی و مهارت این نویسنده و پژوهشگر حوزه خط و حساب سیاق، سندشناسی و بویژه آشتیان‌شناسی.

^۱. سیاق، روشی قدیمی در حسابداری است که در ثبت و ضبط ارقام و اعداد محاسبات دیوانی و تجاری کاربرد داشته است.

عبدی، مریم (۱۳۶۲ خ)، فرزند نعمت و بانو اقدس، اهل توره (شازند)، کاردان حسابداری و کارشناس دبیری تربیت بدنی است که در زمینه شعر و قصه فعالیت می‌کند. او که دارای رتبه نخست استانی شعر کودک در زمینه دفاع مقدس در سال ۱۳۸۹ و رتبه‌های متعدد شهرستانی است، از سال ۱۳۹۰ در برنامه رادیویی قصه‌های سرزمین من فعالیت دارد و قصه‌ها را با گویش محلی اجرا می‌کند و ۷ عنوان کتاب از ایشان منتشر شده که عبارتند از: من یک قاصدکم، هرچیزی که زباله نیست، اتل مثل یه قصه، معلم آسمانی، این ترانه هم شاید، ساکنان مادر، هوای شهرما.



عبدی، نوراله (۱۳۵۵ خ) در روستای گل‌زرد عبدی (شازند) زاده شد و تحصیلات ابتدایی را در این روستا گذراند، سپس با خانواده به اراک مهاجرت کرد و در رشته علوم تجربی دیپلم گرفت. وی دانش‌آموخته رشته مهندسی منابع طبیعی است و مدارک کارشناسی، ارشد و دکترای خود را به ترتیب از دانشگاه‌های مازندران، تهران و علوم و تحقیقات تهران دریافت کرد. ایشان از سال ۱۳۸۰ عضو هیأت علمی گروه منابع طبیعی و محیط‌زیست دانشگاه آزاد اسلامی اراک است و به تدریس و پژوهش در این حوزه اشتغال دارد. انجام بیش از ۳۰ طرح پژوهشی ملی و استانی، دهها مقاله در مجلات علمی- پژوهشی داخلی و خارجی و همایشی، کسب عنوان پژوهشگر برتر در سال‌های متمادی و چاپ ۵ عنوان کتاب در زمینه منابع طبیعی و مدیریت تالاب‌ها را در کارنامه دارد که از آن جمله می‌توان به کتب «برنامه مدیریت جامع تالاب میقان»، «اصول کاربردی روش‌های مطالعه پلایا»^۱ و «برنامه مدیریت جامع تالاب آق‌گل» اشاره کرد. فعالیت پژوهشی در مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، مدیریت گروه منابع طبیعی و محیط‌زیست، مدیریت پژوهش دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد اراک و ریاست دانشگاه آزاد مهاجران از سوابق اجرایی و مدیریتی دکتر عبدی می‌باشد.



عبیدی آشتیانی، کیهان (۱۳۴۰ خ)، پس از دیپلم برای تحصیل به آمریکا رفت و در سال ۱۳۶۳ در دانشگاه هوستون تگزاس موفق به دریافت لیسانس در رشته مهندسی الکترونیک و در سال ۱۳۷۰ از دانشگاه ویسکانسین مدیسون فوق‌لیسانس مهندسی کامپیوتر و الکترونیک و در سال ۱۳۷۳ از همین دانشگاه دکترا گرفت. این دانشمند، ۱۴ اختراع ثبت شده در آمریکا دارد و بیش از ۳۰ مقاله از وی در زمینه‌های فنی در مجلات علمی آمریکا چاپ شده و هم‌اکنون در سمت معاونت شرکت نوولوس و مدیرعامل یکی از بزرگترین بخش‌های این شرکت فعال است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹ : ۴۸۳).

^۱. دق، پلایا (Playa) یا دریاچه خشک، زمین‌هایی در پست‌ترین قسمت حوضه آبریز یا دشت‌های سطح که در فصل خشک یا تمام طول سال خشک هستند.

عبیدی آشتیانی، کیوان (۱۳۳۵ خ)، فرزند اسحاق و بانو نسرين، کارشناس مدیریت

بازرگانی از دانشگاه علامه طباطبائی در کنار ۲۵ سال فعالیت مرتبط با رشته تحصیلی‌اش، در حوزه معرفی کتاب و چند مجله فرهنگی و نیز شورای کتاب کودک، به‌عنوان یکی از اعضای فعال در بررسی آثار ترجمه نقش‌آفرین بوده و بیش از ۳۰ اثر ترجمه‌ای دارد. گرچه بیشتر آثار وی در حوزه ادبیات نوجوان است، اما آثاری هم در زمینه ادبیات کودکان و هم‌چنین بزرگسالان دارد. هم‌چنین برخی از آثار این مترجم مانند «بخشنده»، «در جستجوی آبی‌ها»، «پرنیان و پسرک» و «با کفش‌های دیگران راه برو» مورد تقدیر مجامع ملی و بین‌المللی قرار گرفته‌اند (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۶۷۱).



عتیقی، خلیل‌اله (۱۳۰۳-۱۳۷۰ خ)، فرزند میرزا علیجان و بانو عذرا، از شاعران و

خوشنویسان **تفرشی** است که خواندن و نوشتن را نزد پدر آموخت و سپس به آموختن خط پرداخت، تا آن‌جا که در نستعلیق مهارت یافت. کربلایی خلیل‌اله، طبع شعر را نیز از پدر شاعرش به‌ارث برده و در شعر «کاتب» تخلص می‌کرد. او پس از گذراندن دوره بهیاری به‌استخدام بهداری تفرش درآمد و در سال ۱۳۶۶ بازنشته شد. «یوسف‌وزلیخا» و «عاقبت یزید» از مهمترین کتب منظوم این شاعر در سن ۳۰ سالگی است و هم‌چنین مختارنامه، سیره پیامبر و ائمه اطهار، خونین کربلا سالار شهیدان، انتقام خون حسین، میلاد محمد مصطفی، خصایص مردم تفرش، منظومه جغرافیای تفرش، زندگی پیامبر و بازنویسی نسخه‌های تعزیه، از دیگر آثار این خوشنویس شاعر است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۲۲).



عتیقی، عقيله (۱۳۵۰ خ) فرزند خلیل‌اله، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی از مرکز مدیریت دولتی اراک و دبیر آموزش و پرورش تهران است. گردآوری و تألیف نوشته‌های پدرش خلیل‌اله با نام وصف‌نامه، نغمه‌های عاشورا و یوسف‌وزلیخا و نیز «در مکنون» اثر پدر بزرگش علیجان از آثار این نویسنده **تفرشی** است که یاد پدر و پدر بزرگش را این‌گونه جاودان کرده است.

عتیقی، علیجان (۱۲۶۷-۱۳۵۷ خ)، فرزند محمد و بانو خورشید، در مکتب‌خانه میرزا حسن

ترخورانی (**تفرش**)، تحصیل کرد و به مجلس درس بزرگان تفرش راه یافت. او ادبیات فارسی و عربی را آموخت و علاوه بر خوشنویسی به تجارت و کاروان‌داری پرداخت. این شاعر که «مشتاق» تخلص می‌کرد، به‌سبب خط نیکویی که داشت به‌عنوان نخستین معلم هنر و خوشنویسی به‌استخدام اداره فرهنگ تفرش درآمد و به‌تدریس خط، هنر و تاریخ و جغرافیا پرداخت. او سپس به محضر عارف‌علیشاه ترخورانی در طریق عرفان نعمت‌الهی قدم نهاد و مدتی بعد لقب مشتاق‌علیشاه گرفت. وی در مدح ائمه اطهار و اوضاع اجتماعی روز شعر می‌سرود و علاقه زیادی به نوشتن تخته‌های سقف منازل



(پرتونویسی) داشت و در بسیاری از خانه‌های قدیمی، نمونه خط او به‌یادگار مانده است (احیدری، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

عجمی، هدایت‌اله (۱۲۹۳-۱۳۶۴ خ)، فرزند محمدکاظم، متولد روستای ورآباد

(خمین)، پس از سپری کردن دوران متوسطه، عازم تهران شد و در سال ۱۳۲۰، در

اداره فرهنگ استخدام و در سال ۱۳۵۵ بازنشست شد. این شاعر خوش‌قریحه در شعر

«معلم» تخلص می‌کرد و دیوان شعری هم دارد. او پس از انقلاب در دانشگاه پلیس



مشغول به تدریس شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۱۷).

عدل، سیدابوالفضل (۱۳۵۱ خ)، فرزند سیدحسن و بانو فاطمه، پس از تحصیلات مقدماتی

در مدارس هدف، شهدا و دبیرستان صمصامی (اراک)، از سال ۱۳۶۶ فعالیت هنری خود را

آغاز و با ایده‌پردازی‌های نو، توانسته در عرصه سینما، تلویزیون و موسیقی به چهره‌ای اثرگذار

تبدیل شود. این دانش‌آموخته سینما و حقوق شاغل در صداوسیما مرکز اراک و همکار

شبکه سوم سیما، با تولید بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی به‌عنوان تهیه‌کننده، کارگردان و عکاس

و تصویربردار، ده‌ها عنوان برگزیده و دیپلم افتخار از جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی کسب نماید.

ایشان در حوزه قلم نیز کتاب «رموز شگفت‌انگیز عکاسی در استودیو» را منتشر و کتابی هم با موضوع حقوق

در دست تدوین دارد.



عدل، سیداحسان (۱۳۴۸ خ)، فرزند سیدحسن و بانو فاطمه، پس از تحصیلات مقدماتی

در مدارس هدف، صالحین و دبیرستان صمصامی (اراک)، از دانشگاه تهران فوق‌لیسانس

مدیریت استراتژیک و دکترای اقتصاد گرفت. او که از مدیران مطرح در حوزه منابع انسانی

و همچنین عضو هیأت مدیره و دبیر انجمن مدیران منابع انسانی تهران است، ضمن تدریس

در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، هم اکنون نماینده مدیرعامل و مدیر اداری و منابع انسانی بورس و اوراق

بهادار کشور است. این مدیر عالی‌رتبه نیز مانند برادرش سیدابوالفضل، طبع هنری داشته و دستی در هنر

خوانندگی، گویندگی و عکاسی دارد.



۱. در سقف منزل پدری با خط زیبای شیخ حسین جعفری این اشعار نوشته شده است: بزرگوار خدایا در این سرای دو در/به حرمت سه محمد به حق چار علی/به دو حسن و حسین و به موسی جعفر/هزار نصرت و شادی هزار فتح و ظفر/بارالها کم مگردان چهار چیز از این سرا/ خلق خوش، مهمان نیکو، سفره و قلیان چاق

عدل، سیدمحسن (۱۳۴۱ خ)، فرزند سیدحسن و بانو فاطمه، متولد اراک، دکترای



مدیریت راهبردی و از نخستین افرادی است که مفتخر به دریافت درجه سرداری شد و نخستین رئیس آموزشکده علوم اداری و ستادی نیروی انسانی سپاه بود. او همچنین نخستین تیم ساماندهی و برنامه‌ریزی اقتصادی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا را پس از دوران دفاع مقدس تشکیل داد. ایشان که مسوولیت‌های مهمی مانند مشاور عالی فرماندهی ناجا، معاونت بنیاد تعاون ناجا، مدیرعامل شرکت صنایع معدنی فلات قاره، مشاور عالی شرکت تایدواتر خاورمیانه را برعهده داشته، در زمینه نوشتن هم کتاب «اتاق فکر» را برای استفاده نیروهای نظامی کشور تألیف کرده و به‌عنوان پژوهشگر و نویسنده مورد تقدیر قرار گرفته است. سرتیپ عدل هم‌چنین هسته اولیه ورزش‌های هوایی تهران را پایه‌گذاری کرده و خود از نخستین خلبانان پاراگلایدر در کشور محسوب می‌شود.

عدلی، زهره‌زهرا (۱۳۳۹ خ)، فرزند احمد و بانو طاهره، متولد اراک، پس از گذراندن دوره



دبستان و دبیرستان در سال ۱۳۵۷، به‌عنوان معلم مشغول بکار شد. او سپس در سال ۱۳۶۷ فوق‌دیپلم عربی و در سال ۱۳۷۳ و با رتبه نخست از دانشگاه اراک، لیسانس زبان‌وادبیات فارسی گرفت و بدون کنکور وارد دانشگاه تهران شد و در همین رشته کارشناسی‌ارشد گرفت. او به پیشنهاد دکتر مظاهر مصفا، تحقیق در زندگی و آثار شاعران را به‌عنوان پایان‌نامه برگزید و در این قالب زندگی بیش از ۲۰۰ شاعر این استان را مورد بررسی قرار داد. این مؤسس دبیرستان فرهنگ در سال ۱۳۷۵ توانست با جذب دانش‌آموزان مستعد، روش نوینی را در تحصیل علوم انسانی فراهم آورد، به‌گونه‌ای که برخی از دانش‌آموزان ایشان در المپیادهای ادبی کشور حائز مقام شده و می‌شوند.

عراقی، ابوالفضل عبدالرحیم (۶۹۸ خ)، فرزند حسین، معروف به زین‌الدین، اهل اراک، احادیث

«احیالعلوم» امام محمد غزالی را استخراج کرد و راجع به طریق روایت و صحت سند و شرح آن در سال ۷۲۹، کتابی در چند جلد نوشت و چون صحت برخی از احادیث بر وی مسجل نشده بود، لذا در سال ۷۳۸، کتاب دیگری به نام «المغنی عن حمل الاسفار» راجع به احادیث احیالعلوم نوشت (صدیق، ۱۳۷۲: ۸۶).

عراقی، احمد (۱۳۲۱-۱۳۹۲ خ)، فرزند علی‌اکبر، متولد اراک، دارای مهندسی متالورژی از دانشگاه ایالتی

اورگان (امریکا) است. مهندس عراقی به‌عنوان کارآفرین در سال ۱۳۶۰ اقدام به تأسیس شرکت آلومینیوم فاز کرد که در زمینه تولید قطعات آلومینیومی خودرو (دایکاست) در منطقه حاجی‌آباد اراک مشغول است.

عراقی، احمد (قرن ۱۳)، اهل اراک، از شاگردان فاضل و برجسته آیت‌اله حجت کوه‌کمره‌ای بوده و چندین

سال از محضر فقه و اصول ایشان استفاده کرد. این عالم دینی هم‌چنین تقریرات استادش را نوشته است (محتاط، ۱۳۷۲: ۹۳).

عراقی، باباعلی شاه (در گذشته ۹۳۰ خ)، ملقب به ابدال عراقی (اراک)، از عرفای نامی قرن نهم که در هرات می‌زیسته، با مولوی و جامی معاشرت داشته و شعر عارفانه را نیکو می‌سروده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۴).

عراقی، جواد (قرن...)، فرزند جلال‌الدین، اهل اراک، خطیب فاضل و محقق که در کنار خطابه و وعظ، به ادبیات عرب و فارسی نیز می‌پرداخته و از آثار این عالم دینی «سفینه عراقی» است و نیز نسخه‌ای از «اصول کافی» که به خط محقق و ادیب قرن یازدهم، سیدعلی بروجردی بوده، در مالکیت داشته و نویسنده نسخه را بسیار ستوده است.

عراقی، سید اسماعیل (۱۲۶۲-۱۳۱۸ خ)، فرزند حاج آقامحسن اراکی و شاگرد محمد

خراسانی و عبدالکریم حائری یزدی، عالم دینی و ۵ دوره از سوی مردم اراک نماینده مجلس شورای ملی بود. او در دوره یازدهم مجلس بر اساس پرونده‌سازی شهربانی، به زندان افتاد و پس از حدود ۱۴ ماه آزاد شد و چندی بعد در سال ۱۳۱۸ به سبب شکنجه و وضعیت ناگوار دوران حبس و احتمال مسمومیت، در حالی دار فانی را وداع گفت که پیش از آن در خلع قاجاریه به نفع رضاخان نقش‌آفرینی کرده بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۴۱).



عراقی، سید محمدباقر (۱۱۸۷-۱۲۶۸ خ)، فرزند سید محمد، از فقها و ائمه جماعت در دوره ناصرالدین شاه بود که تحصیلات خود را در نجف گذراند و به عنوان یک عالم دینی، حوزه علمیه اراک را اداره می‌کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۵).

عراقی، سید نورالدین (۱۲۴۱-۱۳۰۲ خ)، مشهور به آقانورالدین فرزند سیدشفیع از

سادات کهرود (اراک)، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سپهداری گذراند و در سال ۱۲۶۴ به همراه چندتن از علمای مشهور و مشروطه‌خواه اراک مانند میرزا محمدعلی خان و آقاقتی سنجانی راهی نجف شد و از محضر استادان نامداری چون میرزا حبیب‌اله رشتی، محمدکاظم خراسانی، میرزا حسین و میرزا جلیل بهره برد. این عالم دینی برجسته، پس از ۷ سال به اراک بازگشت و ریاست امور دینی، اجتماعی و سیاسی مردم را بر عهده گرفت. وی پس از صدور فرمان مشروطیت نیز ریاست انجمن ایالتی اراک را عهده‌دار شد و در جریان جنگ جهانی اول و حمله به سرزمین‌های اسلامی (عثمانی و ایران)، علاوه بر فتوای جهاد، خود نیز در سن ۵۴ سالگی، ضمن تأمین مخارج سپاه، رهبری لشکر عراق عجم را بر عهده گرفت و از مسیر کرمانشاه به عراق و استانبول رفت و پس از ۳۹ ماه سفر جهادی، با پایان یافتن جنگ، در اوایل بهمن ماه ۱۲۹۷، در میان استقبال باشکوه مردم، به اراک بازگشت. او یکی



^۱. مریدی بنا بر باور، وقتی در نماز به او اقتدا کرده، حال باباعلی شاه متغیر شده و به جای فاتحه، این بیت خود را خوانده و گریخته: من رند بی سر و پا/ ز غم تو غم ندارم/ ز غم تو آن چنانم/ که غم تو هم ندارم

از مجتهدین بانفوذ و از برجسته‌ترین شخصیت‌های روحانی ولایت عراق بود و بین سال‌های ۱۲۸۲ تا زمان فوتش در سال ۱۳۰۲، مرجع تقلید بیشتر مردم ولایت عراق بود. امروز آرامگاه وی در اراک زیارتگاه مردم محسوب می‌شود و با شماره ۳۴۷۷ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. طهارت، صلوه، مکاسب، رساله‌ای در مبحث عقلیه، یک دوره کامل تفسیر قرآن، رساله حقوق‌المراه فی شریعه‌الاسلام، رساله‌ای در الهیات، رساله نورالایمان (در رد بهائیت)، رساله‌ای در اصول عقاید و رساله‌ای هم در شرح دعای صباح، از این روحانی نواندیش باقی مانده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۳۷).

عراقی، شرف (قرن ۷)، اهل کهرود (اراک)، مشهور به ابوعلی و ملقب به قلندر، از اهل سلوک و طریقت و واصلین مقام حقیقت و هم‌عصر با شمس تبریزی و مولوی بلخی است و سال‌ها با او معاشرت کرده و در کمالات مشهور بود. وی هم‌چنین شاعر بوده و این بیت از اوست: ره سلامت‌ورندی بود نشیب و فراز/ تو پای شوق نداری به کوی دوست متاز (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۲).

عراقی، شهاب‌الدین (قرن ۱۴)، از عرفا و دانشمندان اوایل قرن معاصر و از اهالی عراق (اراک) است. **عراقی، صدرالدین** (قرن ۸)، اهل عراق (اراک)، از عارفان و دانشمندان قرن هشتم هجری است که در واقعه کور کردن امیرمحمد مظفر این رباعی را سرود: گر دست قضا چشم تو را میل کشید/ در ذات شریف تو نشد نقص پدیدار (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۲۴).

عراقی، صفرعلی (۱۲۶۴-۱۳۳۹ خ)، زاده فیجان (اراک)، در همین‌جا به مکتب‌خانه رفت و سپس در مدرسه سپهداری، دروس سطح را گذراند. او در سال ۱۲۸۸، برای ادامه تحصیل، رهسپار نجف شد و درس آخوند خراسانی را درک کرد و نزد استادان بزرگی چون میرزای نایینی، آقاضیاءالدین، سیدابوالحسن اصفهانی و سیدمحمدکاظم طباطبائی یزدی شاگردی کرد. وی رساله مستقلی در بحث عدالت دارد و تعلیقه بر مکاسب محرّمه انصاری، تعلیقه بر بیع مکاسب، تعلیقه بر خیارات مکاسب، مباحث‌الفاظ اصول و مشکاه‌الفقیه (تعلیقه بر شرایع الاسلام) از آثار اوست.

عراقی، ضیاءالدین (۱۲۴۰-۱۳۲۱ خ)، مشهور به آقاضیاءالدین، فرزند ملامحمد



کبیرعراقی (آخوند کبیر)، مقدمات علوم دینی را نزد پدر و چند تن از فضلاء اراک فرا گرفت، سپس به اصفهان و نجف رفت و نزد استادانی چون سید محمد فشارکی، آخوند خراسانی، میرزا جهانگیرخان قشقایی و سید محمدکاظم یزدی تحصیل کرد. این عالم دینی که از استادان مشهور اصول فقه و از احیاکنندگان این علم به‌شمار می‌رود، حدود ۶۰ سال در نجف، سطوح عالی و خارج را تدریس کرد و بسیاری از شاگردان آخوند در مجلس درس او حاضر می‌شدند. آقاضیاء در همین دوران به مرجعیت رسید، هرچند از این مهم دوری می‌جست و ترجیح می‌داد که تنها به علم و تحقیق بپردازد. سیدمحمدتقی خوانساری، سیدابوالقاسم خویی، سیدمحسن حکیم، محمدتقی بهجت و میرزاهاشم آملی برخی از شاگردان او هستند. از آثار مکتوب وی می‌توان به استصحاب‌العدم‌الازلی، احکام‌الرضاع، البیع،

تعاقب‌الایدی و تعلیقات فوایدالاصول اشاره کرد (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۴۲).

عراقی، عبدالعظیم (۱۲۶۳-۱۳۳۶ خ)، فرزند میرزاحمود، کنشگر سیاسی و از مشروطه‌طلبان **اراک** و بنیان‌گذار چهارمین مدرسه پسرانه اراک به‌نام عظیمی است که در سال ۱۲۹۴ افتتاح کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۲).

عراقی، علی (قرن ۱۴)، فرزند محمدرحیم، اهل **اراک**، عالم دینی دوران معاصر و دارنده آثاری است که «تبصره‌الصرف» و «تکمله‌الصرف» از آن جمله‌اند.

عراقی، علی (۱۲۲۷-۱۳۰۶ خ)، فرزند حسین، از طرفداران مشروطه و عضو نخستین انجمن ایالتی **اراک** بود و نیاکان او از ابتدای تأسیس اراک، در کسوت یک عالم دینی، امامت جماعت مسجد حصار را بر عهده داشتند (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۰).

عراقی، فخرالدین (۵۹۲-۶۶۸ خ)، فرزند عبدالغفار **کمیجانی**، عارف و نویسنده صوفی سده هفتم و شاعر بلندآوازه کمیجانی است که در کودکی حافظ و قاری خوش‌صدای قرآن شد. این شاعر شهیر پس از تحصیل علوم مقدماتی، برای تکمیل تحصیلات به همدان رفت، سپس با جمعی از دراویش رهسپار هندوستان شد و به خدمت شیخ‌بهاء‌الدین زکریا درآمد و پس از مدتی با دختر او ازدواج کرد. این شاعر بلندآوازه بعدها به عربستان و سپس به قونیه رفت و به خدمت مولانا رسید و مصاحب زندگی او شد. از آثار او می‌توان علاوه بر دیوان اشعار، به مثنوی عشاق‌نامه و کتاب لمعات اشاره کرد^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۶۵).



عراقی، علی‌اکبر (۱۳۳۱ خ)، فرزند عزیزاله و بانو کبری، تحصیلاتش را در دبستان آذرهوش **اراک** گذراند و از دبیرستان محمدرضاشاه دیپلم گرفت و سال ۱۳۵۴ در وزارت فرهنگ‌وهنر استخدام شد. ایشان نخستین و قدیمی‌ترین کتابدار استان مرکزی است و دانش کتابداری را نزد استادانی چون دکتر پوراندخت سلطانی^۲، دکتر مظاهری (کتابداری و سرانه مطالعه)، دکتر محمدمامین ریاحی‌خویی (کتابداری و روش‌کنگره، ملویل دیویی^۳ و متون کهن)، دکتر رکن‌الدین همایون فرخ (خط‌شناسی و ابداع خط توسط ایرانیان) و هم‌چنین سیدعبداله انواری (نسخه‌شناسی خطی) فرا گرفت و دوره‌های تکمیلی را نیز در کتابخانه ملی ایران، دانشگاه تهران و کتابخانه عمومی پارک‌شهر تهران و... پشت سر نهاد. نوشته‌های او از سال ۱۳۵۲ در نشریاتی چاپ می‌شد که از آن جمله‌اند: هفته‌نامه فردوسی (سال ۱۳۵۲)، روزنامه اطلاعات، روزنامه کیهان، مجله صنعت بهتر، شهاب استان مرکزی،



۱. فخرالدین ابراهیم بن بزرگمهر بن عبدالغفار جوالقی

۲. مادر کتابداری نوین ایران

۳. ملویل لوییس دیویی (Melvil)، از پیشگامان کتابداری آمریکا و مبتکر نظام رده‌بندی دهدهی بر اساس موضوع کتاب است.

نامه اراک، هفته‌نامه خبر خمین و... وی هم‌چنین سردبیر هفته‌نامه سروش استان مرکزی، هفته‌نامه وقایع، عضو هیأت تحریریه و خبرنگار هفته‌نامه لاله سرخ و نیز عضو هیأت تحریریه شهاب استان مرکزی بوده و در این مسیر افتخاراتی داشته که از آن جمله‌اند: کتابدار نمونه ملی (سال ۱۳۵۵)، جایزه بهترین نقد کتاب سه‌قطره‌خون صادق هدایت و یادبود دوستان هدایت (فرانسه)، دو مورد لوح طلایی جشن‌های جوان این سینا و... این فعال فرهنگی برجسته سابقه ویراستاری هم دارد و بازنشته کمباین‌سازی ایران است.

عراقی، مجتبی (۱۲۹۳-۱۳۷۹ خ)، فرزند محمد و نوه آخوند کبیر، زاده کرهرود (اراک) که در ۱۴ سالگی به کنگاور (کرمانشاه) رفت و تحصیلات مقدماتی را نزد پدر آموخت و در سال ۱۳۱۱ به اراک بازگشت و در محضر آقا سید محسن هفته‌ای و شیخ محمد (سلطان‌العلماء) شاگردی کرد. او در سال ۱۳۱۵ به قم رفت و پس از ۵ سال به واسطه فوت پدر به‌عنوان جانشین او به مدت ۸ سال به کنگاور مراجعت کرد و سپس در قم ساکن شد و ضمن مدیریت کتابخانه فیضیه و تولیت مدرسه مهدی‌قلی‌خان (آیت‌اله بروجردی)، خدماتی هم در کسوت نویسنده و پژوهشگر داشته که تصحیح و تحقیق کتاب عوالی‌اللیالی‌الغریبه فی‌الاحادیث الدینیّه در ۴ جلد از او در سال ۱۳۶۲، به‌عنوان کتاب سال برگزیده شد (محتاط، ۱۳۷۲: ۴۰).

عراقی، محمدعلی (۱۲۸۲ خ)، فرزند حاج میرزا آقا فراهانی، از قدیمی‌ترین یاران و شاگردان آیت‌اله حائری است. او تحصیلات مقدماتی را تا سال ۱۳۰۰ در اراک گذراند و سپس به‌همراه حاج شیخ عبدالکریم به قم رفت و تا هنگام رحلت ایشان ملازم و حاضر در درس و بحث وی بود و از استادان هر دو حوزه اراک و قم مبادی و مبانی علوم مختلف و فقه و اصول را کسب کرد. این عالم دینی مورد توجه عامه مردم و به‌خصوص فضلاء حوزه علمیه بود و نیز نماز جمعه او در قم، حائز اهمیت بوده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۹۱).

عراقی، محمود (قرن ۱۳)، فرزند شیخ‌جعفر، اهل اراک، از علمای بزرگ اواخر قرن سیزده و در مسجد آقابهرام تهران امام جماعت بوده است. او فقیه‌ای اصولی و مجتهدی محدث و عالمی رجال‌شناس بود که پس از مقدمات، به دنبال تحصیلات تکمیلی مهاجرت کرد و از محضر حاج سیداسداله شفتی اصفهانی و حاج سیدمحمد شفیع جابلقی برخوردار شده و سرانجام به نجف رفت و از محضر شیخ انصاری بهره برد و به مقام استادی رسید. تألیفات این عالم دینی دلالت بر احاطه علمی و دانش فراوان او دارد. مجلدات «قوامع» او در علم اصول، مجلدات «لوامع» در علم فقه و «خزائن» او در شرح قواعد معروف است. او هم‌چنین کتاب دارالسلام را در احوال امام زمان و کتاب مشکوه را نیز در مراثی اهل بیت نوشته است (محتاط، ۱۳۷۲: ۹۲).

عراقی، ملا محمد اشرف (قرن ۱۰)، در قرن دهم می‌زیسته و از شخصیت‌های برجسته عراق (اراک) که خط و کمالاتی داشته و در کسوت شاعر، این بیت از اوست: از درد دوری تو مرا تابوتب بسوخت / فریاد روز بی‌کسی و آه شب بسوخت (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۷۵).



عراقیان، لیلا (۱۳۶۲ خ)، در یک خانواده اهل اراک در تهران به دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی، در رشته ریاضی دیپلم گرفت. او که به نقاشی علاقه داشت و از این که می‌دید معماری ترکیبی از ریاضیات و نقاشی است به این معماری علاقه‌مند شد و در دانشگاه شهید بهشتی تحصیل در این رشته را آغاز کرد و فوق‌لیسانس همین رشته را هم از دانشگاه بریتیش کلمبیا دریافت کرد. این بانوی معمار در سال ۱۳۸۴ به همراه همکارش علیرضا بهزادی شرکت سازه‌های پارچه‌ای دیبا را تأسیس کرد. این شرکت پس از اجرای سازه‌های چادری پارک آب‌و‌آتش تهران، طرح پیشنهادی‌اش در مسابقه‌ی طراحی پل طبیعت برگزیده شد و این بانوی موفق در ۲۵ سالگی شروع به طراحی این پل کرد. پل طبیعت با سه‌ستون (در سه طبقه) و طراحی بی‌نظیر و چشم‌نواز نخستین پل صرفاً پیاده‌رو در ایران محسوب می‌شود که بوستان آب‌و‌آتش را به پارک جنگلی طالقانی متصل می‌کند. طراحی این پل ۲۷۰ متری که دوهزار تن وزن دارد، علاوه بر جوایز داخلی، جایزه بین‌المللی آرکیتایزر A+ را هم دریافت کرد. لیلا همچنین در بازسازی پوشش پارچه‌ای سقف و نمای استادیوم بی‌سی‌پلیس در ونکوور کانادا که توسط شرکت آلمانی هایتکس تستتایل استراکچرز انجام شد، به‌عنوان دستیار فنی، همکاری داشته و در مسابقه طراحی فضاهای ورزشی دومین کنفرانس سازه و معماری ۱۳۹۰ برنده جایزه دوم شد. او همچنین در مسابقه کوشک جهانی به همراه بابک رستمیان و علیرضا برهانی رتبه دوم را کسب کرد. این بانوی معمار در دانشگاه تهران، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه آمریکایی دوی و دانشگاه آنهالت آلمان، در زمینه تاریخچه سازه‌های پارچه‌ای در ایران، معرفی شرکت دیبا و نیز پروژه پل طبیعت سخنرانی داشته است.



عراقی‌زاده، جمال‌الدین (۱۲۹۷-۱۳۲۰ خ)، فرزند اسماعیل، دوران ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۱۳۱۹ وارد دانشکده افسری شد و با درجه ستوان سومی در تهران شروع به خدمت نمود.^۱ نخستین داستان‌نویس اراکی و نویسنده توانایی است که رمانی با نام «ناهید» نوشته و ابتدا به صورت پاورقی در «نامه عراق» به چاپ رسید و سپس در قالب کتابی مستقل منتشر شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۵).

عراقی‌کزاری، ابوطالب (۱۲۱۳-۱۲۸۹ خ)، فرزند ملاغفور، متولد آستانه (شازند)، در نجف و حوزه درس میرزا حسن شیرازی و نیز شیخ انصاری شاگردی کرد. او پس از فوت میرزای شیرازی به همراه تعدادی از علما و طلاب از نجف به سامرا رفت و از محضر بزرگانی چون حبیب‌اله رشتی بهره برد و در سال ۱۲۶۶ به اراک آمد و به قضاوت و تدریس در مدرسه سپهداری پرداخت. از تألیفات این عالم طرفدار مشروطیت می‌توان به حاشیه‌ای بر کتاب «فراید مکاسب‌الاصول» و نیز سه جلدی «شرحی بر نجات‌العباد» اشاره کرد (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۶۹).

^۱ فصلنامه رازان شماره ۲۵

عرب‌انجدانی، حسین (قرن ۱۳)، از شاگردان آقانورالدین عراقی و از ملازمین ایشان در مهاجرت جنگ جهانی اول بوده که از بازگشت این عالم دینی به میهن خویش (اراک) اثری نیست و احتمالاً به شهادت رسیده باشد.

عربگل، طیب (۱۳۴۳ خ)، فرزند مسیب^۱ و بانو طاووس، زاده روستای بهارستان (آشتیان)، تحصیلاتش را در دبستان فرخی و پروین اعتصامی آشتیان گذراند و از دبیرستان محبوبه‌دانش آشتیان دیپلم گرفت و در روستای سیاوشان به معلمی پرداخت. او در سال ۱۳۶۶ به تهران رفت و به نوشتن نمایشنامه‌های کوتاه، سرودن شعر و نگارش نثرهای زیبا پرداخت. وی در سال ۱۳۶۸ به‌عنوان معلم برتر سال در زمینه انشا معرفی شد. ایشان نثرنویس و شاعری است که بیشتر غزل و شعر نو می‌سراید و نفر سوم جشنواره شعر سپید فرهنگیان و داور جشنواره‌های شعر استانی است. او همچنین تدوین و تنظیم لغت‌نامه خلیجی- فارسی مسیب عربگل و همکاری با تهیه مستند قوم خلج در دو بخش «تاریخ قوم خلج» و «زندگی‌نامه استاد مسیب عربگل» توسط مستندسازان صداوسیما استان مرکزی را در کارنامه دارد (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۹۳).



عربگل، فریا (۱۳۴۵ خ)، فرزند مسیب و بانو طاووس، زاده روستای بهارستان (آشتیان)، تحصیلاتش را در دبستان فرخی و پروین اعتصامی آشتیان گذراند و از دبیرستان محبوبه دانش آشتیان دیپلم گرفت. او سپس در رشته پزشکی عمومی و نیز روان‌پزشکی دانش آموخته شد و به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بابایی قزوین پذیرفته شد. دکتر عربگل در سال ۱۳۸۰ با کسب رتبه دوم، فوق‌تخصص روان‌پزشکی از دانشگاه شهیدبهشتی دریافت کرد و در سال ۱۳۹۴ به انستیتوی سلامت روان ایالت مریلند پیوست. ایشان همچنین آثار ارزشمندی در زمینه روان‌پزشکی در مجلات مختلف به‌چاپ رسانده است. «راهنمای عملی اجرای دستورالعمل رفتار و مراقبت از کودکان و نوجوانان در مراکز بهداشتی و درمانی کشور»، «سوغ و سوگواری در کودکان» و «فرزندپروری» برخی از آثار وی به‌عنوان نویسنده است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۹۶).



عربگل، مسیب (۱۳۱۰-۱۳۸۱ خ)، فرزند علی و بانو محترم، در روستای بهارستان آشتیان زاده شد و پس از پایان تحصیلات مقدماتی، در سال ۱۳۲۲ به‌عنوان مأمور سوار در وزارت کشور استخدام شد. او در سال ۱۳۴۹ بنا به دعوت دانشگاه گوتنگین برای مدتی به آلمان سفر کرد و در آنجا به‌عنوان دانشیار زیر نظر «پرفسور هینتز» در رشته شرق‌شناسی و نیز «پرفسور دورفر» کرسی ترک‌شناسی به تحقیقات زبان خلیجی پرداخت و پس از انجام این تحقیق، پرفسور هینتز، کتاب «متریال خلج» را با موضوع تاریخ و زبان خلج‌ها تألیف کرد. او همچنین اشعاری در



^۱ شاعر فرهیخته خطه آشتیان و خلجستان و پدر زبان خلیجی

قالب قصیده، غزل، رباعی و حدود ۳۰۰ بیت شعر به زبان خلجی و چند طنز و هزل دارد و عنوان افتخارآمیز پدر ادبیات و شعر خلجی را به خود اختصاص داده است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۹۳).

عزتی، سید محمد (درگذشته ۱۳۴۰ خ)، فرزند سید عزت‌اله، اهل خمین، مقدمات علوم دینی را نزد پدر و سپس در نجف در محضر آفاضیاءالدین گذراند و به درجه اجتهاد رسید. این عالم دینی در کنار دکتر مصدق برای ملی شدن صنعت نفت به مبارزه پرداخت (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۲۱).

عزیزآبادی فراهانی، موسی (۱۳۲۸-۱۳۸۰ خ)، متولد عزیزآباد (فراهان)، در دوره سربازی وارد ارتش شد و در حین خدمت ادامه تحصیل داد و پس از دریافت دیپلم در شیراز به مدت یک سال در انگلستان دوره دید. او در سال ۱۳۵۴ وارد دانشکده افسری شد و پس از دانش‌آموختگی به شیراز برگشت و به تدریس پرداخت. پس از انقلاب، هنگ زرهی قزوین را عهده‌دار شد ولی بعد از شهادت برادرش با تصویب شورای تأمین استان به‌عنوان فرمانده موقت سپاه اراک انتخاب شد. ناآرامی‌های کردستان او را به مبارزه با ضدانقلاب کشاند و با آغاز جنگ تحمیلی در چندین عملیات از جمله دفاع از اهواز، فتح شیاکوه، فتح المبین و فتح خرمشهر به‌عنوان فرمانده کاربلد حضور داشت تا اینکه در عملیات فتح شیاکوه از ناحیه سر و پا مجروح شد. در سال ۱۳۶۳ با پذیرش مسوولیت شهربانی مهاباد، با خانواده به کردستان رفت و ریاست شهربانی کردستان را عهده‌دار شد. مسوولیت شهربانی استان سمنان و نیز شهربانی قم در اوج بحران‌های بزرگی مانند عزل آیت‌اله منتظری، ارتحال امام خمینی و آیات عظام گلپایگانی و مرعشی‌نجفی از سوابق سرداری است که بارها به دلیل اثرات ترکش و مصرف داروهای مسکن بستری شد. آخرین مسوولیت این جانباز ۵۳ درصد فرماندهی انتظامی استان گلستان بود که ناگزیر در دی ماه ۱۳۷۳ از ادامه خدمت معاف شد تا در خارج از کشور به درمان بپردازد.



عزیزآبادی، عباس (۱۳۴۸ خ)، فرزند عظیم، متولد روستای عزیزآباد (فراهان)، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش گذراند و از هنرستان غیاث‌آباد دیپلم گرفت. او که در عملیات والفجر ۱۰ به افتخار جانبازی نایل آمد، در سال ۱۳۶۹ در واحد فناوری کمیته انقلاب اسلامی مشغول بکار شد و به مدت ۴ سال در رسته مخابرات کردستان کسب تجربه کرد و هم‌زمان در رشته پیشگیری از جرم دانشکده انتظامی دانشگاه پلیس تحصیل کرد. علاقه‌مندی وی به امور فنی باعث شد در حوزه رزم و تیراندازی و بر اساس نیاز سازمان متبوع خویش، ایده‌پردازی و ساخت انواع شبیه‌سازها را در دستور کار قرار دهد و اکنون صاحب ۱۳ اختراع صنعتی است که همگی به تولید انبوه رسیده و در جشنواره‌های مختلف نظم‌وامنیت، سلمان فارسی و نمایشگاه‌های



بین‌المللی ستاد کل نیروهای مسلح، مقام نخست تا سوم را کسب کرده است.^۱

عزیزآبادی‌فراهانی، فاطمه (۱۳۴۸ خ)، فرزند محمدباقر، دانش‌آموخته کارشناسی

پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ارشد امور فرهنگی و دکترای مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی واحد علوم و تحقیقات تهران دارد و ضمن اینکه عضو هیأت علمی و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی است، در تألیف «دانشنامه معاصر فرهنگ» با سازمان اسناد و کتابخانه ملی همکاری داشته و بیش از ۱۰ عنوان کتاب در حوزه‌های فرهنگ و رسانه تألیف و بیش از ۵۰ مقاله علمی و پژوهشی در فصلنامه‌های معتبر دانشگاهی و پژوهشی به چاپ رسانده است (عزیزآبادی، ۱۴۰۲: ۸۲).



عزیزی، مصطفی (۱۳۴۱ خ)، فیلمنامه‌نویس، تهیه‌کننده و برنامه‌ساز تلویزیون، از

دو سالگی با خانواده از اراک به تهران مهاجرت کرد. این جانباز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۵ در رشته اقتصاد نظری دانشگاه تهران پذیرفته شد و هم‌زمان در رادیو به عنوان نویسنده مطالب علمی و فرهنگی مشغول شد. وی در سال ۱۳۶۹ طرحی برای ساخت انیمیشن به تلویزیون داد که ضمن پذیرش به عنوان مدیر انیمیشن کامپیوتری و نیز مدیر گروه مهندسی نرم افزار صدا و سیما انتخاب شد. ایشان چهار سال عضو آسیفای بین‌المللی و مدیرعامل آسیفای^۲ ایران بود. طراح و تهیه‌کننده مسابقه پربیننده تلاش (۱۳۷۶-۱۳۷۹) و تهیه فیلم‌های تبلیغاتی از دیگر سوابق اوست. وی در مدت دو سال حبس، فیلمنامه «چشم‌بند» را نوشت. مسابقه دانش و هوش (شبکه ۳)، گزینه‌ها (شبکه تهران)، تلاش (شبکه ۱)، وقت طلاست با اجرای نازنین آذری در شبکه آی‌تی‌سی تورنتو و مجموعه تلویزیونی مسافر، راه بی‌پایان و برخی تله‌فیلم را تهیه‌کنندگی کرده و آثار مکتوب این سینماگر و نویسنده هم عبارتند از: من ریموند کارور هستم، روزگار شیرین، عاشقانه‌های شمردنی و نیز غوزک پلاتینی.



عزیمی، داود (۱۳۳۸ خ)، در روستای فرفهان (خمین) به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در همین شهر گذراند و در سال ۱۳۶۰ از تربیت معلم اراک فوق‌دیپلم و سپس از دانشگاه تهران در رشته علوم اجتماعی دانش‌آموخته شد. این دبیر دبیرستان‌های خمین، سرودن شعر را از دبیرستان آغاز کرد و قالب شعری ایشان نیمایی / سنتی و بیشتر غزل و اشعار اجتماعی است. این شاعر عضو انجمن شعر خمین و نیز عضو و سخنگوی شورای مرکزی شعر خمین به سرایش شعر به لهجه محلی خمین علاقه‌مند و از جمله اشعار معروف ایشان می‌توان به «آتقی» اشاره کرد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۲۶).

^۱ از این تعداد، ۹ اختراع ثبت بین‌المللی و ۴ اختراع ثبت ملی شده است.

^۲ انجمن بین‌المللی سازندگان و دوست‌داران فیلم‌های پویانمایی است.

عسگری، اسداله (۱۲۹۹-۱۳۷۸ خ)، متولد مجدآباد کهنه (فراهان)، تحصیلات ابتدایی



را در فرمهمین و سپس تا کلاس نهم در دبیرستان صمصامی اراک گذراند و در سال ۱۳۱۸ با تشویق حسین خان دبیری^۱ راهی آبادان شد و در هنرستان فنی و آموزشگاه زبان شرکت نفت ایران و انگلیس درس خواند و به‌استخدام این شرکت درآمد. او در بازگشت به اراک در سال ۱۳۲۲ سمت منشی‌گری و نویسندگی دفاتر رسمی متفقین در توزیع کالاهایی نظیر آرد، شکر، چای و از این قبیل را عهده‌دار شد و از این فرصت برای کمک به هم‌میهنانش بهره برد. ایشان پس از جنگ و اوایل آبان ۱۳۲۴ در وزارت دادگستری استخدام شد و هم‌زمان به کسب‌وکار آزاد پرداخت. مدرسه مجدآباد کهنه، تعمیر و مرمت بارگاه امامزاده احمد بن علی در سال ۱۳۵۶ و ساخت ضریح آن در سال ۱۳۷۲، تکمیل بنای مدرسه راهنمایی ۱۵ خرداد فرمهمین در سال ۱۳۷۳، عضویت در هیات مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۷۵ و اهدای ۲۵ میلیون تومان در همان سال جهت ساخت این دانشگاه و همچنین مشارکت در ساخت دانشگاه پیام‌نور فراهان در سال ۱۳۷۸ بخشی از خدمات نیکوکارانه اوست (عزیزآبادی و دیگران، ۱۴۰۲: ۸۷).

عسگری، حسین (۱۳۵۴ خ)، اهل روستای مجدیان (خمین)، فرزند علی‌اکبر، تحصیلات



ابتدایی را در زادگاهش و راهنمایی و متوسطه را در دبیرستان مصطفی خمینی خمین گذراند. او که از نوجوانی به دوچرخه‌سواری علاقه بسیار داشت، در این مسیر قدم نهاد و امروز قهرمان آسیا و دارنده مقام نخست انفرادی در تور خوزستان، مقام نخست مسابقات قهرمانی کشور در رشته تایم‌تریل، مقام دوم تور بین‌المللی جام خزر، مقام سوم کوهستان در ششمین دوره مسابقات بین‌المللی مازندران، مقام نخست انفرادی در چهاردهمین تور آذربایجان، مقام دوم انفرادی شانزدهمین دوره تور بین‌المللی آذربایجان، مقام نخست تور بین‌المللی عربستان در سال ۱۹۹۹، مقام نخست تور بین‌المللی عربستان در سال ۲۰۰۱، راه‌یابی به المپیک سیدنی در سال ۲۰۰۰، دارنده هفتاد مدال از جمله دو مدال طلای آسیا و عضو باشگاه دوچرخه‌سواری کشورهای مالزی، ترکیه، چین، سوریه، بلژیک، اروگوئه و عضو تیم باشگاهی دمو بلژیک می‌باشد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۲۸).

عسگری، ذبیح‌اله (۱۳۲۱ خ)، فرزند ابراهیم، دوران ابتدایی را در مدرسه خیام و متوسطه



را در دبیرستان دهخدا و محمدرضا شاه اراک گذراند و در سال ۱۳۴۱ به‌استخدام نیروی دریایی خرمشهر درآمد و برای آموزش غواصی به انگلستان و ایتالیا رفت. ایشان در شرکت کوت‌کت تولیدکننده نخ‌های جراحی مشغول بود. این شاعر که «جویا» تخلص می‌کرد، بیشتر غزل‌های عاشقانه می‌سرود (مجدی، ۱۳۸۴: ۱۰۸).

عسگری، عباد (۱۳۶۹ خ)، قهرمان کاراته کشور در سال ۱۳۹۲ شیراز، در **اراک** زاده شد و جوانترین داور آسیایی حال حاضر ایران است. او تاکنون عناوین ملی و بین‌المللی زیادی در رشته کاراته کسب کرده و آخرین عنوان قهرمانی او کسب مقام نخست کاراته کشور است.



عسگری، عبدالله (۱۳۱۸ خ)، زاده‌ی روستای آتشکوه (**محلات**)، پس از دریافت دیپلم ریاضی، از دانشگاه پلی‌تکنیک تهران مهندسی مکانیک گرفت و در سازمان آب استخدام شد. او از طرف سازمان آب تهران عازم فرانسه شد و در رشته مکانیک سیالات دکترا گرفت. این مهندس کارآفرین، روشی برای تصفیه آب در روستاها بدون استفاده از انرژی الکتریکی ابداع و به‌عنوان اختراع ثبت کرد. این مخترع، در دوره بازنشستگی شرکت مهندسی مشاور بازآب با موضوع گرایش‌های آب‌وفاضلاب و محیط زیست را تأسیس کرد و با این شرکت بیش از ۳۰ پروژه آب‌وفاضلاب و ۲۷ پروژه زیست‌محیطی در نقاط مختلف کشور اجرا کرد و امروز از اعضای فعال جامعه مهندسان مشاور ایران و انجمن محققان کشور و نیز انجمن تحقیقات وزارت صمت می‌باشد (بخشی، ۱۳۹۵: ۸۰۸).



عسگری، علی اصغر (۱۳۱۳ خ)، زاده روستای آتشکوه (**محلات**)، پس از پایان تحصیلات متوسطه، به آلمان رفت و با دریافت مدرک فوق‌لیسانس متالورژی از دانشگاه فنی کلوستال در دانشگاه صنعتی شریف مشغول تدریس شد. او در سال ۱۳۴۸ در دانشگاه فنی برلین به تحقیق روی آلیاژهای مس پرداخت و از این دانشگاه دکترا گرفت و در بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۱، با سمت سرپرست تحقیقات و مهندسی آزمایشگاه مرکزی، در شرکت ذوب‌آهن اصفهان مشغول بکار شد. وی هم‌چنین از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸، ریاست دانشگاه بابل را بر عهده داشت و پس از انقلاب، مدیرعامل و عضو هیأت مدیره شرکت لوله‌وماشین‌سازی شد. مهندس عسگری در کسوت نویسنده تألیفاتی در زمینه خواص مصالح مهندسی، ریخته‌گری و فلزات غیرآهنی برای دانشجویان و علاقه‌مندان این رشته دارد (بخشی، ۱۳۹۵: ۸۰۶).



عسگری، علی (درگذشته ۱۳۷۵ خ)، فرزند محمد و نوه شیخ جعفر عسگری‌شهرابی (**تفرش**)، پس از تحصیلات مقدماتی به‌استخدام نیروی هوایی درآمد و شاعری بود که بیشتر در قالب غزل، طنز و مطایبه می‌سرود (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۶۱).

عسگری ساوجی، سیدمرتضی (۱۲۹۳-۱۳۸۶ خ)، فرزند سیدمحمد (شیخ‌الاسلام)، به سبب تولد در سامرا به عسگری شهرت دارد. این پژوهشگر تاریخ اسلام و حدیث‌شناس، تحصیلات مقدماتی را در سامرا گذراند و تحصیلات تکمیلی را در قم ادامه داد و از درس آیات شریعتمدار ساوجی، نجفی مرعشی، میرزا خلیل کمره‌ای و امام خمینی بهره برد و به سامرا بازگشت. مدرسه مُتَدی‌النَّشَر کاظمین و چندین مدرسه دخترانه و پسرانه به نام مدارس امام جواد و



نیز دانشکده اصول الدین در عراق را تأسیس کرد. علامه عسگری نویسنده کتب زیادی است که سه اثر مهم عبدالله بن سبا، احادیث ام‌المؤمنین عایشه و کتاب خمسون به واسطه اهمیت و توجه علاقه‌مندان به زبان‌های مختلف ترجمه و چندین بار تجدید چاپ شده است. ایشان هم‌چنین مؤسس مجمع علمی اسلامی ایران نیز هست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۶۴).

عسگری فراهانی، حاتم (۱۳۱۲ خ)، با توجه به اینکه پدرش تعزیه‌خوان بود، از کودکی با موسیقی آشنا شد و از سال ۱۳۱۹ به همراه خانواده در تهران ساکن شد. حسینعلی خان نکبسا از نخستین استادان او در زمینه آواز ایرانی بود و نیز سه دوره متوالی از آموزش‌های میرزا طاهر (ضیالذاکرین) بهره برد و نزد «کربلایی علی آقا فراهانی» ضربی‌ها را آموخت و به مدت بیست سال از کلاس سلیمان امیرقاسمی بهره برد. او در سال ۱۳۵۵ تدریس آواز را آغاز و ابتدا در سازمان فرهنگ و هنر و نیز دو سال در قزوین به تعلیم آواز پرداخت. او از سال ۱۳۶۲ به جمع‌آوری ردیف‌های آوازی پرداخت و تا سال ۱۳۸۵ با سمت استادیار، در دانشکده هنرهای زیبا به تعلیم ردیف موسیقی ایران مشغول بود. حاتم عسگری دارای نشان درجه یک هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدرک دکترای از وزارت علوم است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۱۲).



عسگری محلاتی، ذبیح‌اله (۱۲۷۱-۱۳۶۴ خ)، دروس مقدماتی را در محلات آموخت، و در محضر آیات آقا میرزا ابراهیم استهباناتی، فیروزآبادی و عبدالحسین رشتی در نجف شاگردی کرد و از عالمانی چون میرزا حسین نایینی، سیدابوالحسن اصفهانی، آقاضیاءالدین عراقی و محمدجواد بلاغی بهره برد. بیشترین شهرت این عالم دینی به‌خاطر تألیفات بسیار اوست و بیش از ۶۰ عنوان کتاب دارد که از جمله آنها ریاحین الشریعه، کشف الغرور، مآثر الکبرا فی تاریخ سامرا و فرسان الهیجا، کشف‌الهادیه، لطایف‌الحکایات، اختران تابناک و... را می‌توان نام برد (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۷۴). **عشقی ساوجی (قرن...)**، از اهالی غرق‌آباد (ساوه) و شاعری است که با «صانعی ساوجی» اهل ارجرود مشاعره می‌کرده است. شرح حال این دو شاعر را می‌توان در مجلات ترکی (وارلیق)، یافت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۶۹).



عشقی گلزار، سیدآقا (۱۲۷۹-۱۳۶۰ خ)، زاده اراک و پدرش هم نقاش فرش بود و شاگردی نقاشی به نام کربلایی هاشم را کرده بود. قلم این هنرمند و نقاش فرش، بی‌نهایت ظریف و دقیق بود و نقشه‌هایش در تمام نواحی کاشان و گلپایگان طرفدار داشت. او به همراه برادرش یداله عشقی حدود سال ۱۳۲۳ به استخدام شرکت فرش درآمد و در سال ۱۳۴۷ بازنشست شدند و در این مدت حدود پانزده هزار نقشه، برای شرکت فرش کشیدند و حدود پنجاه شاگرد تربیت کردند (ولاشجردی فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۶۱).



عصار، منصور (۱۳۳۳ خ)، فرزند رضا و بانو فخری، متولد گلپایگان، در سال ۱۳۵۹ از

دانشگاه پهلوی شیراز در مقطع ارشد برق و الکترونیک دانش آموخته شد و از سال ۱۳۶۰

تا ۱۳۶۵ در زمینه خدمات فنی/مهندسی، برق رسانی، تبرید و امور سردخانه‌های لبنی

فعالیت کرد و ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۹ با سمت رئیس خدمات فنی و تعمیرات، در شرکت ماشین

سازی **اراک** فعالیت داشت. مهندس عصار در سال ۱۳۶۹ با کیومرث برندگان و اسداله میرزایی، شرکت

صنایع جوش و برش کارا با هدف طراحی و تولید ماشین آلات جوش و برش و ماشین آلات CNC را تأسیس

کردند که این شرکت بیش از ۳۰۰ نفر پرسنل دارد. این کارآفرین برجسته، در حال حاضر مدیریت این

شرکت را عهده‌دار و هم‌چنین عضو هیأت مدیره شرکت فرایروسازان انرژی است.



عُضایی، سلمان (۱۳۶۸ خ)، از پدر و مادری نراقی (**دلیجان**)، در تهران به دنیا آمد. او

به واسطه اینکه از یازده سالگی موتور ۷۰ سی‌سی داشته، به این ورزش علاقه‌مند و از سال

۱۳۹۰ به صورت حرفه‌ای وارد این رشته شد و در پیست آزادی تهران طی چند سال سکوها‌ی

برتر را کسب کرد. وی علاوه بر قهرمانی پی‌درپی و کسب مقام‌های برتر موتور سواری ریس

(سرعت) ایران، چندین سال قهرمان سال کلاس ۶۰۰ سی‌سی می‌باشد. سلمان علاوه بر پیست موتور

سواری تهران در پیست کشورهای قطر، مالزی، هندوستان و تایلند هم تمرین داشته است.

عُضایی، حسین (۱۳۵۹ خ)، فرزند اسماعیل، اهل نراق (**دلیجان**)، دانش آموخته دوره کارشناسی،

پژوهشگر حوزه تاریخ و فرهنگ محلی نراق و نویسنده نغمه‌های بی‌ادعا (مجموعه اشعار علی رضایی نراقی)،

نقش نراقی‌ها در انقلاب اسلامی ایران همراه با تصویر، از نراق تا عراق (خاطرات آزاده احمد ابوالحسنی در

موصل)، خط‌شکن (محمدعلی فجری نخستین شهید بعد از انقلاب استان مرکزی) و حماسه مردان دلیرگان.

عُضایی، محمد (۱۳۴۱ خ)، فرزند ابراهیم و مرحمت، اهل نراق (**دلیجان**)، دانش آموخته دوره کارشناسی،

پژوهشگر حوزه تاریخ و فرهنگ محلی نراق و نویسنده نغمه‌های بی‌ادعا (مجموعه اشعار علی رضایی نراقی)،

نقش نراقی‌ها در انقلاب اسلامی ایران همراه با تصویر، از نراق تا عراق (خاطرات آزاده احمد ابوالحسنی در

موصل)، خط‌شکن (محمدعلی فجری نخستین شهید بعد از انقلاب استان مرکزی) و حماسه مردان دلیرگان.

عُضد، ابوالفضل (۱۲۶۰ خ)، ملقب به عضدالسلطان، فرزند مظفرالدین‌شاه، مردی میهن

دوست، باسواد، مسلط به زبان فرانسه و نیز پدر همسر خاکباز محسنی، در دو دوره ۱۲۸۰ و

۱۲۹۱ حاکم سلطان‌آباد (**اراک**) شد که به واسطه پیوندهای خانوادگی در این شهر ماندگار

شد و در زمان ایشان دو مدرسه آقازئی‌الدین و حاج محمد ابراهیم اراک ساخته شد (سمیعی،





عطاری، احمد (۱۳۳۲-۱۳۷۱ خ)، فرزند علی اکبر، دوره ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش **اراک** گذراند و در دانشگاه تهران رشته آمار خواند. او پس از لیسانس برای ادامه تحصیل ابتدا به هندوستان و سپس راهی انگلستان شد و در آن کشور فوق لیسانس گرفت. وی که از جوانان پرشور و مؤثر دوران انقلاب بود، در نخستین دوره مجلس پس از انقلاب، به عنوان نماینده مردم برگزیده شد. او در سال ۱۳۶۳ به عنوان نخستین سفیر کبیر و نماینده فوق العاده جمهوری اسلامی در کشورهای استرالیا و نیوزیلند تعیین شد. ایشان در اواخر دهه ۶۰ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عهده دار سمت معاونت پژوهشی و مشاور مطبوعاتی بود و طی سال های متمادی مسوولیت دبیر کلی اتحادیه کنفرانس بین المجالس کشورهای اسلامی و نایب رئیسی اتحادیه جهانی بین المجالس را هم بر عهده داشت. او هم چنین بنیان گذار، سرپرست، نخستین مدیرعامل و مسوول نظارت بر نشریات خارجی زبان بنیاد اندیشه اسلامی بود. این شاعر غزل سرا برای تکمیل تحصیلاتش از معاونت وزارت ارشاد استعفا داد و راهی انگلستان شد و در سال ۱۳۷۱ موفق به دریافت دکترای آمار شد و متأسفانه همان سال و پیش از رسیدن به ۴۰ سالگی آخرین غزل زندگی را سرود (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۰۹).

عطایی (قرن ۱۳)، یکی از نخستین پزشکان مسلمان اعزامی به **خمین** در زمان رضاخان و ساکن قلعه خوانین بوده و با اعتمادپریشان، حسینعلی خان و آیتاله پسندیده مراوده و دوستی داشته است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۳۱).

عطایی آشتیانی، عبدالله (۱۲۶۰-۱۳۲۴ خ)، فرزند کربلایی اکبر، از تاجران مشهور و بنیان گذار بازار سنتی آشتیان در سال ۱۲۸۸ است. وی مردی باسواد، خوش خط، سیاق دان و از ملاکین بزرگ منطقه به شمار می آمد. جد بزرگ ایشان (عطاءاله) هم از مردان متمول و ثروتمند عصر خود بود که در دارالسلطنه تبریز ساکن بوده است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۰۴).

عظمایی، حسین (زندگی ۱۳۱۲ خ)، معروف به حسین خان، اصالتاً از مردم گرکان (**آشتیان**) و از کارگزاران دولتی است که در سال ۱۳۱۲ از عدلیه اصفهان به اداره ثبت اسناد و املاک مملکتی انتقال یافت. **عظیماقرب، شکوه** (۱۲۸۵-۱۳۷۳ خ)، اهل **آشتیان**، پس از دریافت لیسانس زبان فرانسه از دانشگاه تهران، به سویس رفت و در دانشگاه ژنو به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت. یکی از آثار ارزشمند این نویسنده، کتاب «روزنه ای به تاریخ ایران» نام دارد که گزارش کاملی از جهانگردان و سیاحان اروپایی که قرن ۱۲ تا ۱۷ میلادی به ایران سفر کرده اند را در بر دارد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۶).

عظیمی، علی (۱۳۳۷ خ)، فرزند رمضان و بانو گوهر، کودکی و نوجوانی خود را تا دریافت لیسانس فلسفه در زادگاهش نراق (**دلیجان**)، زندگی کرد و در سال ۱۳۵۳ به استخدام هوانیروز درآمد. او بعد از بازنشستگی شروع به تحقیق و پژوهش در مورد زندگی گذشتگان و محل زندگی خود در نراق کرد که نتیجه چندین سال تلاش وی، گردآوری دو جلد کتاب «تاریخ نراق» می‌باشد.



عظیمی‌فراهانی، غلامعلی (۱۲۸۸ خ)، متولد روستای مجدآباد نو (**فراهان**)، فرزند غلامحسین، در کودکی پدر خود را از دست داد و به قصد تحصیل و کار به اراک آمد و ضمن ادامه تحصیل، در دفتر وکالت زنده‌یاد واعظزاده نیز مشغول بکار شد. او پس از دریافت سیکل اول متوسطه، عازم سربازی شد و هم‌زمان تحصیلات سیکل دوم را به‌صورت شبانه ادامه داد و در مدرسه نظام پذیرفته شد. وی در ادامه به درجه افسری ارتقا پیدا کرد و در شهربانی استخدام شد. وی پس از چندی به اراک منتقل شد و با دریافت درجه سروانی در در اواخر دهه ۱۳۳۰، ابتدا مسوول کلانتری سه واقع (میدان ارگ) و پس از ارتقا به‌درجه سرهنگی، سال‌ها به‌عنوان معاون شهربانی اراک خدمت کرد. سرهنگ عظیمی که با عالم عرفان انس و الفت داشت در طول دوره خدمت نظامی و انتظامی، نمادی از یک انسان شرافتمند بود و برخی خدمات ویژه وی در موارد سیاسی/امنیتی در حق مراجعین به شهربانی هنوز در اذهان برخی از مردم باقی است.



عظیمی‌مقدم، محمدحسین (۱۳۳۳ خ)، اهدای یک قطعه زمین در جنب پارک امیرکبیر که پس از فروش آن توسط دانشگاه، ساختمان آزمایشگاه مرکزی به همت وی و همسرش بانو **حشمت شهری** بنا شده و تجهیزات و دستگاه‌های آن هم به‌همت معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه **اراک** خریداری شده است.



علایی، محمدابراهیم (۱۳۰۲ خ)، مقدمات را در **اراک** گذراند و پس از دریافت دیپلم وارد حوزه علمیه اراک شد و سطوح و خارج فقه و اصول را از محضر آیت‌اله گلپایگانی و حاج حسن فرید و استادان دیگر فرا گرفت. او ضمن آشنایی با چند زبان خارجی و به‌واسطه مطالعات جامع در علوم و فنون مختلف، برای تدریس در مدارس اراک دعوت شد، ولی این عالم روشنفکر منبر و سخنرانی و آگاهی‌بخشی در اراک را ترجیح داد و در سال ۱۳۴۹ به تهران رفت و به کار روشنگری و بیان مفاهیم اخلاقی و آموزنده ادامه داد.^۱

علایی‌آشتیانی (زندگی ۱۰۰۷ خ)، از دانشمندان و شاعران قضاوت‌پیشه، بر بیشتر علوم متداول زمان خویش مسلط بوده و مدتی هم منصب انشای برخی سلاطین ترکمان را داشته است. وی از قضات اوایل

۱. محمد صالح‌علاء فرزند اوست.

قرن دهم هجری است که تذکره آذر بیگدلی، وی را معرفی کرده و اینکه بیشتر تذکره‌ها مانند تحفه سامی، روز روشن و هفت اقلیم از او با عنوان کرهرودی یاد می‌کند (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۵۱).

علمی، محمد (۱۲۷۶ - ۱۳۳۱ خ)، فرزند شیخ حسین، تحصیلات مقدماتی را در **اراک** گذراند و به عتبات رفت تا تحصیلات خود را در فقه و اصول و فلسفه تکمیل نماید. این عالم دینی و شاگرد کاظم خراسانی، پس از کسب درجه اجتهاد به اراک آمد و در حوزه علمیه این شهر با عبدالکریم حائری همکاری داشت (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۹).

علمی، محمود (۱۲۸۴-۱۳۶۷ خ)، از فضایی متقی و موثق **اراک**ی است که مقدمات را در همین شهر گذراند و وارد حوزه علمیه قم شد و سطوح را نزد آقا میرزا محمد ثابتي همدانی و آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اله صدر گذراند و مدتی هم از درس فقه و اصول آیت‌اله حائری سود برد. این عالم دینی چند سال هم از محضر آیات حجت کوه‌کمره‌ای، خوانساری و بروجردی بهره برد و سپس به تدریس سطوح پرداخت. وی همچنین از طرف آیت‌اله بروجردی، تولیت مدارس دارالشفاء و فیضیه را عهده‌دار بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۹۳).

علوی حسینی‌آبی، بابا (قرن...)، فرزند محمد، از رجال حدیث اهل **ساوه** بوده و منتخب‌الدین این عالم دینی را به‌عنوان صالحی متدین ستوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

علوی حسینی‌آوی، ابوالفضل مرتضی (قرن ۸)، فرزند علی بن شرف‌الدین، از اهالی آوه (**ساوه**) مشهور به جلال‌الاسلام از نقبا و والی حله بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۶۸).

علوی حسینی‌آوی، علی (قرن ۸)، فرزند مرتضی، عالم دینی و از دانشمندان اواخر قرن هشتم و از نقبای شیعه علوی اهل **ساوه** است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۸۲).

علوی کرجی، احمد (۶۳۸-۷۰۰ خ)، مشهور به محب‌الدین، فرزند یوسف، ادیب، مورخ و دانشمند قرن هفتم هجری اهل کرهرود (**اراک**) است. کتاب «تلخیص مجمع‌الآداب» درباره وی می‌نویسد: او از عالمان مورد اعتماد و عالی‌قدر و بسیار اهل مطالعه بود و اطلاعات وسیعی در مورد لغات عرب داشت. این عالم دینی و مورخ، در دارالقرآن بشیریه بغداد به‌عنوان استاد گمارده شد و در کسوت نویسنده کتابی در تاریخ به ترتیب سال‌ها و سالنامه دارد (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

علی‌آقای نراقی، مرتضی (۱۳۳۳ خ)، فرزند علی‌اکبر، دوره ابتدایی و دبیرستان را در شهر نراق (**دلیجان**) و دوره متوسطه را در دلیجان سپری کرد. او در سال ۱۳۶۳ وارد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران شد و در رابطه با آموزش، تحقیقات و پرورش زنبور عسل به فعالیت پرداخت و در سال ۱۳۹۷ بازنشست شد. وی دارای چهار عنوان کتاب است که مهمترین آنها ترجمه کتاب «زنبورداری برای همه» از سری کتاب‌های تخصصی «دامیز» از انتشارات وایلی آمریکاست که در سال ۱۳۹۰ توسط نشر آییژ چاپ و منتشر شد. او هم‌اکنون به‌عنوان



پژوهشگر تاریخ و فرهنگ شهر نراق شناخته می‌شود و در این زمینه مقالات زیادی نوشته است.

علی‌مدد، حبیب‌اله (زندگی ۱۳۱۳ خ)، اهل **فراهان**، کتاب ریاض‌الحکایات را در سال ۱۳۱۳ و در ۲۱ باب در موضوع سیر و اخبار و قصص تألیف و هدف خویش از این کار را چنین بیان کرد: غرض اصلی نه مجرد نقل قصص و حکایات بوده، بلکه مقصود تسهیل امر برای واعظان است تا هر حکایتی را در هر معنی به مناسبتی ذکر نمایند که شنوندگان از شنیدن ملول نشوند (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۷۸).

علیمردانی، محمدرضا (۱۳۵۵ خ)، در خانواده‌ای اهل **دلیجان** در تهران متولد شد. او



دارای مدرک کارشناسی تئاتر، نمایش و بازیگری است و به‌عنوان دوبلور در بسیاری از انیمیشن‌ها فعالیت داشته است. این صدپیشه، بازیگر، خواننده، مجری و استندآپ‌کمدین در خانواده‌ای بزرگ شده که مخالفت زیادی با ورودش به دنیای هنر داشتند و حدود چهار سال به‌صورت پنهانی در تئاتر کار می‌کرد و در سال ۱۳۷۰ زمانی که مسأله حنجره‌اش تا حدودی حل شده بود، به‌همراه یکی از دوستانش به‌نام مجید آقاکریمی وارد کلاس‌های کانون فرهنگی تربیتی حر در میدان راه‌آهن شد و دوره‌های بازیگری را زیر نظر سیدجواد هاشمی گذراند. دیرین‌دیرین یکی از معروف‌ترین کارهای هنری اوست که یک مجموعه پویانمایی در ژانر طنز است که به کارگردانی علی درخشی مشکلات اجتماعی و اقتصادی و... را یادآور می‌شود و نخستین‌بار در نوروز سال ۹۴ منتشر شد و نیز برنامه جذاب چهل‌تیکه را هم تهیه و اجرا می‌کند که از تلویزیون ایران پخش می‌شود (پایگاه خبری دلیجان).

علیمیرزایی، علی (۱۲۹۱-۱۳۸۶ خ)، فرزند میرزا محمد و بانو فاطمه، تحصیلات ابتدایی



را در **تفرش** و متوسطه را در اراک گذراند و از دانشگاه تهران دکترای داروسازی گرفت. او سپس به‌استخدام وزارت کشاورزی درآمد و هم‌زمان به‌عنوان مسوول داروخانه آلفا در میدان ونک تهران خدمت کرد. این پیش‌کسوت صنعت داروسازی کشور به‌عنوان یکی از اعضای جامعه داروسازان ایران، منشأ خدمات فراوانی بوده و هم‌چنین به‌عنوان یک نیکوکار در سال ۱۳۸۵ نسبت به تأسیس و تجهیز ساختمان مرکز تحقیقات الکترونیک دانشگاه تفرش اقدام کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۲۶).

عماد، محمدحسین (۱۳۳۶ خ)، از پیشگامان هنر مفهومی معاصر ایران است که



تحصیلاتش را در دبستان هدایت **اراک** گذراند. او که علاقه‌اش به‌نقاشی از ۱۲-۱۳ سالگی شروع شد، به‌طور خودآموز به کپی از عکس و نقاشی پرداخت و در آن زمان خواهرش که ساکن فرانسه بود، برایش کتابی از نقاشی‌های سالوادور دالی و موریس‌اشر، فرستاد که بسیار مجذوب آن شد. او در سال ۱۳۶۰ با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اراک همکاری کرد و از سال ۱۳۷۱ ساکن تهران شد. او در سال ۱۳۸۷ به‌مدت یک‌سال برای کسب تجربه، عازم فرانسه

شد و با تأثیر از فضای هنری پاریس، ضمن ساخت ۲۲ مجسمه آنها را به نمایش عمومی هم گذاشت. این هنرمند مجسمه‌ساز، دارنده دکترای افتخاری وزارت فرهنگ و عضو انجمن مجسمه‌سازان ایران، چندین نمایشگاه انفرادی و گروهی در ایران، فرانسه، کویت، امارات و هند برگزار کرده و در سال ۱۳۸۴ تندیس دوسالانه چهارم مجسمه‌سازی معاصر ایران و در سال ۱۳۸۶ نیز دیپلم افتخار دوسالانه پنجم مجسمه‌سازی معاصر ایران را از آن خود کرد (گفتگو با عماد میروهابی).

عمادی اراکی (قرن...)، نام یک شاعر اراکی است که استاد محتاط، در جلد ۴ کتاب سیمای اراک به نقل از گلزار ادب (گردآوری شده در سال ۱۳۱۹)، آورده و برخی از اشعارش را هم ذکر کرده که با این بیت آغاز می‌شود: با لشکر مژگانت نتوان که درآویزم/آن به که دل‌ودین را بگذارم و بگریزم (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۱۱).

عمادی آشتیانی، حسین (۱۳۳۶ خ)، فرزند مسعود، اهل آشتیان، دانش‌آموخته دانشسرای تربیت معلم، ادیب، مصحح کتاب عبرت‌نامه میرزا محمود تقی (عماددفتر آشتیانی) و رئیس کتابخانه مارلیک در نزدیکی کرج است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۱۰).



عمرانی، غلامعباس (۱۳۱۲ خ)، تحصیلاتش را در مدارس هدایت و خیام اراک گذراند و از دبیرستان شکرایی و پهلوی دیپلم گرفت. او سپس در آموزش و پرورش استخدام شد و به آموزگاری پرداخت و در سال ۱۳۶۸ بازنشست شد. تخصص این شاعر، در به‌نظم در آوردن داستان‌های اخلاقی و اجتماعی کوتاه است (مجدی، ۱۳۸۴: ۱۱۲).



عهدی ساوجی، محمدرحیم (قرن ۱۰)، برادر بزرگتر مقصدی و از شاعران خوش‌ذوق قرن دهم اهل ساوه است و مثنوی «آدم‌پری» از اوست که در بحر لیلی و مجنون سروده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۹۲).

غ

غروی، سیدمحسن (۱۲۳۶-۱۳۱۹ خ)، فرزند سیدعلی اکبر هفته‌ای (شازند)، با پایان تحصیلات مقدماتی، به عتبات رفت و پس از تکمیل تحصیلات دینی، در سال ۱۳۰۶ به ایران مراجعت کرد و از مدرسان حوزه علمیه اراک شد. این عالم دینی تألیفاتی هم دارد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۶۱).

غروی، شمس (۱۳۱۰ خ)، فرزند حسن مجتهد اراکی، تحصیلاتش را در اراک و تهران گذراند و در دانشگاه تهران، زبان خواند. او هم‌چنین به زبان عربی، فرانسه و ترکی هم مسلط بود و در وادی شعر هم با بیش از هزار بیت که بخش‌هایی از آن در کتاب سیمای اراک موجود است، این بانوی شاعر را در زمره شاعران معاصر قرار داده و در زمینه گلدوزی، دوزندگی و موسیقی هم مهارت داشت (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۱۲).

غریبی، نورعلی (زندگی ۱۴۰۲ خ)، نویسنده اهل میلajرد (**کميجان**) که کتب از میلajرد تا میشداغ، از پرشین هتل تا پیرانشهر، تا دوازه سالگی در میلajرد و کتاب محور کوهخان را در کارنامه دارد.

غضایری، محمد (درگذشته ۴۱۴ خ)، ملقب به ابوزید بن علی از شاعران عراق (**اراک**)، مداح نخستین امرای آل بویه در ری و نیز مداح محمود غزنوی بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۶۲).

غضنفری خوانساری، سیدمهدی (۱۲۹۵ خ)، از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۰ در **خمین** ساکن و از مردان نامدار علمی مذهبی بود. او اقامه نماز جماعت را در مسجد جامع خمین بر عهده داشت و ضمن ارشاد مردم، تألیفاتی هم داشته که عبارتند از: جواهرالعلوم (۳ جلد)، خودآموز لمعه (۲ جلد)، خودآموز مکاسب محرمة انصاری، شرح صحیفه الحسینیه، مسائل عصرجدید، سؤال و جواب مفید و نیز محصل الاحوال.

غفاری، سیدمحمد (۱۲۸۸ خ)، فرزند سید مهدی، مشهور به نخستین معلم رسمی **دلیجان**، حدود ۴۳ سال معلم و معتمد مردم بوده و دارنده کتاب شعر زبده الاشعار شامل اشعار مذهبی، مدح اهل بیت و اشعار پراکنده دیگر است. او که در بنیان آموزش و پرورش و هلال احمر دلیجان نقش زیادی داشته، تربیت شاگردان نامور، جذب و مساعدت کودکان بازمانده از تحصیل، کمک رسانی مادی و معنوی به پذیرفته شدگان دانشگاه در روزگار خود را هم در کارنامه دارد و به همین دلیل نمادی از ایشان در ابتدای بلوار معلم دلیجان نصب شده است (پایگاه خبری دلیجان).

غفاری، عبدالوهاب (۱۲۳۷-۱۳۰۶ خ)، فرزند محمدحسین، از پزشکان دانش آموخته هند و از نخستین طبیبان شهر **اراک** بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۶۱).

غفاری، علی (۱۳۵۶ خ)، متولد **اراک** است که از نوجوانی به جمع آوری سنگ های قیمتی علاقه مند شد و پس از پایان دوره متوسطه، ضمن تحصیل در رشته زمین شناسی با کاوش در دورترین نقاط ایران و برخی کشورهای جهان، توانست مجموعه ای بی نظیر و منحصر به فرد از نمونه سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی را گردآوری نماید. او مجموعه آثار خود را در بیش از ده نمایشگاه سراسری و سه نمایشگاه انفرادی به نمایش گذاشت و همچنین هنر صنعت تراش سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی را نزد استادان مجرب این حرفه آموخت. او هم چنین کارگاهی دایر کرد و تاکنون چندین دوره آموزش تراش سنگ های قیمتی را برگزار و سال هاست فعالیت خود را بر پژوهش و تحقیق در زمینه گوهرشناسی، سنگ های قیمتی و ارائه مقالات در این زمینه متمرکز کرده است. این مجموعه دار، هم چنین در سال ۱۳۸۹ توانست برای طراحی و ساخت گردن آویز نقره، مهر اصالت یونسکو دریافت نماید.



غفاری، لیلا (۱۳۵۱ خ)، فرزند سیدمحمد، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران و دبیر دبیرستان های **دلیجان**، مدیر محفل ادبی ترنم قلم دلیجان و دارنده رتبه نخست مسابقات علمی دو سال

پیایی در دوره دبیرستان، دارنده رتبه المپیاد ادبی در دوره دبیرستان که ۴ دفتر شعر و نثر ادبی با نام «جنون لی لا»، «پاییز لی لا»، «سکوت لی لا» و «خورشید لی لا» به انضمام سه دفتر دیگر در کارنامه دارد.

غفاری انجدانی، حسنعلی (۱۲۳۳-۱۳۱۴ خ)، فرزند یعقوب خان، از سخنرانان خوش کلام که در مدت ۳۰ سال در **اراک** به عنوان یکی از مقامات روحانی به سخنرانی و ارشاد اشتغال داشت. آثار این شاعر و عالم دینی در دیوانی به نام سرالابلا به وسیله ذوالفقارخان (صمصام الملک) در چاپخانه عبدالرحیم تهرانی به خط مجدالشریعه به طبع رسیده و کتاب بحار الانوار را نیز تلخیص کرده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۰).

غفاری انجدانی، محمدرضا (درگذشته ۱۱۸۷ خ)، اهل روستای انجدان (**اراک**)، فرزند محمدحسین از اطبای حاذق بوده و به عنوان طبیب نویسنده، تألیفاتی هم داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۶۱).

غفاری انجدانی، محمدشریف (درگذشته ۱۱۸۵ خ)، اهل روستای انجدان (**اراک**)، فرزند میرزا محمدحسن، اهل فضل و ادب و شعر بوده و به واسطه اینکه پدر و پسر هر دو با طب سر و کار داشته‌اند، این طبیب شاعر هم مقلب به شریف‌الاطبا بوده و در فنون شعر و قافیه ماهر و در عالم بزل و شوخی وارد بوده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۸۲).

غفوری آشتیانی، علی (۱۲۹۸ خ)، یکی از افراد برجسته طراحی لباس و هنر خیاطی ایران است. او در سال ۱۳۳۳ با استفاده از بورسیه وزارت فرهنگ، دوره‌های تخصصی و طراحی شیکاگو را گذراند و در سال ۱۳۴۰ از سوی تعلیمات حرفه‌ای وزارت فرهنگ و هنر، به منظور تأسیس مدرسه طراحی حرفه‌ای به کشورهای فرانسه، ایتالیا، اتریش و انگلستان اعزام شد و موفق به دریافت دیپلم تخصصی طراحی شد. وی هم‌چنین از آکادمی ژان دروکس پاریس به مقام استادی رسید و کتاب خیاطی لباس‌های زنانه و مردانه در دو جلد از آثار اوست (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۴۰۰).



غفوری آشتیانی، محسن (۱۳۴۶ خ)، فرزند علی، در سال ۱۳۵۴ از دبیرستان علوی تهران دیپلم گرفت و در سال ۱۳۵۸ موفق به دریافت مهندسی عمران و مهندسی هسته‌ای از دانشگاه ایالتی ویرجینیا (آمریکا) شد. او در سال ۱۳۶۰ دوره فوق‌لیسانس مکانیک (تخصص مهندسی زلزله) را گذراند و در سال ۱۳۶۳ دکترای مکانیک با تخصص مهندسی زلزله و ارتعاشات راندن از دانشگاه ویرجینیا دریافت کرد. این دانشیار مؤسسه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، هم‌چنین مؤسس و نایب‌رئیس انجمن مهندسی زلزله ایران و عضو کمیته زلزله و عضو هیأت‌مدیره برنامه ارزیابی خطر زلزله کره زمین می‌باشد. کتاب دینامیک سازه‌ها به‌روش اجزا محدود، ارتعاشات راندن و کاربرد آن در مهندسی زلزله از آثار این دانشمند برجسته آشتیانی است که مدیر مسوول مجله علمی زلزله شناسی و مهندسی زلزله و نیز پژوهشنامه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله (فصلنامه) هم می‌باشد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۶۵).



غلامی، ندا (۱۳۶۳ خ)، فرزند حبیب و بانو افسانه، تحصیلاتش را در مدارس خاکباز و

رسالت اراک گذراند و از دبیرستان نمونه فرهنگیان مجد زرین قلم دیپلم گرفت. او سپس در مرکز تربیت معلم زینب کبری، کاردانی علوم اجتماعی و از پردیس شهیدباهنر کارشناسی گرفت و در سال ۱۳۹۴ از دانشگاه آزاد اراک ارشد مردم‌شناسی دریافت نمود و



هم‌اکنون دانشجوی Phd جامعه‌شناسی و شاغل در آموزش و پرورش اراک است. دو عنوان کتاب «سنگان» و «حال خوب تدریس» از نوشته‌های اوست و رمانی هم در دست تالیف دارد. وی همچنین در حوزه مردم‌شناسی مقالاتی چون «بررسی مردم‌شناختی کوسه ناقلی»، «ریخت‌نگاری آئین عاشورایی نخل گردانی»، «بررسی کیفیت زندگی و تربیت فرزندان در خانواده‌های حاشیه‌نشین شهر اراک» و «نقش مدرسه (با تاکید بر نقش معلم) در شکل‌گیری هویت ایرانی-اسلامی دانش‌آموزان» را به نگارش درآورده و به‌عنوان یک دبیر برجسته رتبه‌های مختلفی را در کارنامه دارد.

غلامی داودآبادی، زهرا (۱۳۶۲ خ)، فرزند علی اصغر و بانو سکینه، تحصیلاتش را در دبستان دکتر چمران،

راهنمایی فاطمیه و دبیرستان تزکیه داودآباد (اراک) گذراند و از دانشگاه اراک فوق‌لیسانس ادبیات تطبیقی گرفت. این نویسنده، که مربی فعال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است، رودی‌جان چرا آواز نمی‌خوانی، بالش پرنده، نم‌نم در سفر، نم‌نم در شهر و نم‌نم در طبیعت را چاپ و منتشر کرده است.

غلامی مقصودآبادی، نصرت‌اله (قرن...)، اهل مقصودآباد از توابع نوبران (ساوه)، شاعری است که طبع بسیار قوی و استعداد فراوان در زمینه سرودن شعر دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۹۵).

غیاثی عراقی، درویش (قرن...)، شاعر خوش‌ذوق اراکی و مشهور به خواجه غیاث، که اطلاعات زیادی از ایشان در دست نیست و این بیت از اوست: اگرچه نیست روا سجده بتان کردن/ تو آن بتی که تو را سجده می‌توان کردن (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۴).

غیبی، صفرعلی (۱۳۰۵-۱۳۹۰ خ)، معروف به میرزا صفر، فرزند معصوم‌علی، متولد روستای

آقداش بخش نوبران (ساوه)، تحصیلاتش را نزد میرزا علی (روستای خان‌آباد مزلقانچای) و میرزا محمدعلی (روستای آقداش) گذراند و در آقداش اقدام به تاسیس مکتب‌خانه نمود و



پس از رواج مدارس نوین، به‌عنوان معلم به تدریس پرداخت. وی علاوه بر ادبیات، از حسن خط هم برخوردار بود و قریحه شعری هم داشت که قسمتی از آثار منظوم و منثور این شاعر ترک‌زبان با تخلص «غمگین» در کتابی با نام «آخرین مکتب‌دار آقداش» به کوشش آقایان یحیی (محمد) رفیعی و اسداله امیری در سال ۱۴۰۳ از طریق انتشارات آیدین‌خزر زنجان چاپ و منتشر گردید.

ف

فاذار، یزدان (قرن ۱)، مشهور به یزدان پایدار، رئیس ناحیه ابرشتجان (**آشتیان**)، در قرن نخست هجری و هم‌زمان با دوران بنی‌امیه بوده است. او همچنین ریاست مذهبی هم داشته و برای حراست و دفاع از دهکده‌ها در مقابل حملات راه‌زنان، حصارهایی ساخته و مرد شایسته دیگری به نام خربنداد معاون ایشان بود و این هر دو از دانش نجوم و ستاره‌شناسی هم برخوردار بودند. ضمناً یکی از فرزندان فاذاار که به کیاست و فراست شهره بود، مخسرهان نام داشت (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۹۴).

فارسی، سعید (۱۳۳۴ خ)، فرزند حسین و بانو عصمت، تحصیلاتش را در دبستان نخستین گذراند و از دبیرستان پهلوی **اراک** دیپلم گرفت. او سپس در انستیتو تکنولوژی اراک در رشته برق (الکترونیک و الکترونیک) دانش‌آموخته شد. این کارآفرین برجسته سپس با تأسیس یک شرکت به مدت ۱۱ سال به ساخت انواع ترانسفورماتور، آداپتور و شارژر باتری پرداخت که با تخریب این شرکت در حملات هوایی صدام، به ناچار نزدیک به دوده در تهران به تجارت قطعات الکترونیک پرداخت و دوباره به اراک بازگشت و شرکت تولید سازه‌های فلزی تأسیس نمود و پس از ۱۳ سال این شرکت را هم تعطیل نمود. مهندس فارسی که از یک استعداد هنری سرشار برخوردار است این بار تجربیات ۴۰ ساله خود در صنعت را در زمینه هنر اصیل ایرانی به کار برد و با استفاده از دانش پرسپکتیو (Perspective) و ابداع یک روش جدید با عنوان قلم‌سابی^۲ به خلق آثاری هنری پرداخته که در نوع خود بی‌نظیر است و تاکنون بیش از ۳۰ عنوان تابلو هنری از جنس مس آفریده و اثر جدید ایشان که یک تصویر سه‌بعدی از حمام چهارفصل اراک می‌باشد بسیار دیدنی است.



فارسی، اکرم‌سادات (۱۳۶۷ خ)، فرزند سیدعطا و بانو هاجر، تحصیلات مقدماتی را در شهرستان **خمین** گذراند و در رشته حسابداری مشغول ادامه تحصیل شد. نخستین کتاب او که به علت علاقه بسیار به نویسندگی و دنیای ادبیات از دانشگاه انصراف داده بود یک رمان اجتماعی است با نام «حسرت عشق» که با استقبال خوبی از سوی مخاطبان جوان روبه‌رو شد و به سه مرحله چاپ مجدد رسید. وی پس از یک دوره داستان‌نویسی کوتاه، به این حوزه علاقمند شد و در مسابقات و همایش‌های مختلف شرکت کرد و مورد تحسین قرار گرفت و رمان اجتماعی دیگری با نام «گلاره» منتشر نمود. این نویسنده خمینی در سال ۱۴۰۲ کتابی متفاوت از نوشته‌های پیشین با نام



۱. ژرف‌نمایی (Perspective) نمایش نسبی یک تصویر به همان شکلی که توسط چشم دریافت می‌شود، بر روی یک سطح تخت (همچون کاغذ) است

۲. شیوه متفاوتی از قلم‌زنی بر روی سطوحی از فلزات آلومینیوم، مس، برنج و... می‌باشد

«ماهورزان» که به شکلی داستان‌گونه، زندگی ۸ شهید روستای پدری‌اش را روایت می‌کند را روانه بازار نمود که استقبال مخاطبان باعث شد چند زندگی و روایت از داستان شهدای دیگر مناطق استان را نیز در دستور کار قرار دهد تا در آینده شاهد انتشار آن‌ها نیز باشیم.

فارسی، وحیدرضا (۱۳۴۸ خ)، فرزند ناصر و بانو قدسی، تحصیلاتش را در دبستان داودی

و راهنمایی حکمت گذراند و از دبیرستان امام علی **اراک** دیپلم گرفت. او از دوران راهنمایی وارد گروه تئاتر مدرسه شد و به این هنر علاقه‌مند گردید و در دانشگاه آزاد واحد خوراسگان و سپس اراک رشته نمایش خواند و در واحد تهران جنوب لیسانس نمایش گرفت. فارسی سپس در دانشکده هنر و معماری تهران مرکز ارشد معماری خواند. وی اگر چه با جنگ نوروز ۱۳۷۴ و با آهنگ مگیل به شهرت رسید ولی بیشتر فعالیتش در حوزه تئاتر بوده و نمایش «زندگی گالیله» به کارگردانی دکتر فرهاد مهندس‌پور یکی از اجراهای شاخص وی بود. او در حوزه تصویر هم فعالیت زیادی داشته که بازی در سریال‌های مختارنامه، پنجره، سلام و... از جمله آنهاست. وی هم‌چنین بالغ بر ۱۸ دیپلم افتخار، تندیس و... از جشنواره‌های مختلف دریافت کرده است.



فاریابی، باقر (۱۲۷۹-۱۳۵۱ خ)، فرزند علی، در **اراک** متولد شد و تحصیلات رایج را در مکتب‌خانه آموخت و از اوان جوانی شیفته موسیقی شد و نزد استادان وقت به‌آموختن موسیقی مقامی پرداخت. این شاگرد علی‌اکبر شهنازی، همکار قمرالملوک وزیری و حسین تهرانی، علاوه بر نواختن تار، سه‌تار و کمانچه، در ساخت تار و سه‌تار استاد بود و سازهای او از نظر تناسب، ظرافت و صدا با بهترین سازهای ایران رقابت می‌کرد. فاریابی زبان انگلیسی را در حد تکلم می‌دانست و بر جغرافیای ایران تسلط کامل داشت^۱ (مختاط، ۱۳۷۲: ۳۲).

فاضل‌نراقی، احمد (۱۱۵۰-۱۲۰۸ خ)، فرزند ملامهدی، در نراق (**دلجان**) به دنیا آمد و

در محضر پدرش به تحصیل مقدمات و سطح پرداخت و شروع به تدریس معالم و مطول کرد. او در سال ۱۱۷۱ همراه پدر به عتبات رفت و از محضر سیدمهدی بحرالعلوم، میرزا محمدمهدی موسوی شهرستانی، شیخ جعفر کاشف‌الغطا و سیدعلی طباطبائی (صاحب ریاض) بهره برد و پس از اجتهاد به تدریس و تألیف پرداخت. ملا احمد پس از وفات پدر در سال ۱۱۷۳ به کاشان بازگشت و مرجعیت عامه را عهده‌دار شد تا حدی که وی را رئیس علی‌الاطلاق می‌گفتند. برخی از شاگردان مشهور ملا احمد عبارتند از: شیخ مرتضی انصاری، سیدمحمدتقی کاشانی، علی‌مدد ساوجی کاشانی، مهدی نراقی، میرزا ابوالقاسم نراقی کاشانی، محمدجواد نراقی کاشانی، میرزا محمدنصیر نراقی کاشانی، احمد نطنزی کاشانی، ابوتراب نطنزی کاشانی، محمدحسن جاسبی قمی، میرزا حبیب‌اله کاشانی، سیدمحمدشفیع



^۱. باقرخان فاریابی در محافل عمومی ساز نمی‌زد.

حسینی جاپلقی، محمد کزازی قمی، آقامحمد باقر هزارجریبی و برخی دیگر. این عالم برجسته علاوه بر تألیف کتاب ارزشمند معراج السعاده^۱ که مشهورترین اثر او به‌شمار می‌رود، آثار دیگری هم دارد که جامع الافکار و ناقدالانظار، قره‌العیون، اللمعات العرشیه، اللمعه الالهیه فی الحکمه المتعالیه، توضیح الاشکال (در هندسه اقلیدس)، ملا احمد در فنون شعری نیز مهارت داشت و «صفایی» تخلص می‌کرد و بیشتر اشعار او اخلاقی، عاشقانه، ذوقی و عارفانه است. ملا احمد نراقی نخستین فقیهی است که ولایت فقیه^۲ را به‌صورت یک مسئله فقهی تبیین و برای اثبات آن از ادله نقلی و عقلی استفاده کرد. او برای نخستین بار تمام وظایف و اختیارات حاکم اسلامی و ولایت فقیه را به‌طور کامل در کتاب عوایدالایام جمع‌آوری کرد و بنابر نظریه این مجتهد، اصلاح جامعه، مشروط به اجرای عدالت است و قواعد عدالت همان قواعد شرع است. بنابراین حاکم برای برپایی عدالت باید از شریعت اطلاع داشته باشد، پس حاکم یا باید فقیه باشد یا باید از فقیه تقلید کند. بنابراین مقلد هم می‌تواند با جلب نظر مجتهد و پیروی از او، به‌صورت عادلانه حکومت کند. ملا احمد نراقی در دوران پادشاهی فتح‌علی‌شاه، که روس‌ها قسمتی از نواحی شمالی ایران را اشغال کرده بودند، می‌زیست و از مجتهدانی بود که فتوا به لزوم جهاد در برابر قوای روسیه داد و همراه با تعدادی از مجتهدان برای تشویق، به اردوی سپاه ایران سفر کرد و ایران در این جنگ شکست خورد و به‌واسطه این دو نقش، می‌توان گفت در تاریخ این سرزمین نقش‌آفرین بوده است (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۷۱).

فاضل نراقی، محمدمهدی (۱۰۹۵-۱۱۷۳ خ)، فرزند ابوزر، در نراق (دلیجان) به‌دنیا

آمد. وی در کودکی به حوزه علمیه کاشان رفت و در محضر ملاجعفر بیگدلی دوره مقدمات، سطح و بخشی از دروس خارج فقه و اصول را فرا گرفت. او برای تکمیل مراتب علمی راهی اصفهان شد و در محضر محمد بن محمدزمان کاشانی، محمدباقر اصفهانی، محمدمهدی هرنندی، آقا میرزا نصیر اصفهانی و ملا اسماعیل خواجه‌بوی فقه و اصول، کلام، فلسفه، حساب، هندسه و نجوم آموخت. این دانشمند برجسته علاوه بر تحصیل، به‌تدریس، تحقیق، تألیف و ارشاد مردم نیز اهتمام داشت و حتی با یادگیری خط و زبان عبری و لاتین، با رهبران مذهبی اقلیت‌ها وارد بحث و مناظره شد و از متن کتب مذهبی آنان مطالبی را درباره حقانیت رسالت پیامبر اسلام ترجمه کرد. او پس از ۳۰ سال، مدتی به کاشان آمد و سپس به عتبات رفت و در درس محمدباقر وحید بهبهانی، شیخ یوسف بحرانی و شیخ محمدمهدی فتونی^۳ شرکت کرد. وی دوباره به ایران بازگشت و در حوزه علمیه کاشان به تدریس علوم دینی و تربیت شاگردان پرداخت که علمای بزرگی چون محمدباقر شفتی و حاج محمد کلباسی



۱. خلاصه کتاب «جامع‌السعادات» پدرش در زمینه علم اخلاق برای تهذیب نفس است که بنابر خواست مردم تألیف نمود.

۲. حکومت در زمان غیبت امام زمان، برعهده فقیه جامع‌الشرایط است.

۳. آل‌فتون یکی از خاندان‌های بزرگ در جبل عامل لبنان است.

از آن جمله‌اند. از ملامهدی تألیفات فراوانی باقی مانده که بیشتر این کتب به‌صورت نُسخ خطی در کتابخانه‌های مختلف نگهداری می‌شود. او با نوشتن کتاب مشهور «جامع‌السعادات» به افراط و تفریط صوفیان و ظاهرگرایان پرداخت و نسبت به‌اندیشه و رفتار فاسد پادشاهان و رهبران منحرف توجه کرد و در آثارش زمینه رشد فضایل اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را در گرو اجرای عدالت دانست. او همچنین به امر به معروف و نهی از منکر توجه کرده و معتقد بود که باید سازمانی مسوولیت امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده گیرد تا بتوان با شناخت صحیح معروف و منکر، به اقدامات مؤثری در بسط معروف و جلوگیری از منکر پرداخت. از دیگر آثار تألیفی وی می‌توان به «انیس‌التجار»، «معمدالشیعه»، «لوامع الأحکام» و «انیس‌المجتهدین» اشاره کرد. محقق نراقی هم‌چنین اشعار بسیاری سروده که تنها بخش کوچکی از آن موجود است که به شیوه مثنوی و ساقی‌نامه سروده شده است. سیدجلال‌الدین آشتیانی می‌گوید: علامه نراقی در حکمت و فلسفه الهی نیز مقامی بلند و در فنون ریاضی هم آثار نفیسی دارد و عالی‌ترین کتب ریاضی را تدریس می‌کرد و برخی از وی به «افضل‌المهندسین» تعبیر کرده‌اند (ولاشجرودی فراهانی، ۱۳۸۰: ۷۳).

فاضلی، محمد (۱۳۵۳ خ)، فرزند هبت‌اله و بانو هاجر، تحصیلاتش را تا پایان دوره

دبیرستان در زادگاهش مصلح‌آباد (اراک) گذراند. این دانش‌آموخته مهندسی‌صنایع و دکترای جامعه‌شناسی از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ استادیار دانشگاه مازندران و از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۴۰۱، عضو هیأت علمی دانشگاه شهیدبهشتی بود که به‌خاطر مواضع سیاسی‌اش



اخراج شد. از آبان ۱۳۹۶ به سمت «مشاور برنامه‌ریزی راهبردی و توسعه پایدار» وزیر نیرو منصوب شد و از ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۷ رئیس مرکز امور اجتماعی منابع آب‌وانرژی است. «ایران بر لبه تیغ»، «شهر، حمل‌ونقل و زندگی روزمره»، «بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی: تجربه دموکراسی در ایران، ترکیه و کره جنوبی»، «روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی‌وکیفی^۱»، «جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران» و نیز «جامعه‌شناسی مصرف موسیقی و ارزیابی تأثیرات اجتماعی»، برخی از آثار این نویسنده آزاداندیش دانشگاهی است.

فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۴۳ خ)، فرزند نصرت‌اله و بانو ایران، تحصیلاتش را تا پایان دوره

دبیرستان در زادگاهش مصلح‌آباد (اراک) گذراند. این دانشمند معاصر، دوره کارشناسی پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه تبریز و ارشد مردم‌شناسی دانشگاه تهران و دکترای انسان‌شناسی اجتماعی را از دانشگاه لندن دریافت کرد و از سال ۱۳۷۰ تدریس در دانشگاه خوارزمی را به‌عنوان مربی آغاز و در سال ۱۳۷۴ به‌ریاست مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ منصوب



^۱. ترجمه

شد. این نویسنده، در سال ۱۳۹۲ به‌عنوان رئیس پژوهشکده مطالعات اجتماعی انتخاب شد و از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۱۱ عضو وابسته هیأت علمی مدرسه مطالعات شرق و آفریقا دانشگاه لندن بود و از سال ۱۳۸۷ تاکنون عضو وابسته دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران می‌باشد. دکتر فاضلی تألیف و ترجمه‌های فراوانی در قالب کتاب، مقاله و یادداشت منتشر کرده و نیز بنیان‌گذار فصلنامه فرهنگ‌وارتباطات (کشوری) و نیز فصلنامه راه‌دانش (استانی) است.

فاضلی، هادی (۱۳۵۰ خ)، فرزند صحبت‌اله و بانو عذرا، تحصیلاتش را در دبستان روستای مصلح‌آباد و راهنمای توحید **اراک** گذراند و از دبیرستان مطهری دیپلم ریاضی گرفت و در محضر دبیران شعر دوستی چون استاد ایرج افشار، قریحه شعری‌اش تقویت شد. او رشته مهندسی متالورژی را در دانشگاه اصفهان خواند و هم‌زمان در محافل ادبی این شهر شرکت می‌کرد. اشتغال بکار در شرکت هپکو^۱ و تجربه مشاغل چون مهندسی تولید، رئیس امور پیمانکاران، مدیر بازاریابی و فروش و مدیر حقوقی و قراردادهای باعث نشد این شاعر طنان و «اراک‌گو» از شعر و فعالیت‌های اجتماعی دور شود و امروز به‌عنوان یکی از شاعران آزاده این سرزمین، شناخته می‌شود. گفتنی است ایشان از نسل ملا احمد فاضل‌نراقی است و پدر جد او یعنی استاد علیقلی فاضلی هم شاعر بوده است.



فاطمی، ساسان (۱۳۳۷ خ)، اهل **اراک**، موسیقی‌دان و دکترای موسیقی قومی از دانشگاه پاریس، عضو هیأت علمی گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، عضو انجمن موسیقی فرانسه، عضو هیأت تحریریه فصلنامه موسیقی ماهور، عضو گروه واژه‌گزینی موسیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، رئیس هیأت‌مدیره کانون پژوهش‌گران خانه موسیقی، عضو هیأت‌مدیره خانه موسیقی و عضو شورای راهبردی موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. او ضمن تهیه بانک اطلاعاتی هنرمندان موسیقی نواحی، چندین عنوان کتاب تألیف کرده که از آن جمله‌اند: موسیقی‌وما و بعضی چیزهای دیگر، فرهیختگی در محیط مردمی، غزل‌خوانی تهرانی و بسترهای فرهنگی-اجتماعی آن، جشن و موسیقی در فرهنگ‌های شهری ایرانی، پیدایش موسیقی مردم‌پسند در ایران، ریتم کودکانه در ایران، موسیقی و زندگی موسیقایی در مازندران، داستان زندگی یک بچه گرگ استثنایی، پسر انسان: شرح موضوعی نقاشی‌های میکال آنژ در کلیسای سیستین، قصه‌های شاهنامه و....



فاطمی، سیدنظام‌الدین (۱۳۱۰-۱۳۷۰ خ)، فرزند سیدعلی‌اصغر، در روستای آهو (آشتیان) متولد و از دبیرستان حکیم‌نظامی قم دیپلم گرفت. او نخستین اشعار خود را در سن شانزده سالگی سرود و برخی از آثار این شاعر در نشریات «روشنفکر» و «سپیدوسپاه» به‌چاپ رسید و به موازات آن به نوشتن نمایش‌نامه و سرودن ترانه برای رادیو (در دهه ۱۳۲۰



^۱ کارخانه هپکو اراک، نخستین و بزرگ‌ترین تولیدکننده ماشین‌آلات راه‌سازی خاورمیانه.

و بیش از ۳۵۰ ترانه) پرداخت. نظام‌فاطمی که دانش‌آموخته ادبیات از دانشگاه تهران بود، در سال ۱۳۲۸ با نوشتن فیلم‌نامه «دوقلوها» فعالیت سینمایی خود را آغاز کرد. بیه‌های خندان نخستین فیلم اوست که علاوه بر نوشتن فیلم‌نامه، کارگردانی آن‌را هم بر عهده داشت. در سال ۱۳۵۵ بر اساس قصه‌های هفت‌پیکر نظامی گنجوی، به‌ساخت یک مجموعه تلویزیونی پرداخت که نیمه‌کاره ماند. زنگ اول (۱۳۶۴) تنها فیلم این سینماگر پس از انقلاب است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۹۱).

فتاحی، فرید (۱۳۵۶ خ)، فرزند هادی و بانو رضوان‌سادات، دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی و نویسنده کتاب بازاریابی پارتیزانی در شرکت‌های عایق رطوبتی و در حال چاپ کتاب معنا و ریشه‌های امثال‌الحکم ایرانی‌واسلامی، مدیرعامل شرکت ایزوگام رضوان‌گستر **دلیجان** و عضو هیأت مدیره انجمن عایق‌های رطوبتی استان مرکزی است.

فتاحی، مجتبی (۱۳۳۴ خ)، فرزند غلامعلی و بانو مهین، تحصیلاتش را در دبستان داوودی



گذراند و از دبیرستان صمصامی **اراک** دیپلم گرفت و برای ادامه تحصیل به فیلیپین رفت و از دانشگاه مانیلا لیسانس گرفت. او سپس به ایران بازگشت و در شرکت کمباین‌سازی ایران مشغول بکار شد و در این شرکت پله‌های ترقی را طی کرد و تا پست معاونت بازاریابی و فروش ارتقا یافت. او هم‌زمان دو کارشناسی‌ارشد از سازمان مدیریت صنعتی و دانشگاه لئولو سوئد دریافت کرد. او همچنین بمدت دوسال عضو هیأت مدیره شرکت تولید ادوات کشاورزی (تاکا) و همچنین دو دوره ۳ ساله عضو هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت تعاونی تولیدی تکسا بود و در این دوره این شرکت بعنوان تعاونی برتر استان و کشور انتخاب گردید و خود ایشان هم به‌عنوان کارآفرین برتر کشور معرفی شد. مهندس فتاحی پس از بازنشستگی نسبت به تأسیس شرکت آبیارماشین پارس، بزرگترین تأمین‌کننده و تولیدکننده ماشین‌های مکانیزه آبیاری (سنتریوت و لینیر) در ایران اقدام کرد. این کارآفرین برجسته با تکیه بر دستاوردهای ارزشمند خود در زمینه فنی‌ومهندسی توانسته جایگاه خود به‌عنوان بزرگترین تولیدکننده و تأمین‌کننده ماشین‌های مکانیزه آبیاری در کشور را تثبیت کرده و با همکاری بیش از ۵۰ نفر کارگر و کارشناس، نزدیک به ۴۳ هزار هکتار از اراضی کشاورزی در سراسر کشور را با محصولات خود به سیستم نوین آبیاری مجهز نماید.

فتایی، مهین (۱۳۱۵ خ)، فرزند اردشیر، در **اراک** بدنیا آمد و دوران دبستان و دبیرستان را در همین شهر گذراند، آن‌گاه در تهران به‌شغل آموزگاری پرداخت. او به‌زبان انگلیسی و آلمانی آشنا بود و داستانی به نام «لیلا» نوشته که در روزنامه اقلیم به‌صورت پاورقی چاپ شده است. او هم‌چنین شعر هم می‌سروده و اشعار این نویسنده و شاعر اراکی، در مجلات ترقی، خواندنی‌ها و آسیای جوان چاپ می‌شد (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۱۶). **فتح‌الهی، محمد** (۱۳۲۸-۱۳۸۴ خ)، اهل مأمونیه (**زرنديه**)، شاعر خوش‌قریحه که مجموعه اشعارش

در کتابی با عنوان «رنگین کمان» در سال ۱۳۸۲ منتشر شده و شامل ۳۵ قطعه شعر کلاسیک و ۱۱ شعر آزاد است (چراغی، ۱۳۹۵: ۴۵۵).

فتحی، قدرت‌اله (۱۳۴۱ خ)، زاده اراک، دانش‌آموخته رشته تئاتر می‌باشد و بازی در نمایش بچه‌هاوسگ‌ها نوشته آقای کیانیان، نخستین تجربه بازیگری اوست. از سال ۱۳۶۶ نوشتن و کارگردانی را شروع کرده و گاهی هم‌بازی می‌کرد. کارهای این سینماگر در جشنواره‌های کارگری، دانشجویی، استانی و منطقه‌ای حضور داشته و یک‌بار به‌عنوان بازیگر در جشنواره فجر و دوبار هم داور جشنواره استانی بوده است.



فتوحی، رحیم (۱۳۲۹-۱۴۰۲ خ)، فرزند ولی و بانو صفیه، تحصیلاتش را در دبستان بوستان فیجان و دبیرستان فردوسی اراک گذراند و از دانشگاه آزاد شهر ری دانش‌آموخته شد. او که از ۱۵ سالگی سرودن شعر را آغاز و با حضور در انجمن‌های ادبی به شکوفایی رسید، نخستین مجموعه شعر خود را با عنوان «نغمه‌های عاشقانه» منتشر و کتاب دیگر او هم با نام «آب‌و‌آتش» در دست تدوین بود که اجل مهلت نداد. تبحر استاد فتوحی، بیشتر در سرودن غزل است و اگرچه در کرج زندگی می‌کرد، اما دل در گرو اراک بویژه زادگاهش منطقه «سنگان» داشت و شعرهای محلی این شاعر طنز، خواندنی و شنیدنی است. او هم‌چنین کتابی در مورد سنگان در دست تهیه داشت که در این کتاب تاریخ، لهجه، آداب و رسوم، صنایع و مشاغل این منطقه تاریخی اراک از جمله آسیاب‌ها، کارگاه‌های حجاری، قالی‌بافی، رنگ‌رزی، روغن‌کشی و غذاهای محلی، آیین‌های عروسی و عزا و بسیاری موضوعات دیگر را مورد بررسی قرار داده که انتظار می‌رود خانواده در چاپ آن اهتمام ورزند.



الفتی کمره‌ای (قرن ۱۱)، اهل خمین و شاعر قرن یازدهم هجری و برادر علی‌نقی کمره‌ای که این بیت از اوست: آنم که گر بسوزیم خاکسترم نبینی / از من گرت غباری، نبود عجب نباشد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۴۹). **فخارکاشانی، رضا** (۱۳۴۹-۱۳۱۲ خ)، فرزند حسن و نوه کربلایی عظیم فخارکاشانی، در اراک زاده شد و در حوزه علمیه به‌تحصیل پرداخت. وی مردی متقی و اهل فضل بود، عموزاده‌اش وافی، اشعاری در مدح این عالم دینی دارد و دوره قابل توجه زندگی‌اش از هنگامی آغاز می‌شود که آقانورالدین پس از مراجعت از نجف، وی را به‌عنوان معاون و معتمد بر می‌گزیند و وکیل خود قرار می‌دهد. این روابط عمیق که تا پایان عمر ادامه داشت، در مراسلات، وکالت‌نامه‌ها و مأموریت‌های محوله آقانورالدین به‌خوبی مشهود است.

فخاریان ساوجی، ابوالقاسم (۱۳۰۵ خ)، فرزند محمدرضا، متولد ساوه، تحصیلاتش در علوم قدیم و جدید بوده و در دانشگاه دکترای الهیات و معارف اسلامی خوانده است. این شاعر و نویسنده، پرورش‌یافته استادانی مانند بدیع‌الزمان فروزانفر، علی‌کنی، عبدالعظیم قریب، مهدی حائری‌یزدی و عبدالحسین زرین‌کوب است و آثاری از خود به‌یادگار نهاده که شراره‌های دل، فرهیختگان ساوه، دیوان سمندر ساوجی، آوای عارفانه و دیوان فخاریان از آن جمله‌اند. ایشان



همچنین شرح حال بیش از ۵۰۰ نفر از فرهیختگان ساوه را در ۴ جلد گردآوری کرده و از جمله کارهای دیگر وی می‌توان به «تاریخ و جغرافیای مفصل شهرستان از زمان مظفرالدین شاه تا به حال» اشاره کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۰۱).

فخاریان ساوجی، داود (۱۳۳۷ خ)، فرزند محمدعلی، دوران دبستان و دبیرستان را در

زادگاهش (ساوه) گذراند و از محضر سیدآقا حاجی سمندر بهره برد. او که ریاست بانک کشاورزی رازقان را در کارنامه دارد، شاعری است بسیار خوش طبع، خوش‌رو و مردم‌دار و برخی از اشعارش در کتاب فرهیختگان ساوه موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۰۱).



فخرالاسلام، ابوالفضل (۱۳۴۲-۱۴۰۰ خ)، فرزند حسین و بانو شیرین، زاده کمیجان

پس از دیپلم، در سال ۱۳۶۰ وارد جهاد سازندگی شد و مدتی در خنداب و ایرانشهر خدمت کرد و سپس به مدت ۲۴ ماه راهی جبهه شد و سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد. او کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری تخصصی خود را به ترتیب از دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه اصفهان و در سال ۱۳۹۸ از دانشگاه آزاد اسلامی اخذ کرد. ایشان علاوه بر چاپ و انتشار مقالات علمی/پژوهشی، تعداد ۴۱ عنوان کتاب هم به‌زیور طبع آراسته و یا آماده چاپ دارد. فخرالاسلام از فعالان سیاسی/فرهنگی سرشناس استان مرکزی بود و علاوه بر مدیریت انتشارات و نگارش ۴۰۰ مقاله و یادداشت در حوزه‌های مختلف که در خبرگزاری‌ها و مطبوعات محلی، سراسری و برخی مجلات به چاپ رسیده، هفته‌نامه‌های شمس و آفتاب مرکزی را نیز راه‌اندازی و بیش از ۱۸ سال مدیریت این رسانه‌های استانی را عهده‌دار بود.



فخاری، سیدتقی (۱۲۵۸-۱۳۲۶ خ)، ملقب به مذهب‌الممالک، فرزند میرزا سیدمحمد

خان صدراالطبا معروف به حکیم‌باشی، پس از تحصیلات مکتب‌خانه‌ای به سبب خوش خطی و سواد خوب، به عنوان رئیس دفتر قوام السلطنه در کرمانشاه منصوب شد. وی مدتی هم در حکومت عراق (اراک) مناصب مهمی را به عنوان کارگزار عهده‌دار شد و به واسطه اقتدار و جسارتی که داشت در زمان جنگ جهانی اول، مسوول تأمین امنیت راه‌های عراق عجم بود و در منطقه قم مستقر شد و امنیت خوبی را در راه‌های حوزه استحفاظی این منطقه ایجاد کرد. وی همچنین مدتی نیز در وزارت مالیه خدمت کرد و متأسفانه در سن ۶۸ سالگی و در حین مأموریت، بر اثر سانحه رانندگی در جاده قم درگذشت (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۲۸).



فخاری، سیدکاظم (۱۲۶۵-۱۳۱۶ خ)، فرزند میرزا سیدمحمدخان صدراالطبا، معروف به

حکیم‌باشی، پس از تحصیلات مقدماتی در **تفرش**، دوره طب را در مدرسه دارالفنون گذراند و به عنوان یکی از نخستین دانش‌آموختگان پزشکی نوین از فرانسه دکترا گرفت و در بازگشت به ایران، ابتدا در تهران به طبابت مشغول شد و سپس بنا به وصیت پدر جهت



معالجه بیماران در تفرش ساکن شد و سال‌ها در تفرش و مناطق اطراف آن به طبابت پرداخت (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۲۷).

فخرایی، سیدمحمد (۱۲۳۲-۱۳۱۰ خ)، فرزند میرزا ابوالقاسم خان مستوفی و بانو بگم جان، پس از تحصیلات مقدماتی در **تفرش**، به تهران رفت و در رشته طب دانش آموخته شد و به صدراطبا ملقب شد. او که ساکن تفرش و به حکیم‌باشی شهرت داشت، در تفرش علاوه بر طبابت، به عمران و آبادانی پرداخت. قنات کهن لو، مسجد تابستانه، توسعه باغات و همچنین مرمت و بازسازی کامل تکیه میان‌ده از آثار این طبیب نیکوکار است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۲۹).



فدایی، ابوالقاسم (۱۳۰۸ خ)، فرزند میرزا هدایت، تحصیلات خود را تا اخذ دیپلم در **اراک** گذراند و در رشته تاریخ و جغرافیا از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت. از سال ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۶۵ به تدریس رشته مذکور در دبیرستان‌های اراک پرداخت. مجموعه داستان‌های اخلاقی، مجموعه‌ای از حکایات کوچک تاریخی، ریشه‌یابی ضرب‌الامثال و چندین عنوان دیگر از آثار این نویسنده است که هنوز منتشر نشده (مجدی، ۱۳۸۴: ۲۴۹).



فدایی، مرضیه (۱۳۶۵ خ)، فرزند علی اکبر و بانو فرشته، تحصیلاتش را در دبستان نرجس و راهنمایی طریق الاسلام **دلیجان** گذراند و در دبیرستان الزهرا ادامه تحصیل داد و از دبیرستان آفرینش دیپلم گرفت و سپس در دانشگاه کاشان معماری خواند. وی دو عنوان کتاب دارد که عبارتند از: معماری مدارس ایمن و کاهش ناهنجاری‌ها.



فدائی‌کزازی، محمداسماعیل (۱۱۵۰-۱۲۲۵ خ)، فرزند محمدهادی، اهل منطقه کزاز (**شازند**)، عالمی آگاه و مجتهدی بزرگ بوده که بیش از ۲۰ عنوان کتاب در حوزه‌های فقه، رجال، کلام و حدیث دارد که نام برخی از آثار این عالم دینی عبارتند از: ینابیع البراهین فی تحقیق الحق الیقین، الاشعه البدیهیه فی شرح الجعفریه، الفیوضات القدسیه فی شرح الرساله المجلسیه، قره‌العین الناظره فی شرح کتاب التیصره (علامه مطهر حلی)، معیارالتمیز در شرح الوجیز (علامه مجلسی)، صحیفه الشعر و کتاب «جنات‌النعم» در مدح حضرت عبدالعظیم به زبان عربی با تصحیح علی اکبر زمانی‌نژاد و نیز کتاب «عقدالتالی» در دو مجلد و کلیات دیوان ایشان هم در ۱۰۰۰ صفحه، با تصحیح دکتر غلامرضا فدائی منتشر شده است. علی‌رغم وسعت آثار و با آن که آقابزرگ تهرانی در مجلدات گوناگون «الذریعه» بسیاری از آثار او را ذکر کرده، آنچه درباره او شگفت‌آور است گمنامی اوست.



فدایی، غلامرضا (۱۳۲۴ خ)، فرزند مرتضی و بانو عذرا، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه

داودی و شاپور و متوسطه اول را در مدرسه صمصامی اراک خواند. او سپس به همراه خانواده به مشهد رفت و پس از دیپلم چندین سال در مدارس این شهر تدریس کرد. او سپس در دانشگاه مشهد زبان انگلیسی خواند و تحصیلاتش را تا دکتری علوم کتابداری



و اطلاع‌رسانی ادامه داد. مترجم، استاد تمام دانشکده علوم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تهران، مدیر کل آموزش و پرورش استان همدان، نماینده دوره ۲ و ۳ مردم اراک در مجلس، رئیس پژوهشکده اسناد سازمان اسناد ملی ایران، رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس و رئیس دانشکده علوم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تهران و نیز سردبیر دو مجله تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و فصلنامه تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی و عضو کمیته برنامه‌ریزی در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی وزارت عتف^۱ برخی از سوابق اوست. علاوه بر مقالات داخلی و خارجی، برخی از کتب تألیف و ترجمه‌ی این نویسنده، پژوهشگر و شاعر عبارتند از: «گزیده کتابشناسی توصیفی اسلامی»، «فلسطین و حقوق بین‌الملل (ترجمه)»، «مدیریت کتابخانه و نظام اطلاع‌رسانی»، «مقدمه‌ای بر صحاح جوهری در تاریخچه لغتنامه‌های عربی (ترجمه)»، «حیات علمی در عهد آل‌بویه»، «تصحیح دیوان اشعار و کتاب عقدالنالی» از علامه فدائی و سه مجموعه شعر به نام «دل‌تکانی» و دعا‌های منظوم و «خرما بر نخیل». او در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی دارای نظراتی است که از آن جمله است: طرح رده‌بندی جهانی دودویی که مقالات فارسی، انگلیسی و عربی آن به ترتیب توسط مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، مجله سی‌کیو^۲ به انگلیسی و آفاق الحضاره الاسلامیه به زبان عربی و سازمان اسناد و کتابخانه ملی به چاپ رسیده و کنفرانسی هم در هویتی نو برای رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در کتابخانه ملی برگزار کرده است.^۳

فدایی آستانه‌ای، جمال‌الدین (قرن ۱۴)، فرزند اسماعیل آستانه‌ای (شازند)، از فقهای قرن چهاردهم که رساله‌ای منتشر و فهرستی از تألیفات اسماعیل آستانه‌ای را تهیه و دیباچه‌ای بر آن نوشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۷۲).

فدوی، محمدهادی (۱۳۳۸ خ)، نگارگر نوسنت‌گرای اراکی، از دوران کودکی به واسطه

یکی از اقوام که در کار صنایع دستی بود، به نقاش علاقه‌مند شد و با کتب آموزشی شروع به یادگیری مبانی نقاشی کرد و درگیر نقاشی رنگ‌روغن شد. او در رشته زبان‌وادبیات فارسی تحصیل کرد و ابتدا وارد حوزه سینما شد، اما پس از مدتی نقاشی را ادامه داد. این عضو



^۱. علوم، تحقیقات و فناوری

1. Cataloging and classification quarterly

۳. دانشکده پزشکی و سپس دانشگاه علوم پزشکی اراک در دوره نمایندگی وی در مجلس دوم و سوم تأسیس شد.

انجمن هنرمندان نقاش ایران در سال ۱۳۸۱ نمایشگاهی در نشر کارنامه برگزار کرد که با استقبال زیادی همراه شد و مسیر تازه‌ای پیش‌روی خود یافت. او در نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی متعددی از جمله اراک و تهران و نیز نمایشگاه جنوا (ایتالیا) شرکت داشته و نقاشی‌های مینیاتور ایرانی را وارد فضای مدرن کرد و به‌دلیل ترکیب رنگ و سنت بومی در بازار هنر و نزد مخاطبان مورد توجه قرار گرفت. فدوی با ریتم درون نقاشی‌های خود، تصویری متحرک مانند سینما و یا قصه‌ای تصویری را ارائه می‌کند.

فراهانچی، علی آقا (قرن ۱۳)، فرزند حاج‌عباس تبریزی، به‌واسطه تردد زیاد و تجارت قالی در اراک ساکن شد و با خواهر امام‌جمعه ازدواج کرد و از بازرگانان و مشروطه‌خواهان معروف اراک به‌شمار می‌رود. او علاوه بر تجارت فرش، املاکی در بخش چَرّا خریداری و چندین روستا در این بخش از جمله دهنو و بهارستان را احداث کرد. درمانگاه معروف دهنو^۱ (خنداب) و برخی دیگر از امکانات رفاهی اراک و شهرستان‌های اطراف، از آثار این کارآفرین و نیکوکار مشهور است (محتاط، ۱۳۷۲: ۲۱۷).

فراهانی، ابوالحسن (درگذشته ۱۰۰۹ خ)، اهل ذلف‌آباد (فراهان)، پس از تحصیل دانش‌های متداول در زادگاه خود، برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و دو سال در نصرآباد مسکن گزید، سپس به شیراز رفته و در سلک سربازان امام‌قلی‌خان درآمد. او که متبحر در علوم عقلی و نقلی، ریاضی، هیأت و نجوم، حکمت و کلام و از دانشمندان معروف زمان شاه‌عباس و شاه‌صفی بود، بعدها به وزارت امام‌قلی‌خان رسید، ولی حسادت اطرافیان، شرایط بدبینی امام‌قلی‌خان را فراهم آورد تا دستور به قتل این سید فراهانی بدهد. رساله «شرح مشکلات دیوان انوری» از اوست. (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲).

فراهانی، ابوالحسن علی (۵۷۴ خ)، فرزند ابراهیم، از عالمان قرن ششم هجری بوده و کتاب «نهایه» تألیف شیخ طوسی در فقه را با خط زیبای خویش برای استفاده علمی در سال ۵۷۴ نگاشته و نیز نسخه‌ای از کتاب «الاتصار» تألیف سیدمرتضی علم‌الهدی را هم با خط خویش تحریر کرده است.

فراهانی، ابوالفضل (۱۳۴۴ خ)، پس از گذراندن دوره متوسطه در زادگاهش، دوره لیسانس

را در دانشگاه گیلان، فوق لیسانس را در دانشگاه تهران و دکتری را در رشته مدیریت ورزشی در دانشگاه تربیت مدرس با رتبه نخست دریافت کرد. او سپس در سال ۱۳۶۹ به‌عضویت هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور تهران درآمد. او به‌عنوان نخستین فردی که به درجه استادی در مدیریت ورزشی کل دانشگاه‌های کشور دست یافته، در سال ۱۳۶۸ نقش مهمی در راه اندازی دانشگاه پیام‌نور داشت، ضمن طی کردن سطوح مختلف مدیریتی از جمله معاونت آموزشی، دانشجویی، پژوهشی، فرهنگی و ادارات کل ستادی، دوره‌ای را هم به‌عنوان رئیس دانشگاه پیام‌نور کشور خدمت کرده و تألیف و ترجمه بیش از پنجاه عنوان کتاب عمدتاً دانشگاهی و بیش از ۲۰۰ عنوان مقاله علمی را هم در کارنامه دارد.



۱. ساختمان این بیمارستان به ثبت ملی رسیده و هم اکنون به‌عنوان میراث فرهنگی خنداب ظرفیت گردشگری دارد.

فراهانی، ابوالقاسم (۹۵۰ خ)، معروف به خواجه ابوالقاسم، در عصر شاه طهماسب اول صفوی زندگی می‌کرده و مدتی وزارت مهنداری و سپس نظارت بیوتات سلطنتی را عهده‌دار بود. در عالم‌آرای عباسی در مورد وی چنین آمده است: از اعیان ولایت فراهان، وزیر مهرداد دیوان اعلی بود، مرد راست قامه صادق القول، درست‌گفتار نیکوروش و روستایی‌منش بود، اطوار او پسندیده طبع اشرف آمده، از وزارت مهر به نظارت بعضی از بیوتات سرکار خاصه شریفه ترقی کرد تا حین رحلت شاه طهماسب صفوی و تا زمان اسماعیل میرزا در این سمت بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۵۵).

فراهانی، ابوالکریم (قرن ۱۰)، اهل فراهان، از شعرای عهد شاه سلیمان است که در قرن دهم هجری می‌زیسته و از ادبا و شعرای معروف زمان خود بوده و برادر ابوالحسن فراهانی است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰).
فراهانی، احمد (۱۱۹۵ خ)، فرزند محمدرضاخان، ناظم دیوان محمدشاه و سپس در زمان ناصرالدین شاه، وزیر آذربایجان بود. وی هم‌چنین مأموریت یافت، تا حکم میرزا بزرگ‌خان قرایی به حکومت هرات را ابلاغ نماید و در روز ۱۹ آبان ۱۲۲۹ عازم هرات شد (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۴).

فراهانی، احمد (۱۲۱۷-۱۲۴۷ خ)، مشهور به میرزا احمدخان، فرزند میرزا تقی‌خان (امیرکبیر)، ملقب به ساعدالملک اهل **اراک** در سال ۱۲۳۹ رئیس قشون آذربایجان شد. او هنگام شهادت پدرش ۱۴ سال داشت و پس از عزل میرزا آقاخان نوری به درجه سرتیپی نایل شد. او در عین جوانی دار فانی را وداع گفت (صدیق، ۱۳۷۲: ۹۰).



فراهانی، اسحاق (درگذشته ۱۲۷۴ خ)، فرزند میرزا حسن و نوه میرزا عیسی قائم‌مقام اول است و تخلص او در شعر «اسحاق» و چندی هم وزیر آذربایجان بود. او پس از قتل میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام توسط محمدشاه از کار برکنار و زندانی شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۶).

فراهانی، آقاحسینقلی (۱۲۳۰-۱۲۹۴ خ)، فرزند آقا‌علی اکبر، موسیق‌دان و نوازنده معروف تار در دوره ناصرالدین شاه که برادرش میرزا عبدالله نخستین استادش در بود. ردیف و سبک او در موسیقی دوران اخیر ممتاز است و علی‌اکبر، محمدحسن و عبدالحسین شهنازی سه استاد سرشناس موسیقی، فرزندان او هستند. این هنرمند سرشناس موسیقی ایران‌زمین از چنان جایگاهی در موسیقی ایران برخوردار است که در ردیف منتظم‌الحکما، گوشه‌ای به نام آقاحسینقلی در ردیف آوازی افشاری ثبت شده است. ایشان به همراه درویش‌خان، علی‌اکبر شهنازی، علینقی وزیری، مرتضی نی‌داوود و یوسف فروتن، برای پر کردن صفحه گرامافون به همراه گروهی نوازنده به پاریس سفر کرد که جریان این سفر، بعدها دستمایه داستانی تاریخی-تخیلی برای علی حاتمی در فیلم دلشدگان شد. دو فرزند او یعنی علی‌اکبر و عبدالحسین شهنازی بعدها از نوازندگان سرشناس تار شدند^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۰).



^۱ ردیف آقاحسینقلی که فرزند بزرگش علی‌اکبر شهنازی روایت و ضبط کرده، یکی از ردیف‌های معروف موسیقی ایرانی است.

فراهانی، آقارضا (قرن ۱۳)، فرزند آقاغلامحسین، که بعدها شاگرد و داماد آقا حسینقلی نوازنده معروف تار شد و پس از تکمیل دانش و معلومات موسیقایی، کلاس مشق تار دایر کرد و به آموزش موسیقی پرداخت (ولاشجرودی فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۲۰).

فراهانی، آقامحمد (زندگی ۹۱۰ خ)، زاده هزاوه (اراک)، از وزرا و مستوفیان، ارباب قلم و از مشاهیر دوران است که به نخست‌وزیری شاه تهماسب اول (صفوی) رسید و دوره صدارت او مصادف با سال ۹۱۰ خورشیدی بود و نظر به اینکه تقریباً همه نخست‌وزیران برخاسته از این سرزمین نقش سازنده‌ای در تاریخ ایران داشته و به نوعی شخصیت تاریخی به‌شمار می‌آیند ولی در مورد این صدراعظم دوران صفوی اطلاعات بیشتری در خصوص نقش تاریخی‌اش به دست نیامد (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴).

فراهانی، تقی (قرن ۱۳)، ملقب به ضیاءالملک، از نویسندگان و رجال عصر قاجار که مدتی کارگزار آذربایجان و چندی وزارت یزد را بر عهده داشت (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۳۸).

فراهانی، جلال (درگذشته ۷۱۴ خ)، فرزند جعفر، از شاعران قرن هشتم هجری است که به گفته دولتشاه سمرقندی، هزار بیت در پاسخ مخزن‌الاسرار نظامی سروده و داستان منظومی از آن بیان کرده است، ولی در عرفات‌العاشقین مقدار ابیات این مثنوی سه‌هزار بیت ذکر شده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۹).

فراهانی، جواد (قرن ۱۳)، فرزند میرزا عبدالله فراهانی، هنرمند موسیقی و نوازنده تار و سه‌تار بود.

فراهانی، حسن (۱۲۲۰ خ)، معروف به میرزا حسن فرزند آقا علی‌اکبر و نخستین استاد میرزا عبدالله ردیف‌دان موسیقی است.

فراهانی، حسن (درگذشته ۱۱۹۰ خ)، فرزند میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی در سال ۱۱۸۹، وزیر عباس میرزا نایب‌السلطنه بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۷۸).

فراهانی، رامین (۱۳۴۸ خ)، دانش‌آموخته کارگردانی از دانشگاه هنر تهران، مترجم کتب سینمایی و فیلمساز ایرانی-هلندی است. این سینماگر از سال ۱۳۶۶ با فیلم کوتاه عکاسی وارد سینما شد و فیلم یهودیان ایران را تهیه و کارگردانی کرده است.

فراهانی، رهاورد (۱۳۶۲ خ)، فرزند بهزاد و بانو فهیمه، مشهور به گلشیفته، بازیگر ایرانی که در دهها فیلم ایرانی و هالیوودی ایفای نقش کرده و در جایزه سزار ۲۰۱۴، برای بازی در «سنگ صبور» نامزد دریافت امید بخش‌ترین بازیگر زن شد و جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره سه‌قاره را برای بازی در «بوتیک» دریافت کرد. این سینماگر برجسته در فیلم «درباره‌الی» جایزه بهترین روایت جشنواره فیلم ترابیگا ۲۰۰۹ و خرس نقره‌ای را از جشنواره بین‌المللی فیلم برلین دریافت کرد. وی هم‌اکنون از اعضای اکادمی اسکار و مقیم فرانسه می‌باشد.



فراهانی، سلمان (۱۲۱۸-۱۲۹۷ خ)، ملقب به بیان السلطنه، رئیس بیوتات سلطنتی و محاسبات درباری (مستوفی) و ثبت و ربط جواهرات سلطنتی، صاحب رساله قواعد دفاتر و حساب بود. این سیاستمدار در اول اردیبهشت ۱۲۸۷ به جای احتشام السلطنه مستعفی، به عنوان نماینده مردم تهران وارد نخستین دوره مجلس شورای ملی شد (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۴).

فراهانی، سیدحسن (زندگی ۹۵۲ خ)، از وزیران شاه طهماسب اول صفوی است که در سال ۹۵۲ عهده دار وزارت دیوان اعلی شد که به اتفاق خواجه جمال الدین علی تبریزی به کشورداری پرداخت. در این دوره استیفای دیوان اعلی هم به میرزا شکراله اصفهانی واگذار شد (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

فراهانی، شاهمنصور (زندگی ۹۵۹ خ)، در عالم آرای عباسی با عنوان وزرا و مستوفیان و وزرای معزول در جلد اول در مورد شاه منصور فراهانی چنین آمده است: شاه منصور فراهانی که وزیر حیدرسلطان ترخان ترکمان (در گذشته ۹۵۹) بود رخصت دخول مجلس همایون داشت (محتاط، ۱۳۷۲: ۸۲).

فراهانی، شقایق (۱۳۵۱ خ)، فرزند بهزاد و بانو فهیمه، بازیگر مشهور ایرانی است که با حضور در فیلم لیلا، وارد حوزه سینما شد و از نقش آفرینی ایشان در فیلم تولد جنجالی، آب نبات چوبی، چراغ های ناتمام و دهها اثر دیگر می توان نام برد. این سینماگر برجسته هم چنین در مجموعه های تلویزیونی فوق سری، کلاه پهلوی، انقلاب زیبا، مادرانه و دهها اثر تلویزیونی دیگر هم حضور دارد.



فراهانی، طیبه (۱۳۵۷ خ)، فرزند محمدصادق و بانو خدیجه، متولد داودآباد (فراهان)، تحصیلات ابتدایی را در داودآباد و راهنمایی و دبیرستان را در فطرت و تزکیه اراک گذراند. او سپس در دانشگاه شهیدبهشتی اقتصاد خواند و از دانشگاه میسور هند دکترا گرفت و به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه آزاد به تدریس مشغول است. وی در رشته های قلم زنی، موسیقی و ورزش هم سر رشته دارد و در سال ۱۳۸۸، مقام قهرمان کشوری در رشته یوگا را به دست آورد. یوگا آهنگ تندرستی، مبانی سازمان و مدیریت، مدیریت استعداد و تکنولوژی آموزشی، چهار عنوان کتابی است که در کارنامه دارد.



فراهانی، عبدالجبار (۵۳۷ خ)، فرزند حسین، از شخصیت های علمی قرن ششم، متولد جوشقان و ساکن روستای خُمجان فراهان بوده است. ایشان نسخه ای از نهج البلاغه و خصایص امیرالمؤمنین را در حضور استادش سیدضیاءالدین فضل اله راوندی از علمای قرن ششم مقابله کرده است.

فراهانی، عبدالله (۱۲۲۲-۱۲۹۷ خ)، فرزند آقاعلی اکبر و مشهور به میرزا عبدالله، استاد



سرشناس موسیقی و نوازنده برجسته تار و سه تار و از چهره‌های مؤثر در موسیقی ایرانی است. میرزا حسن، برادر بزرگش نخستین استاد او و او هم استاد برادر کوچک‌ترش آقاحسینقلی بود. وی هم‌چنین ردیف موسیقی ایرانی را به‌نظم درآورد و تدوین کرد و از این روی بسیار مورد توجه و در حوزه هنر موسیقی تاریخ‌ساز و پیشتاز محسوب می‌شود. از شاگردان او می‌توان به مهدی‌قلی هدایت، فرصت شیرازی، ابوالحسن صبا و فرزندش احمد عبادی اشاره کرد. وی با تجدیدنظر در دستگاه‌های دوازده‌گانه موسیقی ملی ایران و ادغام بعضی از آن‌ها، هفت دستگاه کامل و مجزا پدید آورد که این هفت دستگاه را سه تن از شاگردانش به نام‌های میرزا نصیر، فرصت شیرازی و مهدی‌قلی هدایت، طی ۷ سال نت‌نویسی کردند. میرزا عبدالله در محله امامزاده یحیی (تهران) کلاس درس داشت که جوانان و متجددین دورش جمع می‌شدند، ولی بر اثر تحریکات، مخالفان به خانه‌اش ریختند و با شکستن وسایل تعلیم، بساط درسش را تعطیل کردند، اما او تا دم مرگ دست از تدریس نکشید و در بستر بیماری با سه تار قطعاتی به‌عنوان یادگار به شاگردان برجسته خود تعلیم می‌داد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۱).

فراهانی، علی (زندگی ۱۴۰۲ خ)، کارآفرین برتر و عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی



البرز، نخستین دانش‌آموخته دانشگاه علم و صنعت ایران است. مدیرعامل شرکت قطعه سازان میثاق با ۴۰۰ نفر پرسنل که دانشگاه علمی کاربردی قطعه‌سازان میثاق را هم در ۵ طبقه و ۳۵۰۰ مترمربع مساحت در ظرف مدت یک‌سال ساخته و در خاطراتش می‌گوید: کودک نابغه‌ای^۱ را با اجازه پدر، تحت تکفل و تعلیم قرار داده و اینک همان کودک یکی از نخبگان مطرح کشور است که ۲۵۰ اختراع و ابداع از وی به ثبت رسیده و بارها از جوامع علمی از جمله ناسا آمریکا و کارخانه پژو ایتالیا مدال‌های مهم دریافت کرده است (عزیزآبادی و دیگران، ۱۴۰۲: ۸۷).

فراهانی، علی اکبر (۱۱۹۹-۱۲۴۰ خ)، فرزند، شاه‌ولی، زاده روستای آسنجران (فراهان)،



بزرگترین موسیقی‌دان ایرانی در عهد قاجار و نوازنده تار و سه تار در دربار ناصری بود. او در نواختن تار مهارت داشت و مورد تمجید کنت دوگوبینووی فرانسوی قرار گرفت. تار این مرد درویش سیرت، به قلندر معروف بود. او پدر میرزا حسن، میرزا عبدالله و میرزا حسینقلی است و علی اکبر شهنازی هم از نوادگان اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

فراهانی، علی نقی (درگذشته ۱۰۲۹ خ)، فرزند ابوالعلا محمدشاهش، در عصر صفویه می‌زیست. او مدتی قاضی شیراز بود و سپس در عصر شاه عباس دوم، شیخ الاسلام اصفهان شد. این عالم دینی در فقه و اصول

^۱. این جوان، مصطفی بختیاری فریمانی است که در سایه پرمهر این مرد نیک اندیش و آینده‌نگر تربیت شد.

و حکمت و کلام متبحر بود و تألیفاتی دارد که از آن جمله‌اند: رساله‌ای در حرمت توتون، رساله‌ای در حدوث عالم و چند اثر دیگر (صدیق، ۱۳۷۲: ۸۶).

فراهانی، عیسی (زندگی ۱۰۴۵ خ)، مشهور به ابوالفخر، فرزند میرزا حسین (ابوالخیر) از کارگزاران شاه عباس دوم است که در سمت وزیر مهرداد خدمت می‌کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۴).

فراهانی، غلامحسین (درگذشته ۱۲۶۴ خ)، فرزند محمدرضا و برادرزاده میرزا علی اکبرخان فراهانی (نوازنده معروف)، استاد زبردست تار و نوازنده مخصوص دربار ناصری بود. او شاگرد عمویش آقاعلی اکبر بود و گویند مضراش به قدری تند، ریز، مرتب و متوالی بود که از دور مانند کمانچه به نظر می‌رسید. عموزادگانش آقاحسینقلی و میرزاعبداله از شاگردان این هنرمند برجسته فراهانی بوده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۵۰).



فراهانی، فتح‌اله (۱۲۴۰-۱۳۰۹ خ)، فرزند میرزا حسین، از شعرای قرن ۱۳ هجری است که سرودن اشعار مذهبی از شاخصه‌های محتوایی اشعار اوست. تأمل در شعر او نشان می‌دهد که زبان و سبک شعری او، کهن متمایل به عراقی با چاشنی خراسانی است. ضمناً این شاعر «نظام‌الشعرا» تخلص می‌کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۸).

فراهانی، فرج‌اله (زندگی ۱۰۷۷ خ)، فرزند عبداله، ملقب به حاکم، اهل علم و فضل بوده و آثاری از خود برجای گذاشته که از آن جمله‌اند: مقابله و تصحیح نسخه‌ای از «کتاب‌الاربعین» شیخ بهایی با همکاری گروهی از طلاب مشهد و خود نیز ضمن نگارش حواشی زیادی بر آن کتاب، در پایان همان نسخه هم یک مسأله فقهی تحت عنوان حجه‌الیدوالتصرف را نگاشته است. «صحاح‌اللغه جوهری» کتاب دیگری است از این عالم دینی که در تاریخ ۱۰۷۷ نگاشته است. ایشان به واسطه اینکه ساکن مشهد و از خدام حرم امام رضا بوده به «خادم» شهرت دارد.

فراهانی، فریدون (۱۳۵۴ خ)، فرزند احد و بانو فضا، تحصیلاتش را در دبستان امامت،

راهنمایی و دبیرستان استعدادهای درخشان و علامه حلی گذراند و از دانشگاه هنر تهران (پردیس اصفهان)، کارشناسی‌ارشد پیوسته معماری و از دانشگاه آزاد تبریز دکترای طراحی شهری گرفت. دکتر فراهانی آواز را نزد استادان علی‌اصغر شاه‌زیدی، منصور اعظمی‌کیا و



قاسم معمارزاده، سہ‌تار نزد ناصر شقایق، دیوان نزد دکتر بابک شریفی‌مجد و جمال خیریه، نظری موسیقی و هارمونی نزد امیرحسین اسلامی و کامران اناری و نیز تاریخ تحلیلی و مبانی موسیقی با مهاجر و شعروادیات را هم نزد استاد علیرضا مقامی آموخت. از آثار موسیقایی استاد فراهانی می‌توان به انتشار پنج آلبوم آموزشی و یک آلبوم صوتی در مقام آهنگساز، ترانه‌سرا، خواننده و نوازنده اشاره کرد. پنج عنوان کتاب معماری و شهرسازی از آثار نوشتاری این معمار، طراح شهری، پژوهش‌گر و مدرس دانشگاه است.

فراهانی، گنجعلی (زادگی ۱۰۱۶ خ)، از دانشمندان عصر صفویه است که آثار او ترجمه منتخبی از مطالب کتاب تقدیم‌البلدان ابوالفدا است که در سال ۱۰۱۶ ترجمه و تنظیم شده است (نعمی، ۱۳۸۵: ۲۱۳).

فراهانی، لطف‌اله (۱۳۲۳ خ)، مشهور به بهزاد، روستازاده‌ای از دیار **فراهان** که تا هشت



سالگی در زادگاهش گلستان سعدی، کیمیای سعادت و نصاب‌الصبيان و برخی کتب دیگر را آموخت و قرآن را ختم کرد. او سپس به‌همراه دایی‌اش به تهران رفت و تا کلاس نهم درس خواند و به‌اشتغال روی آورد و کار در سنگبری، آسفالت‌کاری، ساختمانی، دوچرخه سازی، منشی‌گری، کارمندی و معلمی و... را تجربه کرد. او که از کودکی در کنار پدر تعزیه‌خوانش، هنر تعزیه را با بچه‌خوانی تجربه کرده بود، در چهارده‌سالگی با استادانی چون تفرشی‌آزاد که از یاران مهرتاش بود به گروه مفید (غلامحسین) و پسرش بیژن و سپس سرکیسیان پیوست و در محضر استاد عباس جوانمرد، نویسندگی را آغاز کرد. این بازیگر و فیلمنامه‌نویس که دوره‌هایی از تئاتر را در فرانسه گذراند و در رشته کارگردانی، بازیگری و نویسندگی دانش‌آموخته شد، همسر فهیمه رحیمی‌نیا و پدر شقایق، رهاورد و آذرخش فراهانی است و سال ۱۳۴۹، فیلم تجاوز را به کارگردانی حمید مصداقی در زمینه بازیگری شروع کرد و امروز یکی از برجسته‌ترین و مشهورترین سینماگران ایران است (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۶۹).

فراهانی، مجید (۱۳۳۹ خ)، فرزند صدراله و بانو قمر، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش



روستای کودزر (**فراهان**) و متوسطه را هم در قم و اراک گذراند و در سال ۱۳۶۲ به‌استخدام ژاندارمری در آمد. او در حین کار به تحصیلات دانشگاهی ادامه داد و در رشته علوم سیاسی و انتظامی کارشناسی‌ارشد گرفت و ضمن خدمت در سمت‌های مدیریتی، به تدریس و تحقیق پرداخت. بیشتر سنوات خدمتی امیر سرتیپ فراهانی در صف و ستادکل فرماندهی انتظامی بوده و از تجارب مدیریتی و فرماندهی مطلوبی برخوردارند.

فراهانی، مجید (۱۳۵۸ خ)، فرزند طیب و بانو حلیمه خاتون، تحصیلاتش را در دبستان



سمیه و راهنمایی وحدت روستای شتریه (**فراهان**) گذراند و از دبیرستان شهیدمطهری فرمهین دیپلم گرفت. او سپس در سال ۱۳۷۱ با عضویت در انجمن سینمای جوانان اراک وارد حوزه سینما شد و فعالیت حرفه‌ای خود را از سال ۱۳۷۴ با تهیه و تولید فیلم آغاز کرد و عضو تصویربرداران کشور شد. این هنرمند در ادامه فعالیت هنری خویش از دانشگاه جامع علمی‌کاربردی در رشته مدیریت امورفرهنگی کارشناسی گرفت و ضمن اشتغال در صداوسیما استان به عنوان تصویربردار به‌تدریس تصویربرداری و نورپردازی هم پرداخت. بهترین تصویربردار چندین مستند، تصویربردار ارشد مسابقات لیگ برتر فوتبال و مربی آموزشگاه‌های فنی‌وحرفه‌ای استان برخی از افتخارات این هنرمند خوش-اخلاق و مردمی است.

فراهانی، محمد (۱۱۹۲-۱۲۶۴ خ)، فرزند میرزا ابوالقاسم قائم مقام (ثانی)، به واسطه مراقبت پدرش در جوانی کسب کمال کرد و علوم و فضایل آن زمان از جمله حسن خط را آموخت. در دی ماه ۱۲۱۳ که پدرش، پس از مرگ فتحعلی شاه به اتفاق محمدشاه وارد تهران شد، عهده دار وزارت داخله شد. پس از قتل پدر به دست محمدشاه، خطر کورکردن همه فرزندان قائم مقام ثانی از جمله میرزا محمد هم می رفت، که در مسجدشاه تحت حمایت میرزا ابوالقاسم امام جمعه و سپس در حرم عبدالعظیم متحصن شد و این تحصن به مدت دو سال در حرم حضرت معصومه ادامه یافت تا این که شاه اجازه داد به عراق (اراک) باز گردند. توقف آنها در اراک و فراهان تا سال ۱۲۳۶ به درازا کشید و در این سال به واسطه اقدامات میرزا محمدحسین (دبیرالملک فراهانی) که از آموزادگان قائم مقام بود، میرزا آقاخان نوری فرزند قائم مقام را دوباره به خدمات دولتی فرا خواند^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۰).

فراهانی، محمدتقی (۱۱۸۶-۱۲۳۰ خ)، فرزند قربان بیگ و بانو فاطمه سلطان، در روستای هزاوه (اراک)، به دنیا آمد. به خاطر هوش واستعداد کم نظیرش از همان دوران نوجوانی مورد توجه میرزا بزرگ و سپس قائم مقام فراهانی قرار گرفت و به ترتیب به سمت منشی گری آن دو، دست یافت و به سرعت مورد توجه قائم مقام و عباس میرزا (نایب السلطنه) قرار گرفت. امیرنظام که با آغاز سلطنت ناصرالدین شاه منصب صدراعظمی یافته بود، در ۲۸ مهر ۱۲۲۷ علاوه بر لقب امیرنظامی، به القاب امیرکبیر و اتابک اعظم نیز مفتخر شد. امیرکبیر مدت کوتاهی پس از صدارت، اصلاحات سیاسی، امنیتی، مالی، اقتصادی و فرهنگی اش را آغاز کرد و در این میان ایجاد امنیت و پایان دادن به شورش ها و یاغی گری ها و نیز اصلاحات مالی و جلوگیری از اجحاف پیدا و پنهان صاحبان قدرت را در اولویت برنامه های خود قرار داد و نشان داد که قصد دارد از نفوذ و دخالت بیگانگان در امور کشور بکاهد. تلاش اصلاح گرانه امیرکبیر چندان دوامی نیافت و در حالی که سیاست خارجی مستقل امیرکبیر و برنامه های جدی او برای قطع نفوذ و دخالت روس و بریتانیا می رفت تا آغازگر دوران نوینی در کشور شود، توطئه نمایندگان سیاسی این دو کشور و هم گامی بدخواهان پیدا و پنهان داخلی با سیاست بیگانگان، به تدریج موجبات رنجش و سپس ناامیدی و خشم ناصرالدین شاه را فراهم آورد و امیر را از صدارت اعظمی و دیگر مشاغل اداری و نظامی اش معزول و به شهر کاشان تبعید کرد. بدین ترتیب با دسیسه بیگانگان و تحریک مادر ناصرالدین شاه (مهدعلیا)، در ۲۰ دی ماه ۱۲۳۰ توسط حاجی علی مراغه ای (حاجب الدوله)، در حمام فین کاشان به شهادت رسید و بدین ترتیب دوره صدارت اولین نخست وزیر ایران در زمان ناصرالدین شاه قاجار، تنها ۳۹ ماه دوام آورد. تأسیس دارالفنون، انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه، تأسیس کارخانجات پارچه بافی،



^۱ . علت قتل قائم مقام ثانی این بود که حاج میرزا آقاسی نزد محمدشاه وانمود کرد منظور از مهری که او برای شاه درست کرده (شاهنشاه انبیا محمد)، فرزندش محمد بوده و قصد داشته او را به شاهی برساند!

شکرریزی، چینی و بلورسازی، کاغذسازی، چدن‌ریزی، رسیدگی به وضع مالیه، حذف القاب و عناوین ملوکانه، اصلاح رفتار درباریان با مردم، اصلاحات اجتماعی گسترده، ایجاد قراول‌خانه، اصلاح وضع چاپارخانه دولتی، توجه به تولید و آبادی اراضی، مبارزه با شکنجه، سامان‌دهی ارتش، اصلاحات مذهبی، بازتنظیم سیاست خارجی ایران و کوتاه کردن دست اجانب از امور کشور از جمله خدمات ارزنده امیر خرد و خردمندی است که از این حیث مؤثرترین شخصیت تاریخی ایران به‌شمار می‌رود (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۰).

فراهانی، محمدحسن (درگذشته ۱۲۳۹ خ)، فرزند قربان و برادر امیرکبیر که در سفر سال ۱۲۲۲ امیر به ارزنه‌الروم، وی را به‌عنوان وزیرنظام آذربایجان منصوب کرد. میرزا حسن‌خان دو بار در سال‌های ۱۲۳۰ و ۱۲۳۲ حاکم اراک بود و در آبادانی این شهر کوشیده و سد نیمور رودخانه لعل‌بار (محلات) یادگار اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۵۷).

فراهانی، محمدحسن (زندگی ۱۱۵۸ خ)، برادر میرزا محمدحسین وفا و پدر میرزا عیسی قائم‌مقام، وزیر کریم‌خان زند که در اواخر قرن دوازدهم می‌زیسته و مستوفی شیراز هم بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۷۶).

فراهانی، محمدحسین (۱۱۸۹-۱۲۵۹ خ)، فرزند حبیب‌الله، متولد روستای مشهد-



الکویه (اراک) و مشهور به دبیرالملک، از دولتمردان ایرانی عصر ناصری است که در سفر امیر به ترکیه برای رفع اختلافات مرزی همراه او بود و در دوره صدارتش هم به منشی صدراعظم منصوب شد.^۱ عضویت شورای یازده نفری دولتی^۲، وزیر دارالانشا همایونی، وزیر داخله، متصدی امور حکومتی تهران و خالصجات، اداره حکومتی کرمان، عراق (عجم)، درگزین و پست‌خانه‌های راه آذربایجان و تولیت آستان قدس رضوی از دیگر مناصب اوست. کارخانه زری‌بافی در شهر ری به‌نام قماش‌دبیری متعلق به او بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۸).

فراهانی، محمدحسین (۱۲۲۷-۱۲۹۲ خ)، فرزند میرزا محمد مهدی، شاعر و نویسنده عصر قاجار، متخلص به «گلبن» اهل روستای آهنگران، در کودکی پدرش را از دست داد و مادرش او را در سن ۱۲ سالگی برای تکمیل تحصیلات به تهران فرستاد. او در سال ۱۲۴۸ با یک مأموریت سیاسی و مذاکره با آقاخان محلاتی به بمبئی رفت و در سفر بغداد و خراسان همراه ناصرالدین‌شاه بود و از طرف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه مأموریت یافت پیرامون آثار تاریخی خراسان تحقیق کند. در سال ۱۲۶۴ از راه قفقاز به زیارت مکه رفت و به دستور ناصرالدین‌شاه سفرنامه‌ای نوشت و لقب «ملک‌الکتاب ثانی» گرفت.^۳ او در نگارش کتاب مطلع‌الشمس با اعتمادالسلطنه همکاری داشت و از آثار دیگر ایشان دو رساله حالت و آداب‌السرور است

۱. میرزا عیسی قائم‌مقام، عمو و میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، پسر دایی دبیرالملک است.

۲. به‌جای صدراعظم، کشور را اداره می‌کرد

۳. ملک‌الکتاب به بخشندگی، لطف بیان و زیبایی تحریر شهرت داشته و پدر احمدخان ملک‌ساسانی است.

(صدیق، ۱۳۷۲: ۱۷۵).

فراهانی، محمدحسین (درگذشته ۱۱۷۶ خ)، اهل هزاوه (اراک)، شاعر و سیاستمدار دوره زند، متخلص به وفا، صدراعظم (نخست‌وزیر) صادق‌خان و لطفعلی‌خان زند بود و در سال ۱۱۴۵ وارد دیوان کریم‌خان شد. او ابتدا به وزارت صادق‌خان رسید و بعدها پس از درگذشت علی‌مرادخان، وزیر جعفرخان و لطفعلی‌خان شد. او اگر چه پس از سقوط زندیان، وارد دربار آقامحمدخان قاجار شد، ولی به واسطه پیروی، از ادامه خدمت دیوانی عذرخواهی کرد. تنها فرزند او دختری بود که به ازدواج برادرزاده‌اش میرزاعیسی فراهانی درآمد و مادر قائم‌مقام فراهانی شد. در دوره او بود که در میان شاعران و نویسندگان ایران اندیشه‌هایی مبنی بر روی‌گردانی از سبک هندی پدید آمد و به نهضتی ادبی تبدیل شد که به بازگشت ادبی موسوم گشت و در این بازگشت و روی‌گردانی از سبک هندی، شاعرانی بر آن شدند که قصیده را به همان سبک پیشینیان یعنی خراسانی و غزل را هم به سبک عراقی بسرایند که یکی از غزل‌سرایان بازگشتی به سبک عراقی، همین میرزای فراهانی است که از این منظر تاریخ‌ساز است و آثار مهمی هم دارد که عبارتند از: مثنوی بر وزن هفت‌پیکر نظامی و دیوان شعر که نزدیک به ۵ هزار بیت است و منظومه عاشقانه فیروز و شوخ هم از اوست و در هر دو نقش سیاستمدار و شاعر، از نامداران تاریخ این سرزمین و ایران بزرگ محسوب می‌گردد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۵۸).

فراهانی، محمدرضا (زندگی ۱۲۲۸ خ)، فرزند میرزا هادی، از افسران عالی‌رتبه زمان محمدشاه قاجار است که در جنگ هرات شرکت کرد. او در زمان صدارت امیرکبیر، وزارت آذربایجان را داشته و شورش تبریز در سال ۱۲۲۸ را با درایت و بدون خونریزی تدبیر کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۷۶).

فراهانی، محمدعلی (زندگی ۱۲۲۷ خ)، از نویسندگان قرن سیزدهم هجری و مدتها ساکن تبریز بود و «سفرنامه مکه» اثر نوشتاری باقی‌مانده از اوست که شامل رخ‌دادهای سفرش از ۱۰ مرداد تا ۱۳ دی‌ماه ۱۳۲۶ به سرزمین وحی است و در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۲۲).

فراهانی، محمدعلی (زندگی ۱۲۷۵ خ)، فرزند میرزا عباس‌خان، از مستوفیان زمان قاجار و مدتی وزیر مالیه بود و در سال ۱۲۷۵ و پس از درگذشت پدرش، به قوام‌الدوله ملقب شد.

فراهانی، محمدمهدی (۱۱۴۷-۱۲۳۲ خ)، متخلص به عشرت، فرزند میرزا روح‌اله،

از اهالی روستای آهنگران (اراک)، خوشنویس، شاعر و از رجال فتحعلی‌شاه قاجار بود.

او با دختر میرزا بزرگ قائم‌مقام ازدواج کرد و در سفر قائم‌مقام به تبریز به منظور وزارت

عباس‌میرزا همراه او بود. در سال ۱۱۸۹ به فرمان شاه، لقب ملک‌الکتابی و در سال

۱۱۹۴ شغل کتابت خاصه منشی‌حضور را عهده‌دار شد. میرزا مهدی تا پایان عمر فتحعلی‌شاه از ملتزمین رکاب بود، ولی پس از قتل قائم‌مقام، او نیز محبوس و اموالش ضبط شد و چندی بعد، از حبس گریخت و در قم متحصن شد و با روی کارآمدن امیرکبیر، اوضاعش روبراه شد، لیکن بعد از قتل امیر باز اوضاع خانواده



قائم‌مقام به سختی گرایید. ایشان در سال ۱۳۳۲ به موطن خود در روستای آهنگران بازگشت (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۶).

فراهانی، مریم (درگذشته ۱۳۳۹ خ)، فرزند میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، از شاعران قرن سیزدهم است و صدرکشاورز و نیز اعتمادالسلطنه از سرودن قصیده‌ای توسط مریم گفته‌اند که باعث نجات شوهرش از شر عمال محمدشاه شده است. مریم نوه دختری میرزا حسن مستوفی‌آشتیانی است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۴۳). **فراهانی، معصوم** (درگذشته ۱۱۹۳ خ)، فرزند میرزا عیسی قائم‌مقام، از دانشمندان قرن سیزدهم، شاعر و تخلص ایشان **محیط** است. وی برادر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام ثانی است. محیط در نویسندگی بویژه در وقایع نگاری مسلط بوده و به‌همین منظور از جانب عباس‌میرزا، منصب وقایع‌نگاری داشته و از آثار او تنها دیوان اشعارش ذکر شده و رضاقلی‌خان هدایت ۲۰ بیت از اشعار او را ذکر کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۰). **فراهانی، ملوک** (زندگی ۱۳۵۰ خ)، فرزند میرزا عبدالله فراهانی هنرمند موسیقی و نوازنده تار و سه‌تار بود.

فراهانی، مهدی (۱۳۶۰ خ)، آموزش آواز را از نوجوانی و زیر نظر دکتر بهمن کاظمی آغاز کرد و پس از فراگیری ردیف آوازی و آشنایی با آثار قدما، به پژوهش در زمینه شیوه های آوازی دوره قاجار پرداخت. او سپس در سال ۱۳۷۹ از محضر محسن کرامتی و در ادامه از کلاس استادان نامداری چون صدیف رامبد و حاتم عسگری‌فراهانی و نیز ساز و



سه‌تار محمدسعید پورحیدری و حسین مهرانی بهره برد. فراهانی با برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی بررسی موسیقی و آواز سده گذشته ایران، به همکاری دکتر بهمن کاظمی و پوراحمد نقش مؤثری در معرفی شیوه‌های فراموش شده موسیقی آوازی ایران داشت که منجر به تولید اثر ارزشمند «گلبانگ سربلندی» شد که در سال ۱۳۸۹ از سوی فرهنگستان هنر انتشار یافت. روح مهدی فراهانی علاوه بر موسیقی به هنرهای مانند نقاشی، تصویرگری و کاریکاتور هم آراسته و آثار ارزشمندی هم تولید و در نمایشگاه‌های مختلف هنری به نمایش گذاشته است.

فراهانی، مودب‌السلطان (قرن ۱۳)، نوه میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، نویسنده، روزنامه‌نگار و خبرنگار روزنامه مجلس بود که زیر نظر ادیب‌الممالک فراهانی اداره می‌شده است.

فراهانی، میترا (۱۳۵۴ خ)، در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه آزاد کارشناسی گرافیک گرفت و در سال ۱۳۷۸ به فرانسه رفت و در حوزه نقاشی و کارگردانی به فعالیت پرداخت. او در سال ۲۰۰۲ برای فیلم فقط یک‌زن، جایزه تدی جشنواره فیلم برلین را برد و نیز در شصت و چهارمین دوره جشنواره فیلم برلین در جمع هیأت داوران حضور داشت. میترا فراهانی تاکنون چندین مستند، از جمله «فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد» را ساخته که روزهای واپسین زندگی بهمن محمص، نقاش ایرانی را به تصویر کشیده است. مستند دیگر او «تا جمعه رابینسون!» نام دارد که،



پیرامون مکالمه ژان لوک گدار، فیلم‌ساز فرانسوی و ابراهیم گلستان، فیلم‌ساز و نویسنده ایرانی ساخته شده و برای نخستین بار در جشنواره فیلم برلین ۲۰۲۲ به نمایش درآمد و جایزه ویژه هیأت داوران در بخش مواجهه را به دست آورد.

فراهانی، مولود (زندگی ۱۳۵۰ خ)، فرزند میرزا عبدالله فراهانی و مادر مهندس هوشنگ سیحون، هنرمند موسیقی و نوازنده تار و سه تار بوده است.

فراهانی، میرزا علی (درگذشته ۱۲۶۵ خ)، پسر میرزا ابوالقاسم (صدراعظم) و برادر کوچک میرزا محمد بود و پس از این که محمدشاه، قائم مقام را ناجوانمردانه در سال ۱۲۱۴ به شهادت رساند، دستور داد فرزندان قائم مقام و بستگان او در فراهان ساکن شوند. در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه و صدارت میرزا تقی خان (امیرکبیر) همگی مورد عفو قرار گرفتند. میرزا علی در سال ۱۲۳۶ به سمت وزارت دارایی منصوب شد و بعدها مستوفی خراسان، سپس در سال ۱۲۶۱ به عنوان یکی از وزرای دارالشورای دولتی انتخاب شد و در سال ۱۲۶۳ ملقب به قائم مقام شد.

فراهانی، میرسیدحسین (زندگی ۹۵۵ خ)، از کارگزاران و وزرای شاه تهماسب اول (صفوی) بوده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

فراهانی، میرعبدالقیوم (قرن ۱۱)، فرزند سید محمد، متخلص به «غنی» و از شعرای قرن یازدهم است. در برخی تذکرها تخلص این شاعر را عینی هم نقل کرده‌اند و در شرح احوال او با اختلاف اندک حرفشان یکی است که در زمان شاه جهان به هندوستان رفته و مدتی از ملازمان قاسم خان جوینی، فرماندار بنگاله بوده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۵۹).

فراهانی، میرمحمد صالح (زندگی ۹۹۴ خ)، معروف به مشتری **فراهانی**، از شعرای قرن دهم و یازدهم هجری است. صاحب عرفات العاشقین در مورد ایشان می‌نویسد: «برجیس اوج سیادت و سعادت و نیک اختری میرمحمد صالح مشتری از فراهان، کوکب رخشنده سپهر فضایل و سعد اکبر فلک کمالات در این دوران (۹۹۲-۹۹۴) از عراق به دکن آمده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۱۴).

فراهانی، هوشنگ (۱۳۴۶ خ)، فرزند محمد و بانو منیر، متولد روستای ولاشجرد

(فراهان)، کارشناس ارشد اتنوموزیکولوژی از دانشگاه تهران، آهنگساز، نویسنده، مدرس و پژوهشگر موسیقی است که کنسرت‌های متعددی در داخل و خارج برگزار می‌نماید. آهنگساز و تنظیم سرود اراک، تألیف، ترجمه و انتشار هشت عنوان کتاب و شش مقاله به زبان انگلیسی و ده‌ها مقاله به زبان فارسی و ده‌ها آلبوم آهنگسازی و تنظیم را در کارنامه دارد.



فراهانی، وحید (۱۳۶۸ خ)، فیلم‌ساز و مستندسازی که کارگردانی چندین فیلم مستند با موضوعات عراق، افغانستان، سوریه و... از جمله تک‌تیرانداز، سلفی با ابومهدی، شیخ المجاهدین، آرامش شام و باصبر زندگی را برعهده داشته و مستندساز جنگ شناخته می‌شود.



فراهانی‌اراکي، احمد (۱۳۱۴-۱۳۱۸ خ)، فرزند فتح‌اله، زاده مصلح‌آباد (اراک)، از پارسیان و دانشوران اراک است. پس از فراگیری مقدمات دانش‌های ادبی و دینی در عتبات و در بازگشت به ایران، هنر نقاشی به او الهام شد و ذوقش در این بُعد هنری شکوفا و به میرزاآقا نقاش شهرت یافت. او هم‌چنین کتابخانه مفصلی برای خود آماده کرد و تصمیم گرفت به کسوت اهل علم و روحانیت درآید. از این رو رابط میان عالمان و مشاهیر اراک با برخی کارگزاران دولتی و نمایندگان کشورهای خارجی شد که در اراک دفتر داشتند. این عالم دینی و هنرمند نقاش، به‌موازات تلاش‌های علمی و فکری، در عبادت، تزکیه درون و حالات معنوی هم به درجات و مقاماتی دست یافت و اهل علم و معرفت، او را عابدی وارسته و زاهدی عالی مقام می‌شناختند.^۱

فراهانی‌عراقی، عبدالحمید (درگذشته ۱۲۷۲ خ)، فرزند عبدالوهاب، مدتی در شیراز از محضر ملا محمدعلی محلاتی شیرازی به کسب فیض پرداخت و چند سال نیز در سامرا در شمار شاگردان میرزای شیرازی بود. او پس از رسیدن به مراتب بالای علم و فضل، مدتی در سامرا و سپس در کربلا به تدریس علوم دینی و تربیت طلاب در رشته‌های مختلف علوم عقلی و نقلی پرداخت و خصوصاً در تدریس فلسفه اسلامی از استادان ممتاز به‌شمار می‌رفت. این عالم دینی، پس از مهاجرت به کربلا که پیش از سال ۱۲۶۱ صورت گرفت، اقدام به تأسیس کتابخانه‌ای کرد و تعداد زیادی از کتب را به خط خویش استنساخ کرده و نیز آثار گران‌قیمت دیگری داشت که همه را وقف طلاب حوزه کربلا کرد.

فراهانی‌کمره‌ای، علی (درگذشته ۱۰۶۸ خ)، مشهور به آقاشیخ، شاگرد آقاحسین خوانساری و علامه مجلسی و نیز از متکلمان و علمای قرن یازدهم هجری است. این عالم دینی اصالت **فراهانی** دارد که در کاشان سکنی داشت و در همان‌جا وفات یافت. از آثار او می‌توان به رساله‌ای با عنوان «اثبات‌الحدوث الزماني للعالم» که مشتمل بر ۸۰۰ حدیث است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۵۷).

فراهانی‌هزاوه‌ای، ابوالفتح (زندگی ۱۰۴۵ خ)، معروف به میرزا ابوالفتح مهرداد^۲ که این سمت در عداد وزارت بوده و به‌نوعی می‌توان گفت وزیر مهاداری شاه‌عباس دوم بوده است.

فراهانی‌هزاوه‌ای، حسین (زندگی ۱۰۲۱ خ)، مشهور به میرزا حسین ابوالخیر، مهرداد شاه‌صفی که مهاداری در این دوران در سطح وزارت به حساب می‌آمد.

^۱ . پدر آیت‌اله اراکی است.

^۲ . به باور برخی مورخان، این لقب تنها ناظر بر نگه‌داری از مهر حضرت سجاد بوده و نه به‌معنای مهاداری شاهان صفوی.

فرجی، حمید (۱۳۵۷ خ)، فرزند اسداله، اهل شازند، دانش‌آموخته کامپیوتر که فعالیت حرفه‌ای خود را در رشته هنرهای تجسمی از سال ۱۳۷۴ و با استادانی چون ذبیح‌اله عسگری، مظاهر و امیر آذری، مقیمی و در اراک، اصفهان و تهران پی گرفت و در مسابقات داخلی و خارجی شرکت کرد و بیش از ۱۰۰ نمایشگاه گروهی و چندین نمایشگاه انفرادی در ایران و خارج از کشور برگزار کرد. ایشان هم‌چنین مسابقات مختلف و نخستین جشنواره بین‌المللی مهارت، ویژه معلولان جهان در سال ۲۰۰۲ دهلی، چهارمین جشنواره مهارت ویژه معلولان جهان ۲۰۱۶ پاریس، دوسالانه نقاشی ۲۰۲۰ توکیو و همین‌طور کسب رتبه‌های برتر در جشنواره‌های داخلی، هنر خویش را به‌رخ کشید. او که از کودکی و بر اثر فلج اطفال دچار معلولیت شدید جسمی حرکتی بود، اکنون هم بر اثر بیماری دیابت، بینایی خود را از دست داده ولی هنوز عاشق نقاشی است و قوی‌تر و با انگیزه بیشتر فعالیت می‌کند.



فرجی قارلوقی، صحبت‌اله (قرن...)، از اهالی روستای قارلوق از توابع نوبران (ساوه) است که از زبان چگور، ابیاتی به زبان ترکی سروده و اشعاری از این شاعر ساوجی در کتاب فرهیختگان ساوه موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۲۱).

فرجی عراقی، حمیدرضا (۱۳۵۳ خ)، فرزند خلیل و بانو شمس‌الملوک، تحصیلاتش را در دبستان سعادت و راهنمایی صالحین اراک گذراند و از هنرستان حضرت قائم دیپلم گرافیک گرفت. او سپس در انجمن سینمای جوان دوره عکاسی و فیلم‌سازی دید و از دانشگاه جامع علمی کاربردی تهران، کارشناسی فیلم‌سازی و از دانشگاه آزاد اراک ارشد «مطالعات فرهنگی و رسانه» دریافت کرد. برخی از افتخارات این هنرمند عبارتند از: مدیر تولیدسیما، مدیر اطلاعات و برنامه‌ریزی، تهیه‌کننده، تصویربردار ارشد و پژوهشگر پروژه‌های مختلف از جمله مستندهای دلف‌آباد دیار خاموش، دشت ممنوعه، من هنرمند نیستم. او هم‌چنین سابقه تدریس عکاسی، تصویربرداری، نورپردازی و مستندسازی در اداره کل آموزش صداوسیما تهران، باشگاه خبرنگاران جوان، حوزه هنری، دانشگاه آزاد اراک و انجمن سینمای جوانان ایران را دارد. تصویربردار برتر جشنواره تولیدات ورزشی تلویزیون (۱۳۸۳)، جایزه بهترین مستند کوتاه از جشنواره منابع طبیعی و رسانه برای فیلم مستند دشت ممنوعه (۱۳۸۹)، جایزه بهترین مستند و بهترین تحقیق از چندین جشنواره معتبر برای مستند «دلف‌آباد دیار خاموش» و راه‌یابی این مستند به بخش مسابقه جشنواره فیلم باستان‌شناسی رورتورایتالیا (۱۳۹۳) از دیگر افتخارات اوست.



فرخ‌پیام، حسن (۱۳۱۸ خ)، زاده روستای نخجیروان (محلات)، پس از پایان تحصیلات متوسطه در محلات، از دانشسرای عالی تهران لیسانس فیزیک گرفت و پس از ۱۱ سال تدریس فیزیک، در سال ۱۳۵۵ از دانشگاه علوم و صنایع بزانسون فرانسه فوق‌لیسانس و از دانشگاه لویی‌پاستور استراسبورگ، دکترای فیزیک با گرایش اپتیک دریافت کرد و در مراکز آموزش عالی دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. اصول اندازه‌گیری و خطاها در فیزیک، فیزیک تحت عنوان پدیده ارتعاشی، تدوین ۷ عنوان کتاب برای دانش‌آموزان دبیرستان

و مراکز تربیت معلم، مبنای ارتعاشات امواج، مقدمه‌ای بر فیزیک نور و کاربردهای آن، از آثار این نویسنده و دانشمند محلاتی است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۱۳).

فرخزاد عراقی، پوراندخت (۱۳۱۰-۱۳۹۵ خ)، از پدری تفرشی به نام سرهنگ

محمدخان و مادری کاشانی به نام بانو بتول زاده شد و تحصیلاتش را در دبستان ژاله و سروش گذراند و از دبیرستان خاور تهران دیپلم گرفت. شاعر، نویسنده، مترجم، منتقد ادبی، روزنامه‌نگار، پژوهشگر و ایران‌شناس بود و بیش از ۳۰ عنوان کتاب منتشر کرد و مدتی هم در رادیو ایران فعالیت داشت. دانشنامه زنان فرهنگ‌ساز ایران و جهان، زن از کتیبه تا تاریخ، سیری در شعر زنان از رابعه تا فروغ، مجموعه شعر (خوشبختی در خوردن سیب‌های سرخ)، کسی که مثل هیچ‌کس نیست، اوهام سرخ شقایق، نیمه‌های ناتمام، مسیح مادر، در انتهای آتش آینه و هم‌چنین جنگ مشوش، از آثار نوشتاری اوست^۱ (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۰).



فرخزاد عراقی، فروغ الزمان (۱۳۱۳-۱۳۴۵ خ)، از پدری تفرشی به نام سرهنگ

محمدخان و مادری کاشانی به نام بانو بتول زاده شد. او شاعری نوپرداز و با احساس، نقاش، فیلم‌ساز و از پیشگامان شعر معاصر فارسی بود که اشعارش به زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده و مورد توجه علاقه‌مندان شعر نو می‌باشد. وی که به زبان ایتالیایی، فرانسه و آلمانی مسلط بود، در سال ۱۳۴۱ فیلم «خانه سیاه است» را ساخت که برنده جایزه نخست جشنواره «اوبره‌ازون» شد و در دومین جشنواره سینمای مؤلف در پزارو سوئد شرکت کرد. فروغ با مجموعه‌های اسیر، دیوار و عصیان کار خود را آغاز کرد و سپس «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» را منتشر کرد و متأسفانه در اوج شهرت و نیک‌نامی بر اثر تصادف از دنیا رفت (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۱).



فرخزاد عراقی، فریدون (۱۳۱۷-۱۳۷۱ خ)، از پدری تفرشی به نام سرهنگ محمدخان

و مادری کاشانی به نام بانو بتول زاده شد و مدتی در دبستان رازی و بعد در دبیرستان دارالفنون تحصیل کرد و سپس به آلمان رفت و در مونیخ، وین و برلین حقوق سیاسی خواند. شاعر، ترانه‌سرا، خواننده، آهنگ‌ساز، بازیگر، تهیه‌کننده، کارگردان و مجری تلویزیونی و رادیویی بود که در جریان قتل‌های زنجیره‌ای، در شهر بُن آلمان کشته شد. از فریدون فرخزاد به عنوان «نامی‌ترین شومن ایران» یاد می‌شود. او برادرِ فروغ فرخزاد شاعر معاصر ایرانی است.



^۱. خواهر فروغ فرخزاد است.

فرخزاد نراقی، قدسیه (۱۲۹۵-۱۳۸۵ خ)، فرزند نعمت‌اله و بانو زهرا، اهل نراق

(**دلیجان**)، از اولین خلبانان زن ایران که در نخستین باشگاه آموزش خلبانی به‌همراه ۶۳۰

مرد و ۲۱ دختر ثبت نام کرد و در سال ۱۳۱۹ پس از طی دوره‌های تئوری خلبانی که نزدیک

به ۶ ماه طول کشید مدرک خلبانی خود به‌عنوان نخستین خلبانان زن ایرانی به‌همراه خانم‌ها

عفت تجارتچی و آینا آوشید را دریافت کرد. او نخستین پرواز خود را با هواپیمای آموزشی «تایگر ماوس»

در فرودگاه دوشان تپه تهران انجام داد. وی همسر سرهنگ میرزا عبدالله دولتشاهی و مادر ۲ دختر (ژاله و

سولانا) و ۴ پسر (طهماسب، حسین، تیمور و کامران) بود و در سن ۹۰ سالگی در کانادا بدرود حیات گفت.

فرخ‌مهر، علی (۱۳۳۳-۱۴۰۰ خ)، فرزند حمزه، زاده آبادان و ساکن **اراک**، استاد ادبیات

و علوم تربیتی دانشگاه‌های تربیت‌معلم اراک و آبادان و نیز کارشناس سازمان پژوهش و

برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش و نویسنده کتب درسی دبیرستان که هم‌زمان

با دانشگاه، در دبیرستان‌های فراهان، اراک و آبادان نیز تدریس می‌کرد. سردبیری ماهنامه

گلبنگ، سرپرستی واحد باغ تجربه‌ها، نویسنده کتاب عروس جهان در مورد شهر اراک و ده‌ها اثر دیگر یادگار

کسی است که همواره خود را یک معلم عاشق می‌دانست و پیکرش طبق وصیت خود به دانشگاه علوم

پزشکی اراک جهت انجام اقدامات آموزشی و پژوهشی اهدا شد (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

فرخی، حسین (۱۳۳۸ خ)، زاده **اراک**، دارای کارشناسی‌ارشد بازیگری و کارگردانی از

دانشگاه تربیت مدرس و اینکه فعالیت هنری خود را در سال ۱۳۶۳ با کارگردانی فیلم‌های

کوتاه آغاز و سینمای حرفه‌ای را با بازی در فیلم «پرچمدار» بکارگردانی شهریار بحرانی

تجربه کرد. این سینماگر در سال ۱۳۷۴ موفق شد، نخستین فیلم سینمایی خود را با عنوان

«یجیی» تهیه و کارگردانی کند. فرخی علاوه بر سردبیری، بازیگری و کارگردانی، به طراحی پوستر و

تدریس سینما در دانشگاه و آموزشگاه‌های خصوصی نیز مشغول است و در فیلم‌های مجروح جنگی، تا مرز

دیدار، حماسه دره شیلر و پرچمدار به‌عنوان بازیگر حضور داشته است. او همچنین عضو هیأت علمی دانشگاه

هنر و همچنین صاحب‌امتیاز و مدیر مسوول مجله «سینما تئاتر» است (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۷۸).

فرخی، عبدالله (۱۲۴۹-۱۳۴۰ خ)، فرزند محمدمیرزا، کنشگر سیاسی و از آزادی‌خواهان مشروطه‌طلب و

عضو انجمن دموکرات **اراک** بوده است.

فردوس‌فراهانی، اسماعیل (۱۲۸۳-۱۳۴۲ خ)، فرزند محمدجواد مشک‌آبادی، شاعر،

مترجم و نویسنده اهل ابراهیم‌آباد (**اراک**)، دروس ابتدایی را در ابراهیم‌آباد آغاز و در اراک

به پایان رساند و راهی حوزه علمیه قم شد. او در سال ۱۳۱۰ از کسوت روحانیت خارج و به

استخدام سازمان ثبت اسناد سلطان‌آباد درآمد. وی در سال ۱۳۲۸ به‌تهران منتقل شد و



آخرین سمت وی معاون دادستانی ثبت کل بود. دیوان فردوس فراهانی پس از مرگش به کوشش پسرش رضا و دوستانش (پروین دولت‌آبادی، عبدالصمد حقیقت، حسین شهبسوارانی، محمدباقر صدرا، علی‌اکبر کنی پور، محمد فردوسی و احمد کرمی) در سال ۱۳۷۴ با شمارگان ۱۵۰۰ جلد چاپ و منتشر شد. او که به نجوم آشنایی کامل داشت، تألیفات دیگری هم دارد که عبارتند از: لغات فارسی سره، ترجمه کتاب کمال‌آتاترک، گفتار پریشان و... ضمناً مشهورترین سروده فردوس، قصیده‌ای است با عنوان «تفریح بی‌تکلف» که در گفتار همگانی به صورت یک ضرب‌المثل درآمده و عبارتست از: گاهی بساط عیش خودش جور می‌شود/ گه با دو صد مقدمه ناجور می‌شود (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۷۲).

فرزین، محمدعلی (۱۲۵۷-۱۳۲۰ خ)، فرزند حاج میرزا مسیح، از اهالی فیروزآباد **خمین**، سیاستمدار و اواخر قاجار و اوایل پهلوی بود. او بعد از سپری کردن دوره ابتدایی وارد دارالفنون شد و مدت ۸ سال تحصیل کرد. ریاست اداره مالیه همدان، نماینده مجلس شورای ملی دوره سوم از همدان، وزیر مالیه، معاون وزیر دارایی در کابینه فروغی، وزیر امور خارجه، معاون بانک ملی ایران در سال ۱۳۱۳، ریاست بانک ملی ایران در سال ۱۳۱۸ و وزیر دربار در سال ۱۳۲۰ از سوابق اوست (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۵۱).



فرشاد، فریدون (۱۲۸۶-۱۳۵۶ خ)، زمین‌شناس و مترجم **اراک** است که تحصیلات خود را در دارالمعلمین مرکزی و دانشسرای عالی به پایان رساند و پس از دریافت کارشناسی علوم ریاضی، در پاریس ادامه تحصیل داد و ضمن دریافت مدرک کارشناسی تعلیم و تربیت، در رشته علوم طبیعی و زمین‌شناسی هم دانشنامه دکتري گرفت. او در سال ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و به درجه استادی رسید. وی در سال ۱۳۳۰ معاونت دانشکده علوم و در سال ۱۳۴۳ معاونت دانشگاه تهران را بر عهده داشت. چینه‌شناسی (دوران اول تا سوم، ۳ جلد) و نیز ترجمه «نبرد من» نوشته آدولف هیتلر از آثار نوشتاری این نویسنده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۷۹).



فرقدان، حیدرقلی (۱۲۹۸-۱۳۷۸ خ)، فرزند مرتضی‌قلی‌خان، متولد **خمین**، تحصیل کرده دارالفنون و نیز دانش‌آموخته حقوق که مدتی در زمان پهلوی دوم معاون وزارت کشور بود. این مدیر عالی‌رتبه و نویسنده که شغل وکالت نیز داشت، صاحب امتیاز روزنامه فرقدان هم بوده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۵۸).

فرمد، امین‌اله (قرن ۱۴)، به احتمال زیاد نخستین پزشک تحصیل کرده‌ای است که پس از دوره سلطنت احمدشاه و در آغاز سلطنت رضاشاه به **خمین** اعزام شده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۶۵).

فرمندآشتیانی، عزیزاله (۱۳۲۱ خ)، فرزند محمدحسین، پس از پایان تحصیلات، به خدمت بانک صادرات درآمد. او نخستین شعر خود را در ۱۳ سالگی و هنگام ورود محمدرضاشاه به تبریز سرود. بیشتر قالب‌های شعری این شاعر که «عزیز» تخلص می‌کرد غزل، قصیده، مثنوی، قطعه و رباعی بود. او هم‌چنین شعر نو هم دارد و شماری از اشعارش در نشریه رهبر و روزنامه سپهر چاپ شده و مجموعه سروده‌هایش نیز در دو

کتاب به نام در «بزم عزیز» و «ضیافت‌نامه عزیز» منتشر شده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۵۴).

فرمehنی‌فراهانی، محمدحسین (۱۳۴۰ خ)، فرزند زین‌العابدین و بانو کوکب‌خانم،



تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبستان سحاب و دبیرستان منصور فرمehنی گذراند و سال ۱۳۶۶ در دانشگاه تربیت‌معلم تهران پذیرفته شد. در سال ۱۳۷۳ در مقطع کارشناسی ارشد باستان‌شناسی ادامه تحصیل داد و به‌عنوان معاون آموزش و پرورش منطقه ۳ تهران منصوب شد. او سپس باگذراندن مقطع دکتری تاریخ به‌عنوان مدیرکل استان‌ها و سپس مدیرکل موزه‌های کشور ادامه فعالیت داد. دکتر فرمehنی که تجربه مدیرکلی میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان مرکزی و استان تهران را دارد، منطقه باستانی و شهر زیرزمینی ذلف‌آباد را کاوش کرده و ۵ عنوان کتاب با نام «طهران در گذر زمان»، «اندیشه‌های نوگرایی»، «تاریخ اقوام استان مرکزی»، «آثار و ابنیه تاریخی منطقه فراهان» و ترجمه کتاب «اسلام» آن‌ماری شیمل را هم در کارنامه دارد.

فرنقی، محمدعلی (زندگی ۱۲۹۹ خ)، فرزند اسماعیل، اهل روستای فرنق (خمین)، در حوزه علمیه اصفهان و در محضر سید حسن مدرس شاگردی کرده و به درجه اجتهاد رسید. این عالم دینی، هم‌رزم سید حسن مدرس و وکیل عدلیه در شهرهای تهران، خمین، گلپایگان، محلات و بروجرد بوده و در سال ۱۲۹۹ ریاست دادگستری گلپایگان که مرکز ولایت ثلاث بوده را بر عهده داشته است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۶۵).

فرهادی، مرتضی (۱۳۲۳ خ)، فرزند یحیی، اهل روستای نازی‌کمره (خمین)، به‌واسطه



شغل نظامی پدر، در ملایر زاده شد و کودکی خود را در مهاباد و نوجوانی و جوانی را هم در محسن‌آباد خمین گذراند. او در سال ۱۳۴۴ به‌استخدام آموزش و پرورش درآمد و در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه ابوریحان کارشناسی روانشناسی گرفت. این شاعر، نقاش و کاریکاتوریست در سال ۱۳۷۸ موفق به دریافت دکترا در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی شد. ایشان بالغ بر ۸۰ مقاله ارزشمند علمی در نشریات معتبر به‌چاپ رسانده و «در فصل‌های خنده دشوار»، «بهار در بوته گمان»، «فقل‌وقفس»، «قناره‌وقداره»، «نامه کمره»، «فرهنگ یاریگری در ایران» از آثار اوست. در سال ۱۳۷۵، به‌خاطر کتاب ارزشمند «موزه‌های در باد» که نتیجه کشف سنگ‌نگاره‌های تیمره بود، نشان پژوهش نمونه سال را از رئیس‌جمهور وقت دریافت کرد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۷۰).

فرهمندساوجی، محمود (۱۳۳۷ خ)، فرزند ملاحسین، متولد آسیابک (زرنديه)، به



توصیه پدر که خواننده و نوازنده ضرب بود، به هنرستان ملی موسیقی رفت و به فراگیری این هنر پرداخت. او که نزد هوشنگ ظریف، حبیب‌اله صالحی و علی‌اکبر شهنازی شاگردی کرده بود، در دانشگاه تهران هم از محضر دکتر داریوش صفوت و دکتر برومند بهره برد و از سال ۱۳۵۵ رسماً با رادیو و تلویزیون ملی همکاری کرد. سرپرستی کارگاه موسیقی مرکز کرمانشاه و نیز نوازنده و سازنده تار و هم‌چنین عضو گروه شیدا از دیگر سوابق هنری اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۲۲).

فرهی آشتیانی، صادق (۱۳۱۲-۱۳۸۵ خ)، فرزند عبدالحسین و بانو بتول، تحصیلات

ابتدایی را در آشتیان گذراند و از دبیرستان حکیم‌نظامی قم دیپلم گرفت. او پس یک دوره آموزگاری برای ادامه تحصیل راهی آلمان شد و پس از مدتی کار در مزارع مکانیزه و یادگیری زبان آلمانی در دانشگاه یوستوس لی‌بیک مهندسی کشاورزی گرفت و زیر نظر پرفسور لینزر از استادان معروف این کشور دکتری تخصصی تغذیه نبات دریافت کرد. در ایران رئیس اداره خاک‌شناسی شیراز، مدرس دانشگاه جندی‌شاپور اهواز، دانشیار دانشگاه اصفهان و استاد دانشگاه تربیت مدرس بود. ایشان ضمن گذراندن چندین دوره فرصت مطالعاتی در وای‌کالج (۱۳۵۳) و نیز ساسک‌لندن (۱۳۷۰) در سال ۱۳۷۴ به‌عنوان تلاشگر و استاد نمونه دانشگاه تربیت مدرس برگزیده شد. او هم‌چنین دو دوره فوق‌تخصصی از دانشگاه لندن اخذ و ضمن تدریس، بالغ بر ۸۰ مقاله تخصصی در نشریات داخلی و خارجی به‌چاپ رسانده و ترجمه کتاب آزمایش‌هایی در فیزیولوژی گیاهی اثر فرانسیس‌اچ هم از این نویسنده دانشگاهی است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۱۱).

**فروزان مهر، محمدحسین (۱۳۴۷ خ)،** زاده اراک، کارشناس علوم اقتصادی و ارشد

مهندسی صنایع از دانشگاه اصفهان است. معاون توسعه مدیریت، امور مجلس و استان‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، معاون مالی، پشتیبانی و عمرانی قوه قضائیه، معاون استانداری زنجان، کرمان و فارس، معاون اشتغال و توسعه کارآفرینی وزارت کار، استاندار خراسان رضوی، مشاور و معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منطقه‌ای وزیر کشور، مشاور عالی معاون رئیس‌جمهور و ریاست امور دفاعی، قضایی و امنیتی سازمان برنامه‌بودجه از سوابق اوست.

**فروزش، فضل‌اله (۱۲۴۸-۱۳۰۶ خ)،** فرزند محمدحسین کهرودی و از دانش‌آموختگان

دوره نخست دارالفنون در رشته پزشکی بوده و زیر نظر تولوزان (طبيب ناصرالدین‌شاه)، رشته جراحی آموخت و مدتی ریاست بیمارستان پنجه‌علی را عهده‌دار بود و نخستین پزشک ایرانی است که در اراک به عمل جراحی پرداخت^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۸۴).

**فروغی، فریدون (۱۳۲۹-۱۳۸۰ خ)،** فرزند فتح‌اله و بانو فخریه، کارمند اداره دخانیات بود

و در تنهایی خود به سرودن شعر و نواختن تار می‌پرداخت. خانواده پدری او از ملاکان بزرگ نراق (دلبران) بودند و او در سال ۱۳۴۷ دیپلم طبیعی گرفت و پس از آن تحصیل را رها کرد و موسیقی را بدون داشتن استاد و با توجه به علاقه‌ای که به موسیقی راک و به‌خصوص آثار ری‌چارلز داشت، با تمرین آموخت. دو ترانه به‌نام «آدمک» و «پروانه من» را با موسیقی تورج شعبان‌خانی و اشعار لعبت والا، برای فیلم هریتاش اجرا کرد و پس از اکران فیلم، صفحه‌های ۴۵ دور این دو ترانه، در



^۱ حاج ذوالفقارخان بانی مدرسه صمصامی وی را برای افتتاح مرخصخانه روستای پنجه‌علی اراک و طبابت دعوت کرد.

صفحه‌فروشی‌های معروفی چون آل کوردوبس، پاپ، دیسکو، بتهوون و پارس عرضه شد و این دو ترانه بر سر زبان‌ها افتاد و فریدون به شهرت رسید.^۱

فروهر، ابوالقاسم (۱۳۷۰-۱۳۳۹ خ)، فرزند سکنیه و میرزا محمودخان (افتخارالملک)



و نوه میرزا محمدعلی‌خان **تفرشی** (قوام‌الدوله)، پس از تحصیل در مدرسه علوم سیاسی تهران به اروپا رفت و پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده حقوق ژنو به ایران بازگشت و به‌استخدام وزارت امور خارجه درآمد. او پس از مدتی به‌وزارت عدلیه منتقل شد و سمت‌هایی چون مدعی‌العموم، ریاست محکمه تجارت و عضو دیوان تمیز را احراز کرد. ریاست کل ساختمان، روشنایی، تنظیفات و میاه (آب) و معاونت اداره سجل‌احوال و احصائیه از دیگر مسوولیت‌های اوست. او هم‌چنین در سال ۱۳۱۴ عضو هیأت‌مدیره شرکت بیمه ایران و در سال ۱۳۱۵ کفیل وزارت کشور در کابینه محمود جم شد و در همان سال به سمت وزیرمختار ایران به فرانسه رفت و سال بعد وزیرکشور کابینه محمود جم شد. فروهر در دوره دوازدهم از طرف تهران به مجلس شورای ملی رفت و در دوره‌های دوم و سوم مجلس سنا، به مقام سناتوری مشهد رسید^۲ (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۳).

فروهر، جهانگیر (۱۳۷۶-۱۲۹۵ خ)، فرزند مصطفی‌خان (دوام‌السلطنه)، نوه میرزا



محمدعلی‌خان (قوام‌الدوله) و نتیجه میرزا عباس‌خان فمی‌**تفرشی**، تحصیلات خود را تا مقطع دیپلم صنعتی در تهران ادامه داد و مدتی در نیروی هوایی و سپس در سازمان تأمین اجتماعی مشغول بکار شد. او سپس به دنیای هنر و بازیگری پا نهاد و یکی از هنرپیشگان صاحب‌سبک در تئاتر، سینما و تلویزیون شد. وی فعالیت هنری خود را از سن هیجده‌سالگی با حضور در نمایش یوسف و زلیخا در تئاتر سپاهان اصفهان شروع کرد و بازی در سینما و تلویزیون را هم از سال ۱۳۴۵ با فیلم گنجینه سلیمان اثر عزیزاله رفیعی آغاز کرد. این سینماگر برجسته پس از انقلاب نیز به فعالیت هنری خود ادامه داد و در سال ۱۳۷۰ از جشنواره فیلم فجر، جایزه تقدیر نقش دوم مرد را به‌خاطر بازی در فیلم «خانه خلوت» دریافت کرد. او در بیش از ۱۰۰ فیلم و ۳۰ سریال به ایفای نقش پرداخت که سوته‌دلان و مسافران از آن جمله‌اند. فروهر را پدر تئاتر و سینمای ایران می‌نامند (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۵).

^۱ فریدون علاقه زیادی به شهر نراق داشت و اکثراً تابستان‌ها و مواقع مورد نیاز به این شهر زیبا و تاریخی تردد داشت. خانه قدیمی و در حال تخریب فروغی‌ها در نراق در اختیار اقوام ایشان است.

^۲ وی پدر فیروز فروهر نماینده مجلس شورای ملی است.

فروهر، فیروز (۱۲۹۸-۱۳۸۵ خ)، فرزند ابوالقاسم و نوه محمودخان **تفرشی**

(افتخارالملک)، پس از پایان تحصیلات متوسطه برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و مهندسی راه‌وساختمان خواند. مهندس فروهر در بازگشت به ایران در سال ۱۳۲۴ به‌استخدام اداره ساختمان وزارت دارایی در آمد و در سال ۱۳۲۶ به وزارت راه منتقل شد و سمت‌هایی چون ریاست کل اداره آسفالت، مشاور وزیر کار و بازرسی وزارت و مدتی هم در بانک صنعت و هم‌چنین در سازمان برنامه‌وبودجه اشتغال یافت. ایشان در دوره نوزدهم قانون‌گذاری از اراک و در دوره بیست‌ودوم از شهرستان تفرش به‌عنوان نماینده مجلس انتخاب شد. او در سال ۱۳۵۰ هم در دوره بیست‌وسوم مجلس شورای ملی، کرسی وکالت تفرش را در مجلس حفظ کرد و در سال ۱۳۵۵ بازنشسته شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۲).

**فروهر، لیلا (۱۳۳۷ خ)،** فرزند جهانگیر و بانو فرنگیس، با **تفرشی** در اصفهان زاده شد

و به‌واسطه شغل پدر از ۳ سالگی پا به صحنه تئاتر نهاد و سپس در فیلم مرادولاله، ایفای نقش کرد. او در ۹ سالگی در فیلم «سلطان قلبها» بازی کرد و خوانندگی را هم از سن ۱۴ سالگی آغاز کرد و امروز یکی از خوانندگان ایرانی مقیم آمریکاست. این هنرمند سرشناس در برخی فیلم‌های سینمایی از جمله گل‌خشخاش، رابطه جوانی و شب آفتابی با پدرش هم‌بازی بود.

**فریبرز، کاظم (۱۳۲۱-۱۳۹۵ خ)،** کارش را از سال ۱۳۳۷ در سینما آغاز کرد و در آثار

مختلفی هم‌چون سریال هزار دستان و فیلم‌هایی مانند رستاخیز، دندان مار، کانی‌مانگا، ملک سلیمان، کفش‌های میرزا نوروز، دایره و چندین اثر دیگر به‌عنوان مجری و سازنده دکور حضور داشت. از این سینماگر **اراک** به‌پاس خدماتی که به سینمای ایران کرده بود، در



دوازدهمین جشن سینمای ایران تقدیر شد.

فریدمحسنی، سیدحسن (۱۲۸۰-۱۳۴۷ خ)، فرزند مصطفی و نوه آیت‌اله محسن

اراک، تحصیلات ابتدایی را در **اراک** گذراند و به قم رفت و هم‌مباحثه آیت‌اله‌العظمی گلپایگانی بود. این عالم دینی حدود سال ۱۳۱۰ به اراک بازگشت و تقریباً ۳۰ سال در اراک به بحث‌های علمی و تدریس اشتغال داشت و دوباره در سال ۱۳۴۰ به قم رفت و حوزه درس تشکیل داد. تقریرات و تفسیر سوره حمد از آثار اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۸۵).

**فریدهزاهو، سیدحسن (۱۲۷۵-۱۳۵۷ خ)،** اهل **اراک**، از طرف پدری به سادات

قائم‌مقامی و از جانب مادر به خانواده امیرکبیر منسوب است. او دوران مقدماتی تحصیل را در مکتبخانه گذراند و به مدارس جدید از جمله صمصامی رفت و پس از پایان دوره متوسطه در همان‌جا به تدریس پرداخت. این دانشمند و نابغه ریاضی، مدیر مسوول سال‌نامه معارف عراق و از بنیان‌گذاران فرهنگ نوین اراک و از شاگردان شیخ‌علی نخستین در فلسفه، یوسف طبیب (یهودی) در طب، حبیب‌اله ذوالفنون در ریاضیات و میرزا مهدی خیرخواه گواری (شمس‌الشعرا) در خط و خوشنویسی



بوده و در عرفان هم از محضر سیدعلی سیددزفولی (ظهیرالاسلام) و شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی و سیدعلی قلندر متخلص به کفری بهره برده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

فریدونی، فرزانه (۱۳۴۷ خ)، فرزند عبدالله، شاعر معاصر اهل **خمین** است که تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر به پایان رساند. این دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی قزوین، ضمن تدریس در دبیرستان‌های خمین، در سال ۱۳۷۴ موفق به دریافت کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی شد. او که سرودن را از سال ۱۳۶۷ آغاز کرده بود، اشعار مذهبی/اجتماعی‌اش را در دو سبک شعر نو و کلاسیک و در قالب غزل می‌سراید (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۷۴).

فضلی، قاسم (۱۳۲۷-۱۴۰۳ خ)، فرزند حسن و بانو ملک‌تاج، پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی از دبیرستان محمدرضا شاه **اراک** دیپلم گرفت. او سپس در رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران پذیرفته شد و پس از دریافت لیسانس به آلمان رفت و از آنجا فوق‌لیسانس و دکترای باستان‌شناسی گرفت. دکتر فضلی پس از بازگشت به ایران در سازمان میراث فرهنگی اراک به‌عنوان کارشناس ارشد خدمات ارزنده‌ای ارائه داد که زبان‌زد همکاران این سازمان است. او همچنین چندین اثر نوشتاری دارد که «سایه‌های معماری در استان مرکزی»، «خنیا‌های رنگارنگ (موسیقی)» و «ایران‌شناسی» از آن جمله‌اند و «پارت‌ها» کتاب دیگری است که در دست تدوین دارد.



فقیرمیرنظامی، سیدرحمن (۱۳۳۲ خ)، فرزند عبدالله و بانو زیبا، تحصیلات اول تا چهارم را در دبستان هدایت، پنجم در مدرسه آذرهوش و کلاس ششم را در ۶ بهمن گذراند و سه سال هم در دبیرستان پهلوی تحصیل کرد و از هنرستان صنعتی **اراک** دیپلم گرفت. او سپس در سال ۱۳۵۵ از دانشگاه علم و صنعت ایران دانش‌آموخته شد و ابتدا وارد شرکت ذوب‌آهن اصفهان و سپس در سال ۱۳۶۲ به‌استخدام شرکت واگن‌پارس اراک درآمد و دوره‌های تخصصی ساخت واگن و لوکوموتیو را در آلمان و اتریش گذراند. این کارآفرین در سال ۱۳۶۵ مدیر تولید و در سال ۱۳۶۸ به‌عنوان معاون مدیرعامل در حوزه تولید منصوب شد. وی در سال ۱۳۷۵ و با مشارکت افراد حقیقی و حقوقی، شرکت فولاددرخشان را تأسیس کرد و در حال حاضر به‌عنوان مدیرعامل و عضو هیأت مدیره مشغول فعالیت است. این شرکت با ۲۱۰ نفر پرسنل در زمینه تأمین و ارائه خدمات برشکاری انواع محصولات تخت (ورق)، طراحی، ساخت و تعمیر انواع واگن باری و نیز مخازن و سازه‌های فلزی، فعال است.



فقیهی، رضا (۱۲۹۳-۱۳۳۹ خ)، فرزند علی کره‌رودی، تحصیلات خود را در **اراک** گذراند و سفرهایی به کشورهای عراق، سوریه، لبنان و ترکیه انجام داد و ره‌آورد این مسافرت‌ها را به‌صورت سفرنامه‌ای نوشت. وی بعد از اقامت در تهران، در انجمن‌های ادبی شرکت می‌جست و در سرودن قطعه و غزل مهارت داشت.

آثار این شاعر و نویسنده در بعضی از جراید و مجلات منتشر شده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۲۰).
فکری آشتیانی، موسی (۱۲۹۶-۱۳۷۴ خ)، فرزند میرزا یعقوب، در تبریز دیپلم گرفت و به دانشکده کشاورزی کرج راه یافت. سابقه ریاست اداره کشاورزی شهرستان مختلف از سوابق اوست و همچنین برای طرح موفق که برای دفع آفات نباتی ارائه کرد، به دریافت نشان همایون مفتخر شد. او همچنین در سال ۱۳۴۳ به مقام استانداری سیستان و بلوچستان رسید و آخرین سمت ایشان عضویت در هیأت مدیره کل کارخانجات دولتی ایران بود (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۹۷).
فمی تفرشی، ظهیرالدین (۹۱۷-۹۸۲ خ)، از شاگردان مقدس اردبیلی و از اکابر علمای شیعه امامیه و فقهای نامدار روزگار بود.

فمی تفرشی، عباس (۱۲۷۵-۱۱۹۴ خ)، ملقب به قوام‌الدوله، پس از تحصیلات مقدماتی در دوره محمدشاه قاجار به تهران رفت و در خدمت مستوفیان قرار گرفت. او در آغاز از منشیان میرزا آقاخان نوری بود و لقب خان گرفت و با عنوان منشی اول به وزارت خارجه رفت و سپس به عنوان منشی مخصوص میرزا یوسف مستوفی‌الممالک آشتیانی منصوب شد. او مدتی مسوول امور مالی تهران و توابع و مأمور نظارت بر بروات نظامیان بود و پس از عزل میرزا یحیی خان مشیرالدوله، به عنوان وزیر خارجه منصوب و تا پایان عمر در این کسوت خدمت کرد. بازارچه قوام‌الدوله و میدان شاپور در تهران از یادگارهای اوست. وزارت آذربایجان و خراسان، عضو دارالشورای دولتی، نایب صدراعظم، وزارت رسائل و وزارت داخله از دیگر مسوولیت‌هایی است که عباس خان تفرشی در عمر سیاسی خود تجربه کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۴).



فولادوند، محمد مهدی (۱۲۹۹-۱۳۸۷ خ)، فرزند حسین خان (سالار مقتدر)، تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در اراک گذراند و برای ادامه تحصیل به تهران رفت. او در سال ۱۳۳۹ عازم پاریس شد و مدت ۱۴ سال در دانشگاه سوربن به تحصیل ادبیات، هنر، فلسفه و زبان‌شناسی عرب پرداخت و در آبان ۱۳۴۳ به تهران بازگشت و در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از جمله دانشگاه تهران و امام صادق دروسی چون فلسفه، زیبایی‌شناسی، زبان فرانسه، تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران را تدریس کرد. فولادوند نزدیک به ۳۰ عنوان کتاب به فارسی و فرانسه دارد و در سال ۱۳۴۵ در حالی جزوه «گل‌هایی از قرآن» را در تهران منتشر کرد که بجز ترجمه مهدی الهی‌قمشه‌ای و ابوالقاسم پاینده، ترجمه فارسی دیگری از قرآن در دسترس نبود. این جزوه مورد اقبال قرار گرفت به گونه‌ای که محمدعلی جمال‌زاده نامه‌ای در تجلیل مترجم نوشت و از وی خواست این کار را تا پایان قرآن ادامه دهد.



^۱. در جاده شیراز و بر اثر تصادف کشته شد.

این نویسنده، مترجم و شاعر به دو زبان فارسی و فرانسه شعر می‌گفت و دیوان اشعار فارسی وی به بیست‌هزار بیت و اشعار فرانسه او نیز به ۷۰۰ صفحه بالغ می‌شود (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۲۲).

فیجانی، محمدحسن (درگذشته ۱۳۷۵ خ)، فرزند عبدالحامد، متولد روستای فیجان (اراک)، در اواخر قرن سیزدهم می‌زیسته و از فقه‌های نامدار در فقه و اصول بود. این عالم دینی تألیفاتی دارد که شرطوبیع، خلل، صیغ مشکله و حکمت عملی از آن جمله‌اند (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۸۷).

فیروزه، محمدحسن (۱۳۰۶-۱۳۷۲ خ)، فرزند علی‌آقا (از بازرگانان سرشناس و نیکوکار



اراک) که نوجوانی او مصادف با جنگ جهانی دوم و آشفته‌گی اقتصادی و اجتماعی بود. او با نگاهی هوشمندانه و شکاک، دریافت خود را با چاشنی طنز پرمایه توأم با کلمات ساده و عامیانه بیان می‌کرد. قصیده زیبا و ماندگاری از این شاعر و نویسنده طنز به‌نام «وصیت

نامه» به‌جای مانده و برخی از اشعار وی هم در کتاب سیمای اراک موجود است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۲۶).

فیروزی، طاهره (۱۳۵۵ خ)، فرزند میرزا حسین، اهل مأمونیه (زندیه)، در سال ۱۳۷۸ در رشته زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت و در ادامه ارشد و دکترای تاریخ اسلامی از دانشگاه الزهرا دریافت کرد. رمان «روزهای خاکستری» تنها اثر نوشتاری دکتر فیروزی است (چراغی، ۱۳۹۵: ۴۰۲).

ق

قادر، تیمور (۱۳۳۵ خ)، باستان‌شناس و مترجم ایرانی، دارای دکترای فرهنگ و زبان



های باستانی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و دانشیار گروه فرهنگ و

زبان‌های باستانی دانشگاه بوعلی‌سینا است. برخی از آثار این نویسنده و مترجم **اراک**

عبارتند از: تاریخ ایران کمبریج، تاریخ اسلام کمبریج، با دانایان ایران باستان، خاورمیانه

اسلامی: سنت و تحول، زروان یا معمای زرتشتی‌گری، ادیان شرقی در کافرکیشی رومی، گنجینه مغان و طلوع و غروب زرتشتی‌گری از ترجمه‌های اوست.

قارلوقی ساوجی، تقی (قرن ...)، مشهور به عاشیق تقی، یکی از نوازندگان معروف موسیقی روستای قارلوق از توابع نوبران (ساوه) است که در نواختن چُگور مهارت خاصی داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۲۱).

قاسمی، حمیدرضا (۱۳۴۸ خ)، فرزند رحیم و بانو فاطمه، تحصیلات مقدماتی را در



روستای نهرمیان (شازند) گذراند و سپس به همراه خواهر بزرگترش به اراک و از

دبیرستان امام محمدباقر دیپلم گرفت. وی در سال ۱۳۶۷ با رتبه ۲۵۳ در رشته مدیریت

دولتی دانشگاه تهران پذیرفته شد و ضمن دریافت لیسانس در سال ۱۳۷۰ با رتبه ۳ وارد

مقطع ارشد شد و پس از دریافت فوق لیسانس به ایراک بازگشت و مشاغل مختلفی از بنیاد شهید تا شرکت پست، مرکز تحقیقات جهادسازندگی، دانشگاه آزاد و... را تجربه کرد. او در سال ۱۳۸۴ وارد دانشگاه علامه طباطبائی شد و دکترای تخصصی مدیریت دولتی گرفت و همزمان در دانشگاه آزاد اسلامی هم تدریس می کرد. «طراحی الگوی معماری منابع انسانی» تز دکترایش بود که با نمره عالی دفاع کرد. دهها مقاله علمی و پژوهشی منتشر شده در مجلات داخلی و خارجی، ارائه مقاله و سخنرانی علمی در بیش از ۴۰ کنفرانس و همایش ملی و بین المللی در ایران، ترکیه، قبرس، تایلند، مالزی، چین، استرالیا، لهستان، انگلستان، روسیه، گرجستان، فرانسه و... دریافت لوح تقدیر به عنوان پژوهشگر برتر دانشگاه، تدریس دروس مختلف در مقاطع کارشناسی تا دکترای تخصصی به مدت حدود دودهمه، تألیف ۴ عنوان کتاب تخصصی دانشگاهی، راهنمایی بیش از ۲۷۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی، داوری مجلات بین المللی تخصصی از کانادا، آمریکا، مالزی، ایران و... برخی از مهمترین افتخارات دکتر قاسمی است و هم اکنون مدیر گروه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد ایراک است.

قاسمی، رضا (۱۳۴۶ خ)، فرزند عبدالله و بی بی سادات، دوره دبستان را در مدرسه امینی



تهران گذراند و به همراه خانواده به **اراک** مهاجرت کرد و پس از طی دوره راهنمایی در مدرسه دکتر محمد مصدق، از دبیرستان صمصامی دیپلم گرفت. او پس از دوران سربازی، در رشته برق صنعتی ادامه تحصیل داد و همزمان در شرکت آلومینیوم سازی ایران، به عنوان تکنسین برق صنعتی استخدام شد. قاسمی از سال ۱۳۶۴ در رشته رزمی کونگ فو، زیر نظر کمیته رزم آوران به طور جدی فعالیت کرد و در سال ۱۳۶۷ با دریافت مدرک مربی گری، در باشگاه ۵ مرداد به آموزش علاقه مندان به ورزش رزمی پرداخت. او سپس در سال ۱۳۷۶ در رشته مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد ایراک لیسانس گرفت و به عنوان کارشناس ارشد فنی تا سال ۱۳۹۰ به خدمت در شرکت ایرالکو ادامه داد. این عاشق ادبیات و هنر که در اغلب سبک های هنری و ادبی از جمله عکاسی، نقاشی رنگ روغن و سیاه قلم و حتی شعر دستی دارد، پس از بازنشستگی به نویسندگی روی آورد. وی تاکنون پنج عنوان کتاب به ادبیات این سرزمین تقدیم کرده که عبارتند از: «سرباز لشکر ۱۷»، «آخرین زره پوش»، «آسمان پنج ضلعی»، «از سه راه آذری تا منهن» و «لاک قرمز لاک پشت»^۱.

قاسمی، فریبا (۱۳۵۹ خ)، فرزند علی، از خانواده ای اهل روستای خان آباد (**خمین**) در تهران به دنیا آمد و در دوسالگی به خمین بازگشت و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در این شهر خواند و دیپلم گرفت. ایشان رمان نویسی را از سال ۱۳۷۹ آغاز کرد و «حس غریب» نخستین اثر اوست که در سال ۱۳۸۱ منتشر شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۹۲).

^۱. ایشان در سال ۱۳۹۸ بزرگترین کتابفروشی استان را راه اندازی نمود ولی متأسفانه چندان دوام نیاورد و ناگزیر تعطیل شد.

قاسمی، علی (۱۳۱۷-۱۳۹۹ خ)، معروف به حاج سلطانعلی متولد **دلیجان** و یکی از



بزرگترین کارآفرینان موفق استان مرکزی و از بنیان‌گذاران صنعت دلیجان و صنعت فرش ماشینی ایران است که کار خود را از خرده‌فروشی و تولید قالی دستبافت شروع کرد او از دوره جوانی تولید فرش دستبافت را به‌عنوان شغل انتخاب و در روستاهای دلیجان اقدام به تأسیس کارگاه‌های انفرادی و گروهی تولید فرش دستبافت کرد و نخستین تجربه کارآفرینی و صنعت خلاق را در همان دوران کسب کرد. وی از سال ۱۳۶۸ در ادامه مسیر تولید فرش دستبافت، به تولید فرش ماشینی هم روی آورد و در اندک زمانی بنیاد گروهی نامدار و بزرگ و خوشنام که امروز بیش از ۱۰۰۰ نفر پرسنل دارد را پی افکند که شرکت‌های ستاره طلایی دلیجان (پاتریس)، ریسندگی تاراصنعت، فرش شاپرک، نساجی آسیا و شرکت نمک تصفیه صدف سپید از آن جمله‌اند. لوح برترین کارآفرین و کارفرمای نمونه کشور، پیشکسوت نمونه صنعتی استان و واحد نمونه استاندارد، برخی از افتخارات این کارآفرین برجسته ملی است و ساخت مرکز تصویر برداری بیمارستان امام صادق دلیجان به مساحت ۱۲۰۰ متر مربع و نیز خرید و نصب دستگاه‌های پیشرفته MRI و سی‌تی‌اسکن این بیمارستان هم از خدمات نیکوکارانه اوست.

قاسمی‌الویری، حسن (درگذشته ۱۳۹۸ خ)، در روستای الویر (**زرنديه**) به دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی، در رشته پزشکی تحصیل کرد و به درمان بیماران پرداخت. لیکن ویژگی متمایز این پزشک الویری، تسلط ایشان بر ادبیات و بویژه طبع شعری است که وی را از دیگر پزشکان متمایز می‌کند. برخی از اشعار این شاعر طبیب در کتاب فرهیختگان ساوه موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۳۷).

قاسمی‌زاده، حمزه (۱۲۹۸-۱۳۹۴ خ)، فرزند بهرامقلی، در روستای خانک **تفرش**



متولد شد و تحصیلات مقدماتی را نزد ملاحسینعلی، ملارضا و شیخ محمد قدسی فرا گرفت. وی در سال ۱۳۲۴ در امور دفتری شهربانی استخدام شد و هم‌زمان به صورت شبانه، تحصیلات خود را ادامه داد و در سال ۱۳۴۳ در رشته ادبیات عرب لیسانس گرفت. او سپس به اداره پلیس منتقل شد و مدتی مسوول دفتر کلانتری میدان بهارستان بود و در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد. وی از طبع شعر و شاعری برخوردار بود و علاقه زیادی به نویسندگی داشت و حامد «تخلص» می‌کرد. گذر عمر، چهار داستان، سفرنامه انگلستان، سفرنامه بیت‌اله‌الحرام، سفرنامه سوریه و دیوان اشعار از آثار نوشتاری اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۶).

قاصدی، محمدابراهیم (۱۳۴۲ خ)، فرزند امین و بانو زهرا، پس از دریافت دیپلم ریاضی یک نیمه‌سال در مرکز تربیت معلم مرکز شاهرود تحصیل کرد و از سال ۱۳۶۵ در دفترخانه اسناد رسمی شماره یک **خمین** به سردفتری پدر خود مشغول شد. «قاصدک‌های نسیم انتظار»، «یاس‌های وحشی» و «خط عبور» مجموعه

اشعار اوست که در قالب غزل، مثنوی، شعر سپید و نیمایی است. ایشان با درج هجای اشعار کلاسیک، در صفحات پایانی کتاب خود، مخاطب را از اوزان مورد استفاده آگاه می‌کند.

قاضی، احمد (درگذشته ۱۳۵۷ خ)، فرزند محمد، از علمای مشهور و برادر شیخ محمدعلی قاضی که اجدادشان در روستای بازنه (شازند) روحانی بوده‌اند. این عالم دینی، چند سالی در اراک تحصیل کرد و پس از آن به قم رفته و سال‌ها از محضر آیات حجت‌کوه‌کمره‌ای، خوانساری و بروجردی استفاده کرد، آن‌گاه در اراک به ترویج دین و تبلیغ اخلاق پرداخت. وی هم‌چنین امامت جماعت مسجد قبله را عهده‌دار بوده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۸۷).

قاضی اسدی ساوجی، ابوالفضل (۱۳۰۲-۱۳۹۱ خ)، فرزند عزیزاله، تحصیلات مقدماتی

را نزد پدر و سپس مدارس **ساوه** گذراند و در سال ۱۳۲۲ آموزگاری پیشه کرد. این مدرس متبحر ریاضی، از دوران کودکی به ادبیات و شعر علاقه‌مند بود و از همان اوان آموزگاری، به سرودن شعر پرداخته و تاکنون بالغ بر یک‌صد قصیده و غزل سروده و تخلص این شاعر «قاضی» بود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۴۰).



قاضی اسدی ساوجی، عباس (۱۳۴۲ خ)، فرزند ابوالفضل، تحصیلات مقدماتی را در

ساوه گذراند و در رشته معدن دانشگاه کرمان دانش‌آموخته شد. وی مانند نیاکان خویش استعداد زیادی در ادبیات و شعر دارد و قالب شعری این شاعر ساوجی غزل، دوبیتی و رباعی است و تخلص شعری ایشان هم «شائق» است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۴۶).



قاضی زاده کرهرودی، حسین (قرن ۱۰)، فرزند عبدالخالق در کرهرود (اراک) به منصب قضاوت اشتغال داشته و فرزندان این قاضی و عالم دینی، ملاعبدالحمید و ملا محمدشفیع هر دو از عالمان عصر خویش بوده‌اند که به احتمال قوی از نوادگان او می‌باشند نه فرزند بلافصل.

قاضی زاده کرهرودی، عبدالخالق (۹۲۸-۱۰۰۱ خ)، اهل **اراک**، مشهور به علاءالدین، عالم امامی، متکلم، محقق، صوفی، شاعر و از شاگردان شیخ‌بهای است که مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود. در مجلس شاه‌عباس اول با قاضی‌زاده خوارزمی مناظره کرد و کتابی در همین باب به‌خواست شاه‌عباس اول نوشت. الامامه کتابی بزرگ در مبحث امامت، تحفه‌الشاهیه، مشتمل بر مناظرات وی، الاعتقادیه، حاشیه بر اثبات‌الواجب جلال‌الدین دوانی، حاشیه بر الشرح‌الجدید للتجريد و دیوان شعر از آثار نوشتاری این عالم دینی است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۳۳).

قاضی سعیدی، سعید (۱۳۲۳-۱۳۹۵ خ)، فرزند علی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را

در **اراک** و مدارس هدایت، پهلوی و مصمami گذراند و در سال ۱۳۵۰ دکترای طب

عمومی از دانشگاه اصفهان و سپس روانپزشکی از دانشگاه تهران دریافت کرد. این پزشک

فعال برجسته فرهنگی، همکاری با هفته‌نامه سروش و لاله سرخ استان مرکزی با نزدیک

به ۲۵۰ نوشته در موضوعات تخصصی رشته روانپزشکی، روانشناسی، نقد ادبی، مسائل اجتماعی و تحقیق

در متون نظم‌ونثر کلاسیک را در کارنامه فرهنگی اجتماعی خویش به‌عنوان طبیب و نویسنده اجتماعی دارد

(ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۴۱۲).



قاضی مشایخی کرهرودی، احمد (زندگی ۱۰۲۱ خ)، اهل کرهرود (**اراک**)، در زمان شاه‌عباس می‌زیسته

و از فقها و علمای دینی قرن یازدهم بوده و در فقه و اصول و همچنین فلسفه مهارت داشته است (صدیق،

۱۳۷۲: ۱۸۸).

قاضی نجف‌آبادی، محمد (۱۳۶۳ خ)، متولد نجف‌آباد (**فراهان**)، بازیکن فوتبال، سابقه

عضویت در باشگاه‌های عقاب، همت، فولاد، ذوب‌آهن و نیز استقلال و پرسپولیس را دارد.

او در سال ۱۳۹۰ توسط کارلوس کیروش به تیم ملی دعوت شد و ۱۰ بازی در سطح ملی

و همچنین ۳ گل ملی در کارنامه دارد.



قائم‌مقام، علی محمد (قرن ۱۳)، مستوفی اول، بعد از فوت پدرش، مستوفی خراسان شد، اما پس از مدتی

میرزا یوسف آشتیانی، پسرعموی خود میرزا شفیع آشتیانی را جایگزین وی کرد.

قائم‌مقام، فتح‌اله (قرن ۱۳)، فرزند میرزا علی، مستوفی و محاسب همدان بود که با گوهر ملک‌خانم

(مریم) دختر معین‌الملک ازدواج کرد و صاحب سه پسر و پنج دختر شد.

قائم‌مقام، محمدصادق (۱۰۶۷-۱۱۴۶ خ)، ملقب به صادق تفرشی، پس از تحصیلات مقدماتی در تفرش

راهی اصفهان شد و در محضر محمدصادق اردستانی شاگردی کرد و پس از سقوط حکومت صفوی، به

تفرش بازگشت. از آثار این شاعر می‌توان به شهنشاه‌نامه ملوک عجم، آینه عبرت، آتشکده، فخریه، گل‌وبلبلی،

خسرونامه و هجران‌نامه اشاره کرد. دنبلی در نگارستان دارا از او با عنوان «از قدمای معاصرین» و «فاضل

کامل» یاد می‌کند و می‌نویسد: او معلم رضاقلی میرزا پسر نادرشاه افشار بود. طبعی روان و ذوقی سلیم

داشته و در قالب مثنوی‌و غزل و با تخلص «هجرت» شعر می‌سروده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۷۳).

قائم‌مقام، موسی (۱۲۲۵-۱۲۸۱ خ)، معروف به موسی‌خان میرزا بزرگ، از کارگزاران دولتی که در دوره

سلطنت ناصرالدین‌شاه به مقام سرهنگی رسید و از مالکان روستای ساروق (**اراک**) بود.

قائم‌مقام‌فراهانی، ابوالحسن (۱۲۰۱-۱۲۶۶ خ)، هنگام شهادت پدرش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، دوران

کودکی را می‌گذراند و زمانی که فرزندان قائم‌مقام مورد عفو قرار گرفتند او هم در سال ۱۲۶۲ عضو شورای

دولتی (وزیر) شد و پس از فوت میرزا علی (برادرش) ملقب به قائم مقام شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۱).
قائم مقام فراهانی، سید موسی (زندگی ۱۲۶۵ خ)، فرزند علی، از عالمان دوره قاجار و نواده میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی است. «مفتاح المحبه»^۱ در فضایل اهل بیت از این عالم دینی است که در حاشیه کتاب ینابیع الموده چاپ شده و تاریخ پایان ترجمه سال ۱۲۶۵ است.

قائم مقام فراهانی، سید ابوالقاسم (۱۱۵۸-۱۲۱۴ خ)، اهل هزاوه (اراک)، فرزند میرزا عیسی و نخست وزیر محمدشاه بود، که با هدایت روس و انگلیس، دشمنی اطرافیان و به دستور شاه به شهادت رسید. او زیر نظر پدر دانشمند خود تربیت و در آغاز جوانی علوم متداول را آموخت، سپس به تبریز رفت و در دفتر عباس میرزا (ولیعهد) به نویسندگی پرداخت و در سفرهای جنگی با او همراه شد. وی پس از آن که پدرش انزوا گزید، پیشکاری شاهزاده را به عهده گرفت و نظم و نظامی را که پدرش میرزا بزرگ آغاز کرده بود، با کمک مستشاران فرانسوی و انگلیسی ادامه داد و در بسیاری از جنگ های ایران و روس شرکت کرد. او که در سرودن شعر «ثنایی» تخلص می کرد، متن عهدنامه ترکمانچای را در یکم اسفند ۱۲۰۶ به خط خویش نگاشت و اگر چه این عهدنامه در میان مردم منفور است، ولی اگر همین هم به امضا نمی رسید، احتمال اینکه سرزمین های بیشتری از ایران جدا شود وجود داشت. او هم چنین مبتکر توازن واردات و صادرات بود که موجبات دشمنی فرستادگان روس و انگلیس را فراهم آورد. این دولتمرد تاریخ ساز هم چنین تألیفات زیادی دارد که منشآت، جلالیرنامه، دیباچه جهادیه کبری و جهادیه صغری و نیز دیوان اشعارش از آن جمله اند. او نثر فارسی را که در آن زمان پر از مبالغه، تملق و عبارات عربی مسجع، پیچیده و دور از ذهن بود و رو به انحطاط می رفت را به نثر فصیح و روان برگرداند و پس از ایشان، دیگران راه وی را ادامه دادند (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۸۸).



قائم مقام فراهانی، عیسی (۱۱۳۳-۱۲۰۱ خ)، فرزند میرزا محمدحسن، معروف به میرزا بزرگ، از سادات حسینی و از مردم هزاوه (اراک) بود. میرزا بزرگ از وزرای فتحعلی شاه و نخست وزیر عباس میرزا نایب السلطنه را باید طلایه دار اصلاحات نوین در ایران دانست. ایشان اهل قلم و در ابتدا کاتب اعتمادالدوله (صدراعظم) بود که نشان از توانایی وی در آن عصر دارد. از جمله کارهای او و عباس میرزا، فرستادن محصل و هنرآموز به انگلستان برای آموختن علوم و صنایع جدید است. میرزا عیسی، بانی نظام نوین در ایران شد و همه عمر به آن اهتمام ورزید و سرانجام به علت بیماری وبا درگذشت. رساله جهادیه به نام احکام الجهاد و اسباب الرشاد را از روی رساله های جهادیه



۱. ترجمه کتاب ینابیع الموده سلیمان قندوزی (۱۲۹۴-۱۲۰۰) از عالمان اهل سنت است.

۲. در تبریز به بیماری وبا درگذشت (معروف به سیدالوزراء و قائم مقام اول) و با اینکه نخست وزیر نبوده ولی در نقش وزیر عباس میرزا، اثرگذاری بیش از یک نخست وزیر را داشته است.

متعددی که علمای زمان می‌نوشتند، تحریر و تنظیم کرده و فرزند او میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام بر آن‌ها دیباچه‌ای نگاشته است. این شخصیت برجسته و تاریخ‌ساز هم‌چنین دیوان شعری به نام «اثبات‌النبوۀ الخاصه» دارد که به زبان فارسی است^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۸۸).

قائم‌مقام‌فراهانی، محمدحسین (۱۳۲۱ خ)، متولد اراک، سه سال نخست دبستان را

در تهران و قم گذراند و چهارم تا ششم را هم در دبستان دهگان اراک پشت سر نهاد و نیز سه سال نخست دبیرستان را در اراک و چهارم تا ششم متوسطه را هم در تهران خواند و وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. او در سال ۱۳۴۵ در رشته قضایی دانش‌آموخته شد و نخستین تجربه شغلی پس از سربازی را در دادگاه بروجن آغاز کرد و سپس در شهرهای مختلف تجربه آموخت. ایشان از سال ۱۳۵۰ شغل وکالت پیشه کرد و با ادامه تحصیل در رشته حقوق خصوصی دکترا گرفت و به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه به تدریس پرداخت. وی دو کتاب «ورشکستگی و تصفیه»، «بررسی مسائل کیفری و حقوقی چک» و چندین مقاله علمی را در کارنامه دارد (عزیزآبادی، ۱۴۰۲: ۱۲۳).



قائم‌مقامی، پروین (۱۳۳۵ خ)، اهل فراهان، مادر بهاره رهنما و بازیگر سینما و تلویزیون

هست که در آثار سینمایی زیادی از جمله دایره‌زنگی، زندگی شیرین، شرف خانواده فاضل و دیو و دلبر و نیز در مجموعه‌های تلویزیونی ساختمان پزشکان، مسافران، سیر و سرکه، ساخت ایران و چند اثر دیگر به‌عنوان سینماگر، ایفای نقش کرده است.



قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۲۹۷-۱۳۶۰ خ)، اهل اراک، دانش‌آموخته دانشکده افسری، متخصص اسناد

تاریخی و از نوادگان میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام و سردبیر مجله بررسی‌های تاریخی در سال ۱۳۳۶ در دومین سفر تحصیلی خود به فرانسه و رئیس کمیته تاریخ نظامی در سال ۱۳۴۴. او در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه سوربن دکترای تاریخ معاصر ایران گرفت و در سال ۱۳۵۱ برای بررسی اسناد تاریخ ایران موجود در آرشیوهای کشور پرتغال به لیسبون رفت. تحولات سیاسی نظام ایران از قرن یازدهم تا سال ۱۳۰۱، منشآت قائم‌مقام‌فراهانی (تصحیح و تحشیه)، ناسخ‌التواریخ (قسمت قاجار)، بحرین و مسائل خلیج فارس، تاریخ ارتش نوین ایران، یکصدوپنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی، اسناد تاریخی وقایع مشروطه ایران، نامه‌های ظهیرالدوله و گاهنامه تطبیقی سلطنت پادشاهان ایران و جهان برخی از آثار اوست.

قائم‌مقامی، سید محمد (۱۳۲۹ خ)، زاده اراک، استاد حوزه و دانشگاه و از خاندان بزرگ

قائم‌مقام فراهانی است که طلبگی علوم و معارف اسلامی را از اواخر دهه ۱۳۴۰ آغاز و از محضر بزرگانی مانند علامه طباطبائی، علامه جعفری، طسوجی و حضرات آیات جبل عاملی و حسینی تهرانی در حوزه‌های علمیه اصفهان، مشهد، قم و تهران استفاده کرد. حاصل



^۱. میرزا ابوالقاسم، میرزا معصوم، میرزا حسن و میرزا موسی چهار فرزند او هستند.

فعالیت ۴۰ ساله ایشان در علوم و معارف اسلامی، علاوه بر ترجمه چندین کتاب از انگلیسی به فارسی، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و مجالس درسی است که برخی از آنها ضبط شده و برخی از تألیفات این نویسنده دینی هم عبارتند از: مقالات در حکمت الهی، تأملات فی آیات المبارکات، اومانیزم پنهان و ادوار اربعه و...

قائم‌مقامی، سیدباقر (۱۳۵۷-۱۳۹۷ خ)، فرزند سیدیوسف، مترجم و نویسنده‌ای که تحصیلات خود را تا سوم متوسطه در **اراک** گذراند و علوم دینی را هم نزد عبدالحمید مدرس‌انجدانی، فرا گرفت. او سپس تحصیلات متوسطه را در رشته ادبیات در دارالفنون به‌پایان برد و از دانشگاه تهران در رشته حقوق قضائی دانش‌آموخته شد. سیدباقر، ضمن احراز برخی مشاغل و مناصب دولتی، برای سال‌ها از اعضای فعال اتاق تهران و نیز معاون دبیرکل این اتاق و سرپرست روابط عمومی آن بود. زندگانی سیاسی و مذهبی عمر بن خطاب، ترجمه سنگ‌تراش سن‌پوان، شب‌گردان مخوف و قائم‌مقام در جهان ادب و سیاست از آثار این مترجم و نویسنده است.

قائم‌مقامی، سیدعلی (۱۳۴۷ خ)، تهیه‌کننده، مدیر تولید و مجری طرح سینمای ایران از

نوادگان قائم‌مقام **فراهانی** است. از افتخارات او، دیپلم افتخار برای تهیه فیلم جشن دلتنگی از بخش تجلی اراده جشنواره فیلم فجر، لوح تقدیر از قوه قضاییه برای تهیه فیلم جشن دلتنگی، لوح سپاس از دهمین جشن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران در سال ۱۳۹۵ برای تهیه فیلم کفش‌هایم کو و ده‌ها جایزه دیگر در عرصه فیلم و سینما است. هم‌چنین نایب رئیس انجمن صنفی مدیران تولید سینما، سخن‌گوی هیأت مدیره خانه سینما، عضو هیأت مدیره و دبیر انجمن صنفی مدیران تولید سینما و نایب‌رئیس انجمن مدیران تولید سینمای ایران برخی از مسوولیت‌های اوست.



قائم‌مقامی، عالم‌تاج (۱۳۲۵-۱۳۶۱ خ)، فرزند میرزا فتح‌اله، مشهور به ژاله، ادیب و

شاعر آرمان‌گرای دوره مشروطه، نواده میرزا ابوالقاسم قائم‌مقامی **فراهانی** است. او در ۱۷ سالگی، نخستین فرزندش، حسین پژمان بختیاری را به دنیا آورد و در ۱۲۸۳ و پس از تولد دومین فرزندش، از همسر و فرزندانش جدا شد و در فراهان اقامت گزید. نخستین بیانیه‌های تساوی حقوق زنان و مردان و ابراز نارضایتی از مقام و جایگاه زن، در شعر ایشان موج می‌زند^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۸۶).



قائم‌مقامی، عبدالوهاب (۱۲۶۱ خ)، فرزند میرزا علی‌محمدخان از نوادگان میرزا عیسی است. این ادیب و نویسنده اواخر دوره قاجار آثار زیادی دارد که برخی از آنها عبارتند از: ترجمه قائم‌مقام در بیان شرح حال جدش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، تیروکمان (در فن تیراندازی و سابقه تاریخی آن از پیش از اسلام)، تاریخ

^۱ . پژمان ابتدا تحت سرپرستی پدرش بزرگ شد و با مرگ علی‌مرادخان، سرپرستی او بر عهده علی‌قلی‌خان و جعفرقلی‌خان درآمد تا آن‌که در ۲۷ سالگی به نزد مادرش بازگشت و تا پایان عمر ژاله، با وی بود.

جنگ روس و ژاپن، امثال وحکم و... (نعمی، ۱۳۸۵: ۲۶۵).

قائم مقامی، علی آقا (۱۱۹۷-۱۲۶۲ خ)، فرزند میرزا ابوالقاسم، در دوران صدارت پدر و در سن ۱۷ سالگی اسماً وزیر امور خارجه بود. پس از شهادت پدرش، همه خویشاوندان صدراعظم به جز برادرش میرزا موسی خان، به قم و اراک تبعید شدند. او تا زمان پادشاهی ناصرالدین شاه آواره بود، تا با میانجی گری میرزا آقاخان نوری بکار دعوت شد و در سال ۱۲۳۶ به سمت استیفا و بعد مستوفی خاصه (دربار) و سپس مستوفی خراسان شد. او هم چنین در سال ۱۲۶۱ به عضویت دارالشورای سلطنتی انتخاب و در سال ۱۲۶۲ هم به لقب قائم مقام (سوم) ملقب شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۰).



قائم مقامی تبریزی، سیدهادی (۱۲۸۷-۱۳۶۴ خ)، فرزند سیدمحمد، متولد تبریز و دارای اصالت **اراک**، پس از گذراندن مقدمات و سطوح عالی علمی نزد بزرگانی چون فاضل شربانی و حاج شیخ محمدحسن مامقانی، به تبریز بازگشت و در مسجد محله دشت کلات امامت و مرجعیت امور دینی مردم را عهده دار شد. سید هادی، علاوه بر کمالات معنوی و عرفانی، جامع معقول و منقول بوده و علوم عقلی و نقلی را از استادان بزرگی چون شیخ مرتضی طالقانی عارف معروف (متوفی ۱۳۲۴) و حاج سید حسین بادکوبه‌ای، آقاضیاءالدین عراقی، حاج میرزا علی ایروانی، شیخ محمدرضا آل یاسین و حاج شیخ کاظم شیرازی استفاده کرد و از ایشان اجازه اجتهاد گرفت. برخی از تألیفات این عالم دینی عبارتند از: امالی الهادی، حاشیه استدلالی بر منهاج و کتب عرفانی که همگی چاپ شده است. ایشان هم چنین، بیش از ۲۷ سال سرپرستی حوزه علمیه کاظمین را بر عهده داشته‌اند.

قائم مقامی فراهانی، سیدعلی اکبر (۱۲۳۱-۱۲۹۰ خ)، فرزند میرزا علی، در **فراهان** متولد شد و در کسب دانش کوشید تا از دانشمندان و ادبای متبحر شد. او در دوره مظفرالدین میرزا ولیعهد در تبریز کار کرد و سپس به عنوان کارگزار در وزارت امور خارجه مشغول شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۱).

قائم مقامی فراهانی، سیدعلی اکبر (۱۲۳۲ خ)، فرزند میرزا علی، از دانشمندان عصر قاجار و از خاندان قائم مقام فراهانی است که در ساروق (**اراک**) متولد شد و در کودکی با پدر به تهران رفت. او در اندک زمانی از علوم معقول و منقول بهره مند شد و با سمت نیابت وزیر در وزارت خارجه مشغول شد و پس از ۵ سال به تبریز رفت و در دستگاه ولیعهد خدمت کرد و دوباره در سال ۱۲۶۱ به تهران و وزارت خارجه بازگشت. این ادیب و شاعر که به زبان فارسی و عربی شعر می گفت و به فلسفه و سایر علوم دینی هم اشراف داشت، کتاب «جان جهان» را به تقلید از گلستان سعدی نوشت و العقدالمتنقد (در خواص اعداد)، بهارستان (مناظرات) و المنظرالاعلی (فلسفه) هم از اوست (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۳۱).

قبادی، کبری (۱۳۵۸ خ)، فرزند ترابعلی و بانو صنم، تحصیلاتش را در دبستان آبان و راهنمایی فاطمیه گذراند و از دبیرستان تزکیه **اراک** دیپلم گرفت. او سپس از مرکز علمی کاربردی صنایع دستی شهید غلامی لیسانس مدیریت حرفه‌ای گردشگری دریافت کرد. از این شاعر خوش قریحه و مربی فیروزه کوبی و گلیم‌بافی مجموعه‌هایی منتشر شده که عبارتند از: «فرشته‌ها زبان دیگری دارند» و «پاییز، مزرعه زیر کشت».



قدبیگی، علی جعفر (۱۳۳۷ خ)، فرزند پرویز و بانو نارنج، اهل هندودر (**شازند**)، دارای مدرک کاردانی مکانیک و کارشناسی MBA و از مؤسسان اصلی شرکت‌های ماشین‌کاران اراک و کوشاوران و نیز یکی از پیشروان عرصه تولید و صنعت در اراک به‌شمار می‌رود که بیش از پنج‌دهه از عمر خود را صرف فعالیت‌های تولیدی و صنعتی کرده و در این مدت هزاران شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کرده و علاوه بر آن، با آموزش و تربیت صدها متخصص و ماهر، بی‌گمان نقش مهمی در توسعه صنعت این شهر ایفا کرده است. این صنعتگر نمونه و **چهره ماندگار** صنعت، در عرصه نیکوکاری هم فرد شناخته شده‌ای است و در حال حاضر مدیرعامل شرکت ماشین‌کاران اراک، رئیس هیأت مدیره کوشاوران، مدیرعامل شرکت توسعه مجموعه‌های همسازان، رئیس انجمن قطعه سازان خودرو استان و رئیس هیأت امنای شهرک صنعتی قطب اراک است.



قدبیگی، علی اصغر (۱۳۳۸ خ)، فرزند پرویز و بانو نارنج، اهل هندودر (**شازند**)، دوران ابتدایی را در همین روستا گذراند و از تهران دیپلم گرفت و سپس در گیلان فوق‌دیپلم مکانیک دریافت کرد. این کارآفرین، فعالیت خود را از سال ۱۳۴۹ در زمینه تعمیرات و بازسازی قطعات خودرو در تهران آغاز و در سال ۱۳۵۶ یک کارگاه تراشکاری در اراک دایر



کرد. وی مجوز دومین کارگاه تراشکاری خود برای تولید قطعات خودرو و قطعات جنگ‌افزارهای نظامی برای صنایع دفاعی در دوران جنگ تحمیلی را نیز اخذ کرد. او در سال ۱۳۶۴ به‌اتفاق برادرانش شرکت ماشین‌کاران اراک که امروز یکی از برترین تولیدکنندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو است را تأسیس کرد و در سال ۱۳۶۸ با شرکت‌های خودروساز جهت ساخت قطعات خودرو وارد همکاری شد. ایشان در سال ۱۳۷۹ و به‌منظور تولید انواع کمک‌فنر گازی و روغنی خودرو، اقدام به تأسیس شرکت کوشاوران کرد و تا سال ۱۳۸۲ کارخانه مذکور به بهره‌برداری رسید و امروز با بیش از ۶۰۰ نفر پرسنل در این دو شرکت بالنده در خدمت صنعت و سازندگی کشور است.

قدس، مریم (۱۳۶۷ خ)، در **محلات** دیپلم گرفت و با جدیت شروع به نقاشی کرد و به دلیل موفقیت در رشته هنر، عضو افتخاری هنرهای تجسمی شهرستان محلات شد و نمایشگاه‌های بسیاری در سطح شهر برپا کرد. او سال‌ها به آموزش نقاشی و دکوپاژ پرداخت و بازی با رنگ‌ها ایشان را با قالی، این هنر صنعت خلاق آشنا کرد و طرح‌های نفیس و اصیل ایرانی را به عرصه نمایش گذاشت. ایشان در سال ۱۳۹۵ در رشته حقوق دانشگاه پیام‌نور به تحصیل پرداخت و در دوران دانشجویی با مجلات استان مرکزی به همکاری پرداخت و در المپiad کشوری نیز حائز رتبه شد. «فطرت خود را دریاب» و «ما در زمین گم شده‌ایم» دو اثر نوشتاری اوست.



قدس شریفی تفرشی، سیدحسین (۱۳۷۰ خ)، فرزند سیدتقی مستوفی و ملقب به فهیم‌السلطان از عالمان عصر قاجار و پهلوی است و اثری دارد به نام «التصوف» به زبان فارسی که در موضوع بیان تصوف حقیقی و انتقاد اعمال مدعیان تصوف، مرشدان و دراویش به چاپ رسیده است (نعمی، ۱۳۸۵: ۳۵۶).
قدسی تفرشی، محمد (درگذشته ۹۶۳ خ)، فرزند میرمحمدحسین، از شعرای قرن دهم هجری، از سادات رفیع‌الدرجات این سرزمین بوده و به وفور فضیلت و حدت طبع شهرت داشته و اشعار نیکو می‌سروده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۱).

قدمگاهی، اسماعیل (۱۳۱۱-۱۴۰۰ خ)، فرزند عربعلی و بانو فاطمه، اهل **اراک**، از نوجوانی به سمت ورزش وزنه‌برداری رفت و به عضویت تیم ملی وزنه‌برداری درآمد. هم‌زمان در آموزش و پرورش هم دبیر ورزش بود. او به‌خاطر تأسیس مدرسه راهنمایی کورش کبیر در خیابان تفرش^۱، افتخار مدیر نمونه کشوری نصیبش شد. ایشان هم‌چنین نخستین مدال قهرمانی را در پانزده‌سالگی به دست آورد و پس از آن بیش از سی مدال گرفت و در چهار دوره مسابقات وزنه‌برداری بین‌المللی پیش‌کسوتان جهان شرکت کرد و چهار مدال نقره جهانی کسب کرد. آخرین مدالش را که قهرمانی جهان و المپیک بود، در سال ۲۰۱۳ و در سن ۸۲ سالگی در کشور ایتالیا همراه با رکوردشکنی به میزان پنج کیلوگرم کسب کرد. این قهرمان خوشنام و پدر وزنه‌برداری استان مرکزی در تیرماه ۱۴۰۰ در قطعه نام‌آوران اراک آرامید.



قدوه، فخرالزمان (۱۲۸۸ خ)، مشهور به **فخر اراکی**، فرزند محمد (میرزاابا)، مسلط به زبان عربی و فرانسه بود. این شاعر تا سال ۱۳۳۵ حدود چهار هزار بیت شعر داشت و در سرودن از سبک پیشینیان پیروی کرده و آثار خیام و حافظ را دوست می‌داشته است. حاج ملامحمد کزازی نیای پدری و ملااحمد نراقی، نیای مادری اوست (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۳۳).

^۱ یک محله محروم در سال ۱۳۵۴.

قدوه، محمدرضا (۱۲۹۱ خ)، فرزند میرزا آقا و بانو مرصع، متولد اراک، مقدمات علوم را در حوزه فرا گرفت و سپس وارد دانشسرای عالی تهران شد و با همشهری دیگرش تقی مکی‌نژاد به محفل دکتر تقی ارانی راه یافت. این کنشگر سیاسی و عضو حزب توده و یکی از اعضای گروه ۵۳ نفر، در سال ۱۳۱۶ دستگیر و در شهریور ۱۳۲۰ به اتفاق سایر زندانیان مورد عفو قرار گرفت و در کنگره دوم حزب در سال ۱۳۲۷ به‌عنوان مشاور کمیته مرکزی انتخاب شد. وی یکی از مؤسسان جمعیت مبارزه با استعمار بود که در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با دکتر مصدق ملاقات کرد. قدوه سپس از ایران رفت و در مجارستان به مبارزاتش ادامه داد و در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و پس از مدتی به آلمان رفت و ماندگار شد (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

قراگوزلو هلال‌جلو، احمد (۱۲۵۵-۱۳۳۷ خ)، ملقب به شجاع‌لشکر، فرزند شفیع، در



روستای کوره تفرش متولد شد و در مکتب‌خانه نزد میرزاهای جفتان و نقوسان کسب علم کرد. وی پس از اثبات توانمندی‌هایش در قشون، به سمت نایب حکومت رودبار تفرش و رزق‌چای و بلوکات ساوه رسید. او هم‌چنین به‌عنوان فرمانده در جنگ مقابل قشون روس جنگید و از حمله روس‌ها به منطقه تفرش و ساوه جلوگیری کرد. این سردار نظامی، علاوه بر شجاعت و رشادت در جنگ، در کارهای خیر هم پیشگام بود و از مهمترین خدمات این نیکوکار تفرشی، می‌توان به احداث بیمارستان ۱۲ تختخوابی، ساخت مدرسه، احداث بند کشاورزی، جاده‌سازی، حفر قنوات، ساخت پل طریزآباد، مسجد نوبهار، شترخانه و اصطبل‌های اسب و آب‌انبار کریمان اشاره کرد. قلعه‌های روستاهای کوره، قراجه‌قیه، فرکاز و نیز عمارت و قلعه شجاع‌لشکر^۱ در روستای نوبهار رودبار تفرش، از یادگارهای اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۷).

قرایی‌آشتیانی، محمدرضا (۱۳۳۹ خ)، در سال ۱۳۵۸ وارد دانشکده افسری شد و پس



از طی دوره مقدماتی در مرکز پیاده شیراز، دوره‌های ویژه را در لشکر ۲۳ تکاور گذراند و در سال ۱۳۶۳ فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش و مأمور آموزش دانشجویان افسری دانشگاه امام علی شد. قرایی در طول دوران دفاع مقدس رده‌های فرماندهی را پشت سر نهاد و سپس کارشناسی‌ارشد امور دفاعی را در دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش و دکتری مدیریت دفاعی را از دانشگاه عالی دفاع ملی دریافت کرد. او از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ به‌عنوان جانشین فرمانده نیروی زمینی و سپس تا سال ۱۳۸۷ جانشین فرمانده کل ارتش بود و در سال ۱۳۸۷ به‌ستادکل نیروهای مسلح منتقل شد و تا سال ۱۳۹۲ ریاست گروه مدیریت راهبردی و منابع انسانی ستادکل و سپس به‌عنوان معاون طرح و برنامه رئیس ستادکل نیروهای مسلح فعالیت کرد. قرایی‌آشتیانی از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ وزیر دفاع بود.

^۱. عمارت و قلعه شجاع لشکر در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

قرایی گرکانی، مرتضی (۱۳۳۷ خ)، دارای فوق دیپلم عمران (اسکلت‌های فلزی) و کارشناسی الهیات گرایش فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران و ارشد تربیت مدرس و دکترای فلسفه غرب از دانشگاه علامه طباطبائی است. «راسل و مسأله معرفت» و «آشنایی با فلسفه تحلیلی» برخی از آثار مکتوب این نویسنده دانشگاهی و عضو هیأت علمی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی و دایره المعارف بزرگ اسلامی است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹ : ۳۴۰).

قربان حسینی ساوجی، ابوالقاسم (۱۲۹۵-۱۳۷۷ خ)، فرزند ملا عبدالحسین^۱ اهل روستای سیلچرد (ساوه)، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر آموخت و پس از خدمت سربازی، ابتدا در ورامین به استخدام بنگاه کشاورزی درآمد و در سال ۱۳۳۵ به اداره کشاورزی ساوه منتقل شد. او هم‌زمان به تحصیلاتش ادامه داد و دیپلم گرفت و چون دارای طبع شعر بود، ضمن مداحی و تعزیه‌خوانی، شعر هم می‌سرود. این شاعر متخلص به «حسینی» بیشتر، اشعار مذهبی می‌سرود (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۷۶۴).

قربانی، علیرضا (۱۳۵۱ خ)، اصالتاً اهل روستای زیبای جاسب (**دلجان**)، هم‌زمان با تحصیلات و از دوران کودکی به مدت چندین سال به فراگیری قرائت قرآن نزد استادان مختلف پرداخت، به‌طوری‌که حتی در دوران دانشجویی به مقام دوم مسابقات دانشجویی کشور در رشته قرائت نایل آمد. او از سال ۱۳۶۳ به‌طور جدی به فراگیری ردیف آوازی، تلفیق شعر و موسیقی، بینش و زیبایی‌شناسی در آواز ایران پرداخت. او که کارشناسی بیولوژی از دانشگاه دانشگاه شهیدبهشتی دارد، در زمینه موسیقی از استادانی چون خسرو سلطانی، بهروز عابدینی، مهدی فلاح، حسین عمومی، احمد ابراهیمی و نورالدین رضوی سروستانی بهره‌مند شد. علیرضا قربانی فعالیت حرفه‌ای خود را به‌عنوان خواننده موسیقی سنتی ایرانی از اواسط دهه ۱۳۷۰ آغاز کرد و از سال ۱۳۷۸ به‌عنوان خواننده ارکستر ملی ایران به رهبری فرهاد فخرالدینی به اجرای برنامه‌های متعدد هنری در داخل و خارج از کشور پرداخت. آلبوم پرآوازه رسوای زمانه، حریق خزان، اشتیاق فروغ و با من بخوان اثر ماندگار اوست (پایگاه خبری دلجان).



قرشی ساوجی، حسین (قرن ۱۱)، پدر محمد (نظام‌الدین) و جد محمدحسن و نیای ملا صالح، عالم دینی و از نزدیکان خاص شیخ بهایی بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۳۲۶).

قرشی ساوجی، محمد (قرن ۱۱)، فرزند حسین، ملقب به نظام‌الدین ساوجی، پدر محمدحسن و جد ملا صالح، عالم فاضل و فقیه محدث که به سفارش پدر شاگردی شیخ‌بهای کرد و در مسافرت‌ها همراه و صاحب استاد بود. این عالم دینی از سرآمدان زمان در علوم متداول فقه و اصول، حدیث، رجال، کلام و ریاضی بود و در دربار شاه‌عباس، مقامی شامخ و مرتبتی عالی داشت. به دستور شاه، کتاب جامع عباسی را

^۱. ملا عبدالحسین و پدرش حاجی قربانعلی در امر آموزش قرآن، احکام دین و سوادآموزی سیلچرد اهتمام داشته‌اند.

که شیخ بهایی در زمان حیات خود فقط ۵ باب آن را نوشته بود، با افزودن ۱۵ باب به پایان برد و از دیگر نوشته‌های نظام‌الدین ساوجی که بالغ بر ۱۰ عنوان است می‌توان تحفه عباسی، الصحیح‌العباسی، کتاب جنگ (تحفه‌الصالحین)، کتاب داروها و... را نام برد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۱۳).

قرشی‌ساوجی، محمدصالح (۱۲۸۰ خ)، فرزند محمدمحسن (نظام‌الدین قرشی)، فقیه، محدث و از علمای امامیه دوره شاه‌سلطان حسین صفوی و شاگرد شیخ بهایی بوده است. این عالم دینی به دو زبان عربی و فارسی تسلط داشته و تألیفاتی دارد که عبارتند از: الحدیده‌الحسینیة، الدرہ‌العلویة و مقمعه حسینیة (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۷۹).

قره‌داغی، اکبر (۱۳۲۳ خ)، دانش‌آموخته زبان‌وادیات فارسی از دانشگاه اراک است و نیم قرن تجربه در زمینه تدریس ادبیات فارسی در مقاطع مختلف دارد. هول حادثه، نه حول فاجعه (مجموعه داستان)، حکم حکیم توس، یاد شعرهای شیرین دبستان، یاد داستان‌های دل‌انگیز دبستان، سلام‌پخته و شلغم‌پخته (هر دو مجموعه داستان) از آثار این نویسنده معاصر است.

قره‌سرتیپ، محمدحسن (درگذشته ۱۳۳۸ خ)، فرزند منصورخان و از نوادگان حاج طاهر شهوهای (اراک)، سردار نظامی و فرمانده فوج فراهان بوده و در قیام سالار، مسأله خراسان و جنگ با ترکمانان مرو و بویژه جنگ هرات شرکت داشته و در همه این نبردها نام نیکی از خود برجای نهاده و جان پاکش را فدای میهن کرده و به شهادت رسیده است^۱ (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۳۷).

قره‌سرتیپ‌فراهانی، منصور (درگذشته ۱۳۳۱ خ)، فرزند طاهر شهوهای (اراک)، در دوران عباس‌میرزا، فرمانده کشیک‌خانه سلطنتی بود و در جنگ‌های خراسان، بختیاری، آذربایجان و خرمشهر شرکت کرده و به‌عنوان سردار نظامی، فرمانده تیپ فراهان بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۷۶).

قریب‌گرکانی، عبدالعظیم (۱۲۵۷-۱۳۴۴ خ)، فرزند میرزا علی سررشته‌دار گرکانی (آشتیان)، در سال ۱۲۷۲ با خانواده به تهران رفت و در دارالفنون زبان فرانسه آموخت و نزد استادانی چون میرزا طاهر تنکابنی صرف‌ونحو، ادبیات و فقه و اصول را فرا گرفت. او در سال ۱۲۷۸ در مدرسه علمیه مشغول به تدریس شد. وی هم‌چنین ۵ سال معلم خصوصی محمدرضا پهلوی بود. نشان درجه دو همایونی به‌مناسبت پنجاهمین سال تدریس در سال ۱۳۲۶، نشان طلای علمی از طرف وزارت معارف در سال ۱۳۲۸، نشان درجه یک علمی و نیز نشان شیرخورشید از دیگر افتخارات ایشان است. استاد عبدالعظیم قریب که به **پدر** دستور زبان فارسی مشهورند، آثاری دارد که از آن جمله‌اند: چهار دوره دستور زبان فارسی، ۶ جلدی فرایدا‌لادب‌وبدایه‌الادب، سخنان شیوا برای مؤسسه وعظ



^۱ طوطیه خانم فرزند اوست.

و خطابه، گنج هنر برای تدریس در دبیرستان‌ها، تاریخ شعرا در ۶ جلد، پنج استاد، تصحیح بوستان، تصحیح کلیله و دمنه بهرام شاهی، تصحیح و چاپ تاریخ برامکه و بسیاری دیگر (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۳).

قریب گرکانی، عبدالکریم (۱۲۹۱-۱۳۸۱ خ)، فرزند میرزا مصطفی خان، از مدرسه علمیه



تهران دیپلم، در سال ۱۳۱۷ از دانشسرای عالی، لیسانس و در سال ۱۳۳۲ با راهنمایی پروفسور ریموند فورون از دانشگاه تهران دکترا گرفت. او که از سال ۱۳۱۷ تدریس را به عنوان دبیر از دبیرستان‌های اهواز آغاز کرده بود، در تهران ادامه داد و به استادی دانشگاه تهران رسید. دکتر قریب در سال ۱۳۴۸ با رتبه استادی، ۴۰ سال تدریس، تألیف و ترجمه بیش از ۴۰ عنوان کتاب و ۳۰۰ مقاله علمی بازنشست شد. عضویت در انجمن کانی‌شناسی و بلورشناسی فرانسه، نماینده سازمان انرژی اتمی در کمیته غارشناسی ایران، عضو کمیسیون نام‌ها و اصطلاحات و پژوهش‌های جغرافیایی نیروهای مسلح برخی از سوابق اوست. بلورشناسی-کانی‌شناسی (کانی‌های جزیره هرمز)، اصول علم کانی، فرهنگ زمین‌شناسی، واژه‌های زمین‌شناسی و سنگ‌شناسی برخی از آثار مکتوب ایشان است. بنیانگذار دانشگاه اراک و پدر علم زمین‌شناسی ایران که رشته زمین‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، گروه زمین‌شناسی دانشگاه خوارزمی، دانشگاه کاشان و غارشناسی و غارنوردی ایران یادگار اوست، در دانشگاه آزاد آشتیان آرمیده است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۲۹۷).

قریب گرکانی، فخرالزمان (۱۳۰۴-۱۳۷۸ خ)، فرزند ضیاءالدین، پس از کسب علوم و گذراندن دروس

مرتبط، به‌دبیری روی آورد و ۳۰ سال دبیر بود. او در سال ۱۳۷۶ مؤسسه فرهنگی و خیریه فخر قریب را تأسیس کرد و از خدمات ایشان می‌توان به تعمیرات مدارس گرکان، زیرسازی ورزشگاه در حال احداث گرکان و کمک به مؤسسات خیریه نام برد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۸).

قریب گرکانی، محمد (۱۲۲۴-۱۳۰۵ خ)، فرزند میرزا مصطفی، پس از تحصیلات قدیمه در مدارس

نوبین دیپلم و در رشته ادبیات لیسانس گرفت. برگ‌های زرین، برگزیده‌ای از بهترین آثار اجتماعی، ادبی و تربیتی شاعران و نویسندگان و نیز ترجمه «مقدمات صافی» برخی از آثار این نویسنده آشتیانی است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۱).

قریب گرکانی، محمد (۱۲۸۸-۱۳۵۳ خ)، فرزند میرزا علی اصغر، تحصیلات ابتدایی را در



مدرسه سیروس و متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی گذراند. او در سال ۱۳۱۶ از رساله خود به‌نام «وقفه‌های تنفسی شیرخواران» دفاع کرد و با رتبه ممتاز از دانشگاه پاریس دیپلم پزشکی گرفت. او سال ۱۳۴۹، مرکز طب کودکان را تأسیس کرد. استاد ممتاز دانشگاه تهران، بنیان‌گذار کرسی کودکان در دانشکده پزشکی و پدر طب کودکان ایران، مدرس انجمن پزشکان کودکان از سوابق اجرایی دکتر محمد قریب است. از تألیفات این طبیب نویسنده می‌توان به کتاب «مسائل و مشکلات طب کودکان» و «من متهم می‌کنم» اشاره کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۶).



قریب‌گرکانی، محمدحسین (۱۲۲۴-۱۳۰۵ خ)، مشهور به دو لقب شمس‌العلماء و جناب

و نیز متخلص به «ربانی»، دروس مقدماتی را در گرکان (آشتیان) آموخت و سپس در قم مراتب فقه و اصول را گذراند و در نجف و سامرا از محضر آیات محمدحسن شیرازی، میرزا حسین و میرزا خلیل بهره جست و در تهران نیز محضر میرزا محمدحسن آشتیانی و کلانتری تهرانی صاحب شفاء‌الصدور را درک کرد. او هم‌چنین ده سال در هند مشغول تدریس و تعلیم فرزندان آقاخان محلاتی بود و سپس ریاست مدرسه علمیه تهران را عهده‌دار شد و یک مدرسه برای کودکان تهی‌دست تأسیس کرد. از آثار قلمی این عالم دینی می‌توان ابداع‌البدایع، امالی، رساله اصول، رساله تیمم، حواشی روضه، لطایف‌الحکم (۳ جلد)، دیوان اشعار و ده‌ها اثر دیگر را نام برد (محتاط، ۱۳۷۲: ۸۴).

قریب‌گرکانی، مرتضی (۱۳۳۱ خ)، فرزند محمد، نوه میرزا مخم‌الملک در سال ۱۳۵۳ با دریافت

مهندسی مکانیک از دانشگاه تهران و فوق‌لیسانس از دانشگاه سیراکیوز و دکترای هوانوردی از دانشگاه کلتک کالیفرنیا در سال ۱۳۶۲، به‌عنوان پژوهشگر انستیتو تکنولوژی و عضو هیأت علمی مهندسی مکانیک همین دانشگاه مشغول به تدریس شد. او که معاون تحقیقات هانس‌لیپمن و هوانوردی و مهندسی پزشکی زیستی در مؤسسه فناوری کالیفرنیاست، در زمینه کنترل جریان دینامیک سیالات قلبی عروقی تخصص دارد. او به‌عنوان دانشمند عضو آکادمی ملی مهندسی آمریکا، فرهنگستان هنر و علوم آمریکا و آکادمی ملی مخترعین، انجمن آمریکایی پیشرفت علم، انجمن فیزیک، انجمن تست مواد، آکادمی مهندسی بین‌المللی و مهندسی پزشکی به پژوهش و فعالیت علمی مشغول است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۲۹).

قریب‌گرکانی، مصطفی (۱۳۱۲ خ)، فرزند غلامعلی خان قهاری، اهل روستای گرکان (آشتیان)، روزنامه

نگاری را از کیهان شروع کرد و ده‌ها سال سردبیر کل اخبار بین‌الملل خبرگزاری پارس و نخستین سردبیر اخبار خارجی تلویزیون دولتی ایران بود. از آثار او می‌توان به تولد امپریالیسم (۳ جلد)، ترجمه کتاب «سیطره جهانی»^۱، «رباخواران سرگذشت بانکداری در جهانی خطرخیز»، «از مدیریت تا رهبری» و ده‌ها اثر دیگر اشاره کرد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۳۴۰).

قریب‌گرکانی، مهدی (۱۳۲۲ خ)، فرزند حسین و مشهور به «مزدآ» پس از تحصیلات مقدماتی، سطوح

دانشگاهی را تا کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی گذراند و در بنیاد شاهنامه‌پژوهی مشغول بکار شد. از وی مقالات متعددی در مجلات یغما، سخن، آدینه، چیستا، هیرمند و نیز راهنمای کتاب به‌چاپ رسیده و از تألیفات او می‌توان به انتشار ۳ عنوان از یادداشت‌های استاد مینوی، داستان بیژن و مینوزه، شاهنامه و تصحیح شاهنامه بر اساس نسخ موزه بریتانیا در دو جلد اشاره کرد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۴۲).

^۱. اثر ریچارد بارت و رونالد مولر



قریب‌گرانی آشتیانی، بدرالزمان (۱۳۰۸-۱۳۹۹ خ)، فرزند ضیاءالدین و نوه شمس

العلما آشتیانی، پس از دریافت دیپلم ادبی وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان‌وادبیات فارسی با کسب رتبه نخست لیسانس گرفت و وارد دوره دکترا شد. این بانوی دانشمند، پس از یک‌سال در دانشگاه پنسلوانیا ادامه تحصیل داد و زبان‌های ایران باستان، میانه و آواشناسی، هندواروپایی و فارسی باستان را فراگرفت. او در سال ۱۳۴۰ وارد دانشگاه برکلی شد و نخستین زن ایرانی است که توانست خط میخی را بخواند. عضو پیوسته فرهنگستان زبان‌وادبیات فارسی، مدیر گروه گویش‌شناسی و مدیرگروه زبان‌های ایرانی از سوابق اوست. این **چهره‌ماندگار** سال ۱۳۸۱ در شعر، «بدری» تخلص می‌کرد و از آثار وی می‌توان به بلبل سغدی، رستم در روایات سغدی، طلسم باران در سغدی، کشف کتیبه پهلوی در چین، زبان‌های خاموش و چند اثر دیگر اشاره کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۳۶).

قریب‌گرانی آشتیانی، تقی (زندگی ۱۲۹۰ خ)، فرزند محمدعلی سررشته‌دار، اهل آشتیان، در سال ۱۲۹۰ لشکرنویس فوج کاشان بود. او از قریحه و ذوق شعری بهره داشت و به‌عنوان شاعر «تقی» تخلص می‌کرد. غلامحسین قریب‌گرانی نویسنده و موسیقی‌دان معاصر فرزند اوست (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۲).

قریب‌گرانی آشتیانی، حسین (۱۳۱۸ خ)، فرزند محمد، پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۳۷ برای ادامه تحصیل به‌امریکا رفت و در سال ۱۳۴۵ از دانشگاه میشیگان دکترای پزشکی گرفت و دوره تخصصی و فوق‌تخصص خود را در رشته بیماری‌های اندوکرینولوژی^۱ در مدرسه عالی مایو گذراند. بیش از ۲۰۰ مقاله علمی در حوزه‌های تخصصی منتشر کرده و ریاست انجمن اندوکرینولوژی آمریکا از سوابق اجرایی این دانشمند آشتیانی است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۳).

قریب‌گرانی آشتیانی، ضیاءالدین (۱۲۷۰-۱۳۶۵ خ)، فرزند محمدحسین ربانی‌گرانی (شمس‌العلما)، از مترجمان سده چهاردهم، تحصیلات متوسطه را در مدرسه علوم سیاسی گذراند و از دانشکده حقوق دانش‌آموخته شد. ضیاءالدین مشاغل چو رایشی سفارت ایران در پاریس، معاونت اداره حقوقی در وزارت دارایی، رایشی سفارت ایران در قاهره و نیز ریاست اداره اول و پنجم سیاسی را در مرکز داشته است. از وی به‌عنوان مترجم آثاری به‌جای مانده که برخی از آنها عبارتند از: بنده فراری، تاریخ سرگذشت بزرگترین سلاطین هخامنشی ایران «سیروس یا کورش کبیر»^۲ و... (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۷۸).

قریب‌گرانی آشتیانی، عبدالجواد (۱۲۶۸ خ)، فرزند محمدحسین ربانی‌گرانی (شمس‌العلما) در همدان متولد شد و تحصیلات متوسطه را در مدرسه علمیه و دارالفنون گذراند. سرتیپ قریب‌گرانی بعد از دانش‌آموختگی در مدرسه سیاسی، مشاغل چو مترجمی زبان فرانسه در وزارت خارجه، دبیری مدرسه آلمانی،

^۱ Endocrinology، یا غدد درون‌ریز

^۲ اثر گزنفون

معاونت دارالترجمه وزارت خارجه، کارگزاری خوزستان، ریاست ستاد لشکر غرب، ریاست دفتر وزارت خارجه، بازرسی مالی و دادستانی ارتش را بر عهده داشت. برخی از آثار مکتوب او عبارتند از: «طلوع آفتاب در اندلس» و «غروب آفتاب در اندلس» (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۱۹۲).

قریب‌گرکانی‌آشتیانی، غلامحسین (۱۳۰۲-۱۳۸۲ خ)، فرزند میرزا تقی‌خان سررشته‌دار، در سال ۱۳۱۸ به هنرستان موسیقی رفت. او در سال ۱۳۳۵ برای تحصیل و تحقیق در مورد سازهای بادی به ایتالیا، آلمان و فرانسه سفر کرد و در سال ۱۳۳۸ به ریاست کنسراتور آزاد موسیقی انتخاب شد. وی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۱ تدریس موسیقی و نوازندگی کلارینت و ساکسیفون در کنسراتور ایران و همچنین در مدرسه هنر و ادبیات صداوسیما را بر عهده داشت. از آثار ایشان می‌توان به داستان ساریان، انتشار پنج شماره مجله خروس جنگی، انتشار مجموعه شعر و نثر شکست و حماسه، انتشار مجموعه داستان خون مهر و تأسیس انجمن ادبی و هنری خروس جنگی اشاره کرد.

قریب‌گرکانی‌آشتیانی، فرهاد (۱۳۲۶ خ)، فرزند عبدالکریم، پس از پایان دبیرستان و دانشسرای عالی تربیت معلم، در سال ۱۳۵۰ زمین‌شناسی خواند و پس از دریافت لیسانس مشغول تدریس شد. او در سال ۱۳۶۸ با دریافت کارشناسی ارشد به عضویت هیأت علمی دانشگاه آزاد درآمد. غارشناسی، غارشناسی و غار نوردی، لومولیت‌ها، نمک‌ها در روسیه، الماس و بیواستراتیگرافی^۱ کوه میراب در شرق گرکان از آثار مکتوب این نویسنده دانشگاهی است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۸).

قریب‌گرکانی‌آشتیانی، فضل‌اله (۱۲۹۵-۱۳۶۰)، فرزند میرزا محمدتقی مجتهد، از خاندان قریب آشتیانی، در تهران به دنیا آمد و پس از دریافت دیپلم در سال ۱۳۱۴، در دانشسرای عالی زبان و ادبیات فرانسه خواند و پس از دریافت لیسانس در وزارت دارایی استخدام شد. عضو هیأت مدیره شرکت شیلات ایران و مدیرکل وزارت دارایی از سوابق اوست که با زبان فرانسه، انگلیسی، آلمانی و عربی آشنا بود. این شاعر گرکانی در شعر «به‌ری»، «شمیده» و «صالح» تخلص می‌کرد و مجموع اشعار وی در سال ۱۳۲۳ با نام موج منتشر شد. رساله مجدی، تهمت شاعری و تابوت از آثار دیگر اوست (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴۲).

قریب‌گرکانی‌آشتیانی، محمدعلی (قرن...)، فرزند میرزا عبدالعظیم صاحب ترجمه «شرح زندگانی ائمه اطهار» را به سبک شاهنامه فردوسی به نظم کشیده که حدود بیست‌هزار بیت است و دیوانی به خط خود شاعر می‌باشد (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۶).

قریب‌گرکانی‌آشتیانی، یحیی (زندگی ۱۳۳۰ خ)، فرزند عبدالعظیم، تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی ادامه داد و در سال ۱۳۳۰ زیر نظر بدیع‌الزمان فروزانفر از رساله خود دفاع کرد. او مدتی در

^۱. شاخه‌ای از دانش زمین‌شناسی مربوط به جدایش واحدهای سنگی به کمک مطالعه سنگواره‌های موجود در دل آنهاست.

دانشگاه تهران تدریس کرد و سپس به فرانسه رفت. برخی از آثار این نویسنده آشتیانی عبارتند از: اشکهای ایرا، رمان تاریخی یعقوب لیث، رمان تاریخی خون سیاوش و تصحیح کتاب سلم السماوات کازرونی (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹ : ۳۴۳).

قریشی، سیده شهپر (۱۳۲۱ خ)، فرزند سید هاشم و بانو رقیه در اراک متولد شد و دوره های دبستان و دبیرستان را در مدارس رازی و ایراندخت گذراند و به عنوان نخستین بانوی اراکی وارد دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران شد و پس از پایان تحصیلاتش در سال ۱۳۴۵ به اراک بازگشت و در بیمارستان پهلوی (ولی عصر امروز) مشغول شد و پس از مدتی به تهران مهاجرت کرد (ذبیحی، ۱۳۸۵ : ۳۸۸).



قریشی، سیدیحیی (۱۲۸۷-۱۳۷۱ خ)، نامی آشنا برای مردم اراک است به خصوص مردمی که در ۸ دهه فعالیت این عطاری، دردشان با دارو و درمان او یا پسرش آرام گرفته است. این عطاری در سال ۱۳۲۰ توسط سیدیحیی قریشی در ابتدای خیابان ملک دایر شد. سیدیحیی ۵۱ سال بر حسب تجربه و مطالعه کتب و نسخه حکمای طب سنتی به عنوان طبیب، در میان مردم به مداوای بیماران پرداخت و سرانجام در ۸۴ سالگی چشم از جهان فرو بست. پس از او تنها فرزندش، سید محمد (۱۳۰۶-۱۳۹۹ خ) که سال ها در کنار پدر شاگردی کرده بود، حرفه او را به مدت ۴۹ سال ادامه داد. پس از فوت این دومین نسل سیدیحیی، فرزندانش سیداحمد و سیدمهدی چراغ این عطاری را به وصیت پدر روشن نگه داشته و مردم هنوز عطاری او را به نام سیدیحیی می شناسند و او را با نام پدر خطاب می کنند.



قزلباش، محمدرضا (۱۳۲۹ خ)، فرزند نبی و بانو عالیه، تحصیلاتش را در دبستان امیرکبیر اراک گذراند و از دبیرستان محمدرضا شاه (میدان ارگ) دیپلم گرفت. او سپس از مدرسه عالی علوم اقتصادی و اجتماعی قزوین لیسانس اقتصاد گرفت و وارد بازار کار شد و شرکت خدمات ماشین آلات و جرثقیل امیرکبیر اروند را در سال ۱۳۴۷ بنیان نهاد. این شرکت با داشتن بیش از ۲۰۰ نفر پرسنل در زمینه مهندسی نصب و باربرداری، پروژه های سنگین بسیاری در سراسر کشور از جمله نیروگاه ها، پالایشگاه های نفت و گاز، شرکتهای پتروشیمی، کارخانه های سیمان و سازه های دریایی اجرا کرده و ضمن داشتن جرثقیلهایی با ظرفیت ۱۰ تا ۱۰۰۰ تن و تمام تجهیزات تخصصی جانبی در پنج سال اخیر و به استناد اعلام مجله معتبر INTERNATIONAL CRANES AND SPECIALIZE TRANSPORT، تنها شرکت ایرانی فعال در حوزه جرثقیل در بین ۱۰۰ شرکت برتر دنیا بوده است. این کارآفرین و نیکوکار برجسته همچنین تأسیس بزرگترین هنرستان کشور به نام هنرستان امیرکبیر در زمینی به مساحت ۲۸۰۰۰ متر مربع با زیربنای ۵۰۰۰ متر را در اراک بنا کرده و نیز راه اندازی



رشته اپراتوری جرثقیل برای نخستین بار در ایران با همکاری آموزش و پرورش در سال ۱۴۰۲ و همچنین تأسیس دو سالن برای کودکان معلول جسمی و ذهنی اراک را هم در کارنامه دارد.

قزلباش، مرتضی (۱۳۴۳ خ)، فرزند نبی و بانو عالییه، متولد اراک، پدر ایشان از دهه ۱۳۴۰ خورشیدی در صنعت جرثقیل و خدمات وابسته فعال بوده و بالطبع فرزندان وی هم دنباله‌رو پدر بوده و مرتضی یکی از بنیان‌گذاران صنعت Heavy Lift در کشور است و در سال ۱۳۷۰ مدیرعامل مجموعه ایمن کار بوده و در حال حاضر مدیرعامل شرکت روزافزون می‌باشد که در مجموعه تحت مدیریت ایشان بیش از ۳۵۰ نفر مشغول به فعالیت هستند. همچنین نامبرده از نیکوکاران نامدار استان مرکزی است که تأسیس مرکز توانبخشی معلولین حاجی‌آباد اراک و ساخت مجموعه آموزشی با متراژ ۱۸۰۰ متر مربع با نام دبیرستان روزافزون اشاره کرد.



قزوینی بسطامی، محمود (درگذشته ۱۳۳۲ خ)، از بازرگانان مشهور اراک که در زمینه شکسته بندی هم مهارت بسیار داشت. در هر موقع از شبانه‌روز، بیماران را با کمال خوش‌رویی و به‌صورت مجانی معالجه می‌کرد که این اخلاق نیک و هنر ارزنده را به فرزند خود علی محمد (۱۳۰۱-۱۳۸۰) به‌یادگار نهاد و این کار توسط او هم ادامه یافت و عروس علیمحمد، بانو مرضیه هم مهارت شکسته‌بندی را از ایشان آموخت و بیماران را معالجه می‌کرد و هم اکنون فرزند مرضیه یعنی حسین بسطامی این حرفه را در پیش گرفته است. **قسیمی، غلامحسین** (۱۳۰۰ خ)، فرزند محمدحسین، از شعرای معاصر خمین و از مرثیه‌سرایان ائمه و نیز فعال هیأت ابوالفضل خمین است که دیوان اشعارش به نام «نیش‌ها و نوش‌ها» در سال ۱۳۶۴ به چاپ رسیده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۱۳).

قسیمی، محمدعلی (۱۳۰۰-۱۳۷۷ خ)، فرزند اکبر، در خمین متولد شد و دوران ابتدایی و متوسطه را در همین شهرستان گذراند. او دانشسرای مقدماتی را در اصفهان و دوره کارشناسی تاریخ، جغرافیا و علوم تربیتی را هم در تهران گذراند و ابتدا به عنوان دبیر دبیرستان های تهران و سپس در سمت بازرس ویژه وزارت و مشاور وزیر آموزش و پرورش خدمت کرد. بسیاری از اشعار این شاعر در نشریات آن روزگار مانند امید ایران، فرقدان، زمان و... چاپ می‌شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۰۸).



قسیمی، مصطفی (۱۳۱۷ خ)، فرزند علی‌اکبر، در یک خانواده با پیشینه پرافتخار و با سواد در خمین متولد شد. دوران ابتدایی تا نیمه دبیرستان را در خمین گذراند و تحصیلاتش را در رشته زبان و ادبیات فرانسه و علوم اجتماعی در دانشگاه تهران ادامه داد و در دبیرستان‌های تهران به تدریس پرداخت. او به‌علت مواضع سیاسی از آموزش و پرورش اخراج شد و سپس در شرکت زغال‌سنگ البرز (شاه‌رود)، تربیت بدنی، نیروی هوایی، شرکت ملی گاز، ایران‌سویج، نیشکر هفت‌تپه و بالاخره شرکت ملی فولاد کار کرد تا بازنشست شد. تعدادی از عکس‌های تاریخی این عکاس



برجسته در کتابه نامه کمره، تألیف دکتر فرهادی به چاپ رسیده و نیز چاپ و انتشار دیوان تعدادی از شعرای خمین از جمله اعتماد پریشان، اسداله صابری و غلامحسین قسیمی را متقبل شده و خود نیز نویسنده و شاعری است سخن سرا که برخی از اشعارش در کتاب رجال موجود است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۱۷).

قطب، حسین (۱۲۹۶-۱۳۵۸ خ)، فرزند میرزا حسن قطب عراقی (اراک)، هنرمند خوش نویس و از نقاشان اراک بوده و نمونه کارهای او در مقبره آقانورالدین موجود است. او هم چنین صاحب ذوق و صدایی دلنشین بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۶).

قلعه نویی، غلامرضا (زندگی ۱۳۲۰ خ)، از پهلوانان نامداری است که تا زمانی در اراک بود، هر پهلوانی که وارد این شهر می شد با پهلوان غلامرضا کشتی می گرفت. او حدود سال های ۱۳۲۰ به تهران رفت و در آن جا هم مورد احترام ورزشکاران باستانی و پهلوانان بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۰۳).

قلیچ خانی، پرویز (۱۳۲۴ خ)، از خانواده ای اهل روستای جوشقان خرقان (زرنديه) در تهران زاده شد. او ضمن تحصیل ابتدا به والیبال و سپس فوتبال علاقه مند شد و در دبیرستان ادیب در حالی که در کلاس هفتم تحصیل می کرد به همراه تیم فوتبال این مدرسه، قهرمان دبیرستان های تهران و کشور شد و پس از آن به دبیرستان حکیم رفت و سه سال متوالی به همراه تیم این دبیرستان قهرمان شد. از قلیچ خانی به عنوان بهترین بازیکن تاریخ فوتبال ایران یاد می شود. کاپیتان پیشین باشگاه های تاج، پاس و بازیکن و سرمربی پیشین باشگاه پرسپولیس برخی از سوابق ورزشی اوست. قلیچ خانی یکی از بهترین فوتبالیست های تاریخ ایران و تنها بازیکنی است که با تیم ملی سه بار قهرمان جام ملت های آسیا شده و از این بابت نه تنها در ایران بلکه در آسیا هم رکورددار است و ۶۶ بازی ملی به همراه ۱۴ گل ملی در کارنامه دارد که تا پیش از انقلاب دومین بازیکن از لحاظ تعداد بازی ملی پس از علی پروین می باشد. وی هم اکنون ساکن فرانسه است و بین سال های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۲ مدیریت مجله آرش با گرایش سیاسی چپ را عهده دار بود.



قمی ساوجی، محمدعادل (۱۱۱۶ خ)، فرزند علامی، عالم دینی و نویسنده کتابی است به نام «رساله فی مکان المصلی» در رد رساله میرزا ابراهیم که نگارش آن را در سال ۱۱۵۰ به پایان برده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۵۱).

قنبری، شمس اله (۱۳۵۰ خ)، فرزند محمد و بانو زهرا، تحصیلاتش را در دبستان شهید رجایی کردیجان و مدرسه راهنمای مزرعه نو گذراند و از دبیرستان شهید زینلی **آشتیان** دیپلم و از دانشگاه امیرکبیر واحد تفرش لیسانس ریاضی گرایش کامپیوتر گرفت. او هم چنین در سال ۱۳۸۰ از دانشگاه مازندران فوق لیسانس ریاضی گرایش کامپیوتر و تحقیق در عملیات دریافت کرد و سپس از دانشگاه پوترای مالزی دکترای تخصصی سیستم های توزیع شده



کامپیوتری گرفت و هم‌اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد استان مرکزی و استاد مدعو دانشگاه شیمکت قزاقستان است. ایشان هم‌چنین مؤسس گروه تخصصی محاسبات و سامانه‌های توزیع‌شده^۱، که دوفصلنامه تخصصی و یک کنفرانس بین‌المللی دوسالانه برگزار می‌کند (DCHPC2018, DCHPC2022, DCHPC2024) هم می‌باشد. این شاعر و نویسنده، علاوه بر چاپ و ارائه بیش از ۴۵ عنوان مقاله تخصصی در مجلات و کنفرانس‌های بین‌المللی، کتاب‌های متعددی هم در حوزه سیستم‌های کامپیوتری تألیف و یا ترجمه کرده و دو مجموعه از سروده‌هایش با عنوان «عاشقانه‌تر بگویم» و «تا عشق تاخورشید» منتشر شده و در جشنواره بین‌المللی رضوی (۱۳۹۴) در بین ایرانیان مقیم ۸۵ کشور جهان، حائز رتبه نخست شد (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹ : ۴۳۷).

قنواتی، اعظم (۱۳۵۴ خ) فرزند ابوالقاسم و بانو مریم، در خانواده‌ای اهل غرق‌آباد از توابع ساوه، در تهران به دنیا آمد. کارشناس‌ارشد مترجمی زبان انگلیسی، نویسنده، شاعر، خوشنویس، نقاش، عضو سرای اهل قلم، همکار برخی نشریات داخلی و خارجی و هم‌چنین صداوسیما مرکز قزوین می‌باشد. گلی در مرداب، برگ‌وباد، گرگ پنهانی، حال من خوب است اما تو باور نکن، برخی از آثار این نویسنده ساوجی است.



قوام‌آشتیانی، احمد (۱۲۵۲-۱۳۳۴ خ)، فرزند میرزا ابراهیم‌خان (معمدالسلطنه) و بانو طاووس‌خانم، تحصیلات مقدماتی را ابتدا در مدرسه مروی و سپس نزد معلمان خصوصی گذراند. در جوانی از کارگزاران ناصرالدین‌شاه بود، سپس منشی دایی خود، میرزا علی‌خان (امین‌الدوله) شد و در سال ۱۲۸۶ به‌عنوان منشی حضور صدراعظم معرفی شد و در ادامه به‌واسطه حسن خط و نیکویی انشاء، منشی حضور مظفرالدین‌شاه شد. او که در اوایل جنبش مشروطیت دبیر و رئیس دفتر شاه بود، به قوام‌السلطنه ملقب شد و در همین زمان، فرمان مشروطیت را به خط خویش نگاشت و سپس رابط مظفرالدین‌شاه با مشروطه‌خواهان شد. پس از مرگ مظفرالدین‌شاه اما، از سیاست کناره گرفت و راهی اروپا شد تا به‌تحصیل حقوق بپردازد. قوام در پی فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان، به‌ایران بازگشت و در نخستین کابینه سپهدار در سال ۱۲۸۸ به معاونت وزارت داخله برگزیده شد. ایشان در طول ۴۰ سال، ۲۴ بار حکم وزارت گرفت و پنج‌بار در کسوت نخست‌وزیر درآمد که یکبار در دوره احمدشاه و چهار بار هم، پس از شهریور ۱۳۲۰ و در دوره پهلوی دوم بود که آخرین دور آن فقط چهار روز به‌طول انجامید و بر اثر وقایع ۳۰ تیر ۱۳۳۱ برکنار شد. قوام مردی ادیب و ادب‌پرور بود که بر بیشتر علوم زمان تسلط داشت و در سرودن شعر هم دارای ذوق و قریحه بود. از دیگر وقایع دوران او اخراج هوشمندانه نیروهای شوروی در سال ۱۳۲۵ بود که این کار از سیاستمدار کهنه‌کاری چون او بر می‌آمد و بدین‌سان



^۱. یکی از گروه‌های مهم و فعال انجمن انفورماتیک ایران است.

آخرین خطر تهدیدکننده تمامیت ارضی ایران از میان رفت و او به یکی از شخصیت‌های نام‌ور و تاریخ‌ساز این دوره ایران بدل شد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۹۵).

قوام‌الدین، جعفر عبدالله (قرن ۱۰)، فرزند ابراهیم، معروف به قاضی، زاده کمره (خمین)، ساکن اصفهان و محل دفن ایشان نجف است. او شاگرد محمدتقی مجلسی، آقا حسین خوانساری و محقق سبزواری بوده و تمام عمرش را در اصفهان قضاوت کرده و به‌همین دلیل به جعفر قاضی مشهور بود. از تألیفات این عالم دینی می‌توان به اصول‌الدین، حاشیه بر شرح لمعه، حاشیه بر شرح کفایه محقق سبزواری و کتاب ذخایرالعقبی در تعقیبات نماز به امر شاه‌عباس صفوی اشاره کرد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۷۹۲).

قوام‌زاده، احسان‌اله (۱۳۲۲ خ)، پژوهشگر و استاد دانشگاه **تفرش**، تصحیح دیوان هلالی جغتایی را انجام داده و بالغ بر ۲۰۰ کتاب خطی و دست‌نوشته‌های قدیمی نفیس را در سال ۱۳۹۳ به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا کرد. رساله کواکب (دوره صفوی)، فرهنگ ابرار (دوره صفوی)، فرهنگ میرزا ابراهیم (سده ۱۰) و... از جمله این آثار است.

قوام‌زاده، اردشیر (۱۳۱۹ خ)، از یک خانواده **تفرشی** در تهران زاده شد و سال اول



مدرسه را در تفرش گذراند ولی به‌گفته خودش چیزی یاد نگرفت و هیچ علاقه‌ای به درس نداشت و تا کلاس سوم ابتدایی تقریباً خواندن و نوشتن را نیاموخت. او سپس به تهران بازگشت تا در دبستان رازی ادامه تحصیل دهد ولی پدرش مانع رفتن به مدرسه شد و در خانه با خواهرش درس خواند و از کلاس چهارم به‌بعد پیشرفت کرد و در سال پنجم شاگرد اول شد. او که به کشاورزی و سپس حقوق علاقه‌مند بود پس از دریافت دیپلم در سال ۱۳۴۰، از دبیرستان دارالفنون به آلمان و اتریش رفت و از دانشکده پزشکی وین کرایس اتریش دانشنامه پزشکی دریافت کرد. او تخصص خود را هم در رشته خون از همین کشور گرفت و نخستین نفری بود که در بیمارستان ۸۰۰ تختخوابی آرا (بین زوریخ و بازل) همراه با یک‌نفر دیگر رشته آنکولوژی خواند و در بازگشت به ایران در بیمارستان شریعتی مشغول شد و پس از مدتی به‌ریاست این بیمارستان انتخاب شد. او سپس تحصیلات فلوشیپ را در رشته هماتولوژی و پیوند در دانشگاه سوییس (۱۳۷۰) گذراند و به‌عنوان عضو هیأت علمی و استاد گروه داخلی در بخش خون‌وانکولوژی شریعتی به‌خدمت پرداخت. دکتر قوام‌زاده نخستین کسی است که عمل پیوند مغزاستخوان در ایران انجام داده و در سال ۱۳۸۹ به‌عنوان استاد ممتاز دانشکده علوم پزشکی تهران برگزیده شد. او هم‌چنین در سال ۱۳۹۰ به‌عنوان برترین پژوهشگر جهان در زمینه سرطان و بیماری‌های خونی شناخته شد. برگزیده دومین دوره جایزه علمی علامه طباطبائی بنیاد ملی نخبگان در سال ۱۳۹۱، محقق برگزیده رتبه اول علوم بالینی و سلامت جشنواره رازی از دیگر افتخارات پدر پیوند مغز استخوان ایران است. او هم‌چنین چندین عنوان کتاب دارد از جمله «ارتباط با بیمار سرطانی در ایران».

قوام‌زاده، محمد (۱۲۷۷-۱۳۴۸ خ)، فرزند میرزا حسن‌خان مستوفی پارسا (قوام‌الممالک)،

تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه و نزد پدرش گذراند و به‌استخدام وزارت فوائد عامه درآمد و مدتی حاکم ممسنی (شیراز) بود و در دوره علی‌منصور (منصورالملک)، در وزارت طرق و شوارع به‌عنوان معاون‌وزیر منصوب شد و سپس به‌عنوان مسوول رسیدگی به کل



املاک شاهی خدمت کرد. او پس از کناره‌گیری از امور دولتی به‌روستای تراران (**تفرش**) برگشت و به امور کشاورزی و مرمت قنوات پرداخت و ضمن رسیدگی به مزرعه قوام‌آباد، مزرعه ارجی را هم احداث کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۹).

قورچی‌باشی، روملودنگیزیگ (زندگی ۹۹۶ خ)، از حاکمان منطقه کمره (**خمین**)، در عصر شاه‌عباس اول بود که به‌همراه آنتونیو دوگوها و به‌حکم شاه به اسپانیا و ایتالیا رفت. او به‌دلیل اشتباهاتی که در این سفر مرتکب شد، به دستور شاه‌عباس اعدام و اموالش ضبط شد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۴۷).

ک

کاتوزیانی، غلامحسین (۱۳۳۸ خ)، فرزند عنایت‌اله و بانو مهین، تحصیلات مقدماتی

را در دبستان دیهیم و دبیرستان محمدعلی فروغی تهران گذراند و در دانشگاه فردوسی

مشهد مهندسی مکانیک خواند. مدیرتولید و مدیرعامل گروه ماشین‌ومونتاژ ماشین‌سازی

اراک، عضو هیأت مدیره و معاونت ساخت ماشین‌سازی اراک، قائم‌مقام مدیر عامل صنایع



آذربایجان اراک، مدیرعامل و عضو هیأت مدیره شرکت فرایندسازان انرژی از جمله سوابق این کارآفرین صنعتی است و تجارب فراوانی در مدیریت پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی، پروژه‌های ساخت تجهیزات کارخانجات تولید فولاد و همچنین مدیریت پروژه‌های نیروگاهی با بیش از ۲۰۰۰ نفر پرسنل را دارد.

کاریابی، ابراهیم (۱۲۸۱-۱۳۵۸ خ)، فرزند حاج قربان، تحصیلات مقدماتی را در

مکتب‌خانه **تفرش** گذراند و به‌تهران رفت و به ساخت‌وساز روی آورد. او برای کسب

تجارب بیشتر در این رشته به شهرهای مختلف و کشورهای دیگر مسافرت کرد و در

معماری صاحب‌نام شد. علاقه زیاد او به زادگاهش موجب تحولاتی در رشد توسعه تفرش



شد، به‌گونه‌ای که با مشارکت جمعی از علاقه‌مندان، نخستین شرکت خصوصی برق تفرش را تأسیس کرد و با سیم‌کشی کوچه‌ها، مردم از نعمت برق برخوردار شدند. احداث بیمارستان ۵۰ تختخوابی، حمام عمومی، خیابان و میادین جدید، میدان باغ‌ملی و ساختمان‌سازی به سبک جدید از ابتکارات این نیکوکار تفرشی است که باعث شد تفرش چهره شهر به خود گرفته و در نهایت در سال ۱۳۳۷ به شهرستان تبدیل و حتی صاحب

کرسی نمایندگی در مجلس شورای ملی شد و حاج ابراهیم کاریابی هم به پدر آبادانی تفرش شهره گشت (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۴۸).

کاشانی، ابوالقاسم (زندگی ۱۲۸۵ خ)، از بازرگانان سرشناس و طرفدار مشروطه و عضو کمیته برادران اراک بود. ساختمان‌های اول خیابان عباس‌آباد از یادگارهای این نیکوکار و کنشگر سیاسی است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

کاشانی، محمدرضا (۱۲۳۲-۱۳۰۵ خ)، از بازرگانان مشهور اراک و عضو نخستین انجمن ولایتی اراک در دوره مشروطیت بود. او تیمچه‌ای در اراک ساخته و کمک به عبدالحسین فرمانفرما برای دفاع از میهن و جنگ با عثمانی هم از افتخارات این نیکوکار و کنشگر سیاسی است (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۱).

کاظمی، سیدباقر (۱۲۷۰-۱۳۵۵ خ)، فرزند سید محمود (معتصم‌الدوله) و نوه میرزا سید کاظم حسینی **تفرشی** (وزیر دواب)، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سعادت گذراند و نزد استاد عمادالکتاب خوشنویسی آموخت. او پس از پایان مدرسه علوم سیاسی، در اداره ترجمه وزارت خارجه اشتغال یافت و سپس به اداره تحریرات عثمانی منتقل شد و با پشتکار و استعدادی که داشت به‌مرور در وزارت خارجه ترقی کرد. او همچنین از دانشکده علوم سیاسی امریکن یونیورسیتی دانش آموخته شد. وی که به‌زبان فرانسه، ترکی، روسی و انگلیسی تسلط داشت و در مدرسه علوم سیاسی تدریس می‌کرد، از سوی وزارت خارجه دو نشان درجه دو و سه دریافت کرد و به‌خاطر تألیف کتاب سرحدی (کتاب سبز) به مذهب‌الدوله ملقب شد. ایشان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از سفارت ایران در پاریس مستعفی شد و در بازگشت به ایران بازداشت و مدتی تبعید شد. وزیر خارجه، نایب نخست‌وزیر کابینه مصدق، وزیر طرق و شوارع، وزیر امور داخله، وزیر فرهنگ، وزیر دارایی، سفیر ایران در (آمریکا، فرانسه، ترکیه، افغانستان و کشورهای اسکاندیناوی) و استاندار آذربایجان، برخی از مهمترین سمت‌های اجرایی اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۴۵).



کاظمی، سیدجواد (۱۲۹۹-۱۳۹۱ خ)، فرزند سید محمودخان (معتصم‌الدوله) و افسرالملوک سالور و نوه میرزا سید کاظم مستوفی **تفرشی** (وزیر دواب ناصری)، تحصیلات مقدماتی را در مدرسه صنعتی ایران و آلمان گذراند و به آمریکا رفت. او در آمریکا مهندسی نفت در دانشگاه تولسا (اوکلاهما) و مهندسی مکانیک در دانشگاه جان براون (آرکانزاس) خواند و در بازگشت به ایران، در شرکت ملی نفت منطقه جنوب و در تهران مسوولیت‌های مهمی بر عهده گرفت که آخرین سمت وی پیش از بازنشستگی ریاست اداره نگهداشت و بازرسی فنی بود. مهندس کاظمی پس از بازنشستگی تولیت موقوفات کاظمیه را عهده‌دار شد و توانست، خانه‌ی اجدادی خاندان کاظمی (وزیر دواب) در محله عودلاجان تهران که به‌ویژه تبدیل شده بود را مرمت و به موزه مردم‌شناسی تبدیل نماید. این نیکوکار تفرشی هم‌چنین مسجد و مدرسه علمیه کاظمیه از مجموعه موقوفات در حال تخریب خاندان



کاظمی تهران را هم احیا کرد و بدین صورت بخشی از تاریخ تهران قدیم زنده شد و در فهرست آثار ملی کشور ثبت شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۴۱).

کاظمی، سیدداود (۱۳۰۲-۱۳۹۶خ)، فرزند سیدمحمود (معتصم‌الدوله) و نوه میرزا



سیدکاظم حسینی **تفرشی** (وزیر دواب)، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه عین‌الدوله و سیروس و دوران متوسطه را در کالج آمریکایی گذراند و از دانشگاه تهران در رشته پزشکی دانش‌آموخته شد. وی دوره تخصصی جراحی عمومی را در دانشگاه کلرادو و فیلادلفیا گذراند و در جراحی قلب و عروق و ریه از دانشکده هاتمان آمریکا فوق‌تخصص گرفت. دکتر کاظمی در سال ۱۳۳۶ نخستین عمل جراحی دریچه میترال قلب در ایران را انجام داد و نخستین کاشف بیماری کمر بند گچی قلب است که در دنیا ثبت شده است. قائم‌مقام ریاست دانشگاه تهران، معاون وزیر علوم، ریاست دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، مدیریت دانشگاه تهران و ریاست دانشگاه گندی‌شاپور اهواز، برخی از سوابق اجرایی دکتر کاظمی است. مطب او در چهار راه سپند تهران بود و بسیاری از هم‌شهری‌های تفرشی را به‌صورت رایگان معالجه می‌کرد. تدوین کتاب یادداشت‌های زندگانی برادرش سیدباقر کاظمی (مذهب‌الدوله) وزیر امور خارجه وقت، در ۷ جلد، اثر نوشتاری اوست و اهدای چند هکتار زمین و یک رشته قنات به دانشگاه تفرش هم یادگار این پزشک نیکوکار است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۴۳).

کاظمی، سیدعزالدین (۱۲۹۸-۱۳۸۴ خ)، فرزند سیدباقر (مذهب‌الدوله) و نوه میرزا



سیدمحمودخان (معتصم‌الدوله)، اهل **تفرش**، تحصیلات ابتدایی را در دارالفنون گذراند و سپس دکترای حقوق بین‌الملل گرفت. او که در این رشته صاحب‌نظر، مورد وثوق و از کارمندان ارشد وزارت امور خارجه بود، سال‌ها مدیرکل و ریاست دفتر حقوقی این وزارتخانه را برعهده داشت و به‌عنوان یک حقوقدان و دیپلمات متبحر خدمت می‌کرد. وی هم‌چنین مدیرکل حقوقی و عضو هیأت نمایندگی ایران در مذاکرات مربوط به کنوانسیون ۱۹۸۲ میلادی (قانون دریاها) بود و در بسیاری از نشست‌ها، ریاست جلسه را عهده‌دار بود. پس از انقلاب و در دولت مهندس بازرگان به‌عنوان سفیر ایران در اتریش منصوب شد و پس از بازنشستگی به امور حقوقی و وکالت پرداخت و در کسوت وکیل پایه یک دادگستری عضو کانون وکلای مرکز بود و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی از نظرات او استفاده می‌کردند^۱ (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۴۶).

^۱. ثریا کاظمی نوه کاشف‌السلطنه (نویسنده، شاعر و نیز تاجر چای) همسر او بود.

کاظمی، سیده زیور (۱۲۷۴-۱۳۶۱خ)، فرزند سید محمود (معتصم الدوله) و نوه میرزا سید کاظم حسینی تفرشی (وزیر دواب)، بانویی نیکوکار و بسیار مهربان و انسان دوست بود و علاقه زیادی به تعلیم و تربیت و دانش اندوزی و آداب و سنن این مرزوبوم داشت. او به همین خاطر، خانه موروثی پدر بزرگش میرزا سید کاظم (بانی تکیه زاغرم) و چند هکتار زمین را جهت تأسیس مدرسه و دانشگاه اهدا کرد که در سال ۱۳۳۹ مدرسه زیور کاظمی و در سال ۱۳۶۶ هم دانشگاه تفرش در این زمین‌ها تأسیس شد. وی به زبان انگلیسی و فرانسه تسلط داشت و همچنین دارای خط بسیار زیبایی بود (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۴۰).



کاظمی، علیرضا (۱۳۴۸ خ)، مهندس مکانیک اهل **دلیجان** است که هنر موسیقی را هم به توانمندی هایش افزوده و به عنوان یک نوازنده کمانچه برای نخستین بار در جشنواره استانی ۱۳۸۰ با گروه نوبانگ به مقام نخست دست یافت.

کاظمی، محمود (۱۳۱۰-۱۳۵۷ خ)، فرزند حاج حسین و نوه حاج حسن حرونی^۱ تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در **اراک** گذراند. او سپس در آلمان پزشکی خواند و تخصص کودکان گرفت و به زادگاهش بازگشت و از پزشکان بسیار معروف و خوش نام بود که تمام عمر کوتاهش در خدمت مردم و بیماران سپری شد. دکتر کاظمی از مستمندان حق ویزیت نمی گرفت و بیشتر درآمد مطبش هزینه نسخه مستمندان می شد و در کنار علی توکلی و برخی متمولین شهر، زمستان‌ها زغال و لباس گرم برای مناطق حاشیه شهر تهیه و توزیع می کردند^۲ (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴۰).

کاظمی آشتیانی، سعید (۱۳۴۰-۱۳۸۴ خ)، فرزند مصطفی و نوه میرزا نصرالله، در سال ۱۳۵۸ در رشته فیزیوتراپی دانشگاه علوم پزشکی پذیرفته شد و در سال ۱۳۶۹ کارشناسی ارشد گرفت. او در سال ۱۳۷۰ مسوول جهاد دانشگاهی شد و در این سمت، پژوهشکده رویان را تأسیس کرد. هم‌زمان مقطع دکتری را در رشته علوم تشریحی با گرایش جنین شناسی در دانشگاه تربیت مدرس ادامه داد و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت دکترا شد. دکتر کاظمی تحقیقات موفقیت آمیزی در رشد طب تولیدمثل، فناوری سلول‌های بنیادی و همانندسازی در پژوهشکده رویان انجام داد. چاپ ده‌ها مقاله در مجلات علمی ملی و بین‌المللی، انجام چندین طرح تحقیقاتی ملی، تدریس در دانشگاه،



^۱. حران که نام امروزی آن نهرمیان است.

^۲. پدر و پدربزرگ او هم اهل خیر و نیکوکاری بودند و شادروان حاج حسن حرونی، مسجد حاج حسین ساعت‌ساز را بازسازی کرد و پدرش حاج حسین کاظمی که از بازرگانان خوشنام بود، هزینه تحصیل چندین دانشجوی نیازمند را در خارج از کشور می پرداخت و حتی برادر کوچک دکتر محمود کاظمی به نام محمد کاظمی که در جوانی درگذشت، به فتوت و جوانمردی زبانزد بود. متأسفانه این پزشک نیکوکار و پایه‌گذار طب کودکان در اراک، در سن ۴۷ سالگی با بیماری سرطان درگذشت.

نگارش کتاب، راه‌اندازی گروه‌های پژوهشی و سردبیری مجله علمی پژوهشی «یاخته» از جمله کارهای این دانشمند مشهور آشتیانی است که در جوانی و اوج موفقیت، از دنیا رفت (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۱۵). **کاظمی کرهرودی، ملا محمود** (۱۲۵۰ خ)، مقدمات علوم دینی را در کرهرود (اراک) گذراند و به تهران رفت و در مدرسه مروی نزد صدرالعلما و دیگران ادامه تحصیل داد و پس از مدتی به کرهرود بازگشت و از محضر علمای بزرگی مانند آخوند ملا محمدباقر (کبیر)، ملا عبدالحمید و ملا محمدحسین بهره برد. برخی از آثار این عالم دینی عبارتند از: رساله‌ای در وجوه اعجاز قرآن، رساله‌ای درباره معراج و شق القمر و ردالشمس، رساله‌ای در سهوالنبی، کیفیت جمع قرآن، بیانات امام علی در انواع آیات قرآن و....

کاظمی میقانی، مریم (۱۳۶۵ خ)، فرزند رضا و بانو افسر، تا ۱۸ سالگی در اراک تحصیل کرد و شعر هم می‌گفت و سال ۱۳۸۴ از برگزیدگان جشنواره شعر دانش‌آموزی شد. او هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه علامه طباطبائی، تدریس در مدارس و آموزشگاه تیزهوشان و نمونه مردمی تهران را تجربه کرد. وی سپس در مقطع کارشناسی‌ارشد همان دانشگاه ادامه تحصیل داد و همراه با تدریس به تألیف هم روی آورد. این نویسنده بیش از ۲۵ عنوان کتاب آموزشی نوشته و برای ارتقای سطح تألیفات خویش و دیگران، مؤسسه انتشاراتی هم دایر کرده است.



کاظمی میقانی، معصومه (۱۳۶۰ خ)، فرزند رضا و بانو افسر، اهل روستای میقان (اراک)، از دوران دبیرستان به دل‌نویسته، متن‌های ادبی و داستان کوتاه می‌پرداخت. او مقام جشنواره‌ای تذهیب و مقام استانی تنیس روی‌میز دارد و در دبیرستان و دانشگاه، رشته مدیریت فرهنگی خوانده و هم‌اکنون معاون آموزشی مقطع ابتدایی است. دو عنوان کتاب فارسی ششم دبستان و نیز داستان کوتاه اتاق ۲۲۲، اثر این نویسنده است و به‌صورت تفریحی متن‌های ادبی دکلمه می‌کند.



کافی، یوسف (۱۲۶۰-۱۳۴۰ خ)، معروف به وثوق، فرزند میرزا علی‌اکبر ترخورانی (تفرش)، پس از تحصیلات مکتب‌خانه‌ای در تفرش، جهت ادامه تحصیل و اشتغال به تهران رفت و در وزارت دارایی استخدام شد. او به‌واسطه لیاقت و درستکاری به وثوق‌الوزرا ملقب شد و پس از مدتی به وزارت بهداری منتقل و در همان‌جا بازنشست شد. او بیشتر سال در تفرش ضمن عمران و آبادانی، مشغول مطالعه، نگارش و تحقیق بود و مقالات مختلفی می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود و اشعارش بیشتر در قالب مثنوی و رباعی است. این شاعر و نویسنده، کتابی در رد بهایی‌گری نوشته و اصلاحاتی نیز در دیوان اشعار سعدکافی انجام داده و به همین جهت نام خانوادگی کافی را برای خود برگزید. این دانشمند و عارف هم‌چنین اهل نیکوکاری بوده و به مرمت مساجد و بقاع متبرکه علاقه زیادی داشت و در مرمت بقعه شاهزاده احمد روستای کوهین و مسجد جامع ترخوران تلاش بسیاری کرد و در سال ۱۳۳۴ هم مدرسه کافی را بنا نهاد و به آموزش و پرورش هدیه کرد. ایشان در بعضی از



روستاها، زمین‌های خود را برای ساخت مدرسه اهدا کرده و چند باب خانه هم در اطراف مدرسه کافی ساخت و در اختیار ادارات بهداری، ثبت اسناد، ژاندارمری و بانک صادرات قرار داد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۴۷).
کافی کرجی (درگذشته ۵۲۳ خ)، قاضی ابوسعید معروف به کافی کرجی، اهل کهرود (اراک)، صاحب‌نظر و متبحر در مناظره و از دانشمندان قرن ششم و عهده‌دار تولیت قضاوت کرج (کهرود) بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

کاملی، محمدرضا (۱۳۵۰ خ)، فرزند مرتضی و سیده‌زهرا، اهل مأمونیه (زرنديه)، پس از دریافت کارشناسی آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه اراک، به‌مدت بیش از سه دهه در مدارس شهرستان زرنديه زبان انگلیسی تدریس کرد. آثار ترجمه و تألیفی ایشان عبارتند از: داستان‌های کوتاه الهام بخش (انگلیسی)، بیابید انگلیسی بخوانیم، بفهمیم و تمرین کنیم، کلیدهای طلایی برای یک زندگی بهتر (چراغی، ۱۳۹۵: ۴۰۲).



کبیر، حسن (۱۳۳۶ خ)، فرزند عبدالحسین، زاده محلات و دارای فوق‌لیسانس روان‌شناسی از دانشگاه تهران، فوق‌لیسانس مشاوره از دانشگاه تربیت معلم و D.E.A در آموزش و پرورش از سوربن پاریس، خدماتش را با آموزگاری در محلات آغاز و به‌عنوان دبیر و معاون دبیرستان در شهرکرد و دبیرستان حکیم‌نظامی قم ادامه داد. مشاور و مدیر برنامه‌ریزی در مؤسسه مطالعات و برنامه‌ریزی آموزشی (سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران)، عضو انجمن روان‌شناسی ایران و انجمن بین‌المللی و حرفه‌ای و نیز عضو هیأت علمی دانشگاه از سوابق اوست. این نویسنده دانشگاهی هم‌چنین دارای تألیفاتی است که عبارتند از: آشنایی با رشته‌های تحصیلی پس از دوره راهنمایی، اصول و روش‌های آموزش و پرورش، مبانی آموزش و پرورش، کلیات روان‌شناسی و... (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۱۲).

کبیر، ملامحمد (۱۱۷۴-۱۲۵۲ خ)، اهل اراک، پدر آقازاده‌الدین، معروف به آخوند کبیر، در دوران خود عالمی بزرگ بود و در میان شاگردان محسن علاءالمحدثین، منشی خاص آخوند خراسانی و آیت‌اله سیدمحمد شفیع‌الدین جابلقی مقام و مرتبه‌ای بلند داشت و به تقوا و پرهیزکاری مشهور بود. در اجازه‌ای که آقا شفیع به‌وی داده از این عالم دینی، به‌عنوان «عالم فاضل و محقق مدقق و از روسا و قضات مورد وثوق و اطمینان» یاد کرده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۹).
کبیر محلاتی، عبدالحسین (۱۲۶۹-۱۳۱۸ خ)، فرزند علی‌محمد، مؤلف کتاب «مغتنم‌الدرر»، پس از تحصیلات مقدماتی نزد پدرش که معلم بود، عربی، سطح، مکاسب و رسائل را در محلات خواند و با روحیه عارفانه‌ای که داشت، اندرگزویی در معابر و بازار پیشه کرد. از ۱۵۰۰ بیت شعری که از او باقی مانده، همگی دارای مضمون اخلاقی است که توسط «اسماعیل صدر» جمع‌آوری و منتشر شده و به دلیل همین فضایل اخلاقی، به «کبیر» ملقب شد و کوه حروا در شمال محلات عبادتگاه ایشان بود (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۷۷).





کتابفروش، سیدمهدی (۱۳۵۶ خ)، فرزند آقامجتبی و بانو نجم‌السادات، تحصیلاتش را

در دبستان معاد و راهنمایی شهدا گذراند و از دبیرستان صمصامی اراک، دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه تهران جنوب کارشناسی و ارشد برق و الکترونیک خواند. مهندس کتابفروش اما عشق و علاقه‌اش به فرهنگ‌واندیشه و ادبیات بود و هست. به گفته خودش از ۱۳ سالگی در متن فرهنگ بوده و نفس به نفس با استادان و فعالان فرهنگی نشست و برخاست داشته و دمی از آموختن و آموزش دادن فروگذار نکرده. عضو همه انجمن‌های فرهنگی است و از دهه ۱۳۹۰ خورشیدی شاهنامه، حافظ، منطق الطیر عطار، کلیله و دمنه و تاریخ بیهقی را برای علاقه‌مندان تدریس و خوانش می‌کند و به یک چهره ادبی شاخص تبدیل شده و مقالات ارزشمند این استاد فروتن در برخی از نشریات از جمله فصل‌نامه رازان منتشر می‌شود. سیدمهدی که نزدیک به ۵۰ هزار جلد کتاب دارد، در حضور مجله بخارا در اراک و برگزاری شب استاد ابراهیم دهگان، محمدرضا محتاط، استاد مجدی و استاد حبیب‌الله امیدوار با عنوان «حبیب اهل قلم» نقش ارزنده‌ای ایفا کرده و حافظ‌خوانی ایشان بسیار دلنشین است.

کرامتی‌ساوجی، محسن (۱۳۲۶ خ)، متولد مسلّم آباد غرق آباد (ساوه)، خواننده، ردیف‌دان، مترجم، محقق موسیقی و دانش‌آموخته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. وی هم‌زمان با تحصیلات دانشگاهی، به صورت خودآموز به یادگیری آوازهای رضاقلی میرزای ظلی پرداخت و از سال ۱۳۵۶ برای فراگیری آواز نزد استاد شجریان رفت. وی همچنین مترجم بیش از ۴۰ عنوان کتاب در زمینه هنرهای تجسمی و نیز نویسنده کتاب «فرهنگ اصطلاحات هنرهای تجسمی» است. او از اواسط دهه ۱۳۶۰ با حضور در گروه تولید آلبوم صبحگاهی به آهنگسازی حسین علیزاده، فعالیت در زمینه خوانندگی را نیز آغاز کرد و تا کنون ۱۸۶ تصنیف قدیمی را با کمانچه پریسا، بازخوانی کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۶۹).

کربلایی حسینی خلیف، احمد (۱۳۲۱-۱۳۸۵ خ)، مشهور به خلیفه‌ساوجی، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش روستای مصرقان (زرنديه) گذراند و راهنمایی را به صورت متفرقه به پایان برد. ایشان علوم قرآنی، ادبیات، شعر، تاریخ، جغرافیا، علوم غریبه و حتی انواع خط میخی و سریانی را در حد بازخوانی فراگرفته و با اینکه به شغل خیاطی و سپس به عنوان کارگر فضای سبز اشتغال داشت، ولی اشعاری در قالب غزل، مثنوی و دوبیتی دارد که نشان‌دهنده روح لطیف و بی‌آلایش این شاعر ساوجی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۷۰).

کرچی، ابوالعباس (درگذشته ۳۲۳ خ)، مشهور به ادیب کرچی، اهل کهرود (اراک)، از بزرگترین دانشمندان قرن ۴ هجری است. این عالم دینی، فقه را نزد ابوعبدالله زبیری آموخت (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲).

کرچی، ابوبکر محمد (درگذشته ۴۰۸ خ)، فرزند حسن، مشهور به حاسب کرچی، اهل کهرود (اراک)، ریاضی‌دان و آب‌شناس ایرانی در نیمه دوم سده چهارم و اوایل سده پنجم و هم‌دوره ابوریحان بیرونی، زکریای رازی و بوعلی سینا بوده، اما کسی این دانشمند برجسته را به اندازه این ۳ تن نمی‌شناسد. برخی از

آثار مکتوب ایشان عبارتند از: کافی (در موضوع حساب)، الفخری (در موضوع جبر و مقابله) و نیز کتاب مدخل در موضوع احکام نجوم^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵).

کرجی، احمد (درگذشته ۲۰۷ خ)، فرزند یوسف، در اوایل قرن سوم هجری می‌زیسته و در دیوان رسایل مامون خلیفه عباسی، به‌عنوان هنرمند خوشنویس، سمت کتابت داشته و از خوشنویسان زیرک و شاعری شیرین‌سخن و ظریف بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۴).

کرجی، احمدبیگ (درگذشته ۱۲۹۵ خ)، فرزند فرامرزیگ، متخلص به «نشاطی» اهل کهرود (اراک)، است. این شاعر و نویسنده، هم‌توانست تذکره حالات شعرای ناتمام برادرش اختر کرجی را کامل کند و لذا محمدفاضل‌خان گروسی به دستور فتحعلی‌شاه، کار او را دنبال کرد و تذکره‌ای را که مولانا اختر با نام «انجمن‌آرا» در حال تدوین بود به‌کمک برادرش محمدباقریگ و با نام «انجمن‌خاقان» تکمیل کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۴).

کرجی، حسن (درگذشته ۵۱۴ خ)، فرزند عبدالکریم (ابی‌زرعه)، اهل کهرود (اراک)، که به روایت صاحب «شهداءالفضیله» عالم دینی و از طایفه معروف به کرجی است و به دست کفار در سال ۵۱۴ در ابهر به قتل رسید (محتاط، ۱۳۷۲: ۸۸).

کرجی، حسین (قرن...)، فرزند جعفر، عالم دینی متولد جاورسیان (شازند) و معروف به ابوالمعالی است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱).

کرجی، خسرو (قرن ۱۲)، از شاعران خوش‌ذوق قرن دوازده هجری عراق عجم (اراک) است و این بیت از اوست: دل از خدنگ تو مجروح گشت می‌ترسم/ز مرهمی که بر او کار نیست (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۳). **کرجی، عبدالرحمن** (درگذشته ۳۱۰ خ)، فرزند عیسی، اهل کهرود (اراک)، یکی از کارگزاران دربار بکر بن عبدالعزیز بن ابودلف و از بزرگان لغت و علم نحو، نویسنده و دانشمند که «الفاظه‌الکتبیه» از نوشته‌های اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۱).

کرجی، علی (زندگی ۲۸۸ خ)، فرزند محمد بن قاسم در امارت ایغارین در سال ۲۸۸ وزیر پدرش شد و دست به اصلاحاتی در این منطقه زد از جمله اینکه مردمی که جلای وطن کرده بودند را فراخواند و مورد الفت قرار داد و برای مردمی که در کارشان اختلاف و مشکلاتی بود ده‌هزار دینار خراج تعیین کرد (ساوئی، ۱۴۰۳: ۵۶۱).

^۱. دستاوردهای علمی وی ناشناخته بود تا اینکه در سال ۱۸۵۳، وپکه (مستشرق آلمانی)، بخشی از کتاب الفخری وی را به‌زبان فرانسه و همراه با تحلیل منتشر و ثابت کرد که بخش عظیمی از کارهای فیوناتچی از کرجی اخذ شده است. کرجی در علم حساب‌وجبر دارای تحقیقات و نوشته‌های مهمی است و در پایه‌گذاری اصولی در جبر، ریشه‌یابی اعداد و حل معادلات نقش مهمی را در تاریخ علم ایران و جهان ایفا نموده و در زمینه علوم کاربردی و مهندسی هم صاحب نظریات نو و نوشته‌های ارزنده‌ای است.

کرجی، عمر (۵۸۱-۶۹۰ خ)، فرزند یحیی، اهل کهرود (اراک)، عالم دینی و از فقهای عصر خود بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

کرجی، فضلعلی بیگ (قرن ۱۱)، اهل کهرود (اراک)، از شاعران ممتاز قرن یازدهم هجری است و این بیت از اوست: گریه را زین پس گل آلود غم دنیا مکن/ آب این جو داخل دریای رحمت می شود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۹).

کرجی، محمد (۴۴۵-۵۲۰ خ)، فرزند عبدالملک، از اهالی کهرود (اراک)، ادیب و شاعر قرن پنجم، شافعی مذهب و ادیبی ماهر و سراینده‌ای خوش ذوق است و کتاب «ذرایع» از اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۹).

کرجی، محمد (۴۶۰-۵۴۰ خ)، فرزند احمد بن محمد کرجی (ابوطاهر)، معروف به شرف‌القضا، اهل کهرود (اراک)، عالم دینی، مردی نیکومعاشرت و قاضی با تقوی و ورع بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۰).

کرجی، محمد (درگذشته ۳۶۲ خ)، فرزند حیویه کرجی، اهل کهرود (اراک)، عالم دینی، مردی نحوی و محدثی عالی مقام بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۰).

کرجی، محمد (قرن ۳)، فرزند داود، اهل کهرود (اراک)، عالم دینی، محدث و دانشمند زمان بنی دلف (قرن سوم) بوده و در کرج (کهرود) می زیسته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

کرجی، محمد (زندگی ۲۸۸ خ)، فرزند قاسم، در سال ۲۸۸ از سوی مقتدر عباسی به امارت استکفایی^۱ ایغارین^۲ انتخاب شد و پسرش را به وزارت خویش منصوب نمود (ساوئی، ۱۴۰۳: ۵۶۱).

کرجی، محمد (درگذشته ۴۱۹ خ)، فرزند عیسی، از اهالی کهرود (اراک)، یکی از کارگزاران دربار مسعود غزنوی است که به عنوان خزانه دار همراه طاهر دبیر به ری رفت. او سرانجام در صحرای دندانقان^۳ به قتل رسید (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۰).

کرجی، محمد (درگذشته ۴۴۷ خ)، فرزند حمدان، اهل کهرود (اراک)، عالم دینی، مردی نحوی، ادیب و فاضل بود و شرحی بر دیوان متنبی^۴ نوشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۰).

کرجی، محمدباقر بیگ (درگذشته ۱۲۹۲ خ)، مشهور به اختر کرجی، اهل کهرود (اراک)، آموزگار فرزندان کریم خان زند بود. این نویسنده تذکره‌ای در حالات شعرا تألیف کرد که ناتمام ماند و سپس

۱. امارت استکفا مختص سرداران و امرای برجسته و مخصوص بود که در امور داخلی خود استقلال تام داشتند و فقط روابطشان با خلیفه در محدوده اعلام اطاعت و ارسال خراج به پایتخت بود.

۲. در نزدیکی آستانه امروزی بوده و به همراه کرج ابودلف ایغارین نامیده می شد.

۳. نبرد دندانقان (شهری در نواحی مرو و ترکمنستان کنونی) میان سلطان مسعود غزنوی و طغرل سلجوقی رخ داد و با شکست مسعود در خرداد ۴۱۹، حکومت سلجوقیان در ایران آغاز شد.

۴. ابوطیب متنبی ادیب و شاعر برجسته عرب در سده چهارم هجری است.

محمدفاضل خان گروسی به دستور فتحعلی شاه کار او را پی گرفت و تذکره‌ای را که اختر با نام «انجمن آرا» در حال تدوین بود به کمک برادرش احمدبیگ و با نام «انجمن خاقان» تکمیل کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۵). **کرجی، یوسف** (قرن ۱۳)، از شاعران قرن سیزدهم اهل عراق (اراک) است. او مردی دانشمند و شاعری باذوق بوده و طبعی روان داشته و این شعر از اوست: اول از سنگ ستم بال‌وپر من مشکن / چون ز بند غمت آخر کنی آزاد مرا (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

کرجیان، زکریا (قرن...)، فرزند محمد بن محمود، اهل **شازند**، دانشمند ستاره‌شناس و جغرافی‌دان معروف از دودمان ابودلف است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۱).

کرکس ساوجی (قرن...)، شاعر بلندپایه اهل **ساوه** که اشعار حکیمانه‌اش بیشتر درباره اهل بیت بوده و دیوان شعری هم دارد که به چاپ رسیده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۷۲).

کرمی، جلیل (۱۳۳۲ خ)، فرزند علی و بانو زهراسلطان، اهل ویدر خرقان (**زرنديه**)، تحصیلاتش را در دبستان جواد و متوسطه اول را در دبیرستان اتابکی تهران گذراند و از هنرستان صنعتی دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه علم و صنعت مهندسی برق خواند. این نویسنده که قریحه شعری هم دارد در این زمینه چندین اثر با نام حرف دل (مجموعه شعر)، جنگل را بیابان نکنیم (مجموعه داستان)، نجوای دل، اورگ سوزه (ترکی) و هم‌چنین «مؤذن» را در کارنامه دارد (چراغی، ۱۳۹۵: ۶۰۲).

کرمی، حمید (۱۳۴۰-۱۳۹۰ خ)، اهل ویدر خرقان (**زرنديه**)، شاعر، پژوهشگر، اندیشمند و از چهره‌های برجسته ادبی استان و دارای چندین عنوان کتاب است که برخی از آنها عبارتند از: بر شانه‌های کوهستان، حکایت‌های شاعران، تصحیح دیوان ناصر علی فر هندی از شاعران پارسی‌گوی هند و چندین مجموعه شعر از جمله سایه‌روشن‌های ویدر، در رکاب آفتاب، شگفت مثل تماشا و... اثر اوست (چراغی، ۱۳۹۵: ۶۰۰).

کرمی، میثم (۱۳۵۹ خ)، دوران متوسطه را در **محلات** گذراند و در دانشگاه آزاد نراق مدیریت بازرگانی خواند. او در سال ۱۳۷۲ وارد وادی هنر شد و از کارهایش در زمینه هنر می‌توان به ایفای نقش در نمایش جنگ کور، نمایش بچه تابستان، نمایش عروسی و کارگردانی نمایشنامه عروسک کوکی، بچه‌های پارکینگ، مسیح می‌گرید و ده‌ها اثر دیگر



اشاره کرد. کارگردانی نمایشنامه آجر، در بیست‌وهفتمین جشنواره تئاتر استان مرکزی تندیس و جایزه ویژه هیأت داوران را برایش به‌ارمغان آورد. این سینماگر محلاتی علاوه بر بازیگری و کارگردانی تئاتر، در هنر اجراء دوبله، فیلم کوتاه و سریال تلویزیونی در سطح ملی هم تجارب ارزشمندی داشته و هم‌چنین عضو هیأت نظارت بر نمایش محلات است و بیش از ۱۰۰ کار نمایشی را تمرین و اجرا کرده و تعداد بسیاری از علاقه‌مندان محلاتی، از کلاس‌های آموزشی وی بهره برده‌اند (بخشی، ۱۳۹۵: ۸۳۱).

کرهرودی، سیدرحمت‌اله (۱۲۶۱ خ)، فرزند حاج آقا رفیع، اهل کرهرود (**اراک**)، از علمای بزرگ عصر خویش بود که در ۴ سالگی اشتیاق فراوانی برای حضور در مجلس درس ابراز می‌کرد و در اندک زمانی به

تحصیل علوم دینی پرداخت و در ۱۳ سالگی به مدرسه سپهرداری ایراک رفت. چندین کتاب از این عالم دینی استنساخ^۱ شده و نزد نوادگانش موجود است.

کرهرودی، سیدعبدالرحمن (۱۱۹۹-۱۲۸۰ خ)، فرزند سیدمحمدتقی، تحصیلاتش را نزد عالمان و استادان زمان گذراند و به استادی رسید و شاگردان زیادی تربیت کرد. ایشان هم‌چنین از شیخ رفیع کزازی، اجازه روایت داشته و به حجت‌الاسلام شهره بود. حاج‌آقا رفیع، ملامحمدباقر کبیر کرهرودی، ملاحمود پسر عبدالکریم کرهرودی، آقا داود فرزند صادق و برخی دیگر، از شاگردان این عالم دینی بوده‌اند.

کرهرودی، سیدمحمد (۱۱۵۵-۱۲۲۷ خ)، فرزند میرعلی محمد، از فقهای کرهرود (اراک) و عالم دینی بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۲).

کرهرودی، عبدالحمید (۱۲۲۲ خ)، فرزند محمدحسین و از خاندان قاضی عبدالخالق قاضی‌زاده کرهرودی و از عالمان بزرگ دوره قاجار است که در کرهرود (اراک) مجلس درس داشته و سیدشفیع جاپلی (درگذشته ۱۲۴۲) از شاگردان اوست. از آثار به‌جای مانده این عالم دینی مجموعه‌ای است حاوی چندین رساله و کتاب مختصر در علم اصول که در حاشیه آن مطالبی از استادانش در شرح مطالب علمی بیان داشته و به‌تحریر درآورده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۱).

کرهرودی، محمدحسین (درگذشته ۱۲۷۵ خ)، فرزند محمدمهدی، شاگرد میرزا حسن شیرازی از دانشمندان بزرگ و محقق فقیه که از تألیفات این عالم دینی، می‌توان الصراط‌السوی، مبرم‌البرهان، البحرالمحیط، کشف‌الحجه فی‌المذاهب‌الاربعة و هم‌چنین الاشارات‌الطیفة فی‌احوال‌ابی‌حنیفه را نام برد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۱).

کرهرودی، محمدشفیع (قرن ۱۳)، اهل کرهرود (اراک)، عالمی شناخته شده که در دوران قاجار می‌زیسته و کتاب «اسرار ابتلا‌الاولیا» که به نام محمدشاه قاجار نوشته شده و نیز «مجرى‌البکا فی‌المقتل» نوشته این عالم دینی است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴۵).

کرهرودی، میرحیدر (قرن ۱۰)، فرزند میرعلاءالدین منصور مردی شاعر، ادیب و هنرمند خوشنویس که در عصر صفویه می‌زیست و اهل کرهرود (اراک) بوده و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. علاءالدین منصور، نخست در خدمت میرزاکافی منشی، به‌تحریر در دارالانشاء اشتغال داشت و در ایام محمدی‌بیگ منشی نیز اعتبارش بیشتر شد. او سپس در کرهرود گوشه عزلت گزید. از آثار وی کتابت یک نسخه «شه‌نشاه‌نامه فارسی» سلطان مرادخان عثمانی است (محتاط، ۱۳۷۲: ۵۶).

۱. نسخه‌برداری، رونویسی، کتابت

کرهرودی، میرعلی محمد (۱۱۱۸-۱۱۹۷ خ)، فرزند میر فخرالدین از فقهای بزرگ کرهرود (اراک) و عالم دینی بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۳۶).

کرهرودی سلطان آبادی، محمدباقر (۱۲۲۰-۱۲۸۶ خ)، اهل کرهرود (اراک)، مقدمات علوم را نزد سیدعبدالرحمان کرهرودی آموخت و به ملایر رفت و نزد احمد ملایری شاگردی کرد. او همچنین مدتی در نجف محضر شیخ انصاری را درک کرد و در تهران به تدریس پرداخت. سرانجام در کنگاور سکنی گزید و همان جا درگذشت و مزارش در آنجا به قبر آقا معروف است. «قسامه و احکام آن»، «رساله عملیه فارسی»، شرح «الدره» سیدمهدی بحرالعلوم طباطبایی، شرح میمیه ابن الفارض به نام کشف الرموز و کتب «الاشارات»، «فراید الدرر»، «المواسعه والمضایقه» و رساله «علم الکلام» برخی از آثار این عالم دینی است.

کروکانی جاسبی، محمدجعفر (زندگی ۱۲۵۴ خ)، فرزند میرزا اسماعیل، عالم فاضل و فقیه ماهر که برای تحصیل به اصفهان رفت و از محضر علما و مجتهدین بزرگ همچون محمدابراهیم کلباسی و سیدمحمدباقر حجت الاسلام شفتی بهره برد. او در سال ۱۲۵۴ نسخه‌ای از کتاب مناسک حج استادش سیدحجت الاسلام و منهاج‌الهدایه استاد دیگرش حاجی کلباسی را کتابت کرده است.

کریم مسیحی، واروژ (۱۳۳۱ خ)، در یک خانواده ارمنی در اراک به دنیا آمد و پس از پایان تحصیلات متوسطه، در سال ۱۳۴۸ به اتریش رفت و سپس در آلمان با یک بازیگر تئاتر و سینما آشنا شد. او در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشت و از طریق یک دوست عکاس با باربد طاهری آشنا و به بهرام بیضایی معرفی شد. وی در سال ۱۳۵۱، به عنوان دستیار منشی صحنه در فیلم رگبار، به سینمای حرفه‌ای روی آورد و تا سال ۱۳۵۷ در همه کارهای بیضایی، دستیار او و چندین کارگردان دیگر همچون کامران شیردل، امیر نادری و بهمن فرمان‌آرا بود. این سینماگر در سال ۱۳۵۴ با کارگردانی فیلم کوتاه فاخته به فیلم‌سازی روی آورد و نخستین فیلم سینمایی‌اش با نام پرده آخر در شانزده رشته نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد که در هشت رشته از جمله بهترین کارگردانی و بهترین تدوین موفق به دریافت آن شد (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۸۰).



کریمی، فیروز (۱۳۳۷ خ)، از پدری اهل روستای استوه (چرا) و مادری اهل زالیان شازند در تهران متولد شد. بازیکن فوتبال و سرمربی چندین تیم مطرح لیگ برتری، که بازی خود را با تیم شهربانی تهران آغاز کرد و سپس به تیم پاس رفت و با این تیم در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ قهرمان جام تخت جمشید شد. او سپس در سال ۱۳۶۹ به مربیگری پرداخت و به عنوان سرمربی دو سال متوالی ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ با تیم پاس تهران قهرمان لیگ آزادگان شد. او همچنین در سال ۱۳۹۳ با شکست تیم الشباب عربستان، مقام قهرمانی جام باشگاه‌های آسیا را هم کسب کرد. فیروز کریمی سابقه قهرمانی لیگ سراسری، جام حذفی و جام باشگاه‌های آسیا را به عنوان بازیکن یا مربی در کارنامه خود



دارد و سابقه مربی‌گری ۲۲ تیم داخلی از جمله استقلال، پاس و تراکتور را در کارنامه دارد و چندی پیش یک سایت خارجی فیروز کریمی را به‌عنوان مربی قرن ایران معرفی نمود.

کریمی، حسین (۱۳۰۱ خ)، فرزند قاسم، متولد سنجان (اراک)، از شانزده سالگی



به‌صورت مستقل و با شانزده تومان سرمایه، به‌شغل آزاد و مشخصاً تجارت خامه پرداخت. او در سال ۱۳۴۵ به‌صورت شراکتی، نخستین کارگاه حلاجی پشم اراک را در سردهشت و با ماشین‌آلات لهستانی تأسیس کرد که دفتر این کارگاه در سرای فدایی بازار اراک قرار داشت. وی سپس در سال ۱۳۵۴ نخستین کارخانه ریسندگی نخ پشمی را تأسیس کرد. حاج حسین که علاقه زیادی به کشاورزی داشت، در دهه ۱۳۴۰ حدود پنج‌هکتار از زمین‌های کهرود را خریداری و نسبت به کاشت انگور و درخت میوه از جمله گیلاس، آلبالو و گردو اقدام کرد. پل حاج حسین، تجدید بنای مسجد شبستان سنجان، کارگاه‌های خانگی قالی‌بافی (هنر صنعت خلاق)، دبیرستان دخترانه سنجان، زمین درمانگاه سنجان و بخشی از بودجه ساخت آن، بخشی از هزینه ساخت اورژانس بیمارستان ولیعصر اراک در کنار دستگیری از خانواده‌های نیازمند، بخشی از خدمات این کارآفرین سنجانی است.

کریمی، خیراله (۱۳۳۷ خ)، اهل روستای سینقان از توابع شهرستان نراق (دلیجان)،



تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند سپس برای ادامه تحصیل از سال ۱۳۵۸ به تهران نقل مکان کرد. او در سال ۱۳۶۲ به کاشان عزیمت کرد و در اداره آموزش و پرورش به‌عنوان طراح و نقاش مشغول بکار شد و سپس در سال ۱۳۶۶ به‌عنوان مسوول تبلیغات و امور هنری به جهاد دانشگاهی (دانشگاه کاشان) منتقل شد. طراحی‌وساخت تندیس رشد، تندیس پرواز، تندیس وداع، تندیس کمال‌الملک، تندیس محتشم نراقی کاشانی، ابوالرضا راوندی، کلیم کاشانی و... برخی از آثار برجسته این هنرمند مجسمه‌ساز است.

کریمی، داود (۱۳۴۳ خ)، متولد اراک، در دوران تحصیل خط تحریری را خوب می‌نوشت



و همیشه مورد تشویق معلمین بود و در سال ۱۳۶۷ به انجمن خوشنویسان اراک راه یافت. وی مراحل اولیه خوشنویسی را نزد آقایان نوشاد و امیدوار فرا گرفت و گواهینامه ممتاز در خط نستعلیق را در سال ۱۳۷۲ از انجمن خوشنویسان ایران دریافت کرد. وی در سال ۱۳۷۴ با راهنمایی استاد واشقانی، مراحل فوق‌ممتاز خوشنویسی را هم در تهران نزد استاد کرمعلی شیرازی سپری کرد. این هنرمند خوشنویس که جانباز جنگ تحمیلی است، بیش از دودهده مدرس انجمن خوشنویسان اراک بوده و تعداد ۲۵ نفر از هنرجویان را تا مراحل تکمیلی خوشنویسی و دریافت درجه ممتاز تعلیم داده است.

کریمی، زهرا (۱۳۴۷ خ)، فرزند حبیب و بانو صغری، اهل اراک، رتبه برتر دکتری

تخصصی زبان و ادبیات فارسی، نویسنده‌ای است پژوهشگر، مترجم، ویراستار، مدرس و نیز دبیر آموزش و پرورش و مدرس شیوه‌های نوین آموزش نگارش، که در سال ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ به‌عنوان پژوهشگر برتر استان و در سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ هم به‌عنوان دبیر نمونه انتخاب شد. این نویسنده هم‌چنین دارای ۵۵ اثر (تألیف، ترجمه و ویراستاری) و مقالات متعدد است که افتخار عضویت در انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، مترجمان، شورای کتاب کودک، سرای اهل قلم و نیز عضویت سازمان بین‌المللی دانشگاهیان (ISI) را هم دارد.



کریمی، محسن (۱۳۷۰ خ)، فرزند حسین و بانو معصومه، زاده محلات، در ۱۸ سالگی

به فعالیت‌های ورزشی پرداخت و تاکنون ده عنوان کتاب در حوزه تربیت بدنی تألیف کرده که از آن جمله اند: اصول جامعه‌شناسی در تربیت بدنی، مبانی دو و میدانی، مدیریت اوقات فراغت، ورزش‌های تفریحی، مبانی پایه در علم ورزش و هم‌چنین نقش مدیریت بازاریابی در کارآفرینی و افزایش درآمد. محسن کریمی هم‌چنین دارنده نخستین پروانه اشتغال تخصصی روانشناسی ورزشی در استان مرکزی از سازمان نظام روانشناسی است.



کریمی، محمدرضا (۱۳۰۵ خ)، معروف به کدخدا رضا، فرزند علی اکبرخان کدخدا متولد

خمین، پس از درگذشت پدر، کار نمایندگی وراثت حشمتی‌ها و فولادوندی‌ها در منطقه کمره و جاپلق شامل ۳۶ آبادی را تا زمان اصلاحات ارضی برعهده داشت. ایشان به مدت ۱۶ سال عضو و رئیس انجمن شهر و در سال ۱۳۵۳ به مدت ۱۱ سال عضو شورای داوری خمین بود. این شخصیت برجسته، مفتخر به دریافت نشان درجه سه عدالت از طرف شاه ایران می‌باشد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۳۱).



کریمی، محمود (۱۳۰۶-۱۳۶۳ خ)، فرزند ابراهیم و بانو معصومه، اهل تفرش، پس از

تحصیلات ابتدایی وارد هنرستان هنرهای زیبا شد و در رشته نقاشی (مینیاتور) به تحصیل پرداخت و در همان هنرستان استخدام شد. او سپس به بنگاه عمران وابسته به وزارت کشور مأمور شد و پس از دو سال به وزارت دادگستری منتقل و در همان جا بازنشسته شد. وی در سال ۱۳۳۰ وارد کلاس موسیقی تکمیلی هنرهای زیبا شد و در رشته آواز نزد استاد عبدالله دوامی آموزش دید و هم‌چنین دوره سه‌تار و ردیف میرزا عبدالله را نزد استاد محمد ایرانی مجرد^۱ فراگرفت و خود تدریس موسیقی پیشه کرد. شهرام ناظری، حسام‌الدین سراج، پریسا، شکلا، افسانه رسایی، محمد باقریان و سروش ایزدی از جمله شاگردان مشهور او هستند و شاگردانی هم از کشورهای ژاپن، آمریکا و فرانسه در کلاس



^۱. شاگرد میرزا عبدالله فراهانی

وی شرکت داشتند. ایشان در جشن هنر شیراز برای نخستین بار دستگاه راست‌پنج‌گاه را اجرا کرد و برنامه‌هایی را به‌همراه فرامرز پایور و حسین تهرانی در تلویزیون ملی اجرا کرد و قطعه‌ای ضبط شده از صدایش در آرشیو رادیو تلویزیون ملی فرانسه نگهداری می‌شود. «مبانی اتنوموزیکولوژی» و نیز «ردیف آواز موسیقی ایرانی» مهم‌ترین اثر مکتوب این هنرمند برجسته موسیقی است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۴۹).

کریمی، نیکي (۱۳۵۰ خ)، از پدر و مادری **تفرشی** در تهران به دنیا آمد و فعالیت هنری را با بازی در تئاتر مدرسه‌ای آغاز کرد. او پس از پایان تحصیلات متوسطه، با فیلم و سوسه جلوی دوربین رفت، اما نخستین حضور جدی او در سینما، بازی در فیلم عروس بود. این هنرمند برجسته، در چهل و یکمین جشنواره سن سباستین (اسپانیا، ۱۹۹۲ م) برای بازی در «سارا» جایزه بهترین بازیگر زن را به‌طور مشترک دریافت کرد و در همین سال برای همین فیلم (باز هم به‌طور مشترک) از جشنواره سه‌قاره نانت فرانسه جایزه گرفت. او به‌خاطر بازی در فیلم دوزن جایزه بهترین بازیگر زن را از جشنواره تایورمینا ایتالیا (۱۹۹۹ م) دریافت کرد. این بازیگر و فیلم‌ساز ایرانی یکی از هنرمندان تأثیرگذار پس از انقلاب است که با کسب جوایز متعدد از جشنواره‌های بین‌المللی، از موفق‌ترین هنرمندان سینمای ایران از لحاظ تعداد جوایز جهانی به‌شمار می‌رود و نیز در جشنواره‌های مختلف داخلی و بین‌المللی فیلم، به‌عنوان داور حضور داشته و در زمینه عکاسی و ترجمه کتاب نیز فعالیت دارد.



کریمی، یداله (۱۳۴۴ خ)، فرزند شکراله، اهل امام‌زاده یوجان (**خمین**)، تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و نیز محلات گذراند و در گنبد کاووس دبیری خواند. او پس از دریافت لیسانس به‌خمین بازگشت و در کنار تدریس، به هنر تئاتر و نمایش پرداخت. این هنرمند با تبدیل سالن امتحانات کانون به سالن چندمنظوره، در سال ۱۳۷۱، نمایش چهار صندوق بیضایی را کارگردانی و جایزه برتر جشنواره را به‌خود اختصاص داد. وی در سال ۱۳۷۲ وارد دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر شد و کارشناسی ارشد خواند و هم‌زمان در خمین به کارهای هنری ادامه داد و در کلاس‌های آزاد فیلم‌سازی شرکت کرد. نخستین فیلم تلویزیونی این سینماگر، شکوفه‌های باران نام دارد و چندین مقام در زمینه کارگردانی و نویسندگی نمایشنامه بدست آورده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۳۵).

کریمی‌اراکي، اسداله (۱۲۶۸-۱۳۴۴ خ)، فرزند ملاغلامرضا و نوه حاج کریم عطار، تحصیلات مقدماتی و سطوح را در **اراک** گذراند. او سپس به قم رفت و از محضر شیخ عبدالکریم حائری استفاده کرد و در سامرا به تحصیل علوم دینی ادامه داد و به اراک بازگشت. این عالم دینی ضمن فعالیت‌های علمی و فرهنگی اثری مکتوب دارد با عنوان تطبیقات کریمی در پنج جلد که بنابر آنچه از کتاب سیمای اراک نقل شده شامل

اخبار و روایات اسلامی از منابعی چون بحار مجلسی، وافی ملامحسن فیض نراقی کاشانی و کتب اربعه شیعه است و تطبیق آنها با دانش نوین^۱.

کریمی آشتیانی، عباد (زندگی ۱۴۰۲ خ)، نمایشنامه‌نویس، کارگردان و مسوول دفتر انجمن نمایش شهرستان آشتیان و کارگردان نمایش «آن زن در باران آمد» می‌باشد.

کریمی ساروقی، محمدکاظم (۱۳۳۹-۱۳۶۲ خ)، اهل ساروق (اراک)، مشهور به کربلایی کاظم، فرد بی‌سوادى که گفته می‌شود در کرامتى به یک‌باره حافظ قرآن شد و توسط بسیاری از علما، مقامات دولتی و فرهنگیان وقت از جمله سیدحسین طباطبائی بروجردی، سیداحمد خوانساری، سیدصدرالدین صدر، سیدمحمدهادی میلانی، سید عبدالحسین دستغیب، علامه طباطبائی، مکارم شیرازی، آیت‌اله سبحانی و آیت‌اله حائری شیرازی مورد آزمون و تأیید قرار گرفت. دست‌نوشته‌هایی از سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی، عبدالله شیرازی، سیداحمد زنجانی، مکارم شیرازی در تأیید ادعای کربلایی کاظم همراه با اشاره‌هایی به ویژگی خارق‌العاده^۲ او وجود دارد (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۳).



کریمی نورعینی، محمدحسین (۱۳۳۱ خ)، فرزند میرزا ابراهیم و بانو رقیه‌بیگم، زاده روستای نورعین (اراک) و بزرگ شده روستای کودزر، تحصیلات مقدماتی را ابتدا در مکتب خانه و سپس تا پایان سوم راهنمایی در مدارس نوین خواند و به خوشنویسی روی آورد. استادان این شاعر خوشنویس در خط نستعلیق سیدحسن میرخانی و واشقانی فراهانی بوده و خط نسخ را هم از سیداسداله رضوانی آموخت. او که دارای مدرک هنری فوق‌ممتاز است در انجمن خوشنویسان استان تدریس می‌کند و تاکنون بیش از ۵۰ نسخه از کتب معروف از جمله قرآن، حافظ، دیوان پروین (دونسخه)، رباعیات باباطاهر، هاتف و نوادرالامیر را خوشنویسی کرده و هم اکنون در حال کتابت شاهنامه است.



کریمی نیک، ناصر (۱۳۵۳ خ)، فرزند محمد و بانو سرور، تحصیلات مقدماتی را در دبستان خیام، راهنمایی توحید و دبیرستان سهم‌الملک بیات اراک گذراند و در دانشگاه شیراز کارشناسی‌ارشد کارگردانی تئاتر خواند. او از سال ۱۳۶۴ کار هنری خود را در اراک آغاز کرده و تاکنون در جشنواره‌های مختلفی از جمله پنج‌بار حضور در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر،



^۱. اسداله و برادرانش غلامعلی، نصراله و حسین همگی از نامداران قرن اخیر اراک هستند.

^۲. بازگویی شماره و مکان واژگان قرآنی با خواندن آیه، خواندن وارونه، تشخیص آیات در میان سایر عبارات با دست‌خط یک‌نواخت و ... از ویژگی‌هایی است که در مورد ایشان گفته شده است.

جشنواره تئاتر دفاع مقدس و بسیاری دیگر حضور یافته است. این سینماگر نویسنده، در حوزه‌های مختلف ادبیات، شعر، داستان و نمایشنامه و بویژه اجرا بسیار فعال است و تاکنون ۲۴ عنوان کتاب منتشر کرده و در حوزه نمایشنامه‌نویسی هم بیش از ۶۵ نمایشنامه نوشته و چهل نمایش را هم به‌روی صحنه برده است.

کزازی، آقاخان (قرن ۱۳)، اهل کزاز (شازند)، سردار نظامی که در اوایل قرن سیزدهم هجری، فرماندهی فوج کزاز را عهده‌دار بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۴).

کزازی، حبیب‌اله (زندگی ۱۲۴۳ خ)، فرزند حیدر، متخلص به حزین کزاز (سرچال) اهل کزاز (شازند)، در اواخر قرن سیزدهم می‌زیسته و شاعری بوده با طبع روان و دیوان شعری دارد که در سال ۱۲۴۳ به‌پایان رسیده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۹).

کزازی، حقوردی‌بیگ (قرن ۱۲)، فرزند حمزه‌بیگ، از اهالی کزاز (شازند)، در اواخر قرن دوازدهم حاکم کزاز بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۵).

کزازی، سیدحسن (۱۲۴۸ خ)، فرزند سیداسماعیل اجاق، اهل شازند، عالم دینی و از دانشمندان و علمای عصر خود بود و در دوره ۵ مجلس شورای ملی به نمایندگی مردم کرمانشاه انتخاب شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۲).

کزازی، سیدحسین (۱۲۵۱-۱۳۰۲ خ)، فرزند سیدحسن، کنشگر سیاسی و از پیشقراولان مشروطیت و در دوره ۲ و ۳ مجلس شورای ملی نمایندگی مردم کرمانشاه را داشت و در سال ۱۳۰۲ در یک زدوخورد حزبی در کرمانشاه کشته شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۲).

کزازی، عباسعلی (درگذشته ۱۲۴۲ خ)، فرزند محمد، در سال‌های پایانی نیمه نخست سده دوازدهم در روستای کزاز (شازند) به‌دنیا آمد و پس از کسب تحصیلات دینی، برای تبلیغ به شهر کرمانشاه رفت. این عالم دینی کتابی دارد که به نام شاهزاده محمدعلی میرزا تصنیف کرده و در مباحث فقهی است. سیدمحمد شفیع جابلقی، از شاگردان اوست (محتاط، ۱۳۷۲: ۸۸).

کزازی، علی (درگذشته ۱۲۲۳ خ)، فرزند ربیع‌خان، از اهالی کزاز (شازند) و از کارگزاران دوره قاجار بود که مورد غضب فتحعلی‌شاه قرار گرفت و اموالش مصادره شد، ولی در زمان محمدشاه مورد دلجویی واقع شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

کزازی، غلامرضا (۱۳۴۲ خ)، معروف به بهزاد، در خانواده‌ای کزاز (شازند) در تهران زاده شد. او لیسانس نقاشی، دبیر رسمی آموزش و پرورش، مدرس انیمیشن، عکاسی، نقاشی و مجسمه‌سازی از سال ۱۳۶۵ و هم‌چنین عضو هیأت مدیره انجمن طراحان خانه سینماست. از جمله فعالیت‌های وی می‌توان به نویسندگی و کارگردانی انیمیشن «قلب مترسک»، فیلم ویدئویی «تکمچی» به‌عنوان طراح صحنه‌ولباس، سریال «در چشم باد» به‌عنوان طراح صحنه‌ولباس، فیلم ویدئویی «بچه‌های ابری» و... اشاره کرد.

کزازی، محمد (درگذشته ۱۳۰۲ خ)، اهل کزاز (**شازند**)، از آزادی خواهان دوره مشروطیت بود که در سال ۱۳۰۲ ترور شد. او هم‌چنین مؤسس مدرسه دخترانه‌ای در کرمانشاه بوده است.

کزازی، محمد (قرن ۱۳)، اهل **شازند**، عالمی عامل و فقیهی کامل، پدرانش از خوانین و متمولین کزاز بودند و خود او نیز تا اوایل جوانی در کزاز به همان راه نیاکان خویش بود تا اینکه محقق قمی صاحب قوانین، سفری به کزاز کرد و خواهر او را به همسری برگزید. در پی این اتفاق، محمد هم مشغول تحصیل علوم دینی شد و به کاشان و نراق رفت و از محضر درس سید احمد فاضل‌نراقی بهره‌مند شد. این عالم دینی، هم‌چنین واقف بزرگی هم بوده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۲).

کزازی، محمدابراهیم (قرن ۱۳)، فرزند حاج زین‌العابدین، اهل **شازند**، عالم دینی و دانشمند بزرگ دوره ناصرالدین‌شاه قاجار بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۲).

کزازی، محمدرفیع (درگذشته ۱۲۶۲ خ)، فرزند عبدالمحمد، اهل **شازند**، از شاگردان میرزا حبیب‌اله رشتی است. این عالم دینی هم‌چنین نویسنده «بکالین» در موضوع مصائب امام حسین و نیز رساله دیگری در باب اجتهاد است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴۴).

کزازی، محمدهادی (زندگی ۱۲۰۲ خ)، متخلص به محتاج، از اهالی کزاز (**شازند**) است که در نیمه اول قرن سیزدهم می‌زیسته و از هنرمندان خوشنویسی است که به کتابت اشتغال داشته و نیز شاعر هم بوده است. محتاج اکثر دیوان شعرای بزرگ پارسی‌گو را خوشنویسی و تصحیح کرده که از آن جمله است *خمسه نظامی* که در سال ۱۲۰۲ تحریر کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۹).

کزازی، میثم (زندگی ۱۴۰۲ خ)، نویسنده، کارگردان و آهنگ‌ساز که فیلم «چه زود عادت می‌کنیم» به نویسندگی و کارگردانی او برنده بهترین کارگردانی فستیوال وروناى ایتالیا شد و در مجموعه کلاه قرمزی ۹۴ طراح صحنه بود.

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۲۷ خ)، در کرمانشاه و خانواده‌ای اهل کزاز (**شازند**) زاده

شد که برای ساخت حوزه علمیه به کرمانشاه مهاجرت کرده بودند. پدرش سیدمحمود نام داشت و جد پدری‌اش سیدحسین کزازی رئیس اداره معارف کرمانشاه بود. او دوره دبستان را در مدرسه اتحاد یا آلیانس کرمانشاه گذراند و از دبیرستان رازی دیپلم گرفت و آنگاه برای



ادامه تحصیل در رشته زبان و ادب فارسی به تهران رفت و به سال ۱۳۷۱، پایان‌نامه دکتری خود را با نام *نمادشناسی در شاهنامه* نوشت. این عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، افزون بر زبان فرانسوی که از سالیان خردی با آن آشنایی یافته است، با زبان‌های اسپانیایی، آلمانی و انگلیسی نیز آشناست و تاکنون ده‌ها کتاب و نزدیک به ۳۰۰ مقاله نوشته است و در همایش‌ها و بزم‌های علمی و فرهنگی بسیاری در ایران و دیگر کشورها سخنرانی کرده و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به آموزگاری ایران‌شناسی و زبان فارسی در اسپانیا

سرگرم بوده است. کزازی از سال‌های نوجوانی، نوشتن و سرودن را آغاز کرد و در همان سال‌ها با هفته‌نامه‌های کرمانشاه همکاری داشته و آثار خود را در آن‌ها به چاپ می‌رسانید و نخست «اکرام» تخلص می‌کرد، اما پس از مدتی تخلص خود را به «زُروان» تغییر داد. نخستین مجموعه شعر کزازی «پیروزی خون بر شمشیر: برگی چند از ادبیات انقلاب اسلامی ایران» نام داشت که در سال ۱۳۵۹ منتشر شد.^۱

کشاورز، امین (۱۳۶۰ خ)، از ۷ سالگی در **اراک** ساکن شد و در سن ۱۰ سالگی نواختن

ساز تنبک را به‌عنوان نخستین گام در دنیای موسیقی شروع کرد. او از سن شانزده‌سالگی آموزش تار در محضر استاد فکوری را آغاز کرد و در سال ۱۳۸۰ کارگاه ساخت تار با کمک پدر و برادرش راه‌اندازی کرد و بجز تار، به ساختن سازهای مهجوری مانند رباب و قیچک هم مبادرت ورزید که برای ساز قیچک موفق به دریافت نشان اصالت جهانی یونسکو شد. او همچنین برای ساخت تار و قیچک مهر اصالت ملی دارد.



کشاورز، وحید (۱۳۴۷ خ)، در سال ۱۳۶۸ از خرم‌آباد به **اراک** آمد و در اصفهان برق صنعتی خواند. او همچنین در هنرستان موسیقی اصفهان از استاد هادی منتظری و در تهران از محضر علی‌اکبر شکارچی، کمانچه‌نوازی آموخت و در محضر استاد خوش‌الحان در شهر اراک آموخته‌های خویش را تکمیل کرد. ساخت کمانچه پشت‌مشبک از ابداعات اوست. همچنین روش ساخت کاسه‌های ساز کمانچه پشت‌بسته را برخلاف روش متداول جوشاندن چوب و قالب‌گیری، به‌روش برش‌وتراش چوب خام انجام داد. این روش در ساخت ساز کمانچه مورد توجه اهل فن قرار گرفت و باعث شد ساخت این ساز را به‌صورت حرفه‌ای پیشه اصلی خود سازد. وی عضو کانون سازسازان خانه موسیقی ایران و انجمن موسیقی استان مرکزی است و در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ رئیس انجمن موسیقی استان مرکزی بوده و در سال ۱۳۸۷ برای ساخت ساز کمانچه پشت مشبک، موفق به دریافت مهر اصالت یونسکو و تقدیرنامه چهارمین جشنواره موسیقی استان مرکزی شد.

کشاورز صدر، سیدمحمدعلی (درگذشته ۱۳۵۱ خ)، فرزند سیدمحمد حسین

(بهادرالملک)، اهل **خمین** و از مالکان کمره و محلات، تحصیلات مقدماتی را در دبستان قدسیه و متوسطه را در دبیرستان ادب گذراند. او همچنین فنون ادب و علوم فقه و قضا را فرا گرفت و در سال ۱۳۱۲ به خدمات قضایی وارد شد. ایشان پس از مدتی ریاست دادگاه



های اصفهان، ریاست دادگستری کاشان، سمنان، ساوه و سپس بازرسی قضایی و مستشاری دادگاه استان تهران را عهده‌دار شد. وی پس از نمایندگی مردم خرم‌آباد در دوره ۱۵ مجلس شورای ملی به معاون نخست‌وزیری و مدیرکل تبلیغات و انتشار منصوب شد و سپس استانداری تهران، گیلان و اصفهان را هم تجربه کرد. مکتب سعدی، زنانی که به‌فارسی شعر گفتند، عقاب کمازان، آیین دادرسی مدنی و نیز آیین

۱. ایشان را در نشست نهایی تعیین روز اراک دعوت کردم و در سالن جلسات شهرداری سخنرانی کرد.

دادرسی کیفری از آثار مکتوب این دولتمرد، شاعر و نویسنده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۲۵).

کشاوری صدر، سید هوشنگ (قرن ۱۴)، فرزند سید محمدعلی، اهل خمین، عضو کانون نویسندگان ایران و از امضا کنندگان نامه سرگشاده کانون نویسندگان به نخست‌وزیر وقت در سال ۱۳۵۶ است. مفاد این نامه در مورد آزادی آفرینش فکری و هنری و آزادی بیان و اندیشه، درخواست ثبت رسمی کانون نویسندگان ایران، رفع مانع در راه تأسیس محل یا باشگاه اعضای کانون و نیز صدور مجوز انتشار نشریه از سوی کانون بود. ایشان یکی از اعضای هیأت ناظر بر امور اجرایی جبهه ملی بود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۳۰).

کشمیری، احمد (۱۳۱۵ خ)، فرزند محمد و بانو حبیبه، متولد اراک، متخلص به



«دلبسته» یکی از اعضای قدیمی و فعال انجمن ادبی نور اراک است. او تحصیلات خود را تا دیپلم در این شهر ادامه داد و در سال ۱۳۳۰ به استخدام شرکت کمباین‌سازی ایران در آمد. کشمیری از همان اوان کودکی علاقه زیادی به علم و دانش بویژه هنر شعر داشت و از همین روی با تهیه دیوان شعرای معاصر هم‌چون ملک‌الشعرا بهار، استاد شهریار، رهی معیری، ایرج‌میرزا و امیری‌فیروز کوهی به خوانش و حفظ اشعار آنها پرداخت و همین انس مداوم با شعر و شاعران باعث شد تا پس از چندی، خود نیز به طبع آزمایی بپردازد و بدین ترتیب اندک‌اندک قدم در راه سرایش نهاد و این مسیر را تا بدانجا ادامه داد که امروز یکی از شاعران توانا و اعضای فعال انجمن ادبی نور است و کتابی از گزیده اشعار خود را نیز در دست انتشار دارد. کشمیری هم‌چنین مجموعه‌ای از اشعار برگزیده شاعران گردآوری کرده که امید می‌رود در آینده‌ای نه‌چندان دور منتشر و در اختیار علاقه‌مندان فرهنگ و ادب قرار دهد.

کشه‌فراهانی، علی (۱۳۵۷ خ)، فرزند احمد و بانو بتول، اهل روستای کشه (تفرش)،



نویسنده و مترجم کتب ورزشی (فوتبال) در سن پنج سالگی به همراه خانواده به آشتیان مهاجرت و در همین شهر به تحصیل پرداخت. او با اینکه تحصیلات دانشگاهی ندارد، ولی علاقه به نوشتن دارد و هم‌چنین فوتبال او را بر آن داشت تا در مورد این ورزش مهیج به تحقیق و پژوهش بپردازد و در این راه از تجارب ارزشمند استادان دانشگاه آزاد آشتیان و نیز استاد صادق حضرتی نویسنده و پژوهشگر پیشکسوت بهره گیرد. این کارمند دانشگاه آزاد آشتیان در نخستین جشنواره نماز دانشگاه آزاد استان و در بخش شعر کلاسیک حائز رتبه سوم شد و در سال ۱۳۹۸ نخستین اثر با عنوان «چهل و چهار راز عالی در فوتبال» را ترجمه کرد و با توجه به استقبال خوب از این اثر، کتاب دوم را در سال ۱۴۰۰ با عنوان «چهل و چهار راز گلزنی و مروری بر هوش مصنوعی در فوتبال» از زبان انگلیسی به زبان فارسی برگرداند. او هم‌اکنون مشغول آماده‌سازی و انتشار کتاب جدیدی در زمینه ورزش می باشد.

کمال آبادی، سینا (۱۳۵۹ خ)، زاده **اراک**، نویسنده، مترجم و پژوهش‌گر حوزه اسطوره

شناسی است که تاکنون چندین کتاب ترجمه شعر از وی منتشر شده است. او گرچه شاعر نیست، ولی مترجمی است که شعر را خوب می‌شناسد و بیش از یک دهه حضور فعالش در عرصه ترجمه شعرهای جهان، نشان از همین مدعاست. «ریچارد براتیگان»، «آن سکستون»، «بوکوفسکی»، «واسکوپوپا»، «مارین سورسکو»، «یانیس ریتسوس» از جمله شاعرانی هستند که آثارشان توسط وی ترجمه شده است.



کمالان ساوجی، تاج‌الدین (قرن...)، اهل **ساوه**، بنا بر روایت زکریا قزوینی در آثارالبلد (تألیف ۶۱۲-۶۵۴ خ)، این عالم دینی، در علوم اصول و شریعت و نیز در علم کلام، سرآمد دوران خود بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۲۰۵).

کمال حسینی، سیدابراهیم (۱۳۴۲ خ)، فرزند سیدعباس و بانو عفت، تحصیلاتش را

در دبستان عسجدی و راهنمایی داریوش گذراند و از دبیرستان ۱۷ شهریور **ساوه** دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه آزاد ساوه کارشناسی روانشناسی و ارشد زبان‌و ادبیات فارسی خواند. باباکمال ساوجی نظر به علاقه‌ای که به ادبیات و شعر و شاعری داشت، قدم در وادی نویسندگی نهاد و «استونی قاقوستونی» نخستین کتاب او داستان پسری که طی سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۱۰ در ساوه زندگی می‌کرده را روایت می‌کند. «سووه قدیم» شامل ۱۲۰۰ بیت شعر به گویش ساوجی، «دیوان شعر» و «رمان سعید و سعیده» را در دست چاپ دارد. وی همچنین در شهرداری ساوه مشغول به کار بوده و در تاسیس مجتمع فرهنگی ورزشی شهرداری ساوه (زورخانه و باشگاه‌های ورزشی) در دهه ۱۳۶۰ نقش‌آفرین بوده است.



کمال‌فر، اسماعیل (۱۳۶۰ خ)، متولد **اراک**، فرزند حجت‌اله و بانو افخم، مقطع ابتدایی

را در مدرسه هاجر و راهنمایی را در مدرسه توحید ۲ گذراند و از دبیرستان شهیدمدرس دیپلم گرفت. عموکمال از ۱۶ سالگی و با یادگیری یکی از آلات موسیقی وارد به وادی هنر ورود کرد و از سال ۱۳۷۸ با ساخت موسیقی در رادیو اراک مشغول به کار شد. فعالیت هنری وی پس از سربازی در صداوسیما مرکز اراک بیشتر شد و امروز به‌عنوان تهیه‌کننده و مجری طرح سریالهای مختلف، دستیار کارگردان و دستیار برنامه‌ریز تله‌فیلم در حال فعالیت است. او که از دانشگاه علمی کاربردی فرهنگ و هنر، کارشناسی امور فرهنگی دارد، از سال ۱۳۸۸ برنامه زنده گلدونه‌ها (ویژه کودکان) را در شبکه آفتاب به‌صورت زنده و مستقیم اجرا می‌کرد، در سال ۱۳۹۷ در جشنواره سیمای استانها به‌عنوان برترین مجری برنامه‌های اصلی برگزیده شد. اجرا، آهنگسازی تیتراژ، ساخت موسیقی متن، دستیار تهیه،



^۱. دوره زندگانی وی پیش از قرن هفتم بوده و سال دقیق آن مشخص نیست.

کنداکتورنویس و صدابردار پخش برخی دیگر از توانمندی‌های اوست و در حال حاضر درگیر پیش تولید سریال وطن‌پور هست که به زندگی نخستین خلبان شهید هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران به نام سرلشکر خلبان شهید منصور وطن‌پور که اصالتاً اراکی است مشغول است.

کمالی، سیدمحمد (۱۳۲۶-۱۳۹۹ خ)، فرزند اسداله و بانو عذرا، متولد اراک که از دبیرستان صمصامی دیپلم و از دانشکده حقوق قم لیسانس گرفت. او مدت ۴ سال رئیس دادگستری شهر تویسرکان بود و پس از بازنشستگی در دفتر کار خود به افراد نیازمند به‌طور رایگان خدمات حقوقی ارائه می‌داد. کمالی دارای بزرگترین کتابخانه شخصی اراک بود.

کمالی‌بندامیری، علی (۱۳۲۳-۱۳۷۵ خ)، فرزند علی‌اکبر، اهل روستای بندامیر بخش خرقان (زندیه)، تحصیلاتش را در مکتبخانه زادگاهش گذراند و به تهران رفت و کلاس پنجم را در تهران و کلاس ششم و نیز متوسطه اول را مجدداً در ساوه گذراند و متوسطه دوم را هم در دارالفنون تهران پشت سر نهاد. ایشان در سال ۱۳۴۹، در رشته «حقوق قضا» لیسانس و سپس در «علوم جزا» ارشد گرفت. این شاعر و نویسنده کتابی به نام «نقله» و یک کتاب دیگر به نام «انقلاب» نوشته و تدریس در دانشکده افسری و نیز وکالت هم پیشه او بود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۷۴). **کمالی ساوجی** (قرن...)، از شعرای اهل ساوه است که در «فرهنگ سخنوران» از وی نام برده شده و اطلاعات بیشتری به دست نیامد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۷۷).



کمالی‌نهاد، علی‌اکبر (۱۳۵۴ خ)، فرزند صدراله و بانو رقیه، زاده کمال‌آباد (اراک)، دکتری زبان‌وادبیات فارسی از دانشگاه اراک، استادیار دانشگاه فرهنگیان، عضو مدعو دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی، عضو پیوسته انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی - آموزشی معلمان زبان‌وادبیات فارسی کشور و نویسنده ۲۹ عنوان کتاب و ده‌ها مقاله علمی پژوهشی است که چشمه‌سار اندیشه (فرهنگ و ادبیات در استان مرکزی)، آموزش داستان‌نویسی، آموزش پایان‌نامه نویسی، نقش خیال (شناخت‌نامه شعرای فرهنگی استان) و راهنمای عملی مقاله‌نویسی از جمله آن‌هاست.



کمانی، روح‌اله (۱۳۵۸ خ)، اهل روستای لکان (خمین) از سال ۸۲ با تئاتر وارد عرصه بازیگری شد. او که کارشناسی ارتباطات دارد از بازیگران بی‌حاشیه سینماوتلوویزیون است که نخستین بار در سال ۱۳۸۴ و در ۲۶ سالگی با سریال حس سوم بکارگردانی مهدی فخیم‌زاده دیده شد. این سینماگر خمینی با بازی در سریال هوش‌سیاه به کارگردانی مسعود آب‌پرور به شهرت رسید.





کمانی، نقی (۱۳۵۴خ)، اهل **خمین**، عضو تیم جانبازان و معلولین کشور است که فعالیت ورزشی خود را از سال ۱۳۶۲ آغاز و بعد از یک وقفه ۱۲ ساله فعالیت دوباره خود را شروع و در مسابقات فوتبال جام طلایی مسکو (۱۳۷۹) با شکست تیم‌های روسیه، المپیک روسیه و اوکراین به مقام قهرمانی رسید. این جانباز قهرمان، در سال ۱۳۸۰ در جام جهانی فوتبال انگلستان بین سیزده کشور، مقام چهارم را کسب کرد و در جام طلایی مسکو از میان تیم‌های اسپانیا، هلند، آرژانتین، استرالیا، برزیل، روسیه و المپیک روسیه هم به مقام قهرمانی رسید (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۳۷).

کمپانی، علی‌اکبر (زندگی ۱۲۸۵ خ)، از بازرگانان معروف **اراک**، کنشگر سیاسی و عضو انجمن اعتدالیون و از آزادی‌خواهان دوره مشروطیت بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۳).

کمپانی، محمد (۱۲۳۰-۱۲۸۵خ)، فرزند محمدحسین عراقی، نخستین بازرگانی که از اراک به‌صورت مستقیم با خارج از کشور دادوستد داشت و قالی دست‌بافت صادر می‌کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۳).

کمره‌ای، بتول (۱۲۷۵-۱۳۶۵ خ)، معروف به خانم نوبخت، فرزند سیدمحمد، از مبارزان دوره مشروطه و نیز طرفدار دکتر مصدق بود و به تشکیلات آنها کمک می‌کرد. این بانوی نیکوکار اهل **خمین** که صاحب فرزند نشد، ضمن تربیت دو دختر خوانده و یک پسرخوانده با تحصیلات عالی، املاکش را هم وقف بیمارستان فیروزآبادی تهران کرد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۴۱).

کمره‌ای، بوداق (قرن ۱۱)، مشهور به سلطان‌بوداق، اهل کمره (**خمین**)، از امرای دوره شاه‌سلطان سلیمان صفوی است که شاعری به‌نام «زیرا» در خدمتش بوده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۶۱).

کمره‌ای، تقی (قرن...)، شاعری در منطقه کمره (**خمین**)، بوده که فی‌البداهه و به مقتضای طبع موزون شعر می‌سروده است که بیت نخست از اشعار وی مندرج در کتاب سمیعی تقدیم می‌شود: ای به رویت گشاده دولت قال / وی تو تفسیر آیت اقبال (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۴۷).

کمره‌ای، حبیب (زندگی ۱۲۸۵ خ)، فرزند باقر، از شخصیت‌های برجسته **خمین**، کنشگر سیاسی و از افراد مشروطه‌خواه بوده است.



کمره‌ای، خلیل (۱۲۷۷-۱۳۶۳ خ)، فرزند ابوطالب، اهل روستای فرنق (**خمین**)، تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش نزد ملامحمد و علی‌اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای خواند. این فیلسوف معاصر که بیشتر به‌سبب تلاش در جهت اتحاد مذاهب اسلامی شناخته می‌شود، تحصیلات خود را در حوزه علمیه اراک و قم نزد عبدالکریم حائری ادامه و در درس میرزا جواد ملکی‌تبریزی، عباس قمی و حجت کوه‌کمره‌ای شرکت کرد و به درجه اجتهاد رسید. معروفترین کتب

^۱ در کاظم‌آباد جاپلق، طایفه‌ای به نام بوداقی هست که احتمالاً از اعقاب وی باشند.

وی «افق وحی»، «شرح نهج البلاغه (آسمان و جهان)»، «قبله اسلام»، «عنصر شجاعت یا ۷۲ تن و یک تن» و «بیت المقدس و تحول قبله» است. پاسخ‌های وی به ۱۲ سؤال فلسفی و اتیکان به نظم و به صورت کتاب منتشر شده است. ایشان به نمایندگی از طرف آیت‌اله بروجردی به قاهره رفت و از محمود شلتوت مفتی اعظم و رئیس دانشگاه‌الازهر مصر به خاطر فتوای تاریخی‌اش مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه دوازده امامی تشکر کرد. وی بیش از سه دهه امام جماعت مسجد فخرالدوله در تهران بود و به مدت ۵ سال در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در مقطع دکتری تدریس کرد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۵۲).
کمره‌ای، سیدعلی (درگذشته ۱۲۸۰ خ)، اهل کمره (خمین)، هنرمند خوشنویس و خطاط ماهری بوده که در نوشتن خط نستعلیق استاد بوده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۴۷).

کمره‌ای، سیدمحمد (زندگی ۱۲۸۵ خ)، فرزند سیدمهدی، اهل خمین، از اعضای بلندپایه حزب دموکرات در دوره مشروطیت بود که پس از مدتی با یارانش، گروه جدیدی به نام دموکرات‌های ضد تشکیلاتی ایجاد و روزنامه «ستاره ایران» را ارگان خود ساخته و برضد تشکیلات حزب دموکرات مبارزه کردند. ایشان با سید بهبهانی در رابطه با مشروطیت موافق بود، ولی با فضل‌اله نوری مخالفت می‌کرد. او به همراه جمعی از مخالفان در سفارتخانه آمریکا به ملاقات سفیر رفته و در مخالفت با انعقاد قرار داد ۱۹۱۹ و پیشنهاد سفیر انگلیس به سیدمحمد کمره‌ای برای صدارت و رئیس‌الوزرای، اظهار داشت: بله من موافق هستم رئیس‌الوزرا بشوم مشروط به اینکه شما در کار مملکت ما دخالت نکنید (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۵۵).



کمره‌ای، صدرالعلما (زندگی ۱۲۸۷ خ)، از سادات میشیجان و از علما و بزرگان کمره (خمین)، در دوران قاجار بود که پس از به توب بستن مجلس توسط محمدعلیشاه با مخایره تلگرافی، ارادت خود را به شاه اعلام کرد. این شخصیت برجسته هم‌چنین نفوذ زیادی در رده‌های بالای حکومتی داشت و در حیات سیاسی/ اجتماعی منطقه تأثیرگذار بود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۶۸۳).

کمره‌ای، علیخان (درگذشته ۱۳۲۲ خ)، فرزند علیقلی‌خان سرهنگ، رئیس فوج کمره (خمین)، بود و به پیشنهاد علا السلطنه وزیر داخله وقت، مورد لطف ملوکانه احمدشاه، قرار گرفت و لقب سالارمحتشم دریافت کرد. گاراژ محتشمی، نانوايي شهر خمین و بويژه قلعه سالارمحتشم که پناهگاه مردم هنگام حمله و غارت دزدان و اشرار بود، از یادگاران اوست. روزنامه خاطرات سالار محتشم و نیز مجموعه عکس‌هایی از وی به یادگار مانده که در قلعه موجود است. وی که شاعر هم بوده، اشعاری در قالب مرثیه و نوحه دارد و نیز نمایندگی بلديه کمره را در سال ۱۲۷۰ برعهده داشته است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۶۲).



کمره‌ای، علینقی (۹۲۵-۱۰۰۰ خ)، معروف به علی‌نقی بن ابوالعلا و نیز ملقب به «زین‌الدین» و «عزیز‌الدین»، نویسنده و شاعر ایرانی عصر اول صفوی است. او در کمره (خمین) زاده شد و در کاشان به

تحصیل پرداخت و در سرودن انواع شعر بویژه ماده تاریخ در زمان پادشاهی عباس یکم شهرت یافت و نزد او گرمی داشته می شد. او سپس از نزدیکان اعتمادالدوله گشت و با وحشی بافقی، محتشم نراقی کاشانی، میرداماد و شیخ بهایی معاشرت داشت. دیوان شعر او بالغ بر پنج هزار بیت است و ترکیب بند «پدر در سوگ مرگ پسر» از ایشان است. حدودالعالم، حرمت دخانیات، نمازجمعه در زمان غیبت، مناسک حج، المقاصدالعالمیه فی الحکمه الیمانیه و هم چنین مسار الشیعه از اوست (محتاط، ۱۳۷۲: ۹۰).

کمره‌ای، فرزند (زندگی ۱۳۲۰ خ)، از سرداران نظامی و از رجال علمی کمره (خمین) بود که در دوران پهلوی اول و دوم پیشرفت زیادی کرد. فرزندان سرهنگ فرزند یعنی سیامک و امان اله با درجه سرهنگی از آلمان، فتح اله دکترای پزشکی از فرانسه، محمدحسن مدیرکل دارایی و منوچهر فرزند هم درجه سرتیپی داشت و آجودان شاه شد و دخترش معصومه نیز همسر سرلشکر علوی بود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۹۳).

کمره‌ای، محمود (۱۳۳۲ خ)، کارشناس ارشد برق، مخابرات، الکترونیک، الکترومخابرات و نویسنده ۴ عنوان کتاب، ۶۶ عنوان مقاله بین المللی و ۱۵ مقاله داخلی، طراحی و بومی سازی توپک هوشمند MFL برای بازرسی خطوط لوله نفت و گاز و مسوولیت های اجرایی از جمله رئیس پژوهشکده فناوری های همگرای دانشگاه تهران، رئیس دانشکده علوم و فنون نوین و عضویت در مجامع ملی و بین المللی مهندسين برق را در کارنامه دارد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۴۷).



کمره‌ای، محمدباقر (۱۲۸۰-۱۳۷۵ خ)، فرزند محمد، اهل ورآباد (خمین)، از نوجوانی ضمن کشاورزی در ورآباد، تحصیل علوم دینی را هم آغاز کرد و در حوزه علمیه اراک، قم، اصفهان و نجف ادامه داد و در شهر ری ساکن شد. او نخستین مدرسه زادگاه خود را در سال ۱۳۲۵ با نام «دبستان مولوی ورآباد» بنیان نهاد. ایشان در جنبش ملی کردن صنعت نفت، نقش آفرین بود و هم چنین در کنگره جهانی صلح در وین حضور داشت. بیش از ۸۰ عنوان کتاب از این عالم دینی مشهور به پژوهش به یادگار مانده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۴۱).



کمره‌ای، مرتضی قلی (درگذشته ۱۲۸۸ خ)، فرزند علیخان، اهل خمین، سرتیپ کمره‌ای و برادر علی قلی خان سرهنگ و آقا میرزا کریم خان بود. ایشان از سرداران نظامی والامقام دربار سلاطین قاجار و در دربار ناصرالدین شاه یاور آجودان باشی بوده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۳۲۹).

کمره‌ای، میرزا آقا (قرن ۱۳)، از هنرمندان خوشنویس کمره (خمین) بوده و کتاب شمس المناقب اثر سروش اصفهانی حاوی قصایدی در مدح و منقبت پیامبر اسلام و ائمه اطهار را خوشنویسی کرده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۴۷).

کميجانی، اکبر (۱۳۳۰ خ)، فرزند صمد و بانو عالم، اهل **کميجان**، تحصیلاتش را در

دبستان مولوی و دبیرستان خرد گذراند و از دبیرستان کامکار قم دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه تهران و در رشته تعاون لیسانس گرفت و به آمریکا رفت و از دانشگاه ویسکانسین - میلواکی ارشد اقتصاد پولی و سپس در سال ۱۳۶۳ دکترای اقتصاد پولی، اقتصاد بین‌الملل



و اقتصادسنجی دریافت کرد. او در بازگشت به ایران به تدریس پرداخت. اقتصاددان، استادتمام دانشگاه تهران و رئیس وقت بانک مرکزی، دارنده نشان درجه سه دانش و پژوهشگر برتر علوم انسانی، تربیت شاگردانی چون علی طیب‌نیا، فرهاد دژپسند، فرهاد رهبر، الیاس نادران، غلامرضا تاجگردون، هادی حق‌شناس، یداله دادگر، تیمور رحمانی، سیدحسین میرجلیلی و بسیاری دیگر و تألیف دو کتاب «اصول و معیارهای تخصیص ارز در راستای تحقق اهداف اقتصاد کلان» و «سیاستهای پولی مناسب در راستای تثبیت فعالیتهای اقتصادی» را در کارنامه دارد.

کنگرانی‌فراهانی، سعید (۱۳۳۳-۱۳۹۷ خ)، از یک خانواده‌ای **فراهانی** در تهران متولد

شد و از کودکی در صحنه تئاتر وارد شد و سپس در تئاتر شهرقصه به ایفای نقش پرداخت. نخستین حضور حرفه‌ای این سینماگر در فیلم رضاموتوری بود و سپس با موج نو سینمای ایران همراه شد و برای کارگردان مطرحی چون داریوش مهرجویی در فیلم دایره مینا بازی کرد. سریال دایی جان ناپلئون در تلویزیون و فیلم سینمایی در امتداد شب از کارهای شاخص اوست.



که بالغ بر ۲۲۰۰ بیت است (ولاشجردهی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۷۵).

کهکی محلاتی، ابراهیم (زندگی ۱۱۹۸ خ)، فرزند نقی، عالم، فقیه و متبحر در اصول فقه و از شخصیت‌های علمی نیمه اول قرن ۱۳ هجری و ساکن روستای کهک (**محلات**) بوده که ظاهراً در فقر شدیدی به سر می‌برده است. این عالم دینی آثاری دارد که از آن جمله‌اند: کتاب «جنه‌المعارض» در اصول فقه که آن را در سال ۱۱۹۸ به پایان رسانده است.

کوشا، سیدکاظم (۱۲۸۵ خ)، زاده روستای گوگد گلپایگان است که در سیزده‌سالگی به **اراک** آمد و ۳ سال در حوزه اینجا تحصیل کرد و به‌همراه آیت‌اله حائری به قم رفت و پس از مدتی در اصفهان ادامه تحصیل داد و دوباره به قم بازگشت و هفت سال در محضر آیت‌اله حائری و یشری کاشانی و سیدابوالحسن قزوینی به آموخته‌هایش افزود. او در سن ۲۷ سالگی به اراک آمد و اقامه جماعت مسجد حاج‌تقی‌خان را عهده‌دار شد. وی که از علمای دینی برجسته **اراک** و مسلط به زبان‌وادبیات عرب بود، به‌مدت سی سال در این شهر ماند و در سال ۱۳۴۱ به تهران رفت (ولاشجردهی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۶۰).

کوکبی ساوجی، احمد (۱۲۹۷ خ)، فرزند محمدرضا، اهل ساوه، از دوران کودکی علاقه

زیادی به امور هنری از جمله موسیقی، نقاشی و شعر داشته و به همین دلیل در این مسیر گام نهاده و ضمن تحصیل، اشعارش در نشریات چاپ می‌شد و در غزلیاتش همواره سایه‌ای از عرفان و درویشی مشاهده می‌شود. این هنرمند خوشنویس، شاعر، مبتکر و مبدع از سال



۱۳۲۸ به‌عنوان خواننده، وارد رادیو شد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۸۰).

کوهپایه‌ای عراقی، محمد (۱۳۵۸-۱۳۰۷ خ)، فرزند احمد، اهل اراک، پس از گذراندن دوره اول

دیپلستان، شغل آموزگاری پیشه کرد و با ادامه تحصیل در سال ۱۳۴۶، موفق به دریافت لیسانس در رشته آموزش ابتدایی شد. او که علاقه‌مند به حوزه ادبیات و تحقیق بود، نخستین کار مطبوعاتی خویش را با سردبیری «هفته‌نامه اهرام» که امتیاز آن متعلق به برادرش محمود بود شروع کرد و در ادامه کتابخانه شایسته‌ای تدارک دید. پس از تأسیس دانشگاه اراک، تدریس در دانشگاه را هم عهده‌دار شد و هم‌زمان، مقالات تحقیقی خود را در مجله «دانش روز» منتشر می‌کرد. این نویسنده پس از انقلاب به تهران رفت و متأسفانه توسط گروه‌های تندرو ترور شد (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۴۱۴).

کوهی، صفرعلی (زندگی ۱۴۰۲ خ)، اهل اراک، در شبکه استانی نویسندگی، کارگردانی و

بازیگری کرده و سپس در مجموعه‌هایی مانند آروزهای شیرین، دفترخانه شماره ۱۳، سال‌های مشروطه، ساختمان پزشکان، شمع‌دونی و پژمان، به‌عنوان بازیگر حضور داشته است.



کوهینی، محمدرحیم (زندگی ۱۲۷۲ خ)، فرزند محمدرحمن، اهل اراک، در اوایل قرن چهاردهم می‌زیسته

و از هنرمندان خوش‌نویس عصر خود بوده و از آثار این هنرمند، نسخه‌ای به خط نستعلیق در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به تاریخ ۱۹ اسفند ۱۲۷۲ موجود است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۳).

کیا، صادق (۱۲۹۹ خ)، فرزند احمد آشتیانی (مقتدرالدوله)، ادیب، نویسنده و استاد دانشگاه تهران بود و

آثار زیادی دارد که از آن جمله‌اند: کتاب گویش آشتیان که در سال ۱۳۵۵ و در نشریه دانشگاه تهران چاپ شد، رساله نقطویان و پسیخانیان تحقیقی است پیرامون فرقه‌ای از صوفیه که به‌این نام معروفند و بنیانگذاران سلسله صفویه از این گروه بوده‌اند. واژه‌نامه گرکانی و نیز واژه‌نامه طبری دیگر اثر دکتر صادق کیاست که با همکاری دکتر محمد مقدم نوشته، واژه‌نامه‌های محلی ایران در لغت فرس، تحقیق و نشر کتاب نصاب طبری که در خصوص لهجه طبری توسط شاعری در عهد قاجار به‌نظم کشیده شده از دیگر آثار اوست.

کیانیان، ایرج (زندگی ۱۴۰۲ خ)، مدرس عکاسی و فیلمبرداری انجمن سینمای جوانان

اراک بوده و برنده جایزه نخست جشنواره منطقه‌ای فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای آب‌وانرژ۱ است.

او هم‌چنین در آثاری مانند هلی‌شات به‌عنوان کارگردان حضور داشته و فیلم کوتاه «چشمه»

از ساخته‌های این سینماگر اراکی است.



کیانی نراقی، مصطفی (۱۳۱۱-۱۳۹۵ خ)، فرزند علی اکبرخان، متولد نراق (دلیجان)، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند و در تهران دیپلم گرفت و وارد نیروی هوایی شد. او از سال ۱۳۳۰ به بعد از بهترین دوستان شهیدرجائی بود. از سال ۱۳۳۶ در رادیو به اجرای برنامه‌های ادبی پرداخت و از شاعران کلاسیک و سنتی و نیز نوگرایانی مانند مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو دعوت می‌کرد و با شاعران و هنرمندان مشهور معاصر خود مانند احمد گلچین معانی (شاعر)، عباس کی‌منش متخلص به مشفق کاشانی و عباس غازی نوازنده نی و خطاط دوستی داشت. از سال ۱۳۷۳ کتابخانه همایون واقع در چهارباغ اصفهان را دایر کرد که محل اجتماع دوستان شاعر و هنرمند بود.

کیهان، شهاب‌الدین (۱۳۵۸ خ)، فرزند مهدی و بانو زهرا، تحصیلاتش را در دبستان سوم شعبان و راهنمایی شهیدچمران ساوه گذراند و از دبیرستان ابوریحان و شهید ناصری دیپلم گرفت. او سپس از موسسه فنی و حرفه‌ای شهر صنعتی کاوه فوق دیپلم نقشه‌کشی صنعتی دریافت نمود. وی که به موسیقی علاقمند بود، از ۱۷ سالگی آموزش موسیقی پاپ را آغاز و نزد استاد مظفر بشیری دوره دید. این پژوهشگر گویش ساوجی، صاحب دو آلبوم موسیقی با عنوان «بوی توتکی» و «بیا بریم به ساوه» را در کارنامه دارد و نیز نویسنده و صدای برنامه طنز «زن اوستا» با گویش ساوجی است. همکاری با رادیو آفتاب استان و برنامه «صدای سرزمین من»، همکاری و ساخت سرودهای کودکانه برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کارگردانی رادیو اینترنتی «ساوه رادیو» در اینستاگرام و نویسندگی برنامه «هفت بیجار» و همچنین آهنگسازی و اجرای کنسرت برخی دیگر از اقدامات اوست.



کیوان، بهنام (۱۳۴۳ خ)، فرزند مصطفی و بانو عذری، تحصیلات مقدماتی را در دبستان بیهقی و راهنمایی فردوسی گذراند و از دبیرستان صمصامی اراک دیپلم گرفت. او سپس در مرکز آموزش هنر تهران فوق دیپلم و از دانشگاه هنر تهران لیسانس گرفت و به تدریس پرداخت. طراح، گرافیست و خوش‌نویس دارنده مدرک فوق‌ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران، کالی‌گرافیست^۱، مدرس طراحی، گرافیک و مدیر مسوول کانون تبلیغاتی شیم گرافیک اراک از سوابق هنری اجرایی اوست.



^۱ کالی‌گرافی (Calligraphy) به معنای هنر زیبانویسی و نوعی هنر دیداری است که با نوشتار در ارتباط است.

گ

گازرانی، ساقی (۱۳۵۱ خ)، در اراک به دنیا آمد و در کودکی به همراه خانواده ابتدا به



انگلیس و در ۱۴ سالگی راهی آلمان شد. او پس از دریافت دیپلم، به آمریکا رفت و در دانشگاه مریلند در رشته کامپیوتر دانش آموخته شد و سپس به دانشگاه اوهایو رفت و در دپارتمان زبان‌ها و فرهنگ‌های خاورمیانه به تحصیل پرداخت. موضوع رساله وی در دوره کارشناسی ارشد، نگاهی تطبیقی به مفهوم عیاری بود که آن را در سال ۱۳۸۲ با همراهی استاد راهنمایش دکتر پروانه پورشریعتی به پایان برد و در همان دانشگاه در رشته تاریخ اسلام با تمرکز بر ایران پس از ورود اعراب تا حمله مغول با پایان رساله‌ای با عنوان «حماسه‌های سیستانی» دکتر گرفت. کتاب حماسه‌های سیستانی و تاریخ ملی ایران در سال ۱۳۹۵ منتشر و جایزه انجمن ایران‌شناسی را از آن خود کرد. وی همچنین دارای مقالات بسیار در مجلات علمی و معتبر و نیز فصل‌هایی در کتب مختلف به زبان انگلیسی است که «عیاران و عیاری قبل از دوره صفوی» فصلی از کتاب تاریخ جامع ایران است، مقاله «جامه کهنه‌ست، ز بزاز نو: پذیرش مواد حماسی و شکل نو دادن به آن‌ها در ایران اوایل عصر اسلامی» در مجله مطالعات فارسی زبانان، مدخل «سام» در دانشنامه جهان اسلام و مقاله نقد کتاب «سرگذشت حمزه» در بولتن فرهنگ عامه خاورمیانه و جنوب آسیا منتشر شده است. دکتر گازرانی علاوه بر تدریس در دانشگاه‌های آمریکا و ترکیه، معاون سردبیر مجله «مطالعات فارسی زبانان» هم بوده و به زبان‌های انگلیسی و آلمانی تسلط کامل دارد و توانایی نوشتن و خواندن زبان‌های عربی و فرانسوی و استفاده آکادمیک از این دو زبان را نیز داراست.

گازرانی، مجید (۱۳۴۴ خ)، فرزند ولی‌اله و بانو ربابه، تحصیلات مقدماتی را در دبستان



جمشیدیان و راهنمایی حکمت گذراند و از دبیرستان محمدرضاشاه اراک دیپلم گرفت و کتاب‌فروشی پیشه کرد. او که عاشق فعالیت‌های اجتماعی و امور خیر بود، ضمن عکاسی از مراسم و آیین‌ها و رویدادهای گوناگون اعم از سیل و زلزله و... در مسیر کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان کردستان در سال ۱۳۹۶ حادثه دید و از ناحیه دو چشم دچار مشکل جدی شد. این هنرمند محجوب در کمک‌رسانی و عکاسی از زلزله‌زدگان شهرستان خوی به‌عنوان سفیر افتخاری اهدای عضو از استان مرکزی انتخاب شد. او این روزها اگرچه مشکل بینایی دارد، به‌سختی ولی عاشقانه به ثبت رویدادهای مهم استان می‌پردازد و دوربین به دست در مناسبت‌های مختلف عکاسی می‌کند.

گازرانی ساوجی، محمد (۱۳۰۹ خ)، فرزند نجف، متولد ساوه، تحصیلاتش را در زادگاهش گذراند و از سال ۱۳۲۹ به آموزگاری پرداخت. او هم‌زمان از محضر علمایی چون محمدحسین شریعتمدار ساوجی و میرزا سیدعلی تهجدی بهره برد و از دانشکده الهیات دکترا گرفت و در دبیرستان‌های تهران به تدریس پرداخت. برخی از اشعار این شاعر که از ادبا و فضایی معاصر محسوب می‌شود، در کتاب فرهیختگان ساوه آمده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۹۳).



گرامی، محمدجواد (۱۳۲۲-۱۴۰۰ خ) فرزند محمدحسن، پس از پایان تحصیلات به استخدام راه‌آهن دولتی ایران (اراک) درآمد و در سال ۱۳۷۹، مؤسسه خیریه شبانه روزی معلولین اراک را تأسیس کرد. وی هم‌چنین عضو برجسته انجمن قائم‌مقامی فراهانی بود (مجدی، ۱۳۸۴: ۱۲۱).



گرچی، غلامحسین (۱۱۸۷-۱۲۶۵ خ)، معروف به سپهدار دوم، فرزند یوسف‌خان گرچی، در ۱۷ سالگی منصب سپهداری پدر را گرفت و در همین سال با ماه‌بیگم دختر فتح‌علی‌شاه ازدواج کرد. او سال ۱۲۰۴ حاکمیت این سرزمین را عهده‌دار شد و نیز به عضویت شورای دولتی که ناصرالدین‌شاه تشکیل داده بود درآمد و سپس وزیر عدلیه شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۹۰).

گرچی، محمدتقی (زندگی ۱۲۶۵ خ)، ملقب به منتصرالسلطان، فرزند رضاقلی‌خان و نوه یوسف‌خان که یک دانگ از ملک خود را در محله کلاوه (شازند) وقف کرد و در سال ۱۲۶۵ هم نیابت حکومت اراک را عهده‌دار شد (نعیمی ج ۱، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

گرچی، یوسف‌خان (درگذشته ۱۲۴۰ خ)، ملقب به سپهدار، پرورش‌یافته دربار فتح‌علی شاه، در سال ۱۱۸۶ به حکومت عراق (اراک) رسید، پیش از این ساکنان دژهای نُه‌گانه اطراف رودخانه قره‌کهریز، مردمانی بی‌باک و سرکش بودند و فتح‌علی‌شاه به‌خاطر درگیری با دولت روس، توانایی سرکوب چنین گردنکشان داخلی را نداشت و گه‌گاه سربازانی برای سرکوب شورش‌ها، راهی این دیار می‌کرد، به‌گونه‌ای که مردم فراهان چندین بار قتل‌عام شدند و نواحی سیلاخور و سربند، بارها مورد هجوم سپاه قاجار قرار گرفت. در این دوره، هزاران خانه ویران شد تا اینکه یوسف‌خان گرچی، سردار ارتش قاجار، به سمت سپهداری قشون عراق منصوب و به‌منظور برگرداندن آرامش به منطقه، عازم این قلمرو شد که با ورود ایشان، فصل نوینی در تاریخ سرزمین عراق عجم آغاز شد و پس از قرن‌ها، نخستین اقدامات برای شکل‌گیری شهر مهم منطقه یعنی «سلطان‌آباد»، این نخستین نوین‌شهر ایران بین سال‌های ۱۱۸۷ تا ۱۱۹۴ برنامه‌ریزی شد تا او بنیان‌گذار اراک نام گیرد. شهری که از ابتدا با هدف



^۱ وی هم‌چنین روستای کویکبه شازند را ساخته است.

شهرسازی و بر اساس یک نقشه منظم مهندسی شکل گرفت و در ساخت آن تمام پیش‌بینی‌های لازم دیده شد و از آنجایی که این شهر نخستین شهر ایران است که طبق نقشه ساخته شده و مهندس تریزر فرانسوی به همراه ژنرال گاردن که از سوی ناپلئون به ایران آمده بود، سلطان‌آباد را مطابق شهر نیس فرانسه طراحی کرد و به گونه‌ای ساخت که در ایران آن زمان بی‌مانند بود و این رویکرد نوین یوسف‌خان، موجب شد تا ضمن ساخت یک شهر جدید در مرکز ایران، رضایت ساکنان منطقه را هم جلب نماید و از این روی، شخصیت تأثیرگذاری در تاریخ ایران و بویژه این سرزمین به‌شمار می‌رود (صدیق، ۱۳۷۲: ۹۱).

گرکانی آشتیانی، ابوطالب (قرن...)، از علمای نویسنده **آشتیان** است و کتابی با عنوان «ممتازالتواریخ» جهت تدریس در دوره ابتدایی نگاشته و منتشر کرده است.

گرکانی آشتیانی، احمد (درگذشته ۱۲۵۷ خ)، از سررشته‌داران و محرران دفتر لشکر ناصری بود و مدتی هم در آذربایجان به‌عنوان مستوفی به لشکرنویسی مشغول شد. این دانشمند ریاضی‌دان هم‌چنین شاگردان زیادی در علم ریاضی تربیت کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۴).

گرکانی آشتیانی، آقامحمود (زندگی ۱۲۵۷ خ)، فرزند میرزا بابا، به فنون ادب و هنر مسلط بود و مدتی سمت مستوفی داشته و به‌عنوان هنرمند خوشنویس، کتاب‌هایی را نگارش کرده که برخی از آن‌ها عبارتند از: بری‌الساعة، نسخه جغرافیا، ترجیع‌بندی به قلم شکسته نستعلیق و چهار رساله به خط نستعلیق (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۷).

گرکانی آشتیانی، حبیب‌اله (زندگی ۱۲۷۵ خ)، در دیوان ناصرالدین‌شاه مستوفی بوده و پسرش میرزا عبدالله مدت زیادی سررشته‌داری و لشکرنویسی آذربایجان را عهده‌دار بود (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۳).

گرکانی آشتیانی، حسین (قرن ۱۳)، از سررشته‌داران و عزب‌دفتر مبارکه استیفا بوده و مدتی هم نزد میرزا محمود وزیر در فارس سررشته‌دار دیوانی بوده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۳).

گرکانی آشتیانی، سلیمان (زندگی ۱۲۱۷ خ)، از هنرمندان خوشنویس که در سال ۱۲۱۷ «دیوان مشتاق» سلیمان بن محمد گرکانی آشتیانی را به‌نام سلطان بیگ طالشی رشتی به نگارش درآورد.

گرکانی آشتیانی، شفیع (۱۲۱۷-۱۲۸۷ خ)، ملقب به مستشارالملک، فرزند حسن خان، اهل گرکان (آشتیان)، در سال ۱۲۶۰ در آذربایجان، سال ۱۲۶۲ در خراسان و در سال ۱۲۶۹ هم در فارس پیشکار دارایی بود. ضمن اینکه از سال ۱۲۶۷ از وزرای دارالشورای دولتی شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۳).

گرکانی آشتیانی، صادق (قرن ۱۳)، به‌عنوان مستوفی، مدتی در فارس از سررشته‌داران دفترخانه استیفای دوره ناصرالدین‌شاه بود و مدت‌ها به‌عنوان سررشته‌دار، نزد همشهری آشتیانی خود میرزا محمود وزیر، به خدمت اشتغال داشت (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۶).

گرکانی آشتیانی، عبدالحسین (زندگی ۱۲۹۳ خ)، از هنرمندان خوشنویس بوده و رساله (ش ۲۰۳۸) مدرسه فیضیه قم که مجموعه‌ای است در مطالب گوناگون را در سال ۱۲۹۳ به خط نستعلیق نگارش کرده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۲۱).

گرکانی آشتیانی، عبدالحی (قرن ۱۳)، فرزند احمد، از منجمان و دانشمندان دوره قاجار بوده و در استخراج و نوشتن تقویم، تبحر داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۳).

گرکانی آشتیانی، عبدالله (زندگی ۱۲۷۵ خ)، فرزند حبیب‌اله، به‌عنوان مستوفی، مدت زیادی سر رشته‌داری و لشکر نویسی آذربایجان را در دوره ناصری برعهده داشت.

گرکانی آشتیانی، علی (۱۳۰۲ خ)، فرزند یداله، پس از دیپلم، از دانشکده حقوق، لیسانس گرفت و نخستین سمت ایشان در دادگستری، امین صلح بود. او سپس بازپرس، متصدی دادسرای شهرستان، رئیس دیوان عالی جنایی مرکز، بازرس کل کشور و رئیس اداره دفتر دیوان عالی بود. از آثار ایشان مقالاتی درباره وقایع شهریور ۱۳۲۰ و آذربایجان خونین را می‌توان نام برد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۲۷).

گرکانی آشتیانی، علی (قرن ۱۳) فرزند محمدجعفر، کاتب نسخه حفظ‌الصحه^۱ در طب به‌فارسی است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۲۷).

گرکانی آشتیانی، کاظم (زندگی ۱۱۹۹ خ)، فرزند میرزا محمد، به‌عنوان هنرمند خوشنویس، کتاب جهانگشای نادر میرزا، اثر مهدی استرآبادی به‌فارسی را به خط نستعلیق نگاشته و تاریخ پایان نگارش آن خرداد ماه ۱۱۹۹ می‌باشد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۲۰).

گرکانی آشتیانی، محمد (زندگی ۱۲۲۵ خ)، به‌عنوان یک هنرمند خوشنویس، نسخه «بری‌الساعه» محمد بن زکریا رازی را در سال ۱۲۲۵ به قلم نستعلیق کتابت کرده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۲).

گرکانی آشتیانی، محمد (زندگی ۱۲۸۵ خ)، عنوان مستوفی داشته و از سر رشته‌داران و محرران دفتر لشکر عهد ناصری و مظفری بوده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۱).

گرکانی آشتیانی، محمد (قرن ۱۳)، فرزند فضل‌اله، اهل آشتیان، شاعری است که «مطلق» تخلص می‌کرد و در روزنامه توفیق به خربین مشهور بود. بیشتر اشعار این شاعر در قالب رباعی بود و گزیده اشعارش در سال ۱۳۶۴ به چاپ رسیده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۰).

گرکانی آشتیانی، محمد اسماعیل (درگذشته ۱۳۲۲ خ)، فرزند کربلایی حسن، مشهور به عشقی، شاعر و خوشنویس معاصر آشتیانی، هنر تجربی و ذوق ظریف داشته و آثار هنری وی را می‌توان در حسینه، مسجد سرپل و سنگ‌نوشته زیارت اهل قبور مشاهده کرد. ایشان نخستین دارالصنایع را در گرکان دایر کرد

۱. اصل کتاب به زبان خارجی از دکتر کالتیه است.

و پس از سال ۱۳۰۷ که لباس و کلاه پهلوی اجباری شد، برای ۱۷ نفر از دانش‌آموزان گرکانی کلاه فلزی (حلبی) ساخت (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۰).

گرکانی‌آشتیانی، محمدتقی (زندگی ۱۲۰۳ خ)، فرزند عبدالمحمد گرکانی، به‌عنوان هنرمند خوشنویس در تاریخ ۱۱ رجب ۱۲۴۰، نسخه جلاء‌العیون را به قلم نستعلیق به‌نگارش در آورده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۴).

گرکانی‌آشتیانی، محمدنبی (زندگی ۱۰۴۵ خ)، به‌عنوان هنرمند خوشنویس، کتاب زبده‌التصانیف نوشته حیدر بن محمد خوانساری را در سال ۱۰۴۵ به‌خط نستعلیق نگاشته است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۷).

گرکانی‌آشتیانی، محمود (۱۲۷۳-۱۲۰۹ خ)، فرزند میرزا نصراله، در آغاز کار به‌خدمت میرزا یوسف مستوفی‌آشتیانی درآمد و چندی حاکم ساوه شد. او در سال ۱۲۵۲ به وزارت خراسان رسید و ۳ سال بعد وزارت تهران به‌وی محول شد و پس از ۷ سال استیفای فارس را عهده‌دار شد. او مردی زیرک، اما عیاش و خوش‌گذران بود و تار را خوش می‌نواخت، نستعلیق را زیبا می‌نوشت و بر دانش حساب، سیاق و استیفا تسلط داشت (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

گرکانی‌آشتیانی، نصراله (۱۲۱۵-۱۳۱۱ خ)، فرزند میرزا جهانگیرخان، ملقب به محاسب‌الممالک از کارگزاران دستگاه ظل‌السلطان و مستوفیان دوره قاجار و مردی فاضل، ادیب و ریاضی‌دان بود. او که نسبش به لطفعلی‌خان زند می‌رسد ابتدا مستوفی شیراز و سپس تا پایان عمر در اصفهان به خدمات دیوانی و دفتری مشغول بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۹).

گلخنی‌تفرشی (درگذشته ۸۷۴ خ)، از شعرای قرن نهم است و در تذکره «روز روشن» آمده: گلخنی تفرشی همشیره‌زاده شهید قمی است و او از ارباب علم و فضل بود و عمر به رندی و هزل‌ومزاح می‌گذراند و با شاه‌وگدا خوش‌طبعی کرده و کسی از مزاحش آزرده نمی‌شد. او هم‌زمان با ورود سلطان حسین میرزا بایقرا به هرات رفت و در آنجا نشو و نما یافت (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۹۱).

گلستانی‌اراکي، محمدهادی (۱۳۱۰ خ)، فرزند صادق، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را

در اراک گذراند و از دانشگاه تهران در رشته زبان‌وادبیات فارسی دانش‌آموخته شد. اشعار این شاعر که سی سال در مدارس و مراکز تربیت معلم به‌تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشت، در نشریات محلی چاپ می‌شد و کتاب «انوار حکمت» که گزیده‌ای از کلمات قصار



علی است را به‌نظم درآورده و هم‌چنین دیوان گلستانی را هم در سال ۱۳۸۷ چاپ و منتشر کرده است (مجدی، ۱۳۸۴: ۲۶۱).

گلستانی عراقی، علیرضا (۱۳۵۵ خ)، فرزند احمد و بانو فرشته، تحصیلات مقدماتی را

در مدرسه راهنمایی تیزهوشان و دبیرستان امام علی گذراند و در دانشگاه آزاد اراک کارشناسی ادبیات نمایشی خواند و از دانشکده صداوسیما کارشناسی ارشد تولید سیما و هم چنین ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه آزاد تهران مرکز دریافت کرد و هم اکنون دانشجوی



دکتری فلسفه هنر دانشگاه علوم و تحقیقات می باشد. نگارش فیلم نامه قصه های یاسین (فصل دوم)، انیمیشن بچه های هفتادقله، مجموعه انیمیشن بهار در خانه، انیمیشن تخم مرغ های دوست داشتنی، مجموعه انیمیشن مرحله نهایی، مجموعه انیمیشن قصه های قلی، نگارش، کارگردانی و تهیه کنندگی بیش از ۱۶۰ نمایش نامه رادیویی، نگارش، کارگردانی و تهیه کنندگی نمایش عروسکی تلویزیونی «من صدای خودمو می خوام» و برخی آثار دیگر در کارنامه هنری این سینماگر، مدرس دانشگاه و معاون سیمای مرکز آفتاب است.

گل نراقی، حسن (۱۳۰۰-۱۳۷۲ خ)، در یک خانواده نراقی (دلیجان) در تهران متولد شد و پس از تحصیلات متوسطه، ابتدا به کار پدری خود که خریدوفروش بلور و چینی عتیقه بود پرداخت و هم زمان به کار موسیقی علاقه مند شد. او به عنوان یک خواننده معروف است و ترانه «مرا ببوس» یکی از دو ترانه ای است که خوانده و از خاطره انگیزترین ترانه های ایرانی است. یک دلیل شهرت این ترانه، هم زمانی آن با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که شعر غم انگیز آن بر زبان میلیون ها ایرانی آزرده از کودتا جاری بود و دلیل دیگر، سروده شدن شعر آن به وسیله حیدر رقابی از فعالان سیاسی دهه ۱۳۳۰ ایران است. گل نراقی بسیار شوخ طبع و بانمک بود و در همه محافلی که حضور داشت آنقدر طنازی می کرد و لطیفه می گفت که اطرافیان از خنده بی حال می شدند.

گل نراقی، رضا (۱۳۲۴ خ)، در یک خانواده نراقی (دلیجان) در تهران متولد شد. او دوره

ابتدایی را در دبستان اردشیر واقع در خیابان ری و دوره متوسطه را در دبیرستان ادیب واقع در خیابان لاله زار کوچه کیهان گذراند. دکتر رضا گل نراقی پس از دیپلم و موفقیت در کنکور به دانشکده دندان پزشکی دانشگاه تهران و پس از دریافت دکترا به آمریکا رفت و



در دانشگاه تافتس در بوستون ماساچوست تخصص گرفت. او سپس دوره ایمپلنت در دانشگاه گوتنبرگ سوئد و کلینیک برانمارک به پایان رساند و در سال ۱۳۶۰ کار در مطلب دندان پزشکی را آغاز و در سال ۱۳۶۵ بخش پرپروتیکس^۱ دانشگاه آزاد را بنیان نهاد. دکتر گل نراقی یکی از مشهورترین متخصصان علوم پرپروتولوژی «بیماری لثه» و ایمپلنتولوژی^۲ در ایران است. وی در عرصه مدرسه سازی هم فعال است و تا

۱. ریودانتیکس یا پارودنسی یا پیرادندانیک یا لثه پزشکی، به تشخیص و درمان بیماری های بافت نرم و سخت (به جز دندان) در حفره دهان می پردازد.

۲. دانش کاشت ایمپلنت های دندانی

کنون ۷ مدرسه مجهز ساخته و به‌عنوان یک دندان‌پزشک، مسواک دانش‌آموزان مدارس خود را هم تهیه و به آنها روش صحیح مسواک زدن، مراقبت و بهداشت دهان و دندان را آموزش می‌دهد.

گله‌سنگانی، عبدالله (۱۳۱۹ خ)، فرزند امین‌اله، اهل سنجان (اراک)، هنرمندی که

گیوه‌دوزی را از پدرش آموخت و راه او را ادامه داد. حضور در نمایشگاه دستاوردهای انقلاب

اسلامی در سال ۱۳۶۳ و نمایشگاه‌های بعدی و نیز مصاحبه با نشریات و حضور در چندین

برنامه رادیویی/تلویزیونی باعث شناخته‌شدن هرچه بیشتر و بهتر این هنر/صنعت نزد مردم

شد تا بالاخره در سال ۱۳۸۹ موفق به کسب نشان اصالت جهانی یونسکو در رشته گیوه‌دوزی شد و با سعی و تلاش توانست نخستین بسته‌بندی گیوه را با مواد اولیه و رنگرزی طبیعی‌وستی طراحی و تولید نماید.

گنجی، محمدحسین (۱۳۳۴ خ)، فرزند قاسم و بانو فاطمه، متولد اراک، پس از

تحصیلات مقدماتی و دریافت دیپلم، به دانشسرای تربیت معلم تهران رفت و موفق به

دریافت لیسانس زیست‌شناسی شد. محمدحسین به‌مدت بیش از ۳۰ سال در آموزش و

پرورش به‌تدریس زیست‌شناسی اشتغال داشت و چون پدرش طبع لطیفی در سرایش شعر

داشت، او نیز به شعر و ادبیات فارسی علاقه‌مند شد و از زمان دانشجویی شروع به سرودن کرد. اکنون او از

غزل‌سرایان اراک و از اعضا و مؤسسان انجمن ادبی نور می‌باشد و گزیده‌ای از آثار خود را در کتابی با نام

«درج غزل» چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است. گنجی در سروده‌های خود «چاوک» تخلص می‌کند.

گواری، رفیع (قرن ۱۳)، اهل روستای گوار (اراک) و از علمای دینی نیمه دوم قرن سیزدهم هجری است

که در نجف تحصیل کرد و به‌عنوان مدرس در همان حوزه ماندگار شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۹).

گواری، سلطان‌علی (قرن ۱۴)، اهل روستای گوار (اراک)، که در نیمه قرن چهاردهم می‌زیسته و از فقها

و علمای دینی زمان خود بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۵).

گواری، محمدباقر (۱۱۹۱-۱۲۸۶ خ)، فرزند سلطانعلی، اهل روستای گوار (اراک)، از اشخاص نامدار

منطقه و از شاگردان تراز اول شیخ‌اسداله بروجردی و سیدشفیع‌الدین بروجردی در حوزه بروجرد بود. برخی

از آثار این عالم دینی عبارتند از: حقیقت‌الاسرار فی تحقیق مثالب اعداءائمه‌الاطهار، استنساخ تفسیر سوره

حمد به نام البیان فی التفسیر ام القرآن، فوائد شرح جامی بر کافیه (صرف‌ونحو)، مفاتیح اعجاز (شرح گلشن

راز)، سیف‌الاسلام فی دفع شبهات ارباب الظلام و...

گواری، مهدی (زندگی ۱۳۰۰ خ)، متخلص به شمس و معروف به شمس‌الشعراء، اهل روستای گوار (اراک)،

دارای خط و ذوق شعری خوبی بوده و نمونه‌ای از اشعار او با عنوان غدیریہ در گزارش‌نامه دهگان موجود

است و استاد دهگان کتاب‌هایی به‌خط این هنرمند و با نام مجموعه اکبری و نیز ترجمه بری‌الساعه رازی را

در تملک داشت. وی هم‌چنین استاد سیدحسن فریده‌زاده‌ای بوده و بانو زهره‌عدلی از نوادگان اوست

(پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۲۹)



گودرزی، ریحانه (۱۳۶۲ خ)، فرزند محمدعلی و بانو اکرم، اهل ساوه، دکترای کارآفرینی گرایش توسعه، کتاب «کارآفرین شویم» را در سال ۱۳۹۴ و ترجمه کتاب دانشگاه کارآفرین را در سال ۱۳۹۸ منتشر کرد. وی که در زمینه ترجمه کتاب با مؤسسه کار و تأمین اجتماعی تهران همکاری می‌کند از سال ۱۳۸۹ در مراکز دانشگاهی ساوه مشغول به تدریس است و کارگاه‌های متعددی را تاکنون در حوزه کارآفرینی برگزار کرده است.



گودرزی، علیرضا (۱۳۷۰ خ)، فرزند حسین و بانو مرضیه، تا ۱۸ سالگی در خمین به مدرسه رفت و پس از پایان دوران سربازی در سال ۱۳۹۱ در رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه آزاد خمین پذیرفته و در این رشته دکترا گرفت. تألیف دو عنوان کتاب، چندین مقاله علمی و پژوهشی و دو کتاب «تنظیمات در تلگرام» و «سخنانی چند از بزرگان دنیا» از آثار اوست. هم‌چنین استفاده از المانهای سردکننده در خودروهای یخچالی و هوشمندسازی، اثر اختراعی اوست.



گودرزی، علیرضا (۱۳۷۵ خ)، فرزند غلامرضا و بانو عصمت، زاده اراک، تحصیلات مقدماتی را در دبستان بعثت و راهنمایی شهید زراستوند گذراند و از هنرستان ولیعصر دیلم گرفت. او که علاقه‌مند به کشتی بود در سن ۱۰ سالگی وارد این رشته ورزشی شد و در سال ۱۳۹۳ به اردوی تیم ملی کشتی آزاد نوجوانان دعوت شد. مدال برنز مسابقات جام پیروزی ترکیه (۱۳۹۳)، مدال نقره نوجوانان آسیا تایلند (۱۳۹۳)، مدال طلای نوجوانان جهان اسلواکی (۱۳۹۳)، مدال برنز جام فدراسیون‌ها آذربایجان (۱۳۹۴)، مدال نقره جوانان جهان برزیل (۱۳۹۴)، مدال نقره جام فدراسیون‌ها آذربایجان (۱۳۹۵)، مدال برنز جوانان آسیا فلیپین (۱۳۹۵) برخی از مهمترین مقام‌هایی است که تاکنون بدست آورده و در سال ۱۳۹۷ نیز در فیلم سینمایی غلامرضا تختی نقش نوجوانی جهان پهلوان تختی را بازی کرد.



گودرزی‌زاده، علی (۱۳۵۸ خ)، فرزند محمود و بانو سرور، تحصیلات مقدماتی را در مدارس دین‌ودانش، صالحین و دبیرستان شکرایی اراک گذراند. او سپس در دانشگاه قم حقوق قضایی خواند و از دانشگاه اراک در رشته فلسفه، فوق‌لیسانس گرفت و هم‌اکنون دانشجوی دکتری همین دانشگاه است. این کارشناس مجری مشهور و فعال فرهنگی در تولید و اجرای هنرهای نمایشی و صحنه‌ای بویژه در حوزه مذهبی، چهره شاخصی است. دکتر گودرزی که در دوره استانداری مخلص‌الائمه به‌عنوان مدیرکل کتابخانه‌های استان منصوب شده، چندسالی است که اجرای برنامه زنده «افطار تا سحر» را در شبکه استانی آفتاب بر عهده دارد.



گودرزی فراهانی، ابراهیم (۱۳۴۳ خ)، متولد روستای کودزر (فراهان)، بازنشسته

فرهنگی با ۴۱ سال تدریس، پژوهشگر، مدرس دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه علمی کاربردی است. او از سال ۱۳۸۰ در زمینه تاریخ و مسائل اجتماعی فراهان پژوهش می‌کند و اطلاعات پایه‌ای حدود ۶۰ روستای دشت فراهان را گردآوری و در وبلاگ فراهان‌آنلاین

منتشر کرده است. این پژوهشگر همچنین پنج‌عنوان کتاب دانشگاهی و تخصصی با موضوع فرهنگی، تبلیغات، رسانه و ارتباطات تألیف کرده که عبارتند از: مجموعه سؤالات علوم ارتباطات اجتماعی، اصول و مبانی ارتباطات، اصول و فنون تبلیغات، جامعه‌شناسی تبلیغات و همچنین روزنامه‌نگاری نوین.



گودرزی فراهانی، رضا (۱۳۶۳ خ)، فرزند محمدحسین و سیده طاهره، تحصیلات

مقدماتی را در دبستان شهیدمطهری و راهنمایی حکمت اراک گذراند و از دبیرستان امام‌علی دیپلم گرفت. او سپس از دانشگاه پیام‌نور لیسانس روان‌شناسی دریافت کرد و در شرکت ماشین‌سازی اراک استخدام شد. کارگردانی و تدوین‌گر فیلم‌های مستند، صنعتی و

تبلیغاتی، فعالیت‌های فرهنگی، ادبی، دبیر، مدرس و مؤسس محفل ادبی گلستان (انجمن سعدی)، مدرس انجمن حافظ‌دوستان مرکزی، مجری و برگزارکننده محافل ادبی و شب شعر و انتشار دو مجموعه شعر با عنوان «معبری به‌ماه» و «رو به عشق» از سوابق فرهنگی این شاعر و مجری است.



گودرزی فراهانی، نصراله (۱۳۵۲-۱۳۸۵ خ)، فرزند محمدحسین و بانو خدیجه، متولد

روستای کودزر (فراهان)، تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه ملاعلی‌آقا شهرابی و سید حسین و فسی آموخت و در شاهنامه و تعزیه‌خوانی شهره شد، به‌گونه‌ای که مجالس شاهنامه‌خوانی و تعزیه‌خوانی وی مورد اقبال همه اقشار مردم واقع می‌شد و این مجالس تقریباً به‌طور منظم و ماهیانه و یا مناسبتی انجام می‌گرفت و با گذشت ده‌ها سال از آن مجالس به نیکی یاد می‌شود.



گوهری، سیدعلی (۱۳۱۸ خ)، فرزند سیداحمد^۱ پس از دریافت دیپلم ریاضی در محلات،

از دانشگاه تهران در رشته علوم اداری و مدیریت فوق‌لیسانس گرفت. او در محلات ابتدا به‌استخدام اداره فرهنگ درآمد سپس در سال ۱۳۳۶ به تهران رفت و در سمت معاونت اداره آموزش، معاونت اداره بین‌الملل و سرانجام مدیریت تهیه طرح‌های آموزشی و نظارت بر

اجرای آنها خدمت کرد. تحقیقات وی درباره مواد مورد استفاده در دندانسازی و دندان‌پزشکی، برای نخستین بار در کشور، به تولید ۱۴ نوع مواد اولیه انجامید و باعث شد تا نام او در زمره مخترعان و مبتکران ثبت



^۱ از معلمان قدیمی و شاغل در اداره فرهنگ محلات

گردد. این مخترع و نویسنده، هم‌چنین ۱۱ عنوان کتاب و جزوه آموزشی مستقل تألیف یا ترجمه کرده است (بخشی، ۱۳۹۵: ۸۱۱).

ل

لشکری، جواد (۱۳۰۲ - ۱۳۹۵ خ)، فرزند رضا، اهل **تفرش**، دوره ابتدایی را در مدرسه مولوی گذراند و سپس به دارالفنون و بعد هم به هنرستان راه‌آهن رفت و پس از پایان تحصیلات در شرکت راه‌آهن استخدام و همان‌جا بازنشست شد. این هنرمند موسیقی سه سال نزد استاد صبا ویولن‌نوازی آموخت و مدتی هم در کلاس احمد فروتن و ثمین باغچه‌بان شرکت کرد و نزد استادانی چون سرژ خوسیف و مادام مانتولن روسی هم ویولن کلاسیک را فراگرفت. او هم‌چنین مدتی نزد ژرژ برتراند، حسین یاحقی و مهدی خالقی رموز و فنون نوازندگی را آموخت و به‌عنوان نوازنده رسمی به‌رادیو رفت و سرپرست ارکستر بزرگ رادیو شد. او با آهنگ‌هایی که مایه اصیل موسیقی ایرانی دارد، خدمات ارزنده‌ای به‌موسیقی کرد و حدود ۳۵۰ آهنگ ساخت که از آثار ماندگار موسیقی ایرانی است. وی کنسرت‌هایی به‌نفع مؤسسات خیریه در کشورهای ایتالیا، آلمان، افغانستان و عمان برگزار کرد و از نخستین تصنیف‌سازهایی است که کتاب ترانه‌هایش را با نت به‌چاپ رساند. «صد آهنگ» و «نغمه‌ای دل‌انگیز» اثر این موسیقی‌دان است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۵۰).



لشکری، محمدصادق (۱۳۶۵ خ)، فرزند عباس^۱، آواز را با مداحی و آموزش پدر در **ساوه** شروع کرد و از همان ابتدا علاقه زیادی به موسیقی نشان داد و از ۷ سالگی مسیر موسیقی را با ساز کیبورد^۲ و نزد استاد سیدرضا نبوی‌زاده نمازی پیمود. او در ادامه، دوره‌ی آواز ایرانی را در محضر استادان سیداسماعیل واصفی و ابراهیم ذوالقدر آموزش دید و برای کسب تئوری موسیقی از مکتب استاد سعید لطفی بهره جست. با توجه به علاقه‌ای که به موسیقی کلاسیک داشت دوره‌های آواز کلاسیک و صداسازی را نزد استادان هادی قضات، زهره عشقی و علی بلیلی طی نمود. وی در جشنواره‌های متعدد و همراه با گروه‌های مختلف موسیقی از جمله «رامشگران»، «الف»، «زنگوله» و... به‌عنوان خواننده شرکت نمود و به‌همراه همسرش (نوازنده و مدرس نی، تنبک، موسیقی کودک)، با



۱. از ذاکرین خوش‌صدا و آشنا با موسیقی و آواز ایرانی

۲. کیبورد سازی الکترونیک و کلاویه‌ای است که قادر به تولید طیف گسترده‌ای از صداها است و در استودیوها، مجالس، و کنسرت‌ها استفاده می‌شود.

تأسیس آکادمی موسیقی «لشکری» در سال ۱۴۰۲، بخش عمده‌ای از فعالیتش را صرف تدریس و تربیت هنرجویان ساوجی می‌کند.

لطیفی، مبین (۱۳۸۳ خ)، موسیقی را از سال ۱۳۹۴ نزد سیدوحید نبوی‌زاده نمازی و با گذراندن آثاری از مکتب استاد پایور همچون دستور سنتور، ردیف دوره ابتدایی استاد پایور، ردیف استاد صبا، مجموعه پیش‌درآمد و رنگ، قطعات موسیقی مجلسی و ... در **ساوه** شروع نمود و در ادامه از محضر استادان سعید ثابت و روزبه رحیمی بهره‌مند شد. او دوره آموزش تنبک به‌شیوه فرید یداللهی را نزد حسین نوری و همچنین دوره‌های تئوری موسیقی، سلفژ، هارمونی و کنترپوان^۱ را نزد سیدحمید نبوی‌زاده نمازی، سینا موسوی‌فرد، عباس معالجبی، نستوه رضانی، سعید قاسمی و منصور حبیب‌دوست گذراند. وی از سال ۱۴۰۱، دوره کارشناسی موسیقی (رشته نوازندگی موسیقی ایرانی) را در دانشگاه گیلان آغاز نمود و تاکنون از محضر استادانی چون دکتر نرگس ذاکر جعفری و استادان کیوان حبیب‌زاده، مصطفی گلشن و کیارش روزبهانی بهره برده و هم‌زمان تدریس سنتور در آکادمی موسیقی رهام را نیز بر عهده دارد.



لعل‌بار، مهدی (۱۳۵۹ خ)، فرزند محمدعلی و بانو گوهر، دوران ابتدایی و راهنمایی را در نیمور (محلات) و دبیرستان را در محلات گذراند. کارشناسی برق صنعتی و ارشد مدیریت دولتی را در دانشگاه آزاد ساوه و اراک خواند. دو کتاب «نیمور از آواز آب تا سکوت سنگ» و «نام‌آوران نیمور» و شناسایی بیش از ۲۰۰ سنگ‌نگاره در اطراف نیمور، برپایی جشنواره قالی‌بران خمین، چاپ مقاله «نظام مدیریت سنتی آبیاری شهر نیمور» در کنار تلاش برای ثبت ملی اثر فرهنگی شامل نخل‌برداری، علم‌بندان، قوچ‌گذار، پخت باسلق، پخت کاجی، پخت نان زردو، نظام مدیریت آبیاری سنتی، درمانگاه ارباب قبر رحیمی و قلعه جمشیدی نیمور توسط میراث فرهنگی، بخشی از خدمات اوست.



لواءالدوله، بیوک (زندگی ۱۲۹۰ خ)، فرزند اسماعیل، اهل خمین، نماینده دوره دوم مجلس شورای ملی، از حوزه انتخابیه کمره، محلات، گلپایگان و خوانسار و از افسران قزاق‌خانه بود که برای وکالت استعفا داد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۷۲).

لوزدری سلطان‌آبادی، علی (درگذشته ۱۲۵۲ خ)، متولد روستای لوزدر (شازند)، تحصیلات مقدماتی را در اراک گذراند و در نجف و سامرا در شمار شاگردان مخصوص میرزا شیرازی قرار گرفت. او سپس به پیشنهاد استادش جهت رسیدگی به‌امور مذهبی و ارشاد و تفسیر معارف اهل بیت به تبریز رفت. رساله‌ای

۱. کنترپوان اصطلاحی در تئوری موسیقی است که برای توصیف رابطه دو یا چند سری نت به کار می‌رود که با هم نواخته می‌شوند و از نظر هارمونی با همدیگر هماهنگ هستند اما از نظر ضرب‌آهنگ و ملودی مستقل از یکدیگرند.

در اجتماع امر و نهی، تقریرات میرزای شیرازی (اصول)، الدرر والفوائد (حاشیه بر فراید الاصول شیخ انصاری)، الفوائد الاصولیه و.. برخی از آثار مکتوب این عالم دینی است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۵).
لیلانی، رابین یوسف (زندگی ۱۲۸۱ خ)، کشیش خوشنام در کلیسای ارمنی روستای لیلیان (**خمین**) که در دوره مظفرالدین شاه قاجار رهبری هم‌میهنان مسیحی را عهده‌دار بود و به زبان انگلیسی تسلط داشت (سمیعی، ۱۳۸۲: ۵۱۴).

م

ماجدی گرکانی، علی اصغر (۱۲۶۱-۱۳۳۵ خ)، فرزند ملافتح‌اله، تحصیلات مقدماتی را در روستای گرکان (**آشتیان**) گذراند و برای ادامه تحصیل به قم رفت و پس از مدتی ساکن تهران شد. نویسنده «قانون مدنی ایران» پس از پایان تحصیلات در تهران، ابتدا به عنوان بازپرس وارد دستگاه عدلیه شد و سپس وکالت پیشه کرد. او به اتفاق چند حقوقدان، قانون مدنی ایران را تدوین کرد و در سال ۱۳۱۶ به عنوان عضو اصلی قانون وکلا انتخاب شد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۲۸).

ماجدی گرکانی، فتح‌اله (قرن ۱۳)، از فضایی اواخر دوره قاجار و عالم دینی است که پس از پایان تحصیلات مقدماتی، در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل و کسب علوم حوزوی شد. او سپس برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رفت (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۸).

ماستری فراهانی، احمد (۱۳۱۱-۱۳۹۳ خ)، فرزند عزیزاله، یکی از نیکوکاران فراهان است که آثار زیادی در فراهان به یادگار نهاده و از آن جمله‌اند: جاده روستای ماستر به اراک، مدرسه راهنمایی پسرانه و دخترانه، درمانگاه، خوابگاه دانش‌آموزی، خانه سالمندان، لوله‌کشی آب آشامیدنی ماستر و هم‌چنین کمک به احداث دانشگاه آزاد فرم‌هین (عزیزآبادی و دیگران،



۱۴۰۲: ۱۳۹).

ماناریان، پرواند (۱۳۰۳-۱۳۹۸ خ)، بازیگر تئاتر، نمایش‌نامه‌نویس، کارگردان و فعال اجتماعی زاده **اراک** در سال ۱۹۴۶م به همراه خانواده به ارمنستان مهاجرت کرد. این عضو کنگره ملی رئیس‌جمهور سابق ارمنستان و سینماگر برجسته، بازی در چهارده فیلم از جمله آریویک، رفیق پانجونی، کارگردانی یازده فیلم و چهار نمایش را در کارنامه دارد و اینکه سیزده



فیلم‌نامه هم به رشته تحریر درآورده است.

ماهرویی، غلامرضا (۱۳۴۰ خ)، فرزند یداله، متولد اراک، پس از دریافت دیپلم، یادگیری

خوشنویسی را آغاز کرد و از محضر استادان و اشقانی‌فراهانی، عبدالرضایی و حسینی‌موحد بهره برد و در سال ۱۳۷۰ گواهینامه ممتاز و چندی بعد فوق‌ممتاز دریافت کرد. استاد

ماهرویی از سال ۱۳۶۶ در مراکز مختلف از جمله دانشگاه‌های اراک، سازمان تبلیغات اسلامی و همچنین آموزشگاه‌های خصوصی تدریس کرده و علاوه بر خوشنویسی در عرصه نقاشی و نقاشی خط هم استاد است^۱ (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۷۹)



مبصری، بهروز (۱۳۳۶ خ)، فرزند حسن‌خان و بانو نزاکت، از یزدی‌تباران **زرنندی** است

که دیپلم فنی از هنرستان شماره پنج تهران گرفت. نخستین کارشناس موسیقی استان و شاگرد استادان محمدرضا لطفی و مهدی کمالیان بوده و در سال ۱۳۸۲، عنوان پژوهشگر

برتر را از آن خود کرد. همکاری با رادیو فرهنگ، کسب لوح فرهیختگی از انجمن موسیقی کشور، دو اثر ارزنده‌ی «گفته‌ها و ناگفته‌ها»، «خنیاگر آسمانی»، ۳۷ مقاله در فصلنامه خانه

موسیقی، ۲۱ مقاله در مجله هنر موسیقی و بیش از ۸۵ مقاله در کتب تخصصی موسیقی، عضو هیأت مدیره کانون پژوهشگران خانه موسیقی، عضو شورای عالی شعروموسیقی صداوسیما استان، داور شش دوره جشنواره موسیقی استانی و کشوری، مؤسس نخستین گروه موسیقی سنتی ویژه بانوان، تدوین‌گر برنامه نیستان رادیو فرهنگ (از سال ۱۳۸۰ تا پایان ۱۳۸۶)، چاپ مقاله احمدخان در دائرةالمعارف اسلامی و تدریس موسیقی، برخی از سوابق این هنرمند برجسته موسیقی است^۲ (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۹۹).



مبصری زرنندی، حسنعلی (۱۲۹۰-۱۳۵۹ خ)، معروف به حسن‌خان، فرزند میرزا علی

اکبرخان و بانو بلقیس، در مأمونیه (**زرنديه**) به دنیا آمد و شناسنامه‌اش در خمین صادر شد و به دلیل شغل پدر در شهرهای مختلف زندگی کرد، از مدرسه آمریکایی‌های سلطان‌آباد (اراک) دیپلم گرفت. پس از درگذشت پدر که بنیانگذار اداره پست و تلگراف مأمونیه بود،

مدتی در همین اداره مشغول شد و در سال ۱۳۱۵ به منظور تأسیس نخستین مدرسه مأمونیه و مدیریت این آموزشگاه از پست و تلگراف استعفا داد و در سال ۱۳۳۷ در بخش اداری فرهنگ تهران مشغول شد و در سال ۱۳۴۵ سمت معاون بودجه و کارگزینی وزارت فرهنگ را عهده‌دار شد. از خدمات دیگر حسن‌خان، علاوه بر مدرسه ۶ کلاسه، تأسیس ژاندارمری مأمونیه و تأسیس مکتب‌خانه دختران است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۷۸).



^۱. در دوره دانشجویی (سال ۱۳۷۱)، از نمایشگاه استاد ماهرویی بازدید کردم و ایشان سوره حمد که به صورت موزون ترجمه کرده بودم را برایم خوش‌نویسی کرد.

^۲. نگارنده ارتباط نزدیکی با او دارد و بیشتر هنرمندان موسیقی استان توسط ایشان معرفی شده و در سال ۱۳۹۹ در فرهنگسرای آینه برایش نکوداشت گرفتیم و افتخار اجرای آن را هم داشتیم.

متقی ساوجی، محمد (۱۳۱۲ خ)، فرزند حسنعلی، پس از تحصیلات ابتدایی، به حوزه علمیه ساوه رفت و پس از انحلال حوزه، مدتی در دبیرستان ادامه تحصیل داد و از دارالفنون تهران دیپلم گرفت. او سپس در آموزش و پرورش ساوه استخدام شد و پس از مدتی با سمت افسری، وارد ارتش شد و هم‌زمان به تحصیلات دانشگاهی پرداخت و در رشته مدیریت فوق‌لیسانس گرفت. ایشان همچنین برای تکمیل تحصیلات به آمریکا رفت و به‌عنوان شاگرد اول دانش‌آموخته شد. این شاعر و نویسنده کتاب «انگیزش در اسلام»، پس از بازنشستگی، به‌ریاست دانشگاه آزاد ساوه و سپس همدان انتخاب شد و آثار ارزشمندی از خود به یادگار نهاد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۰۱).

متین‌دفتری، احمد (۱۲۷۵-۱۳۵۰ خ)، فرزند میرزا محمود (عین‌الممالک) و بانو شوکت، اهل آشتیان، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه آلمانی تهران گذراند و سپس دوره مدرسه حقوق را پشت سر نهاد و از سال ۱۲۹۴ به خدمت وزارت خارجه در آمد. او برای ادامه تحصیل به سوییس رفت و از دانشکده حقوق لوزان با رساله‌ای تحت عنوان «کلید استقلال اقتصادی، الغای کاپیتولاسیون در ایران» دکترا گرفت و دو سال در دادگاه‌های فرانسه، سوییس و آلمان کارآموزی وکالت کرد. متین‌دفتری در سال ۱۳۰۶ به عدلیه رفت و چندی مستشار دادگاه عالی جنایی بود. او در سال ۱۳۱۵ وزیر عدلیه شد و در دوران وزارت، نام این وزارتخانه را به دادگستری تغییر داد. دکترا متین‌دفتری در کنار فعالیت قضایی، در تدوین قوانین مهمی چون تشکیلات دادگستری، استخدام قضات، جلد دوم و سوم قانون مدنی، آیین دادرسی مدنی، امور حسبی، کیفر و آیین دادرسی کیفری، اجرای احکام و قانون تعدیل مال‌الاجاره نقش‌آفرین بود و آخرین سمت وی هم در اداره عهدودو جامعه ملل می‌باشد. یکی دیگر از کارهای مهم و زیربنایی متین‌دفتری اصلاح نظام ارباب‌ورعیتی است. او سپس در سال ۱۳۱۸ نخست‌وزیر شد و سیاست او در این دوره نزدیک شدن به آلمان بود و عملاً روابط تجاری صنعتی با آلمان گسترش یافت و پس از سقوط رضاشاه اما توسط متفقین دستگیر و در اراک زندانی شد. وی که فردی مطلع، پژوهشگر، نویسنده و عضو فرهنگستان بود، در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی، وکالت مردم مشکین‌شهر را عهده‌دار شد و از سال ۱۳۲۸ که مجلس سنا افتتاح شد، تا سال ۱۳۵۰ سناتور انتخابی و انتصابی تهران بود و بدین ترتیب یکی از تأثیرگذاران تاریخ‌ساز این کشور محسوب می‌گردد^۱ (حضرتی، ۱۳۸۲: ۹۷).



۱. خواهرزاده دکتر مصدق و دامادش (همسر منصوره مصدق)

متین دفتری، لیلی (۱۳۱۵-۱۳۸۶ خ)، فرزند احمد^۱، اهل **آشتیان**، تا سال ۱۳۵۷ استاد

هنر دانشگاه تهران بود و از بنیانگذاران نقاشی مینی‌مالیستی یا ساده‌گرایانه در ایران محسوب می‌شد. او با آنکه در خانواده‌ای با پشتوانه عمیق سیاسی به دنیا آمد، اما همیشه فضای درونی و خلوت خویش را بر عالم پراشتهای بیرون ترجیح می‌داد. عدم علاقه به مصاحبه و حتی برپایی نمایشگاه، به پیروی از همین خلوت‌گزینی در سراسر عمر با او باقی ماند. لیلی در پاسخ به پرسشی در این باره گفته بود: «اجازه بدهید خیلی راحت بگویم که انگیزه‌ای برای نمایش کارهایم نداشتم، فقط می‌خواستم نقاشی کنم» برخی از آثار متین دفتری به همراه دیگر آثار موجود در مجموعه فرح پهلوی، در بسیاری از شهرهای جهان به نمایش درآمده است.^۲



مجتبایی، سیدناصر (درگذشته ۱۳۷۷ خ)، فرزند سیدسعیدخان حسینی، **تفرشی** الاصل

و مالک خان آباد که مزرعه باغ سیب آن مکانیزه و بسیار معروف بود. او هم‌چنین شرکت صنعتی و معدنی شاهین را تأسیس و امتیاز استخراج معدن سرب و روی لکان را دریافت کرده بود. این کارآفرین در سال ۱۳۵۴ به عنوان نماینده دوره ۲۴ مجلس شورای ملی از منطقه محلات و خمین برگزیده شد. احداث کارخانه نخل‌طلا که امروز به کارخانه صنایع نخ خمین معروف است، جذب بودجه ساختمان‌سازی بیمارستان شیروخورشید و آسفالت راه خمین به محلات از اقدامات مهم اوست (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۷۶).



مجتبایی، فتح‌اله (۱۳۰۶ خ)، تحصیلات مقدماتی را در **فراهان** گذراند و در سال

۱۳۳۲ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت و تا سال ۱۳۳۸ در دبیرستان‌های اراک، تهران و دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. او پس از یک فرصت مطالعاتی در دانشگاه کلمبیا، مأمور تهیه و تدوین کتب درسی ادبیات برای دبیرستان‌ها شد. وی در سال ۱۳۵۰ از دانشگاه هاروارد، دکترای تاریخ ادیان و فلسفه شرق گرفت و در مرکز مطالعات ادیان جهان در آمریکا، تاریخ تطبیقی ادیان آموخت. او هم اکنون عضو هیأت علمی بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی و نیز عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. از وی که در سال ۱۳۸۱ بعنوان **چهره ماندگار** معرفی شد، تاکنون بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب، مقاله، شعر و نقد کتاب به صورت تألیف، ترجمه و تصحیح به زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است. **جایزه فتح‌اله مجتبایی**، جایزه‌ای است که به برترین پایان‌نامه دکتری در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، ادیان و عرفان اهدا می‌شود و نخستین دوره اعطای این جایزه در آذر ماه سال ۱۳۹۰ برگزار شد.



^۱. نخست‌وزیر سابق ایران

^۲. نوه دختری دکتر مصدق

مجتهد، محمدجواد (قرن ۱۳)، فرزند ملاحسین خوانساری، عالم دینی سرشناس و از مبارزان **خمینی** قرن سیزدهم که در برابر ظلم خوانین و حکومت، شدت عمل داشت و خود دارای املاک، اموال و تفنگچی بسیار بود (سمعی، ۱۳۸۲: ۶).

مجتهد، محمدعلیخان (قرن ۱۳)، معروف به **آمیرزا**، فرزند حاج رضاخان و نواده محمدامین خان، از دانشمندان تراز اول و خواهرزاده حاج آقا محسن که در نجف تحصیل کرد و به درجه اجتهاد رسید. او سپس در حوزه علمیه **اراک** به تدریس پرداخت و بسیاری از فضایی قم و اراک از محضرش بهره بردند. مردم و بزرگان شهر به خاطر تلاشی که در سال گرانی (۱۲۹۷) از خود بروز داد، از این عالم دینی قدردانی کردند و پس از استقرار مشروطیت، ریاست نخستین انجمن ولایتی با آقانورالدین و نفر دوم حاج میرزا مدعلی مجتهد (محمدعلی خان) بود (محتاط، ۱۳۷۲: ۴۵).

مجتهدآشتیانی، علی (قرن ۱۴)، از دانشوران قرن چهاردهم، نزد آخوند ملارضاقلی و میرزا جعفر مجتهد آشتیانی تحصیل کرد. وی در اواسط عمر به همراه برادر و برادرزاده خود (اسماعیل خان عمادلشکر و میرزا علی خان آشوب)، از آشتیان به تبریز رفت و از معروفترین فقیهان و دانشمندان وقت در تبریز بود و یک عالم دینی مشهور به شمار می‌رود (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۱۶۱).

مجتهدآشتیانی، محمدجعفر (قرن ۱۳)، از عالمان بزرگ قرن سیزدهم که به علم اصول، تفسیر و ادب مسلط بود و در طول حیات خود در تدریس و قضاوت کوشا بود. این عالم دینی بیانی قوی، استدلالی منطقی و صوتی بسیار زیبا داشت و هنگام خواندن قرآن شنوندگان را مبهوت می‌کرد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

مجتهدآشتیانی، محمدحسن (درگذشته ۱۲۹۲ خ)، فرزند ملا ابراهیم، از فقیهان اواخر سده سیزدهم است که دروس مقدماتی را در آشتیان آموخت و سپس به نجف اشرف رفت و در آنجا به عنوان یک عالم دینی به درجه اجتهاد رسید. او که از شاگردان میرزا بزرگ آشتیانی و شیخ هادی تهرانی بود، در انشا و خط خوش، سبک ویژه خود را داشت (عبدلی آشتیانی،



۱۳۹۹: ۱۱۷۴).

مجتهدگرکانی، محمدتقی (۱۲۳۸-۱۳۱۰ خ)، در گرکان (**آشتیان**) متولد شد و در همین روستا به مکتب رفت و پس از پایان دروس مقدماتی در قم و سپس نجف اشرف، از محضر علمایی چون محمدکاظم خراسانی، عبدالله مازندرانی و میرزای شیرازی بهره برد و در ایران به تدریس فقه و حکمت پرداخت (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۳).

مجتهدگرکانی آشتیانی، عبدالعظیم (قرن ۱۳)، فرزند میرزا یوسف و نیای عبدالعظیم خان گرکانی (**آشتیان**) است که مثنوی «جام کوثر در بحر متقارب» که شرح زندگی پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین و ائمه اطهار است را به عنوان یک شاعر و به صورت منظوم در هزار بیت سروده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹

: (۳۲۴).

مجد، حسین (۱۲۵۹-۱۳۲۵ خ)، فرزند علی اکبر (مجدالاطبا)، در سال ۱۳۰۱ برای نخستین بار مدرسه ۴ کلاسه به نام ۱۵ بهمن، در بازار **محلات** دایر کرد و خود تدریس خوشنویسی و قرآن را بر عهده داشت. او همچنین معلم سخت گیری بود و شاگردان را با ترکه انار تنبیه می کرد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۱۴).

مجدالاشرفی، سیدعلیرضا (۱۳۷۱ خ)، فرزند سیدقاسم و بانو طاهره، تحصیلاتش را

در دبستان استقلال، راهنمایی و دبیرستان آلومینیوم کوی صنعتی **اراک** گذراند و دیپلم گرفت. او از ۱۲ سالگی با فعالیت در گروه های کُر و گذراندن دروس تئوری موسیقی و سلفژ، ساز ویولن را نزد استادان محمد خدادادی، کیوان ربیعی در اراک و سپس دوره های



پیشرفته نزد مازیار و سیاوش ظهیرالدینی، ابراهیم لطفی و ایمان فخر در تهران فرا گرفت. او همچنین دروس آهنگسازی، هارمونی، فرم و کنترپوان^۲ را نزد استاد احسان صبحی گذراند و دوره فشرده رهبری ارکستر را هم نزد استاد نصیر حیدریان (استاد رهبری دانشگاه گراتس اتریش) پشت سر نهاد. سابقه ۱۰ سال تدریس ویولن، صلاحیت تدریس ویولن کلاسیک، شرکت در جشنواره موسیقی فجر (سال ۹۷)، سرپرستی ارکستر کلاژ (۱۳۹۵) و اجرای کنسرت های متعدد در کشور از افتخارات این نوازنده ویولن، آهنگساز و رهبر جوان ارکستر است.^۳

مجدزین قلم عراقی، محمدیوسف (۱۲۳۶-۱۳۰۸ خ)، فرزند محمدنقی چگینی، از بزرگترین هنرمندان خوشنویس **اراک** است که به مدت ۴۰ سال، برای تربیت خوش نویسان این شهر زحمت کشیده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۸).

مجدمحلاتی، احمد (۱۳۲۲ خ)، فرزند میرزا محمد مجد، تحصیلات مقدماتی را در محلات

گذراند و از دانشسرای عالی تهران لیسانس زیست شناسی گرفت و سپس از دانشگاه پی پر و ماری کوری پاریس فوق لیسانس و دکترای همین رشته را دریافت کرد. او همچنین دوره های پسادکتر، روش های نوین در زیست شناسی سلولی و مولکولی، روش های نوین گرده شناسی و تشکیل بانک گردهای همان دانشگاه را گذراند و در دانشگاه لوزان سوییس هم بیوتکنولوژی کشت سلول و بافت خواند. استاد دانشگاه های اراک، همدان و مشهد و نیز **چهره ماندگار** زیست شناسی ایران در سال



^۱. برادر او میرزا محمود مجد از استادان خط و ناظم همان مدرسه بود.

^۲. کُنْتَرپَوَان (contrepoint)، اصطلاحی در تئوری موسیقی است که برای توصیف رابطه دو یا چند سری نت بکار می رود که با هم نواخته می شوند و از نظر هارمونی با همدیگر هماهنگ هستند.

^۳. او در آبان ماه ۱۴۰۳ برای ادامه تحصیل در رشته موسیقی به ایتالیا رفت ولی همچنان به تدریس بصورت مجازی مشغول است.

۱۳۸۳، استاد نمونه کشوری دانشگاه آزاد در سال ۱۳۸۹، استاد نمونه گروه زیست‌شناسی دانشگاه خوارزمی در سال ۱۳۸۰، مؤسس دانشکده علوم زیستی تهران‌شمال، بنیانگذار و مدیر گروه دوره‌ای سلولی-تکوینی گیاهی دانشگاه خوارزمی و واحد تهران‌شمال و نیز عضو هیأت مؤسس انجمن زیست‌شناسی ایران از سوابق علمی اوست. وی هم‌چنین برنده جایزه کتاب برگزیده هفدهمین دوره کتاب سال ایران برای تدوین کتاب زیست‌شناسی سلولی و ملکولی است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۱۵).

مجدی، سیدعطاءاله (۱۳۰۳-۱۳۹۱ خ)، فرزند سید عبدالله، زاده روستای خانقاه بالا (خنداب)، پس از پایان تحصیلاتش در اراک، از دانشگاه تهران لیسانس حقوق و علوم سیاسی گرفت و تا سال ۱۳۵۸ در سمت ریاست دبیرستان صمصامی توانست وضعیت فرهنگی این دبیرستان را به حالت مطلوبی برساند. از آثار ادبی ایشان می‌توان به هزارگوهر (ترجمه سخنان کوتاه حضرت علی) به نظم و نثر، گنجینه حکمت، گل‌های جاویدان (ترجمه کلمات قصار پیامبر) به نثر و نظم، گفتار بزرگان جهان به شعر، گنجینه عرفان برای همه و چند اثر دیگر اشاره کرد. ایشان از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۱ مدیر انجمن قائم‌مقام‌فراهانی بود (ولاشجر دی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۸۸).



مجللی، اسماعیل (۱۳۵۸ خ)، فرزند اسماعیل و بانو اعظم، تحصیلات ابتدایی را در دبستان خیام و راهنمایی توحید گذراند و از دبیرستان امام علی اراک دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه سوره اهواز ادبیات نمایشی خواند و از آزاد اسلامی اراک فوق‌لیسانس گرفت. این شبیه‌خوان، پژوهش‌گر تعزیه و نویسنده بیش از سی مقاله در حوزه تعزیه، دو کتاب ارزشمند «شبیه‌نامه و تعزیه در تمام مناطق کشور» و نیز کتاب «مجلس‌نامه غم و تاریخ تعزیه در همدان» را تقدیم علاقه‌مندان هنر آیینی تعزیه کرده است.



مجللی، حسن (۱۳۳۶ خ)، فرزند قربانعلی و بانو کفایت‌سلطان، تحصیلات ابتدایی را در ایبک‌آباد و راهنمایی را در مدرسه طالقانی گذراند و از دبیرستان صمصامی اراک دیپلم گرفت. شبیه‌خوان، چهره برتر شبیه‌خوانی و دریافت نشان افتخار در سال ۱۳۸۵ از رئیس حوزه هنری کشور (دکتر حسن بنیانیان) و دریافت نشان افتخار در شبیه‌خوانی در سال ۱۳۸۶ از دست رئیس سازمان میراث فرهنگی وقت (رحیم مشایی) و سابقه نیم‌قرن اجرای تعزیه در تمام مناطق کشور از سوابق هنری اوست.



مجللی، ناصر (۱۲۹۱-۱۳۸۰ خ)، اهل روستای سوزان (خنداب)، در سال ۱۳۰۸ وارد مدرسه نظام شد و پس از ۵ سال تحصیل در دانشکده افسری در سال ۱۳۱۵ وارد ارتش شد. او از سال ۱۳۲۳ فعالیت سیاسی‌اش را آغاز و جذب جبهه ملی شد، اما به دلیل ممنوعیت فعالیت سیاسی برای نظامیان، فعالیت رسمی نداشت. در اوایل سال ۱۳۳۲ از سوی دکتر مصدق به ریاست شهربانی شیراز منصوب و پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر

و زندانی شد. او در سال ۱۳۴۰ به علت مخالفت با رژیم پهلوی، بازنشسته و دوباره زندانی شد. در فاصله پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نخستین رئیس شهربانی پس از انقلاب مأمور سر و سامان دادن به اوضاع آشفته شهربانی ایران شد و پس از آن که فعالیت جبهه ملی ایران ممنوع شد، همراه با تعداد دیگری از اعضای کمیته مرکزی در بهمن ماه ۱۳۶۱ به مدت یازده ماه به زندان افتاد.

مجیدی، حمیدرضا (۱۳۵۶ خ)، فرزند مرتضی و بانو جیران، تحصیلات مقدماتی را در



دبستان بعثت و راهنمایی کاظم میثمی گذراند و از دبیرستان امام محمدباقر اراک دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه آزاد اراک کارشناسی ارشد علوم اجتماعی خواند و فعالیت هنری در زمینه فیلم و عکس را از سال ۱۳۷۰ با دوره فیلم سازی در انجمن سینمای جوانان اراک آغاز کرد. این هنرمند پس از یک دهه تجربه و ساخت شش فیلم کوتاه و برگزاری ۱۰ نمایشگاه انفرادی و جوایز متعدد ملی، از ابتدای سال ۱۳۸۰ به آموزش هنر عکاسی در سطح کشور پرداخت و ضمن دبیری پنج دوره جشنواره ملی عکس زمان، از سال ۱۳۸۸ در اراک که ظرفیت هنر عکاسی این استان و هنرمندان جوان را شکوفا کرد، تربیت و آموزش هزاران هنرجو و دانشجوی هنر در دو دهه گذشته را افتخاری برای خود می داند. این عکاس برجسته هم اکنون علاوه بر تدریس، کتاب عکس «منتخب سه دهه عکاسی» و کتاب «انسان و شعر در عکس» را آماده چاپ دارد و عضو هیأت امنای خانه تاریخی امیرکبیر نیز هست.

مجیدی، علیرضا (۱۳۲۸ خ)، فرزند غلامعلی و بانو کوب سلطان، تحصیلات مقدماتی را



در روستای وفس (کميجان) گذراند و در اراک دیپلم گرفت. او سپس کاردانی آموزش زبان انگلیسی را در دانشسرای تربیت معلم قزوین و کارشناسی مترجمی را در دانشگاه آزاد قم گذراند. «گلچین اشعار مجیدی» اثر چاپ شده این شاعر کميجانی است و «خاطرات یک مدیر» و نیز جلد دوم «گلچین اشعار مجیدی» را هم در دست انتشار دارد. او همچنین دو دهه سابقه مدیریت دبیرستان بوعلی سینای وفس و دبیرستان صدوق قم را در کارنامه دارد.

مجیدیان، ابوالفضل (۱۳۳۵ خ)، نقاش و نویسنده در خانواده ای اراکی و عاشق کتاب



زاده شد و تا هفت سالگی به واسطه شغل پدر در آبادان قد کشید، مادرش در جان ابوالفضل، نغمه های حافظ، سعدی و پروین لایبی کرد. او از دانشکده هنرهای معاصر زیبای تهران تا سوربن پاریس برای آموختن رفت و نتیجه اش شد کتاب های «نسیم سحری»، «هفت زندگی»، «زندگی مهتاب» و «رؤیای پری گیسو» آمیخته ای از تخیل، رؤیا و واقعیت، اما این جان پرشور باز خواهان بود. دنیایی وهم انگیز و جادویی نقاشی و نگارگری ایرانی و حالا دو قلم در دست او بود و هر روز مانند مار، پوست می انداخت و به سوی سرزمین هایی مقدس ناپیدا که کمتر آدمیزاده ای طاقت زنده ماندن در آنها دارد، پرواز می کرد (استاد مجیدیان اصرار نمود که نوشته خودش درج گردد).

محبتی ساوجی، سهلعلی (قرن ۱۴)، برادر عاشق صدقلی و از اهالی ینگ قلعه از توابع نوبران (ساوه)، هنرمند و سازنده ساز چگور و از نوازندگان چیره‌دست موسیقی محلی می‌باشد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۰۹).

محبتی ساوجی، صدقلی (قرن ۱۴)، برادر عاشق سهلعلی و از اهالی ینگ قلعه از توابع نوبران (ساوه)، هنرمند و سازنده ساز چگور و از نوازندگان چیره‌دست موسیقی محلی می‌باشد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۱۰).

محبعلی، داوود (۱۳۲۴ - ۱۳۷۸ خ)، فرزند احمد، اهل **تفرش**، پس از طی مدارج تحصیلی، در رشته مدیریت دکترا گرفت و دوره تخصصی خود را در دانشگاه لندن گذراند. وی ضمن تدریس در دانشگاه، به تأسیس انجمن‌هایی از جمله انجمن مطالعات مدیریت ایران و انجمن مدیریت جهانگردی اقدام کرد. از وی مقالات علمی، ترجمه و پژوهش در موضوع مدیریت به چاپ رسیده و تألیفات این نویسنده و مشاور، اغلب در زمینه مدیریت، روانشناسی و ارزیابی الگوسازی تشکلهای بهره‌وری است. او همچنین مدیرمسئول مجله مدیریت کارآمد بود و تألیف کتب «تجزیه و تحلیل ارتباطات سازمانی»، «مدیریت استراتژیک»، «مکاتبات بازرگانی» و «خودشناسی خانواده کامروا» را هم در کارنامه دارد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۵۲).



محبی، محبعلی (۱۳۱۸ خ)، فرزند حسنعلی، متولد روستای انجدان (اراک)، پس از طی مراحل ابتدایی و متوسطه، تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی‌ارشد ادامه داد و به‌استخدام شرکت ماشین‌سازی اراک درآمد. او علاقه‌مندی به شعر و ادب را از پدر به ارث برده و از همان آغازین سال‌های جوانی، سرایش شعر را شروع کرد و هم‌چنان ادامه دارد. اشعار او اغلب دارای زمینه‌های اجتماعی و طنز هستند و از همین روی مورد توجه خاص و عام قرار گرفته‌اند. این شاعر خوش‌قریحه که از اعضای دانشور انجمن ادبی نور اراک می‌باشد، در سال ۱۳۸۹ گزیده‌ای از اشعار خود را در کتابی با عنوان «کشکول محبی» به‌چاپ رساند و در اختیار دوستداران شعروادب قرار داد. در باغ‌موزه زیبای این شاعر اراکی در روستای تاریخی انجدان، به‌روی علاقه‌مندان باز است.



محبی، محمدحسین (۱۲۷۶ خ)، فرزند عبدالحمید انجدانی (اراک)، شاعر متخلص به «مرشد» و از فرهنگیان قدیمی اراک بوده و سال ۱۳۳۵ در دبستان نخستین تدریس می‌کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴۳).

محبی آشتیانی، محسن (۱۳۳۰ خ)، فرزند جعفر، لیسانس حقوق قضایی و فوق‌لیسانس حقوق خصوصی از دانشگاه شهیدبهشتی، دکترای حقوق از دانشگاه تهران و دکترای حقوق بین‌الملل و داوری از دانشگاه لوون بلژیک دارد. دوره‌های فشرده حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه تهران و حقوق بین‌الملل عمومی آکادمی حقوق بین‌المللی لاهه را گذرانده است. عضو کانون وکلای دادگستری مرکز، عضو دادگاه بین‌المللی داوری پاریس (ICC)، سردبیر مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی و سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل لاهه از مشاغل اوست. از تألیفات وی به‌عنوان یک نویسنده دانشگاهی می‌توان به «دیوان داوری ایران-آمریکا»، «بیانیه‌های



الجزاير»، «حقوق بين الملل و جهان سوم» و چندین اثر ديگر اشاره کرد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹ : ۴۹۲).
محبی انجدانی، حسین (قرن ۱۳)، عالم دینی معروف به عرب، در جنگ جهانی اول همراه با برخی علما از جمله سيدحسن مدرس و آقانورالدین دست به مهاجرت زد که به دست نیروهای انگلیسی به شهادت رسید.

محتاط، محمدرضا (۱۳۱۰-۱۳۸۴ خ)، فرزند زین العابدین و شهربانو، دوران ابتدایی تا



دیپلم را در **اراک** سپری کرد، سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد. او در حین تدریس، در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران با گرایش علوم اجتماعی پذیرفته شد و هم‌زمان مطالعات اجتماعی و تاریخی خود را پیرامون فرهنگ، رجال و تاریخ استان مرکزی آغاز کرد. این نویسنده، که ریاست و دبیری دبیرستان‌های شاهپور و محمدرضاشاه اراک را در کارنامه دارد، آثار ارزشمند سیمای اراک (جلد ۵)، نامداران اراک، جاذبه‌های گردشگری استان مرکزی، بررسی خط و الفبا در ایران و چندین اثر دیگر را از خود به یادگار نهاده است (ولاشجردی فراهانی، ۱۳۸۰ : ۱۹۰).

محترمی ساوجی، حسن (قرن ۱۴)، از شعرای اهل روستای بندامیر خرقان (**زرنديه**)، سروده‌هایی با مضمون مذهبی و اجتماعی دارد و استاد علی کمالی (قاضی دادگستری) بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۷۱۱).

محتشم نراقی، کمال‌الدین علی (۸۷۸-۹۶۶ خ) متخلص به محتشم نراقی (**دلچان**)،



و مشهور به محتشم کاشانی، شاعر عهد صفویه و معاصر با شاه طهماسب اول در نراق زاده شد. پدرش خواجه میراحمد در نراق شعربافی داشت که به همراه دو فرزندش علی و عبدالغنی برای کسب و کار بیشتر راهی کاشان شد. وی که به شمس‌الشعرای کاشانی هم شهرت دارد، فنون شاعری را از صدقی استرآبادی فراگرفت و خود شاگردانی مانند تقی‌الدین محمد حسینی صاحب خلاصه‌الشعار، صرفی ساوجی، وحشتی جوشقانی و حسرتی کاشانی را پرورش داده است. معروف‌ترین اثر وی مرثیه «باز این چه شورش است» می‌باشد که در شرح واقعه کربلا سروده و مورد توجه همه شیعیان فارسی‌زبان است که با این مرثیه؛ مقام والایی در مرثیه‌سرایی کسب کرد و در زمره شعرای معروف زمان خود جای گرفت و به یکی از بزرگترین شاعران ایران در سبک اشعار مذهبی و مصائب امامان شیعه تبدیل شد. پیش از این البته، مرثیه دیگری در مرگ برادر جوان خود عبدالغنی نراقی سروده بود که سوزناک است. پس از مرگ محتشم، یکی از شاگردانش مجموعه آثار او را در هفت کتاب مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات، مثنویات و ترکیب‌بندهای او گردآوری کرد.

محتشمی، عزیزاله (درگذشته ۱۳۸۱ خ)، فرزند غلامحسین خان (جلال لشکر) و نوه علیقلی خان سرهنگ کمره‌ای، متولد **خمین**، دانش‌آموخته فرانسه و سهامدار شرکت بزرگ ساختمانی سیوند است که طرح

^۱. یکی از صنایع دستی ایران است و شعر نوعی پارچه است که با مو یا ابریشم و با دستگاه بافندگی چهاررودی بافته می‌شود.

ساختمان مجلس سنا از یادگارهای اوست. این کارآفرین نیکوکار، بسیاری از اماکن مقدس و بقاع متبرکه را با هزینه شخصی بازسازی و مرمت کرد^۱ (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۹۰).

محتشمی، فضل‌اله (۱۳۲۳-۱۳۵۰ خ)، فرزند کریم‌خان و نوه فضل‌اله خان یاور، دوران

ابتدایی و متوسطه را در **خمین** گذراند و وارد دانشکده مهندسی نقشه‌برداری شد. او دستگاه ضبط‌صوتی را به‌صورت ابتکاری ساخت و در سال ۱۳۴۸ هم موفق به ساخت فرستنده رادیویی با برد حدود ۱۰ کیلومتر شد که صدای آن در سراسر خمین و روستاهای نزدیک دریافت می‌شد و آن‌را رادیو خمین می‌نامیدند. این کار مبتکرانه او باعث دستگیری‌اش توسط ساواک شد و مدتی در زندان اراک بود و متأسفانه مدتی پس از آزادی و به سبب بیماری چشم در اوان جوانی از دنیا رفت (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۸۷).



محدث‌سبزواری‌ساوجی، سیدمحمد (۱۲۸۲-۱۳۶۲ خ)، فرزند سیدحسن، دروس مقدماتی را در زادگاهش **ساوه** گذراند و سپس در قم از محضر آیت‌اله حائری بهره برد. این واعظ، مبلغ و مروج احکام اسلامی، حکم قضاوت هم داشته و آخرین محل خدمت او شهرستان مشهد بود. او که شعر هم می‌سرود، کتابی دارد به‌نام «دُرُرا الاحادیث‌والاخبار و فلسفه و علل احکام شرعی» (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۱۲).

محرر آشتیانی، محمدرضا (زندگی ۱۲۴۵ خ)، فرزند محمدکریم حلوا خاصچی آشتیانی، مشهور به میرزا رضا محرر آشتیانی، هنرمند خوشنویس، نسخه منشآت قائم‌مقام (نامه‌نگاری به فارسی) را در سال ۱۲۴۵ به‌خط شکسته نستعلیق تحریر کرده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۴۳).

محسنی، ابوالقاسم (۱۳۱۱ خ)، دوره ابتدایی را در **آشتیان** گذراند، سپس در تهران و زیر

نظر سیدحسن سادات‌ناصری، علوم ادبی را آموخت. تخلص شعری این شاعر غزل‌سرا «قاصد» بود و بیشتر اشعارش در قالب قطعه و غزل بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۶۸).



محسنی، شمس‌الدین (۱۲۵۵-۱۲۹۶ خ)، اهل **اراک**، فرزند حاج آقا محسن، چند سال در نجف اشرف محضر بزرگانی چون کاظم خراسانی، سیدکاظم یزدی، ممقانی و سایر علما را درک کرد و به‌درجه اجتهاد رسید. این عالم دینی در دوره سوم از طرف مردم اراک به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد ولی پس از مدت کوتاهی از این سمت استعفا کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۹).

۱. در ساخت ساختمان مجلس سنا به‌همراه برخی از دوستانش مورد اتهام واقع شد که ریشه سیاسی داشت.

محسنی، غلامحسین (۱۳۰۷-۱۳۷۸ خ)، فرزند قربان، مشهور به میرزا غلامحسین، تحصیلات ابتدایی را در دبستان خاقانی **آشتیان** گذراند و مدتی به مدرسه علمیه رفت و در این شهر مکتب‌خانه دایر کرد و با همکاری شیخ‌علی منتظری در احیای حوزه علمیه آشتیان تلاش زیادی کرد و خود نیز به‌عنوان طلبه در این حوزه درس خواند و در نشر احکام دینی و آگاهی‌بخشی همت گمارد (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۲۵).



محسنی، مصطفی (۱۲۵۵-۱۳۳۱ خ)، فرزند حاج آقامحسن، اهل **اراک**، در نجف از محضر درس محمدکاظم خراسانی، شریعت اصفهانی و شریانی بهره برد. او در آن زمان از برجسته‌ترین شاگردان مراجع مذکور به‌شمار می‌آمد و در دقت و حل مسأله، معروف خاص و عام بوده و از اکثر علما دوران خود اجازه اجتهاد داشت. این عالم دینی، پس از پایان تحصیلات به اراک بازگشت و به‌عنوان مرجع و مجتهد دینی در خدمت مردم منطقه بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۹).

محسنی‌اراکي، نیکچهره (۱۳۱۰ خ)، روانپزشک و بنیانگذار نخستین آزمایشگاه کودک، دوران ابتدایی را در اراک گذراند و پس از گرفتن لیسانس زبان‌وادبیات فرانسه از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۳ به فرانسه رفت و از دانشگاه سوربن دکترای روانشناسی گرفت و در دانشگاه تهران به‌تدریس پرداخت. این شاگرد ژان‌پیازه، سابقه همکاری با بسیاری از دانشگاه‌ها از جمله گیلان، شیراز، الزهراء، علامه و آزاد را هم در کارنامه خود دارد. از آثار نوشتاری این نویسنده دانشگاهی می‌توان به ترجمه «پنج گفتار روانشناسی» از ژان‌پیازه و تألیف کتب «ادراک خود»، «روانشناسی نوجوانی» و «نظریه‌های رشد» اشاره کرد.



محسنی‌گرگانی، احمد (۱۳۰۵ خ)، در روستای گرکان (**آشتیان**) زاده شد و پس از پایان تحصیلات مقدماتی، وارد مدرسه علمیه آشتیان و سپس حوزه علمیه اراک شد و از محضر بروجردی، امام خمینی، محقق داماد، گلپایگانی و اراکی به‌مدت ۳۰ سال استفاده کرد. نماینده امام و امام‌جمعه توپسرکان، امام‌جمعه تربت حیدریه، امام‌جمعه اراک و نماینده ولی فقیه در استان و رئیس دیوان عالی کشور از سوابق اوست. حجاب در اسلام، ترجمه کتاب امالی (اثر شیخ صدوق)، ولایت اهل بیت، زکات در اسلام و چندین اثر دیگر هم از تألیفات ایشان است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۵۴).



محسنی‌نسب، محسن (۱۳۳۸ خ)، متولد **ساوه**، کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، تهیه‌کننده و دانش‌آموخته رشته کارگردانی انیمیشن از دانشکده صداوسیماست. او فیلم‌های شاخ گردن، مجانی، شانه‌دوست، کریستال، شیرهای جوان و دهها اثر دیگر را نویسنده، تهیه‌کنندگی و کارگردانی کرده است. لوح تقدیر و جایزه ویژه هیأت داوران بهترین فیلمنامه و نیز ارائه مضمونی نو و ایده‌ای جدید برای فیلم آخرین مرحله، در جشنواره دفاع مقدس دوره ششم را از آن خود کرد.



محقق کهرودی سلطان آبادی، علی (قرن ۱۳)، فرزند ملا محمد حسین، اهل **اراک**، از دانشمندان و عالمان ساکن در شهر کاظمین بوده و مادرش دختر عالم عارف ملا فتحعلی سلطان آبادی و پدرش نیز از علمای به نام عصر خویش بود که آثار علمی و تألیفات وی نزد فرزندش شیخ علی موجود است.

محلاتی، ابراهیم (۱۲۹۶ خ)، فرزند محمدعلی مجتهدی، از فقها و مجتهدین و از شاگردان میرزای شیرازی است که تقریرات استاد را به رشته تحریر درآورد و برخی دیگر از تألیفات این عالم دینی عبارتند از: راه راست، رساله‌ای در رد حاج محمد کریم خان کرمانی، حواشی بر کتاب نخبه (محمد ابراهیم کرباسی اصفهانی)، رد بر شیخیه و هم‌چنین در افکار فی صلح هوالخیر (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۶۸).

محلاتی، اسماعیل (درگذشته ۱۳۰۳)، از علمای بزرگی بود که سال‌ها در نجف اشرف به امر تدریس اشتغال داشت. این عالم دینی تألیفاتی دارد که از آن جمله‌اند: «بزار العلم والمعرفه»^۱.

محلاتی، آقاعلی شاه (۱۲۰۹-۱۲۶۴ خ)، فرزند حسنعلی شاه و دختر بیست و چهارم فتحعلی شاه و متولد محلات (آقاخان دوم)، چهل و هفتمین امام نزاریه بود که پس از درگذشت آقاخان اول به امامت اسماعیلیه منصوب شد. دوره امامت وی ۴ سال بوده است. آقاخان دوم گرایش صوفیانه داشت و هم‌چون پدرش، سیاست دوستی با انگلستان را پی گرفت. وی در ۵۵ سالگی و در سال ۱۲۶۳ در هند درگذشت و در جوار بارگاه امیرالمؤمنین در نجف به خاک سپرده شد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۵۲).

محلاتی، آقا محمد (۱۲۵۹-۱۲۹۸ خ)، با اصالت **محلاتی** در بروجرد به دنیا آمد و تا ۱۵ سالگی در حوزه علمیه بروجرد تحصیل کرد، سپس به نجف رفت. این نویسنده چیره‌دست که مطالب سیاسی، دینی و اجتماعی را به زبان جذاب و قلمی رسا بیان می‌کرد، در قیام مشروطیت و سپس نهضت ملی عراق علیه استعمار انگلیس، نقش سازنده‌ای داشت. گفتار خوش یارقلی در رد فرقه بهایی، مذاکرات میزبان و مهمان در رد فرقه شیخیه، اصول الدین به زبان شیرین و انتشار مجله علمی، اجتماعی، سیاسی دره‌النجم در عراق از آثار اوست (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۴۳).

محلاتی، بهاء الدین (۱۲۷۵-۱۳۶۰ خ)، در نجف زاده شد و در کودکی به همراه خانواده به شیراز رفت و در محضر پدر و امیرزا محمدصادق مجتهد، فقه و اصول خواند. او سپس ۱۰ سال در نجف از محضر آقاضیاء الدین، آقا محمد کاظم شیرازی و نائینی بهره برد و به اجتهاد رسید. اصول عقاید، خطبات جانسوز و نیز رهنمای حق از تألیفات این عالم دینی است (بخشی، ۱۳۹۵: ۵۹۱).

^۱. پدر شیخ حسن و شیخ محمد صاحب کتاب یارقلی است.



محلاتی، جمال‌الدین (قرن ۱۳)، از شاگردان سیدابراهیم قزوینی مؤلف کتاب «الضبوط» است که از خراسان به محلات آمد. شرح زبده بهایی در اصول، کتاب لالی الاحکام در فقه و نیز ترجمه قوانین فقه اسلامی (صدر و صبحی) از اوست (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۷۱).

محلاتی، حسن (زندگی ۱۲۳۷ خ)، از متبحران در علم نجوم و استخراج تقویم بوده است. این دانشمند و شاگرد منجم معروف ملاحسین زنوزی به‌همراه استادش و نیز ملاهاشم کاشانی (درگذشته ۱۲۳۷) به استخراج و تنظیم تقویم نجومی می‌پرداخته‌اند.

محلاتی، حسین (زندگی ۱۱۹۱ خ)، فرزند حسین، در کربلا از محضر استادان استفاده کرد و تعدادی رساله در علم اصول را به‌خط خویش نگاشته که نشان می‌دهد خوشنویس بوده است که از آن جمله‌اند: شرح‌الوافیه (سیدصدرالدین قمی) و شرح زبده (صالح مازندرانی) و حاشیه‌المعالم و شرع‌الوافیه (سیدمهدی بحرالعلوم) را که تاریخ تحریر آن ۱۲۲۷ هجری است (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۷۳).

محلاتی، زین‌العابدین (۱۲۵۸-۱۳۵۸ خ)، فرزند ملامحمدعلی، تحصیلات خود را در محلات و تهران به‌پایان رساند اما به خوشنویسی روی آورد و به‌درجه بالایی از خطاطی رسید که به اشرف‌الکتاب ملقب شد. کتابی به‌نام ارمغان هندی در کتابخانه مرکزی دانشگاه به خط ایشان موجود است و نیز علاوه بر ۸۰ جلد قرآن، رساله شطرنجیه، صحیفه الربعه‌السجادیه، المجمع‌النورین و نیز مظهرالانوار فی علائم (جلد سوم نورالانوار) هم به خط این هنرمند خوشنویس محلاتی است (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۲۷).

محلاتی، سیدمحمدباقر (۱۲۴۰ خ)، فرزند اسماعیل، پس از فرا گرفتن علوم مقدماتی در سال ۱۲۶۴ به نجف رفت و سطوح را در محضر آقایان ضیابری رشتی، سید محمد حجت، نصراله اشکوری، عبدالله قوچانی، میرزا محمد آشتیانی و مرتضی طالقانی آموخت و فقه و اصول را هم از محقق نایینی و عراقی و نیز رجال را از سید ابوتراب خوانساری فرا گرفت و در درس ابوالحسن اصفهانی حاضر شد. تقریرات آقاضیاءالدین عراقی را با عنوان معاقدالاصول در سه جلد تدوین کرد، ضمن آن‌که آثار دیگری هم در فقه و اصول و تفسیر به نام «الفوایدالرضویه»، «النفی والاثبات» و نیز «مختارات در اسلام» دارد (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۸۰).

محلاتی، سیف‌الدین (زندگی ۱۲۷۳ خ)، فرزند محمدتقی، از شخصیت‌های علمی اوایل قرن ۱۴ هجری است که به‌همراه پدر به‌هندوستان رفت و مدتی در آن کشور ساکن بود. کتاب «کنزالاسف» در ترجمه مقتل ابی‌مخنف که در سال ۱۲۷۳ به‌پایان رسیده و نیز کتاب «خونخواهی مختار از قاتلان فرزند حیدر کرار» از آثار اوست.

محلاتی، عبدالحسین (۱۲۳۳-۱۲۸۵ خ)، فرزند ملا محمدعلی، مؤلف کتاب «مفتنم‌الدور»، فاضل، عالم، ادیب، شاعر و محقق جامع، در اصفهان، قم و نجف تحصیل کرد و به‌درجه اجتهاد رسید و در مدرسه صدر به‌تدریس پرداخت. تسلیت‌نامه، رساله‌ای در فقه و اصول، رساله در سهو، رساله در قاعده اشتغال و دهها اثر

دیگر از این عالم دینی باقی است (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۷۶).

محلاتی، عبدالصمد (۱۲۵۸ خ)، فرزند حسین، ادیب و متمایل به عرفان در اصفهان نزد بزرگانی مانند محمداقصر فشارکی و میرزا یحیی بیدآبادی تحصیل کرد. مجموعه‌ای از علوم فقهی و اصولی به تاریخ ۱۲۴۹ به‌نظم درآورده و مجموعه دیگری در برگیرنده رساله‌ها و گزیده‌هایی از آثار علمی مختلف را هم در فاصله سال‌های ۱۲۴۳ تا ۱۲۵۳ نگاشته است.

محلاتی، علی (۱۲۶۰ خ)، برادر بزرگ اسماعیل محلاتی، خوشنویس، ادیب و فاضل وابسته به خانواده روحانی است که در بمبئی کتابخانه معتبری داشته و کتب نفیسی مانند رجال نجاشی، یناب‌المده فی‌موده ذی‌القربی، مناقب آل ابی‌طالب، المصباح فی‌اسرار علم‌المفتاح، فهرست اسماء‌مصنفی‌الشیعه، کلمه طیبه، عمده‌المطالب فی‌انصاب آل ابی‌طالب و ده‌ها اثر دیگر را منتشر کرده است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۴۵).

محلاتی، علی (زندگی ۱۲۹۵ خ)، از فرزندان آقاسماعیل محلاتی، زاده بروجرود و از مبارزان دوره مشروطه و نیز نهضت مقاومت مردم عراق علیه استعمار انگلیس بود. این کنشگر سیاسی، در کرمانشاه به‌عنوان قاضی خدمت می‌کرد و در جنگ جهانی اول به حمایت از متحدین جنگ (آلمانی و عثمانی) و به‌همراه تنی چند از آزادی‌خواهان از جمله عارف قزوینی به استانبول رفت تا اینکه عوامل استبداد در کرمانشاه وی را هدف گلوله قرار داده به شهادت رساندند (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۴۷).

محلاتی، علی‌اکبر (درگذشته ۱۰۲۸ خ)، دیوانی به‌نام دیوان خاقان (فتح‌علی‌شاه) مشتمل بر غزلیات و رباعیات، به‌خط نستعلیق ایشان کتابت شده و مثنوی معنوی (مولوی) هم به دستور آقا میرزا نادر کردستانی از روی نسخه میرزا احمد وقار شیرازی به‌خط این خوشنویس کتابت شده و در کتابخانه اعتمادالدوله در همدان موجود است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۴۴).

محلاتی، علیرضا (درگذشته ۱۲۴۵ خ)، در کسوت یک هنرمند خوشنویس، کتابی به‌نام تزوک تیموری (تدابیرالملوک) منسوب به امیرتیمور گورکانی در قواعد لشکرکشی را با خط شکسته نستعلیق کتابت کرده و در روز دوشنبه ۵ تیر ۱۲۶۷ به‌پایان رسانده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۸۴).

محلاتی، فرج‌اله (۱۲۴۰ خ)، از علما و فضلالی دوره ناصری است که در شعر «طرفه» تخلص می‌کرد و اشعارش بیشتر در قالب قصیده و غزل بود. گردآوری دیوان ناصری، تاریخ اصفهان و نیز تذکره خازن‌الاشعار از آثار این نویسنده، شاعر و خوشنویس است. ایشان هم‌چنین دیوان ناصرالدین‌شاه قاجار که برادرش میرزا حبیب‌اله گردآوری کرد را به‌خط نستعلیق کتابت کرده است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۳۲).

۱. ایشان در کودکی و به‌همراه برادرش میرزا حبیب‌اله محلاتی (متخلص به خاقانی گردآورنده اشعار ناصرالدین‌شاه)، از فارس به محلات آمد و در این دیار رشدونمو یافت.

محلاتی، مجدالدین (۱۳۰۴-۱۳۷۹ خ)، فرزند بهالدین، دوره متوسطه جدید، مقدمات،

سطوح و علوم ادبی و عربی را در شیراز گذراند و در قم به تحصیل علوم دینی در محضر آیات عظام بروجردی و شریعتمداری پرداخت. او سپس به شیراز بازگشت و به خدمات دینی از جمله امامت جماعت مسجد ولی عصر^۱ و تدریس پرداخت. این عالم دینی هم‌چنین در مانگاہ بزرگ ولی عصر را بنا نهاد تا سردبیر نشنال جئوگرافیک مقاله‌ای با عنوان «آیت‌الله نیکوکاری که صرفاً موعظه تحویل مردم نمی‌دهد» در موردش بنویسد. وی دوست ایام تحصیل و هم‌فکر امام موسی صدر بود و به توصیه مراجع قم بیش از ده‌بار به اروپا و آمریکا سفر کرد و در چند دانشگاه از جمله هاروارد و پرینستون و کلیسای کاتدرال واشنگتن سخنرانی کرد. ایشان علاوه بر تدریس در حوزه، سابقه تدریس در دانشکده حقوق دانشگاه شیراز را هم داشت (بخشی، ۱۳۹۵: ۵۹۲).

**محلاتی، محمد اسماعیل (۱۲۳۲-۱۳۰۴ خ)،** فرزند محمدعلی، تحصیلات مقدماتی را

نزد پدر آموخت و در تهران از محضر استادانی چون میرزا ابوالقاسم نوری‌همدانی و آقا مرتضی انصاری و در حوزه نجف از درس آیات عظام حسین اردکانی، آقا سید حسن کوه کمره‌ای، علامه حبیب‌اله رشتی و میرزا حسن آشتیانی بهره برد و به اجتهاد رسید و سپس به تدریس پرداخت. شیخ علی‌محمد بروجردی، مرعشی نجفی، بهاءالدین محلاتی، کاشانی و میرزا احمد آشتیانی برخی از شاگردان او هستند و آثار مکتوب این عالم دینی هم عبارتند از: لثالی‌المربوطه فی وجوب المشروطه، تنقیح‌الابهامات فی احکام نفقات‌الثلاث، انور العلم والمعرفة و برخی دیگر (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۲۹).

محلاتی، محمد تقی (قرن ۱۳)، فرزند ملا زین‌العابدین مشهور به حاج‌آخوند، از بزرگان علما و مجتهدینی بود که به وظایف شرعی در محلات می‌پرداخت. این عالم دینی، در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه نیز به رسالت مزبور می‌پرداخت (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۸۱).

**محلاتی، محمدسروش (۱۳۴۰ خ)،** فرزند خلیل، در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه قم شد و از

محضر آیات ستوده، محقق‌داماد، حائری‌یزدی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی بهره برد و از سال ۱۳۷۷ به تدریس سطح عالی و سپس خارج فقه و اصول در مدرسه آیت‌الله گلپایگانی پرداخت. این پژوهشگر و نویسنده دینی آثار فراوانی در فقه سیاسی دارد که از آن جمله‌اند: دین‌ودولت در اندیشه اسلامی، آزادی، عقل‌وایمان^۲، اندیشه‌وایمان در آزادی، امکان‌سنجی انتخابات در نظام اسلامی و... (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۴۵).



^۱. این مسجد توسط خود ایشان و به کمک خیرین بنا شده است.

^۲. کتاب برگزیده سال

محلاتی، محمدعلی (۱۲۰۹ خ)، فرزند احمد، در **محلات** به دنیا آمد و در فقه و اصول سرآمد علما بود و کتاب بسیار خوبی در اصول نوشته است. آثار العجم درباره او می نویسد: عالمی بود وحید، کاملی فرید و فقیهی سدید، از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و اعلم شاگردان وی است که خاندان شیرازی محلاتی با بیش از ۲۰ نفر فقیه کامل از سلاله اوست. وی در سال ۱۲۲۳ به شیراز رفت و پس از تکمیل تحصیلات به تدریس پرداخت (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۸۲).

محلاتی، محمدعلی (۱۲۶۷ خ)، در **محلات** به دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی به بروجرد رفت و از محضر ملا اسداله بروجردی و حاج سید محمدشفیع بروجردی بهره جست و بیشتر مسائل اصولی را که نزدیک به ۱۰۰ هزار بیت است به رشته تحریر در آورد که گویا با نام مفتاح السعاده در کتابخانه رضویه موجود است. او سپس در تهران از محضر شیخ عبدالحسین تهرانی و شیخ عبدالرحیم بروجردی کسب فیض کرد. این عالم دینی استاد آیت اله العظمی بروجردی در حوزه بروجرد بود و در آرامگاه شیخ بهایی در مشهد آرمیده است (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۲۳).

محلاتی، مسعود (زندگی ۸۶۴ خ)، فرزند علی، مشهور به عماد محلاتی، از خوشنویسان زبردست خطوط ششگانه (مُحَقَّق^۱، ریحان^۲، ثلث، نسخ، رقاع^۳، توقیع) که نستعلیق را هم نیکو می نوشت و از آثار وی قطعه ای به قلم نستعلیق کتابت در مُرَقَّع^۴ شاه طهماسب را می توان نام برد که در کتابخانه سلطنتی استانبول نگهداری می شود و بدین مضمون تحریر شده است: در غمت شد عماد کاتب پیر / گرچه پیر است پیر زنده دل است. العبد عماد المحلاتی من بعد سبعین و سنه ۸۹۰ (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

محلاتی، نصیر (زندگی ۱۲۴۲ خ)، ملقب به نصیرالاطباء، فرزند احمد، داروساز و برادر میرزا کاظم خان، معلم شیمی دارالفنون در دوره مظفرالدین شاه که ۴۰ سال در داروخانه دولتی دارالفنون و بیمارستان های دولتی و نظامی خدمت کرد. جنگ الادویه و رساله مختصری در بیان نسخه های مختلف دارویی، از این طبیب نویسنده است که در سال ۱۲۴۲ تألیف کرده است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۱۱).

محلاتی شیرازی، ابوالفضل (زندگی ۱۲۹۷ خ)، فرزند میرزا ابراهیم، عالمی جلیل القدر از خاندان علمی **محلاتی** ساکن شیراز بود. وی در سامرا متولد شد و از محضر پدر و سایر عالمان سامرا کسب فیض کرد و بعد از وفات میرزای شیرازی در سال ۱۲۷۶، به همراه پدر به شهر شیراز مراجعت کرد و همواره در کنار پدرش که ریاست علمی، مذهبی و اجتماعی شهر را عهده دار بود به فعالیت دینی فرهنگی پرداخت. این عالم

^۱. مُحَقَّق از شیوه های مهم خوشنویسی اسلامی و پدر خط عربی است.

^۲. سبکی از خوشنویسی عربی و از شاخه های خط محقق است.

^۳. از ترکیب و تغییر دو خط نسخ و ثلث ایجاد شده و اغلب در مکاتبات خصوصی بر روی کاغذهای کوچک نگارش می شود.

^۴. به مجموعه ای متصل به هم از قطعات مختلف هنری شامل انواع خوشنویس و نقاشی گفته می شود.

دینی پس از رحلت پدر در سال ۱۲۹۷، جانشین و عهده‌دار وظایف او شد.^۱

محلّاتی شیرازی، صدرالدین (۱۳۵۹-۱۲۸۳ خ)، فرزند میرزا ابوالفضل، پس از پایان تحصیلات مقدماتی، به عتبات رفت و از محضر استادان آن جا بهره برد و در بازگشت به ایران در شیراز، اصفهان و قم تحصیلات خود را تا درجه اجتهاد ادامه داد. با تأسیس دانشکده ادبیات شیراز، به تدریس زبان عربی و ادبیات پرداخت. او علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شاعر نیز بود و «صدر» تخلص می‌کرد و نقش مؤثری در تأسیس کانون دانش پارس ایفا کرد. از آثار او می‌توان به شان نزول قرآن، مناسک حج، اسرار حج، دارالعلم شیراز، ولایت فارس در زمان خلفا و همچنین مقدمه تاریخ ادب عرب اشاره کرد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۳۰).

محمدحسینی ساوجی، جعفر (۱۳۲۰-۱۳۷۴ خ)، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش روستای سوسنقین از توابع نوبران (ساوه) گذراند و در ۱۴ سالگی به تهران رفت. او ضمن تحصیل وارد فعالیت‌های سیاسی شد و با پیروزی انقلاب اسلامی به سپاه پاسداران پیوست. جانباز، پدر و برادر شهید از افتخارات این شاعر و مؤسس «مجمع صراط‌المستقیم» است که با تخلص «منیب ساوجی» شعر می‌گوید (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۴۹).

محمّدی، احمد (۱۳۴۴ خ)، فرزند یداله، اهل خمین، یکی از هنرمندان موسیقی و استاد آواز است که از سال ۱۳۶۷ در مدرسه هنر و ادبیات وابسته به صداوسیما، آموزش دید و ابتدا ردیف‌های آوازی را در دستگاه‌های مختلف زیر نظر استاد صادق (از شاگردان استاد کریمی) فرا گرفت و از سال ۱۳۷۳ هم نزد پدر خویش به تکمیل ردیف‌های موسیقی ادامه داد و سپس به تدریس موسیقی روی آورد. این هنرمند هم‌چنین فعالیت رسمی خود را با برنامه شاخه طوبی آغاز و در برج سفید تهران کنسرت گذاشت. او هم‌چنین یکی از قهرمانان کشتی کشور هم هست (سمعی، ۱۳۸۲: ۹۲۰).



محمّدی، حسنعلی (۱۳۳۷ خ)، فرزند براتعلی و سیده عزت‌بانو، زاده روستای آب‌باریک (شازند)، دکترای زبان و ادبیات فارسی، دبیر دبیرستان‌های اراک، مدرس مراکز تربیت دبیر، مؤلف متون آموزشی و کمک‌آموزشی، نویسنده کتاب پرفروش «از بهار تا شهریار»، «فرهنگ آسمانگر»، «فرهنگ‌وزبان آب‌باریکی» و... یکی از برجسته‌ترین دانشجویان نخستین دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اراک که با کوله‌باری از تتبعات ادبی، تدریس در مدارس شهر و روستا، بالاترین نمرات را در آزمون‌ها می‌گرفت و تاهل و تدریس مانعی برای پیشرفت او محسوب نمی‌شد. وی دکترای زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه معتبری در کشور تاجیکستان اخذ کرد و دو سال رفت‌وآمد به تاجیکستان برای او که مترصد فرصتی برای معرفی ظرفیت‌ها و ذخایر ادبیات فارسی در کشورهای فارسی‌زبان بود، فضای خوبی را فراهم ساخت تا رابطه بین استادان ادب فارسی در ایران و



^۱. پدرش فقیه متقی میرزا ابراهیم محلّاتی و مادرش دختر سید میرزا احمد مستوفی، برادر میرزای شیرازی است.

تاجیکستان را استحکام بخشد. رساله «شعر نو در ماورالنهر» یکی از تألیفات او درباره گسترش و نفوذ ادب فارسی در آن‌سوی آمودریاست. دکتر محمدی پس از بازنشستگی با مدارس و دانش‌آموزان اراکی وداع کرد و در تهران با راه‌اندازی دفتر انتشاراتی، تمرکز خود را بر تألیف کتاب و درسنامه‌های آموزشی قرارداد.

محمدی، عباس (۱۳۵۲ خ)، فرزند حسن و بانو زهرا، تحصیلات ابتدایی را در دبستان

زادگاهش روستای ده‌سد (**خنداب**) و راهنمایی و هنرستان را در بعثت، حاج‌کاظمی و هنرستان شهید رجایی گذراند و در دانشگاه هنر تهران، کارشناسی و ارشد گرافیک گرفت. مدرس دانشگاه و نیز مدیرگروه هنر آموزش و پرورش استان، کارشناس هنر پژوهشگاه قلم‌چی و نیز مدیر مسوول مؤسسه فرهنگی اورنگ از سوابق شغلی این گرافیست و پژوهشگر هنری است. این هنرمند هم‌چنین آواز پر جبریل، عقل سرخ، نمادشناسی گیاهان و غربت غربی را در کارنامه دارد.



محمدی، فاطمه (۱۳۸۴ خ)، پیش از آغاز دبستان و از ۵ سالگی موسیقی را آغاز نمود و ۴ سال نزد آقای جوکار به فراگیری سنتور مشغول بود. در سال ۱۳۹۳ با مشورت استاد مصری و چند مدرس دیگر، به کلاس سیدوحید نبوی‌زاده نمازی رفت و در سال ۱۴۰۰ هم به محضر استاد سعید ثابت راه یافت و تا به امروز از محضر ایشان کسب دانش می‌کند. ایشان دوره مقدماتی تنبک و همچنین تئوری موسیقی را به‌ترتیب نزد آقایان حسین نوری و سیدحمید نبوی‌زاده نمازی گذرانده و در طول سال‌های تحصیل، بیش از ۴ مرتبه در سطح استان و شهرستان **ساوه** مقام نخست در رشته تک‌نوازی سنتور را کسب نموده و از دیگر فعالیت‌های او می‌توان به بازی در نمایش عروسکی و کسب مقام نخست شهرستان (سال ۱۳۹۶) و همچنین ساخت مستند و فیلم کوتاه در رابطه با شهدای گمنام و کسب مقام نخست در جشنواره فیلم مستند اشاره داشت. او همچنین ژیمناستیک را نزد آقای مجید ساکی و سرکار خانم مهین مظاهری فرا گرفت و در مراحل استانی موفق به کسب ۲ مدال طلا، یک نقره، یک برنز و همچنین کسب مقام منتخب کشوری شد و در حال حاضر به تدریس سنتور در آکادمی موسیقی رهام مشغول است.

محمدی، محسن (۱۳۴۳ خ)، فرزند حسن و بانو صدیقه، زاده روستای فیجان (**اراک**)،

یکی از کارآفرینان برجسته کشور است. او از نوجوانی و هم‌زمان با تحصیل، کار در مغازه قصابی برادرش را آغاز کرد و در سن ۲۰ سالگی وارد تجارت کفش شد و توانست تا سال ۱۳۷۴ با ایجاد اشتغال برای ۳۰ نفر، خود را به‌عنوان یکی از معتبرترین فعالان این حرفه مطرح نماید. او سپس شرکت آلومینیوم تابنده را با ۶ نفر پرسنل راه‌اندازی کرد و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ موجب توسعه روزافزون فعالیت تولیدی و احداث دیگر شرکت‌های مجموعه و اشتغال بیش از ۴۰۰ نفر نیروی کار شد. وی در سال ۱۳۸۶ «کارخانه آلومرول» که نزدیک به ۵ سال به‌طور کامل تعطیل بود را از دولت خریداری و با راه‌اندازی مجدد خطوط تولید قبلی و خرید ماشین‌آلات جدید، به چرخه تولید بازگرداند و ضمن



احداث نخستین و بزرگترین شهرک اختصاصی آلومینیوم کشور در زمینی به مساحت ۴۰ هکتار در شهرک صنعتی خیرآباد (اراک) در قالب طرح توسعه شرکت صنایع آلومرول نوین، آن را به واحد نمونه صنعتی استان و سپس ملی تبدیل کرد. اجرای فاز نخست این شهرک، زمینه اشتغال بیش از ۱۰۰۰ نفر پرسنل تولیدی دیگر را فراهم ساخت که با تکمیل فاز بعدی، تعداد آن به ۲۰۰۰ نفر خواهد رسید. خرید ۷۵٪ از سهام گروه کارخانجات نورد آلومینیوم (یکی از معتبرترین تولیدکنندگان انواع ورق آلومینیومی کشور) در همان سال، گام دیگری در مسیر توسعه فعالیت‌های تولیدی مجموعه بود. در سال ۱۳۹۷ هم نزدیک به ۴۰٪ از سهام شرکت تولیدی آلومینیوم ایران (ایرالکو) را خریداری نمود. این کارآفرین پس از ۳ دهه فعالیت تولیدی و با ایجاد اشتغال مستقیم و مولد برای نزدیک به ۶۰۰۰ نفر و با استفاده از تمامی ظرفیت شرکت‌های زیرمجموعه‌ی خود همواره مسوولیت اجتماعی خود را در قبال استان خود به‌یاد داشته و ضمن تقبل هزینه‌های تیم لیگ برتری آلومینیوم اراک، در آینده‌ای نزدیک ساخت یک بیمارستان مجهز و شایسته مردم با افتخار استان را آغاز خواهد نمود.

محمدی، مهدی (۱۳۴۵ خ)، فرزند میرزا محمود، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در **خمین** گذراند و با اخذ فوق‌لیسانس جغرافیای انسانی باگرایش جغرافیای شهری از دانشگاه تهران، از سال ۱۳۷۴ همکاری خود را با اداره کل فرهنگ و ارشاد استان مرکزی در قالب گروه پژوهشی آغاز و بجز پژوهش ساختارشناسی فضایی/عملکردی بیت تاریخی امام خمینی، تا سال ۱۳۸۱، سه رساله دیگر وی تحت عناوین جایگاه شهرهای جدید در شهرنشینی ایران، تحولات فضایی/عملکردی شهر خمین از سال ۱۲۶۲ تا ۱۳۳۱ به‌اضافه برخی مقالات ایشان در فصلنامه راه‌دانش چاپ شده که عبارتند از «تمدن ایرانی-اسلامی و قابلیت‌های جهانگردی آن»، «بررسی شکل‌گیری و وضعیت شبکه شهری استان خوزستان»، «بررسی ساخت و کارکرد ارگان بازار در شهرهای سنتی ایران» و «دگردیسی بافت تاریخی شهر خمین» از جمله آنهاست.

محمدی، یداله (۱۳۰۶ خ)، متولد **خمین**، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و متوسطه

را در تهران گذراند و در نیروی هوایی استخدام شد. او موسیقی را از ۱۷ سالگی و نزد استادانی چون محمد مشرفی، یداله کیانفر و علی‌اکبرخان شهنازی آموخت و متقابلاً نزدیک به ۶۰ نفر از مشتاقان موسیقی و آواز سنتی را در شهرهای خمین، گلپایگان و خوانسار تعلیم داد. او همچنین مقالاتی در زمینه موسیقی در نشریات منتشر کرده است (سمعی، ۱۳۸۲: ۹۱۵).



محمدی‌انجدانی، غلامرضا (۱۲۷۸-۱۳۵۶ خ)، در ۱۳ سالگی وارد مدرسه سپهداری **اراک** شد و از محضر آیت‌اله حائری‌یزدی و دیگران بهره برد و پس از چندی به‌همراه آیت‌اله خمینی، گلپایگانی، خوانساری و... به قم رفت و به‌مدت بیست‌سال هم در نجف از درس علما بهره برد. این عالم دینی از سیدابوالحسن اصفهانی، آقا حسین نائینی و آقاضیاءالدین عراقی اجازه اجتهاد گرفت و بیش از سی سال به‌ترویج علوم دینی

پرداخت و در مسجد بابانی اراک اقامه جماعت می‌کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۲).

محمدی عراقی، آیت‌اله (۱۲۹۴ خ)، متولد کرهرود (اراک)، از ۱۴ سالگی به تحصیل پرداخت و برای فراگیری علوم و معارف دینی به حوزه علمیه قم رفت و از محضر آیات عظام حائری، محمدتقی خوانساری، سید محمد حجت، بروجردی و... بهره برد. این عالم دینی ضمن تدریس ادبیات و سطوح عالی فقه و اصول، مسوولیت‌های اجرایی هم در حوزه داشت که تصدی امور طلاب، تولیت مدارس، تولیت کتابخانه فیضیه، تولیت مدرسه آیت‌اله بروجردی و نظارت بر ساختمان مدرسه آیت‌اله بروجردی کرمانشاه از آن جمله‌اند. ضمناً برخی از آثار نوشتاری ایشان عبارتند از: فهرست کتب کتابخانه فیضیه (دو جلد)، تصحیح مهذب‌البارع، شرح حال آیت‌اله خوانساری، تفسیر کنزالدقایق و... (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۶۶).

محمدی عراقی، بهاء‌الدین (۱۳۶۰-۱۳۰۷ خ)، فرزند محمدباقر، مشهور به «بزرگ» از روحانیون اهل اراک و ساکن کرمانشاه بود. بهاء‌الدین مدتی نزد پدرش به فراگیری دروس ادبیات عرب پرداخت و در سن شانزده سالگی برای فراگیری فقه و اصول به حوزه علمیه قم رفت. این عالم دینی در دوران تبعید امام خمینی در کنار آیت‌اله اشرفی‌اصفهانی، نقشی محوری در رهبری مبارزات علیه حکومت پهلوی ایفا کرد که منجر به دستگیری‌اش شد و در مرداد ۱۳۶۰ به دست منافقین ترور شد.

محمدی عراقی، محمود (۱۳۳۱ خ)، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس

خبرگان رهبری، عضو جامعه روحانیت مبارز و از خاندان اصیل اراکی است، که بیش از یک قرن پیش، راهی کنگاور (کرمانشاه) شده‌اند. پدر این عالم دینی بهاء‌الدین محمدی است که در ابتدای انقلاب به دست سازمان مجاهدین خلق ترور شد. هم‌چنین جد وی آقا



بزرگ محمدی است که در میان مردم کنگاور مقبولیت زیادی دارد.

محمدی نراقی، نعمت‌اله (۱۲۸۹-۱۳۶۴ خ)، فرزند عبدالله، شاعر و چهره فرهنگی متولد نراق (دلیجان)،

در شهریور ۱۳۱۸ به استخدام آموزش و پرورش سمنان درآمد و به‌عنوان آموزگار و سپس دبیر، شاگردان شایسته‌ای را در دبستان و دبیرستان آفتاب گرمسار تربیت کرد. وی ضمن داشتن سابقه فرهنگی درخشان و تسلط به زبان انگلیسی، عربی و فرانسه، تحصیلات دانشگاهی را در حین خدمت آغاز و ابتدا فوق‌دیپلم گرفت و سپس در سن ۵۵ سالگی، وارد دانشکده الهیات دانشگاه تهران شد و یکی از شاگردان برجسته استاد مطهری به‌شمار می‌رفت و موفق شد در رشته زبان‌وادبیات فرانسه، زبان‌وادبیات فارسی و نیز معارف دینی، دانشنامه‌لیسانس دریافت نماید. آثاری چند شامل اشعار و مطالب اخلاقی و ترجمه‌هایی از متون عربی به فارسی از جمله ترجمه نهج‌البلاغه به فرانسه از ایشان باقی است و تعدادی هم در مجلات ادبی عصر خود به‌چاپ رسیده است. از ویژگی‌های اخلاقی او توجه ویژه به دانش‌آموزان نیازمند بود و حتی در منازل ایشان حاضر می‌شد و به‌آنان درس می‌داد. او در مهر ماه ۱۳۳۹ و در دولت رزم آرا توسط دکتر شمس‌الدین جزایری وزیر فرهنگ وقت به دریافت مدال درجه ۲ فرهنگ مفتخر شد.

محمودآبادی، ملک محمد (درگذشته ۱۲۷۹ خ)، از اهالی محمودآباد بخش چَرّآ (خنداب)، هنرمندی خوشنویس و استادی مسلم در خط نسخ بوده و حدود ۶۰ مرتبه قرآن مجید را نوشته است که یک نسخه از این قرآن نفیس در مسجد میلگرد موجود است. او کتاب نصاب الصبّیان را هم با خط نستعلیق زیبا نوشته است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۳).

محمودی، سیدکریم (۱۲۷۷-۱۳۵۴ خ)، فرزند میرزآقا، اهل روستای ریحان (خمین)، زندگی بسیار مشقت‌باری را پشت‌سر نهاد تا اینکه در سال ۱۳۲۶ در اداره ثبت اسناد و املاک استخدام و سال ۱۳۳۷ بازنشست شد. دیوان اشعار این شاعر خمینی، مجموعه‌ای است از ۹ کتاب که در سال ۱۳۴۹ به‌چاپ رسیده و عبارتند از: «نظم‌القراید»، «دوبیتی»، «مثلت»، «رباعی»، «مخمس»، «مسدس»، «باغ‌وبوستان»، «منظومه الوان» و «یک مصراع و ضرب‌المثل» (سمیعی، ۱۳۸۲: ۹۲۸).

محمودی، فریده (۱۳۵۷ خ)، فرزند آیت‌اله و بانو فیروزه، متولد آستانه (شازند)، تحصیلات ابتدایی را در دبستان وزیری و در دبیرستان فاطمیه گذراند و در دانشگاه پیام‌نور شازند مدیریت دولتی خواند. او در زمان دانشجویی با محافل ادبی و خانه قصه ارشاد اسلامی شازند همکاری داشت و از همین دوران نوشتن قصه را آغاز کرد و مطالعات زیادی در این زمینه انجام داد. وی در سال ۱۳۸۲ به‌عنوان مربی رسمی فرهنگی و کتابدار وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واحد آستانه شد و از آن زمان تاکنون اجرای جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی را در دست اقدام دارد و تاکنون چهار بار عنوان قصه‌گوی بین‌المللی را از آن خود کرده و به‌عنوان قصه‌گو، مدرس قصه‌گویی و داور قصه‌گویی در استان و کشور شناخته می‌شود.



محمودی، محمد (۱۳۱۷-۱۴۰۱ خ)، فرزند نوروز و از پهلوانان پُرآوازه ورزش‌های زورخانه‌ای متولد نراق (دلیجان) که با غلامرضا تختی، طیب حاج‌رضایی، شعبان جعفری، عباس شیرخدا و بسیاری از پهلوانان هم‌عصرش ارتباط داشت. وی که در سال ۱۳۴۱ به استخدام شرکت اتوبوسرانی تهران درآمد، از پایه‌گذاران باشگاه این شرکت به‌شمار می‌رود.



محمودی، مریم (۱۳۳۲ خ)، فرزند محمد و بانو کبری، اهل اراک، به‌واسطه شعرهای فولکلور که از مادرش می‌شنید به شعر و شاعری علاقه‌مند شد. پس از تحصیلات دبیرستان به‌عنوان معلم و سپس با سمت مدیر به‌خدمت آموزش و پرورش درآمد و چندی بعد به تأسیس مدرسه همت گمارد و هم‌زمان تحصیلات خود را تا مقطع فوق‌لیسانس ادامه داد. این شاعر در سال ۱۳۹۴ نخستین مجموعه شعر خود به‌نام «با او» و سپس کتاب «پرواز» را منتشر کرد. مجموعه اشعار «دختر خورشید» و «نوه‌های مریم» را هم در دست چاپ دارد.



محمودی آشتیانی، پرویز (۱۳۱۲ خ)، لیسانس روزنامه‌نگاری و روابط عمومی است که از سال ۱۳۳۲، شروع بکار مطبوعاتی کرد و به‌عنوان نویسنده و عضو هیأت تحریریه روزنامه‌های دیپلمات و تاج ورزشی بود و «تاریخچه و مقررات ورزش تیراندازی» هم از تألیفات اوست (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۷۹).

محمودیان، مریم (۱۳۶۳ خ)، فرزند علیرضا و بانو فاطمه، اهل **تفرش**، در کودکی و به‌علت کوتاهی پزشکی دچار معلولیت (سی‌پی) شد ولی بسیار باهوش است و به موسیقی، نقاشی، شطرنج علاقه‌مند است. او مقطع ابتدایی را در مدرسه استثنایی بلال حبشی و راهنمایی را به‌صورت فردی و در منزل و دبیرستان را هم در مدرسه زینب کبری با نمرات عالی گذراند و از پیام نور تفرش لیسانس مدیریت صنعتی گرفت. بهترین بهانه، تلاطم عشق، در وصف سینا و جاذبه چشم، آثار چاپ شده اوست.

محمودی‌فراهانی، احمد (۱۲۸۰-۱۳۶۰ خ)، فرزند کربلایی حسین و بانو جیران، زاده

روستای مجدآباد نو (**فراهان**)، شاعری خوش‌ذوق که ابتدا «خارکن» و مدتی «احمد» و سپس «محمودی» تخلص می‌کرد. به سبب خوش‌مشربی، دوستان و ادبا ایشان را «سرورالشعرا» می‌نامیدند و اشعارش متضمن مواعظ اجتماعی و نمایانگر اوضاع زمانه اوست^۱



(محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴۵).

محمودی‌مجد، علی (۱۳۲۲ خ)، فرزند احمد (سرورالشعرا) و بانو رقیه، از کلاس اول تا

چهارم را در دبستان مسعود سعدسلیمان در زادگاهش مجدآباد نو (**فراهان**) که پدرش مدیر

آن بود گذراند و از کلاس پنجم تا سوم متوسطه را در فرم‌هین بود و سپس از دبیرستان

محمدرضا شاه اراک در رشته ادبی دیپلم گرفت. او پس از دوره سربازی به استخدام سازمان

ثبت احوال درآمد و حین کار در بهمن ماه ۱۳۵۳ با رتبه ۶ وارد مدرسه عالی علوم (دانشگاه اراک) شد و در

خردادماه سال ۱۳۵۶ به‌دریافت دانشنامه لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. برخی از آثار این

شاعر خوش قریحه که با الهام از فردوسی قصیده‌سرایی می‌کند عبارتند از: مهرمیهن بر سپهر سخن، خروش

خارکن از دیار کهن، گزینشی از سروده‌های پدر، آذرنامه در رویارویی دوشیزه طغان با کریم‌خان زند بر پایه

سند تاریخی، امیرکبیر و آیین کشورداری، کهن‌شهر زلف‌آباد زیر کلنگ بیداد، تلواسه‌های تشنه (دل‌مویه‌های

میهنی) و نیز پزشک‌نامه و نوسروده‌ها که در دست چاپ دارد.



^۱ در بهار سال ۱۳۰۰ یکی از زورگویان، گاو پیرزنی را با قلدری و البته بابت طلب مصادره نمود و ایشان در تقبیح این رفتار، شعری می‌سراید که دوبیت نخست آن این است: به کشوری که در او مرتفع حجاب کنند/ نمی‌سزد که در او ظلم بی‌حساب کنند/ زنان نقاب جهالت ز رخ برافکنند/ رجال از چه دگر حیل‌ه در نقاب کنند

محمودی میلآگردی، احمد (۱۲۵۶-۱۳۳۱ خ)، از فضلا و ادیبان مشهور و از اهالی میلآگرد (کميجان) و از هنرمندان خوشنویس و معروف که در نجف به شغل خوشنویسی اشتغال داشته و دعای حرز یمانی معروف به دعای سیفی که به خط مرحوم شیخ بهاءالدین عاملی (شیخ بهایی) بوده را با خط خود استنساخ کرده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴۷).

مختار، پرستو (۱۳۵۷ خ)، فرزند خلیل، اهل خمین، تحصیلاتش را در رشته علوم اجتماعی ادامه داد و چون از همان آغاز دستی بر قلم داشت مطالعات و پژوهش‌های خود را در قالب داستان به رشته تحریر درآورد. نخستین کتاب او با نام «زندگی آرام» با موضوع اجتماعی خانوادگی، در سال ۱۳۹۳ منتشر و حائز رتبه برتر کشوری شد. به دنبال موفقیت و استقبالی که از این رمان شد، به زودی جلد دوم کتاب با عنوان «دختر مهتاب» در دانشگاه پیام نور رونمایی شد. «ریحانه» اثر دیگری از او در سال ۱۳۹۷ برگزیده جشنواره بین‌المللی سرخ‌نگاران و نخستین جایزه کتاب سال آثار دفاع مقدس شد. این هنرمند علاوه بر آثار به چاپ رسیده، ده‌ها رتبه کشوری، منطقه‌ای و استانی دیگر در زمینه فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و نگارشی در کارنامه دارد.



مختاری، ارژنگ (۱۳۵۹ خ)، متولد آسیابک (زرنديه)، و دانش‌آموخته مهندسی عمران که از کودکی طبع شعر داشت و مجموعه شعر این شاعر با نام «افق امید» در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است (چراغی، ۱۳۹۵: ۴۴۹).

مختاری، جواد (۱۳۵۸ خ)، فرزند آیت‌الله و بانو معصومه، دوران ابتدایی را در مدرسه توحید گذراند و از دبیرستان امام محمدباقر اراک دیپلم و از دانشگاه ملایر ارشد زبان و ادبیات فارسی گرفت. او که از دوران کودکی به تلاوت قرآن عشق می‌ورزید، در حدود سه دهه فعالیت در این عرصه و تدریس در دانشگاه، هم‌اکنون به اجرای برنامه‌های صحنه و رسانه در شبکه استانی و هم‌چنین نویسندگی و سرایش شعر مشغول است. از این شاعر و نویسنده تاکنون دو اثر به رشته تحریر در آمده که «روز یازدهم» کتابی است با مضمون وقایع‌نگاری عاشقانه از صحنه‌های عاشورایی و دیگری کتاب «گلوله‌های ممنوعه» که به جانبازان شیمیایی تقدیم شده است.



مخزومی ساوجی، ابوالفرج (درگذشته ۱۳۷۵ خ)، هنرمند خوشنویس و شاعر دوره ناصری اهل ساوه است که به عربی هم شعر می‌سروده و اشعاری که در رثای فخرالدوله وزیر، سروده قدرت و توانایی وی را در شعر و ادب نشان می‌دهد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۳).

مخلص‌الائمه، عطاءاله (۱۲۹۵ خ)، فرزند آقا شیخ غلامحسین، متولد **اراک**، دوران

کودکی از محضر پدر کسب فیض کرد و دوره اول متوسطه را در دبیرستان صمصامی بیات گذراند، سپس در بازار اراک به کار تجارت فرش پرداخت. از آغاز جوانی استعداد شاعری بویژه بدیهه سرایی در نهادش نمایان بود و به سرودن اشعار مذهبی علاقه داشت و آثاری



از خود به جای گذاشته است (مجدی، ۱۳۸۴: ۳۲۴).

مخلص‌الائمه، غلامحسین (۱۲۵۸-۱۳۱۶ خ)، فرزند محمدهاشم و نوه حاجی محمدعلی کزازی و از

بازاریان سرشناس **اراک** که در حرفه تجارت قالی دستبافت مشغول بوده است. این تاجر هم‌چنین شعر نیز می‌سروده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴۷).

مداحی‌ساوجی، سیدمحمد (۱۳۲۱ خ)، فرزند سیدعبداله، ملقب به میرافضل یل‌آبادی، تحصیلاتش را در ساوه و تهران گذراند و به ورزش باستانی روی آورد و در دوران جوانی با آقای میرطاهر رئیس یکی از سلسله‌های درویش مرتبط شد و به‌زودی به یکی از نام‌آوران تبدیل شد. این نویسنده دینی، تألیفاتی دارد که عبارتند از: علی شکوه آفرینش، واصلان خاکسار، رفیق‌العارفین و چند اثر دیگر (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۵۹).

مدایح‌نگار، محمدابراهیم (۱۲۴۲-۱۲۸۶ خ)، فرزند میرزا مهدی سررشته‌دار **تفرشی**

و نوه میرزاعبداله وزیرلشکر محمدشاه، پس از تحصیلات مقدماتی در تهران، مدتی به سب مأموریت پدر در خطه مازندران، به فراگیری زبان عربی، علوم استیفاء، انشا و خط نستعلیق و سپس در دارالفنون به تحصیل ریاضیات، علوم جدید، زبان‌های خارجی و نقاشی پرداخت. وی در سفر ناصرالدین‌شاه به خراسان او را همراهی کرد و در بازگشت به‌عنوان منشی وزارت وظایف‌واوقاف در دستگاه میرزا تقی‌خان مجدالملک وارد و لقب مدایح‌نگار دریافت کرد. او هم‌چنین مدتی رئیس دفتر نوشتجات، مدتی امور استیفاء خوزستان در زمان نظام‌السلطنه و مدتی هم منشی‌گری سفارت انگلیس را عهده‌دار بود. وی هم‌چنین مدتی ردای وزرات محمدشاه بر تن کرد و در زمان امیرکبیر هم در آذربایجان خدمت کرد و پس از شهادت امیر و در زمان اعتمادالدوله به تهران فراخوانده شد. ایشان حاصل سفر خود به ماورالنهر را در دقایق‌النظر فی‌حقایق‌السفر آورده و «تذکره انجمن ناصری»، «تذکره مجدیه»، «تذکره قدسیه» و «کتاب گلستان» از دیگر نوشته‌های اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۵۸).



مدبرانجدانی، اسماعیل (۱۱۵۹-۱۲۲۸ خ)، اهل روستای انجدان (**اراک**)، منشی قائم‌مقام بوده و در

زمان فتح‌الشاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه، سمت وزارت داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۳).

مدتیان، مافاک (۱۲۸۱-۱۳۶۰ خ)، مشهور به اسکندر شکسته‌بند، زاده چهارمحال و

بختیاری که در سنین جوانی به **اراک** مهاجرت کرد. این هم‌شهری مسیحی، سال‌های



متمدنی در منزل خویش به عنوان طبیب به مداوای بیماران پرداخت. وی مردی بی‌آلایش و مردم‌دار بود و مستمندان را به رایگان مداوا می‌کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۲۸۷).

مددی، بهرام (۱۳۴۷ خ)، فرزند اعلا و بانو عذرا، متولد اراک، در دوره دبستان به نقاشی کتاب‌ها و مجله‌ها علاقه زیادی نشان می‌داد تا اینکه در دوره راهنمایی علاقه‌مندی‌اش به طراحی و نقاشی به مرحله‌ای رسید که تمام فکر و ذکرش را معطوف به خود کرد تا جایی که نقاشی جایگزین درس و تحصیل او شد. این هنرمند در دوره سربازی به اسارت ارتش بعث عراق درآمد ولی این هر دو نتوانست وی را از نقاشی و هنر دور نگه دارد و پس از بازگشت به میهن هم‌چنان مشغول آموزش و تجربه‌اندوزی در این هنر است. او سپس فوق‌دیپلم نقاشی گرفت و در آموزش و پرورش به تدریس هنر پرداخت. شرکت در نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی در اراک، تهران و شیراز برخی از افتخارات اوست.



مددی، محمد (۱۳۴۱ خ)، فرزند غلام‌حسین و بانو منظر، زاده روستای نوازن (اراک)، تحصیلات مقدماتی را در دبستان خیام و راهنمایی کوروش گذراند و از دبیرستان شاهپور دیپلم فرهنگ‌و ادب گرفت. این فعال فرهنگی که بازنشسته ماشین‌سازی اراک است، تاکنون مقالات بسیاری در زمینه تاریخ بویژه تاریخ شهرستان اراک نوشته که برخی از آنها در هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌های کاشانه، لاله سرخ، زمان و ماشین‌سازی اراک به چاپ رسیده است. برخی از آثار نوشتاری این نویسنده و اراک‌پژوه عبارتند از: «اراک در خاطرات و سفرنامه‌ها»، «سوئدی‌ها در ایران»، «تاریخ عراق» و نیز «آقای لجور» جدیدترین کتاب اوست که در شهریورماه ۱۴۰۱ رونمایی شد.



مددی، محمدعلی (۱۳۲۱-۱۳۷۷ خ)، فرزند علی‌محمد و بانو خانم‌سلطان، زاده روستای نوازن (اراک)، بنیانگذار انجمن مجسمه‌سازان ایران و از نسل دوم مجسمه‌سازان معاصر است. او در سال ۱۳۵۰ از دانشکده هنرهای زیبا در رشته مجسمه‌سازی دانش‌آموخته شد و بعد از آن نیز همواره از جمله مجسمه‌سازان پرکار ایران بود. آثار او عموماً در سطح شهرهای ایران و برخی هم در ایتالیا نصب شده و بیشتر شامل پرتره‌های مشاهیر ادب، هنر و عرفان است. دسته دوم آثار این هنرمند مجسمه‌ساز نیز در گالری‌ها به نمایش گذاشته شده که در این دسته از مجسمه‌ها، نگاهی مدرن دیده می‌شود.



مددیان، آندرانیک (۱۳۳۷ خ)، مشهور به **اندی**، در خانواده‌ای ارمنی اهل روستای لیلیان (خمین) در تهران زاده شد و در نوجوانی به تحصیل موسیقی پرداخت. او نخستین گیتارش را در ۱۴ سالگی با چوب ساخت و سپس به گروه موسیقی که پسرخاله‌هایش (سورن، گارنی، روبن) تشکیل داده بودند پیوست و نواختن گیتار را آغاز کرد. این هنرمند که در مواقعی قطعاتی به زبان انگلیسی اجرا می‌کرد مدتی به همراه کامران یغمایی (برادر کورش یغمایی) در یک



گروه موسیقی راک انگلیسی می‌خواند. در سال ۱۳۵۷ از سوی شرکت سی‌بی‌اس شعبه تهران به اندی پیشنهاد قرارداد برای تهیه آلبومی به زبان انگلیسی داده شد که به دنبال این پیشنهاد عازم لس‌آنجلس شد و در این سفر علاقه وی به موسیقی بیشتر شد. اندی با مؤسسات نیکوکاری و سازمان‌های حامی صلح جهانی همکاری داشته و نیز با خواننده‌های سرشناس جهان، آهنگ‌هایی ضبط و منتشر کرده است.

مدرس آشتیانی، مهدی (۱۲۶۸-۱۳۳۲ خ)، اهل **آشتیان**، ریاضیات را نزد شیخ‌عبدالحسین سیبویه و حکمت اشراق، طب قدیم و طب جدید را نزد میرزا ابوالقاسم نایینی طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه آموخت و خود نیز شاگردان زیادی تربیت کرد و اندوخته‌های علمی و طبی خود را به‌عنوان طبیب برجسته در دو رساله «اساس التوحید» و «حاشیه بر شفا» ماندگار کرد (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۶۷).

مدرس انجدانی، عبدالحمید (۱۳۳۱ خ)، تحصیلات خود را در **اراک** شروع و در اصفهان تکمیل کرد. او سپس به اراک بازگشت و برای چند دهه در مدرسه آقاضیاءالدین تدریس کرد. از شاگردان وی می‌توان به آیت‌اله سیدمحمد مکی‌نژاد (۱۲۸۲-۱۳۶۵) اشاره کرد.

مدرس گرکانی، محمدتقی (زندگی ۱۲۶۶ خ)، فرزند میرزا علیرضا قریب، متولد گرکان (**آشتیان**)، در نجف اشرف از محضر میرزا خلیل و هادی تهرانی کسب فیض کرد و از سال ۱۲۶۶ به‌عنوان عالم دینی، تبلیغ و تدریس در تهران را پیشه کرد (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۴).

مدرس مشیدی، عباس (قرن ۱۳)، فرزند شیرعلی، از مردم **شازند** و از علمای دینی قرن سیزدهم و هم‌چنین مدرس حوزه علمیه آقاضیاءالدین اراک بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۰).

مدنی، حسین (قرن ۱۳)، معروف به حسین وزیر، فرزند میرزا کاظم **آشتیانی**، مدتی وزیر و پیشکار علی‌نقی میرزا رکن‌الدین حاکم قزوین بود. او بیشتر علوم زمان نظیر ادب، منطق، حکمت و انشا را آموخت (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۶۹).

مدنی، شکراله (۱۲۹۵ خ)، فرزند حسین، زاده **اراک**، ضمن تحصیل علوم قدیم، هنر



خوشنویسی را هم از استاد سیدحسن فرید و دیگر استادان آموخت و در سال ۱۳۱۵ با سمت استاد خوشنویس به‌استخدام اداره فرهنگ اراک درآمد. نظر به اینکه این هنر را در مدارس و دانشسرای مقدماتی و مرکز تربیت معلم تدریس کرده، لذا بیشتر خوشنویسان نامدار استان شاگرد ایشان بوده‌اند. از این هنرمند آثار زیادی به‌جای مانده که کتاب «ظهرعاشورا» و کتیبه مسجدسیدها، مسجد قدس و مقبره آقانورالدین از آن جمله‌اند (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۹۳).

مدنی‌عراقی، حسین (۱۲۶۲-۱۳۴۴ خ)، فرزند مهدی، از نخستین معلمان و فرهنگیان قدیمی و از هنرمندان خوش‌نویس و معروف **اراک** که به‌مدت ۴۰ سال، تدریس هنرجویان خطاطی را عهده‌دار بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۳).

مدیری، سیدمهران (۱۳۴۶ خ)، فرزند سیدرضا و بانو مولود، کارگردان، تهیه‌کننده،



بازیگر، خواننده و مجری مشهور ایرانی که از خانواده‌ای **اراکی** در تهران به دنیا آمد. تندیس بهترین سریال تلویزیونی برای سریال هیولا، تندیس بهترین چهره تلویزیونی برای برنامه دورهمی، دکترای افتخاری دانشگاه امریکن لیبرتی لس‌آنجلس و ده‌ها جایزه دیگر، از افتخارات این سینماگر برجسته در عرصه بازیگری، کارگردانی و اجراست و از نامداران طنز به‌شمار می‌رود. **مرآت، اسماعیل** (۱۳۲۲-۱۳۲۸ خ)، فرزند میرزا موسی (مرات‌الممالک **آشتیانی**) در تهران به دنیا آمد و پس از پایان تحصیلات مقدماتی، به فرانسه رفت و بعد از بازگشت به ایران در دارالفنون به تدریس فیزیک پرداخت. در سال ۱۳۹۸ با تأسیس دارالمعلمین مرکزی به معاونت ابوالحسن فروغی برگزیده شد و در سال ۱۳۰۵ به ریاست تعلیمات ابتدایی وزارت معارف منصوب شد. او در سال ۱۳۰۷ سرپرستی ۱۱۰ نفر از محصلین اعزامی به اروپا را عهده‌دار شد و در سال ۱۳۱۶ استاندار کرمان و سال ۱۳۱۸ هم وزیر فرهنگ شد. وی هم‌چنین در سال ۱۳۲۸ به‌عنوان سرپرست محصلین ایرانی به آمریکا رفت (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۷۷).

مرادیبگی، بهمن (۱۳۶۷ خ)، فرزند رحمن و بانو محترم، متولد روستای هزاوه



(**اراک**)، تحصیلاتش را در دبستان جمال‌الدین و راهنمایی مطهری گذراند و از دبیرستان شاهد ۲ دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه صنعتی شاهرود مدیریت‌صنعتی خواند و در شرکت آلومینیوم‌سازی ایران مشغول بکار شد. او از سال ۱۳۸۴ و در ۱۷ سالگی ورزش کونگ‌فو را به‌صورت جدی تمرین کرد و در این رشته در سطح استان و کشور به قهرمانی دست یافت. مربی فدرال و داور رسمی و بین‌المللی فدراسیون کونگ‌فو، دارنده کاپ فنی‌ترین مبارز (سوپرفایتر) مسابقات بین‌المللی کونگ‌فو بلغارستان، دارنده حکم عقاب سبز فدراسیون ووشو، مربی تیم دانشجویان استان در مسابقات قهرمان کشوری تبریز، قهرمان و عضو تیم سبک فری‌فایتینگ اعزامی به مسابقات ترکیه و اوکراین، قهرمان و عضو تیم سبک سازمان هنرهای رزمی در مسابقات امارات (دبی)، کاپیتان تیم کونگ فوی استان و کاپیتان تیم ملی جنگاوران کونگ فو برخی از افتخارات اوست.

مسعودی، حمیدرضا (۱۳۴۷ خ)، فرزند علیرضا و بانو فاطمه، زاده **تفرش**، تحصیلات



دبستان تا دریافت دیپلم نقشه‌کشی را در تهران گذراند و از سال ۱۳۶۸ وارد فعالیت هنری گرافیک و عکاسی شد. او دوره‌های آموزشی، فعالیت‌های هنری و نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی زیادی را تجربه کرد و در این مسیر موفق به دریافت گواهینامه و دیپلم افتخار و نیز مدال برنز از کشور چین گردید. با تأسیس کانون فرهنگی و تبلیغاتی تیراژه در تفرش، ضمن ورود به حوزه چاپ و تبلیغات، راه‌اندازی و سردبیری نشریاتی مانند کتیبه تفرش و همکاری با دیگر نشریات و مطبوعات استان مرکزی را هم در پیش گرفت. ایشان از سال ۱۳۸۶ وارد حوزه گردشگری شد و با گذراندن دوره‌های

مرتبط، اجرای تورهای گردشگری داخلی و خارجی را در دستور کار قرار داد و نخستین اقامتگاه روستایی در استان مرکزی را بنام خویش ثبت نمود. وی طی ۳ دهه فعالیت فرهنگی و هنری، مقالات پژوهشی زیادی را در نشریات منتشر نموده و نیز ۴ عنوان کتاب «آموزش کاربری رایانه (خودآموز مقدماتی مناسب برای دانش‌آموزان)»، «چهار داستان کوتاه»، «آشنایی با درختان کهنسال تفرش» و نیز «معرفی جامع شهرستان تفرش» را به‌عنوان نویسنده در کارنامه دارد.

مرادی، ابوالقاسم (۱۳۵۰ خ)، فرزند فتح‌اله و بانو کوبک، اهل کميجان، تحصیلات مقدماتی را در دبستان مولوی و راهنمایی شهید موسوی گذراند و وارد دانشسرای تربیت‌معلم کميجان شد. و به تدریس پرداخت. او هم‌زمان با تحصیل، فوق‌لیسانس تاریخ ایران گرفت و در عرصه فرهنگی نویسنده مقاله کميجان در ایران‌شناسی (ارائه در همایش بین‌المللی ایران‌شناسی) و نیز کتاب «کميجان تا دیروز» را در کارنامه دارد.



مرادی، حسن (۱۳۳۶ خ)، فرزند اسماعیل و بانو فاطمه، تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش ده‌نمک (اراک) گذراند و در تهران دیپلم گرفت و با رتبه ۹۴ وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. پس از دوره لیسانس به انگلیس رفت و زبان تخصصی حقوق در دانشگاه لیورپول، کارشناسی ارشد در دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند، دوره ام‌فیل



(Master of Philosophy) تجارت بین‌الملل، دکترا و فوق دکترا تخصصی حقوق تجارت بین‌الملل را در دانشگاه گلاسگو گذراند و به‌مدت یک‌سال به‌عنوان استاد افتخاری این دانشگاه تدریس کرد. این عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که دکترای حقوق بین‌الملل محیط زیست هم دارد، به‌مدت ۱۱ سال متوالی استاد افتخاری دانشکده حقوق دانشگاه لندن بوده و داوری تجاری بین‌المللی دعاوی ایران و آمریکا در دیوان لاهه را در کارنامه دارد. راینز فرهنگی ایران در لندن، نماینده مردم اراک در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، مدیرکل حقوقی و نیز مدیرکل سازمان‌های بین‌المللی وزارت کشاورزی، مسوول سازمان‌های بین‌المللی نهاد ریاست جمهوری و مدیرکل حقوقی شرکت کالای نفت ایران، وکیل پایه یک دادگستری و مشاور بین‌الملل رئیس کانون وکلای مرکز، برخی از سوابق شغلی اوست. پروفیسور مرادی قریحه شعری هم دارد و هزاران قطعه شعر کلاسیک سروده و دستی هم بر قلم دارد که تألیف کتب «هنر قالی‌بافی ایران»، «بریتانیا و پدیده فساد در آفریقا»، «متون حقوقی تخصصی زبان انگلیسی»، «حقوق بین‌الملل محیط زیست (دو جلد)»، «تریونال‌های^۲ تخصصی در حقوق محیط زیست بین‌الملل» و نیز رساله‌ای در حقوق مالکیت‌های معنوی (فکری) و علائم تجاری و همچنین رساله‌ای در

۱. دانشجویی، یک دوره پژوهشی تحصیلات تکمیلی بین کارشناسی ارشد و دکتراست که نیازمند تکمیل پایان‌نامه است.

۲. دیوان دادرسی. دیوان رسیدگی به شکایات

کنونسیون حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی (اکسید) از آن جمله‌اند.

مرادی، غزال (۱۳۶۳ خ)، اهل ساوه، دانش‌آموخته ریاضیات و ارشد مدیریت است که چند اثر ادبی، مجموعه شعر نصیرا، باد مخبره خواهد کرد و همچنین سارا در آینه را در کارنامه دارد. این شاعر از سال ۱۳۷۷ فعالیت ادبی می‌کند و از سال ۱۳۸۴ با نشریه دانشجویی سگار همکاری دارد و عضو هیأت تحریریه الکترونیک ادبیات داستانی «چو» است (چراغی، ۱۳۹۵: ۴۴۹).

مرادی، فرزانه (۱۳۶۴ خ)، فرزند محمود و بانو اعظم، زاده اراک، تحصیلات مقدماتی را در دبستان قائمیه و راهنمایی آزاد گذراند و از دبیرستان زینبیه دیپلم گرفت. او مدرک دکترای تخصصی در رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی را در سال ۱۳۹۷ دریافت و عنوان جوان نمونه استان را برای ۲ سال به‌نام خویش ثبت نمود. او مولف نخستین کتاب در حوزه جرائم آبی با رویکرد داده‌های سیاست جنایی و با بررسی چالش‌ها و راهکارهای پیشنهادی است که در سال ۱۴۰۰، در جشنواره کتاب سال استان، شایسته تقدیر شد. این کتاب، با عنوان جرایم آبی در عرصه سیاست جنایی ایران مورد استقبال زیاد وزارت نیرو، دادگستری و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قرار گرفت. دکتر فرزانه مرادی علاوه بر این، تالیف ۳ عنوان کتاب فاخر دیگر و نیز تالیف بیش از ۲۰ مقاله داخلی و بین‌المللی را در کارنامه دارد و مدرس نخستین دوره آموزشی حقوق کیفری آب برای کارکنان صنعت آب و برق کشور است. او همچنین دارای پروانه صلاحیت تدریس برای کارکنان دولت بوده و به‌عنوان داور نشریات علمی و در سمت رئیس گروه بازرسی و مدیریت عملکرد شرکت آب منطقه‌ای مرکزی مشغول به فعالیت است.



مرادیان، ابراهیم (۱۳۱۸-۱۳۷۶ خ)، دکترای پزشکی دانشگاه تهران که تجربه ۳۰ سال خدمت در بیمارستان راه‌آهن اراک دارد و از پزشکان برجسته، خوشنام و مردمی اراک بود. این پزشک مردمی از آخرین نسل هم‌میثان یهودی اراک، در مطب خویش پذیرای بیماران بود و در اقدامی انسانی، مستمندان را به رایگان درمان می‌کرد و حتی بهای داروی برخی از بیماران را تقبل می‌کرد (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۹۳).



مرادی‌باستانی، علی (۱۳۷۴ خ)، فرزند کریم و بانو شیرین، متولد اراک، در سن ۱۵ سالگی هم‌زمان با تحصیل در مدرسه نمونه حاج کاظمی، با تأسیس رسانه اینترنتی «خبر مرکزی» به‌عنوان جوان‌ترین خبرنگار و مدیر مسوول استان مرکزی شناخته شد و با کسب افتخارات متعدد ورزشی و فرهنگی به‌عنوان دانش‌آموز برتر به‌همراه ۶ نفر دیگر از استان در سال ۱۳۹۱ به حج عمره دانش‌آموزی رفت. او در سال ۱۳۹۳ رتبه ۱۱۳ کنکور سراسری را کسب و در دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی تهران پذیرفته و در سال ۱۴۰۰ در رشته پزشکی دکترا گرفت. این نویسنده و



مدیرمسوول کانال تلگرامی «عصرمرکزی»، جوان برتر و نمونه استان مرکزی، در سال ۱۳۹۶، کتاب «قرآن و زندگی امروزی» را هم نوشته است.^۱

مرادی غیاث‌آبادی، رضا (۱۳۴۳ خ)، اهل **فراهان**، پژوهشگر و نویسنده کتاب‌هایی در زمینه باستان‌شناسی، گاه‌شماری، باستان‌شناسی پسااستعماری و انسان‌گرایی است. او نظریه‌پرداز کاربرد بناهای تقویمی و سازه‌های خورشیدی هم‌چون چهارتاقی نیاسر در ایران است و فرضیه‌اش در زمینه کاربرد خورشیدی بناهای باستانی است. وی هم‌چنین از فعالان تاریخ‌نگاری انسان‌گرا و از منتقدین پویا و فعال سازمان میراث فرهنگی است و مصاحبه‌ها و مناظره‌های متعددی در نقد عملکرد سازمان و به‌خصوص استفاده ابزاری آنان از کوروش انجام داده است. او در فیلم مستند «روشنان آسمانی» و فیلم مستند هفت قسمی «سیر اختران در فرهنگ‌و هنر ایران» به کارگردانی محسن رمضان‌زاده که در زمینه دانش اخترباستان‌شناسی و معماری خورشیدی هستند، به‌عنوان کارشناس و پژوهشگر حضور داشت. مرادی غیاث‌آبادی در دومین همایش بین‌المللی باستان‌شناسی تمدن هلیل‌رود (جیرفت) به ارائه مقاله‌ای پرداخت که طی آن یکی از کهن‌ترین سنگ‌نوشته‌های ایران به‌نام خط هندسی را معرفی کرد. کتاب «کتیبه خارک در خلیج فارس» هم نوشته اوست.

مرادی‌نیا، محمدجواد (۱۳۴۵ خ)، فرزند حسین، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در

خمین گذراند و در سال ۱۳۶۳ وارد دانشگاه اصفهان شد و کارشناسی‌ارشد تاریخ گرفت.

او سپس وارد مسوولیت‌های اجرایی شد که کارشناسی سیاسی مجلس شورای اسلامی،

سرديبری روزنامه کاروکارگر، سرديبری فصلنامه شکوفه، عضو شورای نویسندگان روزنامه

جمهوری‌اسلامی، تدریس در مراکز آموزش عالی، نویسندگی و کارشناسی برخی برنامه‌های تلویزیونی،

ریاست مرکز تحقیقات جهانگردی و... از آن جمله‌اند. آثار نوشتاری این مورخ و نویسنده هم عبارتند از:

خاطرات پسندیده، خمین در انقلاب، برگی از تاریخ آزادی‌خواهی در ایران، قم در انقلاب، خمین در گذر

تاریخ و تاریخ استان مرکزی (سمعی، ۱۳۸۲: ۹۲۹).

مرتجی، جمشید (۱۳۱۲ خ)، فرزند محمود، اهل روستای الوسجرد (**ساوه**)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه

را در مدارس تهران گذراند و در آموزش و پرورش به آموزگاری پرداخت. وی هم‌زمان به تحصیلاتش ادامه

داد و فوق‌لیسانس فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران گرفت. این دبیر دبیرستان‌های تهران، نویسنده چندین

عنوان کتاب است که از آن جمله‌اند: جدول‌های دینی، بحر گهر و نیز گفتگوی دانش‌آموزان با دبیر فقه

(فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۶۴).



^۱. «عصرمرکزی» با دارا بودن حدود ۲۰۰ هزار مخاطب، در بستر تلگرام و اینستاگرام، نخستین و پرمخاطب‌ترین رسانه در شبکه‌های اجتماعی استان محسوب می‌شود.

مرتجی ساوجی، محمود (قرن ۱۴)، فرزند محمد کاظم (امین الشریعه)، اهل روستای الوسجرد (ساوه)، تحصیلات مقدماتی را در ساوه و نزد شیخ محمد رضا شریف ساوجی و شریعتمدار ساوجی گذراند و جهت تکمیل تحصیلات در مدرسه سپهسالار راهی تهران شد و در آنجا هم درس بدیع الزمان فروزانفر بود. او سپس به عنوان آموزگار به استخدام اداره فرهنگ درآمد و با سمت مدیر دبستان دانش بازنشست شد و پس از بازنشستگی، مدیریت دبستان ملی و دینی موسوم به قائمیه تهران را بر عهده گرفت. ایشان علاوه بر علوم اسلامی و نیز ادبیات عربی و فارسی، در خوشنویسی هم مهارت داشته و گلستان را با خط خویش نوشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۶۵).

مرجانی، اعظم (۱۳۴۹ خ)، فرزند اسمعیل و بانو صغری، تحصیلاتش را در دبستان شمس - العلما و راهنمایی توحید اراک گذراند و از دبیرستان تزکیه دیپلم ریاضی - فیزیک گرفت. او سپس در دانشگاه صنعتی اصفهان کارشناسی شیمی کاربردی با رتبه ممتاز، در دانشگاه آزاد اسلامی اراک کارشناسی ارشد شیمی کاربردی با رتبه نخست و سپس در دانشگاه آزاد تهران شمال در رشته دکتری تخصصی شیمی کاربردی با رتبه ممتاز دانش آموخته شد. ایشان به مدت بیش از ۵ سال مدیریت گروه شیمی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و ریاست دانشکده علوم پایه دانشگاه آزاد اسلامی اراک را بر عهده داشته است. خانم دکتر مرجانی بیش از ۱۹۰ مقاله ISI و علمی - پژوهشی، تألیف و ترجمه ۴ عنوان کتاب، ۱۲ طرح پژوهشی و ۳ ثبت اختراع را در کارنامه دارد و به عنوان نخستین بانوی دارنده مرتبه استادی در دانشگاه آزاد اسلامی به شمار می آید. وی همچنین در سال جاری و بر اساس داده های منتشره توسط تیم تحقیقاتی دانشگاه استنفورد آمریکا و با استناد به شاخص عملکرد پژوهشی ۲۰۲۴ مستخرج از پایگاه استنادی اسکوپوس (Scopus)^۱، برای سومین سال پیاپی در فهرست دانشمندان پر استناد جهان در همه رشته ها قرار گرفت.



مردانی، محمد علی (۱۳۰۱-۱۳۷۸ خ)، فرزند بهرام، اهل روستای آشمسیان (خمین)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در خمین گذراند و در اراک از محضر دکتر محمد خزائلی کسب فیض کرد. او که از کودکی علاقه مند به شعر بود، در این مسیر حرکت کرد و ضمن مداحی و تأسیس مجمع مداحان خمین، در سال ۱۳۳۱ راهی تهران شد و در سال ۱۳۵۰ انجمن نغمه سرایان مذهبی شرق تهران را پایه گذاری کرد. این شاعر مذهبی در اوایل انقلاب به عضویت شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و واحد ادبیات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی درآمد. او در دوران دفاع مقدس نزدیک به چهار سال در جبهه ها حضور داشت و به درجه جانبازی نایل آمد. از وی تاکنون



۱. اسکوپوس یکی از نمایه های استنادی معتبر و شناخته شده است که اطلاعات کتاب شناختی حدود ۶۰ میلیون سند را در خود دراد.

۳۰ مجموعه شعر باقی مانده که بیست مجموعه آن چاپ و منتشر شده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۹۳۲).

مزدقانی، کمال (قرن ۵)، از شعرای **ساوجی** دوره غزنویان است که در «فرهنگ سخنوران» از وی نام برده شده و این اشعار از اوست: شاهان جهان و خسروان بنده من/ در مشرق و مغرب همگان بنده من/ با این همه ملک و پادشاهی که مراست/ من بنده تو، همه جهان بنده من (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۷۷).

مزدقانی، محمود (قرن ۸)، فرزند عبدالله، معروف به شرف‌الدین، یکی از عرفا و متصوفین قرن هشتم **ساوه** بوده و در دایره‌المعارف «دانش بشر» چنین معرفی شده است: از مربیان بزرگوار و مشایخ عالی‌مقدار است که خرقه و تلقین ذکر و آداب سلوک مسالک عرفان را از شیخ علاءالدوله سمنانی کسب کرده و سپس به‌عنوان جانشین وی در مسند دستگیری مشتاقان نشسته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۶۰).

مزدقانی‌ساوجی (درگذشته ۵۰۷ خ)، فرزند عبدالله، وزیر طغتکین، امیر دمشق بوده و اگرچه از فرقه اسماعیلیان نبوده ولی از بهرام رئیس اسماعیلیان (۴۸۳-۵۳۳) حمایت خاص می‌کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۸۵).

مژگان، محمد (۱۳۳۴ خ)، فرزند غلامحسین، متولد **اراک**، در سال ۱۳۴۹ در رشته ماشین‌ابزار مرکز آموزش ماشین‌سازی اراک شروع به‌تحصیل کرد و در سال ۱۳۵۲ در این شرکت مشغول بکار شد. او که مهارت زیادی در زمینه تراشکاری به دست آورده بود، در مسابقات مهارت ملی کشوری در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ به مقام دوم و مدال نقره دست یافت و در سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ هم موفق به کسب مقام نخست و مدال طلا شد. او سپس در سال ۱۳۶۰ با همکاری مهندس علیرضا حسین‌آبادی، شرکت صنایع اشتعال اراک به‌عنوان نخستین واحد صنعتی تولیدکننده مشعل و شیرآلات بویلرهای بخار بویژه شیرهای اطمینان را راه‌اندازی کرد. در سال ۱۳۷۵ و در حالی که کارشناسان معتقد بودند که ساخت مشعل روتاری کاپ^۱ به‌دلیل پیچیدگی‌های ساختی، در داخل کشور ممکن نیست، اقدام به ساخت آن کرد. این کارآفرین برجسته، یکی از پیشتاازان در به‌روزآوری مشعل‌ها با سیستم‌های کنترل احتراق در راستای محیط‌زیست پایدار و کاهش مصرف سوخت، در سال ۱۳۸۷ نسل نوین مشعل‌های مجهز به سیستم لم‌تک آلمان را به‌بازار عرضه کرد. امروز این شرکت با ۹۰ نفر پرسنل، به‌عنوان یکی از واحدهای برتر صنعت بخار، در کشور افتخارآفرین است.



^۱. روتاری یا دستگاه تقطیر در خلا، به‌عنوان یک ابزار جداسازی است که حلال فرار را با تبخیر و متراکم‌سازی از مخلوط مایع خارج می‌کند.

مستشار لشکر، محسن (قرن ۱۳)، به‌عنوان مستوفی از لشکرنویسان آذربایجان بود و در ایام محرم و صفر به گرکان (آشتیان) می‌آمد و در خانه بزرگی که اندرون بیرونی و باغچه‌ای داشت، مجلس روضه‌خوانی برپا می‌کرد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۲۹).

مستقیم ساوجی، سیدحسین (۱۲۷۶ خ)، فرزند سیدحسن، متولد قیطانیه (ساوه)، تحصیلاتش را در مکتب‌خانه‌های ساوه گذراند و از جوانی عشق‌و‌علاقه زیادی به سرودن داشت. موضوع اشعار این شاعر ساوجی، مداحی و مراثی چهارده معصوم است و مجموعه اشعارش به نام «گل نوبهار مستقیم» به همت فرزندش سید کمال‌الدین چاپ شده است. ایشان هم‌چنین در شغل دندان‌ساز و عکاس بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۸۶).

مستوفی، رضا (۱۲۰۳-۱۲۷۴ خ)، اهل آشتیان، ملقب به معین‌السلطنه از رجال و کارگزاران دوره ناصری بوده است.

مستوفی، حاجی‌آقا (قرن ۱۳)، اهل آشتیان، پسر عموی میرزا یوسف اعتصام‌الملک بود و مدتی از افراد عالی‌قورخانه^۱ دوره ناصرالدین‌شاه و سپس عزب‌باشی^۲ و سررشته‌داری دفترخانه استیفا را به‌عنوان مستوفی عهده‌دار شد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۵۴).

مستوفی، حسن (۱۲۷۹ خ)، فرزند میرزا باقر و مادرش دختر میرزا احمد مجتهد خوانساری است. ایشان که از طرفداران مصدق و کاشانی بود، تحصیلاتش را در خمین و اراک گذراند و در سال ۱۳۱۸ رئیس شهرداری شمیران شد. مشاور دیوان محاسبات کشور، معاونت شهرداری تهران و مدتی هم رئیس غله‌ونان تهران از مسوولیت‌های او بوده است^۳ (سمیعی، ۱۳۸۲: ۹۴۳).

مستوفی، حسین (۱۲۲۰ خ)، فرزند میرزا ابوالقاسم، اهل آشتیان، به‌عنوان هنرمند خوشنویس، سه جلد فرهنگ مظفری را در سال ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ در تبریز و به‌خط نستعلیق تحریر کرده و مراسلات و منشآت را هم در سال ۱۲۸۰ جمع‌آوری و به‌خط شکسته نستعلیق نگاشته است.

مستوفی، سیداحمد (زندگی ۱۲۴۲ خ)، پسر میرزا موسی وزیرتفرشی و برادر میرزا سیدعیسی و میرسیدعبداله بوده و زمانی که یوسف‌خان گرجی، شهر سلطان‌آباد را ساخته و حکومت عراق را بر عهده داشته، وزیر سپهدار بود و در سال ۱۲۴۲ هم حاکم اراک شد. قنات وزیرِ اراک یادگار اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۶).

^۱ قورخانه یا تخرشایی، به ساختمانی بزرگ گفته می‌شد که در آن جنگ‌افزار و سازوبرگ نظامی و هم‌چنین وسایل آتش‌بازی برای جشن‌ها و آیین‌ها ساخته می‌شد.

^۲ رئیس محاسبان و منشیان (مستوفی)، ریش سفید فراشان دفتر.

^۳ پسرخاله و هم‌بازی امام خمینی است.

مستوفی، شفیع (زندگی ۱۳۰۰ خ)، اهل **آشتیان**، در اواخر سلسله قاجار مستوفی و معاون اداره محاسب تلگراف‌خانه بود (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۵).

مستوفی، عبدالله (۱۲۵۵-۱۳۲۹ خ)، فرزند میرزا نصراله، از مردم گرکان (**آشتیان**) و نخستین دانش آموخته مدرسه علوم سیاسی بود. او نخست به‌عنوان دبیر سفارت ایران در سن‌پترزبورگ همکار مشیرالدوله بود، سپس به‌وزارت مالیه منتقل شد. ریاست دادگستری شیراز، اصفهان و کرمان و نیز استاندار آذربایجان غربی و شرقی از سوابق اجرایی اوست. کتاب «ابطال‌الباطل یا رد قرارداد و ثوق‌الدوله با دولت انگلیس» و ترجمه «انقلاب کبیر فرانسه» در دو جلد و نیز «شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه» از آثار مکتوب اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۵۶).

مستوفی، عبدالله (درگذشته ۱۲۱۷ خ)، متخلص به «خلف» فرزند میرزا کاظم آشتیانی ملقب به مستوفی-الممالک و جد اعلای خانواده میکده است. او که شاعر و خوشنویس مشهوری بود، به دستور فتحعلی‌شاه قاجار معلم خصوصی محمدشاه شد^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۳).

مستوفی، محمد مهدی (زندگی ۱۳۰۰ خ)، ملقب به تراز‌الملک، فرزند میرزا محمدرضا **آشتیانی** (بیان‌الدوله) مانند دیگر برادرانش، مستوفی دربار قاجار و صاحب منزلت و مرتبت بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۶۸).

مستوفی، مصطفی (۱۲۲۲ خ)، معروف به قریب، فرزند میرزا عبدالکریم مستوفی، پس از تحصیلات و کسب معلومات لازم، نخست به سمت سررشته‌داری و سپس در سال ۱۲۷۳ به‌منصب استیفای اول رسید و لقب خانی دریافت کرد. ایشان پس از بازنشستگی در گرکان **آشتیان** سکونت گزید و ۳ قنات احمدآباد، الهیه و کریم‌آباد از یادگارهای اوست. این مستوفی اول، شعر هم می‌سروده که نامه منظوم ایشان به‌سال ۱۳۰۰ به حاکم وره، در کتاب استاد محمدرضا محتاط موجود است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۳۶).

مستوفی، میرسیداحمد (زندگی ۱۲۸۵ خ)، یک کنشگر سیاسی و از اعضای کمیته مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان **اراک** بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۵).

مستوفی، یوسف (درگذشته ۱۲۸۲ خ)، فرزند میرزا عبدالکریم، اهل **آشتیان**، نخستین سررشته‌دار خزانه و انبار توپخانه بود. او در سال ۱۲۷۳ منصب لشکرنویسی داشت و در سال ۱۲۸۰ لشکرنویس خرم‌آباد و پشتکوه بود و به مقام مستوفی رسید. ایشان هم‌چنین قریحه شعری داشته و سروده‌های این شاعر بیشتر در قالب غزل بوده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۴۸).

۱. او برادر میرزا حسن و نوه آقامحسن آشتیانی است.

مستوفی آشتیانی، ابراهیم (۱۲۲۵-۱۲۹۷ خ)، فرزند میرزا محمد (قوام‌الدوله)، ملقب به معتمدالسلطنه و پدر قوام‌السلطنه، پس از آموختن زبان‌وادبیات فارسی و صرف‌ونحو عربی و همچنین هنر خوشنویسی، در سن ۱۸ سالگی در وزارت استیفا مشغول بکار شد. او در سال ۱۲۵۸ از طرف وزیردفتر، مستوفی آذربایجان شد و در سال ۱۲۶۵ لقب معتمدالدوله از طرف ناصرالدین‌شاه دریافت کرد. او در همان سال به‌عضویت دارالشورای کبرا^۱ منصوب شد و آخرین سمت دولتی وی حکومت قزوین بود. ایشان همچنین در دور نخست مجلس شورای ملی از تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۲).

مستوفی آشتیانی، ابراهیم (قرن ۱۳)، فرزند حسن و ملقب به «اعتصام‌دفتر» و نیز «اعتصام‌الملک»، پدر میرزا یوسف اعتصام‌الملک و از مستوفیان دوره ناصری است. اجداد وی از مردان دانشور و هنرمند بودند و به‌همین دلیل خانواده‌اش در علم‌واخلاق بنیان محکمی دارند. میرزا ابراهیم در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه با سمت مستوفی از آشتیان به‌تبریز رفت. قلعه ابراهیم‌خانی در آشتیان متعلق به اوست^۲ (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۰۳).

مستوفی آشتیانی، حسین (زندگی ۱۲۱۳ خ)، فرزند میرزا کاظم و جد محمد مصدق، مستوفی دوره فتح‌علی‌شاه قاجار بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۷).

مستوفی آشتیانی، رضا (درگذشته ۱۲۵۷ خ)، از کارگزاران عالی‌رتبه امور خارجه بود و مردی دانشمند و هم‌چنین هنرمندی خوشنویس بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۴).

مستوفی آشتیانی، زین‌العابدین (زندگی ۱۲۸۵ خ)، فرزند کریم، از بزرگان دوره مظفرالدین‌شاه و احمدشاه قاجار بود و مدتی به‌عنوان وزیر مراغه منصوب شد و بعد از سقوط قاجار، از مشاغل دولتی کناره گرفت (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۰۷).

مستوفی آشتیانی، سیدعلی (زندگی ۱۲۷۱ خ)، فرزند سیدحسن، از بزرگان و کارگزاران دربار مظفرالدین‌شاه و مدتی رئیس صندوق‌خانه و رخت‌دارخانه دستگاه مظفری بوده و در سال ۱۲۷۱ ملقب به موثق‌الملک شد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

مستوفی آشتیانی، علی (قرن ۱۳)، فرزند میرزا یوسف، از مستوفیان دوره قاجار و جد سلیمان میکده بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۷).

مستوفی آشتیانی، محمد (۱۱۸۶-۱۲۵۲ خ)، فرزند میرزا محمدتقی، در ۱۸ سالگی به مستوفی‌گری آذربایجان منصوب شد و در سال ۱۲۲۷ با لقب قوام‌الدوله به وزارت و پیشکاری آذربایجان رسید. وقتی که در سال ۱۲۳۴ مرادمیرزا حسام‌السلطنه، به سرداری خراسان مأمور شد، میرزا محمد قوام‌الدوله را هم به

^۱. عضو دارالشوری به‌مثابه وزیر می‌باشد.

^۲. پروین اعتصامی نوه ایشان است.

وزارت برگزید. او پس از وقایع جنگ مرو و شکست سپاه ایران در برابر ترکمن‌ها، مورد غضب شاه قرار گرفت و بعد از مجازات، حدود یک‌سال در قلعه پدری (آشتیان) منزوی شد. سپس با میانجی‌گری مستوفی الممالک در سال ۱۲۴۰ دعوت بکار شد و سمت وزارت و پیشکاری سلطان حسین حاکم اصفهان را بر عهده گرفت. او سپس در سال ۱۲۴۵ به سمت وزیر گمرکات و محاسبات به خدمت دیوانی ادامه داد (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۹۷).

مستوفی‌آشتیانی، محمود (۱۲۱۶-۱۲۷۷ خ)، مشهور به «قره» فرزند میرزا شفیع

(صاحب‌دیوان‌آشتیانی) از جوانی وارد خدمت استیفا شد و مدتی مستوفی نطنز، دماوند و نیز فیروزکوه بود. او در سال ۱۲۵۰ با سمت استیفا و حسابدار به مشهد رفت و در سال ۱۲۵۳، مستوفی محاسبات مالیات همدان شد و در سال ۱۲۶۱ مستوفی اول شد. او نخستین مجموعه‌دار سکه، گوه‌رسنگ و عتیقه بود و خانه‌اش در بافت قدیمی آشتیان از نظر معماری و زیبایی نقوش، یک موزه زیبا به‌شمار می‌آمد که امروز به ویرانه‌ای تبدیل شده و از آن‌همه زیبایی، تنها سردر آن باقی مانده است (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۲۳).



مستوفی‌آشتیانی، یوسف (قرن ۱۳)، فرزند میرزا عبدالله خلف، از مستوفیان و منشیان برجسته قرن سیزدهم است که سال‌های متمادی در کسوت مستوفی خدمت کرده و از فضایل اخلاقی و شغلی برخوردار بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

مستوفی‌آهویی، خلیل (درگذشته ۱۲۷۱ خ)، فرزند میرزا نصراله و برادر ارشد وثوق‌حضرت، ابتدا در آذربایجان وکیل‌دفتر وزارت مالیه بود و چون از خود استعداد و پشتکار نشان داد به مدارج بالاتر رسید و در زمان مظفرالدین‌شاه کارگزار و سررشته‌داری آذربایجان را عهده‌دار شد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۵۹).

مستوفی‌پارسا، حسن (۱۲۴۴-۱۳۱۷ خ)، ملقب به قوام‌الممالک فرزند رمضان‌بیگ، در

روستای تراران **تفرش** به‌دنیا آمد. وی که تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه و نزد پدرش گذرانده بود، دارای خطی بسیار زیبا و طبع شاعری بود. وی ابتدا سررشته‌دار و مستوفی سلطان مراد میرزا (حسام السلطنه) نوه عباس‌میرزا ولیعهد قاجار بود و به‌همراه او در فتح هرات شرکت داشت و پس از فوت وی در مناصب مختلف در دستگاه حکومت فرزندش ابوالنصر میرزا حسام‌السلطنه (دوم) نیز منشأ خدمات بسیاری بود و از جمله مناصب وی سررشته‌دار و مستوفی گیلان، سررشته‌دار کل مالی (خوزستان، فارس، اصفهان، تهران)، پیش‌کار کل مالی بنادر و گمرکات جنوب، ریاست کل گمرک بوشهر و توابع، حاکم بلوک افشار، دیلم و قزوین، حاکم شولستان^۱ و لرستان و هم‌چنین حاکم



۱. نام پیشین شهرستان ممسنی و رستم.

بندرعباس و حومه بوده است.^۱ این دولتمرد، در زمینه ادبیات هم آثاری دارد که عبارتند از: گزیده غیاث اللغات، لغت گزینه، شرح فتح هرات، دفتر شعر، کتابت دیوان هلالی جغتایی و... (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۸).

مستوفی تفرشی، اسماعیل (۱۱۴۸-۱۲۱۸ خ)، معروف به باجقلو، بزرگ خاندان بهنام

که در **تفرش** به دنیا آمد. او در دوران فتحعلی شاه قاجار در معیت حسینقلی خان سردار قاجار مستوفی، حکمران و صاحب دیوان در ایروان بود و هم‌چنین اداره امور مالی و حفظ دارایی های آخرین حاکم و سردار ایروان در دوره قاجار را عهده‌دار بود. وی مسجد کبود ایروان را به‌طور کامل مرمت و بازسازی کرد. خانه بهنام تبریز که در اواخر دوران زندیان و اوایل دوران قاجار و به‌وسیله خانواده بهنام ساخته شده بود در زمان ناصرالدین شاه، نوسازی و با نقاشی‌های زیبا تزئین شد. پس از عهدنامه تحمیلی گلستان اموال میرزا اسماعیل مصادره شد و او ناگزیر به ایران بازگشت و تا پایان عمر در تفرش زندگی کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۹).



مستوفی تفرشی، زکی (۱۱۹۲-۱۲۶۳ خ)، ملقب به ضیاءالملک، ابتدا پیشخدمت حاکم

گیلان امیراصلان خان مجدالدوله دایی ناصرالدین شاه بود و با لیاقتی که از خود نشان داد در دستگاه او ترقی کرد و پس از فوت مجدالدوله با همسرش زینت‌الدوله دختر فتحعلی شاه قاجار ازدواج کرد. او در سال ۱۲۴۸ که وزیر و پیش‌کار بهرام میرزا معزالدوله حاکم خوزستان و لرستان بود، ملقب به ضیاءالملک گردید. وزارت حکومت اصفهان در دوره چراغعلی خان زنگنه سراج‌الملک و حمزه میرزا حشمت‌الدوله، وزارت حکومت همدان در دوره عبدالصمد میرزا عزالدوله، وزارت حکومت خوزستان و لرستان در دوره بهرام میرزا معزالدوله حاکم خوزستان، مستوفی و نایب حکومت گیلان، وزارت حکومت گیلان در دوره اردشیر میرزا رکن‌الدوله، وزارت حکومت زنجان در دوره محمدرحیم خان علالدوله و محمدتقی میرزا رکن‌الدوله، رئیس اداره بنایی دولتی، وزیر وظایف و اوقاف ناصرالدین شاه برخی از سمت‌های مهم ایشان بوده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۵۷).



مستوفی تفرشی، سیدموسی (۱۱۵۶-۱۲۴۰ خ)، فرزند میرزا سید ابوالقاسم^۲ و نوه

فتحعلی شاه در تفرش به دنیا آمد و پس از پایان تحصیلات، ابتدا به‌عنوان مستوفی کل آذربایجان منصوب شد و مدتی نیز به‌عنوان پیشکار و وزیر اسکندر میرزا حاکم قزوین خدمت کرد. او هم‌چنین مدتی کفیل وزارت مالیه و سپس به‌عنوان وزیر دارالخلافه (تهران) منصوب و از این تاریخ به میرزا موسی وزیر معروف شد. سرای وزیر در قزوین، آب‌انبار بزرگی در امامزاده سید اسماعیل



^۱. وی برادر میرزا حسین خان پارسا (اعتضاد لشکر) پدر پروفسور احمد پارسا بنیانگذار علم گیاه‌شناسی نوین ایران و پدر بزرگ پروفسور اردشیر قوام‌زاده (بنیانگذار علم پیوند مغز استخوان ایران) است.

^۲. وزیر ایالت فارس در حکومت نصرت‌الدوله اول

تهران (موزه آب فعلی)، سقاخانه‌ای در ضلع غربی سبزه میدان و مسجد میرزا موسی در بازار تهران از یادگارهای اوست^۱ (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۸۸).

مستوفی تفرشی، میرسیدعلی (درگذشته ۱۳۱۵ خ)، فرزند میرزا حبیب‌الله، از شعرای قرن چهاردهم هجری و از شاگردان آسیدعلی اکبر تفرشی است. از نمونه شعرش به نقل از حسن صدیق بر می‌آید که «سرور» تخلص می‌کرده و به سرورعلیشاه نیز معروف بوده است. خط نستعلیق را نیز خوب می‌نوشته و فصاحت در غزل او مشهود است. زبان غزل او نشان می‌دهد که شاعر سبک عراقی است و واژگان شعر و محتوای غزل او چاشنی شعر حافظ را داراست (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۵).

مستوفی تفرشی، نصراله (زندگی ۱۲۴۲ خ)، در سال ۱۲۴۰ رئیس خالصه و در سال ۱۲۴۲ وزیر فارس و سپس وزیر اصفهان بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۵).

مستوفی زاده، علی اکبر (۱۲۸۸ خ)، فرزند غلامرضا تفرشی، عالم دینی، دانشمند و از قضات عالی‌رتبه کشور است که علاوه بر شغل قضاوت، از هنرمندان خوشنویس هم بوده و در نوشتن خط نستعلیق و شکسته مهارت داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۸).

مستوفی ساوجی، بهاء‌الدین محمد (قرن ۸)، مشهور به قاضی ساوجی، از شعرای و مشاهیر ساوه و از بزرگان عراق عجم بوده و به کمال آراسته و به آیین جهانبانی و رسوم جهانداری مسلط بوده و نسخه‌ای از دیوانش در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است. این شاعر در خدمت خواجه تاج‌الدین احمد بن محمد بن علی عراقی وزیر امیرمبارزالدین محمد بن مظفر بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

مستوفی ساوجی، شکراله (زندگی ۸۵۶ خ)، پدر قاضی مسیح‌الدین، مستوفی حسن‌بیگ آق‌قویونلو (۸۴۵-۸۵۶) بود، به‌همین دلیل فرزندش قاضی مسیح‌الدین به‌عنوان معلم سلطان یعقوب خدمت کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۵۳).

مستوفی فراهانی، محمد (قرن ۱۳)، از مستوفیان اواخر قرن سیزدهم و از نویسندگان معروف ایران که به‌عنوان یک هنرمند دارای خط زیبایی هم بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۶).

مستوفی فراهانی، میرزاتقی (زندگی ۱۲۷۵ خ)، از کارگزاران حکومت قاجار و وزیر وظایف ناصرالدین‌شاه بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۵).

مستوفی گرکانی، محمود (۱۲۵۶-۱۳۰۹ خ)، ملقب به مضمی‌الملک از مستوفیان و سخنوران عهد قاجار بود که پیش از مشروطه به درجه استیفا نایل آمد و پس از مشروطه در وزارت دارایی خدمت کرد. این مستوفی **آشتیانی**، مدتی هم در مدرسه آلمان‌وایران



^۱ وی پدر میرزا سیدعیسی‌خان وزیر و میرزا سیدعبدالله‌خان انتظام‌السلطنه است.

تدریس کرد. وی هم‌چنین در کسوت شاعر «فرهی» تخلص می‌کرد و اشعاری در قالب قصیده و غزل سروده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۹).

مستوفی‌گرکانی‌آشتیانی، اسماعیل (زندگی ۱۲۱۳ خ)، از کارگزاران و مستوفیان عصر فتحعلی‌شاه قاجار بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۰۳).

مستوفی‌گرکانی‌آشتیانی، رضا (درگذشته ۱۳۳۶ خ)، اهل گرکان (آشتیان)، مدتی مستوفی کردستان و ساوه و در دوره دوم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۸ هم نماینده مجلس شورای ملی بود (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۱۴).

مستوفی‌گرکانی‌آشتیانی، علیرضا (زندگی ۱۳۲۰ خ)، فرزند میرزا محمود، از کارگزاران و مستوفیان کارآمد خزانه و اسناد خراج دولتی بوده و نیز نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشته و از نقاشی هم بهره داشته است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۲۹).

مستوفی‌گرکانی‌آشتیانی، نصراله (۱۱۸۹-۱۲۶۸ خ)، فرزند میرزا اسماعیل، از کارگزاران و مستوفیان برجسته دربار قاجار و نایب میرزا حسن مستوفی‌الممالک بود. او هم‌چنین استیفای اصفهان، کردستان، اراک، ساوه، خرقان، محلات و درگزین و نیز حساب خزانه را بر عهده داشت و در سال ۱۲۶۰ هم به سمت رئیس دفتر استیفا (وزارت دارایی) منصوب شد و تا پایان عمر در همین سمت بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۱۸).



مستوفی‌مجتبایی، سیدعلی (۱۲۲۵-۱۳۱۲ خ)، مشهور به سرورعلیشاه، فرزند میرزا حبیب‌اله مستوفی (حبیب‌علیشاه) در **تفرش** به دنیا آمد و پس از فراگیری ریاضیات، هیأت، نجوم، فلسفه و ادبیات فارسی و عربی وارد خدمت مستوفی‌گری شد و با سمت مستوفی گیلانات به آن دیار رفت. او به‌زودی از خدمات دولتی کناره گرفت و به کسوت درآویش درآمد و شیخ‌المشایخ درآویش نعمت‌اللهی شد. این شاعر که در شعر «سرور» تخلص می‌کرد به سرورعلیشاه معروف شد. ایشان خط نستعلیق را هم نیکو می‌نوشت و به سبک عراقی غزل می‌سرود. مسمط گلناریه در تقابل مسمط منوچهری سروده اوست که در حضور ناصرالدین‌شاه خواند و مورد تحسین قرار گرفت. دیوان اشعار سرورعلیشاه به‌همت باقر و پروانه مجتبایی گردآوری و به خط ابوالحسن میرسپاسی منتشر شده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۵۱).



مستوفی‌میرشکرایبی، سیدعلیرضا (۱۱۶۷-۱۲۸۲ خ)، فرزند میرزا سیدعلی و از نوادگان میرزا سیدشکراه حسینی‌تفرشی (سیدالوزرای خان زند) و بزرگ خاندان میرشکرایبی در ترخوران **تفرش** به دنیا آمد. او در علم سیاق و محاسبات بی‌نظیر بود و در دوره ناصری مستوفی اول دیوان اعلی بود و در تهران و همه کشور، چنان شهرتی داشت که مستوفیان



بزرگ و محاسبان حکومت در مواقعی به او رجوع می کردند. وی پس از کناره گیری از استیفای دیوان اعلی به تفرش بازگشت و مشغول رسیدگی به املاک، باغات و مزارع خانوادگی شد. بازسازی و مرمت حمام دیوار (قائمیه)، لایروبی و مرمت قنات دیوار و همچنین مرمت تکیه محله پایین ترخوران از یادگارهای اوست. این مستوفی شاعر «رضا» تخلص می کرد و همچنین کتاب تنبیهاات المعادیه و دیوان اشعارش به چاپ رسیده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۷۴).

مستوفی نورایی آشتیانی، اسماعیل (۱۲۲۲-۱۳۱۸ خ)، فرزند میرزا علی اکبر، در دوره قاجار در تبریز سمت منشی گری داشت، که به همراه خانواده به آشتیان نقل مکان کرد و در سال ۱۳۰۴ به تقاضای مردم، نیابت حکومت آشتیان و گرکان را عهده دار شد. او که خطی خوش داشت، از منصف ترین حکام این منطقه بوده است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۲۹).



مسعودی، محمدحسن (۱۳۱۸ خ)، شاعر اهل خمین که در گلپایگان دیپلم گرفت و در سال ۱۳۴۲ ساکن اراک شد و مدتی به تهران رفت و در شرکت ساسان کانادادرای مشغول بکار شد. او دوباره به اراک بازگشت و مسوولیت توزیع آب و مدیریت کارخانه خوشنوش همدان را عهده دار شد. برخی از اشعار این شاعر در کتاب گلهای رنگارنگ آمده است (مجدی، ۱۳۸۴: ۲۶۸).



مسعودی آشتیانی، مهدی (۱۳۵۸ خ)، فرزند علیرضا و بانو شهلا، پژوهشگر حوزه حقوق پیمان و سیاست، تحصیلاتش را در دبستان آیت اله غفاری و راهنمایی حکمت گذراند و از دبیرستان شکرایی اراک دیپلم گرفت. او سپس در رشته معدن کارشناسی ارشد گرفت و به عنوان نقشه بردار در کارگاه های خطوط لوله تجربه اندوخت و هم زمان از سال ۱۳۸۴



تدریس در دانشگاه آزاد آشتیان را آغاز کرد. وی پس از کسب تجربه های شغلی، به این نتیجه رهنمون شد که ریشه مشکلات امروز ایران بیش از تولید و اقتصاد، ناآگاهی و بی توجهی عمومی به ظرفیت های اجتماعی است، لذا در کنار فعالیت صنعتی، در مقطع دکتری علوم سیاسی و اندیشه سیاسی ادامه تحصیل داد تا یک مهندس سیاست دان نامیده شود. او سپس به آشتیان، بوم پدری خویش رفت و به عنوان عضو شورای اسلامی آشتیان در دوره پنجم انتخاب شد. ایشان علاوه بر برگزاری نخستین شب آشتیان با حضور مفاخر استان، نخستین نشست های حقوق شهروندی را هم با هدف پاسخ گو کردن مسوولان برگزار کرد. دکتر آشتیانی با نگارش هفت عنوان کتاب در حوزه سیاست و حقوق به عرصه پژوهشگران و نویسندگان روی آورد و در میان اهل قلم شهرت یافت تا به عنوان یک نویسنده، عضو هیأت تحریریه مجله توسعه انجمن تأسیسات و تجهیزات و همچنین مدیر تحریریه بخش اقتصادی مجله تأسیسات در حوزه تخصصی خدمت کند. از آثار او می توان دو کتاب «روانشناسی و سیاست» و «تحلیلی بر شرایط عمومی پیمان» را نام برد.

مُسکَوَیَه، احمد (۳۱۱-۴۰۹ خ)، فرزند محمد بن یعقوب ملقب به مُسکَوَیَه رازی، نویسنده و دانشمند ایرانی متولد شهر باستانی مشکویه نزدیک **زَرنَدیه** فعلی، در همان کودکی علوم مقدماتی را فرا گرفت و به سرعت در طبیعیات، الهیات، ریاضیات و طب عالمی سرشناس شد. او تاریخ طبری را نزد ابواحمد علی بن کامل قاضی آموخته و مدتی در استخدام محمد بن المهبلی (وزیر معزالدوله) و سپس کلیددار کتابخانه ابن‌العمید وزیر رکن‌الدوله دیلمی بود. اما پس از کشته شدن وی، به خدمت عضدالدوله رسید. او بیش از ۲۰ عنوان کتاب نوشته که برخی از آنها عبارتند از: الطهاره فی علم الاخلاق، فی جواب المسائل الثلاث، الفوز الاصح، احوال المتقدمین و صفات الانبیاء الاسافلین والاحوالهم، تجارب الامم، کتاب السعاده، دفع الهم عند الوقوع الموت، الفوز الاکبر، انس الفرید، کتاب الجامع، کتاب السیر، آداب العرب والفرس، السیاسه و... (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۲۱).



مسن آبادی، محسن (۱۳۶۷ خ)، فرزند عباس و بانو لیلا، تحصیلاتش را در دبستان آقازیاءالدین و راهنمایی امام حسین اراک گذراند و سپس وارد دبیرستان استاد شهریار شد و از هنرستان قائم دیپلم گرفت. وی از نوجوانی علاقمند به ورزش بود و به واسطه اندام درشتی که داشت وارد رشته بدنسازی شد. قهرمان سه دوره قویترین مردان ایران، نفر سوم مردان آهنین، نفر پنجم قویترین مردان جهان (امارات) و نفر سوم مسابقات قویترین مردان جهان (ایران) برخی از افتخارات این پهلوان اراکی است.



مسی، قنبرعلی (۱۱۹۰-۱۲۴۸ خ)، فرزند حسینعلی، در روستای مس سفلی بخش چَرّآ (خنداب)، متولد شد و از جمله هنرمندان خوشنویس بود که خط نسخ را زیبا می‌نوشت و آثار گرانبهایی بجا گذاشته است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴۹).

مسیب محلاتی، سید ابوالحسن (قرن...)، فرزند ابوالحی محمدحسین از نسل حسین اصغر محلاتی است که نسب او به ابوالحسن یحیی نسب‌شناس عبیدعلی اعرجی می‌رسد و نخستین کسی که نسب فرزندان ابوطالب را جمع‌آوری و مؤلف کتاب اخبارالزینبیه است. نسب بیشتر سادات محلات و گروهی از سادات فراهان به این شخص می‌رسد (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۷۰).

مشایخی، علی نقی (۱۳۲۷ خ)، فرزند آقاحسین و بانو نصرت، در سال ۱۳۳۳، ابتدایی را در دبستان امیرکبیر **خمین** گذراند و از دبیرستان ادیب تهران دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد و در سال ۱۳۴۹ با رتبه نخست از دانشکده مهندسی مکانیک این دانشگاه لیسانس گرفت و در همین سال در مسابقات دو ۱۱۰ متر موفق به دریافت مدال طلا شد. او در سال ۱۳۵۲ با دریافت بورسیه، برای ادامه تحصیل عازم دانشگاه MIT آمریکا



شد و در سال ۱۳۵۶ از این دانشگاه دکترا گرفت. این استادیار دانشگاه صنعتی شریف، در ایجاد دوره‌های جدید دانشگاهی و سازمان‌ها و مؤسسات فرهنگی و خدمات علمی از جمله برنامه‌ریزی، سازماندهی و هدایت فعالیت‌های تهیه نخستین برنامه ۵ ساله کشور در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۲ نقش مؤثری ایفا کرد و می‌توان او را از بنیانگذاران مؤسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی توسعه دانست. بنیانگذار و رئیس کنفرانس بین‌المللی مدیریت در ایران، عضو هیأت مدیره کیسون، رئیس و پایه‌گذار دانشکده مدیریت و اقتصاد صنعتی شریف و نیز عضو هیأت مدیره سازمان مدیریت صنعتی برخی از سوابق مدیریتی اوست (سمیعی، ۱۳۸۲: ۹۵۱).

مشایخی، محمد (۱۳۳۱ خ)، فرزند مهدی، در خمین زاده شد و تا کلاس پنجم را در



همین شهر خواند و به تهران رفت و به مدت سی سال ماندگار شد و در این مدت از محضر استاد شیرودی بهره برد و در سال ۱۳۷۰ به خمین بازگشت و در محضر استاد یداله محمدی کسب فیض کرد و چندسالی در تبلیغات اسلامی خمین به آموزش آواز پرداخت. از شاگردان برجسته این هنرمند آواز می‌توان به آقایان محمد شیخی، محمد شنبه‌ای، حمید سهرابی و آقای مختاری اشاره کرد. او همچنین در شهرهای دلیجان، محلات، خمین، الیگودرز، گلپایگان، قم و تهران برنامه‌های مختلف موسیقی اجرا کرده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۹۵۶).

مشایخی، مصطفی (۱۳۳۶ خ)، فرزند مجتبی و بانو زهرا، تحصیلاتش را در مدرسه



شاهپور اراک آغاز کرد و از دبیرستان پهلوی دیپلم گرفت. او سپس از دانشگاه عالی علوم اراک لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت و روزگارش تا این مرحله از عمر با کارهای فرهنگی گذشته است. وی در سال ۱۳۵۸ در آموزش و پرورش استخدام شد، اما همیشه در پی نوشتن بود که در سال ۱۳۷۵ به عنوان نویسنده وارد صداوسیما استان شد و به نوشتن پلاتو، نمایشنامه و شعر پرداخت. وی طنز شاخه‌نبات را برای شبکه آفتاب می‌نویسد که بر اساس نظرسنجی‌ها، پرمخاطب‌ترین برنامه رادیویی است. او همچنین چندسالی سردبیر مجلات «رویش» و «صحیفه پاکدلان» بود و چند کتاب از جمله «اخم‌خند»، «جنتلمن چینی»، «طاووس‌نامه» و «استندآپ کمدی» را نوشته و چند کتاب آموزشی هم تألیف کرده است. تألیف فیلم‌نامه چشمه‌وسنگ و سریال آقای ضابطه از دیگر آثار اوست.

مشایخی‌اراک، عبدالعلی (۱۳۶۵-۱۲۹۵ خ)، معروف به حاج آقا، فرزند شیخ اسماعیل در مکتب‌خانه

پدرش واقع در کهرود (اراک) پرورش یافت و به قم رفت و پس از پایان دروس سطح و خارج فقه و اصول از محضر بزرگانی چون آیات حجت کوه‌کمره‌ای، بروجردی و گلپایگانی بهره برد. این عالم دینی سپس به اراک بازگشت و از وعاظ و سخنوران فاضل اراک به شمار می‌آمد (محتاط، ۱۳۷۲: ۸۸).

مشایخی کهرودی، جواد (۱۲۵۲-۱۳۳۶ خ)، فرزند شیخ جلال‌الدین، اهل کهرود (اراک)، از فضلا

و وعاظ نامی ساکن تهران و معروف به واعظ، مقدمات علوم دینی را در کهرود گذراند و در ۹ سالگی کتاب جامع‌المقدمات را نزد مادر بزرگش (سیده حمیده) آموخت و دروس دیگر را نزد دیگران فرا گرفت و در سال

۱۲۶۷ به کنگاور (کرمانشاه) رفت و مدت دو سال نزد علامه ملا محمدباقر کره‌رودی به تحصیل علوم دینی پرداخت و عازم نجف اشرف شد و از محضر آخوند خراسانی و شیخ‌الشریعه اصفهانی بهره برد. او هم‌زمان با نهضت مشروطیت به ایران بازگشت و چندسالی در بروجرد ماند و سپس به سلطان‌آباد آمد و به طرفداری از مشروطیت پرداخت. این عالم دینی کتاب‌های نفیسی از خطی و چاپی داشت و بسیاری را تصحیح کرده بود.

مشایی، عصمت (۱۳۰۳ خ)، فرزند احمد (محضردار)، پس از پایان تحصیلات در سال

۱۳۳۱ به‌استخدام آموزش و پرورش **اراک** درآمد و تا سال ۱۳۵۴ به‌عنوان معلم و مدیر

مدرسه خدمت کرد. همسر علی‌اکبرخان بیات، در آخرین دوره مجلس شورای ملی (دوره

۲۴) به‌عنوان نخستین و آخرین بانوی نماینده اراک در این مجلس حضور داشت. ایشان



عضو کمیسیون رفاه اجتماعی و کمیسیون اطلاعات و جهانگردی و منشی این کمیسیون بود.

مشتاقی، علی اصغر (۱۲۸۶-۱۳۴۲ خ)، از بازرگانان خوش‌نام و فعال **اراک** بود که قالی‌های تولید شده

در کارگاه‌های این کارآفرین نیکوکار در ردیف بهترین قالی‌های اراک بود. او بهترین مواد اولیه (پشم، خامه

و پود) را تهیه کرده و در رنگرزان خود از اصیل‌ترین رنگ‌ها استفاده می‌کرد. این بازرگان، هم‌چنین در امر

کشاورزی و باغداری نیز موفق و در کارهای عام‌المنفعه پیش‌قدم بود. او در سال ۱۳۴۱ تصمیم گرفت که بر

روی رودخانه شهر، پلی احداث نماید که عمرش کفاف نداد و این کار پسندیده را پسرش حاج‌علی مشتاقی

در سال ۱۳۴۲ انجام داد و این پل همچنان پایرجاست (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۴۹).

مشفق، علی اصغر (۱۳۰۰ خ)، فرزند میرزا محمدباقر، در روستای قورچی‌باشی (**خمین**)

زاده شد و دوره ابتدایی و سیکل اول را در گلپایگان و دیپلم را در تهران دریافت کرد. او پس

از دیپلم در دارالوکاله اراک مشغول بکار شد و در سال ۱۳۲۲، به‌استخدام دادگستری درآمد

و به‌تهران منتقل شد. آخرین سمت ایشان، ریاست اداره خدمات عمومی و کارپردازی وزارت

دادگستری بود. وی هم‌چنین قریحه شعری داشت و برخی از اشعار این شاعر خمینی در کتاب رجال موجود

است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۹۶۲).



مشفق، علی اکبر (۱۳۰۴-۱۳۷۹ خ)، فرزند میرزا محمدباقر، اهل روستای قورچی‌باشی

(**خمین**)، پس از دیپلم از دبیرستان امیری اراک، در دانشگاه بازل سوییس به تحصیل

شیمی پرداخت و دکترایش را زیر نظر پروفیسور Erlenmeyer برنده جایزه نوبل شیمی

دریافت کرد و پس از بازگشت به‌ایران، در دانشکده پزشکی شیراز به‌عنوان استادیار گروه

بیوشیمی استخدام و نخستین دوره کارشناسی‌ارشد و دکترای شیمی در ایران را راه‌اندازی کرد. او در زمان

دفاع مقدس به‌همراه همکاران دیگر، شروع به پژوهش در زمینه پدافند جنگ‌های شیمیایی کرد، که حاصل

آن یک کتاب به همین نام و چندین محلول خنثی‌کننده و پماد سوختگی بود که تأثیر فراوانی در خنثی‌سازی

جراحات شیمیایی داشت. دکتر مشفق از بنیان‌گذاران بخش شیمی پارک علم‌وفن‌آوری شیراز و هم‌چنین



شرکت شیمی دارویی رجا به‌شمار می‌رود (سمیعی، ۱۳۸۲: ۹۶۰).

مشفق کاظمی، سیدمرتضی (۱۳۵۶-۱۳۷۹ خ)، فرزند میرزا رضا کاظمی تفرشی و نوه

میرزا سیدکاظم تفرشی (وزیر دواب) پس از پایان تحصیلاتش در دارالفنون، رشته حقوق

را در برلین ادامه داد و تا معاونت وزارت امور خارجه ارتقا یافت. نویسنده، روزنامه‌نگار و

عضو هیأت تحریریه مجلات ایرانشهر و فرنگستان و هم‌چنین مؤسس و مدیر مجله «ایران

جوان» بود و به‌عنوان نخستین رمان‌نویس ایرانی به سبک نوین شناخته می‌شود و با نوشتن پاورقی^۱ «تهران

مخوف» در «روزنامه ستاره» به شهرت رسید. یادگار یک شب، گل پژمرده، رشک پریها، روزگار و اندیشه‌ها

دیگر آثار او پس از تهران مخوف است. پدر علم رمان‌نویسی ایران با آنکه مناصب سیاسی مانند وزیرمختار

ایران در سوریه و سفیر ایران در هند را تجربه کرد، ولی نویسندگی را ترجیح داد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

مشک‌آبادی، ایمانی‌خان (قرن ۱۲)، فرزند رضاخان، در اواخر قرن دوازدهم می‌زیسته و در تمام دوره

سلطنت آغامحمدخان قاجار و فتحعلی‌شاه، حاکم ناحیه **فراهان** و از سرداران نظامی بود. مرکز حکومت او

مشک‌آباد و روستای امرآباد بوده و کسی است که در تعیین محل ساخت سلطان‌آباد مورد مشورت یوسف‌خان

گرچی قرار گرفته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۶).

مشک‌آبادی انجیرکی، سلیمان (۱۱۲۹-۱۲۰۸ خ)، فرزند محمدحسن، از مردان دانش‌دوست و هنرپرور

اهل مشک‌آباد (**اراک**) بوده به‌طوری که وسایل کتابت قرآن و سایر کتب را فراهم می‌کرد و در اختیار

هنرمندان خوشنویس قرار می‌داد تا نسبت به نگارش اقدام نمایند. ضمناً قرآنی با معنی و خط زیبا به‌سفارش

این شخصیت برجسته و به‌خط جعفر انجدانی در سال ۱۱۹۲ در روستای موتآباد نوشته شده است (صدیق،

۱۳۷۲: ۲۱۹).

مشهدالکوبه، فاطمه (۱۳۵۰ خ)، فرزند آقارضا و بانو لیلا، متولد روستای مشهدالکوبه

(**اراک**)، تحصیلاتش را در دبستان بزرگمهر و راهنمایی پرتو اسلام گذراند و از دبیرستان

فاطمیه دیپلم گرفت و در دانشگاه آزاد اراک ارشد زبان‌و ادبیات فارسی خواند. او مدرس

نویسندگی، مدیر کمپین هم‌نشینی با کتاب، عضو هیأت‌مدیره خانه نویسندگان پرند و رباط

کریم، خبرنگار و داستان‌نویس روزنامه فسامهر شیراز است. پس‌کوچه‌های عاشقی، عشق نفرینی، حلقه‌های

عشق، من‌بی‌تو، پرستوی مهاجر، هفت‌شنبه‌های بارانی، دختر باران و من زندگی را دوست دارم، از آثار

مکتوب این نویسنده است.

^۱. این پاورقی در زمان خود محبوب‌ترین داستان دنباله‌دار بود که نام مشفق کاظمی را بر سر زبان‌ها انداخت و نخستین رمان

برجسته اجتماعی ایرانی است که بعدها به‌صورت کتاب منتشر شد.

مشهدی‌فرهانی، امان‌اله (قرن ۱۴)، فرزند اسداله اهل خمین و یکی از بزن‌بهادرهای تهران بود که اندامی تنومند و قوی داشت. او ابتدا رابطه بسیار خوبی با محمدرضاشاه داشت ولی پس از مدتی در زمره مخالفان او قرار گرفت. وی سپس شرکت بزرگ پیمانکاری ساختمانی تأسیس کرد و تعداد زیادی از هم‌شهری‌های خمینی را بکار گمارد. او بعدها با پای پیاده به کربلا رفت و نیز مسجدی در خیابان تخت طاووس به‌نام کمیل احداث کرد. این کارآفرین خمینی هم‌چنین صندوق خیریه حضرت رقیه را برای کمک به مستمندان تأسیس کرد (سمعی، ۱۳۸۲: ۷۵۶).

مشیدی، مسعود (۱۳۵۳ خ)، فرزند اصغر و بانو طاهره، تحصیلاتش را در دبستان حجربن‌عدی و راهنمایی تهذیب‌گذراند و از دبیرستان شهیدرجایی اراک دیپلم گرفت و در سال ۱۳۷۲ به‌استخدام رسمی آموزش و پرورش درآمد. او ابتدا در رشته آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه اراک لیسانس گرفت و سپس در سال ۱۳۸۳ ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه تهران و هم‌چنین دکترای همین رشته را از دانشگاه اصفهان دریافت کرد و تدریس در دانشگاه‌های استان و دوره‌های ضمن خدمت در آموزش و پرورش و دبیرستان‌های نمونه و تیزهوشان اراک را پیشه کرد. از آثار مکتوب این نویسنده می‌توان به تألیف و ویراستاری نه عنوان کتاب با موضوع زبان انگلیسی و زبان‌شناسی اشاره کرد که برخی از آثار ایشان به‌چاپ ۴۵ رسیده است. او به‌مدت ۳ سال دبیر اعزامی وزارت آموزش و پرورش به کشور امارات بوده و بیش از ۲۰ عنوان از مقالات وی در همایش‌ها، مجلات علمی پژوهشی و نشریات چاپ و منتشر شده است. مؤلف و پژوهش‌گر برتر، معلم نمونه، عضو انجمن اهل قلم و خانه کتاب ایران و عضو تیم اعتبارسنجی کتب زبان انگلیسی مقطع متوسطه از دیگر افتخارات اوست.



مشیری، غلامرضا (۱۲۶۹-۱۳۴۱ خ)، فرزند حاج‌علی و نوه حاج‌عابدین، از شخصیت‌های برجسته اراک در قرن اخیر بوده که بیشتر شهرتش مربوط به پدرش حاج‌علی است و پدربزرگش حاج‌عابدین هم از سهامداران عمده بانک عثمانی در اراک بوده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۴۵).

مشیری‌تفرشی، مصطفی (۱۲۷۶-۱۳۵۰ خ)، فرزند محمدکاظم، در تفرش به‌دنيا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی به دارالفنون رفت و با درجه ممتاز دانش‌آموخته شد و به خدمات دولتی پرداخت. نخستین سمت وی ریاست مالیه اراک و آخرین سمت او هم افسر سرشته‌دار ارتش بود. در قحطی بی‌سابقه‌ی ایران، محمدکاظم‌خان پدر ایشان با دادن جیره روزانه از ذخایر گندم خویش، به داد مردم رسید و پسرش مصطفی‌خان هم روش پدر را دنبال کرد و به روستازادگان با استعداد کمک هزینه پرداخت و از این رهگذر تعداد زیادی از دانش‌آموزان به تحصیلات عالی دست یافتند. مدرسه مصطفی‌مشیری‌تفرشی در محله خلچان تفرش یادگار این نیکوکار تفرشی است



^۱. نام ایشان به یک ضرب‌المثل در اراک بدل شده و مردم وقتی بخواهند بگویند پولی ندارم می‌گویند: مگه حاجی مشیری‌ام؟!

(حیدری، ۱۳۹۹: ۱۵۴).

مصباح، اشرف السادات (۱۳۲۰-۱۳۹۹ خ)، فرزند سید محمود و بانو حشمت السادات، در

اراک متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان منوچهری گذراند و از دبیرستان ایران دخت دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه تهران لیسانس و فوق لیسانس شیمی اتمی گرفت و ضمن تدریس، مدیریت دبیرستان فرح اراک را عهده دار شد. او پس از چندسال به عنوان مربی آزمایشگاه در دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی) استخدام شد و پس از چندی راهی فرانسه شد تا در دانشگاه پیر ماری کوری دکترای شیمی با گرایش انرژی هسته ای بخواند. در سال ۱۳۵۸ در حالی که همسرش در پاریس مشغول تدریس بود به ایران بازگشت و به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت. دکتر مصباح ضمن تدریس در فعالیت های فرهنگی/اجتماعی و به ویژه زیست محیطی شرکت داشت و در سال ۱۳۷۲ به همراه دوستانش در تأسیس موسسات مردم نهاد در این حوزه پیش قدم شد و ضمن برگزاری سمینار و کنفرانس و... آگاهی بخشی و مطالبه گری زیست محیطی را در سراسر کشور رواج داد. «پرتوهای یون ساز و بهداشت آنان»، «از هیروشیما تا نابودی جهان»، «بهداشت و کاربرد ایزوتوپها در پزشکی» آثار نوشتاری و «زمزمه» مجموعه اشعار این بانوی شاعر، نویسنده و فعال مدنی است.

مصباح، مرآت السادات (۱۳۲۴ خ)، فرزند سید محمود و بانو حشمت السادات، در **اراک**

متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان منوچهری گذراند و از دبیرستان ایران دخت دیپلم گرفت. او دوره تربیت معلم را در تهران گذراند و به استخدام آموزش و پرورش درآمد و همزمان در دانشگاه تهران روانشناسی خواند و به تدریس این رشته در مرکز مربی کودک دانشسرای مقدماتی دخترانه اراک پرداخت. در آن سال ها که برای دروس رشته روانشناسی مراکز تربیت معلم و مربی کودک کتاب درسی تدوین نشده بود او با توجه طرح تفصیلی این رشته، کلیه جزوات و دروس رشته روانشناسی را به شکل پلی کپی تهیه و در اختیار دانشجویان قرار می داد و نخستین بانویی است که رشته روانشناسی به روش نوین را در اراک تدریس نمود. برخی از نوشته ها و گزارش های پژوهشی بانو مصباح با موضوعات فولکلور محلی، داستان و خاطره نویسی دوران کودکی، در مجله الکترونیکی ایران دیدار منتشر شده است.

مصباح، سید عباس (۱۳۳۰-۱۳۹۱ خ)، فرزند سید محمود و بانو حشمت السادات، در **اراک**

متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان نخستین گذراند و از دبیرستان پهلوی دیپلم گرفت. او در کنکور سراسری و دو رشته ی پزشکی و هنرهای دراماتیک پذیرفته و در هر دو رشته تا مقطع دکترای ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۲ در رشته اعصاب و روان تخصص گرفت. این پزشک مردمی، در سال ۱۳۶۵ به زادگاه خود بازگشت و ضمن مداوای هم میهنان اراکی، در رشته های هنری مانند موسیقی، سینما، تئاتر و ادبیات فعالیت چشمگیر داشت و شعر نو می سرود. دکتر

مصبح در دهه ۱۳۶۰ و برای درمان رزمندگان حاضر در جبهه، مدتی را در دفاع مقدس شرکت نمود. **مصدق، غلامحسین** (۱۲۸۴-۱۳۶۹ خ)، فرزند محمد و نوه میرزا هدایت‌اله وزیردفتر آشتیانی است که هنگام سفر تحصیلی دکترمصدق، همراه او در سوییس بود و تحصیلات ابتدایی، متوسطه و عالی را در آنجا گذراند. او پس از دریافت مدرک پزشکی و تخصص در رشته زنان، در سال ۱۳۱۶ به ایران آمد و به تدریس در دانشگاه مشغول شد. سال‌ها کرسی تدریس مامایی نظری در دانشکده پزشکی و ریاست بیمارستان نجمیه را عهده دار بود. وی طبیبی حاذق، درستکار، جدی و ملایم بود و هرگز گرد سیاست نشد (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۵۱).



مصدق آشتیانی، محمد (۱۲۶۱-۱۳۴۵ خ)، فرزند میرزا هدایت‌اله آشتیانی (وزیردفتر) و بانو ملک‌تاج خانم، در سال ۱۲۷۵، در نُه‌سالگی و بنا به درخواست پدرش از ناصرالدین‌شاه، مستوفی خراسان شد و در ابتدا از سر رشته‌داران راهنمایی می گرفت ولی خیلی زود بر امور مسلط شد و در زمره مستوفیان کارآمد قرار گرفت و در ادامه به اتفاق مستوفی‌الممالک و سایر آشتیانی‌ها، تفرشی‌ها و گرگانی‌های مقیم پایتخت، انجمنی برای دفاع از آزادی و استقلال به نام مجمع انسانیت تشکیل داد. او در سال ۱۲۸۷ به پاریس رفت و با دریافت دکترای حقوق در سال ۱۲۹۳ به ایران بازگشت و به خدمت وزارت مالیه درآمد و مدتی والی فارس بود. این سیاستمدار در دولت مشیرالدوله به سمت وزیر خارجه انتخاب و در این زمان کتابی به نام «حقوق پارلمانی در ایران و اروپا» تألیف کرد. ایشان در دوره ۵، ۶، ۱۴ و ۱۶ مجلس شورای ملی نماینده مردم تهران بود و به همراه احمد ملکی، حسین فاطمی، کریم سنجابی، احمد زیرک‌زاده و سیدعلی شایگان جبهه ملی ایران را بنیان نهاد و از این جنبش که به نهضت ملی شدن نفت معروف شد، حمایت و آن را هدایت کرد. وی در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت را از تصویب دو مجلس شورای ملی و سنا گذراند و در سال ۱۳۳۰، نخست‌وزیر ایران شد و بدین ترتیب یکی از مردان تاریخ‌ساز روزگار ایران نام گرفت. او اگرچه در کودتای مرداد ۱۳۳۲، در دادگاه نظامی محاکمه و پس از ۳ سال محکومیت، به ملک خود در احمدآباد مستوفی رفت و در آنجا درگذشت؛ ولی نام، یاد و خدماتش برای همیشه ایران جاودان ماند. دکتر مصدق نزدیک به ۱۰ عنوان کتاب دارد که از آن جمله‌اند: کتابی در مسائل حقوقی (فرانسه)، مدارک حقوق اسلامی در وصیت در مذهب شیعه، کاپیتولاسیون و ایران، دستور محاکم حقوقی و... (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۲۳۶).

مصرقانی، آقابابا (زندگی ۱۲۰۱ خ)، فرزند خلیفه دمه‌خان، اهل مصرقان (زرنديه)، هنرمند خوشنویسی که یک نسخه از کتاب شرح امثله (در قواعد صرف) را در سال ۱۲۰۱، به خط خود نوشته و این کتاب در کتابخانه حضرت عبدالعظیم موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴).

مصطفوی، سیدروح‌اله (۱۲۸۱-۱۳۶۸ خ)، مشهور به امام خمینی، فرزند سیدمصطفی



و بانو هاجرآغا، تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه محلی و مدرسه زادگاهش (خمین) گذراند، سپس در حوزه علمیه سپهداری اراک به تحصیل فقه، فلسفه اسلامی و عرفان پرداخت و به درجه اجتهاد رسید. این روحانی شیعه به مخالفت با سیاست‌های محمدرضاشاه بویژه در مورد انقلاب سفید و حق‌رای زنان پرداخت و در نتیجه در سال ۱۳۴۲ به مدت ۱۰ ماه زندانی شد و یک‌سال بعد به دلیل سخنرانی علیه اعطای کاپیتولاسیون به مستشاران نظامی آمریکا، از ۱۳ آبان ۱۳۴۳ ابتدا به ترکیه و سپس در شهریور ۱۳۴۴ به نجف اشرف تبعید شد. ایشان در نجف ضمن تدریس در حوزه، مدیریت اوضاع سیاسی ایران را هم در دست داشت و با صدور اعلامیه، پیام و سخنرانی، اقدامات حکومت وقت را موجب تضعیف کشور قلمداد می‌کرد. در مهرماه ۱۳۵۷ توسط صدام‌حسین از عراق اخراج و تصمیم گرفت از طریق کویت به سوریه برود که با ممانعت کویت، با هواپیما عازم فرانسه شد و ۴ ماه منتهی به بهمن‌ماه را در نوفل‌لوشاتو، انقلابیون ایران را تا بازگشت به ایران در ۱۲ بهمن همان سال، رهبری کرد. این رهبر دینی که بی‌تردید یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخ ایران به‌شمار می‌رود، با پیروزی انقلابی که خود رهبری کرده بود در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، شیوه‌نویسی از حکومت در جهان را با عنوان «جمهوری اسلامی» بنیان نهاد که مبتنی است بر نظریه ولایت مطلقه فقیه که پیش از ایشان توسط یک شخصیت دینی و تأثیرگذار دیگر به نام ملامهدی نراقی ارائه شده بود و بر این اساس همه ارکان حکومت بر پایه احکام دینی و در دست ولی‌فقیه است که در زمان غیبت، توسط جانشین او بر پا می‌شود.

مصطفوی‌رجالی، محمدتقی (۱۲۲۶-۱۲۹۶ خ)، ملقب به دبیرالدوله، فرزند میرزا



میرمصطفی (وکیل‌لشکر تفرشی) و بانو مهری‌جهان و نوه ملا سیدحسن ترخورانی تفرشی، در تهران به دنیا آمد. او که در جوانی تحصیل دفترداری، حسابداری و مقدمات علوم ادبی و عربی کرد و خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت، مدتی محاسب و مستوفی کشیک‌خانه شد و سپس به عضویت دفترخانه وزارت‌لشکر رسید و پس از آن به منصب لشکرنویسی دست یافت. پس از درگذشت پدرش منصب و لقب وکیل‌لشکری گرفت و مدتی یکی از اعضای عالی‌مقام دارالشورای کبرای (هیأت وزیران) بود. او پس از ۴۰ سال از کارهای دولتی کناره گرفت و به کربلا رفت و کلیدداری حرم امام حسین که مقام مهمی بود را عهده‌دار شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۵۵).

مصطفوی‌رجالی، مهدی (۱۲۳۸-۱۳۲۰ خ)، ملقب به بدایع‌نگار، متخلص به لاهوتی،



فرزند میرزا میرمصطفی (وکیل‌لشکر تفرشی) و بانو مهری‌جهان و نوه ملاسیدحسن ترخورانی تفرشی در تهران به دنیا آمد. او تحصیلات مقدماتی را در تهران گذراند و از حاج میرزا حسین نوری و شیخ محمدحسین کاظمینی اجازه روایت گرفت. این دولتمرد ادیب و مؤلف دوره قاجار از کارمندان وزارت امور خارجه و مدتی نیز نیابت وزارت‌خانه را عهده‌دار بود و بعد از

درگذشت میرزا محمدابراهیم نواب تهرانی (بدایع‌نگار)^۱، ناصرالدین‌شاه لقب بدایع‌نگار را به‌وی اعطا کرد. این نویسنده و شاعر که ابتدا مخلص و سپس لاهوتی تخلص می‌کرد، تألیفات زیادی به‌زبان فارسی و عربی دارد که بیشتر آنها چاپ شده و یک دفتر مثنوی با ۶ هزار بیت موسوم به «خیرالکلام» و یک دیوان شعر مشتمل بر ده‌هزار بیت قصیده و غزل سروده و بدایع‌الاسرار، بدایع‌الانوار، بدایع‌العروض، بدایع‌الحکمه، بدایع‌الموالید، بدایع‌الحساب، بدایع‌الانساب، بدایع‌البیان، بدایع‌الاحکام، بدایع‌المهدویه، بدایع‌الاصول، ریاض‌المنجمین، البدیعیه‌اللاهوتیه، کفایت‌العرفان، صراط‌العارفین، افتضاح‌الکافرین و نیز مختصر جغرافی دنیا هم از دیگر آثار اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۵۶).

مصفا، ابوالفضل (۱۳۰۲-۱۳۸۶ خ)، فرزند میرزا اسماعیل و بانو نواب‌السادات و نوه



ملارجبعلی ترخورانی (**تفرشی**)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان حکیم نظامی قم و دارالفنون تهران گذراند و از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت. او ضمن تدریس در دانشکده افسری، به‌استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به‌عنوان دبیر دبیرستان‌های قم مشغول بکار شد و مدتی هم دبیرستان صدوق و دبیرستان حکیم‌نظامی قم را مدیریت کرد. او به‌عنوان مدیر مسوول، نخستین ماهنامه فرهنگی اجتماعی قم با نام «پیکارمردان» را منتشر کرد. ایشان که در ادامه در رشته زبان‌و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دکترا گرفت، در دانشگاه تبریز با سمت استادی مشغول تدریس شد. اختران فلکی در شعر فارسی، فرهنگ اساطیری شاهنامه، فرهنگ اصطلاحات نجومی در شعر فارسی، کیهان‌شناسی در شعر فارسی، ماه نو و شعرکهن، مجموعه شعرهای رهاورد و بدرود، چشمه آفتاب، با حافظ بیشتر آشنا شویم، فرهنگ ده‌هزار واژه از دیوان حافظ (۳جلد) و... برخی از آثار این شاعر و نویسنده تفرشی است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۵۷).

مصفا، علی (۱۳۴۵ خ)، فرزند مظاهر و بانو کریمی اهل **تفرش** و نیز همسر لیلا حاتمی



و همچنین نوه برادر حسینعلی‌خان نکبسا موسیقی‌دان و خواننده و نوه کریم امیری فیروزکوهی از شعرای معاصر و نتیجه رجبعلی تعزیه‌خوان مشهور دوران ناصری و مؤذن مخصوص محمدعلیشاه است. این بازیگر سرشناس دو فیلم بلند «سیمای زنی در دور دست» و «پله آخر» با حضور لیلا حاتمی را کارگردانی کرده است. او که در سال ۱۳۹۱ عضو هیأت داوران جشنواره اوسیان هند بود، برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول مرد از سی‌وهفتمین جشنواره جهانی فیلم فجر برای فیلم «جهان بامن برقص»، کاندید سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد برای تابستان داغ و ده‌ها جایزه دیگر می‌باشد.

^۱. همکاری در وزارت امور خارجه

مصفا، محمدجعفر (۱۳۱۲ خ)، فرزند محمدباقر (اعتماد پریشان) در خمین به دنیا آمد و دوره ابتدایی و متوسطه را تا سوم دبیرستان در خمین گذراند و سپس در مؤسسه فرانکلین تهران مشغول بکار شد و پس از دریافت دیپلم در سال ۱۳۳۷، در شرکت ملی نفت ایران استخدام شد. او در سال ۱۳۳۹ وارد دانشکده حقوق تهران شد و سپس همه آثار هورنای را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد. وی چند سفر به هند داشت و با عارف نامدار کریشنا مورتی ملاقات و با تعلیم ایشان آشنا شد. تضادهای درونی ما، شخصیت عصبی زمانه ما، حضور در هستی، نگاه در سکوت، شرح زندگی، فراسوی خشونت و شادمانی خلاق آثار ترجمه‌ای، و تفکر زاید، انسان در اسارت فکر، با پیر بلخ، رابطه، زندگی و مسائل، هله و همه آگاهی نیز از آثار تألیفی این مترجم و نویسنده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۹۶۸).

مصفا، مظاهر (۱۳۱۱-۱۳۹۸ خ)، فرزند اسماعیل و بانو فخرالسادات و نوه ملارجبعلی



ترخورانی، در اراک به دنیا آمد. او تحصیلات خود را در دبیرستان حکیم‌نظامی قم و دارالفنون تهران سپری کرد و در دانشسرای عالی، زبان‌وادیات فارسی خواند و از دانشگاه تهران دکترا گرفت. او سپس در دانشسرای عالی ضمن تدریس، سمت‌های اداری و آموزشی را نیز عهده‌دار بود. دبیری دبیرستان‌های تهران و قم، ریاست اداره فرهنگ قم، ریاست مدرسه عالی قضایی قم، ریاست انتشارات و مدیریت مجله آموزش و پرورش، دانشیار دانشگاه شیراز، ریاست دبیرخانه مرکزی دانشگاه شیراز، مدیریت انتشارات نگاه شیراز، ریاست پردیس قم، استادتمام دانشگاه تهران و مدیر گروه دانشکده ادبیات، برخی از مسوولیت‌های علمی و اجرایی اوست. تصحیح مجمع‌الفصحاح، تصحیح دیوان سنایی، تصحیح کلیات سعدی، تصحیح جوامع‌الحکایات عوفی، تصحیح دیوان نظیری نیشابوری، تصحیح دیوان نزاری قُهستانی، چهل‌چکامه، ده فریاد، شبهای شیراز، سپیدنامه، داستان‌های مثنوی، قند پارسی، برگی از دیوان صفای اصفهانی، پاسداران سخن، سی‌پاره، با اوست حدیث من و... از مهمترین آثار این نویسنده برجسته و استاد دانشگاه است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۵۸).

مصلحی‌اراکي، محمدعلی (۱۲۷۳-۱۳۷۳ خ)، مشهور به آیت‌اله اراکی، فرزند احمد



(میرزاآقا)، در نوجوانی وارد حوزه علمیه اراک شد و دروس سطح را نزد سید محمدتقی خوانساری، محمدباقر اراکی، آقانو‌الدین و عبدالکریم حائری آموخت. آیت‌اله‌العظمی اراکی داماد محمدابراهیم خوانساری و باجناق حاج شیخ عبدالکریم حائری است که به اتفاق هم به حوزه قم رفتند. این مرجع تقلید شاگردان زیادی تربیت کرد که مرتضی مقتدایی، رضا استادی، سید محسن خرازی، مهدی شاه‌آبادی، محمدعلی گرامی و سید کاظم نورمفیدی از جمله آن‌هاست. هم‌چنین آثار زیادی از این عالم دینی و احیاکننده نماز جمعه در حوزه علمیه قم، برجای مانده که مناسک حج، توضیح‌المسائل، رساله استفتائات، النکاح‌والطلاق، شرح و حاشیه بر عروه‌الوثقی و حاشیه بر درر‌الاصول

عبدالکریم حائری از جمله آن‌هاست^۱ (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۷).

مصورى، امیرسیدعلی (قرن ۱۰)، متخلص به جدایی، از شعرای قرن دهم و به واسطه این که شغلش نقاشی بوده به مصوری هم اشتهار داشته، نقاش بی‌بدیلی بوده و سال‌ها در خدمت جنت‌آشتیانی گذرانیده و به تصریح آذر بیگدلی اصلش از **ساوه** است و به سبب رنجش، از این دیار راهی هندوستان شد و در خدمت جلال‌الدین اکبر به مراتب عالی رسید (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۳۲).

مطهری، احمد (۱۳۱۷ خ)، فرزند حسن، تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش **ساوه** گذراند و به مدت ۶ سال در قم از محضر آیات عظام بروجردی، خمینی و شاه‌رودی بهره برد. او سپس یازده سال در نجف به تکمیل تحصیلات دینی پرداخت و از سال ۱۳۵۰ در حوزه قم به تدریس و تألیف مشغول است. برخی از تألیفات این عالم دینی عبارتند از: کنگره اسلامی حج، هدف حکومت اسلامی، روابط اسلامی، زعامت و ولایت و چند اثر دیگر (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۱۷).

مطیع، محمدابراهیم (۱۳۲۹ خ)، فرزند استاد حسین، اهل مأمونیه (**زرنديه**)، در سال ۱۳۷۴ در رشته صنایع دستی و هنرهای کاربردی، لیسانس گرفت. او از کودکی تعزیه می‌خواند و از همین رهگذر به شعر و موسیقی علاقه‌مند شد و چون طبع شعری هم داشت، نزد استاد علینقی افشارنیا تئوری موسیقی را فرا گرفت و در دانشگاه هم آموزش موسیقی را ادامه داد و یک‌ساله هم با استاد افشارنیا تمرین آواز کرد (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۸۱).

مظفری‌ساوجی، مهدی (۱۳۵۶ خ)، فرزند اکبر، اهل **ساوه**، تحصیلات ابتدایی و



متوسطه را در زادگاهش گذراند و از دانشگاه پیام‌نور ساوه کارشناسی زبان‌وادیات فارسی گرفت. او فعالیت‌های شعری خود را از سال ۱۳۷۴ شروع کرد و به مدت چند سال با نشریات همکاری داشت و دو مجموعه شعر شاعران معاصر به نام «نغمه‌های رود عطش» و «اشتیاق اطلسی‌ها» را نیز گردآوری و منتشر کرد. این شاعر پرکار، مجموعه شعری با نام «شهد اما شوکران» دارد که گردآوری غزل اجتماعی معاصر از عهد مشروطه تا دهه ۷۰ می‌باشد. مهدی مظفری در انواع قالب شعری، طبع آزمایی کرده، ولی در شعر کلاسیک، غزل و مثنوی و در شعر نو، قالب نیمایی و سپید را ترجیح می‌دهد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۱۹).

معافی، حسین (۱۳۵۷ خ)، فرزند تورج و بانو عشرت، تحصیلاتش را در توره (**شازند**)



گذراند و از دبیرستان جلال آل احمد دیپلم گرفت. او در سال ۱۳۸۰ از دانشگاه اراک در رشته شیمی دانش‌آموخته شد و به عنوان دبیر در شهرستان شازند مشغول به تدریس گردید. او در سال ۱۳۸۹ از دانشگاه شهیدرجایی تهران ارشد گرفت و به عنوان مدرس در

^۱ . آیت‌اله اراکی داماد محمدابراهیم خوانساری بنیانگذار مدرسه علمیه حاج‌مذابراهیم اراک است.

دانشگاه فرهنگیان اراک به تدریس پرداخت. ایشان ضمن انجام فعالیت‌های اجتماعی، در سال ۱۳۹۷ در رشته برنامه‌ریزی درسی دکترا گرفت و علاوه بر تدریس به نوشتن در حوزه‌های مختلف آموزشی و پرورشی و سخنرانی در دانشگاه‌ها و داوری مقالات در مجلات معتبر داخلی پرداخت. دکتر معافی ۴ عنوان کتاب «تأثیر کرونا بر آموزش»، «مهارت‌های فرآیند تدریس»، «تدوین برنامه درسی» و «در سایه‌سار لجور» را در کارنامه دارد.

معالجبی، عباس (۱۳۷۴ خ)، فرزند علی‌اکبر، کودکی خود را با اشتیاق به موسیقی و «شنیدن» آغاز نمود و از همان دوران، دروس اولیه‌ی موسیقی را در محضر پدر (نوازنده نی) و دوستان پدرش که از استادان بنام موسیقی **ساوه** بودند فرا گرفت و پس از گذراندن دروس متوسطه وارد دانشگاه موسیقی شد و کلا رینت^۱ را به‌عنوان ساز تخصصی انتخاب نمود. وی هم‌زمان، از محضر استادان عباس تهرانی‌تاش و محمدحسین پورمعین بهره برد و سرانجام در مقطع کارشناسی آهنگ‌سازی دانش آموخته شد. استادان او در رشته آهنگ سازی، کی‌اوش صاحب‌نسق، احسان صبوچی، مسعود پیروی، هادی رحمانی و صابر جعفری بود و می‌حث «رهبری ارکستر» را نیز در محضر نادر مشایخی آموخت و تاکنون اجراهای مختلفی به‌همراه ارکستر رتوریک، فرهنگ‌و هنر و ... داشته و به‌عنوان آهنگ‌ساز و نوازنده، حضور در جشنواره‌هایی نظیر فجر، نوای مهر، حماسه ماندگار و... را در کارنامه خویش دارد. از آثار او می‌توان به آلبوم‌هایی نظیر «خوش می‌روی»، «جنون جنین»، «سمفونی لالایی ارواح» و همچنین آهنگ‌سازی برای بیش از ۱۰ تئاتر و برنامه تلویزیونی اشاره کرد.

معراجی، مرتضی (۱۳۱۱ خ)، پس از تولد در خوانسار شش‌ماهه بود که همراه پدر و

مادر و خواهر ۲ ساله‌اش به **اراک** آمد و تحصیلات مقدماتی را در دبستان فردوسی و شاپور گذراند، وارد دبیرستان صمصامی شد و از دبیرستان پهلوی دیپلم گرفت. او سپس در تهران به‌مدت ۶ ماه دندانپزشکی خواند ولی علاقه به پزشکی باعث شد تا در آلمان ادامه تحصیل دهد و در سال ۱۳۳۷ از دانشگاه پزشکی هامبورگ دکترای عمومی پزشکی دریافت نماید. او برای دریافت تخصص در یکی از بزرگ‌ترین بیمارستان‌های کودکان هامبورک مشغول به‌کار شد و برای فوق تخصص رادیولوژی کودکان به‌مدت ۶ سال در دانشگاه هامبورک دوره دید و پس از پایان دوره تخصص، به‌دعوت بیمارستان دانشگاهی سوفیا و برای تأسیس رشته رادیولوژی کودکان در سال ۱۳۴۹ به‌عنوان نخستین فوق تخصص رادیولوژی کودکان در بیمارستان سوفیا روتردام به هلند رفت و به‌مدت ۱۷



۱. کلا رینت نوعی از سازهای بادی است که در تمامی جهان شناخته شده است و برای اجرای بسیاری از قطعه‌های موسیقی امروزه کاربرد دارد.

سال بخش رادیولوژی کودکان سوفیای روتردام را اداره کرد. عملکرد دکتر معراجی در سال ۱۳۶۸ مورد توجه بنیاد علمی، پژوهشی سوفیا قرار گرفت و بطور رسمی از طرف دانشگاه روتردام به عنوان استاد برگزیده و صاحب کرسی بخش رادیولوژی کودکان انتخاب شد. پس از بازنشستگی در سال ۱۳۷۷ بنیاد کمک به طب تصویری کودکان را تأسیس نمود و آموخته‌ها و تجربیات خود را در اختیار پزشکان جوان این رشته در هلند و ایران قرار داد. ایشان در سال ۱۳۷۹ بار دیگر به کار و تدریس دعوت شد و این بار همه درآمدش از محل کار در بیمارستان و تدریس را صرف ترویج و آموزش رشته تخصصی «رادیولوژی کودکان» در ایران نمود و در سال ۱۳۹۷ یک دستگاه MRI از طرف ایشان به مرکز طبی کودکان دانشگاه تهران اهدا شد مشروط به اینکه معاینات کودکان نیازمند با این دستگاه به صورت رایگان انجام شود. پروفسور معراجی در سال ۱۳۹۰ نشان سلطنتی هلند را دریافت نمود و ۱۰ سال بعد در ۹۰ سالگی و پس از ۵۲ سال خدمت در یک مراسم باشکوه و برای بار دوم بازنشست شد.

معصومی، علی (۱۳۱۱-۱۳۸۳ خ)، پس از گذراندن دوران مقدماتی تحصیلی در **اراک**،

در سال ۱۳۳۵ به اخذ لیسانس شیمی از دانشگاه تهران و لیسانس علوم تربیتی از دانشسرای عالی با رتبه نخست نایل آمد. وی پس از ۲ سال تدریس در دبیرستان‌های مختلف کشور با استفاده از بورس دانش آموخته ممتاز، برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن اعزام شد و در سال ۱۳۴۱ بعد از دریافت مدارک دیپلم، عضویت در کالج سلطنتی علوم و تکنولوژی دانشگاه لندن، کارشناسی ارشد و نیز دکتری شیمی تجزیه از آن دانشگاه، به ایران بازگشت. از این نویسنده دانشگاهی، ۱۰ عنوان کتاب در حوزه علوم شیمی و ۶۳ مقاله در نشریات علمی داخلی و خارجی منتشر شده و علاوه بر کسب رتبه استاد نمونه کشور، به عنوان شیمی دان برجسته در سال ۱۳۷۲ هم برگزیده شد. معصومی هم‌چنین در چهارمین جشنواره خوارزمی به کسب رتبه دوم مطالعات «اسپکتروفتومتری»^۱ دست یافت. او که سابقه ریاست دانشکده علوم دانشگاه شهیدبهشتی را داشت، بنیان‌گذار بخش شیمی دانشگاه شیراز هم شناخته می‌شود.



معصومی، محسن (۱۳۴۸ خ)، فرزند مسیب و بانو رحیمه، تحصیلاتش را در روستای

جاورسیان (**خنداب**) گذراند و از دانشسرای مقدماتی شهیدبهشتی خنداب دیپلم آموزش ابتدایی گرفت و به استخدام آموزش و پرورش درآمد. او در سال ۱۳۷۴ در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران و در سال ۱۳۷۶ ارشد و نیز در سال ۱۳۸۳ از همین دانشگاه دکترای گرفت و به عضویت هیئت علمی دانشگاه زنجان درآمد و تا ۱۳۸۶ به عنوان استادیار در گروه تاریخ و تمدن این دانشگاه خدمت کرد و سپس به گروه تاریخ و تمدن دانشگاه تهران پیوست. او در دوره دکتری به مطالعه درباره تاریخ و تمدن اسلام در هند علاقمند شد و تاکنون دهها کتاب و مقاله در این حوزه منتشر



۱. طیف‌سنجی نوری (Spectrophotometry)، اندازه‌گیری خواص، بازتاب یا انتقال یک ماده به عنوان تابعی از طول موج می‌باشد.

نموده و یکی از آثار او با عنوان «بررسی تاریخ و تمدن ایرانی اسلامی در دکن در دوره بهمنیان» در سال ۱۳۹۰ برنده جایزه جلال آل احمد در حوزه تاریخ و در همان سال برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد. جاورسیان نامه دیگر اثر این پژوهشگر با همکاری چند تن از پژوهشگران نوشته شده که در نخستین آئین کتاب سال استان مرکزی در ۱۳۹۹ به عنوان اثر برگزیده در حوزه تاریخ و جغرافیا شناخته شد.

معصومی زرنندی، محمدحسین (۱۳۱۱-۱۳۹۳ خ)، تا ششم ابتدایی را در **زرنديه** گذراند

و سپس در قم به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی از سال ۱۳۴۳ با همکاری محافل مذهبی شیعه در کرمانشاه ساکن شد و در دوره نخست مجلس خبرگان به عنوان نماینده استان کرمانشاه انتخاب شد. در سال ۱۳۶۴ با ترور آیت‌الله اشرفی اصفهانی امام جمعه کرمانشاه، به عنوان نماینده ولی فقیه و امام جمعه این شهر منصوب و خرداد ۱۳۹۳ در کرمانشاه درگذشت.



معنوی ساوجی، صدر (درگذشته ۱۳۴۹ خ)، اهل **ساوه**، فرزند میرزا ابراهیم، در نظم و نثر فارسی و عربی مهارت داشته و به عنوان نویسنده، تألیفاتی دارد که روح الغزل، ابیات بخت‌واقبال و نیز فال‌نامه یمن‌وشگون از آن جمله‌اند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۵۸۲).

معیری، محمدحسن (۱۲۸۸-۱۳۴۷ خ)، مشهور به بیوک، شاعر متخلص به رهی فرزند

محمدحسن خان مؤیدخلوت **تفرشی** و نوه دوستعلی خان نظام‌الدوله تفرشی از وزیران خزانه ناصری و از خویشان محمد حجازی و مادرش فرزند میرزا ابوالقاسم خان بدیع‌الدوله و مادر بزرگ او نوه دختری میرزا عباس خان قوام‌الدوله تفرشی بود. پدر بزرگ و پدر رهی به واسطه خدمت در دربار ناصری به تبریز رفتند و او در تبریز متولد شد. در هر صورت این خانواده تفرشی، به واسطه اقامت دو نسل از پدرانشان در تبریز در این ولایت رشد کردند و رهی تحصیلاتش را در تهران و در دارالفنون گذراند و وارد مشاغل دولتی شد و از سال ۱۳۲۲ به ریاست کل انتشارات و تبلیغات وزارت پیشه-و هنر منصوب شد. اشعار رهی با امضای مستعار «زاغچه» و «شاه پریون» در روزنامه باباشمل و مجله تهران‌مصور چاپ می‌شد (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۰۴).



معین‌السادات، سیدعلی (۱۳۶۸ خ)، اهل **تفرش** و نوازنده تنبک و شاگرد استاد موسوی (اراک) و دارای دست خط از استاد دیگرش بهمن رجبی است. او سپس به ساخت تنبک‌های نفیس روی آورد و هم اکنون نوازنده و نیز سازنده تنبک است.

مفتون آشتیانی، محمدعلی (قرن ۱۱)، از اهالی آشتیان و شاعر دوره صفوی بوده است.
مفتون محلاتی، محمد (۱۲۵۹-۱۳۰۱ خ)، فرزند علی‌اکبر واعظ خراسانی، متولد **محلات** که در سال

^۱. پدر رهی پیش از تولد او فوت می‌کند و به همین دلیل، به یاد پدر نام فرزند را نیز محمدحسن گذاشتند.

۱۲۲۸ به عراق رفت. دیوان شعر ایشان در مناقب و مراثی ائمه اطهار است و «هادی المضلین» در پنج هزار سطر و در شرح اصول دین به فارسی از این عالم دینی است (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۷۹).

مقامی، رمضانعلی (۱۳۲۸ خ)، فرزند اسداله و بانو فاطمه جان، اهل روستای مزور (**دلیجان**)، تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند. او در زمینه شعر استعداد و قریحه‌ای دارد و آثار منتشر شده این شاعر عبارتند از: آوای قلم، منظومه شعروادب، گل‌واژه‌های لب تشنگان.



مقامی، علیرضا (۱۳۳۱-۱۳۹۲ خ)، فرزند عباس و بانو حمیده، متولد کاشان و ساکن

اراک، تحصیلات مقدماتی را در دبستان محمدرضا شاه گذراند و از دبیرستان محمودیه کاشان دیپلم گرفت و دانشسرای مقدماتی را در سال ۱۳۵۰ به پایان برد. او در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه تهران لیسانس و سپس از دانشگاه تبریز با رتبه نخست، فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت و نیز در سال ۱۳۷۲ از دانشگاه تهران باز هم با رتبه نخست دکترا گرفت. این نویسنده و فعال فرهنگی، مقالات متعددی را به چاپ رسانده که از آن جمله اند: سحر حلال اهلی شیرازی، داستان منظوم «جمود صورت و معنی در شعر شاعران» و بسیاری دیگر. دکتر مقامی هم‌چنین در زمینه ترجمه و ویرایش بسیار فعال بود و اداره نشست‌های فرهنگی ادبی اراک را هم برعهده داشت (مجدی، ۱۳۸۴: ۲۷۰).



مقدسی، مریم (۱۳۶۹ خ)، فرزند نصرت‌اله و بانو حمیده، تحصیلاتش را در دبستان عبایی

و راهنمایی ۸ شهریور **اراک** گذراند و از دبیرستان زینبیه دیپلم گرفت. وی مقطع کارشناسی مهندسی اقتصاد کشاورزی را از دانشگاه پیام نور اراک و ارشد اقتصاد منابع طبیعی و محیط زیست را هم در دانشگاه ارومیه تحصیل کرد. او در طول تحصیلات دانشگاهی به فعالیت-



های علمی پژوهشی پرداخته و موفق به ثبت اختراعات و کسب رتبه‌های ملی و بین‌المللی در جشنواره اختراعات شده و علاوه بر این کتابی هم با عنوان «زیست بوم شهری، فرصت‌ها و چالش‌ها» تدوین نموده که بخشی از این کتاب درباره‌ی بازار تاریخی اراک است. این عضو جامعه نخبگان و فدراسیون مخترعان ایران، ضمن مدیریت شرکت سینا اکسیر بهنود، تولیدکننده فرآورده‌های با پایه گیاهی، مقالات متعددی هم در مجلات علمی پژوهشی و کنفرانس‌های مختلف در حوزه منابع طبیعی و محیط زیست به چاپ رسانده و هم‌اکنون به عنوان تسهیلگر اقتصاد و کارآفرینی دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی در سکونتگاه‌های غیررسمی و مناطق کم‌برخوردار اراک مشغول به خدمت است.

مقصودی ساوجی (قرن ۱۰)، از شعرا و اطباء قرن دهم **ساوه** بوده و شعرش بسیار بامزه و دیوانی هم داشته که در دست نیست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۲۴).

مکنون کرجی، سیدمحمد (قرن ۱۱)، فرزند سید محمود، اهل کرهرود (**اراک**)، از شاعران قرن یازدهم هجری است که نیکو شعر می‌سروده و این بیت از اوست: زاهدان روضه رضوان به تو باد ارزانی/که من اینجا شده‌ام با سر کوبی قانع (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۲).

مکی، ابراهیم (۱۳۲۱ خ)، اهل کهرود (اراک)، نویسنده، نمایشنامه‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس و از شخصیت‌های تأثیرگذار در بهبود نمایشنامه‌نویسی رادیویی در دهه ۵۰ تا ۷۰ خورشیدی و نخستین مدرسی است که اقدام به تألیف کتابی برای آموزش نمایشنامه‌نویسی کرد. نمایشنامه‌های پدروپسر، هتل نیمکت، عشق، صبح طلوع می‌کند، انکار، گم، خلوت‌گاه، کله سفید، شتر قربانی و فیلم‌نامه‌های جایزه، ذبیح، رضا هفت‌خط و قدیر از آثار اوست.



مکی، سیدداود (۱۲۳۳-۱۲۹۳ خ)، فرزند سیدصادق حسینی کهرودی (اراک)، از فقهای بزرگ عصر قاجار است که تحصیلاتش را نزد عمویش سید عبدالرحمن گذراند و مدتی هم در بروجرد از محضر سید شفیع موسوی جاپلقی بروجردی بهره‌مند شد. وی که از این دو عالم اجازه اجتهاد داشت در کهرود کلاس درس دایر کرده و شاگردان فاضلی در الهیات تربیت کرد که فرزندش سیدیحیی، صدراکاری و شیخ میرزآقا اعتضادی از آن جمله‌اند. لغو امتیاز نمک^۱ در سال ۱۲۸۹ به دستور این عالم دینی بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۴).

مکی، سیدرحمن (۱۱۹۸-۱۲۸۳ خ)، فرزند سیدمحمد، از علمای دینی عصر که کتابخانه بزرگی در کهرود (اراک) داشته و مرجع فضلا و علمای زمان خویش بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۵).

مکی، سیدرحمن (۱۲۵۱-۱۳۱۶ خ)، فرزند آقا سیداکبر، کنشگر سیاسی، مشروطه‌خواه و به‌همراه برادرش محمد، عضو انجمن دمکرات اراک بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۵).

مکی، سیدصادق (۱۱۷۱-۱۲۴۹ خ)، فرزند سیدمحمد عراقی و برادر سیدرحمن از علمای دینی اهل کهرود (اراک)، خود بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۵).

مکی، محمد (۱۲۵۵-۱۳۲۶ خ)، فرزند آقا سیداکبر، کنشگر سیاسی، آزادی‌خواه، مشروطه‌طلب و صاحب امتیاز روزنامه مفتش ایران و عضو انجمن دموکرات اراک بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۵).

مکی‌نژاد، تقی (۱۲۹۷ خ)، فرزند آقایحیی کهرودی، از اعقاب میرعلیمحمد، تحصیلات ابتدایی را در اراک گذراند و از دارالفنون تهران دیپلم گرفت و در سال ۱۳۱۵ وارد دانشکده فنی شد. این کنشگر مارکسیست، روزنامه‌نگار و نویسنده اراکی در سال ۱۳۱۷ به‌همراه گروه مشهور ۵۳ نفر دستگیر و زندانی شد. او در سال ۱۳۲۲ دانشکده فنی را به‌پایان رساند و در راه‌آهن استخدام شد. مهندس مکی‌نژاد از بنیان‌گذاران حزب توده در خانه سلیمان میرزای اسکندری بود، اما در سال ۱۳۲۶ و به‌علت وابستگی حزب به اتحاد شوروی از این حزب، جدا شد (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۰).



۱. انحصار فروش نمک در زمان حکومت عمیدالدوله و تعیین مالیات بر آن، موجب شد عده‌ای از مردم کهرود که شغل خود را از دست بدهند، در منزل سیدداود گردآمده و چاره جویند، او نیز دستور حمله به انبارهای نمک را صادر نمود که موجب تبعیدشان به تهران شد هر چند با حمایت مردم و آقانووالدین حکم تبعید وی لغو شد.

مکی نژاد، سیدفخرالدین (۱۲۸۱-۱۳۶۲خ)، فرزند سیدحسن، اهل کهرود (اراک)، پس از پایان تحصیلات در بانک ملی مشغول بکار شد. او که مردی ادیب بود در سازمان لغت‌نامه دهخدا برای تهیه و ثبت واژگان محلی و متداول شهر اراک همکاری می‌کرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۵).

مکی نژاد، محمد (۱۳۶۵-۱۲۸۲خ)، فرزند آقایحیی کهرودی، اهل کهرود (اراک)، از مدرسان حوزه علمیه اراک بود و از تألیفات این عالم دینی «تفسیر سوره حمد» و «شرح حال اجداد» را می‌توان نام برد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۵).

ملبویی اراکی، محمدباقر (قرن ۱۳)، فرزند شیخ تقی^۱ (عمادالاعلام)، از علمای دینی اراک که تألیفات ارزنده‌ای به‌عنوان نویسنده داشته و «الوقایع والحوادث» در مدح ائمه اطهار از جمله آنهاست.

ملک آبادی، میرزا علی (۱۲۶۰خ)، مشهور به حبیب‌الدوله، از بذله‌گویان و شوخ طبعان دوران اخیر اراک بوده که با همه مردم شهر از بزرگ و کوچک شوخی می‌کرد و هیچ کس از تکیه کلام او ناراحت نمی‌شد. و چون زنده‌نام محتاط ایشان را در سال ۱۳۳۰ که مردی بود موقر، بلندقد، با ریشی سفید و عصایی در دست می‌دید که از اول دروازه قبله وارد بازار می‌شده و تا چهارسو با صدای بلند با بازرگانان و مردم صحبت می‌کرد و هیچ کس از ترس متلک‌هایش با وی مشاجره نمی‌کرد، لذا به‌نظر می‌رسد تاریخ تولد وی می‌تواند حدود ۱۲۶۰ خورشیدی باشد (محتاط، ۱۳۷۲: ۴۶).

ملک، عبدالحمید (۱۲۶۴-۱۳۳۴خ)، فرزند حاج محسن آقا ملک، اهل اراک، شاعر متخلص به «طوطی»، دبیر دبیرستان و مدرس زبان انگلیسی که انجمن ادبی و تبلیغات دبیرستان پهلوی زیر نظر ایشان اداره می‌شد. دکتر ملکی، از پزشکان دانش‌آموخته دارالفنون و عضو برجسته نهضت مشروطه‌خواهان اراک و از پیشکسوتان ورزش باستانی و پزشک رسمی شهرانی بود که خصیصه پهلوانی از وی طبیب حاذقی ساخته بود که فقرا و بینوایان را به‌صورت رایگان ویزیت می‌کرد^۲ (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۰۵).

ملک احمدی، خانعلی (۱۳۵۹-۱۲۷۷خ) فرزند عباس، اهل اراک، در اواسط دهه ۱۳۲۰ دوبار در مسابقات قهرمانی کشتی پهلوانی کشور شرکت کرد و مقام دوم و سوم کشور را کسب کرد (محتاط، ۱۳۷۲: ۳۰۳).

ملک‌التجار، حسن آقا (۱۲۲۲-۱۲۸۳خ)، فرزند حاج میرزا محمد تبریزی، متولد اراک،

نیکوکار و از بازرگانان و معروف است که مدرسه علمیه آقاضیالالدین اراک و مسجد مجاور آن، مدرسه میدان دیوان‌خانه یا ارگ متصل به مسجد آقاضیا و آفاکمال و همچنین مدرسه سهامیه، زمین مدرسه امام علی فعلی و کاروان‌سرای در نزدیکی میدان شورا و بخش عمده دارایی خویش از سلطان‌آباد و برخی از روستاها مانند قزلیجه، رباطمیل و... را برای مصارف عام‌المنفعه وقف



۱. از عالمان فرهیخته اراک و نیز استاد آیت‌اله آقاسیدمحمد مکی‌نژاد.

۲. پسر عمومی خلیل ملکی بود

کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۶).

ملک‌زاده، احمد (۱۲۷۷-۱۳۵۰ خ)، فرزند میرزا عبدالله عراقی، از هنرمندان خوش‌نویس بسیار ماهر و توانای اراک بوده و مدتی در آموزش و پرورش به‌آموزش جوانان پرداخته و سپس در بانک کشاورزی به خدمت اشتغال داشته است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۳).

ملک‌زاده، عبدالله (زندگی ۱۲۸۵ خ)، از بازرگانان اراک، کنشگر سیاسی، عضو کمیته دمکرات و مشروطه طلبان اراک بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۷).

ملک‌ساسانی، احمد (۱۲۶۰-۱۳۴۶ خ)، فرزند محمدحسین **فراهانی** (گلبن)،



سیاستمدار دانش‌آموخته سوییس و معلم خصوصی احمدشاه، در سال ۱۲۹۷ به کنسولگری ایران در استانبول مأمور شد و سپس به‌عنوان مستشار سفارت کبری و سرکنسول ایران در کشورهای مختلف انجام وظیفه کرد. او در سال ۱۳۲۸ از طرف محمدساعد (نخست‌وزیر وقت) به معاونت نخست‌وزیری و ریاست کل انتشارات و مطبوعات کشور منصوب شد. آگاهی‌نامه شامل شرح احوال، آثار و اشعار ادیب‌الممالک فراهانی، سیاستگران ایران در دوره قاجار، تاریخ رابطه سیاسی ایران و عثمانی، مرزهای ایران در دوره نادرشاه، هفت داستان تاریخی از قرون گذشته ایران، یادبودهای سفارت استانبول، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، شاهد شیراز (مشمتمل بر تاریخچه موسیقی و آواز در ایران باستان) و چگونگی حمله اسکندر به ایران از جمله آثار منتشر شده اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۱۶).

ملکی، جواد (۱۳۶۴ خ)، فرزند مسیب، دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در مدارس شهید کرمی (کارخانه قند)، شهید فهمیده و قدس **شازند** سپری کرد و به‌عنوان کارشناس‌ارشد مردم‌شناسی دانش‌آموخته شد. این روزنامه‌نگار، مردم‌شناس، نویسنده و نخستین خبرنگار شازند سال‌ها در حوزه رسانه و روابط عمومی تلاش کرد و حائز رتبه‌های برتر در این زمینه است. مدیر مسوول و صاحب‌امتیاز نشریات خبر مرکزی و اخبار مرکزی از مهمترین فعالیت‌های او در حوزه رسانه می‌باشد. دو کتاب ارزشمند «هفت هزارسالگان» و «شازند سرزمین اساطیر» از آثار اوست که به بررسی فرهنگ، تاریخ، آداب، سنن و دیگر احوالات مردم‌شناسی شازند می‌پردازد. او همچنین کتاب «سرباز عشق» و نیز کتابی با عنوان «نکات طلایی در روابط عمومی» را منتشر کرده است.

ملکی، خلیل (۱۲۸۰-۱۳۴۸ خ)، در تبریز به دنیا آمد و هنوز دانش آموز ابتدایی بود که

پدرش^۱ را از دست داد و مادرش دوباره ازدواج کرد و به **اراک** کوچ کرد. ملکی تحصیلاتش را در اراک ادامه داد و دبیرستان را در مدرسه فنی آلمان ها (تهران) گذراند. او از نظریه پردازان و سیاستمداران معاصر ایرانی و عضو گروه ۵۳ نفر از رهبران حزب توده بود که بعدها از این حزب منشعب شد. هم چنین از افراد تشکیل دهنده جبهه ملی اول بود و نقش زیادی در ملی شدن صنعت نفت به رهبری مصدق داشت. دبیر دبیرستان صمصامی اراک، مسوول کمیته ایالتی آذربایجان حزب توده و مدیرکل فرهنگ تهران از سوابق شغلی این کنشگر سیاسی است (ولاشجردی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۲۵).



ملول، غلامعلی (۱۳۲۶ خ)، فرزند محمد و بانو زهرا، تحصیلاتش را در دبستان فرزین

اراک گذراند و از دبیرستان محمدرضا شاه و صمصامی دیپلم گرفت و در سال ۱۳۴۹ با

درجه فوق لیسانس از دانشکده فنی دانشگاه تهران دانش آموخته شد. بنیان گذاری شهرک صنعتی لیا، طراحی و احداث کارخانه های لوله سازی آریاوا، از جمله اقدامات مدیریتی اوست.



گردآوری بزرگترین مجموعه قلم زنی نقره و احداث «موزه قلم زنی ملول» در باغ موزه نگارستان، گردآوری ۴۰ تخته از قالی های آنتیک و نفیس ایرانی از اقصی نقاط جهان و احداث «موزه فرش ملول» در باغ موزه نگارستان و نیز تألیف دو کتاب «بهارستان دریچه ای به قالی ایران» و «عقل، پیامبر راستین» از آثار این مهندس نویسنده است که، انتشار مقالات متعدد فلسفی و اجتماعی در مجلات و روزنامه ها او را به چهره ای فرهنگی تبدیل کرده و از اقدامات ایشان به عنوان نیکوکار هم می توان به احداث دبیرستان امام علی اراک، کمک به ساخت پردیس دانشکده فنی دانشگاه تهران، اهدای ۲۸ تخته فرش نادر و نفیس به موزه فرش ایران، آزادی صدها زندانی و ده ها مورد دیگر اشاره کرد.

ممدوح، مرادعلی (۱۱۸۷ خ)، فرزند غلامعلی، مشهور به پیرحسین لو، متولد روستای سمقاور (**کميجان**) و از شاگردان عبدالکریم حائری است. این عالم دینی تألیفاتی دارد که عبارتند از: کتاب غفران، کتاب اصول عقاید و نیز کتاب الهدایا (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۹).

منبری، رضا (۱۳۰۶-۱۳۵۹ خ)، فرزند احمد و سیده زهرا، در محله ترخوران **تفرش** به دنیا

آمد و تحصیلات خود را تا دیپلم ادامه داد و با توجه به تسلط و سواد عمیق، به استخدام اداره فرهنگ تفرش درآمد. او سال ها به عنوان دبیر ادبیات و عربی در مدرسه کافی و دبیرستان های، سعدی، زیورکاملی و حکیم نظامی تدریس کرد و به واسطه خط خوش و ذوق شعری، با افراد و شخصیت های برجسته ای مانند استاد عباس منظوری مراده داشت و با توجه به نفوذ کلام و صدای



^۱. پدرش از تجار و از طرفداران انقلاب مشروطه بود.

خوش و بیان اثرگذار، خطیب و استاد سخن شده و در محافل و مجالس سخن‌سرایی می‌کرد. ایشان اشعار زیادی از حافظ و سعدی و... را در حافظه داشت و خود نیز در وادی شعر توانمند بود و اشعاری از وی به یادگار موجود است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۶۱).

منتظری ساوجی، محمدمهدی (درگذشته ۱۳۳۷ خ)، فرزند محمد، از زادگاهش **تفرش** به ساوه کوچ کرده و در روستای سوسنقین از توابع نوبران (ساوه) ساکن شد و تحصیلات ابتدایی را در همین روستا گذراند. او سپس به حوزه علمیه رفت و با لباس روحانیت به روستای خود بازگشت و به نشر و تبلیغ احکام الهی پرداخت. این عالم دینی که شاعر هم بوده، کتاب و اشعار زیادی به فارسی و عربی دارد و حدود شش هزار بیت از اشعارش فارسی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۴۷).

منجم تفرشی، سیداحمد (زندگی ۱۲۶۰ خ)، فرزند میرزا احمدحسن، مانند دیگر اعضای خانواده، متبحر در علم نجوم بود. وی پس از وفات پدرش در سال ۱۲۶۰ جانشین او شد و تصدی استخراج تقویم را بر عهده گرفت و به منجم‌باشی ملقب شد. شرح حال او و سایر اعضای خاندانش در کتاب «مأثر و الآثار» ذکر شده و «دفترالتقویم» هم از اوست.

منزوی زرنندی، علی (۱۲۵۲ خ)، فرزند محمدحسین، اهل **زرننده**، شاعری خوش‌قریحه بوده است (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۲۳).

منشورگرکانی آشتیانی، محمدعلی (زندگی ۱۳۰۶ خ)، فرزند میرزا محمدخان، اهل روستای گرکان (آشتیان)، مهندسی است سیاستمدار و کتابی دارد با نام «سیاست خارجی شوروی در ایران (۱۲۹۶-۱۳۰۶)» که در سال ۱۳۲۶ در تهران منتشر شده است. او نویسنده‌ای است آگاه و میهن‌دوست و دارای احساسات ملی زیاد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۶).

منشی آشتیانی، محمدابراهیم (زندگی ۱۲۵۸ خ)، هنرمندی است خوشنویس که دو رساله «شیخ و وزیر» و نیز «رساله خط» را به‌قلم نستعلیق و در سال ۱۲۵۸ به دستور فردی به‌نام میرزا رحیم به‌نگارش درآورده است.

منشی گرکانی، احمد (۱۲۳۳-۱۳۰۴ خ)، فرزند محمدحسین، در روستای گرکان (آشتیان) و در خاندانی که غالباً مشاغل حکومتی داشتند، به دنیا آمد. او پس از تحصیلات مقدماتی و یادگیری خواندن و نوشتن، برای تحصیل علوم دینی به قم رفت و پس از چند سال، تحصیلات خود را در حوزه‌های علمیه عراق ادامه داد. او سپس به ایران آمد و به‌عنوان نویسنده و منشی نزد مخبرالدوله (وزیر علوم وقت) به کار پرداخت. وی اطلاعات وسیعی در علوم و فنون مختلف و خصوصاً تبحر و احاطه‌ای بالا در علم کلام، عقاید، تاریخ، اشعار عربی و فارسی داشت و در نوشته‌های خویش به اشعار برجسته عربی و فارسی استشهد می‌کرد. «آغاثه الملهوف فی اشاعه المعروف» اثر این شاعر، مورخ و عالم دینی است.

منشی گرکانی آشتیانی، محمود (زندگی ۱۲۶۹ خ)، فرزند محمدعلی، هنرمندی است خوشنویس که نسخه «تحفه الاسرار در شرح مشارق الانوار»، در موضوع فضایل را در سال ۱۲۶۹ به خط نستعلیق نگاشته است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۹).

منصور، جواد (۱۳۰۴-۱۳۹۵ خ)، فرزند رجبعلی (منصورالملک) و بانو فرنگیس، دارای اصالت **آشتیانی**، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و برای تحصیلات عالی به آمریکا رفت و در رشته مدیریت بازرگانی از دانشگاه کالیفرنیا دانش آموخته شد. او پس از دریافت دکترای اقتصاد، وارد وزارت خارجه شد و پس از مدتی به سازمان برنامه و بودجه رفت و به عنوان رئیس روابط عمومی مشغول شد. پس از تشکیل بانک توسعه صنعتی، به عنوان معاون آن بانک برگزیده شد و مدتی نیز مدیر بخش سرمایه گذاری و روابط عمومی بانک توسعه صنعت و معدن بود. این مؤسس و عضو کمیته اجرایی حزب ایران نوین، در کابینه حسنعلی منصور^۱ سمت معاون نخست‌وزیری گرفت و در کابینه امیرعباس هویدا نیز وزیر مشاور شد. او سپس به وزارت اطلاعات و جهانگردی منصوب شد و مدتی هم مدیرعامل کانون بانک‌ها و رئیس شرکت بیمه مرکزی بود و به دفتر اروپایی سازمان ملل در جنوا رفت و از سال ۱۳۵۶ ساکن آمریکا شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۶۲).



منصور، حسن علی (۱۳۰۲-۱۳۴۳ خ)، فرزند رجبعلی، اهل **آشتیان**، در سال ۱۳۲۴، از دبیرستان فیروزبهرام دیپلم گرفت و از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با مدرک لیسانس دانش آموخته شد. وی کار دولتی خود را از سال ۱۳۲۴ در وزارت امور خارجه شروع کرد و در ادامه، سفیر ایران در لندن و بعد منشی وزارت خارجه و رئیس اداره چهارم سیاسی شد و نشان تاج دریافت کرد. منصور در میانه دهه ۳۰ با ایده‌ها و طرح‌هایی برای نجات وضعیت اقتصادی ایران در رأس شورای عالی اقتصاد قرار گرفت. معاون نخست‌وزیر، وزیر کار و دبیرکل حزب ایران نوین برخی از مسوولیت‌های وی تا پیش از نخست‌وزیری بود، تا اینکه پس از امیر اسداله علم به نخست‌وزیری رسید. این نخستین دبیرکل ایران نوین، پس از احراز پست نخست‌وزیری قصد انجام اصلاحاتی را داشت و کوشش کرد با روحانیت از در سازش درآید و در همین راستا امام خمینی را در ۸ فروردین ۱۳۴۳ از تهران به منزلش در قم برگرداند. مهم‌ترین رخداد سیاسی دوره ایشان طرح کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی تصویب شد که با مخالفت امام خمینی روبرو شد و در نتیجه توسط هیأت موتلفه و به دست محمد بخارایی در مقابل مجلس شورای ملی به قتل رسید تا ایشان هم یکی دیگر از مردان تاریخ‌ساز این دیار لقب گیرد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۲۷).



^۱. برادرش بود

منصور، رجبعلی (۱۲۶۴-۱۳۵۳ خ)، ملقب به منصورالملک، فرزند میرزا علی اکبرخان



آشتیانی، تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در مدارس مظفری و دارالفنون گذراند و در حسن خط و شیوه نگارش نیز جد و جهدی از خود بروز داد و در سال ۱۲۸۵ از مدرسه علوم سیاسی دانش آموخته شد و به استخدام وزارت امور خارجه درآمد. او در سال ۱۲۹۸

کفالت وزارت امور خارجه را به عهده گرفت و علاوه بر سمت دولتی، در همان مدرسه به تدریس حقوق پرداخت. وی سپس استاندار آذربایجان شرقی شد و از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱، وزیر داخله بود و بعد وزیر طرق و شوارع شد. او در سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰، به نخست‌وزیری ایران رسید و در این دوره بود که شوروی و انگلیس از وی خواستند که اتباع آلمانی را اخراج کند و هرچند وی به این دو کشور اطمینان داد که خطری از این اتباع متوجه آنها نخواهد بود و ایشان تحت کنترل هستند و نیز شروع به کاستن از شمار ایشان کرد؛ ولی هم‌زمان نیروهای انگلیسی از بندر شاهپور، خرمشهر و قصرشیرین و نیروهای شوروی از جلفا وارد ایران شدند و وقایع تلخ سال ۱۳۲۰ رخ داد تا ضمن ماندگاری نام او در عداد مردان تاریخ‌ساز ایران، مشمول این شعر سیاسی هم شویم که: هزاروسیصدویست/به حال ایران گریست. او سپس به عنوان استاندار خراسان و تولیت آستان قدس رضوی راهی این استان شد. وی همچنین سفیر ایران در ایتالیا، ترکیه و برخی دیگر از دول اروپایی بود و «تاریخ قانون و حکومت» نیز اثر نوشتاری اوست^۱ (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۶۳).

منصور، علاءالدین (زندگی ۹۵۵ خ)، اهل کهرود (اراک)، فرزند قاضی علاءالدین در قرن دهم و عصر صفویه می‌زیسته و از متشیان شاه طهماسب اول و از خوشنویسان زمانه بوده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۵۷)

منصور، محمود (۱۳۰۹ خ)، متولد اراک، پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه



و دریافت درجه لیسانس و فوق لیسانس روانشناسی، جهت ادامه تحصیل عازم سوییس شد و از دانشگاه ژنو در رشته روانشناسی بالینی و ژنتیک دکترا گرفت و در بازگشت به ایران، با سمت عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. وی در بکارگیری واژگان فارسی در ترجمه متون انگلیسی و فرانسوی روانشناسی بسیار مقید بود. کتاب «ساخت، پدیدآیی، تحول شخصیت» با ترجمه و اضافات این نویسنده دانشگاهی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد و برخی دیگر از آثار او عبارتند از شالوده روانی تربیت، روانشناسی ژنتیک، گفتگوی آزاد با ژان پیاژه و... (ولاشجردی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۹۶).

^۱ حسعلی منصور نخست‌وزیر وقت و جواد منصور وزیر اطلاعات و جهانگردی وقت فرزندان او هستند.

منصور تفرشی، علی اصغر (۱۲۴۶-۱۳۳۳ خ)، فرزند اسداله‌خان و بانو امه‌سلمه، در محله ترخوران **تفرش** به دنیا آمد و تحصیلات مکتب‌خانه‌ای را در تفرش کسب کرد. او که دارای خطی زیبا بود، به استخدام وزارت داخله درآمد و سال‌ها به عنوان نایب‌حکومت تفرش، منشأ خدمات بسیاری بود. وی از ملاکین مورد وثوق مردم تفرش به شمار می‌رفت و به عنوان یک نیکوکار در امور خیر اعم از گسترش و حمایت از تعلیم و تعلم کودکان، مرمت و حفظ و نگهداری قنوات و توسعه کشاورزی و درختکاری فعالیت چشمگیری داشت و نخستین گاراژ وسایل نقلیه تفرش و بازسازی جاده نقره‌کمر از اقدامات اوست. وی هم‌چنین برای تهیه و تأمین یخ مورد نیاز مردم، نخستین بنای یخچال تفرش را با نام منصور احداث کرد که در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۶۴).



منصور تفرشی، محمدحسین (۱۲۹۳-۱۳۷۶ خ)، فرزند میرزا علی اصغرخان، پس از تحصیلات ابتدایی در دبستان ضیاییه تفرش، دبیرستان را در تهران گذراند و در رشته پزشکی از دانشگاه تهران دانش‌آموخته شد و دکترای جراحی عمومی گرفت. او هم‌چنین دوره‌های تکمیلی و تخصصی جراحی را در فرانسه و آمریکا گذراند و به عنوان استاد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. او که رئیس بخش یک جراحی بیمارستان سینا و از همکاران پرفسور عدل بود، به عنوان دبیرکل مکتب عدل هم انجام وظیفه کرد و در آخرین دوره منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نماینده مردم تفرش و آشتیان در مجلس شورای ملی انتخاب شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۶۵).

منصورخانی، طوطیه (زندگی ۱۳۲۷ خ)، فرزند محمدحسن‌خان قره‌سرتیپ‌فراهانی و همسر حاج ذوالفقارخان بیات، از بانوان نیکوکار **اراک** بود که همه دارایی خود طی سه فقره وقف‌نامه، که به خط آقانوالدین نوشته شده را صرف امور خیر کرد و از محل آن موقوفات دو باب مدرسه به نام منصوری و نیز طوطیه در سال ۱۳۲۷ در اراک بنا کرد (ذبیحی، ۱۳۸۵: ۳۲۵).



منصوری، محسن (۱۳۵۸ خ)، فرزند عزت‌اله و بانو اکرم، تحصیلاتش را در دبستان حضرت مهدی و راهنمایی هاشمی سنجانی گذراند و از هنرستان قائم دیپلم کامپیوتر گرفت. او سپس از آموزشکده امیر کبیر اراک فوق دیپلم نرم‌افزار اخذ کرد. با توجه به علاقه‌مندی به موسیقی، در کلاس‌های تئوری موسیقی و سلفژ و گیتار، به فراگیری موسیقی در دوران سربازی پرداخت و پس از پایان سربازی در سال ۱۳۸۲ در آزمون ورودی کنسرواتوار^۱ موسیقی تهران پذیرفته شد و در آن مرکز تخصصی موسیقی ادامه تحصیل داد و در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ با ساز تخصصی



ساکسوفون^۱ و نیز گیتار به نوازندگی و تدریس پرداخت و دارای کارت صلاحیت تدریس از خانه موسیقی ایران نیز هست.

منصوری، محمود (۱۳۴۳ خ)، فرزند ذبیح‌اله و بانو حلیمه‌خاتون، ابتدایی را در دبستان ۱۷ شهریور، راهنمایی امیرکبیر و دبیرستان بدر و علامه طباطبائی **دلیجان** گذراند و از مرکز آموزش عالی تربیت مربی عقیدتی سیاسی قم، کارشناسی الهیات و از دانشگاه آزاد اراک ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی و از دانشگاه آزاد محلات دکتری گرفت. برخی از تألیفات این جانباز دفاع مقدس و مدرس دانشگاه عبارت است از: حبیب مهمان باغ گیلان (زندگی‌نامه، وصیت‌نامه و خاطرات شهید دانش‌آموز حبیب حسینی)، رسم ماندن (مروری موضوعی بر وصیت‌نامه شهدای دلیجان و شرح مختصری از زندگی‌نامه تعدادی از شهدای دلیجان) است.

منصوریان، محمدرضا (۱۳۲۴ خ)، فرزند مرتضی و بانو طاهره، تحصیلاتش را در



دبستان عظیمی گذراند و از دبیرستان پهلوی **اراک** دیپلم گرفت. وی مهندس ماشین‌سازی گرایش تولید صنایع سنگین از دانشگاه علم و صنعت ایران و مؤسس شرکت کیان‌سازه، تولیدکننده و سازنده جرثقیل‌های ساختمانی و تجهیزات پالایشگاهی است که از سال ۱۳۶۳ تاکنون هدایت این شرکت را برعهده دارد. از افتخارات این کارآفرین برجسته می‌توان به عناوین پیش‌کسوت صنعتی نمونه، مورد تقدیر در نخستین جشنواره مهندسين فناور استان، پیش‌کسوت صنعتی شایسته و... اشاره کرد. هم‌چنین کیان‌سازه تنها تولیدکننده جراثقال‌های ویژه پروژه‌های برج‌سازی با نام تجاری پیلتن در کشور بود و برای نخستین‌بار در خاورمیانه بالغ بر ۱۸ ماشین مخصوص برای تولید لوله از قطر ۶۰ سانتیمتر تا ۳ متر به روش اسپیرال را طراحی و تولید کرده است.

منصوری‌ساوجی (قرن ۱۱)، اهل **ساوه**، شاعری که در عصر صفویه می‌زیسته و برای تجارت مسافرت می‌کرده و شاعر شیرین‌گفتاری بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۴۹).

منصوری‌نراقی، غلام‌علی (۱۳۲۱ خ)، در نراق (**دلیجان**) متولد شد و در دانشگاه



تهران مهندسی شیمی خواند و در اواخر دهه ۱۳۷۰، در زمینه رفتار فازی سیالات، آسفالتین و الماسواره‌ها و نیز معرفی و شناساندن فناوری نانو در ایران به‌مطالعه پرداخت. او سپس به آمریکا رفت و از دانشگاه اوکلاهما دکتری و از دانشگاه رایس پس‌ادکتری گرفت. او که به‌خاطر نظریات خود در مورد رفتار نانو‌ساختارها از جمله الماسواره‌ها مشهور است، در حال حاضر استادتمام و عضو هیأت علمی دانشگاه ایلینوی آمریکاست و بیش از ۵۵۰ مقاله در ژورنال‌های علمی و ۱۰ عنوان

۱. ساکسوفون جزو سازهای بادی چوبی تک‌زبانه است که برای ارکستر و دسته موزیک نظامی تهیه شده ولی امروزه در موسیقی جاز و مردم‌پسند هم بکار می‌رود.

کتاب نگارش کرده که برخی از آنها به عنوان کتاب درسی در حوزه ترمودینک، رفتار فازی سیالات و رفتار نانو ساختارها در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند.

منطقی تفرشی، حسن (۱۲۴۳-۱۳۱۴ خ)، ملقب به اشرف‌الملک و منطق‌الملک، فرزند

حاج علی تفرشی، پس از تحصیلات مکتب‌خانه‌ای در تفرش، به اتفاق خانواده به تهران رفت و تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد. او سپس به استخدام شهرداری تهران درآمد و پس از چندی به عنوان شهردار تهران انتخاب شد و به مدت ۷ دوره در این پست خدمات شایسته‌ای ارائه داد. او مدتی والی مازندران، همدان و اصفهان هم بوده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۶۸).



منظوری، داود (۱۳۳۲ خ)، فرزند پنجه‌علی و بانو فرخنده، تحصیلات مقدماتی را در

زادگاهش روستای اردمین (ساوه)، گذراند و از دبیرستان مروی تهران دیپلم گرفت. او سپس به مدت ۳ سال در کارخانه اتومبیل‌سازی خاور کار کرد و در سال ۱۳۵۷ برای تحصیل در رشته فیزیک فضا و نجوم به هند رفت و از دانشگاه پنجاب کارشناسی ارشد گرفت و در سال ۱۳۶۶ به ایران بازگشت. او حدود سه سال به عنوان عضو هیات علمی دانشگاه آزاد و سپس عضو هیات علمی وزارت علوم در دانشگاه محقق اردبیلی به تدریس پرداخت و علاوه بر تالیف ده‌ها عنوان مقاله علمی داخلی و بین‌المللی، تالیف کتاب «اردمین در گذر زمان» را هم در کارنامه دارد که آداب، رسوم و تاریخچه روستای اردمین ساوه را به تصویر کشیده است.



منظوری حقیقی، علی (۱۲۶۷-۱۳۲۹ خ)، فرزند شاه‌ویس تفرشی، شاگرد میرزا

سیدحسن که در مدارس تفرش، اراک، نجف‌آباد و دماوند دبیر خوش‌نویسی بوده است. او از کودکی علاقه زیادی به خط داشت و نزد سیدحسین خوش‌نویس تفرشی آموزش دید و در خط نستعلیق شکسته حسن شهرت یافت. او که کتاب‌های گلستان، بوستان، رباعیات خیام، رساله صفوت و خمسه نظامی را با خط زیبا به نگارش درآورده است، مدتی در مجلس شورای ملی به خوشنویسی اشتغال داشت و با میرزا محمدحسین سیفی (عمادالملک) مرتبط بود و در این زمان بر حسن خط خویش افزود. از آثار خطی او کتیبه‌های سردر ورودی مقبره نورعلیشاه در صحن امامزاده حمزه شهر ری و چند کتیبه در مساجد و تکایا و بقاع تفرش و نیز خط لوحه زرین تفسیر اصل ۳۷ قانون اساسی سابق ایران که در سال ۱۳۱۷ نوشته شده را می‌توان نام برد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۶۶).



منهویی، احمد (۱۳۲۸ خ)، فرزند ابوالفضل و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در روستای

طرازناهدید (ساوه) و دامغان گذراند و از دبیرستان صدوق قم دیپلم گرفت. او در سال

۱۳۵۱ از دانشگاه افسری شهربانی دانش‌آموخته شد و در اداره گذرنامه اشتغال یافت. او

با اینکه در سال ۱۳۶۶ از دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی هم مدرک گرفت

ولی اشتیاق و استعداد هنری او موجب شد تا ضمن بازخرید خدمت، به شعر و نقاشی که از سال ۱۳۵۸ در

او نمودار بود بپردازد. برخی از تابلوهای نقاشی این هنرمند در کتابی که انتشارات گویا منتشر نموده به چاپ

رسیده و علاوه بر ۲۰ نمایشگاه انفرادی و گروهی، ۲ مجموعه شعر با تخلص «شباهنگ» و باعنوان

«شباهنگ، خوشه‌چین حافظ» و «شباهنگ همراه با سعدی» هم منتشر نموده و در زمینه خوشنویسی نیز،

هنرجوی استاد فتحعلی واشقانی بوده است.



مهاجر، فرهنگ (۱۳۰۶ خ)، فرزند حسن، در سال ۱۳۲۹ به‌استخدام اداره فرهنگ اراک

درآمد و در سال ۱۳۴۸ به دبیری دبیرستان صمصامی بیات رسید. این شاعر که سروده‌های

زیبایی هم دارد ضمن دبیری، متصدی کتابخانه دبیرستان صمصامی بیات هم بود و راه

اندازی کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی اراک را هم بر عهده داشت (مجدی، ۱۳۸۴ : ۲۷۷).



مهاجرانی، حمیدرضا (۱۳۴۴ خ)، فرزند سیدولی و بانو اشرف‌سادات، تحصیلاتش را

در دبستان سعادت و راهنمایی نادرشاه اراک گذراند و از دبیرستان صمصامی دیپلم

گرفت. او سپس فوق دیپلم آموزش ابتدایی از مرکز تربیت معلم شهیدباهنر اراک، لیسانس

زبان و ادبیات عرب از دانشگاه جندی‌شاپور اهواز، فوق لیسانس همان رشته از دانشگاه



تهران و نیز دکترا از مرکز علوم و تحقیقات تهران دریافت نمود. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد کاشمر و

مشهد، کارشناس فرهنگی، رایزن فرهنگی ایران در قطر و استاد آموزش زبان فارسی از سوابق شغلی این

نویسنده و مترجم پرکار است. دکتر مهاجرانی از سال ۱۳۹۰ تا کنون بیش از ۲۷ عنوان کتاب از عربی به

فارسی ترجمه کرده که نخستین آنها «التائهون» با عنوان فارسی سرگشتگان نوشته‌ی امین معلوف است و

«دبابه تحت شجرة عبدالملاد» با عنوان فارسی تانکی زیر درخت کریسمس، نوشته‌ی ابراهیم نصراله،

جدیدترین اثر اوست. وی همچنین ۶ اثر دیگر شامل «روزگار سپری شده اسب‌های سپید»، «برادران

غریب»، «سفر و حذر»، «داستان آخرین عرب»، «صورتکی بسان سماء» و نیز «جمال‌الناصر و جهان»

آثار در دست چاپ اوست.

مهاجرانی، سیدعطاءاله (۱۳۳۳ خ)، فرزند آقانور و بانو عذری‌سادات، تحصیلاتش را

در دبستان خیام اراک گذراند و از دبیرستان صمصامی دیپلم گرفت و رشته تاریخ را در

دانشگاه اصفهان، شیراز و تربیت مدرس تهران تا مقطع دکتری خواند. از مسوولیت‌های

این نویسنده و سیاست‌مدار برجسته، می‌توان به نمایندگی مردم شیراز در نخستین دوره



مجلس شورای اسلامی، معاون پارلمانی نخست‌وزیر در دوران میرحسین موسوی، معاون پارلمانی رئیس جمهور در دوره هاشمی‌رفسنجانی، عضو شورای سیاستگذاری صداوسیما و هم‌چنین وزیر فرهنگ‌وارشاد اسلامی در دوره سیدمحمد خاتمی اشاره کرد. او هم‌چنین عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس بود و هم‌اکنون در بریتانیا سکونت دارد و به‌نوشتن روی آورده و کتاب حاج‌آخوند جدیدترین اثر این نویسنده سیاستمدار است که دوران وزارت او رنسانس اندیشه‌ای در کشور ایجاد کرد.

مهاجرانی، سیدمحمد (۱۳۴۸ خ)، فرزند آقانور و بانو عذراسادات، تحصیلاتش را در



دبستان خیام اراک و راهنمایی دین‌ودانش گذراند و از دبیرستان صمصامی دیپلم گرفت. برادر دکتر عطاءاله مهاجرانی، نویسنده‌ای است که از سال ۱۳۶۳ آغاز به‌سرودن کرد و از سال ۱۳۶۷ سه‌ترم را در دانشگاه تهران تحصیل کرد، سپس حوزه علمیه را برای ادامه تحصیل برگزید. او هم‌چنین از دانشگاه مفید قم، لیسانس فلسفه و از دانشگاه شهیدبهشتی ارشد ادبیات کودک دارد. کتاب «حاجی کوچولو» و مجموعه شعر ۱۴ جلدی «پیامبر عزیز ما» با موضوع سیره پیامبر اسلام برای کودکان از اوست. مجموعه‌های ۲۰ جلدی «خدای ما چه جوریه»، ۱۵ جلدی «بهترین مادران» ۱۰ جلدی «قصه‌های سوسن‌وسینا» ۶ جلدی «سرزمین رنگ‌ها» و نیز ۶ جلدی «سرزمین ایران، سرزمین ایمان» دیگر نوشته‌های اوست. وی هم‌چنین از سال ۱۳۹۰ تاکنون، یکی از اعضای تألیف کتب درسی مقطع ابتدایی است و برخی از شعرها و قصه‌های کتاب سال دوم تا ششم ابتدایی را هم در کارنامه دارد.

مهاجرانی، فاطمه (۱۳۴۹ خ)، فرزند سیداسماعیل و بانو صدیقه، تحصیلاتش را در



اراک گذراند و در دانشگاه شهیدباهنر کرمان مهدسی مکانیک خواند و به‌عنوان نخستین بانوی کشور در رشته کارشناسی ارشد مکانیک از این دانشگاه دانش‌آموخته شد. او در ادامه از دانشگاه هریوت وات اسکاتلند فوق لیسانس استراتژی گرفت و همان‌جا دکتری حرفه‌ای (Administration Doctor of Business) خواند و سپس از دانشگاه شهیدبهشتی دکترای مدیریت بازرگانی گرفت. معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس مرکز استعدادهای درخشان، معاون برنامه‌ریزی توسعه مشارکت‌های سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، سرپرست معاون آموزشی دانشگاه فنی-حرفه‌ای، مشاور زنان و امور خانواده دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور، ریاست دانشکده فنی‌وحرفه‌ای دختران شریعتی، مشاور رئیس موزه ملی علم‌وفناوری ایران و مدرس دانشگاه‌های فنی حرفه‌ای کشور و سخنگوی دولت در کابینه دکتر پزشکیان از سوابق شغلی اوست. از آثار مکتوب وی می‌توان به کتب مدیریت برند، نگاه کاربردی به سیستم‌های اطلاعاتی، تجربه‌های کاربردی کتیا (CATYA)، اصول سرپرستی سازمانهای نوین، ترجمه کتاب هوش معنوی و کتاب فرهنگ استراتژی اشاره نمود.

مهتاش، منصور (۱۳۲۰ خ)، فرزند امیرقلی و بانو قمر، تحصیلات ابتدایی را در فرمهین

(فراهان) و سپس دبستان خیام اراک گذراند و از آموزشگاه‌های کشاورزی، پهلوی و

شکریایی دیپلم گرفت. او در سال ۱۳۴۲ در دانشکده پلیس پذیرفته و در سال ۱۳۷۲ با درجه

سرتیپ دومی بازنشسته شد. «در گذرگاه تاریخ پارادوکس» عنوان کتاب خاطرات این نظامی

است که در جوانی از کاراته‌کاران نامی ایران بوده و سابقه مربی‌گری تیم ملی و نیز ریاست فدراسیون کاراته

ایران را هم در کارنامه دارد (کانال رسمی محمد مددی).



مهدوی، مجتبی (۱۳۱۹ خ)، شاعر و کارآفرین متولد اراک، که طبع شعرش از سال سوم

دبستان شکوفا شد، به‌گونه‌ای که بیشتر انشاهایش را به‌شعر می‌نوشت و مدیر مدرسه

(فرج‌اله بینش)، نخستین مشوق وی بود. این دانش‌آموز تیزهوش که از سال سوم دبستان،

کیلله‌ودمنه و منشآت قائم‌مقام می‌خواند، سال اول و دوم متوسطه را در دبیرستان محسنی

اراک خواند و از همه درس‌ها بجز درس انگلیسی نمره ممتاز می‌گرفت، اما پس از آن ترک تحصیل کرد و

نزد میرزا حسن تحصیلدار که از عاشقان مولانا و حافظ بود به شاگردی پرداخت و با دوستان اهل فرهنگ

معاشرت داشت. وی نخست به‌عنوان منشی و حسابدار مشغول بکار شد و چند سال بعد کتابفروشی ادیب را

در اراک راه‌اندازی کرد و نخستین کتاب شعرش را با نام «گل حسرت» که سروده‌های دوران جوانی‌اش را

با تخلص «گمنام» منتشر کرد و سپس تخلص «مهدوی» برگزید. این شاعر کارآفرین پس از چند سال،

مجتمع صنعتی تافته را تأسیس کرد که این کارخانه برای بیش از ۵۰ نفر شغل ایجاد کرد و مدرن‌ترین

کارخانه خصوصی در خوزستان شد. وی عضو گروه شاعران آزاد ایران، شاعران هم‌سرای تهران، گروه تفسیر

شاهنامه و حافظ اراک و عضو انجمن شعر محلی پیک راستان و بنیانگذار و مدیر گروه دل‌نگاران دزفول

است. دومین مجموعه اشعار ایشان با نام «نوی دل» شامل نیایش، ستایش، مرثیه و روایت در سال ۱۳۸۸

و سومین کتاب شعر او هم به‌نام «نای دل» نام دارد.



مهدوی، محمدعلی (۱۳۳۷ خ)، فرزند جلال و بانو رباب، اهل خوربه (محلات)،

تحصیلاتش را در دبستان صدیق اسفندیاری و دبیرستان دکتر نصیری گذراند و از دانشگاه

افسری ارتش کارشناسی مدیریت علوم نظامی و از دانشگاه فرماندهی‌وستاد کارشناسی

ارشد مدیریت علوم دفاعی دریافت کرد. این نظامی ارشد که دوره‌های تخصصی مقدماتی،

عالی و دانشگاه عالی دفاع ملی را در کارنامه دارد، افتخار بیش از ۸۰ ماه خدمت در مناطق جنگی جنوب و

شرکت در چندین عملیات از جمله دفاع از خرمشهر، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، آزادسازی خرمشهر، بدر و نیز

والفجر ۸ را دارد. عضویت در یگانهای رزمی و ستادی از جمله لشکر ۹۲ زرهی اهواز، ستاد نیروی زمینی،

ستاد فرماندهی ارتش و ستاد کل نیروهای مسلح و انجام وظیفه در مشاغل فرماندهی و ستادی از پایین‌ترین



رده تا انتصاب در شغل مقام معاون نیروی انسانی ارتش ج.ا.ا از جمله سوابق اجرایی اوست.

مهدوی کیا، مهدی (۱۳۵۶ خ)، اهل روستای چشمه (اراک)، از اسطوره‌های ورزش ایران

که از کودکی علاقه زیادی به فوتبال داشت و در دوران نوجوانی از زمین‌های خاکی، جذب باشگاه بانک ملی شد و با پشتکار به باشگاه پرسپولیس پیوست. این بازیکن حرفه‌ای و مربی فوتبال در باشگاه‌های بانک ملی، پرسپولیس، بوخوم، هامبورگ، اینترراخت فرانکفورت و... بازی کرد.

مهدوی کیا در سال ۲۰۰۳ از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا به عنوان بازیکن سال آسیا شناخته شد. او دوبار در فصل‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ از سوی هواداران هامبورگ به عنوان بهترین بازیکن این تیم انتخاب شد.^۱ از دیگر افتخارات موفق‌ترین لژیونر^۲ ایرانی، انتخاب در لیست یازده نفره تیم منتخب قرن هامبورگ است که در جشن ۱۲۵ سالگی این باشگاه اعلام شد.



مهدوی هزاوه، رضا (۱۳۴۸ خ)، فرزند محمد و بانو عذرا، متولد هزاوه (اراک)،

تحصیلاتش را در دبستان هدایت، راهنمایی توحید و دبیرستان محسنی گذراند و در نوجوانی با حجت‌اله سبزی (پیشکسوت تئاتر) آشنا شد و برای نخستین بار در سال ۱۳۶۴ در نمایش

«اسپه‌شینه» که در اراک و تهران به روی صحنه رفت، بازی کرد. او هم‌زمان در انجمن سینمای جوان با پرویز اشتری استاد نویسندگی آشنا شد و این آشنایی منجر به خلق آثار زیادی در قالب داستان شد. وی سپس در دانشگاه آزاد اراک تئاتر خواند و با اخذ کارشناسی ارشد تئاتر از دانشگاه آزاد تهران، در سال ۱۳۷۸ عضو هیأت علمی تمام وقت گروه هنر دانشگاه آزاد اراک شد. در سال ۱۳۸۴ به عنوان سردبیر مجله «نشانی» با مدیر مسؤلی محمد صالح‌علاء همکاری کرد، هرچند انتشار این مجله پس از ۱۵ شماره متوقف شد. قصه‌های هزاوه، اسب‌های باغ ملی، عطر ریخته در اصفهان، خاطرات قابل حمل، دست‌های من در همین نزدیکی است و نیز «بعضی از این داستان‌ها» از آثار نوشتاری این نویسنده است. «من برای خداحافظی سلام می‌کنم» جدیدترین اثر اوست.



مهدوی هزاوه، منصوره (۱۳۵۳ خ)، فرزند محمد و بانو عذرا، دبستان را در مدارس

خیام، توحید و علامه مجلسی اراک و دوره راهنمایی را در مدرسه فاطمیه گذراند و از دبیرستان عفاف دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه علامه طباطبائی علوم تربیتی خواند و از دانشگاه خوارزمی ارشد تحقیقات آموزشی دریافت و دوره دکتری را هم مجدداً در دانشگاه علامه طباطبائی و در رشته مطالعات برنامه درسی گذراند. مجموعه لالایی نخستین اثر ادبی اوست که در



^۱. هواداران هامبورگ به او لقب «موشک ایرانی» داده بودند و یک بار هم از سوی نشریه کیکر، عنوان بهترین بال راست بوندس لیگا را به دست آورد.

^۲. بازیکنی که در باشگاه‌های معتبر دنیا بازی کرده و می‌کند.

سال ۱۳۸۴ برای کودکان منتشر کرد. وی همچنین مجموعه‌ای از روایات تربیتی را با نام تجربه‌های ناتمام منتشر کرد و تا سال ۱۴۰۲ در چندین طرح پژوهشی با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشگاه معلم همکاری داشت که حاصل آنها علاوه بر طرح‌های پژوهشی در قالب ۱۴ مقاله علمی - پژوهشی چاپ شد. وی با الهام از برادران نویسنده خود، نوشتن داستان را در کنار فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی آغاز کرد و مجموعه داستان حدود ساعت شش جدیدترین اثر اوست که ۱۰ اسفند ۱۴۰۲ در اراک رونمایی شد. کتاب معلمی و سواد سلامت روان (انتشارات فاطمی) و ارتباط اثربخش (انتشارات مدرسه) نیز تجربه تألیفی مشترک اوست که در دست انتشار است.

مهدی زاده محلاتی، فضل‌اله (۱۳۰۹-۱۳۶۴ خ)، فرزند غلامحسین، تحصیلات ابتدایی

را در محلات گذراند و از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۴۰ تحصیلاتش را در محضر آیات صدوقی، حائری‌سلطانی، علامه طباطبائی، مطهری و بروجردی در حوزه علمیه قم ادامه داد. هواپیمای این عالم دینی و مبارز انقلابی در سال ۱۳۶۴ در حالی که به همراه هشت تن از نمایندگان مجلس و برخی قضاات عالی‌رتبه و با هدف بازدید عازم جبهه بودند مورد حمله قرار گرفت و به همراه ۵۰ نفر سرنشین دیگر به شهادت رسید. از اقدامات برجسته ایشان می‌توان به انتشار مقالات متعدد، نماینده امام در حج و اوقاف، سرپرست حج در سال ۱۳۵۷، نماینده امام در سپاه پاسداران و نماینده نخستین دوره مجلس شورای اسلامی از حوزه محلات و دلجان اشاره کرد (بخشی، ۱۳۹۵: ۶۰۲).



مهدی‌نیا، حسن (۱۳۳۲ خ)، فرزند حسین و بانو عذرا، دوران ابتدایی را در دبستان

راه‌آهن، نخستین، طلوعی و جواد رهنما و دبیرستان را هم در مدرسه شاهپور اراک گذراند و از رشت فوق‌دیپلم ماشین‌آلات کشاورزی گرفت. او پس از گذراندن سربازی در روستای اسکان، در شرکت ایران جاندیر^۱ به‌عنوان بارزس کنترل کیفیت استخدام شد. وی سپس در آزمون ورودی نیروگاه اتمی بوشهر پذیرفته و با یک گروه ۴۰۰ نفره به‌مدت ۴ سال برای گذراندن دوره آموزشی به آلمان اعزام شد. ایشان که کارشناسی‌ارشد مدیریت اجرایی و دکترای حرفه‌ای مدیریت کسب‌وکار (Administration Doctor of Business) دارد، در جوانی مدتی را با شرکت پیمانکار سازنده واگن پارس همکاری کرد و سپس به‌عنوان مسوول نگهداری و تعمیرات پالایشگاه اراک، به این شرکت پیوست. پیرو اتفاقی که موجب سقوط و مرگ یکی از همکارانش در شرکت واگن پارس شد، ایده تولید بالابر به‌ذهنش رسید و این اندیشه را ابتدا با تأسیس یک کارگاه خدمات فنی و تعمیر ماشین‌آلات راهسازی در پای کوه لجور پی گرفت و به‌مرور زمان شرکت‌های بزرگ «لجور»، «لجور هیدرویک» و «لجور آرمان» با همراهی



برادرانش حمیدرضا و علی‌رضا مهدی‌نیا با حدود ۲۵۰ نفر اشتغال مستقیم به‌شکل امروزی تأسیس کرد^۱ تا چهره ماندگار، پیشکسوت و پدر صنعت جرتقیل و بالابر ایران لقب گیرد.

مهدی‌نیا، حمیدرضا (۱۳۳۹ خ)، فرزند حسین و بانو عذرا، تحصیلات مقدماتی را در

دبستان شاهپور گذراند و از دبیرستان شاهپور **اراک** دیپلم گرفت. وی که کارشناسی حقوق

و ارشد مدیریت از دانشگاه آزاد دارد، در کنار برادر بزرگترش دکتر حسن مهدی‌نیا و به‌عنوان

یک کارآفرین در تأسیس شرکت‌های لجور نقش‌آفرین بوده و قائم‌مقام مدیرعامل در شرکت

لجور، رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل لجور هیدرولیک، مدیرعامل توسن‌سازان اراک، مؤسس و رئیس هیأت

مدیره شهرک صنعتی حاجی‌آباد به‌مدت بیش از ۳ دهه، نایب‌رئیس اتاق اراک، مؤسس و رئیس دبیرخانه

تشکیل‌های اتاق اراک، عضو هیأت مدیره انجمن پیشگامان صنعت اراک و یک فعال اجتماعی/اقتصادی

مشهور، نقش مؤثری در صنعت و اقتصاد اراک دارد. شرکت لجور هیدرولیک به‌عنوان نخستین و بزرگترین

تولیدکننده انواع سیلندرهای هیدرولیک، پنوماتیک و پاوریک‌های الکترو هیدرولیکی در ایران در سال ۱۳۷۴

در اراک تأسیس شد و امروز در مساحتی بیش از دوهکتار و داشتن ۴۵۰۰ متر سوله مجهز و ۱۵۰۰ متر دفاتر

اداری، برای ۷۰ نفر به‌صورت مستقیم ایجاد شغل کرده و بخشی از نیاز کشور به جک‌های هیدرولیکی،

نیوماتیک، یونیت‌های هیدرولیک و میزهای بالابر هیدرولیکی را تأمین می‌کند.

مهرابی، بهرخ (۱۳۴۸ خ)، فرزند قدرت‌اله و بانو عزت، در **اراک** متولد شد و دوران

تحصیلی را در مدارس امیرکبیر، خاکباز و نظام‌وفا گذراند و از دبیرستان شکرایی دیپلم

گرفت. او پس از دیپلم زیر نظر استاد ناصر فراهانی، کریمی‌نورعینی و رضوانی‌فرد به‌آموزش

خوش‌نویسی پرداخت و به‌عنوان نخستین زن دارنده درجه ممتاز در خط و نخستین زنی که

به‌طور فردی نگارش کتابی را به‌انجام رسانده در استان مرکزی شناخته شد^۲ (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۲۱۳).

مهراد، فرهاد (۱۳۲۲-۱۳۸۱ خ)، فرزند رضا و بانو آمنه، در یک خانواده **تفرشی** در تهران

زاده شد و مدتی را بواسطه اینکه پدرش کاردار وزارت خارجه ایران بود، در عراق زندگی کرد

و زبان عربی آموخت. ۳ ساله بود که گرایش ویژه‌اش به موسیقی باعث شد در این مسیر

قدم بگذارد. آنچه او را از دیگر خوانندگان هم‌نسلش متمایز می‌کرد، خواندن

ترانه‌های اجتماعی است که در آثار موسیقی او متبلور و این عنصر در مضامین تمامی ترانه‌های او کاملاً

به‌چشم می‌خورد. مهرداد از نخستین خوانندگان سیاسی ایران است که در اوایل دهه ۱۳۵۰ ترانه‌هایی با



۱. به تعبیری شرکت لجور پدر شرکت‌های خصوصی استان مرکزی است.

۲. در اراک خیابانی به نام این بانوی هنرمند نام‌گذاری شده است.

مضامین سیاسی و انتقادی می‌خواند و از معروف‌ترین آهنگ‌های او می‌توان به «مرد تنها»، «کودکانه»، «جمعه»، «اسیر شب»، «هفته خاکستری»، «گنجشک اشی‌مشی» اشاره کرد و «خواب در بیداری» پرفروش‌ترین کاست اوست.

مهرتاش قره‌گوزلو، اسماعیل (۱۳۵۹-۱۳۸۳ خ)، اهل روستای ویسمان از توابع غرق‌آباد (ساوه) و از طایفه خلج، در پنج‌سالگی به تهران رفت و از پانزده‌سالگی به‌فراگیری تار پرداخت و در مدرسه دارالفنون از محضر سیدحسین درویش، داود شیرازی و سپس درویش‌خان و در مدرسه عالی هم نزد کلنل‌وزیری نُت خوانی آموخت. او در بیست‌سالگی جمعیت صفا با هدف اجرای نمایش برای خانواده‌ها را تشکیل داد و در سال ۱۳۰۵ هم جامعه باربد را بنیاد نهاد و این تنها مؤسسه خصوصی کشور است که توانست چهل‌سال به فعالیت هنری بپردازد. از ابتکارات او می‌توان به ترکیب اشعار حافظ، سعدی و خیام با موسیقی و نیز ساخت ۴۵۰ آهنگ اشاره کرد. برنامه چهارشنبه‌سوری یکی از ساخته‌های او بود که در سال ۱۳۵۴ از تلویزیون ملی پخش شد. از شاگردان او می‌توان ملوک ضربابی، برادران وفایی، عبدالوهاب شهیدی، سیلانی و... را نام برد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۶۸).

مهرعلی گرکانی، محمد اسماعیل (درگذشته ۱۳۵۵ خ)، اهل گرکان (آشتیان)، از شاعران طالب طریقت و از درویش‌علی‌شاهی است. دیوان این شاعر مشتمل بر اشعاری در قالب غزل در مضامین عرفانی و تصوف است که «مهرعلی» تخلص می‌کرده و اشعار وی در سال ۱۳۴۴ چاپ شده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۳۳).

مهری، عفت (۱۳۵۲ خ)، فرزند محمدجواد، زاده اراک، دکتری زبان‌وادبیات فارسی، دبیر و سرگروه آموزشی گروه ادبیات استان مرکزی، راهنمای پژوهشی در پژوهش‌سرای قلم‌چی (پروفسور حسابی) و مدرس دانشگاه فرهنگیان اراک. کتاب فرهنگ واژگان پزشکی در شعر فارسی، نقد فمینیستی آثار نویسندگان زن معاصر و همچنین مقاله‌هایی در زمینه تخصصی آرایه‌های ادبی و نقد ادبی از آثار مکتوب این بانوی نویسنده است.



مهین ترابی، مهرانه (۱۳۳۶ خ)، اصالتاً تفرشی و زاده تهران است. این سینماگر فعال، دارای کارشناسی بازیگری و کارگردانی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران می‌باشد و با فیلم گلبهار بکارگردانی تهمینه اردکانی در سال ۱۳۶۵ به سینما آمد و با مجموعه «مش خیراله صندوقچه اسرار» در سال ۱۳۷۰ وارد تلویزیون شد و با نقش‌آفرینی در مجموعه‌های همسران و خانه سبز به اوج شهرت رسید.



موتمن‌السلطان، علی‌اکبر (زندگی ۱۲۷۷ خ)، اهل اراک، نایب اول وزارت خارجه که در علوم شرعی و ادبی تبحر فراوان داشت. او در سال ۱۲۷۷ به‌جای پسرعموی خود میرزا محمودخان (پسر میرزا ابوالحسن پسر قائم‌مقام) متولی موقوفات میرزا موسی فراهانی (برادر کوچکتر قائم‌مقام) شد. این شاعر کتابی به نام

«جان جهان» بر وزن گلستان سروده است.

موفق السلطنه، علی (زندگی ۱۳۲۰ خ)، فرزند میرزا هدایت‌اله وزیردفت‌ر و برادر دکتر مصدق اهل آشتیان و از کارگزاران دوران پهلوی بود. او نیز مانند اسلافش مرد دانشور و خردمندی بود (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹ : ۲۷۶).

موحدی، حسین جان (زندگی ۱۳۴۰ خ)، فرزند علی، اهل خمین، کارمند دارایی و در نواختن سازهایی مانند سورنا، کمانچه و تار استاد بود. این هنرمند موسیقی در کودکی رقص‌های محلی را به‌خوبی انجام می‌داد و وقتی بزرگتر شد به‌نواختن تار روی آورد. متأسفانه این هنرمند در سن ۵۰ سالگی فوت کرد (سمعی، ۱۳۸۲: ۹۸۵).

موحدی ساوجی، علی (۱۳۲۲ خ)، فرزند مهدی، تحصیلات مقدماتی را از مکتب‌خانه زادگاهش ساوه آغاز کرد و در یازده سالگی در کلاس سوم مدارس دولتی پذیرفته شد. او پس از سوم متوسطه و از سال ۱۳۳۹ به حوزه علمیه مشهود رفت و سپس در سال ۱۳۴۲ در حوزه قم از محضر شیخ مصطفی اعتمادی، صلواتی، میرزا حسین نوری، شیخ یحیی انصاری و نیز آیات عظام سیدمحمد داماد، اراکی، سیدمحمدکاظم شریعتمداری و گلپایگانی بهره برد. این عالم دینی طی دوران تحصیل، در حوزه تصنیف و تألیف فعالیت داشت و تاکنون سه کتاب آفریدگار (ترجمه)، ولایتعهدی حضرت رضا و پژوهشی پیرامون نهج‌البلاغه چاپ و منتشر کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۵۹).

موسوی، سیدباقر (زندگی ۱۳۵۴ خ)، در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۸، چاپخانه اخگر را در اصفهان و در سال ۱۳۱۰ و ۱۳۱۴، چاپخانه موسوی را در اراک و شیراز راه‌اندازی کرد. او هم‌چنین از سال ۱۳۱۱ نشریه «نامه عراق» را در شهرستان اراک منتشر کرد که پس از یک‌سال، هفته‌ای ۳ شماره، بدون وقفه منتشر می‌شد. این نشریه که تأثیر بسیار زیادی در ارتقای سطح فرهنگی اراک داشت، پس از ۴۲ سال با انتشار آخرین شماره در تاریخ چهارشنبه یکم بهمن ماه سال ۱۳۵۴ با ۲۴۳۹ شماره بکار خود پایان داد. هرچند نشریه دیگری با همین نام از سال ۱۳۹۶ توسط سمیه بصیرت منتشر می‌شود (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۴۱۵).



موسوی، سیدعلی اصغر (۱۳۴۵ خ)، فرزند سیدعلی اکبر و بانو بتول، متولد روستای چهارحد خرقان (زرنديه)، تحصیلاتش را در مدارس جزئی، دکتر مصدق و آیت‌اله کاشانی گذراند و دیپلم اقتصاد گرفت. او سپس به‌مدت دو سال دوره درجه‌داری فنی نیروی هوایی ارتش را گذراند. این شاعر، پژوهشگر و نظریه‌پرداز هنر و ادبیات دینی دارای آثار فراوانی در قالب نظم‌ونثر، مقاله‌ویادداشت، نقدوتحلیل و... در موضوعات گوناگون در حوزه ادبیات دینی، مکتب امامیه، نقدوبررسی و تجزیه‌وتحلیل شعر آیینی، ارزیابی کتب و آثار ادبی و پژوهشی اداره‌کل پژوهش‌های اسلامی صداوسیما و... آثاری دارد که برخی از آنها عبارتند از: آرایه‌های اخلاقی در متون دینی‌و ادب پارسی، از نیایش



تا ملکوت، حج حقیقت جاودانه، حضرت فاطمه الگوی بی‌بدیل، آرایه‌های عقل و عشق (مجموعه شعر)، حسین علیه‌السلام شیداترین یحیای عاشق، رسانه و هنجارهای نوین و... (چراغی، ۱۳۹۵: ۶۰۵).

موسوی، سید کاظم (درگذشته ۱۳۴۹ خ)، اهل **خمین**، خوش‌نویس، منشی و نویسنده بوده است.

موسوی، سید مصطفی (۱۲۴۰-۱۲۸۱ خ)، ملقب به شریعتمدار و فخرالمجتهدین، فرزند سیداحمد هندی و نوه دین‌علیشاه^۱ در **خمین** زاده شد و تحصیلات ابتدایی را در مکتب‌خانه‌های خمین گذراند و برای ادامه تحصیل به اصفهان و سپس نجف رفت و به درجه اجتهاد رسید و پس از بازگشت به خمین، در برابر ظلم خوانین به مبارزه پرداخت. این عالم دینی و شخصیت برجسته در نهایت توسط مأموران جعفرقلی‌خان و میرزا قلی سلطان در راه اراک جهت گزارش ستم آن دو به مسوولین، کشته شد^۲ (اسمعی، ۱۳۸۲: ۹۹۷).

موسوی، سید هاشم (۱۳۲۴ خ)، متولد **اراک**، پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد

مدرسه عالی سینما و تلویزیون شد و در این رشته دانش آموخته شد. او فیلم‌های سینمایی پرنده کوچک خوشبختی، گل مریم، باران و سریال‌های تلویزیونی امیرکبیر، پاییز صحرا و عقیق را صدابرداری کرد و از دیگر آثار این سینماگر و تهیه‌کننده فعال و پرکار می‌توان مستندهای ملازمان حرم، بامرگ زندگی، بدون مرز عشق، با صبر زندگی، تک تیرانداز و بیجی را برشمرد (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۸۷).



موسوی، سیده طاهره (۱۳۶۹ خ)، فرزند سید علی‌اصغر (نظریه‌پرداز ادبیات دینی) و بانو

پروین، در یک خانواده **زرنديه‌ای** در قم متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در دبستان مدرس و راهنمایی امام محمدتقی گذراند و از هنرستان حضرت معصومه دیپلم گرفت. او دوره کاردانی را در دانشکده فنی و حرفه‌ای دختران قم، کارشناسی را در دانشگاه علمی کاربردی قم، کارشناسی ارشد نرم‌افزار را در دانشگاه آزاد ساوه، کارشناسی ارشد مدیریت رسانه را در پیام‌نور تهران و دکتری مدیریت رسانه را هم در دانشگاه آزاد سمنان گذراند. او در اثر تأثیرپذیری از آثار پدر هنرمندش، از کودکی به ادبیات علاقه‌مند شد و اصول و قواعد نگاشتن را نزد ایشان آموخت. او از ۱۷ سالگی به‌طور جدی کار نویسندگی را آغاز کرد و با کمک پدرش توانست با نشریات مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما قم، دفتر تبلیغات حوزه، نشریه پیام زن و... همکاری کند. وی تاکنون حدود ۳۰۰ عنوان اثر فرهنگی در انواع قالب مقاله، شعر، نثر ادبی، داستان، فیلمنامه کوتاه و طنز به‌چاپ رسانده و دارای ۴ عنوان کتاب تألیفی مشترک از جمله چهل‌منزل تا سعادت، آسمانیان خاک‌نشین، رسانه و هنجارهای نوین و نیز پوشش و آرامش است. ایشان معتقد است علاوه بر پدر و مادر هنرمندش، مریم بصیری به‌عنوان استاد نویسندگی و خواهرانش



^۱. ساکن کشمیر هند

^۲. او پدر آقایان پسندیده، آقائوردین و امام خمینی است و مرد بانفوذ و دارای املاک و تفنگچی زیادی بوده است.

سیده مریم و زنده یاد سیده معصومه به عنوان همکار نقش مهمی در موفقیت او داشته‌اند.

موسوی، سیده معصومه (۱۳۷۷-۱۳۹۹ خ)، فرزند سید علی اصغر و بانو پروین، از یک



خانواده **زرنديه**‌ای در قم متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در دبستان مدرس و راهنمایی امام محمدتقی گذراند و از دبیرستان سبحان دیپلم گرفت. او طراح آزمون‌های مؤسسه کنکور رشته‌های پیراپزشکی بود و هم‌زمان در دو رشته روانشناسی (پیام نور قم) و پرستاری (دانشگاه آزاد ساوه) تحصیل می‌کرد. موسوی در تمام مراحل تحصیل، شاگرد اول بود. او از کودکی قرائت قرآن، نقاشی و نگارش را دوست داشت و از روی تأثیرپذیری از آثار پدر هنرمندش شعر و مطالب ادبی می‌نوشت. موسوی در طول سال‌های تحصیل رتبه ممتاز استانی در المپیاد علمی- ادبی دانش‌آموزی و رتبه نخست مسابقات فوتسال قهرمانی مدارس ناحیه را کسب کرد. ایشان نویسندگی را از ۱۶ سالگی آغاز و توانسته بود با دفتر تبلیغات حوزه علمیه، نشریات ره‌توشه، پیام زن و پرسمان در انواع قالب‌های مقاله، متن ادبی و طنز همکاری کند. وی علاوه بر سرایش شعر، در ۳ کتاب تألیفی مشترک از جمله سید رسانه‌ای، راهکارهای پیشگیری از اعتیاد در اسلام (در دست چاپ)، مجموعه داستان‌های فصل‌ها و وصل‌ها (بخش کارشناسی روانشناسی) آثار پژوهشی خود را به چاپ رساند. شوربختانه این جوان خوش‌آئینه و علاقه‌مند به «جراحی مغز و اعصاب» در حالی که برای شرکت در کنکور پزشکی آماده می‌شد، در روز اول بهمن ۱۳۹۹ و در مسیر دانشگاه ساوه بر اثر تصادف از دنیا رفت.

موسوی زاده ساوجی، رضا (۱۳۴۸ خ)، در **ساوه** به دنیا آمد و پس از تحصیلات ابتدایی،



در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه موسیقی شد و نزد محمدرضا لطفی نواختن تار را آموخت و سپس ردیف سازهای کشتی، تصانیف و ضربی‌ها را نزد علی‌اکبر بهاری^۱ و مکاتب آوازی، تلفیق شعروادبیات با موسیقی و فراگیری مکتب اصفهان را هم نزد استادانی چون احمد ابراهیمی و حسین عمومی پی گرفت. او هم‌چنین با گروه‌های داروک، اقبال و ارکستر جوانان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز به عنوان نوازنده تار با گروه درویش به سرپرستی آقای شفیعیان و رادیو تهران همکاری کرد و با گروه فاخته هم چندین اجرا در تهران و شهرستان‌های مختلف داشته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۶۴).

موسوی زاده ساوجی، سیدفرهاد (۱۳۳۸ خ)، در **زرنديه** به دنیا آمد و پس از تحصیلات ابتدایی، در

سال ۱۳۵۴ وارد حوزه موسیقی شد و تمام اتودها و تکنیک‌های نوازندگی تار با دست چپ را نزد زیداله طلوعی و نیز حسین عزیززاده آموخت. او سپس از کلاس درس استادان محمدرضا لطفی و مهدی کاملیان بهره برد و امروز یکی از نوازندگان چیره‌دست تار می‌باشد و سرعت دست‌چپ خارق‌العاده‌ای دارد. این دانش‌آموخته صنایع و معادن شاغل در بخش دولتی، تدریس موسیقی هم دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۶۵).

^۱. شاگرد علی‌اکبر شهنازی

موسوی زرنندی، سید محمود (۱۲۹۵-۱۳۵۰ خ)، فرزند جعفر، مشهور به حرمی، اهل (زرنديه) که سال‌های متمادی در حوزه قم کسب دانش کرد و از محضر آیت‌اله مرعشی نجفی و دیگران بهره برد. او سپس به تهران رفت و به خدمات دینی و اجتماعی پرداخت. این عالم دینی تألیفاتی دارد که ترجمه اعتقادات ابن‌بابویه، راه صواب، قضاوت‌های محیرالعقول، چند سؤال از کسروی و... از آن جمله‌اند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۷۷).

موسوی ساوجی، سید احمد (۱۳۳۲-۱۳۰۷ خ)، فرزند سیدرضی، ملقب به مستنبت ساوجی، اهل ساوه، از مجتهدین و ائمه جماعات نجف و نویسنده کتب القطره (۲جلد)، دلائل الحق، البشاره والزیاره، الاسی والحرزن (دو جلد)، العقایدالحقه فی الاصول الخمسه و نیز منتخب خاتم الرسائل است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۸۹۳).

موصولی، حامد (۱۳۶۵ خ)، فرزند محمدرضا، اهل مأمونیه (زرنديه)، فوق لیسانس عمران، نوازنده و مدرس تنبک دارای گواهینامه رسمی تدریس از استاد بهمن است که نزد او به مدت ۵ سال آموزش دید و سپس در کلاس پژمان حدادی حاضر شد و مدرک کارشناسی حرفه‌ای ساز ایرانی هم دارد (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۸۷).



مولایی آشتیانی، ابوالقاسم (زندگی ۱۳۲۵ خ)، عضو وزارت مالیه در دوران پهلوی بود. ایشان «فرس نامه» با موضوع علوم طبیعی را در سال ۱۳۲۵ به فارسی نوشته است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۲۶).

مولودی، امیرسعید (۱۳۶۳ خ)، پس از تحصیلات مقدماتی و دریافت دیپلم در ساوه، کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی را در دانشگاه گیلان و ارشد و دکترای خود را نیز در رشته زبان‌شناسی دانشگاه تهران در حالی سپری کرد که در هر سه مقطع تحصیلی، دانش آموخته رتبه نخست بود و پایان‌نامه ارشد و دکترای خود را هم با درجه عالی گذراند. این عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز علاوه بر دهها مقاله علمی، دو عنوان کتاب و نیز ۵ فصل مستقل از ۵ کتاب در زمینه زبان‌شناسی پیکره‌ای تدوین نمود که برخی از این کتب توسط انتشارات بین‌المللی اشپرینگر به چاپ رسید. وی در سال ۱۳۹۶ با همکاری گروهی از استادان دانشگاه، نخستین مرکز پژوهشی علوم انسانی دیجیتال کشور را در دانشگاه شیراز بنیان نهاد و به مدت یک‌سال ریاست آن را بر عهده داشت. او همچنین با کمک گروهی از دانشجویان زبان‌شناسی دانشگاه شیراز، نخستین انجمن علمی علوم انسانی دیجیتال کشور و نیز انجمن علمی مغز و شناخت را در این دانشگاه تأسیس نمود. ایشان همچنین در زمینه آواز ایرانی فعالیت‌هایی داشته و از سال ۱۳۸۱ تاکنون از محضر استادانی چون رضایی پایور، بیابان‌گرد و وحید تاج بهره برده و اجراهایی هم در ساوه و رشت داشته است.

مولوی، امیر (۱۳۵۲ خ)، فرزند حسین و بانو سارا، ابتدایی و راهنمایی را در مدرسه نجات و حضرت حمزه روستای ده کوثر شازند گذراند و وارد دبیرستان صمصامی اراک شد. کارشناسی و ارشد مطالعات فرهنگی-ورسائه در دانشگاه آزاد اراک و دکترای فرهنگ‌و ارتباطات را در دانشگاه آزاد تهران طی کرد. برخی از آثار این نویسنده، پژوهشگر و مدیرمسئول نشریه کیان مرکزی و پادمان عبارتند از: تاریخ شازند (سریند در گذر

زمان)، اسطوره شاه‌زنده، آئینه آفتاب (تاریخ‌وهویت فرهنگی اراک)، فرهنگ‌ومعلولیت و نیز شهر خاموش (کرونا و زندگی اجتماعی).

مولوی زاده، علی (زندگی ۱۳۲۲ خ)، از رجال سیاسی **خمینی** دوره قاجار و پهلوی و نیز نماینده ملایر در دوره ۴ مجلس شورای ملی بود. وی از یاران سیدحسن مدرس بود که به خونخواهی او به‌پاخواست و در زمان رضاشاه، حاکم خمین بود، مدتی شهردار کاشان و در سال ۱۳۲۲ هم به شهرداری اراک رسید.

مؤمن، محمد (۱۰۴۸-۱۱۳۶ خ)، فرزند جمال‌الدین مصطفی **تفرشی**، سیدی پاکزاد و بزرگ‌قدری خوش نهاد، متخلص به «داعی تفرشی» از شعرای نیمه دوم قرن ۱۱ و نیمه اول قرن ۱۲ هجری و معاصر شاهان صفوی است که مردی دانشمند و عارفی کامل بوده و شعر نیکو می‌سروده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۶).

مومن زاده، مرتضی (۱۳۲۰ خ)، فرزند محمدحسین و بانو فاطمه، در **ساوه** زاده شد و



دوره دبستان را در زادگاهش گذراند و از دبیرستان دارالفنون تهران دیپلم گرفت و در سال ۱۳۴۴ از دانشکده فنی دانشگاه تهران و در رشته مهندسی استخراج معدن، دانش آموخته شد. وی همچنین در سال ۱۳۵۵ از دانشگاه هایدلبرگ آلمان، با رتبه برتر، دکترای معدن‌شناسی گرفت و در سال ۱۳۷۹ با ۳۲ سال خدمت از سازمان زمین‌شناسی بازنشست شد. مومن‌زاده نزدیک به یک‌صد مقاله در زمینه اکتشاف معدن، زمین‌شناسی و باستان‌شناسی معادن به‌زبان فارسی و انگلیسی نوشته که در برخی از آنها نگرش تازه‌ای در دانش زمین مطرح نموده است. ایشان در شناسایی و راه‌اندازی بسیاری از کانسارهای^۱ طلای ایران نقش برجسته‌ای داشته که معدن طلای زرشوران و معدن طلای آقدره (دو نمونه از بزرگترین تولیدکننده‌های طلای ایران) از آن جمله‌اند. وی پس از بازنشستگی به‌همراه همکاران جوانتر خود گروه آزمایشگاه‌های تجزیه مواد معدنی «زرآزما» را بنیان نهاد تا کشور از ارسال نمونه‌های معدنی به خارج از کشور بی‌نیاز شود. «درآمدی بر روش پژوهش» و «ریشه‌یابی ۱۵۰۰ جانام کهن» از آثار نوشتاری دکتر مومن‌زاده است.

مؤمنی، جمشید (۱۳۱۷-۱۳۸۳ خ)، فرزند علی، تحصیلات ابتدایی را در دبستان و



دبیرستان حکیم‌نظامی **تفرش** گذراند و در دانشگاه شیراز جامعه‌شناسی خواند. او همچنین به‌عنوان دانشجوی ممتاز در رشته بیولوژی و مهندسی کشاورزی از دانشگاه آمریکایی بیروت لیسانس گرفت. او سپس به آمریکا رفت و از دانشگاه کرنل نیویورک فوق‌لیسانس ژنتیک گیاهی و بایومتریک و از همان دانشگاه دکترای مردم‌شناسی دریافت کرد. پروفیسور مؤمنی سپس در دانشگاه‌های شیراز، مریلند، جورج‌تاون و هاروارد تدریس کرد و بیش از ۴۰ مقاله علمی و چندین کتاب تألیف

۱. کانسار طلا (Gold Deposit) به گردآمدن طبیعی طلا در سنگ و خاک طی میلیون‌ها سال گفته می‌شود.

کرده که مهمترین آثار این نویسنده عبارتند از: جمعیت‌شناسی ایران، ازدواج و طلاق در ایران (شیراز)، مردم‌شناسی جمعیت سیاه‌پوست در آمریکا، قانون‌گریزی در آمریکا، اوضاع اجتماعی اقلیت نژادی در آمریکا، بی‌خانمانی در آمریکا و... (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۶۹).

مؤمنی، حسین (۱۳۶۷-۱۳۴۷ خ)، فرزند سلیمان، متولد روستای استو از توابع بخش چَرّآ (خنداب) و از استادان مسلم خوشنویسی بوده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۱).

مؤمنی، عبدالوهاب (زندگی ۱۳۱۲ خ)، فرزند غلامحسین، هنرمند خوشنویس و از بنیانگذاران فرهنگ نوین در خمین و معتمد مردم، که تعداد زیادی از اسناد ازدواج، املاک و معاملات کمره به قلم او نگاشته شده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۰۱۲).

مؤمنی، محتشم (۱۳۴۵ خ)، فرزند هاشم و بانو منیر، متخلص به «سامان» اهل روستای سنوُرد (خنداب)، در سال ۱۳۶۴ از دبیرستان صمصامی اراک دیپلم گرفت و در سال ۱۳۶۶ با دریافت فوق‌دیپلم از مرکز تربیت‌معلم دارالفنون تهران در آموزش و پرورش استخدام شد و هم‌زمان در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه آزاد اراک لیسانس الهیات و معارف اسلامی دریافت کرد. این فعال قرآنی، دارنده رتبه نخست بیستمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن در رشته تفسیر، بیش از ۵۰ عنوان کتاب شامل سفرنامه، شعر، تحقیق، تألیف و ترجمه در موضوعات ادبی، تاریخی و دینی از خود به یادگار گذاشته که ۵۱ رؤیای صادقه، دروغ آفتِ فرد و جامعه و گنج سعادت از آن جمله‌اند. عضویت در انجمن ادبی نور اراک و انتشار صدها مقاله دینی، ادبی، تاریخی و اشعار در روزنامه‌ها، مجلات، ماهنامه‌ها و فصلنامه‌های کشوری و استانی از جمله روزنامه‌های کیهان (به مدت ۱۰ سال)، اطلاعات (از سال ۱۳۸۰ تاکنون)، گلستان قرآن، فصل‌نامه فرهنگ جهاد، فصلنامه رازان و مجله کنیبه از دیگر فعالیت‌های اوست.



مؤمنی، مریم (۱۳۶۷ خ)، فرزند محتشم و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در دبستان شاهد و راهنمایی حدیث گذراند و از دبیرستان شاهد اراک دیپلم گرفت. او با دریافت مهندسی عمران از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۹۱ و ارشد مدیریت شهری از دانشگاه تهران در سال ۹۳ به جگره دانش‌آموختگان مدیریت شهری پیوست. وی که از نوجوانی به هنر خوشنویسی علاقه‌مند بود، تا سال ۱۳۹۸ موفق به گذراندن دوره‌های عالی، ممتاز، فوق‌ممتاز و استادی شد. این هنرمند از سال ۱۳۹۴ در نمایشگاه گروهی خوش‌نویسی مشترک هنرمندان استان مرکزی در تهران شرکت کرد و تاکنون در نمایشگاه گروهی خوش‌نویسی تجلی‌گاه عشق و خوش‌نویسی تجلی‌گاه حسن و نمایشگاه گروهی اندیشه قلم (هرسه در تهران) و نمایشگاه انفرادی خلوت خط در اراک شرکت کرده است. وی همچنین در راستای فعالیت‌های پژوهشی در رشته‌ی تحصیلی خود، در تألیف کتاب «آسیب‌شناسی



سیاست‌های کلان پارک خودروها در کلانشهر تهران» مشارکتی فعال داشته و یکی از نویسندگان این کتاب می باشد.

مؤمنی، هاشم (۱۳۰۵-۱۳۹۰ خ)، فرزند حسن و بانو طاووس، تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه روستای سنورد (خنداب)، گذراند و پیش از ورود آموزش و پرورش نوین به روستا، تعلیم و تعلّم کودکان و نوجوانان را در مکتب‌خانه روستا بر عهده گرفت. در دورانی که نظام ارباب‌ورعیتی در ایران حاکم بود به واسطه برخورداری از سواد، از سوی برخی از اربابان منطقه خنداب و سازند مأموریت نظارت بر برداشت محصول کشاورزان را در برخی از روستاها مانند نمک‌کور، موچان و آب‌باریک برعهده داشت. او در سال ۱۳۵۲ به اراک آمد و با توجه به اینکه از خطی زیبا بهره‌مند بود در یکی از دفاتر اسناد رسمی به عنوان دفتربار مشغول بکار شد و در سال ۱۳۷۰ بازنشسته شد. هاشم مؤمنی همه عمر خود را در هم‌نشینی با علم‌ودانش و کتاب سپری کرد و دستی هم در نوشتن داشت و فرهنگ سنورد، کشکول، منتخب‌الاشعار و روزنوشت‌های ملاهاشم از آثار اوست.



میبدی زاده، محمدرضا (۱۳۳۱ خ)، با گذراندن تحصیلات مقدماتی در اراک، در دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی) تا سطح کارشناسی‌ارشد، اقتصاد خواند و سپس از دانشگاه اوکلاهامای آمریکا در سال ۱۳۶۲ دکترای کامپیوتر گرفت. وی هم‌اکنون از اعضای هیأت عملی دانشکده مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات دانشگاه صنعتی امیرکبیر است. در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۹۵ در مراسم تجلیل از برگزیدگان مهندسی کشور، منتخب فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵، از ایشان به عنوان منتخب بخش مهندسی برق و کامپیوتر تجلیل شد.



میثمی، علیرضا (۱۳۱۱ خ)، فرزند کاظم و نوه حاج محمدشفیع، دوران دبستان و دبیرستان را در اراک گذراند و در حالی که در همه دوران تحصیل شاگرد اول بود، وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد و در رشته جراحی عمومی زنان و زایمان تخصص گرفت و به عنوان استادیار دانشکده پزشکی و طبیب ادیب و شاعری خوش قریحه که «پروانه» تخلص می کرد، مفتخر به دریافت نشان علمی از وزارت فرهنگ در رشته ادبیات شد (ولاشجرودی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۹۷).

میثمی، فضل‌اله (۱۲۸۲ خ)، فرزند جمال‌الدین، خطیب معروف و ملقب به ملک‌الواعظین که علامه تهرانی درباره او می نویسد: سید ملک‌الواعظین از منبری‌های معروف تهران بود و اینجانب در نوجوانی حدود سال ۱۳۳۴ او را دیده و پای منبر او هم بوده‌ام. دو کتاب «دارالسلام» و «اخلاق» از نوشته‌های این عالم دینی است. وی نواده شیخ محمود کرهرودی (اراک)، نویسنده کتاب «قوام‌الاصول» و از خاندان بزرگ میثمی عراقی کرهرودی است.

^۱. مختلص به شوقی از دانشمندان و شاعران دوره قاجار بوده و تألیفات زیادی دارد.

میثمی، محمدتقی (درگذشته ۱۲۹۱ خ)، فرزند محمود میثمی عراقی کزازی کرهرودی (اراک)، از علمای تهران و از شاگردان پدرش بود و پس از پدر در مسجد وی (مسجد آقا بهرام محله پامنار تهران) اقامه جماعت می کرد و در وعظ و خطابه بسیار زبردست بود و در خانه خود تدریس داشت. علامه تهرانی می گوید: در حدود سال ۱۲۷۱، نجاه العباد صاحب جواهر و شرح باب حادی عشر (فاضل مقداد) را درس می گفت که من در آن درس شرکت می کردم.

میثمی، محمدحسن (۱۲۵۶-۱۳۲۶ خ)، فرزند آقارفعی، معروف به وکیل، از بازرگانان برجسته اراک است که پیش از تأسیس بانک ملی در اراک، نخستین بانک خصوصی اراک را با همراهی چند نفر ایجاد کرد. او ساختمان کنسولگری انگلستان به نام زیگلر را خریداری کرد و در این مکان، از رجال بزرگی که وارد اراک می شدند پذیرایی می کرد و این ساختمان امروز با نام قلعه وکیل به عنوان موزه صنایع دستی کاربرد فرهنگی/گردشگری دارد (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۰).

میثمی، محمدشفیع (۱۲۴۱-۱۳۱۴ خ)، فرزند محمدجعفر، اهل کرهرود (اراک)، ادیب و فاضلی جلیل بود. او در ایران درس خوانده و از شاگردان خاص حاج آقا محسن عراقی بود. الانتباهیه، تنزیه القلوب، زبده العرفان، هدایه المتعلمین و حقایق الاسلامیه از آثار مکتوب اوست و هم چنین دیوان شعری دارد و «شوقی» تخلص می کرده است.

میثمی عراقی، جمال الدین (۱۲۵۲-۱۳۲۵ خ)، فرزند محمدتقی، اهل کرهرود (اراک)، یکی از بزرگان خاندان علمی میثمی عراقی است که همانند پدر و جدش در مسجد آقا بهرام (پامنار تهران) به اقامه جماعت، فعالیت های فرهنگی و رسیدگی به امور مردم می پرداخت. این عالم دینی ضمن اینکه از خود نیز تألیفاتی دارد، برخی از آثار علمی پدر و جدش و نیز شیخ محمدسمیع میثمی عراقی (عموی پدرش) را نیز چاپ کرده است. برخی از آثار این عالم دینی عبارتند از: «آداب الاسلام والایمان» (۷۴ باب از احادیث اهل بیت)، «ارشاد الخواص (در کلام و عقاید)، «انوار میثمی»، «کشکول فارسی»، فیه کثیر من الکشفیات البدیعه والصنایع العجیبه، روح و روحان، مجموعه زندگینامه معصومین و....

میثمی عراقی، سمیع (۱۲۰۳-۱۲۷۱ خ)، فرزند ملاجعفر و برادر محمود میثمی، اهل کرهرود (اراک)، در نیمه دوم قرن سیزدهم می زیسته و علامه تهرانی درباره او می نویسد: فاضل و خطیب مصنف بارع، از اهل فضل و ادب و تخلص او در شعر «واعظ» بود و در منبر و خطابه، ید طولایی داشت. سه کتاب مشاغل النفوس، مشکوه النیرین و مشکوه الرزیه از این نویسنده و شاعر است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۳۰).

میثمی عراقی، سید محمود (۱۲۰۳-۱۲۶۹ خ)، فرزند ملاجعفر، اهل روستای رشان (شازند) است و تا ۸ سالگی در روستا بود، سپس به همراه خانواده به «کهرود» مهاجرت کرد. قوامع الاصول، جامع الشتاب، خزائن الکلام، کفایه الراشدین و کتاب دارالسلام از آثار این عالم دینی است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۳۰).

میراشرافی، سید مهدی (۱۲۸۹-۱۳۵۸ خ)، فرزند سیدحسین خان **تفرشی** (شکوه



السلطان) و بانو صدیقه و نوه سیدیحیی خان (حشمت نظام) بعد از پایان دانشکده افسری در سال ۱۳۱۳ به خدمت ارتش درآمد و در سال ۱۳۳۱ با درجه سروانی از نظام استعفا داد. وی از سال ۱۳۲۲ با انتشار روزنامه جنگ به فعالیت مطبوعاتی روی آورد و پس از مدتی امتیاز روزنامه آتش را گرفت. وی در سال ۱۳۳۱ در دوره هفدهم به عنوان نماینده مجلس، از مشکین شهر انتخاب شد و با اینکه از مخالفان دکتر مصدق بود، به سمت عضو هیأت رئیسه و کارپرداز مجلس برگزیده شد و در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نخستین کسی بود که بعد از کودتا در رادیو خبر سقوط مصدق و به حکومت رسیدن زاهدی را اعلام کرد. میراشرافی در همین سال و در دوره هیجدهم مجلس و نیز دوره بیستم از مشکین شهر به مجلس رفت اما مجلس بیستم در کمتر از سه ماه منحل شد و او که دو کارخانه بزرگ پارچه بافی در اصفهان دایر و چاپخانه بزرگی نیز خریداری کرده بود، به اداره آن‌ها پرداخت (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۷۲).

میراشرافی، سیدجعفر (زندگی ۱۴۰۲ خ)، متولد اراک، تدوینگر سینما و تلویزیون ایران



است و لیسانس سینما و فوق لیسانس ارتباطات گرایش تبلیغات تلویزیونی دارد. از مهم ترین آثار او می توان به فعالیت در سریال ماچندنفر و نیز سریال روزهای بهتر اشاره کرد. او در سال ۱۳۸۵ در سریال ماچندنفر به عنوان تدوینگر فعالیت داشت که توانست با مهارتش جای خود را میان اهالی سینما باز کند و تجربه حرفه ای موفقی برای خود رقم بزند و همکاری در کنار بازیگران بزرگ و باتجربه ای نظیر مهدی سلوکی، شبنم قلی خانی، برزو ارجمند و اسماعیل شنگله توانست سطح کاری این سینماگر را متحول کند. جعفر میراشرافی علاوه بر سریال ماچندنفر، سال ۱۳۹۵ در سریال روزهای بهتر نیز فعالیت داشته و این بار با بیژن میرباقری و حمیدرضا لوافی یعنی کارگردان سریال روزهای بهتر و هنرمندانی چون کاظم هژیرآزاد، غلامرضا اصانلو، مریم مقدم و امیررضا دلاوری همکاری داشت.

میرای آشتیانی، سیدجواد (۱۳۳۷ خ)، فرزند اسماعیل، پس از دریافت دیپلم وارد دانشسرای تربیت معلم شد و ۲ سال در مدارس ایرانیان خارج از کشور (بحرین و پاکستان) تدریس کرد. او در شعر «سجا» تخلص می کند و مضمون اشعارش طنز و حکمت است و بیش از سیصد عنوان سروده بلند و کوتاه دارد که هنوز چاپ نشده است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۱۷).

میرپنجه، اسداله (زندگی ۱۲۸۵ خ)، فرزند علی آقا **آشتیانی**، پس از فوت پدر به امین حضور ملقب شد و مدتی به عنوان یکی از کارگزاران مظفرالدین شاه مشغول خدمت بوده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

میرحاج عراقی (قرن ۹)، فرزند علی، اهل اراک، در قرن نهم می‌زیسته و از آثار باقی‌مانده این عالم دینی، نسخه‌ای از کتاب «تبصره‌العلوم» است که آن را به‌خط خویش برای فرزند بزرگش شمس‌الدین علی در ۸۶ سالگی نوشته و تاریخ استنساخ به‌خوبی مشخص نیست و فقط سال هشتصدوادی از آن برداشت می‌شود.

میرزا احسائی، علیخان (۱۳۰۶-۱۳۳۳ خ)، فرزند میرزا محمدحسین خان^۱ و بانو فخر



جهان، اهل تفرش، معروف به معزالسلطان و یمین‌الملک از مستوفیان وزارت استیفا (دارایی) بود. او در دوره ریاست موسیونوز بر گمرکات، سمت مترجمی داشت و سپس به معاونت موسیونوز انتخاب شد. پس از خروج نوز از گمرک، او هم در سال ۱۲۸۳ راهی عراق شد و مدتی هم در بیروت بود. ایشان با اموال زیادی که در گمرکات اندوخته بود به حج مشرف! شد و سپس به اروپا رفت و چندی وزیرمختار ایران در مادرید بود. وی در سال ۱۲۹۶ و در زمان شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما به وزارت دارایی انتخاب شد و در کابینه محمدولی خان (سپهسالار اعظم) در همین سمت باقی بود (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۶).

میرزاخان‌یان لیلیانی، یعقوب (زندگی ۱۲۵۹ خ)، از استادان قالی‌باف، طراح و نقشه‌کش ارمنی اهل روستای ارمنی‌نشین لیلیان (خمین) بود که در سال ۱۳۴۳ به ارمنستان کوچ کردند. این هنرمند، قالی‌هایی را با نقشه ارمنستان و نقشه کلیسای مشهور «اجمیاتسین» پدید آورده است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۰۱۵).

میرزامحمدعلی نراقی، علی محمد (۱۲۸۹-۱۳۷۹ خ)، فرزند حسین، متولد نراق



(دلیجان)، در تهران به دوزندگی روی آورد. بنیانگذار تولید صنعتی پوشاک، نخستین طراح مُد در ایران و ۱۷ سال رئیس اتحادیه صنف خیاطان تهران در کنار موسیوگاری و واسیلی گورگادز روسی (واسف)^۲ و سالوار یدیس یونانی و هامبارسون ارمنی تبار این حرفه را ترویج داد. نراقی شاگرد هامبارسون بود که خیاطی را با خلاقیت خود به یک هنر تبدیل کرد و روزگاری لباس‌های دوخت وی حتی در اروپا طرفدار داشت. استاد نراقی در سفر سال ۱۳۴۸ خود به اروپا دوره کامل متد مولر را در آلمان آموزش دید و این متد را وارد ایران کرد و حاصل تجربیاتش را در اتحادیه خیاط‌ها به شاگردانش تعلیم داد. بر این اساس استاد نراقی نخستین طراح و تولیدکننده تمام‌صنعتی پوشاک و پدر مد ایران است. سومبات هاقویانس تازه‌کند مشهور به هاکوپیان یکی از شاگردان استاد نراقی بود که پس از کسب تجربه از استادش در سال ۱۳۴۹ کارگاه کوچکی را در تهران راه‌اندازی کرد^۳ (سایت سلحشوران نراق).

۱. وزیرخانه‌داری

۲. از قدیمی‌ترین خیاطان تهران که بعد از انقلاب کبیر روسیه به ایران آمد.

۳. اعضای کابینه استادان، فرمانداران و شخصیت‌های برجسته، کُت و شلوارهایشان توسط او دوخته می‌شد.



میرزاییان، صدیقه (۱۳۱۲ خ)، فرزند علی اصغر، متولد **اراک**، بانویی خانه‌دار که در کودکی گهگاهی اشعار شاعران را به طنز درآورده و برای دوستانش اجرا می‌کرد. او در سال ۱۳۷۴ پس از سرودن یک دوبیتی از سوی دوستان مورد تشویق واقع شد و با اینکه هیچ اطلاعی از صنایع ادبی و شعری نداشت، به سرودن ادامه داد و اشعارش مورد پسند اهل فن بود و بارها تشویق شد و موفق به دریافت جایزه شد. برخی از سروده‌هایش در کتاب گلهای رنگارنگ موجود است (مجدی، ۱۳۸۴ : ۲۸۰).

میرزایی ساوجی (زندگی ۸۷۵ خ)، یکی از شعرای اهل **ساوه** در زمان سلطان حسین بایقرا^۱ بوده و به معماری و بنایی اشتغال داشته است. او به مقتضای طبع موزون، گاهی شعر می‌سروده و این بیت از اوست: مرا چو مست ببینی مگو که بی‌خبر است/ که مست باده عشقیم و عالمی دگر است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۹۷۲). **میرساوجی** (زندگی ۹۹۳ خ)، از هنرمندان خوشنویس و از جمله شاگردان و مریدان میرمحمد عمادالملک (میرعماد) در زمان شاه عباس که قدرت قلمش در زمینه نویسندگی، از سایر شاگردان میرعماد (۹۳۲-۹۹۳) بیشتر بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۹۷۲).



میرسپاسی، عبدالحسین (۱۲۸۶-۱۳۵۵ خ)، فرزند سیداسماعیل **تفرشی** (معزز الممالک) تحصیلات مقدماتی را در مشهد و سپس دارالفنون گذراند و از دانشکده لیون فرانسه دکترای روانپزشکی گرفت و در بیمارستان روانی شارنتون به‌عنوان دستیار رسمی پروفیسور هانری باروک مشغول شد. میرسپاسی از بنیانگذاران روانپزشکی نوین و پایه‌گذار انجمن بهداشت روانی ایران است که ریاست بیمارستان میمنت و بیمارستان روانی رازی، رئیس پزشکی قانونی و عضو شورای عالی وزارت فرهنگ بود. تأسیس درمانگاه تفرش، تأسیس ساختمان بیمارستان شوروی، تأسیس بیمارستان روانپزشکی میمنت و بیمارستان آزادی، تأسیس آزمایشگاه‌های آسیب‌شناسی شیمی، سم‌شناسی و خون‌شناسی در پزشکی قانونی از دیگر خدمات اوست. آثار بیماری جنون جوانی، لپنوتیسم مرکز دماغی، خلاصه روان‌پزشکی، روان‌پزشکی اجتماعی، روان‌پزشکی (۴جلد)، نشان مچ دست، موارد درمان با توفرانیل، قانون و جنون، فکر درونی و تبکاری، نشان بابنسکی^۲، هیپنوتیسم و نیز روان‌شناسی عمومی از آثار نوشتاری این نویسنده و پدر علم روانپزشکی نوین ایران است (حیدری، ۱۳۹۹ : ۱۸۲).

میرسپاسی، محمدعلی (زندگی ۱۳۵۰ خ)، مشهور به آنجفی، پس از اخراج علما توسط نظام حاکم عراق از شهر نجف، به **تفرش** مهاجرت کرد. ایشان از لحاظ تحصیلات و معلومات با آیت‌اله حائری مؤسس حوزه علمیه قم برابر بود. سیدمحمدجواد میرسپاسی از فرزندان ایشان، در ایام انقلاب از مبارزین علیه

^۱. آخرین پادشاه تیموری که از سال ۸۳۵ تا ۸۷۵ بر تخت بوده است.

^۲. بابینسکی (Babinski Sign)، نوعی پاسخ عصبی به تحریک کف پا است.

حکومت پهلوی بوده است (رجبی، ۱۳۹۰: ۳۱).

میرسیدرضا (زندگی ۱۰۰۸ خ)، اهل هزاوه (**اراک**)، عنوان مهرداد شاه عباس اول را داشته که مهنداری در این دوران در سطح وزارت به حساب می‌آمد.

میرشکرایبی، سیدموسی (۱۲۶۹ - ۱۳۲۷ خ)، فرزند سیدعبدالکریم خان (سعیددفتر) و



بانو نرجس و هم‌چنین نوه میرزا علیرضا مستوفی در **تفرش** زاده شد. او پس از تحصیلات مکتب‌خانه‌ای، به‌استخدام دولت درآمد و یکی از مسوولین وزارت‌داخله شد. وی فردی نیکوکار و مورد اعتماد مردم بود و منزل ایشان که بخش باقی‌مانده از عمارت‌های تاریخی مربوط به میرزا علیرضا مستوفی بود، اخیراً در فهرست آثار ملی کشور ثبت و به‌عنوان موزه مردم‌شناسی تفرش استفاده می‌شود. هم‌چنین وی در سال ۱۳۰۴ ساخت مسجد قائمیه دیاوار را در محله پایین ترخوران با معماری استاد غلامحسین زاغرمی تفرشی به‌پایان رساند که این مسجد هم به‌ثبت ملی رسیده است^۱ (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۷۱).

میرشکرایبی، محمد (۱۳۲۱ خ)، دوران ابتدایی و راهنمای را در **تفرش** گذراند و از



دبیرستان شرف تهران دیپلم گرفت. او سپس دوره کارشناسی‌ارشد و دکتری فرهنگ‌وزبان-های باستانی را در تاجیکستان گذراند و در سال ۱۳۵۲ به‌استخدام وزارت فرهنگ‌وهنر درآمد و مسوولیت حوزه مرکزی (شامل استان‌های امروزی تهران، قم، قزوین و البرز) را عهده‌دار شد. سرپرست موزه پژوهشی مردم‌شناسی و تحقیقات روستایی مرکز مردم‌شناسی ایران، مدیر پژوهش‌های مردم‌شناسی کشور و سپس رئیس پژوهشکده مردم‌شناسی، سردبیر فصلنامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، مدیرمسوول و سردبیر فصلنامه بین‌المللی و دو زبانه هفت‌گنبد، مسوول تهیه پرونده ثبت ملی و ثبت جهانی نوروژ، عضویت در گروه تاریخ هنر پژوهشکده هنر فرهنگستان هنر، عضویت در ۱۴ شورا و کمیته ملی از جمله شورای حکام میراث ناملموس (معنوی) یونسکو در آسیای غربی و مرکزی و... از مسوولیت‌های کسی است که پیش از این و به‌همراه تنی چند از هم‌کلاسی‌های خود یک انجمن ادبی زیر نظر استاد «ابوالقاسم جنتی‌عطایی» و هم‌چنین کانون جوانان تفرش را در سال ۱۳۴۱ دایر کرده بود. «زمینه‌های فرهنگی-تاریخی آیین‌های عاشورایی در جهان ایرانی»، «محرم و نشانه‌های نمادین» و «استمرار عناصر فرهنگی کهن ایرانی در تعزیه» بخشی از مقالات اوست که در مجلات علمی داخلی‌و خارجی منتشر شده است.

میرشمس‌الهی، وجیهه‌سادات (۱۳۳۸ خ)، فرزند سیدمحمدعلی (رئیس قطار) و بانو نجمه‌السادات، متولد **اراک**، در دبستان منوچهری، راهنمایی پروین اعتصامی و دبیرستان تزکیه درس خواند و به‌عنوان

۱. بانی تکیه دیاوار محله پایین ترخوران تفرش

مربی صنایع دستی و صنایع غذایی در سازمان فنی و حرفه‌ای مشغول بکار شد. او در دانشگاه هم صنایع غذایی خواند. این هنرمند نویسنده دو اثر مرتبط با تحصیلاتش خلق کرد که عبارت است از: «آشپزی سنتی اراک» و «هنر سفره‌آرایی». او همچنین در حال نوشتن کتاب «آشپزی با یخ» و رمان «کبوترپچه» می‌باشد.

میر شوقی ساوجی، میر محمدحسین (قرن ۱۱)، فرزند میر عزیزاله، اهل **ساوه**، از شعرا و سادات قرن یازدهم و معاصر شاه سلیمان صفوی است و دیوان شوقی با نزدیک به ۶۰۰ بیت، از این شاعر به نقل از کتاب عرفات العاشقین متین طبع، زرین قریحت، راست فطرت و میرا از اعوجاج و کجی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۷۳).

میر صادقی، ژاکلین (۱۳۴۰ خ) در ازمیر ترکیه زاده شد و سال‌های کودکی را در سوئیس گذراند و سپس به انگلستان و از آنجا به ایالات متحده آمریکا رفت و سرانجام به ایران آمد و در روستای نورعلیک **ساوه** ساکن شد. او در سال ۱۳۶۱ موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته خبرنگاری و ارتباطات اجتماعی از دانشگاه ایالتی



آیووا شد و در سال ۱۳۶۳ با دریافت کارشناسی ارشد از همان موسسه، تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان برد. از موضوعات مورد علاقه وی می‌توان به فتو ژورنالیسم^۱، فتو ادیتینگ^۲، عکاسی مستند و عکس هنری را نام برد. نگاهی از طریق عکس به اوضاع اجتماعی و فرهنگی یک دهکده در جنوب فرانسه موضوع پایان‌نامه او بود و از همین زمان کار عکاسی را به‌طور جدی ادامه داد. وی تا کنون در نمایشگاه‌های فردی و گروهی زیادی در ایران، سوئیس و فرانسه شرکت داشته و آثارش در نشریات ایرانی و خارجی به چاپ

رسیده و برخی از عکس‌های او در یک کتاب راهنمای توریستی برای ایران در سوئیس منتشر شده است.

میر صحبتی تفرشی (زندگی ۹۸۶ خ)، از علمای دینی اهل **تفرش**، که در قرن یازدهم می‌زیسته و شاعری است که در ساختن ماده تاریخی با حروف جمل تخصص داشته و در تذکره نصرآبادی آمده: میر صحبتی در فوت علامه شوشتری، تاریخ مرگ او را چنین بیان کرده است: آه‌آه از مقتدای شیعیان که می‌شود ۱۰۱۶ هجری قمری (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۳۲).

میر صیفی، سیدمرتضی (۱۲۵۹-۱۳۴۹ خ)، فرزند سیدمصطفی، در روستای قشلاق دوخواهران از توابع آستانه (**شازند**) به دنیا آمد و از محضر حاج آخوند بهره برد و علاوه بر علوم دینی، هنر خوشنویسی را هم تا حد اعلی فراگرفت و آثار گران‌بهای از خود به یادگار نهاد که از آن جمله‌اند نگارش کلام‌اله مجید و صحیفه سجادیه (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

۱. فتوژورنالیسم (photojournalism) یا عکاسی خبری به عکس‌هایی گفته می‌شود که پیام و هدف اصلی آن‌ها خبررسانی است.

۲. عکس‌ویرایی

میرفخرایی، اسماعیل (۱۳۲۵ خ)، فرزند سیدمرتضی و نوه سیدحسین از خانواده‌های

اصیل تفرش است که خانه پدری‌اش در محله قم تفرش پابرجاست. او در سال ۱۳۴۳ برای تحصیل زیست‌شناسی، وارد دانشگاه تهران شد و در آبان ۱۳۴۵ به‌عنوان مجری و تهیه‌کننده، بخش مجموعه‌ای با نام «دانش» را در رادیوتلوویزیون آغاز کرد، که نخستین برنامه علمی تلوویزیون ایران به‌حساب می‌آید. وی از دانشگاه ایلینوی جنوبی، لیسانس رادیوتلوویزیون و فوق‌لیسانس ارتباطات در آموزش گرفت. او پس از انقلاب بازنشسته شد و برای ادامه تحصیل به استرالیا رفت تا در رشته ارتباطات دکترا بگیرد، اما به‌دلیل اختلاف با استادراهنما در حالی که تنها دفاع از پایان‌نامه‌اش با عنوان «استفاده قانونی و غیرقانونی از رسانه در ایران» باقی مانده بود، آن را نیمه‌تمام رها کرد و به ایران بازگشت. این هنرمند و سینماگر برجسته و تفرشی‌الاصل، علاوه بر تدریس در دانشگاه‌های ایران و خارج از کشور، بیش از ۵۰۰ برنامه از جمله مجموعه تلوویزیونی «جمعیت، حال، آینده» و «با طبیعت» که به مسائل زیست محیطی مربوط می‌شود، ساخته و برنامه «ارتباط ایرانی» آخرین کار او به‌عنوان تهیه‌کننده است. راه‌اندازی نخستین سیستم رادیو اینترنتی هم از افتخارات دیگر این نخستین مجری رادیوتلوویزیونی ایران است (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۹۸).



میرفخرایی، سیدکاظم (۱۲۳۲-۱۲۹۰ خ)، فرزند سیدابراهیم‌خان^۱، در محله آب‌دکان

تفرش به‌دنیا آمد. او تحصیلات مقدماتی را در تفرش گذراند و پس از درگذشت پدرش به سمت مستوفی عدلیه اعظم منصوب و به‌دلیل لیاقت و شایستگی و خدمات عالی، حمایل سبز و نشان درجه یک شیروخورشید گرفت و به اشراق‌السلطنه ملقب شد و در زمره مستوفیان و لشکرنویس‌های بزرگ قرار گرفت^۲ (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۷۵).



میرفخرایی، مجدالدین (۱۲۸۹-۱۳۵۱ خ)، متخلص به «گلچین گیلانی» فرزند

سیدمهدی‌خان، تحصیلات مقدماتی را در **تفرش** و متوسطه را در تهران گذراند. او سپس در رشته فلسفه و علوم تربیتی لیسانس گرفت و در انگلستان پزشکی خواند و در لندن اقامت گزید. او که از نوجوانی شعر می‌گفت، اشعارش برای نخستین‌بار در سال ۱۳۰۷ ابتدا در مجله «ارمغان» و سپس در مجلات «روزگار نو»، «فروغ» و مجله «سخن» انتشار یافت. او نخستین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتب درسی راه یافت. شعر باران مندرج در کتاب فارسی سال چهارم ابتدایی از سروده‌های اوست و «گلی برای تو»، «مهر و کین»، «نهفته یا نهضت» و «دیوان شعر» از دیگر آثار اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۷۶).



^۱. مستوفی خراسان در دوره ناصری و حاکم تویسرکان و ملایر در زمان مظفرالدین شاه.

^۲. استاد ابوالقاسم سحاب، شاگرد او بوده است.

میرفرخرای، نیره‌سادات (۱۲۹۸-۱۳۷۰ خ)، فرزند میرزا موسی‌خان (معیرالملک

تفرشی) و بانو اشرف‌الملوک (ربابه)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه ژاندارک تهران گذراند و در دانشسرای عالی دانشگاه تهران ادبیات فارسی و فرانسه خواند. او



تحصیلات خود را در رشته زبان‌وادبیات فرانسه در پاریس تکمیل کرد و در ایران به کار

ترجمه و روزنامه‌نگاری پرداخت. ایشان نخستین نشریه اختصاصی بانوان را به نام «مجله بانو» منتشر کرد و

مدتی هم برنامه‌ای در رادیو ایران به نام «بانو» تهیه و اجرا کرد. وی که با تخلص «نیر» شعر می‌گفت، با

ترجمه قصه‌های لافوتن^۱ به عنوان نخستین زن ایرانی، موفق به دریافت جایزه فرهنگی یونسکو شد. او

علاوه بر اینکه در دوره‌های ۲۲ و ۲۳ نماینده مردم تهران در مجلس شورای ملی بود، عضو مؤسس شورای

عالی جمعیت زنان، عضو مؤسس سازمان خدمات اجتماعی، عضو شورای نویسندگان رادیو (کمیته شعر و

ترانه)، عضو هیأت امنای کتابخانه پهلوی، عضو شورای فرهنگی سلطنتی هم بوده و آثار این نویسنده،

مترجم، شاعر، روزنامه‌نگار و سیاستمدار معاصر در مجلات و نشریات چاپ شده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۷۷).

میرقدیری، محبوبه (۱۳۳۷ خ)، فرزند سیدمرتضی و بانو بتول، ابتدایی را در مدرسه

منوچهری گذراند و از دبیرستان ایران‌دخت دیپلم گرفت. این نویسنده اراکی در سال ۱۳۵۹

از دانشسرای علوم راهنمایی دانش‌آموخته و مشغول تدریس شد. نخستین مجموعه داستانی

او به نام «شناس»، کاندیدای کتاب سال ۱۳۷۹ شد. رمان «و دیگران» اثر دیگر اوست که



در سال ۱۳۸۵ برنده جایزه ادبی مهرگان ادب شد. پیش از آن رمان «پولک سرخ» و مجموعه داستان‌های

«روی لبهاشان خنده بود» و «یک شب دیگر» نیز نامزد دریافت جایزه مهرگان بودند. مجموعه «روی

لبهاشان خنده بود» همچنین نامزد دریافت جایزه ادبی پروین در سال ۱۳۸۴ شد. داستان کوتاه «عروس

زمان» نخستین داستان درباره فاجعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان است که ابتدا در مجله آدینه و سپس

در کتاب‌شناس چاپ و منتشر شد. برخی از داستان‌های کوتاه محبوبه میرقدیری که سابقه داوری در مسابقه

ادبی مهرگان را نیز دارد، به زبان‌های خارجی ترجمه شده‌اند. «کسی بخواند یا کسی نخواند» جدیدترین

رمان اوست که به دست نشر سپرده شده است (ذبیحی، ۱۳۸۵: ۴۰۶).

میرمحمدی، رضوان‌السادات (۱۳۵۸ خ)، فرزند سیدکاظم و بانو فرشته، نویسنده، شاعر

و پژوهشگر متولد اراک، تحصیلاتش را در دبستان عصمت و مدرسه علامه حلی گذراند و

از دبیرستان ترکیه (ایران‌دخت) دیپلم گرفت. پس از ورود به دانشگاه و دانش‌آموختگی در

رشته مهندسی کامپیوتر، در مقطع کارشناسی‌ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، مطالعات



فرهنگی و رسانه با درجه عالی از پایان‌نامه خود دفاع کرد. او مدیرمسئولی، سردبیری و تحریریه نشریات

^۱ شاعر فرانسوی

دهکده، نگاه دانشجو، پرسمان، فصلنامه شفق و انتشار بیش از ۵۰ مقاله علمی پژوهشی، ارائه مقاله در کنفرانس‌های ملی و نقد ادبی را در کارنامه دارد. اخذ گواهینامه ممتاز روزنامه‌نگاری از کانون روزنامه نگاران دانشجوی دانشگاه‌های ایران، برگزیده کشوری «پژوهش، هنر و ادبیات» دانشگاه تهران و نیز انتشار مقالات پژوهش‌های بیوکامپیوتر، پژوهش میان‌رشته‌ای بررسی نقش الگوریتم‌های رسانه‌های اجتماعی بر گفتمان پسامدرن حافظه جمعی در ایران -ISC و سیاست حافظه الگوریتمی از آثار اوست. دو مجموعه شعر اجتماعی با عنوان «میان دو تعبیر» و «صندلی‌های مجاور چایخانه نو» از این نویسنده به چاپ رسیده است. وی هم‌چنین رتبه نخست کشوری جشنواره قلم ۱۴۰۱، عضو هیأت‌مدیره شرکت ارتباطات واصل، پژوهشگر باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه‌های کشور و عضو رسمی سرای اهل قلم مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران می‌باشد.

میرمحمدی، سیدسعید (۱۳۶۴ خ)، فرزند سید مهدی و بانو فرزانه، تحصیلاتش را در



دبستان گازرانی و راهنمایی حکمت گذراند و از دبیرستان امام‌علی دیپلم گرفت. دانشگاه آزاد اراک در مقطع کارشناسی و ارشد و تهران شمال در مقطع دکتری حقوق به‌علاوه یک مدرک ارشد دیگر در شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب و پسادکتری دانشگاه امام‌صادق، مسیر دانش‌آموختگی اوست. عضو هیأت‌مدیره و دبیر کمیسیون حقوق بشر و حمایت از حقوق عامه مرکز وکلای استان، فعالیت سیاسی، اجتماعی و علمی، دبیر سازمان غیردولتی کانون حقیقت‌و انجمن حقوق شهروندی استان، مدیرمسئول ماهنامه تنویر، مدیر پایگاه خبری اراک‌آنلاین، سرپرست مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی و نیز مرکز علمی کاربردی استان مرکزی برخی از فعالیت‌های این وکیل پایه‌یک دادگستری و نویسنده دانشگاهی است که ضمن ارائه ده‌ها مقاله در کنفرانس‌های داخلی و خارجی و تألیف دو کتاب و یک ترجمه، عضو هیأت علمی دانشگاه قزوین هم هست.

میرمحمدی، سیدفخرالدین (۱۳۴۶-۱۲۶۲ خ)، زاده روستای جاورسیان (خنداب)،



فرزند آیت‌الله حاج میرزا باقر جاورسیانی و بانو مرضیه، از علمای فاضل، شاعر، خوشنویس و نخستین سردفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی در منطقه‌ی چرآ (خنداب) در بیش از یکصد سال پیش بوده و به سبب صداقت، حق‌گرایی و خیر بودن، از احترام ویژه‌ای در منطقه برخوردار بود و افرادی که از روستاهای اطراف به ایشان مراجعه می‌کردند به‌ویژه در زمستان‌ها، دردفترخانه جای خواب و غذا به‌رایگان دراختیار آنان قرار می‌داد. قابل ذکر است دو تن ازخواهرزاده‌های وی خانم‌ها اختر و نصرت صفایی که از آموزگاران بسیار قدیمی اراک بودند هم در همین کتاب معرفی شده‌اند.

میر محمدی، سید مهدی (۱۳۳۲ خ)، فرزند سیدفخرالدین و بانو طلعت، متولد جاورسیان (خنداب)، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، در سال ۱۳۵۳ به استخدام وزارت راه و ترابری درآمد و در سال ۱۳۸۴ با سمت معاون برنامه‌ریزی، اداری و مالی اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان مرکزی بازنشسته شد. ایشان در سال ۱۳۴۷ به انجمن ادبی اراک (شعبه انجمن قلم تهران) به مدیریت زنده‌یاد دکتر محمد خزائی و در سال ۱۳۴۸ به انجمن ادبی روشن منشعب از آن انجمن که بعداً به انجمن ادبی ادیب‌الممالک و سپس انجمن ادبی هنری قائم مقام فراهانی فعلی تغییر نام یافت، پیوست. این شاعر متخلص به «پژواک» پس از عزیمت به تهران در سال ۱۳۵۲ و اقامت ۹ ساله، به عضویت رسمی انجمن بین‌المللی قلم به مدیریت زنده‌یاد زین‌العابدین رهنما و حضور شاعرانی چون دکتر باستانی‌پاریزی، پژمان بختیاری، ابوالحسن ورزی، دکتر محمدعلی اسلامی (ندوشن)، مهرداد آوستا، دکتر محمد استعلامی و... سپس به عضویت انجمن‌های ادبی حافظ، حکیم نظامی، دانشوران و کمال درآمد. پس از بازگشت به اراک در سال ۱۳۶۰ مجدداً در انجمن‌های ادبی قائم مقام، پیشکسوتان و نکيسا حضور یافت. ایشان از اعضای اولیه‌ی انجمن قائم مقام و از موسسان انجمن ادبی نور و انجمن ادب و هنر اراک نیز می‌باشند. نخستین مجموعه اشعارش با نام «فانوس» در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. «وادی شهادت»، طنزواره‌ی «مجلس»، «آوای اندیشه» و «فرمانروایان صلح» دیگر آثار منتشره‌ی اوست و ۴ مجموعه آماده چاپ نیز دارد و اشعار و نوشته‌هایش در بیش از ۱۵ عنوان کتاب استانی و ملی چاپ شده و در تذکره «سخنوران نامی معاصر ایران» هم معرفی شده است.



میر محمدی جاورسیانی، سید میرزا باقر (۱۲۸۶-۱۲۱۲ خ)، متولد روستای جاورسیان (خنداب)، فرزند سیدهدایت‌اله، از علمای دوره مشروطه که علاوه بر علوم دینی، به کسب علوم حکمی و شیمی هم پرداخته است. از تألیفات ایشان کتابی است خطی و منظوم که بیشتر در علم شیمی قدیم است. وی هم‌چنین شاعر بوده و بیش از ده هزار بیت دارد. این عالم دینی، مجتهدی صاحب کرامت و عارفی وارسته و نیکوکار بوده که ضمن همراهی با مردم، در سال‌های قحطی و همه‌گیری بیماری وبا، بیشتر دارایی‌اش را صرف کمک به نیازمندان کرد. ادیب‌الممالک فراهانی در دیوان اشعارش به موردی از پناه بردن افراد مورد تجاوز بعضی خان‌ها و ایادی حکومت به منزل ایشان برای در امان بودن، اشاره کرده که حکایت از عظمت و اعتبار ویژه او دارد. ضمناً وی با حاج آقا محسن عراقی باجناق بوده است.



میر محمدی زرنندی، سید ابوالفضل (۱۳۲۷ خ)، اهل زاویه (زرنديه)، پس از تحصیلات مقدماتی به قم رفت و دروس سطح و متون فقه و اصول را از محضر سیداحمد زنجانی بهره برد و سپس در درس آیات حجت کوه‌کمره‌ای و بروجردی حاضر شد و بعد محضر آیات شریعتمداری و گلپایگانی را درک کرد. این عالم دینی هم اینک در قم فقه و اصول تدریس می‌کند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۷۶).

میرممتاز، سیدحسین (۱۲۵۹-۱۳۴۷ خ)، مشهور به منشی نظام، فرزند میرزا ابوالقاسم

مستوفی **تفرشی** و بانو سکینه، تحصیلاتش را در تهران گذراند و به‌استخدام دولت درآمد. او در سال ۱۳۰۴ به‌عنوان نماینده مشهد در مجلس مؤسسان اول حضور یافت و سال بعد و در دوره ششم انتخابات قانون‌گذاری از مشهد به مجلس رفت. او در سال ۱۳۱۰ و در پی راه نیافتن به مجلس هفتم، به‌عنوان حاکم چهارمحال و بختیاری منصوب شد و بعدها به حکومت لارستان و سپس فیروزآباد فارس رسید. سلسله یادداشت‌های روزانه میرممتاز که در فصل‌نامه مطالعات تاریخی منتشر شده، نمایان‌گر اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره پهلوی اول می‌باشد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۷۳).



میرمؤمنی، سیدمحمدعلی (۱۳۵۰ خ)، زاده **اراک**، تحصیلاتش را در دبیرستان امام

علی گذراند و در مقطع ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد اراک دانش‌آموخته شد. او نخستین سرمشق خوشنویسی را در کلاس سوم دبستان، از پدرش حسین میرمؤمنی فرا گرفت و سپس در محضر استادان بزرگی چون اخوین، امیرخانی، خروش، واشقانی و امیدوار به‌درجات عالی خوش‌نویسی نایل آمد. این نویسنده و خوشنویس که دکترای زبان و ادبیات فارسی دارد، بیش از پنج عنوان کتاب نوشته و نخستین کسی است که در استان موفق به کسب رتبه درجه یک هنری از دست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۲۱۹).



میرهادی، سیدامین (۱۲۸۷ - ۱۳۷۶ خ)، فرزند سیدمحمدعلی‌خان **تفرشی**، پس از

تحصیلات ابتدایی در رشته علوم طبیعی موفق به اخذ لیسانس شد و در وزارت فرهنگ مشغول بکار شد. این دبیر دبیرستان‌های تهران، صاحب مجموعه ارزشمندی از سنگ‌واره و گیاهان بود و کتب متعددی در علوم طبیعی به نگارش درآورده است. این نویسنده و صاحب امتیاز روزنامه جهان فردا و عضو انجمن زمین‌شناسی پاریس آثار و تألیفاتی دارد که «دیوان اشعار»، «فیزیولوژی حیوانی پنجم متوسطه»، «فیزیولوژی گیاهی پنجم و ششم متوسطه»، «تکامل موجودات زنده»، «زمین‌شناسی دوم متوسطه»، «تشریح تمام نمای بدن انسان»، «غزلیات امین» و «چکیده دل» از آن جمله‌اند. وی هم‌چنین دارنده نشان‌های فرهنگی، علمی و سیاسی هم بوده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۷۸).



میرهادی، سیده‌توران (۱۳۰۶-۱۳۹۵ خ)، فرزند سیدفضل‌اله **تفرشی**، از مادری آلمانی

در تهران به‌دنیا آمد و دوران ابتدایی را در مدرسه آلیانس و دبستان آذر و دوره متوسطه را در دبیرستان نوربخش گذراند. او سپس به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن روانشناسی تربیتی خواند و نیز در رشته آموزش پیش‌دبستانی از کالج سووینه دانش‌آموخته شد. او که به زبان آلمانی، فرانسه و انگلیسی تسلط داشت، به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه تهران مشغول تدریس شد و به ارائه سخنرانی در کنگره‌های بین‌المللی پرداخت. بنیان‌گذار مدرسه فرهاد، بنیان‌گذار شورای کتاب



کودک، عضو هیأت داوری بین‌المللی کتاب کودک، عضو هیأت تدوین دفاتر بین‌المللی کتاب نسل جوان، عضو جلسات برنامه‌ریزی یونیسف، دریافت جایزه بهترین کتاب سال ۱۳۷۷، پایه‌گذار نظام نهاد کودکی در ایران، راه‌اندازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، برخی از افتخارات این شاگرد ایرانی ژان پیاژه^۱ است. ضمناً فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان (۷ جلد) و نیز تعلیم و تربیت کودک و نوجوان (۲۰ جلد) از تألیفات این نویسنده برجسته است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۷۹).

میرهادی، مریم (۱۲۸۰-۱۳۵۹ خ)، فرزند سیدعلی اکبرخان **تفرشی** (رفت نظام)،



تحصیلات ابتدایی را در شیراز و متوسطه را در تهران گذراند و به‌عنوان نخستین زن در دانشگاه تهران دندانپزشکی خواند و بدین جهت مادر دندانپزشکی ایران نامیده می‌شود. وی هم‌چنین در رشته تاریخ و ادبیات فرانسه از سوربن پاریس دانش آموخته شد. او در سال ۱۳۲۱ روزنامه «ندای زنان» را در تهران منتشر کرد. ایشان علاوه بر حرفه دندانپزشکی، به‌عنوان یک فعال اجتماعی اقدام به تأسیس انجمن ادبی ناهید کرد. آثار نظم و نثر او که به زبان انگلیسی، فرانسه، عربی و ترکی مسلط و در زمینه سرودن شعر نیز توانا بود، در نشریات مختلف منتشر می‌شد. دیوان اشعار ناهید (۲ جلد)، تاریخ نویسندگان پارس (۲ جلد)، خاطرات لندن، زندگانی زن، پرورش کودک، سفلیس دهان، سرطان فک و هم‌چنین کتاب التهاب لثه از آثار این نویسنده، شاعر و دندانپزشک تفرشی است که بخش زیادی از اموال خود را وقف آستان قدس رضوی کرد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۸۰).

میرهاشمی، احمدرضا (۱۳۴۲ خ)، اهل **زرنديه**، کمانچه را نزد هادی منتظمی آموخت و به کلاس درس علی اکبر شکارچی راه یافت. او سپس از محضر علی اصغر بهاری نوازنده چیره‌دست کمانچه بهره برد و به‌ساخت کمانچه در کنار استاد ابراهیم قنبری مشغول شد (ولاشجردی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۸۸).

میرهاشمی ساوجی، سیدغلامرضا (۱۳۴۴ خ)، متولد صدرآباد (**زرنديه**)، در سال



۱۳۶۸ روی به هنر موسیقی آورد و یک دوره ردیف میرزاعبداله را نزد استاد بیانی گذراند و ساخت تار و سه‌تار را هم نزد رامین جزایری آموخت و زیر نظر مهدی کمالیان به استادی ساخت تار و سه‌تار رسید. این هنرمند و نوازنده سه‌تار و تار که محضر استادان بزرگی چون محمدرضا لطفی، داریوش طلایی و مهدی کمالیان را درک کرده، به سازنده سه‌تار نفیس صدرآباد مشهور است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۷۷).

میری، روح‌اله (قرن ۱۴)، فرزند نصراله، از خوشنویسان استان مرکزی (اراک) است که در خطوط نستعلیق و شکسته متبحر و ماهر است. دکتر میری که «روحی» تخلص می‌کند در شعر و ادب نیز دستی دارد و با استاد سیدشکراله روشن اراکی مراودات شعری داشت (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

^۱. روانشناس بزرگ فرانسوی

میری آشتیانی، سیدجلال الدین (۱۳۰۴-۱۳۸۴ خ)، فرزند آقاعلی، دوره مقدماتی را در



دیستان خاقانی گذراند و گلستان سعدی، نصاب الصبیان و تاریخ معجم المقدمات در صرف و نحو و قسمتی از دُرّه نادره و نیز قسمتی از شرح سیوطی را در مکتب‌خانه آموخت. او سپس در قم و قزوین از محضر سیدطباطبائی، ابوالحسن رفیعی قزوینی و امیرکلاهی مازندرانی بهره جست و به نجف رفت. ایشان از سال ۱۳۳۸ به تدریس در حوزه علمیه مشهد و دانشکده معقول و منقول دانشگاه مشهد و تألیف در زمینه فلسفه و عرفان پرداخت و از فلسفه در مقابل جریان‌های مخالف مانند مکتب تفکیک دفاع کرد. مدیر گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، عضو هیأت تحریریه نشریه علمی-پژوهشی دانشکده الهیات، دانشمند برجسته از سوی فرهنگستان جمهوری اسلامی، دریافت جایزه شانزدهمین دوره کتاب سال برای کتاب فصوص الحکم، عنوان **چهره ماندگار** سال ۱۳۸۱ و دریافت نشان درجه ۱ دانش از رئیس‌جمهور، برخی از سوابق علمی اوست. شرح بر زادالمسافر، شرح فصول الحکم فارابی و ده‌ها اثر نوشتاری دیگر اعم از تصحیح و تعلیق و مقدمه بر آثار دیگران از این دانشمند برجسته باقی مانده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۸۴).

میریونسی، سیدعباس (۱۳۱۲ خ)، زاده کرهرود (اراک)، تحصیل کرده حوزه علمیه قم



و از شاگردان سیدحسین طباطبائی بروجردی، محمدعلی اراکی، سیداحمد خوانساری، گلپایگانی و محمد یزدی است. این عالم دینی، نماینده مردم کنگاور در دوره نخست مجلس شورای اسلامی و امام جمعه کنگاور هم بود.

میکده، حبیب‌اله (۱۲۸۱-۱۳۰۰ خ)، پسر میرزا سلیمان خان و متخلص به «ناهید»، شاعر خوش قریحه‌ای اهل **آشتیان** بود که در سال ۱۳۵۰ دیوان اشعارش چاپ شد. شاعران و دانشمندانی از جمله سعید نفیسی، محمدعلی جمالزاده، شهریار و ملک‌الشعرای بهار، اشعار شیوایی در رثای این شاعر ناکام سروده‌اند و سید نظام‌الدین وفا در طی مثنوی معروف به حبیب‌ورباب به شرح ماجرای خودکشی میکده پرداخته است (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۲۶۱).

میکده، سلیمان (۱۲۱۰-۱۳۱۱ خ)، فرزند میرزاعلی **آشتیانی** (میکده) پیش از دوره



مشروطه، مستوفی اول و سررشته‌دار کل وزارت لشکر بود و به‌خاطر حمایت از مشروطیت به دستور محمدعلیشاه دستگیر و به زندان رفت. پس از عزل محمدعلیشاه و تشکیل حکومت جدید در سال ۱۲۹۰ حاکم اراک شد و سپس به وزارت دادگستری انتخاب گردید (صدیق،

۱۳۷۲: ۲۳۶).

میکده، عبدالحسین (۱۲۷۹ خ)، اهل **آشتیان**، تحصیلات خود را در مدرسه سن‌لویی گذراند و در بلژیک ادامه تحصیل داد. او که به‌نویسندگی علاقه زیادی داشت به‌نگارش مقالات تحقیقاتی و ترجمه آثار خارجی

پرداخت که برخی از آثار این نویسنده و مترجم عبارتند از: «ماریتا، یا در دیار بیماران»، ترجمه مذهب حلاج روژه آرنالد، ترجمه امپراطوری صحرانوردان رنه گروسه، دیوان اشعار حبیب میکده، ترجمه داستان بزرگمهر حکیم (اثر کریستین سن)، برمکیان بنا بر روایات مورخین عرب و ایرانی، ترجمه راه زنان و توطئه فیکو (اثر شیلر فردریک) و... (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۲۷۵).

میکده، غلامعلی (۱۳۷۹ خ)، فرزند میرزا علی مستوفی آشتیانی و نواده میرزا یوسف آشتیانی، بنیانگذار سازمان آب ایران و مؤسس تصفیه‌خانه آب کرج تهران است که لوله‌کشی آب را در ایران رواج داد.

میناسیان، هوویک (۱۳۳۱ خ)، فرزند ساووق، در روستای گوره‌زار (خنداب)، زاده شد و در ۶ سالگی به همراه پدر و برای تحصیل به تهران رفت. او هم‌زمان با تحصیلات به فعالیت‌های فرهنگی پرداخت و تا کنون بیش از ۳۰ عنوان کتاب و صدها مقاله چاپ و منتشر نموده و کتاب «مجیدیه جنوبی در آئینه تاریخ» به عنوان کتاب برتر پژوهشی سال ۱۳۹۳ توسط سازمان فرهنگی اجتماعی شهرداری منطقه ۸ تهران معرفی شده و کتاب «روستای تاریخی گوره‌زار» هم در مورد زادگاه اوست. عضو شورایی محله مجیدیه جنوبی، عضو انجمن نویسندگان ارامنه ایران، عضو شانزدهمین دوره مجمع نمایندگان ارامنه حوزه خلیفه‌گری ارامنه تهران و شمال، پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۷ به انتخاب سازمان میراث فرهنگی، بنیاد مولانا و... برخی از سوابق فرهنگی اجتماعی اوست.

مینایی، اکرم (۱۳۴۱ خ)، متولد اراک، مشهور به ساناز، نویسنده، محقق و مدرس آشپزی، نخستین تولیدکننده برنامه تلویزیونی آشپزی از است که با تدوین نخستین استاندارد آشپزی موسوم به سرآشپز طلایی، نخستین آموزشگاه آشپزی ایران در سال ۱۳۷۴، نخستین دانشگاه غیرانتفاعی شناخت و پخت غذا را تأسیس کرد. نخستین کتاب او در سال ۱۳۶۲ با عنوان «آرایش سبزیجات و میوه‌آرایی» چاپ شد و از آن پس تاکنون بیش از ۲۷ عنوان کتاب در حوزه آشپزی منتشر کرده است. ماهنامه تخصصی «سانازسانیا» به عنوان نخستین مجله تخصصی آشپزی ایران را در سال ۱۳۸۶ منتشر کرد. مدیریت و آموزش میزبانان در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد (تهران ۱۳۹۱)، داور و کارشناس اجرایی سیزدهمین المپیاد ملی مهارت فنی و حرفه‌ای (۱۳۹۱)، یکی از ۴ داور سومین مسابقه بین‌المللی آشپزی «طعم خوش زندگی» در کره جنوبی (۱۳۸۹)، دبیر نخستین همایش تغذیه سالم، دریافت تندیس زرین مجمع جهانی «نشان منتخب» به عنوان نخستین و تنها بانوی ایرانی، ثبت اختراع فناوری تهیه، کنترل و استانداردسازی سرآشپز طلایی با هدف توسعه صنعت گردشگری و... از افتخارات اوست.

مین‌باشی‌انجدانی، عباسقلی (درگذشته ۱۰۵۰ خ)، اهل روستای انجدان (اراک)، سردار نظامی و از فرماندهان قشون سلاطین صفوی بود که در ماده تاریخ فوتش چنین سروده‌اند: بهر تاریخش به هر کس مصرعی می‌خواستند/عاقلی گفتا شده او جانب جنت روان (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۳۷).



ن

ناجی، یامین (۱۳۴۰-۱۳۳۰ خ)، فرزند حسین صابون‌پز، اهل **ساوه**، تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه حاجی ملایوسف گذراند و ضمن اینکه طبع شاعری داشت به تعزیه‌خوانی و مداحی روی آورد. این شاعر مذهبی که در راه سفر به عتبات، طی حادثه‌ای بینایی خود را از دست داد، طبعی فروزان داشت، ولی اکثر اشعارش از دست رفته است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۲۰).

نادری، علی (زندگی ۱۴۰۲ خ)، اهل **ساوه**، آهنگساز و نوازنده گیتار و مدرس دانشگاه هنر است. **نادعلیان، حیدرعلی** (زندگی ۱۴۰۲ خ)، اهل **شازند**، کتاب «کوی مس در گذر تاریخ» را نوشته است. **نازمهر، بهرام** (۱۳۵۶ خ)، خواننده کلاسیک **تفرشی** تعلیم یافته نزد استاد محمد نوری و آلبومی دارد با نام ده‌ترانه.

ناصرلشکر، محمدعلی (زندگی ۱۲۶۲ خ)، فرزند میرزا محمدصادق گرکانی **آشتیانی**، عنوان مستوفی داشته و از سر رشته‌داران دوره قاجار، رئیس قشون و لشکرنویس کرمان و نیز بلوچستان بوده است. او در سال ۱۲۶۲ یک جلد قرآن مجید را در شصت پاره نفیس با تولید آقامیرزا محمود مجتهد، وقف اهالی روستای گرکان کرده است^۱ (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹ : ۳۳۷).

ناصری، عزیزاله (۱۳۰۵ خ)، فرزند نصراله‌خان، متخلص به ساقی‌ساوجی، در نورآباد **ساوه** متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قم گذراند و در سال ۱۳۳۷ به‌استخدام دانشگاه تهران درآمد. او سپس تحصیلاتش را در رشته زبان‌و ادبیات عرب ادامه داد. وی که از کودکی به شعر، خط و نقاشی علاقه‌مند بود، با تأثر از اشعار حافظ به سرودن غزل پرداخت. این شاعر، خوشنویس و نقاش به ایل شاهسون بغدادی وابسته و از طایفه قاسملو می‌باشد (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۳۹۵).

ناصری‌فرد، محمد (۱۳۳۷ خ)، فرزند علی‌اکبر و بی‌بی‌سید، تحصیلاتش را در دبستان

بوعلی **خمین** گذراند و از دبیرستان پهلوی همین شهر دیپلم گرفت و در آموزش و پرورش استخدام شد. او سپس دکترای باستان‌شناسی هنر از دانشگاه لیدون مالزی گرفت و به‌عنوان باستان‌شناس، پژوهشگر و پدر سنگ‌نگاره‌های ایران، بیش از دو دهه به فعالیت پژوهشی در مورد سنگ‌نگاره‌های ایران و جهان بویژه تیمره مشغول است. او تاکنون بیش از ۲۰ مقاله علمی در نشریات، ده‌ها مصاحبه رادیو تلویزیونی و تألیف ۶ عنوان کتاب در این زمینه دارد که «موزه‌های سنگی-هنرهای صخره‌ای»، «سنگ‌نگاره‌های ایران- نمادهای اندیشه‌نگار» و «آثار تاریخی خمین» از جمله آنهاست. وی تهیه بیش از ۵۰۰ دقیقه مستند تلویزیونی هنرهای صخره‌ای ایران را در کارنامه دارد و موفق



^۱. فرزندان ایشان نام خانوادگی ناصر را برای خود برگزیدند

به کشف بیش از ۲۰ کتیبه خطی از هزاره دهم پ.م تا دوره اسلامی شده که به سیر تطور خط معروف است. **ناظم دیوان، ابوالقاسم** (۱۲۳۳-۱۳۰۰ خ)، فرزند اله بخش، سردار نظامی و از افسران لایق حکومت اراک بوده و سمت ناظم دیوان داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۳).

نامی ساوجی، حسن (۱۳۲۷ خ)، از جمله شاعران **ساوه** است و گرچه در تذکره‌ها از این شاعر بلندمرتبه یاد نشده، ولی در فنون شعر مهارت داشته و برخی از ابیاتش در خاطر کهن سالان مانده و این بیت از اوست: شکست رونق بازار بوسه جانان/کسی که از دو لبش نرخ بوسه بست به جان (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۸۵). **نایب‌الصدر ساوجی، ابراهیم** (۱۲۲۱-۱۲۹۶ خ)، فرزند میرزا محمدحسین، متولد **ساوه**، پس از تکمیل تحصیلات در حوزه تهران و عتبات، به درجه اجتهاد رسید و در تهران ساکن شد. این عالم دینی که دستی هم در شعر و ادبیات دارد «خلیل ساوجی» تخلص می‌کرد و اغلب اوقات، میزبان میرزا علیرضا حکیم ساوجی و حاجی جناب (شهاب) دوتن از استادان شعر و ادب بود و ضمن اینکه دیوان اشعاری دارد، شاگردانی هم تربیت کرده که آقایان علی سعیدی، عباس ندیم و صبوری از آن جمله‌اند. وی هم‌چنین خوشنویس بوده‌اند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۸۷).

نایب‌الصدر ساوجی، زین‌العابدین (۱۲۲۵-۱۲۷۹ خ)، فرزند میرزا محمدحسین، مقدمات صرفونحو را نزد پدرش آموخت و در ۱۷ سالگی ابتدا به تهران و سپس برای تکمیل تحصیلات به عتبات رفت. او هم‌زمان با سفر پدرش به عتبات، با او به ساوه بازگشت و مجدداً به تهران رفت و تحصیلاتش را در مدرسه سپهسالار ادامه داد و به‌واسطه شایستگی که داشت مدیریت مدرسه را عهده‌دار شد. ایشان در وادی شعر هم وارد بود و شعری از وی در کتاب فرهیختگان ساوه موجود است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۹۰).

نایینی ساوجی، حسین (۱۳۴۰ خ)، فرزند علی‌اصغر و بانو حکیمه، در **ساوه** به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاهش گذراند و در دانشسرای مقدماتی تربیت معلم کاشان، راه و رسم آموزگاری آموخت و در ساوه و سپس تهران ردای تعلیم و تربیت بر تن کرد. این معلم شاعر، طبع موزون و فروزانی دارد و مضمون اشعارش نشان‌دهنده اندیشه بلند و روح والای اوست (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۹۲).

نبوی تفرشی، سیدسیف‌الدین (۱۳۰۱-۱۳۸۸ خ)، فرزند سید زین‌العابدین و نوه سیدعلی‌اکبر مجتهد **تفرشی**، پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه و نیز گذراندن دوره دامپزشکی در دانشگاه تهران، به فرانسه رفت و در دانشگاه نانسی پزشکی عمومی خواند و سپس تخصص میکروب‌شناسی، ویروس‌شناسی و سرم‌شناسی را از دانشگاه داروسازی و



انستیتو پاستور پاریس و تخصص بیماری‌های قلبی را از بیمارستان پاریس دریافت کرد. او در بازگشت به ایران به‌ریاست بخش قلب بیمارستان ارتش رسید. دکتر نبوی برای گذراندن دوره پزشکی قلب به دانشگاه بین المللی بروکسل (بلژیک) رفت و رتبه پزشک ممتاز قلب را از این دانشگاه گرفت. وی کاشف پدیده فراکسیون چربی خون (کلسترول صنعتی) بود که گواهی اختراع اروپایی را از مرکز لاهه دریافت کرد و پس از شرکت

در کنکور تکمیل کادر استادی بیماری‌های قلبی به درجه پرفسوری از دانشگاه فرانسه نایل آمد و صاحب کرسی تدریس در همان دانشگاه شد. وی نخستین جراح پیوند قلب در بین کشورهای در حال توسعه بود که به‌همین جهت از طرف یونسکو به کمیته جایزه پزشکی نوبل معرفی و به‌عنوان نامزد دائمی جایزه نوبل در رشته پزشکی انتخاب شد. این نابغه ایرانی یکی از گزینه‌های ریاست سازمان جهانی قلب و عروق وابسته به سازمان بهداشت جهانی بود و بیش از ۴۰۰ مقاله در مجلات و نشریات معتبر علمی منتشر ساخت و ضمن تدریس در دانشگاه تهران، سردبیر روزنامه انجمن پزشکان ایران و سردبیر مجله قلب و عروق بود. الکتروکاردیوگرافی، ریزش‌های قلبی، اسرار تندرستی، بهداشت قلب، حملات قلبی و انفارکتوس، روش‌های قلبی، اثرات ورزش روی قلب، پیش‌گیری از سکت‌های قلبی، آخرین درمان انفارکتوس و... برخی از مهمترین آثار نوشتاری اوست (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۸۳).

نبوی‌خوانساری، سیدجواد (۱۳۰۷ خ)، فرزند سیدمحمد، از خانواده‌های مرفه اراک، که تا کلاس یازدهم نظام قدیم را خواند و سپس وارد تجارت شد. ایشان فرد نیکوکاری بود که به تعمیر و بازسازی برخی مساجد اراک پرداخت و نیز در ساخت اورژانس بیمارستان ولی عصر، کمک و مساعدت زیادی کرد و پشتیبان مالی و معنوی انجمن قائم‌مقام نیز بوده است (مجدی، ۱۳۸۴: ۳۲۶).

نبوی‌زاده نمازی، سیدجعفر (۱۳۲۰ خ)، فرزند سیدعلی و بانو طلعت، دوره ابتدایی



را در مدرسه پهلوی ساوه گذراند و در دانشگاه اصفهان روانشناسی و در تهران آموزش زبان انگلیسی خواند. او سپس در ساوه به تدریس زبان انگلیسی و روانشناسی پرداخت. نخستین اثر نوشتاری ایشان کتابی است پیرامون روانشناسی و کتابی هم در زمینه‌ی هویت‌شناسی با عنوان «چگونه خود و دیگران را بهتر بشناسیم» دارد که در سال ۱۳۶۲ چاپ شده است. وی همچنین از سال ۱۳۳۹ به‌همراه برادرش سیدرضا در تئاتر و موسیقی فعالیت نموده و آموزش ویولن را نزد استادان مظفر بشیری و اسداله ملک ادامه داد. وی در حدود ۱۰ سال در هیئت امنای انجمن نمایش و موسیقی ساوه فعالیت داشت. بازی در فیلم ابجد به کارگردانی ابوالفضل جلیلی، سریال «سرزمین مادری» به کارگردانی جواد روستایی و بازی در تئاتر «وسوسه خناس»، «احمد در بارگاه احمد»، «تاجر ونیزی»، «سه یار دبستانی»، «فرزند ناخلف»، «سند»، «لالو»، «بازگشت»، «بند»، «طاهر» و «حب الدنیا» هم از دیگر فعالیت‌های هنری اوست.

نبوی‌زاده‌نمازی، سیدحمید (۱۳۶۳ خ)، فرزند سیدجعفر و بانو زهرا، از هنرمندان عرصه



تئاتر و موسیقی ساوه است که از ۵ سالگی نزد عمویش سیدرضا، شروع به فراگیری ساز ستور نمود و هم‌زمان با سازهای کوبه‌ای نیز آشنا شد و در سن ۱۵ سالگی ساز ویولن را به‌عنوان ساز تخصصی خود انتخاب نمود و مقدمات را نزد پدر و سپس مرتضی رستم‌پور به‌مدت ۲ سال ادامه داد. پس از آن، با اشتیاق فراوان نزد استاد سیاوش زندگانی دوره‌های ردیف و باده‌نوازی

را پی‌گرفت و تحصیل در رشته‌ی عمران را نیز تا مقطع کارشناسی ادامه داد. وی در دهه ۱۳۹۰ دیپلم موسیقی، کاردانی ساز ایرانی و لیسانس آهنگسازی را دریافت و در سال ۱۴۰۲، دوره فوق‌لیسانس ساز ایرانی (قیچک) را به‌پایان رساند. وی همچنین از محضر استادان بهنام صبحی، نیما گوران، فرهاد شیخی، دکتر کامبیز روشن‌روان، شهرام فقیهی، دکتر محمدرضا عموجوادی، دکتر سحر انزلی، مهدی حاجی قاسمی، عباس دادخواه (ویولن)، علیرضا نصیرنژاد (ویولن کلاسیک)، علیرضا چراغچی (دوره‌های عالی ردیف‌نوازی) و استاد شیما شاه‌محمدی (قیچک آلتو)^۱ بهره برد و بالاخره در سال ۱۳۹۷ اقدام به تأسیس آکادمی موسیقی رُهام نمود. وی همچنین در حال نوشتن کتاب «شیوه‌ی آموزش مقدماتی قیچک» است.

نبوی‌زاده‌نمازی، سیدرضا (۱۳۲۸ خ)، فرزند سیدعلی و بانو طلعت، متولد ساوه و از

نوادگان میرزا سیداحمدخان سارنگی^۲، اواخر دهه ۱۳۳۰ با ساز تنبک به عرصه هنر وارد شد و توانست در کنار اجرای تعزیه، با ردیف‌های آوازی موسیقی مأنوس و به‌تدریج با سازهای دیگری هم‌چون فلوت، ملودیکا، ارگ، پیانو، آکاردئون و سنتور آشنا شود. او با کمک استاد مظفر بشیری، در سال اول دبیرستان از محضر استاد حسین ملک سنتور را آموخت و علاوه بر موسیقی، در بیش از ۴۰ اثر نمایشی به‌عنوان کارگردان، نویسنده، بازیگر و طراح/نوازنده موسیقی فعالیت داشته است. ایشان به‌عنوان یکی از نخستین تصویربرداران و فیلم‌برداران ساوه، به ضبط وقایع روز پرداخته و رویدادهای مهم مذهبی و ملی پیش و پس از انقلاب را با دوربین هشت میلی‌متری‌اش ثبت کرده است. این سینماگر ساوجی در دو دهه اخیر به‌جای کارگردانی، بیشتر در حوزه بازیگری تلویزیون، سینما و تئاتر فعالیت داشته و می‌توان به بازی در آثار ابوالفضل جلیلی از جمله «ابجد»، «شمارش معکوس» و سریال «در برابر باد» به کارگردانی عباس رنجبر و سریال «کلاه پهلوی» بکارگردانی مرحوم ضیاءالدین دری اشاره کرد.



نبوی‌زاده‌نمازی، سیدمهدی (۱۳۵۷ خ)، فرزند سیدجعفر و بانو زهرا، فعالیت هنری‌اش

را از سال ۱۳۶۳ در ساوه آغاز نمود و در نمایش‌هایی نظیر «سند»، «لالو»، «خرگوش دانا»، «نفوذی»، «رهایی»، «باغ آرزوها»، «خواننده‌ها»، «حب‌الدنیا»، «وسوسه خناس»، «بازگشت»، «جنجال در قصر صدام»، «طاهر»، «گلنار»، «سه قلوها»، «علیمردان‌خان»، «مردی که لب نداشت»، «انگشتر هزار نگین»، «شال و کلاه و اره»، «معصوم هفتم»، «غریب کوفه» و «رها» ایفای نقش نمود. او همچنین در جشنواره‌های هنری همچون تئاتر یاقوت سرخ ساوه، فیلم کوتاه و سینمای جوان نقش‌آفرین بوده و نماهنگ و تیزرهای بسیاری برای جشنواره‌های مختلف ساخته است. وی



۱. قیچک یا غیژک یکی از سازهای زهی در موسیقی ایرانی است که مانند کمانچه با آرشه نواخته می‌شود. جنس

کاسه طنینی قیچک از چوب گردو یا توت بوده و سیم‌های آن فلزی هستند. این ساز قدمت بسیار زیادی دارد.

۲. نخستین خواننده ایرانی زمان قاجار که به‌همراه درویش‌خان برای ضبط صفحه به اروپا رفت.

در زمینه تدوین هم تبحر داشته و فیلم‌های کوتاه و مستندی از جمله «گیر» و «ره‌یافتگان بهشتی» به کارگردانی سیدوحید نبوی‌زاده نمازی را تدوین نموده و در مقام کارگردان و دستیار کارگردان، فیلم‌های کوتاه بسیاری از جمله «از عاشورا تا عاشورا»، «مداد رنگی»، «دست»، «خام بودم پخته شدم»، «چراغ قرمز» و «من تو ... ایشان» را ساخته است.

نبوی‌زاده نمازی، سیده‌اللهه (۱۳۶۷ خ)، فرزند سیدرضا و بانو فاطمه، از کودکی نزد

پدر شروع به فراگیری اصول اولیه موسیقی نمود و از سال ۱۳۸۵ ساز تنبک را به‌عنوان ساز تخصصی خود انتخاب کرد. او در سال ۱۳۸۹ به مکتب استاد بهمن رجبی راه یافت. وی تاکنون با گروه‌های موسیقی کیمیا، پالیزبان، رهام و ... همکاری داشته و طی اجراهای کارگاهی و تخصصی موسیقی، با نوازندگان بسیاری در شهرهای ساوه و تهران همکاری نموده است. او به‌عنوان «نخستین معلم خانم» که ساز تنبک را در ساوه درس می‌داده، چندین دوره داوری مسابقات فرهنگی - هنری دانش‌آموزی شهرستان ساوه را برعهده داشته و هم‌اکنون نیز در آکادمی موسیقی رهام تنبک تدریس می‌کند.



نبوی‌زاده نمازی، سیدوحید (۱۳۶۵ خ)، فرزند سیدجعفر و بانو زهرا، زاده ساوه، فرزند

سیدرضا و بانو فاطمه، پس از دیپلم ریاضی، در دانشگاه شهیدبهشتی زبان‌وادبیات‌انگلیسی خواند و سپس کارشناسی‌ارشد و دکتری مطالعات آمریکای شمالی از دانشگاه تهران دریافت کرد. او از سال ۱۳۷۴ آموختن ساز سنتور را نزد پدر آغاز و از سال ۱۳۸۵ تاکنون در مکتب پایور و سعید ثابت، به فراگیری این ساز مشغول است. ساخت فیلم کوتاه را پیش از ورود به دانشگاه آغاز و با عضویت در انجمن سینمای دانشگاه و حضور در مدرسه ملی سینمای ایران، مستندسازی و دوره نقد سینما را به‌صورت علمی آموخت و از محضر استادانی مانند جاناتان روزن‌بام، ضابطی‌جهرمی، ماریون، قهرمانی و... بهره برد و تا به امروز بیش از ۲۰ اثر (فیلم کوتاه، مستند و برنامه تلویزیونی) ساخته است. این نویسنده و مترجم تاکنون دو کتاب تألیف کرده و ۴ کتاب هم در زمینه روابط آمریکا/ایران و هم‌چنین سینما و تلویزیون ترجمه کرده است.



نپتون، کبریا (۱۳۷۸ خ)، فرزند علیرضا و بانو فیروزه، تحصیلاتش را در دبستان مبعث و

راهنمایی آزاده اراک گذراند و از دبیرستان اندیشه، دیپلم گرفت. او تحصیلات دانشگاهی را در حد کاردانی حقوق پشت‌سر نهاد و به موسیقی روی آورد و امروز هنرجوی ساز پیانوست. این شاعر جوان اراکی، ضمن چاپ اشعارش در نشریات اراک، کتاب «پيله پاییز»



را هم منتشر کرده است.

نجاتی، سعید (۱۳۶۰ خ)، فیلم‌ساز و مدرس اهل **اراک**، دارای کارشناسی تدوین و ارشد



سینما از دانشگاه سوره می‌باشد که از سال ۱۳۸۰ فیلم‌سازی را در انجمن سینمای جوانان قم آغاز و در جشنواره‌های مختلف بین‌المللی و داخلی شرکت کرده و جوایزی نیز کسب کرده است. از فیلم‌های مطرح این سینماگر می‌توان به صراحی، باران آهسته می‌بارد و دابر اشاره کرد که «دابر» آخرین فیلم کوتاه او، پس از کسب جایزه ویژه هیأت داوران از سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر اکران شد. وی تاکنون عضو هیأت انتخاب و هیأت داوران جشنواره‌هایی چون فیلم کوتاه تهران، جشنواره فیلم داکا و فیلم کوتاه سما بوده است.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۹۷-۱۳۷۶ خ)، اهل **اراک**، محقق و سرهنگ نیروی هوایی که جمال عبدالناصر، یک بیت‌کنگ، یک میلیون دلار (جنگ ویتنام)، پاتریس لومومبا و نهضت استقلال طلبی کنگو، مارشال پتن و نهضت مقاومت فرانسه، تاریخ جنبش ملی شدن نفت، اسرار کودتای ۲۸ مرداد (ترجمه) اثر تحقیقی پروفیسور گازوفسکی، سه گزارش، ۶۰ سال مقاومت و مخالفت با استبداد (خاطرات مهندس بازرگان)، تاریخ مبارزات و تحولات ۲۵ ساله از مرداد ۳۲ تا بهمن ۵۷، مصدق سال‌های مبارزه و مقاومت (۲ جلد)، تهاجم، ماجرای کودتای سرلشکر قرنی از نوشته‌های این نویسنده نظامی است.

نجارآشتیانی، غلامحسین (زندگی ۱۳۴۰ خ)، فرزند علی‌اکبر، طراح، شاعر و خوشنویس دوره پهلوی اول در قورخانه تهران با گل‌رز در ریخته‌گری و هارت‌من مهندس آلمانی در قالب‌سازی همکاری داشت و طراح مدل‌های صنعت ریخته‌گری و فناوری بود. وی به‌عنوان هنرمند خوشنویس کتاب «مصباح الهدایه فی التوضیح معراج السعاده» تألیف سیدهاشم طباطبائی را در سال ۱۳۴۰ کتابت کرد و هم‌چنین به‌عنوان شاعر اشعاری در قالب رباعی و قطعه دارد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۵۶).

نجارساوجی، قنبر (زندگی ۹۱۸ خ)، هنرمند و صنعتگر نجار که ضریح باشکوه بقعه حضرت هادی ابن امام موسی کاظم، در روستای جمزقان بخش قاهان قم را ساخته و منبت‌کاری کرده است که تاریخ پایان آن اسفندماه ۹۱۸ می‌باشد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۶۶).

نجفی، ناصر (۱۳۹۷-۱۳۱۷ خ)، فرزند امیرقلی و بانو قمر و برادر منصور مهتاش^۱،



تحصیلاتش را در دبستان خیام و دبیرستان‌های محمدرضا شاه و مجیدی اراک گذراند. او که تابستان‌ها را بیشتر در روستای پدری‌اش کله (kele)^۲ به شکار و گل‌وگشت می‌گذراند، پس از دیپلم و در سال ۱۳۴۲ به‌همراه خانواده به تهران رفت و به تئاتر، سینما و ادبیات علاقه‌مند شد و در این موارد سخت به مطالعه، پژوهش و پرس‌وجو پرداخت. ایشان با توجه به پشتکار و

^۱. نویسنده کتاب «در گذرگاه تاریخ پارادوکس»

^۲. بین روستای نوازن و کلاغ نشین

نبوغی که از خود نشان داد، مورد توجه محافل ادبی و هنری قرار گرفت و پس از این که در چند نمایش‌نامه، خوش درخشید به استخدام اداره تئاتر تهران درآمد و مدتی بعد، از سوی داریوش مهرجویی برای بازی در فیلم مشهور «پستچی» دعوت شد. او پس از انقلاب در سه فیلم دیگر هم ایفای نقش کرد و سپس به اروپا مهاجرت کرد و در هلند ساکن شد. این هنرمند در اروپا نمایش‌های زیادی را کارگردانی و به روی صحنه برد که نمایشنامه «جانشین» نوشته‌ی غلامحسین ساعدی از آن جمله است که در آلمان اجرا شد. این سینماگر شاعر، در کنار تئاتر و سینما، به ادبیات هم علاقه‌مند بود و سروده‌هایش مورد توجه قرار گرفت و بعدها سه مجموعه شعر از وی چاپ و منتشر شد که عبارتند از: «با زخم‌های جوانت»، «آوازهای پاییزی و هفت ترانه‌ی آواره» و نیز «یک منظومه‌ی آواره و بیست ترانه‌ی سرگردان» (کانال رسمی محمد مددی).

نجفی آشتیانی، ابوالقاسم (۱۳۹۱-۱۳۱۴ خ)، پس از پایان دوره تربیت معلم در مدارس



آشتیان مشغول تدریس شد و سپس در رشته الهیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت. او ضمن تدریس در دبیرستان شاهپور تجریش، در تدوین لغت‌نامه دهخدا و مجله‌های سخن و آینده با ایرج افشار همکاری داشت. تحقیقات این نویسنده و پژوهشگر اجتماعی در زمینه گویش و زبان‌شناسی و فرهنگ عامه بود که حاصل آن، دو عنوان کتاب «واژه‌های محلی گرکان» و «نیم نگاهی به آشتیان» است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۱۶۲۲).

نجفی‌زاده، سیدعلی (۱۳۰۱ خ)، فرزند سیدصادق، دوران دبستان را در اراک گذراند. او



که از کودکی با شعر و ادبیات آشنایی پیدا کرده بود، پس از ترک تحصیل چندسالی در تهران کار مطبوعاتی کرد و پس از بازگشت به اراک، از سال ۱۳۴۰ با نشریه «نامه عراق» همکاری کرد و هم‌زمان به‌استخدام آموزش و پرورش درآمد. او دبیری ادیب و توانا، روزنامه‌نگاری زبردست و شاعری خوش‌قریحه بود. اشعار نجفی‌زاده با تخلص «سعید» در روزنامه‌ها چاپ شده و دو کتاب «شکوفه‌ها» و «دیوان سعید» از ایشان به‌یادگارمانده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۶۹).

نجفی‌ساوجی، محمد (قرن ۱۴)، اهل روستای آقداش از نواب نوبران (ساوه)، که نمونه اشعار این شاعر در مجلات وارلیق منتشر شده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۹۶).

نجفی‌ضامنجان، نجفعلی (درگذشته ۱۳۲۱ خ)، از علما و فضایی اراک، فردی زاهد و متقی که نزد مردم از احترام زیادی برخوردار بود. درجه علمی این عالم دینی به‌حدی بود که نزد علما به «فخرالمحدثین» شهرت داشت و بیشتر عمر خود را به اصلاح و بهبود زندگی و امور درماندگان شهر اختصاص داده بود.

نجم‌الاسلامی، سیداسماعیل (۱۲۸۷-۱۳۶۰ خ)، مشهور به هفته‌ای، فرزند سیدصادق، اهل شازند، از مجتهدین مورد احترام، عالم دینی و امام جماعت مسجد آقاضیاءالدین بوده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۴۲).

نجمی، علی (۱۳۴۶ خ)، زاده ساروق (اراک)، از هنرستان فنی ایراک در رشته اتومکانیک دیپلم گرفت و در رشته عمران از دانشگاه لیسانس دریافت کرد و به عضویت سازمان نظام مهندسی استان مرکزی درآمد. این شاعر سروده‌هایی دارد که در ستایش انبیا و اولیا الهی است (مجدی، ۱۳۸۴: ۱۵۰).



نحوی بیانی، احمد (قرن ۱۱)، عالم دینی، از فقها و دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده و شرحی بر «عوامل محسن» نوشته و در مدرسه ساروق (اراک) هم تدریس می‌کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۳۹).

نخستین سنجانی، علی (۱۲۴۳-۱۳۲۱ خ)، فرزند موسی رضا سنجانی عراقی (اراک)، شاگرد میرزا جهانگیرخان قشقایی، تحصیلات خود را در فقه، منطق و فلسفه گذراند و در سال ۱۲۸۲ ابتدا معلم مدرسه صمصامی، سپس ریاست مدرسه را عهده‌دار شد. او که به دلیل مبارزات مشروطه توسط روس‌ها به همدان تبعید شد، از بنیان‌گذاران فرهنگ نوین ایراک به‌شمار می‌رود و تأسیس قرائت‌خانه عمومی، سرپرستی مدرسه عظیمیه، مدیر و دبیر مدرسه صمصامی و همین‌طور انتشار سومین روزنامه ایراک پس از عراق عجم و اتفاق به‌نام «رنجبر» در سال ۱۲۸۹ را در کارنامه دارد. کتاب فقه این نویسنده نواندیش، در دبیرستان‌ها تدریس می‌شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۷).

نخعی، حسن (۱۲۶۸-۱۳۷۰ خ)، فرزند علی‌خان، از افسران بلندمرتبه اهل آشتیان و دارای تحصیلات عالی نظامی بود. تیمسار نخعی، مردی دقیق، جوانمرد و گشاده‌دست، هم‌چنین آجودان مخصوص شاه و رئیس شهربانی تبریز بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۵۸).

نخعی، محمدتقی (قرن ۱۳)، فرزند میرزا نصراله، فرزند محمدشریف و ملقب به وثوق-حضرت، اهل آشتیان، از بزرگان اواخر دوره قاجار بود و در آذربایجان ابتدا منشی‌گری کرده، سپس مستوفی و سررشته‌دار کل مملکت آذربایجان شد (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۳۷۱).



نخعی، محمدکریم (زندگی ۱۱۸۹ خ)، فرزند عطاءاله آشتیانی، هنرمند خوشنویس و از مشاهیر کاتبان است و کتاب الصافی اثر ملامحسن فیض‌کاشانی را در اسفند ۱۱۸۹ به عربی و به خط شکسته نستعلیق تحریر کرده است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۵۸).

نخعی آشتیانی، محمد مؤمن (زندگی ۱۲۱۴ خ)، فرزند محمدحسین، معروف به حکیم آشتیانی، طبیبی برجسته و شاعری خوش‌قریحه و خوشنویسی زبردست بود. او رساله‌ای به فارسی در طب به‌نام «تذکره العلاج» و به‌نام فتح‌علی‌شاه و عباس میرزای قاجار و دیباچه آن‌را به‌نام شعاع‌السلطنه حسنعلی میرزا قاجار و با خط زیبای شکسته نستعلیق نگاشته که تاریخ تألیف آن ۱۲۱۴ است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۶۲).



نراقی، احسان‌اله (۱۳۰۵-۱۳۹۱ خ)، فرزند شیخ‌حسن و بانو رخشنده، متولد نراق (دلیجان)، از نوادگان ملامهدی فاضل‌نراقی، تحصیلات مقدماتی را تا کلاس یازدهم در مدرسه پهلوی کاشان و سال دوازدهم را در دارالفنون تهران گذراند و ابتدا دو سال در دانشگاه تهران به تحصیل حقوق پرداخت و سپس راهی سوییس شد و از دانشگاه ژنو، لیسانس جامعه‌شناسی گرفت و با بورس تحصیلی در مقطع دکترا از دانشگاه سوربن به فرانسه رفت. بازگشت او به ایران در سال ۱۳۳۱ در اوج اقتدار ملیون، وی را به رابط غیر رسمی میان مصدق و کاشانی و از طرفی به عامل دکتر مصدق در سوییس تبدیل کرد و با گزارشات ایشان بود که سفیر سوییس در ایران جایگزین شد. نراقی با ورود به حلقه قدرت در اوایل دهه ۳۰، توانست از طریق غلامحسین صدیقی، در دانشگاه تهران مشغول بکار شود و هم‌زمان با کمک او و علی‌اکبر سیاسی، موفق شد مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی را بنیانگذاری و به مدت ۱۲ سال مدیریت کند. این مؤسسه علاوه بر انتشار کتب متعدد در زمینه علوم اجتماعی، در تهیه و تدوین طرح جامع کلان‌شهرهایی هم‌چون تهران و شیراز نقش داشت و به‌عنوان پژوهشگر حوزه فلسفه و جامعه‌شناسی و تنها فرد ایرانی که معاونت یونسکو را عهده‌دار بود و نیز به‌عنوان مشاور فرح پهلوی، فرد بسیار تأثیرگذاری بوده و در واقع رویکرد فرهنگی ایران در این دوره تاریخی توسط ایشان ترسیم شد و بدین ترتیب یکی از شخصیت‌های مؤثر تاریخی ایران به حساب می‌آید و سه تن از شاگردان برجسته او نیز نقش اساسی در بخشی از تاریخ سیاسی ایران داشته‌اند که عبارتند از حسن حبیبی، ابوالحسن بنی‌صدر و صادق قطب‌زاده (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۰۰).

نراقی، حبیب‌اله (۱۲۶۷-۱۳۱۲ خ)، فرزند ملامحمد **دلیجانی**، در شهرداری تهران مسوولیت مهمی داشت و سنگ‌فرش و ایجاد نهر آب و کاشت درختان چنار خیابان ولیعصر و نیز ساخت خیابان آیزنهاور از یادگارهای اوست. رضاشاه حبیب‌اله‌خان نراقی را خوب می‌شناخت و این کارگزار برجسته را با نام صدا می‌زد. **نراقی، شهاب‌الدین** (درگذشته ۱۳۱۰ خ)، فرزند فخرالدین، از عالمان خاندان نراقی (**دلیجان**) است که تحصیلات خویش را در کاشان آغاز و سپس در نجف و نزد بزرگانی چون شیخ محمدکاظم خراسانی به‌پایان رساند و از علامه میرزا حبیب‌اله شریف‌ساوجی اجازه روایت گرفت. او سپس به کاشان بازگشت و تولیت مدرسه سلطانی کاشان را عهده‌دار شد. البدائیه در مسأله بداء‌اثری است که از وی به‌یادگار مانده است.

نراقی، فتانه (۱۳۰۸-۱۴۰۰ خ)، همسر محمدامین میرفندرسکی بود که پس از پایان دوره اول معماری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، راهی ایتالیا شد و از دانشکده معماری فلورانس در سال ۱۳۴۳ مدرک معماری گرفت و به ایران بازگشت. او تا دهه ۱۳۵۰ در دانشکده ملی تدریس داشت و نخستین بانویی

^۱ آشکار شدن، ظهور و یا تغییر در قصد و منظور از آن تغییر مقدرات غیرحتمی از سوی خدا بر اساس افعال اختیاری انسان و نیز حوادث و وقایع و تحت شرایط و عوامل ویژه.

است که در ایران و در رشته معماری به درجه استادی رسید.

نراقی، محمد (۱۰۵۸-۱۱۱۸ خ) متخلص به «مخلص» از مشاهیر نراق (دلیجان)، در دوران جوانی به کاشان رفت و فنون شاعری را آموخت. وی طرفدار سبک هندی بود و پس از کسب شهرت در شاعری، مورد توجه دربار صفوی قرار گرفت. در سنین بالای عمر چون آوازه علامه نراقی به پایتخت (اصفهان) رسید، اعتمادالدوله او را به اصفهان فرا خواند و در آن جا ماندگار شد.

نراقی، محمد (۱۱۷۹-۱۲۵۸ خ)، فرزند احمد فاضل نراقی، ملقب به عبدالصاحب و حجت الاسلام، تحصیلاتش را نزد پدرش علامه احمد نراقی به انجام رساند و در علم و فضیلت مورد محبت پدر بود. علامه محمد نراقی طبع شعر نیز داشت و متخلص به «صاحب» بود و نیکو می‌سرود. از تصنیفات او سه عنوان کتاب به نام «مشارق الاحکام» در فقه و



«انوارالتوحید» در حکمت الهیه و «مراصد» در اصول فقه و مثنوی صاحب باقی مانده است.

نسبتی عراقی (قرن ۱۱)، از شعرای قرن یازدهم عراق (اراک) بوده و طبعی روان داشته و این بیت از اوست: ترا پنهان نظر سوی من زار است می‌دانم / تغافل کردند از بیم اغیار است می‌دانم (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۲).

نشیبیا، مریم (۱۳۲۵ خ)، از پدرمادری انجدانی (اراک) در تهران متولد شد. او که لیسانس

جغرافیای اقتصادی دارد، از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۷۴ دبیر جغرافیا بود. سپس کار گویندگی در رادیو و تلویزیون را از ابتدای سال ۱۳۵۷ آغاز و صرف‌نظر از یک وقفه پنج‌ساله، تاکنون ادامه داده و از سال ۱۳۷۴، پس از بازنشستگی از آموزش و پرورش، عمده فعالیت خود را بر



گویندگی معطوف ساخته است. نشیبیا، علاوه بر گویندگی خبر و همکاری با برنامه‌های روزانه و هفتگی، اجرای برنامه «شب‌بخیر کوچولو» را به‌صورت شبانه از سال ۱۳۶۹ پی گرفته است. این سینماگر، هم‌چنین مجری برنامه «گلبانگ» از رادیو ایران است و در زمینه کار تلویزیونی نیز، ضمن گویندگی در برنامه‌های مستند علمی و آموزشی و برنامه‌های تلویزیونی «سینما دو» و «سینما چهار»، اجرای مجموعه «صداها» ماندگار و «روز نوروز» را هم بر عهده داشته است.

نصیر، زین‌العابدین (۱۲۸۶-۱۳۷۳ خ)، فرزند میرزا احمد، از پدر و مادری تفرشی در

تهران به دنیا آمد و مدارج تحصیلی را از آموزشگاه اسلام آغاز و در دارالفنون به پایان برد. وی عهده‌دار مشاغل فرهنگی و اداری مختلف در وزارت فرهنگ و اوقاف بود و ضمن همکاری با نشریات آن زمان، خود نیز صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول روزنامه رضوان در تهران شد. ایشان در سال ۱۳۰۶ از پیش‌کسوتان تعلیم و تربیت و از بنیانگذاران مدارس سبک نوین در تفرش و نیز از پیش‌کسوتان تألیف کتب درسی آن زمان محسوب می‌شود. صراط‌الرضوان، تاریخ ایران، مجموعه نصایح و امثال، زبده‌الحکایات، شهرالله، خیرالزاد، شرعیات و تعلیمات دینی، کلید دانش، راه دانش و... برخی از آثار



این نویسنده و پدر مدارس نوین تفرش است^۱ (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۸۳).

نصیرالاسلامی، فضل‌اله (۱۲۸۰-۱۳۵۵ خ)، فرزند میرزا محمدکریم (صدرالشریعه)، پس

از فرا گرفتن مقدمات علوم دینی نزد پدرش در روستای دهنو (**خمین**)، به حوزه علمیه اراک

آمد و دوره مقدماتی، سطح و خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌اله آقا شیخ محمدسلطان

گذراند و در ۳۵ سالگی به درجه اجتهاد رسید. این عالم دینی هم‌چنین ضمن تدریس و اقامه

نماز جماعت، سرپرستی مدرسه حاج محمدابراهیم را هم برعهده داشت (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۰۳۹).

نصیرانجدانی، محمدرضا (زندی ۱۱۰۸ خ)، فرزند علاءالدین انجدانی (**اراک**) در اواخر قرن یازدهم

هجری می‌زیسته و از وزرای عصر صفوی بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۳).

نظام‌لشکر، علی‌نقی (زندی ۱۲۷۵ خ)، اهل **شازند**، مشهور به کزازی ریاست خاندان

بیات را داشته و مرکز او در کزاز، روستاهای حصار، فر و بصری بوده و هم‌چنین رئیس فوج

کزاز هم بوده است. در زمان ناصرالدین شاه، شورش‌هایی در فارس و ایلات و عشایر آن

سامان به تحریک انگلیسی‌ها بوجود آمده بود که فوج کزاز و دیگر افواج به سپهرداری نظام

لشکر این سردار نظامی، عازم فارس شد و با درایت، امنیت را به شهر باز گرداند (محتاطا، ۱۳۷۲: ۱۹۶).

نظامی‌گنجوی، جمال‌الدین الیاس (۵۸۴-۵۱۹ خ)، ملقب به ابومحمد، فرزند یوسف

بن مؤیدالمطرزی اهل **تفرش**^۲ و مشهور به نظامی‌گنجوی است که آثار ارزشمندی دارد و

یکی از بزرگترین شاعران ایران‌زمین و از ارکان شعر فارسی است که به گفته پارسی‌شناسان،

مرتبه او بعد از فردوسی قرار دارد و عبدالرحمن جامی سروده‌هایش را کشف حقایق و معارف

می‌داند. این شاعر توانمند حماسه خسروپرویز پادشاه ایران با شیرین را به شاهکاری ادبی تبدیل کرده و

مخزن‌الاسرار، لیلی‌ومجنون، هفت‌پیکر و اسکندرنامه از دیگر شاهکارهای اوست که به‌عنوان صاحب سبک

و پیشوای داستان‌سرایی در ادبیات فارسی ایران شناخته می‌شود. نظامی در زمره گویندگان توانای فارسی

است که نه‌تنها دارای سبکی منحصر به‌خویش است، بلکه تأثیر او بر شعر فارسی در شاعران پس از خود

هم پیداست. نظامی تفرشی، هم‌چنین از دانش‌های رایج روزگار خویش اعم از علوم ادبی، نجوم، فلسفه، علوم

اسلامی، فقه، کلام و زبان عربی آگاهی گسترده‌ای داشته و از این روی یکی از دانشمندان مؤثر تاریخ ادبیات

ایران به‌شمار می‌رود. در سال ۱۴۰۰ خانه او در تفرش با حضور نماینده یونسکو پلاک‌کوبی^۳ شد و روز ۲۱

اسفند هم در تقویم رسمی ایران روز بزرگداشت نظامی‌گنجوی است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۸).



۱. نخستین فردی است که پیشنهاد تغییر نام عراق به اراک را در ۳ مهرماه ۱۳۱۴ طی مقاله‌ای در نشریه نامه عراق مطرح نمود.

۲. به گفته آقابزرگ تهرانی تراجم‌نگار شیعی، اصل او از تفرش، شهری نزدیک اراک بوده ولی در گنجه رشد یافته است.

۳. این کار مهم به همت فرماندار وقت آقای دکتر حاج‌علی بیگی صورت گرفت.

نظردنبوی ساوجی، حمید (۱۳۴۴ خ)، فرزند رمضانعلی، اهل روستای سیلچرد (ساوه)،

تحصیلات ابتدایی را در همین روستا و راهنمایی را در ساوه گذراند و برای دفاع از میهن عازم جبهه شد. او که دارای قریحه شعری بود در سال ۱۳۷۸ در دانشگاه پیام‌نور ساوه، زبان‌وادیات فارسی خواند و به‌تشویق دوستان به سرودن شعر روی آورد. این شاعر متخلص به «حامد» اشعار بسیاری در قالب غزل، نوحه، مرثیه و منقبت ائمه اطهار دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۱۸).

**نظری، فاضل (۱۳۵۸ خ)،** متولد خمین، تحصیلات اولیه را در خمین و خوانسار گذراند و

از دانشگاه امام‌صادق و نیز دانشگاه شهیدبهبشتی در رشته معارف اسلامی و مدیریت، دانش آموخته شد. او از سال ۱۳۸۳ در دانشگاه‌های تهران و شهیدبهبشتی در رشته مدیریت تدریس می‌کند و هم‌چنین به مدت ۱۰ سال مدیر حوزه هنری استان تهران بوده و مدیریت حوزه هنری کودکان و نوجوانان را هم بر عهده داشته است. فاضل در همه این سال‌های تدریس و مدیریت، به سرودن شعر هم مشغول بوده و اشعار ساده و عمیقش طرفداران بسیاری دارد. «گریه‌های امپراتور»، «اقلیت»، «آن‌ها»، «وجود» و هم‌چنین «ضد» برخی از کتب منتشره اوست. شاعر برگزیده مردم، پرمخاطب ترین شاعر ایران به انتخاب بنیاد ادبیات داستانی و انتخاب مجموعه شعر اقلیت در ۱۲۵مین دوره جایزه کتاب سال برخی از افتخارات اوست.

**نظمی، محمدصادق (۱۳۳۱ خ)،** فرزند رضا و بانو حنیفه، از نوجوانی نقاشی می‌کرده و

اگرچه از هنرستان اراک دیپلم اتومکانیک دارد، ولی یکی از نقاشان چیره‌دست ایران است و استاد مجیدیان یکی از شاگردان اوست. این هنرمند به مدت ۵ سال در تهران و نزد استادان بزرگ دوره آبرنگ و رنگ‌وروغن دیده و سپس دوره عالی نقاشی را در هنرستان کمال‌الملک گذراند و بیش از ۵ دهه در اراک، مشهد، تهران و دبی به آموزش نقاشی مشغول است.

**نظیری آستانه، حمید (۱۳۵۴ خ)،** تحصیلات مقدماتی را در اراک گذراند و از دبیرستان

صمصامی دیپلم گرفت. هنرجوی انجمن سینمای جوانان اراک، دانش‌آموخته دانشکده صداوسیما، تهیه‌کننده، کارگردان و مستندسازی است که برنده جایزه بهترین کارگردانی آثار مستند و تندیس ویژه آثار برگزیده جشنواره برای ساخت مستند وحوش هفتادقله شده است. این سینماگر هم اکنون نیز رئیس صداوسیمای مرکز گیلان است.

**نعمتی ساوجی، احمد (۱۳۱۱ خ)،** در ساوه متولد شد و در ۷ سالگی ابتدا در مکتبخانه

قرآن، حساب سیاق، گلستان و تاریخ را آموخت و پس از آن دبستان و دوره دبیرستان را پشت سر نهاد و معلمی پیشه کرد. او سپس وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۹ در رشته فرهنگ و تمدن اسلامی دانش‌آموخته شد و به‌عنوان دبیر دبیرستان، دانشسرا و مراکز تربیت معلم و نیز دانشگاه آزاد تدریس کرد. ساوه‌نما، ساوه شهر باستانی، تاریخچه زندگی سلمان ساوجی و نیز



گلبرگ ادب از آثار این نویسنده و شاعر ساوجی است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۲۱).

نعیمی، احمد (۱۳۵۳ خ)، فرزند امیدعلی و بانو رقیه، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستای گل‌زرد (**شازند**) گذراند و جهت ادامه تحصیل به دانشسرای شازند رفت و با دریافت دیپلم به آموزگاری پرداخت. وی سپس در دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه اراک ادامه تحصیل داد و لیسانس گرفت. او که از همان دوران دانشسرا به‌خواندن اشعار شاعران بزرگ علاقه‌مند بود، از سال ۱۳۷۹ به‌صورت جدی‌تر به سرودن شعر پرداخت و در سال ۱۳۹۰ در مسابقات شعر «غدیر» برگزیده شد. ایشان در مسابقات بر آستان دوست (۱۳۹۱) رتبه دوم و در مسابقات شعر عاشورایی (۱۳۹۲) هم به‌عنوان نفر برگزیده شناخته شد. شعر ارسالی ایشان برای ساخت سرود اراک (۱۳۹۷) به‌عنوان یکی از اشعار خوب شناخته شد که با نام «سرای امیران نامی؛ اراک» نه به‌عنوان سرود اراک، که توسط هنرمند برجسته موسیقی (مهدی عبدلی) خوانده شد و به‌عنوان یک اثر زیبا از رسانه ملی و در آیین‌های فرهنگی اجرا می‌شود. در ضمن برخی از اشعار ایشان در کتب مشترک با شاعران کشور چاپ شده که از آن جمله‌اند: از زبان غزل (به‌کوشش زهرا رضازاده)، کتاب زیرمیزی (مجموعه اشعار طنز به‌کوشش غلامرضا خدارحمی و سمیه صالحی)، کتاب افکار سپید (به‌کوشش زهرا رضازاده). این شاعر و پژوهشگر محلی هم‌چنین یک شعر منحصر به‌فرد به‌زبان محلی (روستای گل‌زرد) سروده که مؤلفه‌هایی مانند آداب و رسوم، کاشت، داشت و برداشت محصول، افراد تأثیرگذار و مشاغل مهم این روستای شازند را معرفی می‌کند.



نعیمی، داود (۱۳۴۵ خ)، فرزند میرزآقا و بانو بتول، تحصیلات مقدماتی را مدارس طالقانی و امیرکبیر گذراند و از دبیرستان امام علی دیپلم گرفت. او سپس وارد حوزه علمیه شد و به تحقیقات دینی و تاریخی همت گمارد. این عالم دینی چندین عنوان کتاب نوشته که چندجلدی «افتخارآفرینان استان مرکزی»، «اویس زمان» و... از آن جمله‌اند.



نعیمی ساوجی، محمدحسن (۱۳۳۹ خ)، فرزند شاهپور و نوه میرزا حسن، از جمله کارگزاران مهم مملکتی، اهل ساوه پس از تحصیلات ابتدایی و دریافت دیپلم، پزشکی خواند و در رشته بیماری‌های آرتروز و روماتیسم، تخصص گرفت. این طبیب ساوجی، نویسنده کتابی است که «مختصری بر اسرار کتاب مبین» نام دارد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۲۶).

نکیسا، حسینعلی (۱۲۶۰-۱۳۵۲ خ)، فرزند ملارجعلی (مؤذن)، در محله ترخوران **تفرش** به‌دنیا آمد و آموزش مقدماتی را نزد پدر و میرزاابا فرا گرفت. وی موسیقی را با بچه‌خوانی در کنار پدر و کربلایی غلامحسین کریمی از تعزیه‌خوانان نامدار عصر خویش آغاز کرد و در تعزیه‌های حکومتی در تکیه دولت، تعزیه‌خوانی کرد. از نکیسا یازده صفحه در سه‌گانه، چهارگانه، بیات اصفهان، ابوعطا با تار شهنازی و پیانوی محبوبی موجود است. آخرین کنسرت این بزرگترین اجراکننده موسیقی آوازی، در سال ۱۳۵۱ و در تالار وحدت اجرا شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۸۵).



نمک کوری، محمدجعفر (۱۲۰۸-۱۲۸۳ خ)، در نمک کور (اراک) متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فرا گرفت و سپس در بروجرد از محضر سیداسداله بروجردی بهره‌مند شد و از آن‌جا به اصفهان و سپس راهی نجف شد و پس از تکمیل تحصیلات دینی به اراک بازگشت. این فقیه، خوش‌نویس و شاعر متخلص به «صافی» تألیفات و اشعار زیادی دارد که هنوز منتشر نشده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۶).

نهرمیانی، حسن (۱۳۳۱ خ) فرزند میرزا آقا و بانو شوکت، تحصیلاتش را در دبستان دهگان اراک گذراند و از دبیرستان مجیدی دیپلم گرفت. از آنجایی که از دوران کودکی علاقه‌مند به تنبک و دف بود و تا حدودی دف‌نوازی را به‌صورت خودآموز فراگرفته بود، در دوره دبیرستان در مرکز هنری فرهنگ‌وهنر، دوره نظری موسیقی را نزد استاد مسکوک‌کی گذراند. در دوران سربازی که به‌عنوان سپاهی دانش به کردستان رفته بود، محضر استاد میرزا آق‌ه غوثی را درک کرد. او سپس در آموزش و پرورش استخدام شد و هم‌زمان در انستیتو تربیت مربیان تهران مأمور به‌تحصیل شد و کارشناسی هنر گرفت. او سپس در مرکز حفظ‌واشاعه رادیووتلوویزیون در محضر استاد محمود فرهنگدبافی شاگردی کرد. این هنرمند دف‌نواز هم‌چنین آموزشگاه موسیقی مهرآوا را تأسیس و مدیریت می‌کند و هم‌چنین در نشست‌های فرهنگی هم دف‌وتنبک می‌نوازد.



نهرمیانی، مجتبی (۱۳۵۹ خ) فرزند حسن و بانو ناهید، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی

را در مدارس آیت‌اله غفاری و حکمت اراک گذراند و دبیرستان را در امام‌علی و امام محمدباقر به‌پایان رساند و در دانشگاه آزاد اراک مدیریت صنعتی خواند. او که پدرش هنرمند موسیقی و دف‌نواز است و از دوران کودکی با دف و تنبک آشنا بود، پس از گذراندن دوره ابتدایی، متوسطه و عالی نزد پدر، به کلاس‌های دف استاد بیژن کامکار راه یافت و پس از دوران سربازی مکتب استاد بهمن رجبی را هم درک کرد. ایشان از سال ۱۳۹۲ به‌تدریس این ساز در آموزشگاه‌های موسیقی وزیری، حصار و مهرآوا روی آورد و هم‌چنین با گروه موسیقی نوبانگ، مهرگان، وزیری، امیرکبیر، عنذلیب و فسانه اجرای صحنه داشته و با گروه مهر استان به‌جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر راه یافت و موفق به کسب عنوان چهارم با این گروه شد.



نواب، سیدنورالدین (۱۲۶۳-۱۳۳۲ خ)، فرزند سیدنصراله، متولد روستای نهرمیان

(شازند)، پس از آموختن علوم مقدماتی به ادبیات و شعر روی آورد و خانه‌اش محفل ادیبان و شاعران شد و نخستین انجمن شعر و ادب اراک در خانه او شکل گرفت. او نخستین دبستان به‌سبک نوین بعد از صمصامی را با نام «ترقی» در اراک تأسیس کرد و تعدادی معلم ریاضی، فرانسه و علوم به همکاری فراخواند و وقتی با مخالفت مکتب‌داران مواجه شد، امتیاز مدرسه را به یکی از افراد شریف و مردمی به نام سیدباقر داودی واگذار کرد. از این شاعر و نویسنده علاوه بر اشعار اجتماعی و سیاسی (قصیده، غزل و مثنوی)، چند عنوان کتاب هم به‌یادگار مانده که عبارتند از: نامه



خسروان^۱، گلشن دانش (دیوان شعر)، خورشید حقیقت^۲، پرتو ایزدی^۳ و گفتار من (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۵۹).
نوازنی، مسلم (۱۳۴۹ خ)، فرزند معصومعلی و بانو زهرا، تحصیلاتش را در دبستان عدی ابن حاتم نوازن (اراک) و راهنمایی شهید بهشتی میچان گذراند و از دبیرستان امام باقر اراک دیپلم گرفت و سپس با سمت دارویار در سازمان تأمین اجتماعی اراک استخدام شد. سروده های این شاعر خوش قریحه، در کتابی با نام «احساس واژه» به چاپ رسید و در سال ۱۴۰۱ در محل خانه فرهنگ و با همت انجمن قائم مقام رونمایی شد.



نوازنی، معصومه (۱۳۵۰ خ)، با نام دوم مسعوده، فرزند عطاءاله و بانو فاطمه، متولد اراک، تحصیلاتش را در دبستان تابان مهر و راهنمایی شهید مرادخانی تهران گذراند و از دبیرستان هاجر دیپلم گرفت و در رشته مترجمی زبان و ادبیات انگلیسی وارد دانشگاه آزاد اراک شد. او فعالیت هنری خود را در دوره دانشجویی آغاز کرد و در جشنواره تئاتر، رتبه یک بازیگری نقش اول زن را کسب کرد. پس از فارغ التحصیلی و همکاری کوتاه مدت با مرکز صداوسیما اراک، در سال ۱۳۷۴ با عنوان گزارشگر و مجری تلویزیون در شبکه ۴ سیما ادامه فعالیت داد و از سال ۱۳۷۷ به عنوان گوینده رسمی معاونت صدا، در رادیو بکار گویندگی و نویسندگی پرداخت. وی که از سال ۱۳۸۰ کار تألیف و ترجمه در حوزه کودک و نوجوان را آغاز کرده بود، ضمن همکاری با مطبوعات کودک و نوجوان، آثاری هم از خود به یادگار نهاد که «آدم برفی و مترسک»، «غول اسباب بازی خوار»، ترجمه «ادی پایپر»، «دردسرهای پرستار اژدها»، «هر چه می خواهی از من بپرس»، «سلام، کسی آنجا نیست» و «بارنی جغد انباری» از آن جمله اند. گوینده برتر جشنواره رادیویی (۱۳۸۵) و نویسنده برتر جشنواره رادیویی (۱۳۸۶) برخی از افتخارات بانوی نویسنده ای است که از سال ۱۳۹۸ در عرصه صداپیشگی و دوبله هم وارد شده و عضو انجمن صنفی نویسندگان کودک و نوجوان نیز هست.



نوبخت، عطاءاله (زندگی ۱۳۵۷ خ)، فرزند امان اله خان، اهل خمین، از افسران برجسته گارد جاویدان در زمان محمدرضا شاه پهلوی بود و در اکثر مسافرت ها شاه را همراهی می کرد. سرهنگ نوبخت پس انقلاب به آمریکا رفت و ساکن شد^۴ (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۰۴۵).



^۱ تاریخ منظوم مشتمل بر ۱۰۰۰ بیت از انقراض ساسانیان تا دوره معاصر.

^۲ وقایع کربلا به صورت شعر

^۳ چگونگی آفرینش و رسالت پیامبران به صورت نثر

^۴ جد بزرگ ایشان، خان یکی از رؤسای طایفه دلایی بوده است.

نوبری، سیدحامد (۱۳۶۵ خ)، اهل اراک، کارشناس ارشد سینما که نخستین فیلم خود

را در سال ۱۳۸۶ تولید کرد. فیلم دوم او در سال ۱۳۸۷ مستند کوتاه «مشهدقالی» است که از آن به عنوان بهترین فیلم خود یاد می‌کند. سپس مستند «فقط کمی نور» را تولید می‌کند که راجع به روستایی در خراسان شمالی است که مردم و حیوانات اهلی و وحشی آن منطقه حدود سه قرن، نابینا به دنیا می‌آمدند. مستند «بی‌بی تولدت مبارک» ساخته‌ی این سینماگر، موفق شد در نخستین اکران به Short film corner کن راه یابد.



نوذری، ابوالقاسم (زندگی ۱۲۸۵ خ)، فرزند ملامحمود عراقی (اراک)، از بازرگانان سرشناس و برادر ابراهیم نوذری است که در کارهای نیکوکارانه او شریک بود. وی همچنین از آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان عضو انجمن دموکرات بود و سرای نوذری و پل مسجدسیدها و همچنین کارخانه برق اراک یادگار اوست (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۷).

نورالدین آشتیانی، علی اصغر (۱۲۹۷-۱۳۸۳ خ)، از تهیه‌کنندگان برجسته سینمای ایران است که در سال‌های جوانی به‌استخدام وزارت کار درآمد، ولی علاقه‌اش به سینما و تأثیر موجب شد تا از اوایل دهه ۱۳۲۰، برای انتشار فیلم‌هایی نو، که کسی رغبت به سرمایه‌گذاری در آن نداشت تلاش نماید. او فیلم‌هایی مانند همشهری کین ساخته اورسن ولز را در حالی وارد ایران کرد، که برای برخی از آنها نمایش دهنده‌ای نمی‌یافت. در سال ۱۳۵۱ نخستین دبیر جشنواره جهانی فیلم تهران شد و در دهه ۵۰ به‌عضویت شورای عالی هنرهای نمایشی درآمد. آخرین کار مهم این سینماگر، تهیه فیلم انیمیشن بلند «موش و گربه» بر مبنای اثر معروف عبید زاکانی بود.

نورایی، حسن (۱۲۹۳ خ)، فرزند محمدحسن مجتهدآشتیانی، دوره ابتدایی را در آشتیان و متوسطه را هم در مدرسه صمصامی اراک گذراند و وارد مدرسه نظام کرمانشاه شد. او سپس به دانشکده افسری راه یافت و در دانشکده مهندسی ارتش مدرک گرفت و در دانشگاه جنگ پذیرفته شد. ریاست دارایی ارتش، ریاست تدارکات ارتش و ریاست بازرسی کل وزارت جنگ از مشاغل این سپهبد و سردار نظامی است. درستکاری، نیک‌نفسی و دقت وی در ارتش زبان‌زد محافل نظامی بود (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۹۵).

نورایی، خداداد (۱۳۱۱ خ)، فرزند رحمت‌اله و بانو سکینه، در روستای مالمیر سربند

(شازند)، به دنیا آمد و دوران کودکی و نوجوانی را زیر نظر پدر خویش که فرد ملایی بود آموزش دید. او سپس در ۱۷ سالگی راهی تهران شد و ضمن ادامه تحصیل به‌استخدام ارتش درآمد. وی پس از دریافت دیپلم وارد دانشگاه نظامی شد و به درجه افسری رسید.



ایشان که از نوجوانی متوجه قریحه شعری خود شده بود، در تهران به محافل ادبی راه یافت و سال‌ها مسوول دبیرخانه شعر شاعران کرج بود. مسوول واحد ادبی اداره کل فرهنگ و ارشاد استان مرکزی، تاسیس و اداره انجمن شاعران پیشکسوت اراک، تاسیس و اداره انجمن نور اراک از سال ۱۳۸۰ تا کنون برخی دیگر از

سوابق فرهنگی اوست. «با قبیله آفتاب»، «آینه در آینه» و «آذرخش احساس» ۳ مجموعه اشعار منتشره‌ی اوست و بخشی از اشعارش هم در کتب منتشره‌ی انجمن نور اراک و همچنین در مجموعه «باغ ارغوان شاعران کرج» منتشر شده است.

نوری، حانیه (۱۳۸۶ خ)، فرزند علی و بانو فاطمه، زاده شه‌باز (شازند)، در سن ۴ سالگی

در بازی با انگشتانش شروع به گفتن قصه کرد، در ۸ سالگی نخستین داستانش را با نام «نقطه بازیگوش» نوشت، اما به دلیل نداشتن اطلاعات کافی، این کار او تا سن ۱۱ سالگی ادامه یافت تا روزی که قصه «سرخس افسانه‌ای» را نوشت. معلم ادبیات نوجوانی پدرش به نام هادی غلامی با خواندن قصه، پدر را راهنمایی کرد و با همکاری خدیمی قصه‌های این نوجوان به چاپ رسید. نخستین کتاب او در سال ۱۳۹۸ به نام خورشید سفید که ۱۱ قصه کوتاه داشت چاپ شد و در سال ۱۳۹۹ کتاب «جزیره هزارویک گل» و در سال ۱۴۰۰ هم «چشم جادویی» از این نویسنده جوان منتشر شد.



نوری، میترا (۱۳۳۹ خ)، فرزند نصرت‌اله و بانو مهین، دوره ابتدایی را در دبستان سوریاش

و راهنمایی آذرمیدخت گذراند و از دانشگاه اراک لیسانس زیست‌شناسی و از دانشگاه تهران فوق‌لیسانس گرفت. او سپس راهی انگلیس شد و از دانشگاه لندن و رؤیال‌بوتانیک گاردن‌زکیو دکترای تخصصی همین رشته را دریافت و هم‌اکنون به عنوان استاد، مدیر گروه زیست‌شناسی و معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم دانشگاه اراک مشغول خدمت است. تألیف ۷ عنوان کتاب علمی تخصصی از جمله سیستماتیک گیاهی، تالوفیت هافلور، کشت بافت و سلول گیاهی، راهنمای فلور گیاهان محوطه دانشگاه اراک و ارائه بیش از ۱۰۰ مقاله در مجلات داخلی و خارجی از آثار علمی این نویسنده دانشگاهی است.



نوعی ساوجی، محمد (۱۳۱۹-۱۳۵۶ خ)، در ساوه به دنیا آمد و از کودکی به شعر و ادبیات علاقه‌مند بود و به همین دلیل با چاپ اشعارش در نشریاتی مانند روزنامه اطلاعات، مجله کودک و روزنامه آیندگان، نامش در زمره شعرا قرار گرفت. از این شاعر ساوجی تاکنون ۳ مجموعه شعر با نام «لاله»، «آفتاب سیاه» و «خزر» چاپ و منتشر شده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۲۹).

نویسی، حسن (۱۲۵۴-۱۳۳۰ خ)، فرزند نصیر تفرشی، از فقها و دانشمندان عصر خود بوده و در حوزه علمیه قم تدریس می‌کرده و به عنوان عالم دینی تألیفاتی در فقه و اصول دارد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۱).

نیازی ساوجی (قرن ۱۰)، از شعرای قرن دهم و از مداحان عبدالرحیم خان‌خانان بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۳۱).

نیرآشتیانی، محمدعلی (زندگی ۱۲۵۶ خ)، هنرمند خوشنویسی که مجموعه ۳۴۶۴ ملک شامل جاماسب‌نامه (به عربی و موضوع کتابداری) و... را به قلم نستعلیق و در سال ۱۲۵۶ برای میرزا محمود

مستوفی تحریر کرده است (حضرتی‌آشتیانی، ۱۳۹۹ : ۵۴۷).

نیرسینانراقی، هدایت‌اله (۱۲۹۴-۱۳۷۷ خ)، فرزند ملامحمد و بانو منور، تا ۶ سالگی

در نراق (**دلبران**) رشدونمو یافت و با فوت پدرش، تحت سرپرستی برادرش حبیب‌اله‌خان، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران با موفقیت گذراند. او سپس در دانشسرای عالی تهران ادبیات فارسی خواند و دانشنامه دکتری گرفت. او سپس به تدریس در دبیرستان‌های تهران و بعد در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و دانشکده افسری پرداخت. او هم‌زمان با رادیو ایران همکاری می‌کرد و مدتی ریاست شورای شعر رادیو ایران را بر عهده داشت. اشعار و مقالات آقای نیرسینا در نشریات کشور به چاپ رسیده و چندین جلد کتاب درسی برای تدریس در دانشکده افسری تألیف کرده است. نیرسینا در آبان ۱۳۵۶ بازنشسته شد و اوایل انقلاب ایران را به‌سوی فرانسه ترک کرد و پس از مدتی برای همیشه در ایالات متحده آمریکا اقامت یافت و در همان‌جا درگذشت.^۱



نیساری، محمود (۱۳۰۸-۱۳۸۶ خ)، مشهور به عاشیق‌محمود، آخرین خنیاگر موسیقی ایل شاهسون ساوه است که استاد مبصری ۶۸ ساعت از گفتگو با ایشان را ضبط کرده و قرار است توسط فرهنگستان هنر منتشر گردد. وی حافظه موسیقایی و داستان‌سرایی ایل شاهسون به‌شمار می‌رود و ۲۲ مقام موسیقی ایل شاهسون را می‌داند.

نیسانیان، مؤسس (۱۲۸۰-۱۳۴۱ خ)، در سال ۱۲۹۳ و در پی قتل‌عام ارامنه باشکاله و

کشته شدن پدر و مادر و خویشاوندان، تحت حمایت یکی از شیوخ کرد عثمانی به ایران آمد و پس از کوتاه‌زمانی، در مدرسه ارامنه تبریز ادامه تحصیل داد و ۳ سال هم در ایروان به تحصیل طب پرداخت و دوره پزشکی را در دانشگاه سوربن پاریس با درجه عالی گذراند.



او در سال ۱۳۱۰ با همسر و فرزندانش به **اراک** آمد و به مدت ۳۰ سال در این شهر ماندگار شد. این طبیب برجسته و مردمی ۴ پسر داشت که از لحاظ توجه به درس و تحصیل و از جهت تربیت خانوادگی، نمونه بودند و دوره ابتدایی و متوسطه را در اراک گذرانده و برای تحصیلات دانشگاهی به پاریس رفتند. او سپس همسرش را برای سرپرستی فرزندانش روانه فرانسه کرد. دکتر نیسانیان که سال پایانی عمر خود را ساکن تهران شده بود، در اثر پیشامد رانندگی و در مسیر بازگشت از بابلسر به تهران و برخورد خودرو در نزدیکی شهرستان نور با کوه، جان خود را از دست داد^۲ (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۰۲).

نیستانی، غلامحسین (قرن ۱۳)، اهل روستای نیستان (**اراک**)، از مجتهدان معاصر آقانوردین اراکی و عالم دینی بوده است.

^۱. برادر ناتنی حبیب‌اله‌خان نراقی که او را به علم و تحصیل ترغیب نمود و پشتیبان او بود تا به درجات عالی رسید.

^۲. خیابان نیسانیان اراک که محل زندگی ارامنه است و نیز کلیسای مسروپ مقدس در آن قرار دارد به نام اوست.

نیک‌بخش، سعید (۱۳۴۱ خ)، فرزند ابوالقاسم، اهل مأمونیه (زرنديه)، از کودکی تعزیه می‌خوانده و از همین رهگذر به موسیقی علاقه‌مند و از سال ۱۳۷۰ آموزش موسیقی را در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی صداوسیما آغاز کرد و زیر نظر استاد شاپور رحیمی و استاد محمد منتشری آواز را آموخت و تئوری موسیقی، فن بیان و شعر را هم نزد استاد حسن زرگانی آموزش دید و از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز تدریس گرفت و هم‌چنان ضمن تدریس، اجرای کنسرت هم دارد (چراغی، ۱۳۹۵: ۳۸۸).

نیک‌پور، صغرا (۱۳۵۰ خ)، با نام دوم افسون، اهل اراک، دانش‌آموخته مرمت از دانشگاه



هنر تهران و مؤلف کتاب‌های متعددی در زمینه مرمت از جمله اسرار مقرنس، حفظ هویت بافت تاریخی، گنج تاریخی بازار اراک، مرمت مقرنس (با نگاهی به مسجدجامع ساوه) و نگارش مقالات متعدد در مجلات و نشریه‌های ملی و بین‌المللی، محقق، پژوهشگر و نویسنده متن سریال‌های مستند تاریخی صداوسیما استان مرکزی از جمله مستند ۲۶ قسمتی «استان جانان» و مستند «تکیه بر عشق» و... وی هم‌چنین هنرمند، مجسمه‌ساز و نقاش است که برگزاری نمایشگاه‌های متعدد نقاشی در گالری‌های اراک و تهران را نیز در کارنامه دارد.

نیکپور، عبدالحسین (درگذشته ۱۳۴۰ خ)، مالک روستاهای فرنق و نصرآباد (خمین)، سناتور، رئیس اتاق بازرگانی، مؤسس بانک پارس، بانک فرهنگیان و بانک ملت است. ابراهیم نیکپور فرزند او، مدیرعامل بانک پارس بود و در خمین هم باغی احداث کرد که ساختمان اولیه بانک پارس شعبه خمین در آن قرار داشت. عبدالحسین نیکپور روستای فرنق را از عباس میرزای حشمتی و نصرآباد را از صمصام بختیاری خرید و دو باغ مهم در این روستاها احداث کرد. راه شوسه خمین به الیگودرز از جمله یادگارهای دیگر این دولتمرد کارآفرین است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۰۴۷).

نیک‌زاد، مرتضی (۱۳۵۴ خ)، فرزند قربانعلی، متولد روستای کله نهرمیان (شازند)،



تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش، راهنمایی را در نهرمیان، دبیرستان را در توره و تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع لیسانس در رشته تاریخ در اراک گذراند و در سال ۱۳۷۸ به‌استخدام بانک ملی ایران درآمد. وی از همان کودکی علاقه‌مند به مطالعه بود و در زمینه انسب و تاریخ، تحقیقات و مطالعات فراوانی انجام داده و تاکنون چندین عنوان کتاب منتشر کرده که عبارتند از: تاریخ سادات نوبی نهرمیان، شجره‌نامه خاندان امام‌خمینی، شجره‌نامه ایرانیان اصیل (شخصیت‌های شاهنامه)، شجره‌نامه خاندان امعلی همدانی، تاریخ و بیوتات آل محمد در استان مرکزی، بحر الانساب در نسب سادات، دائرةالمعارف آل محمد (شامل ۵۰ هزار نفر از سادات که نامشان در کتب انسب، تاریخ، تراجم و... آمده با ذکر منبع)، تاریخ آل محمد (سرگذشت سادات از زمان پیامبر تاکنون بر اساس کتب انسب، تاریخ، تراجم و...)، دولتهای آل ابوطالب، تاریخ کره، هم‌چنین اصلاح و صدور شجره‌نامه برای افراد متقاضی و شرکت در سمینارها و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی



نیکفام، یوسف (۱۳۴۹ خ)، فرزند ابراهیم و بانو صغری، تحصیلات خود را در دبستان شاهپور، راهنمایی عدالت و دبیرستان شهیدبهرستی **اراک** گذراند و از دانشکده فنی شهید چمران کرمان فوق‌دیپلم آمار گرفت. این نویسنده، پژوهش‌گر و مستندساز، بیش از ۲۰ عنوان کتاب منتشر کرده که طنزآوران اراک، درد مشترک، دستان، فهرست‌گان و تحلیل آماری مطالب فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، اراک‌نامه، روز سینما، گردش روزگار برعکس است، خاطرات روزگار سرکشی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی در اراک، درشکه‌چی، عکاس همایونی، سینما دنیای اراک، سفر شاهان به اراک و تاریخ شفاهی مطبوعات استان مرکزی از آن جمله‌اند. فصلنامه «رازان» مجله‌ای است فرهنگی/هنری/تاریخی که با تمرکز بیشتر بر محدوده جغرافیایی استان مرکزی از سال ۱۳۹۶ توسط یوسف نیکفام منتشر می‌شود.



نیکفر، محمدرضا (۱۳۳۵ خ)، اهل اراک، فیلسوف، متفکر و نماینده روشنفکری چپ ایران، در دانشگاه پلی‌تکنیک تهران مهندسی شیمی خواند و در آلمان به‌تحصیل در رشته‌های فلسفه، علوم سیاسی و مطالعات خاورمیانه پرداخت و از دانشگاه کلن در رشته فلسفه با رساله‌ای در مورد افکار مارتین هایدگر دکترا گرفت. از محمدرضا نیکفر علاوه بر چاپ مقالات متعدد، چندین کتاب هم منتشر شده است. نشریه فرهنگی «نگاه نو» در سال ۱۳۸۶ نیکفر را به‌عنوان بهترین نویسنده سال این مجله برگزید. از او علاوه بر کتب «خسونت، حقوق بشر، جامعه مدنی»، «ایدئولوژی ایرانی» و نیز کتاب «هوبرتشتالیشرت: شگردها، امکان‌ها و محدودیت‌های بحث با بنیادگرایان» درآمده بر روشنگری، چند عنوان کتاب هم به‌زبان آلمانی منتشر شده است.

نیکنام، عباداله (قرن...)، اهل روستای تیره (زرنديه) که تخلص شعری این شاعر «عندلیب» بوده و شرح حال ایشان را می‌توان در مجلات ترکی (وارلیق) یافت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۶۹۱).



نیکوهمت، احمد (۱۳۰۳-۱۳۸۶ خ)، فرزند علی‌اکبر نیکوهمت‌محمدی **تفرشی** و بانو خدیجه، پس از تحصیلات مقدماتی، از دانشگاه تهران لیسانس حقوق‌وادیات گرفت و مدتی به‌استخدام شرکت بیمه درآمد. این فعال مطبوعاتی و ادبی سال‌ها دبیر انجمن دانشوران ایران بود و علاوه بر پژوهش و نویسندگی، دارای طبع شاعری بود و با نگارش مقالات تحقیقی و تألیف کتاب و سرودن شعر، بر نشریات و روزنامه‌نگارانی که با انجمن‌های ادبی‌و‌هنری روابط نزدیک داشتند تأثیر گذاشت. وی با تشکیل مجامع ادبی در تهران و شهرستان‌ها خدمات شایانی به شعر و ادبیات کرد و در سال ۱۳۵۷، انجمن ادبی/هنری سخنوران ایران را تأسیس کرد. وی مدت‌ها خبرنگار، نویسنده و مدیر داخلی روزنامه طوفان شرق بود و آثارش را با نام «نیکوهمت» و «همتا» منتشر می‌کرد. این نویسنده و شاعر بیش از ۳۰ عنوان کتاب دارد که «شاه‌راه کمال»، «حقوق در اسلام»، «فروغ یزدان»، «گلزار سخن»، «زندگی‌و‌آثار بهار (۲ جلد)»، «نغمه‌های آسمانی»، «کاروان سخن»، «شرح قصیده ایوان

مدائن»، «خاقانی شروانی»، «ارمغان نوروزی»، «شکوه شعر»، «رجال قرن معاصر» و... از آن جمله‌اند (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۸۶).

و

واحدی ساوجی، علی (درگذشته ۴۷۱ خ)، ملقب به ابوالحسن فرزند احمد بن محمد بن علی بن متوَّبه الواحدی معروف به امام واحدی ساوه‌ای که به‌خاطر اینکه پدرش تاجر بوده، در نیشابور نشو و نما یافت و به فقیه‌ی مطلع در علوم لغت، شعر، تفسیر و اخبار تبدیل شد. او که از شاگردان ثعلبی بوده آثاری دارد که از آن جمله‌اند: اسباب نزول قرآن، الوجیز فی القرآن العزیز، شرح دیوان المتنبی، البسیط در تفسیر (۱۶ جلد)، المغازی، الاعراب فی الاعراب و چند کتاب دیگر. ابوحامد امام غزالی اسمای کتب خود را از نام کتاب‌های امام واحدی اقتباس کرده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۳۲).

واسطی ساوجی، مبارک (قرن ۴)، فرزند بختیار بن عبدالله، مشهور به ابوالکرام، عالم دینی و از رجال و محدثین بوده و در قرن چهارم می‌زیسته است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۷۹۷).

واشاقانی فراهانی، رمضانعلی (۱۳۴۶ خ)، فرزند محمدقربان و بانو صغری، از دبیرستان

سهم‌الملک بیات اراک دیپلم و از دانشگاه علامه طباطبائی تهران لیسانس و فوق‌لیسانس ترجمی زبان فرانسه و از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران هم دکتری زبان و ادبیات فرانسه گرفت. اشتغال در وزارت صنایع، سازمان امور اداری و استخدامی، وزارت خارجه و نیز در قوه



قضایه و نیز تدریس در دانشگاه و همکاری با شبکه جهانی سحر از او کارشناسی خبره ساخت تا از سال ۱۳۹۱ به‌عنوان عضو هیأت مدیره و نماینده ایران در صندوق بین‌المللی ارتقاء فرهنگ و هنر (FIPC) در مقر مرکزی یونسکو در پاریس مشغول شود. او هم‌چنین خوشنویسی را از محضر استادان واشاقانی فراهانی، امیرخانی و... آموخت و ضمن آموزش این هنر فاخر به بیش از ۳ هزار هنرآموز، در خارج از کشور هم به تدریس خوشنویسی و برگزاری نمایشگاه‌های خط و تذهیب همراه با سمینار و کارگاه عملی به همراه همسرش مهری واشاقانی فراهانی و معرفی این هنر ایرانی به مخاطب خارجی ادامه داد و کتاب تهذیب‌القرا به را هم به نستعلیق نگاشت. او بیش از ۱۲ مقاله دانشگاهی در نشریات داخلی و خارجی منتشر کرده و ضمن تدوین کتاب «تاریخ اسلام در غرب آفریقا»، کتاب «حقوق اساسی ایران» و نقشه جامع علمی ایران (در سازمان یونسکو) را هم به فرانسه ترجمه و کتاب «فرهنگ ترکیبی واژگان سیاسی، اقتصادی، حقوقی و بین‌الملل»، فرهنگ در فرانسه، فلسفه در فرانسه، رد پارسیان بر سرزمین گل، معرفی ادبیات انقلاب اسلامی ایران به زبان فرانسه را هم در دست تدوین دارد. تولید بیش از ۲۵۰ برنامه تلویزیونی با موضوعات سیاسی، مذهبی و اجتماعی به‌عنوان مجری، سردبیر و تحلیل‌و ترجمه بیش از ۲۸ فیلم سینمایی و مستند هم از دیگر

فعالیت‌های دکتر واشقانی‌فراهانی است.

واشقانی‌فراهانی، علی (۱۳۴۷ خ)، اهل واشقان (فراهان)، فرزند مهدی و بانو صغری،



پس از تحصیلات مقدماتی، از مهرماه ۱۳۶۷ در حوزه علمیه آشتیان، محلات و اراک و از سال ۱۳۷۲ در حوزه علمیه ایروانی تهران به تحصیلات دینی پرداخت. او سپس به‌عنوان امام جماعت چندین مسجد تهران خدمت کرد و در سال ۱۳۸۳ با دریافت یک قطعه زمین وقفی در منطقه المپیک تهران با کمک برخی از نیکوکاران بویژه محمد انصاری تا سال ۱۳۸۷، مسجد امام رضا را آماده بهره‌برداری کرد. این مسجد از همان آغاز فعالیت علاوه بر مراسم دینی، به ارائه خدمات فرهنگی از جمله دوره‌های آموزشی، خدمات درمانی و حتی اسکان درماندگان به‌صورت شبانه‌روزی پرداخت تا جایی که به‌عنوان یکی از مساجد نمونه کشور، مورد تقدیر و تمجید قرار گرفت. این روحانی ساده‌زیست و ساکن همین مسجد، که دارای چندین عنوان کتاب و ده‌ها مصاحبه و مقاله در نشریات داخلی و خارجی است، این روزها سخت پیگیر تملک زمین جنب مسجد، برای احداث درمانگاه خیریه امیرکبیر است.

واشقانی‌فراهانی، فتحعلی (۱۳۰۹-۱۳۹۱ خ)، متولد واشقان (فراهان)، در کودکی به



فراگیری قرآن و علوم دینی و نیز تمرین خوشنویسی پرداخت و نخستین استادش میرزا ذبیح‌الله واشقانی بود. او در سال ۱۳۳۵ به تهران رفت و در کلاس استادان بزرگی چون سیدحسین و سیدحسن میرخانی شرکت کرد و در سال ۱۳۴۳ به‌عنوان نخستین مدرس انجمن خوشنویسان ایران انتخاب و در سال ۱۳۵۹ به درجه استادی رسید. استاد واشقانی در سال ۱۳۶۷، گواهینامه درجه یک هنری معادل دکترا از وزارت فرهنگ و ارشاد دریافت کرد. ایشان ضمن برگزاری دوره های آموزشی، به تأسیس انجمن خوشنویسان در همه شهرهای استان مرکزی و برخی شهرهای دیگر مانند خنج، اوز، گراش، لار، لامرد و بستک اهتمام ورزید (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۶۳).

واشقانی‌فراهانی، مجید (۱۳۵۹ خ)، دانش‌آموخته مهندسی متالورژی است که بازیگری



را از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۸ با حضور در کلاس‌های آزاد بازیگری امین تارخ شروع کرد. او سپس با بازی در سریال‌های مختلف از جمله زیر هشت، مسیر انحرافی و... شناخته شد و سپس در مجموعه‌های مختلف هوش سیاه، ماتادور، انقلاب زیبا و میکائیل در نقش‌های پلیسی به شهرت رسید. وی با پوریا پورسرخ در دوره‌های تکمیلی بازیگری در سال ۱۳۸۰ هم‌کلاس بود.

واعظ، محمد (درگذشته ۱۰۱۱ خ)، برادر ملک‌طیفور انجدانی (اراک)، مشهور به داعی انجدانی، شاعر دوره شاه‌عباس کبیر بوده و این شعر از اوست: تا آن سر زلف تابدارش زده است/ ماند به‌کسی دلم که مارش زده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۷۶).

واعظ، محمد (درگذشته ۱۳۰۲ خ)، فرزند رجب، اهل اراک، عالم دینی است که از اواخر قرن چهاردهم هجری تدریس می‌کرده و شاعر توانایی هم بوده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۵۴).

واعظ تهرانی، سیدمصطفی (۱۳۰۹ خ)، فرزند سیدحسین، متولد ساوه، تحصیلاتش را

در ساوه گذراند و دیپلم گرفت. آشنا به زبان فرانسه، معلم ریاضی و ورزش، سرپرست ورزش دانشگاه پلی تکنیک و نیز هنرسرای عالی، کسب عنوان ملی وزنه برداری ایران در سال ۱۳۳۶، قهرمان دوم آسیا و ششم جهان در مسابقات جهانی ۱۹۵۷، مربی وزنه برداری، داور بین المللی وزنه برداری و دارنده نشان سیاسی خدمت در ورزش از افتخارات قهرمانی است که به هنر



خوشنویسی هم آراسته است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۱۰۳۹).

واعظزاده حکیم الهی، حسین (۱۲۷۴-۱۳۴۹ خ)، فرزند میرزا محمدعلی، در خوانسار

متولد و نزد پدر و دیگر استادان، مقدمات فقه و اصول را فرا گرفت و مدتی هم نزد دکتر محمد زهرایی، علوم پزشکی و داروسازی آموخت. این فعال سیاسی، ادیب و نویسنده که عضویت حزب دموکرات را هم داشت، مدتی در خوانسار داروفروشی کرد و سپس به تدریس



و مدیریت نخستین دبستان نظام جدید خوانسار پرداخت. او در سال ۱۲۹۹ به اراک آمد و تا سال ۱۳۰۳ شغل داروفروشی را ادامه داد و در سال ۱۳۰۴ به شغل وکالت پرداخت. ایشان در کنار مطالعات داروسازی و وکالت در زمینه فلسفه و ادبیات هم کسب دانش کرد و از بزرگان ایران در این رشته به حساب می آمد و عمری را به مطالعه و تحقیق و تفکر گذرانده و مقالاتش در بیشتر نشریات بویژه روزنامه عراق، سپهر و مجلات کثیرالانتشار از قبیل یغما، ایران زمین و مجله دانش به چاپ می رسید. او در حوزه سیاست هم دستی داشت و در کنگره سراسری جبهه ملی (۱۳۴۱) در تهران به سمت ریاست سنی کنگره انتخاب شد. کتابخانه شخصی و ارزشمند او توسط فرزندش به کتابخانه عمومی اراک اهدا شد (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۶۵).

واعظ ساوجی، تاج محمد (قرن...)، اهل ساوه، مشهور به شجویه، فقیه، واعظ، عالم، شیرین سخن، خوش لهجه و مقبول خاص و عام بوده که گفتارش در خرده گیری و انتقاد از طبقات مختلف مردم اعم از عوام و حاکمیت مورد توجه بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶ : ۲۰۵).

واعظی کهرودی، حسین (قرن ۱۳)، فرزند شیخ علیجان، اهل کهرود (اراک)، تحصیلات ابتدایی را نزد پدر و در اراک آغاز و مقداری از مقدمات علوم دینی را در حوزه اراک و سپس در قم نزد آیات سلطانی طباطبائی، ستوده، اعتمادی، رضوانی و... گذراند. برخی از آثار نوشتاری این عالم دینی عبارتند از: زهدوپارسایی، مبارزه با هوای نفس، فرهنگ عاشورا، زمینه های قیام امام حسین، مسائل تربیتی عاشورا و... **واعظی کهرودی، علی جان (قرن...)**، از علمای دینی کهرود (اراک) که در اینجا وفات یافته و آثاری از خود به جا نهاده و کتاب «راه های سعادت» از آن جمله اند.

واعظی کهرودی، مرتضی (۱۳۳۲-۱۳۹۸ خ)، فرزند علیجان، اهل کهرود (اراک)، از دوازده سالگی به فراگیری دروس حوزه در مدرسه حاج محمدابراهیم اراک پرداخت و در شانزده سالگی برای ادامه تحصیل

به قم رفت. این دارنده لیسانس حقوق از مجتمع عالی قضایی، از استادان سطح عالی و عضو مجمع عمومی جامعه مدرسان حوزه علمیه قم بود که علاوه بر حدود پنجاه سال تدریس، ده‌ها جلد کتاب نوشته که از آن جمله‌اند: کفایه الاحکام سیدمحقق سبزواری، برخی آثار سیدعبدالکریم حائری یزدی و نیز ترجمه و تحقیق و مطالعه برخی آثار فقهی تراز اول حوزه از جمله آیات عظام محمدعلی اراکی و محمد فاضل لنکرانی. ایشان هم‌چنین بالغ بر ۵۰ عنوان از آثار آیت‌اله اراکی که همه آنها به زبان عربی و بدون نقطه بودند را با تصحیح، تحقیق و نقطه‌گذاری به چاپ رساند.

وافی نجار، ابراهیم (۱۳۲۵ خ)، فرزند میرزا کاظم فخار و شاگرد شمس‌الشعرا، اهل اراک، که با ۱۰۷ قصیده، ۲۸ غزل، ۴ مثنوی، ۵ رباعی، ۳ ماده تاریخ، ۲ قطعه معما و یک ترکیب‌بند در زمره شاعران خوب شناخته می‌شود و وافی نجار تخلص می‌کرده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۵۴).

والی، مجید (۱۳۴۱ خ)، زاده ساوه، موسیقی را از سال ۱۳۶۲ و با ساز بالابان^۱ شروع کرد و در سال ۱۳۶۵ به نی علاقه‌مند شد و به مدت ۲ سال در محضر سیدرضا نبوی‌زاده نمازی به یادگیری گوشه‌ها و دستگاه‌های ردیف موسیقی ملی ایران پرداخت. او در مسیر یادگیری، وارد سازمان حفظ و اشاعه موسیقی شد و نزد استاد اصلانی به فراگیری ردیف استاد صبا و استاد منوچهر لشکری همت گمارد و مدتی هم در کلاس استاد جمشید عندلیبی به کسب دانش پرداخت. از جمله فعالیت‌های برجسته ایشان می‌توان به شرکت در چهارمین جشنواره موسیقی فجر در سال ۱۳۶۷ به همراه استادان سیدرضا نبوی‌زاده نمازی، بهروز مصری و دیگر نوازندگان ساوجی اشاره کرد. وی تاکنون در گروه‌های موسیقی بسیاری همچون ماهور، پالیزیان، آسا و ... به عنوان نوازنده همکاری داشته و هم‌اکنون به تدریس و هم‌چنین ساخت ساز (نی و بالابان) مشغول است.



وثوق، پروانه (۱۳۹۲-۱۳۱۴ خ)، فرزند میرزامهدی‌خان آشتیانی، دکترای عمومی خود را در سال ۱۳۴۲ از دانشکده پزشکی تهران دریافت کرد. او دوره‌های تخصصی خون و سرطان‌شناسی را در دانشگاه‌های کمبریج، ماساچوست و ایلینوی گذراند و دوره تکمیلی پزشکی را هم در دانشگاه واشنگتن طی کرد. او از سال ۱۳۵۰ در بیمارستان علی‌اصغر مشغول بکار شد و بخش خون‌شناسی و سرطان‌شناسی را در آنجا راه‌اندازی کرد. وی هم‌چنین از ابتدای تأسیس مؤسسه محک در سال ۱۳۷۰ و آغاز بکار بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان محک در سال ۱۳۸۶ در کنار این مؤسسه بود. این پزشک عضو فرهنگستان علوم پزشکی، بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب و مقاله در



۱. ساز بادی استوانه‌ای دو نی به طول حدود ۳۵ سانتی‌متر که در ابتدا و به صورت اورجینال شش سوراخ انگشت داشت و اکنون به هفت یا هشت سوراخ انگشت می‌رسد.

زمینه بیماری‌های خون و سرطان کودکان تألیف کرده و به‌عنوان فرشته نجات کودکان سرطانی و مادر ترزای ایران مشهور است. پرفسور وثوق در انجمن‌های تخصصی بین‌المللی و فرهنگستان علوم پزشکی ایران عضویت داشته و مادر آنکولوژی کودکان در ایران است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۸۷).

وثوق‌آشتیانی، حسن (۱۲۵۱-۱۳۲۹ خ)، فرزند میرزا ابراهیم (معمدالسلطنه) و بانو



طاووس‌خانم و نیز خواهرزاده امین‌الدوله (صدراعظم مظفرالدین‌شاه) و برادر بزرگ احمد قوام، در جوانی فارسی و عربی را فرا گرفت و مقدمات علوم را نزد میرزا محمد ادیب گلپایگانی و میرزا هاشم اشکوری و نیز ریاضیات، منطق و علوم متداول زمان را هم از حکما و علمای زمان آموخت و در نوجوانی به سرایش شعر پرداخت و «ناصر» تخلص می‌کرد. او در سال ۱۲۷۱ مستوفی آذربایجان شد و در اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه به وثوق‌الدوله ملقب شد. وی سپس در کابینه سپهدار اعظم؛ وزیر دادگستری و داخله، در کابینه‌های بعد هم وزیر دارایی، وزیر خارجه و نیز وزیر فرهنگ بود. او در سال ۱۲۹۷ و برای بار دوم نخست‌وزیر شد. این شاعر سیاستمدار و دولت‌مرد تأثیرگذار، اواخر دوره قاجار، از طرف تجار تهران به سمت نمایندگی مجلس انتخاب شد و چند ماهی نایب‌رئیس اول مجلس بود و ریاست کمیسیون دارایی مجلس را هم برعهده داشت. ایشان اگرچه جایگاه بلندی در فرهنگ و ادب ایران و حتی سیاست داشت، ولی انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ مردم را به ایشان بدبین کرد تا او هم یکی دیگر از نخست‌وزیران تاریخ‌ساز این سرزمین نامیده شود، قراردادی که همه امور کشوری و لشکری ایران زیر نظر مستشاران انگلیسی و با مجوز آنان صورت می‌گرفت و البته به‌دلیل مخالفت‌های داخلی و خارجی و مغایرت آن با قانون اساسی مشروطه، هرگز اجرایی نشد^۱ (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۹: ۵۷۶).

وثوق‌لشکرآشتیانی، غلامعلی (زندگی ۱۳۰۴ خ)، اهل آشتیان، در اواخر دوره قاجار وثوق‌لشکر آذربایجان و از کارگزاران و عهده‌دار خدمات دولتی بوده است^۲ (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۵۹).

وجهی تفرشی (قرن ۱۰)، از شعرای دوره اکبرشاه در قرن دهم هجری است. این که به هروی تفرشی هم شهرت دارد، بدان جهت است که اصل این شاعر از تفرش است ولی در هرات به دنیا آمده و آقا بزرگ تهرانی در ذیل معرفی دیوان وجهی می‌نویسد: «اصله من تفرش ولد بهرات و توطن الهند و تقرب عنداکبر شاه... (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۷۱).

۱. برادر بزرگ احمد قوام (قوام‌السلطنه) و شهرت او به سبب قرارداد ۱۹۱۹ است که همه امور کشوری و لشکری ایران را به مستشاران انگلیسی می‌سپرد و این قرارداد او را در اذهان عمومی ایرانیان برای همیشه منفور و متهم به خیانت کرد.

۲. احمد، هادی، مهدی و محمدعلی وثوق فرزندان او هستند و احمد وثوق در سال ۱۳۳۰ فرمانده ژاندارمری کل کشور بود.

وزیر تفرشی، حسین (۱۲۰۰-۱۲۴۷ خ)، ملقب به بلور^۱ فرزند میرزا رحیم، در محله زاغرم تفرش به دنیا آمد و پس از تحصیلات مکتب‌خانه‌ای، به همراه برادرانش میرزا ابوالقاسم ضیاءلشکر و میرزا حسن به تهران مهاجرت کرد و به دلیل داشتن سواد، به دربار قاجار راه یافت و سالیان دراز به شغل وزارت تهران و وزارت اصفهان و وزارت قورخانه و جبه‌خانه و کل خالصجات مشغول شد. وی که در اراک، فراهان و تهران املاک و مستغلات زیادی داشت، سفارش ساخت آب‌انبار بلور را به برادرش میرزا ابوالقاسم ضیاءلشکر داد و در سال ۱۲۳۸ در محله زاغرم تفرش ساخته شد که سال‌ها بخش زیادی از آب نوشیدنی تفرش را تأمین می‌کرد و به همراه سایر موقوفات دیگر از جمله زمین، باغ و آب کشاورزی وقف شد.^۲ میرزا محمدخان مستوفی^۳ و میرزا باقرخان و دختری به نام هورمزد^۴ و همچنین میرزا تقی دانش بلور، فرزندان او هستند (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۳).



وزیر دفتر، هدایت‌اله (درگذشته ۱۲۷۱ خ)، فرزند میرزا حسین آشتیانی، پدر دکتر مصدق و از مستوفیان برگزیده دیوان اعلی بود و در ادب، اخلاق، حکمت و فلسفه از مشاهیر قرن ۱۳ محسوب می‌شود. او در سال ۱۲۳۰ از طرف امیرکبیر مأموریت یافت برای تعدیل مالیات به صائین قلعه برود و در ضمن به موجب سوار آنجا هم رسیدگی نماید. ایشان در سال ۱۲۳۷ به وزارت لشکر و در سال ۱۲۵۲ هم با مرگ میرزا محمد قوام‌الدوله آشتیانی، با لقب وزیردفتر، رئیس دفتر استیفا یعنی وزیر دارایی شد. وی در مقام نویسنده، ۵ رساله در مباحث دینی و کلامی نگاشته که عبارتند از: اصول وعقاید و اسرار مبدء و معاد، کشف‌واشراق (حکمت‌وکلام)، دره مخزن (حکمت‌وکلام‌وعرفان)، سر کلام و رساله پنجم هم در باب تحقیق امراض است (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۴۴).



وزیر لشکر آشتیانی، موسی (درگذشته ۱۲۶۰ خ)، فرزند میرزاهادی، از رجال دوره ناصری، در جوانی وارد دیوان استیفا شد. او در فرو نشاندن بلوایی که در سال ۱۲۲۹ در قزوین رخ داد و منجر به بسته‌شدن بازارها شد، از خود لیاقت نشان داد و از این رو مورد توجه امیرکبیر قرار گرفت و به استیفای کل خراسان منصوب شد. پس از شهادت امیرکبیر، میرزا موسی مدتی خانه‌نشین شد و سپس به وزارت قزوین منصوب گردید و پس از چندی حکومت قزوین مستقلا به او داده شد. در سال ۱۲۵۱ و هم‌زمان با ریاست میرزا حسین‌خان سپهسالار بر امور نظامی کشور، میرزا موسی به وزیرلشکری و اداره امور مالی نظام منصوب شد و نخستین کاری که در این مقام انجام داد



۱. ناصرالدین‌شاه از روی مطایبه و مزاح لقب بلور را به او که سبزه‌رو بود داد و خاندانش نیز بدین نام مشهور شدند.

۲. این بنا پس از مرمت، مدت‌ها به‌عنوان گالری و موزه مردم‌شناسی بود و هم‌اکنون به‌عنوان رستوران سنتی فعال است.

۳. پدربزرگ حبیب بلور بنیانگذار ورزش کشتی نوین ایران است.

۴. همسر میرزا رضا لشکرنویس و مادر بزرگ علیرضا افضلی‌پور بنیانگذار دانشگاه کرمان است.

رسیدگی به حساب قورخانه و تهیه فهرست دقیقی از موجودی تسلیحاتی بود که در تهران یا در نقاط دیگر نزد افواج وجود داشت و از زمان امیرکبیر به بعد، صورت‌برداری نشده بود و تا پایان عمر در این مقام باقی بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۵۷).

وزیری آستانه‌ای، محمدموسی (زندگی ۱۲۱۳ خ)، در عصر فتحعلی‌شاه قاجار می‌زیسته و سمت وزارت اوقاف سهل‌بن علی را در آستانه (شازند) داشته است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۵۷).

وزیری آشتیانی، شفیغ (زندگی ۱۲۰۹ خ)، فرزند میرزا رضی، که پس از فوت عمویش محمدموسی وزیری آشتیانی در سال ۱۲۰۹ به حکم فتحعلی‌شاه قاجار، جانشین وی در وزارت اوقاف سهل بن علی شد. **وطن پرست، اسماعیل** (۱۳۰۹-۱۳۶۸ خ)، فرزند علیمحمدخان، اهل روستای آشناخور (خمین) در مکتب‌خانه استادمحمدعلی خلجی درس خواند، سپس در دبستان رودکی دهنو تا کلاس ششم ادامه داد و به خدمت مالک آشناخور (سرهنگ علامیر) درآمد. اشعار و مقالات این شاعر خمینی، در زمان نخست‌وزیری مصدق، در روزنامه‌ها و مجلات بویژه «تهران مصور» منتشر می‌شد. سایر اشعار او پس از فوتش نزد پسردایی‌اش اسداله مداحی است به امید روزی که چاپ و منتشر گردد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۰۴۹).

وطن پور، منصور (۱۳۱۷ خ)، فرزند حسینقلی و بانو حاجیه، متولد اراک، سراستاد خلبانی که در سال ۱۳۳۸ وارد دانشکده افسری شد و دوران سخت آموزش نظامی، فنون رزم و علوم استراتژیک را در مدت سه سال به پایان رساند و با درجه ستوان دومی دانش‌آموخته شد و تا دکترا در رشته علوم و فنون نظامی ادامه تحصیل داد. وطن‌پور به‌عنوان سرلشکر نیروی هوایی ارتش در نهم مهرماه ۱۳۵۹ با سمت خلبان در سوسنگرد به‌عنوان سومین شهید هوانیروز در دوران دفاع مقدس بر اثر سانحه هوایی به شهادت رسید.



وفایی، عباس‌علی (۱۳۴۴ خ)، فرزند رضا، در روستای تقلیدآباد (زرنديه) به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود گذراند و در مأمونیه دیپلم گرفت. او سپس در دانشگاه اراک ادامه تحصیل داد و پس از لیسانس، به تدریس در مدارس مأمونیه، زاویه و پرندک پرداخت. وی هم‌زمان با تدریس از دانشگاه آزاد، فوق‌لیسانس و نیز دکترای زبان و ادبیات فارسی گرفت و به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، معاون مالی دانشگاه الزهرا و نیز کاردار فرهنگی ایران در ازبکستان به خدمت پرداخت. از آثار این شاعر و استاد دانشگاه می‌توان به کتاب‌های قصیده‌های مصنوع، تصحیح دیوان سلمان ساوجی، گلبانگ آشنایی، دستور زبان فارسی، فرهنگ لغات مخفف، دستور کاربردی متن ادبی و نیز مفتاح‌الاسرار اشاره کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۴۷).



وفایی، علی (۱۳۴۲ خ)، فرزند رضا، زاده روستای تقلیدآباد (زرنديه)، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود گذراند و در مأمونیه دیپلم گرفت. او سپس در تربیت‌معلم شهیدباهنر اراک ادامه تحصیل داد و پس از دریافت فوق‌دیپلم، به تدریس در مدارس زرنديه پرداخت. وی هم‌زمان با تدریس، از دانشگاه آزاد واحد

جنوب تهران، لیسانس و از آزاد اراک فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت. برخی از تألیفات این نویسنده دانشگاهی عبارتند از: گزیده متون ادب فارسی (مشترک با صفری و شعبانلو)، شرح متون عمومی ۱ و ۳، زبان فارسی عمومی ۱ و ۲ و مقاله‌ای با عنوان الف دفتر عشق حافظ (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۴۸).

وفایی تفرشی، عبدالله بیگ (۱۲۲۷-۱۳۱۰ خ)، فرزند محمدحسین بیگ، از اعیان تفرش است که در شیراز تربیت یافته و چند سال نیز در اصفهان در سلک طلبه تحصیل کرد. عبدالرزاق بیگ در کتاب نگارستان درباره این شاعر قرن ۱۳ نوشته: مودب و پسندیده‌اطوار و مهذب و ستوده‌کردار و درویش طبع و غنی‌دل و خوش‌مشرب و پاکیزه آب‌وگل است. یک دو سفر او را در دارالسلطنه تبریز دیدم و به صحبتش رسیدم (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۶۰).

وفائی‌نژاد، اکبر (۱۳۰۷-۱۳۷۴ خ)، فرزند محمد و بانو معصومه، متولد اراک، شاعر و



نویسنده‌ای که تحصیلات مقدماتی را در مدرسه دولتی توفیق و زبان عربی، خوشنویسی و نامه‌نگاری را هم نزد مربیانی نامدار و خارج از مدرسه فرا گرفت و در مشاغل چاپخانه، روزنامه‌نگاری، عطاری و حتی قصابی فعالیت کرد. او در سال ۱۳۲۹ در شرایطی که نشریات کشور در انحصار توده‌های و چپگراهای افراطی بود، به‌این حرفه روی آورد و در نخستین روزهای تأسیس حزب «کانون ترقی» در تحریریه حزب، عضویتش در سمت منشی پذیرفته و فعالیت حزبی و سیاسی خود را رسماً از سال ۱۳۳۳ شروع و در سال ۱۳۴۲ به ریاست شاخه اراک این حزب برگزیده شد. او از تابستان ۱۳۳۲ و هم‌زمان با انتشار هفته‌نامه «سپیدوسپاه» تا سال ۱۳۵۳ همکاری کرد و با توجه به مطالب انتقادی که به‌عنوان «سخنی با سردبیر» منتشر می‌کرد توسط دادستان وقت اراک و در حالی که مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره شرکت گوشت و رئیس کشتارگاه اراک بود، به اتهام اخلاف در توزیع گوشت، به ۹ ماه حبس محکوم و از نوشتن مقالات سیاسی منع شد^۱.

وفائی‌نژاد، بهمن (۱۳۴۷ خ)، فرزند اکبر و بانو خدیجه، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی



را در اراک گذراند و از سال ۱۳۶۵ مقیم هانوفر آلمان شد. فیلم‌بردار و عکاس حرفه‌ای، مستندساز «حیات وحش» و از هنرمندان عرصه موسیقی اعتراضی سبک رگی است. او به لحاظ فیلمبرداری و عکاسی از فاصله بسیار نزدیک و بدون استفاده از «زوم» از حیات وحش خصوصاً گربه‌سانان شهرت جهانی دارد. بهمن به‌خاطر فعالیت‌های زیست‌محیطی و حضور فعال در سازمان‌های مردم‌نهاد و جلوگیری از انقراض برخی گونه‌هایی چون کرگدن، فیل، یوزپلنگ و ببر لقب مسیح

۱. این دوبیتی مشهور از اوست که به اشتباه به دیگران منتسب شده است: هرکس بد ما به خلق گوید، ما چهره ز غم نمی‌خرائیم/ما نیکی او به خلق گوییم تا هر دو دروغ گفته باشیم. بهمن وفائی‌نژاد (Benny Rebl) عکاس و فیلمبردار مشهور حیات وحش فرزند اوست.

سبز گرفته است. این هنرمند برای فیلمبرداری و عکاسی از حیات وحش، تاکنون سفرهای زیادی به بیش از ۵۰ کشور جهان داشته و در آن سوی مرزها با نام پنی رِپل «Benny Rebel»، شهرت جهانی دارد و یکی از موفق‌ترین عکاسان طبیعت دنیاست که چندین جایزه بین‌المللی دریافت کرده و مطبوعات جهانی تقریباً بیش از هر عکاس دیگری، این هنرمند اراکی را به تصویر کشیده‌اند.

وفسی، اویس (۱۳۱۱-۱۴۰۱ خ)، فرزند ابوالقاسم و نوه دختری استاد علی منظوری،



وفسی‌الاصل (کميجان) و متولد **تفرش** که در ۲ سالگی به‌همراه خانواده در تهران ساکن شد. پس از تحصیلات فارسی و عربی در دارالعلوم عربیه، هنر خوشنویسی را هم از استاد حسین میرخانی فرا گرفت و خط شکسته نستعلیق را بسیار خوب می‌نوشت. ایشان در سال ۱۳۳۷ به‌استخدام اداره هنرهای زیبا درآمد و مدتی هم در مرکز سینمایی هنرهای زیبای وزارت فرهنگ‌و‌هنر به خوشنویسی اشتغال داشت. وی علاوه بر خوشنویسی در سرودن شعر هم توانا بود و دیوان شعری از سروده‌هایش تهیه کرده است (پیرهادی، ۱۳۹۲: ۲۳۲).

وفسی، سیدعبدالحمید (درگذشته ۱۲۸۵ خ)، فرزند سیدنظام‌الدین، اهل روستای وفس (کميجان)، که در انقلاب مشروطیت می‌زیسته و در سال ۱۲۸۵، در مدرسه علمیه ابوالحسن معمارباشی به‌تحصیل علوم دینی مشغول بود و نخستین کسی است که در واقعه مشروطیت به شهادت رسید (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۶۲).

وفسی، سیدمبین (درگذشته ۱۲۳۳ خ)، فرزند سیدخلیل بن سیداسحاق سجادی اهل روستای وفس (کميجان)، است و در پی کرامتی مانند کربلایی کاظم ساروقی به‌صورت یک‌باره حافظ کل قرآن شد و حتی ناصرالدین‌شاه برای دیدار وی به قم آمد. او فلج مادرزاد بود.

وفسی، عبدالباقی (زندگی ۱۲۲۵ خ)، اهل روستای وفس (کميجان)، جد اعلای تیره‌ای از طایفه سادات سجادی وفس است که پیش از سال ۱۲۰۶ خ در محال وفس و درجین سمت شیخ‌الاسلامی داشته و طبق فرمانی با مهر محمدشاه قاجار مبالغی در وجه ایشان بوده است (سمیعی، ۱۴۰۰: ۴۳۷).

وفسی، عبدالطیف (زندگی ۱۲۴۱ خ)، اهل روستای وفس (کميجان)، بجای پدرش میرزا قاسم به منصب شیخ‌الاسلامی رسیده و طی حکمی به تاریخ ۱۲۴۱ خ با امضای نصرالدوله مستمری دیوانی‌اش از روستای گورچان تعیین شده بود (سمیعی، ۱۴۰۰: ۴۴۰).

وفسی، میرمحمدباقر (زندگی ۱۱۰۲ خ)، فرزند میرفاضل، اهل روستای وفس (کميجان)، از شعرای قرن دوازدهم است که لشکرکشی عثمانی در سال ۱۱۰۲ به ایران و قتل و غارت غرب کشور از جمله وفس را به چشم خویش دیده و این واقعه را با شعر شرح داده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۶۱).

وفسی عراقی، عبدالنبی (۱۲۶۹-۱۳۴۴ خ)، در وفس (**کميجان**) به دنیا آمد و

خواندن و نوشتن را در مکتبخانه سیداحمد و نورعلی‌بگ آموخت و ادبیات را نزد میرزا محمود، میرزا هاشم و میرزا رضی فرا گرفت و در مدرسه آخوند همدان ادامه تحصیل داد. او سپس در اراک، حدود چهارسال مشغول تحصیل سطوح شد و دوسال هم از



محضر آقانورالدین عراقی بهره برد و در سال ۱۳۲۷ به نجف رفت و در درس علامه یزدی و آیات عظام آقاضیاءالدین، آقا علی قوچانی، آقا مهدی مازندرانی و سیدشریعت حاضر شد و ۸ سال هم از درس میرزای نایینی بهره گرفت و به ایران بازگشت. ایشان پس از توقف پنج‌ماهه در اراک و اقامه جماعت، قضاوت و تدریس، دوباره به نجف بازگشت و ده‌سال دیگر هم تحصیل کرد، سپس به مدت هشت‌سال به تدریس خارج اصول و فقه پرداخت و آن‌گاه در حوزه قم رحل اقامت افکند. از این عالم دینی تعداد ۶۵ عنوان کتاب باقی‌است (محتاط، ۱۳۷۲: ۸۹).

وکیل، محمدصادق (۱۳۱۴-۱۳۸۵ خ)، فرزند محمدحسن^۱ و بانو صدیقه، تحصیلات

مقدماتی را در اراک گذراند و سپس موفق به دریافت دکترای تخصصی فیزیک اتمی شد و در دانشگاه‌های تهران و از جمله دانشگاه شریف به تدریس پرداخت. این دانشمند برجسته، در دهه ۱۳۴۰ یکی از استادان نامدار در زمینه علوم فضایی بود و در همین دوره



به نمایندگی از ایران در کنفرانسی که با موضوع علوم فضایی در آمریکا برگزار شده بود، شرکت کرد و نتیجه پژوهش‌های خود را با عنوان «محافظت سفینه‌های فضایی از خطر صاعقه» ارائه کرد که باعث شهرت ایشان در خارج از مرزها شد و چندی بعد به دعوت سازمان علوم فضایی آمریکا (ناسا) به آن کشور رفت و سرپرستی بعضی عملیات پرتاب سفینه‌های فضایی را عهده‌دار شد. او متأسفانه در سال ۱۳۸۵ هنگام سخنرانی در یک کنفرانس علمی در چین، به دلیل ایست قلبی درگذشت.

۵

هادیان، رهام (۱۳۷۰ خ)، اهل اراک، به همراه امیر مقاره، از اعضای اصلی گروه ماکان‌بند

و دارای صدایی زیبا و حسی عاشقانه است. او از نوجوانی به ملودی‌سازی علاقه داشت و دوره‌های آهنگ‌سازی را به صورت تجربی سپری کرد. این هنرمند علاوه بر موسیقی در ادبیات و شعرگویی هم استعداد دارد و دارای روحیه‌ی شوخ و طنازی است.



^۱ . صاحب قلعه وکیل اراک

هادیزاده، علی اصغر (۱۳۳۶ خ)، فرزند محمدعلی، تحصیلات خود را در **محلات** گذراند

و در آموزش و پرورش استخدام شد. او سپس به عنوان سرپرست اداره تربیت بدنی و نیز تدریس بینش اسلامی مشغول بکار شد. این جانباز جنگ تحمیلی که در رشته پرتاب نیزه، دیسک و وزنه برداری دارای مقام چهارم و ششم کشور است به سرپرستی و قائم مقامی بنیاد جانبازان و معلولین استان مرکزی منصوب شد و خود در مسابقات پارالمپیک سال ۱۹۹۸ مقام قهرمانی را کسب کرد. نماینده مردم محلات و دلجان در دوره های ۵ و ۶ مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون فرهنگی و دبیر مجمع رزمندگان مجلس شورای اسلامی از دیگر سوابق اوست (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۸۴).



هادی زاده محلاتی، حسین (۱۳۰۰-۱۳۸۴ خ)، معروف به ارباب حسین، متولد **محلات** و متخلص به «دلنواز»، اشعاری با مضمون مذهبی و اجتماعی دارد. این شاعر که فرد نیکوکاری هم بوده مدرسه ای ۶ کلاسه را در محلات تأسیس و زمینی هم به آموزش و پرورش اهدا کرد که بعدها پژوهش سرای مجهزی شد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۳۶).

هاشمی، سیدمسعود (۱۳۶۲ خ)، فرزند سیدمهدی، متولد نراق (**دلجان**)، دارای فوق لیسانس شیمی آلی است که به عنوان یک پژوهشگر برجسته موفق به کسب افتخارات علمی زیادی شده که از آن جمله اند: ثبت ۶ اختراع در اداره ثبت اختراعات کشور، چاپ ۳۳ عنوان مقاله ISI، کسب مدال طلای جشنواره بین المللی اختراعات در آمریکا و در بخش محیط زیست، کسب مدال طلای مسابقات جهانی اختراعات در کشور انگلستان در بخش محیط زیست و فناوری های نوین، کسب عنوان جوان برتر ایرانی در حوزه علم و فناوری، کسب مدال طلای سومین المپیاد بین المللی مخترعان، برگزیده نخستین جشنواره نانو فناوری سازمان بسیج مهندسين، کسب جایزه ویژه محیط زیست چهارمین جشنواره بین المللی مخترعان، مبتکران و نوآوران، کسب عنوان عضو برتر استعدادهای درخشان باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی و...

هاشمی، عطاءاله (۱۳۲۳ خ)، فرزند ابوالفضل و بانو عصمت، از نوادگان امین التجار، پس

از پایان دوره متوسطه در **محلات**، در سال ۱۳۴۲ با رتبه ۱۲ در دانشکده مهندسی کشاورزی دانشگاه تهران پذیرفته شد و کارشناسی ارشد را هم در این دانشگاه خواند. وی سپس در بخش تشخیص صلاحیت پیمانکاران در دفتر فنی سازمان به درجه بندی پیمانکاران و شناسایی شرکت های پیمانکاری برای اجرای طرح های عمرانی مشغول شد. در سال ۱۳۵۴، به معاونت مدیرکل دفتر امور پیمانکاران و سازندگان برگزیده شد و تا سال ۱۳۶۲ این سمت را داشت. از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۰، مدیرکل دفتر پیمانکاران و سازندگان بود و در سال ۱۳۷۸ به عنوان سمت مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه برگزیده شد. سازمان نظام مهندسی، این عضو شورای عالی فنی شهرداری تهران را در سال ۱۳۹۲ به عنوان **چهره ماندگار** مهندسی معرفی کرد (بخشی، ۱۳۹۵: ۸۰۰).



هاشمی، غلامرضا (۱۳۴۱ خ)، فرزند محمدرضا و بانو فاطمه، دوره ابتدایی را در دبستان

شرف مشهدالکوبه (اراک)، راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه کوروش و پهلوی اراک گذراند و پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک و نزدیک به ۲ سال حضور در جبهه، در دانشگاه آزاد اراک مشغول بکار شد و هم‌زمان در رشته مهندسی نساجی پذیرفته و موفق به دریافت



کارشناسی شد. مهندس هاشمی تا معاونت دانشگاه پیش رفت و مجموعه آموزشی سما را راه‌اندازی کرد. او در سال ۱۳۷۸ در دو رشته ارشد مدیریت آموزشی و ارشد جامعه‌شناسی پذیرفته و تحصیل کرد. دو مجموعه شعر «شهد شکوفه» و «اراک ای شهر خوب من» از آثار چاپ شده اوست که رتبه نخست شعر رضوی در بین دانشگاهیان کشور در رشته قصیده را در کارنامه دارد. راه‌اندازی و مدیریت دانشگاه علمی‌کاربردی مرکز توانبخشی اراک از دیگر افتخارات شاعری است که هم‌چنان می‌خواند و می‌نویسد و می‌سراید.

هاشمی، هوشنگ (۱۳۱۵ خ)، فرزند مصطفی، دوران تحصیلش را در **محلات** سپری

کرد و پس از مدتی آموزگاری در همین شهر، در سال ۱۳۴۷ در دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در دبیرستان‌های تهران به تدریس پرداخت. از



تألیفات این شاعر و نویسنده می‌توان به محلات درگذر زمان، باغچه، گلزار عشق، تاریخ یک‌صد ساله ایران و هم‌چنین یادها و خاطره‌ها اشاره کرد. او هم‌چنین اشعار زیادی در قالب غزل، قصیده، مثنوی، رباعی قطعات توصیفی، اجتماعی، انتقادی و گاهی با مضامین طنز سروده و قطعه شعری به نام «عام‌غفور» دارد که بخشی از فرهنگ، آداب و رسوم این دیار را با واژه‌های اصیل و لهجه محلاتی به تصویر کشیده است (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۴۰).

هاشمی سنجانی، علی (۱۲۹۰-۱۳۶۰ خ)، فرزند محمود و سیده فاطمه، پس از فراگیری

تحصیلات مقدماتی نزد شیخ عطاءاله فقیهی سنجانی، برای تکمیل علوم دینی ابتدا به مدرسه

حاج محمدابراهیم **اراک** و سپس به همراه آیت‌اله حائری به قم رفت و ضمن تدریس در

حوزه، امامت جماعت مسجد امام را هم عهده‌دار شد. او که از آیات عظام سیدابوالحسن



اصفهانی، بروجردی، حکیم، حجت کوه‌کمره‌ای، عبدالهادی شیرازی و گلپایگانی اجازه اجتهاد داشت، پس از انقلاب با سفارش علما و بزرگان اراک، در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی با آرای زیادی انتخاب شد. ایشان حافظ قرآن و نهج‌البلاغه بود و قصیده‌هایی به فارسی و عربی سروده و تألیفاتی هم در زمینه علوم دینی دارد که هنوز چاپ نشده است^۱ (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۶۷).

۱. شهید هاشمی سنجانی در ۷ تیر ۱۳۶۰ در بمب‌گذاری دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

هاشمی سیاوشانی، حبیبه (۱۳۶۷ خ)، فرزند عبدالله، اهل روستای سیاوشان (آشتیان)، نویسنده‌ای است که دو عنوان کتاب «راز پنهان» و «حسرت» از او به چاپ رسیده و در سال ۱۳۹۳ در هفته کتابخوانی از سوی اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان مرکزی مفتخر به دریافت تندیس شد و در هفته فرهنگی آشتیان هم در سال ۱۳۹۵ از سوی اداره کل ورزش و جوانان استان به عنوان جوان برتر لوح تقدیر گرفت (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۴۱۸).

هاشمی مشهدالکوبه‌ای، حسین (۱۳۵۱ خ)، فرزند محمدابراهیم و بانو عذری، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش روستای مشهدالکوبه (اراک) گذراند و از دبیرستان شهیدمطهری اراک دیپلم گرفت. این کارمند سازمان میراث فرهنگی استان، کتابی در مورد بازار تاریخی اراک نوشته و در کتاب «فخرآفرینان فراهان» که اخیراً منتشر شده، نام وی پس از نام آقایان حسن عزیزآبادی، ابوالفضل حکمت، حسین حسین آبادی و مجتبی قنبری بر روی کتاب درج شده است.^۱

هاواساپیان، آرمو (۱۳۰۲ خ)، زاده روستای لیلیان (خمین)، پس از تحصیلات مقدماتی،



وارد دانشسرای تربیت معلم شد و سپس به عنوان آموزگار زبان فارسی، به استخدام آموزش و پرورش درآمد و کار خود را در مدارس اراک آغاز و پس از چندی به تهران منتقل شد. او که قالی‌بافی به روش فارسی‌باف را در دوران کودکی و از مادر خود آموخته بود، پس از بازنشستگی با شرکت در کلاس‌های سازمان میراث فرهنگی و استفاده از استادانی مانند محمدرهبر شایسته، با روش‌های بافت فارسی و ترکی آشنا شد و به بافتن تابلوهایی برگرفته از لباس سنتی زنان ارمنی قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی پرداخت. او برای آن که بتواند محصولی با کیفیت بهتر تولید کند، فرآیند رنگرزی خامه‌ها را نیز آموخت و لذا قالیچه‌هایی که می‌بافت ضمن کاهش هزینه، از کیفیت بالاتری هم برخوردار بود (ذبیحی، ۱۳۸۵: ۴۱۷).

هجرتی، سیدمصطفی (۱۳۲۱ خ)، متولد روستای روغنی (شازند)، دارای رتبه درجه یک هنری طراحی فرش است که آثار فاخر او بارها در جشنواره‌ها و مسابقات طراحی فرش به عنوان برترین طراح کشور انتخاب شده و در موزه‌های معتبر جهان رخنمایی می‌کند. این شاعر و طراح برجسته فرش، هم‌چنین در زمینه نگارگری و خوش‌نویسی چیره‌دست و صاحب تبحر است.

هجری تفرشی، ابوالقاسم (درگذشته ۱۱۵۰ خ)، فرزند میرزا صادق که مانند پدر «هجری» تخلص می‌کرد. او از شاعران قرن ۱۲ هجری و متولد تفرش است که تحصیلاتش را عمدتاً در اصفهان گذرانده و در جوانی در خطه رشت از دنیا رفته است. آثار این شاعر عمدتاً از بین رفته و تذکره‌نویسان به ذکر القاب و تاریخ مختصر بسنده کرده‌اند. او هم‌چنین صنعت‌گر بوده و در ساختن شمشیر مهارت زیادی داشته است (صدیق،

۱. داستان خواستگاری و ازدواج ایشان به طنزی زیبا شباهت دارد که در جای خود قابل نقل است.

۱۳۷۲: ۲۶۲).

هجری تفرشی، صادق (۱۰۶۸ خ)، فرزند میرزا فضل‌اله، اهل **تفرش**، علوم مقدماتی را در زادگاهش خواند و در اصفهان به تکمیل دانش خویش پرداخت و از محضر مولانا محمدصادق اردستانی بهره برد و سپس به تفرش بازگشت. این شاعر دوره افشاریه «هجری» تخلص می‌کرد و با سادات ترخوران مرتبط بود و سادات میرهادی، میرعزیزی و میراشراقی تفرش با ایشان نسبت دارند. مادر هجری، خواهر آقامحمد مؤمن از علمای شاخص زمان بوده و هجری، دقایق عرفان را از این دایی خویش آموخته است (رجبی، ۱۳۹۰: ۳۶).

هدایی، ابوتراب (۱۲۷۴ خ)، پس از گذراندن دروس حوزوی و دبیرستانی، در سال ۱۳۳۰

به‌عنوان دبیر استخدام و به **اراک** منتقل شد. او که مسلط به زبان عربی بود، سابقه ریاست اداره فرهنگ اراک را هم دارد و نیز مسوولیت نشریه هدی را داشته و معروف‌ترین اثر این نویسنده «بهاییت دین نیست» را می‌توان نام برد. اشعار این شاعر خوش‌قریحه، جنبه راهنمایی و ارشاد دارد (ولاشجرودی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۴۱۷).



هزاوه، مهسانسادات (۱۳۶۶ خ)، فرزند سیدمحسن و بانو مریم، تحصیلات ابتدایی را در

دبستان ۱۳ آبان و راهنمایی فاطمیه گذراند و از دبیرستان تربیت **اراک** دیپلم گرفت. او سپس از دانشگاه اراک لیسانس مترجمی زبان انگلیسی دریافت کرد و هم‌چنین دوره ارشد و دکترای خود را در دانشگاه تهران سپری کرد و تدریس در دانشگاه را از سال ۱۳۹۳ پیشه



کرد. نخستین مقاله وی در سال ۱۳۹۴ با موضوع «بررسی ایدئولوژی خود و دیگری» در مجله معتبر TPLS انگلستان به چاپ رسید و در همایش ملی ترجمه و مطالعات بین‌رشته‌ای دانشگاه‌ها از جمله بیرجند و... مقالاتی ارائه کرد. از او کتب متعددی به‌عنوان مترجم، نویسنده و ویراستار علمی منتشر شده که برخی از آنها عبارتند از: «بررسی آثار ترجمه شده اسلامی»، «زبان تخصصی مدیریت» و ویراستار علمی کتاب‌های ترجمه متون ادبی، زبان تخصصی ادبیات، رویکردها و روش‌ها در آموزش زبان و...

هزاوه‌ای، سیدمرتضی (۱۳۰۷-۱۳۳۷ خ)، فرزند سیدمحمود، که دارای تحصیلات

دانشگاهی بود (لیسانس حقوق)، چندین سال به‌امر تدریس و ریاست دبیرستان صمصامی اشتغال داشت. او هم‌چنین عضو جبهه ملی ایران و سردبیر هفته‌نامه سپهر بود که مقالاتش در هفته‌نامه «قیام اراک» و «افق اراک» منتشر می‌شد. این نویسنده و فعال فرهنگی، معمولاً عصرها در مهمان‌پذیر توحید واقع در باغ ملی که محل استقرار جبهه ملی بود، سخنرانی می‌کرد و مردم را با مسائل سیاسی روز آشنا می‌کرد^۱ (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۶۹).



^۱. پیکر او که در رودخانه کرج غرق شده بود با تشریفات بی‌نظیری در سال ۱۳۳۷ تشییع و در آرامگاه آقا نورالدین دفن شد.

هزاوه‌ای، هادی (۱۳۱۹ خ)، در **اراک** به دنیا آمد و در همین شهر دیپلم طبیعی گرفت. این

نقاش برجسته ساکن نیویورک، در ۱۳۳۷ وارد دانشکده علوم دانشسرای عالی تهران شد و به‌استخدام آموزش و پرورش درآمد و نخستین سال تدریس خود را در روستای آرادان گذراند.

او سپس در سال ۱۳۴۰ وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و به‌همراه مرتضی

ممیز، منصور قندریز، سیروس مالک، فرامرز پیلارام، مسعود عربشاهی، محمدرضا جودت، قباد شیوا، فرشید

مثقالی، رویین پاکباز و محمد محلاتی، «تالار ایران» که بعدها به «گالری قندریز» تغییر نام یافت را تأسیس

کرد. نخستین نمایشگاه هزاوه‌ای در سال ۱۳۴۲ و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزار شد.

پس از انقلاب و با وقفه‌ای چند دهه‌ای گالری هما در آبان ماه ۱۳۸۷ میزبان نقاشی و طراحی‌های این

هنرمند بود و آخرین نمایشگاه او در سال ۱۳۹۲ در گالری شیرین‌ان‌وای در نیویورک برگزار شد. در سال

۱۳۹۱ کتاب هادی هزاوه‌ای با موضوع گفت‌وگوی داریوش کیارس با این نقاش برجسته با طرح جلد امیر

فرهاد از سوی نشر پیکره منتشر شد.

هزاوی، سیدمحمد (درگذشته ۱۳۳۱ خ)، فرزند آقا سید محمدعلی، اهل روستای هزاوه

(**اراک**)، عالم دینی، استاد امام خمینی و از مجتهدین نام‌آور، که در هزاوه باغ و املاک هم

داشته است.

همافر وفسی عراقی، محمدحسین (۱۲۲۸ - ۱۳۰۹ خ)، فرزند مرتضی‌قلی، مشهور به وفسی عراقی،

اهل روستای تاریخی وفس (**کمیجان**)، در سده ۱۳ هجری می‌زیسته و کتاب معتبری از این شاعر نیست

ولی ابراهیم دهگان در سال ۱۳۳۰ می‌گوید: مجموعه‌ای نظم و نثر به‌صورت اوراق به دست من رسید و تا

اندازه‌ای مدون، صحافی و مجلد شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۶۴).

همتی، محمد (۱۳۵۷ خ)، اهل امیرآباد (**زرنديه**)، دانش‌آموخته مترجمی زبان آلمانی است

که بیش از ۱۵ اثر ترجمه‌ای دارد که ماجراهای پینوکیو شاخص‌ترین اثر اوست (چراغی، ۱۳۹۵:

۴۰۸).

همتی‌هزاوه، تیمور (۱۳۳۴ خ)، فرزند رحمت‌اله و بانو عصمت، متولد روستای هزاوه

(**اراک**)، پس از دریافت مدرک ششم ابتدایی در هزاوه، برای ادامه تحصیل نزد خواهرش

به شازند رفت و دو سال در دبیرستان عروضی نظامی تحصیل کرد و سوم دبیرستان را در

مدرسه مجیدی اراک گذراند و به تهران رفت و از دبیرستان محتشم‌کاشانی تهران دیپلم

ریاضی گرفت. او سپس در آزمون دانشکده افسری شهربانی شرکت کرد و با رتبه هفتم وارد دانشکده شد و

با درجه ستوان‌دومی به‌مدت شش ماه در رسته انتظامی به تحصیل خود ادامه داد و در راهنمایی و رانندگی

شهرستان محلات، اراک، بندرعباس و ساوه خدمت کرد. تیمورخان همتی که بواسطه جثه تنومند و علاقه

مندی به ورزش باستانی، از سال ۱۳۵۰ در زورخانه شجاعت تهران با مرشد نامدار ایران استاد فرامرز نجفی و مرشد رهبر، در مسیر پهلوانی گام نهاده بود، لذا در همه شهرهایی که خدمت می‌کرد نسبت به راهاندازی زورخانه اقدام می‌کرد که از آن جمله‌اند: بندرعباس، محلات، اراک، ساوه و... او در ساوه به مدت دو سال رئیس هیأت ورزش بود و در بازگشت به اراک در سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۶۸ با تشکیل تیم باب‌الحوائج اراک منشأ دگرگونی در ورزش زورخانه‌ای شد. او که در ورزش پهلوانی و نیکوکاری چهره شناخته شده‌ای است، در اواخر سال ۱۳۶۸ و با همراهی کمیته امداد، گل‌ریزان موفق در سالن ۲۲ بهمن اراک بنفع نیازمندان انجام داد و گل‌ریزان دیگری با حضور عباس جدیدی و مهدی مهدوی‌کیا در سالن پنج مرداد اراک با ثبت رکورد بیشترین حضور انجام داد. سرهنگ همتی که کارشناس عالی تصادفات است، کتابی هم در این زمینه منتشر کرده و در زمینه شاهنامه‌خوانی و شاهنامه‌پژوهی نیز نفس گرم و گیرایی دارد. او همچنین نزدیک به ۹ سال رئیس هیأت ورزش کشتی پهلوانی و زورخانه‌ای استان و دبیر منطقه شش کشور شامل استان‌های اصفهان، قم، البرز و قزوین بوده است. عضو نخبگان فدراسیون جهانی، رئیس هیأت ورزش زورخانه‌ای فراجا استان، عضو شورای پیش‌کسوتان کشور و دبیر این شورا و همچنین رئیس کمیته رتبه‌بندی فدراسیون کشور از دیگر افتخارات اوست.

همدانی^۱، نصیرا (درگذشته ۱۰۰۷ خ)، از شعرای نامی عراق و از مردم آستانه (**شازند**) بوده و بر علوم بسیاری بویژه ریاضیات احاطه داشته و دیوانی دارد که شامل هزارویک بیت است. او همچنین کتابی در فن معما دارد (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۸).

هندی، سیداحمد (درگذشته ۱۲۴۸ خ)، فرزند دین‌علیشاه^۲، از علمای ایرانی تبار کشمیر است که در سال ۱۲۰۳ تا ۱۲۱۳، به عتبات رفت و در آنجا با یوسف‌خان فرزند محمدحسین بیگ، از اهالی روستای فرفهان **خمین** آشنا شد و با او به خمین آمد. این شخصیت برجسته، سپس با سکینه خواهر یوسف‌خان ازدواج کرد که حاصل این ازدواج شد سه دختر به نام آغابانو، صاحبه‌خانم و سلطان و یک پسر به نام مصطفی که پدر امام خمینی است. سیداحمد از سال ۱۲۶۴ تا ۱۲۸۲، املاکی در روستاهای شاهین، واسوران، نازی و یک کاروانسرا و باغ هم در خمین خریداری کرد و از درآمد این املاک امرار معاش می‌کرد (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۰۷۴).

^۱ کرج ابودلف (آستانه یا کرهرود) در گذشته بخشی از همدان و در دوره‌ای دیگر بخشی از اصفهان بوده است.

^۲ از نوادگان میرحامدحسین صاحب کتاب عبقات‌الانوار

هوشی‌دری، فضل‌اله (۱۲۸۱ خ)، فرزند حسین‌آقا، در روستای شاه‌آباد (فراهان) به دنیا آمد. او در سال ۱۳۱۱ گواهینامه پزشک مجاز گرفته و در زادگاهش به طبابت مشغول بود. شهرت هوشی‌دری بیشتر به خاطر هنر خوشنویسی است که آثار گران‌بهایی از او به یادگار مانده است (محتاط، ۱۳۷۲: ۱۶۹).

ی

یاحقی، رمضان (۱۳۴۹ خ)، زاده روستای کیشان (شازند)، هم‌زمان با سال آخر دبیرستان و ماه‌های پایانی جنگ در جبهه بود و چندسالی در مدرسه معصومیه به تحصیل علوم حوزوی پرداخت. اشتغال او از کار در کمیته امداد آغاز و سپس در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ادامه یافت تا بالاخره وارد سازمان صداوسیما شد و پس از طی دوره یک‌ساله تهیه‌کنندگی در دانشکده صداوسیما، در رادیو اراک شروع بکار شد. او با گذراندن نخستین دوره انجمن سینمای جوان، نخستین فیلم هشت میلیمتری این انجمن را به همراه رضا مهدوی‌هزاوه کلید زد. آثاری از این سینماگر در نشریات محلی و ملی به چاپ رسیده و اکنون یکی از برنامه‌سازان رادیو اراک است که بیشتر بر گویش‌ها و لهجه‌های محلی متمرکز است.



یاربیگ کمره‌ای، حسین (زندگی ۱۰۷۳ خ)، اهل خمین، یکی از یلان و پهلوانان اواخر دوره صفویه (سلطنت شاه‌سلطان حسین) است که رزمجویی گردن‌فراز بوده و کتاب رستم‌التواریخ در مورد این پهلوان می‌نویسد: یاربیگ کمره‌ای... در پهلوانی، زبردستی و رزمجویی مانند رستم زال و گیو و گودرز و فرامرز و بیژن بوده و شاه‌سلطان حسین از وی در رنج و... (سمیعی، ۱۳۸۲: ۸۵۲).

یارمحمد توسکی، مریم (۱۳۴۰ خ)، فرزند حسین و بانو مهرماه، متولد شهر ری، از سال ۱۳۷۰ ساکن اراک و استادیار پایه ۲۴ بازنشسته جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اراک می‌باشد. او دارای چندین مقاله علمی پژوهشی (ISI)، مدیر انجمن جامعه‌شناسی ایران (دفتر اراک)، مجری طرح ملی گفت‌وگوی خانواده در اراک و ساوه و چندین پژوهش استانی و شهری در استان مرکزی و به عنوان نویسنده، صاحب چند عنوان کتاب و ترجمه است که از آن جمله‌اند: مهمترین مسائل اجتماعی شهر اراک، تحلیل مسائل حاکمیت اجتماعی کشور، حقوق کیفری بکارگیری سلاح گرم توسط پلیس، حیات روشنفکری ایران معاصر، جامعه‌شناسی پلیس جامعه‌محور، جامعه‌شناسی پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی، درآمدی بر جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، تاملی بر حیات روشنفکری نیم‌قرن اخیر ایران و..



یارمحمدی، اسداله (۱۲۶۱-۱۳۳۴ خ)، از بازرگانان سرشناس اراک، کنشگر سیاسی و از آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان عضو انجمن دموکرات اراک بود. این تاجر به دلیل اینکه مستقیماً صادرات قالی به آلمان

داشت به اسداله آلمانی هم شهرت یافته بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۶۵).

یارمحمدی، لطف‌اله (۱۳۱۲-۱۴۰۰ خ)، فرزند فتح‌اله، زاده جلال‌آباد (فراهان)، دوران

۶ ساله ابتدایی را در فرمهمین گذراند و ادامه تحصیلاتش را در اراک و گلیایگان تا پایان دوره دانشسرای مقدماتی گذراند و از دانشسرای عالی دانشگاه تهران لیسانس زبان‌وادبیات انگلیسی گرفت. او با رتبه نخست همراه دانشجویان اعزامی به آمریکا رفت و از دانشگاه



ایندیانا در همین رشته ارشد گرفت و در سال ۱۳۴۳ هم دکترای تخصصی زبان‌شناسی دریافت کرد. دکتر یارمحمدی در بازگشت به ایران مدتی در دانشسرای عالی تهران (تربیت معلم فعلی) و سپس در دانشگاه شیراز به تدریس پرداخت. فرهنگنامه موضوعی توصیفی علوم انسانی از جمله طرح‌های پژوهشی است که به‌همت این عضو پیوسته فرهنگستان علوم و همکارانش در گروه علوم انسانی اجرا و به‌صورت کتاب منتشر شده است. کتب ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی، مبانی زبان‌شناسی، گفتمان‌شناسی رایج‌وانتقادی، تجزیه‌وتحلیل مقابله‌ای صوتی زبان انگلیسی‌وفارسی، فرهنگنامه موضوعی توصیفی علوم انسانی، جامعه‌شناسی زبان، روانشناسی‌وعصب‌شناسی زبان، پژوهشی در صوت‌شناسی فارسی جدید، آهنگ و ویژگی‌های وابسته، بررسی مقابله‌های ساخت جمله فارسی‌وانگلیسی و آموزش تلفظ انگلیسی در قالب صوت‌شناسی گشتاری، برخی از آثار پروفیسور یارمحمدی این دانشمند و معروف‌ترین چهره زبان‌شناسی کاربردی خاورمیانه است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۲۹۶).

یاری، عباس (۱۳۳۰ خ)، فرزند اکبر و بانو مولود خانم، تحصیلاتش را در دبستان خیام

گذراند و از دبیرستان مجیدی اراک دیپلم گرفت. او علاقه‌مندی خود به کار فرهنگی را با عکاسی و روزنامه‌فروشی در اراک آغاز کرد. این دانش‌آموخته فیلم‌برداری در مدرسه عالی تلویزیون و نویسنده خوش‌ذوق، فعالیت حرفه‌ای خود را در تهران با خبرنگاری در روزنامه‌های صبح امروز، تهران مصور و کیهان آغاز کرد. ماجرای شکل‌گیری مجله فیلم با حضور او و دو دوست دیگرش بارها در سینما تبدیل به فیلم مستند شده و ایشان دبیر تحریریه این مجله تخصصی است که هم‌چنان منتشر می‌شود.



یاری، علی (۱۳۴۰-۱۳۹۷ خ)، فرزند اکبر و بانو مولود خانم، تحصیلاتش را در دبستان

فدک و راهنمایی را هم در مدرسه شیرها گذراند و از دبیرستان مجیدی اراک دیپلم گرفت. این هنرمند، کار مثبت را در سال ۱۳۶۶ بدون استاد آغاز کرد و در نمایشگاه دوسالانه نقاشان در موزه هنرهای معاصر تهران و موزه چهارفصل اراک شرکت نمود. او به‌عنوان کارشناس موزه در تشخیص قدمت آثار قدیمی مهارت داشت و جدا از کارهای تندیس و طراحی و مثبت، کارهای نفیسی از آثار مینیاتوریست صاحب نام، استاد محمود فرشچیان را بر روی چوب اجرا کرد که استاد با دیدن این آثار طی نامه‌ای ضمن تشکر، او را هنرمند خلاق و برجسته خطاب نمود. استاد یاری در



سال ۱۳۹۴ شروع به اجرای یک مجموعه آثار هنر تجسمی و ساخت تندیس با نام ۴۰ کلید نمود که این آثار پس از درگذشت او در سال ۱۳۹۷ و در فرهنگسرای آئینه‌ای اراک به‌نمایش درآمد.

یاری، کاوه (۱۳۳۲-۱۳۹۸ خ)، فرزند اکبر و بانو مولود خانم، در اراک به‌دنیا آمد و



تحصیلات دوره ابتدایی را در مدرسه خیام گذراند و از هنرستان صنعتی اراک در رشته فلزکاری دیپلم گرفت. او پس از خدمت سربازی، مشاغل مختلفی را تجربه کرد از جمله صدابرداری در برنامه‌ها و تاترهای تلویزیونی، ۲۰ سال به‌عنوان مدیر داخلی، صداپرداز و دستیار عکاسی و نور. او سپس با توجه به علایق و تحصیلاتش، به ساخت تندیس و آثار تجسمی منحصر به‌فردی از جنس فلز روی آورد که این هنر را چقاشی (ترکیب نقاشی با چکش) نامید. این هنرمند با برگزاری ۴ نمایشگاه انفرادی در گالری‌های گلستان، هپتا، سهراب و میکای کیش با توجه به سبک منحصر به‌فرد آثارش، بسیار مورد توجه رسانه‌های خبری، هنرمندان و هنر دوستان بود.

یاورانجدانی، محمدعلی (قرن ۱۳)، فرزند یعقوب، نویسنده کتاب «قواعد نظام» با موضوع فنون نظامی که به‌زبان فارسی تألیف کرده است (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۱۱۲).

یثربی، مهدی (۱۲۷۱-۱۳۲۳ خ)، فرزند محسن، اهل اراک، عالم دینی، نویسنده و از فقهای عصر خود بوده و مقالات ایشان در مجله ارمغان چاپ می‌شده است (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۶۵).

یعقوب‌زاده ساوجی، احمد (۱۳۱۲ خ)، در ساوه به‌دنیا آمد و پس از تحصیل در مکتب‌خانه، دبستان و حوزه علمیه، موفق به دریافت دیپلم و سطح یک حوزه شد. این عالم دینی، معلم و شاعر، محضر آیات شریعتمدار، تهجدی و شیخ‌علیرضا مددی را درک نمود و ردای معلمی بر تن کرد. معاون و رئیس اداره آموزش و پرورش و مؤسس دبستان دین‌ودانش ساوه، با تخلص «مسکین» شعر می‌سرود (فخاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۵۵).

یگه‌تاز، سمیرامیس (۱۳۶۷ خ)، فرزند لطیف، اهل مأمونیه (زرنديه)، از کودکی به طبع



شعری خویش پی برد و نخستین مجموعه شعر این شاعر و دانش‌آموخته ارشد زبان‌وادیات فارسی در سال ۱۳۹۴ با عنوان «شاید روزی عاشق شوم» منتشر شد (چراغی، ۱۳۹۵: ۴۶۶).

یوبی‌ساوجی، نصر (قرن ۱۴)، فرزند احمد، شاعری است از دیار ساوه و حافظ ابوطاهر سلفی، برخی آثاشید (سرودها) را از ایشان روایت می‌کند (فخاریان، ۱۳۹۶: ۹۹۷).

یوسف‌بیگی‌شیرازی، محمد (۱۲۹۵ خ)، فرزند یوسف‌بیگ، از شعرای معاصر با تخلص «یوسفی» و با اصالت محلاتی است که در شیراز به خیاطی اشتغال داشت. این شاعر محلاتی شیرازنشین، دیوان شعر چند هزار بیتی دارد (بخشی، ۱۳۹۵: ۷۳۹).

یوسفی، ابوالفضل (۱۳۵۷ خ)، فرزند طوقان آقا و بانو فاطمه، تحصیلاتش را در دبستان

شهدای هویزه و راهنمایی توحید اراک گذراند و از دبیرستان تربیت بدنی دیپلم گرفت و در دانشگاه مهاجر اصفهان، آزاد اراک و محلات فوق لیسانس فیزیولوژی ورزش خواند. او هاکی را از دبیرستان آغاز کرد و با رفتن به دوره مربی‌گری به‌این ورزش علاقه‌مند شد. وی از



سال ۱۳۸۸ به‌عنوان مربی بدنسازی به تیم ملی هاکی دعوت شد و در مدت ۱۳ سال مربی‌گری تیم ملی با این تیم هفت‌بار قهرمان آسیا شد و یک‌بار هم مقام سوم جهان را کسب کرد. یک سال سرمربی تیم ملی ویتنام، دو سال سرمربی تیم ملی قزاقستان، کسب مدال برنز آسیا و طلای بلاروس با تیم قزاقستان، سه سال سرمربی تیم ملی ایران، کسب مدال طلای مسابقات آسیایی تایلند، مربی تیم ملی ایران، کسب مدال طلای آسیا در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹، کسب مدال برنز جام جهانی برلین (سال ۲۰۱۸)، چهار دوره قهرمان لیگ برتر ایران به‌عنوان سرمربی، بدنساز تیم فوتبال لیگ یک، کسب مدال طلای مسابقات بین‌المللی در کشورهای اتریش، چک، لهستان، بلاروس، روسیه و آلمان، سه دوره حضور در جام جهانی از دیگر افتخارات اوست. وی هم اکنون سرمربی هاکی قزاقستان است که رتبه سیزده در رنکینگ جهانی را داراست.

یوسفی، زهرا (۱۳۳۰ خ)، فرزند رحیم و بانو خانم آغا، در دبستان منوچهری و دبیرستان

ایراندخت اراک تحصیل کرد و در سال ۱۳۴۸ وارد دانشکده پلیس شد و پس از ۳ سال در

تهران مشغول بکار شد. او سپس در سال ۱۳۵۵ یک دوره تحصیلی ۹ ماهه را در رشته

کامپیوتر در انگلستان گذراند. این نخستین بانوی اراکی که با عنوان افسر شهربانی خدمت

کرده، موتورسوار ماهری است و در این رشته یکی از افسران سرآمد پلیس بود که با موتور از میان حلقه آتش و از روی ۴ اتومبیل و نیز از روی ۲۰ تا ۲۵ نفر که جلوی تخته‌پرش دراز کشیده بودند، پریده است. او در سال ۱۳۵۸ با درجه سروانی بازنشست شد (ذبیحی، ۱۳۸۵: ۴۱۹).



یوسفی، عبدالله (۱۳۴۹ خ)، فرزند نعمت‌اله و بانو مرصع، اهل **دلیجان**، تحصیلاتش را در دبستان شاه‌رضا

و شریعتی و نیز راهنمایی ولی‌عصر گذراند و از دبیرستان علامه دیپلم فرهنگ‌و ادب گرفت. نخستین اثر این

نویسنده «دل در آینه دل» بود که بدون شابک چاپ شد. «گل‌بند جوقند»، «آدور و قناری»، «حضرت

عشق»، «دلیجانه اسم قشنگ شهرم» آثار دیگر اوست و دو کتاب «قلم سربه‌راه» و نیز «قلم سربه‌ها» را

هم در دست چاپ دارد. ایشان هم‌چنین در رسته‌های دیگر هنر از جمله خوشنویسی، شعر، تئاتر و اجرا هم

دستی دارد که برایش لوح تقدیر، تندیس و جوایز متعددی در پی داشته و اینکه به‌مدت سه سال مسوول

انجمن ادبی کوثر دلیجان و دو سال هم مسوول انجمن نمایش این شهرستان بوده است.



یوسفی، فاطمه (۱۳۵۲ خ)، فرزند شکراله و بانو زهرا، در اراک متولد شد و دوران تحصیلی را در مدارس ابراهیمی فخار و دبیرستان شاهدخت (تربیت) گذراند و در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه آزاد اراک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی گرفت. او سپس دوره انجمن سینمای جوان را گذراند و به ساخت فیلم پرداخت. فیلم سه‌دقیقه‌ای «دست‌های او» در جشنواره فیلم‌های کوتاه سینمای جوان تهران برنده تندیس زرین، دیپلم افتخار و جایزه نقدی شد و نیز در جشنواره بین‌المللی هامبورگ هم به‌عنوان بهترین فیلم اجتماعی برنده جایزه دوربین طلایی و لوح افتخار شد. او پس از ازدواج و با اصرار همسرش مانی زیاری دومین فیلم کوتاه خود را با نام «مسیر» کارگردانی کرد و باز هم در جشنواره فیلم‌های کوتاه سال ۱۳۸۱ تهران برنده تندیس زرین، دیپلم افتخار و جایزه نقدی شد. این سینماگر هم‌چنین در سال ۱۳۹۰ در فیلم اختاپوس (آهوی پیشونی سفید) نقش مهمی بازی کرد و با سیدجواد هاشمی همکاری داشته است.

یوسفی‌آوی، ابوعبید (قرن ۷)، شاگرد علامه حلی است که مهم‌ترین اقدام این عالم دینی و دولت‌مرد خاندان یوسفی، ساخت مسجد جامع آوه (ساوه) است که دارای مناره‌ای بزرگ، صحن، شبستان و محراب بوده است (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۹).

یوسفی‌آوی، حسن (۶۲۹ خ)، فرزند ابوطالب، اهل ساوه، معروف به فاضل آبی مشهور به ابن‌الزیب، فقیه و عالم دینی که در قرن هفتم می‌زیست. این عالم دینی کتابی به نام «کشف‌الرموز» دارد که شرحی بر کتاب مختصر نافع استاد خود محقق حلی است. او پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در زادگاهش و هم‌چنین مدارس علمیه قم و ری، به عراق مهاجرت کرد و به آموختن علوم دینی همت گماشت (فخاریان، ۱۳۹۶: ۳۸۸).

نمایه موضوعی

اثرگذار (۶۰ نفر):

آخانی سنجانی، احسان * آدوبادور، عزیزاله * آذرهوش، محمد * آشتیانی، محسن * آشتیانی، نعمت‌اله * آقاخانی، سیاهش * آخوان هزاوه، حمید * اراکی، علاءالدین فرید * اراکی، محمد * اسراییل خان * اعتصامی آشتیانی، زبینه * امینی، نصرت‌اله * بنی‌کعب، فاطمه * بهادری، علی‌اکبر * بهادری، عیسی * بیات، ذوالفقار * بیات، زرنندی، علی حسین * پورونداد، بهزادان * تنه‌ازرنندی، علی * حاج علیخانی، اسداله * حسن‌زاده، رؤیا * حشمتی، عباس میرزا * حیدرلو، محمد * خاکباز، سیدحسین * خزاعی، محمد میرزا * خلجی، محمد * دانش منفرد، علی * داوری، هما * دبیر طاهر * رادفر، مرتضی * رحیمی، احمد * زرتشت، عبدالصمد * زیاری، علی * ساوجی، کلبعلی * شاهین قائم مقامی، محمدعلی * شکاری، مقدم، جمیله * شمایی، محمدولی * صابری نسب، حبیب‌اله * صابری نسب، سمیه * صدر، سیدجواد * صدوق، محمدباقر * صفایی، نصرت * صمدی، فتح‌اله * فاضل نراقی، محمد مهدی * فاضل نراقی، احمد * فرخ‌مهر، علی * قریب‌گرکانی، فخرالزمان * کتانفروش، سیدمهدی * کریمی، محمد رضا * کریمی ساروقی، محمد کاظم * کمره‌ای، صدرالعلما * کمره‌ای، علیخان * کیانی نراقی، مصطفی * محتشم نراقی، کمال‌الدین * مستوفی تفرشی، اسماعیل * مشک‌آبادی، ایمانی خان * مشک‌آبادی انجیرکی، سلیمان * مشیری، غلامرضا * ملکی، خلیل * نراقی، حبیب‌اله

ادیب (۴۲ نفر):

آشتیانی، محمدتقی * آشتیانی، محمدحسن * استعلامی، محمد * اعتصامی آشتیانی، یوسف * اقبال آشتیانی، عباس * آوجی، سیدصدرالدین * تفرشی، ظهیرالدین علی * جاسبی واران، علی * حسینی، محمدصادق * حکیم‌ساوجی، علی * حکیم‌ساوجی، علیرضا * حکیم‌ساوجی، لقمان * دانش، علیمحمد * راد احمد * ساوجی، فخرالدین * ساوجی، محمد رضا * سرود، غلامحسین * سلطان‌آبادی، محمدعلی * طاهری عراقی، احمد * طیب‌ساوجی، علی * علوی کرچی، احمد * عمادی آشتیانی، حسین * فراهانی، ابوالکریم * قائم مقامی، عالم‌تاج * قائم مقامی، عبدالوهاب * قائم مقامی فراهانی، سیدعلی اکبر * قوام آشتیانی، احمد * کرچی، ابوالعباس * کرچی، محمد * کرچی، محمد * کهرودی، میرحیدر * کزازی، میرجلال‌الدین * کیا، صادق * گرکانی آشتیانی، نصراله * محلاتی، عبدالصمد * محلاتی، علی * محمودی میلادردی، احمد * مکی‌نژاد، سیدفخرالدین * میثمی، محمدشفیع * نجفی‌زاده، سیدعلی * یارمحمدی، لطف‌اله

ارامنه (۱۵ نفر):

* آوانسیان * ارمی، آوانس * باسقی، سرپوهی * بالاسانیان، سونیا * پایازیان، نکاتر * شه‌بندریان، یونیک * کریم‌مسحی، واروژ * لیلیانی، رابین یوسف * ماناریان، پروانه * مدتیان، ماقاک * مددیان، آندرانیک * میرزاخانیان لیلیانی، یعقوب * میناسیان، هوویک * نیسانیان، مؤسس * هاواساپیان، آرمنو

امام اسماعیلیه (۱۴ نفر):

* انجدانی، ابوالحسن علی * انجدانی، حسن علی * انجدانی، خلیل * انجدانی، خلیل * انجدانی، ذوالفقار علی * انجدانی، سیدعلی * انجدانی، عباس * انجدانی، عبدالسلام * انجدانی، قاسم علی * انجدانی، مرادمیرزا * انجدانی، مستنصراله * انجدانی، نورالدین علی * شاه‌نزار، عطاءاله * محلاتی، آقاعلی شاه

بنیانگذار (۶۷ نفر):

* آشتیانی، جواد * آشتیانی‌زاده، محمد رضا * اشک، دالن * اعتصامی آشتیانی، زبینه * امینی، ابراهیم * امینی، علی * امینی حاجباشی، چنگیز * امینی حاجی‌باشی، ناصر * اناری، عبدالرضا * انصاری محلاتی، محمدباقر * بزرگمهر، یوسف * بهرامی، محمد * بهرامی، حسین * بهنام، عیسی * بیات، مصطفی قلی * بیات، ذوالفقار * بیات، عباسقلی * بیات، نصرت‌اله * بینا، احمد * پارسا، ابراهیم * پورعطار، مجید * چهرآزاد، همای * حجازی، سیدرضا * حجازی طهرانی، سیدموسی * حسایی، سیدمحمد * حسایی، سیدمحمود * حسینی تفرشی، سیدکاظم * حشمتی، کامیز * خزائی، محمد * دالن، اشک * داودزاده، سیدمحمدباقر * رضان‌زاده محلاتی، فاطمه * ساوجی، جمال‌الدین محمد * ساوجی، سدیدالدین * سعیدی - آشتیانی، حسین * سینا، محمدعلی * شاه‌محمدی، جواد * شیمی، کاظم * صفایی فراهانی، محسن * عراقی، عبدالعظیم * عطایی آشتیانی، عبدالله * علیمیرزایی، علی * فریدزه‌زاده، سیدحسن * قدوه، محمد رضا * قریب‌گرکانی، محمد * قریب‌گرکانی، محمدحسین * کاظمی آشتیانی، سعید

* کزازی، محمد * کمره‌ای، محمدباقر * گرجی، یوسف‌خان * مبصری زرنندی، حسنعلی * محسنی اراکی، نیک‌چهره * مددی، محمدعلی * مشایخی، علی نقی * مشفق، علی‌اکبر * معصومی، علی * ملول، غلامعلی * موسوی، سیدباقر * مولودی، امیرسعید * مؤمنی، عبدالوهاب * میرسپاسی، عبدالحسین * میرفخرایی، نیره‌سادات * میرهادی، سیده‌توران * میکده، غلامعلی * نصیر، زین‌العابدین * واشقانی‌فراهانی، علی

پدر و مادر علمی (۳۰ نفر):

* بلور، حبیب‌اله * بهرامی، ابوالقاسم * بهرامی، تقی * پارسا، احمد * جهان‌شاهلو، غلامرضا * حاجیان، جواد * حسابی، سیدمحمد * حسابی، سیدمحمود * حسینی‌نراقی، ولی‌اله * خرسندی‌آشتیانی، محمدتقی * خرمی، حسام‌الدین * دبیر تفرشی، اسماعیل * سبحان تفرشی، عباس * سیاسی، علی‌اکبر * سیحون، هوشنگ * شریفی‌سنجانی، ناصر * شببانی، جمشید * عربگل، مسیب * فروهر، جهانگیر * قریب‌گرگانی، عبدالعظیم * قریب-گرگانی، عبدالکریم * قریب‌گرگانی، محمد * قوام‌زاده، اردشیر * مشفق‌کاظمی، سیدمرتضی * مهدی‌نیا، حسن * میرزاحمدعلی‌نراقی، علی‌محمد * میرسپاسی، عبدالحسین * میرهادی، مریم * ناصری‌فرد، محمد * وثوق، پروانه

پژوهشگر (۱۴۰ نفر):

* آخانی‌سنجانی، حسین * آرزومندی، هادی * آشتیانی، محسن * ابراهیمی، سیما * ابراهیمی‌شیرکوهی، احمد * اسماعیلی‌انجذانی، محسن * اشجاری، محمد * اصغری، سعید * اقبال‌آشتیانی، عباس * اکرمی‌چقاسیاهی، موسی * الحسینی، سیدمحمد * امامی، غلامرضا * امیرحسینی، الیاس * امیرحسینی، خسرو * امیری، علیرضا * امیری، غلامعلی * امینی، سودابه * انصاری، هرمز * انصاری‌محللاتی، محمدرضا * ایک‌آبادی، فاطمه * آیت‌محمدعلی * باباجانی، علی * بخشی، علی * پرزآبادی‌فراهانی، مجتبی * بیانی، مهدی * پارسا، احمد * پاشنگ، مریم * پاک‌نیت، داود * پرویزیان، محمدعلی * پیرهادی‌تواندشتی، محمود * ترابی‌نراقی، محمد * توجه، عبدالله * جداخدیجه * چمراسی، علی‌اصغر * چراغی، محمدعلی * چناری، حسین * حاجیان، جواد * حجت‌الاسلامی، سیدعلیرضا * حضرتی‌آشتیانی، صادق * خرمی، حسام‌الدین * خسروی، ابوالفضل * خلیج‌اسعدی، مرتضی * خلیج‌امیرحسینی، آریتا * خلیل‌زاده، امیرحسین * دانش‌پژوه، زهرا * داودپور، رضوان * درودیان، ولی‌اله * دهگان، ابراهیم * ذوالفقاری، محسن * رادفر، ابوالقاسم * ربیعی، افسانه * رحیمی، احمد * رستمی، مرتضی * رضایی‌نژاد، غلامحسین * روستا، حمیدرضا * زرینخی، آرش * زلفی‌گل، محمدعلی * زمانی‌فراهانی، همیرا * زمانی‌نیا، مصطفی * سجادی‌هراوه، محبوبه * سبحان تفرشی، ابوالقاسم * سبحان تفرشی، عباس * سعیدی، عباس * سلیمانی‌آشتیانی، مهدی * سهیلی‌مظفر، حمید * سیادت، سیدمحمد * سیداشرفی، عظیم * شاه‌آبادی، حمیدرضا * شریفی‌سنجانی، ناصر * شعبی، فاطمه * شفیعی، محمدرضا * شهاب، ناصر * شیرمحمدی، علی‌اصغر * صابری‌نسب، حبیب‌اله * صفری، حسین * صمیمی، علیرضا * طالبی، مریم * طاهری‌عراقی، احمد * طباطبائی، سیدمهدی * عباسی، محمدکاظم * عباسی‌بانی، ابوالفضل * عبدلی‌آشتیانی، اسداله * عبدی، نوزاله * عدل، سیدمحسن * عراقی، مجتبی * عزیزآبادی‌فراهانی، فاطمه * عسگری‌ساوجی، سیدمرتضی * عضایی، حسین * عضایی، محمد * عظیمی، علی * علی‌آقای‌نراقی، مرتضی * فاضلی، محمد * فاضلی، نعمت‌اله * فاطمی، ساسان * فراهانی، فردون * فراهانی، هوشنگ * فرحی‌عراقی، حمیدرضا * فرهادی، مرتضی * قاسمی، حمیدرضا * قریب‌گرگانی، مرتضی * قوام‌زاده، احسان‌اله * قوام‌زاده، اردشیر * کرمی، حمید * کریمی، زهرا * کشف‌فراهانی، علی * کمال‌آبادی، سینا * کمیجانی‌اکبر * کیهان، شهاب‌الدین * گازرانی، ساقی * گودرزی-فراهانی، ابراهیم * مبصری، بهروز * متین‌دفتری، احمد * مجللی، اسماعیل * محتاط، محمدرضا * محللاتی، محمدسروش * محمدی، عباس * محمدی، مهدی * مرادی‌غیاث‌آبادی، رضا * مرادی‌نیا، محمدجواد * مسعودی‌آشتیانی، مهدی * مسیب‌محللاتی، سیدابوالحسن * مشدیی، مسعود * مصفا، مظاهر * معصومی، محسن * مکی‌نژاد، سیدفخرالدین * ملکی، جواد * موسوی، سیدعلی‌اصغر * موسوی، سیده‌طاهره * موسوی، سیده‌معصومه * مولوی، امیر * میرمحمدی، رضوان‌السادات * میناسیان، هووینک * ناصری‌فرد، محمد * نجفی‌آشتیانی، ابوالقاسم * نراقی، احسان‌اله * نعیمی، احمد * نیک‌پور، صغرا * نیک‌زاد، مرتضی * نیک‌فام، یوسف * هاشمی، سیدمسعود

تاریخ‌ساز (۳۳ نفر): شخصیت‌های فوق برجسته که نام و نشان‌شان فراتر از مرزهای ملی است.

* آشتیانی، حسن * آشتیانی، یوسف * آوی، سعدالملک * امینی، نصرت‌اله * بیات، مرتضی‌قلی * پورونداد، بهزادان * چمران‌ساوه‌ای، مصطفی * چهرآزاد، همای * حاتمی، عباسعلی * حسینی‌فراهانی، سیدجعفر * ساوجی‌طوسی، نصیرالدین * ساوه‌ای، یوسف * سیحون، هوشنگ * صدر، سیدمحسن * طبرسی، ابوالفضل * فاضل‌نراقی، احمد * فاضل‌نراقی، محمدمهدی * فراهانی، آقا‌حسینقلی * فراهانی، عبدالله * فراهانی، محمدتقی * فراهانی، محمدحسین * قائم‌مقام‌فراهانی، سیدابوالقاسم * قائم‌مقام‌فراهانی، عیسی * قوام‌آشتیانی، احمد * متین‌دفتری، احمد

مختشم نراقی، کمال الدین علی * مصدق آشتیانی، محمد * مصطفوی، سیدروح اله * منصور، حسن علی * منصور، رجبعلی * نظامی گنجوی، جمال الدین الیاس * وثوق آشتیانی، حسن

تذهیب (۷ نفر):

* اخواص، مصطفی * انجدانی، جعفر * ترخورانی تفرشی، ابوالقاسم * توجه، احمد * رفیعی، میلاد * کاظمی میقانی، معصومه * واشقانی فراهانی، رمضانعلی

تعزیه (۳۲ نفر):

* آمره ای، اسداله * آهنگانی مقدم، سعید * امیری، عرفان * ترخورانی، رجبعلی * جمشیدی، نصرت اله * جناب قزوینی، عبدالکریم * حیدری، ابوالقاسم * حیدری، مریم * دریایی، مهدی * دوامی، عبدالله * سارنگی ساوچی، سیداحمد * ساوچی، حسین * ساوچی، داراب * ساوچی، غلامحسین * ساوه ای، آقاجان * سفیدابی، ولی اله * صابری، علی آقا * صابری، غلامحسین * طبیبی ساوچی، ابوطالب * عسگری فراهانی، حاتم * فراهانی، لطف اله * قربان حسینی ساوچی، ابوالقاسم * گودرزی فراهانی، نصراله * مجلی، اسماعیل * مجلی، حسن * مطیع، محمدابراهیم * میرشکاری، محمد * ناجی، یامین * نبوی زاده، نمازی، سیدرضا * نکیسا، حسینعلی * نیک بخش، سعید

تولیت آستان قدس رضوی (۶ نفر):

* انتظام وزیری، سیدمحمد * تفرشی، ابوالقاسم * حسینی فراهانی، سیدجعفر * سراج حجازی، سیدحسن * فراهانی، محمدحسین * منصور، رجبعلی

چهره ماندگار (۱۰ نفر):

* حجازی، سیدرضا * زند، اسکندر * سیف امیرحسینی ساوچی، موسی * قدیگی، علی جعفر * قریب گرکانی آشتیانی، بدرالزمان * مجتبیایی، فتح اله * مجدحلاتی، احمد * مهدی نیا، حسن * میری آشتیانی، سیدجلال الدین * هاشمی، عطاء اله

حافظ قرآن (۱۲ نفر):

* آشتیانی، مسیح * آشتیانی، مهدی * آل طاهر، ابوالقاسم * حیدری، ابوالقاسم * خزائی، محمد * خندابی، ابراهیم * درودیان فرشی، محمدرضا * سعادت، سیدمحمد * عراقی، فخرالدین * کریمی ساروقی، محمدکاظم * وفسی، سیدمبین * هاشمی سنجانی، علی

حاکم (۵۹ نفر):

* ارفیع آستانه، عباس * آشتیانی، حسن * آشتیانی، زین العابدین * آشتیانی، شفیع السلطان * آشتیانی، علی اصغر * آوی، نجیب ابوالهیجای * آوی، نظام الدین حسین * ارادت، مبارک اله * اسراییل خان * اعتضاد السلطان، ابراهیم * انجدانی، سلمان * باجقو، اسماعیل * تفرشی، علی اکبر * دبیر طاهر * دندان کرجی، محمد * ساوچی، مبارک شاه * ساوچی، پیرعلی بیگ * ساوچی، حسین خان * ساوچی، سدیدالدین * ساوچی، عباس قلی * ساوچی، عبدالکریم * ساوچی، عبدالله * ساوچی، علی * ساوچی، محمعلی * ساوهای، پیراحمد * سراج حجازی، سیدحسن * سعادت، سیدباقر * سیف، امیرحسین * سیف - امیرحسینی، علی * شاملو، حسن * شاملو، حسین * شاملو، عباسقلی * شاملو، قلی بیگ * شاملو، مرتضی قلی * شیبانی، ابراهیم * عاصم السلطنه، ابراهیم * عضد، ابوالفضل * علوی حسینی آوی، ابوالفضل * فاذا، یزدان * فراهانی، محمدحسن * قوام زاده، محمد * قورچی باشی، روملوندنگیز بیگ * کرجی، محمد * کزازی، حقوردی بیگ * کرجی، غلامحسین * کرجی، محمدتقی * کرجی، یوسف خان * گرکانی آشتیانی، محمود * مدنی، حسین * مستوفی، سیداحمد * مستوفی آشتیانی، ابراهیم * مستوفی پاراسحسن * مستوفی تفرشی، اسماعیل * مستوفی تفرشی، زکی * مشک آبادی، ایمانی خان * منطقی تفرشی، حسن * مولوی زاده، علی * میرممتاز، سیدحسین * میکده، سلیمان

خنیاگر (۱۶۲ نفر): فعالان حوزه موسیقی است.

* آسمانی، مهرداد * آقارضی درمنی، سیمین * آقایی حصار، محمد * آبنوسی، نریمان * اباذری، عباس * اباذری، مسعود * ابراهیمی تبار، قربان * ابراهیمی فخار، امجد * ابراهیمی فخار، حامد * ابراهیمی فخار، فرزانه * ابطاحی، سیدحسین * ابوالحسنی، عباس * ارجمند حقیقی آشتیانی، ابوالقاسم

*اروجلو، عبدالحسین *اسماعیلی، علی اصغر *اشتری، حمید *امیدی، مرتضی *امیری، عرفان *امینی، علی اکبر *ایرجی، کاظم *بانی، بهنام
 *براری، پیمان *بشیری، سیدمظفر *بهریزی، نیا، حسین *بیات زرنندی، مطلق، علی حسین *بینا، سیما *برایی، محمد *ترخوانی، رجلی
 *تفرشی، سیدحبیب اله *تنها، غلامرضا *توجه، احمد *جدیری، موسی *جعفری، سیدحسین *جوکار، سعید *چهارحدی، اسماعیل
 *حاتمی، عبدالحمید *حاتمی، یحیی *حاج عظیمی، آشتیانی، حسین *حامدی، ابراهیم *حامدی، نژاد، کیان *حریقانی، سبزی علی *حسینی، حسین علی
 *حسینی، عنایت *خدابخشی، ابوالقاسم *خوش الحان، کریم *خوش آواز، غلامرضا *دانشور، امید *داودی، ویگن *دریایی، مهدی *دوامی، عبدالله
 *ذوالقدر، محمدابراهیم *ربیعی، رضا *رحمانی، حامد *رحمتی، یاسمین *رحیمی، شاپور *رحیمی، ساوچی، احمد *رزازی، حسین *رستمی، جعفر
 *رستمی، علی *رضایی، افسانه *روح بخش، عزت *زرینخی، سعید *زهرایی، منفرد، پروین *ساداتی، فرشته *سارنگی، ساوچی، سیداحمد
 *ساوچی، آقاگل *ساوچی، بیبرام *ساوچی، حسین *ساوچی، حسین *ساوچی، سعد *ساوچی، غریب *ساوچی، غلامحسین *سواهوی، آقاجان
 *سرشار، حسین *سعادت فرساوچی، شمس اله *سنگکی، ساوچی، محمدحسین *سنگکی، ساوچی، معصوم *شاهمیری، کورس *شفیر، حسین
 *ساوچی، سیداحمد *شکوری، ساوچی، مریم *شه پندریان، یونیک *شهرپسند، ناصر *شهنازی، عبدالحسین *شهنازی، علی اکبر *شیرین آبادی
 *فراهانی، نصرال. *صادقی، محمدرضا *طوطی، عباس *طیپی، سیداحسان *طیپی، سیدرضا *عابدآشتیانی، یوسف *عبادی، احمد *عباسی، کامبیز
 *عبدلی، مهدی *عسگری، فراهانی، حاتم *فاریابی، باقر *فاطمی، ساسان *فراهانی، آقا حسینقلی *فراهانی، آقارضا *فراهانی، جواد *فراهانی، حسن
 *فراهانی، عبدالله *فراهانی، علی اکبر *فراهانی، غلامحسین *فراهانی، فریدون *فراهانی، ملوک *فراهانی، مهدی *فراهانی، مولود
 *فراهانی، هوشنگ *فرهمندساوچی، محمود *قارلوقی، ساوچی، تقی *قربانی، علیرضا *قریب گران آشتیانی، غلام *کاظمی، علیرضا *کرامتی
 *ساوچی، محسن *کریمی، محمود *کشاورز، امین *کشاورز، وحید *کمال فر، اسماعیل *گل نراقی، حسن *گودرزی، فراهانی، نصراله *لشکری، جواد
 *لشکری، محمدصادق *لطیفی، مبین *بمصری، بهروز *مجدالاشراقی، سیدعلیرضا *مجتبی، ساوچی، سهیل *مجتبی، ساوچی، صدقلی
 *محمدی، احمد *محمدی، فاطمه *محمدی، یداله *مدتیان، ماقاک *مددیان، اندرانیک *مشایخی، محمد *معالجی، عباس *معین
 *السادات، سیدعلی *منصوری، محسن *مهرداد، فرهاد *مهردادش قره گوزلو، اسماعیل *موحدی، حسین جان *موسوی زاده، ساوچی، رضا *موسوی زاده
 *ساوچی، سیدفرهاد *موصولی، حامد *مولودی، امیرسعید *میرهاشمی، احمدرضا *میرهاشمی، ساوچی، سیدغلامرضا *نادری، علی *ناز مهر، بهرام
 *نبوی زاده، نمازی، سیدجعفر *نبوی زاده، نمازی، سیدحمید *نبوی زاده، نمازی، سیدرضا *نبوی زاده، نمازی، سیده الهه *نبوی زاده، نمازی، سیدوحید
 *نکیسا، حسینعلی *نهرمیانی، حسن *نهرمیانی، مجتبی *نیمساری، محمود *نیک بخش، سعید *هادیان، بهرام *والی، مجید *الوردی، ساوچی

خوشنویس (۲۵۱ نفر): خوشنویسان و کاتبان تا قرن ۱۳ که سمت‌های مهمی داشتند به‌همراه هنرمندان معاصر دارندۀ مدرک فوق‌ممتاز.

*آشتیانی، ابراهیم *آشتیانی، ابوالعباس *آشتیانی، ابوالفضل *آشتیانی، احمد *آشتیانی، اختر *آشتیانی، اسحاق *آشتیانی، آقاجان *آشتیانی، امراله
 *آشتیانی، بهاء الدین علی *آشتیانی، جلیل *آشتیانی، حبیب اله *آشتیانی، حسن *آشتیانی، حسین قلی *آشتیانی، خلیل *آشتیانی، درویش علی
 *آشتیانی، ذوالقلی *آشتیانی، ذوقی *آشتیانی، رضا *آشتیانی، رضاقلی *آشتیانی، رضی *آشتیانی، زین العابدین *آشتیانی، شفیع *آشتیانی، صادق
 *آشتیانی، عباس *آشتیانی، عبدالرحیم *آشتیانی، عبدالرسول *آشتیانی، عبدالعظیم *آشتیانی، عبدالغفار *آشتیانی، عبدالکریم *آشتیانی، عبدالله
 *آشتیانی، علی *آشتیانی، علی اکبر *آشتیانی، علیرضا *آشتیانی، علی محمد *آشتیانی، غلامحسین *آشتیانی، فتحعلی *آشتیانی، محسن
 *آشتیانی، محمد *آشتیانی، محمد اسماعیل *آشتیانی، محمدباقر *آشتیانی، محمدتقی *آشتیانی، محمدجعفر *آشتیانی، محمدحسن
 *آشتیانی، محمدرضا *آشتیانی، محمدرضی *آشتیانی، محمدرفیع *آشتیانی، محمدسعید *آشتیانی، محمدصادق *آشتیانی، محمدصالح
 *آشتیانی، محمدعلی *آشتیانی، محمدکاظم *آشتیانی، محمدمحسن *آشتیانی، محمدمهدی *آشتیانی، محمدهاشم *آشتیانی، محمدیوسف
 *آشتیانی، محمود *آشتیانی، مراد *آشتیانی، مصطفی قلی *آشتیانی، یعقوب *آشتیانی، یونس *آشتیانی، نخی، عبدالکریم *آشتیانی
 *نخی، محمدحسین *آمره‌ای، محمود *آهویی، محمدجعفر *آوجی، تفرشی، علینقی *احمدی، علی *اخاص، مصطفی *ادب‌غیاثی، محمود
 *افسری، رضا *امیدوار، حبیب اله *امینی، احمد *الحسین، سیدرضی *الحسینی، سیدمرتضی *انجدانی، ابراهیم *انجدانی، ابوطالب *انجدانی، احمد
 *انجدانی، اسداله *انجدانی، جعفر *انجدانی، حسن *انجدانی، حسن علی *انجدانی، رضا *انجدانی، زین العابدین *انجدانی، سیدمحمدطاهر
 *انجدانی، عبدالعظیم *انجدانی، عبدالعلی *انجدانی، عبدالمطلب *انجدانی، عبدالله *انجدانی، علم الهدی *انجدانی، علی *انجدانی، علی محمد
 *انجدانی، فرج اله *انجدانی، محمدابراهیم *انجدانی، محمدامین *انجدانی، محمدتقی *انجدانی، محمدجعفر *انجدانی، محمدحسین
 *انجدانی، محمدرفیع *انجدانی، محمدسمیع *انجدانی، محمدمحسن *انجدانی، میرزایا *انجدانی، نجفعلی *انجدانی، هادی *انجدانی
 *جاسبی، اسعد *انجدانی، کزازی، حسن *انصاری، محلاتی، حسن *باباخانی، محمدمهدی *بخشنده، رضوان *بقای آشتیانی، محمدباقر *بهنام، رضاقلی

*بیانی، مهدی * بیگدلی، محمدصادق * پورحاتمی، تقی * پورهادی، محمود * پوشی، غلامعباس * تاج‌آباد، محسن * ترابی، احد * ترخورانی
تفرشی، ابوالقاسم * تفرشی، بابااحمد * تفرشی، رضا * تفرشی، سیدباقر * تفرشی، سیدعلی * تفرشی، عباسعلی * تفرشی، علی‌اصغر * تفرشی، علی‌اکبر
تفرشی، محسن * تفرشی، محمدابراهیم * تفرشی، محمدحسن * تفرشی، نصراله * تفرشی، طای، احمد * تقدسی، تفرشی * جعفری، یحیی * جلالی
آشتیانی، شمس‌الدین * جمال‌که، حامد * جمشیدی، نصرت‌اله * حاتم‌تفرشی، تقی * حسینی‌انجذانی، طاهر * حسینی‌لنکرانی، فراهانی، سید * حسینی
تفرشی، سیداحمد * حسینی، فرهوده * حسینی‌انجذانی، طاهر * حسینی‌تفرشی، عبدالحکیم * حسینی‌تفرشی، علی‌اکبر * حطیم‌قائم‌مقامی، سیدمهدی
حطیم‌قائم‌مقامی، محمد * حکمتی، سیدمحمد * حیدری‌تفرشی، سیداحمد * خانی، پیام * خطاط‌ارموی، محمود * خطاط‌تفرشی، محسن * خطاط
ساوچی، عزالدین * خندابی، محمدصادق * دارابی، محمد * دارابی‌منش، اسماعیل * داعی‌انجذانی، دالایی، محمدتقی * ربیعی، سعید
رحیمی، سیدمهدی * رساله‌پور، علیرضا * رضایی، حسین * رضوانی‌فرد، سیداسداله * زمانی، فیروزه * زمانی، محمد * ساوچی، اسداله * ساوچی، حسین
ساوچی، علیمحمد * ساوچی، فضل‌اله * ساوچی، لطفعلی * ساوچی، محمد * ساوچی، محمدتقی * ساوچی، محمدرضا * ساوچی، محمدنظام
ساوچی، نجم‌الدین مسعود * ساوی، احمد * ساوی، محمدنظام * سمندر ساوچی، حسین * سیاه‌شانی، محمد * سیاه‌شانی، محمدصادق * شریف
تفرشی، علی‌اکبر * شریف‌عاملی‌انجذانی، محمدتقی * شفیع‌آهویی‌آشتیانی‌نخعی، محمدعلی * شکرایی، سیدیوسف * شهاب، علی‌اصغر * شهابی
ساوچی، توقور * شیخی‌مرزجرانی، قاسم * شیعه‌نژاد، محمدرضا * صابری، امیرحمزه * صابری، علی‌آقا * صابری، غلامحسین * صابونچی‌راد، اکبر
صفای‌محلّاتی، محمدرضا * عبدالرضایی، احمد * عبدالهی، حمیدرضا * عتیقی، علجان * فراهانی، ابوالحسن علی * قطب، حسین * کاظمی، سیدباقر
کرچی، احمد * کریمی، داود * کریمی‌نورعینی، محمدحسین * کزاز، محمدهادی * کمره‌ای، سیدعلی * کمره‌ای، میرزآقا * کوهینی، محمدحجیم
کیوان، بهنام * گرکانی‌آشتیانی، سلیمان * گرکانی‌آشتیانی، عبدالحسین * گرکانی‌آشتیانی، علی * گرکانی‌آشتیانی، کاظم * گرکانی‌آشتیانی، محمد
گرکانی‌آشتیانی، محمدتقی * گرکانی‌آشتیانی، محمدنبنی * ماهروی، غلامرضا * مجد، حسین * مجذزین‌قلم‌عراقی، محمدیوسف
محررا‌آشتیانی، محمدرضا * محلاتی، حسین * محلاتی، زین‌العابدین * محلاتی، علی‌اکبر * محلاتی، علیرضا * محلاتی، مسعود
محمودآبادی، ملک‌محمد * مخزومی‌ساوچی، ابوالفرج * مدنی، شکراله * مدنی‌عراقی، حسین * مرتجی، جمشید * مرتجی‌ساوچی، محمود
مستوفی، حسین * مستوفی‌آشتیانی، ابراهیم * مسی، قنبرعلی * مصرقانی، آقابابا * ملک‌زاده، احمد * منشی‌آشتیانی، محمدابراهیم * منشی‌گرکانی
آشتیانی، محمود * منصور، علاءالدین * منظورحقیقی، علی * مهرابی، بهرخ * موسوی، سیدکاظم * مؤمنی، حسین * مؤمنی، عبدالوهاب
مؤمنی، مریم * میرساوچی * میرصفی، سیدمرتضی * میرمؤمنی، سیدمحمدعلی * میری، روح‌اله * نخعی، محمدکریم * نیرآشتیانی، محمدعلی
هاشمی، وجیهه * واشقانی‌فراهانی، رمضانعلی * واشقانی‌فراهانی، فتحعلی * وفسی، اويس

دارنده درجه و نشان عالی (۵۵ نفر):

*آشتیانی، جواد * اخوان، مصطفی * ارفع‌قوامی، اسداله * اشتری، حمید * اعتصامی‌آشتیانی، رخشنده * افضل، محمدابراهیم * باباخانی، محمدمهدی
بدیعی، رضا * بلور، تقی * بهادری، عیسی * بهرامی، ابوالحسن * پورعطار، مجید * تمجیدی، سیدابوالقاسم * توسلی، اسداله * جلالی، فتح‌اله
چمیلیان، عبدالرضا * حاتم‌لیلا * حسینی‌تفرشی، سیدعبداله * حکمت، منیژه * خزائی، محمد * خسروی، ابوالفضل * داوری، ابراهیم
دریایی، مهدی * رفیعی، میلاد * سهیلی‌مظفر، حمید * شاهنده‌آشتیانی، عباس * شفق، مصطفی * شکرایی، مقدم، جمیل * شمسی، محمد
شیمی، محمود * صمدی، فریدون * طبیبی، سیداحسان * عالیخانی، علینقی * عسگری‌فراهانی، حاتم * غفاری، علی * فراهادی، مرتضی * فکری -
آشتیانی، موسی * قریب‌گرکانی، عبدالعظیم * کاظمی، سیدباقر * کریمی، محمدرضا * کشاورز، امین * کشاورز، وحید * کمبجانی، اکبر * کله -
سجنانی، عبدالله * مجللی، حسن * محمدی‌نراقی، نعمت‌اله * معراجی، مرتضی * منصورتفرشی، حسن علی * میثمی، علیرضا * میرفخرایی، سیدکاظم
میرهادی، سیدامین * میری‌آشتیانی، سیدجلال‌الدین * مینایی، اکرم * واعظ‌تهرانی، سیدمصطفی

دانشمند (۵۹ نفر):

*آبی، منصور * آشتیانی، جعفر * آشتیانی، مهدی * اقبال‌آشتیانی، عباس * امیدانی، سیدحسین * امیری‌قائم‌مقامی، عبدالمجید * برزآبادی
فراهانی، ابوالحسن * بلور، تقی * بهروز ساوچی، ذبیح * تفرشی، ظهیرالدین علی * حسینی، سیدمحمود * حسینی‌نژاد، حسینقلی * حضرتی
آشتیانی، عباس * خزائی، محمد * خلیع‌خرقانی، محمدابراهیم * ذییری، پرویز * دلچجانی، غیاث‌الدین جمشید * ساوچی، ابوالفضل * ساوچی، ابوالفضل
محمد * ساوچی، زین‌الدین عمر * ساوچی‌طوسی، نصیرالدین * سحاب‌تفرشی، ابوالقاسم * سحاب‌تفرشی، عباس * سلطان‌آبادی عراقی، حبیب‌اله
سلیمانی، یوسف * شکوهی، یحیی * صناعی، محمود * علایی‌آشتیانی * علوی‌کرچی، احمد * فراهانی، ابوالحسن * فراهانی، گنجعلی * فرهی

آشتیانی، صادق * فریده زاده، سید حسن * فضل طبرسی، ابوعلی * قائم مقامی فراهانی، سید علی * قریب گرکانی، عبدالعظیم * قریب گرکانی، عبدالکریم * قریب گرکانی آشتیانی، بدرالزمان * کافی کرچی * کرچی، ابوالعباس * کرچی، ابوبکر محمد * کرچیان، زکریا * گرکانی آشتیانی، احمد * گرکانی آشتیانی، عبدالعلی * مجتبی، فتح اله * مجدمحلاتی، احمد * محلاتی، حسن * مسکویه، احمد * مشفق، علی اکبر * معراجی، مرتضی * معصومی، علی * منصور، محمود * میرهادی، سیده توران * میری آشتیانی، سیدجلال الدین * نبوی تفرشی، سیدسیف الدین * وثوق، پروانه * وکیل، محمدصادق * یار محمدی، لطف اله

درویش (۸ نفر):

* آشتیانی، درویش علی * انتظام وزیری، سید محمد * پیرصدر قلندر * جلالی، علی اکبر * راستین، محمد * صبحی ساوجی * صرفی ساوجی، صلاح الدین * فراهانی، علی اکبر

رئیس دفتر شاه (۴ نفر):

* بهرامی، فرج اله * سهرابی، وجیه اله * شکرای، سیدیوسف * قوام آشتیانی، احمد

رئیس دفتر مجلس (۱ نفر):

* بهنام، رضاقلی

رئیس دیوان عالی (۵ نفر):

* امین، علی اصغر * دانش آشتیانی، محمدحسین * صدر، سیدمحسن * گرکانی آشتیانی، علی * محسنی گرکانی، احمد

رئیس نظمی (۵ نفر):

* انتظام وزیری، سید محمد * بهرامی، عبدالله * تفرشی، سیدعیسی * جلالی، شمس الدین * چرای، علی

ستاره شناس (۱۱ نفر):

* امین تفرشی، بابک * حسابی، سید محمود * ساوجی، ابوالفضل محمد * ساوجی طوسی، نصیر الدین * سلطان آبادی عراقی، حبیب اله * سلیمانی، یوسف * فاذاز، یزدان * کرچیان، زکریا * گرکانی آشتیانی، عبدالعلی * محلاتی، حسن * منجم تفرشی، سید احمد

سردار (۳۱ نفر):

* آدوبادور، عزیز اله * آستانه ای، بابا خان * آشتیانی، حبیب اله * آق ولی، فضل اله * افشار، محمدحسین * امین، پرویز * بستا، ترابعلی * بیات، عباسقلی * پاکپور، محمد * پورونداد، بهزادان * چرای، سهراب * چرای، علی * چمران ساوهای، مصطفی * سرتیپ کزازی، محمدعلی * صمصام، علی * عدل، سیدمحسن * عزیز آبادی فراهانی، موسی * قراگوزلو هلال جلو، احمد * قره سرتیپ، محمدحسن * قره سرتیپ فراهانی، منصور * کزازی، آقاخان * کمره ای، فرزد * کمره ای، مرتضی قلی * گرچی، یوسف خان * مشک آبادی، ایمانی خان * مین باش انجدانی، عباسقلی * ناظم دیوان، ابوالقاسم * نظام - لشکر، علی نقی * نورایی، حسن

سنا تور (۸ نفر):

* آشتیانی، جواد * بیات، مرتضی قلی * حجازی، سید محمد * دهستانی، یداله * رعدی آذرخشی، غلامعلی * فروهر، ابوالقاسم * متین دفتری، احمد * نیکپور، عبدالحسین

سیاستمدار (۶۳ نفر):

* آوی، سعدالملک * آبی، منصور * احتشام شهیدی، احمد * احمدی دانش آشتیانی، فخرالدین * ادیب صدراپی * آشتیانی، حسن * آشتیانی، محمدرضا * آشتیانی، مصطفی * آشتیانی، یوسف * افطسی آوی، ابو محمد * امینی، نصرت اله * انتظام وزیری، سیدعبداله * انتظام وزیری، سیدنصراله * بدایع - نگار، مهدی * بهرامی، اسماعیل * بهرامی، عبدالله * بهرامی، علی * بهرامی، محمود * بیات، مرتضی قلی * پورونداد، بهزادان * تفرشی، تقی * جوادی ساوهای، غلامرضا * چمران ساوهای، مصطفی * حسینی فراهانی، سیدجعفر * حسینی فراهانی، سیدجعفر * خسروانی، خسرو * خسروانی، شهاب * دهخدا، عبدالصمد * ساوچی، احمد * ساوهای، یوسف * سرمدی، مرتضی * سعادت، سیدمحمد * سیاح، حمید * صدر، سیدجواد * صدر، سیدمحسن * عالیخانی، علینقی * عطاری، احمد * فراهانی، سلمان * فراهانی، محمدتقی * فراهانی، محمدحسین * فراهانی، محمدحسین * فرزین، محمدعلی * قائم مقام فراهانی، سیدابوالقاسم * قائم مقام فراهانی، عیسی * قوام آشتیانی، احمد * کاظمی، سیدعزالدین * کزازی، سیدحسن * کیمجانی، اکبر * متین دفتری، احمد * مصدق آشتیانی، محمد * مصطفوی، سیدروح اله * مصطفوی رجالی، مهدی * ملک ساسانی، احمد * ملکی، خلیل * منشورگرگانی آشتیانی، محمد * منشورگرگانی آشتیانی، محمدعلی * منصور، حسن علی * منصور، رجبعلی * مهاجرانی، سیدعطاءاله * مهدی زاده محلاتی، فضل اله * میرفخرایی، نیره سادات * وثوق آشتیانی، حسن

سینماگر (۱۳۷ نفر):

* آشتی آشتیانی، ابوالقاسم * آشتیانی، رضا * آشتیانی، هادی * آنتانسیان، وارتان * آهنگرانی، پگاه * آهنگرانی، جمشید * آهنگرانی، محمد * آهنگرانی مقدم، سعید * ابراهیمی، سیما * ابراهیمی، مصطفی * احمدلو، شاهد * احمدلو، محمدولی * احمدی، مرتضی * اسدی، داود * امینی، علیرضا * ایرجی، افق * باباخانیان، آراکل * بادران، بیتا * بادران، محمد * بدیعی، رضا * برادری، روح اله * بنایی، اکرم * بنایی، صدیقه * بهرامی، صادق * بیانی، نازنین * پرو، سوسن * پروین آشتیانی، صادق * توکلی، پریسا * جلیلی، ابوالفضل * جمالو، نوش آفرین * چگینی، محسن * حاتمی، علی * حاتمی، لیلا * حاج عظیمی آشتیانی، حسین * حاج عظیمی آشتیانی، رامین * حاج عظیمی آشتیانی، ستاره * حاجیان، آریتا * حران اف، سعید * حسن زاده، محمد * حکمت، منیژه * حمزه ای، محمد * حاتمی، فریبا * خسروی، سودابه * خیاط باشی، حسن * دای زاده، شمس اله * دری، سیدضیاءالدین * دلوری، امیررضا * دل خواسته، محمدمهدی * ده نمکی، مسعود * ربیعی، مطمئن، زهره * رحمتی، یداله * رحمتی، مجید * رحمتی کرهودی، فرهاد * رضایی، پناه رخدا * ربیعی، حسن * ربیعی، حسین * رضائی، غلامرضا * رهنما، زهرا * زرینخی، آرش * زکریا، سحر * سارنگ، هوشنگ * ساروقی، حسن * سبزی، حجت اله * سجادی، گلچهره * سخنور، محمد * سلامی، مسعود * سهیلی مظفر، حمید * خلیل زاده، امیرحسین * شاه حسینی، سعید * شاه محمدی، محسن * شاه محمدی، مسعود * شوقی، زهرا * شیبانی، جمشید * شیخ دردترکمانی، نادره * شیر محمدی، عباس * شیر محمدی، مرجان * صدراپی، مرضیه * صمدیان، محمد * عباسی طاهری، محمدحسین * عبدالحمیدی، سعید * عزیزی، مصطفی * علیمردانی، محمدرضا * فارسی، وحیدرضا * فتحی، قدرت اله * فراهانی، رامین * فراهانی، رهاورد * فراهانی، شقایق * فراهانی، بهزاد * فراهانی، میترا * فراهانی، وحید * فرحی عراقی، حمیدرضا * فرخزاد عراقی، فروغ الزمان * فرخزاد عراقی، فریدون * فرخی، حسین * فروهر، جهانگیر * فروهر، لیلا * فریریزی، کاظم * قائم مقامی، پروین * قائم مقامی، سیدعلی * کریمی، میثم * کریمی، مسیحی، واروژ * کریمی، نیکو * کریمی، یداله * کریمی آشتیانی، عباد * کزازی، میثم * کمال فر، اسماعیل * کماتی، روح اله * کنگرانی فراهانی، سعید * کوهی، صفرعلی * کیانیان، ایرج * کیهان، شهاب الدین * گلستانی عراقی، علیرضا * گودرزی زاده، علی * ماناریان، پروانه * محسنی نسب، محسن * مدیری، مهران * مصفا، علی * مهمین ترابی، مهرانه * موسوی، سیدهاشم * میراشرفی، سیدجعفر * میرفخرایی، اسماعیل * نبوی زاده نمازی، سیدجعفر * نبوی زاده نمازی، سیدمهدی * نبوی زاده نمازی، سیدوحید * نجاتی، سعید * نجفی، ناصر * نشیبی، مریم * نظیری آستانه، حمید * نوازی، معصومه * نویری، سیدحامد * نورالدین آشتیانی، علی اصغر * واشقانی فراهانی، مجید * یاحقی، رمضان * یاری، عباس * یوسفی، فاطمه

شاعر (۵۶۰ نفر):

* آبی، ابوسعید * آبی، احمد * آبی، حسن * آبی، منصور * آذری، عباس * آرامی، آزاده * آزاد عراقی، محمدحسین * آزر محلاتی، سیدکاظم * آشتیانی، ابوالقاسم * آشتیانی، اختر * آشتیانی، اسماعیل * آشتیانی، امینا * آشتیانی، عبدالوهاب * آشتیانی، عظیم * آشتیانی، علی * آشتیانی، علی * آشتیانی، محمد * آشتیانی، محمد * آشتیانی، محمدتقی * آشتیانی، محمدتقی * آشتیانی، محمدحسین * آشتیانی، محمدرضا * آشتیانی، محمدعلی * آشتیانی، محمدعلی * آشتیانی، محمدعلی * آشتیانی، محمود * آشتیانی، مصطفی * آشتیانی، تبریزی، اسماعیل * آشوری، آقداشی، اسماعیل * آفتابی ساوچی * آقاجانی، محمود * آقداشی ساوچی، خدابخش * آمره ای، اسداله * آمره ای، یزچلویی، احمد * آوچی، سیدصدرالدین * ابراهیمی، عزیزاله

* ابطحی، خلیل * ابوالقاسمی، سیدعباس * احمدی، هرمز * ادبجو، نجات علی * ادبی، تفرشی، عبدالحمید * ادیسی، بهرام * ادیب، علی اکبر
 * ارادت، مبارک اله * اسراری، ابو خضر * اشتری، احمد * اعتماسی آشتیانی، رخشنده * افتخاری، ساوچی، محمد * افشار، محمدحسین
 * الحسینی، سیدمرتضی * الفتی، کمره ای * امامی، سیدعلی * امامی، سیدمحمد * امید، بهمن * امید، عباس * امیر حسنی، الیاس * امیر حسینی
 ، خسرو * امیری، ساوچی، باذلی * امینی، سودابه * امینی، غلامحسین * انجدانی، ابوتراب بیگ * انجدانی، طیفور * انجدانی، محسن
 * انجدانی، محمدابراهیم * انجدانی دکنی، طاهر * انصاری، هرمز * اکبری، ملیحه * باباشاه آشتیانی، باقر * بادکوبه ای، هزاه، حسین * باقری، صغری
 * باقری، محمدنبی * باقری اراکی، فخرالدین * باقری، ساوچی، محمود * بختیاری، پژمان * بدایع نگار، مهدی * برزآبادی، فراهانی، جعفر * برزآبادی
 فراهانی، سیدجلال * بسحاق، امیرحسین * بشیری، سیدمصطفی * بشیری، ساوچی، محمدرضا * بقایی تفرشی، میرابوبقا * بلور، تقی * بلور، حبیب اله
 * بهروزوزیری، ساوچی، قدسی * بهشتی، کریم * بیابانی، هادی * بیات، ایرج * بیات، محمدولی * بیانی آشتیانی، محمود * بیدل، ساوچی
 * بیضا، ساوچی، ابوالفضل * بینا، احمد * بینش، فرج اله * پارسافر، حمیده * پذیرا، ولی اله * پروین، ابوالحسن * پروین، محبوب * پیروی، ساوچی، امیربیگ
 * تاجدوست، علی * تاپ تفرشی، فخر * ترابی، هوشنگ * تفرشی، آقابابا * تفرشی، سیدشفیع * تفرشی، تقی * تفرشی، طاهر * تفرشی، عبدالغنی
 * تفرشی، عبدالکریم * تفرشی، علی اکبر * تفرشی، علی اکبر * تفرشی، علیرضا * تفرشی، محمدصادق * تفرشی، محمدمؤمن * تفرشی، محمدعلی
 * تفرشی، میر عبدالغنی * تفرشی، نصراله * تفرشی، نظام * تفرشی، هدایت * تفرشی، یحیی * تفرشی، یحیی * تفرشی، اردبیلی، حسین * تفرشی
 طادی، احمد * توجه، عبدالله * توحیدی، ساوچی، نصراله * توسلی، حسن * توکلی، پریرسا * ثابت تفرشی، فخرالدین * جابرداد، محمد * جری، ساوچی
 * جزوی عراقی، جعفری، محسن * جعفری، ساوچی، ذوالفقار * جلالی، بیژن * جلالی، سیدرحمان * جلالی، علی اکبر * جلی، ابوتراب * جواهری، عبدالله
 * جودی، محمد * جولایی، غلامرضا * حجازی، زرنندی، حسین * حدیثی، ساوچی * حرآبادی فراهانی، محمدتقی * حریفی، ساوچی * حزنی، عراقی، صلاح
 الدین * حسینی، نژاد، هادی * حسینی، محمدحسن * حسینی، محمدصادق * حکمت، ابراهیم * حسینی، ساوچی، محمدمصوم * حسینی، ساوه
 ای، سیدشمس الدین * حسینی، یل آبادی، ساوچی، سیدحسن * حضرتی آشتیانی، عظیم * حقیقی، محمدحسین * حکیم، ساوچی، علیرضا * حکیم
 ساوچی، لقمان * حیدری، راد، حیدر * حیدری، نوری، رضا * حیفی، ساوچی * خاتونی، ساوچی، حسین * خاقانی، محلاتی، حبیب اله * خاکی، وفسی، ابوالقاسم
 * خراطلی، ساوچی، محمد * خرماشاهی، عباس * خرماشاهی، محمد * خزاعی، احمد * خزاعی، محمدمیرزا * خسروانی، امیر هوشنگ * خسروانی، نعمت اله
 * خلج، عبدالله * خلج، علی اکبر * خلج، بابایی، ایراندخت * خلجستانی آشتیانی، عبدالله * خلوتی، محلاتی، محمدابراهیم * خلیلی، عباس * خمجانی
 فراهانی، احمد * دلایی، محمدتقی * دلایی، بداله * دانش، علیمحمد * دبیر تفرشی، اسماعیل * دبیر تفرشی، عنایت اله * دریایی، مهدی * ذاکری، علی
 اصغر * ذره تفرشی، عبدالغنی * ذوقی، ابوالفضل * ذکایی آشتیانی، سیروس * ذکایی آشتیانی، مصطفی * اسخ، حمید * جبی، فاطمه * رحمتی، علی
 * رحیمی، پاییز * رحیمی، عادل * رحیمی، محمد * رزاقی، مصرقانی، اکبر * رستگاری، مهدی * رشادی، علی اکبر * رشیدی، عباس * ضایی
 نژاد، غلامحسین * فیعا، سیدرفیع * رفیعی، علی * رفیقی تفرشی، محمدعلی * روحانی، سید غلامرضا * روحانی، شکراله * روحی، ساوچی
 * روشن، سیدشکراله * زمانی، شهرام * زنده دل، ساوچی، امیر * سالار، علی اکبر * سالمی، عراقی، مولانا * ساوچی، ابوالفضل * ساوچی، ابونصر
 * ساوچی، احمد * ساوچی، افضل الدین * ساوچی، برخورداری، بیگ * ساوچی، ترکمن محمود * ساوچی، تلیم * ساوچی، جعفر علی * ساوچی، جمال الدین -
 سلمان * ساوچی، داراب * ساوچی، رایض * ساوچی، سیدعلیتقی * ساوچی، صفی الدین * ساوچی، ضیاء الدین * ساوچی، علی آقا * ساوچی، غیاث الدین
 هندو * ساوچی، فتح اله * ساوچی، فتح اله بیگ * ساوچی، فرخنده * ساوچی، محمد * ساوچی، محمد * ساوچی، محمد * ساوچی، محمدتقی
 * ساوچی، محمد کاظم * ساوچی، محمد کاظم * ساوچی، مریم * ساوچی، مسعود * ساوچی، منتخب الدین * ساوچی، میرمرسل * ساوچی، نجم الدین
 * ساوچی، هادی * ساوچی، کریم * ساوچی، یوسفعلی بیگ * ساوچی، قزوینی، احمد * ساوچی، کاشانی، حبیب اله * سبزو، پو، شان، سیدحسن * سپهرپور، علی
 * سحاب تفرشی، ابوالقاسم * سرخوش، مصطفی * سرود، غلامحسین * سعیدی، آقاعلی * تسلطانی، شهناز * سلیلی، پروین دخت * سلیلی، کیوان دخت
 * سمیعی، آقاعلی * سهیلی، محمدباقر * سهیلی، محمدجواد * سواسا، ساوچی، فروغ السادات * سواهی، ساوچی، حسن * سوری، پوریا * سوری، محمدحسن
 * سوزی، ساوچی، حسن علی * سیدحسینی، سیدمهدی * سیاسی، حسین * سیف، امیرحسینی، علی * سیف، امیرحسینی، ساوچی، موسی * سیفی، ساوچی
 * سینا، عبدالله * شاملو، حسن * شاملو، زبیر * شاملو، قلی بیگ * شاملو، مرتضی قلی * شاهین، کراز، حسین * شاهزیدی، حسین
 * شاهمرادی، محمدجعفر * شاه مردان، ساوچی، علیرضا * شاهه، ساوچی، علی * شاهین، فاطمه سلطان * شایق، هادی * شرفی، علی اکبر * شریعتمدار
 ساوچی، محمدحسین * شریفی، جواد * شم شیربندی، مهرداد * شهپاز، ساوچی، ابوالفضل * شهیدی تفرشی * شهروان، محمدصادق * شیخ
 الاسلامی، عیسی * شیخی، ولی اله * شیدا، علی * شبیری، سعید * شیمی، کاظم * شیمی، محمود * صابری، اسداله * صابری، نسب، مریم * صاحب
 الزمانی، غلامعلی * صادقی، رسول * صادقی، محمدحسین * صارمی، تقی * صارمی، علی * صالحی آشتیانی، عباس * صالحی، ساوچی، تقی * صبحی
 ساوچی * صبری عراقی * صبور، عراقی، خلیل * صدرا، رقیه * صدیف، علی اکبر * صدیق، سیدحسن * صرفی، ساوچی، صلاح الدین * صفای

تفرشی، عبدالحمید صفایی، مهر تاج * صفایی زرنندی، محمد حسن * صدرا، محمد باقر * صدر گواری، غلامعلی * صدر گواری، میرز آقا * صفری، غلامعلی * صفری، ولی اله * صمیمی، اسداله * صناعی، محمود * صهبا، ابوالقاسم * صوفی ساوجی * ضیاء الدین ساوجی، نوراله * طباطبائی، سید مهدی * طباطبائی، سید یوسف * طراز ناهیدی، عبدالرحمن * ظریفی ساوجی، محمد بیگ * عادلخانی، حسن * عارضی انجدانی * عارف یل آبادی، عبدالحمید * عاشق ساوجی، رضا علی * عباسی، محمد کاظم * عبدالکریمی، قاسم * عبدی، مریم * عتیقی، خلیل اله * عجمی، هدایت اله * عراقی، بابا علی شاه * عراقی، شرف * عراقی، صدرالدین * عراقی، فخرالدین * عراقی، ملا محمد اشرف * عربگل، طیبه * عربگل، مسیب * عزیمی، داود * عسگری، ذبیح اله * عسگری، علی * عشقی ساوجی * عطاری، احمد * علایی آشتیانی * عمادی اراکی * عمرانی، غلامعباس * عهدی ساوجی، محمد رحیم * غضایری، محمد * غفاری، سید محمد * غفاری، لیلیا * غفاری انجدانی، حسنعلی * غفاری انجدانی، محمد شریف * غلامی مقصود آبادی، نصرت اله * غیائی عراقی، درویش * غیبی، صفرعلی * فاضلی، هادی * فاطمی، سید نظام الدین * فتح الهی، محمد * فتوحی، رحیم * فخاریان ساوجی، ابوالقاسم * فخاریان ساوجی، داود * فدایی آستانه ای، اسماعیل * فراهانی، ابوالکریم * فراهانی، اسحاق * فراهانی، جلال * فراهانی، عبدالله * فراهانی، فتح اله * فراهانی، محمد حسین * فراهانی، محمد مهدی * فراهانی، مریم * فراهانی، معصوم * فراهانی، میر عبدالقیوم * فراهانی، میر محمد صالح * فرجی قارلوقی، صحبت اله * فرخزاد عراقی، پوران دخت * فرخزاد عراقی، فروغ الزمان * فرخزاد عراقی، فریدون * فردوس فراهانی، اسماعیل * فرمند آشتیانی، عزیزاله * فروغی، فریدون * فریدونی، فرزانه * فقیهی، رضا * قولادوند، محمد مهدی * فیروزه، محمد حسن * قاسمی الویری، حسن * قاسمی زاده، حمزه * قاصدی، محمد ابراهیم * قاضی اسدی ساوجی، ابوالفضل * قاضی زاده کرهرودی، عبدالخالق * قاضی اسدی ساوجی، عباس * قائم مقامی فراهانی، سیدعلی اکبر * قائم مقام، محمد صادق * قائم مقامی، عالم تاج * قبادی، کبری * قدسی تفرشی، محمد * قدوه، فخر الزمان * قربان حسینی ساوجی، ابوالقاسم * قربان گر کانی آشتیانی، تقی * قربان گر کانی آشتیانی، فضل اله * قربان گر کانی آشتیانی، محمد * قسیمی، غلامحسین * قسیمی، محمدعلی * قسیمی، مصطفی * قنوتی، اعظم * کاظمی میقانی، مریم * کافی، یوسف * کبیر محلاتی، عبدالحسین * کربلایی حسینی خلیف، احمد * کرچی، احمد بیگ * کرچی، خسرو * کرچی، فضلعلی بیگ * کرچی، محمد * کرچی، یوسف * کرکس ساوجی * کریمی، جلیل * کریمی، حمید * کرهرودی، میرحیدر * کریمی نیک، ناصر * کزازی، حبیب اله * کشاورز صدر، سید محمدعلی * کشمیری، احمد * کشته فراهانی، علی * کمال حسینی، سید ابراهیم * کمالی بندامیری، علی * کمالی ساوجی * کمره ای، بوداق * کمره ای، تقی * کمره ای، علینقی * کوکی ساوجی، احمد * گرکانی آشتیانی، محمد * گرکانی آشتیانی، محمد اسماعیل * گلخنی تفرشی * گلستانی اراکی، محمد هادی * گنجی، محمدحسین * گواری، مهدی * گودرزی فراهانی، رضا * متقی ساوجی، محمد * مجتهد گرکانی آشتیانی، عبدالله * مجدی، سید عطاء اله * مجیدی، علیرضا * محبی، محبعلی * محبی، محمدحسین * محترمی ساوجی، حسن * محتشم نراقی، کمال الدین * محدث سبزواری ساوجی، سید محمد * محسنی، ابوالقاسم * محلاتی، عبدالحسین * محلاتی، عبدالصمد * محلاتی، فرج اله * محلاتی شیرازی، صدرالدین * محمد حسینی ساوجی، جعفر * محمدی نراقی، نعمت اله * محمودی، سید کریم * محمودی، مریم * محمودی فراهانی، احمد * محمودی مجد، علی * مختاری، ارژنگ * مختاری، جواد * مخزومی ساوجی، ابوالفرج * مخلص الاثمه، عطاء اله * مخلص الاثمه، غلامحسین * مردانی، محمدعلی * مزدقانی، کمال * مستقیم ساوجی، سیدحسین * مستوفی، عبدالله * مستوفی، یوسف * مستوفی یار سا، حسن * مستوفی تفرشی، میر سیدعلی * مستوفی ساوجی، بهاء الدین * مستوفی گرکانی، محمود * مستوفی محتبایی، سیدعلی * مستوفی میرشکریایی، سید علیرضا * مسعودی، محمد حسن * مشفق، علی اصغر * مصباح، سید عباس * مصطفوی رجایی، مهدی * مصفا، ابوالفضل * مصوری، امیر سیدعلی * مطیع، محمد ابراهیم * مظفری ساوجی، مهدی * معیری، محمد حسن * مفتون آشتیانی، محمدعلی * مفتون محلاتی، محمد * مقامی، رمضانعلی * مقامی، علیرضا * مقصدی ساوجی * مکنون کرچی، سید محمد * منبری، رضا * منتظری ساوجی، محمد مهدی * منزوی زرنندی، علی * منصوری ساوجی * منهویی، احمد * مهاجر، فرهنگ * مهدوی، محتبی * مهرعلی گرکانی، محمد اسماعیل * موثمن السلطان، علی اکبر * موسوی، سیدعلی اصغر * مؤمن، محمد * مؤمنی، محتشم * مؤمنی، هاشم * میثمی، علیرضا * میثمی عراقی، سمیع * میرایی آشتیانی، سیدجواد * میرزاییان، صدیقه * میرزایی ساوجی * میرشوقی ساوجی، میر محمدحسین * میر صحبتی تفرشی * میرفخرایی، مجدالدین * میرفخرایی، بنیر هسادات * میر محمدی، رضوان السادات * میر محمدی، سید فخرالدین * میر محمدی، سید مهدی * میر هادی، مریم * میری، روح اله * میکده، حبیب اله * ناجی، یامین * ناصری، عزیزاله * نامی ساوجی، حسن * نایینی ساوجی، حسین * نپتون، کبریا * نجار آشتیانی، غلامحسین * نجفی زاده، سیدعلی * نجفی ساوجی، محمد * نجمی، علی * نخعی آشتیانی، محمد مؤمن * نراقی، محمد * نراقی، محمد * نسبته عراقی * نظامی گنجوی، جمال الدین الیاس * نظردنیوی ساوجی، حمید * نظری، فاضل * نعمتی ساوجی، احمد * نعیمی، احمد * نمک کوری، محمد جعفر * نواب، سید نورالدین * نوازنی، مسلم * نورایی، خداداد * نوعی ساوجی، محمد * نیازی ساوجی * نیرسیناناقی، هدایت اله * نیکنام، عباداله * نیکو همت، احمد * هاشمی، غلامرضا * هاشمی، هوشنگ * هجرتی، سید مصطفی * هجری تفرشی، ابوالقاسم * هجری تفرشی، صادق * هدایی، ابوتراب * همافروفسی عراقی، محمدحسین * همدانی، نصیرا * واعظ، محمد * واعظ، محمد * وافی نجار، ابراهیم * وقوق

آشتیانی، حسن * وجهی تفرشی * وطن پرست، اسماعیل * وفایی، عباس علی * وفایی تفرشی، عبدالله بیگ * وفائی نژاد، اکبر * وفسی، میر محمد باقر
یعقوب زاده ساوجی، احمد * یکه تاز، سمیرامیس * یوبی ساوجی، نصر * یوسف بیگی شیرازی، محمد

شهید شاخص (۱۶ نفر):

* آشتیانی، کاظم * اراکی، محمد * پورونداد، بهزادان * حاج امینی، امیر * حسنی نراقی، ولی اله * دانش آشتیانی، غلامرضا * طبیب انجدانی، محمدحسین
* عرب انجدانی، حسین * فراهانی، محمدتقی * قائم مقام فراهانی، سید ابوالقاسم * قره سرتیپ، محمدحسن * محلاتی، علی * مهدی زاده -
محلاتی، فضل اله * هاشمی سنجانی، علی * وطن پور، منصور * وفسی، سید عبدالحمید

طیب (۹۰ نفر):

* آشتیانی، اسحاق * آشتیانی، جواد * آشتیانی، حسن * آشتیانی، حسن * آوانسیان * امینی، علی * ایرانی، زهره * الهی، عزیز * الهی، نوراله
* بزرگمهر، یوسف * بهادری، علی اکبر * بهرامی، ابوالحسن * بهرامی، ابوالقاسم * بهرامی، حسین * بهرامی، علیرضا * پزشکی، احمد * پزشکی، محمد
* تفرشی، ابوالحسن * تهرانی ساوجی، خلیل * جاسبی، حسن * حجازی طهرانی، سید موسی * حسنی نراقی، ولی اله * حسینی شکیب، سیده طاهره
* حقیقی، یحیی * حکیم ساوجی، علی * حکیم ساوجی، علیرضا * حکیم ساوجی، لقمان * حکیمی، داود * خشایار، حسین * دارابی، محمد * دانش، علی
اکبر * دانشمند، مرتضا * داودی مکی نژاد، فاخته * دبیری، پرویز * رضایی، زهرا * ساوجی، ابوالفضل * ساوجی، ابوالقاسم * ساوجی، حسین
* ساوجی، سلیمان * ساوجی، محمود * سراجی، غلامحسین * سیاح، محسن * سینا، عبدالله * شب افروز، اسحاق * شهرابی فراهانی، عبدالرضا
* شیرمحمدی، علی اکبر * شیمی، محمود * طبرسی، احمد * طبیب، ابوالحسن * طبیب انجدانی، ابراهیم * طبیب انجدانی، محمدحسین * طبیب
ساوجی، علی * طبیب ساوجی، مهدی * طبیب ساوجی، موسی * طبیبی ساوجی، ابوطالب * عربگل، فریا * عطایی * غفاری، عبدالوهاب * غفاری
انجدانی، محمدرضا * غفاری انجدانی، محمدشریف * فخرایی، سید کاظم * فخرایی، سید محمد * فرم، امین اله * فروزش، فضل اله * قاضی
سعیدی، سعید * قریب گرکانی، محمد * قریب گرکانی آشتیانی، حسین * قریشی، سید یحیی * قزوینی بسطامی، محمود * قوام زاده، اردشیر
* کاظمی، سید داود * کاظمی، محمود * کاظمی آشتیانی، سعید * گل نراقی، رضا * محلاتی، نصیر * مدرس آشتیانی، مهدی * مرادیان، ابراهیم
* مصباح، سید عباس * مصدق، غلامحسین * معراجی، مرتضی * مقصدی ساوجی * ملک، عبدالحمید * میثمی، علیرضا * نبوی تفرشی، سید سیف الدین
* نخعی آشتیانی، محمد مؤمن * نعیمی ساوجی، محمدحسن * نسیانیان، مؤسس * هاشمی، وجیهه * هوشی دری، فضل اله * واعظ زاده حکیم الهی، حسین
* وثوق، پروانه

طراح (۳۷ نفر):

* آستانه، محمد * ابراهیمی، عزت اله * ابطی، اسداله * ابطی، ذبیح اله * ابن جلال، محمد * اخوای، مصطفی * اشرفی، هادی
* باباخانی، محمد مهدی * باقری، اسداله * برجی، داود * برجی، اسماعیل * بهادری، عیسی * بیابانی، هادی * بیاتی، نازنین * تاجبخش، هدایت
* تفرشی، رضا * جعفر نژاد، احمد * چهرقانی، احمد * حاتم آبادی فراهانی، علیرضا * سولی، حجت اله * رضایی، ابوتراب * سیحون، هوشنگ
* شرفی، علی اکبر * شیرمحمدی، مرجان * عراقیان، لیلا * غفوری آشتیانی، علی * فراهانی، فریدون * فرخی، حسین * کریمی، خیراله
* کزازی، غلامرضا * کزازی، میثم * کیوان، بهنام * مددی، بهرام * میرزاخانیاں لیلیانی، یعقوب * میرزا محمد علی نراقی، علی محمد
* هجرتی، سید مصطفی * هزاوه ای، هادی

طناز (۲۹ نفر):

* احمدی هزاوه ایرج * ادربیسی، بهرام * بیات، محمدولی * تاجدوست، علی * تفرشی، هدایت * جلی، ابوتراب * خرشاهی، بهاء الدین
* روشن، سیدشکراله * ساوجی، فتح اله بیگ * سلیمانی، علی اصغر * سوری، پوریا * سیداشرفی، عظیم * سیدحسینی، سیدمهدی
* طرازناهدی، عبدالرحمن * عربگل، مسیب * عسگری، علی * علیمردانی، محمدرضا * فاضلی، هادی * فتوحی، رحیم * فیروزه، محمدحسن
* کیهان، شهاب الدین * گل نراقی، حسن * محبی، محبعلی * مدیری، مهران * مشایخی، مصطفی * میرابی آشتیانی، سیدجواد * میرزاییان، صدیقه
* هادیان، رهام * هاشمی، هوشنگ

عارف (۲۱ نفر):

* بابا فضلعلی * پُرز آبادی فراهانی، سید جلال الدین * پروین، ابوالحسن * پیر مراد آباد * ترخورانی، رجبعلی * تفرشی، محمدعلی * تفرشی، هدایت * جلالی، علی اکبر * خلیج، علی اکبر * روحانی، شکراله * ساوچی، جمال الدین محمد * ساوچی طوسی، نصیرالدین * سلطان آبادی عراقی، ملا فتحعلی * عراقی، بابا علی شاه * عراقی، شرف * عراقی، شهاب الدین * عراقی، صدرالدین * کافی، یوسف * محلاتی، عبدالصمد * مستوفی مجتبابی، سیدعلی * مؤمن، محمد

عالم دینی (۴۲۸ نفر): علمای شاخص و مشهور و یا صاحب آثار نوشتاری.

* آبی، ابوعبداله * آبی، احمد * آبی، حسن * آبی، صاعد * آبی، منصور * آستانه‌ای، ابوطالب * آستانه‌ای، محمدابراهیم * آشتیانی، احمد * آشتیانی، سیدحسن * آشتیانی، محمدباقر * آشتیانی، محمدحسن * آشتیانی، محمدرضا * آشتیانی، محمدمراد * آشتیانی، محمود * آشتیانی، مرتضی * آشتیانی، مسیح * آشتیانی، مهدی * آل طاهر، ابوالقاسم * آل طاهر، احمد * آوچی، تاج الدین * آوچی، رضی الدین * آوچی، عضدالدین * آوچی، علاءالدین * آوهای، ابوالحسن * آوهای، یوسف * آوهای، ابوالحسن طاهر * آوهای، ابوالقاسم حسین * آوهای، احمد * آوهای، جریر * آوهای، صدرالدین محمد * آوهای، علی * آوهای، موسی * آوهای، نظام الدین احمد * آوهای، وحیدی، محمد * آوهای، حسینی، حسن * آوهای، غروی، نقیب محمد * افتخار العلماء، محمود * افتخاری اراکی، حسن * افطسی، حسن * افطسی، رضی الدین محمد * ابوطالبی اراکی، یحیی * اجتهادی اراکی، محمدعلی * ادریس آبادی، عباس * اراکی، حبیباله * اراکی، محمد * اراکی، محمدامین * ارضی، ذبیحاله * اسلامی جاسبی، قوامالحسینی دلچانی، رفیع الدین * امامی، سیدعلی * امامی، سیدمحمد * امامی، محمد * انجدانی، سعید * انجدانی، طاهر * انجدانی، عبدالحمید * انجدانی، محمدرضا * انجدانی، محمدشریف * انجدانی، محمدقلی * انصاری اراکی، حسن * انور محلاتی، اسحاق * بابا فضلعلی * بادکوبه‌ای هزاوه، حسین * باقری، مکی، کمال * بزچلویی * کیمیجانی، موسی * بغدادی ساوچی، محمد * بهشتی، ابوالقاسم * بیات، نصرتاله * پسندیده، سیدمرتضی * پیر صدرقلندر * تفرشی، اسماعیل * تفرشی، امیرفیضاله * تفرشی، رضی الدین * تفرشی، سیدعلی اکبر * تفرشی، سیدفخرالدین * تفرشی، علی * تفرشی، محمدعلی * تفرشی، محمدمؤمن * تفرشی، مراد * تفرشی، میرعلام * تفرشی، میرفضلاله * تفرشی، میرمحمدحسین * تفرشی، نصراله * تفرشی، یعقوب * تفرشی طادی، احمد * تفرشی قمی، عبدالکریم * تفرشی نجفی، احمد * تنهازندی، علی * تهجدی، سیدعلی * تهجدی، سیدمحمد صالح * توسلی، محمدرضا * توکل، محمد * جاده‌ای، سیداحمد * جاسبی، حیدر * جاسبی، رشیدالدینعلی * جاسبی، محمد * جاسبی واران، علی * جعفری، حسین * جلالی، علی اکبر * جلالی، محمدعلی * جمالی محلاتی، جمال الدین * جناب قزوینی، عبدالکریم * جوز محلاتی، حسن * چگنی، براتعلی * حجتی امامی، سیداحمد * حسینی اراکی، سعید * حسینی آوهای، داعی * حسینی آوهای، عزالدین علی * حسینی تفرشی، سیدداود * حسینی تفرشی، سیدمنصور * حسینی تفرشی، میرمصطفی * حسینی تفرشی غروی، سیدبهالدین * حسینی جاسبی، حمزه * حسینی دلچانی، سیدعبدالهادی * حسینی قائم مقامی، سیدعباس * حسینی کرهرودی، سیدشفیع * حمزه لویی، ابوالقاسم * خویزی، جعفر * حیدری، ابوالقاسم * خرقانی، محسن * خرقانی، محمد * خندابی، ابراهیم * خندابی، آقا محمد * خندابی، صدر العلماء * داعی آوهای غروی، سیدرضی الدین * دانش آشتیانی، ابوالقاسم * دانش آشتیانی، غلامرضا * دانش آشتیانی، محمدحسین * درودیان فرشی، محمدرضا * دیناری آبی، محمد * راستین، محمد * رایبی، فضلاله * رسولی اراکی، محمدعلی * رسولی محلاتی، سیدهاشم * رشادی، علی اکبر * رضایی آشتیانی، عباس * رضوانی، غلامرضا * رفیعی، قنبر * روحانی، حسن * رومی قیصری، داود * زرنندی، ابوالخیر * زرنندی، ابوالرضا * زرنندی، حافظ محمد * زرنندی، سیدعلاءالدین * زرنندی، عبدالرحمن * زرنندی، علی * زرنندی، محمد * زرنندی، محمدباقر * زرنندی، میرمحمد * زرنندی مدنی، عبدالله * زین الدین، سیدعنایتاله * ساوچی، ابوالفضل محمد * ساوچی، ابوسعید * ساوچی، ابویعقوب * ساوچی، احمد * ساوچی، اسحاق * ساوچی، اسد * ساوچی، بندار * ساوچی، پیرمحمد * ساوچی، جمال الدین محمد * ساوچی، حسن * ساوچی، خلیل * ساوچی، سیدفخرالدین بابا * ساوچی، سیدمحمد * ساوچی، سیف الشریع * ساوچی، صفی الدین * ساوچی، ظهیر الدین * ساوچی، عامر * ساوچی، عباس * ساوچی، عبدالرحمن * ساوچی، عبدالکریم * ساوچی، عبدالله * ساوچی، عبداله محمد * ساوچی، عثمان * ساوچی، عده * ساوچی، علی * ساوچی، علی مدد * ساوچی، عیسی * ساوچی، غلامحسین * ساوچی، فخرالدین * ساوچی، فضلاله * ساوچی، محمد * ساوچی، محمدابراهیم * ساوچی، محمدتقی * ساوچی، محمدحسن * ساوچی، محمدرضا * ساوچی، محمدعلی * ساوچی، محمدقاسم * ساوچی، محمدحسن * ساوچی، محمدیحیی * ساوچی، هدایتاله * ساوچی، یوسف * ساوچی طوسی، نصیرالدین * ساوچی کاشانی، اسداله * ساوچی کاشانی، حبیباله * ساوهای، ابوالحسن محمد * ساوهای، نورالدین عبدالرحمن * ساوهای، ابوالسعد عبدالجلی * ساوهای، اسماعیل * ساوهای، حسن * ساوهای، عبدالحمید * ساوهای، عبدالرحمن * ساوهای، غفیف الدین محمود * ساوهای، عمر * ساوهای، محمد * ساوهای، مرزبان * ستوده، محمدتقی * سجادی، سیدعلی اکبر * سربندی، ابوالحسن * سلطان، محمد * سلطان آبادی، ابوطالب * سلطان آبادی، عبدالجبار * سلطان آبادی، محمدحسین

*سلطان آبادی، محمدعلی *سلطان آبادی مهدی *سلطان آبادی عراقی، احمد *سلطان آبادی عراقی، سیدمحمد *سلطان آبادی عراقی، ملافتحعلی
 *سنجانی، عطاءاله *سیف، امیرحسین *سیف، امیرحسینی، علی *شریعتمدارساوجی، محمدحسین *شریف عراقی، علی اکبر *شریف
 کرهرودی، کلبعلی *شمس الدین، ابویوسف *شهرابی، جعفر *صدر، ملاعلی *صدرالاراکی، محمدتقی *صدرساوجی، عیسی *صدرگواری، غلامعلی
 *صدرگواری، میرزاقا *ضوابلی، سیدابراهیم *ضوابلی، سیدمحمدعلی *طبرسی، احمد *طبرسی، حسن *طبرسی، علی *طبرسی، محمد
 *طبرسی، هارون *طبرسی نحوی، شمس الدین *طبرسی نوری، حسین *طیب ساوجی، سلیمان *عاشوری، علی اکبر *عراقی، ابوالفضل عبدالرحیم
 *عراقی، احمد *عراقی، بابااعلی شاه *عراقی، جواد *عراقی، سیداسماعیل *عراقی، سیدمحمدباقر *عراقی، سیدنورالدین *عراقی، شرف
 *عراقی، شهابالدین *عراقی، صدرالدین *عراقی، صفرعلی *عراقی، ضیاءالدین *عراقی، علی *عراقی، مجتبی *عراقی، محمدعلی
 *عراقی، محمود *عراقی کزازی، ابوطالب *عرب انجدانی، حسین *عزتی، سیدمحمد *عسگری ساوجی، سیدمرتضی *عسگری محلاتی، ذبیح اله
 *علایی، محمدابراهیم *علمی، محمد *علمی، محمود *علوی حسینی آبی، بابا *علوی حسینی آوی، علی *غروی، سیدمحسن *غروی، شمس
 *غضنفری خوانساری، سیدمهدی *غفاری انجدانی، حسنعلی *فاضل نراقی، محمدمهدی *فاضل نراقی، احمد *فخار کاشانی، رضا *فدایی آستانه
 ای، اسماعیل *فدایی آستانه ای، جمال الدین *فراهانی، عبدالجبار *فراهانی، علی نقی *فراهانی، فرج اله *فراهانی اراکی، احمد
 *فراهانی عراقی، عبدالحمید *فراهانی کمره ای، علی *فرنقی، محمدعلی *فریدمحسنی، سیدحسن *فمی تفرشی، ظهیرالدین *فیجانی، محمدحسن
 *قاضی، احمد *قاضی زاده کرهرودی، حسین *قاضی زاده کرهرودی، عبدالخالق *قاضی مشایخی کرهرودی، احمد *قائم مقام فراهانی، سیدموسوی
 *قائم مقام تبریزی، سیدهادی *قرشی ساوجی، حسین *قرشی ساوجی، محمد *قرشی ساوجی، محمدصالح *قریب گرکانی، محمدحسین *قمی
 ساوجی، محمدعادل *قوام الدین، جعفرعبداله *کاظمی کرهرودی، ملا محمود *کبیر، ملا محمد *کرچی، حسن *کرچی، حسین *کرچی، عمر
 *کرچی، محمد *کرهرودی، سیدرحمت اله *کرهرودی، سیدعبدالرحمن *کرهرودی، سیدمحمد *کرهرودی، عبدالحمید *کرهرودی، محمدحسین
 *کرهرودی، محمدشفیع *کرهرودی، میرعلی محمد *کرهرودی سلطان آبادی، محمد *کروکانی جاسبی، محمدجعفر *کریمی اراکی، اسداله
 *کزازی، سیدحسن *کزازی، عباسعلی *کزازی، محمد *کزازی، محمدابراهیم *کزازی، محمدرفیع *کمالان ساوجی، تاج الدین *کمره ای، خلیل
 *کمره ای، صدرالعلما *کهکی محلاتی، ابراهیم *کوشا، سیدکاظم *گازرانی ساوجی، محمد *گواری، رفیع *گواری، سلطان علی *گواری، محمدباقر
 *لوزدری سلطان آبادی، علی *لیلیانی، رابین یوسف *ماجدی گرکانی، فتح اله *مجتهد، محمدجواد *مجتهد، محمدعلیخان *مجتهدآشتیانی، علی
 *مجتهدآشتیانی، محمدجعفر *مجتهدآشتیانی، محمدحسن *مجتهدگرکانی، محمدتقی *مجبی انجدانی، حسین *محدث سبزواری
 ساوجی، سیدمحمد *محسنی، شمس الدین *محسنی، غلامحسین *محسنی، مصطفی *محسنی گرکانی، احمد *محقق کرهرودی سلطان آبادی
 *محلاتی، ابراهیم *محلاتی، اسماعیل *محلاتی، آقا محمد *محلاتی، بهاء الدین *محلاتی، جمال الدین *محلاتی، سیدمحمدباقر *محلاتی، سیف
 الدین *محلاتی، عبدالحسین *محلاتی، علی *محلاتی، فرج اله *محلاتی، مجدالدین *محلاتی، محمداسماعیل *محلاتی، محمدتقی
 *محلاتی، محمدسروش *محلاتی، محمدعلی *محلاتی شیرازی، ابوالفضل *محلاتی شیرازی، صدرالدین *محمدی انجدانی، غلامرضا *محمدی
 عراقی، آیت اله *محمدی عراقی، بهاء الدین *محمدی عراقی، محمود *محمودی میلگردی، احمد *مدرس انجدانی، عبدالحمید *مدرس
 گرکانی، محمدتقی *مدرس مشیدی، عباس *مزدقانی، محمود *مستوفی زاده، علی اکبر *مشایخی اراکی، عبدالعلی *مشایخی کرهرودی، جواد
 *مصطفوی، سیدروح اله *مصلحی اراکی، محمدعلی *معصومی زرنندی، محمدحسین *مکی، سیدداود *مکی، سیدرحمن *مکی، سیدصادق *مکی
 نژاد، محمد *ملیبوی اراکی، محمدباقر *مدوح، مرادعلی *مهدی زاده محلاتی، فضل اله *موسوی، سیدمصطفی *موسوی زرنندی، سیدمحمود
 *موسوی ساوجی، سیداحمد *میثمی، فضل اله *میثمی، محمدتقی *میثمی، محمدشفیع *میثمی عراقی، جمال الدین *میثمی عراقی، سمیع *میثمی
 عراقی، سیدمحمود *میرحاج عراقی *میرسپاسی، محمدعلی *میر صحبتی تفرشی *میر محمدی، سیدفخرالدین *میر محمدی جاورسانی، سیدمی
 *میر محمدی زرنندی، سیدابوالفضل *میری آشتیانی، سیدجلال الدین *میریونس، سیدعباس *نایب الصدر ساوجی، ابراهیم *نایب الصدر ساوجی، زین
 العابدین *نجفی ضامنجان، نجفعلی *نجم الاسلامی، سیداسماعیل *نحوی بیانی، احمد *نخستین سنجانی، علی *نراقی، شهاب الدین
 *نصیر الاسلامی، فضل اله *نمک کوری، محمدجعفر *نویسی، حسن *نیستانی، غلامحسین *هاشمی سنجانی، علی *هزاوی، سیدمحمد
 *هندی، سیداحمد *واحدی ساوجی، علی *واسطی ساوجی، مبارک *واعظ، محمد *واعظ ساوجی، تاج محمد *واعظی کرهرودی، حسین *واعظی
 کرهرودی، علی جان *واعظی کرهرودی، مرتضی *وفسی، سیدمبین *وفسی، عبدالباقی *وفسی، عبداللطیف *وفسی عراقی، عبدالنبی *یثربی، مهدی
 *یعقوب زاده ساوجی، احمد *یوسفی آوی، ابوعبید *یوسفی آوی، حسن

عکاس (۳۹ نفر):

* امین، سهراب * امین تفرشی، بابک * امینی حاجی باشی، لاله * بهرامی، محمد * پاز یار، عادل * تفرشی، رضا * جلالی، بهمن * جمالزاده، محمدحسین * حاج عظیمی آشتیانی، رامین * حاج عظیمی آشتیانی، ستاره * حسینی تفرشی، سیداحمد * خسروی، سودابه * داودآبادی فراهانی، علی اصغر * داوری، محمدعلی * دابی زاده، شمس اله * دل خواسته، محمد مهدی * راسخ، حمید * رزمی، جهانگیر * رضایی، پناه خدا * شم شیربندی، ولی اله * صفاری آشتیانی، مهرداد * طاهری، حبیب اله * عبد الحمیدی، سعید * عدل، سیدابوالفضل * عدل، سیداحسان * فراهانی، مجید * فرحی - عراقی، حمیدرضا * قسیم، مصطفی * کریمی، نیکو * کزازی، غلامرضا * کیانیان، ایرج * گازرانی، مجید * مجیدی، حمیدرضا * مستقیم ساوجی، سیدحسین * میرصادقی، ژاکلین * نبوی زاده، نمازی، سیدرضا * وفائی نژاد، بهمن * یاری، عباس

فیلسوف (۸ نفر):

* بزرگمهر، منوچهر * تفرشی، ظهیرالدین علی * حسینی نژاد، حسینقلی * خرمشاهی، بهاءالدین * ساوجی، زین الدین عمر * ساوجی طوسی، نصیرالدین * کمره ای، خلیل * نیکفر، محمدرضا

قاضی عالی رتبه (۱۲ نفر):

* آشتیانی، ابراهیم * آشتیانی، فضل اله * باباشاه آشتیانی، باقر * زرنندی، محمد * سلیمان کرجی، ابوسعید * شهبسوارانی، حسین * صادقی آشتیانی، فضل اله * قاضی زاده کهرودی، حسین * کافی کرجی * کشاورز صدر، سیدمحمدعلی * گرکانی آشتیانی، علی * مستوفی زاده، علی اکبر

قهرمان (۶۰ نفر):

* اثنی عشری، امجدآقا * امجدی، سعید * امیرتومان، زکی * امینی، فرج اله * انوشی، قادر * برجی، ابراهیم * برون، ملیکا * بهرامی، منصور * بیانی آشتیانی، شاهرخ * بیانی آشتیانی، شاهین * جاپلقی، ابهرام * جدیدی، عباس * جولایی، مسعود * حاج عظیمی آشتیانی، غزاله * حشمتی، کامبیز * حضرتی آشتیانی، افشین * حضرتی آشتیانی، پندار * حضرتی آشتیانی، خشایار * حضرتی آشتیانی، داریوش * داودی، علی * داوری، هما * دباغچی، حسینعلی * ترک ساوجی * رحمتعلی، یداله * زرگری، امیر * ساوهای، یوسف * سجادی هزاوه، سیدحمید * شاه محمدی، جواد * شاهمرادی، محمدجعفر * شمس، حسین * صحرایی، محمدرضا * صفی ساوجی * طاهری، علی * عبدالحسینی، مجید * عسگری، حسین * عسگری، عباد * عضایی، سلمان * فراهانی، طیبه * قاضی نجف آبادی، محمد * قدمگاهی، اسماعیل * قلعه نویی، غلامرضا * قلیچ خانی، پرویز * کریمی، فیروز * کمانی، نقی * گودرزی، علیرضا * محمودی، محمد * مرادیگی، بهمن * مسن آبادی، محسن * مشایخی، علی نقی * ملک احمدی، خانعلی * مهدوی کیا، مهدی * هادی زاده، علی اصغر * همتی هزاوه، تیمور * واعظ تهرانی، سیدمصطفی * وطن پور، منصور * یاریبگ کمره ای، حسین * یوسفی، ابوالفضل * یوسفی، زهرا

کارآفرین (۱۰۵ نفر):

* آشتیانی، سیدجلال الدین * ابطلحی، احمد * احمدی، امیرمنصور * ارمنی، آوانس * اسدیان، محمد * اسفینی، حسین * اسلامی، هوشنگ * اسلامی زاده، حسینعلی * افضل، علی اکبر * اقبال یون، ابوالفضل * الهیاری، محسن * امین، سهراب * انصاری، محمدرضا * ایمانی راد، محمدجواد * بدیعی، مهین * برندگان، کیومرث * بصیرت نژاد، علی * بیات، عباس * بیات، مهدی * پاز یار، ناصر * پزشکی زاده، حسین * تاجبخش، هدایت * توکلی، غلامعلی * جعفر نژاد، احمد * جعفری، اعظم السادات * جلالی، سیدمصطفی * جلالی، عباس * جلیلی، احمد * حاجی حسنی، رضا * حاجی محمدی، زین العابدین * حجازی زرنندی، حسین * حسن پور، جواد * حسینیجانی، ابراهیم * حسینی، حسن * حسینی، فضل اله * حصیبی، مهین * حقی، علیرضا * حلاوی، محمدحسن * خاتجانی، ابوالفضل * خسروخانی، مریم * خلیلی، علیرضا * خلیلی عراقی، محسن * دلاوری، ابوالفضل * دلاوری، غلامحسین * شاه صنی، مهین * شاه محمدی درمنی، فرشید * شاهمرادی، سعید * شفایی، محمدحسین * شکرایی، سیدرضا * شمس، مسلم * شمسی، محمد * شمسی، مرتضی * شهرپری، ابوذر * صفری سنجانی، جعفر * عراقی، احمد * عراقیان، لایلا * عسگری، عبدالله * عصار، منصور * عماد، محمدحسین * غفوری آشتیانی، علی * فارسی، سعید * فتاحی، فرید * فتاحی، مجتبی * فدوی، محمدهادی * فراهانی، علی * فرخزاد نراقی، قدسیه * فروزان مهر، محمدحسین * فقیر میر نظامی، سیدرحمن * قاسمی، علی * قدیگی، علی اصغر * قدیگی، علی جعفر * قرلباش، محمدرضا

◊ قزلباش، مرتضی ◊ قنبری، شمس اله ◊ کاتوزیانی، غلامحسین ◊ کاربایی، ابراهیم ◊ کریمی، حسین ◊ کزازی، علی ◊ کمپانی، محمد ◊ کله سنجانی، عبدالله ◊ مجتبیایی، سیدناصر ◊ محتشمی، عزیزاله ◊ محمدی، محسن ◊ مژگان، محمد ◊ مشاقتی، علی اصغر ◊ مشهدی، فرقهانی، امان اله ◊ ملک التجار، حسن آقا ◊ ملول، غلامعلی ◊ منصوریان، محمد رضا ◊ مهدی نیا، حسن ◊ مهدی نیا، حمید رضا ◊ میمنی، محمدحسن ◊ میراشراقی، سیدمهدی ◊ میرزاخانین لیلیانی، یعقوب ◊ میرزا محمد علی نراقی، علی محمد ◊ مینایی، اکرم ◊ نجار آشتیانی، غلامحسین ◊ نجار ساوجی، قنبر ◊ نوذری، ابوالقاسم ◊ نیکپور، عبدالحسین ◊ هاواساپیان، آرمو ◊ یار محمدی، اسداله ◊ یاری، علی ◊ یاری، کاوه

کارگزار (۷۷ نفر):

◊ آشتیانی، احمد ◊ آشتیانی، آقاسی بیگ ◊ آشتیانی، آقا علی ◊ آشتیانی، رضا ◊ آشتیانی، رضا ◊ آشتیانی، سلیمان ◊ آشتیانی، صادق ◊ آشتیانی، عبدالجواد ◊ آشتیانی، علی قلی ◊ آشتیانی، غلامحسین ◊ آشتیانی، کمال الدین ◊ آشتیانی، نعمت اله ◊ آشتیانی، نوراله ◊ آشتیانی، هاشم ◊ آشتیانی، یوسف ◊ افراسیابی، محمد ◊ امیر محلاتی، محمدجعفر ◊ امینی، نصرت اله ◊ انصاری محلاتی، محمدباقر ◊ بهرامی، اسماعیل ◊ بیات، عباسقلی ◊ بیگلربیگی، رضا ◊ پورحاتمی، تقی ◊ تفرشی، تقی ◊ تفرشی، محمدتقی ◊ توسلی، محمد رضا ◊ جلالی، فتح اله ◊ جلالی آشتیانی، شمس الدین ◊ حاج عظیمی، نصرت اله ◊ حاج عظیمی آشتیانی، غلام رضا ◊ حضرتی آشتیانی، سید غلام رضا ◊ حمیدی آشتیانی، مهرزاد ◊ دانش منفرد، علی ◊ داوری، ابراهیم ◊ دبیرمنش تفرشی ◊ درمنی، عبد الرحیم ◊ ده کهنه، گلاب بیگ ◊ دوامی، اسماعیل ◊ راد، علی اکبر ◊ رستمی، خان باباییگ ◊ رشیدی، عباس ◊ ساوجی، کلبعلی ◊ ساوجی، محمد ◊ ساوجی، محمود ◊ ساوهای، محمد ◊ سهرابی، وجیه اله ◊ شاهنده آشتیانی، رضا ◊ شفق، مصطفی ◊ صدیق الممالک آشتیانی، حسی ◊ صفایی فراهانی، محسن ◊ عظمایی، حسین ◊ فخرایی، سیدتقی ◊ فراهانی، تقی ◊ فراهانی، محمد مهدی ◊ قائم مقام، موسی ◊ قائم مقامی فراهانی، سیدعلی ◊ قائم مقامی فراهانی، سیدعلی اکبر ◊ قریب گرکانی آشتیانی، ضیاء ◊ قریب گرکانی آشتیانی، فضل ◊ کرچی، عبدالرحمن ◊ کرچی، محمد ◊ مبصری زرنندی، حسعلی ◊ مستوفی، رضا ◊ مستوفی، حسن ◊ مستوفی، عبدالله ◊ مستوفی آشتیانی، رضا ◊ مستوفی آشتیانی، سیدعلی ◊ مشفق کاظمی، سیدمرتضی ◊ ملک ساسانی، احمد ◊ منصور، علاء الدین ◊ موثق السلطنه، علی ◊ میر پنجه، اسداله ◊ میرشکرای، سید موسی ◊ میرشکرای، محمد ◊ نراقی، حبیب اله ◊ وثوق لشکر آشتیانی، غلامعلی

کتابدار (۴ نفر):

◊ عراقی، علی اکبر ◊ کمالی، سید محمد ◊ مکی، سید رحمن ◊ واعظ زاده حکیم الهی، حسین

کنشگر (۶۴ نفر):

◊ آخانی سنجانی، احسان ◊ آستانه ای، ابوطالب ◊ آشتیانی، مصطفی ◊ آشتیانی، هاشم ◊ آشتیانی، یحیی ◊ آقاخانی، سیاوش ◊ آقامیرزا آقا ◊ آدوبادور، عزیزاله ◊ اخوان هزاوه، حمید ◊ ارجمندی، احمد ◊ ارجمندی، محمد ◊ افتخار دفتر، غلامعلی ◊ افتخاری اراکی، حسن ◊ امین، عبدالله ◊ انصاری، محمد صادق ◊ بهادر الملک، سید محمدحسین ◊ بیات زاده، منصور ◊ بیگلربیگی، رضا ◊ پروین، اسداله ◊ توکل شعار، علیرضا ◊ جلالی، شمس الدین ◊ جواهری عراقی، هادی ◊ حرآبادی، حسن ◊ خمجانی فراهانی، احمد ◊ داودی، سیدتقی ◊ زکریا، سحر ◊ ساوجی، ابوتراب ◊ سپاسی آشتیانی، علیرضا ◊ سجادی، سید ابوالقاسم ◊ سلطان السادات، سیدحسن ◊ سیمونیان، قازار ◊ شاهین قائم مقامی، محمدعلی ◊ شمسی، علی اکبر ◊ صفاری آشتیانی، محمد ◊ صفایی فراهانی، علی اکبر ◊ طاهری، حبیب اله ◊ عراقی، عبدالعظیم ◊ عراقی، علی ◊ فراهانچی، علی آقا ◊ فرخی، عبدالله ◊ قدوه، محمد رضا ◊ کاشانی، ابوالقاسم ◊ کاشانی، محمد رضا ◊ کزازی، سیدحسین ◊ کزازی، محمد ◊ کمپانی، علی اکبر ◊ کمرهای، حبیب ◊ کمره ای، سید محمد ◊ محلاتی، علی ◊ مستوفی، میر سید احمد ◊ مصباح، اشرف السادات ◊ مکی، سید رحمن ◊ مکی، محمد ◊ مکی نژاد، تقی ◊ ملک، عبدالحمید ◊ ملک زاده، عبدالله ◊ ملکی، خلیل ◊ میر محمدی، سید سعید ◊ نوذری، ابوالقاسم ◊ هزاوهای، سیدمرتضی ◊ یار محمدی، اسداله

مترجم (۴۴ نفر):

◊ آشتیانی، محسن ◊ آقاخانی، ساناز ◊ آوی، ابونصر ◊ آوی، حسین ◊ ابراهیمی فخار، صدیقه ◊ اسدیان، محمد ◊ اسعدی ساوجی ◊ اشتری، بیژن ◊ اعتصام زاده آشتیانی، ابوالقاسم ◊ اعتصامی آشتیانی، یوسف ◊ اقبال آشتیانی، عباس ◊ اکرمی چقاسیاهی، موسی ◊ امامی، غلام رضا ◊ انتظام وزیر، سید عبدالله ◊ انصاری، محمد صادق ◊ انصاری محلاتی، محمد رضا ◊ بادکوبه ای هزاوه، حسین ◊ بختیاری، پژمان ◊ بطحایی، سید احمد ◊ بهرامی، عبدالله ◊ بهزاد، عبدالعلی ◊ پروین، فضل اله ◊ پور مقیم، سید جواد ◊ تفرشی، زین العابدین ◊ تفرشی، عبدالکریم ◊ سیمونیان، قازار ◊ شاهنده آشتیانی، عباس

* شرفی، علی اکبر * شهاب، بابک * صناعی، محمود * عبیدی آشتیانی، کیوان * فراهانی، رامین * فرخزاد عراقی، پوران دخت * فردوس فراهانی، اسماعیل * فرشاد، فریدون * فولادوند، محمد مهدی * قادری، تیمور * قائم مقامی، سیدباقر * قریب گرکانی آشتیانی، ضیاء الدین * کمال آبادی، سینا * مصفا، محمد جعفر * منصور، محمود * نجاتی، غلامرضا * همتی، محمد

مجری (۲۰ نفر):

* ابادری، عباس * ابراهیمی، مصطفی * بهزاد، عبدالعلی * رفیعی، حسین * سخنور، محمد * شوقی، زهرا * صالح علاء، محمد * صمدیان، محمد * عباسی بانی، ابوالفضل * علیمردانی، محمدرضا * فرخزاد عراقی، فریدون * فریرزی، کاظم * کمال فر، اسماعیل * گودرزی زاده، علی * گودرزی - فراهانی، رضا * مدیری، مهرا * میرفخرایی، اسماعیل * نشیبا، مریم * نوازی، معصومه * واشقانی فراهانی، رمضانعلی

مجسمه ساز (۶ نفر):

* تاجبخش، هدایت * شهاب، علی اصغر * عماد، محمد حسین * کریمی، خیراله * مددی، محمدعلی * نیک پور، صغرا

مجموعه دار (۸ نفر):

* اعتمادیه، ابراهیم * حسینجانی، ابراهیم * خرمی، حسام الدین * دریایی، مهدی * سعیدی، عباس * غفاری، علی * مستوفی آشتیانی، محمود * میرهادی، سیدامین

مخترع (۱۲ نفر):

* باستانی راد، علی * خسروی، ابوالفضل * زمانی، فاطمه * شفیع، محمدرضا * صالحی آشتیانی، ایرج * عبیدی آشتیانی، کیهان * عسگری، عبدالله * قریب گرکانی، مرتضی * گوهری، سیدعلی * محتشمی، فضل اله * مقدسی، مریم * هاشمی، سیدمسعود

مدیر عالی رتبه (۲۴ نفر):

* بیات، عباس * بیات، مهدی * پارسا، ابراهیم * جعفر علی جاسبی، عبدالله * جوادی ساوه ای، غلامرضا * حسینی تفرشی، سیدعبداله * حضرتی - آشتیانی، سید غلامرضا * حیدری، غلامرضا * دهستانی، عبدالعلی * روحانی، سیداسماعیل * سرمدی، مرتضی * شمسی، علی اکبر * صامی، علی * صفایی فراهانی، محسن * صفری سنجانی، جعفر * عالیخانی، علینقی * عدل، سیداحسان * فرقدان، حیدرقلی * فروهر، فیروز * قوام زاده، محمد * کاظمی، سیدعزالدین * مشایخی، علی نقی * هاشمی، عطاءاله

مرشد (۵ نفر):

* برجی، ابراهیم * برجی، اسماعیل * سفیدآبی، ولی اله * صمدی، علی * صمدیان، محمد

مستوفی (۸۹ نفر):

* آشتیانی، احمد * آشتیانی، اسداله * آشتیانی، تقی * آشتیانی، جواد * آشتیانی، حسن * آشتیانی، حسین * آشتیانی، حیدر * آشتیانی، رضا * آشتیانی، شفیع * آشتیانی، شکراله * آشتیانی، عباس * آشتیانی، عبدالغنی * آشتیانی، عبدالله * آشتیانی، عبدالوهاب * آشتیانی، علی * آشتیانی، علی اصغر * آشتیانی، فضل اله * آشتیانی، کاظم * آشتیانی، محمد * آشتیانی، محمد رفیع * آشتیانی، محمدعلی * آشتیانی، محمود * آشتیانی، محمود تقی * آشتیانی، مصطفی * آشتیانی، موسی * آشتیانی، میرزا بابا * آشتیانی، نصراله * آشتیانی، هادی * امین الملک، مصطفی * البرز، حسینعلی * البرز، رضا * بیگلرلیک، یحیی * تفرشی، ابوالقاسم * تفرشی، تقی * تفرشی، سیدرضا * جذوه آشتیانی * حسابی تفرشی، محمدعلی * حسینی تفرشی، سیدعلیرضا * حسینی تفرشی، سیدکاظم * دانش تفرشی، هادی * دفتری، محمود * ساوجی، جمال الدین * ساوجی، مبارک شاه * ساوجی، محمد * ساوجی، معین الدین * سلیمانلو، مصلاح آبادی فراهانی، ابوطالب * صادقی آشتیانی، حسن * فراهانی، سلمان * فراهانی، محمدحسن * فمی تفرشی، عباس * قائم مقام، علی محمد * قائم مقام، فتح اله * گرکانی آشتیانی، احمد * گرکانی آشتیانی، آقا محمود * گرکانی آشتیانی، حبیب اله * گرکانی آشتیانی، حسین

* گرکانی آشتیانی، صادق * گرکانی آشتیانی، عبدالله * گرکانی آشتیانی، محمد * گرکانی آشتیانی، نصراله * مستشار لشکر، محسن * مستوفی، حاجی آقا * مستوفی، شفیع * مستوفی، محمد مهدی * مستوفی، مصطفی * مستوفی، یوسف * مستوفی آشتیانی، ابراهیم * مستوفی آشتیانی، حسین * مستوفی آشتیانی، علی * مستوفی آشتیانی، محمود * مستوفی آشتیانی، یوسف * مستوفی آهویی، خلیل * مستوفی پارسا، حسن * مستوفی تفرشی، سید موسی * مستوفی ساوجی، شکراله * مستوفی گرکانی، محمود * مستوفی گرکانی آشتیانی، اسماعیل * مستوفی گرکانی آشتیانی، رضا * مستوفی گرکانی آشتیانی، علیرضا * مستوفی گرکانی آشتیانی، نصراله * مستوفی مجتبیایی، سیدعلی * مستوفی میرشکرای، سیدعلیرضا * مستوفی نورایی آشتیانی، اسماعیل * مصطفوی رجالی، محمدتقی * میرفخرایی، سید کاظم * میکده، سلیمان * ناصر لشکر، محمدعلی * نخعی، محمدتقی

معاون نخست‌وزیر (۷ نفر):

* حجازی، سید محمد * سراج حجازی، سید حسن * کاظمی، سید یاقر * کشاورز صدر، سید محمدعلی * ملک ساسانی، احمد * منصور، جواد * مهجرائی، سید عطاءاله

معمار (۹ نفر):

* اعتصامی، ابوالحسن * پاپازیان، نکتار * جعفر نژاد، احمد * سیحون، هوشنگ * عراقیان، لیلیا * فراهانی، فریدون * کاریابی، ابراهیم * میرزایی ساوجی * نراقی، فتانه

نخست‌وزیر (۱۷ نفر):

* آشتیانی، حسن * آشتیانی، یوسف * آوی، سعدالملک * بیات، مرتضی قلی * حسینی فراهانی، سید جعفر * صدر، سید محسن * فراهانی، آقا محمد * فراهانی، محمدتقی * فراهانی، محمد حسین * قائم مقام فراهانی، سید ابوالقاسم * قائم مقام فراهانی، عیسی * قوام آشتیانی، احمد * متین دفتری، احمد * مصدق آشتیانی، محمد * منصور، حسن علی * منصور، رجیلی * وثوق آشتیانی، حسن

نخستین (۱۵۸ نفر):

* آشتی آشتیانی، ابوالقاسم * آشتیانی، حسن * آشتیانی، محمودتقی * آوانسیان * آوهای جونی، معین الدین * ابراهیمی، مصطفی * ابراهیمی - فخر، صدیقه * آذری، عباس * اسماعیلی، علی اصغر * اعتمادیه، ابراهیم * الهیاری، محسن * الوندی، پرپسا * امین، سهراب * امین، سهراب * امین، عبدالله * امینی حاجی باشی، ناصر * امینی، ابراهیم * امینی، پرویز * امینی، ربابه * امینی، نصرت‌اله * امینی حاجباشی، چنگیز * ایرانی، زهره * ایرجی، کاظم * ایمانی راد، محمدجواد * باباخانی، محمد مهدی * باباشاه آشتیانی، باقر * باقری، کبری * بدیدی، مهین * بزگمهر، منوچهر * بهادری، عیسی * بهادری جزلوپویی، افسر * بهرامی، ابوالحسن * بهرامی، ابوالقاسم * بهرامی، تقی * بهرامی، علیرضا * بهرامی، محمد * بهرامی، منصور * بهرامی، مهدی * بهزاد، عبدالعلی * بیات، آتنا * بیات، مرتضی قلی * بیات، مصطفی قلی * پاپازیان، نکتار * پارسا، احمد * پز شک - زاد، حسین * پز شک، احمد * پز شک، محمد * پژوهش فر، پیمان * پناهی، محمد * پور عطار، مجید * پورونداد، بهزادان * تاجبخش، هدایت * توکلی، غلامعلی * جلالی، عباس * جلیلی، احمد * جمراسی، علی اصغر * حاج عظیمی آشتیانی، حسین * حجازی، سید رضا * حجازی طهرانی، سید موسی * حسابی، سید محمد * حسابی، سید محمود * حسابی، گوهرشاد * حسینی تفرشی، سید عبدالله * حسینی فراهانی، سید جعفر * حبیبی، مهین * حیدری، مژگان * خانجانی، ابوالفضل * خزانلی، محمد * خسروی، ابوالفضل * خلجستانی آشتیانی، عبدالله * خلیلی عراقی، محسن * خوانساری، محمد ابراهیم * خوانساری، محمد حسن * داودی، مکی نژاد، فاخته * داوری، هما * دریایی، مهدی * دل خواسته، محمد مهدی * جبی - ترخورانی، محمد * رضاداده محلاتی، فاطمه * زرنندی، علی * زمانی فراهانی، همیرا * سارنگی ساوجی، سید احمد * ساوجی، مریم * سحاب تفرشی، عباس * سراجی، غلامحسین * سرشار، حسین * سعادت، سید محمد * سعیدی، نیره * سلطان آبادی عراقی، حبیب‌اله * سهیلی مظفر، حمید * سیاح، حسن * سیاح محلاتی، محمدعلی * شاملو، مرتضی قلی * شاه‌علی، محمود * شاهنده آشتیانی، عباس * شب افروز، اسحاق * شفایی، محمدحسین * شکوری - ساوجی، مریم * شهنازی، عبدالحسین * صدر، سید محسن * صمدی، فریدون * طبیبی، سید احسان * عابد آشتیانی، یوسف * عالیخانی، علیقلی * عدل، سید محسن * عراقی، علی * عراقی، علی اکبر * عراقیان، لیلیا * عراقی زاده، جمال الدین * عطاری، احمد * غفاری، سید محمد * غفاری، عبدالوهاب * فخرایی، سید کاظم * فراهانی، ابوالفضل * فراهانی، علی * فخرزاد رقی، قدسیه * فروز، فضل‌اله * قریب گرکانی، مصطفی

* قریب گر کانی آشتیانی، بدر الزمان * قریشی، سیده شهر * قوام زاده، اردشیر * کاریابی، ابراهیم * کاظمی، سید داود * کریمی، محسن * کمپانی، محمد * گرجی، یوسف خان * گوهری، سید علی * مبصری، بهروز * مجلی، ناصر * محسنی اراکی، نیکچهره * مرجانی، اعظم * مستوفی، عبدالله * مستوفی آشتیانی، محمود * مسیب محلاتی، سید ابوالحسن * مشایخی، علی نقی * مشایعی، عصمت * مشفق کاظمی، سید مرتضی * مصباح، مرآت السادات * معراجی، مرتضی * مکی، ابراهیم * منصوریان، محمدرضا * مهاجرانی، فاطمه * مهربانی، بهرخ * مولودی، امیر سعید * میثمی، محمد حسن * میرزا محمد علی نراقی، علی محمد * میر فخرایی، اسماعیل * میر فخرایی، مجدالدین * میر فخرایی، نیره سادات * میر مؤمنی، سید محمد علی * میر هادی، مریم * مینایی، اکرم * نبوی زاده نمازی، سید رضا * نبوی تفرشی، سید سیفاالدین * نراقی، فتانه * نواب، سید نورالدین * وفسی، سید عبدالحمید

نقاش (۶۰ نفر):

* آرام، احمد رضا * آستانه، محمد * آشتیانی، اسماعیل * آشتیانی، رضا * آشتیانی، محمود تقی * آقابزرگی، اعظم * آهنگرانی، فراهانی، محمد * ابراهیمی، عزت اله * ابطحی، اسداله * ابطحی، ذبیح اله * ابن جلال، محمد * اشتری، احمد * اشرفی، هادی * اعتصامی، ابوالحسن * اکبری، بهزاد * اکبری، مصطفی * امینی حاجی باشی، لاله * باقری، اسداله * بالاسانیان، سونیا * برجی، اسماعیل * بلوکی، عباس * بهادری، عیسی * پازیار، عادل * پیروی ساوجی، امیر بیگ * جعفری، محسن * جلالی سوسن آبادی، عباس * حاتم آبادی، فراهانی، علیرضا * حسینی تفرشی، سید احمد * دالایی، محمد تقی * ربیعی، فریدون * رستم پور، فرهاد * رسولی، حجت اله * رضایی، ابوتراب * رفیعی، میلاد * ساوجی، حبیب اله * سعیدی، ابوالقاسم * سیحون، هوشنگ * شرفی، علی اکبر * صدر محلاتی، بهجت * ضرغامی، نیایش * عراقیان، لیلا * عشقی گلزار، سید آقا * فراهانی، میترا * فراهانی اراکی، احمد * فرجی، حمید * فرخزاد عراقی، فروغ الزمان * قدس، مریم * قطب، حسین * کریمی، خیراله * کزازی، غلامرضا * متین دفتری، لیلی * مجیدیان، ابوالفضل * محمدی، عباس * مددی، بهرام * مستوفی گرکانی آشتیانی، علی * منهوی، احمد * میرزا خانیان لیلیانی، یعقوب * نظمی، محمد صادق * هجرتی، سید مصطفی * هزاوه ای، هادی

نقال (۵ نفر):

* آهنگرانی مقدم، سعید * بیات، آتنا * دریایی، مهدی * سفیدآبی، ولی اله * سلامی زاده، فاطمه * صمدیان، محمد

نگارگر (۹ نفر):

* اخوای، مصطفی * افسری، رضا * جلالی سوسن آبادی، عباس * رستم پور، فرهاد * شرفی، علی اکبر * صدر محلاتی، بهجت * فدوی، محمد هادی * مجیدیان، ابوالفضل * هجرتی، سید مصطفی

نماینده UN (۵ نفر):

* امیر محلاتی، محمد جعفر * امیر محلاتی، محمد جعفر * انتظام وزیر، سید نصراله * بهرامی، عبدالله * خسروانی، خسرو

نماینده مجلس (۲۳ نفر): این افراد ویژگی متمیز دیگری هم داشته اند و فهرست نمایندگان مجلس و استادان در کتاب «از ایراک تا اراک» آمده.

* آشتیانی زاده، محمدرضا * اراکی، علاءالدین فرید * بهرامی، حسین * بورقانی فراهانی، احمد * بیات، عباسقلی * بیات، عزت اله * بیات، نصرت اله * پروین، فضل اله * پور محسن عراقی، امین * پیراسته، سید مهدی * حشمتی، عباس میرزا * حیدری، غلامرضا * خاکباز، سید حسین * دهستانی، عبدالعلی * عراقی، سید اسماعیل * فروهر، فیروز * لواء الدوله، بیوک * مستوفی آشتیانی، ابراهیم * منصور تفرشی، محمد حسین * میراشرافی، سید مهدی * میرونی، سید عباس * هادیزاده، علی اصغر * هاشمی سنجانی، علی

نویسنده (۷۰۷ نفر):

* آبی، احمد * آبی، حسن * آبی، صاعد * آذری، کتایون * ارجمند ساوجی، ابوالحسن * آرزومندی، هادی * آشتیانی، ابراهیم * آشتیانی، احمد * آشتیانی، حسین * آشتیانی، سید جلال الدین * آشتیانی، علی * آشتیانی، محسن * آشتیانی، محمد باقر * آشتیانی، محمدرضا * آشتیانی، محمود

*آشتیانی، ملیحه *آشتیانی، منوچهر *آشتیانی، هاشم *آقابزرگی، اعظم *آقاخانی، ساناز *آقاخانی، علیرضا *آقامحمدی، داود *آوهای جونی، معین الدین *آوی، ابونصر *آوی، احمد *آوی، حسین *آوی، شمس الدین محمد *آوی، صدرالدین محمد *آیت، محمدعلی *آکریم علمدار، محمد *ابراهیمی، عزیزاله *ابراهیمی شیرکوهی، احمد *ابراهیمی فخار، صدیقه *ابوطالبی اراکی، یحیی *اثنا عشری، جمشید *اجتهادی، ابوالقاسم *احرار، احمد *احمدی هزاوه، ایرج *ادبجو، نجات علی *استعلامی، محمد *اسدیان، محمد *اسعدی ساوجی *اسکندری، فاطمه *اسلامی جاسبی، قوام *اسلامی ساوجی، نورالدین *اسماعیلی انجدانی، محسن *اشتری، بیژن *اشجاری، محمد *اصغری، سعید *اعتصام زاده آشتیانی، ابوالقاسم *اعتصامی، ابوالحسن *اعتصامی آشتیانی، یوسف *افتخار، محمدتقی *افضلی، محمدابراهیم *اقبال آشتیانی، عباس *اکبری، عسگر *اکبری ساوجی، محمدحسین *اکرمی چقاسیاهی، موسی *البرجی، مهناز *الحسینی، سیدمحمد *الحسینی دلجانی، رفیع الدین *امامی، سیدعلی *امامی، غلامرضا *امامی، محمد *امیددانی، سیدحسین *امیرحسینی خلج، خسرو *امیرمحلّاتی، محمدجعفر *امیری، اسداله *امیری، سیدجواد *امیری، سیدعلیرضا *امیری، علیرضا *امیری، غلامعلی *امیری قائم مقامی، عبدالمجید *امین تفرشی، بابک *امینی، پرویز *امینی، سودابه *امینی، مهران *امینی حاجباشی، چنگیز *انجدانی، طاهر *انجدانی، محمدابراهیم *انجدانی ذکّی، طاهر *انصاری، هرمز *انصاری، جمال *انصاری، محمدصادق *انصاری اراکی، حسن *انصاریان، سعیده *انصاری محلّاتی، محمدباقر *انصاری محلّاتی، محمدرضا *ایبک آبادی، فاطمه *ایبگی، مهسا *ایرجی، افق *ایرجی، محسن *ایزدی، بهزاد *باباجانی، علی *بادکوبه ای هزاوه، مصطفی *بارسقی، سرپوهی *باقری، فاطمه *بخشی، علی *بذایع نگار، مهدی *بدلیسی، شرفخان *برزآبادی فراهانی، ابراهیم *برزآبادی فراهانی، مجتبی *بزرگمهر، منوچهر *بطحایی، سیداحمد *بقای تفرشی، میرابوالقاسم *بلور، حبیباله *بهرام، محمدابراهیم *بهرامی، ابوالحسن *بهرامی، تقی *بهرامی، عبدالله *بهرامی، علی *بهرامی، علیرضا *بهرامی، فرج اله *بهرامی، مهدی *بهزاد، عبدالملکی *بهنام، عیسی *بورقانی فراهانی، احمد *بیابانگرد، اسماعیل *بیات، اعظم *بیات، میترا *بیات زاده، منصور *بیان الحق، محمد *بیانی، شیرین *بینا، احمد *پارسانبی *پاشنگ، مریم *پاک نیت، داود *پرهیزگار، شیرین *پرویزیان، محمدعلی *پروین، فضل اله *پژوهش فر، پیمان *پورمقیم، سیدجواد *پیرهادی تواندشتی، محمود *پیروزار جمندی، مسعود *ترابی نراقی، محمد *تشیدساوجی، علی اکبر *تشیدساوجی، محمداسماعیل *تفرشی، ابوالحسن *تفرشی، اسماعیل *تفرشی، تقی *تفرشی، حسن *تفرشی، رضی الدین *تفرشی، زین العابدین *تفرشی، سیدشقیع *تفرشی، علی *تفرشی، فرج اله *تفرشی، مجید *تفرشی، مراد *تفرشی، میرفضل اله *تفرشی، میرمحمدحسین *تفرشی، نصراله *تفرشی طادی، احمد *تفرشی قمی، عبدالکریم *تقوایی پور، محمد *تلخایی، حمیدرضا *تمجدی، سیدابوالقاسم *توجه، عبدالله *توحیدی ساوجی، نصراله *توسلی، محمدرضا *توکل، پریسا *توکل، علی اصغر *جاسبی، حسن *جراحی، محمدامین *جعفر علی جاسبی، عبدالله *جلالی، سیداحمد *جلالی، فتح اله *جلالی، محمدعلی *جلالی فراهانی، مجید *جمالی آشتیانی، محمد *جمالی آشتیانی، محمدحسین *جمراسی، علی اصغر *جوهری عراقی، هادی *جهان شاهلو، غلامرضا *جوادی ساوهای، غلامرضا *جوهری، اشرف *جودی، محمد *جوزامحلّاتی، حسن *جولایی، غلامرضا *چراغی، عبدالرضا *چراغی، محمد *چراغی، محمدعلی *چناری، حسین *چهرقانی، احمد *چوبندیان، محمدزمان *حاج عظیمی، نصرت اله *حاج عظیمی آشتیانی، غلامرضا *حاجیان، جواد *حجازی، سیدرضا *حجازی، سیدمحمد *حرآبادی فراهانی، محمدتقی *حری، ابوالفضل *حسینی، محمد *حسینی، مریم *حسینی، وحید *حسینی اراکی، سعید *حسینی، سیدغفار *حسینی، سیدمحمد *حسینی، محمدصادق *حسینی تفرشی، سیدداود *حسینی تفرشی، سیدعبداله *حسینی تفرشی، سیدمنصور *حسینی مقدم، سیدهاشم *حسینی نژاد، حسینقلی *حسینی نژاد، هادی *حضرتی آشتیانی، صادق *حضرتی آشتیانی، عباس *حضرتی آشتیانی، عظیم *حکمت، ابراهیم *حلت آبادی فراهانی، احمد *حمیدی آشتیانی، مهرزاد *خوئیزی، جعفر *حیدرلو، محمد *حیدری، غلامرضا *حیدری، مریم *حیدری نیک، حسین *خاتونی ساوجی، حسین *خادم انجدانی، یعقوب *خانی، آریتا *خدابنده آشتیانی، ناصر *خراسانیان، مریم *خرقانی، سیداسداله *خرقانی، محسن *خرمشاهی، بهاء الدین *خرزانی، محمد *خسروخانی، مریم *خسروی، امید *خلج اسعدی، مرتضی *خلج امیرحسینی، آریتا *خلج امیرحسینی، آناهیتا *خلج خرقانی، محمدابراهیم *خلیل زاده، امیرحسین *دلایی، پیداله *دالن، اشک *دانش پژوه، زهرا *داودآبادی، محمد *داودپور، رضوان *دبیر تفرشی، اسماعیل *دبیری، پرویز *دبیری زرنندی، علی *درودیان، بولی اله *درودیان فرشی، محمدرضا *دریایی، مهدی *دهقانی، محمد *دهگان، ابراهیم *ذاکری، علی اصغر *ذبیحی، مرتضی *ذکایی آشتیانی، مصطفی *ذکایی آشتیانی، مهدی *ذکایی ساوجی، مرتضی *ذوالانوار، سیدعبدالمعلی *ذوالفقاری، محسن *داد، احمد *دافر، ابوالقاسم *راسخ، حمید *رجبی ترخورانی، محمد *رجبی، مهدی *رجبی ترخورانی، محسن *رجبی فروتن، سعید *رحمانی، حامد *رحمتلی، پیداله *رحیمی، حسن *رحیمی، محمد *رحیمی، مهدی *رزاقی مصرقانی، اکبر *رستمی، مرتضی *رسولی محلّاتی، سیدهاشم *رشادی، علی اکبر *رشیدی، عباس *رشیدی آشتیانی، مهدی *رضازاده محلّاتی، جعفر *رضازاده محلّاتی، فاطمه *رضایی، زهرا *رضایی مقدم، شهرزاد *رضایی نژاد، غلامحسین *رفعی، سیدرفیع *روستا، حمیدرضا *زارعی، مهسان *زرنندی، حافظ محمد *زرنندی، علی *زرنندی، محمد *زرنیخی، آرش *زمان احمدی، محمدرضا *زمانی، فاطمه

زمانی آشتیانی، محمدابراهیم * زمانی فراهانی، همیرا * زمانی نیا، مصطفی * زینلی، فاطمه * سالاری ساوچی، عبدالله * ساوچی، اسد * ساوچی، زین الدین عمر * ساوچی، عبدالرحیم * ساوچی، عبدالملک * ساوچی، علی * ساوچی، فتح‌اله * ساوچی، محمد * ساوچی، محمدتقی * ساوچی، محمدیحیی * ساوچی، مریم * ساوچی قزوینی، احمد * ساوچی کاشانی، حبیب‌اله * ساوهای، ابوالحسن محمد * ساوی، علی * ساوئی، عرفان * سجادی، سیدابوالقاسم * سجادی قائم مقامی فراهانی، حسین * سجادی، سیدجواد * سجادی هزاره، محبوبه * سربندی، علی * سرخوش، مصطفی * سرخیل، بهنام * سرود، غلامحسین * سعید، ابراهیم * سعیدی، عباس * سعیدی، علی * سعیدی، نیره * سعیدی آشتیانی، حسین * سفیدآبی، ولی‌اله * سلطان آبادی عراقی، احمد * سلیمانلو، مصلاح آبادی فراهانی * سلیمانی، حمیدرضا * سلیمانی، علی اصغر * سلیمانی آشتیانی، مهدی * سلیمی، زهرا * سلیمی، شهناز * سماعی، عاطفه * سمعی، عزیزاله * سوری، پوریا * سیاح، محسن * سیاحت اسفندیاری، عابدین * سیاح محلاتی، محمدعلی * سیادت، سیدمحمد * سیاسی، علی اکبر * سیامک، مرضیه * سیداشرفی، عظیم * سیدی، فرانک * سیفی، نسرين * سیفی فمی تفرشی، مرتضی * سینا، محمدعلی * شاملو، عباسقلی * شاملو، علی * شاه آبادی، ابوالفضل * شاه آبادی، حمیدرضا * شاه‌رخ کزازی، حسین * شاهقلی، عبدالله * شاه محمدی درمنی، فرشید * شاهنده آشتیانی، عباس * شجری، کبریا * شرافت، محمد * شراهی، اسماعیل * شرفی، علی اکبر * شریف کرهرودی، کلبعلی * شیبی، فاطمه * شفق، مصطفی * شفیع، محمدرضا * شکوهی، یحیی * شمس، فریده * شمسی، علی اکبر * شمشیربندی، مهرداد * شمشیربندی، ولی‌اله * شهاب، بابک * شهاب، ناصر * شهپری، ابوذر * شهسوارانی، حسین * شهیدیان، سیدمسلم * شبانی، ابراهیم * شیخ الاسلامی بورقانی، مریم * شیر محمدی، علی اصغر * شیری، سعید * شیعه، اسماعیل * شیمی، کاظم * صابری، محمدتقی * صابری نسب، مریم * صادقی، رسول * صادقی آشتیانی، فضل‌اله * صالح علاء، محمد * صابری، هنگامه * صدرا، محمدباقر * صدیق، سیدحسن * صفری، حسن * صفری، حسین * صفری، زهرا * صفری، مهدی * صلاحی اصفهانی، گیتی * صمدی، سیدابوالفضل * صمیمی، اسداله * صمیمی، علیرضا * ضرغامی، نیایش * ضوابطی، سیدمهدی * طالبی، مریم * طاهری، حبیب‌اله * طاهری عراقی، ابوالقاسم * طاهری عراقی، احمد * طبرسی، احمد * طبرسی، حسن * طبرسی، علی * طبرسی نخوی، شمس الدین * طبرسی نوری، حسین * طبیب انجدانی، ابراهیم * طهماسبی زاده، یسرا * ظهیری، فاطمه * عابد، سمیه * عابدی، هادی * عابدین، علی اصغر * عارف یل آبادی، عبدالحمید * عباسی، جلال * عباسی، سمیرا * عباسی، محمدکاظم * عباسی یانی، ابوالفضل * عبدالکریمی، قاسم * عبدلی، سمیه * عبدلی آشتیانی، اسداله * عدی، نوراله * عبیدی آشتیانی، کیوان * عتیقی، عقیله * عدل، سیدابوالفضل * عدل، سیدمحسن * عدلی، زهره زهرا * عراقی، ابوالفضل عبدالرحیم * عراقی، جواد * عراقی، علی * عراقی، علی اکبر * عراقی زاده، جمال الدین * عزیز آبادی فراهانی، فاطمه * عسگری، علی اصغر * عسگری ساوچی، سیدمرتضی * عضایی، حسین * عضایی، محمد * عظیمی، یحیی * عظیمی، علی * علی آقایی نراقی، مرتضی * علی مدد، حبیب‌اله * عمادی آشتیانی، حسین * غروی، سیدمحسن * غریبی، نورعلی * غضنفری خوانساری، سیدمهدی * غفاری انجدانی، محمدرضا * غفوری آشتیانی، علی * غفوری آشتیانی، محسن * غلامی، ندا * غلامی داودآبادی، زهرا * فارسی، اکرم سادات * فاضلی، محمد * فاضلی، نعمت‌اله * فتاحی، فرید * فتاحی، مهین * فتوحی، رحیم * فخاریان ساوچی، ابوالقاسم * فخرا الاسلام، ابوالفضل * فدایی، ابوالقاسم * فدایی، مرضیه * فدایی آستانه‌ای، اسماعیل * فدایی آستانه‌ای، جمال الدین * فراهانی، ابوالفضل * فراهانی، تقی * فراهانی، طیبیه * فراهانی، فرح‌اله * فراهانی، گنجملی * فراهانی، محمدحسین * فراهانی، محمدعلی * فراهانی، مودب السلطان * فراهانی، هوشنگ * فراهانی کمره‌ای، علی * فرخ پیام، حسن * فرخزاد عراقی، پوراندخت * فرخ مهر، علی * فردوس فراهانی، اسماعیل * فرشاد، فریدون * فرقدان، حیدرقلی * فرهمینی فراهانی، محمدحسین * فرهادی، مرتضی * فرهی آشتیانی، صادق * فضل طبرسی، ابوعلی * فضلی، قاسم * فقیهی، رضا * فولادوند، محمدمهدی * فیجانی، محمدحسن * فیروزه، محمدحسن * فیروزی، طاهره * قادری، تیمور * قاسمی، حمیدرضا * قاسمی، رضا * قاسمی، فریا * قاسمی زاده، حمزه * قاضی زاده کرهرودی، عبدالخالق * قائم مقام فراهانی، محمدحسین * قائم مقامی، جهانگیر * قائم مقامی، سیدباقر * قائم مقامی، سیدمحمد * قائم مقامی، عبدالوهاب * قائم مقامی تبریزی، سیدهادی * قدس شریفی تفرشی، سیدحسین * قرایی، گرکانی، مرتضی * قره داغی، اکبر * قریب گرکانی، عبدالعظیم * قریب گرکانی، عبدالکریم * قریب گرکانی، محمد * قریب گرکانی، محمدحسین * قریب گرکانی، مصطفی * قریب گرکانی، مهدی * قریب گرکانی آشتیانی، ضیاءالدین * قریب گرکانی آشتیانی، عبدالله * قریب گرکانی آشتیانی، فرهاد * قریب گرکانی آشتیانی، یحیی * قعی ساوچی، محمدعادل * قنبری، شمس‌اله * قنوائی، اعظم * قوام الدین، جعفرعبداله * کاظمی، سیدداود * کاظمی میقانی، معصومه * کافی، یوسف * کاملی، محمدرضا * کبیر، حسن * کبیر محلاتی، عبدالحسین * کتانه‌روش، سیدمهدی * کرامتی ساوچی، محسن * کرچی، احمدبیگ * کرچی، عبدالرحمن * کرچی، محمد * کرچی، محمدابقریبیگ * کرچی، جلیل * کرچی، محمد * کرهرودی، عبدالحمید * کرهرودی، محمدحسین * کرهرودی، محمدشفیع * کریمی، زهرا * کریمی، محسن * کریمی نیک، ناصر * کزازی، عباسعلی * کزازی، محمدرفیع * کزازی، میرجلال الدین * کشاورز صدر، سیدمحمدعلی * کشاورز صدر، سیدهوشنگ * ککشه فراهانی، علی * کمال آبادی، سینا * کمالی بندامیری، علی * کمالی نهاده، علی اکبر * کمره‌ای، خلیل * کمره‌ای، علینقی * کمره‌ای، محمدباقر * کمره‌ای، محمود * کلهکی محلاتی، ابراهیم * کوهپایه‌ای عراقی، محمد * کیا، صادق

* گازرانی، ساقی * گرکانی آشتیانی، ابوطالب * گرکانی آشتیانی، علی * گلستانی عراقی، علیرضا * گواری، محمدباقر * گودرزی، ربیعانه * گودرزی، علیرضا * گودرزی فراهانی، ابراهیم * گوهری، سیدعلی * لعل‌بار، مهدی * ماجدی گرکانی، علی‌اصغر * متقی‌ساوچی، محمد * مجد‌محلّاتی، احمد * مجدی، سیدعطاءاله * مجلّی، اسماعیل * مجلّی، حسن * محبلی، داوود * محبی آشتیانی، محسن * محتاط، محمدرضا * محلاتی، ابراهیم * محلاتی، اسماعیل * محلاتی، آقامحمد * محلاتی، بهاء‌الدین * محلاتی، جمال‌الدین * محلاتی، سیف‌الدین * محلاتی، عبدالحسین * محلاتی، محمدسروش * محلاتی، نصیر * محلاتی شیرازی، صدرالدین * محمدی، حسنعلی * محمدی، مهدی * محمودی، فریده * محمودی آشتیانی، پرویز * محمودیان، مریم * محمودی‌مجد، علی * مختار، پرستو * مختاری، جواد * مداحی‌ساوچی، سیدمحمد * مداح‌نگار، محمدابراهیم * مددی، محمد * مرادی، ابوالقاسم * مرادی، حسن * مرادی، غزال * مرادی، فرزانه * مرادی‌باستانی، علی * مرادی‌غیاث آبادی، رضا * مرادی‌نیا، محمدجواد * مستوفی، عبدالله * مستوفی‌پارسا، حسن * مستوفی فراهانی، محمد * مسعودی، حمیدرضا * مسعودی آشتیانی، مهدی * مسکویه، احمد * مسیب‌محلّاتی، سیدابوالحسن * مشایخی، مصطفی * مشفق‌کاظمی، سیدمرتضی * مشهدالکویه، فاطمه * مُشید، مسعود * مصباح، مرآت‌السادات * مصباح، اشرف‌السادات * مصدق آشتیانی، محمد * مصطفوی‌رجالی، مهدی * مصفا، ابوالفضل * مصفا، محمدجعفر * مصفا، مظاهر * مطهری، احمد * معافی، حسین * معصومی، علی * معصومی، محسن * معنوی‌ساوچی، صدر * مقامی، علیرضا * مقدسی، مریم * مکی، ابراهیم * مکی‌نژاد، تقی * مکی‌نژاد، محمد * ملیبوی‌اراک، محمدباقر * ملک‌ساسانی، احمد * ملکی، جواد * ممدوح، مرادعلی * منشورگرکانی آشتیانی، محمد * منشی‌گرکانی، احمد * منصور، محمود * منصوری، محمود * منصوری‌نراقی، غلام‌علی * منظوری، داود * مهاجرانی، سیدعطاءاله * مهاجرانی، سیدمحمد * مهاجرانی، فاطمه * مهدوی‌هزاوه، رضا * مهدوی‌هزاوه، منصوره * مهری، عفت * موحّدی ساوچی، علی * موسوی، سیدباقر * موسوی، سیدعلی‌اصغر * موسوی، سیدکاظم * موسوی، سیده‌طاهره * موسوی، سیده‌معصومه * موسوی زرن‌دی، سیدمحمود * موسوی‌ساوچی، سیداحمد * مولایی آشتیانی، ابوالقاسم * مولودی، امیرسعید * مولوی، امیر * مومن‌زاده، مرتضی * مؤمنی، جمشید * مؤمنی، محتشم * مؤمنی، هاشم * میثمی، فضل‌اله * میثمی، محمدشفیع * میثمی عراقی، جمال‌الدین * میرحاج عراقی * میرساوچی * میرشکرای، محمد * میرشمس‌الهی، وجهه‌سادات * میرقدیری، محبوبه * میرمحمدی، رضوان‌السادات * میرمحمدی، سیدسعید * میرمحمدی جاورسیانی، سید میرزا باقر * میرممتاز، سیدحسین * میرهادی، سیدامین * میرهادی، سیده‌توران * میرهادی، مریم * میکده، عبدالحسین * میناسیان، هووئیک * نادعلیان، حیدرعلی * ناصری‌فرد، محمد * نبوی‌زاده‌نمازی، سیدجعفر * نجاتی، غلامرضا * نجفی آشتیانی، ابوالقاسم * نجفی زاده، سیدعلی * نراقی، احسان‌اله * نصیر، زین‌العابدین * نعمتی‌ساوچی، احمد * نعیمی، داود * نعیمی‌ساوچی، محمدحسن * نوازنی، معصومه * نوری، حانیه * نیرسینان‌اقی، هدایت‌اله * نیک‌پور، صفرا * نیک‌زاد، مرتضی * نیک‌فام، یوسف * نیک‌کفر، محمدرضا * نیک‌کوهمت، احمد * هاشمی، هوشنگ * هاشمی‌سیاوشانی، حبیبیه * هاشمی‌مشهدالکویه‌ای، حسین * هدایی، ابوتراب * هزاوه، مه‌ساسادات * هزاوه‌ای، سیدمرتضی * همّتی، محمد * واشقانی فراهانی، علی * واعظ‌زاده حکیم‌الهی، حسین * واعظی کرهرودی، حسین * واعظی کرهرودی، علی‌جان * واعظی کرهرودی، مرتضی * وزیردفتر، هدایت‌اله * وفایی، علی * وفائی‌نژاد، اکبر * یارمحمدتوسکی، مریم * یارمحمدی، لطف‌اله * یاورانجانی، محمدعلی * یثربی، مهدی * یوسفی، عبدالله

نیکوکار (۵۸ نفر):

* ارفع آستانه، عباس * آشتیانی، سیدجلال‌الدین * اراکی، تقی‌خان * اعتمادیه، ابراهیم * افشار، محمد * افضل، محمدابراهیم * افضلی‌پور، سیدعلیرضا * امین، سهراب * امینی، ابراهیم * امینی، علی * امینی‌حاج‌باشی، اسداله * ایمانی‌مشک‌آبادی، فخرالحاجیه * بهرامی، محمود * بیات، عزت‌اله * بیات، قدس‌السلطنه * حجازی‌زرن‌دی، حسین * حسابی، گوهرشاد * خسروخانی، مریم * خوانساری، محمدابراهیم * خوانساری، محمدحسن * داعی، خلیل * ده‌کهنه، علی‌نقی * رادسر، اسماعیل * رضایی آشتیانی، علیرضا * رضوانی‌ساوچی، عبدالله * ساعی، فاطمه * سلیمی آشتیانی، هاشم * سینا، عبدالله * شاه‌محمدی، جواد * شقایب، محمدحسین * شکرای، سیدرضا * شهرپی، ابودر * صفایی، اختر * صمدی، علی * عسگری، اسداله * علیمیرزایی، علی * فتاحی، فرید * قریب‌گرکانی، فخرالزمان * کاظمی، سیدجواد * کاظمی، سیده‌زبور * کافی، یوسف * کمالی، سیدمحمد * کمره ای، بتول * گرامی، محمدجواد * ماستری فراهانی، احمد * مستوفی‌میرشکرای، سیدعلیرضا * مشک‌آبادی‌انجیرکی، سلیمان * معراجی، مرتضی * منصورتفرشی، علی‌اصغر * منصورخانی، طوطیه * میثمی، محمدحسن * نبوی‌خوانساری، سیدجواد * نجار آشتیانی، غلامحسین * نودزی، ابوالقاسم * هادی‌زاده‌محلاتی، حسین * یارمحمدی، اسداله

وزیر (۹۵ نفر):

* آسروانی فراهانی، تقی * آشتیانی، حسن * آشتیانی، حسین * آشتیانی، رکن الدین * آشتیانی، کاظم * آشتیانی، محمد تقی * آشتیانی، محمد حسین * آشتیانی، محمدرضا * آشتیانی، موسی * احمدی دانش آشتیانی، فخرالدین * امیرمفخم، لطفعلی * انتظام وزیری، سید عبدالله * انتظام وزیری، سید نصراله * انجدانی، علاءالدین * بهرامی، احمد * بهرامی، عبدالله * بهرامی، علی * بهرامی، فرج اله * بهرامی، فضل اله * پیراسته، سید مهدی * تفرشی، ابوالقاسم * تفرشی، احمد * تفرشی، سید عبدالله * تفرشی، سید عیسی * تفرشی، شرف الدین علی * تفرشی، عباس * تفرشی، محمد حسین * تفرشی، محمد علیخان * تفرشی، هدایت اله * حجازی، سید محمد * حسابی، سید محمود * خسروانی، عطاء اله * زرنندی، عمادالدین * زلفی گل، محمد علی * ساوجی، حبیب اله * ساوجی، علاءالدین محمد * ساوجی، عماد الملک * ساوجی، محمد * ساوجی، معین الدین * ساوجی، میر جعفر * سعادت، سید باقر * سمیع تفرشی، عباس * سیاح، حمید * سیاح، همایون * سیاسی، علی اکبر * شاملو، مرتضی قلی * ضیاء الدین ساوجی، نوراله * عالیخانی، علینقی * فراهانی، ابوالحسن * فراهانی، ابوالقاسم * فراهانی، احمد * فراهانی، اسحاق * فراهانی، تقی * فراهانی، حسن * فراهانی، سید حسن * فراهانی، شاه منصور * فراهانی، عیسی * فراهانی، محمد * فراهانی، محمد حسن * فراهانی، محمد حسین * فراهانی، محمدرضا * فراهانی، محمد علی * فراهانی، میرزا علی * فراهانی، میر سید حسین * فراهانی، هزاوه ای، ابوالفتح * فراهانی، هزاوه ای، حسین * فرزین، محمد علی * فروهر، ابوالقاسم * قائم مقام فراهانی، ابوالحسن * قائم مقامی، علی آقا * کرچی، علی * گرکانی آشتیانی، شفیق * گرکانی آشتیانی، محمود * متین دفتری، احمد * مدایح نگار، محمد ابراهیم * مدبر انجدانی، اسماعیل * مدنی، حسین * مرآت، اسماعیل * مزدقانی ساوجی * مستوفی، سید احمد * مستوفی آشتیانی، زین العابدین * مستوفی آشتیانی، محمد * مستوفی تفرشی، بزکی * مستوفی تفرشی، نصراله * مستوفی فراهانی، میرز اتقی * مصطفوی رجالی، محمد تقی * منصور، جواد * میرزا حسابی، علیخان * میر سید رضا * نصیر انجدانی، محمدرضا * وزیر تفرشی، حسین * وزیر دفتر، هدایت اله * وزیر لشکر آشتیانی، موسی * وزیری آستانه ای، محمد موسی * وزیری آشتیانی، شفیق

وزیر مختار (۸ نفر):

* آشتیانی، رکن الدین * انتظام وزیری، سید عبدالله * بهرامی، عبدالله * سعادت، سید محمد * سیاح، حمید * فروهر، ابوالقاسم * مشفق کاظمی، سیدمرتضی * میرزا حسابی، علیخان

نمایه زنان

زنان (۲۵۰ نفر):

* آذری، کتایون * آرامی، آزاده * آشتیانی، اختر * آشتیانی، ملیحه * آقابزرگی، اعظم * آقاخانی، ساناز * آقارضی درمنی، سمین * آهنگرانی، پگاه * ابراهیمی، سیما * ابراهیمی فخار، صدیقه * ابراهیمی فخار، فرزانه * اعتصامی آشتیانی، رخشنده * اعتصامی آشتیانی، زینده * اکبری، ملیحه * البرجی، مهناز * الوندی، پریسا * امینی حاجی‌باشی، لاله * امینی، ربابه * امینی، سودابه * امینی، مهران * انصاریان، سعیده * ایک‌آبادی، فاطمه * ایگی، مهسا * ایرانی، زهره * ایمانی مشک‌آبادی، فخرالحاجیه * بادران، بیتا * بارسقی، سرووی * باقری، صفری * باقری، فاطمه * باقری، کبری * بالاسانیان، سونیا * بخشنده، رضوان * بدیعی، مهین * برون، ملیکا * بنایی، اکرم * بنایی، صدیقه * بنی‌کعب، فاطمه * بهادری بزلویی، افسر * بهروز وزیری ساوجی، قدسی * بیات، آتنا * بیات، اعظم * بیات، قدس السلطنه * بیات، میترا * بیاتی، نازنین * بیانی، شیرین * بیتا، سیما * پاپازیان، نکاتر * پارسا، حمیده * پاشنگ، مریم * پرهیزگار، شیرین * پرور، سوسن * پژوهش‌فر، پیمان * توکلی، پریسا * جدا، خدیجه * جعفری، اعظم‌السادات * جمال‌نوش آفرین * جواهری، اشرف * چهرآزاد، همای * حاتمی، لیلیا * حاج‌عظیمی آشتیانی، ستاره * حاج‌عظیمی - آشتیانی، غزاله * حاجیان، آریتا * حسابی، گوهرشاد * حسن‌زاده، رؤیا * حسنی، مریم * حسینی، فرووده * حسینی، شکیب * سیده‌طاهره * حصیبی، مهین * حکمت، منیژه * حیدری، مریم * حیدری، مژگان * خاتمی، فریا * خانی، آریتا * خراسانیان، مریم * خسروخانی، مریم * خسروی، سودابه * خلج‌امیرحسینی، آریتا * خلج‌امیرحسینی، آناهیتا * خلج‌بابایی، ایراندخت * دانش‌پژوه، زهرا * داودپور، رضوان * داودی، مکی - نژاد، فاخته * داوری، هما * ربیعی، افسانه * ربیعی، مطمئن * زهره * رجبی، فاطمه * رحمتی، یاسمین * رحیمی، پاییز * رحیمی، عادل * رضازاده - محلاتی، فاطمه * رضایی، افسانه * رضایی، زهرا * رضایی، مقدم * شهرزاد * رهنما، هزاه، بهاره * زارعی، مهسان * زکریا، سحر * زمانی، فاطمه * زمانی، فراهانی، همیرا * زهرایی، منفرد، پروین * زینلی، فاطمه * ساداتی، فرشته * ساعی، فاطمه * ساوجی، فرخنده * ساوجی، مریم * سجادی، گلچهره * سجادی، هزاه، محبوبه * سعیدی، نیره * سلامی، زاده، فاطمه * سلطانعلی، شهناز * سلیلی، پروین * دخت * سلیلی، کیوان * دخت * سلیمی، زهرا * سلیمی، شهناز * سماعی، عاطفه * سواساوجی، فروغ‌السادات * سیامک، مرضیه * سیدی، فرانک * سیفی، نسرين * شاملو، زیور * شاه‌صنمی، مهین * شاهین، فاطمه سلطان * شجری، کبریا * شعبی، فاطمه * شکرایی، مقدم، جمیله * شکوری، ساوجی، مریم * شمس، فریده * شوقی، زهرا * شیخ‌الاسلامی، یورقانی، مریم * شیخ‌دردترکمانی، نادره * شیرمحمدی، مرجان * صابری، نسب، سمیه * صابری، نسب، مریم * صابری، صابری * صابری، نگامه * صدراپی، رقیه * صدراپی، مرضیه * صدرمحلاتی، بهجت * صفایی، اختر * صفایی، مهرتاج * صفری، زهرا * صلاحی - اصفهانی، گیتی * ضراغی، نبایش * طالبی، مریم * طهماسبی، زاده، یسرا * ظهیری، فاطمه * عابد، سمیه * عباسی، سمیرا * عبدلی، سمیه * عبدی، مریم * عتیقی، عقیده * عدلی، زهره زهرا * عراقیان، لیلیا * عربگل، طویه * عربگل، فریا * عزیزآبادی، فراهانی، فاطمه * غفاری، لیلیا * غلامی، ندا * غلامی، داودآبادی، زهرا * فارسی، اکرم‌السادات * فتایی، مهین * فدایی، مرضیه * فراهانی، رهاورد * فراهانی، شقایق * فراهانی، طویه * فراهانی، مریم * فراهانی، ملوک * فراهانی، مولود * فراهانی، میترا * فرخزاد، عراقی، پوراندخت * فرخزاد، عراقی، فروغ‌الزمان * فرخزاد، عراقی، قدسیه * فروهر، لیلیا * فریدونی، فرزانه * فیروزی، طاهره * قاسمی، فریا * قائم‌مقامی، پروین * قائم‌مقامی، عالم‌تاج * قبادی، کبری * قدس، مریم * قدوه، فخرالزمان * قریب‌گرانی، فخرالزمان * قریب‌گرانی، آشتیانی، بدرالزمان * قریشی، سیده‌شهر * قزوینی، اعظم * کاظمی، سیده‌زیور * کاظمی، میقانی، مریم * کاظمی، میقانی، معصومه * کریمی، زهرا * کریمی، نیکی * کمره‌ای، بتول * گازرانی، ساقی * گودرزی، ریحانه * متین - دفتری، لیلی * محسنی‌اراک، نیک‌چهره * محمدی، فاطمه * محمودی، فریده * محمودی، مریم * محمودیان، مریم * مختار، پرستو * مرادی، غزال * مرادی، فرزانه * مرجانی، اعظم * مشایی، عصمت * مشهدالکوبه، فاطمه * مصباح، اشرف * السادات * مصباح، مرآت السادات * مقدسی، مریم * منصورخانی، طوطیه * مهاجرانی، فاطمه * مهدوی، هزاه، منصوره * مهربانی، بهرخ * مهری، عفت * مهین‌ترابی، مهران * موسوی، سیده‌طاهره * موسوی، سیده‌معصومه * مؤمنی، مریم * میرزاییان، صدیقه * میرشمس‌الهی، وجهه‌سادات * میرصادقی، ژاکلین * میرفخرایی، نیره، سادات * میرقدیری، محبوبه * میرمحمدی، رضوان السادات * میرهادی، سیده‌توران * میرهادی، مریم * مینایی، اکرم * نبوی، زاده * نمازی، سیده‌الهه * نپتون، کبریا * نراقی، فتنه * نشیبی، مریم * نوازی، معصومه * نوری، حانیه * نوری، میترا * نیک‌پور، صغرا * هاشمی، وجهه * هاشمی - سیاوشانی، حبیبیه * هاواساپیان، آرمو * هزاه، مهساسادات * وثوق، پروانه * یارمحمدتوسکی، مریم * یکه‌تاز، سمیرامیس * یوسفی، زهرا * یوسفی، فاطمه

نمایه دوره زندگی^۱

پیش‌هجری (۲۲۰- تا ۱۲۳۱- * ۲ نفر):

* پیر مرادآباد * چهرآزاد، همای

قرن نخست (۰- ۹۹ خ - ۲ نفر):

* پورونداد، بهزادان * فاذار، یزدان

قرن ۲ (۱۰۰- ۱۹۹ خ - ۶۸ نفر):

* آبی (۳) * آفتابی ساوجی * آقداشی ساوجی * آمرهای * آوی (۳) * الحسینی دلچانی * الویردی ساوجی * بغدادی ساوجی * بیدل ساوجی * پیرصدرقلندر * تفرشی * تفرشی طادی * جری ساوجی * چهارحدی * حدیثی ساوجی * حریقانی * خرقانی (۲) * خندابی (۲) * رتک ساوجی * رحیمی ساوجی * زرنندی (۲) * سالار * ساوجی (۲۳) * ساوی * سنگکی ساوجی (۲) * سوایی ساوجی * سیفی ساوجی * شاملو (۲) * شنیدا * صبحی ساوجی * صفی ساوجی * صوفی ساوجی * طبرسی * طبرسی نحوی * عاشق ساوجی * عاصم السلطنه * عراقی * عشقی ساوجی * علوی حسینی آبی * علوی حسینی آوی * عمادی اراکی * غلامی مقصودآبادی * غیائی عراقی * فرجی قارلوقی * قارلوقی ساوجی * قربانی * قریب گرکانی آشتیانی * کرجی (۲) * کرجیان * کرکس ساوجی * کمالان ساوجی * کمالی ساوجی * کمرهای (۲) * گرکانی آشتیانی * مسیب - محلاتی * میرهاشمی ساوجی * نیکنام * واعظ ساوجی * واعظی کرهرودی

قرن ۳ (۲۰۰- ۲۹۹ خ - ۷ نفر):

* دندنان کرجی * کرجی (۶)

قرن ۴ (۳۰۰- ۳۹۹ خ - ۲۱ نفر):

* آبی (۳) * آوی (۲) * ساوجی (۵) * ساوهای * ساوی (۲) * طبرسی * غضابری * کرجی (۳) * مسکویه * واحدی ساوجی * واسطی ساوجی

قرن ۵ (۴۰۰- ۴۹۹ خ - ۲۴ نفر):

* آبی * آوی (۲) * تفرشی * حسینی آوی * خاتونی ساوجی * دبیرظاهر * ساوجی (۵) * ساوی (۵) * طبرسی * فضل طبرسی * کرجی (۳) * مزدقانی * مزدقانی ساوجی

قرن ۶ (۵۰۰- ۵۹۹ خ - ۲۹ نفر):

* آبی * آوی * افطسی * افطسی آوی * جاسبی (۲) * دهخدا * دیناری آبی * ساوجی (۹) * ساوجی طوسی * ساوی * سلیمان کرجی * طبرسی (۲) * عراقی * فراهانی (۲) * کافی کرجی * کرجی * نظامی گنجوی * یوبی ساوجی

قرن ۷ (۶۰۰- ۶۹۹ خ - ۳۶ نفر):

* آشتیانی * آوجی (۲) * آوهای * آوی (۳) * آوی غروی * انجدانی * تفرشی * جاسبی * جاسبی وارانن * داعی آوی غروی * رومی قیصری * زرنندی (۵) * زرنندی مدنی * ساوجی (۸) * ساوی * شهابی ساوجی * عراقی (۲) * علوی کرجی * فراهانی * یوسفی آوی (۲)

۱. ملاک طبقه‌بندی ابتدا براساس سال تولد و سپس دوره‌ی زندگی است.

۲. بسیاری از این ۶۸ نفر مربوط به قرن دوم نیستند و صرفاً به‌این دلیل که هیچ نشانه‌ای از دوره‌ی زندگی ایشان بدست نیامد و از طرفی در بانک اطلاعاتی ACCESS، با هدف تحلیل کتاب نیازمند عدد سال بودم لذا به‌صورت فرضی رقم رُند ۱۱۱ لحاظ شد.

قرن ۸ (۷۰۰-۷۹۹ خ - ۳۲ نفر):

* آشتیانی * اسراری * اوجی (۳) * آوهای جوینی * آوی (۴) * آوی حسینی * افطسی * بُرزآبادی فراهانی * حسینی آوی * حسینی جاسبی * خطاط ساوجی * زرنندی * ساوجی (۵) * ساوهای (۲) * شمس الدین * طبرسی * طبیب ساوجی * عراقی * علوی حسینی آوی * گلخنی تفرشی * مزدقانی * مستوفی ساوجی

قرن ۹ (۸۰۰-۸۹۹ خ - ۳۲ نفر):

* اراکی * انجدانی (۵) * انجدانی جاسبی * تفرشی * جزوی عراقی * حریفی ساوجی * دلیجانی * زرنندی * سالمی عراقی * ساوجی (۸) * ساوجی قزوینی * ساوهای * سوزی ساوجی * صدر ساوجی * عراقی * قدسی تفرشی * محتشم نراقی * محلاتی * مستوفی ساوجی * میرحاج عراقی * میرزایی ساوجی

قرن ۱۰ (۹۰۰-۹۹۹ خ - ۷۷ نفر):

* آدوبادور * آشتیانی (۲) * امیری ساوجی * انجدانی (۷) * انجدانی دکنی * بابافضلعلی * بدلیسی * بقایی تفرشی * پیروی ساوجی * تفرشی (۸) * حزنی عراقی * حسینی دلیجانی * حسینی ساوجی * حسینی ساوهای * حیفی ساوجی * روحی ساوجی * زنده دل ساوجی * ساوجی (۶) * ساوجی - کاشانی * ساوهای * شاملو (۳) * شاهنزار * صرغی ساوجی * ضیاء الدین ساوجی * ظریفی ساوجی * عراقی * عهدی ساوجی * فراهانی (۹) * فراهانی - کمرهای * فمی تفرشی * قاضی زاده کهرودی (۲) * قوام الدین * قورچی باشی * کهرودی * کمرهای * محلاتی * مصوری * مقصدی ساوجی * منصور * میر ساوجی * میر صحبتی تفرشی * مین باش انجدانی * تجار ساوجی * نیازی ساوجی * همدانی * واعظ * وجهی تفرشی

قرن ۱۱ (۱۰۰۰-۱۰۹۹ خ - ۸۲ نفر):

* آشتیانی (۱۰) * انجدانی (۵) * آوی واحدی * بُرزآبادی فراهانی (۲) * بقایی آشتیانی * تفرشی (۳) * ثابت تفرشی * جعفری ساوجی * حسینی انجدانی * حسینی تفرشی (۴) * حسینی تفرشی غروی * حویزی * خطاط تفرشی * درمنی * ساوجی (۹) * ساوی * شاملو * شریف تفرشی * شریف عاملی - انجدانی * صبری عراقی * طبیب انجدانی * عارضی انجدانی * علایی آشتیانی * غفاری انجدانی (۲) * فاضل نراقی * الفتی کمرهای * فراهانی (۷) * فراهانی هزاوهای (۲) * قاضی مشایخی کهرودی * قائم مقام * قرشی ساوجی (۲) * کرجی * کمرهای * گرکانی آشتیانی * مفتون آشتیانی * مکنون کرجی * منصور ساوجی * مؤمن * میر سید رضا * میر شوقی ساوجی * نحوی بیانی * نراقی * نسبتی عراقی * هجری تفرشی (۲) * یار بیگ - کمرهای

قرن ۱۲ (۱۱۰۰-۱۱۹۹ خ - ۱۷۶ نفر):

* ارفیع آستانه * آزاد عراقی * ازرم محلاتی * آستانه ای (۲) * آشتیانی (۲۵) * آشتیانی نخعی * آهوئی * ابوطالبی اراکی * ارادت * اسراییل خان * افشار * انجدانی (۱۸) * انجدانی کزازی * بیات * تاب تفرشی * تفرشی (۱۰) * حسینی تفرشی * خرقانی * خلیج * ده کهنه (۲) * رضازاده محلاتی * رفیعا * زرنندی * ساوجی (۱۳) * ساوی * سلطان آبادی (۲) * سلطان آبادی عراقی * سیاح محلاتی * سیاوشانی (۲) * صدر * ضوابلی * طبرسی نوری * عارف بل آبادی * عراقی * فاضل نراقی * فدایی آستانه ای * فراهانی (۱۲) * فراهانی عراقی * فمی تفرشی * فیحانی * قائم مقام فراهانی (۲) * قائم مقامی * قره سرتیب * قره سرتیب فراهانی * فمی ساوجی * کبیر * کرجی (۳) * کهرودی (۴) * کزازی (۴) * کمرهای (۲) * کهکی محلاتی * کرجی (۲) * گرکانی آشتیانی (۲) * گواری * لوزدری سلطان آبادی * مجتهد آشتیانی * محلاتی (۲) * محمود آبادی * مخزومی ساوجی * مدبر انجدانی * مستوفی (۲) * مستوفی آشتیانی (۲) * مستوفی آهوئی * مستوفی تفرشی (۳) * مستوفی گرکانی آشتیانی * مستوفی میرشکرایی * مسی * مشک آبادی * مشک آبادی انجیرکی * مکی (۲) * ممدوح * میثمی * نخعی * نراقی * نصیر انجدانی * هندی * وزیردفتر * وزیر لشکر آشتیانی * وفسی (۳)

قرن ۱۳ (۱۲۰۰-۱۲۹۹ خ - ۹۷۵ نفر):

* آبی * آذر هوش * آستانه ای * آسروانی فراهانی * آشتیانی (۱۳۸) * آشتیانی تبریزی * آشتیانی زاده * آشتیانی نخعی * آقامیرزا آقا * آق ولی * آل طاهر (۲) * امرهای * اواسیان * اوجی تفرشی * ابطحی (۳) * ابن جلال * ادیب * ادیب صدرایی * ادیب غیائی * اراکی (۲) * ارجمند حقیقی آشتیانی

*ارجمندی (۲) *ارضی *ارفع قوامی *اسلامی جاسبی *اعتصامی *اعتصامی آشتیانی (۳) *اعتضاد السلطان *اعتمادیه *افتخار العلما *افتخار دفتر
 *افشار *افضلی *افضلی پور *اقبال آشتیانی *البرز *الحسین *الهی *امامی (۲) *امیربختیار *امیرتومان *امیری *امیری قائم مقامی *امین
 (۳) *امین الملک *امینی (۷) *انتظام وزیری (۳) *انجدانی (۲۳) *انصاری *انصاری محلاتی *انور محلاتی *ایمانی مشک آبادی *باجقلو *باقری
 (۲) *باقری اراکی *باقری مکی *بختیاری *بذایع نگار *برجی *بزچلویی کميجانی *بزرگمهر (۲) *بستاک *بلور (۲) *بهادر الملک *بهادری
 *بهرام *بهرامی (۱۵) *بهرروز ساوجی *بهشتی *بهنام (۲) *بیات (۵) *بیانی *بیگلریگ *بیگلریگی *بینا (۲) *بینش *پارسا (۳)
 *پروین (۲) *پزشکی (۲) *پسندیده *پورحاتمی *پورمحسن عراقی *پیراسته *ترخورانی *ترخورانی تفرشی *تشدید ساوجی *تفرشی (۳۳)
 *تفرشی اردبیلی *تفرشی طادی *تفرشی نجفی *تنها زرنندی *تهجدی *تهرانی ساوجی *چاپلی *چادهای *جاسبی *جذوه آشتیانی *جلالی
 (۶) *جلالی آشتیانی *جلی *جمالی آشتیانی *جمالی محلاتی *جمشیدی *جناب قزوینی *جودی *چرای (۲) *حاتمی تفرشی *حاتمی *حاج -
 سیداحمدی تفرشی *حاج عظیمی *حاج عظیمی آشتیانی *حاج علیخانی *حاجی محمدی *حجاری زرنندی *حجاری *حجاری طهرانی *حجتی -
 امامی *حرآبادی *حسابی (۳) *حسابی تفرشی *حسن پور *حسینی انجدانی *حسینی لنگرانی فراهانی *حسینی تفرشی (۴) *حسینی *حسینی -
 فراهانی *حسینی کهرودی *حسینی نژاد *حشمتی *حضرتی آشتیانی (۲) *حطیم قائم مقامی (۲) *حقیقی *حکیم ساوجی (۳) *حکیمی
 *حمزه لویی *حیدری *خادم انجدانی *خاقانی محلاتی *خاکباز *خاکی وفسی *خرمشاهی *خزاعی (۲) *خزائلی *خسروانی (۶) *خطاطارموی
 *خلج *خلج خرقانی *خلجستانی آشتیانی *خندابی (۲) *خوانساری (۳) *دارابی *داعی انجدانی *دالایی (۳) *دانش (۲) *دانش آشتیانی
 *دانش تفرشی *داودزاده *داودی *دباغچی *دبیر تفرشی (۲) *درودیان فرشی *دفتری *دهستانی *دهگان *دوامی (۲) *ذره تفرشی *ذوقی
 *راد (۲) *راستین *رجایی *رزاقی مصرقانی *رستمی *رضازاده محلاتی *رضایی *رضایی آشتیانی *رضوانی ساوجی *رعدی آذر خشی *رفیعی
 *رفیعی تفرشی *روحانی (۲) *روح بخش *روشن *زرزندی *زمانی *زمانی آشتیانی *زین الدین *سارنگ *سارنگی ساوجی *ساوجی (۳۲)
 *ساوجی کاشانی *ساوهای *سجادی (۲) *سجادیه *سحاب تفرشی *سراجی *سربندی (۲) *سرتیپ *سرتیپ کزازی
 *سرخوش *سرود *سعادت (۲) *سعیدی (۲) *سلطان *سلطان آبادی (۳) *سلطان آبادی عراقی (۳) *سلطان السادات *سلیمانانومصلح آبادی -
 فراهانی *سلیمانی *سمندر ساوجی *سمیع تفرشی *سمعی *سیاح (۲) *سیاسی (۲) *سیحون *سیف *سیف امیرحسینی *سینا (۲) *شاهرخی -
 کزازی *شاه محمدی *شاهنده آشتیانی (۲) *شاهین *شاهین قائم مقامی *شایق *شبا فروز *شریعتمدار ساوجی *شریف عراقی *شریف -
 کهرودی *شفقی *شفیع آهویی آشتیانی نخعی *شکرای (۲) *شکوهی *شمایی *شمسی *شهیدنیران *شهدی تفرشی *شهرابی *شهروان
 *شهسوارانی *شهنازی (۲) *شیبانی *شیمی (۲) *صابری (۲) *صادقی *صادقی آشتیانی (۲) *صارمی *صالحی آشتیانی *صدر (۲)
 *صدر اراکی *صدر گویاری *صدیق *صدیق الممالک آشتیانی *صفای تفرشی *صفای محلاتی *صفایی *صفایی زرنندی *صمدی *صمصام
 *صناعی *ضوابطی *طاهری *طباطبائی *طیب *طیب انجدانی *طیب ساوجی (۴) *طراز ناهیدی *عاشوری *عبادی *عتیقی *عجمی
 عراقی (۱۰) *عراقی زاده *عراقی کزازی *عرب انجدانی *عزتی *عسگری (۲) *عسگری ساوجی *عسگری محلاتی *عشق گلباز *عضد
 *عطایی *عطایی آشتیانی *عظیم اقرب *عظیمی فراهانی *علمی (۲) *علیمیرزایی *غروی *غضنفری خوانساری *غفاری (۲) *غفاری انجدانی
 *غفوری آشتیانی *فارابی *فخار کاشانی *فخرای (۳) *فراهانچی *فراهانی (۱۴) *فراهانی اراکی *فرخزاد عراقی *فرخی *فردوس فراهانی
 *فرزین *فرشاد *فرقدان *فرنقی *فروزش *فروهر (۳) *فرید محسنی *فریده زاوه *فقیهی *فکری آشتیانی *فولادوند *قاسمی الویری
 *قاسمی زاده *قاضی *قائم مقام (۳) *قائم مقام فراهانی (۴) *قائم مقامی (۴) *قائم مقامی تبریزی *قدس شریفی تفرشی *قدوه (۲)
 *قراگوز لوهلال جلو *قربان حسینی ساوجی *قرشی ساوجی *قریب گرکانی (۵) *قریب گرکانی آشتیانی (۴) *قریشی *قزوینی بسطامی *قطب
 *قوام آشتیانی *قوام زاده *کاربایی *کاشانی (۲) *کاظمی (۴) *کاظمی کهرودی *کافی *کبیر محلاتی *کرجی *کهرودی (۳) *کهرودی -
 سلطان آبادی *کروکانی جاسبی *کریمی اراکی *کریمی ساروقی *کزازی (۸) *کشاورز صدر *کمپانی *کمپانی (۲) *کمرهای (۷) *کوشا
 *کوکبی ساوجی *کوهینی *کیا *کرجی *گرکانی آشتیانی (۱۷) *گورای *گودرز فراهانی *لواء الدوله *لیلانی *مجدی گرکانی (۲)
 *مبصری زرنندی *متین دفتری *مجتبایی *مجتهد (۳) *مجتهد آشتیانی *مجتهد گرکانی *مجتهد گرکانی آشتیانی *مجد *مجد زرن قلم عراقی
 *مجللی *محبی *محبی انجدانی *محشمتی *محدث سبزواری ساوجی *محرر آشتیانی *محسنی (۲) *محقق کهرودی سلطان آبادی *محلاتی
 (۲۰) *محلاتی شیرازی (۲) *محمدی انجدانی *محمدی عراقی *محمدی زراقی *محمودی *محمودی فراهانی *محمودی میلاگردی *مخلص -
 الاثمه (۲) *مداح نگار *مدتبان *مدرس آشتیانی *مدرس انجدانی *مدرس گرکانی *مدرس مشیدی *مدنی (۲) *مدنی عراقی *مرآت
 *مستشار لشکر *مستقیم ساوجی *مستوفی (۸) *مستوفی آشتیانی (۸) *مستوفی پارسا *مستوفی تفرشی (۲) *مستوفی زاده *مستوفی فراهانی
 (۲) *مستوفی گرکانی *مستوفی گرکانی آشتیانی (۲) *مستوفی مجتبابی *مستوفی نورایی آشتیانی *مشایخی اراکی *مشایخی کهرودی *مشتاقی

◀ مشفق کاظمی ◀ مشیری ◀ مشیری تفرشی ◀ مصدق ◀ مصدق آشتیانی ◀ مصرقانی ◀ مصطفوی ◀ مصطفوی رجالی (۲) ◀ مصلحی اراکی ◀ معنوی - ساوجی ◀ معیری ◀ مفتون محلاتی ◀ مکی (۳) ◀ مکی نژاد (۳) ◀ ملبوبی اراکی ◀ ملک آبادی ◀ ملک ◀ ملک احمدی ◀ ملک التجار ◀ ملک زاده (۲) ◀ ملک ساسانی ◀ ملکی ◀ منتظری ساوجی ◀ منجم تفرشی ◀ منزوی زرنندی ◀ منشی آشتیانی ◀ منشی گرکانی ◀ منشی گرکانی آشتیانی ◀ منصور ◀ منصور تفرشی (۳) ◀ منظوری حقیقی (۲) ◀ مهرتاش قره گوزلو ◀ مهرعلی گرکانی ◀ مومتن السلطان ◀ موسوی (۲) ◀ موسوی زرنندی ◀ موسوی - ساوجی ◀ مؤمنی ◀ میثمی (۳) ◀ میثمی عراقی (۳) ◀ میراشرافی ◀ میر پنجه ◀ میرزا حساسی ◀ میرزا خانیان لیلیانی ◀ میرزا محمدعلی نراقی ◀ میر سپاسی ◀ میرشکرایی ◀ میرصفی ◀ میرفخرایی (۳) ◀ میر محمدی ◀ میر محمدی جاورسیانی ◀ میر ممتاز ◀ میرهادی (۲) ◀ میکده (۴) ◀ ناجی ◀ ناصر لشکر ◀ ناظم دیوان ◀ نایب الصمد ساوجی (۲) ◀ نجاتی ◀ نجفی ضامنجان ◀ نجم الاسلامی ◀ نخستین سنجانی ◀ نخعی (۲) ◀ نخعی آشتیانی ◀ نراقی (۲) ◀ نصیر ◀ نصیر الاسلامی ◀ نظام لشکر ◀ نکبسا ◀ نمک کوری ◀ نواب ◀ نوذری ◀ نورالدین آشتیانی ◀ نورایی ◀ نویسی ◀ نصیر آشتیانی ◀ نصیر سنانراقی ◀ نیسانیان ◀ نیستانی ◀ نیکپور ◀ هاشمی سنجانی ◀ هدایی ◀ هزاوی ◀ همافروفسی عراقی ◀ هوشی دری ◀ واعظ ◀ واعظ تهرانی ◀ واعظ زاده حکیم - الهی ◀ واعظی کرهرودی ◀ وثوق آشتیانی ◀ وزیر تفرشی ◀ وزیر آستانه ای ◀ وزیر آشتیانی ◀ وفایی تفرشی ◀ وفسی (۲) ◀ وفسی عراقی ◀ یار محمدی ◀ یاورانجدانی ◀ یثربی ◀ یوسف بیگی شیرازی

قرن ۱۴ (متولدین ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۳۹ خ - ۶۹۵ نفر):

◀ ابنوسی ◀ آذربی ◀ آرام ◀ آستانه (۲) ◀ آشتی آشتیانی ◀ آشتیانی (۱۳) ◀ اشوری آقداشی ◀ آقاجانی (۲) ◀ آقاراضی درمنی ◀ آقامحمدی ◀ آقایی حصاری ◀ آنتانسیان ◀ آهنگرانی ◀ آهنگرانی فراهانی ◀ ابراهیمی (۲) ◀ ابراهیمی تبار ◀ ابراهیمی شیرکوهی ◀ ابراهیمی فخر (۲) ◀ ابوالقاسمی ◀ اثنی عشری ◀ اجتهادی اراکی ◀ احتشام شهیدی ◀ احرار ◀ احمدلو ◀ احمدی ◀ احمدی دانش آشتیانی ◀ اخواص ◀ ادبی تفرشی ◀ ادیس آبادی ◀ ادیسی ◀ اراکی ◀ ارجمند ساوجی ◀ استعلامی ◀ اسعدی ساوجی ◀ اسلامی ◀ اسلامی زاده ◀ اسلامی ساوجی ◀ اشتری (۲) ◀ اشرفی ◀ افتخار ◀ افتخاری ساوجی ◀ افراسیابی ◀ افضلای ◀ الحسینی ◀ امامی ◀ امیدوار ◀ امیدی (۲) ◀ امیدایانی ◀ امیر حسینی ◀ امیر حسینی خلیج ◀ امیر محلاتی ◀ امیر مخفم ◀ امیری (۲) ◀ امین ◀ امینی (۳) ◀ امینی حاج باشی (۳) ◀ اناری ◀ انجدانی ◀ انصاری (۳) ◀ انصاری محلاتی (۲) ◀ انوشی ◀ اکبری ◀ اکرمی چقاسیاهی ◀ ایرجی (۲) ◀ ایمانی راد ◀ باباخانیان ◀ باباشاه آشتیانی ◀ بادکوبه ای هزاوه (۲) ◀ بارسقی ◀ باقری (۲) ◀ بالاسانیان ◀ بخشی ◀ بدیدی ◀ برداری ◀ برجی ◀ برز آبادی فراهانی (۲) ◀ برندگان ◀ بسحاق ◀ بشیری (۲) ◀ بشیری ساوجی ◀ بصیرت نژاد ◀ بطحایی ◀ بلوکی فر ◀ بنایی ◀ بنی کعب ◀ بهادری ◀ بهادری بزجولویی ◀ بهرامی (۲) ◀ بهروز وزیری ساوجی ◀ بهزاد ◀ بهشتی ◀ بورقانی فراهانی ◀ بیات (۳) ◀ بیات زاده ◀ بیات زرنندی مطلق ◀ بیانی ◀ بیانی آشتیانی (۲) ◀ بیضاساوجی ◀ بینا ◀ پاپازیان ◀ پازیار ◀ پذیرا ◀ پرهیزگار ◀ پرویزیان ◀ پروین (۲) ◀ پزشک زاد ◀ پورمقیم ◀ پورهادی ◀ پوشی ◀ تاج آباد ◀ تاجبخش ◀ تاجدوست ◀ ترابی (۲) ◀ تفرشی (۲) ◀ تفرشی قمی ◀ تقوایی پور ◀ تمجدی ◀ تهجدی ◀ توجه (۲) ◀ توحیدی ساوجی ◀ توسلی ◀ توسلی ◀ توکل ◀ توکل شعار ◀ توکلی (۲) ◀ جاویدراد ◀ جدیری ◀ جراحی ◀ جعفرعلی جاسبی ◀ جعفر نژاد ◀ جعفری (۳) ◀ جلالی فراهانی ◀ جلالی (۳) ◀ جلالی سوسن آبادی ◀ جلیلی (۲) ◀ جمالزاده ◀ جمالو ◀ جمالی ◀ جهانشاهلو ◀ جواهری (۲) ◀ جولایی (۲) ◀ چراغی ◀ چمران ساوه ای ◀ چوبندیان ◀ حاتم آبادی فراهانی ◀ حاتم (۲) ◀ حاج عظیمی آشتیانی ◀ حاجیان (۲) ◀ حاجی حسنی ◀ حامدی ◀ حجازی ◀ حر آبادی فراهانی ◀ حسن - زاده (۲) ◀ حسنی نراقی ◀ حسینجان ◀ حسینی (۵) ◀ حسینی شکیب ◀ حسینی یل آبادی ساوجی ◀ حبیبی ◀ حضرتی آشتیانی (۴) ◀ حقیقی ◀ حمیدی آشتیانی ◀ حکمت ◀ حیدری ◀ حیدری تفرشی ◀ حیدری نوری ◀ خاتمی ◀ خدابخشی ◀ خدابنده آشتیانی ◀ خراطی ساوجی ◀ خرسندی - آشتیانی ◀ خرمشاهی (۲) ◀ خرمنی ◀ خسروانی ◀ خشایار ◀ خلیج اسعدی ◀ خلیج بابایی ◀ خلیجی ◀ خلوتی محلاتی ◀ خلیلی (۲) ◀ خلیلی عراقی ◀ خیمجانی فراهانی ◀ خوش آواز ◀ خوش الحان ◀ خیاط باشی ◀ دارابی منش ◀ داعی ◀ دانش آشتیانی (۲) ◀ دانشمند ◀ دانش منفرد ◀ داودی ◀ داودی - مکی نژاد ◀ داوری (۲) ◀ دبیر منش تفرشی ◀ دبیری ◀ دبیری زرنندی ◀ درودیان ◀ دری ◀ دلاوری (۲) ◀ دبیحی ◀ ذوالانوار ◀ ذوالقدر ◀ ذکایی آشتیانی (۳) ◀ ادسر ◀ رادفر (۲) ◀ ربیعی ◀ ربیعی مطمئن ◀ رجایی ◀ رجبی ترخورانی ◀ رجبی فروتن ◀ رحمتلی ◀ رحیمی ◀ رزمی ◀ رستمی ◀ رسولی اراکی ◀ رسولی محلاتی ◀ رشادی ◀ رشیدی ◀ رشیدی آشتیانی ◀ رضایی (۲) ◀ رضایی آشتیانی ◀ رضایی نژاد ◀ رضوانی ◀ رضوانی فرد ◀ ربیعی (۲) ◀ رضانی ◀ روحانی ◀ زرنندی ◀ زرنیخی ◀ زمان احمدی ◀ زمانی فراهانی ◀ زمانی نیا ◀ زهرای منفرد ◀ زیاری ◀ ساعی ◀ سالاری ساوجی ◀ ساوجی (۶) ◀ سبزپوشان ◀ سبزی ◀ سپاسی آشتیانی ◀ سپهرپور ◀ ستوده ◀ سجادی قائم مقامی فراهانی ◀ سجادیه ◀ سحاب تفرشی ◀ سخنور ◀ سرشار ◀ سمردی ◀ سعید ◀ سعیدی (۲) ◀ سعیدی آشتیانی ◀ سفیدابی ◀ سلیلی (۲) ◀ سلیمی آشتیانی ◀ سمیعی ◀ سنجانی ◀ سهرابی ◀ سهیلی (۲) ◀ سهیلی مظفر ◀ سورانه ◀ سوری ◀ سیاح ◀ سیادتی ◀ سیداشرفی ◀ سیردری ◀ سیف امیر حسینی ساوجی ◀ سیفی قمی تفرشی ◀ شاه زیدی ◀ شاه صنمی ◀ شاه علی ◀ شاه محمدی درمنی ◀ شاهمرادی ◀ شاهمیری ◀ شاهای ساوجی ◀ شرافت ◀ شرفی ◀ شریف حسینی ساوجی ◀ شریفی ◀ شریفی سنجانی ◀ شفایی

شمس * شمسی * شمشیربندی * شهاب (۲) * شهپاز ساوجی * شهرپسند * شهیدیان * شیبانی * شیخ الاسلامی * شیخی * شیرمحمدی (۲) * شیرری * شیرین آبادی فراهانی * شیعه نژاد * شیعه * صابری (۲) * صابری نسب * صابونچی راد * صاحب الزمانی * صادقی * صامری * صالح علاء * صالحی * صالحی آشتیانی * صالحی ساوجی * صبور عراقي * صحرایی * صدرا * صدر محلاتی * صدوق * صفاری آشتیانی * صفایی (۲) * صفایی فراهانی (۲) * صفری (۲) * صفری سنجانی * صلاحی اصفهانی * صمدی (۲) * صهبا * ضوابطی * طاهری * طاهری عراقی (۲) * عابد آشتیانی * عالیخانی * عباسی * عبدالحمدی * عبدالرضایی * عبدالکریمی * عبیدی آشتیانی * عتیقی * عدلی * عراقی (۲) * عربگل * عزیز آبادی فراهانی * عزیمی * عسگری (۳) * عسگری فراهانی * عصار * عطاری * عظمایی * عطیمی * علایی * علی آقایی نراقی * علی مدد * عماد * عمادی آشتیانی * عمرانی * غروی * غیبی * فارسی * فاطمی (۲) * فتاحی * فتاحی * فتح الهی * فتوحی * فخاریان ساوجی (۲) * فدایی * فدوی * فراهانی (۲) * فرخ پیام * فرخزاد عراقی (۲) * فرخ مهر * فرخی * فرمند آشتیانی * فراهادی * فرهمند ساوجی * فرهی آشتیانی * فروغی * فروهر * فریریزی * فضلی * فقیر میر نظامی * فیروزه * قائم مقامی * قائم مقام فراهانی * قائم مقامی * قادری * قاسمی * قاضی اسدی ساوجی * قاضی سعیدی * قدیگی (۲) * قدمگاهی * قرایی آشتیانی * قرایی گرکانی * قره داغی * قریب گرکانی (۴) * قریب گرکانی آشتیانی (۵) * قریشی * قزلباش * قسیمی (۳) * قلعه نویی * قلیچ خانی * قوامزاده * گازرانی ساوجی * گرامی * گرکانی آشتیانی * گل نراقی حسن * گلستانی اراکی * گل - نراقی * گله سنجانی * گنجی * گواری * گوهری * لشکری * مؤمنی (۳) * ماستری فراهانی * ماناریان * مبصری * متقی ساوجی * متین دفتری * محتبایی * مجد محلاتی * مجدی * مجللی * مجیدی * مجیدیان * محبعلی * محبی * محبی آشتیانی * محتاط * محتشمی * محسنی (۲) * محسنی اراکی * محسنی گرکانی * محسنی نسب * محلاتی * محمد حسینی ساوجی * محمدی (۲) * محمدی عراقی (۲) * محمودی (۲) * محمودی آشتیانی * محمودی مجد * مداحی ساوجی * مددی * مددیان * مردادی * مردادیان * مرتجی * مردانی * مژگان * مستوفی (۲) * مستوفی گرکانی آشتیانی * مسعودی * مشایخی (۳) * مشایی * مشفق (۲) * مصفا (۳) * مطهری * مطیع * معراجی * معصومی * معصومی زرنندی * مقامی (۲) * ملول * منبری * منشور گرکانی آشتیانی * منصور (۳) * منصور خانی * منصوریان * منصوری نراقی * منظوری * منهویی * مهاجر * مهاجرانی * مهتاش * مهدوی (۲) * مهدی زاده محلاتی * مهدی نیا (۲) * مهرداد * مهین ترابی * موثق السلطنه * موحدی ساوجی * موسوی * موسوی زاده ساوجی * مولایی آشتیانی * مولوی زاده * مومن زاده * مکی * میبدی زاده * میثمی * میرایی آشتیانی * میرزاییان * میرشمس الهی * میرشکری * میرفخرایی * میرقدیری * میرمحمدی * میرمحمدی زرنندی * میرهادی * میری * میری آشتیانی * میریونسی * ناصری * ناصری - فرد * نامی ساوجی * نبوی زاده نمازی * نبوی تفرشی * نبوی خوانساری * نبوی زاده نمازی * نجفی * نجفی آشتیانی * نجفی زاده * نراقی (۲) * نشیبا * نظمی * نعمتی ساوجی * نعیمی ساوجی * نهریمانی * نوری * نوعی ساوجی * نینساری * نیکفر * نیکو همت * هادی زاده محلاتی * هاشمی (۲) * هاواساپیان * هجرتی * هزاوه ای (۲) * همتی هزاوه * واشقانی فراهانی * واعظی کرهرودی * وافی نجار * وثوق * وثوق لشکر آشتیانی * وطن پور * وطن پرست * وفائی نژاد * وفسی * وکیل * کاتوزیانی * کاظمی (۲) * کبیر * کرامتی ساوجی * کرلایی حسینی خلیف * کرمی * کریم - مسیحی * کریمی (۵) * کریمی نورعبی * کرآزی * کشمیری * کمالی * کمالی بندامیری * کمره ای (۲) * کمبجانی * کنگرانی فراهانی * کوپه پاه - ای عراقی * کیانی نراقی * یارمحمدی * یاری * یعقوب زاده ساوجی * یوسفی

قرن ۱۴ (متولدین ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۸۲ خ - ۵۳۲ نفر):

آخانی سنجانی (۲) * آذری * آرامی * آرزومندی * آستانه * آسمانی * آشتیانی (۷) * آقابزرگی * آقاخانی (۲) * اکرم علمدار * امره ای * بزچلوبی * آهنگرانی (۲) * آهنگرانی مقدم * آیت * اباذری (۲) * ابراهیمی (۲) * ابراهیمی فخار (۲) * ابطلحی * ابوالحسنی * اثنا عشری * اجتهادی * احمدلو * احمدی (۳) * احمدی هزاوه * اخوان هزاوه * ادبجو * اراکی * ارمنی * اروجلو * اسدی * اسدیان * اسفینی * اسکندری * اسماعیلی * اسماعیلی انجدانی * اشتری * اشجاری * اصغری * اعتصام زاده آشتیانی * افتخاری اراکی * افسری * اقبالیون * اکبری (۳) * اکبری ساوجی * البرجی * البرز * الحسینی * الهی * الهیاری * الوندی * امجدی * امیدی * امیرحسنی * امیری (۳) * امین تفرشی * امینی (۲) * امینی حاجی باشی * انصاری اراکی * انصاریان * ایک آبادی * ایبگی * ایرانی * ایرجی * ایزدی * باباجانی * باباخانی * بادران (۲) * باستانی راد * باقری * باقری ساوجی * بانی * بخشنده * بدیدی * براری * برجی * برون * بنایی * بهرامی * بهروزی نیا * بورقانی فراهانی * بیابانگرد * بیابانی * بیات (۲) * بیاتی * بیان - الحق * بیانی آشتیانی * یارسافر * یازار * یاشنگ * پاکپور * پاک نیت * پرور * پروین آشتیانی * پژوهش فر * پناهی * پور عطار * پیرهادی تواندشتی * پیروزارجمندی * تبرایی * ترابی نراقی * تشدید ساوجی * تفرشی (۴) * تقدسی تفرشی * تلخابی * تنها * توسلی * توکلی * جدا * جدیدی * جعفری (۲) * جلالی * جمالکه * جمالی آشتیانی * جمراسی * جمیلیان * جوادی ساوه ای * جوزامحلاتی * جوکار * چراغی (۲) * چگنی * چگینی * چناری * چهرقانی * حاتمی * حاج امینی * حاج عظیمی آشتیانی (۳) * حامدی نژاد * حجت الاسلامی * حران اف * حری * حسنی (۳) * حسنی اراکی

حسینی (۳) *حسینی قائم مقامی *حسینی مقدم *حسینی نژاد *حشمتی *حضرتی آشتیانی (۲) *حقی *حکمت *حکمتی *حلاوی *حلت - آبادی فراهانی *حمزه‌ای *حیدرلو *حیدری (۲) *حیدری‌راد *حیدری‌نیک *خانجانی *خانی (۲) *خراسانیان *خسروخانی *خسروی (۳) *خلج‌امیرحسینی (۲) *خلیل‌زاده *دالن *دانش‌پژوه *دانشور *داودآبادی *داودآبادی فراهانی *داودپور *داودی (۲) *دایی‌زاده *دلاوری *دل‌خواسته *دهستانی *دهقانی *دهنمکی *ذکری *ذکایی‌ساوجی *ذوالفقاری *راسخ *ربیعی (۳) *رجبی (۲) *رجبی‌ترخورانی *رحمانی *رحمتی (۳) *رحمتی کرهرودی *رحیمی (۷) *رزازی *رساله‌پور *رستگاری *رستم‌پور *رستمی (۲) *رسولی (۲) *رضایی (۲) *رضایی مقدم *رفیعی (۲) *رهنماهزاه *روستا *زارعی *زرتشت *زرگری *زرنیخی *زکریا *زلفی‌گل *زمانی (۳) *زند *زینلی *ساداتی *ساروقی *ساوئی *سجادی‌هزاه (۲) *سربندی *سرخیل *سعادت‌فرساوجی *سعیدی *سلامی *سلامی‌زاده *سلطانعلی *سلیمانی *سلیمانی آشتیانی *سلیمی (۲) *سماعی *سواساوجی *سوری *سیاحت‌اسفندیاری *سیامک *سیدحسینی *سیدی *سیفی *سیمونیان *شاملو *شاه‌آبادی (۲) *شاه‌حسینی *شاهقلی *شاه‌محمدی (۲) *شاه‌مردان‌ساوجی *شجره‌ی *شراهی *شعبی *شفیعی *شکریایی مقدم *شکوری - ساوجی *شمس (۲) *شمسی *شمشیربندی *شهاب *شهپری *شهرابی فراهانی *شوقی *شیخ‌الاسلامی‌پورقانی *شیخ‌دردنر کمانی *شیخی - مرزيجرانی *شیرمحمدی (۲) *صابری *صابری‌نسب (۲) *صادقی *صابری *صدرابی (۲) *صدرگواری *صُیف *صفرای آشتیانی *صفری (۴) *صفری‌سنجانی *صمدی *صمدیان *صمیمی (۲) *ضرغامی *طالبی *طباطبائی *طهماسبی‌زاده *طوطی *طیپی (۲) *ظہیری *عابد *عابدی *عابدین *عادلخانی *عباسی (۳) *عباسی‌بانی *عباسی‌طاهری *عبدالحسینی *عبداللهی *عبدلی (۲) *عبدلی آشتیانی *عبدی (۲) *عبدی آشتیانی *عقیقی *عدل (۳) *عراقی (۲) *عراقیان *عربگل (۲) *عزیزآبادی *عزیزآبادی فراهانی *عزیزی *عسگری (۲) *عُضایی (۳) *علیمردانی *غریبی *غفرای (۲) *غفوری آشتیانی *غلامی *غلامی‌داودآبادی *فارسی *فاضلی (۳) *فتاحی *فتحی *فخرالاسلام *فدایی *فدایی‌آستانه‌ای *فراهانی (۱۴) *فرجی *فرحی عراقی *فرمد *فرم‌مہینی فراهانی *فروزان‌مهر *فریدونی *فیروزی *قاسمی (۳) *قاصدی *قاضی‌اسدی‌ساوجی *قاضی‌نجف‌آبادی *قائم‌مقامی *قبادی *قدس *قزلباش *قنبری *قنواتی *قوام‌زاده *کاظمی *کاظمی - آشتیانی *کاظمی‌میقانی (۲) *کاملی *کانتافروش *کرمی (۲) *کریمی (۵) *کریمی آشتیانی *کریمی‌نیک *کزازی (۲) *کشاورز (۲) *کشاورز صدر *کشمه فراهانی *کمال‌آبادی *کمال‌حسینی *کمال‌فر *کمالی‌نهاد *کمانی (۲) *کوهی *کیانیان *کیهان *کیوان *کازرانی *گلستانی عراقی *گواری *گودرزی (۲) *گودرزی‌زاده *گودرزی فراهانی (۲) *لشکری *لطیفی *لعل‌بار *ماہروی *مجتہدآشتیانی *مجدالاشرافی *مجللی *مجیدی *محبتی‌ساوجی (۲) *محترمی‌ساوجی *محلاتی *محمدی (۶) *محمودیان *مختار *مختاری (۲) *مددی (۲) *مدیری *مرادیبگی *مرادی (۳) *مرادی‌باستانی *مرادی‌غیاث‌آبادی *مرادی‌نیا *مرتجی‌ساوجی *مرجانی *مسعودی *مسعودی آشتیانی *مسن‌آبادی *مشهدالکوبه *مشهدی‌فرهانی *مُشیدی *مصفا *مظفری‌ساوجی *معافی *معالجی *معصومی *معین‌السادات *مقدسی *ملکی *منصوری (۲) *مہاجرانی (۲) *مہدوی‌کیا *مہدوی‌هزاه (۲) *مہرابی *مہری *موحدی *موسوی (۴) *موسوی‌زاده ساوجی *موصولی *مولودی *مولوی *مؤمنی (۳) *میراشرفی *میرسیاسی *میرصادقی *میرمحمدی (۲) *میرمؤمنی *میرہاشمی *میناسیان *مینایی *نادری *نادعلیان *نازمہر *نابینی‌ساوجی *نبوی‌زاده نمازی (۴) *نہتون *نجاتی *نجارآشتیانی *نجفی‌ساوجی *نجمی *نظردنیوی‌ساوجی *نظری *نظیری‌آستانه *نعیمی (۲) *نہرمیانی *نوازی (۲) *نوبخت *نوبری *نوری *نیک‌بخش *نیک‌پور *نیک‌زاد *نیک‌فام *ہادیان *ہاشمی (۳) *ہاشمی‌سیاوشانی *ہاشمی‌مشهدالکوبه‌ای *ہزاه *ہمتی *واشقانی فراهانی (۳) *والی *وفایی (۲) *وفائی‌نژاد *یاحقی *یارمحمدتوسکی *یکہ‌تاز *یوسفی (۳)

نمایه شهرستان

آشتیان (۴۴۱ نفر):

* آشتی آشتیانی * آشتیانی (۱۹۶) * آشتیانی تبریزی * آشتیانی زاده * آشتیانی نخعی (۲) * آهوئی * احمدی دانش آشتیانی * ادیب * ارجمند حقیقی - آشتیانی * ارفع قوامی * اشتری * اعتصام زاده آشتیانی * اعتصامی * اعتصامی آشتیانی (۳) * افراسیابی * اقبال آشتیانی * امین الملک * باباشاه آشتیانی * باقری * البرز (۲) * بقایی آشتیانی * بیانی آشتیانی (۳) * پروین آشتیانی * جذوه آشتیانی * جلالی * جلالی آشتیانی * جمالی آشتیانی (۲) * حاج - عظیمی * حاج عظیمی آشتیانی (۵) * حضرتی آشتیانی (۸) * حمیدی آشتیانی * خدا بنده آشتیانی * خرسندی آشتیانی * خسرو خانی * خطاطار موی * خلجستانی آشتیانی * دانش آشتیانی (۳) * دانش منفرد * داوری * دفتری * ذکایی آشتیانی (۳) * راد (۲) * رشیدی * رشیدی آشتیانی * رضایی - آشتیانی (۲) * رعدی آذر خشی * رفیعی * روح بخش * زلفی گل * زمانی آشتیانی * سپاسی آشتیانی * سجادی * سعیدی آشتیانی * سلیمانی آشتیانی * سلیمی آشتیانی * سیاوشانی (۲) * شاهنده آشتیانی (۲) * شفیع آهوئی آشتیانی نخعی * شهرابی * صادقی آشتیانی (۲) * صالحی آشتیانی (۲) * صدیق الممالک آشتیانی * صفاری آشتیانی * عابد آشتیانی * عبدلی آشتیانی * عبیدی آشتیانی (۲) * عربگل (۳) * عطایی آشتیانی * عظمایی * عظیما قریب * علایی آشتیانی * عمادی آشتیانی * غفوری آشتیانی (۲) * فاذاز * فاطمی * فرمند آشتیانی * فرهی آشتیانی * فکری آشتیانی * قائم - مقام * قرایی آشتیانی * قرایی گرکانی * قریب گرکانی (۹) * قریب گرکانی آشتیانی (۱۰) * قنبری * قوام آشتیانی * کاظمی آشتیانی * کریمی آشتیانی * کیا * گرکانی آشتیانی (۲۲) * ماجدی گرکانی (۲) * متین دفتری (۲) * مجتهد آشتیانی (۳) * مجتهد گرکانی * مجتهد گرکانی آشتیانی * محبی - آشتیانی * محرر آشتیانی * محسنی (۲) * محسنی گرکانی * محمودی آشتیانی * مدرس آشتیانی * مدرس گرکانی * مدنی * مرآت * مستشار لشکر * مستوفی (۹) * مستوفی آشتیانی (۱۰) * مستوفی آهوئی * مستوفی گرکانی * مستوفی گرکانی آشتیانی (۴) * مستوفی نورایی آشتیانی * مصدق * مصدق آشتیانی * مفنون آشتیانی * مشهور گرکانی آشتیانی * منشی آشتیانی * منشی گرکانی * منشی گرکانی آشتیانی * منصور (۳) * مهرعلی گرکانی * موقوف السلطنه * مولایی آشتیانی * میرایی آشتیانی * میربنجه * میری آشتیانی * میکده (۴) * ناصر لشکر * نجار آشتیانی * نجفی آشتیانی * نخعی (۳) * نخعی آشتیانی * نورالدین آشتیانی * نورایی * نیر آشتیانی * هاشمی سیاوشانی * وثوق * وثوق آشتیانی * وثوق لشکر آشتیانی * وزیر دفتر * وزیر لشکر آشتیانی * وزیری آشتیانی

اراک (۹۶۷ نفر):

* آخانی سنجانی (۲) * آذری (۲) * آذر هوش * آزاد عراقی * آستانه (۲) * آسمانی * آقاخانی (۳) * آقامیرزا آقا * آقایی حصار * اکرمی علمدار * آنتانسیان * آهنگرانی (۲) * آهنگرانی مقدم * ابادزی (۲) * ابراهیمی (۳) * ابراهیمی تبار * ابراهیمی فخار (۴) * ایطی * ابوطالبی اراکی * اثنا - عشری * اثنی عشری * اجتهادی اراکی * احمدی (۲) * احمدی هزاوه * اخواص * اخوان هزاوه * ادریسی * اراکی (۵) * ارجمندی (۲) * ارضی * استعلامی * اسراییل خان * اسلامی زاده * اسماعیلی انجدانی * اشتری (۲) * اشجاری * اعتمادیه * افتخار * افتخار دفتر * افتخاری اراکی * افشار (۱) * اکبری (۲) * البرجی * الحسینی * الهی (۲) * الهیاری * الوندی * امامی (۲) * امیدوار * امیددانی * امیر تومان * امیری قائم مقامی * امینی (۱۰) * امینی حاجی باشی (۴) * اناری * انجدانی (۶۰) * انجدانی جاسبی * انجدانی دکنی * انجدانی کزازی * انصاری (۴) * انصاری اراکی * انصاریان * ایبگی * ایرانی * ایرجی (۳) * ایزدی * ایمانی راد * ایمانی مشک آبادی * یاباخانی * باباخانیان * بادران (۲) * بادکوبه ای هزاوه (۲) * یارسقی * باستانی راد * باقری (۲) * باقری اراکی * باقری مکی * بالاسانیان * بختیاری * بخشنده * بدلیسی * بدیعی (۲) * برادری * براری * برجی (۳) * برندگان * برون * بسحاق * بصیرت نژاد * بطحایی * بنایی (۲) * بنی کعب * بهرامی * بهزاد * بیات (۱۲) * بیات زاده * بیان الحق * بیگلرلیک * بیگلرلیگی * بیشش * پاپازیان * پازیار (۲) * پرهیزگار * پرور * پرویزیان * پروین (۳) * پزشکی (۲) * پژوهش فر * پور عطار * پور محسن عراقی * پور مقیم * پورهادی * پوشی * پیر مراد آباد * تاج آباد * تاجبخش * تاجدوست * ترابی * تقوایی پور * توجه (۲) * توسلی * توکل * توکل شعار * تولکی (۲) * جدیری * جزوی عراقی * جعفر نژاد * جعفری (۳) * جلالی * جلالی سوسن آبادی * جلی * جمالزاده * جمالکده * جمالو * جمالی * جمشیدی * جمیلیان * جوهری (۲) * جولایی (۲) * چراغی (۲) * چگینی * حاج علیخانی * حامدی * حامدی نژاد * حاجتی امامی * حر آبادی * حران اف * حری * حزنی عراقی * حسن پور * حسن زاده (۲) * حسنی اراکی * حسنی انجدانی * حسینجانی * حسینی (۲) * حسینی انجدانی * حسینی قائم مقامی * حسینی کرهرودی * حسینی نژاد * حصیبی * حطیم قائم مقامی (۲) * حقی * حقیقی * حکمت * حکمتی * حلاوی * حمزه ای * حمزه لویی * حیدری * حیدری نیک * خاتمی * خادم انجدانی * خاکباز * خانی * خدا بخشی * خراسانیان * خزاعی (۲) * خزائی * خسروی (۲) * خلیلی (۲) * خلیلی عراقی * خوانساری (۲) * خوش الحان * خوش آواز * دارابی منش * داعی * داعی انجدانی * دانش پژوه * دانشمند * داود آبادی

داودآبادی فراهانی * داودپور * داودزاده * داودی (۲) * داودی مکی نژاد * داوری * دایب زاده * دباجچی * دبیر طاهر * دبیری * دریایی * دل خواسته * دندان کرچی * دهقانی * ده کهنه (۲) * دهگان * دهنمکی * ذبیحی * ذوالانوری * رادسر * راستین * ربیعی (۴) * ربیعی مطمئن * رجبی * رجبی - فروتن * رحمتعلی * رحمتی (۲) * رحمتی کرهرودی * رحیمی (۴) * رزمی * رساله پور * رستم پور * رستمی * رسولی * رسولی اراکی * رضایی * رضایی نژاد * رضوانی فرد * رفیعی (۴) * رمضان * رهنما هزاوه * روشن * زارعی * زرتشت * زرنیخی (۲) * زکریا * زمان احمدی * زمانی فراهانی * زند * زیاری * زین الدین * زینلی * ساروقی * ساعی * سالمی عراقی * ساوئی * سبزی * ستوده * سجادی قائم مقامی فراهانی * سجادیه (۲) * سجادی هزاوه (۲) * سخنور * سراجی * سربندی (۲) * سرتیپ * سرود * سعید * سعیدی (۲) * سلامی * سلامی زاده * سلطان * سلطان آبادی (۵) * سلطان آبادی عراقی (۴) * سلطان السادات * سلطانعلی * سلیلی (۲) * سلیمانلو مصلح آبادی فراهان * سلیمانی * سلیمی (۲) * سماعی * سنجانی * سوری (۲) * سیاسی (۲) * سیداشرفی * سیدی * سیمونیان * شاه حسینی * شاه زیدی * شاه صمنی * شاه محمدی (۲) * شاه نزار * شاهین * شاهین قائم مقامی * شجری * شراهی * شریف عاملی انجدانی * شریف عراقی * شریف کرهرودی * شریفی * شریفی سنجانی * شفایی * شکرایی مقدم * شکوهی * شمایی * شمس * شمشیربندی (۲) * شهاب (۲) * شهرپری * شهرپسند * شهرهوان * شهرسواری * شوقی * شیخ - دُر دتر کمانی * شیخی * شیخی مرزيجرانی * شیرمحمدی (۳) * شیعیه * شیعه نژاد * صابری نسب (۳) * صابونچی راد * صاحب الزمانی * صادقی * صالح علاء * صبری عراقی * صبور عراقی * صدر * صدرا * صدرا اراکی * صدرگواری (۲) * صدرحلاتی * صدوق * صدیق * صفاری آشتیانی * صفایی (۳) * صفری سنجانی (۲) * صمصام * صمیمی (۲) * صنایع * صهبای * ضوابلی (۳) * طالبی * طاهری (۲) * طاهری عراقی (۲) * طلیب - انجدانی (۲) * طهماسبی زاده * طیبی (۲) * ظهیری * عارضی انجدانی * عالیخانن * عباسی (۲) * عباسی بانی * عبدالحمیدی * عبدالرضا ضایی * عبدالحی * عبدلی (۲) * عبدلی * عدل (۳) * عدلی * عراقی (۲۱) * عراقیان * عراقی زاده * عرب انجدانی * عزیز * عسگری (۲) * عشقی گلپاز * عصار * عضد * عطاری * عظیمی فراهانی * علایی * علمی (۲) * علوی کرچی * عماد * عمادی اراکی * عمرانی * غروی * غضایی * غفاری (۲) * غفاری انجدانی (۳) * غلامی * غلامی داودآبادی * غیائی عراقی * فارسی (۲) * فارابی * فاضلی (۳) * فاطمی * فتاحی * فتایی * فتاحی * فتوحی * فخار کاشانی * فخرایی * فدایی * فدوی * فراهانی (۶) * فراهانی اراکی * فراهانی هزاوه ای (۲) * فرحی عراقی * فرخ مهر * فرخی (۲) * فردوس فراهانی * فرشاد * فروزان مهر * فروزش * فریبرز * فریدمحسنی * فرید هزاوه * فضلی * فقیر میر نظامی * فقیهی * فولادوند * فیجانی * فیروزه * قادری * قاسمی * قاضی * قاضی مشایخی کرهرودی * قاضی زاده کرهرودی (۲) * قاضی سعیدی * قائم مقام * قائم مقام (۲) * قائم مقام فراهانی (۵) * قائم مقامی (۵) * قائم مقامی تبریزی * قائم مقامی فراهانی * قبادی * قدمگاهی * قدوه (۲) * قره داغی * قره سرتیپ * قره سرتیپ فراهانی * قریشی (۲) * قزلباش (۲) * قزوینی بسطامی * قطب * قلعه نویی * کاتوزبانی * کاشانی (۲) * کاظمی (۲) * کاظمی کرهرودی * کاظمی میقانی (۲) * کافی کرچی * کبیر * کتاشفروش * کرچی (۱۹) * کرهرودی (۸) * کرهرودی سلطان آبادی * کروکانی جاسبی * کریم مسیحی * کریمی (۳) * کریمی اراکی * کریمی ساروقی * کریمی نورعینی * کریمی نیک * کشاورز (۲) * کشمیری * کمال آبادی * کمال فر * کمالی * کمالی نهاد * کمبانی (۲) * کوشا * کوهپایه ای عراقی * کوهی * کوهینی * کیانیان * کیوان * گازرانی (۲) * گرامی * گرجی (۲) * گلستانی اراکی * گلستانی عراقی * گله سنجانی * گنجی * گواری (۴) * گودرزی * گودرزی زاده * گودرزی فراهانی * لطیفی * ماناریان * ماهروی * مجتهد * مجدالاشرفی * مجد زین قلم عراقی * مجلی (۲) * مجیدی * مجیدیان * محبی (۲) * محبی انجدانی * محتاط * محسنی (۲) * محسنی اراکی * محقق کرهرودی سلطان آبادی * محمدی * محمدی انجدانی * محمدی عراقی (۳) * محمودی * مختاری * مخلص الاثمه (۲) * مدبر انجدانی * مدتیان * مددی (۳) * مدرس انجدانی * مدنی * مدنی عراقی * مدیری * مرادی (۲) * مرادیان * مرادی باستانی * مرجانی * مؤگان * مستوفی (۲) * مسعودی آشتیانی * مسن آبادی * مشایخی * مشایخی اراکی * مشایخی کرهرودی * مشایی * مشتاقی * مشفق * مشک آبادی - انجیرکی * مشهدالکوبه * مُشید * مشیری * مصباح (۳) * مصفا * مصلحی اراکی * معراجی * معصومی * معین السادات * مقامی * مقدسی * مکون کرچی * مکی (۶) * مکی نژاد (۳) * ملیوبی اراکی * ملک آبادی * ملک * ملک احمدی * ملک التجار * ملک زاده (۲) * ملکی * ملول * منصور (۲) * منصورخانی * منصوری * منصوریان * مهاجر * مهاجرانی (۳) * مهدوی * مهدوی کیا * مهدوی هزاوه (۲) * مهدی نیا (۲) * مهرابی * مهری * موتمن السلطان * موسوی (۲) * مؤمنی (۲) * موبیدی زاده * میثمی (۵) * میثمی عراقی (۲) * میراشرفی * میرحاج عراقی * میرزاییان * میرسیدرضا * میرشمس الهی * میرقدیری * میرمحمدی (۲) * میرمؤمنی * میری * میریونس * مینایی * مین باش انجدانی * ناظم دیوان * نبوی - خوانساری * نپتون * نجاتی (۲) * نجفی * نجفی زاده * نجفی ضامنجانن * نجمی * نحوی بیانی * نخستین سنجانی * نسبتی عراقی * نشیبا * نصیر انجدانی * نظردنبوی ساوجی * نظمی * نظری آستانه * نعیمی * نمک کوری * نهمیانی (۲) * نوازانی (۲) * نوربی * نورزی * نورزی * نیسانیان * نیستانی * نیک پور * نیک فام * نیکفر * هادیان * هاشمی * هاشمی سنجانی * هاشمی مشهدالکوبه ای * هادی * هزاوه * هزاوه ای (۲)

هزاویی * همتی هزاوه * واشقانی فراهانی * واعظ (۲) * واعظزاده حکیم الهی * واعظی کرهرودی (۳) * وافی نجار * وطن‌پور * وفائی نژاد (۲) * وکیل * یارمحمدتوسکی * یارمحمدی * یاری (۴) * یاورانجدانی * یثربی * یوسفی (۳)

تفرشی (۳۲۵ نفر):

* احمدی * ادبی تفرشی * اروجلو * افطسی * افضلی (۲) * افضل‌ی‌پور * امامی (۲) * امین تفرشی * امینی * انتظام‌وزیری (۳) * باجقلو بدایع‌نگار * بزرگمهر (۲) * بقایی تفرشی * بلور (۲) * بلوکی فر * بهرامی (۲) * بهروزی‌نیا * بهنام (۲) * بیانی * بینا (۳) * پارسا (۲) * پورحاتمی * تایب تفرشی * ترخورانی * ترخورانی تفرشی * تفرشی (۶۳) * تفرشی اردبیلی * تفرشی طادی (۲) * تفرشی قمی * تفرشی نجفی * تقدسی تفرشی * تمجیدی * ثابت تفرشی * جعفری * جلالی (۵) * حاتمی (۴) * حاتمی تفرشی * حاج‌سیداحمدی تفرشی * حاجیان (۲) * حاجی حسنی * حاجی محمدی * حجازی (۲) * حجازی طهرانی * حسابی (۳) * حسابی تفرشی * حسینی تفرشی (۹) * حسینی تفرشی غروی * حیدری (۳) * حیدری تفرشی * خرمی * خشایار * خطاط تفرشی * دالن * دانش * دانش تفرشی * دبیر تفرشی (۲) * دبیرمنش تفرشی * درودیان * درودیان فرشی * دهستانی (۲) * دوامی (۲) * ذره تفرشی * ذوالفقاری * رادفر * رجبی ترخورانی (۲) * رضایی (۲) * رفیقی تفرشی * روحانی (۲) * سجادی * سحاب تفرشی (۲) * سراج - حجازی * سرخوش * سرشار * سعادت (۲) * سعیدی * سفیدآبی * سمیع تفرشی * سهیلی مظفر * سیفی قمی تفرشی * سینا (۲) * شاه‌علی * شاه - محمدی * شاه‌مردان ساوجی * شاه‌میری * شب‌افروز * شریف تفرشی * شفق * شکرابی (۲) * شمس * شهاب * شهدی تفرشی * شیرمحمدی * صابری (۴) * صفای تفرشی * طبرسی (۶) * طبرسی نحوی * طبرسی نوری * عبدالکریمی * عتیقی (۳) * عسگری * علیمیرزایی * فخرابی (۲) * فرزاد عراقی (۳) * فروهر (۴) * فضل طبرسی * قمی تفرشی (۲) * قاسمی زاده * قدس شریفی تفرشی * قدسی تفرشی * قراگوز لوهلال جلو * قوام - زاده (۳) * کاربایی * کاظمی (۴) * کافی * کریمی (۲) * کشته فراهانی * گلختی تفرشی * لشکری * مجتبابی * مجبلی * محمودیان * مدایع‌نگار * مستوفی * مستوفی پارسا * مستوفی تفرشی (۵) * مستوفی زاده * مستوفی مجتبابی * مستوفی میرشکرابی * مسعودی * مشفق کاظمی * مشیری - تفرشی * مصطفوی رجالی (۲) * مصفا (۲) * معبری * منبری * منتظری ساوجی * منجم تفرشی * منصور تفرشی (۲) * منطقی تفرشی * منظوری - حقیقی * مهرداد * مهین ترابی * مؤمن (۲) * میراشرافی * میرزا حسابی * میرزاساسی (۲) * میرشکرابی (۲) * میرصحبتی تفرشی * میرفخرابی (۴) * میرممتاز * میرهادی (۳) * نازمهر * نبوی تفرشی * نصیر * نظامی گنجوی * نکیس * نویسی * نیکوهمت * هجری تفرشی (۲) * وجهی تفرشی * وزیر تفرشی * وفایی تفرشی * وفسی

خمین (۱۶۷ نفر):

* آرام * آق‌ولی * آل‌طاهر (۲) * آوانسیان * آیت * ابراهیمی * ابیطحی * ابوالقاسمی * اجتهادی * ارمی * اسلامی * اعضداالسلطان * افتخارالعلماء * افسری * افشار * اکبری * الفتی کمره‌ای * امجدی * امید (۲) * امیربختیار * امیرمفخم * امینی * انوشی * بابافضلی * باقری * بستاکی * بهادرالملک * بهرامی * بهشتی (۲) * بیابانگرد * بیات (۲) * پروین * پزیشک‌زاد * پسندیده * پیراسته * توکلی * جاپلقی * جاده‌ای * جدیدی * چناری * چهرآزاد * حسینی * حشمتی (۲) * حقیقی * خویزی * خاندجانی * خسروی * دالایی (۳) * دانش * داودی * دلاوری * رجایی * رجبی * رستمی (۲) * رسولی * رضایی * رضوانی * زرگری * سرمدی * سلیمانی * سهرابی * سیدحسینی * شعبی * شمسی (۲) * شیبانی * صابری * صارمی (۲) * صمدی (۴) * ضرغامی * عباسی * عجمی * عزتی * عزیمی * عسگری * عطایی * غضنفری خوانساری * فارسی * فرزین * فرقدان * فرمد * فرنقی * فرهادی * فریدونی * قاسمی * قاصدی * قسیمی (۳) * قوام‌الدین * قورچی‌باشی * کریمی (۲) * کشاورز صدر (۲) * کمائی (۲) * کمره‌ای * کمره‌ای (۱۴) * گودرزی * لواءالدوله * لیلیانی * مجتهد * محتشمی (۲) * محمدی (۳) * محمودی * مختار * مددیان * مرادی‌نیا * مردانی * مسعودی * مشایخی (۲) * مشفق * مشهدی فرقهانی * مصطفوی * مصفا * موحدی * موسوی (۲) * مولوی زاده * مؤمنی * میرزاخانیاں لیلیانی * ناصری فرد * نصیرالاسلامی * نظری * نویخت * نیکپور * هاواسایان * هندی * وطن‌پرست * یاریبگ کمره‌ای

خنداب (۳۷ نفر):

* آقاراضی درمنی * اسدی * اکبری * پارسا * پاکپور * جلالی * جودی * چرای (۲) * حسینی * خندابی (۴) * درمنی * رجایی * روستا * زمانی * سپهرپور * سیردری * شاه‌محمدی درمنی * شیدا * شیری * صفری * کریمی * مجدی * مجلی * محمدی * محمودآبادی * مسی * معصومی * مؤمنی (۳) * میرمحمدی (۲) * میرمحمدی جاورسیانی * میناسیان

*آنوسو *آبی (۹) *آرامی *اشوری آقاشی *آفتابی ساوچی *آقاجانی *آقداشی ساوچی *آوچی (۵) *آوچی تفرشی *آواه‌ی *آواه‌ی جوبی
 *آوی (۱۵) *آوی اوحدی *آوی حسینی *آوی غروی *ابراهیمی شیر کوهی *ابطحی *احتشام شهیدی *احرار *ادیب صدرایی *ارادت
 *ارجمند ساوچی *اسدیان *اسراری *اسعدی ساوچی *اسکندری *افتخاری ساوچی *افطسی *افطسی آوی *اکبری ساوچی *الویری ساوچی
 *امیدی *امیری *امیری ساوچی *باقری ساوچی *بانی *بخشی *بشیری (۲) *بشیری ساوچی *بغدادی ساوچی *بهرام *بهرامی *بهرز
 *وزیری ساوچی *بهرز ساوچی *بیدل ساوچی *بیضاساوچی *بیگدلی *پناهی *پیر صدر قلندر *پیروز ارجمندی *پیروی ساوچی *تبرایی
 *تشید ساوچی (۲) *تهجدی (۲) *تهرانی ساوچی *تویدی ساوچی *جراحی *جری ساوچی *جعفری ساوچی *جلیلی (۲) *جناب قزوینی
 *چوادی ساوهای *چوکار *چمران ساوهای *حجت الاسلامی *حدیثی ساوچی *حریفی ساوچی *حریقانی *حسینی (۲) *حسینی آوی (۲)
 *حسینی ساوچی *حسینی ساوهای *حسینی یل آبادی ساوچی *حکمت *حکیم ساوچی (۳) *حکیمی *حیدری راد *حیدری نوری *حیفی ساوچی
 *خاتونی ساوچی *خانی *خراطی ساوچی *خطاط ساوچی *خلج (۲) *خلج بابایی *خلیل زاده *داعی آوی غروی *دانشور *دری *دهخدا
 *دیناری آبی *ذاکری *ذکایی ساوچی *ذوالقدر *ذوقی *رتک ساوچی *رحمانی *رحیمی ساوچی *رزازی *رستمی *رضوانی ساوچی *روخی-
 ساوچی *رومی قصیری *زنده دل ساوچی *زهرایی منفرد *ساداتی *سارنگ *سارنگی ساوچی *سالار *سالاری ساوچی *ساوچی (۱۳۰)
 *ساوچی طوسی *ساوچی قزوینی *ساوچی کاشانی (۲) *ساوهای (۶) *ساوی (۱۱) *سبزویشان *سعادت فرساوچی *سعیدی *سمندر ساوچی
 *سمعی *سنگکی ساوچی (۲) *سواساوچی *سواپی ساوچی *سوزی ساوچی *سیامک *سیف *سیفامیر حسینی *سیفامیر حسینی ساوچی
 *سیفی *سیفی ساوچی *شاملو (۶) *شاهی ساوچی *شرافت *شریعتمدار ساوچی *شریف حسینی ساوچی *شکوری ساوچی *شمس *شمس-
 *الدین *شمسی *شهبای ساوچی *شهباز ساوچی *صادقی *صالحی ساوچی *صبحی ساوچی *صدر ساوچی *صُدیف *صرفی ساوچی *صفی-
 ساوچی *صلاحی اصفهانی *صوفی ساوچی *ضیاء الدین ساوچی *طیب *طیب ساوچی (۴) *طیبی ساوچی *طرز ناھیدی *طوطی *ظریفی-
 ساوچی *عابد *عابدین *عارف یل آبادی *عاشق ساوچی *عباسی *عسگری ساوچی *عشقی ساوچی *علوی حسینی آبی *علوی حسینی آوی (۲)
 *عهدی ساوچی *غلامی مقصود آبادی *غیبی *فخار یان ساوچی (۲) *فرجی قار لوقی *قار لوقی ساوچی *قاضی اسدی ساوچی (۲) *قربان حسینی-
 ساوچی *قرشی ساوچی (۳) *قمی ساوچی *قنواتی *کرامتی ساوچی *کرکس ساوچی *کمالان ساوچی *کمال حسینی *کمالی ساوچی
 *کوکبی ساوچی *کیهان *گازارانی ساوچی *گودرزی *لشکری *لطیفی *متقی ساوچی *محبتی ساوچی (۲) *محترمی ساوچی *محدث-
 *سبزواری ساوچی *محسنی نسب *محمد حسینی ساوچی *محمدی *مخزومی ساوچی *مداخی ساوچی *مرادی *مرتجی *مرتجی ساوچی
 *مزدقانی (۲) *مزدقانی ساوچی *مستقیم ساوچی *مستوفی ساوچی (۲) *مصوری *مطهری *مظفری ساوچی *معالجبی *معنوی ساوچی

* مقصدی ساوجی * منصوری ساوجی * منظوری * منهوبی * مهتر تاش قره گوزلو * موحدی ساوجی * موسوی زاده ساوجی * موسوی ساوجی * مولودی * مومن زاده * میرزایی ساوجی * میرشوقی ساوجی * میرصادقی * ناجی * نادری * ناصری * نامی ساوجی * نایب - الصدر ساوجی (۲) * نایینی ساوجی * نبوی زاده نمازی (۲) * نجار ساوجی * نجفی ساوجی * نعمتی ساوجی * نعیمی ساوجی * نوعی ساوجی * نیازی - ساوجی * نیساری * واحدی ساوجی * واسطی ساوجی * واعظ تهرانی * واعظ ساوجی * والی * یعقوب زاده ساوجی * یوبی ساوجی * یوسفی آوی (۲)

شازند (۹۰ نفر):

* ارفیع آستانه * آستانه * آستانه ای (۳) * ابوالحسنی * احمدلو (۲) * احمدی * ادیس آبادی * اشرفی * اکرمی چقاسیاهی * امیری * بیات * پذیرا * پیرونداد * پیرهادی تواندشتی * جعفری * چگنی * چوبندیان * حسینی * خلجی * داوری * رضایی (۲) * زمانی * سربندی * سرتیپ کزازی * سلیمان کرچی * سهیلی (۲) * سورانه * شاملو * شاهرخ کزازی * شاهمرادی (۲) * شایق * شرفی * شه بندگان * صحرایی * عبدی * عراقی کزازی * غروی * فدایی آستانه ای (۲) * فرجی * قاسمی * قاضی * قدبیگی (۲) * کرچی * کرچیان * کزازی (۱۵) * کرچی * لوزدری سلطان آبادی * محمدی * محمودی * مدرس مشیدی * معافی * ملکی * مولوی * میثمی عراقی * میرصیفی * نادعلیان * نجم الاسلامی * نظام لشکر * نعیمی * نواب * نوری * نورایی * بخداداد * نیکزاد * هجرتی * همدانی * وزیر یی آستانه ای * یاحقی

فراهان (۱۴۱ نفر):

* آسروانی فراهانی * آقامحمدی * آهنگرانی * آهنگرانی فراهانی * ابطلحی (۲) * ادیب غیائی * اسفینی * اییک آبادی * الحسینی * برز آبادی فراهانی (۵) * بورقانی فراهانی (۲) * بیانی (۲) * پاشنگ * تربی * تلخابی * جلالی فراهانی * جمراسی * حاتم آبادی فراهانی * حر آبادی فراهانی * حسنی - لنگرانی فراهانی * حسینی * حسینی شکیب * حسینی فراهانی * حسینی نژاد * حلت آبادی فراهانی * خمجانی فراهانی * خیاط باشی * زمانی نیا * سیاحت اسفندیاری * سیحون * شاه آبادی (۲) * شهرابی فراهانی * شهنازی (۲) * شبیانی * شیخ الاسلامی * شیخ الاسلامی بورقانی * شیرین آبادی فراهانی * صفایی فراهانی (۲) * صمدیان * عبادی * عزیز آبادی * عزیز آبادی فراهانی (۲) * عسگری * عسگری فراهانی * عظیمی * علی مدد * فراهانی (۵۵) * فراهانی عراقی * فراهانی کمره ای * فرمیهنی فراهانی * قاضی نجف آبادی * قائم مقامی (۳) * قائم مقامی فراهانی * کنگرانی فراهانی * گودرزی فراهانی (۲) * ماستری فراهانی * مجتبیایی * محمودی فراهانی * محمودی مجد * مرادی غیاث آبادی * مستوفی - فراهانی (۲) * مشک آبادی * ملک ساسانی * مهنتاش * هوشی دری * واشقانی فراهانی (۳) * یار محمدی

کمیجان (۳۸ نفر):

* آدوبادور * آرزومندی * آمرهای (۲) * آمرهای بزچلوبی * ادبجو * الحسین * باباجانی * بزچلوبی کمیجانی * بهادری (۲) * بهادری بزچلوبی * جاویدراد * جهانشاهلو * چهرقانی * حیدرلو * خاکی وفسی * دارابی * رفیعا * سلیمانی * سمیعی * عادلخانی * عاصم السلطنه * عراقی * غریبی * فخر الاسلام * کمیجانی * مجیدی * محمودی میلاگردی * مرادی * ممدوح * همافروفسی عراقی * وفسی (۵) * وفسی عراقی

محلات (۱۰۴ نفر):

* آزر محلاتی * آقابزرگی * ابن جلال * امیر محلاتی * امیری (۴) * امین (۴) * انصاری محلاتی (۳) * انور محلاتی * توسلی * جمالی محلاتی * جوزا محلاتی * حسینی مقدم * خاقانی محلاتی * خسروانی (۷) * خلوتی محلاتی * دلاوری (۲) * رحیمی * رسولی محلاتی * رضازاده محلاتی (۲) * رضایی * رضایی مقدم * روحانی (۲) * سیاح (۳) * سیاح محلاتی * شفییعی * شیمی (۲) * صدر (۲) * صفای محلاتی * عاشوری * عبدالحسینی * عسگری (۲) * عسگری محلاتی * فرخ پیام * قدس * کبیر * کبیر محلاتی * کریمی * کهکی محلاتی * گوهری * لعل بار * مجد * مجدم محلاتی * محلاتی (۲۶) * محلاتی شیرازی (۲) * مسیب محلاتی * مفتون محلاتی * مهدوی * مهدی زاده محلاتی * هادی زاده * محلاتی * هاشمی (۳) * یوسف بیگی شیرازی

منابع و مأخذ

- اسماعیلی انجدانی، محسن (۱۴۰۱)، کاتبان انجدان، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- امینی حاجباشی، چنگیز (۱۳۹۲)، یاد نیاکان، تهران: انتشارات نگاه.
- بخشی، علی (۱۳۹۵)، نامه و نامداران شهرستان محلات، تهران: نشر حریر.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۹)، تاریخ کامل ایران، تهران: نشر صبا.
- چراغی، محمدعلی (۱۳۹۵)، زرنده و خرقان (تاریخ، جغرافیا، اقتصاد و زندگی فرهنگ عمومی، اداری، سیاسی، رجال شناسی)، قم: انتشارات حوت.
- حضرتی، صادق (۱۳۸۲)، رجال و مشاهیر آشتیان، تهران: نشر الماس.
- حیدری، علی (۱۳۹۹)، آشنایی با مفاخر و مشاهیر تفرش، اراک: انتشارات ارشک.
- دهگان، ابراهیم (۱۳۴۲)، گزارشنامه یا فقه‌اللغه اسامی الکنه، اراک: چاپ موسوی.
- دهگان، ابراهیم (۱۳۸۶)، از بدو ظهور دولت صفوی تا سفر ناصرالدین‌شاه (صفحات اراک)، تهران: نشر زرین و سیمین.
- دهگان، ابراهیم (۱۳۸۶)، تاریخ اراک (از دوره باستان تا آغاز صفویه)، چاپ دوم، اراک: انتشارات فرهنگ.
- دهگان، ابراهیم (۱۳۹۶)، کارنامه تاریخی انجدان و اراک، تهران: نشر زرین و سیمین.
- دهگان، ابراهیم (۱۳۹۶)، نور مبین، اراک: نشر دانش کیان.
- ذبیحی، مرتضی (۱۳۸۱)، تاریخ اجتماعی اراک، اراک: پیام دیگر.
- ذبیحی، مرتضی (۱۳۸۵)، تاریخ اجتماعی اراک، اراک: پیام دیگر.
- ذبیحی، مرتضی (۱۳۸۶)، تاریخ اجتماعی اراک، اراک: پیام دیگر.
- ذوالفقاری، محسن (۱۳۸۱)، از طبرسی تا حسابی، اراک: انتشارات دانشگاه اراک.
- زاهدی، حمیدرضا، خبرنگار فعال دلیجانی
- صدیق، حسن (۱۳۷۲)، نامداران اراک، اراک: نشر کارا.
- عباسی‌بانی، ابوالفضل و دیگران (۱۴۰۱)، از ایراک تا اراک، اراک: انتشارات جهاد دانشگاهی اراک.
- عبدلی آشتیانی، اسداله (۱۳۹۹)، تاریخ و فرهنگ آشتیان، سه جلد، تهران: سفیر اردهال.
- مجدی، سید عطاءاله (۱۳۸۴)، گلهای رنگارنگ، اراک: مهر کتیبه.
- محتاط، محمدرضا (۱۳۶۷)، سیمای اراک (جامعه‌شناسی شهری)، چاپ نخست، تهران: انتشارات آگه.
- محتاط، محمدرضا (۱۳۷۲)، سیمای اراک (جلد چهارم)، چاپ اول، اراک: انتشارات مؤلف.
- محتاط، محمدرضا (۱۳۸۲)، دویستمین سال بنیان اراک، اراک: نشر دانشگاه صنعتی اراک.
- محتاط، محمدرضا (۱۳۹۳)، سیمای اراک (جامعه‌شناسی شهری)، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتیبه.

- مددی، محمد (۱۳۹۵)، تاریخ عراق، انتشارات آیندگان، تهران.
- مرادی نیا، محمدجواد (۱۳۹۵)، تاریخ استان مرکزی، تهران: نشر ثالث
- مصاحبه با آقای محسن قاسمی، کارشناس حوزه میراث فرهنگی و مرمت شهری سازمان میراث فرهنگی
- نعیمی، داوود (۱۳۸۵)، افتخارآفرینان استان مرکزی، قم: نشر کومه.
- نعیمی، داوود (۱۳۸۵)، اويس زمان و نورعالم، قم: نشر کومه.
- نیکفام، یوسف (۱۳۹۵)، سفر شاهان به اراک، اراک: ضمیمه هفته نامه اتفاق مرکزی.
- نیکفام، یوسف (۱۳۹۶)، تاریخ شفاهی مطبوعات استان مرکزی، تهران: انتشارات اروانه.
- ولاشجردی فراهانی، غلامعلی (۱۳۸۰)، نام‌های ماندگار، اراک: پیام دیگر.
- سمیعی، عزیزاله (۱۳۸۲)، رجال و حاکمان کمره و جاپلق، اراک، انتشارات نوای دانش
- عزیزآبادی و دیگران، حسن (۱۴۰۲)، فخرآفرینان فراهان، تهران، انتشارات لوح مهر
- فیضی، کریم (۱۳۹۱)، گردونه روزگار، تهران، انتشارات اطلاعات
- نیکبخت و دیگران-کانال تلگرامی برگ‌ازتقویم‌تاریخ

Abstract

Most of the people of Iran believe that Arak is the name of the center of the Markazi province, which was previously called Sultanabad, but this word is not the name of a city, in fact the name of a vast land from Kermanshah to Hamadan, to Isfahan, to Ray and Ta Azarbaijan, which in order to revive this name, was first chosen as the name of the railway station in 1317 AD, which later was considered the biggest project in the history of Iran at the time, and then replaced the name of city Sultanabad. It was settled, so that after 1200 years, as the inheritor of that great Arak, it will shine again on the land of this region of dear Iran, a name that from the Parthian period until the arrival of the Tazians and then as Iraq- Ajam until the end of the 13th century, including 40 cities, with an area of 200,000 square kilometers, it is one-eighth of the total area of Iran, and today it is called "Great Arak" and includes the current borders of the central province and on the other hand, it should be said that before this land was known as Iraq- Ajam, it was called Irak.

This province is known as the land of the sun and the cradle of the glorious - the origin of Amirs and ministers, with the dedication of 17 prime ministers, the first speaker of the National Assembly, the dedication of many martyrs and the first martyr of the constitutional revolution, the first modern school of Iran, the first hospital in the west of the country (Farahanchi Dehno)), the most proud of the country (including scientists, artists, politicians, etc.), the industrial capital of Iran, 40 thousand years of settlement, two thousand historical works, more than 1000 works of national registration, one work of world registration, the largest and only holder of the special section Religious minorities of the country, hundreds of pristine and attractive tourist places and more than 90 first titles (in the country, region and the world) - as it should be, not for the people of Iran, which is not known for its 1.5 million people. !

In this book, I tried to list the notables of this land as part of the identity capacities in fourteen sections including: historical figures, religious scholars, writers, poets, ministers, governors, calligraphers, doctors, entrepreneurs, painters, music artists, I have categorized cinematographers, activists and sports heroes, and in the fifteenth section of the book, I will present the names of scientific fathers, scientific mothers, holders of scientific badges, holders of the first ranks in Iran, so that it will be a gift to present to the citizens. , especially guests and tourists choose the land of Irak (central province) for sightseeing.

Abolfazl Abbasibani

aabbasibani@gmail.com

